

بازنگری دوره اماني و توطئه های انگلیس

دکتر عبدالرحمن زمانی



بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس

دکتر عبدالرحمان زمانی

زمستان سال ۱۳۹۱ خورشیدی

۲۰۱۳ میلادی



مشخصات کتاب

اسم کتاب: بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس

مؤلف: داکتر عبدالرحمان زمانی

تایپ، تهیه و ترتیب: مؤسسه انتشارات مُسکا

ناشر: مؤسسه انتشارات مُسکا

اهتمام: شوکت زمانی

تاریخ چاپ: زمستان سال ۱۳۹۱ خورشیدی / ۲۰۱۳ میلادی

محل چاپ: مومند خپرندویه ټولنه، جلال آباد، افغانستان

معلومات: Info@zamanifamily.com

اهداء



به غازی میرزمان خان کنری

شخصیت آزادیخواه و وطندهست، سرشکر جبهه مؤمن چترال جنگ استقلال،
یکی از محدود دوستان غازی امان‌الله خان که تا آخر عمر نه تنها به وی وفادار ماند و
از پروگرامهای تجدد و پیشرفت پیشتبانی نمود، بلکه حین تلاش‌های تاریخی اش
برای تحکیم رژیم امانی شکار توطئه‌های انگلیس و عمال داخلی شان شد، و در
جنوری سال ۱۹۲۹ م / جدی ۱۳۷ خورشیدی جام شهادت نوشید.

فهرست مطالب

12	فهرست عکس‌ها و نقشه‌ها
15	پیشگفتار
17	پر امامی دوری یو نوی کتاب
23	فصل اول : کشته شدن امیر حبیب الله خان و مبارزه برای جانشینی
24	کشته شدن امیر حبیب الله خان
27	سپه سالار محمد نادر خان عضو جمعیت سری
29	انگیزه قتل امیر حبیب الله خان
35	پیروزی ملی گرایان اصلاح طلب بر محافظه کاران سنت گرا
40	عواملی که باعث پیروزی امان الله خان شد
49	انگلیس‌هانمیخواستند شهزاده امان الله خان جانشین امیر شود
55	فصل دوم : اعلام استقلال و جنگ سوم افغان انگلیس
56	استرداد استقلال عمده ترین مراهم مشروطه خواهان
58	تقاضای استقلال کامل و لغو معاهدات قبلی
60	چشم پوشی انگلیس‌ها و مسئولیت آغاز جنگ
62	اقدامات مستقل و آزاد سیاسی دولت جدید
65	تفاوت جنگ استقلال با دو جنگ قبلی افغان و انگلیس
66	تناسب قوای در گیر در جنگ سوم افغان و انگلیس
68	قوای افغان در جنگ سوم افغان-انگلیس :
71	قوای انگلیس‌ها در جنگ سوم افغان انگلیس
72	اهمیت نیروهای قومی در جنگ آزادی بخش ۱۹۱۹

74	پلان جنگی افغان‌ها
75	پلان جنگی انگلیس‌ها
77	پلان جنگی پیشروی در جبهه خیبر
78	پلان جنگی عقب نشینی عمدی در جبهه جنوبی
80	عملیات نظامی جبهات جنگ استقلال
80	جبهه خیبر
88	جبهه قندار
91	جبهه جنوبی
99	آیا جنرال محمد نادر خان واقعاً فاتح قلعه جنگی تل است؟
104	جبهه چترال (جبهه چهارم استقلال)
104	میرزمان خان کنری سرقومندان جبهه
122	تلاش‌های غیرنظامی انگلیس‌ها در رابطه با جبهه چترال
128	چرا جبهه چهارم و سرلشکر آن به باد فراموشی سپرده شد؟
131	فصل سوم : متارکه و سیاست تعطیع و تهدید انگلیس
132	متارکه و تقاضای آتش بس
132	پیشنهاد متارکه توسط کی صورت گرفت؟
135	آیا قبولی پیشنهاد متارکه انگلیس اشتباه و بدون مشوره بود؟
138	علل قبولی پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان
140	اعلان متارکه و قرارداد صلح را لپندي
145	شرایط و هدایات غازی امان الله خان به هیئت مذاکرات
146	امضای قرارداد، لغزش یا خیانت علی احمد خان؟
153	فصل چهارم : حصول استقلال کامل افغانستان
154	حصول استقلال کامل

- برسمیت شناختن استقلال باعث مشاجره بین لندن و مأمورین هند بریتانوی
انگلیس‌ها کوشیدند جنگ سوم افغان انگلیس را بی ارزش جلوه دهند
- اهمیت این جنگ و اعترافات انگلیس‌ها
- فصل پنجم : شدت یافتن تبلیغات و تخریبات انگلیس‌ها
- تبلیغات و تخریبات انگلیس‌ها از آغاز جنگ سوم افغان و انگلیس
- آغاز شایعات و جعل کاری اسناد
- مرور مختصر تاریخچه فعالیت‌های جاسوسی انگلیس در افغانستان و
- انکشاف اداره استخباراتی انگلیس
- شعبات و فعالیتهای مختلف اداره‌های استخباراتی
- آغاز فعالیت‌های جاسوسی انگلیس در شبے قاره هند و افغانستان
- بازی بزرگ یا THE GREAT GAME
- عاملین یا ایجنت‌های مسلمان انگلیس در کابل
- توسعه تدریجی دستگاه استخباراتی انگلیس برای افغانستان و منطقه
- اهداف انگلیس‌ها و فعالیت‌های استخباراتی شان
- نمونه‌های از فعالیت‌های تخریبی و جاسوسی بریتانوی در افغانستان
- طرح فورمول نفاق بیاندازو حکومت کن
- استفاده از افراد ناراضی و مهم
- تبديل نمودن سرحدات طبیعی کشورها و کاشتن تخم اختلافات و جنگ
- دادن رشوه و تحایف
- نفاق اندازی بین گروه‌های مذهبی
- ایجاد و تقویة مذهب قادیانی
- فرستادن جواصیس در لباس پیر، ملنگ، تاجر و سیاح

- استفاده از جاسوسان هندی در لباس پیرو ملنگ 180
- فرستادن ایجنت‌های هندوستانی در لباس غازیان و مخالفین انگلیس 180
- تورو رکشن رهبران آزادیخواه 181
- حکمرانان طرفدار انگلیس و دست نشانده‌های افغانی شان 181
- فعالیت جاسوسان و تخریب کاران در لباس ملاهای دیوبندی 182
- عبدالواحد شینواری یا مستروید آسترالیائی یکی از مهره‌های مهم 184
- عملیات کوفته یکی از نیرنگهای جالب استخارات انگلیس 190
- فصل ششم: حمایت دولت امانی از قبایل سرحد و مبارزان آزادیخواهان هند 195
- قبایل سرحد بعد از جنگ استقلال 196
- حمایت دولت امانی از حقوق قبایل سرحد آزاد 197
- جرگه بزرگ تاریخی هدۀ جلال آباد 200
- تأسیس و نشر جریدۀ اتحاد مشرقی 201
- تلاش‌های دیپلماتیک حمایت از اقوام سرحد آزاد 202
- فرستادن حاجی عبدالرازق خان اندر به وزیرستان 203
- حمایت از آزادیخواهان در مرکز مجاهدین چمرکند 207
- حمایت از پان اسلامیزم و جنبش خلافت مسلمانان هندی 208
- حمایت از جنبش پان اسلامیزم برای ضعیف ساختن نفوذ انگلیس‌ها 208
- جنبش خلافت در هند بریتانی 211
- حمایت غازی امان الله خان از جنبش خلافت 212
- پیشنهاد غازی امان الله خان بحیث کاندید مقام خلافت 214
- جنبش هجرت مسلمانان هند یا تلک دیگری از دسایس انگلیس 218
- فتوای مهاجرت را چه کسی صادر کرد؟ 219
- تلاش انگلیس‌ها در استفاده از احساسات مذهبی مسلمانان هند 221

- 226 مهاجرین هندی در کابل و دشواری های دولت امانی
- 229 ترکیب مهاجرین هندی
- 231 پی آمد مهاجرت هندی ها به افغانستان
- 231 فعالیت های مشبت و منفی مهاجرین و آزادی خواهان هند در افغانستان
- 234 عزیز هندی کی بود و برای کی فعالیت میکرد ؟
- 241 فصل هفتم : افغانستان در چنبره بازی بزرگ رقابت های شوروی و انگلیس
- 242 مناسبات و مشکلات دولت امانی با همسایه بزرگ شمالی اش
- 243 سابقه رقابت های روسیه تزاری و امپراتوری استعماری انگلیس
- 247 پالیسی روسیه در مراحل اول بعد از انقلاب اکتوبر
- 247 لغو قراردادهای استعماری امپراتوری تزاری
- 247 پشتیبانی از آزادی مسلمانان در قاره های آسیا و افریقا
- 248 پشتیبانی از پان اسلامیزم بحیث یک نهضت انقلابی
- 249 حمایت از حق استقلال و حاکمیت افغانستان
- 249 آغاز مناسبات دیپلماتیک
- 254 تعیین نماینده کل اختیار شوروی برای سراسر آسیا در کابل
- 255 معاهده افغانستان و شوروی
- 255 تغییر پالیسی روسیه بعد از استحکام پایه های قدرت دولت شورا ها
- 257 تیره گی روابط افغانستان و روسیه در عهد امانی
- 266 سیاست و توطئه های انگلیس در قبال روابط افغانستان و روسیه
- 266 پاشیدن تخم بدیینی و دشمنی بین افغانستان و روسیه
- 269 تلاش برای از بین بردن و اختطاف نمایندگان روسیه برای افغانستان
- 272 توطئه بی اعتبار ساختن و از بین بردن جمال پاشا

- 273 تلاش‌ها و توطئه‌های انگلیس برای جلوگیری از تأسیس مناسبات
- 274 توطئه‌های انگلیس برای خنثی ساختن فعالیت‌های محمد ولی خان
- 274 تلاش برای منزوی نگهداری افغانستان
- 275 تلاش در جلوگیری از تأسیس مناسبات با فرانسه
- 275 فشار بر ایتالیا
- 276 توطئه نیویارک و آوردن فاطمه سلطانه یکی از بازماندگان شاه شجاع
- 281 فصل هشتم: اصلاحات علت یا قربانی اغتشاشات
- 282 پروگرام‌های اصلاحی شاه امان اللہ غازی
- 284 اهداف اصلاحات دوره امنی
- 285 مراحل اصلاحات
- 287 ابعاد و ساحت‌های مختلف برنامه‌های اصلاحات
- 287 اصلاحات امور سیاسی و اداری
- 292 اصلاحات امور قضائی
- 292 اصلاحات امور فرهنگی
- 294 اصلاحات امور تعلیم و تربیه
- 295 اصلاحات امور مالی و اقتصادی
- 296 اصلاحات امور نظامی
- 296 اصلاحات امور اجتماعی
- 299 اغتشاشات دوره امنی
- 299 جریان مختصر رویدادهای اغتشاش جنوبی
- 304 دور رویداد قابل یادآوری
- 304 نقش غازی میرزمان خان کنری و پایان دادن جنگ با جرگه قومی
- 305 تعیین جزای اسیران منگل توسط مملکه ثریا

- اغتشاش شینوار 307
- ارتباط اغتشاشات با اصلاحات 308
- آیا انسانه مخالفت مردم با اصلاحات و پیشرفت حقیقت دارد؟ 309
- اصلاحاتی که مخالفین از آن بحیث مواد تبلیغاتی استفاده نمودند 310
- شایعترین انتقادات بر اصلاحات و رژیم امانی 313
- ارزیابی علل اغتشاشات و شکست نهضت امانی 321
- رویدادهای قبل از اغتشاش خوست 321
- سیاست جدید پیشروی در مناطق قبایلی آزاد (نیو فارورد پالیسی) 321
- بمبard قریه‌های قبایل آزاد توسط طیارات بریتانی 323
- جرگه بزرگ سران قبایل در جلال آباد و دیدار غازی امان الله خان از سرحد 324
- تشکیل قوا ملیشیای خوست 326
- و خامت اوضاع و ترتیبات بسته کردن سفارت انگلیس در کابل 326
- جنجال پناه بردن قاتلین افسران اردوی انگلیس به افغانستان 327
- توقف اسلحه خریداری شده افغانستان در بندر بمبئی 328
- پرتاپ بمبهای طیارات بریتانی برخاک افغانستان 328
- ترس از الغای معاهده افغانستان و انگلستان 328
- چرا به عوض جنگ جدید با افغانستان، برآه انداختن اغتشاش مفید تربود؟ 329
- رویدادهای قبل از اغتشاش شینوار 332
- عوامل داخلی سقوط رژیم امانی 343
- نقش روحانیون و انگیزه‌های مخالفت شان با رژیم 344
- عوامل ضعیف کننده حکومت 347
- عوامل خارجی سقوط رژیم امانی 356

- 357 نظریات غازی امان اللہ خان راجع به دست داشتن انگلیس‌ها
- 359 نمونه‌های از شواهد و اسناد موجود دسیسه‌های انگلیس
- 372 نتیجه گیری
- 375 فصل نهم: کامیابی توطئه‌های انگلیس و بقدرت رسیدن محمد نادر خان
- 376 توطئه‌های انگلیس در دوران اغتشاش
- 379 بهانه سیاست بی طرفی توطئه‌دیگر انگلیس‌ها
- 381 آیا انگلیس‌ها بر استی در اغتشاشات اخیر دوره امانی بیطرف بودند؟
- 408 کامیابی توطئه‌ها و ماسترپلان انگلیس
- 410 بهترین کاندید برای انگلیس‌ها
- 420 جلوس مجدد غازی امان اللہ خان و پلان گرفتن دوباره کابل
- 425 مخفی نگهداری اشتن مسافرت محمد نادر خان
- 427 رسیدن محمد نادر خان به هند و مخفی نگهداری اشتن اهداف
- 430 آمدن سه شخص مهم در یک وقت به پشاور
- 432 بازگشت غیر عادی و قبل از وقت کوچی‌ها به افغانستان
- 432 اجازه ندان به شرکت مولوی‌های پشاور در کنفرانس هده
- 432 ملاقات محمد نادر خان و برادرانش با همفریز
- 434 پیش آمد انگلیس‌ها با علی احمد خان شاغاسی
- 435 محمد نادر خان نامه ارسالی غازی امان اللہ خان را به کمشنر پشاور فرستاد
- 436 ملاقات محمد نادر خان با مکوناچی نماینده سیاسی کرم
- 438 ناکامی‌های اولیه محمد نادر خان و پلان احتمالی مداخله مستقیم انگلیس‌ها
- 441 کمک‌های نظامی و مالی انگلیس‌ها در رساندن محمد نادر خان به سلطنت
- 447 تأکید بر مخفی نگهداری کمک‌ها و تحایف انگلیس‌ها به محمد نادر خان
- 450 قندھار و پرده‌آخیر در امامه غم انگلیز

- شدت فعالیت های تخریبی و تلاش های ترور امان الله خان
- 451 سقوط هرات
- چرا غازی امان الله خان کشور را ترک کرد؟
- 453 متن اعلامیه غازی امان الله خان
- عبور امان الله خان از سرحد افغانستان
- 458 رسیدن سپه سالار محمد نادر خان به قدرت یک امر اتفاقی نبود
- 461 رژیم محمد نادر شاه
- انتقام جوئی های محمد نادر شاه
- 462 قربانیان استبداد
- مسخ حقایق تاریخی و قهرمان ساختن نادر خان
- 469 آیا رژیم نادر شاه بحیث یک رژیم دست نشانده انگلیس ها عمل می کرد؟
- 472 سیاست خارجی رژیم خانواده نادر خان
- 472 چند نمونه از مناسبات و نفوذ انگلیس ها
- فصل دهم : فعالیت های سیاسی غازی امان الله خان بعد از ترک وطن
- آیا غازی امان الله خان در تبعید ملت و یارانش را فراموش کرد؟
- 480 توطئه های ترور و از بین بردن غازی امان الله شاه
- 481 غازی امان الله خان، رهبری که بیشترین تلاش برای کشتنش صورت گرفته
- 485 ترور بحیث آخرين و سیله برداشتی از سرراه
- 486 ترور شخصیت و سوء قصد بر جان غازی امان الله خان بعد از ترک وطن
- 486 اقدامات انگلیس ها حین شرکت غازی امان الله خان در مراسم حج
- 488 پیامد رفتن غازی امان الله خان به حج
- 491 اقدامات دولت افغانستان در داخل کشور
- 501

502	نظرارت بیشتر انگلیس ها بر شاه سابق
504	اقدامات سردار محمد هاشم خان بعد از کشته شدن محمد نادر شاه
511	اقدامات انگلیس ها به تعقیب کشته شدن محمد نادر شاه
517	اقدامات مشترک خانواده حاکم و انگلیس ها
535	چه کسانی تحت تعقیب انگلیس ها قرار داشتند؟
552	همکاری عملی انگلیس ها با رژیم کابل و وعده های میان تهی شوروی
562	تعقیب غازی امان الله خان در مراسم حج سال ۱۹۳۵
565	آیا براستی امان الله خان حاضر بود به همکاری فاشیست ها سلطنت را
575	ضمایم
576	ضمیمه اول : آشنایی امان الله خان عین الدوله و میرزمان خان کنری
578	ضمیمه دوم : مقاله "حی علی الفلاح"
582	ضمیمه سوم : ترجمه منظوم فرامین مختلف به غازی میرزمان خان کنری
582	در رابطه با مسایل لوژیستیکی جبهه چترال و کنری
583	در رابطه با آتش بس و متارکه
584	در رابطه با قرارداد صلح
585	ضمیمه چهارم : فرمان غازی امان الله خان به سپه سالار محمد نادر خان
586	فرمان لیل پنجشنبه ۱۳ رمضان سنه
590	ضمیمه پنجم : ترجمه دری یکی از اعلامیه های تبلیغاتی
590	اعلامیه تبلیغاتی بریتانیای کبیر
593	ضمیمه ششم : نامه مولوی برکت الله عنوانی لنین
599	ضمیمه هفتم : لست مأمورین و دیپلومات های افغانی و انگلیسی
602	ضمیمه هشتم : نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان

605	وزرا
605	مجلس وزرا مرجع امور مهمه
606	مأمورین
607	المجالس مشوره شورای دولت
609	دیوان عالی
609	امور مالیه
609	اداره ولایات
610	مواد متفرقه
613	فهرست مأخذ و منابع برای معلومات بیشتر
”	كتب لسان انگلیسی
618	كتب پشتو، دری و لسان اردو
624	اسناد محظوظ استخبارات انگلیس و آرشیف هند بریتانی انگلستان
626	رپورها، مقالات و نشرات انگلیسی
628	نشرات دولتی افغانستان
629	مقالات و نشرات پشتو و دری
630	فهرست اشخاص
636	زندگینامه مختصر داکتر عبد الرحمن زمانی

فهرست عکس ها و نقشه ها

1.	شهزاده امان الله خان با علیا حضرت مادرش	42
2.	محمد بیگ طرزی حین صحبت در مورد شماره ۱۲ جریده سراج الاخبار	44
3.	اعلان تاریخی استقلال خارجی کشور و آزادی های فردی	56
4.	نامه ارسالی مولانا عبید الله سنده	63
5.	جهات جنگ استقلال	76
6.	منطقه سтратیژیک دره خیر	82
7.	ستیشن آب نزدیک لندی کوتل	83
8.	لویناب خوشدل خان با پرسش شاغاسی علی احمد خان	89
9.	قلعه جنگی پل	99
10.	راپور شیخ محبوب علی راجع به سقوط امان الله خان	165
11.	میرزا غلام احمد قادریانی	176
12.	میرجایلد رد (حاجی پاتنجر)	177
13.	الکساندر برنس	178
14.	حوزه هارلن	179
15.	دستگیری یک ملا با همکارانش بعد از تلاش کشتن غازی امان الله خان	182
16.	عکسی که توسط بیلی از جریان ساختن خط آهن خیر پاس گرفته شده	184
17.	عبدالواحد شینواری معروف به مسترویدر لباس غربی	187
18.	کارت هویت تورن مارتین، عکس نامزدش و لست اشیایی جیب یونیفورم	192
19.	مکتوب وزارت حربیه انگلستان در جیب جسد تورن مارتین تقلبی	193
20.	فرمان غازی امان الله خان به حاجی ملا عبد الرزاق خان	205
21.	مکتوب وزارت خارجه به حاجی عبد الرزاق خان	206
22.	نقشه خط السیر مهاجرین هندی	226
23.	اعتماد نامه جنرال محمد ولی خان سفیر فوق العاده	251
24.	سید عالم خان امیر بخارا	260
25.	نظامنامه ها (۱)	289
26.	نظامنامه ها (۲)	290
27.	نظامنامه ها (۳)	291

293.....	نمونه از نشرات دوره امانتی
295.....	اولین خط ریل
298.....	اولین پیلوت افغان
298.....	طیاره که بین کابل و تاشکند پروازهای تجاری میکرد
299.....	ملا عبدالله معروف به ملای لنگ
304.....	خبر بازگشت غازی میرزمان خان کنری از سمت جنوبی
324.....	غازی امان الله خان در لباس افریدی ها
325.....	بازدید غازی امان الله خان از سرحد
333.....	غازی امان الله خان حین دعا بعد از خطبہ نماز جمعه در مسجد بمبئی
358.....	نامه شاه امان الله خان غازی به محمد امین جان خواهزاده محمد ولی خان
376.....	سفیر همفریز، سکرتر شرقی شیخ محبوب علی و چند نفر از اعضای
393.....	اعضای خانواده سردار عنایت الله خان قبل از حرکت در میدان هوائی
394.....	سردار عنایت الله خان بعد از رسیدن به پشاور
405.....	کمپ علی احمد خان در جگدک
405.....	عبدالواحد شینواری که برای اوردن سرنشینان طیاره انگلیسی به جگدک
406.....	چیمن مأمور انگلیسی در پناه نقيب صاحب (قلعه چهار باغ نتگرها)
449.....	مضمون روزنامه معتبر واشنگتن پوست تحت عنوان «پیروزی انگلیس، کمک های ضد اتحاد جماهیر شوروی»
454.....	غازی امان الله خان با جمعیت مردم در منزل باغ قندهار
454.....	هوتل مقر مرکز قوماندانی قوای غازی امان الله خان
455.....	غازی امان الله خان با مردمش قبل از ترک کشور خدا حافظی میکند
455.....	غازی امان الله خان در راه قندهار و غزنی (سال ۱۹۲۹)
473.....	تیرباران وحشیانه حبیب الله کلکانی و همراهانش در خندق دروازه ارگ
474.....	اجسد بدبار آویخته شده حبیب الله کلکانی و همراهانش
478.....	شاه ولیخان هنگام تغیر کتبیه منار استقلال
505.....	نادرشاه به ضرب گلوله از پا در آمده است
511.....	ابلاعیه رسمی کشته شدن نادرشاه و سلطنت محمد ظاهر شاه
520.....	تلگرامی که از طرف به اصطلاح نمایندگان مردم افغانستان
536.....	مرحوم غلام نبی خان چرخی
538.....	مرحوم عبدالهادی خان داوی (پریشان)
57.....	

- 539 غازی امان الله خان از بمبئی بطرف ایتالیا حرکت میکند: 58
- 540 اعلیحضرت امان الله خان غازی با خانواده اش 59
- 541 از چپ به راست شهزاده عبید الله جان، علیحضرت و سید کمال 60
- 542 غازی امان الله خان در محفل عروسی خواهرش راضیه نورسراج 61
- 543 مرحوم غلام صدیق خان چرخی 62
- 544 مرحوم عبدالعزیز خان چرخی 63
- 545 شجاع الدوله خان غوربندی 64
- 546 علامه محمود طرزی با خانمش رسمیه افندی طرزی 65
- 549 عبدالعزیز، عبدالفتاح، کبرا و عبدالقادر طرزی در سال ۱۹۷۷ 66
- 550 سید قاسم خان عضو جنبش مشروطیت 67
- 569 غازی امان الله خان و ملکه ثریا در غربت و دوری از وطن 68
- 570 جنازه غازی امان الله خان (۱) 69
- 571 جنازه غازی امان الله خان (۲) 70
- 572 مقبره غازی امان الله خان در جلال آباد 71
- 573 مقبره غازی امان الله خان (عکس از الیوم خانواده گی مؤلف) 72

پیشگفتار

دوره‌پر از فراز و نشیب سلطنت شاه امان‌الله غازی گرچه نسبتاً بسیار کوتاه بود، اما از درخشنان ترین و با اهمیت ترین دوره‌های تاریخ معاصر کشور عزیز ما بشمار می‌رود. درین دوره افغانستان بحیث یکی از نخستین کشورهای شرقی، با وارد کردن ضربه شدیدی بر پرستیز انگلیس‌ها، به استقلال دست یافت. این دوره‌ده ساله آغاز عصر تجدد و پیشرفت در تاریخ معاصر افغانستان هم بود که متأسفانه با استعفا و ترک وطن شاه مترقی بصورت فاجعه باری به پایان رسید.

یکی از بزرگترین مشکلات تحقیق راجع به دوره‌امانی کمبود اسناد مؤثق و بی اعتباری اسناد موجود می‌باشد. در رژیم‌های بعدی نتها واقعیت‌های بسیار کلیدی و اساسی مربوط به سرنوشت مردم ما از نصاب تعلیمی معارف کشیده شد، (که متأسفانه این سلسله حتی تا امروز هم ادامه داشته و تاریخ سی سال اخیر کشور درین اوخر از نظام آموزشی کشور حذف شد)، بلکه با ازبین بردن آثار و اسناد آن دوره، مارادریک تاریکی قرارداد. امروز نمیتوان حتی کلکسیون مکمل جریده امان افغان را در معتبر ترین آرشیف تحقیقاتی جهان سراغ کرد.

گرچه در چند دهه اخیر مؤرخین افغان و خارجی آثار متعدد و بعضاً مهمی را راجع به دوره‌امانی نوشته و بنشر سپرده اند که برزوا یای مختلف این دوره روشی اند اخته می‌تواند، اما بیشتر این آثار یا خیلی سطحی بوده و یا هم مبنی بر معلومات نادرست، دست دوم و گمراه کننده بوده اند. ما شاهد کتب تاریخی زیادی هستیم که یا بصورت فرمایشی نوشته شده، یا هم با استفاده از کتب و مضمونی تهیه شده اند که اساس آنرا را پورهای مطبوعات شورانگیز و جانبدار تشکیل میدهد.

خوب‌بختانه این نقیصه تا اندازه‌ با دسترسی بر دو سیه‌های اسناد سری و محترمانه آرشیف‌های انگلستان، آلمان، روسیه و کشورهای دیگر، که حال از محرومیت برآمده و در دسترس محققین قرار گرفته اند، رفع شده و میتوان در پهلوی استفاده از اسناد موجود داخلی، تکه‌های معما را پهلوی هم قرار داده و از آن تصویر نسبتاً روشی ساخت. قابل یادآوریست که دسترسی به اسناد این آرشیف‌ها هم چندان آسان نبوده، استفاده از آن هم پر مصرف و هم کار پر مشقت بوده مثل جستجوی سوزنی در خرمن کاه می‌باشد. بیشتر کسانی که ازین اسناد استفاده نموده اند، توسط پوهنتون‌ها و

مؤسسات علمی سپانسر شده اند، و کارشان بخشی از کارهای تحصیلات عالی و رتبه های علمی بوده است.

دانشمندی گفته است تاریخ هرگز قضاوت نمیکند بلکه سینه خود را در اختیار ما میگذارد تا آنرا بشکافیم و رویدادهای نهفته را بیرون بکشیم. این ما هستیم که قضاوت میکنیم، این ما هستیم که سبب قضاوت درست و نادرست میشویم، این ما هستیم که با چشم تنگ فقط نکته کوچکی را میبینیم و یا با دیده باز پنهان و سیع تری را مینگریم تا حقیقت چه باشد.

تحقیقی که امروز در دست شما قرار دارد، حاصل رحمات شباروزی بیش از سه سال است که در آن سعی نموده ام با تمام معنی به حقایق و فاکت‌ها و فادرمانده و بدون هیچگونه مداخله روحی حقایق را طوری که برداشت نموده ام، با بیطریقی کامل بنویسم. امیدوارم نوشتمن واقعیت‌ها مورد رنجش و آزردگی دوستان و خانواده‌های نگردد که اسمای شان درینجا ذکر شده است.

در پایان لازم میدانم از کمک و حوصله مندی خانم عزیزم، داکتر نجیبه زمانی، که در عالم گرفتاری‌های سرسام آورآوارگی و دوری از وطن زمینه تکمیل این تحقیق را برایم آماده ساخته است، و از تمام بزرگان و دوستانی که مرا تشویق نموده و با من همکاری نموده اند، تشکر کنم.

عبدالرحمان زمانی

هیوارد، کالیفورنیا

۲۰۱۲ دسامبر

پر امنی دوری یو نوی کتاب

امانی دوره د افغانستان د تاریخ یوه رنجه دوره ده، یوه مهمه دوره ده، یوه و یار منه دوره ده، د خپلواکی د تراسه کېدو او ورسه د ابادی د پیلپدو دوره ده. د دی تر خنگ دا دوره زموبد معاصر تاریخ د شروع کېدو دوره ده، زموبد نوی ژوند د شروع کېدو دوره ده او د قانون د حکومت د شروع کېدو دوره ده.

له دی امله چې امانی دوره زموب وخت ته د پره رانژدی دوره ده نو لکه خنگه چې سترگې او پوزه ډېرسه لنډ دی خو پوزه لکه خومره چې لازمه ده په هغه ډول د سترگو نظر ته نه راخي نو په همدي ډول دا دوره هم له موږنه تر دی دورې وروسته ناوړو حالاتو پته کړې او لکه خنگه چې لازم وو خپل شوي نه ده.

تردي دورې وروسته زاره د بنمن انګریزه غلواكۍ د یوې داسي دورې راتلو ته لاره هواره کړه چې د دې دورې ټولي لاسته راړنې یې تالا ترغه کړي، لس کلن پرمختګ یې په سل کلن په شاتنگ بدل کړ او بیا چې تر هغې وروسته د "نجات" په نامه کومه دوره راغله له یوې خوا یې له انګریزانو سره ژور پیوستون درلود، له بلې خوا یې اجازه نه ورکوله چې په امانی دوره خه ولیکل شي او د دې دورې پر مختکونو ته ترشا و کتل شي حتی د دې دورې پر ویارونو خاورې و اچول شوي او له امانی دورې سره یې د ترون مزی وشلول شول، د نمونې په ډول دارالامان لویه عمراني پروژه د امان الله خان له نامه نه بېله او د دارالفنون نوم پري کېنسو دل شو یا د افغانستان د استقلال محصل چې اعليحضرت غازی امان الله خان ټولو یکنو خخه حذف او په عوض یې اعليحضرت محمد نادر شاه د افغانستان د استقلال محصل وباله شو او چا اجازه نه درلوده چې د امانی دورې تاریخ لکه خنگه چې دی داسي ولیکي، داد سانسور او اختناق دوره د پره او بدہ شوې حتی د ډيموکراسۍ په لسيزه (۱۳۴۲-۱۳۵۲ المريز) کې هم چا نه شو کولی چې په دې باب حقايق ولیکي او که اجازه ورکړه شو هم همدموره چې د خپلواکی د لمانځنې په جشن کې د محمد نادر شاه، شاه محمود خان او شاه ولی خان د عکسونو تر خنگ د اعليحضرت امان الله خان عکس هم چاپ کړي، په همدي لسيزه کې زه د "افغان ملت" د جريدي مسؤول مدیر و تاکل شوم او له ډيموکراسۍ نه په استفادې سره مې د ۱۳۴۸ کال د غبرګولي په شپږمه نيتې د دې جريدي په فوق العاده ګنه کې چې د خپلواکی په باب وه د اخبار لوړۍ مخ د اعليحضرت غازی امان الله خان عکس ته وقف کړ او د دې ناروا اختناق د ماتولو له پاره مې پري ولیکل "د افغانستان د خپلواکي" محصل اعليحضرت غازی امان الله خان "چې افغان او لس یې دروند هر کلى وکړ او اخبار چې تر دی وړاندې

یو زر نسخی خپر بدہ دا حل پر له پسپی لس زره نسخې چاپ شو خو خرنګه چې د چاپ خای دولتی مطبعه وه نو دولت متوجه شو، د زیاتون سخود چاپولو مخه یې ونیوله، خو ورخې وروسته یې یوه بهانه راته جوړه کړه، تر محکمې لاندې یې ونیولم او زندان ته یې واچولم چې بیا بل چا د اسې جرأت ونه کړای شو او داد دیموکراسۍ په نامه راغلې دوره کې هم د اعلیحضرت امان اللہ خان په برخه کې خله لیکلو ته اجازه ورنه کړل شو.

په دې ترتیب تر سقوی دورې وروسته په امانی دورې د خله لیکلو اجازه او زمينه نه وه، د بحران او نجات کتاب چې اروابناد محبی الدین انیس په ۱۳۰۹ المريز کال کې لیکلی و تر خو خلې سانسور وروسته چاپ شو چې د متن زیاته برخه یې تر ډېره خایه واقعی نه بلکې مصلحتی وه، د مارشال شاه ولی خان "یاد داشتهای من" د ګنو مصلحتونو په غېړه کې لیکل شوی او چاپ شوی ټا او بیا په هبواد کې د تنه چا د دې دورې په باب خه ونه لیکلای شو. د اروابناد غبار په "افغانستان در مسیر تاریخ" کې چې خه خبرې راغلې وي هم د نادرشاہ د کورنۍ تر پایه سانسور ټا او هم یې دومره اسناد او وقایع نه درلودل چې د دې دورې بشپړه خېړه روښانه کړي

ترهبواد بهريو شمېر هغه هندیانو چې د امير حبیب اللہ خان په وخت کې افغانستان ته راغلې وو او بیا په امانی دوره کې هم دلته وو او زیات قدر و عزت یې هم درلود، لیکنې کړې، په دې لړ کې محمد حسین خان پنجابی یادولی شو چې د امان اللہ خان پر وخت د پوهنې د تدریساتورئیس ټا او د امان اللہ خان په باب یې له یې توله ستاینو ډک کتاب لیکلی ټخو کله چې د امان اللہ خان تر سقوط وروسته برته هند ته ولاړ هلته یې د امان اللہ خان په باب یو بل کتاب ولیکه چې له یې توله غندنو ټو، یا عزیز هندی یو کتاب د زوال غازی په نامه ولیکه چې ګن حقایق یې په کې تر پینتو لاندې کړي وو.

نورو بهريو لیکوالو هم په امانی دوره خېږنې او لیکنې وکړې خو هر اړخیز معلومات او سندونه ورسه نه وو نو ټکه تر ډېره حدہ نیمګړی او تر ډېره خایه یو اړخیزو.

د سردار محمد دا وود خان د جمهوریت تر سقوط وروسته په کمونیستی او اخوانی دوره کې هم په امانی دوره لیکنې وشوي خو کمونستانو داسې د روسانو دوست وباله چې د خپلې غلامی پل پرې پت کړي او اخوانیانو هم د کمونیزم او دروس د دوستی تا پې پرې ولکولې او له حقایقونه لړې تومتونه یې پرې ولکول او په دې لړ کې غیر واقعی کتابونه چاپ شول.

په خو وروستیو کلونو کې افغانی لیکوالو هڅه وکړه چې په امانی دوره تحقیقی اثار ولیکي او تر خپله وسه اسناد او منابع راغونه کړي چې په دې برخه کې د فضل غني مجده دي او سنځل نوي د کتابونه د یادونې وردي او هم د افغانی او بهريو لیکوالو لیکنې شوې دي د دې ټولو یادو شویو او لیکل شویو اثارو یوه لویه نیمګړیتا دا ده چې هر اړخیز نه دي. چاله افغانی منابعو استفاده کړي، چاله ځینې خارجي منابعو نه چې پتلو

انگلیسی منابعو ته یې خان نه دی رسولی او په دې ترتیب د امانی دورې د خپرني په باب دا لویه تشه پاتې ۵ه.

ګران ډاکټر عبدالرحمن زمانی همت و کړ، له یوې خوا یې کورنی منابع او اسناد و پلتیل او له بلې خوا یې د برтанوی هند سندونو ته خان ورساوه چې په نتیجه کې دا نسبټاً هر اړخیز اثر ترې جوړ شو.

د ډاکټر عبدالرحمن زمانی دا کتاب چې لس خپرکي لري د امير حبيب الله خان په وژل کېدو، دده د وژل کېدو په علتونو او د ده د خایناستي لپاره په مبارزه پیلپري. دا خپرکي هم پراخه کورنی اسناد او شواهد لري او هم د برтанوی هند د استخباراتو ډېرې پانې ورته اړول شوې او سندونه په کې وړاندې شوې چې لوستونکي ته ډېرڅه ورکوي او نوي حقایق په کې سپړل کېږي.

د کتاب دوهم خپرکي د خپلواکۍ د اعلان او د افغان-انگریز درېمې جګړې ته وقف شوی، په دې برخه کې د امانی دولت اقدامات خپرل شوې او لیکوال ټولو جبهو ته سر وربنکاره کړي، خصوصاً د دواړو خواوود قواوود توازن لپاره یې پر افغانی منابعو سربېره د برтанوی هند پېت اسناد هم پلتلي او ملي ټواکونه یې هم تر نظر تېر کړې دې په جنوبې جبهه کې خو ئایه د محمد نادر خان نیت ته د شک په نظر کتل شوې خوتر کومه ئایه چې اسناد مرسته کوي او حقایق زموږ مخې ته پراته دې د جهاد بريالي جبهه همدا جنوبې جبهه وہ او محمد نادر خان په بشپړ درایت د دولتي عسکرو او اولسي لښکرو په موزونه ملтиما یو بريالي لښکر جوړوي او د قومي او روحاني مشرانو ملاتړ یې تر لاسه کړي ټه د همدي جبهې برياليتوب ټه چې د نورو جبهو کمزوری یې تلافې کړې او انگریزان یې د متارکي غوبنتلو ته اړیستل. دا چې تر امانی دورې وروسته نادر خان له انگریز سره اړیکې درلودې دا بیا وروستی خبره ده، البته د جګړې په دوران کې یې د وزیرو له لښکرو سره چې د جنوبې جبهې پیاوړی لښکر ټهینې ناخوانې کړې چې جنرال یار محمد خان وزیری په تفصیل بیان کړې دی. (وګورئ: د افغانستان د خپلواکۍ او نجات تاریخ)

درېم خپرکي د متارکي په باب دې چې د متارکي غوبنتنه انگریزانو کړې وه خود خبرو په ترڅ کې یې د یوه غالې قوت په توګه عمل کاوه او خصوصاً زموږ لېږل شوی هیأت د انگریزانو د سیسو او شیطنت بنکارشو، په دې باب هم د افغانی منابعو ترڅنګ د انگریزی استخباراتو سندونه هم پلتیل شوې او لوستونکو ته یې په زړه پورې نوي معلومات وړاندې کړې دی

څلورم خپرکي د افغانستان د بشپړې خپلواکۍ د ترلاسه کولو په باب دې چې په دې باب د لنډن او برтанوی هند د حکومت ناندري، د انگریزانو له خوا د دې جګړې بې اهمیتی او بالاخره د دې جګړې اهمیت او د انگریزانو اعتراضات بیانوی او په دې برخه کې هم ډېرې

خبری د انگریزانو پت سندونه کوي خوله دې تولو سره د انگریزانو له خوا د افغانستان بشپړه خپلواکی منل کېدل پرانگریزی نسکیلاک یو دروند ګوزار دی چې تول ازادی غونبستونکي یې راوینه او د انگریزانو د واکمنی سیمې یې راولارې کړي په دې خپرکي کې هم ډېر سندونه راسپړل شوې دي

د كتاب پنځم خپرکي د افغانستان د خپلواکي تر تلاسه کېدلو وروسته د افغانستان د ټوان دولت پرواندي د انگریزانو د تخريبي او جاسوسی فعالیتونو د خپلوا په باب دي انگریزانو چې د افغانستان د خپلواکي بهير راتم نه کړاي شونو په بلګام کې یې د دي ټوان دولت د ناکامولو او نسکورولو ناروا هڅي، تبلیغونه، جاسوسی فعالیتونه او د اسلام په جامه کې د خپلوا جاسوسانو د رالېپلوا او نورو داخلی کسانو په وسیله د افغان ټوان دولت په ورلاندي د ارجاعي پاخونو کولو هڅي پيل کړي

دې خپرکي د انگریزانو د تخريبي هڅو بېلاپلډولونه د اسنادو په رنځاكې خپرلي، په دې برخه کې یې شایعې او د جعلی سندونو جورپول، په هند او افغانستان کې د جاسوسی فعالیتونو تاریخچه، بېلاپلې جاسوسی خانګې، د لویې لوېږي رامنځته کول، په کابل کې د انگریزانو مسلمان عمال او تخربکاران، د دوى د تخربیونو ډولونه، د خوا جاسوسانو خېږي او نور په کې راغلي دي

په يو شمېر تخريبي پېښو کې یې د انگریزانو د ارشیف تاییدي سندونه نه دې موندلې خود دې معنی دا نه ده چې انگریزان په دې تخربیونو کې لاس نه لري بلکې نتایج یې چې د انگریزانو په ګنه دې په ډاګه خرگندوي چې دا تخربیونه د انگریز پتو لاسونو ترسه کې دې

دې خپرکي منابع هم لکه د نورو خپرکو غوندي افغاني او د انگلیس د جاسوسی ادارو دې چې خپنې هر اړخیزه کوي

دې اثر شپږم خپرکي په دې موضوع رنا اچوي چې امانۍ دولت د سرحدې قبایلوا او د هند د مبارزینو د مبارزو په ملاتړ خه کړي او کوم ګامونه یې اخیستې دي

دا ډېر مهم تکي دې او لاتراوسه هم ځینې ناخبره خلک پر امانۍ دولت نیوکه کوي چې د کرښې هاخوا پښتنو له پاره یې خه نه دې کړي بلکې امانۍ دولت په سیاسي ډګر کې تل د پښتنو د هڅو ملاتړ کړي او له انگلیسي استازو سره یې په دې باب صريحي او خرگندې خبرې کړي او هم یې د پښتنو له ملي مبارزینو سره عملې مرستې کړي د پکتیا د "غازی" اخبارې د همدي لپاره وقف کړي ۽ چې د پښتنو خوا د ملي مبارزینو د عملیاتو، د انگریز پر ضد خبرونه او د پښتنو د سیاسي حقوقو په باب مقالې نشر کړي

ډاکټر صاحب هم هڅه کړې چې په دې خپرکي کې پاخه او هر اړخیز سندونه راوري، د ازادو قبایلوا د ملاتړ هڅي و خپرې، د جلال اباد د هدبې جرګه چې د هپواد د ازادی ساتلو لپاره یې د یوه قبایلې دايسې لښکر جورولو هڅه وه او قومې مشرانو ته یې د جهاد

علمونه او یادگاری تفنگچی و رکرپی و یاده کری، دچمرکنله د مهاجرینو ملاتر، د هند د هجرت د غورئنگ عملی مرسته، په افغانستان کې د اسلامي خلافت مرکز جوړول او هم یې د انگریزی دولت له خوا د جاسوسو مهاجرو رالېړل او نور خېړلی دي.

په دې برخه کې یې هم لکه د نورو څپرکو غوندې د کورنیو سندونو ترڅنگ د انگریزی ارشیفونو سندونه هم راوري دي.

د دې کتاب اووم څپرکی د افغانستان د ستراتیژیک او جغرافیا یی موقعیت په ارتباط لویه لو به او د افغانستان په اړه د روس او انگلیس رقابتونه او د شوروی دوه مخې پالیسي او په دې حساسه دوره کې د روس او انگلیس تخریبی هڅې څېړل شوی چې په نتیجه کې په افغانستان کې د دې دوو بنکېلاکی رقبو هېوادونو هڅې د امانی دورې د سقوط زمينه برابروي او دواړه په ګډه انگریزان د دېمن او روسان د دوستي په جامه کې له افغانستان سره دېمنی کوي او بیا په ګډه د افغانستان د بربادی ننداړه کوي.

دا څپرکی هم د کورنیو او بهرنیو اسنادو په رنځا کې لیکل شوی او د امانی دورې مينه والو ته ترپخوا زیات معلومات وړاندې کوي.

د کتاب په اتم څپرکی کې په اصطلاحاتو او په رپوراندې یې د تخریباتو په بنستهونو خبرې شوې او د انگریزانو لاسونه په کې رابرسپړه شوې دي، د اصلاحاتو او اغتشاشاتو اړیکې څېړل شوی او بالاخره په دې څپرکی کې هم ترپخوا زیات سندونه او لاسوندونه رابرسپړه شوې چې د امانی دورې مينه وال په ډپرو پټو حقایقو او دقایقو خبروی او د امانی اصلاحاتو په رپوراندې د انگریزی ناخوانمردانه د سیسو بېلګې راسپېږي.

نهم څپرکی د انگریزی توطيو په برياليتوب او قدرت ته د محمد نادرخان په رسولو غږېږي او په دې څپرکی کې هم له هره اړخه موضوعات څېړي، اسناد وړاندې کوي، پته سندونه ترلاسه کوي او حتی د انگریزانو داسې پټې څېړي چې اشتبا افشا شوې هم ترلاسه کړي او په دې ترتیب یې انگریزی توطيې او له افغانستان سره دېمنی رابرسپړه کړي دي.

لسم او وروستی څپرکی له هېواد نه تروتلو وروسته د اعليی حضرت امان الله خان سیاسي فعالیتونه او بیا هم د ده په رپوراندې انگریزی د سیسې او د ده د ترور هڅې څېړي خو چې وفات کېږي او له هېواد نه په اړمان وتلى هېواد پال پاچا پس له مرینې خپل هېواد ته راستنېږي.

په دې ترتیب د یوه هېواد پال او بنکېلاک دېمنه پاچا د واک ته رسیدو او بیا بې واکه کېدو د استان پای ته رسپېږي.

زه د امانی دورې اسناد او اثار له پنځو سو کلونو راهیسې لولم او په دې برخه کې مې ډېر نادر اسناد لیدلي او لوستي خو تراو سه مې چې لوستي دا اثر ترقولو بشپړ او هر اړخیز،

ترقولو بې طرفانه او مستند دی او تر قولو زیات تور او سپین اسناد لري نو ځکه د امانی دورې مينه وال او د افغانستان د دې نژدې دورې د تاریخي پېښو لیوال کسان له دې تاریخ نه نېټه استفاده کولی شي، د انګریزی بنکیلاک رنګونه او نیرنګونه په کې لیدلی او د یوه خدمتگار واکمن ناکامی چې یوه ایراني ليکوال د دې پرژوندانه د ده سلطنت تر جمهوریت لور بللی و، په کې وینې.

د دې خبرو معنی دا نه ده چې په دې اثر کې ټوله امانی دوره احاطه شوي او بشپړه شوې ده او نور کارنه شي پرې کيدلی خو تر دې مرحلې وروسته بیا هم کيدلی شي چې په دې رنه او له هبوا د بالني د که دوره باندي نور کار وشي، د افغانستان د ملي ارشیف، د باندې نېټو چارو وزارت او اړګ سندونه وکتل شي، د ځینې ځانې ارشیفونو سندونه رامیدان ته شي، د نړۍ د نورو هبوا دونو تاریخي منابع وکتل شي او بیا هم کار پرې وشي او دا کار او لقیون روان پاتې شي.

زه د دې یادونو په پای کي یو څل بیا هم د ډاکټر عبدالرحمن زمانی دا ګټور، مستند او تر ډپرو هڅو وروسته لیکل شوی اثر ستایم، ډاکټر صاحب ته یې په لیکلو مبارکي وايم او درانه مينه وال یې ژورو لوستلو ته رابولم !

په درنېست

څېړندوی حبیب الله رفیع

د افغانستان د علومو اکاډمۍ سلاکار

۲۰۱۲/۱۱/۲۴-۱۳۹۱/۸/۴

فصل اول

کشته شدن امیر حبیب الله خان و مبارزه برای جانشینی

«... بعد از انقلاب روسیه، خطر بزرگ دیگری از جرمنی برای هندوستان پیش شده و آن اینکه جرمنی میخواهد از جنوب روسیه و شرق ایران افغانستان را عبور و به هند هجوم نماید و اینست خطره مشرق، فعالیت نماینده های جرمنی هم در اسیای وسطی آغاز گردیده است. اما در شمال هند دوست حقیقی ما امیر صاحب افغانستان (امیر حبیب الله خان) به مثابه یک دیوار آهن در برای سازش های دشمن ما قرار دارد و نمیگذارد که فعالیت های جرمنی در کشور او تاثیر کند. ولی مردم افغانستان یک ملت عجیب الخواصی بوده و به علت جنون مذهبی که در سرشت خود دارند فورا در صف دشمنان ما شامل خواهند شد، آنگاه قوت شخصی امیر صاحب مانع حرکات مردم افغانستان شده نمیتواند سپس باستی ما خود آماده باشیم تا در صورت حرکات خصمانه در سرحدات هند با پیسه و سپاه و سامان جنگ به امیر صاحب کمک کنیم و او از دشمن ما جلوگیری کند ...».

نطق اپریل ۱۹۱۸ وایسرای انگلیسی هند در مجلس جنگی هند

(نمایندگان و شهزادگان هند)

غبار (۱۳۶۶) ص ۴۷۵

کشته شدن امیر حبیب الله خان

کشته شدن امیر حبیب الله خان سرآغاز تحولات بزرگی در تاریخ معاصر افغانستان بود. افغانستان همواره در تاریخ دیپلماسی شرق برای انگلستان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. انگلیس‌ها باید برای حفاظت هند بریتانی، که حیثیت قیمت بها ترین گوهر در تاج امپراتوری بریتانی را داشت، افغانستان را تحت ساخته نفوذ خود نگه میداشتند. وفاداری امیر حبیب الله خان به انگلیس‌ها نیز، با در نظرداشت اینکه روس‌ها خواب رسیدن به آب‌های گرم بحر هند را میدیدند، و آرزومند تماس مستقیم با دربار کابل و خواهان توسعه مناسبات دیپلماتیک بودند، اهمیت خاص خودش را داشت.

"امیر حبیب الله خان بعد از عقد معاهده سال ۱۹۰۵ با انگلیس، مسافت سال ۱۹۰۷ از هند بریتانی، و قرارداد سال ۱۹۰۷ روس و انگلیس^۱، هم از انگلیس و هم از روس خود را مصئون و مامون شمرده، با خاطر جمعی امور داخلی کشور را بین برادر و پسر خود (نائب السلطنه و معین السلطنه) طوری تقسیم کرد که امور نظامی به معین السلطنه بحیث وزیر حربیه و امور داخله به نائب السلطنه بحیث صدراعظم، که حتی از نظارت امیر هم آزاد بود، سپرده شد. تنها امور مالی کشور تحت اداره میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک بحیث وزیر مالیه قرار داشت، و خود امیر کاملاً از امور مملکت داری بی‌پروا، روزبه روز بیشتر در لذات حرم فرورفته خود را به شکار، مجالس تفریحی و انواع ساعت تیری مصروف ساخت^۲، تا آنکه اداره به تدریج رو به انحطاط و فساد نهاد^۳، فسادی که سبب شد توده‌های مردم از حکام و مامورین مطلق العنوان و

^۱. درین قرارداد دو ابر قدرت انگلیس و روس در "سن پترزبورگ" توافق کردند که افغانستان از حوزه دست اندازی آنها خارج باشد. انگلیس‌ها با بدست آوردن امتیاز کنترول سیاست خارجی کشور ما، تعهد سپرده کردیگر از اشغال بخش‌های سرزمینی ما پرهیز نمایند و شوروی‌ها متقابلاً و عده دادند که در پشت مرزهای تعیین شده قرار گیرند.

^۲. غبار، میر غلام محمد (۱۳۲۲) ص ۷۰۲.

^۳. بگفته امیر حبیب الله خان پادشاه رحم دل و ترقی خواهی بود. میگویند روزی که از سفر هند برگشت و به سرحد افغانی در تورخم رسید امرداد تا مناری از سنگ بسازند و چنین گفت: که همین منار نشان تعهد ماست که افغانستان را در مدنیت و ترقی همدوش ممالک مشرقی بسازم و به همین اراده نیک در افغانستان مکاتب عالی ملکی و عسکری ساخت، سراج الاخبار را نشر کرد، به ساختمن راه‌ها پرداخت، به عمران مملکت آغاز کرد، اما متأسفانه جراثیم عیاشی و

رشوه خوار به سته آمده، و در پهلوی عواملی چون بدنامی امیر نسبت پالیسی وفاداری اش به انگلیس‌ها و تبدیل شدن کابل به مرکز فعالیت‌های سیاسی برخی از کشورهای آروپایی و اسیایی، یکی از عوامل مهم احیای نهضت مشروطیت و شدت مبارزه علیه رژیم امیر حبیب‌الله خان، دانسته می‌شود.⁴

از دیاد فعالیت‌های ملی گرایان و مشروطه خواهان که در مراکز سه گانه لیبرال‌های اصلاح طلب داخل دربار، روشنفکران حلقه مکتب حبیبیه و روشنفکران منفرد خارج این دو حلقه گرد آمده بودند، بالآخر به تشکیل یک حزب سری سیاسی به نام "جمعیت سری ملی" انجامید که هدف آن تبدیل حکومت مطلقه به حکومت مشروطه، تحصیل استقلال و نشر تمدن و فرهنگ جدید در افغانستان بود. درین این مشروطه خواهانی که مبارزه سری یا علنی می‌کردند، و در داخل یا خارج انجمن سراج الاخبار⁵، مجلس جان نشاران اسلام و جمعیت سری ملی قرارداشتند، اشخاص رادیکالی هم بودند که برای تحقیق مرام خود حاضر بودند دست به ترور و کودتا هم بزنند.

جنگ جهانی اول و مسئله وارد شدن در جنگ به طرفداری ترک‌ها علیه انگلیس هم در دربار امیر حبیب‌الله خان باعث تاثیرات عمیق شده و حلقه‌های حاکمه را به دو گروه مخالف تقسیم نمود:

سفلگی و رعونت و شهوت پرستی که از منبع خانمان یحیی خان بدربار امیر نشر می‌گردید، امیر را عیناً سلطان محمد خان ثانی گردانیدند و آنقدر به لهو و لعب فروبردند که سر خود را در آن راه نهاد. (حبیبی، عبدالحی به اسم مستعار مهاجر افغان(۱۹۰۱)، ص ۱۴).

⁴. زمانی، عبد الرحمن (۲۰۰۷)، صفحات ۲۸-۲۴.

⁵. این انجمن به پیشنهاد جمعی از روشنفکران و دانشمندان روشن ضمیر مربوط به مدرسه شاهی و دارالعلوم حبیبیه و قبولی دربار امیر حبیب‌الله خان (۱۹۰۵م) برای به وجود آمدن یک انجمن روشنفکران و نشر جریده بمبیان آمد. مولوی عبدالروف خان قندهاری متخلص به "خاکی" رئیس انجمن، و مولوی محمد سورور "واصف" منشی یا محرر انجمن بودند. هدف این انجمن بیدار ساختن مردم و آشنایی آنها با مدنیت جدید و وقایع تازه‌دنیا بود. هشت ماه بعد از تاسیس انجمن در ۱۹۰۲ اولین و آخرین شماره جریده "سراج الاخبار افغانستان" طبع شد.

(حبیبی، عبدالحی (۱۳۷۲)، صفحات ۲۲-۲۵)

- گروپ هوادار انگلیس‌ها یا گروپی که میخواست در جنگ بی طرف باقی بماند. درین گروپ خود امیر، عبدالقدوس خان اعتماد الدوله⁶ (صدراعظم)، بی بی حلیمه، بیوہ بسیار فعال امیر عبدالرحمن خان (نواسه امیردوست محمد خان) و تعدادی از تاجرانی شامل بودند که با هند بریتانی تجارت داشتند. اسناد محضمانه استخارات انگلیس نشان میدهد که موقف جنرال محمد نادرخان و برادرانش درین گروپ کاملاً روشن نبود. آنها طرفدار منافع انگلیس یعنی بیطرفی در جنگ بودند، ولی با ترس از نیکه به طرفداری از انگلیس‌ها متهم نشوند، موقف شانرا به گونه فورمولبندی نمودند که از تصامیم امیر حبیب‌الله خان پیروی خواهند نمود.⁷

- گروپ به اصطلاح حزب جنگ: درین گروپ که انگلیس‌ها آنرا بنام گروپ جنگ مینامید، نخست سنت گرایان تحت رهبری سردار نصرالله خان و قاضی القضاط حاجی عبدالرازق خان که توسط روحانیون و رهبران قبایلی حمایت میشد، و ثانیاً تجدد طلبان تحت رهبری محمود طرزی و امان‌الله خان شامل بودند.⁸

سردار نصرالله خان بنا به دلایل مختلف مثل توهین ناکامی سفرش به لندن⁹، ناراض بودن از معاهده روس و انگلیس، حمایت از خلافت عثمانی و ترجیح دادن انگلیس‌ها به ولیعهد بودن سردار عنایت‌الله خان بر او¹⁰، از انگلیس‌ها نفرت داشته خواهان شرکت

6. سردار عبدالقدوس خان اعتماد الدوله برادرزاده امیردوست محمد خان و پسر سلطان محمد خان طلائی بود که با امیر عبدالرحمن خان در بخارا و سمرقند در تبعید بسر میبرد. در بازگشت به افغانستان با وی در توسعه قدرتش کمک نموده، هرات را از سردار ایوب خان پسر امیر شیرعلی خان گرفت و هزاره جات را تسخیر نمود. امیر حبیب‌الله خان به وی لقب اعتماد الدوله را داده بحیث صدراعظم تعیین نمود. باز ماندگان اعتماد الدوله لقب وی را بحیث اسم فامیلی انتخاب نموده اعتمادی تخلص میکنند.

7. سردار نادرخان و اعضای دیگر خانواده مصاحبان بعد از نیزکوشیدن تا از جنگ‌های قبایل سرحد آزاد علیه انگلیس‌ها جلوگیری کنند.

8. Olesen, Asta (1995), ص. ۱۱۰.

9. زمانی، عبدالرحمن (۲۰۱۰)، ص. ۱۲۰.

10. انتخاب ولیعهد به موافقه هند بریتانی صورت میگرفت. قرار بود نصرالله خان، برادر امیر که به نائب السلطنه ملقب و بعد از امیر از نظر رتبه و قدرت شخص دوم بشمار میرفت، وارث تاج و تخت باشد. اما انگلیس‌ها ترجیح دادند تا این امتیاز به سردار عنایت‌الله خان، پسر ارشد امیر داده شود. امیر نیز با این انتخاب موافق بود. آقای فضل غنی مجددی، محقق و مؤرخ افغان،

افغانستان در جنگ جهانی اول به طرفداری ترک‌ها بود. و همین وجه مشترک زمینه را برای اتحادی بین دو جناح نیرو‌های مشروطه خواه، تجدد پسند و ملی گرا به رهبری شهزاده امان‌الله خان و محمود طرزی، و عناصر عننه پرست و محافظه کار به رهبری سردار نصرالله خان برادر امیر بوجود آورد.

سپه سالار محمد نادر خان عضو جمعیت سری

زنده یاد غبار^{۱۱} مینویسد که عین‌الدوله (امان‌الله خان) در پهلوی اینکه با افسران بزرگ اردو در تماس آمد، توانست نائب‌السلطنه (سردار نصرالله خان) را بحیث رئیس جمعیت سری شامل نقشہ کودتاًی نماید که در نظر بود امیر حبیب‌الله خان را در جلال آباد توسط عسکر از بین برده و جایش را به نائب‌السلطنه بدهد. نائب‌السلطنه هم برای تحصیل استقلال و اصلاح ادارهٔ داخلی مجاهدت نماید. غبار ادامه میدهد که "... عین‌الدوله میدانست که عمومیش بعد از حصول سلطنت یکقدم در راه ترقی و تحول کشور برخواهد داشت^{۱۲}، لذا او شخصاً در پی بدست آوردن اقتدار بود. غبار بدون انکه از جنral محمد نادر خان نام ببرد، می‌افزاید که "بعید نیست که در داخل این حلقه اشخاص مقتدر و ادعای دار دیگری نیز بودند که با وجود همراهی ظاهری با عین‌الدوله و نائب‌السلطنه، هیچ‌کدام آنان را نمی‌خواستند و طالب سلطنت برای خود بودند.^{۱۳}

درین باره مینویسد که "... در افغانستان رسم بود که پسر بزرگ بعد از پدر صاحب حق قانونی می‌بود. در عهد امیر حبیب‌الله خان معلوم بود که امیر نصرالله خان نائب‌امیر بوده و از صلاحیت کامل اداری برخوردار بود و همچنان امیر حبیب‌الله خان در سال ۱۹۱۷ فرمانی بنام نصرالله خان صادر نموده بود که مطابق آن نصرالله خان بصفت نائب‌السلطنه اجرای وظیفه مینمود. و از ناحیه دیگر تمام ارکان دولت و حتی امان‌الله خان و گروپ مخالف سیاست انگلستان به حق نصرالله خان به منصب نائب‌السلطنه اعتراف داشتند و به اساس همین حق بود که امیر عنایت‌الله خان بزرگترین اولاد امیر حبیب‌الله خان بعد از قتل والد خود حق کاکای خود را برای احراز سلطنت برسمیت شناخت (مجددي، فضل غني ۱۹۹۷)، ص ۲۹.

^{۱۱}. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶) ص ۷۷۲.

^{۱۲}. بعد از حبس و اعدام آزادی خواهان مشروطه طلب در سال ۱۹۰۹ نائب‌السلطنه سردار نصرالله خان در دربار عام به امیر حبیب‌الله خان پیشنهاد کرده بود مدارس موجوده کابل را لغو نموده و گفته بود "از معارف مشروطه می‌زاید و مشروطه نقطه مقابل تسلط شرعی سلطان است".

^{۱۳}. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶) ص ۷۷۲.

غبار این مطلب را در جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ، که دور از سانسور دولت بنشر رسید¹⁴، به وضاحت ذکر نموده مینویسد که «درین جمعیت یک عدد افراد مشکوک (مثل سپه سالار محمد نادر خان) با مرام‌های خاص خویش نیز نفوذ کرده بودند»¹⁵. او در مورد تلاش‌های محمد نادر خان برای رسیدن به تخت سلطنت ادامه میدهد که «بعد از آنکه امیر حبیب الله خان طبق پروگرام حزبی دربار، در لغمان کشته و نائب السلطنه به پادشاهی برگزیده شد، محمد نادر خان مؤذن گردید که در جلال آباد آمده سپاه آنجا را برای بیعت نمودن به نائب السلطنه آماده نماید... نادر خان که سالها برای چنین روزی با عسکر و افسر افغانستان حسن سلوک نشان داده بود، البته منتظر بود که سپاه او را بوكالت خویش انتخاب نمایند، و آنگاه او با چنین قوتی درین وقت بحرانی آنچه در دل دارد عملی کرده سلطنت را برای خود اخذ کند».¹⁶

آقای نصیر مهرین محقق و نویسنده دیگر افغان درین رابطه مینویسد که «...نادر خان از گونه‌ی مشروطه خواهان و اصلاح طلبانی نبود که بگونه‌ی شاه امان الله می‌اندیشیدند، بلکه از نزدیکان و محافظین امیر حبیب الله بود. دسترسی به امتیازات اشرافی را که امیر برای پدر و کاکایش (یوسف خان و آصف خان) و فرزندان آنها به شمول محمد نادر خان فراهم نموده بود، به دلستگی او به حفاظت نظام می‌افزود». تنها موردی که پای نادر خان را به یک وحدت عمل در میان آورد، قتل امیر حبیب الله خان است. این چرخش در موضع‌گیری نادر خان به زیان امیر، بایست هنگامی رونما شده باشد که از تصمیم قاطع و ازو زنه‌ی توان و سازماندهی امان الله خان متیقн شده باشد».¹⁸

¹⁴. جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ بعد از وفات نادر خان، هاشم خان و خود غبار در شرایط امن در خارج از کشور بنشر رسید.

¹⁵. غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹) ص ۲۹.

¹⁶. همانجا صفحات ۳۱-۳۰.

¹⁷. سردار شاه ولی خان برادر محمد نادر خان در یاداشت‌های من (ص ۲) مینویسد که در آخر سلطنت امیر حبیب الله خان محمد نادر خان و سردار شاه محمود خان و خودش رکاب باشی بودند و پدر و کاکای شان مصاحبان خاص امیر و برادر بزرگ شان، سردار محمد عزیز خان بحیث شاغاسی خارجیه کارهای وزارت خارجه را اجرا میکرد، سردار محمد هاشم خان بحیث نائب سالار هرات مقرر شده بود و سردار محمد علیخان کنیل رساله شاهی بود.

¹⁸. مهرین، نصیر (۱۳۸۸)، صفحات ۱۲-۱۷.

MURDER OF THE AMEER.

SHOT DEAD IN CAMP.

The following statement was issued by the Press Bureau yesterday morning:—

News has been received from Kabul of the death of the Ameer of Afghanistan.

Full details are still lacking, but it appears that the Ameer was attacked very early in morning while in camp in Laghman on February 20 and shot dead.

No arrests have yet been reported in connection with the murder, the motives of which are at present obscure.

An account of the life of the Ameer appears on the preceding page.

"THE DEVIL'S RESTING-PLACE."

The Laghman Valley, where the Ameer was encamped, is a rich and fertile area lying between Kabul and Jellalabad, north of the road to Peshawar.

The people of Kabul have a tradition that when the Devil was expelled from Paradise he was thrown into Laghman. The valley is always known to the Afghans as "The Devil's first resting-place."

اما بعضی از پژوهشگران افغان معتقدند که نادرخان که آرزو داشت اول به شهرت و بعد بقدرت بر سد، از کشته شدن امیر حبیب الله خان نفع میبرد. به عقیده آنها انگلیس‌ها در اندیشه آوردن کسی بودند که بتواند در برابر خطر سرخ بشویزم بیستند، چه حبیب الله خان عیاش کسی نبود که بتواند از عهده این مهم برايد و روشن است پس از کشته شدن حبیب الله خان برداشت امان الله خان جوان و احساساتی از سرراه برای انگلیس‌ها کار آسانتری شمرده میشد.

انگیزه قتل امیر حبیب الله خان

امیر حبیب الله خان که زمستان هر سال با دربار خود به ولایت مشرقی میرفت، در ماه دسمبر سال ۱۹۱۸ به جلال‌آباد رفت و در فبروری ۱۹۱۹ به قصد شکار دریای کابل را عبور نموده در کله گوش لغمان خیمه زد. طی همین سفر سیر و شکار در کله گوش بود که به ساعت ۳ بعد از نیمه شب پنجشنبه ۲۰/۱۹ فبروری با ضرب گلوله تفنگچه در کله گوش چپ، چراغ زندگی امیری که به او لقب چراغ ملت و دین (سراج الملک و الدین) داده بودند، خاموش گردید.

مطبوعات انگلیسی به گونه ابلیسی خبر کشته شدن امیر توسط فیر گلوله در کمپ را با خط درشت «مکان استراحت شیطان» نوشت که "دره لغمان محل اردوگاه امیریک منطقه غنی و زرخیز است که بین کابل و جلال‌آباد در شمال سرک پشاور موقعیت دارد. مطابق به روایت متداول مردم کابل، شیطان بعد از رانده شدن از جنت به لغمان پرتاب شد. آین دره را افغان‌ها عموماً بنام اولین مکان استراحت شیطان میشناسند".

روزنامه معتبر تایمز لندن در شماره روز سه شنبه ۲۵ فبروری ۱۹۱۹ درباره امیر مقتول نوشت: «حبيب الله امیر افغانستان در جنگ رفیق خوب ما بود، عقیده او درباره پیروزی نهایی ما هیچ وقت برای لحظه هم فتور پیدا نکرد.»



TUESDAY, FEBRUARY 25, 1919.

The Ameer of Afghanistan.

HABIBULLAH, the Ameer of Afghanistan, was a good friend of ours in the war, and his faith in our ultimate victory never wavered for a moment. Had he been murdered during the war, one would not have had far to look for a motive, for the country was often visited by Turkish and German emissaries, all anxious to seduce the AMEER from our cause and to stir up trouble on the Indian frontier.

“Habibullah, the Ameer of Afghanistan, was a good friend of ours in the war, and his faith in our ultimate victory never wavered for a moment”.

THE AMEER OF AFGHANISTAN.

PERSONALITY AND CAREER.

A FRIEND OF THE ALLIES

The assassination of the Ameer Habibullah of Afghanistan, who was a stanch friend and ally of Great Britain throughout the war, is certain to have an unsettling effect upon the international situation in the Middle East.

During the last four and a half years Afghanistan has been a real “buffer State” and has ward off all attempts on the part of enemy agents to obtain access to the Indian frontier through Persia. Even if the question of the succession to the Throne of Kabul is settled without strife, it is unlikely that any new Ameer will be able to rule as firmly as the murdered ruler. Habibullah was not so stern and ruthless as his father, Abdur Rahman but he never hesitated to punish with terrible severity when he thought occasion required it. While he was in India a high dignitary remonstrated with him for having blown some offenders from some “What is now in sight”

روزنامه انگلیسی مذکور در سرمقاله همان شماره در رابطه با شخصیت و مقام امیر مقتول تحت سرخط «دوست متحدهین» نوشت که «قتل امیر حبيب الله افغانستان، کسی که در تمام دوران جنگ (اول جهانی) دوست و فادار و متحد بریتانیای کبیر بود، مسلمًا برای اوضاع بین المللی شرق میانه نگران کننده میباشد. در چهارونیم سال

گذشته، افغانستان بحیث یک دولت حائل (سپر) حقیقی، از تمام تلاش‌های عمال دشمن ما برای دسترسی به سرحدات هند از طریق ایران نگهبانی کرده است. حتی اگر مشکل جلوس بر تخت کابل بدون نزاع و دعوا حل شود، تصور نمی‌رود که امیر جدید قادر باشد مثل امیر مقتول با ممتازت فرمانروایی کند. حبيب الله مثل پدرش، عبد الرحمن، سختگیر و ظالم نبود، اما به اقتضای حالات هیچوقتی هم در تطبیق جزا های وحشتناک با تمام شدت تردیدی نداشت.»

عدة از مؤرخین و نویسنده‌گان به استناد راپورت‌های ایجنت مسلمان انگلیس در کابل و مهدی فخر دیپلومات و نویسنده ایرانی، انگیزه این قتل را انتقام شخصی دانسته و آنرا نتیجه مخالفت امیر با ملکه اول، سرور سلطان (علیا حضرت سراج الخواتین¹⁹، و پرسش امان اللہ خانمیدانند.²⁰

شکی نیست که تند خوبی و اندک رنجی امیر هم، که لحاظ خاطر هیچکس را نمیکرد و به درباریان سخت میگرفت و بالغزش کوچک و جزئی، توهین بزرگی را روا میداشت و بعضاً مصاحبین و همکاران را لتوکوب میکرد، آتش کینه و انتقام را در قلب آنان می‌افروخت. مثلاً دشنام پدردادن در دربار عام به شاه غاسی ملکی علی احمدخان، برگشتاندن پسرش محمد کبیر و سپه سالار محمد نادرخان از استالف به کابل (هردو را گرتی‌های چپه پوشانده روی یابو توسط عسکر سواره فرستادند)، به پای امیر افتادن مستوفی الممالک محمد حسین خان (پدر مرحوم استاد خلیل اللہ خلیلی)، سیلی‌های سنگین خوردن سردار هاشم خان، لتوکوب ۳۰ یا ۴۰ نفر غلام بچه بخاطر دیر حاضر شدن، جزادان حاجی عبدالرازق خان اندی نسبت مصرف گزارف پول برای مردم قبایل سرحد، و یا توبیخ شجاع الدوله نسبت کج نصب کردن خیمه.

به باور اکثریت محققین افغان حادثه قتل امیر علت سیاسی و اجرا کنندگان آن یک حلقة سری مشروطه خواهان بوده است. پوهاند حبیبی از قول روانشناد میر قاسم خان که یکی از فعالین مشروطیت دوم بوده و حاضر و ناظر و قایع بود، مینویسد که "عوامل

¹⁹. حکایت سیلی خوردن امیر و تهدید به طلاق ملکه در محفلي که أخت السراج برای عیاشی برادرش امیر حبیب اللہ خان در باغ چهلستون بپا نموده بود، را میتوان در کتب و مقالات متعدد خواند. گویند به علیا حضرت اطلاع رسید که أخت السراج در قصر چهل ستون محفل بزرگی برگزار کرده، و امیر هم در آن شرکت دارد. پس علیا حضرت با سرعت خود را به قصر میرساند و ناگاه داخل قصر میشود و بسوی أخت السراج که در پهلوی امیر ایستاده بود، پیش میرود و چون به او نزدیک میشود، سیلی محکمی بر روی أخت السراج حواله میکند، مگر اخت السراج روی خود را بسرعت عقب میکشد و سیلی بر روی امیر میخورد. صدای دست علیا حضرت بر روی امیر را همه میشنوند. از مشاهده این صحنه مهمانان بخنده می‌افتدند و میگویند "عیش امیر به غیش تبدیل شد".

²⁰. امان اللہ خان تحت تعقیب و مراقبت جدی میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک قرار داشته و مسئولیت هر حرکتی چون فیر بر امیر و نشرات مخفی در کابل را به گردن او می‌انداخت

موجبه نفرت از روش سیاسی و عیاشی امیر قبلًا مهیا گردیده بود، که آویزش علیا حضرت با امیر یا کجی دیرک خیمه و تنبیه و ضرب شجاع الدوله، جزیاتی بود که بعداً آن عوامل را تشیدید بخشیده شجاع الدوله (مطابق نقشه مطروده قبلی) داخل خیمه امیر گردیده و او را به ضرب تفنگچه به دارالحساب فرستاد.²¹

دکتر عبدالغنى²² راجع به کشته شدن امیر مینویسد که "اگر چه ترور امیر حبیب الله خان به دنیای خارج یک امر غیرمنتظره بود، اما در کابل نه تنها که یک حادثه غیر پیش‌بینی شده نبود، بلکه این همه دوام سلطه او قابل تعجب بود." دکتر عبدالغنى علاوه بر تکامل تدریجی افکار سیاسی آزاد (مشروطه خواهی) در کشور، عوامل ذیل را که باعث بیزاری افکار عامه از امیر گشته بودند، بر می‌شمرد:

- امیر در سلیقه، لباس و طرز زندگی اش اروپایی مشرب بوده و کورکورانه از آنها پیروی می‌کرد. او به نظر مردم از آنکه تنها یک دوست کافران باشد، پا فراتر مینهاد، مثلاً او مرغی را که آشپز فرانسوی اش سر می‌کند و به عقیده مسلمانان حرام بود، می‌خورد.
- تشریفات دربار امیر بغیر از عده قلیل درباریان برگزیده شده که با او در یک میز طعام صرف می‌کردند، تمام درباریان دیگر را مرخص می‌کرد. اینکار او را نزد مردم خشن معرفی می‌کرد.
- او تندمزاج و زودرنج بوده به اندکترین تقصیر به فحش دادن و چوبکاری می‌پرداخت.
- چون امیر شخصاً شکایات مردم را نمی‌شنید، آنها فکر می‌کردند که او خیلی مغروف بوده و خود را بلندتر از آن میداند تا با مردم عام هم صحبت شود.
- او تا به آخر در امور کشورداری غفلت نموده، مشغول تفریح و خوش گذرانی بود.
- او مخصوصاً مأمورین اروپایی را، که فقط مستخدمین دولت بودند، مورد التفات قرار می‌داد.
- او طرح هیئت ترکی-آلمانی را که تقاضای خلافت (عثمانی) تلقی می‌شد، رد نمود.

²¹. حبیبی، عبدالحی (۱۳۷۲)، ص ۲۰۳.

²². عبدالغنى (۱۹۸۰) صفحات ۸۱۷۹-۸۱۷۹. قابل یاد اوریست که داکتر عبدالغنى و برادر بزرگش مولوی نجف علی خان از جمله معلمین خصوصی اعلیحضرت امان الله خان بودند. او عضو جمعیت مشروطه خواهان اول بود و در رأس یکی از حلقه ها بنام "جان نشاران ملت" قرار داشت، وی با مشروطه خواهان زندانی شد و یازده سال بعد در زمان امان الله خان از حبس رها گردید.

- او خزانه عامه را در صورتی که ملکیت شخصی اش نبود، بصورت افراطی ضایع کرد. ارقام مصارف سالانه لباس حرم‌سرای و فرنیچر خانه او سراسم آور بود.

داکتر عبد الغنی علاوه میکند که همه این عوامل سبب ایجاد روحیه انقلابی و نظریات شدید مخالف امیر شدنند.

روانشاد غبار²³ نیز درین رابطه مینگارد که "امیر حبیب الله خان در اوایل سلطنت خود طرف تنفر زیاد مردم افغانستان قرار نداشت زیرا مردم از خشونت پدرش کوفته خاطر بودند و زمامداری او را مغتنم می‌شمردند. اما امیر حبیب الله خان نتوانست این وضع را حفظ کند. حکام و مامورین مطلق العنان و رشوه خوار دولت او توده‌های مردم را بستوه آورده بودند، امضا معاهده با انگلیس در سال ۱۹۰۵ فشر روشنفکر را از اراده امیر نامید ساخته بود و خونریزی مشروطه خواهان این نا امیدی را به کینه و انتقام مبدل کرد، و انعکاس آن آتش شوربازار²⁴ بود. بیباکی و تکبر و تهدید امیر دربار را به ضد او برانگیخت و حیات خصوصی او که در حرم فرورفته بود، در شهرها تولید نفرت کرد. نرمش و سازش سیاسی امیر با انگلیس و جلوگیری از عزم جهاد مردم افغانستان و سرحدات آزاد، تاثیر عمیق و منفی در کشور نموده بود."

انگلیس‌ها در رابطه با اینکه چه کسی امیر را ترور نموده را پورهای متصادی گرفتند. کمیشنر پولیس کوئته راپور داد اینکه امیر به اش ریک توطنده که در آن مامورین عالیرتبه ملکی و نظامی نقش داشتند، کشته شده، هیچ شکی وجود ندارد. همین راپور بصورت قطعی اظهار میدارد که علت کشته شدن امیر اتکای او بر انگلیس‌ها بود.²⁵

23. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۷) صفحات ۷۴۰-۷۴۱

24. آتش شوربازار اشاره ایست به اقدام ناکام ترور امیر حبیب الله خان توسط عبد الرحمن خان لودین محرر سراج الاخبار (پسر کاکا سید احمد خان) که در سال ۱۹۱۸ در شب جشن تولدی امیر حبیب الله خان در کوچه قاضی "شوربازار" صورت گرفت. امیر حبیب الله خان هر سال دو جشن را تجلیل مینمود، یکی جشن تولدی و دیگری جشن تخت نشینی خود را.

25. یادداشت صفحه ۱۷ راپور محرمانه شماره ۱-۱۵۸ ماه جون ۱۹۱۹ شعبه خارجی در رابطه با سرحدات

روز کیپل Roos-Keppel کمیشنر عمومی ایالت سرحدی شمال مغربی با موجودیت توطئه و سیع موافق است، اما به نظر او این قتل توسط نصرالله خان به همکاری اعضای خانواده مصاحبان طرح ریزی شده بود.

گرچه نماینده سیاسی انگلیس‌ها در کابل با این نظر روز کیپل به دلیلی توافق نداشت که اگر نصرالله خان و خانواده مصاحبان در قتل امیر دست میداشتند، آنها قبلاً برای کنترول اداره امور در کابل، که در آن وقت بدست امان اللخان بود، ترتیبات لازم می‌گرفتند²⁶، اما با درنظرداشت ترتیبات گرفته شده امنیتی و مسئولیت‌های افراد خانواده مصاحبان، امکانات امدن شخصی از بیرون که امیر را به یک ضربه طوری از پا درآورد که هیچ حرکت نکند و از جا نجند، بعید به نظر میرسد.

استاد فضل غنی مجددی در رابطه با ترتیبات امنیتی امیر مینویسد که «خیمه امیر حبیب اللخان در وسط خیمه‌های نظامی اش قرار داشت که قوای نظامی امیر چهار حلقة بزرگ را می‌ساختند. حلقة اول را قوای خاص امیر بنام فرقه "سراوس" تشکیل میداد که تحت قیادت سردار شاه محمود خان برادر محمد نادر خان بود. حلقة دوم را فرقه "رکابی" تشکیل میداد که زیر قیادت سردار شاه ولی خان برادر محمد نادر خان بود. حلقة سوم تحت قیادت سردار احمد علی خان پسر کاکای محمد نادر خان بود. حلقة چهارم تحت قیادت سردار احمد شاه خان پسر کاکای محمد نادر خان بود. در پهلوی این چهار فرقه نظامی دو فرقه نظامی مهم دیگر بنامهای "فرقه شاهی" و "فرقه شش اردلی" تحت قیادت جنرال محمد نادر خان قوماندان اعلی نظامی بود. از خلال مطالعه زمانی که در آن قتل صورت گرفت، دانسته می‌شود که خیمه امیر زیر کنترول شدید قوای نظامی قرار داشت که تعداد افراد آن به چهار هزار میرسید و قیادت این قوا را خانواده جنرال محمد نادر خان بدست داشت، خانواده که امیر عبدالرحمن پسر خود امیر حبیب اللخان را از نزدیکی با ایشان منع نموده بود.»²⁷

مؤرخ و نویسنده معاصر کشور آقای پیکار پامیر درین رابطه مینویسد که «مؤرخان البته پیرامون قتل امیر حبیب اللخان و اینکه قاتل کی بود و قتل وی چگونه صورت گرفت، بسیار سخن گفته اند، مگرمتاسفانه در اطراف علل سیاسی و نیاز تاریخی این قتل کمتر نگاشته و یا تماس گرفته اند. در اینجا متذکر می‌شویم که دیر پایی حاکمیت

²⁶. همانجا یادداشت ص ۲۵.

²⁷. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، صفحات ۲۴-۲۵.

استعمار خارجی در کشور، پامال شدن منافع ملی و بین‌المللی مملکت، تبا و تاب آزادیخواهی مردم، ستمگری شاه و مامورین ارشد وی، فقر و فشارهای گونه‌گون روحی و سیاسی بالای اکثریت محروم مردم کشور، بی‌اعتنایی‌ها، خوشگذرانی‌ها، زن باره‌گیها، خشم و تند مزاجی امیر علیه اطرا فیانش، اطاعت و محافظه کاری اش در برابر استعمارگران برتانی، موجودیت جنبش مشروطه خواهی در جامعه، رقابت شخصیت‌های درباری، مقتضیات اوضاع و احوال منطقه و جهان، همه و همه تأیید کننده‌ی یک تحول سیاسی-اجتماعی در کشور بود. چون همه نوع شرایط برای چنین یک تحول آماده گردیده بود و آنچه تا هنوز باقی مانده بود؛ شخص امیر بمتابه مانع بزرگ و خطرناک بر سر راه این تحول بود که لزوماً باید از میان برداشته می‌شد. پس یگانه چاره همان بود که در حلقه‌ی خاص (جمعیت سری‌ملی) دربار سنجیده شده و شب بیستم ماه فبروری سال ۱۹۱۹م در شکارگاه "کله گوش" لغمان عملی شد. اینکه کدام شخص، چگونه و با کدام دست و دماغ عمل قتل را انجام داد، با مقایسه با منافع بزرگ ملی، نباید آنقدر مهم تلقی شود.²⁸

پیروزی ملی گرایان اصلاح طلب بر محافظه کاران سنت گرا

ترور امیر حبیب الله خان باعث آغاز مبارزه برای کسب قدرت بین ملی گرایان اصلاح طلب و محافظه کاران سنت گرا گردید و پس از منازعه کوتاه بر سر جانشینی، سرانجام عین الدوّله امان الله خان، جوانترین پسر امیر و رهبر جناح ملی گرایان توانست کاکایش نائب السلطنه سردار نصرالله خان، رهبر جناح محافظه کاران سنت گرا، را از صحنه بیرون راند تا ج و تخت سلطنت را تصرف کند.

گرچه هردو رهبر با تمایلات امیر حبیب الله خان به طرفداری انگلیس‌ها در جریان جنگ اول جهانی مخالف بوده و خواهان شرکت افغانستان در جنگ جهانی و حصول استقلال کامل افغانستان بودند، اما برداشت شان از اصول اسلام و تطبیق آن در سیاست داخلی دولت متفاوت بود. ملی گرایان اصلاح طلب خواهان تجدد و یک نظام جدید اجتماعی در چوکات یک دولت مدرن ملی و متحکی بر اصول اسلام بودند. در حالیکه محافظه کاران سنت گرا مخالف هرگونه نوآوری بودند.

²⁸. پامیر، پیکار (۲۰۰۳)، ص ۳۸.

در رابطه با استحقاق جانشینی امیر حبیب‌الله خان، مطابق به رسم و رواج، معین السلطنه عنایت‌الله خان بحیث بزرگترین پسر امیر، بعد از پدر اولین جانشین شناخته میشد. نائب السلطنه نصرالله خان موقع داشت مطابق وصیت امیر عبد‌الرحمن خان و موافق امیر حبیب‌الله خان جانشین برادرش شود (او به تعقیب شنیدن خبر کشته شدن امیر در حالی که خارج خیمه امیر نشسته، و معین السلطنه را تسلی میداد گفته بود "وقت آنست که شما طوری با من پیش آئید که من هنگام فوت ضیاء‌الملت والدین با پدر شما پیش آمدم و صمیمانه خدمت نمودم²⁹"). عین‌الدوله امان‌الله خان بعد از دومین برادر بزرگش، عضو‌الدوله حیات‌الله خان در دیف چهارم قرار داشت.

سردار نصرالله خان برای ادعایش بحیث امیر از حمایت خوبی برخوردار بود. او علاوه بر اینکه رهبر گروپ مذهبی و سنت گراید، در دوران امارت امیر حبیب‌الله خان بعد از امیر قدرتمند ترین شخص بود. حامیان وی شامل بودند بر عنایت‌الله خان پسر بزرگ حبیب‌الله خان، شاه آغازی علی احمد خان، خانواده متنفذ مصاحبان، حاجی عبد‌الرازق خان‌اندری (که با متنفذین قبایل سرحد ارتباطات نزدیک داشت)، میرصاحب جان پاچای اسلام پور (مشهور به شیخ پاچای اسلام پور کنر، خلیفه و مسئول لنگر ملا نجم الدین آخندزاده هده) و تعداد کثیری از اعضای خانواده سلطنتی و درباریان ملکی و عسکری که امیر حبیب‌الله خان را در جلال‌آباد همراهی میکردند.

رهبران دینی با صدور فتوای که امیر شهید باید مطابق به سنت شهدا هرچه زودتر در همان لباسی که در وقت شهادت به تن داشت، بدون معطلی برای تشریفات و مراسم خاص، توسط جانشین وی به خاک سپرده شود³⁰ زمینه انتقال فوری قدرت به نائب السلطنه نصرالله خان را مساعد ساختند. سردار عنایت‌الله خان پس از ارشاد امیر که او هم در وقت شهادت پدر در آنجا بود، به کاکایش نصرالله خان بیعت نمود و به پیروی او عضد‌الدوله حیات‌الله خان پس دومی امیر که یکی از سرافسران بلند رتبه نظامی بود، بیعت خود را به نائب‌السلطنه اعلام کرد. بنا به روایت نماینده انگلیس، حافظ سیف‌الله خان، که خود در صحنه حضور داشت، مراسم دستاربندی (تاج‌چوشی) توسط رهبران برجسته دینی ولایت مشرقی به شمولیت و داوری سید حسن گیلانی نقیب

²⁹. غبار، میر غلام محمد (۱۳۲۲) ص ۷۴۱

³⁰. نوید، سنzel (سنچل) / ترجمه مجددی، نعیم (۱۳۸۸)، ص ۶۱.

صاحب چهار باغ، میر محمد معصوم مشهور به حضرت صاحب چهار باغ و سید جان مشهور به پاچا صاحب اسلام پور (اسم درست میر صاحب جان است-ز) انجام یافت.³¹

در نماز جمعه خطبه بنام امیر نصرالله خان خوانده شد. امیر جدید ضمن ارسال فرامین به ولایات افغانستان و طلب بیعت، نامه هم به وایسراى هند بریتانی فرستاد و اطلاع داد که "به ساعت ۳ شب پنجم شنبه اعلیحضرت سراج الملک و الدین در کله گوش درۀ لغمان از طرف شخص مجھولی بضرب تفنگچه شهید شد، همه گی مرأ به سلطنت انتخاب نمودند، تعلقات حکومتین را مانند سابق انشاء الله دوستانه قایم خواهم داشت.

اما امان الله خان عین الدوله که در غیاب پدر نیابت سلطنت را در کابل به عهده داشت، و یا بنابر اپور نماینده انگلیس، در حقیقت هنگام کوچ کشی اجتناب از سرمای سخت زمستان امیر حبیب الله خان و دربارش به جلال آباد، ازین آسایش محروم وبصورت جزائی در کابل مانده بود³²، با شنیدن خبر مرگ پدر، اداره اردو و مهمات عسکری را در کابل بدست گرفته، جلوس نصرالله خان را به تخت پادشاهی در جلال آباد فوراً رد نمود. او با دائر کردن جلسه ۲۱ فبروری دربار، نصرالله خان را در قتل پدرش مجرم دانسته اعلام نمود که به مجرم قتل بیعت نخواهد کرد. امان الله خان همچنان ادعا نمود که دو برادر ارشدش با موافقت نمودن به غصب سلطنت بوسیله نصرالله خان، حقوق خود را برای رسیدن به تاج و تخت سلطنت ساقط کرده اند. او با تقاضای کیف و مجازات قاتلین پدرش توانت حمایت افسران اردو و نجباى و فادار به امیر شهید را بدست آورد.³³

شادروان فیض محمد کاتب هزاره در جلد چهارم سراج التواریخ علل بیعت نکردن امان الله خان به کاکایش را طوری که ملا غلام محمد خان از احوال کابل نزد امیر نصرالله خان حکایت کرده است، چنین مینویسد: «وجه اول، از شجاع الدوله خان فراش باشی فرستاده و حامل نامه امارت او معلومات حاصل کردم که تا دفن خاک کردن پدرم، چهره و رخسار او را با آن مرحمت و ملاحظت زیاد برادرانه که نسبت به عم مبذول داشت اعتنا نکرده، به چشم ندید. وجه دوم، در پس تجسس و تفحیص و به دست آوردن قاتل نیفتاد، و هر چند بعضی از خدمه پدرم اصرار به دریافت قاتل نمود، او نشنید و اقدام در

³¹. همانجا ص ۲۲.

³². ص ۲ راپور محرمانه شماره ۲۰/۲۸۹ ب، شعبه سیاسی و امنیت استخبارات انگلیس.

³³. نوید، سنzel/ترجمه مجددی، نعیم (۱۳۸۸)، ص ۷۳.

جستجو نکرد... وجه سوم، به لحاظ قبرستان نشدن باغ شاهی، که شایسته دفن او بود، او را متواری نساخته، از راه تحقیر در میدان گلف به خاکش سپرد تا به عالم معلوم و هویدا باشد که در حیات خود میل لهو و لعب زیاد داشت، بنابران در بازیچه گاه دفن گردیده است. وجه چهارم، در پاره از بیانات خود الفاظ نامناسب و ناشایس نسبت به ذات ملوکانه یاد کرد. وجه پنجم، به محض اظهار علی احمدخان ایشک آقاسی ملکی، نظر به اطراف و جوانب و عواقب کار نکرده پذیرفتار امارت و به عزم تسلیت و خاطر جوئی برادر بزرگم معین‌السلطنه و ما پسران اعلیحضرت شهید انک مکث و انکار و ابایی نکرد. وجه ششم، مرا از خود بیگانه و مخالف دانسته فوراً تیلفون جلال آباد و کابل را قید فرمود.³⁴

آقای مجددی از قول کاکاخیل درباره علت متهمن ساختن نصرالله خان به قتل پدرش مینویسد که قبول کردن سریع سلطنت توسط نصرالله خان، آنهم بدون دعوت زعمای قبایل، خانواده سلطنتی و اعضای شورای مشورتی باعث سوژه نماند.³⁵

محبوبیت امام الله خان در قلوب مردم، تسلیمی افسران عالیرتبه عسکری به امام الله خان در کابل، کنترول بر خزانه دولت، فعالیت سریع و وسیع طرفداران امام الله خان در مشرقی، شورش قوای عسکری در جلال آباد، رسیدن مکتوب و نقل بیعت نامه مردم و مامورین ملکی و نظامی کابل بنام امیر امام الله خان، تفصیل شفاہی اوضاع کابل توسط شجاع الدوله خان به نصرالله خان، اعلام استقلال توسط امام الله خان و مشکلات داخلی و خارجی دیگر سبب شدت نصرالله خان با وجود تعهدات و حمایت رهبران متنفذ دینی، جهت اجتناب از خون‌ریزی و جنگ داخلی، بتاریخ ۲۸ فبروری اعلام کند که خواهان سلطنت افغانستان نمی‌باشد.³⁶

شادروان غبار نیز مینویسد که نائب‌السلطنه مایل به خونریزی نبوده طرح نقشه جنگی طرفدارانش را نپذیرفت. به اساس این نقشه قرار بود دوست محمد خان ناظم با قوای نظامی گردیز از طرف جنوب، معین‌السلطنه با مردم‌تگاو و مستوفی‌الممالک از سمت شمال، و خود سردار با قوای نظامی مشرقی از طرف شرق بر کابل حمله برنند. شیخ

³⁴. کاتب، فیض محمد (۱۳۹۰) سراج التواریخ، جلد چهارم بخش سوم، ص ۷۷۳.

³⁵. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ص ۳۳.

³⁶. متن استعفای نائب‌السلطنه، مؤرخه، ۲۵ جمادی الاول ۱۳۳۷، مطابق به ۲۸ فبروری ۱۹۱۹، در شماره ۲ جلد ۱ جریده امان افغان بچاپ رسیده است..

پاچای کنری هم بدون اینکه موفق شود، تلاش نمود که نصرالله خان را از قبولی استعفاء منصرف نماید و حتی تعهد کرد که ده هزار نفر مهمندی مسلح از عقب بر کابل بتازند و عین الدوله را گرفتار کنند. سردار نصرالله گفت که من از پادشاهی که بالای خون بنا گردد گذشتم آنگاه او به منشی خود میرزا محمد خان امر کرد که بیعت نامه او را به عنوان امیر امان الله خان بنویسد.³⁷

آقای مجددی با اشاره به جریانات سیاسی در جلال آباد، که اثر مستقیم در سقوط سلطنت نصرالله خان داشت مینویسد که "استعفای امیر نصرالله خان را نباید فقط با خاطر جلوگیری از خونریزی و یا حب اسلام و مسلمین دانست. امیر نصرالله خان شخص ذکی و عاقل و مرد سیاسی بود و از اوضاع چهار طرف خود اطلاع کامل داشت و میدانست که جنرال نادر خان و برادران وی در خفا با امان الله خان وابسته‌اند و شجاع الدوله شخص قابل اطمینان نیست".³⁸

ریه تالی ستیوارت در اثر معروف خود، آتش در افغانستان" مینویسد که «باز روز جمعه رسید، و نصرالله خان که مدام نمازهای جمعه را در مسجد با جماعت میخواند، از شنیدن خطبه بنام امیر امان الله خان شگفت زده شد. ملا این خطبه را تحت فشار سرنیزه خوانده بود، که این حرکت حتی برای دوستان مذهبی نصرالله خان هم خیلی سریع بود. چند دسته از جنگجویان قبایلی کوشیدند برای کمک او به جلال آباد داخل شوند، اما توسط نگهبانان مجبور به بازگشت شدند. نصرالله خان که چاره نداشت، مسجد را ترک گفت، عمدۀ ترین افراد را جمع نموده، به نفع امان الله خان استعفا نمود». ³⁹

انگلیس‌ها که از تزدیک ناظر اوضاع بودند در این مورد نتیجه‌گیری‌های مختلف نموده‌اند. روز کیپل، کمشتر عالی ایالت سرحدی شمال غربی عقیده داشت که نصرالله خان در صورت داشتن پول وقت کافی می‌توانست به کمک رهبران مهم‌دینی، که همه از او پشتیبانی می‌کردند، یک لشکر قوی قبایلی جمع آوری نموده قوای عسکری حکومت کابل را مغلوب سازد. اما ریچارد مکوناچی اظهار نموده است که شکست نائب السلطنه نتیجه‌حتمی امواج خروشان ملیگرائی در افغانستان بود "بجا خواهد بود بگوئیم که موفقیت امان الله خان نه تنها معلول تاکتیک‌های عالی وی، بلکه ناشی از

³⁷. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۷)، ص ۷۴۳.

³⁸. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ص ۳۲.

³⁹. Stewart, Rhea Talley (1973).

حقایق و سیعتریست که قبلاً در جامعه مشهود بوده و نبض همه جنبش‌های شرق بشمار می‌رود، زیرا این جنبش‌ها اغلب‌رنگ ملیگرائی دارند تا مذهبی. در هر حال، قشر مذهبی هنوز طرفدار نصرالله هستند، در حالیکه مردم و قوای عسکری به امان‌الله روی آورده‌اند.

امان‌الله خان درست در همان روزی که نائب‌السلطنه استعفایش را اعلام کرد به سلطنت رسید و رسماً توسط‌رهبران دینی در کابل تاج پوشی شد. حضرت فضل‌محمد مجددی، بعد‌ها مشهور به شمس‌المشايخ، با آخوند زاده حمید‌الله، مشهور به ملا صاحب‌تگاب، مراسم دستار‌بندی وی را در مسجد عید گاه کابل انجام دادند.

عواملی که باعث پیروزی امان‌الله خان شد

غایبه امان‌الله خان برادعا‌های کاکا و برادرش سردار نصرالله خان و سردار عنایت‌الله خان برای عده‌زیادی تعجب‌آور بود. پیروزی امان‌الله خان بنا بر دلایل متعددی مشکل بنظر میرسید. او نه ولی‌عهد وارث تاج و تخت بود، نه مثل نصرالله خان و عنایت‌الله خان در دربار نفوذ داشت، و نه هم در تقرر مامورین عالی‌رتبه ملکی و عسکری نقشی. بعضی از عوامل پیروزی امان‌الله خان قرار ذیل‌اند:

أ. اخلاق نیکو و محبوبیت در قلوب مردم

امان‌الله خان شخص فعال و سخت‌عاشق کشور، استقلال و مردمش بود. غبار مینویسد که "شهزاده امان‌الله خان، مادامیکه در فصول زمستان که امیر غالباً به شهر جلال‌آباد مصروف عیاشی می‌بود، بصورت نوبتی نیابت سلطنت را بعده می‌گرفت، (و) سعی می‌کرد با بذل و بخشایش و توجه به حال عارضین، فقرا و حاجمندان و عساکرو مامورین، دلها را شاد نماید. وقتی هم که امیر در زمستان سال ۱۹۱۹ م در محل "کله گوش" لغمان به قتل رسید، شهزاده امان‌الله خان نیابت سلطنت را بعده داشت و به حمایت و درایت علیاً حضرت (ملکه)، اعضای جنبش مشروطیت (بخش‌های داخل و خارج دربار)، عساکرو اهالی کابل از موقعیت خویش استفاده نموده اعلان پادشاهی نمود و با این اقدام، سایر رقبا و مدعیان سلطنت را در برابر عمل انجام شده قرارداد."

بنا به گزارش نماینده انگلیس در کابل "امان‌الله خان برای اینکه مورد توجه اشخاص مهم و با نفوذی که از ولایات به کابل می‌آمدند، قرار گیرد، وظیفه خود میدانست به مشکلات آنها رسیدگی کند. اگر هدف سفر به کابل ملاقاتات با خود امان‌الله خان بود، او

شخصا با آنها میدید، و قبل از آنکه به خانه‌هایشان بازگردند، برایشان تحایف گرانها را تقدیم میکرد. امان‌الله خان در مدت کمی توانست دوستی رهبران مهم مذهبی مانند حضرت شوربازار⁴⁰، شاه‌صاحب قلعه قاضی و همچنان رهبران قومی مثل میرزمان خان کنری⁴¹ را کمایی کند. راپور علاوه میکند که اگر اتفاق می‌افتد که شخص مهمی دچار مشکلات و بندی شود، امان‌الله خان فورا برای آزادی اش دست بکار می‌شود. اگر قضیه بیرون از صلاحیت اداری او مبیود و مربوط به حبیب‌الله خان یا نصرالله خان می‌شد، در آنصورت امان‌الله خان در خفا به نمایندگی از شخص مذکور پول مصرف کرده، با او در تماس مانده و با همدردی و مهربانی باعث دلخوشی اش می‌شود... امان‌الله خان در صورت مریضی اشخاص مهم از آنها عیادت نموده، و اگر میمردند، در مراسم فاتحه شان شرکت میورزید. ازین طریق شخصیت امان‌الله خان تبارز یافته و در افکار مردم چنان تاثیری گذاشت که همه او را دوست حقیقی شان میدانستند.⁴²

به اساس یادداشت‌های خانواده مؤلف داستان آشنایی امان‌الله خان عین‌الدوله و میرزمان خان کنری، که بعداً با گذشت زمان و آزمون‌های متعدد به دوستی عمیق تبدیل شده و تا آخر عمر ادامه داشت، یک مثال خوب این نوع طرز برخورد امان‌الله خان بوده میتواند (برای معلومات بیشتر به قسمت ضمایم مراجعه کنید).

⁴⁰. حضرت فضل محمد مجده ملقب به شمس المشایخ رهبر خانواده پرنفوذ روحانی شوربازار تا به آخر حیاتش از غازی امان‌الله خان حمایت نمود، درحالی که بعداً برادران شان حضرت فضل عمر مجده ملقب به نورالمشایخ (شیرآغا) و حضرت محمد صادق مجده مشهور به آقای گل به مخالفین سرسخت امان‌الله خان تبدیل شده در سقوط دولت امانی نقش بارزی داشتند.

⁴¹. برای معلومات بیشتر راجع به غازی میرزمان خان کنری به کتب جنگ استرداد استقلال افغانستان: جبهه فراموش شده چترال و کنر، دمومندو په مشهورو غزاگانو کې د غازی میرزمان خان وندې، و د استقلال خلورمه جبهه مراجعه شود. این کتب در انترنيت به ادرس www.zamanifamily.com/publications.html در صفحه نشرات نیز موجود اند.

⁴². راپور محترمانه شماره ۲۰/۲۰ب، شعبه سیاسی و امنیت استخارات انگلیس در ارشیف اسناد هند بریتانی. همچنان Asta Olesen (1995)، ص ۱۷۷، فقره ششم راپور برای دو هفتۀ اول اپریل ۱۹۱۹.

حافظ سیف‌الله خان و کیل انگلیس‌ها در کابل⁴³ راجع به محبوبیت امان‌الله خان چنین نوشته است: «راپور‌ها حاکیست که امیر جدید شب و روز در دربار مصروف رسیدگی به شکایات تمام کسانیست که مراجعت می‌کنند. گفته می‌شود که او بدون کدام امتیاز و توجه خاص اماده و در دسترس تمام مردم است، که فقدان این خصوصیت‌والی هر دل عزیز بودن به همه طبقات بالا و پائین رعیت، در دوران سلطنت پدرش کاملاً کمبود بود. .. مردم این امیر جدید تمجید می‌کنند که (یا به ابتکار خودشان و یا به درخواست حلقات ذینفع) مدعی شده‌اند که امان‌الله خان حتی مطابق به شریعت (قوانين) اسلامی نیز وارد برق تاج و تخت شناخته می‌شود.».



1. شهزاده امان‌الله خان با علیا حضرت مادرش

43. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، Oriental and India Office Collections، L/P&S/10/203

ب. توجه، پرورش و تدبیر سیاسی مادرش علیا حضرت (سراج الخواتین)

علیا حضرت سرور سلطان (سراج الخواتین) مادر امان‌الله خان، دختر شاغاسی شیردل خان و یک زن شجاع و مصممی بود که در پرورش و تربیت فرزندش نقش مهمی داشت اقای پیکار پامیر در اثر «ظهور و سقوط اعلیٰ حضرت امان‌الله خان» مینویسد که «علیا حضرت روی دلایل قوی‌یی که نزد خودش وجود داشت، فرزند خویش (اماں اللہ) را مستحق تاج و تخت افغانستان میدانست و بهمین ملحوظ کلیه نیرو، استعداد و فراستش را در این زمینه بکار گرفته بود. حتی موصوفه، شهزاده امان‌الله خان را در هر سال برای مدتی به شهر قندھار میفرستاد تا با مردم آن ولایت، با اقوام، خصایص و طبیعت آن محیط نیز آشنا شود». ⁴⁴

ج. نقش محمود بیگ طرزی و اندیشه‌های جنبش مشروطیت

عامل مهم دیگری که در رشد شخصیت امان‌الله خان در پهلوی ذهن روشن و ذکاوت و درایت و شجاعت لازم خودش، نقش مهم داشت، تاثیرات اندیشه‌های ضد استعماری، استقلال طلبی و اصلاحات داخلی پدرزنش محمود طرزی بود.

نام محمود طرزی با نام سراج‌الاخبار ⁴⁵ پیوند ناگسترنی دارد. محمود طرزی با انتشار دوباره سراج‌الاخبار (سالهای ۱۹۱۸-۱۹۱۱) ترقی خواهان را دوباره به هم وصل کرد و زمینه مهمی را برای غنای فرهنگ و ادبیات در افغانستان بوجود آورد. سراج‌الاخبار از نظر سیاسی علیه استبداد داخلی آن دوران و عیله استعمار خارجی، یعنی استعمار انگلیس، موضع گرفته نقش ماندگاری را در بیداری جامعه بجای گذاشت.

44. پامیر، پیکار (۲۰۰۳)، ص ۳۱.

45. این نشریه در زمان امیر حبیب‌الله خان بنشر رسید. در مرحله اول که نشر آن در سال ۱۲۸۴ شمسی بود، فقط به یک شماره محدود ماند و مسئولیت آن را عبدالرؤف قندھاری بر عهده داشت. مرحله دوم انتشار سراج‌الاخبار شش سال بعد در سال ۱۲۹۰ شمسی منتشر شد که مسئولیت آن را محمود طرزی بر عهده داشت. سراج‌الاخبار در هر ۱۵ روز یک بار منتشر می‌شد و نقش مهمی در شکل‌گیری تجدد در افغانستان آن دوره دارد. چون این جریده در تغییرات فکری مردم خیلی اثر داشت، و مردم را بر علیه انگلیس‌ها ترغیب می‌نمود در بار دوم پس از ۸ سال فعالیت ممنوع قرارداده شد.

در ستون مقاله مخصوصه، محمود طرزی، درباره موضوعات مهم و ملی مینوشت و به شیوه خیلی مدبرانه افکار ترقی خواهانه و آزادی طلبانه خود را از کشورهای همسایه



۲. محمود بیگ طرزی حین صحبت در مورد شماره ۱۲
سال اول جریده سراج الاخبار (۱۹۱۲)

آغاز کرده و به روشنفکران و نهضت طلبان افغانستان راهها و شیوه‌های مبارزه علیه دولت انگلیس را درس میداد. مقاله‌های نشر شده مثل مسلمانی در چیست؟، چه بودیم و چه شدیم؟، مسلمانان کدام علم را بیاموزند؟ آیا مانع ترقی مسلمانها چیست؟ آیا براستی اسلامیت دشمن علم و حکمت است...؟ اتحاد اسلام، استقلال افغانستان، شناخته شدن استقلال افغانستان، افغانستان چقدر مستعد و قابل ترقی و تمدن است؟، موانع خارجی معارف افغانستان، فلسفه اسلامیه، آیا علم را محدود بگوئیم یا غیر محدود؟، و بسا مقاله‌های دیگر سریعاً به خوانندگان جریده راههای آزایخواهی و آزاد منشی را روشن می‌ساخت.

وطن دوستی و وحدت و اتحاد نیروهای ملی و مبارزه با استعمار انگلیس و آزادی افغانستان در مقالات محمود طرزی در اولویت قرار داشت. مقالات حیی علی الفلاح (مؤرخ ۸ جنوری ۱۹۱۲) و مقاله استقلال دولت علیه مستقلة افغانستان (شماره ۱۳ فبروری ۱۹۱۸) مردم را به قیام ضد انگلیسی و حصول استقلال و آزادی افغانستان دعوت کرد.

به رویت اسناد موجود در آرشیف هند بریتانی در لندن، تنها حکومت هند بریتانی، بلکه دولت روسیه تزاری هم برای ضعیف و یا خنثی ساختن اثرات جریده سراج الاخبار رسمآ دست به اقداماتی زده‌اند. در سال ۱۹۱۷ دولت روسیه تزاری در ترکستان سعی نمود بوسیله انگلیس‌ها بر امیر حبیب‌الله خان فشار وارد کند تا خط مشی سراج الاخبار را عوض کند.⁴⁶ نائب السلطنه و گورنر جنرال هند بریتانی قبلاً به امیر حبیب‌الله خان نوشته بود که «من ازین متأسفم که از طریق دفاتر خود دریافتتم که در اخبار اصلاحات پیدا نشده است هدف من، متوجه مستقیم مطالب در کاپی ۱۲ اپریل ۱۹۱۵ است که بخاطر معلومات شما ضمیمه شده است... از نوشته این شعر پشتون بر می‌آید که واضح اراده دارد مستقیماً به مردم سرحد مراجعه کند».⁴⁷ حافظ سیف‌الله خان عامل انگلیس در کابل در یکی از راپورهایش مینویسد که امیر حبیب‌الله خان به محمود طرزی نوشت «محمود طرزی پسر غلام محمد طرزی ادیتور اخبار! باید بدانی که در آینده چنین مطالب غیر مؤثث را علیه بریتانیا نوشه نکنید، چه آنها دوست حکومت ما میباشند. اگر دوباره بدین طریق نوشه کردید، بدون ملاحظه از کشور خارج ساخته خواهید

⁴⁶. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، گرانت، ۵ مارچ ۱۹۱۷

⁴⁷. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، یادداشت ۵ می ۱۹۱۵، L/P&S/11/188

شد». ۴۸ حافظ سیف‌الله خان باز هم مینویسد که من از چندین منبع شنیدم که محمود طرزی ادیتور اخبار سراج الاخبار کابل توسط امیر نتنها سرزنش و توبیخ شده است بلکه جزا واقعی هم دیده است، و یک قسمت قابل ملاحظه معاش اش که از حکومت افغانستان برای ادامه زندگی خود میگرفت قطع شده است و آن بخاطر لهجه مخالفانه اش که در اخبار راجع به سیاست دولتی بریتانیا اختیار نموده است. گفته شده که نائب السلطنه و معین السلطنه در زمینه به شفاعت او نزد امیر پرداخته اند.

محمود طرزی به خاطر نگارش مقاله تحت عنوان «حی علی الفلاح» که دربار از نشر آن جلوگیری کرد، از طرف امیر حبیب‌الله خان توبیخ شد و خود امیر در حاشیه مقاله یاد شده نوشت که «محمود بی وقت اذان داده است و مرغی که بی وقت اذان بدهد سرش از بریدن است». (در قسمت ضمایم مقاله «حی علی الفلاح» را تا آخر خوانده میتوانید).

امان‌الله خان ازین مقالات سراج الاخبار با علاقمندی زیات مستغیض میشد و ازدواجش با ملکه ثریا، دختر محمود طرزی، به او فرصت مناسبی را میسر میساخت تا در خلوت خانوادگی راجع به این نظریات و پروگرام‌های نشر شده، بحث و گفتگو کنند.

همین نظریات و گفتگوها حس وطن پرستی، مردم دولتی، استقلال طلبی، ترقی خواهی و آزادمنشی امان‌الله خان را تقویت بخشید، و برای او در قلوب مشروطه خواهان و مبارزین اصلاح طلب جایگاه خاصی را بدست آورد.

۵. فعالیت سریع و وسیع طرفداران امان‌الله خان در مشرقی

طوری که قبل از ذکر شده، سردار نصرالله خان برای ادعایش بحیث جانشین امیر از حمایت خوب گروپ مذهبی و سنت‌گرا، برادران امان‌الله خان، خانواده متنفذ مصاحبان، خانواده ناظر صفر محمد خان، حاجی عبدالرازق خان اندر⁴⁹، میر صاحب

48. اسناد محروم‌آرشیف هند بریتانی، یادداشت ۷ نومبر ۱۹۱۵، L/P&S/110/203.

49. حاجی ملا عبدالرازق خان اندر تعلیمات دینی اش را در هند بریتانی به پایان رسانده، ملا امام دربار امیر حبیب‌الله خان و رئیس مدرسه سلطانیہ کابل بود.. برای مدتی معلم سردار حیات الله خان نیز بوده، و در سفر هند اور اهل همراهی کرد.. مطابق راپورهای استخبارات هند او در سال ۱۹۰۸م با ۱۵۰ نفر از همراهانش میخواست راهی جنگ با انگلیس شود، که امیر حبیب‌الله خان مانع شد. حاجی ملا عبدالرازق خان مورد اعتماد زیاد سردار نصرالله خان بود و تمام ارتباطات با سران قبایل سرحد از طریق او صورت میگرفت. او پس از کشته شدن امیر حبیب‌الله خان با دو پسر اش عبدالرحیم خان و عبدالرب خان از طریق کامه به منطقه مهم‌مند رفت. چون او از مدت

جان پاچای اسلام پور کنر، و تعداد کثیری از اعضای خانواده سلطنتی و درباریان ملکی و عسکری که امیر مقتول را در جلال آباد همراهی میکردند، برخوردار بود.

گرچه در جریان مجادله برای کسب قدرت بین ناصرالله خان و امان‌الله خان هرجائی که مخالفت با اخیرالذکر احساس شد عساکر محل ازو طرفداری کردند، (مثلاً در قطعن والی ناظر محمد صفر خان را که برای نائب السلطنه بیعت نامه ترتیب کرده بود، معزول و محبوس به کابل فرستادند، در میمنه جنرال عبدالغفار خان از طرف حامیان امان‌الله خان گرفتار شد، و این کار بعد‌ها در هرات و مزار شریف نیز تکرار شد، ولی روند جریانات سیاسی در جلال آباد بود که در سقوط سلطنت ناصرالله خان تاثیر مستقیم داشت، و درین زمینه میتوان به آسانی نقش مهم تلاش‌های میرزمان خان کنری را، که در اولین لحظات کشته شدن امیر حبیب‌الله خان از زندان شیرپور آزاد شده بود، درک نمود.

از علت استعفای سردار ناصرالله خان نیز روشن است که او مقاومت شدید حامیان امان‌الله خان را درک و گویا بخاطر جلوگیری از خونریزی از ادعاییش گذشته و بیعت نامه اش را به امان‌الله خان فرستاد.

در کتاب آقای مجددی میخوانیم که "جنرال نادر خان اسباب صرف نظر کردن امیر ناصرالله خان را از سلطنت افغانستان حرکت سریع طرفداران امیر امان‌الله خان میداند و میگوید که طرفداران امان‌الله خان درین فرقه‌های عسکری داخل شده شبناهه‌ها توزیع مینمودند و عساکر را علیه دولت جلال آباد به شورش دعوت میکردند. مجددی اضافه

طولانی با قبایل سرحد سروکار داشته و از نفوذ زیاد برخوردار بود، لذا رفتنش به منطقه مهم‌مند مخفی نمانده، کمپاینی به طرفداری نظرالله خان تلقی شد. حاجی عبدالرازق خان بعد از رفت‌تن به منطقه صافی و کندھاری‌های مهمند، خود را به حاجی صاحب‌ترنگری رسانده و از آنجا نزد ملای معروف بابره به منطقه باجور رفت. حاجی عبدالرازق خان چند روز بعد ذریعه‌یکی از خویشاوندانش فرمانی از امیر جدید امان‌الله خان گرفت که در آن نوشته شده بود "از حضور والا به موجب فرمان‌هذا شما را خبر داده امر فرموده میشود که به کمال خاطر جمعی تمام عازم دارالسلطنه کابل گردیده شرفيابی حضور انور والا را حاصل میدارید". او بعد از مشوره با دوستانش تصمیم گرفت نخست پسرش حافظ عبدالرب را به کابل بفرستد. به اساس همین مشوره، بیعت نامه اش را توسط عبدالرب و محمد بشیری‌یکی از مجاهدین هندی به کابل فرستاد. حاجی عبدالرازق خان بعد از تماس با غازی امان‌الله خان بحیث رئیس تبلیغات قبایل سرحد آزاد تعیین شد.

میکند که شش ساعت بعد از اعلان سلطنت نصرالله خان طرفداران امان الله خان به جلال آباد رسیدند و مثل برق به هر طرف پراگنده شده فرمانهای امان الله خان را توزیع نمودند و هم پول بین مردم توزیع نموده مردم را برای بیعت امان الله خان دعوت میکردند⁵⁰.

در بیوگرافی یا تاریخچه زندگی جنرال محمدنادر خان که تحت عنوان "نادر افغان" در سال ۱۳۱۰ شمسی توسط برهان الدین کشککی انتشار یافته ذکر شده است که "... از یکطرف تمام ذرائع خبرسازی افغانستان زیر سانسور گرفته شد، و جمیع اعلانهای امارت نصراللهی و فرامین شاهی مشرقی از بین راه گرفته شد، و تمام معابر و خطوط مواصله را تحت نظارت شدید عسکری گرفتند، و از طرف دیگر ذریعه اعلانهای اشتعال آمیز خود و تبلیغات جمعیت‌های متعدد پروپاگندچی که بهر سمت و هر نقطه مخصوصاً در مشرقی بتعداد زیاد ذریعه موثرها اعزام، و در طرف شش ساعت به فتح آباد مواصلت و از آنجا پیاده شده ... تا در القای یک بلوا، و برپا کردن یک آشوب قیامت نما، علی الفور اقدام نمایند و تمام هیئت معیت امیر نصرالله را تارومار، و عماید و اراکین سلطنت را گرفتار کنند. در اثر این تشیبات اساسی و اقدامات مؤثرة حکومت امانی نه تنها سلطنت نصراللهی سقوط، بلکه یک هرج و مرج شدیدی سرتاسر مشرقی را فراگرفت، اشخاص معظم و اراکین بزرگ حکومت سراجیه، که در آن ضمن خاندان سردار یحیی خان و فامیل امیر نصرالله خان و منسوبین و متعلقین سردار عنایت الله خان معین السلطنه هم شامل بودند یکی بعد از دیگری بندی شده محبوساً بکابل فرستاده شدند⁵¹".

در مورد فعالیت طرفداران امان الله خان به یک نمونه از راپور وکیل انگلیس‌ها در کابل توجه کنید. او مینویسد که "گفته میشود سید مختار پاچای بتیکوت بخاطری زندانی و به زنجیر کشیده شد که برای حمایت از نصرالله خان، اگر خواسته باشد با برادرزاده اش امیر جدید بجنگد، آمادگی پنج هزار جنگجوی قومی را اعلام کرده است⁵²".

میتوان خلاصه کرد که محبوبیت شخصی، اخلاق نیکو، برخورد رحیمانه با مظلومان و مامورین ملکی و عسکری، روش سخاوتمندانه با مستمندان و صمیمیت با مشروطه خواهان برای امان الله خان حمایت رعیت را کمایی کرد. توام با کنترول بر اردو و خزانه

⁵⁰. مجده‌ی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ص ۳۶.

⁵¹. کشککی، برهان الدین (۱۳۱۰)، صفحات ۹۴-۹۵.

Oriental and India Office Collections, L/P&S/10/203 .⁵²

دولت در کابل، فعالیت سریع و وسیع طرفداران امان‌الله خان در مشرقی بود که موجبات پیروزی اش را فراهم کرد. پیروزی ایکه در آن "در جلال‌آباد سپاه از بین خود یکنفر عسکر هراتی بنام غلام رسول خان را وکیل و قوماندان خویش قراردادند. این قوماندان جدید عسکر محافظه بالای خزانه و گدام و جبا خانه و تمام ادارات دولتی بگماشت و خطبه بنام امیر امان‌الله خان بخواند، بیرق شاهی نائب السلطنه را از بام عمارت فرود آورد و نائب السلطنه را با احترام تحت نظر و حفاظت نگهداشت، سردار محمد نادر خان سپه سالار و خاندانش را با مرزا محمد حسین خان مستوفی‌الممالک محبوس و توسط قشون محافظه‌بزیر قوماندان شاه علیرضا خان کند کم‌شرب کابل فرستاد و بیعت سپاه را توسط نماینده خود بدربار کابل روانه کرد".⁵³

انگلیس هانمیخواستند شهزاده امان‌الله خان جانشین امیر شود

انگلیس‌ها تخت‌نشینی امان‌الله خان را منافی مقاصد خود دانسته نمیخواستند شهزاده امان‌الله خان که یکی از ملی گرایان، آزادی خواهان و اصلاح طلبان پر‌شور بود، جانشین امیر حبیب‌الله خان شود.

سامورین انگلیس حتی از اوایل سال ۱۹۱۷ را پورهای در دست داشتند که از اوج مبارزات ملی گرایان و نظریات و افکار آزادی خواهی و ضد استعماری شهزاده امان‌الله خان، محبوبیت رو به ازدیاد و احتمال بقدرت رسیدن وی با وجودی که ولی‌عهد نبود و فرزند سوم امیر بود، آگاهی کامل میداد.⁵⁴ اگرچه مرگ امیر حبیب‌الله خان بصورت آنی و غیر متوجه بود، آنها میدانستند که ممکن قتل امیر نتیجه یک نوع مبارزه طلبی باشد. آنها پیش‌بینی میکردند که در صورت تصادم بین نیروهای ملاها و روحانیون که از نصرالله خان طرفداری میکردند و ملی گرایان که از امان‌الله خان طرفداری میکردند، نصرت و برتری را ملی گرایان حاصل خواهند کرد.⁵⁵ آنها به همین دلیل برسミت شناختن نصرالله خان بحیث امیر جدید را به تعویق انداختند.

. غبار، میر غلام محمد (۱۳۲۲) ص ۷۴۴.⁵³

. Adamec, L. W. (1967). ص ۱۰۸.⁵⁴

. آدمک، لودویک، دبلیو (۱۳۷۰)، ص ۷۶.⁵⁵

وقتی سردار نصرالله خان یک روز بعد از شهادت امیر حبیب الله خان سلطنت خود را در جلال آباد اعلام کرد و با نائب السلطنه هند بریتانیوی بتماس شد. نائب السلطنه به لندن اطلاع داد «آرزوی ما یک جانشین سالم و توأم با صلح و رفیقانه است. اگرچه امیر قبلی مصمم به حفظ توازن بود، شاید این معیار روز بروز تغییر بخورد. زیرا پلۀ ترازو را نمیتوان یکسان نگهداشت. رفاقت نصرالله خان یقیناً برای ما گران تمام خواهد شد.»⁵⁶

چون انگلیس‌ها قبل‌از محبوبیت و امکانات اعلام جانشینی امان الله خان اطلاعاتی داشتند، لذا متوجه عواقب رفاقت نصرالله خان بوده، برسمیت شناختن نصرالله خان بحیث امیر جدید را به تعریق‌انداختند. بریتانیا به هند اطلاع داد که "در شناسائی حکومت جدید عجله نکنید تا آنکه نصرالله خان خود را خوب مستقر سازد".⁵⁷

وکیل انگلیس‌ها که هنگام ترور امیر حبیب الله خان در جلال آباد بود حتی بعد از آنکه تمام همراهان امیر مقتول به کابل برگشته‌اند، به کابل برنگشت و مشغول فعالیت‌های تخریبی بود. او خود در گزارش دو هفتۀ اول ماه اپریل خود نوشت: "قبل از آنکه جلال آباد را ترک کنم یک مراسله دوستانه با الفاظ ظریفانه از محمود طرزی گرفتم که آنرا بنام "ناظر خارجه" یعنی وزیر خارجه امضا نموده بود. وی ضمن آنکه من را از تقررش به این مقام مطلع می‌ساخت اظهار آرزومندی کرده بود که هر چه زودتر به کابل برسم." حافظ سیف الله خان که، بتاریخ ۳ اپریل جلال آباد را ترک گفته و بعد از مدت شش (۲) روز (مسافتی را که حد اکثر باید در دور روز طی می‌کرد)، بتاریخ ۹ اپریل به کابل رسید، در همان راپور ادامه میدهد که "من در راه کابل مکتوبی از امیر به امضای خودش گرفتم که در آن پرسیده بود چرا بعد از آنکه تمام هم‌کابان امیر مقتول از جلال آباد برگشته‌اند، من، که آخرین نفر هستم، به کابل برنگشته‌ام. او گفته بود که باید بزودترین فرصت بطرف کابل حرکت کنم".⁵⁸

روزنامه‌تایمز در شماره مؤرخ چهارم مارچ ۱۹۱۹ تحت عنوان "معمای افغانستان" نوشته:

The Mystery of Afghanistan

⁵⁶. همانجا

⁵⁷. همانجا

⁵⁸. اسناد محramaۀ استخبارات انگلیس L/P&S/10/203

The India Office has issued a new and rather clumsy statement about the Kabul succession, which begins with a recital of minor facts and ends with the surprising suggestion that Nasrullah Khan, brother of the murdered Habibullah , is not the new Ameer after all. According to the India Office, however, the people of Kabul declined to recognize Nasrullah's succession, and Amanullah Khan, who is the third son of Habibullah, declared himself Ameer in the capital. Thereupon, we are told, Nasrullah made submission to Amanullah. Until further information is forthcoming, it will be advisable not to assume that the succession has been finally decided.

روزنامه‌تاییز در شماره مؤرخ چهارم مارچ ۱۹۱۹ تحت عنوان "معمای افغانستان" نوشته:

"در یک اعلامیه جدید و نسبتاً بد ترکیب دفتر هند راجع به جانشینی کابل، که با قرائت حقایق جزئی آغاز میشد، بصورت تعجب‌آوری با این اشاره پایان یافت که نصرالله خان برادر امیر مقتول حبیب‌الله دیگر امیر جدید نیست .. دفتر هند اظهار میدارد که مردم کابل جانشینی نصرالله را رد نموده، و امان‌الله خان که سو مین پسر امیر میباشد، در پایتخت خود را امیر اعلان کرده است. بعد از آن‌باً گفته شد که نصرالله به امان‌الله تسلیم شده است. توصیه میشود که تا معلومات بعدی نباید تصور کرد که قضیه جانشینی بصورت قطعی فیصله شده است."

یک نمونه دیگر از تخریبات را در یک راپور دیگر و کیل انگلیس‌ها میخوانیم که میگوید: "هر صبح اعلانات و پوسترهای که امان‌الله را بحیث دروغگوی و دسیسه کار تقویح میکند، در بازارها و بارک‌ها نمایان میشوند. عاملین نصرالله خان و عنایت‌الله خان، که محبوس‌اند، هم شایعات ضد امان‌الله را پخش میکنند".⁵⁹

وقتی پیش‌بینی انگلیس‌ها درست ثابت شد و جناح محافظه کار و سنت‌گرا به رهبری سردار نصرالله خان به شکست مواجه شد، دولت انگلیس سعی ورزید که سردار نصرالله خان و یا سردار عنایت‌الله خان کمک آنها را قبول نموده به هند بریتانی پناهنده شوند. انگلیس‌ها از قدیم کوشیده بودند فرد یا افراد مخالف از فامیل سلطنتی را با خود به

حيث گروگان یا پناهنده سیاسی نگهداشته باشدند تا در صورت عدم اطاعت و سرکشی امیر کابل از آن به حيث مدعی تخت و تاج استفاده نمایند.⁶⁰

با مجبور شدن سردار نصرالله خان به کناره گیری، انگلیس‌ها تخت نشینی امان‌الله خان را مخالف مقاصد خود دانستند، و در صدد بهانه شدند تا افغانستان را مورد حمله قرار دهند، و به همین جهت قوای نظامی خود را در ایالت سرحدی شمال غربی بسیج ساختند.⁶¹ آنها همچنان با زیرپا گذاشتند موازین و پروتوکول‌ها به نامه ۳ مارچ ۱۹۱۹ امان‌الله خان تا ۱۵ اپریل جواب ندادند. چیلمسفورد درین مکتوب ۱۵ اپریل هم تنها از ضایعه بزرگ قتل فرمانروا صحبت نموده، ازینکه امان‌الله خان از انتخابش بحیث امیر جدید به او اطلاع داده اظهار امتنان نمود، ولی در رابطه با تقاضای استقلال هیچ ذکری نکرد.

امان‌الله خان برای آزمایش ذهنیت حکومت بریتانیا در هند نماینده سیاسی خود "عبدالرحمن خان" را برای اشغال و ظیفه سیاسی اش به هند اعزام داشت، وقتی او خود را بحیث نماینده سیاسی امیر امان‌الله خان به کمشترک عمومی ایالت شمال غربی معرفی کرد، روز کیپل ازا او پرسید که "کدام امیر؟" و به این وسیله وانمود ساخت که حکومت او هنوز امیر را به رسمیت نمیشناسد.⁶² حتی به تاریخ ششم ماه می سال ۱۹۱۹ وقتی سکرتر امور هند دولت بریتانیا پیغام پادشاه آنکشور عنوانی امان‌الله خان را به نائب السلطنه هند بریتانی فرستاد، در اخیر آن پیغام نوشت که این سند باید امان‌الله را بحیث امیر، نه اینکه اعلیحضرت خطاب کند.⁶³ توجه کنید به متن تلگرام:

Telegram P., dated the 6th (received 8th) May 1919"

From – His Majesty's Secretary of State of India, London

⁶⁰. کاکا خیل، سید بهادر شاه ظفر (۱۹۲۵) ص ۸۳۷.

⁶¹. کاکا خیل، سید بهادر شاه ظفر (۱۹۲۵) ص ۸۳۸.

⁶². آدمک، لودویک، دبلیو (۱۳۷۰)، ص ۷۰.

⁶³. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، تلگرام محترمانه مؤرخ ۲ می، بخش اول مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس. سند شماره ۷۱، شماره مسلسل ۱۴۳ مربوط به دوسيه پيروزى افغانها.

To—His Excellency the Viceroy (Foreign and Political Department),
Simla

Afghanistan. Please communicate to Amanullah from His Majesty the King the following message:-*Begins*. The tragic news of death of your father, the late Amir Habibullah Khan, filled me with unfeigned sorrow. The late Amir was regarded by me as a true friend and I deeply deplore his untimely death. I desire to convey to you my sincere condolences on irreparable loss which you and your country have sustained. *Ends*.

Document should be addressed to Amanullah as Amir but not as "His Majesty". You will use your discretion, in view of latest developments, as to whether message should be delivered.

Serial No. 143 in Afghan Succession file, this refers to your "telegram of the 16th April

"تلگرام پی مؤرخ ۲ ماه می (دریافت ۸ می) ۱۹۱۹"

از: وزیر امور هند اعلیحضرت، لندن

به: جلالتماب نائب السلطنه (امور خارجه و شعبه سیاسی)، شیمله

لطفاً پیام آتی اعلیحضرت پادشاه را به امان الله مخابرہ کنید: "آغاز پیام خبر مرگ پدر شما، امیر حبیب الله خان فقید، بدون تصنع من را متاثر ساخت. من به امیر فقید بحیث یک دوست حقیقی نگریسته، و مرگ نابهنجام ایشان برایم شدیاً رقت آور بود. میخواهم در رابطه با این خسارة جبران ناپذیری که شما و کشور شما متحمل شده اید، برای شما مراتب تسلیت خود را ابراز دارم۔ ختم پیام

این سند باید امان الله را بحیث امیر، نه اینکه اعلیحضرت خطاب کند. شما با ملاحظه انکشافات اخیر در رساندن این پیام از بصیرت خود استفاده خواهید نمود.

شماره مسلسل ۱۴۳ در دوسيه جانشيني افغانستان، به جواب تلگرام مؤرخ ۱۲ اپريل شما."

انگلیس ها به تعقیب آن دست به پروپاگند و دسایس و سیعی علیه غازی امان الله خان زدند که در قسمت های بعدی ذکر خواهد شد.

فصل دوم

اعلان استقلال و جنگ سوم افغان انگلیس

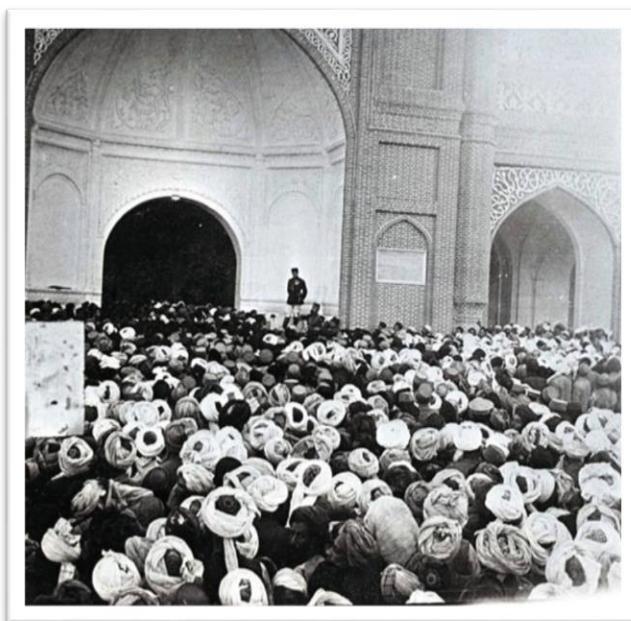
«وقتی که ملت بزرگ من تاج شاهی را بر سر من نهاد، من عهد بستم که با استی دوست افغانستان مانند سایر قدرت‌های مستقل جهان در داخل و خارج کشور آزاد و مستقل باشد. ملت افغانستان در داخل کشور آزادی کامل داشته از هرگونه تجاوز و ظلم مصون و مردم فقط باید مطیع قانون باشند و بس کار اجباری و بیگار در تمام رشته‌ها منوع و ملغی است. حکومت ما در افغانستان اصلاحاتی خواهد نمود که ملت و مملکت ما بتواند در بین ملل متمدن جهان جای مناسب مقام خود را حاصل نماید. من در اجرآت امور کشور مشورت را به حکم و شاور هم فی الامر رهبر قرار خواهم داد.»

اعلامیه تاریخی ۲۸ فبروری

غازی امان الله خان

استرداد استقلال عمده ترین موام مشروطه خواهان

عمده ترین هدف جنبش مشروطه خواهی، استرداد استقلال افغانستان بود. لذا، از جمله اولین اقدامات امان الله خان بعد از اعلام سلطنت در ۲۳ فبروری، اعلام استقلال کامل خارجی و داخلی افغانستان بود. او بعد از کسب حمایت و تائید قوای نظامی، خطابه در محضر بزرگان شهر کابل ایراد نمود، که مهمترین نقاط آن عبارت بود از حصول استقلال افغانستان، محاکمه مجرمین قتل امیر، حکومت به اساس قانون، لغو کار اجرایی، و فرستادن کمک مادی و معنوی به مسلمانان خیوه و بخارا و تائید از خلافت عثمانی.⁶⁴



3. اعلان تاریخی استقلال خارجی کشور و آزادی‌های فردی

امان الله خان یک روز بعد، به تاریخ ۲۴ فبروری ۱۹۱۹، که مردم کابل و قشون پایتخت در میدان مرادخانی اجتماع بزرگ نموده بودند، سواره و تنها، در حالیکه شمشیر بر هنر در کمر آویخته بود، در بین جمعیت داخل میشود و طی نطق مشهور و تاریخی خود

⁶⁴. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ص ۳۹.

استقلال خارجی افغانستان و آزادی فردی را در داخل کشور اعلام میکند، و از مساوات و برابری و برابری، آزادی ملت و تامین عدالت و صداقت دولت جدید حرف میزد. او میگوید:

«من این لباس سربازی را از بدن خود بیرون نمیکنم تا که لباس استقلال را برای شما تهیه نسازم من این شمشیر را در نیام در نمی گذارم تا غاصب حقوق شما برادران و محبان را بجای خودش نشانم... به عموم اهالی افغانستان خاطرنشان و به سایر دول عالم ازین ساعت اعلام مینمایم که افغانستان در همه امور و شئون داخلی و خارجی خود یک کشور آزاد و مستقل مطلق است و آنکه این معنی قبول ندارد، اینکه میدان و شمشیر... این شمشیر کشیده خود را در نیام نمیکنم تا اراده قطعی و عزم بالجزم تحصیل شرف و ناموس ملی برما میسر نگردد و استقلال این ملت بدست نیاید»⁶⁵.

به استناد یاد داشت‌ها و مندرجات تاریخ دوره امنیّه شادروان و کیلی پوپلزایی، در اولین اشتهرار یا اعلان سلطنت غازی امان الله شاه، که مسوده آن را خود شاه غازی تحریر و در هفتة اول جلوس خصوصی آن سر قهرمان آزادی به تعداد دونیم هزار قطعه در مطبوعهٔ حروفی ماشین خانه کابل طبع شده است، و شادروان و کیلی آنرا اولین سند معتبر رسمی اطلاق و ابلاغ افغانستان مستقل در داخل و خارج کشور میخواند، آمده است که

:

«بر همه شما رعایای صادقه و ملت نجیبه خود این را اعلان و بشارت میدهم که من تاج سلطنت اسلامیّه افغانیّه را بنام استقلال و حاکمیت آزادانه داخلی و خارجی افغانستان بسر نهاده ام... ای ملت و قوم نجیب من! دولت افغانستان هر وقت آزاد و مستقل بوده و خواهد بود و من بهمین نام مقدس حکمرانی آنرا قبول کرده و بشما بشارت دادن را ضروری دانستم که شما قوم و ملت آزاد و مستقل هستید که حق حمایت و نگرانی هیچ کدام دولت خارج بر شما نیست»⁶⁶.

امان الله خان همچنان به تاریخ ۲۸ فبروری در مراسم رسمی دستار بندی یا تاجپوشی در مسجد جامع عیدگاه، که به نمایندگی و تائید قشر روحانیت متنفذ توسط حضرت صاحب شور بازار (فضل محمد مجددی بعداً ملقب به شمس المشایخ) انجام می‌یابد،

⁶⁵. و کیلی پوپلزائی، عزیز الدین (۱۳۷۸)، ص. ۸.

⁶⁶. و کیلی پوپلزائی، عزیز الدین (۱۳۷۸)، صفحات ۲۱-۲۴.

در پهلوی استقلال سیاسی (داخلی و خارجی) و آزادی کامل مردم، از ضرورت مسئونیت فردی، الغای کاراجباری و بیگاری نیز یاد آور شده به صدای بلند، خطاب به مردم میگوید:

«ملت با وقار! عسکر دلیر! در حالیکه ملت بزرگ من تاج سلطنت را بسر من نهاده، من به آواز بلند اعلان میکنم که به آن شرط تاج و تخت را میپذیرم که شما با اندیشه‌ها و افکار من همکاری کنید. من درین باره با شما صحبت کرده‌ام و درینجا به ذکر مختصر آن میپردازم: اولاً حکومت افغانستان باید از نگاه داخلی و خارجی مستقل و آزاد باشد. یعنی از تمام آن حقوقی که حکومت قدرت‌های مستقل دارد، افغانستان نیز از همان حقوق بهره‌مند گردد. ثانیاً شما باید با من همدست شده انتقام قتل غیر قانونی پدر فقید شهید، مرا که پدر معنوی تمام شما میباشد، بگیرید. ثالثاً ملت باید آزاد باشد، یعنی یک فرد محکوم فرد دیگر نبوده و کسی بر کسی ظلم نکند. البته اطاعت از قانون مقدس محمدی (ص) و قوانین ملکی و نظامی باید بدیده احترام نگریسته شود. من تاج شما را بدون این شرایط نخواهم پذیرفت...»

ای ملت! در حال حاضر اصول بیگاری را در مملکت ملغی قرار دادم. ازین به بعد کار اجباری بر کسی تحمیل نخواهد شد و هیچکس نخواهد توانست شما را بзор بکار سرک سازی، کارهای امور عامه و قطع درختان و غیره و ادار سازد. به یاری و مرحمت ایزدی حکومت عالیه شما چنان اصلاحاتی را که برای حکومت و ملت سودمند و مفید باشد، تجویز خواهد کرد، تا شاید ملت و حکومت افغانستان شهرت و نام و نشانی درین جهان متمدن کسب نماید و موقف و موقعیت مناسب خود را هم دیف قدرت‌های متمدن جهان احراز کند».⁶⁷

تفاضای استقلال کامل و لغو معاهدات قبلی

طوری که ذکر شد، عمدۀ ترین مرام جنبش مشروطه خواهی، استرداد استقلال افغانستان بود. امان‌الله خان که در اوج مبارزات استقلال طلبانه و مشروطه خواهی ایکه مانعه بزرگ یعنی امیر حبیب‌الله خان را از سرراه برداشته و امکان تحقیق آزادی کامل افغانستان از بیوغ اسارت امپراتوری انگلیس را مهیا ساخته بود، آگاهانه و از همان روز نخست اعلان سلطنت خود، طالب استقلال و آزادی کامل افغانستان بود. او

⁶⁷. وکیلی پوپلزائی، عزیزالدین (۱۳۶۸)، صفحات ۲۷-۲۸.

که احساسات شدید آزادی طلبی و ضد استعماری اش از آغاز جنگ جهانی اول از کسی پوشیده نبود، و از داعیه ملیگرایان و آزادی طلبان و تلاش‌های هیئت‌ترکی-آلمانی برای استقلال هند نیز آشکارا حمایت می‌کرد، مصمم بود استقلال کشور را، چه از طریق صلح و مذاکره و یا زورو جنگ، حاصل کند.

انگلیس‌ها قبلاً با آگاهی از وضع دربار امیر حبیب‌الله خان میدانستند که یا نصرالله خان و یا امان‌الله خان، که هردوی شان مخالفین سرسخت انگلیس بودند، بقدرت خواهد رسید. آنها خصوصاً بعد از آنکه ولی‌عهد مورد حمایت شان، سردار عنایت‌الله خان، هم از ادعای سلطنت گذشت، در صدد برآمدند تا شخص سومی را برای حفظ منافع شان بقدرت برسانند.

آنها هنوز به امیر نصرالله خان، که در نامه‌اش خواهشمند حفظ و ادامه روابط دوستانه با انگلیس بود، جوابی نداده بودند که راپورت‌های مبنی بر کشمکش‌های داخل دربار، استعفای امیر نصرالله خان از سلطنت و بیعتش به امیر امان‌الله خان را بدست آوردند.

امان‌الله خان هم بتاریخ ۳ مارچ ۱۹۱۹ به لارد چلسفورد Lord Chelmsford وایسرای هند بریتانی از قتل پدر، خلع شدن غاصبین و انتخاب خودش بحیث امیر افغانستان اطلاع داد. این مکتوب به مقاصد و سیاست آینده امان‌الله خان و تصمیم او مبنی بر استرداد استقلال کامل افغانستان و لغو معاهدات پدرش نیز اشاراتی داشت: «... نباید بر آن رفیق ما پوشیده بماند که حکومت مستقل و آزاد افغانستان خود را آماده میدارد که در هر وقت و هر موسم با در نظر داشتن ایجابات دوستی و امثالهم قرارداد ها و معاهداتی را با حکومت نیرومند انگلستان عقد نماید که در راه منافع تجاری برای حکومت ما و حکومت شما مفید و سودمند باشد».⁶⁸

چندی بعد حافظ سیف‌الله خان، وکیل بریتانیا در کابل، هم به هند اطلاع داد که امان‌الله خان بتاریخ ۱۳ ماه اپریل در دربار اعلام کرد که:

«... من خودم و مملکت خودم را از لحاظ داخلی و خارجی کاملاً آزاد و مستقل اعلام کرده‌ام. بعد ازین مملکت من مانند سائر دول و قدرت‌های جهان آزاد است. به هیچ نیروی خارجی باندازه یک سرمه اجازه داده نخواهد شد که در امور داخلی و خارجی

⁶⁸. اسناد محرمانه مربوط به سرحد شعبه خارجه، پراگراف ۹۸ شماره‌های ۱۵۸-۱، جون ۱۹۱۹، آرشیف استخارات هند بریتانی.

افغانستان مداخله کند و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید گردنش را به این شمشیر خواهم زد.».

بعد از آن، امان‌الله خان روی خود را به طرف وکیل بریتانیا گشتنده گفت: ای سفیر! آنچه من گفتم شما فهمیدید؟ وکیل بریتانیا جواب داد: بلی فهمیدم.

چشم پوشی انگلیس‌ها و مسئولیت آغاز جنگ

دولت انگلستان بعد از اعلام استقلال افغانستان و لغو معاهدات قبلی بمقابل یک عمل انجام شده قرار گرفته، و در رابطه با قبول کردن و یا رد کردن آن با مشکلات جدیدی مواجه شد. انگلیس‌ها ازینکه استقلال افغانستان را بحیث یک حقیقت مسلم پیذیرند و یا رد کنند، متحیر بودند. هند بریتانیوی برای اعتراض به موقف امیر جدید هیچ دلیلی نداشت و نمیتوانست تحت شرایط موجود تقاضای او را برای عقد معاهدات جدید بین دو ملت خود مختار ردد. حکومت بریتانیا از مدت‌ها اصرار میورزید که معاهدات افغان و انگلیس تعهداتیست که با شخص امیر عقد شده، لذا درین فرصت برایشان دشوار بود از تقاضای امان‌الله خان برای عقد معاهده جدید با افغانستان، ممانعت و جلوگیری نماید. به عقیده اکثریت در وزارت خارجه هند بریتانیوی، با اعلام استقلال افغانستان، عمر قرارداد قبلی، چه شخصی و یا ملی بوده باشد، به پایان رسیده بود.⁶⁹

اما با گذشت یک ماه هم انگلیس‌ها جواب مكتوب امان‌الله خان را تدادند. آنها معتقد بودند که جواب قطعی به امان‌الله خان به معنی شناختن امان‌الله خان بحیث یک پادشاه مستقل بوده و این کار برای پالیسی بریتانیا در شرق یک شکست بزرگ خواهد بود. عواملی چون وارخطائی بریتانیا از تعداد زیاد مسلمانان (۴۰٪ نفوس هند) و سؤوال ادامه وفاداری شان در اردوی حکومت هند بریتانیوی، اطلاع امان‌الله خان از اوضاع نهنجار داخلی هند، قلت مواد غذائی و اشیا به علت جنگ جهانی اول، انفلاسیون شدید (۹۳٪ از دیاد در قیم مواد خوراکی و ۱۹٪ در مواد وارداتی)، و نقش احتمالی شاه مخلوع "امیر یعقوب خان" که از مدت چهل (۴۰) سال در هند در تبعید بسر میبردو

⁶⁹ اسناد محترمانه مربوط به سرحد شعبه خارجه، پاراگراف ۷۱۲، شماره‌های ۷۰۵-۸۰۲، اکتوبر ۱۹۲۰، آرشیف استخبارات هند بریتانیوی

احتمالاً خواب چانس بدست آوردن دوباره تخت کابل را میدید، هم درین دولتی نقش داشتند.⁷⁰

اقبال علیشاہ در رابطه با تاخیر در قبول کردن تقاضای امان اللہ خان برای شناسائی استقلال کامل افغانستان مینویسد⁷¹ که بعد از دریافت مکتوب امیر، در مقر فرماندهی حکومت هند بریتانی دو نظر بوجود آمد. یک بخش معتقد بودند که چون لحن مکتوب دوستانه است، لذا برای طفره رفتن از مفهوم آن باقیست به همان لحن دوستانه یک جواب مناسب فرستاد. اما گروپ دیگر اصرار داشت که امیر به مشابه یک پادشاه خود مختار به صراحت از جملات و عباراتی استفاده نموده است که مقصدش برچیدن نظارت بریتانیا از امور کابل است. انگلیس‌ها به گمان اینکه جواب دادن زود به مکتوب معنی برسمیت شناختن امان اللہ خان بحیث یک پادشاه مستقل را خواهد داشت، به امیر نه تنها جواب مکتوبش را ندادند، بلکه کابل حتی اطمینان رسیدن آنرا نیز نگرفت.

اقبال علیشاہ مدعاشت که درین رابطه با اشخاص مهمی چون ایدوین مونتیگ Edwin Montague وزیر امور داخله برای هند و همیلتون گرن特 Hamilton Grant وزیر قبلی امور خارجه در شیمله بحث نموده و هردو نفر به یکسان از خسارة ناسنجیده شده اظهار نداشت کردند که به اثر جواب ندادن به مکتوب کاملاً دوستانه امان اللہ خان، به مناسبات آینده کشور وارد شد. او ادامه میدهد که حسن نیت معمول هم ایجاب میکند تا جواب حتی یک مکتوب بی اهمیت را هم داد، چه رسد به مکتوب رسمی یک همسایه دوست که در سال ۱۹۱۹ تمام ملت افغان از او پشتیبانی میکرد. او نتیجه میگیرد که با اطمینان میتوان گفت که اگر به تقاضای امان اللہ خان جواب دوستانه داده میشد، از جنگ سوم افغان و انگلیس جلوگیری بعمل می‌آمد.

اغراض و تسلیم نشدن مقامات انگلیسی به خواسته‌های مردم افغانستان امان اللہ خان را مجبور ساخت، راه جنگ را اختیار کند، و مسئولیت این جنگ بدوش انگلیس‌ها میباشد. امان اللہ خان بعد از آنکه نائب السلطنه بریتانیا در مکتوب مؤرخ ۱۵ اپریل ۱۹۱۹ از شهادت امیر اظهار تاثر کرد ولی پیرامون انعقاد عهد نامه‌های جدید و مسأله برسمیت شناختن استقلال افغانستان تماس نگرفت، برای جنگ آمادگی همه جانبه

⁷⁰. زمانی، عبدالرحمان (۲۰۰۷)، ص ۸۵
⁷¹. Shah, Iqbal. Ali. (2004) . صفحات ۱۰۱-۱۰۲

گرفت و به آرامی، امر تجهیز سپاه و سفربری به استقامت سرحدات هند بریتانی را صادر نمود. امان‌الله خان همچنان به روحا نیون هدایت داد تا در راه جهاد همکاری کنند و در عین وقت به مسلح کردن لشکر های قومی و ملی پرداخت.

اقدامات مستقل و آزاد سیاسی دولت جدید

دولت افغانستان به تعقیب نامه سوم مارچ که در آن برای عقد یک معاهده جدید باسas حقوق مساوی آمادگی نشان داده شده بود، بدون آنکه منتظر جواب بماند، عملاً سیاست آزاد و مستقلانه خود را در پیش گرفت. یکی ازین اقدامات در راه تاسیس یک دولت کاملاً مستقل، ایجاد شعبه امور خارجی و در اس آن محمود طرزی بحیث وزیر خارجه بود. امیر امان‌الله خان توسط فرمانی به تاریخ یازدهم (۱۱) مارچ ۱۹۱۹ به نماینده افغان (امیر پسته خانه افغان) در پشاور اطلاع و هدایت داد که مطبوعات هند را از جلوس امان‌الله خان به سلطنت توسط یک اعلامیه رسمی مطلع سازد: «حکومت افغانستان از نگاه داخلی و خارجی مستقل و آزاد خواهد بود. یعنی از تمام حقوقی که حکومت های قدرت های مستقل دارند، افغانستان نیز بهره مند خواهد بود».⁷²

محمود طرزی هم به تاریخ ۲۹ مارچ به حکومت هند بریتانی اطلاع داد که منبعد تمام ارتباطات بین حکومتین هند بریتانی و افغانستان از طریق او صورت خواهد یافت. او بدین وسیله تعامل سابق را که در آن ارتباط بین امیر و نائب السلطنه یا وایسرای میبود، از بین برد.⁷³ در ادوار امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب‌الله خان، حکومت هند بریتانی همیشه اصرار میورزید که پیمان و موافقت شان با زمامداران افغان یک رابطه شخصی بوده مربوط به سلسله مراتب نمیباشد. امان‌الله خان با قطع کردن این رابطه بریتانیا را مجبور ساخت در قبولی و یار د آن تصمیم بگیرد.

⁷². اسناد محمله مربوط به سرحد شعبه خارجه، پاراگراف ۷۱۱، شماره های ۸۰۶-۷۰۵، اکتوبر ۱۹۲۰، آرشیف استخبارات هند بریتانی.

⁷³. همانجا، پاراگراف ۷۱۳.

دولت جدید افغانستان همچنان برای اثبات ادعای استقلال خود مکاتیبی را به کشور های دیگر جهان بشمول جاپان، ترکیه، ایران، فرانسه و اضلاع متعدد امریکا هم فرستاد و در آن استقلال کشور را اعلام نمود. دو مکتوب هم به اتحاد جماهیر شوروی ارسال شد. یکی از طرف محمود طرزی به وزیر خارجہ شوروی که در آن آمادگی افغانستان برای تاسیس روابط دائمی دوستانه اظهار شده بود، و دومی از امیر به لینین دولت شوروی هم توسط اعلامیه ائی به تاریخ ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ به حیث نخستین دولت جهان استقلال افغانستان را برسمیت شناخت.



مادریت مکوت صند کی ہے و ملٹ سٹریٹ کیش کی پریس ہے۔ یہ مکوت دس سویں صدی میں صدر مکوت خاصہ غدار کام مکوت کی ملکیت پریس مکوت قائم ہے
تھیہ ملکیت مکوت پور سال سے مسلسل ہے و ملکیت کریں ہے۔ اس وقت جب تم نے
خداوند قانون کے شرائیں کا پکارا امداد کریں۔ میں اسی زمانے میں مکوت مرغتہ ہیں احادی
ح صل کرنے میں کامیاب ہو گئی۔

حدائق در خیج سے مکوت مرغتہ ہند سے ساہبہ کریں ہے۔ اس بنا اس سے خاکہ کر کے
این حقیقی خواصیں کریں۔ بلکہ الگریزی کو ہر یکن طبقہ سے تقسی کریں ایشی
کوئی امور روپیہ کی صورت میں رہیں تا خوب کرستہ ہیں۔
حلہ آور فوج سے اسی حاصل کریں۔ دکھ رہا اور سامان سے مدد مکر اعزازی
ستین حاصل کریں۔

حلہ آور فوج ہر صورتی کو ہدایت نہیں دیوپیں اس دینی ہے۔ ہر ایک
حصہ رہتی کی جان مال حرمت حفظتے فقط وہیں بارا جائیں پا پورت
ہو گا۔ جو مٹا جدیں کھڑا ہو گا۔ را بارے ٹھاکریوں کو سیدھے
داستہ پہنچے کی توفیق رہے۔

دیگر حقوق موقته ہند
عبدالله

حافظ سیف‌الله خان و کیل انگلیس‌ها در کابل به تاریخ ۱۵ اپریل به هند بریتانی راجع به تقریر محمد ولی خان بحیث اولین نماینده افغانستان به بخارا اطلاع داده نوشت که در حلقات با خبر گفته می‌شود که عبد‌العزیز خان نماینده افغانی که از هند احضار گردیده شاید بحیث اولین نماینده به ایران فرستاده شود.

امان‌الله خان همچنان با رهبران ملی گرای هند همکاری نزدیک داشت. مکاتیبی را که بین محمود طرزی و میرزا غلام حیدر خان رئیس پسته خانه افغان در پشاور⁷⁴، و بین محمود طرزی و سردار عبد‌الرحمن (یکی از مشروطه خواهان قدیم) نماینده امان‌الله خان در هند تبادله شده و توسط انگلیس‌ها کشف شده بود، همکاری افغان‌هارا با مليگرایان هند (که انگلیس‌ها آنانرا آشوبگران هندی می‌خواند) نشان میداد. در خلاصه یکی از مکاتیب میرزا غلام حیدر خان به غازی امان‌الله خان که بتاریخ ۷ می‌نوشته شده بود می‌خوانیم که: "چون تمام ملاقات من علیه حکومت بریتانیا می‌باشد، من با شنیدن خبر بازرگانی پوسته خانه، امر مقاومت مسلحانه را صادر کرم. اگر ضرورت شد، من در شهر پشاور جهاد را آغاز خواهم نمود. با شنیدن این، حدود هشت هزار (۸۰۰۰) نفر پشاوری، هم‌هندو و مسلمان، به کمک من آمدند. آتشب دوهزار (۲۰۰) نفر از قرای خارج شهر پیشنهاد کمک کردند. من به آنها گفتم که در وقتی آنها را دعوت خواهم نمود. گروه نظامی سکه‌ها به هندو ها اطمینان داده اند که به مسلمانان به دیده برادر مینگرنند، و بر آن‌ها فیر نخواهند کرد".⁷⁵

یک راپور دیگر محترمانه انگلیس‌ها خلاصه مکتوب غازی امان‌الله خان به حاجی صاحب ترنگزی را چنین نقل می‌کرد: "به خداوند دعا می‌کنیم که در راه جهاد استوار

⁷⁴. میرزا غلام حیدر خان وردکی پسر غلام رضا خان و برادر میرزا غلام محمد خان وردکی (وزیر تجارت دوره امپراتوری) از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۱۳ (وزیر تجارت دوره امپراتوری) از پسته خانه افغان در پشاور و یکی از پنج نفر وکلای امیر افغانستان در دوران سلطنت امیر حبیب‌الله خان در هند بریتانی بود. وی در ماه می ۱۹۱۹ (دوران جنگ سوم افغان و انگلیس) بخاطر فعالیت‌های ضد انگلیسی بازداشت و به برمما تبعید شد. چهار و کیل دیگر عبارت بودند از کرنیل حاجی شاه بیگ خان نماینده امیر در هند، کرنیل غلام رسول خان و کیل التجار امیر در بمبی، دوست محمد خان و کیل التجار در کراچی، و ناظر محمد علم خان در راولپنڈی. مطابق به راپورهای استخبارات انگلیس از جمله همه‌اینها میرزا غلام حیدر خان و ناظر محمد علم خان خیلی فعال، پرانژی و وفادار به افغانستان بودند.

⁷⁵. IOL, L/P&S/10/819/227

باقي بمانيد. از اعلاميه چاپي پخش شده مرام مارا خواهيد دانست. ما سپه سالاري مقرر كرده ايم که به شما مشوره و مهمات خواهد داد⁷⁶.

انگلیس ها همچنان مکاتیب ارسالی مولانا عبیدالله سندي، وزير حکومت مؤقت هند در کابل، را بدست آورده بودند. در يكى ازین مکاتیب، مولانا عبیدالله سندي، از تمام هندوستانی ها تقاضا كرده است تا با عساکر افغانی ايکه به هند حمله خواهند كرد، همكاری نموده، انگلیس ها را به قتل برسانند، و خطوط تليفون، راه های آهن و ارتباطات را مختل سازند.

اسناد كشف شده دیگر مربوط به دوسيه به اصطلاح توطئه افغان ها عليه حکومت هند هم از روابط نزديک بين ملي گرایان تبعيدی هند و عاملين مخفی امان الله خان در هند (حکيم اسلام و مولوي منظور)، حکایت ميکرد⁷⁷.

البته تقاضاي استقلال تنها به اقدامات دیپلماتيک و نشريانيه ها و اعلاميه ها محدود نماند. بتاريخ اول ماه می ۱۹۱۹ جنرال صالح محمد خان قوماندان اعلى قوای مسلح با دو دسته پياده و دو توپ بطرف سرحد هند از راه جلال آباد حرکت كرده بعد از رسیدن به شهرک سرحدی دكه بصورت آشکارا به معاينه سرحد پرداخت. تقریبا در همین فرصت جنرال محمد نادر خان بطرف خوست حرکت كرد و صدراعظم عبدالقدوس خان به قندھار مسافت نمود.

تفاوت جنگ استقلال با دو جنگ قبلی افغان و انگلیس

جنگ استرداد استقلال كامل افغانستان تحت قيادت غازى امان الله خان، شاه جوان و رهبر ملي افغان ، سومين جنگ افغان و انگلیس بود . درين جنگ افغان ها ، در يك قيام و نبرد قهرمانانه پوز امپراتوري انگلیس را ، که از جنگ جهانی اول فاتح و مغورو برگشته بود ، و آفتاب در سرزمينش غروب نميکرد ، به زمين مالي و درفش آزادی و استقلال را بر قله های بلند شرف و افتخار به اهتزاز در آورد.

⁷⁶. همانجا

IOL, L/P&S/10/808/1061 .⁷⁷

جنگ سوم با جنگ های استقلال طلبانه اول و دوم که در سال های ۱۸۳۸ و ۱۸۷۸ میلادی مطابق با ۱۲۱۷ و ۱۲۵۷ هجری شمسی رخداده بود و به گفته مؤرخین انگلیسی برایشان نتایج فاجعه آمیز نظامی به بار آورد، تفاوت های داشت:

اولاً، درین جنگ انگلیس ها، برخلاف جنگ های قبلی به ادامه سیاست توسعه جوئی (فارورد پالیسی) خود دست به تجاوز و تعرض نزدند، بلکه افغان ها برای کسب استقلال کامل و حاکمیت ملی، آنهم بعد از آنکه نتوانستند آنرا از طریق مذاکره و دیپلماسی بدست آورند، و تقاضای شان با بی تفاوتی و دودلی روبرو شد، دست به عملیات نظامی زدند.

ثانیاً، این جنگ به یک منطقه محدود نبوده بلکه تمام سرحد تقریباً یکهزار مایلی از چترال در شمال تا سیستان در جنوب غرب را دربر گرفت.

ثالثاً، شعله های آتش طغیان و خشم ناشی ازین جنگ در مناطق قبایلی سرحد آزاد حتی ماه ها بعد از ختم جنگ و معاهده صلح هم ادامه داشت.

رابعاً، دراین جنگ که امپراتوری بزرگ انگلیس را به لرزه درآورد، نه تنها افغان ها با بدست آوردن پیروزی نظامی و سیاسی، استقلال و آزادی کامل را بدست آورند، بلکه دروازه های آزادی را بروی ملت های اسیر دیگر نیز گشودند.

تناسب قوای در گیر در جنگ سوم افغان و انگلیس

تناسب قوای افغان و انگلیس در جنگ سوم چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی تفاوت زیادی داشت. قوای انگلیس برعلاوه آمادگی های عالی نظامی در جنگ اول جهانی، از دو جنگ با افغانستان نیز تجارب زیاد اندوخته بودند و از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی بر قوای افغانی برتری فراوان داشتند.⁷⁸ از نظر تکالوژی، اردوی انگلیس ها نسبتاً از جدیدترین وسایل استفاده میکردند. آنها برای ترانسپورت و ارتباطات از خطوط آهن، راه های موترو، وسایل نقلیه ماشینی و مخابرات بیسیم استفاده مینمودند. داشتن مواد منفجره، وسایل زره پوش و قوای هوائی سلطنتی، طوری که بعداً در بمباردمان جلال آباد و کابل دیده شد، به توانمندی قدرت اندداخت و بُرد قوای سرحدی برتری میبخشد (برای مطالعه لست مکمل واحد های عمدۀ قوای در گیر در جنگ سوم افغان و انگلیس به کتاب "جنگ استرداد/استقلال افغانستان، جبهه

⁷⁸. غبار، میر غلام محمد (۱۳۵۹) ص ۷۶۸

فراموش شده چترال و کنر، حقایق نهفته و حرف‌های ناگفته جبهه چهارم" مراجعه شود. این کتاب را از www.zamanifamily.com هم میتوان بدست آورد.

قوای نظامی انگلیس همچنان از خدمات گروه‌های مسلکی مانند متخصصین مخابرات (سیگنال و علامت‌رسانی)، اداره راه‌اهن، ساختمان و استحکامات انجینیری، خدمات طبی و نرسنگ، خدمات بیطاری حیوانات باربری نیز برخوردار بودند.

اسناد محترمانه استخبارات انگلیس که اکنون از محرمیت برآمده و در دسترس محققین قرار دارد گواهی میدهد که انگلیس‌ها در جنگ سوم افغان و انگلیس از امکانات آتی نیز استفاده نموده‌اند:

1. انجمن صلیب سرخ: نه تنها تحت رهبری هایلی W. M. Hailey برای آرامش و رفاه مجروه‌ینی که در بیمارستان‌ها و جاهای دیگر بودند، رسیدگی فوری و دوامدار نمود، بلکه در تمویل صندوق وجهی سپاه نیز نقش عمده بازی نمود.
2. کمک شهزاده نشین‌ها و ایالات خودمختار خارج از سلطه انگلیس‌ها: در دوران جنگ اول جهانی که تازه ختم شده بود، دو دربار "الوار" و "بهارت پور" خدمات سپاه شاهی خود را در خدمت انگلیس‌ها قرارداده و پنج ایالت مستقل دیگر به نامهای "بیکانیر"، "دهول پور"، "جودهپور"، "کولهایپور"، "وپتیالا" نیز در ایالات شان به ایجاد کنده‌کهای عسکری هند بریتانوی موافقت کرده بودند. بعد از ختم جنگ این قوا منحل و افراد آن دوباره به ایالات خود فرستاده شده بودند. اما با آغاز جنگ در سرحد افغانستان، این قوا بصورت عاجل فراخوانده شده و در اختیار قوای نظامی انگلیس قرار گرفت. مطابق به اسنادی که در آرشیف این مؤلف موجود است، نیروهای قواهی سواره، توپچی، پیاده، نقب‌زن، ماین‌گذار و حمل و انتقالات نزدیک (۱۹) ایالت خودمختار مهاراجا نشین هند چه در میدان جنگ و یا داخل گارنیزون‌ها مشغول خدمت بودند. بعضی از آنها به شمال حکمرانان "پتیاله"، "دهولپور"، "روتلام"، و "باریه" خدمات شخصی خود را پیشکش نمودند، که توسط انگلیس‌ها مورد قبول قرار گرفته و به پست‌های مختلف تعیین و ظاییف شانرا اشغال نمودند. درین جمله دو برادر مهاراجای "پتیاله" و دو پسر نواب "لوهارو" شامل بودند. برعلاوه چندین عراده موثر، گله‌های شترو و پول نقد نیز به انگلیس‌ها پیشکش و پرداخته شده است.

۳. کمک و همکاری حکومت نیپال: دولت نیپال نیز به ندای انگلیس‌ها لبیک گفته، صدراعظم نیپال دو کنده‌ک از قوای نظامی خود را به همراهی دو جنرال اردوی نیپال به کمک و همکاری قوای نظامی انگلیس‌ها فرستاده بود.⁷⁹

قوای افغان در جنگ سوم افغان-انگلیس:

منابع استخباراتی انگلیس تمام قوای عسکری افغان‌ها را در دوران جنگ سوم افغان-انگلیس، البته روی کاغذ، پنجاه هزار نفر تخمین کرده‌اند که عبارت بودند از:

- هفتاد و هشت⁸⁰ کنده‌ک پیاده (متشكل از سی و هشت هزار نفر تفنگدار)
- بیست و یک رساله سواره (تقریباً هشت هزار نفر)
- چهار هزار توپچی آموخته ندیده که حدود ۲۸۰ توپ کهنه در اختیار داشتند.⁸¹

رابرت شتراوز هوپ در مجله امور نظامی انجمن تاریخ نظامی⁸² هم مینویسد که تمام قوای امیر بشمول گارنیزون‌های مستقر در هرات و سرحد روسیه به چهل و نه هزار (۴۹۰۰۰) نفر میرسید که شامل هفت هزار (۷۰۰۰) سواره، چهل و دو هزار (۴۲۰۰۰) پیاده و دارای ۲۲۰ توپ بودند.

تعدادی از این قوا در تمام خطوط سرحدی افغانستان به تعداد متفاوت مستقر شده بودند. البته این قوا توسط مردم و جانبازان داوطلب ملی (لشکر های قومی) تقویت میشدند.⁸³ تخمین تعداد جنگجویان قومی ممکن نبود، اما فرمانداران افغان توقع داشتند که تنها در منطقه خیبر بیست تا سی هزار جنگجوی قومی از قوای عسکری حمایت کنند.

بنظر رابرتر شتراوز هوپ، توامندی اصلی امیر اتکا بر قوای عسکری نبوده بلکه ارزش پوتانسیل یا استعداد نهانی جنگی نیروهای اقوام دو طرف سرحد بود. یک صد و بیست

⁷⁹. راپور ماه نومبر ۱۹۱۹ جنرال چارلز مونزو، قوماندان عمومی اردوی هند بریتانی ا به وزیر برای امور حکومت هند.

⁸⁰. Adamec, L.W. (1996).⁸¹

Paul Hinson (1996).⁸²

Robert Strausz-Hupe. The Anglo-Afghan War of 1919. Military Affairs, .⁸³

Vol. 7, No. 2. (Summer, 1943), pp. 89-96.

پکتیار، علیخان (۱۳۶۸).

هزار (۱۲۰۰۰) متخصص جنگ در مناطق کوهستانی با تفنگ‌های عصری که توسط گماشتگان امان الله خان برای یکجا شدن با قوای نظامی افغان در جنگ مقدس (غزا علیه انگلیس) ترغیب شده بودند.⁸⁴

زنده یاد غلام محمد غبار در رابطه با کیفیت اردوی افغانستان مینویسد که "قبل از اشتعال جنگ سوم افغان و انگلیس در پاییخت افغانستان از نظر سوق الجیشی کدام مرکز عالی سوق و اداره اردوی افغانستان وجود نداشت و تشکیلات از سویهٔ لوا بالاتر نمیرفت. بر علاوه از نظر تجهیز و احصارات حربی اردوی افغانستان فقیر بود. وسایط نقلیهٔ ماشینی و راه‌های موتور، مخابرات تلگرافی و تیلفونی با وسایل صحی سفری وجود نداشت".⁸⁵

نویسنده‌گان و تحلیل‌گران انگلیس می‌گویند که اردوی افغانستان اصلاً برای جنگ آمادگی نداشت. مانند سالهای گذشته، افسران سطوح بالائی اردو از توطئه‌های سیاسی متأثر، گیچ و سردرگم بودند.⁸⁶ جنرال مولسروت اردوی امیر امان الله خان را ارزیابی نموده مینویسد: «واحد های نظامی افغانستان، با وجود داشتن پرسونل نیرومند جنگی، نه آموزش خوب داشتند، نه رهبری و نه معاش و توانمندی لازم. قوای سواره، با استفاده از اسپ‌های کوچک و کوتاه، اندکی از قوای بی تفاوت پیاده بهتر بودند. تفنگ‌های عساکر به شمول انواع جدید جرمی، ترکی و انگلیسی، تفنگ‌های کنه و از کار افتاده دهن پر، بغل پر و فتیله‌ای (Snider و Martinis) را تشکیل می‌داد. چند واحد محدود پیاده، سرنیزه داشتند. توپخانه توسط قاطر کش یا بارشده، مشتمل بر توپ‌های قدیمی ۷ پونده، توپ‌های کوهی ۷۵ ملی متری کروپ (Krupp) و چند پایه توپ جدید ۱۰ سانتی متری هاویتزر (Howitzer) بود. قلت مهمات وجود داشت و توزیع آن نیز باید مشکل بوده باشد. برای توپخانه از باروت سیاه استفاده می‌شد. کدام سیستم منظم ترانسپورت وجود نداشت و ترتیبات رساندن مواد ناقص و ابتدایی بود». ⁸⁷

Robert Strausz-Hupe. The Anglo-Afghan War of 1919. Military Affairs, .⁸⁴

Vol. 7, No. 2. (Summer, 1943), pp. 89-96

. غبار، میر غلام محمد (۱۳۵۹) ص ۷۷۸⁸⁵

Paul Hinson. (1996).⁸⁶

(صفحات ۲۵ و ۲۶) Molesworth, G. N. (1963).⁸⁷

پاول هنسن⁸⁸ در مقدمه بر جنگ سوم افغان در ۱۹۱۹ مینویسد که «در مقایسه کامل با قوای عسکری، لشکر های قومی از کیفیت جنگی بسیار عالی برخوردار بوده، مسلح تر و دارای مهمات بیشتر بودند». او علاوه میکند که "شاید بهترین واحد های نظامی از منطقه کابل - جلال آباد بودند که اکثر شان در عملیات وادی کرم (جبهه جنوبی) و کوتل خیبر (جبهه مشرقی) سهم خواهند گرفت. این واحد ها مشتمل بود بر هفت (۷) لوا یا غونه⁸⁹ سواره، سی و یک (۳۱) کنده⁹⁰ پیاده، یک کنده کمپ پیش قراول، چند ماشیندار یا مسلسل انتیک و ندو دو (۹۲) پایه توپ مختلف. احتمالاً از نظر کیفیت خرابترین قوائی که به خط اول جبهه فرستاده شدند، آنهایی بودند که به چترال فرستاده شدند».

ظفر حسن آییک⁹¹، که در جبهه جنوبی به حیث راپورتر با جنرال محمد نادر خان شرکت داشت، راجع به وضعیت اردوی افغانستان مینویسد که: «اسلحة اردوی افغانستان نهایت ابتدایی بود. تنها نیروهای رزمی کابل دارای تفنگ های جدیدی مثل مانهر Manher (تفنگ های جاغوردار) ساخت جرمنی بودند. در جمله این اسلحه چند میل ماشیندار و دو عراده توپ جرمی دارای آتش سریع، توپ های کوهی "هاویتزر" شامل بود. باقی سلاح ها همه قدیمی و فتیله ای بودند. که در سراسر دنیا جای دیگری رواج نداشت. سپاهیان از طرف حکومت غذای خود را دریافت نمیداشتند، بلکه در عوض، معاش ماهوار داشتند که با خانواده هایشان با آن معاش بمشکل زندگی بسر میبردند، آنها خود خمیر میکردند و غذای خود را میپختند، و ازین جا و آنجا هیزم جمع میکردند. از همین رو برای تمرین نظامی کمتر فرصت می یافتنند. از دسپلین عسکری خبری نبود.

⁸⁸. Paul Hinson. (1996).

⁸⁹. غونه مشتمل بر دو کنده یا بیشتر از آن میباشد

⁹⁰. کنده مشتمل بر ۱۰ تولی یا ۱۰۰۰ نفر میباشد

⁹¹. ظفر حسن آییک، نویسنده کتاب "افغانستان از سلطنت امیر حبیب الله خان تا صدارت سردار محمد هاشم خان" یکی از مسلمانان هندی ای بود که در آغاز جنگ اول جهانی برای آزادی هند از راه صوبه سرحد، با جور و چمرکند خود را به کابل رساند و در سالهای نخستین عهد اماییه به جنبش هجرت مسلمانان هند پیوست و در حکومت مؤقت هند آزاد با مولانا عبیدالله سندي و مهندراپرتاپ سنگه شرکت ورزید.

نظام عسکری جبری نبوده در میان هشت نوجوان، قرعه اندازی شده، و یک تن به خدمت عسکری اعزام میشد. که از اصول هشت نفری⁹² میگفتند.»⁹³

قوای انگلیس ها در جنگ سوم افغان انگلیس

اگرچه بعد از جنگ جهانی اول قسمت‌های از قوای نظامی هند بریتانیوی تا هنوز در خارج از هندوستان یعنی فرانسه، فلسطین و بین‌النهرین⁹⁴ بسر میبردند، ارتش هند بریتانیوی در دوران جنگ سوم افغان و انگلیس ۷۵۰۰۰ (هفتصد و پنجاه هزار)⁹⁵ افسرو سرباز، ۲۳ نفر جنرال‌های جنگ دیده و مشهور، و چهارصد و پنجاه هزار (۴۵۰۰۰) حیوان باربر را در اختیار داشت. این ارقام شامل واحد‌های غیر منظم و مليشیای سرحدی ای نمی‌شد، که چندان مورد اعتماد انگلیس‌ها قرار نداشتند.⁹⁶ تعدادی ازین مليشیای سرحدی در بعضی مناطق، با اسلحه، واحد‌های شان را ترک نموده و تعداد دیگر از بیم اینکه با اسلحه دست داشته به صفواف رزم‌نده‌های ضد انگلیس نپیوندند، توسط خود انگلیس‌ها خلع سلاح شدند.⁹⁷ تنها دو قوای سکاویت چترال و مليشیای کرم ازین امر مستثنی بودند که تا آخر به انگلیس‌ها و فدارمانده در جنگ سهم گرفتند.⁹⁸ ارتش انگلیس در اوج جنگ مجبور شد در یک وقت از بیش از سیصد و

⁹². اصول یا سیستم هشت نفری توسط امیر عبدالرحمان خان در سال ۱۸۹۶ بوجود آمد. مانند سربازگیری در ملوک الطوایفی‌های قبلی رهبران قومی سربازان را انتخاب و تمام ضروریات شان را برآورده می‌ساختند. قبایل به خدمت نظامی حاضر بودند، اما میخواستند این کار را تنها در حالات جنگ انجام دهند.

⁹³. خاطرات ظفر حسن آییک، (۲۰۰۳) صفحات ۹۱-۹۲.

⁹⁴. مناطقی که فعلاً عراق، قسمت‌های شرقی سوریه، قسمت‌های جنوب شرقی ترکیه و جنوب غربی ایران را احتوا می‌کند.

⁹⁵. Adamec, L.W. (1996). ص ۲۳۳.

⁹⁶. مليشیای سرحدی نمیخواستند به مقابل برادران افغان‌شان بجنگند. انگلیس‌ها این را میدانستند و میگفتند "ما باید منتظر باشیم که یک عدد از آنها و یا تمام شان با ما دشمن شوند." وقتی به تفنگداران خیبر British Khaiber Rifle اختیار داده شد، از ۷۰۰ نفر، نفر شان خواستند مرخص شوند. لذا انگلیس‌ها مجبور شدند تمام واحد شان را منحل سازند.

⁹⁷. Paul Hinson (1996).

⁹⁸. استناد محترمانه استخبارات انگلیس، راپورهای نظامی ۱/B287/L/P&S/20.

پنجاه هزار (۳۵۰۰۰) جنگنده و یکصد و پنجاه هشت هزار (۱۵۸۰۰) حیوان استفاده کنند، که معادل به هشت فرقه، و دو فرقه دیگر احتیاط می‌شد.⁹⁹

شهر پشاور، مرکز اداری ایالت سرحدی شمال غربی بوده و حوزه‌های غیر نظامی پشاور، کوهات و بنو را اختوا می‌کرد. کمیشنر عمومی این ایالت در سال ۱۹۱۹ سر جیورج روز-کیپل (Sir George Roos-Keppel) بود که از سال ۱۹۰۸ بدین طرف درین پُست ایفای وظیفه نمود و علاوه بر وظایف غیر نظامی امور ایجنسی‌های سیاسی ملکنده، مهمند، خیبر، کرم و وزیرستان را تا سرحد شمالی بلوچستان نیز اداره می‌کرد.

عملیات جنگی تحت قوماندۀ جنرال چارلس مونرو¹⁰⁰ قوماندان عمومی ارتش هند بریتانی بود که مقر فرماندهی اش در شیمله (پایتخت تابستانی هند بریتانی) واقع بود. ارتش انگلیس نخست به دو دسته تقسیم شده بود:

- قوای سرحد شمال غربی تحت قوماندۀ جنرال آرتور بریت (General Sir Arthur Barret)
- قوای بلوچستان تحت قوماندۀ جنرال وپشر (Lieutenant General Wapshar)

اهمیت نیرو‌های قومی در جنگ آزادی بخش ۱۹۱۹

تشکیل اردوی منظم در افغانستان چندان سابقه ندارد. معمولاً سرداران قبایل از جمله حامیان خویش عده معدودی را جمع کرده شامل لشکر امیر می‌کردند. اگر از نیرو‌های تحت قیادت میرویس خان هوتكی و درامیختن لشکر قومی و سپاه دائمی احمد شاه بابا که بعد از مرگ پسرش تیمورشا به اثر نفاق، خانه جنگی‌ها، برادرکشی‌ها و جاه طلبی‌های پسراش به زودی قطعه، قطعه و از هم پاشید، بگذریم، امیر دوست محمد خان در دوره دوم امارتش کوشید تا یک اردوی منظم را بوجود آورد. اما امیر موصوف ازین اردو تنها برای تحکیم قدرت و حفظ جان خود و خانواده‌اش استفاده می‌کرد و نخواست از آن برای استرداد استقلال کشور، تمامیت ارضی و تحکیم وحدت ملی

.⁹⁹ Robson, Brian (2004). ص ۱۴۱.

.¹⁰⁰ General Charles Munro که در دو میان جنگ افغان و انگلیس نیز خدمت نموده و در جنگ قندهار اشتراکت داشت.

استفاده کند.¹⁰¹ به قول شادروان غبار در دوران امارت امیر شیرعلی خان یک اردوی منظم و دایمی بوجود آمد، تحت تعلیم و تربیت نظامی قرار گرفت، با یونیفورم نظامی ملبس و از نظم و دسپلین نظامی برخوردار شد. اما این اردو نیز در جهادی که علیه انگلیس‌ها اعلام شده بود، شرکت نکرد و شیرازه آن بعد از رفتن امیر شیرعلیخان به تاشقرغان و ترکستان، از هم پاشید. امیر عبد‌الرحمن خان ارتش منظم افغانستان را بنیاد گذاشت و پیش‌نشان، امیر حبیب‌الله خان، مکتب حریبه را تاسیس نمود که افسران ترکی در آن تدریس مینمودند.

لذا هر وقتی دشمنان بر حريم خاک ما تجاوز نموده و یا ضرورتی اتفاق افتاده است، همه افغان‌ها از هر نژاد و قومی که بودند، و از هر دین و مذهبی که پیروی می‌کردند، یک صدا و یک مشت به مقابله پرداخته و جواب دندان شکن داده‌اند. برای ثبوت این ادعای میتوان از جنگ‌های اول و دوم افغان و انگلیس یاد آورشد. شتراؤز-هوب، یکی از تحلیل‌گران نظامی انگلیسی در مقاله سال ۱۹۴۳ خود مینویسد¹⁰² "از سال‌های ۱۸۴۰ به بعد بریتانیا و بعد از آن روسیه تزاری با افغان‌های سرحدی را داشتند. اما هردو، با وجود نظامی شدند. این جنگ‌ها شکل زد و خورد های سرحدی را اشغال کنند. قوای مؤقتیت‌های محلی نتوانستند قسمت‌های بزرگ خاک افغان را اشغال کنند. قوای انگلیسی مکرراً بر کابل و قندھار یورش بردنده؛ ارتش افغان در میدان جنگ با قوای اروپائی مقایسه شده نمیتوانست اما اعضای قبایل ثابت ساختند که در جنگ‌های چریکی کوهستانی استاد هستند و لذا تلفات بسیار سنگینی را بر قوای متتجاوز تحمیل کردند.

در جنگ سوم افغان و انگلیس نیز را مردان دلیر از اقوام مختلف افغانستان و قبایل سرحد آزاد در لشکر‌های قومی به قوای نظامی پیوستند و حمامه آفریدند. مثلاً تنها در جبهه چترال و کنر، نه تنها غازیانی از اقوام مختلف کنرچون صافی، مهمند، تاجک (دیگان)، باجوری، مشوانی، نورستانی، پشه‌ای، شینواری، سادات و غیره شامل بودند، بلکه اقلیت‌سکنهای هندوها و وطن‌دوست نیز در آن شرکت داشتند که میتوان طور نمونه از یک شخصیت برآزندۀ بنام "حاکم سنگه" نام برد.

¹⁰¹. زمانی، عبد‌الرحمن (۲۰۱۰)، ص ۴۲.

¹⁰². نشریه امور نظامی انجمن تاریخ نظامی، جلد ۷، شماره ۲، صفحات ۸۹-۹۲.

اهمیت نیروهای قومی در جنگ آزادی بخش ۱۹۱۹ را میتوان از ترس و هوشدار مقامات انگلیسی بخوبی فهمید. به گفته آدمک¹⁰³ مانند چندین بار در گذشته اینبار نیز حکومت هند (بریتانی) احساس کرد که جنگ یگانه راه حفظ آبروی شان میباشد. اما حکومت لندن با دادن اجازه جنگ و اشغال جلال آباد به لارڈ چیلمزفورد، نائب السلطنه بریتانیا مقیم هند¹⁰⁴ اخطارداد که "شما درس های تاریخ را باید فراموش کنید، و آن اینکه مابه اندازه که از لشکر های قومی و حملات پایدار شان بر پایگاه های تجرید شده و خطوط مواصلات میترسیم، از اردوی منظم افغان ترسی نداریم"¹⁰⁵. آدمک مینویسد که لشکر های قومی... یا جنگجویان قومی برتری قوای انگلیسی را تلافی میکردند. آنها رزمندگان مهاجمی بودند که در شرایط دشوار ارضی بخوبی میجنگیدند.¹⁰⁶

پلان جنگی افغان ها

غازی امان الله خان، قهرمان معركه آزادی خواهی و استقلال افغانستان، قوای عمدۀ نظامی کشور را در سه دسته به سرحدات هند بریتانی فرستاد:

- دسته اول از راه جلال آباد به استقامت خیبر
- دسته دوم از راه جنوبی به استقامت توچی و دریای کرم
- دسته سوم از راه قندھار به استقامت چمن

سپه سالار صالح محمد خان در جبهه شرقی (دکه و معبر کوتل خیبر) قوماندۀ بزرگترین بخش قوارابه عهدۀ داشت. جنرال محمد نادر خان در جبهه جنوبی (خوست و پکتیا) قوماندۀ دسته بزرگ دوم را به عهدۀ داشته و جبهه قندھار تحت قوماندۀ صدراعظم عبد القدوس خان قرار داشت. قرار بود جنگ در یک تاریخ معین و بعد از امر کابل، همزمان با قیام مردم در پشاور و حملات اقوام دو طرف سرحد آغاز شود.

روانشاد غبار مینویسد "نقشه جنگ در کابل اینطور طرح شده بود که قوماندانان افغانی در محاذهای خیبر، پکتیا و قندھار در یک تاریخ معین- بعد از امر کابل

¹⁰³ Adamec, L.W. (1996), ص ۱۵

¹⁰⁴ Lord Chelmsford

¹⁰⁵ Adamec, L. W., ص ۲۳۲ و (1967)

¹⁰⁶ همانجا ص ۲۳۲

بتعرض آغاز کنند. ولی صالح محمد خان سپه سالار همینکه در دهنه خیررسید و از اوضاع هیجانی مردم در هردو طرف خط "دیورند" مطلع گردید، بدون درنگ به حمله و تعرض پرداخت تا اولین افسر افغانی باشد که داخل پشاور گردیده است، در حالی که قوای اعزامی کابل هنوز در نیمة راه قندهار و پکتیا بود.¹⁰⁷

پلان جنگی انگلیس‌ها

زماداران انگلیسی با شناختی که از افغانستان و مردم آزادی خواه آن داشتند میدانستند که هر نقطه در امتداد خط تحملی دیورند (به اصطلاح سرحد افغانستان با هند بریتانی) از چترال در شمال گرفته تا به چمن جدید در جنوب که بیشتر از ۸۰۰ میل طول داشت و تاسال ۱۹۱۹ هنوز بعضی از مناطقش بصورت دقیق مشخص و ترسیم نشده بود، میتواند به سنگر داغ مبارزه و جهاد تبدیل شود. آنها در تعیین ستراتیژی جنگی شان به آن چند راه یا کوتل مهمی بیشتر ارزش میدادند که افغان‌ها از طریق آن عده زیادی از عساکر و توپخانه‌چرخ دار را انتقال داده میتوانستند. این راه‌ها عبارت بودند از:

أ. "کوتل خیر" که مهمترین راه رسیدن به پشاور مرکز ایالت شمال غربی و قرارگاه مرکزی انگلیس‌ها در شمال غرب هند بریتانی بود، برای انگلیس‌ها اهمیت درجه یک داشت. در اداره مختلف تاریخ تمام حمله آوران بر هند، به استثنای اسکندر مقدونی که راه کنرا مورد استفاده قرار داده بود، از همین راه بر هند هجوم برده اند.

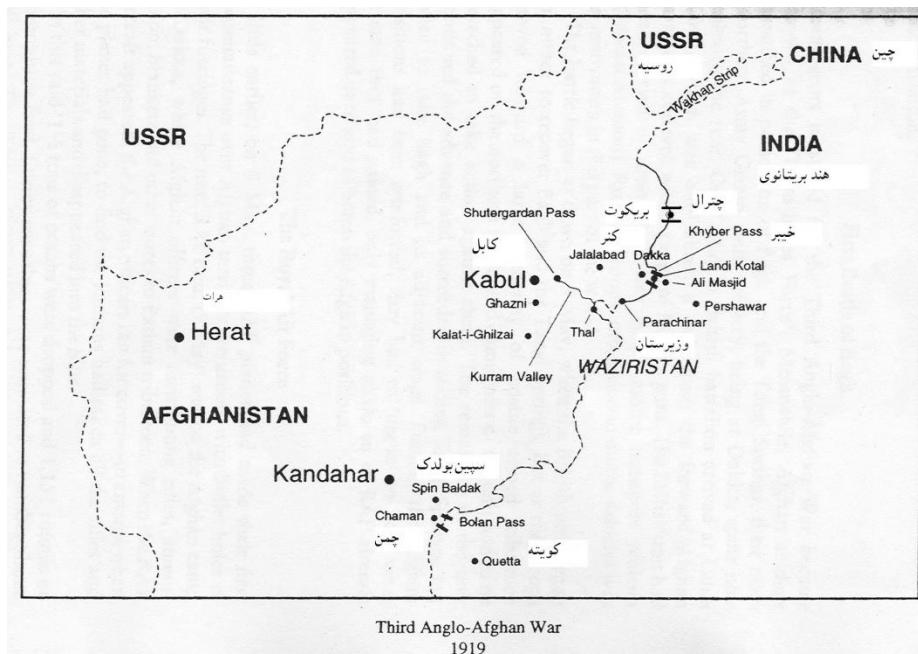
ب. به درجه دوم راه قندهار (دومین شهر بزرگ افغانستان) اهمیت داشت که از طریق چمن و "کوتل خوجک" به "کوتله" بعداً از طریق "کوتل بولان" به ایالت سند میرسید.

ج. به درجه سوم راه دیگری که چندان مشکل نبود از طریق "کوتل شتر گردن" و بعداً "کوتل پیوار" به "وادی کرم" تا "آبل" و "پشاور" وصل میشد.

د. دوراه دیگری که عموماً بحیث نقاط دخول به هندوستان مورد استفاده قرار میگرفت یکی از طریق "غزنی" به امتداد "دریای توقچی" و دیگری از غزنی به

¹⁰⁷. غبار، میرغلام محمد (۱۳۵۹) ص ۷۵۸

امتداد دریایی "گومل" به وزیرستان منتهی میشدند، راه های بودند که توسط کاروان های کوچی ها در بهار و خزان مورد استفاده قرار میگرفتند.
۵. راه "دره کنر" تا به "چترال" در انتهای شمالی سرحد، راه آسان دیگری بود که مورد استفاده قرار گرفته میتوانست، اما این راه بعد از چترال بطرف همواری های جنوب هند چندان آسان نبود.



۵. جبهات جنگ استقلال

بدین وسیله دیده میشود که وضعیت طبیعی و جغرافیاوی صحنه جنگ را برای قوای انگلیسی به پنج منطقه یا جبهه تقسیم مینمود: ۱) جبهه خیبر، ۲) جبهه کرم، ۳) جبهه وزیرستان شمالی و جنوبی، ۴) جبهه بلوچستان، ۵) جبهه چترال و ۶) یک جبهه احتمالی "ژوب" که وزیرستان را به بلوچستان وصل مینمود.¹⁰⁸

پلان عمومی جنگ توسط انگلیس‌ها طوری طرح شده بود که در قسمت‌های وزیرستان (جبهه جنوبی) و بلوجستان (جبهه قندهار) در حالت دفاعی بماند و با مؤثرترین قوای عمدۀ خود بمقابل جلال آباد (خیبر) پیشروی کند، و هدف شان جداساختن جنگجویان قبایل سرحد آزاد از قوای اردوی افغان، مستحکم ساختن "خیبر" و بازگردان راه به کابل بود.¹⁰⁹

پلان جنگی پیشروی در جبهه خیبر

در تلگرامی نائب‌السلطنه هند بریتانی (امور نظامی) پلان نظامی اردوی بریتانیا (برای اشغال جلال آباد) بعد از حمله بر که چنین تشریح شده است:

«جلال آباد از نظر تاریخی، سیاسی و ستراتیژیک کلید شرق افغانستان است. جلال آباد در فاصله چهار مارش از "که" قرار داشته و اشغال آن توسط قوای ما :

(a) تفویق نظامی مارا به قبایل سرحد و همچنان عناصر ناسپاس در هند نشان خواهد داد؛

(b) جنگ را به جنگی بین قوای ما و قوای امان‌الله محدود خواهد ساخت؛

(c) دسته متشکل هواداران بریتانیا را در افغانستان تشویق خواهد کرد؛

(d) یک پایگاه خوب و پیشرفته را برای استراحت و آمادگی قوای ما تدارک خواهد دید تا در کمپ‌این خزانی علیه کابل، اگر ضرورت افتاد، از آن استفاده کنیم؛

(e) مارا قادر خواهد ساخت تا از مهمات و منابع جلال آباد به نفع خود استفاده کنیم».¹¹⁰

نائب‌السلطنه هند بریتانی در تلگرام بعدی خود فواید پلان اشغال جلال آباد و هدف انگلیس‌ها در جداساختن جنگجویان قبایل سرحد آزاد از قوای اردوی افغان چنین تشریح می‌کند :

«وقتی ما در جلال آباد باشیم، در بین کابل و قبایل تیراه و مومند قرار داشته از ارسال اسلحه و مرمی به آنها جلوگیری خواهیم کرد. کابل مورد تهدید قرار گرفته و امان‌الله

¹⁰⁹ Robert Strausz-Hupe. (۱۹۴۳) ص ۹۳، تلگرام شماره ۲۲۲۳ مؤرخ ۱۵ ماه می نائب السلطنه هند بریتانی (امور نظامی) به وزیر امور هند در لندن.

¹¹⁰. اسناد محروم‌الاستخبارات هند راجع به جنگ سوم افغان و انگلیس; L/P&S/10/819، File P3261/1919 شماره ۱۵۰۰ مؤرخ ۲۱ ماه می.

مجبر خواهد شد قوا را برای دفاع از خود متمرکز ساخته و بدینوسیله تمام سرحد ما از حضور شوم موجودیت نیروهای بزرگ افغان خلاص شود».

همین پلان انگلیس‌ها به وضاحت نشان میدهد که هدف اصلی انگلیس در جنگ سوم افغان و انگلیس از بین برداشتن امان‌الله‌خان و نصب شخص دلخواه شان است:

«ما ازینکه پیشرفت ما دورتر از جلال آباد شاید غیر ضروری نباشد، نا امید نیستیم. ما با مشکلات زیاد سعی می‌ورزیم از طریق پروپاگند به افغانستان بفهمانیم که ما قصد اشغال افغانستان را نداریم، بلکه امان‌الله و مشاورین شریرو، نه افغان‌ها را بصورت عموم، مسئول به مخاطره‌انداختن صلح در سرحدات و آرامش افغانستان میدانیم. شاید توقع ما ازینکه نارضایتی از رژیم امان‌الله، که منشاً اصلی مشکلات موجود است، جان تازه بگیرد، و با ناکامی امان‌الله قوت بیشتر پیدا کند، یک توقع زیاد نباشد. در افغانستان برای ناکامی گنجایشی وجود ندارد. وقتی ناکامی امان‌الله با اشغال جلال آباد توسط قوای ما فاش شود، چانس خوبی برای رد کردن امان‌الله توسط افغان‌ها و بازنمودن راه برای یک امیر جدید، کسی که معامله با او برایمان مشکل نباشد، موجود است».

پلان جنگی عقب نشینی عمده در جبهه جنوبی

پلان جنگی انگلیس‌ها در رابطه با جبهه جنوبی در تلگرام کمیشنر عمومی و وکیل برای گورنر جنرال ایالت سرحدی شمال غربی، پشاور که به وزیر امور هند در شعبه خارجه و سیاسی در شیمله (پایتخت تابستانی هند بریتانی) و تکرار آن به منشی خصوصی واپسای (شعبه نظامی)، لوی درستیز، و نمایندگان وانه، توچی و بلوچستان فرستاده شده است، چنین تشریح شده است¹¹¹:

"من با قوماندان اردو و کنفرانسی داشتم و نظریات او در امر آتی ای گنجانیده شده که به افسران عمومی قوماندۀ وزیرستان صادر و به شعبه جنگ تکرار شده است: - آغاز امریه ۳۵۶۷ ج. س. با در نظرداشت این حقیقت که بعد از دخول قوای افغان به محاویرت "ریچل" و یکجا شدن قوای قبایلی با آنها، حفظ خطوط ارتباطی از "گومل" تا به "وانه" برای ما ناممکن خواهد بود، باید پست‌های نظامی "وانه - سروکی" و "گومل" را تخلیه کنیم. برای انجام این کار باید وقت زیاد را در نظر گرفت تا گارنیزون‌های وفادار موجود بتوانند به سلامتی به

¹¹¹. اسناد محترمانه استخارات هند راجع به جنگ سوم افغان و انگلیس L/P&S/10/819; File P3261/1919

"زوب" و یا "مرتضی" عقب نشینی کنند. به نماینده سیاسی (پولیتیکل ایجینت) "وانه" ازین اوامر توسط کمسنر عالی ایالت شمال غربی اطلاع داده شده است. همین امر در مورد "توجی" در رابطه با تمام پسته‌های نظامی بالاتر از میرامشاه صدق میکند. تمام اشیای قیمت دار باید قبل از تخلیه پست‌های نظامی از بین برده شوند. افسران عالی رتبه در ایجنسی‌های وانه و توجی وقت تخلیه را تعین خواهند کرد. ختم.

من با این اوامر توافق دارم، و اوامر آتی را به نماینده‌گان سیاسی "وانه" و "توجی" صادر کرده‌ام: آغاز. اگر عاجل تصور شود اقدامات ذیل را اتخاذ کنید:

نماینده سیاسی وانه – با مشوره قوماندان ملیشیای وزیرستان جنوبی، پست‌های "سروکی" و "گومل" را تا وقتی که منطقاً مصوّن باشند، حفظ کنید، اما آمادگی داشته باشید تا برای ازین بودن تمام اشیای که برای دشن ارزش داشته باشد، وقت کافی داشته باشید. پست‌ها را با وعده پاداش بسیار دلپذیر به مسعود و وزیری هائی بسپارید که اگر تا حال با ما دوست باقیمانده باشند. با استفاده از بصیرت خود در مورد تخلیه افراد خود به وانه یا مرتضی تصمیم خواهید گرفت. اگر ممکن باشد، به مرتضی عقب نشینی کنید. در مورد وانه هم باید از دستورالعمل مشابه استفاده شود، و به "زوب" عقب نشینی شود. فراموش نکنید که وانه را نباید تا به آخر حفظ کنید، چون رساندن کمک به آن ناممکن است. مؤقتیت بزرگ عملیات ما در جبهه دکه و جلال آباد شاید تمام پلان جنگ افغان‌ها را تغییر دهد، لذا تا هنگامی که منطقاً احساس مسئولیت میکنید، صبر کنید. اما اگر فکر میکنید که شرایط خراب و کدام چانس محاصره شدن موجود باشد و افسران عالیرتبه نظامی هم چنین عقیده داشته باشند، باید با تمام افراد باقیمانده صادق خود به "زوب" عقب نشینی کنید. مقدار کافی جبره برای رسیدن تأنجا را با خود حمل کنید، و تاحد ممکن اشیای باقیمانده را نایود کنید.

نماینده سیاسی توجی – اگر وضعیت وخیم شود، تمام پست‌های نظامی بالاتر از میرامشاه را تحت قومانده قوماندان عمومی تخلیه کنید. پست‌های بالاتر از میرامشا یا باید ترک شوند و یا هم به وزیری‌های که اگر تا حال دوست باقیمانده باشند، با وعده پاداش بسیار سخاوتمند برای حفاظت سپرده شوند. در هر صورت باید تمام آن اشیای را ازین ببرید که برای دشمن ارزش داشته باشد. من درک میکنم که این اوامر مسئولیت بس بزرگی را به عهده شما و "کروستوت" می‌اندازد، اما چاره نیست. همه چیز به درک اوضاع توسط شما بستگی دارد. مؤقتیت بزرگ عملیات ما در جبهه دکه و جلال آباد شاید تمام پلان جنگ افغان‌ها را تغییر دهد و ممکن است هیچ حمله مهمی بر توجی و وانه صورت نگیرد، اما از طرف دیگر معطلي زیاد شما، شاید به دشمن

چانش مؤقتیت تسخیر گارنیزون های را بددهد که رساندن کمک به آن برای ما ممکن نیست . بمن از طریق تلگراف معلومات مکمل بدھید . نماینده سیاسی وانه به تمام افراد ملیشیای که تا حال وفادار مانده اند، گفته میتواند که اگر مجبور به عقب نشینی شدیم، کار های خوبی در پشاور منتظر شان بوده و پاداش سخاوتمندانه را بدست خواهند آورد."

عملیات نظامی جبهات جنگ استقلال

امان الله خان تصمیم گرفته بود چه از راه مذاکره و یا جنگ استقلال افغانستان را بدست آورد، اما بی میلی و تأخیر انگلیس ها در شناختن استقلال افغانستان امان الله خان را مجبور ساخت تا راه جنگ را در پیش گیرد . مطابق به راپور نظامی استخبارات بریتانی، پلان جنگی افغان ها طوری بود که در یکی از روز های ماه می، حملات هم آهنگ قوای نظامی افغانستان به همکاری دسته های غازیان در سرحدات پشاور، کرم و بلوچستان آغاز خواهد شد . و کیل بریتانیا در کابل نیز اطلاع داده بود که سه دسته قوای نظامی که به طرف سرحدات برای حمله بر هند حرکت کرده اند، منتظر موقع مناسب خواهند ماند . موقعی که به زعم امان الله خان نسبت اوضاع وخیم، هر لحظه بوده میتواند.

اما برخلاف، جنگ بدون صدور اعلان رسمی، قبل از وقت و بدون آمادگی مردم به تاریخ ۳ می ۱۹۱۹ در جبهه خیبر توسط سپه سالار صالح محمد خان آغاز شد.

جهة خیبر

صبح ۳ می ۱۹۱۹ در حالیکه سپه سالار صالح محمد خان به جلال آباد برگشته و گارد محافظش در پکه بود، محافظین تفنگدار خیبر (ملیشیای محلی هند بریتانی در دره خیبر) که کاروانی را تا سرحد برقه و محافظت میکردند، در حوزه مورد نزاع بین لندی خانه و تورخم توسط یک دسته مسلح افغانها تحت رهبری زرشاہ شینواری متوقف گردیده، مجبور به بازگشت گشتند . درین دسته عساکر افغان موجود نبودند.

زرشاہ شینواری، که قبلاً در حملات آتسوی سرحد بر انگلیس ها از خود شهامت نشان داده و به شهرت رسیده بود، به آنها اعلان کرد که تحت فرمان سپه سالار (قوماندان اعلی) عمل میکند و در ضمن فرمانی را به انها نشان داد که از طرف امیر صادر شده بود . این فرمان امیر که در سرحدات پخش گردیده بود از قبایل دعوت میکرد برای رستاخیز و قیام در هند آماده باشند . در فرمان قسمًاً ذکر شده بود که "من این امر را

برای رعایای حلقه‌های صفحات شرقی، بسادات، مشایخ، ملاها، خانها و معتبران میفرستم و به آنها میگوییم که در هند نارامی عظیمی وجود دارد. گرچه تقریباً همه هندو ها و مسلمانها و فادار و مخلص به حکومت هستند، جای تأسف است که در مقابل برآنها ظلم میکنند و تمام انواع ناعدالتی را در مورد مذهب، عزت و شرف ایشان روا میدارند." درین فرمان توضیح شده بود که قیام‌های هندوستان افغانستان را نیز متاثر نموده است، لذا به صالح محمد خان اختیار تامداده شده است تا از سرحدات افغانستان حفاظت نماید.

منطقه مورد تنازعه به درازای کمتر از یک میل متشکل از رود خشکی بود که بذات خود اهمیت نداشت، اما حاکمیت بر آن تسلط بر قریه جات با غرا همراه داشت.

به تاریخ ۳ می، جنرال بریت، برای کمک به فرقه اول در پشاور، امر کرد تا فرقه دوم، از راولپنڈی حرکت کند. در همین روز شایعاتی را در پشاور پخش کردند که گویا سردار نصرالله خان بعد از آن که در زندان مسموم شد، فوت نموده است. و کمشنر عالی پشاور را پورداد که عکس العمل‌ها بمقابل امان‌الله خان رو به ازدیاد است.

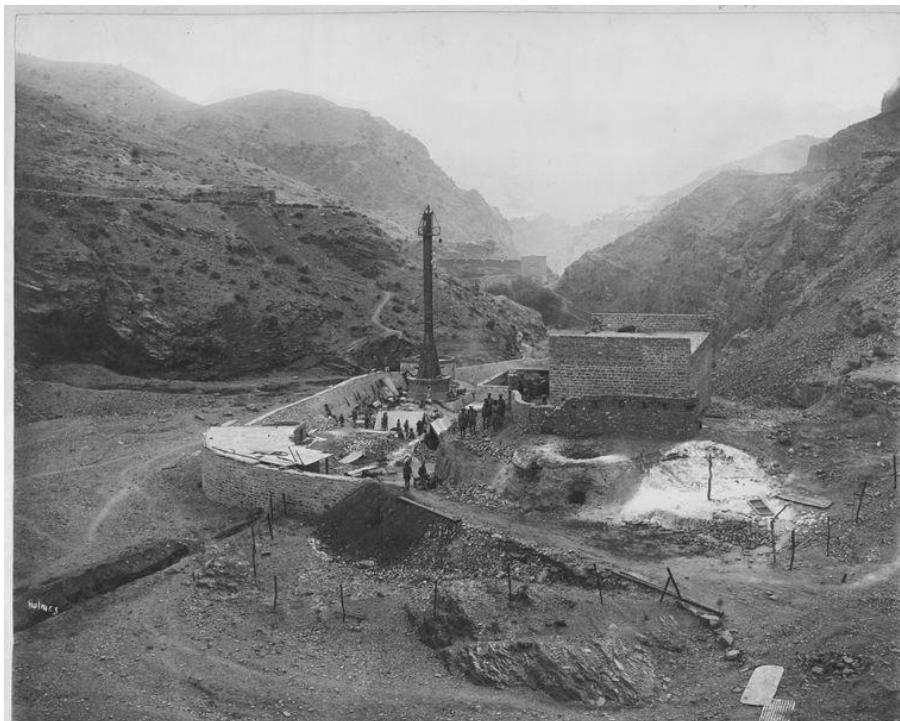
بتاریخ ۴ می ۱۹۱۹ نائب‌السلطنه هند بریتانی ترجمه فرمان‌غازی امان‌الله خان را به وزیر امور هند در لندن فرستاده و مینویسد که "با وجودی که فرمان امان‌الله خان سخت ناهنجار است، او باز هم بصورت قطعی دستیش را از آستین نکشیده است [اعلان جنگ نکرده است]. ما به روز کیپل (کمشنر عالی ایالت سرحدی شمال غربی) در رابطه با اهمیت خودداری از تصادمات در تورخم و تمام سرحدات دیگر تأکید نموده و ازا و خواسته ایم تا در سرحد با سپه سالار (صالح محمد خان) ملاقات نماید. مسوده پیغام نائب‌السلطنه به امان‌الله نیز آماده شده است^{۱۱۲}".

112. استناد محمله ارشیف هند بریتانی، L/P&S/10/819, File P.1953/1919



در مکتوب نائب‌السلطنه به امان‌الله‌خان که به همان روز فرستاده شد گفته شده بود «من اطلاع رسیده که یکتن زرشاه از مردم شینوار تنگرهار، که در سابق هم علاقمند حملات بر ولسوالی پشاور بوده است، در سرحد خیبر مشکلات خلق می‌کند. وی در داخل خاک بریتانی مانع تفنگداران خیبر شده و گستاخانه اظهار میدارد که از طرف سپه سالار برای آغاز دشمنی فرستاده شده است. اما این تنها نیست، او همچنان فرمانی را با مهر شما به جمعیت مردم نشان میدهد، که گویا در هند نارامی بزرگی وجود داشته، و اینکه وفاداری رعایای ما با تمام انواع ظلم و نا عدالتی در مورد مذهب، اعزت و شرف ایشان معاوضه می‌گردد، لذا آنها حق دارند که قیام کنند و مزاحمت ایجاد کنند. اگر چه بمن اطلاع رسیده که فرمان حامل مهر شماست، اما من نمیتوانم، باور کنم که این فرمان جعلی و توسط دشمنان افغانستان و خود شما پخش نشده باشد... من از شما تقاضا می‌کنم که با صدور اوامر فوری و شدید زرشاه مذکور دستگیر و در طول سرحدات مشترک ما (به مردم) فهمانده شود که فرمان‌های پخش شده جعلی و مبنی بر شایعات و افواهات دروغین می‌باشد».

در همین روز به حدود یکصد و پنجاه (۱۵۰) نفر از عساکر افغانی ملبس بالباس‌های نظامی (رساله شاهی) باع و کافر کوترا اشغال و آب چشمۀ باع را بر روی پستۀ نظامی لندی کوتل بستند. در اوخر همین روز، زرشاه بر مرکز پروژه آب لندی کوتل حمله نموده پنج نفر از کارکنان پروژه را کشت.¹¹³ قابل یاد آوریست که سرحد یا خط تحمیلی دیورند درین منطقه هیچ وقت علامه گذاری نشده بود، لذا افغان‌ها ادعا داشتند که منطقه باع مربوط به آنها بوده و انگلیس‌ها می‌گفتند که این منطقه دو صد گز (یارد) در داخل خاک آنها واقع است.¹¹⁴



7. ستیشن آب نزدیک لندی کوتل

بتاریخ ۵ می نیروهای دیگر افغان در باع افزوده شده مناطق ستراتیژیک "تورسپر" و "سپینه خوکه" را اشغال نمودند. در همین روز غازی امان الله خان پاسخ نامه نائب

¹¹³. عکس مربوط و مرکز پمپ آب را در ضمیمه ملاحظه کنید.

¹¹⁴. Fletcher, A. (1965), ص ۱۹۰.

السلطنه را فرستاد و از زندانی نمودن زرشاه شینواری بخاطری ابا ورزید که حکومت هند قانون ظالمانه Rowlatt Bill (روالت بل^{۱۱۵}) را تحمیل کرده بود. او در پاسخ نائب السلطنه راجع به فرمان خویش اظهار کرد که "ابراز همدردی اسلامی و احساس بشری من برای تزاد بشر بوده و ضمیر شاهانه من نفرت دارد از آن چیزهای که ایمان، مذهب، آزادی و حریت انسانها را متأثر می‌سازد". امیر گفت که وی عزم دارد قبایل سرحد را برای آزادی مملکت شان و تأمین صلح در سرحدات که توسط انقلاب‌های آمدنی تیزتک تهدید می‌گردند، متحده سازد. امیر بنا به دو علت از نائب السلطنه شکایت داشت: اول اینکه نامه اهانت آمیز و نا مطبوع بود. شکایت دیگر امیر این بود که چلمسفورد با مقرری نماینده جدید افغان مؤافقت نکرده بود، و او این کار را خصوصت آمیز خوانده و بدین معنی تفسیر کرد که هندوستان اورا برسمیت نمی‌شناسد. غازی امان اللہ خان گفت که وی آماده است با هند معاهدۀ دوستی را امضا کند. در ضمن از نائب السلطنه خواهش کرد که "با منسوخ کردن قوانین ستمگرانه و با شناختن استقلال مطلق، حقوق مساوی و آزادی حکومت افغانستان از هر جهت" خطرها را بر طرف نماید.

به همین روز (بتاریخ ۵ می) حکومت هند بریتانی، انحلال تجهیزات تمام نیروی جنگی هند و نیروهای سرحد را معطل کرد، و تمام صاحب منصبان بریتانی لشکر هند را احضار نمود. آنها میخواستند افغانها را با یک نیروی غیر قابل مقاومت رو برو نمایند^{۱۱۶}، تا بدون اینکه دست به پیکار زنند، نیروهای خود را عقب کشند.

بتاریخ ۲ می ۱۹۱۹، کمیشنر عمومی و وکیل بریتانیا برای حکومت هند، اجازه استعمال قوای هوائی را خواسته می‌نویسد "اگر نیروهای افغانی در باغ مقاومت کند، آیا اجازه داریم که پایگاه‌های شانرا در پده و لالپوره توسط هواپیما بمبارد کنیم؟ این بمبارد مان بسیار مؤثر خواهد بود"

به همین تاریخ لوی درستیز قوای نظامی انگلیس‌ها امر کرد که قوای خود را در لنده کوتل به نمایش گذاشته، افغانها را از منطقه با غیرون کشیده و ارتباطات افغانها را با

¹¹⁵. Rowlatt Bill قانونی بود که در ماه مارچ ۱۹۱۹ توسط بریتانیا در مستعمره هند نافذ و تدابیر اضطراری دوران جنگ اول جهانی را در رابطه با سرکوبی قیامهای مردم توسعه می‌بخشد. این قانون به حکومت هند بریتانی اجازه میداد تا هر شخصی را که گمان می‌رود در فعالیت‌های مخالفین دولت سهم داشته باشد، بدون محاکمه برای دو سال روانه زندان کنند

¹¹⁶. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، راپورهای نظامی ۱/B287/L/P&S/20

مومند ها قطع کنند. حکومت هند بریتانی بـه کمشنر عمومی نوشت که "شما با این امر میتوانید به مومند ها وعده هر آنچه را میخواهند بدهید" تا در جنگ مداخله نکنند.

انگلیس‌ها در همین روز تلاش ورزیدند تا میرزا غلام حیدر خان، رئیس پسته خانه افغان را دستگیر کنند. کمشتر عمومی در تلگرام شماره ۱۲۴ خود اطلاع داد که «یک فرمان تازه (امیر امان الله خان) به زبان پشتون در داخل و اطراف شهر پشاور در گردش است. من یک کاپی آنرا بشما ارسال خواهم کرد. من درباره امکانات دستگیر نمودن رئیس پسته خانه افغان فکر کدم، اما در شرایط موجود آنرا ممکن ندانستم. او پسته خانه را ترک گفته در یکی از خانه‌های دور از سرک عمومی در جایی پر پیچ و خم سکونت اختیار کرده است. تجربید کردن خانه او ممکن نبوده، تلاش برای دستگیری او ناکام خواهد شد. ما از استعمال توپخانه استفاده کرده نمیتوانیم و خطر جنگ‌های سخت در کوچه‌ها موجود است.»

با درک کامل اهمیت نقش نیروهای قومی، نائب السلطنه در همین روز به لندن اطلاع داد که "چگونگی برخورد قبایل یک فکتور بسیار مهم بوده، لذا به روز کیپل هدایت داده شده است تا برای جلب طرفداری آنها از هیچ نوع مصرف پول دریغ نکند". مهتر چترال، خان "تیری" از منطقه بنو، و نواب "دیر" از وفاداری کامل خود به روز کیپل اطلاع داده و تعهد سپرده که با ایشان خواهند بود. محمد صادق خان، خان سابق لالپوره هم که بحیث پناهندگ در پشاور زندگی میکرد، از خدمات خود به انگلیس ها اطلاع داده، چون خودش پیر و مریض بود، سه فرزندش توسط انگلیس ها به که و لندي کوتل فرستاده شده و به آن ها وعده داده شد که در پاداش خدمت خوب شان برایشان خانه لالپوره دوباره داده خواهد شد.

بتاریخ ۷ می طیارات جنگی انگلیس بر فراز باغ و لندهی کوتل پرواز های انکشافی نمودند و در "باغ" و "تور سیر" از طرف قواهی افغانی، هدف فیر های تفنگ قرار گرفتند.

بتأريخ ۸ می وزیر خارجه در حکومت هند بریتانی بـ وکیل انگلیس ها در کابل، حافظ سیف اللـ خان طـ تلگرام شماره ۱۱ الف، نوشت کـ در صورت آغاز جنگ آنکشور را با تمام تـشکیلاتش تـرک گـفته اما قبل از حرکت تمام اسناد رسمی ایرا کـه با خود آورده نمیـتـ اند، اـذ بـ سـ بـ ۵.

در همین روز ساعت ۲ بعد از ظهر شهر پشاور، که به طرفداری افغانستان ترتیبات قیام عمومی میگرفت، توسط انگلیس‌ها محاطه شده و چریان آب آن قطع شد. درین

عملیات تورن جنرال کلیمو Major General Climo را یک لوازی سواره و دو کندک پیاده قوای انگلیس همراهی میکرد. آنها بعد از داخل شدن به شهر رئیس پسته خانه افغان با تعدادی از مامورین و اعضای کمیته انقلابی پشاور (همکاران هندی میرزا غلام حیدرخان) را اسیر گرفتند و با اعلان کردن حکومت نظامی و حالت اضطراری در شهر پلان قیام پشاور را خشی نمودند. روز کیپل تصمیم گرفت که میرزا غلام حیدر خان^{۱۱۷} و همکارانش به "برما" فرستاده شوند. از جمله ۲۳ نفری که تبعید و به تاریخ ۱۲ می به برما فرستاده شدند، نه^۹ نفر افغان عبارت بودند از میرزا غلام حیدرخان رئیس پسته خانه افغان، محمد نقی مأمور پسته خانه افغان، عبدالحق مأمور پسته خانه افغان، سید عظیم شاه مأمور پسته خانه افغان، کرنیل علی احمد خان نماینده امیر، فقیر محمد خان، نور محمد شاه، میرزا فضل احمد و محمد انور. چهارده^{۱۴} نفر انقلابیون هندی عبارت بودند از داکتر چرن چندن گوش، لالی رام، حکیم عبدالجلیل، عاشق حسین، میلاپ سنگه، ایشاردادس، لکمی چند عکاس، شیورام، بشیشار ناته، ایندر ناته، امیر چند، عبدالله شاه، جتی شاه، و بربیج لال کپور.

انگلیس‌ها تمام حکومت‌ها و ادارات محلی و نمایندگان سیاسی خود را در قاهره، تهران، عدن، بغداد، بوشهر، بصره، مشهد، سیستان و کاشغر از و خامت اوضاع مطلع می‌سازند.

بتاریخ ۹ می ۱۹۱۹ قوای انگلیسی تحت قوماندۀ Brigadier General G. F. Crocker برید جنرال کروکر، قوماندان قوای انگلیسی در خبیر به حملات متقابل می‌پردازد که در نتیجه آن افغانها از منطقه باع به موقعیت جدید در تپه‌های "خارکلی ناله" عقب‌نشینی می‌کنند. کمیشنر عمومی اطلاع میدهد که یک طیاره نیروهای هوایی انگلیس‌ها مورد اصابت مرمی قرار گرفته اما موفق شده است در لنده‌ی کوتل به زمین بنشینند.

در همین روز طیارات انگلیسی چکه، محل اجتماع نیروهای کمکی افغان را بمبارد مان نمود. ضمن این عملیات پای سپه سالار صالح محمد خان هم جراحت پرمیدارد (گفتند

^{۱۱۷}. میرزا غلام حیدرخان در ماه سپتامبر ۱۹۲۰ به کابل بازگشت و به پاس خدمتش در پست های مهم دولتی ایفای وظیفه نمود. او برای چندین سال کارمند وزارت امور خارجه بود که از جمله مسئولیت امور روسیه و ترکستان را به دوش داشت. در جنوری ۱۹۲۴ بحیث آمر گمرک قندهار تعیین شده و در سفر تفتیشی نومبر ۱۹۲۵ غازی امان الله شاه به قندهار تقدیر و تمجید شد. میرزا غلام حیدرخان در جنوری ۱۹۲۹ به حیث معین وزارت مالیه ایفای وظیفه مینمود.

که شهید شد) که به اثر آن جبهه جنگ را ترک گفته به قصر کوکب در جلال‌آباد برمیگردد. اما دسته‌های کوچک قوای افغانی در جمرود به جنگ و حملات خود ادامه میدهند.

بتاریخ ۱۰ می قوای تازه دم انگلیسی تحت قوماندۀ تورن جنرال فولر Major General Fowler نیز رسیده و قوماندۀ قوای انگلیسی را بدست گرفت. آنها یک روز بعد دست به حمله زده بعد از زد و خورد های شدید که در آن طرفین متتحمل خسارات شدید جانی میشوند، قوای افغانی عقب نشینی اختیار میکنند.

بتاریخ ۱۱ می کمشتر عمومی و وکیل حکومت هند در پشاور خواهان محاکمه نظامی و کشتن میرزا غلام حیدر خان میشود: «با پالیدن خانه آمر پسته خانه افغان، پوسترهای اشتعال انگلیز بیشتر و همچنان مکتب محمود طرزی وزیر خارجه را یافتیم که هدایت میداد آنرا وسیعاً پخش کند. ما میتوانیم با داشتن این اسناد امر پسته خانه را کورت مارشال (محاکمه نظامی) و تیرباران کنیم، و این تأثیر سودمندی خواهد داشت». ^{۱۱۸}

به بتاریخ ۱۳ می قوای انگلیسی از خیبر و تورخم گذشته و شهرک سرحدی پکه را، که توسط قوای افغانی تخلیه شده بود، اشغال میکند. روز کیپل به نائب السلطنه هند مینویسد که افغانها در چند روز گذشته خلاف توقع ما با شجاعت و مردانگی میجنگیدند. مگر غیر منظم بودند وسایل حمل و نقل نداشتن و به پیمانه بزرگ مبارزه کرده تووانستند. او علاوه میکند که خطر بزرگتر از جانب قبایل متوجه ماست، اما شگفت آور است که تووانسته اند آنها را به قیام علیه ما و ادار سازند.

بتاریخ ۱۴ می سپاه انگلیسی به عزم تسخیر جلال‌آباد از دکه به استقامت "باسول" مارش میکند ولی در آنجا با قوای عسکری تحت قوماندۀ کند کمشر محمد اکلیل خان و جنرال محمد عمر خان مشهور به سور جرنیل روبرو میشوند. شادروان غبار مینویسد "این جنگ شدید بود و از توب و تفنگ بدست ویخن کشید. قوای افغانی با نوک برچه پیاده دشمن را در هم شکست و سواره دشمن دستان تسلیم بلند کرد، ولی سواره افغانی در حالت هیجانی آنان را بکفت و سپاه انگلیس تا چه فرار کرد". ^{۱۱۹}

سه روز بعد (بتاریخ ۱۷ می) یک لشکر بزرگ و مهیب‌تر اقوام مومند، صافی، خوگیانی و شینواری رسیدند. آنها که مسلح و از طفو لیت در استعمال تفنگ تمرین

^{۱۱۸}. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس ۱۹/۸۱۰/P&S/L

^{۱۱۹}. غبار، میر غلام محمد (۱۳۵۹) ص ۷۶۰

داشتند، قله های اطراف کمپ انگلیس ها را اشغال و قوای انگلیسی را تحت آتش مردمی های تفنگ قرار دادند.

بتاریخ ۱۸ می انگلیس ها یکبار دیگر کوشیدند پیشروی نمایند، اما با مقاومت شدید قوای قبایل افغان موافق شدند. درحالی که قوای پیاده آنها نتوانستند بیشتر از یکصد گز به پیش روند، یک غونه ۳۵ سکه های آنها با سراسیمگی و بی نظمی کامل پا به فرار نهاد. در آن لحظات حساس قوای انگلیسی، با رسیدن دو بخش از تپ های "هاویتزر" و گلوه باری شدید مواضع افغان ها، از شکست نجات یافتند.

انگلیس ها همچنان با استفاده از قوای هوائی بر جلال آباد و کابل بمبریختند. جلال آباد دوبار مورد حمله قرا گرفت.

بدین گونه با وجود شکست قوای نظامی افغانستان درین جبهه، سپاه داوطلب ملی توانست ستراتیژی عمومی جنگی انگلیس ها و خواب اشغال جلال آباد را خنثی نموده از خاک و سنگرهای ملی خود دفاع نمایند، و تا امضای متأرکه جنگ در ۳ جون ۱۹۱۹ نگذارند قوای انگلیسی از مواضع شان در پده که یک قدم هم پیشروی کنند.

جبهه قندار

عملیات نظامی درین جبهه قبل از آنکه قوماندان این جبهه، سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله، از کابل بر سر آغاز شده بود. رابت شترواس هوب، تحلیلگر امور نظامی میگوید که مؤقتیت ابتدائی افغانها باعث شد، قبایل برگار نیزون های بریتانیوی حمله کنند. انگلیس ها مجبور شدند چندین پست نظامی شان را ترک کنند. جنرال و پشیر General Wapshare قوماندان قوای بلوچستان در چمن مجبور شد قوای احتیاط را که اصلاً برای حمله به کابل تعیین شده بود، به کمک بطلبید.

درین جبهه سه تولی پیاده (جمعاً ۳۰۰ نفر) در قلعه جدید سپین بولدک و سه تولی دیگر در پوسته های سرحدی موجود بودند. قوماندان این نیرو تورن محمد یوسف خان بود.

نیروهای نظامی انگلیس بشكل ضربت متقابل سریع دست به یک فعالیت بزرگ

محاربوی زدند. دو
غند پیاده و قوای
سواره انگلیسها به
قوماندانی جنرال
هارדי ساعت
چارو نیم صبح ۲۲
می ۱۹۱۹ سرحد
افغانی را عبور
نموده دو ساعت
بعد در برابر قلعه
سرحدی
افغانستان در
سپین بولدک
موقع گرفتند.
چون جنرال
انگلیسی
از نیرومندی قوت
های نظامی خود
طمئن بود و از



8. لویناب خوشدل خان با پسرش شاغاسی علی احمد خان

قوت‌های کوچکتر
سرحد افغانی

معلومات لازمه در اختیار داشت، یک نفر را با بیرق سفید برای افغانها فرستاد و ازین طریق از افغانها خواست تا تسليم شوند. تورن محمد یوسف خان قوماندان قوای سرحدی در قلعه سپین بولدک خواست دشمن را رد نمود و دست به دفاع و مقابله زد. درین جنگ نابرابر دفاع دلیرانه عساکر افغانی هفت ساعت طول کشید. بالاخره نیروهای دشمن یک قسمت دیوار قلعه را با آتش توپهای بزرگ تخریب نموده و داخل قلعه شدند. در داخل قلعه جنگ برچه و سرنیزه آغاز گردید. در نتیجه از جمله ۳۰۰ نفر سربازان افغان یک تعداد کمی زخمی در میدان جنگ افتاده و متباقی کشته شدند.

تورن محمد یوسف خان نیز خصم برداشته و با سائر زخمیان اسیر دشمن شد و قلعه سرحدی سپین بولدک از طرف نیروهای انگلیس اشغال گردید.

خبر سقوط قلعه سرحدی سپین بولدک عوض سراسیمگی باعث غیظو هیجان مردم گردیده و قوماندان نیروهای نظامی قندهار پهگمن غلام نبی خان ناصری بدون تأخیر امر سفربری را برای قوای تحت امر خویش صادر نمود. اما خوشدل خان لوى ناب، والی قندهار قوماندان مذکور را لزمه سوقيات برضد انگلیس رسماً منع نمود. علت اين عمل تنگین و خلاف منافع ملي والی مذکور معلوم نشد. او شاید آدم ترسو بوده و جرئت آنرا نداشت تا در برابر انگلیسها قیام نماید، و یا امکان دارد که در خفا با انگلیسها در ارتباط بوده و اين کار را بخاطر رضایت آنها انجام داده باشد¹²⁰. زنده یاد غبار در اثر گرانسنج اش مینویسد که "اعتماد الدوله بمجرد ورود در قند هار خوشدل خان لوى ناب را از حکومت معزول و اخراج کرد و خود بنام جهاد کفن پوشید و هزاران نفر از مردم با آذوقه و اسلحه شخصی در زیر بیرق او جمع شده و يك عده بزرگ از طبقات مختلف ولایت با مرد و مال رسیدن گرفت."

سردار عبدالقدوس خان، در رأس هزاران نفر از داوطلبان ملي و نیروهای نظامی مستقر در قندهار به استقامت سپین بولدک حرکت کرد که در طول راه یکتعداد دیگری از داوطلبان نیز باوی یکجا شدند. قوماندانی نظامی انگلستان در کویته با گرفتن خبر حرکت نیروهای بزرگ افغان به استقامت سرحد، بدون تأخیر و باعجله امر تخلیه مناطق اشغالی افغانی را صادر نمود. قطعات نظامی انگلیس عقب نشینی نموده و در سنگرهای قبلی خود در چمن عقب سیم های خاردار جا بجا شدند.

دستگاه جاسوسی انگلیس ها برای ایجاد تفرقه قومی و ضعیف ساختن جبهه، در عقب جبهه دست به دسیسه و توطئه زده و درین کار خود تا اندازه مؤفق هم شدند. این دسیسه از طرف عمال انگلیسها طوری سازماندهی شد که یک طفل سنی مذهب را به قتل رسانیده و در منزل نور محمد شاه خان آگای قزلباش، یکی از زعمای شیعه مذهب دفن نموده و آنرا کار قزلباشی قندهار و نامود ساختند. چند نفر روحانی کاذب و اجیر درین آتش روغن ریخت و فتوای قتل قزلباشان بی گناه را صادر کردند، که باعث جنگ و جدل بین برادران هموطن گردید. آنها همچنان خبر این رویداد را با آب و تاب

¹²⁰. خوشدل خان لوبناب پدر شاغاسی والی احمد خان، والی کابل عهد غازی امان الله خان بود که دوبار اعلان پادشاهی نمود.

خاص در بین مبارزین منتشر کردند تا مردم بخاطر دفاع از خانواده و فامیلهای خود قطعات داو طلب نیروهای ملی را ترک نموده و به قندهار برگردند. اما چنین نشد و در مقابل وطن دوستان و اشخاص آگاه و کارداران دست بکارشده و در مدت اندک جنگ در قندهار خاموش گردید و همه دانستند که دشمنان مردم افغانستان در طرح و سازماندهی دیسیسه مذکور دست داشتند، حتی بعد ها شایعه در قندهار بر سر زبان ها افتاد که عمال و گماشته گان خوشدل خان لوی ناب توطئه مذکور را سازمان داده بودند.

بهر حال، نیروهای افغان سرحد تحمیلی «دیورند» را عبور نموده و منطقه «بغره» در سه کیلومتری آنسوی سرحد را اشغال و منبع آب را در دست میگیرند. به این ترتیب نه تنها گارنیزیون چمن بلکه قرارگاه عمومی نیروهای انگلستان در کویته نیز با خطر جدی مواجه میگردد. ولی اعلان متارکه از زدو خورد های بیشتر درین جبهه جلوگیری میکند.

جبهه جنوبی

راجع به این جبهه که قوماندانی آنرا سپه سالار محمد نادر خان بدوش داشت و دو برادرش شاه محمود خان و شاه ولی خان او را همراهی میکردند، نشرات و تبلیغات زیادی صورت گرفته است. برخلاف جبهات دیگر، در جبهه جنوبی هم کامره های عکاسی و وسائل نشراتی قایپ و سائکلو ستائل وجود داشت، و هم یکانه جبهه بود که راپورت های منظم و بالغه آمیز نامه نگاران حربی هندوستانی آن بصورت منظم در جریده رسمی آنوقت "امان افغان" بنشر میرسید.¹²¹

سردار محمد نادر خان که بعد از کشته شدن امیر حبیب الله خان با خانواده اش برای مدت کوتاهی محبوس و وظیفه سپه سالاری را به رقیبیش صالح محمد خان از دست میدهد، برای قیادت این جبهه حساس داو طلب شده و امان الله خان هم که درین وقت در موقعیت حساسی قرار داشت، ازین داو طلبی حسن استقبال مینماید.

این جبهه مانند جبهات دیگر شامل قوای نظامی و قوای داو طلب ملی و قبایلی بود. رجال عسکری شامل مبارک شاه خان غند مشر، محمد علم خان غند مشر، پنین بیگ خان غند مشر (بعد ها جنرال)، عبدالقیوم خان پغمانی کنپک مشر توپچی، محمد یونس

¹²¹. به اجرآت عالی و حسن مساعی سپه سالار غازی در موقع جهاد استقلال ۱۲۹۸ از قلم یک نامه نگار حربی امان افغان مراجعت شود که در بیوگرافی "نادر افغان" نقل شده است.

خان غندمشر لوگری، محمد عظیم خان کندک مشر، محمد قاسم خان کندک مشر، داد محمد خان لنبوی کندک مشر، نورمحمد خان کندک مشر، گل احمد خان کندک مشر، عبدالطیف خان کمیدان، محمد ابراهیم خان کمیدان، امیرمحمد خان کمیدان، نواب خان کمیدان پنجشیری، احمد جانخان کمیدان کابلی (شهید)، شیراحمد خان تولی مشر (شهید)، فقیرمحمد خان تولی مشر، جلال خان تولی مشر لوگری، محمد یار میجر گردیزی، خیرمحمد خان میجر، عبدالحمید خان توپچی صافی و آقا محمد خان یاور لوگری بودند.

لست رهبران محلی تنی، خُدراں، زرمتی، احمدزادئی، منگل، خائی، خمکنی، خروقی و رهبران سرحدی وزیری و مسعود وغیره اقوام را میتوان در صفحات ۷۲۳ و ۷۲۴ جلد اول افغانستان در مسیر تاریخ مطالعه کرد.

حضرت فضل محمد مجده (حضرت شوریازار و بعداً شمس المشایخ) و حضرت فضل عمر مجده (بعداً ملقب به نور المشایخ) هم از جمله روحا نیون سرشناصی بودند که بر علاوه آخندزاده صاحب موسه‌ی، حاجی عبدالرزاق خان اندزی، ملا همزه، ملا محمد جان خان، قاضی عبدالرحمن خان پغمانی و ملا عبدالرشید خان، توسط غازی امان الله خان، برای تبلیغ ارشادات اسلامی، دعوت به جهاد و نوشتی و خواندن خطبه جهاد تعین و قوماندان این جبهه را همراهی میکردند.

طوری که بعداً خواهید دید، پیروزی اصلی را درین جبهه قوای ملی بدست آوردند. اما معطّلی در تقلیل و حرکت قوماندان این جبهه که از همه اوپر حرکت گرده و بعد از آغاز رسمی جنگ و درگیری در جبهات دیگر، بمباردمان جلال آباد و کابل، اشغال دکه توسط نیروهای انگلیسی و اندکی قبل از موافقت نامه آتش بس، از همه دیرتر به جبهه جنگ رسید و صرف برای پنج روز از ۲۸ می تا اول جون ۱۹۱۹ درگیر جنگ شده به قهرمانی و شهرت رسید، نه تنها سؤوال بر انگلیز میباشد، بلکه در پهلوی اسناد دیگری که بعداً به آن اشاره خواهد شد، با درنظر داشت پلان جنگی عقب نشینی عمده انگلیس‌ها درین جبهه، که قبلاً ذکر شده است، به این ادعای سردار محمد رحیم ضیائی¹²² و سید قاسم رشتیا اعتبار میبخشد که پیروزی نادر خان از برگت یاری و مساعدت انگلیس‌ها و بر پایه پلان قبلاً طرح شده، بدست آمده است. توجه کنید به جریان مختصر رویدادهای این جبهه:

¹²². شیون کابلی، سردار محمد رحیم ضیائی (۲۰۰۸). برگ‌های از تاریخ معاصر وطن ما

بتاریخ ۲۱ اپریل ۱۹۱۹ سردار محمد نادر خان، به همراهی سه غنمه پیاده، چهار عراده توب کوچکی که بر بالای قاطر بار میگردید، دو توب هویتزر جرمی و یک دسته از نیروهای ارگ شاهی، کابل را ترک گفته بعد از سپری نمودن شب اول در چارآسیاب و شب دوم در کلنگار لوگر بتاریخ سوم شور ۱۲۹۸ مطابق به ۲۴ اپریل وارد شهر گردید، مرکز سمت جنوبی شد.

شادروان غبار مینویسد که «با آشکار شدن عزم رزم با دولت انگلیس در سرتاسر پکتیا غریبو عمومی برخاست و جنبش مردم شروع شد... بینندگان احساس میکردند که اعلام جنگ با دولت انگلیس در منزلت جشن عروسی در بین این مردم قهرمان تلقی میشود. این بود که هزاران مرد مسلح از تمام مناطق پکتیا، احمدزائی و طوطاخیل، منگل، جدران، حاجی، چمکنی، تنی، خوست، احمد خیل، حسن خیل، هاشم خیل، خروتی و هزاران نفر قهرمانان گمنام دیگر که تاریخ به ضبط نام هایشان قادر نشده بیرق ها بستند و در میدان های جنگ حاضر شدند. این احضار به جنگ عمومی چنانچه در جهان معمول است از طرف دولت و از صنوف ردیف و احتیاط وزارت جنگ و یا قرعه و حواله رسمی نبود، و هم طوری که معمول است اسلحه و آذوقه این سپاه از طرف دولت پرداخته نشده بود. این احضار به حرب عمومی از مختصات و مشخصات ملی افغانستان بوده و هست که در طی تاریخ برای حفظ آزادی و طرد تجاوز اجنبی نشان داده اند». ^{۱۲۳}

سپه سالار محمد نادر خان تقریباً بیست (۲۰) روز در بالاحصار گردیز بنام تنظیم نقشه جنگ اقامت کرد. او درین مدت خبر حمله صالح محمد خان در جبهه مشرقی را گرفت و همچنان از قطع مناسبات دولت های افغان و انگلیس مطلع شد. دیگر جنگ ملی شروع شده بود. محمد نادر خان قبل از آغاز جنگ رسمی اطلاع گرفت که جنگ آوران مسعودی به قشله جنگی "سروکی" حمله نموده و ۷۵ شتر حمل و نقل انگلیسی را به غنیمت گرفته اند. متعاقباً مردم تنی به قطع خطوط تلگرافی انگلیس پرداخته و دسته های گوریلائی مردم ۲۲۰ شتر غله دار دشمن را ربوتدند. مردم مسعود قلعه جنگی "وانه" را با قشون انگلیسی محاصره کردند. در خوست هم مردم تجمع کرده و به استقامت پیوار ، علی خیل، توچی و کرم پیش رفتند. ^{۱۲۴}

^{۱۲۳}. غبار، میر غلام محمد (۱۳۵۹) ص ۷۷۴.

^{۱۲۴}. همانجا

بتاریخ ۱۳ می سپه سالار تصمیم گرفت که قوای عسکری را به سه محاذ تقسیم نماید: محاذ اول (خوست/تل) که نقطه مرکزی میباشد بحیث مرکز هدایات و قوماندانی عمومی قوا تحت قوماندۀ خودش، محاذ دوم (جاجی/پیوار) تحت قوماندۀ سردار شاه محمود خان و محاذ سوم (ارگون/وزیرستان) تحت قوماندۀ سردار شاه ولی خان.

بتاریخ ۱۴ ماه می محمد نادر خان عازم متون، مرکز خوست، گردید و بعد از سپری نمودن شش روز به آنجا رسید. ظفر حسن ایک هندوستانی که محمد نادر خان را درین سفر همراهی میکرد در خاطراتش مینویسد که سپه سالار تصمیم گرفت تا ده (۱۰) روز را در خوست سپری کند و در آن ده روز به تهیۀ حیوانات بارکش که جهت رسیدن به محاذ ضروری بود، پرداخت¹²⁵. ظفر حسن درین جانا آگاهانه از یک راز بزرگی پرده بر میدارد که شاید با پلان جنگی تخلیۀ پست های نظامی انگلیس ها درین جبهه (طوری که قبل از ذکر شده است) بی رابطه نباشد. او مینویسد «وقتی که ما در متون بودیم خربشه (نقشه جنگی) ای که مبنی موقعیت لشکر انگلیسی بود بدست سپه سالار رسیده بود، خربشه مربوط "تل" بزرگتر بود، بخش این خربشه نظامی که به تل ارتباط داشت، بزرگتر enlarge شده بود که تفصیلات موقع کوچک آن هم بخوبی بنظر میرسید و در آینده جنگ، این خربشه به لشکر های افغانی بسیار کار آمد ثابت شد».«¹²⁶

ظفر حسن مینگارد که «در متون روز دیگر برای ما اطلاع رسید که قبایل وزیری و مسعود بر "وانه" و سایر حصارهای انگریزی حمله کرده است، مليشیای سرحدی مقیم در وانه دژ را خالی کرده، برخی به خانه های خود برگشته اند و تعدادی هم به نزد سردار شاه ولی خان رفته و برای او اسلحه خود را تسليم داده اند».«¹²⁷

غبار مینویسد که «در محاذ وزیرستان ۲۳ هزار جنگجویان مسعودی و وزیری سرتاسر جبهه وزیرستان را بشکل مجرماً آتشی درآورده بودند. تمام مخابرات دشمن با مرکز بنو باستثنای مخابرة رادیوئی از بین برده شده و ارتباط بین استحکامات و قلعه های جنگی دشمن معذوم و حیوانات آذوقه رسانی به تاراج برده شده بودند. در قشله های نظامی دشمن هزاران نفر مليشیای محلی افغان [پشتون] قیام کرده با اسلحه و جباخانه

¹²⁵. خاطرات ظفر حسن آییک (۲۰۰۳)، ص ۱۸۸

¹²⁶. همانجا

¹²⁷. همانجا

و مواد محترقه از صفت دشمن خارج شدند و در عقب جبهه بر سر دشمن ریختند و تلفات سختی بر قوه‌های انگلیسی تحمیل کردند.»¹²⁸

بتاریخ ۲۱ می ۱۹۱۹ نماینده سیاسی [پولیتیکل ایجینت] توجی، از میرا مشاه به مقامات انگلیسی اطلاع داد که «مطمئناً نادر خان در پیشروی عجله ندارد. مطابق به رایور خبر رسانی که امروز از متون برگشته است، او اول برای چند روز با اقوام ملاقات نموده، بعد در منطقه "نویزه" تنی با شاه ولی خان دیدار نموده و تنها بعد از آن راجع به تاریخ حرکت و پیش روی اش تصمیم خواهد گرفت.»¹²⁹

بتاریخ ۲۲ می کمشتر عمومی و نماینده گورنر جنرال برای حکومت ایالت سرحدی شمال مغربی به نائب السلطنه و قوماندان عمومی قوای نظامی ضمن تائید اطلاعات ذکر شده، از کمیت قوای افغانی که تحت قیادت شاه ولی خان به ارگون رسیده اطلاع داده مینویسد که "گُرم رایور میدهد که همین حالا جنرال محمد علم، قوماندان جبهه "خر لار چی" از جنرال نادر خان در "خوست" امر گرفته است که از آنجاییکه جنرال نادر خان تا فعلًا برای جنگ آمادگی ندارد، لذا باید جنگجویان قومی عقب نشینی کنند."¹³⁰

از طرف دیگر درین "جنگ عجیب" سردار نادر خان برخلاف این امری که صادر کرد بود، در نامه به برادرش شاه ولی خان چنین نوشت "ارجمند عزیزالوجودم شاه جان رکاب باشی در حفظ و امان الهی باشید. ازینطرف خیریت کلی حاصل است، باخاطر جمعی تمام مشغول کار های خود باشید. بقرار اطلاعاتیکه رسیده است، سپاهیان انگریز جنگ نمیکنند و چند جای و چهارچویی را بخوشی خود خالی میکنند. همین موقع نیکنامی آن ارجمند و برادر تافست . بدون پریشانی و دغدغه خاطر پیشافت کنید. بطرف وانا بروید. مقابله و مقدمه نخواهید دید. بوای من خاطر جمعی داده شده است. بکار دانی و هوشیاری شما یان تعلق دارد که مردمان دیگر ازین احوال و کیفیت خبر نشوند. ولی شما یان در آن جا و مایان درین طرف فتح کنیم. باقی آن

¹²⁸. غبار، میر غلام محمد (۱۳۵۹) ص ۷۷۵.

¹²⁹. اسناد محramانه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره پی ۲۱۵۲ L/P&S/101/819, p254

¹³⁰. اسناد محramانه استخبارات انگلیس، مکتوب شماره "پی آر آر" ۱۴۲۵ L/P&S/101/819, p274

ارجمند عزیز الوجود را بر خدا می‌سپارم. بسیار متوجه بوده باشید. محل امضای محمد نادر سپه سالار^{۱۳۱}.

به همین تاریخ ۲۲ می‌یک تلگرام نماینده سیاسی توجی، از میرامشاه به مقامات انگلیسی در مرکز اطلاع داد که "نادر خان تا هنوز در متون بوده و دست روی دست گذاشته است. توزیع تفنگ‌ها تا دیروز آغاز نشده است"^{۱۳۲}.

بتاریخ ۲۳ می (۲۲ شعبان) شاه ولی خان از مرکزش در چهارونی ارگون به محمد نادر خان اطلاع فرستاد که افراد قبایل وزیرستان چهارونی و انه را محاصره نموده اند^{۱۳۳}.

بتاریخ ۲۴ ماه می و بعد از سپری نمودن ده روز اقامت پلان شده در خوست، محمد نادر خان باز هم، به علتی که تنها به خودش معلوم بود، تصمیم گرفت برای چند روز دیگر در خوست بماند.

بتاریخ ۲۵ می (۲۴ شعبان) کرنیل عبدالقیوم خان و کرنیل خدادیداد خان با دو تویی پیاده و دو عزاده توپ برای تسخیر تهانه (بست عسکری) سپین وام که در سرک بین قتل و میرامشاه واقع است، می‌وندد. جنگجویان قوم جدران به رهبری بیرک خان جدران هم آنها را همراهی می‌کرد. اما افراد دشمن که تعداد شان به تقریباً سه صد (۳۰۰) نفر میرسیده فرار می‌کنند. از جمله آنها

^{۱۳۱}. اصل این مکتوب را شادروان پوهانند حبیبی در سال ۱۳۰۲ ش نزد جنرال تاج محمد خان پغمانی بلوچ دیده است و در شماره اول شریه "جمهور اسلام" بتاریخ اول سپتامبر ۱۹۵۱ در پشاور بنشر سپرده است. یک نقل آنرا که دوباره از منابع روسی به دری ترجمه شده است سردار محمد رحیم ضیائی (شیون کابلی) (۲۰۰۸) "در بخش هفتمن برگ‌های از تاریخ معاصر وطن ما" بنشر رسانده است که به اثر ترجمه به لسان روسی و ترجمه دوباره آن عبارت مکتوب تغییر کرده، اما عین مفهوم را افاده می‌کند: "من به مؤقتی کامل دست یافته ام و شما با آرامش کامل کار خود را بکنید. طبق اطلاعی که در دست است عساکر انگلیس به جنگ نمی‌پردازن و داوطلبانه از مواضع خود عقب نشینی می‌نمایند. وقت را از دست ندهید. از موقع استفاده کنید و به سوی "وانو" (وانه) به پیشروی بپردازید. هیچگونه مقاومتی علیه شما نخواهد بود. به من اطمینان قطعی داده شده است. به هوشیاری و زیرکی شما باور دارم. هیچکس نباید از موضوع اطلاع یابد و بفهمد که شما در آنجا و من درینجا کامیاب می‌شویم".

^{۱۳۲}. اسناد محترمانه استخارات انگلیس، L/P&S/101/819, p275.

^{۱۳۳}. کشککی، برهان الدین (۱۳۱۰)، ص ۱۲۲

نفر افریدی با تفنگ های شان خود را به افغان ها تسليم میکنند. قوای دشمن قبل از فرار مواد خوراکه (نخود، آرد، بوره، کچالو وغیره) و جباخانه را میسوزانند.¹³⁴

بتاریخ ۲۲ می کمشنر عمومی و نماینده گورنر عمومی برای ایالت سرحدی شمال مغربی از تخلیه تمام گارنبیزون های مستقر در توچی علیا و خط تل - ایدک اطلاع داد. نخست به رونوشت تلگرام و بعد به ترجمه دری آن توجه کنید:

Telegram P, No. 1461-R, dated (and received) the 26th May 1919

The Hon'ble the Chief Commissioner and Agent to the From-Governor-General in the North-West Frontier Province, Peshawar,

To-The Secretary to the Government of India in the Foreign and Political Department, Simla (repeated Private Secretary to the Viceroy, Army, Chief of the General Staff and Baluchistan)

Until yesterday situation throughout North-West Frontier Province was all that could be desired and all is well today in northern half. Yesterday Afghan forces on all fronts seemed to be retiring or stationary, all tribes were in good mood and there seemed to be no prospect of trouble but I have just learnt that acting apparently on his own initiative and against wish of Political Agent, whom he may not have been able to consult, General Officer garrisons of all posts in Upper Tochi Commanding, Tochi withdrew and on Thal -Idak line. Upper posts were occupied immediately and burnt by Masuds and Wazirs and Spinwam was occupied by Afghans. ... We may presume that General Nadir Khan will now move to Tochi.”.

تلگرام پ، شماره ۱۴۶۱ ر.، مؤخر ۲۲ می ۱۹۱۹ (دریافت همان تاریخ)

از طرف: عالیجناب کمشنر عمومی و نماینده گورنر عمومی برای ایالت سرحدی شمال مغربی

به: وزیر برای حکومت هند در شعبه خارجه و سیاسی، شیمله (تکرار برای سکرتر خصوصی نائب السلطنه، اردو، ولوی درستیز (رئیس ستاد کل)، و بلوچستان

تا به دیروز اوضاع در سرتاسر ایالت سرحدی شمال غربی کاملاً دلخواه بوده و امروز هم در نیمه شمالی کاملاً خوب است. دیروز بنظر میرسید که قوای افغانی در تمام جبهات

یا در حالت گوشہ‌گیری و یا بی تحرک باشند. تمام قبایل هم دارای روحیه خوب و دورنمای مزاحمت بنظر نمیرسید. اما من همین حالا اطلاع گرفتم که قوماندان عمومی توچی خودسرانه، بدون رضایت مامور سیاسی، یا شاید بدون موجودیت امکان مشوره با او، قوای مستقر در تمام پست‌های نظامی توچی علیا و امتداد خط‌تل-ایدک را تخلیه نموده است. پوست‌های نظامی بالائی بلا فاصله توسط قبایل مسعود و وزیر تصرف و به آتش کشیده شده و سپین وام توسط افغان‌ها اشغال شد... احتمال می‌بود که جنرال نادر خان بعد ازین بطرف توچی حرکت کند.¹³⁵".

بتاریخ ۲۷ می (۲۲) شعبان نادر خان که قبلاً از جریان رویداد‌های جبهه مشرقی توسط فرمان شخص امان‌الله خان اطلاع داشت، از جریان بمباری مقر وزارت حربیه، ارگ سلطنتی، ماشین خانه و اصطبل عسکری در کابل آگاه می‌شد.¹³⁶

سرانجام بتاریخ ۲۷ می (۲۲ شعبان) نادر خان موقع را مناسب دیده برای بار اول با تعداد زیاد لشکریانش به عزم عبور از خط دیورند بطرف تل حرکت می‌کند. این مطلب را در بیوگرافی سپه سالار نادر خان چنین می‌خوانیم: "۲۲ شعبان جناب سعادت‌آب سپه سالار زاد‌الله اقباله از منزل صادق و لندر کوچ کردند، تا که برای توب‌ها و اردوگاه‌جای درست را معین بفرمایند، راه نهایت خراب بود، آب پیدا نمی‌شد، برگد مبارکشاه خان خوست که یکروز پیش آمده بود، جاهای مهم و موقع مناسب را بدست آورده قوه خود را تخمیناً بقرب سه هزار گز بقلعه دشمن رسانده بود، بوقت ۱۱ بجۀ روز جنگ آغاز شد، از هر دو طرف گله باری شدید شد، جناب سعادت‌آب سپه سالار زاد‌الله اقباله اقباله بوقت دو بجۀ روز رسیدند، موضع‌های ضروریه را استحکام نموده سرهای کورا تصرف کردند، بوقت شب اردو رسید، تا نصف شب بهر طرف گشته موضع توب را معین فرمودند".¹³⁷

135. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، L/P&S/101/819، p320.

136. کشککی، برهان الدین (۱۳۱۰)، ضمیمه ص ۱۳۸.

137. کشککی، برهان الدین (۱۳۱۰)، ص ۱۲۳.

آیا جنرال محمد نادر خان واقعاً فاتح قلعه جنگی قل است؟

قلعه نظامی قل در یک همواری به وسعت یک میل بین رود های خشک "سنگروبه و" ایش کلی "به بلندی یکصد فت از سطح دریای کرم واقع بوده و دریای مذکور به فاصله یک میل در غرب آن جریان دارد. قریه بزرگ یا شهرک قل به فاصله نیم میل در غرب واقع بوده و در آن وقت ۳۷۲ خانوار پشتون های بنگش در آن سکونت داشتند.



9. قلعه جنگی بتل

ظفر حسن آییک مینویسد که «شامگاهان (۲۲ می) عبدالطیف خان دستور یافت که همراه با دسته رزمی خویش و دو پایه توپ در حالی که مجاهدین قبیله منگل او را همراهی می کردند، بطرف قل رهسپار گردد و در کناره های دریای کرم، برای توپ های خویش موضع حفر نماید و در انتظار رسیدن سپاه اصلی باشد. روز دیگر (۲۷ می) سپه سالار مرحوم، صبحگاهان همراه با تعداد زیاد لشکریان بطرف قل حرکت کرد. با وجود چهار ساعت سفر، هنوز هم ما از تل فاصله داشتیم، (که) صدای فیر توپ به گوش های ما رسیدن گرفت. ما علت را نفهمیدیم، زیرا عبدالطیف دستور داشت تا وقتی که حصه زیاد لشکر به تل نرسد، او حمله را آغاز ننماید... هنوز فاصله را طی نکرده بودیم که با یک سپاهی برخوردیم که حامل پیام عبدالطیف خان، برای سپه سالار مرحوم بود. سپاهی برای ما گفت: مجاهدین منگل بدون اجازت به شهر قل حمله کردند و شهروندان تل، از آنان با گرمجوشی استقبال نمودند. با وجود آن در شهر به خاطر چور و چپاول، انگریز ها، بالای مجاهدین آتش گشودند. بناءً عبدالطیف خان بخاطر محافظت

مجاهدین، دستور داد گلوله باری توب‌ها بر موضع توب‌های انگریزی آغاز گردد... لشکر بعد از سه ساعت یعنی بعد از ظهر به محاذ رسید... درین لحظات خبر آمد که نیروهای انگریزی از دریای کرم عبور کرده بطرف موضع توب‌های عبدالطیف خان پیشقدمی دارند، و آمدن شان به سوی ما نیز احتمال دارد.»¹³⁸

به روایت منابع متعدد، بشمول خانواده مجددی، در همینجا بود که نادر خان بنای فرار را گذاشت، اما شمس المشایخ مانع او گردیده بود.¹³⁹ ظفر حسن ادامه میدهد که «فضل خدا بود که نیروهای انگلیسی در کناره دریای کرم توقف کرد و به طرف ما پیشروی ننمود،... اگر سپاهیان انگریز کمی جرأت می‌کردند و به پیشروی ادامه میدادند، حتماً سپه سالار مرحوم را با جمله سپاهیانش به اسارت می‌گرفتند»¹⁴⁰. او می‌افزاید "... وقتی که قبیله‌های جدران و منگل به طرف شهر پیشقدمی کردند، افسران انگلیسی از گرد و نواحی پایگاه‌های شان بروآمد، به قلعه تل پناه برداشتند و بدین ترتیب راه شهر به روی مجاهدین باز گردید. وقتی که مجاهدین وارد شهر گردیدند، اهالی تل با گرمجوشی از آن‌ها استقبال نمودند و برای شان شربت و ماست تقدیم داشتند»¹⁴¹. ظفر حسن بعد از ذکر رسیدن توب‌های هویتزر بر بالای پیل‌ها به سنگر، جابجا نمودن آن در عقب یک کوه و نشانه گرفتن قلعه تل توسط شخص نادر خان و اصابت گلوله بر گدام قلعه و بلند شدن دود به آسمان مینویسد که "روز دیگر چند گلوله به استقامت قلعه، از توپهای جرمی هویتزر آتش شد و لشکر به محاصره قلعه دست یازید، اما این کارها قرین مؤقتی نگشت و امیدی هم به تسليم شدن افرادی که در داخل قلعه بودند محسوس نبود.»¹⁴²

گزارش رسمی جریان جنگ سوم افغان و انگلیس حکومت بریتانیا میرساند که قرارگاه یا مرکز فرماندهی قوای افغان در یوسف خیل، در سه میلی شمال غرب تل در کناره در کرم تأسیس شده بود. توب‌های قوای افغان در تپه‌های مخروطی شکل "خاپیانگه" و "سیاه سنگ" نزدیک یوسف خیل جا بجا شده و از آنجا به فاصله‌های ۳۵۰۰ و ۵۰۰۰ یارد بر قلعه جنگی تل آتش گشودند. چند گلوله به دیوار و ساختمان داخل قلعه خساره

138. خاطرات ظفر حسن آییک (۲۰۰۳)، صفحات ۱۹۵-۱۹۷.

139. مجددی، شاه آغا صدیق (۱۳۸۱)، ص ۲.

140. خاطرات ظفر حسن آییک (۲۰۰۳)، صفحات ۱۹۳-۱۹۵.

141. همانجا

142. خاطرات ظفر حسن آییک (۲۰۰۳)، صفحات ۱۹۸-۱۹۹.

رساند و چند گلوله هم در بارکی منفجر شد که به حیث شفاخانه از آن استفاده میشد. برای جلوگیری از تلفات زیاد در آنجا استحکامات خندقی حفر شده بود. دسته‌های قوای پیاده شهرک تل را اشغال نموده و گروپ‌های قومی هم از دریای کرم عبور نموده تپه‌های حاکم بر محمدزادی در فاصله ۳۵۰ یارد در جنوب قلعه جنگی تل و همچنان مهمیزهای پائینی "خدای مخ" را بتصرف درآوردند.¹⁴³

راپور می افزایید که به تاریخ ۲۸ می آتش توپ‌های ۱۰ سانتی متری هویتزر شدیدتر و دقیق‌تر شد. ذخیره پترول و پسته‌های کاه در خارج از قلعه و جیره مواد غذائی در صحن سیشن قطار آهن به آتش کشیده شده، و دستگاه بیسیم هم هدف قرار گرفته بواز چندی از کار بازماند. برای کم کردن گلوله باری افغانها کوشش کردیم تا توسط دو بال طیاره قوای هوائی شاهنشاهی بر محل توپ‌های دشمن بمب بریزیم. این کار در آن وقت مؤثر بوده اما این یک کمک مؤقتی بود (طی همین بمب‌گذاری طیارات انگلیسی احمد جان خان کمیدان کابلی به شهادت رسید). ساعت ۱۰ و ۳۰ (ده و نیم) قوای افغانی از داخل شهرک تل کوشیدند قلعه جنگی تل را مورد حمله قرار دهند. این حمله آنها به آسانی دفع شده و آنها دوباره به حمله دست نزدند.¹⁴⁴

شام ۲۹/۲۸ می ملیشیای سرحدی (فرانتیکانستبلری) پوسته خود را در کرانه راست "سنگروبه" تخلیه نموده و بطرف "هنگو" عقب نشینی نمودند. این پوسته بزرگ‌تر توسط افغانها اشغال و جریان آب مورد تهدید قرار گرفت. بتاریخ ۲۹ می گارنیزون انگلیس‌ها به کندن گودال‌های پرداختند که آنرا با تربیال آستر نموده و برای ذخیره آب مورد استفاده قرار دادند. بتاریخ ۳۰ می قوای انگلیسی باز هم در مناطق دیگر از هوای پیماها استفاده کرده و توپخانه افغان تمام روز به آتشباری ادامه داد. درین وقت افغانها توانسته بودند یک توپ هفت نیم سانتی متری را از دریای کرم به جنوب تل انتقال داده و بر موضع دشمن آتشباری نمایند که در نتیجه آن دیوار قلعه و محل نصب توپ‌های شان شدیداً خساره دید.

راپور انگلیس‌ها علاوه میکند که به تاریخ ۳۱ می هردو جانب از نزدیک شدن ستون‌های کمکی قوای انگلیسی به تل آگاهی داشتند. این نیروی کمکی به تاریخ اول جون وارد تل شد، و کدام فعالیت مهمی را نشان نداد. بتاریخ دوم جون در حالی که جنرال ایوستاس General Eustace به کوهات برگشت، جنرال دایر General Dyer

. ۱۴۳. Army. General Staff Branch (1926). ۱۴۳. ص ۵۷.

. ۱۴۴. همانجا

قوماندانی تمام نیروهای تل را به عهده گرفته در صدد آغاز عملیات نظامی بود که نامه از طرف نادر خان برایش رسید. او درین نامه گفته بود که امیر برایش امر نموده است تا عملیات خصمانه را به تعویق بیاندازد، و خواسته است از وصول این پیغام اطمینان حاصل کند.

مطابق همین راپور، جنرال دایر (قصاب قتل عام با غجالیانواله) با غرورو و کلان کاری که گویا از معلومات عمیقش راجع به شرق ناشی میشد، جواب مشخص نامه سپه سالار نادر خان را چنین داد: «جواب فوری را توپ های من خواهند داد، و جواب بعدی را قوماندان بخشن، به کسی که این نامه ارسال شده است، خواهد داد». ¹⁴⁵

ظفر حسن آییک از رسیدن فرمان غازی امان الله خان مبنی بر متارکه جنگ یاد آور شده مبنی سد که «با آمدن این فرمان بر فرار و عقب نشینی و شکست سربازان ما که خودسرانه به آن دست یازیده بودند، پرده افتاد. سپه سالار به اساس حکم امیر صاحب از یک طرف به لشکر دستور داد تا بطرف مرز حرکت کند و از طرف دیگر مرا دستور داد تا به فرمانده انگریز ها در تل نامه به زبان انگلیسی بنویسم و آنرا بدست معتمد خویش که تصادفی به تل آمد بود، گسلی داشت. در نامه عنوانی فرمانده انگریز ها آمد بود که میان حکومت های افغانی و انگلیس متارکه صورت گرفته است و امروز (اول جون) نیز از دوازده بجۀ شب درین محاذ آتش بس نافذ است¹⁴⁶ ... به اساس حکم سپه سالار مرحوم در آن شب، خیمه ها را بر قاطرها حمل کردیم و بر آن تعداد حیوانات بارکشی که موجود بود، جنگ افزارها، مرمی و باروت را انتقال دادیم. چون برخی سپاهیان، قاطرها را سوار شده فرار نموده بودند، مجبور شدیم یکتعداد از وسائل جنگی را در میدان جنگ رها کنیم» ¹⁴⁷

به این نامه سپه سالار محمد نادر خان که حسن آییک به آن اشاره نموده است در تلگرام مؤخر ۳ جون کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی هم اشاره شده چنین ذکر شده است که «من از «انسین»، (شعبه) سیاسی تل، تلگرامی گرفته ام که تاریخ آن ۲ جون (ساعت ۴ و ۳۰) بود و حاکیست که نادر خان نامه فرستاده در آن از متارکه جنگ یادآوری نموده و میپرسد که ما چه تصمیمی داریم» ¹⁴⁸

.۲۱. Army. General Staff Branch (1926). ¹⁴⁵

.۲۰۵. خاطرات ظفر حسن آییک (۲۰۰۳)، ص.

.۲۰۲. خاطرات ظفر حسن آییک (۲۰۲۲)، ص.

.۱۴۸. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، L/P&S/101/819, p406

گرچه مؤرخان دولتی افغانستان که شادروان غبار نیز روایت ایشان را تأیید نموده است در صفحه ۷۶۷ جلد اول افغانستان در مسیر تاریخ مینویسد که "بالاخره قوای انگلیس تاب نیاورده دست از جنگ کشید و بیرق تسليم برآراشت . مهاجمین افغانی متوجه بیرق تسليم نشدند و یا نخواستند بشوند، پس هجوم دوام کرد و سپاه و افسران انگلیسی از دروازه دیگر قلعه فرار کردند. قشون فاتح افغانی داخل (قلعه) تل شده بیرق افغانستان را بر فراز آن افراشتند. اما هیچگونه سندي برای اثبات اين ادعا که قوای سپه سالار محمد نادر خان قلعه نظامي تل را فتح نموده باشد، ارائه نشده است . در حقیقت مطابق به روایات شاهدان عینی و کسانی که در جبهه جنوبی در رکاب سپه سالار نادر خان بودند، بعد از آنکه لشکرهای قومی جدران (تحت رهبری بیرک خان جدران) و منگل به طرف شهر تل پیشقدمی نموده و به استقبال مردم داخل شهر و بازار قلعه شدند، افسران انگلیسی از گرد و نواحی پایگاه های شان برآمده، به قلعه جنگی تل پناه بردند. قوای انگلیسی که شامل یک غند و دارای چهار توپ بودند برای پنج روز تحت محاصره افغان ها قرار داشت^{۱۴۹} ، تا اینکه قوای جنرال دایر رسید و محاصره را شکستند.

قابل یادآوریست که مرحوم غبار در جلد دوم ارشش رویداد تل را برخلاف آنچه در جلد اول نوشته، تصحیح نموده است، اما باز هم تل را قلعه مفتوحه گفته چنین می نویسد: «گرچه سپه سالار محمد نادر در جنگ تل میدان را گذاشت و می خواست عقب نشینی کند، ولی شمس المشایخ جلو اسبش را گرفت و نعره زد که کجا میروی؟ نادر خان گفت "ال ساعه مخبر سرحدی رسید و خبرداد که قوای زیاد انگلیس تجمع کرده و اینک بحمله مبادرت میکنند" شمس المشایخ گفت از این چه بهتر، مگر ما و شما شهادت نمیخواهیم؟ سپه سالار مجبوراً بایستاد و جنگ آغاز شد و انگلیس ها در هم شکستند. معهذا در حمله متقابل انگلیس در تل، سپه سالار به عقب کشید و قلعه مفتوحه را بدشمن گذاشت. او در راه عقب نشینی بود که فرمان شاه رسید و از مtarکه رسمی دولتین اطلاع داد و این حادثه باعث نجات و شهرت سپه سالار گردید».¹⁵⁰

طوری که دیده شد، سپه سالار محمد نادر خان و برادرانش بکمک جنگجویان داوطلب اقوام که صفوی مقدم را تشکیل میدادند، به آسانی و تقریباً بدون مواجه شدن با مقاومت جدی دشمن، خط تحمیلی دشمن را عبور و پست های نظامی تخلیه شده

¹⁴⁹. اسناد محترمانه استخبارات ستراتیژیک انگلیس (۱۹۱۹-۱۹۷۰)، ص ۱۸.

¹⁵⁰. غبار، میرغلام محمد (۱۹۹۹)، ص ۳۲.

انگلیس‌ها را اشغال نمودند و انگلیس‌ها هم به آنها فرصت دادند تا عملیات اشغالی خود را با جام بر سانند. فقط پس از تکمیل این عملیات و مقارن متارکه جنگ بین مملکتیین بود که اولین قوه امدادی انگلیس بسر کرد گی جنرال دایر به این محاذ میرسد، و پیش از آنکه جنگی رخ داده باشد، طرفین با گرفتن امر آتش پس از حکومت‌های خود، قوای خویش را ده-ده میل عقب می‌کشند. به اینصورت همانطوری که بعضی از مؤلفین گفته‌اند، نادر خان صرف در اثریک چانس نیک که آنهم کاملاً اتفاقی نبود، بدون کدام جنگ واقعی و یا کدام فتح حقیقی لقب فاتح و غازی را بخود و برادرانش تخصیص داد.¹⁵¹

جبهه چترال (جبهه چهارم استقلال)

این جبهه جنگ سوم افغان و انگلیس به نام جبهه چترال و کنر، جبهه بريکوت و ارنوی و نیز به نام محاذ چترال یاد شده است. در اسناد رسمی انگلیس‌ها، گزارش‌های جنگ سوم افغان و انگلیس، تلگرام‌های محرمانه و راپور‌های استخبارات انگلیس ازین جبهه بنام محاذ چترال جبهه شمالی، جبهه شمالی چترال و تهاجم ماه می تا جولای ۱۹۱۹ افغان‌ها بر چترال تذکر رفته است.

میر زمان خان کنری سرقوماندان جبهه

قوماندانی این جبهه را که شامل داوطلبان قومی و قوای عسکری بود، غازی میرزمان خان کنری به عهده داشت. یک عدد از مؤرخین غازی میرزمان خان کنری را زعیم قوای قومی و جنرال عبدالوکیل خان نورستانی را قوماندان عسکری جبهه چترال و ارنوی قلمداد کرده‌اند، که عاری از حقیقت است. جنرال عبدالوکیل خان نورستانی که خود یکی از جنرالان ورزیده اردوی افغانستان بود ۴۲ روز بعد از آغاز جنگ بتاریخ ۲۳ جون ۱۹۱۹ بطرف این جبهه حرکت کرد، و ماموریت داشت موضع فتح شده دوکلام و ارنوی را از لشکر غازی میرزمان خان تسلیم و از آنها دفاع کند. با در نظرداشت اینکه متارکه جنگ استقلال بتاریخ ۳ جون ۱۹۱۹ اعلام شده است، واضح است که جنرال عبدالوکیل خان نورستانی سه هفته بعد از اعلام متارکه به جبهه میرسد و نمیتواند قوماندان نظامی آن جبهه بوده باشد.

¹⁵¹. سید قاسم رشتیا با اسم مستعار سیدال یوسفی (۱۳۷۸)، صفحات ۷ و ۲.

طوری که بعداً خواهید دید، خبر متارکه به این جبهه دیر رسید و حتی بعد از آن هم قوای غازی میرزمان خان کنری نتنها مطابق به تقاضای انگلیس‌ها از موضع خود عقب نشینی نکرد، بلکه از آن به بعد به همراهی قوای نظامی اسماр تحت قوماندۀ جنرال عبدالوکیل خان نورستانی به عملیات و پیشروی خود ادامه داده‌اند. معلومات مفصل راجع به این جبهه را میتوان از کتاب این مؤلف بنام "جنگ استرداد استقلال افغانستان: جبهه فراموش شده چترال و کنر" بدست آوردن. درینجا به خلاصه جریان حوادث این جبهه اکتفا میکنیم:

بتاریخ ۵ می ۱۹۱۹ وقتی مناسبات بین افغانستان و بریتانیا تیره شد، نماینده و معاون نماینده سیاسی (Assistant political Agent) انگلیس‌ها مقیم چترال، میجر ریلی^{۱۵۲} (Major Reilly) امر آماده باش سه‌تولی قوای سکاوی چترال را صادر مینماید^{۱۵۳}. قوای انگلیسی با تجهیزات سفری مجهز بودند. در عین زمان گارنیزون قلعه دروش (Kala Dosh) تحت فرماندهی سامبورن-پالمر^{۱۵۴} Lieutenant (Colonel Sambourn-Palmer) به حالت دفاعی و آماده باش در می‌آید.

بتاریخ ۸ می ۱۹۱۹ (۱۷ شور ۱۲۹۸) غازی میرزمان خان با چهارصد (۴۰۰) نفر جنگجوی قومی از راه اسمار به طرف بریکوت حرکت نمود. کمشنر عمومی انگلیس‌ها در سرحد شمال غربی به سکرتر برای حکومت هند بریتانی، نائب‌السلطنه انگلستان در هند و فرمانده کل قوای انگلیس، نقل تلگرام ارسالی مؤرخ ۱۰ می ۱۹۱۹ نماینده انگلیس‌ها از چترال را میفرستد، که متن آن چنین بود: «راپور و اصله از ارندو^{۱۵۵} حاکیست که تمام قوای عسکری از سرکانی، برای تقویت پوسته سرحدی بریکوت تحت رهبری میرزمان خان، برای حمله بر چترال اختصاص یافته‌اند. میرزمان خان ساعت هشت شب هشتم ماه می به اسمار رسید. حمله، قرار یک راپور، به تاریخ پانزدهم آغاز خواهد شد. راپور دیگر میگوید که آنها تا رسیدن

^{۱۵۲} Noel Edmund Reilly. از سال ۱۹۱۵ بحیث معاون نماینده سیاسی انگلیس‌ها برای دیر، سوات و ملکند اجرای وظیفه مینمود.

^{۱۵۳} Robson, Brian (2004). Molesworth, G. N. (1963). Government of India. (1926) .۸۹ ص؛ و

^{۱۵۴} Frederick Carey Stukely Sambourne-Palmer. بین سالهای ۱۹۱۶ و ۱۹۲۰ نخست قوماندۀ قوای راجپوت و بعداً قوماندانی کندک‌های ۱۰ و ۷ راجپوت را به عهده داشت.

^{۱۵۵} اسمی که انگلیس‌ها و چترالی‌ها برای ارتوی بکار میبردند.

تفک های که قرار است از جلال آباد برسند، انتظار خواهند کشید... مهربه ما وعده کمک کرده و پیغام وفاداری فرستاده است».¹⁵⁶

اقتباس متن انگلیسی تلگرام :

“Report received from Arandu that all regular troops from Sarkanni reinforcement to Barikot Thana five regiments have been allotted for an attack on Chitral under Mir Zaman Khan, who reached Asmar, May 8th, at 8 P.M. Attack will, according to one report begin on the 15th instant, another report is that they will await rifles which are expected from Jalalabad”.

غازی میرزمان خان با آگاهی از فعالیت عمال و جاسوسان انگلیس درین ساحه¹⁵⁷، بدون توقف در اسما، به حرکت بطرف ناری، ادامه داده و حوالی ساعت ۸ صبح روز جمعه، نهم ماه می ۱۹۱۹ (مطابق هشتم شعبان ۱۳۳۷ و یا ۱۸ ماه ثور ۱۲۹۸) به بریکوت میرسد. او بعد از آنکه نزدیک سرحد در منطقه ارنوی، جابجا میشود، با فرمانده قوای عسکری سرحدی موجود، کرنیل خورشید خان، مشغول آمادگی جهاد و حمله بر تاسیسات انگلیس میشود.

بتاریخ ۹ ماه می ۱۹۱۹ (شور ۱۸ ۱۲۹۸) انگلیس ها ۲ تولی، از قوای سکاوی چترال را در کناره چپ دریای چترال (کنر) به گله پیچ (Galapach) در ۲ میلی پایان میرکنه (Mirkhani) میفرستند تا راه کنار دریا را زیر نظرات بگیرند.

مهتر چترال نیز لشکری را آماده ساخته و تحت رهبری دو شهزاده، دو کاکا و یک پسر کلان یعنی ولیعهدش به سرحد افغانستان میفرستد. دو دسته این لشکر که شامل یکهزار نفر میباشد، برای نگهبانی کوتل های بدخشان تعین میشوند. یکی تحت رهبری شهزاده غازی الدین به کوتل "دوراه"، و دیگر شهزاده محمد مظفرالملک به کوتل "بروغیل". دسته دیگر تحت قیادت پسر کلان و ولیعهد مهتر،

¹⁵⁶. اسناد محramانه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۱۳۰۹ مؤرخ ۱۱ می ۱۹۱۹ کمشنر عمومی انگلیس ها در سرحد شمال غربی به سکرتوبرای حکومت هند بریتانی، نائب السلطنة انگلستان در هند و فرمانده کل قوای انگلیس

¹⁵⁷. پوهاند رازقی نپیوال در صفحه ۲۰۹ کتاب "لغونی او اوسنی کونر" نیز به این موضوع اشاره نموده مینویسد که "باید گفته شود که جاسوس های انگلیس هر قدر در جبهه چترال کوشیدند به کدام نتیجه نرسیدند".

شهرزاده ناصرالملک¹⁵⁸، و برادر مهتر، دستگیر، برای پاسداری کوتلهای طرف نورستان و دفع حمله افغان‌ها گماشته می‌شوند.

بتاریخ ۱۲ ماه می ۱۹۱۹ (شور ۱۲۹۸ مطابق ۱۳۳۷ شعبان) حدود سه صد نفر از جنگجویان قومی تحت رهبری غازی میرزمان خان بعد از عبور سرحد، بر منطقه تحت سلط‌چترال حمله کرده و مناطق "ارنوی"، "دوکلام"، "لمبریتی" و "گله" را، که طرف مقابل بربیکوت موقعیت دارند، تسخیر مینمایند. بعد از تسخیر این مناطق، جنگجویان افغان به پیشروی شان بطرف میرکهنه، در شمال به امتداد دریای کنر ادامه میدهند¹⁵⁹.

بتاریخ ۱۳ ماه می ۱۹۱۹ (شور ۱۲۹۸ میجر ریلی نماینده انگلیس‌ها مقیم چترال اطلاع می‌گیرد که لشکر غازی میرزمان خان کنری در کناره شرقی دریای کنر، "دم‌نشار" و "کاوته" را، که در فاصله هشت میلی جنوب شرقی "میرکهنه" موقعیت دارد، به تصرف درآورده و در فاصله دو میل در جنوب نیروهای سکاوت چترال سنگر گرفته اند.¹⁶⁰ در عین زمان روشنایی آتش دیدبانی در کوتل پیتانی یا پاتکون (Patkun) در غرب میرکهنه بمشاهده میرسد. این علامت یا شفر از پوسته‌های نگهبانی از حمله غازیان افغان از سمت غرب اطلاع میداد. فرماندهان انگلیس تصور نمودند که قوماندان لشکر افغانی قصد حمله بر دروش را دارد. با گرفتن این اطلاع، میجر ریلی، با دو تولی، از سکاوت چترال و یکصد و بیست نفر (۱۲۰) از محافظین مهتر، دروش را به قصد میرکهنه ترک گفت، تا از قسمت‌های فوکانی گله پیچ بتواند هم بر کوتل پاتکون نظارت کند و هم بتواند پیشرفت نیروهای افغان را در قسمت شرقی دریای کنر مشاهده کند. او به تعداد سی (۳۰) نفر را در نفر¹⁶¹ گذاشت، اما بعداً دریافت که اطلاع حمله افغان‌ها از سمت غرب حقیقت نداشت.

¹⁵⁸. ناصرالملک در سال ۱۹۴۰ به مهتری چترال رسید.

¹⁵⁹. Robson, Brian (2004). Molesworth, G. N. (1963). ۱۳۲ ص؛ ۳۵ ص؛ و Government of India. (1926) .۸۹ ص.

¹⁶⁰. همانجا

¹⁶¹. نغدر فاصله دو میل در شمال میرکهنه قرار دارد.

بتاریخ ۱۴ ماه می ۱۹۱۹ (۲۳ شور ۱۲۹۸) جنگ سختی بین نیرو های قومی افغان و نیرو های انگلیس در میگیرد، افغان ها موفق می شوند نیرو های انگلیس را شکست داده و "گله پیچ" را تصرف کنند.

بتاریخ ۱۵ می ۱۹۱۹ (۲۴ شور ۱۲۹۸) با رسیدن به "میر کهنه"، میجر ریلی اطلاع می یابد که افغان هادر هردو کناره دریای کنر بطرف شمال پیش روی نموده اند و یک تولی از قوای انگلیس ها در "گله پیچ" شکست خورده بطرف "میر کهنه" در حال فرار است. میجر ریلی تولی تازه دم سکاوت چترال را با بعضی از افراد مهتر به کناره غربی دریای کنر می فرستد و خودش در راه کناره شرقی دریا، جلو لشکر فراری انگلیس ها را گرفته برای بدست آوردن مجدد "گله پیچ" آمادگی میگیرد.

نیرو های افغان تا این وقت در جبهه چترال شامل چارصد (۴۰۰) نفر جنگجویان قومی غازی میرزمان خان و یک تولی نظامیان خورشید خان میباشد.

بتاریخ ۱۶ می ۱۹۱۹ (۲۵ شور ۱۲۹۸) جنگ های تن به تن و شدید بین قوای تازه نفس انگلیس و لشکر افغان در محاذ های "گله پیچ" و کاواتی" ادامه داشت. "کاواتی" مورد حمله و آتش توپخانه از کناره شرقی دریا قرار میگیرد. در یک درگیری شدید و جنگ نابرابر، انگلیس ها میتوانند نقاط بلندر حاکم بر موضع افغان ها را بدست آورند و از آنجا غازیان افغان را زیر آتش گلوله های توپ های کوهی قرار دهند. افغان ها از "کاواتی" عقب نشینی نموده و هنگام عقب نشینی تنها یک توپ ستندرد را که قابل استفاده نبود، به جا میگذارند. این توپ بعداً به چترال انتقال داده شده و به نام توپ تسخیر شده در جنگ بریکوت، در پیش روی قلعه شاهی چترال برای نمایش و تزئین گذاشته میشود.

بتاریخ ۱۷ می ۱۹۱۹ (۲۸ شور ۱۲۹۸) جنگ سخت در محاذ های "دمرنشار" و "کاواتی" در میگیرد که موجب تلفات شدید میشود. انگلیس ها تلفات افغان ها را درین دو موضع سی (۳۰) شهید و چهل (۴۰) زخمی قلمداد کرده اند.

یک مشکل بزرگ که غازی میرزمان خان، قوماندان جبهه، برعلاوه کمبود مهمات، با آن مواجه بود، مشکل تداوی مجروهین جنگ بود. آنها نمیتوانستند شهدا و مجروهین خود را در میدان نبرد بگذارند. اگر این کار حتی به صورت تصادفی اتفاق می افتاد، اجساد بعد از تاریکی شب مورد حمله حیوانات درنده و وحشی قرار میگرفت¹⁶². لذا

. ۹ Molesworth, G. N. (1963). ¹⁶²

تصمیم میگیرند که برای انتقال شهدا و مجرو حین مؤقتاً عقب نشینی کنند و به موضع "ارنوی" و "بریکوت" برگردند.

انگلیس‌ها این عقب نشینی افغان‌ها را یک پیروزی بزرگ دانسته کمشنر عالی پشاور به سکرترامور خارجه و سیاسی حکومت هند بریتانی در شیمله راجع به اوضاع از شمال تا به جنوب گزارش میدهد: "که قرار را پور چترال، سیصد (۳۰۰) نفر دشمن دو ناحیه را در اطراف دریای چترال، در فاصله ده میلی "میرکهنه" تسخیر نموده‌اند. میجر ریلی با سیصد نفر از سکاوت چترال و همکاری محافظین مهتر آن‌ها را مورد حمله قرار داده، از هردو ناحیه به عقب رانده و یک توپ ستندرد را نیز به غنیمت گرفته است. دشمن با گذاشتن ده کشتہ در میدان و احتمالاً تعدادی هم در دریا و نهرها، بطرف ارنوی فرار نمودند. ما تلفاتی نداشتیم. مناطق دیر، سوات و کوه‌های سیاه آرام هستند. مهمند ها گزارش میدهند که تعداد زیادی از اجساد اسپ‌ها، قاطرها و چند فیل در دریای کابل شناور هستند. مهمند ها و شلمانی ها آرام هستند. شینواری و ملاگوری ها دوستانه فعال بوده و در خدمت ما قرار دارند¹⁶³". انگلیس‌ها میدانستند که این یک فشار امتحانی بر آن عده افغان‌ها بود که تا هنوز نیروی اصلی شان را به کار نبرده بودند¹⁶⁴.

بروز یکشنبه، ۱۸ می ۱۹۱۹ (۲۹ شهر ۱۲۹۸) انگلیس‌ها توسط جواسیس شان اطلاع گرفتند که غازی میرزمان خان هنگام عقب نشینی از "گله پیچ" تصمیم گرفته بود تا دسته‌های از قوای عسکری بریکوت تحت فرماندهی کرنیل خورشید خان را برای استحکام "ارنوی" بر قله‌های حاکم در فاصله یک میلی در طرف چپ دریای "باشگل (لنده‌ی سیند)" و موضع "دره شوت" و "ایستورز" در نزدیکی شاخه فرعی دریای "استور" جابجا نماید، و همچنان برادر خوردش، خان محمد خان کنری، را برای آماده ساختن لشکر تازه دم قومی مهمند به باجور و مهمند بفرستد. از همین جهت آنها دست به اقدامات دیگر زده و نقشه جنگی آتی را روی دست گرفتند:

¹⁶³. اسناد محرومۀ استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۱۳۵۲، بخش اول مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس: FileP.1953/1919; L/P&S/10/819; سند شماره ۱۷۷.

¹⁶⁴. Robson, Brian (2004). ص ۳۵

۱۶۵. چون کوتلهای و اخان و بد خشان تا هنوز با برف مسدود بودند و احتمال خطر حمله از شمال-غرب نمیرفت، و روشن بود که تنها راه حرکت افغان‌ها از طرف نورستان و کنر ممکن است، سامبورن-پالمر بعد از تکمیل خط دفاعی "قلعه دروش" از دو هزار نفر نیروهای از آن کوتلهای پاسداری می‌کردند خواست تا بطرف ارنوی حرکت کنند^{۱۶۵}
- انگلیس‌ها نورستانی‌های کامدیش و باشندگان دیگر کناره چپ دریای باشگل (لندي سیند) را با دادن وعده‌های مختلف بشمول آزادی آنها از سلطه حکومت افغانستان با خود همراه ساخته، تشویق مینمایند که در جنگ شرکت نموده با آنها یکجا بر موضع افغان‌ها حمله ور شوند.
 - سامبورن-پالمر، فرمانده نیروهای انگلیس نیز خودش با قوای ۱۱۱ را جپوت عازم خط اول جبهه می‌شود^{۱۶۶}

با دانستن اینکه با وجود پیوستن غازیان تازه نفس به صفواف لشکر قومی غازی میرزمان خان، تعداد جنگجویان افغان بیش از ششصد (۲۰۰) نفر نیستند و قوای انگلیس‌ها از نظر نیروی انسانی به مراتب بیشتر از آنها می‌باشند، بتاریخ ۱۹ می ۱۹۱۹ (۳۰ شهریور ۱۲۹۸) فرمانده انگلیس‌ها سامبورن-پالمر تصمیم می‌گیرد ازین فرصت و چانس طلایی استفاده نموده با تمام قوایش بر موضع افغان‌ها هجوم ببرد. او با آمادگی کامل و اطمینان تمام قوایش را به چهار ستون تقسیم نمود و از "میرکهنه" به حرکت در می‌آورد:

۱. دسته اول شامل تولی سکاوت چترال، یک هزار (۱۰۰۰) نفر از محافظین مهترو عده از نورستانی‌های بود که از سرحد تازه رسیده بودند. قیادت این ستون را ناصرالملک، فرزند ارشد مهتر به عهده داشت که دو کاکایش، برادران مهتر، به نام‌های بنده دستگیر و برادرش دلارام خان وی را همراهی مینمودند. آنها وظیفه داشتن از طرف راست، سرحد را در نزدیکی کوتل "پاتکون" عبور نموده، در کناره دریاچه "ایستور" بطرف پایان تا نقطه تقاطع دریای "باشگل (لندي سیند)" به پیش روند. بعد از رسیدن به آنجا، آنها باید پنجاه (۵۰) نفر را برای محافظت پل

^{۱۶۵}. همانجا

^{۱۶۶}. Robson, Brian (2004); ص ۱۳۴; Molesworth, G. N. (1963). ص ۳۷؛ و .. Government of India. (1926) ص ۹۰

"باشگل" جابجا نموده از طریق تپه‌های بلند قسمت غربی برپایگاه "بریکوت" حمله کنند.

2. ستون دوم شامل دو تولی از سکاویت چترال تحت قوماندۀ باورز¹⁶⁷ باید از راه کناره غربی دریا مستقیماً پائین آمد و پل دریای باشگل (لنپی سینند) را در نزدیکی تقاطع دو دریای باشگل و کندر شمال "ارنوی" تصرف کند. علاوه‌تاک دسته سیصد (۳۰۰) نفری لشکر ایله جاری‌های چترالی نیز وظیفه داشتند حرکت نموده با پائین آمدن از منطقه که در بین آبهای "ایستور" و "چترال" موقعیت داشت، روابط بین این قوارا با سکاویت چترال تامین کنند.
3. ستون سوم، یا اصلی (متحرک) تحت قوماندۀ شخص سامبورن-پاملر هدایت داشت با پائین آمدن از کناره شرقی دریای چترال، "ارنوی" را تصرف کند. این قوا شامل دو تولی سکاویت چترال تحت رهبری ریلی، قوای ۱۱۱ راجپوت به استثنای یک تولی، تمام قوای نقب زن دوم مدراس، تمام قوای مین گذارو یک بخش از بطریه شماره ۲۳ توبیچی کوهی بود.
4. ستون چهارم (از طرف چپ) شامل سه تولی سکاویت چترال تحت قوماندۀ کپتان کریمین¹⁶⁸ باید در یک حرکت نیمه دایروی وسیع از "دمرنشار" خود را به جناح راست افغان‌ها برساند. تمام ستون‌ها باید تا تاریخ ۲۳ می خود را به اهداف شان میرسانندند.

بتاریخ ۲۲ می ۱۹۱۹ (۳۱ شور ۱۲۹۸) قوای ناصرالملک بعد از یک برخورد با دسته کوچک افغان‌ها از باشگل (لنپی سینند) عبور نموده خود را به بلندی‌های غربی بریکوت رساندند. چند نفری از چترالی‌ها در شب ۲۲ و ۲۳ می پلی را قطع مینمایند که "بریکوت" را با "ارنوی" وصل مینمود. بدین وسیله آنها میتوانند رابطه مدافعين افغان "ارنوی" را با بریکوت قطع نموده، مانع رسیدن کمک به آنها شوند.

بتاریخ ۲۳ می ۱۹۱۹ (۱ جوزای ۱۲۹۸ مطابق ۲۲ شعبان ۱۳۳۷) سامبورن-پاملر به حرکتش ادامه میدهد، ولی در مسیر راه، در پنج میلی "ارنوی"، با پل تخریب شده

¹⁶⁷ Tomas Ivan Bowers. معاون قوماندان قوای ۱۱۱ راجپوت از قوای پیاده نظام شماره ۹ بوپال بود.

¹⁶⁸ Charles Clarence Crimmin. که از سال ۱۹۱۸ برای دومین بار در قوای پیش‌آهنگان چترال ایفای وظیفه مینمود.

مواجه میشود که مانع پیشروی اش شد. اما همراهش، میجر ریلی، با یک قسمت از قوا ایش با مشکلات زیادی ازین مانع گذشته و در نزدیکی های شمال ارنوی با غازیان افغان روبرو میشود. ساعت شش صبح جنگ شدیدی بین قوا ای میجر ریلی انگلیسی و غازیان افغان آغاز میشود. غازی میرزمان خان و لشکر دلیرش با آنکه از نظر تعداد و مهمات به هیچ وجه با انگلیس ها مقایسه شده نمیتواند، از خود شهامت و مقاومت فوق العاده نشان میدهد. آنها بشکل گروپ های کوچک در چندین محاذ مثل "انگارپتی پاری" ، "ملک هور" و "لمبریت" مصروف نبرد میشوند. ساعت ۷ و ۴۵ صبح توپ های بطریه شماره ۲۳ تپیچی انگلیسی به غرش درمی آیند. به یک تولی از سکاوت چترال و قوا ای ۱۱۱ راجپوت تحت فرماندهی شخص ریلی هم هدایت داده میشود تا "دو کلام" را مورد حمله قرار دهد. جنگ شدید برای دفاع از موضع تسخیر شده "دو کلام" اغاز میشود. ستون تحت فرماندهی کریمین نیز میکوشد از سمت چپ با قوا ای ریلی یکجا شود، اما با مقاومت شدید افغانها مواجه میشود. جنگجویان افغان تا ساعت ۲ و ۱۰ بعد از ظهر مقاومت نموده و جلو پیشروی هردو قوا ای انگلیس را میگیرند، اما بعد از آن با تمام شدن مهمات شان، بطرف جنوب در کناره دریای کنر عقب نشینی میکنند.

قوا ای ۱۱۱ راجپوت در ستون اصلی یا مرکزی نیز پایگاه مقاومت افغان ها را هدف قرار داده، میخواهند پیشروی کنند اما با مقاومت شدید تیراندازان افغان روبرو شده تلفات سنگینی را متحمل میشوند¹⁶⁹. انگلیس ها اطلاع یافته بودند که فرمانده غازیان افغان، میرزمان خان، شخصاً در پایگاه قلعه ارنوی موجود میباشد. آنها از ساعت ۱۰ و ۵ دقیقه صبح تا ۱۱ و ۱۵ دقیقه این قلعه را مورد آتش شدید توپخانه قرار میدهند. غازیان باز هم از پیشروی انگلیس ها جلوگیری میکنند. سامبورن-پاملر طالب کمک بیشتر شد و پنج بلوك (۲۵۰) نفر تازه دم به کمکش فرستاده میشود.

در حالی که غازیان افغان شجاعانه از موضع شان دفاع مینمودند، دو تولی از قوا ای سکاوت چترال تحت فرماندهی "باورز" میتوانند خود را به پل دریای باشگل (لندهی سیند) رسانده و بطرف غرب کناره دریا با قوا ای چترالی شهزاده ناصرالمک بپیوندند و داخل بریکوت شوند. با داخل شدن انها به بریکوت، تاراج و غارت قریه بریکوت و مواشی اهالی به کمک محافظین مهتر توسط نورستانی ها و چترالی های یله جاری

¹⁶⁹. Molesworth, G. N. (1963). ص ۱۳۲

آغاز میشد. نورستانی‌ها از همه در تاراج اموال باشندگان ب瑞کوت سهم بیشتر میداشته باشند.

در حالی که دیوارهای قلعه‌ارنوی تخریب شده و داخل قلعه در آتش می‌سوخت، انگلیس‌ها تمام قوای شان را مطابق به پلان طرح شده اولی برای آخرین یورش بر ارنوی به حرکت درآوردند، ولی خلاف توقع شان، نبرد تا ساعت ۲ و ۳۰ بعد از ظهر با تمام شدت ادامه پیدا کرد. یک برادر مهتر نیز درین نبرد کشته می‌شود. غازیان افغان شروع به عقب نشینی می‌کنند، اما یک دسته بیست و پنج (۲۵) نفری تیراندازان ماهر در عقب یک سنگ بزرگی که بر راه عبور قوای ۱۱۱ راجپوت حاکمیت داشت، کمین می‌گیرند و بزرگترین تلفات را بر قوای دشمن وارد می‌کنند. انگلیس‌ها به قوای سکاوی چترال و یک بلوک از راجپوت‌ها تحت قوماندۀ جمودار رام سنگه دستور میدهند تا با فدایان افغان به مجادله پرداخته، خود با عجله فرار را برقرار ترجیح میدهد. مقاومت جانبازان افغان و جنگ تن به تن با راجپوت‌ها تا آنوقتی ادامه داشت که آخرین نفر شان به اثر حملات بم‌های دستی جام شهادت نوشید.

غازی میرزمان خان با تخلیۀ قلعه‌ارنوی تاکتیک جنگی اش را تغیر داده، تصمیم گرفت تا رسیدن خان محمد خان برادرش به همراهی لشکر تازه نفس غازیان موند تا تحت قیادت محمد امین خان کودا خیل، عوض جنگ جبهه‌ای به جنگ چریکی بپردازد.

کرنیل سامبورن-پالمر قوماندان قوای انگلیسی با آنکه در راپور رسمی اش به مرکز ادعانمود که افغان‌ها شکست خورده‌اند و طالب مکافات به مهتر چترال شد، اما میدانست که هر لحظه مورد حملۀ مجدد آنها قرار خواهد گرفت، لذا به قوایش امر نمود قبل از تاریکی شب کنارۀ شرقی دریا را هرچه زودتر تخلیۀ نموده در همواری‌های سمت شمال شرق ارنوی کمپ مؤقت خود را برپا کنند. اما این تخلیه برای انگلیس‌ها بدون تلفات نبود. آنها یکبار دیگر تحت آتش تفنگ‌های غازیان افغان قرار گرفتند که در جریان آن خود سامبورن-پالمر به شمول دو تن از انباطان انگلیسی می‌جریلی چراحت برداشتند.¹⁷⁰

انگلیس‌ها تلفات خود را درین عملیات چند روزه شانزده (۱۶) نفر کشته و چهل و هشت (۴۸) زخمی قلمداد می‌کنند. آنها همچنان اعدا دارند که تلفات افغان‌ها دو صد و پنجاه

(۲۵۰) شهید و پنجاه و پنج اسیر بود^{۱۷۱}، اما این ادعا کاملاً مبالغه آمیز میباشد. تعداد اصلی شهدای افغان درین جنگ به شمول برادر غازی میرزمان خان، سردار خان، یکصد و بیست و شش (۱۲۶) نفر و تعداد مجرو حین ۱۸۰ نفر است.^{۱۷۲}

هفتاه آخر ماه می بدون کدام نبرد مهم و تعین کننده سپری میشود و هردو طرف افغان و انگلیس مشغول جمع آوری مهمات و تقویت قوای شان میباشند.

کمشنر عالی پشاور و نماینده انگلیس ها به مرکزش از مخالفت انتقال مجرو حین قوای انگلیس در جبهه چترال و کنراز راه دیر تذکرداده مینویسد که "نماینده سیاسی (Political Agent) ملکنده را پردازده است که از پیشنهاد انتقال مجرو حین چترال از راه دیر اطلاع یافته است. نماینده سیاسی به این تصمیم انتقاد میکند، این عمل (سراسیر شدن و دیدن مجرو حین انگلیسی) باعث هیجان مردم منطقه خواهد شد^{۱۷۳}".

بتاریخ ۳۰ می ۱۹۱۹ نماینده سیاسی گلگیت در تلگرامش^{۱۷۴} به شیمله اطلاع میدهد که «قرار اطلاع رسیده از چترال یک جنral افغان با پنجصد (۵۰۰) نفر، و تعداد بیشتری به (کوتل-ز) "بروغیل" خواهد آمد، آنها از گلگیت ۳۹۹ تفنگ خواسته اند. من به یک تولی دیگر سکاوت (Scouts) امر کردم و همچنان ترتیبات امنیت "مستوج" و "یاسین" را گرفتم. من در صورت درگیری در وادی اکسوس، اطلاع احضار سکاوت دیگر را نیز داده ام».

بتاریخ ۳۱ می ۱۹۱۹ یک لشکر بزرگ ده هزار نفری مومند ها تحت قیادت محمد امین خان کوه اخیل، پسر غازی محصل خان مومند به همراهی غازی خان محمد خان، برادر غازی میرزمان خان از باجور بطرف بربیکوت حرکت میکند.

کمشنر عالی پشاور و نماینده حکومت هند بریتانی در ایالت سرحدی شمال غربی به آمرینش ضمن گزارش مفصل اوضاع در سرحد شمال غربی مینویسد که «قرار اطلاع،

¹⁷¹. Molesworth, G. N. (1963), ص ۱۳۲.

¹⁷². اخلاص، عبدالخالق (۲۰۰۵) ص ۲۰۵.

¹⁷³. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، تلگرام محترمانه شماره ۱۹۷۰ مؤرخ ۲۷ می، بخش دوم L/P&S/10/819; FileP.1953/1919؛ سند شماره ۳۲۹.

¹⁷⁴. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، بخش دوم مراحلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس: L/P&S/10/819; FileP.1953/1919؛ سند شماره ۳۷۲.

یک لشکر اقوام سالارزی و مومند با ملای سرکانی¹⁷⁵ به نزدیکی های اسما رسیده اند... "چاندلو تیراگ" یکی از رفقاء کافر (نورستانی-ز) "را برتسن (Robertson) به تاریخ ۲۳ می در حمله شجاعانه بر پل باشگل (لنگی سیند) کشته شده است. یک راپور دیگر از چترال حاکیست که "غلام خان"، خان سابق اسما که فعلًا در چترال بود و باش دارد¹⁷⁶، یک لشکر تقریباً سه هزار (۳۰۰۰) نفری را برای حمله بر اسما آماده ساخته است که هشتصد (۸۰۰) نفر آنها به "دانگام" در چهارمیلی شرق "اسما" رسیده اند. وی متعاقب حمله حکومت بر "اسما" از ماضمان حمایت خواسته است. قرار اطلاع با رسیدن سه دسته از قوای عثمان خان به اسما، تعداد مجموعی افراد گارنیزون اسما حلا به دو هزار نفر (۲۰۰۰) نفر میرسد. یک لشکر سالارزایی ها هم در صورت سقوط اسما از حکومت خواستار کمک شده اند. به این گونه به مشاهده میرسد که سه دسته برای تصرف اسما مسابقه دارند. من به "ریلی" هدایت دادم که از طرف حکومت برای آینده هیچ تعهدی ندهد، اما گفتم تا حد امکان کمک کند".¹⁷⁷

بتاریخ اول جون ۱۹۱۹ میلادی (مطابق ۲ رمضان ۱۳۳۷ هجری قمری یا ۱۰ جوزای ۱۲۹۸ هجری شمسی) بار رسیدن قوای تازه نفس لشکر قومی، غازی میرزمان خان یک بار دیگر شیوه جنگ را از شیوه چریکی به جبهه ای تغییر میدهد. آنها در نواحی ارنوی بر کمپ قوای انگلیس ها که قیادت آن را شخص سامبورن-پالمر به عهده دارد حمله میکنند. قوای انگلیسی با روشن ماندن آتش با استفاده از تاریکی شب، پا به فرار نهاده خود را تا میرکهنی میرسانند. افغان ها یکبار دیگر توanstند در دو سه روز آینده با زد و خورد های پراگنده با محافظین مهتر و قوای چترالی تحت قوماندۀ ناصرالملک، پسر مهتر،

¹⁷⁵. هدف از ملای سرکانی، میا صاحب سرکانی، یکی از روحانیون معروف ضد انگلیس میباشد.

¹⁷⁶. یک نواسۀ خان سابق اسما، عبدالله خان، بنام اسما ری خونزا (شاهدخت اسما) یکی از خانم های متنفذ چترال بود که نخست با مهتر محترم شاه، که به آدمخور معروف بود، ازدواج نموده و بعداً با برادرش مهتر امان الملک ازدواج نمود. وی مادر مهتر شجاع الملک بود که در سال ۱۹۱۹ مهتر چترال بود.

¹⁷⁷. استناد محملانه استخبارات انگلیس، تلگرام محملانه شماره ۱۵۰۴، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس: 1919/10/819; FileP.1953/P&S/L/Sند شماره ۳۲۴.

مناطق "گله" و "لمبر بتی" را نیز دوباره تسخیر کنند و به پیشروی شان در خاک چترال ادامه دهند.¹⁷⁸

بعضی از منابع انگلیسی و نویسنده‌گان شاهنامه چترال این فرار انگلیس‌ها را شکست نه بلکه عقب‌نشینی مصلحتی دانسته‌اند. نویسنده کتاب "بحران در سرحد: جنگ سوم افغان و کمپاین ۱۹۱۹-۲۰ وزیرستان"¹⁷⁹ مینویسد "اگرچه این (حمله) ۲۳ می بر افغان ها-ز) یک عملیات کوچک تشویق کننده بود، در آن یک بخش کوچک قوای افغان درگیر بود. قوای ترسناک بیشتری در اسمار در حال جمع شدن بودند و برف کوتله‌های بد خشان در حال آب شدن. نشانه‌های دال بر آن بود که گارنیزون کوچک چترال بزودی کم از کم از سه طرف مورد تهدید قرار خواهد گرفت سامبورن-پالمر تصمیم می‌گیرد تحت این شرایط، عوض درگیری با افغان‌ها بطرف قلعه دروش عقب‌نشینی نموده منتظر حرکت بعدی دشمن باشد. وی به تاریخ اول جون اطلاع مؤثث حاصل نمود که سه کندک پیاده و یک دسته سواره افغان در منطقه "ساو" در دوازده میلی جنوب ارنوی تجمع نموده‌اند. علاوه‌تا شش هزار (۲۰۰۰) قبایلی از منطقه دیر... در شرق ارنوی جمع شده‌اند. قوای سامبورن-پالمر در تاریکی شب اول جون از همان راهی که آمده بود در حالی عقب‌نشینی می‌کنند که آتش کمپ شان برای فریب دادن افغان‌ها روش نماده بود".

بتاریخ ۲ جون ۱۹۱۹ میلادی تمام قوای باقیمانده انگلیس‌ها از گله پیچ نیز فرار نموده تا میرکهنه میرسند. انگلیس‌ها تصمیم می‌گیرند چهارصد (۴۰۰) نفر از سکاوت چترال را همراه با چهارصد (۴۰۰) نفر از محافظین مهتر برای دفاع در میرکهنه و نزدیکی‌های "گله تک" در نصف راه میرکهنه و "دروش" گذاشته، باقیمانده قوای خود را به قلعه دروش برسانند و مواضع دفاعی بیشتری در جنوب دروش تأسیس کنند.

بتاریخ ۵ جون ۱۹۱۹ کمشنر عالی پشاور و نماینده گورنر جنرال هند بریتانی در ایالت سرحد شمال غربی به مرکز اطلاع میدهد که "مطابق تلگراف ۴ جون "ریلی"، ستون‌های متحرک ما به میرکهنه رسیده‌اند. راپور‌ها حاکیست که در حالی که چهار گروه سربازان عسکری و یک گروه پنجم احتیاط با عده نامعلومی از جنگجویان قومی برای حمله بر ما از "اسمار" به مارش آغاز نموده‌اند، سکاوت و محافظین مهتر نیز به خط میرکهنه و کوتل پیتانس در حال رسیدن میباشند. راپور امروز میرساند که جنگجویان قومی

¹⁷⁸. اخلاص، عبدالخالق. (۲۰۰۵م) ص ۱۸۲

¹⁷⁹. Robson, Brian (2004). ص ۳۷

"دیر" ، "جندول" ، "خار" و "براول" نیز به قوای "اسمار" میپیوندند، آنهای که "بریکوت" و "ارندو" (ارنوی-ز) را اشغال نموده اند، و برای گوش مالی باشگلی ها بخاطر کمک کردن شان در غارت با ما، رخنه میکنند. باشگلی ها به فرارشان بطرف چترال آغاز نموده اند. راپور ها همچنان از آمادگی حمله اقوام دیر بر کوتل وادی شیشی خبر میدهند، اما من فکر نمیکنم این یک حمله بزرگ باشد¹⁸⁰.

بتاریخ ۹ جون ۱۹۱۹ کمشنر عالی پشاور و نماینده گورنر جنرال درایالت سرحد شمال غربی به مرکزش نوشت که "...ریلی از میرکهنه راپور میدهد که کرنیل افغان به کافر (نورستانی-ز) های کامدیش، در صورتی که آنها پلها و سرک های تخریب شده را باز سازی کنند، پیشنهاد عفو نموده است¹⁸¹".

بتاریخ ۱۰ جون ۱۹۱۹ کمشنر عالی پشاور¹⁸² به مرکزش از گرفتن تلگرام "ریلی" در میرکهنه اطلاع میدهد که در آن از ضرورت تقویة مورال چترالی ها و ارسال تفنگ و مهمات بیشتر یادآوری شده بود. چون ارسال مقدار زیاد سلاح و مهمات از طریق دیر در شرایط فعلی ممکن نیست، تنها راه ارسال آن از طریق گلگیت ممکن خواهد بود، که حداقل مدت دو ماه را در بر خواهد گرفت. وی از حکومت تقاضا مینماید که به آنها یک تا دو هزار میل تفنگ نوع 303 و برای هر تفنگ پنجصد (۵۰۰) مرمی ارسال کنند. در عین زمان برای جلوگیری از ضیاع وقت از سکاوی گلگیت Gilgit Scout خواسته شود که تمام تفنگ های اضافی شانرا فوراً به چترال بفرستند. از دربار کشمیر نیز خواسته شود تمام تفنگ های اضافی شانرا از طریق گلگیت به چترال بفرستند".

¹⁸⁰. اسناد محramانه استخبارات انگلیس، تلگرام محramانه شماره ۱۵۲۳ مؤرخ ۵ جون، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۴۲۰.

¹⁸¹. اسناد محramانه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۱۰۰۳ مؤرخ ۹ جون (و اصله ۱۰ جون)، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۴۵۳.

¹⁸². اسناد محramانه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۲۱۱۱ مؤرخ ۱۰ جون، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس: FileP.1953/1919; L/P&S/10/819; سند شماره ۴۷۱.

اما سیر حوادث بزودی تغیر میخورد. برخلاف توقع، نه تنها همه خوش بینی و امید انگلیس‌ها در رابطه با سقوط احتمالی اسماр به یأس قبیل شد، بلکه افغان‌ها در جبهه چترال، تقاضای قبول آتش بس را که به تاریخ سوم جون بین انگلیس‌ها و افغان‌ها بتصریب رسیده بود، قبول نکردند و به پیشروی خود در خاک چترال ادامه میدهند. توسر انگلیس‌ها وقتی بیشتر میشود که از جمع شدن شش کندک از قوای افغانی در بدخشان، اعزام شان به واخان و قصد حمله شان بر چترال از طریق کوتل‌های "بروغیل" و "مینجان" اطلاع حاصل میکنند. در اسماр هم جنرال عبدالوکیل خان نورستانی، قوماندان قوای عسکری با جمع آوری هفت کندک برای حمله بر چترال آمادگی میگرفت. بالاخره در جنوب شرق چترال، در سواد هم، آتش پاره بنام "سنداکی ملا" ¹⁸³ میکوشد یک قوای جنگجویان یوسفزی را برای حمله بر چکدره، که برای ارتباط با چترال اهمیت حیاتی شاهرگ را داشت ¹⁸⁴، جمع آوری کند. انگلیس‌ها اعتراف میکنند که اگر این تهدیدها جامه عمل میپوشید، برای انگلیس‌ها بسیار خطناک ثابت شده میتوانست. درین وقت فرقه شازدهم از قوای احتیاط مرکزی که برای مجادله با مزاحمت در سواد تعیین شده بود، برای کمک به "تل" اعزام شده، و با درنظرداشت ضرورت شدید تقویت قوای بلوچستان، هیچ قوه دیگری برای کمک به چترال وجود نداشت. تنها کمک احتمالی آخری که ممکن بود به داد آنها برسد دو کندهک سربازان امپراتوری ایالت کشمیر ¹⁸⁵ از گلگیت بود که باید با یک مارش طولانی و مشکل و طی مسافت دو صد و چهل (۲۴۰) میل از طریق کوتل‌های شرقی خود را به آنجا میرسانند ¹⁸⁶. انگلیس‌ها اعتراف میکنند که از بخت خوب شان نه "ملا سنداکی" مؤفق شد و نه هم تهدید حمله از طرف بدخشان جامه عمل پوشید. ¹⁸⁷

بتاریخ ۲۱ جون ۱۹۱۹ کمشنر عالی و نماینده انگلیس‌ها در سرحد شمال غربی به مرکز نوشت که «قرار راپور ۲۰ جون ریلی، جنرال وکیل خان که درین اوخر به اسمار رسیده است با خود یکهزار

¹⁸³. ملا ولی احمد مشهور به سنداکی ملا یا سنداکی بابا در قریه کوچک سنداکی سواد تولد شده و یکی از ملایان فعال اصلاح طلب و فعالیین تحریک جهاد ضد استعمار انگلیس بود. برای معلومات بیشتر راجع به این شخصیت لطفاً به قسمت ضمایم مراجعه کنید.

¹⁸⁴. Robson, Brian (2004). صفحات ۳۸ و ۳۹.

¹⁸⁵. Kashmir Imperial State Troops.

¹⁸⁶. Molesworth, G. N. (1963). ص ۱۳۷.

¹⁸⁷. Robson, Brian (2004). صفحه ۳۸.

(۱۰۰) نفر پیاده و دو صد (۲۰۰) نفر سواره را آوردند است، که خوب مسلح هستند. و کیل خان یکی از کافرانی هاست که به دین اسلام گراییده، و عقیده برآنست که قصد حمله بر کافر (نورستانی-ز) های باشگل (لندي سیند) را دارد. راپورهای تائید ناشده حاکیست که کافرانی های "رامگل"، "ویران" و "دره ورگل" علیه افغانها دست به بغاوت زده اند. "شکگلی های لوت ده" هم در ابا ورزیدن به فرستادن جرگه به افغانها، "کامدیشی" ها را همراهی میکنند.¹⁸⁸

بتاریخ ۲۲ جون ۱۹۱۹ کمشنر عالی و نماینده انگلیس‌ها در سرحد شمال غربی از تلگرام می‌جرریلی از دروش اطلاع داده نوشت که «خبر بغاوت کافرانی های "رامگل"، "دره ویران" و "ورگل" را تائید میکند. قرار اطلاع، قوای پیاده و کیل خان را در اسماراکشرا نورستانی های جدیداً به اسلام مشرف شده دره رامگل تشکیل میدهند. ریلی اجازه خواسته است با افغانها مذاکره کند. من به وی گفتم که در حال حاضر به چنین کاری دست نزنند».¹⁸⁹

رسیدن جنرال عبدالوکیل خان نورستانی

بروز دوشنبه ۲۳ جون ۱۹۱۹ (مطابق ۲۴ رمضان ۱۳۳۷ یا اول سلطان ۱۲۹۸)، تقریباً چهل و دو (۴۲) روز بعد از آغاز جنگ در جبهه چترال، جنرال عبدالوکیل خان از اسمار حرکت کرده و بتاریخ ۲۳ جون به بریکوت رسید¹⁹⁰. وی بعد از تسلیمی مواضع "دوکلام" و "ارنوی" از لشکر قومی فاتح غازی میرزمان خان، و مؤذف ساختن یک کندک از سربازانش برای دفاع ازین مواضع، یکجا با غازی میرزمان خان و مهتر عبدالرحمن

¹⁸⁸ اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۱۷۲۱ جون، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس: L/P&S/10/819; FileP.1953/1919؛ سند شماره ۵۳۶.

¹⁸⁹ اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس: L/P&S/10/819; FileP.1953/1919؛ سند شماره ۵۵۳.

¹⁹⁰ جنرال عبدالوکیل خان نورستانی ۴۲ روز بعد از آغاز جنگ وارد این جبهه شده و ماموریت داشت مواضع فتح شده دوکلام و ارنوی را از لشکر غازی میرزمان خان تسلیم و از آنها دفاع کند.

خان^{۱۹۱} (برادر شجاع الملک مهتر چترال) که یکی از مخالفین انگلیس ها و برادرش بود، به همراهی سه کندک از سربازان و یک لشکر قومی تقریباً یکهزار و پنجصد (۱۵۰۰) نفری برای جزدادن به نورستانی های که با انگلیس ها همکاری نموده بودند، از بریکوت بطرف شمال حرکت میکند. انگلیس ها از اینکه آنها میتوانستند از نورستان به آسانی به طرف شرق برگشته و چترال را مورد حمله قرار دهند، به هراس می افتد.¹⁹² چترالی های محافظه مهتر از کامدیش در ۱۳ میلی شمال غرب بریکوت به "پتیگل" در غرب کوتل "برمبولا" فرار میکنند، جایی که یک تولی سکاوت نیز با آنها یکجا میشود.

لشکر افغانی بتاریخ ۲۹ جون ۱۹۱۹ به پیشروی شان ادامه داده به تاریخ ۲۹ جون به "لوت ده" (قریه بزرگ در زبان چترالی) در قسمت های علیای دریایی باشگل (لندهی سیند) رسیده، دست به اقدامات تنبیهی میزنند و سرانی را که در تهاجم شرکت ورزیده بودند، بازداشت میکنند.¹⁹³

بعد ازین پیروزی، تصمیم گرفته شد که غازی میرزمان خان بالشکر یکهزار نفری قومی از راه "بمبوریت" به "آیون" حمله کند و خط مواصلاتی و ارتباط بین شهر چترال و قلعه دروش را قطع نماید، و جنرال عبدالوکیل خان با قوای عسکری و همراهی مهتر عبد الرحمن خان از راه بریکوت بر قلعه دروش حمله برد.¹⁹⁴

انگلیس ها برای جلوگیری از پیشرفت افغان ها به شمال شرق و عبور از کوتل های متعدد بمقصد رسیدن به حوزه رودخانه "بمبوریت" و بعد حمله بر چترال، دو تولی از سکاوت چترال و دو تولی از قوای محافظه مهتر را به منطقه "آیون" در فاصله تقریباً ده میلی جنوب شهر چترال در وسط شهر چترال و قلعه دروش میفرستند. این منطقه در تقاطع دریا های چترال (کنر) و "بمبوریت" موقعیت دارد.

¹⁹¹. مهتر جو (شهزاده) عبد الرحمن خان، پدر خان معروف جلاله شادروان عبد الملک خان و پدر کلان محترم امام الملک جلاله بود.

¹⁹². Robson, Brian (2004); Molesworth, G. N. (1963).¹⁹³ ص ۱۳۷; ص ۳۸ و .. ۹۳ Government of India. (1926)

¹⁹³. Molesworth, G. N. (1963).¹⁹⁴ ص ۱۳۸

. اخلاص، عبدالخالق. (۲۰۰۵م) صفحات ۱۵۲-۱۵۸

بتاریخ اول جولای ۱۹۱۹ میلادی (۹ سرطان ۱۲۹۸ هجری شمسی) قواهی انگلیسی در "پتیگل" شکست خورده به "اورتسن" در دونیم میلی شمال غرب میرکهنه عقب نشینی میکنند. سامبورن-پالمر قوماندان قواهی انگلیسی‌ها در دروش چاره نداشت جز آنکه در داخل قلعه اش منتظر سرنوشت و سیر حوادث بعدی بماند. وی که زخم بدنش تا هنوز التیام کامل نیافته بود، شهامت جنگجویان افغان را شخصاً تجربه کرده بود. کرنیل سامبورن-پالمر تصمیم میگیرد عوض جنگیدن در دو جبهه مختلف (یکی جنگجویان غازی میرزمان خان و دیگری قواهی جنral عبدالوکیل خان) به دفاع از قلعه دروش بپردازد. او میداند که تنها راه نجاتش اتکا به دو عنصر استخارات بموقع و تحرک سریع (گریز چابک-ز) میباشد.¹⁹⁵

بتاریخ ۱۰ جولای ۱۹۱۹ کمشتر عالی انگلیسی‌ها به معاون نماینده سیاسی Assistant Political Agent در چترال مینویسد که: «در رابطه با پیغام مهتر در مورد چترال و مذاکرات صلح، به وی بگوئید که درین وقت بحرانی ناممکن است که او یا شما و یا هم سامبورن-پالمر چترال را ترک بگویند. من در شیمله هستم و نظریات چترال را به دفتر خارجه توضیح دادم. به او هیچ نوع امیدواری افزایش ساخته چترال را ندهید؛ امکان چنین چیزی اصلاً وجود ندارد؛ تا معلوم شدن نتایج مذاکرات صلح، اورا از تحریک کافر (نورستانی)‌ها و افغان‌ها بازدارید. شاه (انگلستان) به وی لقب والاحضرت¹⁹⁶ و سلامی فیر ۱۱ توپ را داده است. به وی تا رسیدن اطلاع رسمی درین باره چیزی نگوئید». ¹⁹⁷

بتاریخ ۱۷ جولای ۱۹۱۹ یک دسته هشتصد (۸۰۰) نفری جنگجویان افغان تحت قیادت غازی میرزمان خان بعد از عبور از کوتل "شاوی" در امتداد "بمبوریت" بطرف "ایون" تا یک میلی قریه "بمبوریت" پیش میروند. در جنگ شدیدی که در نزدیکی های قریه

¹⁹⁵. Robson, Brian (2004). ۳۹ ص.

¹⁹⁶. His Highness یا لقب افراد خاندان سلطنتی

¹⁹⁷. اسناد محرمانه استخارات انگلیس، تلگرام محرمانه شماره ۱۹۱۱ مؤرخ ۱۰ جولای، بخش چهارم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس L/P&S/10/819; سند شماره ۴۷۱۵ FileP.1953/1919:

"بمبوریت" در دهه (۱۰) میلی شمال غرب قلعه دروش در میگیرد، به هردو طرف تلفات وارد شده، انگلیس ها تلفات افغان ها را ده (۱۰) شهید قلمداد کرده اند.¹⁹⁸

بتاریخ ۱۹ جولای ۱۹۱۹ افغان ها تمام کوتله های را که از افغانستان به چترال منتهی میشدند، از "زیدیگ" در شمال تا "برمبولا" در جنوب، به تصرف خود درمی آورند. بعد ازین افغان ها تاکتیک جنگی شانرا به اثر فشار و شکایت هیئت انگلیسی در مذاکرات صلح، تغییر میدهند و تنها قوای قومی در جنگ شرکت میداشته باشند.¹⁹⁹

به حواله نگارنده جبهه چهارم استقلال شاه امان الله غازی با ارسال فرمانی به غازی میرزمان خان از جریان مذاکرات صلح اطلاع میدهد و میخواهد تا اطلاع ثانی از حمله و پیشروی قوای نظامی و ملکی خودداری نماید²⁰⁰. ترجمه منظوم این فرمان و جریان بعدی آنرا از خود مرحوم اخلاص در فصل ضمایم مطالعه فرمائید.

بتاریخ ۸ آگوست ۱۹۱۹ مطابق با ۱۶ اسد ۱۹۹۸ با امضای قرارداد صلح بین انگلستان و افغانستان جنگ درین جبهه چترال و کنفرانس خاتمه می یابد، اما با وجود معاهده صلح، ارنوی و دوکلام تا ۱۷ ماه جنوری ۱۹۲۲ بدست افغان ها باقیماندند.

تلاش های غیر نظامی انگلیس ها در رابطه با جبهه چترال

استفاده از ماشین جنگی و آخرین تخریک و انکشافات نظامی آزمایش شده در جنگ جهانی اول تنها وسیله نبود که انگلیس ها از آن در جبهه چترال و سایر جبهات استفاده نمودند. چند نمونه از تلاش های مذبوحانه و دسایس شیطانی آنها را میتوان در ذیل مشاهده کرد:

Robson, Brian (2004), ص ۱۳۸؛ Molesworth, G. N. (1963).¹⁹⁸
Government of India. (1926)، ص ۹۴.

Robson, Brian (2004)، ص ۱۳۸؛ Molesworth, G. N. (1963).¹⁹⁹
Government of India. (1926)، ص ۹۴.

۲۰۰. اخلاص، عبدالخالق (۲۰۰۵) صفحات ۱۲۰-۱۲۴

استفاده از نفوذ مذهبی آغا خان²⁰¹ در نواحی چترال و گلگت:

روز-کیپل، کمشنر عالی و نماینده گورنر جنرال ایالت سرحدی شمال غربی، پشاور به سکرتر شعبه خارجی و سیاسی حکومت هند بریتانی و سکرتر خصوصی نائب السلطنه انگلستان در هند بریتانی (وایسرا) مینویسد که²⁰²: "من پیشنهاد میکنم که باید از آغا خان خواسته شود تا یک اعلامیه صادر نماید و به پیروانش هدایت دهد تا به انگلیس‌ها و فدار و در خدمت شان باشند. یک تعداد بسیار بزرگی از مولایی‌ها (اسمی که سنی‌ها برای پیروان فرقه اسماعلیه بکار میبرند-ز) در چترال و گلگت، و عده‌هی در کابل و پشاور هستند."

شهزاده سلطان محمد آغا خان ثالث به این خواست انگلیس‌ها جواب مثبت میدهد و سکرتر حکومت برای امور هند بریتانی به تاریخ ۲۴ می ۱۹۱۹، ازلندن به وایسرا هند (شعبه خارجی و سیاسی) تلگرامی را میفرستد که متن آن چنین بود: "لطفاً اقدامات لازمه را اتخاذ نمائید تا پیغام آتی ارسالی آغا خان ترجمه و در سرحد پخش شود":

بدون هیچ نوع پنهان کردن معذرت، درین ایامی که صلح عمیق حکمفرماست، با فراموش کردن زمامداری عاقلانه عبدالرحمن بزرگ، و مثال شایسته شاه حبیب الله، با شکستاندن پیمان‌های مقدس، چند نفر گمراه، گستاخ و احمق، هند بریتانی را مورد حمله قرار دادند. هیچ شکی

²⁰¹. آغا خان لقب میراثی امام یا پیشوای مذهبی و عمومی فرقه اسماعلیه میباشد. این لقب بار اول توسط فتح علی شاه قاجار، شاه ایران، به چهل و ششین امام اسماعلیه، آغا حسن علی شاه داده شد. فرقه مذهبی اسماعلیه در سال ۷۷۵ میلادی وقتی بوجود آمد که شیعه‌ها بعد از شهادت امام جعفر صادق، بر سر جانشینی ایشان، بدو گروه تقسیم شدند. یک گروه از امام اسمعیل ابن جعفر پیروی نمودند، و گروه دیگر بنام اثنا عشری یا دوازده امامی، از امام موسی کاظم پیروی کردند. آغا خان در سال ۱۸۷۷ اینیز با مقامات انگلیسی در خاموش ساختن یک بغاوت محلی همکاری نموده و بخاطر همین همکاری اش اولین رهبر مذهبی ای شد که مقامات انگلیسی برایش امتیاز سلامی با فیرهای توپ را اعطای کردند. در وقت جنگ سوم افغان و انگلیس، امام چهل و هشتم، پرنس سلطان محمد یا آغا خان ثالث رهبری فرقه اسماعلیه را به عهده داشت.

²⁰². استناد محترمانه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۱۴۰۱۰ مؤرخ ۲۰ می ۱۹۱۹، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: .۲۳۴ سند شماره ۲۳۴.

نیست که سلطان فرمانفرما (امپراتور) کسی که قوای نظامی وسیع و گسترده آلمان ها را بر انداخت، میتواند این اشخاص را بکوبند. اما برای ما، وظیفه مقدس ماست تا سلطان فرمانفرما را کمک کنیم، زیرا حق با اوست، زیرا پیمان ها مقدس هستند، زیرا تنها با انجام دادن صادقانه وظایف هر یکی از مایان، چه خوره و یا بزرگ، میتوان صلح، کامگاری و پیروزی آزادی های مذهبی و مدنی در وسط آسیا تضمین شود. من آرزو دارم، تمام فرزندان عزیز من، مثل خود من، نه تنها باید صادقانه وفادار باشند، بلکه بسیار کوشش کنند که چشمان دیگران را نیز به نفع خود و انسانیت، باز کنند. آغا خان.

یک پیغام هم توسط آغا خان، برای تکثیر در بین پیروانش در هندوستان، مستقیماً به رئیس شورای اسماعلیه در بمبهی فرستاده میشود.²⁰³

تلash برای استفاده از نفوذ نقیب صاحب بغداد:

انگلیس‌ها تلاش نمودند از نفوذ مذهبی سید عبد الرحمن گیلانی، نقیب اشرف بغداد، که برادرش سید حسن گیلانی²⁰⁴ در افغانستان بود، نیز استفاده کنند. سکرتر شعبه خارجی و سیاسی حکومت هند بریتانی به نماینده سیاسی انگلیس‌ها در خلیج فارس، مقیم بغداد، نوشت: "اثرات پیغام تلگرافی نقیب به بعضی از معززین مسلمان در هندوستان، عالی خواهد بود. اگر ممکن باشد، این پیغام در چوکات تبلیغات برای هندوستان، سرحد و افغانستان در نظر گرفته شود".

به جواب این تقاضا²⁰⁴: نقیب گفت که صدور اعلامیه رسمی درین باره، بدون اینکه از هندوستان مورد خطاب قرار گرفته باشد، برایش غیرعادی خواهد بود... او وعده داد

²⁰³. سید حسن گیلانی پسر سید علی گیلانی و نواسه سید سلمان گیلانی در بغداد تولد شده، و در سال ۱۹۰۵ به افغانستان آمد. وی از طرف امیر حبیب الله خان و پیروان طریقت قادریه استقبال شد. امیر حبیب الله خان برای شان مدد معاش ماهانه سه هزار و پنجصد (۳۵۰۰) روپیه تعیین نموده و یک اقاماتگاه زمستانی در چهار باغ در نزدیکی جلال آباد ساخت، و او به این ترتیب به نام نقیب صاحب چهار باغ مشهور شد. پیر سید احمد گیلانی رئیس محاذ ملی و سید علی گیلانی پسران نقیب صاحب میباشند.

²⁰⁴. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۲۳۹ محرمانه مؤرخ ۱۲ می، بخش اول مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس L/P&S/10/819؛ FileP.1953/1919: ۱۸۹. سند شماره ۱۸۹.

که به تمام سؤالات علمای هندی در رابطه با قوانین شرعی، مثلاً اینکه آیا تلاش امیر برای اعلان جهاد، شرعی است یا خیر، حتماً جواب خواهد داد.

استفاده از پول برای کسب حمایت اقوام قبایل آزاد اطراف خط تحملی دیورند:
تأدیة پول برای جلب حمایت قبایل یکی از وسائل دیگری بود که انگلیس‌ها از آن استفاده می‌کردند، طور نمونه، نائب‌السلطنه انگلستان در هندوستان به وزارت امور هندوستان در لندن نوشت²⁰⁵ "... گرایش و رفتار قبایل یکی از مهمترین عوامل بوده و ما به روز-کپیل (کمشنر عالی ایالت سوحدی شمال غربی) صلاحیت داده ایم تا برای حاصل نمودن طرفداری آنها از پرداخت پول هیچ دریغ نکند".

دادن وعده و امتیازات به نورستانی‌های کامدیش:

انگلیس‌ها تلاش نمودند با دادن امتیازات به نورستانی‌های کامدیش، که در نزدیکی جبهه چترال قرار داشتند، آنها را علیه لشکر مجاهدین ملی جبهه چترال و ارنوی تحریک نموده به همکاری جلب نمایند. کمشنر عالی ایالت سرحدی شمال غربی، به نائب‌السلطنه انگلستان در هندوستان در رابطه به تلگرام معاون نماینده سیاسی چترال (Assistant Political Agent) اطلاع داده مینویسد²⁰⁶ که "آیا میتوانم به کافر های²⁰⁷ کامدیش و مناطق دیگر کناره چپ دریای باشگل (لندي سیند)²⁰⁸ تعهد دهیم که در صورت کمک به ما، دیگر تحت تسلط افغانستان نخواهد بود؟ اگر چنین باشد،

²⁰⁵. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، تلگرام محترمانه شماره ۵۷۲ مؤرخ ۲ می ۱۹۱۹، بخش اول مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۴۷.

²⁰⁶. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، تلگرام محترمانه شماره ۲۳۹ مؤرخ ۱۲ می، بخش اول مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: سند شماره ۲۰۰.

²⁰⁷. هدف از نورستانی‌هایست که در سال ۱۸۹۲ توسط امیر عبد الرحمن خان به زور به دین اسلام مشرف شدند و در اسناد و نقشه‌های نظامی سال ۱۹۱۹ انگلیس‌ها هنوز هم به نام‌های کافرو کافرستان ذکر شده‌اند.

²⁰⁸. لندي سیند يا دریای کوتاه از سراشیبی جنوبي هندوکش در نزدیکی مانول پاس در کنر منشا گرفته به استقامت جنوب و جنوب غرب ادامه یافته به دریای کنر میریزد. این دریا به نام دریای ارنوی نيز ياد ميشود.

فکر میکنم، آنها برای افغان‌ها درد سر خلق نموده، با ما در حملات علیه بربیکوت و دو کلام کمک خواهند کرد. اگر حکومت آماده باشد، چنین وعده تاثیرات قابل توجهی خواهد داشت." چنانچه در صفحات بعدی مشاهده خواهید کرد، این چال انگلیس‌ها کارگر افتاد.

سانسور اخبار و جلوگیری از انتشار حقایق :

انگلیس‌ها در پهلوی استفاده از تاکتیک‌های پخش افسوah و تبلیغات نادرست نمیگذاشتند مردم خود شان در انگلستان از حقیقت آنچه در هند بریتانی و جبهه جنگ میگذشت. آگاه شوند. مثلاً روز-کیپل، کمشنر عالی ایالت سرحدی شمال غربی به سکرتر برای حکومت هند بریتانی در شیمله، نائب‌السلطنه انگلستان در هند و فرمانده کل قوای نظامی نوشت که²⁰⁹ "خبرنگار خاص روزنامه Pioneer (پیشگام) و تایمز لندن، آقای سندرز Sanders رسید و گفت که (برای فرستادن گزارش‌هایش) اجازه دارد. اگر چنین باشد، من تلگرام‌ها و تلگراف‌هایش را در مسایل سیاسی سانسور نموده، و برای سانسور مسایل نظامی، آنرا به مقامات نظامی خواهم فرستاد."

روز کیپل، یک روز بعد²¹⁰ از شیمله جواب‌آتی را دریافت کرد: "سندرز اجازه دارد. لطفاً مطابق به پیشنهاد، تلگرام‌های سیاسی اش را سانسور کنید. تمام آنها تحت اجازه فرمانده کل فرستاده خواهند شد."

روشه دادن، پیشکش امتیازات و زمین، و خریدن امیر جماعت مجاهدین هندوستان در سرحد آزاد:

سکرتر برای حکومت هند بریتانی از شیمله به جواب تقاضای کمشنر عالی ایالت سرحدی شمال غربی اجازه داد²¹¹ که "شما میتوانید به صوابدید خود امیر متعصب را عفو

²⁰⁹. اسناد محروم‌انه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۱۳۱۰ می ۱۹۱۹، بخش اول مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: ۱۱۰ شماره.

²¹⁰. اسناد محروم‌انه استخبارات انگلیس، تلگرام شماره ۲۴۲ سری، بخش دوم مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس: L/P&S/10/819; FileP.1953/1919: ۲۸۰ شماره.

نموده برایش در مناطق انگلیسی زمین اعطای کنید، بشرطی که او و کالوفنی سمحه در طول جریان جنگ خاموش بمانند. اما نباید محل، مقدار و یا ارزش آن زمین را مشخص سازید. اگر او به ما خوبی کند، ما نیز آنرا جبران خواهیم کرد".²¹²

در آن وقت دو گروپ از مسلمانان هندوستان بر ضد انگلیس‌ها در منطقه سرحد آزاد فعالیت داشتند. یکی ازین گروپ‌ها جماعت مجاهدین بود که مرکزش در دهکده سمشه (Smatsa) در علاقه نبیر قرار داشت. بنیان‌گذار این جماعت مولانا ولایت علی و برادرش مولوی عنایت علی بودند.²¹³ رئیس این جماعت، مولوی عبدالکریم، در ۱۱ فبروری ۱۹۱۵ وفات نمود. پس از وفات او برادرزاده اش مولوی نعمت الله که نو جوان بود، جانشین او تعیین گردید.²¹⁴ این جماعت که آنرا چند تن از هندوستانی‌ها برای آزادی از حکومت غیر مسلمانان به مثابه یک تشکیلات رزمی بنیاد نهاده بودند، از پیشرفت‌های دنیا و رفتار زمانه بالکل بیخبر مانده و به شکل یک گروپ طفیلی و ناتوان گرد هم آمده بودند و برای رفع نیازمندی‌های خود تکیه بر اعانه مسلمانان هندوستان و معاش حکومت افغانستان داشتند. مولوی عبدالرحیم معروف به مولوی بشیر که به حیث نماینده مجاهدین به کابل رفته بود، با دو نفر از هندوستانی‌های مسلمان به نام‌های عبدالرشید و محمد حسن یعقوب، کابل را ترک گفته برای دمیدن روح تازه در جماعت مجاهدین به سمخه بر میگردند. اما عبدالرشید از منافقت‌های نعمت الله رئیس مجاهدین نهایت دلتانگ گردیده و گمان میبرد که نعمت الله با انگلیس‌ها دستیار شده است. از همین رو شامگاه روزی نعمت الله را به قتل میرساند و محافظان نعمت الله، عبدالرشید را زخمی کرده و در حالی که جان میداد، او را در تندور انداخته و میسوزاند.

مرکز دوم جماعت مجاهدین در چمرکند قرار داشت که توسط مولوی بشیر بعد از هجرت مولوی فضل الهی به چمرکند، یک روستای کوچک مرزی در نزدیک علاقه مهمند، در آنجا بنا نهاده شد. این مرکز بعداً به کمک محمد حسن یعقوب توسط ماشین ابتدایی

²¹¹. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، تلگرام محترمانه شماره ۷۲۰ مؤرخ ۲۳ می ۱۹۱۹، بخش اول مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس L/P&S/10/819؛ سند شماره ۴۶ FileP.1953/1919:

²¹². خاطرات ظفر حسن آییک (۲۰۰۳) ص ۵۷

²¹³. همانجا صفحات ۷۴، ۷۷، ۱۳۷، ۴۰۸ و

چاپ، (سایکلوستایل) نشرات تبلیغاتی و نشریه ماهوار المجاهد را بر ضد انگلیس‌ها به چاپ میرساند. مولوی بشیر نیز سرانجام بدست دو تن از اعضای خریده شده جماعت مجاهدین همین مرکز چمرکند، شب هنگام در حالت خواب، با شمشیر گردن بریده شد و به شهادت میرسد.

وعده بخشیدن دائمی مناطقی از خاک افغانستان به چترالیان:

انگلیس‌ها برای جلب توجه و شرکت چترالیان در جنگ علیه افغان‌ها، وعده دادند که اگر قبل از تصرف جلال‌آباد و کابل توسط انگلیس‌ها، چترالیان مناطق ناری (ناری یا نارست) و باشگل (لنډی سیند) نورستان را تصرف کنند، این مناطق را به چترال بخشیده و در آینده جز خاک آنها خواهد بود.²¹⁴

چرا جبهه چهارم و سرلشکر آن به باد فراموشی سپرده شد؟

اهمیت جبهه چهارم چترال و ارنوی تنها در این نیست که برای وارشان ۱۲۲ نفر شهیدش در "اسمار" و "کوتکی" ولایت کنر مکافات چهار-چهار جریب زمین داده شد، یا طی فرمانی این ورثه از مالیه معاف شد، یا اسمای شهدای این جبهه مانند شهدای جبهات دیگر در لوحه سنگی طاق ظفر پیغمان حک شد، یا اسناد رسمی ان در جریده امان افغان به نشر رسید. بلکه به استناد مدارک، اسناد و شواهد تاریخی، این جبهه شکست قوای سپه سالار صالح محمد خان را در جبهه خیبر تلافی کرد. اصلاً پیشروی غازیان افغان درین محاذ و تصرف "ارنوی" و پیشروی نیروهای افغانی تا قلعه دروش سبب شد که قوای انگلیسی حاضر شوند در بدل تخلیه آن از دکه و تورخم عقب نشینی کنند و مشروعیت حق مملکت افغانستان بر منطقه سرحدی "دوکلام" تشییت شود.

از نظر سلسله مراتب، غازی میرزمان خان سرلشکر این جبهه موفق در ارتباط مستقیم با قوماندان اعلیٰ جنگ استقلال، غازی امان‌الله خان، قرار داشته و خانواده اش اسناد و یادداشت‌های تاریخی مهمی را در دست داشت، که بر佐ایای تاریک دوره امانتی روشی انداخته میتوانست. اگرچه تمام اسناد، کتب، یادداشت‌ها، فرمانها و مدارلها رمبوط به خانواده "غازی میرزمان خان کنری" توسط رژیم خاندانی محمد نادر خان (نادر شاه و محمد هاشم خان) ضبط و از بین برده شده و بازماندگانش مورد شکنجه و آزار قرار گرفته، قربانی‌های همه جانبه‌ای را متحمل شدند (بدون هیچ محاکمه‌ای¹³

²¹⁴. میرزا محمد غفران و میرزا شیر احمد خان (۱۹۴۱) ص ۱۵۶

سال حبس دیدند، به ۸ سال تبعید داخلی فرستاده شدند و زندگی بیش از ۲۸ نفر اعضاً ایش را از دست دادند)، این مؤلف درین اواخر مؤفق شده است کاپی مکمل اثر "استقلال امانيه" را از آرشیف اسناد هند بریتانی کتابخانه انگلستان بدست آورد که اصلاً شامل دو رسالت "شمییر افغان" مولانا عبدالخالق اخلاص و "گلشن رنگین" سید عبد الغفار میباشد و حاوی ترجمه منظوم تعدادی ازین فرامین، اسناد و نامه ها بزیان پشتون میباشد، که اگر خواست خدا بود در اثار دیگر بنشر خواهد رسید.

جواب این سؤال را که چرا جبهه چهارم و سرلشکر آن به باد فراموشی سپرده شد، و قهرمانی های سپه سalar محمد نادر خان در جبهه جنوبی جنگ استقلال تا چه اندازه حقیقت داشت، از لابلای فصل های آینده دریافت خواهد شد.

فصل سوم

متارکه و سیاست تطمیع و تهدید انگلیس

"آفاسی ملکی و نفری که ارسال میداریم مطلق اختیار برای شان داده نشده که اختیار شرایط صلح را به چنگ خودها داشته باشند. برای شان حد و اندازه و دستور العمل داده شده که تا باین حرف اخیر حرف بزنید که شرف و عزت افغانستان باشد اگر قبول کردند مدعای حاصل شد و اگر از اندازه ما تجاوز کرده و قبول نکردند تا حیات داریم بسر و جان میکوشیم و جامه زنان را نمیپوشیم ... و گاهی این تنگ و عار را بگردن نمیگیرم انشاء الله و تعالى.

دست از طلب ندارم تا کام من برآید
یا جان (رسد) بجانان یا جان زتن برآید

اعلیحضرت امام اللہ شاہ غازی
فرمان مؤخر ۲۲ شعبان
۱۳۳۷ به سپه سالار محمد نادر خان

متارکه و تقاضای آتش بس

انگلیس‌ها در تخمین نیرومندی غازی امان‌الله خان و عزمش برای استرداد استقلال کامل افغانستان مرتكب اشتباہ شده بودند. اعتراف به تخمین غلط نیرومندی غازی امان‌الله خان، از اسناد محروم‌آئه استخبارات انگلیس که حالا از محرومیت برآمده است، هویداست. انها این مسؤولیت را به گردن حافظ سیف‌الله خان ایجنت مسلمان انگلیس‌ها در کابل می‌اندازند. و می‌گویند که مانند نصرالله خان، حکومت هند بریتانی هم تو امنیتی ایمان‌الله خان، اد دست تخمین نکرده بود.²¹⁵

انگلیس‌ها اول تصور نمیکردند که افغانها راه جنگ را در پیش گیرند، و بعداً هم برای اینکه ضعف خود را بپوشانند، بیشتر مانه کوشیدند دست آوردهای مبارزات آزادیبخش افغانها را ناچیز جلوه داده ادعا کنند که گویا افغانها درین جنگ شکست خورده و پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان صورت گرفته است.

پیشنهاد مtar کہ توسط کی صورت گرفت؟

انگلیس‌ها ادعا دارند که تقاضای آتش‌بس توسط غازی امان الله خان صورت گرفته است. اما اسناد و شواهد نشان میدهند که تقاضای آتش‌بس، ختم جنگ و مذاکرات صلح اول توسط انگلیس‌ها پیشنهاد شده است. آدمک درین رابطه مینویسد که "حکومت هند به نماینده افغان اجازه داد تا به کابل رفته امان الله را به ختم فعالیت‌های خصوصی آمیز و ادار سازد. امان الله موافقه نموده، و در نتیجه آتش‌بس زمینه مذاکرات طولانی و هیجانی در راولپنڈی، میسوری (منصوری) و کابل فراهم شد که به مصالحه و تأسیس مناسبات عادی همسانگی انجامید".²¹⁶

این مطلب را شادرowan غبار نیز ذکر کرده مینویسد که "چون دولت انگلیس در طی جنگ با افغانستان اندازهٔ خطر امپراتوری را در هندوستان ورشادت مردم افغانستان را در محاذات جنگ احساس و معاینه میکرد، لهذا مایل به صلح و تصدیق استقلال افغانستان گردید و راه مذاکره را توسط قوماندان خود در "دکه" باسفیر نظریند افغانی باز کرد. در طی این مذاکرات طولانی انگلیس‌ها تصدیق استقلال افغانستان را پذیرفته و از وجود مatarکه و مصالحه و منافع دوستی دولتین سخن زد. سردار

²¹⁵ اسناد محکمانہ استخارات انگلیس، آرشف هند بریتانی، P12، L/P&S/20/B285.

۲۳۳، Adamec, L.W. (1996).²¹⁶

عبدالرحمن خان بغرض اطلاع این تمایلات انگلیسها به پادشاه افغانستان بکابل آمد، در حالی که انگلیس‌ها عایله و پسر او (غلام احمد خان رحمانی) را در پایگاه عسکری خود نگهداشته بودند. سردار عبدالرحمن خان در کابل با شاه مذاکره کرد و بعد از تصمیم دولت بقبول پیشنهاد متارکه انگلیس با شرط تصدیق استقلال، برگشت.²¹⁷

اسناد محramانه استخبارات انگلیس نیز نشان میدهد که پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان نه، بلکه خود انگلیس‌ها صورت گرفته و دولت افغانستان کوشیده بود از جدی بودن این تقاضای انگلیس‌ها و چگونگی شرایط شان اطلاع حاصل کند. کمیشنر عمومی و نماینده حکومت هند بریتانی برای گورنر جنرال ایالت سرحدی شمال غربی بتاریخ ۲۳ می ۱۹۱۹ به آمرینش در شیمله نوشت که: "عبدالرحمن خان، نماینده افغان، با پیغام حکومت هند که دیشب برایش داده شده بود، امروز صبح بطرف دکه حرکت کرد. سه نفر از مصاحبان او درین جاده قلعه (نظامی) ما در توقيف بسر میبرند، از جمله دو نفر شان تقاضا نموده اند با من مذاکره کنند. امروز من با آنها صحبت طولانی داشتم. آنها عبارتند از سردار حبیب الله خان، نواسه گل محمد خان [محمد] زی که خود را امر عمومی تلگراف افغانستان معرفی میکند؛ و دومی کرنیل احمد علی، برادر کرنیل علی احمد و نواسه سردار محمد رفیق خان لودی میباشد. نفر سوم، که من او را ندیدم، عبدالعزیز، سرحددار "دکه"، میباشد، که اسمش در مکاتباتی که توسط ما کشف و قطع شده است، زیاد بنظر میرسد. حبیب الله فرمانی را از امیر برایم نشان داد که مضمون آن قرار آتیست²¹⁸:

«به حبیب الله خان سرپرست دفتر پُست و کرنیل احمد علی خان!

طوری که عبدالرحمن خان، نماینده تعیین شده افغان برای حکومت هند، که از آنجا برگشته است، برایم اطلاع داده است، قبل از عزیمت، سکرتر (وزیر) خارجه با اوراجع به آتش بس و باز کردن دروازه‌های صلح مذاکره نموده است. لهذا من به شما وظیفه و صلاحیت میدهم تا در میدان جنگ به کمپ انگلیس‌ها رفته راجع به شرایط (مقررات) صلح با ایشان مذاکره کنید، و اگر زمینه مصالحه را مساعد یافتد، موضوع را برایم

²¹⁷. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۶)، صفحات ۷۲۹-۷۷۰.

²¹⁸. اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره پی ۱۴۳۳ آر، مؤرخ ۲۳ می ۱۹۱۹

اطلاع دهد. رفتن شما به کمپ آنها ضروری بوده و من برای شما صلاحیت این اقدام را میدهم. محل امضای امیر امان اللہ، سه شنبه ۱۹ شعبان ۱۳۳۷».

از نامه فوق غازی امان اللہ خان و همچنان نامه احتجاجیه که بعد از بمباردمان هوائی جلال آباد و کابل به نائب السلطنه هند بریتانی فرستاده شده و در آن از یکسو به ارسال سردار عبد الرحمن خان نماینده افغان به کابل و تأکید بر اجتناب از جنگ، و از سوی دیگر به بمباردمانی که شباهت به بمباردمان لندن توسط قوای هوائی جرمنی داشت و خود انگلیس‌ها آنرا بحیث یک حرکت شدید و حشیانه تقبیح کرده بودند، اشاره شده بود²¹⁹، هویداست که انگلیس‌ها با آنکه پیشنهاد متارکه و اعاده صلح را نمودند، نه تنها به زورآزمائی شان ادامه دادند، بلکه بر علاوه حملات هوائی شبکه‌های استخباراتی و گروه‌های استخدامی اش را فعال ساخته در بین مردم به تبلیغات و سیع ضد امانی پرداخته از یکطرف آوازه‌های قبل از وقت قبولی متارکه توسط غازی امان اللہ خان را پخش نموده و از طرف دیگر کوشیدند او را مسؤول اصلی جنگ و یگانه عامل کشته شدن افغانها قلمداد نمایند.

در فرمان مؤرخ ۲۲ شعبان غازی امان اللہ خان به سپه سالار محمد نادر خان که در صفحه ۱۳۸ بیوگرافی نادر خان نشر شده، نیز درین رابطه اشاره شده و ضمن تأکید بر ادامه مساعی اش در میدان جنگ، میخوانیم که "چون روز شنبه ۲۳ بعمل شش بجۀ صبح یک جهاز هوائی در کابل آمده چند گلوله به در ارگ مبارکه و ماشین خانه و کمند ها انداخته چند راس یابو را سقط کرده واپس رفت اضافه از این برحمت الهی دیگر ضرر و نقصان نرسید و لامحال از برای مردم کابل که از گلوله باری آنها هراس پیدا شده اکثر مردم معتبرین و کلان شونده گان این ملامتی را بحضور تعلق میدهند که وقت جنگ بیخود و بیجا حرکت شده و در اینصورت با نفری اهالی شورا مصلحت کرده شد و شما در این باب چه تدبیر لازم میدانید. اکثریه در صلح رای داده اند که بقرار شرایط قرارداد اعلیحضرت ضیاء الملّة والدین مرحوم و قرارداد شهید مرحوم هر گاه با شما مصالحه کنند شما قبول کنید. بنا بر آن لازم دانسته برای آن عالیجاه اطلاع فرمودیم که شما در این فقره چه مصلحت میدانید آنچه بفکر شما میرسد

²¹⁹. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، L/P&S/10/819، P373

و خیر میدانید بحضور والا معروض داشته نفری خود را بهمان جوش و خروش داشته در کاروائی های خود کوشش داشته باشد.²²⁰.

آیا قبولی پیشنهاد متارکه انگلیس اشتباه و بدون مشوره بود؟

عدة از نویسنده‌گان افغان که سپه سالار نادر خان را فاتح قلعه جنگی تل و قهرمان استقلال میدانند، معتقد‌اند که نادر خان با ینکه قلعه تل را در اختیار داشت می‌توانست با یک حمله پشاور را بگیرد و تمام نیروی انگلیس را نابود کند. آنها با قبولی متارکه جنگ، گویا غازی امان‌الله خان را به بزدلی و سازش با انگلیس‌ها متهم می‌سازند.

آقای فضل غنی مجددی می‌گوید که "با اسف زیاد پادشاه از سوی اداره ایکه داشت از اشخاصیکه قادر به تحمل مسؤولیت نبودند کایینه خود را تشکیل داده بود و در موضوع مهم سیاسی که مربوط آینده ملت و مملکت بود مشوره نکرده و به ندای زعیم اسلامی افغانستان [حضرت صاحب شوربازار] جواب مثبت نداده رأی جنرال‌های خود را احترام نکرد و بصورت شخصی به تمام شرایط انگلیس موافقه نموده معاهدات سابقه را تصدیق نمود و از حقوق ملی افغانستان در غرب خط دیورند گذشت".²²¹

آقای غبار هم بر بنای روایت خود که (...سپاه و افسران انگلیسی از دروازه دیگر قلعه فرار کردند،.. قشون فاتح افغانی داخل تل شده و بیرق افغانستان را بر فراز آن برافراشتند)، نتیجه می‌گیرد که "در حالی که قوای فاتح افغانی قلعه مهم تل را در دست داشته و کوهات و پیشاور را تحت تهدید قرار داده بود و قوای افغانی می‌توانست به یک حرکت جناحی در پیشاور بیفتند و سپاه خیبر انگلیس را معدوم و هردو کناره دریای سند را زیر پای استعمار امپراتوری به توده آتش تبدیل نماید ولی این چنین نشد؛ زیرا پایتحت کابل بدون مشوره با قوماندانان محاذات جنگ، بدون مشوره با مردم افغانستان خواهش متارکه دولت انگلیس را پذیرفته و به قوماندانان خود در تمام محاذات جنگ امر تخلیه مناطق مفتوحه و عقب‌کشی از سرحدات را صادر کرد. لهذا سپاه فاتح افغانی خواهی نخواهی رجعت کردند و نقاط مهمی که با خون مردم و عسکر افغانی فتح شده بود دوباره (به شمول قلعه جنگی

²²⁰. متن کامل این فرمان و فرمان‌های دیگر را در ضمیمه چهارم مطالعه فرمائید.

²²¹. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ص ۸۵

تل) به دست دشمن افتاد؛ زیرا پشت جبهات افغانی یعنی دولت مرکزی و دربار معناً متزلزل بود²²².

طوری که در فصل گذشته دیدیم، تنها قلعه جنگی تل فتح نشده بود، بلکه حتی امکان حمله بر قوای انگلیس مستقر در آن قلعه هم وجود نداشت، چه رسد به حمله بر پشاور و کویته و نابودی تمام نیروهای انگلیس، لذا ازین اشتباہ نیز مانند اشتباہ فادنسته دیگر آقای غبار، یعنی فراموشی کامل جبهه چترال و کنر (جبهه چهارم استقلال)، و قوماندان فاتح آن غازی میرزمان خان گنری، به نفع قهرمان سازی سپه سالار نادر خان و حامیان اقتدارش استفاده شد. به روایت شادروان محمد هاشم زمانی و برادرزاده اش شیر علیخان زمانی، بعد از نشر جلد اول افغانستان در مسیر تاریخ، آقای غبار در منزلش طی صحبتی با ایشان به اشتباهاش پی برده اساس آنرا معلوماتی دانسته که توسط شادروان جنرال محمد صفرخان غرزی، فرزند ارشد جنرال عبدالوکیل خان نورستانی، برایش داده شده بود. آقای غبار بعد از یادداشت های به قلم سرخ در حاشیه کتاب مذکور وعده سپرده بود که آنرا در جلد دوم اصلاح خواهد کرد. متأسفانه در جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ که، بعد از وفات مؤلف، در امریکا بچاپ رسید از تصحیح مذکور در کی نبود.

اینکه غازی امان الله خان بدون مشوره با قوماندانان محاذات جنگ و بدون مشوره با مردم افغانستان خواهش مatarکه دولت انگلیس را پذیرفته باشد، دور از حقیقت است.

طوری که قبل از اشاره شد، در فرمان مؤرخ ۲۵ شعبان، غازی امان الله خان به سپه سالار محمد نادر خان ضمن اینکه از وضعیت جبهه خبر و بمباردمان هوایی کابل اطلاع می دهد، از ترس و هراس مردم، انتقاد مأمورین عالیرتبه، و مصلحت باشورا، و رای اکثربت که حتی خواهان صلح به شرایط قرارداد امیر عبد الرحمن خان و امیر حبیب الله بودند، یاد آور شده، میپرسد که " شما در این فقره چه مصلحت میدانید آنچه بفکر شما میپرسد و خیر میدانید بحضور والا معروض داشته (اما) نفری خود را بهمان جوش و خروش داشته در کاروائی های خود کوشش داشته باشید".

در سلسله مشوره با مردم و قوماندانان جبهات جنگ، غازی امان الله خان با میرزمان خان گنری، قوماندان جبهه چهارم جنگ استقلال (جبهه چترال و کنر) نیز مشوره نموده

²²². غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۶)، صفحات ۷۷۷-۷۷۸

است. غازی امان الله خان طی یکی از فرامینش به اسم میرزمان خان کنری هدایت داده بود که میرزا شهناوز خان را با افراد خبررسانش بحیث رابط سریع و منظم جبهه چهارم با مرکز تعیین نموده و در فرمان دیگری از رسیدن مشورهٔ غازی میرزمان خان اطمینان و اظهار خرسندی نموده است²²³.

همچنان از متن فرمان، سه شنبه ۱۳ ماه رمضان، غازی امان الله خان به سپه سالار نادر خان²²⁴ فهمیده میشود که غازی امان الله خان این قوماندان جبهه جنوبی را از جریان مکاتبات و شرایط پیشنهادی متارکه انگلیس‌ها آگاه ساخته و از رسیدن مشوره او نه تنها اطمینان داده، بلکه با آن همنوائی نشان داده است. در قسمتی ازین فرمان میخوانیم که "از مضمون فقرات معروضی شما سراپا دانسته و حال رأی انور والا گردید. اللـ الحمد والمنه خداوند خود را برای شما نیکنامی دنیا و آخرت را درد خود ملاحظه میکنم از خداوند خود برای شما نیکنامی دنیا و آخرت را میخواهم. خود را پریشان نسازید. اگر جان در تن و رمق در بدن داشته باشم باین شرایط صلح را قبول نخواهد کرد".

غازی امان الله خان در همین فرمان بعد از ذکر دلایلی که داوطلبی شرکت سپه سالار نادر خان را در هئیت مذاکرات صلح راولپنڈی رد میکند، در رابطه با اختیارات هئیت مذاکرات صلح نوشت که "آقاسی ملکی و نفری که ارسال میداریم مطلق اختیار برای شان داده نشده که اختیار شرایط صلح را بچنگ خودها داشته باشند. برای شان حد و اندازه و دستور العمل داده شده که تا باین حرف اخیر حرف بزنید که شرف و عزت افغانستان باشد اگر قبول کردن مدعا حاصل شد و اگر از اندازه ما تجاوز کرده و قبول نکردن تا حیات داریم بسر و جان میکوشیم و جامه زنان را نمیپوشیم. خیال و فکر من از برای شما خوب معلوم شده و گاهی این تنگ و عار را بگردن نمیگیرم انشاء الله و تعالی. در اخیر نامه اعیحضرت بقلم خود نوشت:

دست از طلب ندارم تا کام من برآید
یا جان (رسد) بجانان یا جان زتن برآید

اینکه چرا نظریات مخالفت با متارکه جنگ حضرت صاحب شور بازار و دیگران پذیرفته نشدند، میتواند دلایل مختلف داشته باشد. یکی از مهمترین آن اینست که

²²³. اخلاص، عبدالخالق (۲۰۰۵م)، صفحات ۱۸۳-۱۸۵.

²²⁴. متن کامل دو فرمان را در فصل ضمایم مطالعه کنید.

قوماندانان جبهات، روحانیون متنفذ و سران نیروهای قومی درگیر جنگ در جبهات انفرادی، از جریان کلی اوضاع جنگ و شرایط رو به تغییر اوضاع عمومی، خصوصاً اوضاع پشاور و شهر های دیگر هند بریتانی که بر تعديل ستراتیژی جنگی افغان ها تأثیر داشت، آنگونه که غازی امان الله خان بحیث قوماندان اعلی قوای نظامی افغانستان اطلاع داشت، باخبر نبودند.

غازی امان الله خان بعد از مشوره، تصمیم قبولی پیشنهاد متارکه انگلیس ها را با در نظر داشت شرایط عینی و مشاهده جریان کلی اوضاع جنگ گرفت. تصمیمی که فراتر از ساخته یک جبهه محلی و دور از تأثیر احساسات شدید ضد استعمار انگلیسی اقوام مختلف مردم، که سربکف در راه کسب استقلال و آزادی میجنگیدند، و حاضر بودند آخرين قطره خون خود را نیز درین راه بریزند، بود. او میخواست درین جنگ نابرابر پیروزی افغان ها را تأمین نموده، استقلال افغانستان را چه از طریق جنگ و یا در ساحة دیپلماسی بدست آورد.

عمل قبولی پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان

مطابق به پلان جنگی افغانها، قرار بود جنگ استقلال در تمام جبهات در یک تاریخ معین و همزمان با حملات اقوام دو طرف سرحد، قیام مردم در پشاور، و رستاخیز آزادی طلبان هند آغاز شود. اما در جریان جنگ اوضاع تغییر نموده و غازی امان الله خان شاید بنا بر دلایل ذیل خواست متارکه پیشنهادی انگلیس ها را قبول و برای رسیدن به هدف اصلی، که استرداد استقلال کامل سیاسی افغانستان بود، درین جنگ نابرابر راه مذاکرات را در پیش گرفته باشد:

- ناکامی قوای عسکری افغان در جبهه خیبر و ناتوانی عمومی شان در پیشروی به قلمرو هند بریتانی کی از عوامل عمدۀ قبولی پیشنهاد متارکه بود. اگرچه نیرو های قومی در تمام جبهات پیروزی های چشمگیری را بدست آوردند، اما آنها نمیتوانستند برای مدت طولای موضع اشغال شده را نگهدارند و باید آنرا مثل مناطق فتح شده در جبهه چترال و کنر به نیروهای نظامی افغان میسپردند.
- شکست قیام مردم پشاور و ناکامی پلان های میرزا غلام حیدر خان، دستگیری و تبعید او و سران کمیته انقلابی پشاور به "برما" نیز یکی از عمل قبولی متارکه جنگ شده میتواند.

- فروکش و سرکوبی قیام سرتاسری مردم در داخل هند بریتانی هم نقش خود را داشت. آنطوری که نماینده امان الله شاه در هند و انقلابیون هندی در کابل را پور داده بودند، با حمله افغان‌ها قیام در هند شروع نشد. مخالفت شدید مردم هند با قانون رولت Rowlatt Bill که اجازه میداد مخالفین دولت را بدون محکمه برای دو سال روانه زندان کنند، اعلام نافرمانی ملکی توسط گاندھی رهبر حزب سرتاسری کانگرس هند، و قتل عام بی‌رحمانه مردم در باغ جالیانوالی امرتسر تحت قوماندۀ "جنرال دایر" General Reginald Dyer که در آن ۳۷۹ نفر کشته و بیش از ۱۲۰۰ مجروح شدند، سبب شد احساسات آزادیخواهی مردم به جوش آمده و روحیۀ همکاری بین هندوان و مسلمانان تقویت یابد. اما انگلیس توانست به زور اسلحه و قوای نظامی مردم استمده و غیر مسلح را به شدت سرکوب و پرآگنده کند. در ایالت سرحدی شمال غربی هم اندکی قبل از براه افتادن جنگ سوم افغان-انگلیس، اولین جلسه عمومی و اعتراضی در "امان‌زی" به رهبری عبدالغفار خان تشکیل شد. اما انگلیس‌ها و رهبران دیگر شرکت کننده در گرد همایی را زندانی کردند.

- سهم نگرفتن بعضی از قبایل سرحدی در جنگ عامل دیگر بود. مقامات انگلیسی که همیشه برای نفوذ از پول و تحایف بزرگ بحیث یک حربه استفاده نموده‌اند، اینبار نیز به همکاری بی‌نظیر صاحب زاده عبدالقیوم خان، معاون نماینده سیاسی خیبر توانستند از شرکت بعضی اقوام سرحدی در جنگ جلوگیری نمایند. صاحب زاده عبدالقیوم خان که بعداً در سال ۱۹۳۷ به مقام اولین صدراعظم ایالت سرحدی شمال غربی ارتقا کرد قبلاً نیز موفق شده بود از جنگ‌های آزادی‌بخش قبایل افريیدی جلوگیری نموده مورد ستایش و تمجید مقامات انگلیسی قرار گیرد.²²⁵ برتری وسایل جنگی انگلیس‌ها و استفاده آنها از آخرین انکشافات تکنالوژی در جنگ که قبلاً به آن اشاره شده است.

- استعمال قوای هوائی توسط انگلیس‌ها در جنگ سوم افغان و انگلیس که برای افغانها یک پدیده جدید بود. افغان‌ها که قبلاً با طیاره‌آشنایی نداشتند، بمباران "پکه"، جلال‌آباد و کابل را توسط هوایپیماهاییکه ماورای موانع سرحد جغراافیوی و کوه‌ها و دشت‌ها پرواز نمایند، را پیش‌بینی نکرده بودند. جنرال چارلس مونرو،

²²⁵. زمانی، عبدالرحمن (۲۰۱۰)، صفحات ۱۰۳-۱۰۴ و ص ۱۴۴.

قوماندان عمومی قوای نظامی هند بریتانی معتقد بود که حملات قوای هوایی شان یکی از عوامل مهم میلان افغان ها به متارکه بود.²²⁶

- استفاده انگلیس ها از ستون پنجم یا هاداران انگلیس ها در داخل کشور و ایجاد نامنی و چور و چپاول جلال آباد.
- گرچه نرسیدن کمک های متوقع از روسیه عامل عمد نبود، اما قابل یادآوریست که غازی امان الله خان در برابر انگلیس ها به یک متحد ضرورت داشت. برسمیت شناختن افغانستان بحیث یک کشور مستقل و برقراری مناسبات دیپلماتیک بین اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان ضریب محسوسی بر مواضع بریتانیا وارد آورد. مولوی برکت الله هندی²²⁷ که حامل پیام هیئت افغانی به مسکو بود، طی نخستین یادداشت خود به لین، انگلیس ها را دشمن مشترک اسلام و بشویزم دانسته، پیشنهاد کرد که با امیر جدید افغان بر ضد تسلط انگلیس بر هند پیمان نظامی بینند و خواهش کرد یک میلیون پوند استرلینگ و مقادیری جنگ افزار به دسترس کابل بگذارد.²²⁸

اعلان متارکه و قرار داد صلح راولپنڈی

پیشنهاد صلح از طرف انگلیس هاهم عوامل مختلف داشت. آنها نیز که توامندی ادامه جنگ را نداشتند و بدون جبهه خیبر تقریباً در تمام جبهات شکست خورده بودند، نه تنها از نزدیکی روابط افغانستان با بشویک ها در هراس بودند، بلکه از خشم مسلمانان

Longoria, Major Michael (1992). A Historical View of Air Policing .²²⁶
Doctrine: Lessons from the British Experience between the Wars, 1919-1939. (Thesis paper, Air University, USA).

²²⁷. مولوی محمد برکت الله (۱۹۲۷-۱۸۷۸)، متولد بہاولپور هند، از شخصیت های جنبش آزادیبخش ملی هند و معتقد به پان اسلامیزم بود. تحصیلات رادر بمبی و لندن به پایان رسانده و به سال ۱۹۰۷ دست به مهاجرت زد. بین سالهای ۱۹۰۹ و ۱۹۱۴ استاد پوهنتون توکیو بود. او در سال های جنگ جهانی اول یکی از رهبران حزب انقلابی "غدر" بود. مولوی برکت الله سراسر از سال ۱۹۱۵ صدراعظم حکومت مؤقت هند در کابل شد. وی در سال ۱۹۱۹ به رهنمود غازی امان الله خان به شوروی رفت تا در برابر انگلیسی ها برایش کمک بگیرد.

²²⁸. متن کامل این نامه را در فصل ضمایم(نامه مولوی برکت الله عنوانی لین) مطالعه فرمائید.

هند نیز میترسیدند. خشمی که بعد از شکست و اهانت ترکیه، یکی از محدود کشور های باقیمانده آزاد اسلامی ناشی میشد، و از ادامه جنگ علیه افغانستان شدت می یافت.

انگلیس‌ها اهمیت ختم هرچه زودتر جنگ را درک کرده بودند. آنها توسط جنرال مالیسن General W. Malleson رئیس هیئت نظامی شان برای آسیای مرکزی، از برمیت شناختن افغانستان آزاد و مستقل توسط روسیه بلشویکی اطلاع یافته بودند، و این اقدام را یک ائتلاف بین پان اسلامیزم و بلشویزم و یک انکشاف خطرناک اوضاع در اسیا پنداشته ادامه جنگ را به نفع بلشویزم میدانستند. به گفته ولادیمیر بویکو، خاور شناس روسی "پایان دادن سریع به جنگ افغانستان هم آگاهانه بود و تاجایی عقب نشینی خردمندانه برای حفظ خود امپراتوری و در گام نخست هند بریتانی، که پس از رویدادهای امرتسر به ابتکار رهبری نو کنگره ملی هند تحت قیادت مهاتما گاندھی آغاز به لغزش نموده بود".²²⁹

چون در سرشت نیرنگ بازی انگلیس است که آنچه را نمی‌تواند بзор بدست آورد، به یاری چال‌های دیپلوماسی به چنگ بیاورد، باز نیرنگ بازی هایشان را آغاز کردند. آنها اول تقاضای متارکه را نموده و بعد در جریان مذاکرات طوری و نمود کردند که گویا افغانها به حیث یک ملت شکست خورده تلقی شده و شرایط صلح را افغانها نه، بلکه انگلیس‌ها تعین و پیشکش خواهند کرد.²³⁰

انگلیس‌ها در دوران مذاکرات در رابطه با شرایط متارکه سیاست دو رویه تطمیع و تهدید را در پیش گرفتند. دنیس بری Bray سکرتر خارجه برای امور هند عقیده داشت که در برابر امان الله خان از سیاست به اصطلاح بزرگواری یعنی رشوت و تطمیع استفاده شده و با او آشتبانی کنند. چون به افغانستان بحیث یک بفر (حائل) ضرورت و احتیاج داشتندو بدون همکاری افغان‌ها صلح در سرحد تأمین نمیگردید. لذا دنیس بری بازگشت روزهای قدیم را آرزو داشت. وی میخواست که افغانستان باز هم محافظه کار باشد. دروازه‌های خود را بر روی خارجی‌ها و بخصوص روس‌ها بسته در امور خارجی تابع سیاست انگلیس باشد و در رابطه با قبایل سرحدی روش دوستانه فعالتر داشته باشد.

²²⁹. بویکو، ولادیمیر / ترجمۀ آریانفر، عزیز (۲۰۱۰)، ص ۳۳

²³⁰. تلگرام مؤرخ ۹ جون ۱۹۱۹ سکرتر خارجه به نائب‌السلطنه هند.

"دنیس بری" شرایط ذیل را به غازی امان الله خان پیشنهاد کرد:

1. کنترول امور خارجی افغانستان
2. بهبود بخشیدن وضع و موقف نماینده بریتانیا در کابل و قندهار
3. مرخص نمودن آنی تمام خارجیان
4. اجازه ندادن به هیأت‌های ممالک خارجی در افغانستان
5. قبول سرحد قدیم به استثنای آنجائیکه بریتانیا تعديل کرده است
6. تسلیم دادن یا اخراج "بلوکنندگان و فتنه انگلیزان" هندی
7. واگذار نمودن و یا مرخص نمودن محمود طرزی و عبدالقدوس خان
8. ملغی نمودن دفتر پسته افغان
9. تنظیم حق تورید اسلحه به افغانستان توسط بریتانیا
10. جلوگیری از مسلح کردن قبایل توسط افغانستان
11. تأمین تماس مستقیم بین صاحب منصبان سرحد
12. برداشتن قید و قیود مثل قطع معامله در چمن
13. راندن دائمی باغی‌ها و متهم‌جین از سرحد
14. اعانه ایکه به افغانستان تأدیه می‌گردد از سابق کمتر گردد مشروط به اینکه افغانستان روابط دوستانه با ما داشته باشد.²³¹

وقتی این تلاش‌های انگلیس به نتیجه نرسید، "بری" خاطر نشان نمود که بریتانیا آماده بود به پاداش خدمات حبیب الله مسئله قیومیت و سرپرستی خویش را در ساحه روابط خارجی افغانستان زیر غور و بررسی قرار دهد. ما حتی آماده بودیم که با جنین گشاده آن حقیقت مسلمی را که امان الله پیش روی ما گذاشت، بپذیریم، اگر او با ما آشکارا خصومت نمی‌ورزید. لیکن "بری" عقیده داشت که چنین پیشنهاد را نمیتوان از طریق تهدید جنگ پذیرفت.²³²

متارکه به تاریخ ۳ جون ۱۹۱۹ اعلام، همیلتون گرانت Hamilton Grant بحیث رئیس هیئت بریتانیوی و راولپنڈی محل مذاکرات تعین شد. در ضمن نائب السلطنه شرایط متارکه را تعديل نموده، پیشنهاد کرد که افغانها باید بیست میل از جائیکه حالا سنگر گرفته‌اند، عقب کشند و عساکر بریتانیا در همان جائیکه هستند، باشند و آزادی عمل

.²³¹ آدمک، لودویک، دبلیو (۱۳۴۹). صفحات ۱۲۰-۱۲۱.

.²³² Adamec, L. W. (1967).

خویش را حفظ نمایند، بدون اینکه قدمی به جلو بردارند. طیارات بریتانیا به عملیات اکتشافی ادامه داده و نباید افغانها بر آنها تیراندازی کنند. اگر کدام پیلوت بریتانی در قلمرو افغانها مجبور بفرود آمدن گردد، طیاره مزبور باید صحیح و سالم بحکومت هند تسليم داده شود. بالاخره قبایل در هردو طرف سرحد باید از تجاوز بپرهیزنند. باید آنها را از آتش بس مطلع ساخت و در عین زمان به آنها اخطار داده شود که اگر بر نیروهای بریتانیا حمله کنند، از افغانها کمک خواسته نمیتوانند. نائب السلطنه پیشنهاد کرد که کنفرانس صلح در راولپنڈی دائیر گردد.²³³

بعضی از مخالفین غازی امان الله خان این شرایط غیر قابل قبول لارد چلسی فورد را که به تاریخ سوم ماه جون ۱۹۱۹ برای آتش بس پیشنهاد کرد، اشتباهاً شرایط قبول شده توسط غازی امان الله خان پنداشته اور امور انتقاد قرار میدهد.

برویت اسناد موجود در آرشیف دفتر هند انگلستان غازی امان الله خان به جواب نامه نائب السلطنه در نامه شماره ۲ تاریخ ۱۲ ماه رمضان ۱۳۳۷ هجری قمری، مطابق ۱۱ جون ۱۹۱۹ میلادی ضمن اظهار خرسندی از تلاش های دو طرف برای صلح یاد آور شد که افغانها در گذشته متجاوزین را شکست داده اند. افغانها در حالیکه از آئین و مذهب شان نیرو میگیرند، مرگ را سبب احیا میشمنند و بنا بر خصلت اسلامی شان مرگ ظاهر و هویدا را بر زیردستی اجانب ترجیح میدهند و آنرا حیات ابدی میپندازند. غازی امان الله خان در مورد شرایط پیشنهادی متارکه انجلیسها نوشت که خواست های شما نا ممکن است. تمام افغانها سرباز و فرقی با عساکر ندارند، پس چطور میتوان هزار نفر و مردم قبایل را از قریه هایشان بیرون و در میدان های کمپ های زمستانی مقابل قوای بریتانیوی انتقال داد؟²³⁴ غازی امان الله خان از نظامیان خواهش کرد که در همان جاییکه هستند، باقی بمانند. وی پرواز طیاره های بریتانیا را بر قلمرو افغانستان مورد اعتراض قرارداده گفت که از آنجاییکه در هر حوالی تنقیج وجود دارد، وی حتی اگر امر کند مردم از تیراندازی بر طیاره های بریتانیا خودداری نسی نمایند. پس بدینصورت صلح به آسانی توسط کسی که سوئیت داشته باشد، در خطر می افتد.

²³³. اسناد استخبارات انگلیس L/P&S/10/819, P422

²³⁴. اسناد استخبارات انگلیس L/P&S/10/819, P496

غازی امان الله خان انتخاب راولپنڈی را بحیث محل مذاکرات قبول کرد و اسم اعضای هیئت افغانی را زیر ریاست علی احمد خان، وزیر داخلہ اعلان کرد.²³⁵

غازی امان اللہ خان طی فرمانی عنوانی میرزمان خان کنری ، قوماندان جبهہ چترال و کنر، در رابطه با آتش بس نوشت که چون دولت بریتانیا خواهان صلح بوده و درین رابطه مکاتبی هم تبادله شده است، تا اطلاع ثانی لشکر های نظامی و ملکی را در موضع شان به حالت آماده باش داشته و از حمله بر دشمن خودداری کنید. اگر یک صلح آبرومند بدست آمد و احترام و عزت افغانستان حفظ گردید از آن چه بهتر، و در غیر آن جهاد را ادامه خواهید داد. درین فرمان از ۲۰ میل عقب نشینی از سنگر های فعلی هیج ذکری بمشاهده فمیرسد. عبد الخالق اخلاص که خود در جبهہ چهارم جنگ استقلال شرکت داشت در صفحات ۴۹-۵۰ میلادی به نشر رسیده است استقلال امانیه که در سال ۱۳۰۴ شمسی مطابق با ۱۹۲۵ میلادی به ترجمه منظوم پشتوى این فرمان را چنین ذکر کرده است:

شرایط و هدایات غازی امان الله خان به هیئت مذاکرات

شاغاسی علی احمد خان در رأس هیأت صلح افغانی به تاریخ ۲۵ جولای ۱۹۱۹ وارد راولپنڈی شد.²³⁶ راجع به شرایط صلح به هیئت افغانی دستور داده شده بود که صلح ما با دولت بریتانیا مبنی بر شرایط ذیل است:

1. آزادی افغانستان
2. حفاظت از حقوق اقوام سرحد
3. تادیه غرامت جنگی به هر اسمی که باشد

طوری که قبل از اشاره شد، اعلیحضرت امان الله شاه غازی در باره حدود اختیارات و صلاحیت هیئت صلح در قسمتی از فرمان مؤرخ ۲۲ شعبان ۱۳۳۷ به سپه سالار محمد نادر خان نوشت که "آقاسی ملکی و نفری که ارسال میداریم مطلقاً اختیار برای شان داده نشده که اختیار شرایط صلح را به چنگ خودها داشته باشند. برای شان حد و اندازه و دستور العمل داده شده که تا باین حرف اخیر حرف بزنید که شرف و عزت افغانستان باشد اگر قبول کردند مدعماً حاصل شد و اگر از اندازه ما تجاوز کرده و قبول نکردند تا حیات داریم بسر و جان میکوشیم و جامه زنان را نمیپوشیم... و گاهی این ننگ و عار را بگردان نمیگیرم انشاء الله و تعالى".

شادروان غبار درین رابطه مینویسد که "قبل از اعزام علی احمد خان به هند، وزارت خارجه افغانستان با تصویب مجلس وزرا و تصدیق پادشاه یک دستور العمل مفصلی برای او داده بود که غایه مذاکرات صلح و حدود موافقت و اختیارات هیئت درین دستور العمل تعین و تحديد شده بود".²³⁷ آقای غبار که نقل این دستور العمل را از مجموعه حضرت صاحب شمس المشایخ بدست آورده است، علاوه میکند که "درین دستور العمل زیر عنوان مطعم نظر در صلح، زمینه صلح، اعتراضات وارد و اصول

²³⁶. اعضای هیئت افغانی عبارت بودند از علی احمد خان وزیر داخله بحیث رئیس هیئت، جنرال ملکی سردار محمد یونس خان که در سال ۱۹۱۳ والی قندهار بود، غلام محمد خان وزیر تجارت، کرنیل ملکی عبدالعزیز خان که از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۹ نماینده افغانستان در هند بود، محمد رفیق خان، داکتر عبدالغنى مدیر مکتب حبیبیه، دیوان نرنجن داس، عبدالهادی خان سرکاتب و میرزا غلام محمد خان میرمنشی.

²³⁷. غبار، میر غلام محمد (۱۳۴۲)، ص ۷۷۵

مدافعه، نظامنامه هیئت سفارت صلحیه، شرایط صلح، تقریر تحریری امضادار و افتتاح سخن در چندین صفحه بقلم محمود طرزی وزیر خارجه افغانستان هدایات جامع و کامل تحریر شده بود. مثلاً در زیر عنوان نظامنامه هیئت سفارت صلحیه در ماده چهارم آن تصریح شده که در مسایل مهمه اتفاق آرای تمام اعضای هیئت شرط است. در ماده پنجم آن قید شده که هیئت سفارت تا حدودی حرف زده میتواند که به آنها اختیار داده شده، بیشتر از آنرا از مرکز استفسار نمایند. در ماده شش چنین اخطار میدهد: چیزی که از آن فرود آمدن نیست همان آزادی افغانستان و بعضی آزادی‌ها در باب ملکهای سرحدی است²³⁸.

امضای قرارداد، لغزش یا خیانت علی احمد خان؟

مذاکرات صلح به تاریخ ۲۲ جولای ۱۹۱۹ در راولپنڈی آغاز میشود. یک روز قبل از آغاز مذاکرات کمشنر عمومی و نماینده حکومت هند بریتانی برای ایالت سرحدی شمال غربی به وزیر خارجه هند بریتانی اطلاع میدهد که یک کاپی از اعلامیه غازی امان اللہ خان به افراد و اقوام سرحد از تیراہ بدبست عبد القیوم خان (مامور سیاسی اینجنسی خیبر) رسیده است. در اعلامیه گفته شده است که برای حفظ شرف و آزادی داخلی و خارجی افغانستان و سرحداتش، امیر از عزمش (اعلان جنگ) به مردم اطلاع داده و آنها با جواب شان شجاعت خود را به اثبات رساندند. چون فعلًاً متارکه صورت گرفته و علی احمد خان برای حل مسئله به هند رفته است، اقوام باید فعلًاً جنگ را معطل کنند. اگر یک صلح آبرومند با تمام احترام و عزت برای افغانستان بدبست آمد، چه خوب، ورنه، امیر تا به مرگ جنگ مقدس را ادامه خواهد داد. شما قبایل نجیب و افغانهای توانا هم باید تا رسیدن به این هدف، شجاعانه، متحد و استوار ایستادگی کنید. قبایل باید در مدت متارکه در مراکز مشخص شان آماده بوده، استراحت کنند. اگر امیر بدون جنگ اضافی مقصدش را حاصل کرد، چه خوب، اگر نه، او با تمام توانمندی ممکن به جنگ ادامه خواهد داد. من بدون اطلاع، رضایت و مشوره شما افراد و ملت وفادارم امور دولتی را ادامه نخواهم داد. کمشنر ادامه داد که این اعلامیه بعد از مأموریت دیورنداولین اعلامیه علنی یک امیر میباشد که در آن قبایل سرحد ما را مخاطب قرار داده و اعتراف آشکار دست داشتن امیر در قیام‌های سه ماه اخیر قبایل میباشد²³⁹.

²³⁸. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۲)، صفحات ۷۷۵ و ۷۷۷.

²³⁹. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۰۲۲ مؤرخ ۲۵ جولای ۱۹۱۹.

در اولین روز مذاکرات گرفتار شد، به افغانها اخطار داد که قبایل را زیر کنترول بگیرند. او گفت که با وجود آرزوی حکومت وی برای صلح، بریتانیا نمیتواند حوصله بی پایانی در برابر تجاوز قبایل شان داده و از آن تجاهل نماید.²⁴⁰

گرانت به تاریخ ۲۹ جولای به مقامات انگلیسی اطلاع داد که در کنفرانس صلح امروز علی احمد خان به جواب خطابه من یک جواب طولای درهم و برهم داد که ممکن توسط محمود طرزی پیش بینی و نوشتہ شده بود. او در باره مشکلاتی که بریتانیا با قبایل داشت، صحبت کرد و علت آنرا خصوصیت بریتانیا با افغانستان میدانست. او بریتانیا را مسئول جنگ افغان و انگلیس دانست، زیرا نائب السلطنه هند شناسائی رسمی امان الله خان را بحیث امیر افغانستان به تعویق انداخت و به نامه وی جواب نداد. بریتانیا جایزه و پاداش موعود به بی طرفی افغانستان در جنگ جهانی را نداده و به نمایندگان افغانستان اجازه نداد در کنفرانس صلح پاریس سهم بگیرند. علی احمد خان با نارامی های هند و قانون رولت، حالات ایرلند و مصر، تأثیر عمومی قوای جهانی بر افغانها، همدردی افغانستان با ترکیه، بیگانگی ما از جهان اسلام، اتکای امیر بر خواست مردم افغانستان و موضوعات مبهم دیگر تماس گرفت.²⁴¹

گرانت در جلسه بعدی مذاکرات اصرار ورزید که کنترول روابط خارجی افغانستان به همان ترتیب و قرار گذشته ادامه پیدا کند. وی این کار را توسط بریتانیا مشارکتی می‌پنداشت که در اثر آن "فرمانروایان هوشمند گذشته" وظیفه را بدوش بریتانیا گذاشته بود، و بریتانیا با تجربه بزرگتر دیپلوماسی و نمایندگان مجروب دیپلوماتیک میتوانست بهتر از افغانها از عهدۀ آن وظیفه برآیند. گرانت این قرار و ترتیب را برای هردو جانب بسیار سودمند میدانست.

گرانت به وزیر امور خارجه اطلاع داد که قرار معلومات و اطلاعاتی که به وی رسیده، افغانها تحت هیچ‌گونه شرایط آماده نیستند از کنترول روابط خارجی خود بگذرند. افغانها اراده دارند که برای تنظیم و تعدیل سرازنو سرحد یک پیشنهاد حیرت انگیزی را ارائه نمایند تا به وسیله آن وزیرستان و دیگر ساحات قبایلی تحويل افغانستان داده شود. افغانها بر علاوه، امتیازات ارضی در پنجده و کشک را از بشویکها تقاضادارند. گرانت اطلاع داشت که آرزوی استقلال کامل افغانها با آرزو های انتقال خلافت به

²⁴⁰. اسناد محرومۀ آرشیف هند بریتانیوی، تلگرام ۲۲ جولای ۱۹۱۹.

²⁴¹. همانجا، تلگرام ۲۹ جولای ۱۹۱۹.

افغانستان را بطریق دارد. گرانت بر علاوه اطلاع داشت که افغانها تقاضا های ذیل را به بریتانیا تقدیم خواهد کرد:

1. آزادی در ساحه روابط خارجی
2. تأثیر اعانه با قیمانده
3. تأثیر اعانه جدید
4. تأثیر توان و خسارة جنگ
5. عفو عمومی افریدی ها و مهمند ها، و
6. انتقال و اگذاری وزیرستان²⁴²

از اسناد موجود در آرشیف هند هویداست که همیلتون گرانت، رئیس هیئت انگلیسی مذاکرات صلح چندین بار توانسته است مکاتبی را که خود با ترجمة آن تهیه نموده است توسط علی احمد خان امضا و بدون اطلاع کابل مستقیماً به قوماندانان جبهات برساند. نمومه های چنین مکاتبی قرار ذیل اند:

در تلگرام ۳۰ جولای ۱۹۱۹ رئیس هیئت مذاکرات صلح در راولپنڈی به وزیر امور خارجه هند بریتانی نوشت: "من نواب مولا بخش²⁴³ را دیروز فرستادم تا به علی احمد خان شفاهی بگویید که شرایط متارکه توسط عبدالقدوس خان مرا عات نمیشود، و احتمال تصادم و شکست مذاکرات صلح موجود است. من به علی احمد خان پیشنهاد کردم که به عبدالقدوس خان نوشته و یا تلگرام بفرستد. این دو مکتوب ذیل توسط مولا بخش به علی احمد خان خوانده شده و مهر و لام شدند، چون علی احمد خان نمیخواهد عبدالقدوس خان بفهمد که این مکاتب سانسور شده اند.

ترجمه مکتوب اول قرار ذیل است:

اعلیحضرت امیر توسط یک فرمان قبلاً به شما اطلاع داده است که ترتیب یک متارکه مؤقت جنگ گرفته شده است. تارften هیئت مذاکرات صلح به هند و توافق بر شرایط

²⁴². اسناد محروم‌نامه آرشیف هند بریتانی، ۳۰ جولای ۱۹۱۹

²⁴³ نواب مولا بخش مسئول ترتیبات عمومی در هیئت مذاکرات صلح از طرف انگلیس ها بود. اعضای دیگر هیئت عبارت بودند از همیلتون گرانت، رئیس، کپتان گیلیس ریبرن، مفری مشاور سیاسی، جنرال موبیری مشاور نظامی، نواب شمس شاه نماینده مسلمانان، بابا گوربخش سنگه نماینده سکه ها، تورن پیچ معاون مشاور نظامی، کیننگهم بحیث منشی، و خان بهادر مظفر خان مسئول مهمانداری هیئت افغانی بودند.

معاهده صلح قوای نظامی حکومت افغانستان باید به فاصله ده میل از قوای انگلیسی عقب نشینی کنند. به تعقیب آن من به حیث رئیس هیئت تعین و با اعضای دیگر هیئت به خیریت به راولپنڈی رسیده و مذاکرات رسیدن به یک صلح شرافتمدانه برای حکومت افغانستان را آغاز نموده ام. حال به من توسط عالیجناپ سر همیلتون گرانت، رئیس هیئت انگلیسی اطلاع رسیده است که قوای حکومت افغانستان از مواضع شان عقب نشینی نکرده اند، یعنی شما قوای خود را مطابق به فرمان امیر ده میل عقب نبرده اید. لذا من به شما مینویسم تا مطابق به فرمانهای اعلیحضرت امیر، قوای سرحدی قندهار را به فاصله ده میل عقب کشیده تا اگر خدا خواسته باشد به یک صلح شرافتمدانه برای افغانستان برسیم. در غیر آن تمام ملت افغان باید همه چیزرا در جنگ به راه خدا قربانی کند. امیدوارم شما با احتیاط زیاد تا رسیدن به صلح سربازان و مجاهدین خود را نگهدارید²⁴⁴.

همچنان گرانت در یک تلگرام شبیه دیگر به تورن جنرال فولین، قوماندان کمپ انگلیس ها در دکه نوشت "این از طرف رئیس هیئت افغانی برای شماست. لطفاً این تقاضا را عملی کنید: لطفاً این پیغام را با ترجمه انگلیسی آن به دوست محمد خان، نائب سالار افغان و جنرال غلام نبی خان در جلال آباد بفرستید. آغاز پیام: اگر رضای خدا باشد به یک صلح آبرومند برای حکومت خواهیم رسید. لطفاً به وظایف خود، مطابق به هدایت، به درستی و آگاهانه رسیدگی کنید. علی احمد. ختم پیام²⁴⁵".

بالاخره انگلیس ها تقاضای کنترول قبایل سرحد توسط افغانها و تأدية اعانه زیاد بدون کنترول بر سیاست خارجی افغانستان را قبول نکردند. بروز ۳۱ ماه جولای گرانت متن معاهده خود یا همان تقاضا های بریتانیا را که ساخته و بافتۀ دست لندن و شیمله (پایتخت تابستانی هند بریتانی) بود، به افغانها سپرد، و علی احمد خان یکدست آنرا رد کرد. اما در جلسه چهارم روز چهارم اگست، علی احمد خان معاهده را از نگاه پرنسيپ پذيرفته و تعديل بعضی عبارات را پیشنهاد کرد. طور مثال او پیشنهاد نمود که عوض "امیر افغانستان" حکومت افغانستان در معاهده گنجانیده شود و بدین

²⁴⁴. اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی در رابطه با سرحد شمال غربی، راپورهای سیاسی و محramانه دفتر هند شماره ۷۸۴.

²⁴⁵. اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۵۰۰، مؤرخ ۲۳ آگست ۱۹۱۹ رئیس هیئت انگلیسی مذاکرات صلح راولپنڈی به تورن جنرال فولین، قوماندان کمپ دکه.

صورت معاہده بین دو حکومت صورت بگیرد، نه با شخص امیر. علی احمد خان همچنان اصرار میورزید که فقره ها و عبارات خفت آور و یا فقراتی را که ملامتی جنگ را بر دوش افغانها می انداخت، از معاہده حذف گردد.²⁴⁶

گرانت رئیس هیئت مذاکرات صلح در اوپنیک در تلگرام ششم آگست ۱۹۱۹ خود به وزیر امور خارجه برای حکومت هند بریتانی در شیمله نوشت که "بعد از جلسه رسمی مذاکرات، هیئت افغانی با ما چای خورده و مایک گفتگوی صادقانه و آزاد داشتیم. واضح است که علی احمد خان چه در بین همقطارانش در اینجا و چه در کابل با عناصر متخصص روپرست. او صادقانه مشتاق قرارداد صلح بوده و من فکر میکنم که میخواهد بعد از آن با ما روابط مستقیم داشته باشد. اما او باید آبروی خود را حفظ کند و درست به همین دلیل است که من به نکات کوچکی، که قبل از آن اشاره نموده ام، در قرارداد صلح توافق نموده ام و فردا هم در شرایط نامه ای که راجع به ارتباطات خارجی برایش میدهم تعديلاتی را وارد خواهیم کرد. علی احمد به من اطمینان داد که اگر ما فقط به افغانستان اطمینان دهیم که در امور خارجی اش آزادی کامل دارد، آنکشور خیلی زود عملأً به ما مراجعه نموده و بیشتر از هر زمان گذشته به معنی حقیقی اش از ما مشوره خواهد گرفت... من از علی احمد پرسیدم که آیا تمام اعضای هیئت‌ش قرارداد صلح را امضا خواهند کرد. او گفت که کفايت میکنند من و او قرارداد را امضا کنیم. هویدا بود که او بیم داشت بعضی از همراهانش در امضا کردن قرارداد مشکل داشته باشد"²⁴⁷

گرانت در تلگرام هشتم آگست ۱۹۱۹ به وزیر امور خارجه نوشت که "دیروز ما اطلاع گرفتیم که مشاورین افغان باز هم اختلاف نظر داشته و امیدواری کمی وجود دارد که آنها امروز قرارداد صلح را امضا کنند. آنها ظاهراً از تصمیم ما که تمام سرحد را از دریای کابل تا منطقه «خوبی» علامت گذاری کنیم، آشفته شده‌اند. علی احمد خان ظاهراً از عواقب امضا کردن و برگشتن به کابل با چنین معاہده که این‌همه به ضرر افغانستان باشد، برای خودش میترسد. بهر حال، آنها از نواب مولا بخش خواستند تا رفته و آنها را ببینند. وقتی مولا بخش با آنها بود، من یک کاپی تلگرام ۱۲ آگست بلوچستان را برایش فرستادم که راجع به خشم عبد‌القدوس خان ناشی از گرفتن مکتوب علی احمد خان و احتمال قطع رابطه اش با امیر بود. من از نواب خواستم که

²⁴⁶. Adamec, L. W. (1967). صفحات ۱۷۲ و ۱۷۳.

²⁴⁷. اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی در رابطه با سرحد شمال غربی، راپورهای سیاسی و محramانه دفتر هند شماره ۸۳۲.

نکات عمدۀ این پیغام را به هیئت افغانی بخواند. این ظاهرًا تأثیر آنی داشت، آنها بعد از مدت کوتاهی گفتند که امروز حاضر شده و قرارداد را امضا خواهند کرد. آنها قرار وعده امروز بعد از ساعت ده اینجا حاضر شدند. بعد از تطبیق کاپی‌های قرارداد، علی احمد خان راجع به علامت گذاری ملاحظات چندی داشت. من به او اطمینان دادم که این علامت گذاری عادلانه و منصفانه خواهد بود، واو قبول کرد. بعد از آن ما قرارداد را امضا کردیم.²⁴⁸

علی احمد خان به تنها بی تصمیم گرفته و با وجود هدایات صریح، معاهده پنج فقره بی ذیل صلح را ولپندی را که به ضرر افغانستان بود، بتاریخ ۱۸ آگوست سال ۱۹۱۹ میلادی امضاء کرد:

ماده اول- از روز امضا شدن این معاهده فیما بین دولت بهیمه برتانیه بر یک طرف و دولت افغانستان بطرف دیگر مصالحت خواهد بود.

ماده دوم- نظر به حالتی که باعث جنگ حالیه فیما بین دولتین علیتین برتانیه و افغانستان گردیده است، دولت برتانیه محضور اظهار رنجش خود آن رعایتی را که نسبت به امرای سابق افغانستان در باب آوردن اسلحه و قورخانه یا دیگر اسباب حرب بداخل افغانستان از راه هندستان مرعی داشتند، سلب مینماید.

ماده سوم- علاوه بر آن بقایای وجه عطیه امیر مرحوم ضبط نموده شد و به امیر حالیه وجه عطیه داده نخواهد شد.

ماده چهارم- در ان واحد دولت بهیمه برتانیه مایل میباشد که دوستی قدیم را که تا این همه مدت طولانی فیما بین افغانستان و برتانیه عظمی وجود داشته است مجدداً برقرار نمایند مشروط براینکه دولت موصوفه اطمینان داشته باشند که دولت افغانستان طبعاً مایل میباشند که دوستی دولت بهیمه برتانیه را مجدداً حاصل نمایند، علیهذا مشروط براینکه دولت افغانستان این امر را از کردار و رفتار خود ثابت نمایند دولت بهیمه برтанیه آماده خواهند بود که بعد از شش ماه سفارت دیگری را از جانب افغانستان برای مذاکره و قرارداد یکه رافع منافع مشترک دولتین علیت بن باشد و نیز برای برقراری مجدد دوستی قدیم بر اساس خاطر خواه پذیرا نمایند.

²⁴⁸. استاد محترمۀ آرشیف هند بریتانیوی، تلگرام شماره ۷۷ مؤرخ ۱۸ آگوست ۱۹۱۹

ماده پنجم - دولت افغانستان سرحد بین هندستان و افغانستان را که امیر مرحوم قبول نموده بودند، قبول مینمایند و نیز متعهد میشوند که قسمت تحدید نشده خط سرحد طرف مغرب خیبر در جائیکه حمله آوری از جانب افغانستان درین زمان واقع شد، بواسطه کمیشن دولت بهیمه برтанیه بزوادی تحدید شود و حدی را که کمیشن دولت بهیمه برтанیه تعین نماید قبول بکنند عساکر دولت بهیمه برтанیه براین سمت در مقامات حالیه خود خواهند ماند تا وقتیکه تحدید حدود مذکور بعمل بیاید.

شرايطی که قبل از امضای قرارداد دوستی باید افغانستان برای شش ماه تکمیل میکرد عبارت بودند از اخراج هندوستانی های انقلابی از افغانستان و خودداری از روابط با کشور های خارجی بدون از بریتانیا. همچنان امیر باید با انگلیس ها در حفظ سرحدات از قانون شکنان همکاری میکرد، و جایگاه عامل یا نماینده انگلیس ها را در کابل بهتر میساخت.

رئیس سیاسی قوای سرحدی سرحد شمال غربی از لندی کوتل در تلگرام ۱۱۴ آگوست خود به وزیر خارجه هند بریتانیوی نوشت که "هیئت افغانی برای تمام ترتیباتی که برایشان گرفته شده بود، خصوصاً برای سلامی و گارد تشریفات در جمرود و ڈکه، زیاد اظهار خرسندي نمودند. مزاج آنها از زمان رسیدن اولی شان زیاد تغییر کرده بود. ما آنها را تا مأورای خورد خیبر مشایعت نموده و خدا حافظی گرم نمودیم".²⁴⁹

هیأت صلح افغانی به کابل برگشت و در دربار امیر، علی احمد خان در مورد مذاکرات صلح از نظر خودش بشرح مطالبی پرداخت و گفت که بریتانیا با تمام تقاضا های افغانستان موافقت کرد(؟). وی علاوه نموده گفت که قبایل در قراردادیکه با بریتانیا عقد گردیده گنجانیده شده از
انگلیس(؟) بود.²⁵⁰

.²⁴⁹ اسناد محروم آرشیف هند بریتانیوی، تلگرام شماره ۱۲۷ مؤرخ ۱۴ آگوست ۱۹۱۹

.²⁵⁰ Adamec, L. W. (1967), ص ۱۷۷

فصل چهارم

حصول استقلال کامل افغانستان

«افغانها بدون هیچ تردیدی برنده شدند. افغانها حالا هم سرکش و متمرد هستند، حالا هم انقلابیون هندی را پناه میدهند، حالا هم با بشویک‌ها مناسبات خیلی دوستانه دارند، و حالا هم در سرحدات مامصروف تحریک نزاع می‌باشند. تمام بحث‌های پیچیده لارد کرزن این حقیقت ساده را پنهان کرده نمی‌تواند که حکومت هند هم عملیات جنگی را درهم و برهم کرد و هم مذاکرات صلح را خراب کرد. کنترول مناسبات خارجی افغانستان را باید فردای حمله آنها تسليم می‌کردیم.».

روزنامه انگلیسی زبان هندی Statesman (زمادار) کلکته
۱۹۱۹ نوامبر ۱۸

حصول استقلال کامل

افغانستان بحیث یکی از نخستین کشورهای شرقی در تاریخ معاصر جهان استقلال کامل سیاسی اش را بدست آورد. افغانها یکبار دیگر برای سومین بار با سربلندی کامل، قیام ملی شان را برضد استعمار انگلیس به پیروزی رساندند. و با استرداد استقلال کامل افغانستان غازی امان الله خان از جنگ سوم افغان و انگلیس بحیث محصل و قهرمان استقلال ظهور کرد، و محبوبیت او در بین مردم از هر حکمران دیگری بیشتر شد.

مردم کابل و غازی امان الله خان از لشکریان و قوماندانان موفق جبهات جنگ آزادی طی مراسم شانداری استقبال نمودند، طاق ظفر و رواق سپاهی گمنام در پغمان و منار استقلال، که بعد اکتبیه آن توسط سردار محمد نادر خان تعویض شد، اumar شدند. یک هفته در ماه آگوست هر سال که مصادف با امضای قرارداد صلح بود، برای تجلیل و جشن آزادی تعیین شد. از طرف دیگر شا آغازی علی احمد خان در مراسم استقبال از هیئت مذاکرات صلح مورد انتقاد شدید قرار گرفت. محمود طرزی گفت که وی حق نداشت تا با قبول کردن علامت گزاری سرحدات، خاک افغانها را به انگلیس‌ها بدهد. فقط یک کلمه استقلال او را چنان تحت تأثیر آورده بود که تمام چیزهای دیگر را فراموش کرد.²⁵¹ علی احمد خان بخاطر خودسری اش محکوم گردیده از طرف شاه امان الله مورد سرزنش و عتاب قرار گرفته از مقامش سبدکوش و توقيف شد.

استرداد استقلال افغانستان به پرستیز و حیثیت امپراتوری انگلیس صدمه شدیدی وارد کرد. بر علاوه آنها با دو مشکل بزرگ مواجه بودند. مشکل اول آنها مجادله با ذهنیت و احساسات ضد انگلیسی مسلمانان جهان و خصوصاً مسلمانان هند بریتانی کی بود، و مشکل دوم شان ضرورت جلوگیری نفوذ روس‌ها و انتشار نظریات بلشویکی بود که برای آن به یک افغانستان حائل و بفرضورت داشتند. آنها با درک تجارب ناکام و مصیبت بار گذشته شان نه به آسانی غازی امان الله خان را تعویض و حکمران دلخواه خود را نصب کرده میتوانستند، و نه هم نزدیکی افغانستان را به رو سیه بلشویکی تحمل کرده میتوانستند.

انگلیس‌ها همچنان درنتیجه جنگ استقلال افغانستان سرحدات پریشان کنی را به میراث گرفتند که حتی تا به امروز هم به حالت قبل از جنگ برنگشته است. متارکه

. ۹۴ Stewart, Rhea Talley (1973).

جنگ و به تعقیب آن لغزش علی احمد خان، رئیس هیئت افغانی، در عقد پیمان صلح اگر چه خط دیورند را به رسمیت شناخت، اما مسئله حق تعین سرنوشت قبایل سرحد آزاد و حمایت افغانستان از داعیه مشروع شان کما کان باقیماند.²⁵²

قرارداد صلح ۱۹۱۹ راولپندي بین افغانستان و انگلستان يك قرارداد دائمي نبوده تنها تنظيم کننده روابط آنی بین دو کشور بود. مذاکرات برای تعین روابط آينده بعد از يك وقفه در جنوبي ۱۹۲۱ با فرستادن هئيت انگلیسي تحت رياست هنري دابس Henry Dobbs به کابل از سرگرفته ميشد.

برسمیت شناختن استقلال باعث مشاجره بین لندن و مأمورین هندبربیتانوی گردید

با حصول استقلال روابط افغانستان با بریتانیا دستخوش تغیرات عمیقی شد. چون افغانستان برای انگلیس‌ها هم از نگاه جغرافیای سیاسی (جیوپولیتیک) و هم از نگاه خوف خطری که از طریق آن متوجه هند می‌گردید، اهمیت زیاد و حیثیت گوهر قیمت بهایی در تاج انگلیس داشت، امان الله خان را بخاطری که عامل این تغیرات بود، بخشیده نمیتوانستند.

به گفته لیون پولادا، دیپلومات سابق امریکایی و متخصص تاریخ افغانستان، دفاع امپراتوری [انگلیس] وظیفه مقدس هر انگلیس بوده و این مسؤولیت از یک عسکر انگلیس آغاز و به سیاستمدار بزرگ می‌انجامد. انگلیس میدانست که امپراتوری بزرگ آنرا روس از طریق افغانستان مستقیماً و ذریعه قبایل جنگجوی سرحدات تهدید کرده میتوانست. بتار آن در مرور ایام برای دفاع هند پالیسی پرپیچ ولی عملی را طرح کرده بود. این پالیسی اهداف چهارگانه ذیل را در نظر داشت: (۱) وارد کردن فشار سیاسی و در صورت لزوم اقدامات عسکری بر علیه روس از طریق اروپای شرقی و بالقان، (۲) حفظ افغانستان بحیث یک دولت حاصل و سپر بمقابل روس، (۳) فشار بر حکومت‌های افغانستان و امتناع شان از نفوذ بر قبایل سرحد آزاد، و (۴) پیاده نمودن

²⁵². تیخانف، داکتر یوری (ترجمه عزیز آریانفر). نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت‌های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون)، ص 396.

"فارورد پالیسی" ، که یک پلان پیشرفت طولانی مدت برای آرام ساختن و تسخیر مناطق قبایلی بود.

ایجابات زمان و وقوع واقعات مختلف تحولاتی در پالیسی فوق وارد آورد ، اما تغییرات در احساسات آن رخ نداد. مؤقتیت آن پالیسی البته منوط به هماهنگی بین حکومت انگلیس و زمامداران افغانستان بود. انگلیس به همکاری جدی و عملی زمامداران افغانستان ضرورت نداشت، ولی میخواست که زمامداران افغانستان فرمانبردار و همکارشان بوده و افغانستان دولت فرمانبردار انگلیس بماند برای این منظور انگلیس از وسائل سه گانه ذیل استفاده میکرد: (اول) اداره امور خارجی افغانستان توسط بریتانیا ، (دوم) کمک مالی سرشار ، (سوم) کنترول ورود اشیای وارداتی مخصوصاً اسلحه از طریق هند.

روزنامه "ستیت من" انتخاب گرانت را بحیث رئیس هیئت مذاکرات تقبیح نموده و لارڈ کرزن، وزیر خارجه برای امور هند، را مورد انتقاد قرارداد که گویا سیرت اصلی قرارداد صلح را پنهان نموده و مظنون بود که نامه اساسی همیلتون گرانت را که به علی احمد خان سپرده بود و در آن استقلال داخلی و خارجی افغانستان را قبول کرده بود، برای مدتی نه تنها از انتظار عامه مخفی نگهداشته بود، بلکه این نامه تا یک روز بعد از آنکه متن قرارداد صلح به لندن رسید، به مونتیگو وزیر خارجه نرسیده بود.

این روزنامه به نامه اشاره میکرد که ضمیمه قرارداد صلح به علی احمد خان داده شده و در آن گفته شده بود که "تعهدنامه مذکور و این نامه افغانستان را در امور داخلی و خارجی اش بصورت رسمی آزاد و غیر وابسته میگذارد". روزنامه ادامه داده نوشت که «افغانها بدون هیچ تردیدی برند شدند. افغانها حالا هم سرکش و منمرد هستند، حالا هم افغانیون هندی را پناه میدهند، حالا هم با بشویک ها مناسبات خیلی دوستانه دارند، و حالا هم در سرحدات مامصروف تحریک نزاع میباشند. تمام بحث های پیچیده لارڈ کرزن این حقیقت ساده را پنهان کرده نمیتواند که حکومت هند هم عملیات جنگی را در هم و بر هم کرد و هم مذاکرات صلح را خراب کرد. کنترول مناسبات خارجی افغانستان را باید فرودای حمله آنها تسلیم میکردیم».²⁵³

همیلتون گرانت Hamilton Grant رئیس هیئت انگلیسی مذاکرات با افغانها در راولپنڈی خوب میدانست که هیچ نوع پیشکش مادی نمیتواند احساسات بدگمانی و

²⁵³. روزنامه انگلیسی زبان هندی Statesman (زمادار) کلکته، ۱۸ نومبر ۱۹۱۹

سوء ظن را از ذهن افغانها رفع کند. گرچه تمام شرایط قرارداد صلح به ضرر افغانستان بود و مسئله سرحدات یکی از اسباب حاد تشنج را تشکیل میداد، لذا او باید به شرایطی که برای افغانها قابل قبول باشد، یعنی برسمیت شناختن استقلال کامل سیاسی افغانستان، تن در دهد.²⁵⁴

نائب السلطنه به سکرتر امور خارجه قبل²⁵⁵ گفته بود که «من از مدت ها پیش یینی گرده بودم که ما ممکن است افغانستان را دیر یا زوداًز بند های رشته های نفوذ خود آزاد سازیم و اطمینان دارم که اگر مذاکرات موجود یک روحیه دوستی را بوجود آورده، افغانستان با آزادی از قیومیت رسمی بیشتر و آماده تر نفوذ مارا قبول خواهد کرد».

به عقیده مقامات هند بریتانی امضای قرارداد صلح، بدون شک، بسیار رضایت بخش بود. اما برسمیت شناختن استقلال افغانستان در لندن ایجاد سردرگمی کرد. عده زیادی از انگلیس‌ها می‌پنداشتند که سیاستمداران آنها چیزی را از دست دادند که برای بدست آوردن شن مردان شان جان‌هایشان را از دست داده بودند، و آن کنترول افغانستان بود.²⁵⁶ روز کیپل به تاریخ ۴ جون به نائب السلطنه نوشت «امان الله آتشی را افروخته است که خاموش کردن آن برای ما بسیار دشوار خواهد بود».²⁵⁷

در پارلمان انگلستان لرد سیدنهم Lord Sydenham ندانسته جمله کرزن را تکرار کرد که گفته بود «چیزی که بر من تأثیر ناگوار دارد، برخورد فاتحانه است که افغان‌ها در همه‌این مدت از خود نشان میدادند». مونتیگو در مکتوبی به نخست وزیر پیشنهاد کرد که نائب السلطنه چلسفورد را از عهده اش برکنار کند، وی حتی مسوده مکتوب برطریق چلسفورد را آماده ساخت، اما آنرا نفرستاد.

قونماندان عمومی قوای انگلیس، جنرال موترو گفت «مناسبات سیاسی ما با امیر باید عمیقاً تغیر یابد. ما نمیتوانیم درین سوی سرحد با چشم بسته باقی بمانیم». و برای بهتر

²⁵⁴. Sareen, Anuradha (1981). ص ۱۲۱.

²⁵⁵. اسناد محروم‌نامه دفتر هند، ۵ آگوست ۱۹۱۹، LP/PO/450/1919.

²⁵⁶. Stewart, Rhea Talley (1973). آتش در افغانستان، ص ۹۵.

²⁵⁷. همانجا، ص ۹۷.

ساختن معلومات به ایجاد یک شعبه مخصوص استخبارات برای هم آهنگی فعالیت های شان در افغانستان پرداختند.²⁵⁸

اما به نظر گران特 بعد از بقدرت رسیدن بلشویک ها در روسیه اوضاع اسیای مرکزی کاملاً تغیر کرده بود. او عقیده داشت که خطری که از طرف روسیه برای حکومت بریتانیا متوجه است، دیگر حمله نظامی نبوده، بلکه سراحت صلح آمیز تبلیغات بلشویکی و دسایس ضد انگلیسی میباشد. او معتقد بود که یگانه راه دفع خطر بلشویک ها بدست آوردن اعتماد و دوستی حقیقی افغانها میباشد.²⁵⁹

وزیر خارجه در مکتوب ۱۹۱۹ به نائب السلطنه اشاره کرد که بریتانیا بصورت بی شایعه آبرویش را از دست داد.²⁶⁰ چون بدون پیروزی نظامی، انگلیس ها نمیتوانستند با عقد قرارداد دلخواه شان بعضی از حلقات سیاسی را راضی سازند، لذا آنها امیدوار بودند که وابستگی اقتصادی و جغرافیوی افغانستان بر هند، بزودی سبب برگشت حاکمیت و کنترول انگلیس ها خواهد شد. درین رابطه نائب السلطنه هند بریتانیوی بعد از راپور معاهده ۱۹۱۹ به لندن نوشت که «اگر ما عمدآ آزادی افغانستان را از قید نفوذ خود قبول کردیم، شاید امکانات دیگری موجود نبود... درست است که ما آزادی امور خارجی افغانستان را قبول کردیم، ولی به خاطر باید داشت که نیازمندی های جغرافیائی و اقتصادی افغانستان هنوز هم فرصت کنترول اساسی افغانستان را به اختیار ما گذاشته است. ما افغانستان را با اعطای کمک طرف ضرورت شان با خود داشته میتوانیم»²⁶¹.

اختلافات راجع به پیشنهاد اتش بست و قبولی استقلال افغانستان بین دهلی جدید و لندن از تلگرام های متعدد محرومانه موجود در آرشیف اسناد هند بریتانیوی هوید است. لارد کرزن وزیر امور خارجه انگلیس چنان خشمگین شده بود که به قلم خود یادداشت

²⁵⁸. همانجا

²⁵⁹. استخبارات انگلیس در رابطه با سرحد شمال غربی، راپورهای سیاسی و محرومانه دفتر هند، اکتوبر ۱۹۲۰، شماره های ۷۰۵-۷۰۲.

²⁶⁰. اسناد استخبارات انگلیس در رابطه با سرحد شمال غربی، راپورهای سیاسی و محرومانه دفتر هند، اکتوبر ۱۹۱۹ شماره های ۷۰۵-۷۰۲.

²⁶¹. اسناد محرومانه آرشیف هند بریتانی، ۱۹۱۹، P&S/10/808، L، راپور محرومانه لارد چمسفورد به ایدوین مونتیگ.

ذیل را نوشت: «من بصورت مطلق با پالیسی موجوده حکومت هند در باره افغانستان همدردی بی ندارم».²⁶²

اندازه خشم مامورین مؤظف امور افغانستان، آنهائی که افغانستان و بریتانیا را با پشه و فیل قابل مقایسه میدانستند، و امان الله خان را یک پادشاه کلان کار و تازه بدولت رسیده میپنداشتند، هنگامی از تصور بالا میرود که انگلیس‌ها مجبور میشوند هم لقب اعلیحضرت را به امان الله خان برسمیت بشناسند، و هم نماینده گی کشور مستقل افغانستان را در لندن قبول کنند.

انگلیس‌ها کوشیدند جنگ سوم افغان انگلیس را بی ارزش جلوه دهند

براین رابسن "یکی از مؤرخین پیشتاز ارتش هند بریتانی، با استفاده از تجربیات کاری و تحقیقاتی اش در ارتش هند بریتانی، وزارت دفاع انگلستان و آکسفورد به کاوش مسایل مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس پرداخته، سعی ورزیده است بداند چرا این جنگ با وجود درگیری ۳۵۰۰۰ عسکر اردوی بریتانیا، پیشنهاد استعمال گاز سمی بر جنگجویان قبایلی و بمباردمان مهیج کابل، در خارج از هندوستان توجه کمی را جلب کرد و مورد علاقه دانشوران و محققین قرار نگرفت. بعضی‌ها ادعای دارد که حتی مؤرخین نظامی هم راجع به جنگ سوم افغان و انگلیس، نسبت به جنگ‌های دیگری که امپراتوری بریتانیا در آن درگیر بود، کمترین اگاهی را دارند. رابسن در مقدمه کتابش علل کم ارزش نشان دادن این جنگ را چنین خلاصه میکند:

1. در سطح محلی یعنی هندوستان، این جنگ تحت الشعاع فاجعه چند هفته قبل امرتسر قرار گرفت. درین نمایش حزن انگیز عساکر انگلیسی در باغ جلیانواله مردم غیر مسلح را قتل عام نموده بودند.
2. نتیجه این جنگ برای انگلیس‌ها دست آورده نداشت.
3. انگلیس‌ها مصروف تحولات و رویداد‌های دیگر جهانی بودند چون انقلاب اکتوبر بلشویک‌ها در روسیه، کنفرانس صلح پاریس، بازسازی اقتصادی و سیاسی اروپا بعد از جنگ اول جهانی.

262. استناد محرمانه آرشیف هند بریتانی، 1919، L/P&S/10/808، ۸۰۳ شماره.

دولت انگلیس که سخت در نشأه پیروزی جنگ جهانی مست بود، نخست به خواسته های غازی امان الله خان ارزشی قایل نشد و حتی با زیر پا گذاشتند موافقین قبول شده، به نامه امان الله خان به موقع جواب ندادند. نائب السلطنه بریتانیا تا ۱۵ اپریل و جورج پنجم تا اول می ۱۹۱۹ به نامه غازی امان الله خان جوابی ندادند.

وزیر دولت بریتانیا برای هند می خواست برایش اطمینان داده شود که به این جنگ ارزش بیشتر از یک برخورد سرحدی داده نشده و مثل یک زد خورد سرحدی با آن معامله شود.

یکی از رهبران شرکت کننده این جنگ، همیلتون گرنت (Sir Hamilton Grant) آنرا یکی از بی معنی ترین، دیوانه ترین و غیر ضروری ترین جنگهای تاریخ می خواند.

رابسن در حالی که با گریگوریان همنواست که "منشا پیدایش جنگ سوم افغان و انگلیس را باید در توسعه ناسیونالیزم افغانی و از دیاد توقعات اجتماعی و سیاسی در کشور جستجو کرد"²⁶³; علاوه میکند که ارزش کم قایل شدن به جنگ سوم افغان و انگلیس اگر از یک طرف نتیجه تکبر و نخوت انگلیس ها بود، از طرف دیگر نتیجه بی خبری شان نیز بود. چند مثال ذیل نشان میدهد که انگلیس ها ظاهراً نا آگاه و از اوضاع بی خبر بودند:

1. در ماه مارچ ۱۹۱۹ نائب السلطنه بریتانیا در رابطه با موضوع تقاعده کمشنر عالی ایالت شمال غربی به وزیر امور دولت برای هندوستان اطمینان داد که انتظار نمی رود تحولات بعد از قتل امیر حبیب الله خان در کابل تاثیرات آنی بر اوضاع هندوستان داشته باشد.
2. چهار روز قبل از واقعه باع لندی کوتل و آغاز برخورد بین افغانستان و هند بریتانی، نائب السلطنه به وزیر امور هند اطمینان داده بود که اوضاع در سرحد شمال غربی کاملاً آرام است.
3. مامورین انگلیسی اردوی افغانستان را آنقدر جدی تصور نمی کردند که برایشان تهدید جنگ باشد. حکومت هند بریتانی برای تامین کانال ارتباطات در کابل نماینده یا وکیلی داشت و به او هدایت صریح داده شده بود که به کجا برود، چه کسی را ببیند و چه معلوماتی را بدست آورد. حافظ سیف الله خان وکیل انگلیس

در حالی که شبکه اطلاعاتی خودش را داشت، از ارتباط با حلقات خاص امیر برخوردار نبود.

اهمیت این جنگ و اعتراضات انگلیسی‌ها

طوری که قبل از ذکر گردید، بعضی از مؤرخین برای کم اهمیت جلوه دادن جنگ سوم افغان و انگلیس راجع به علل و حتی نتایج آن که منجر به استرداد استقلال و آزادی کامل افغانستان شد، اظهارات ضد و نقیض و متفاوت نموده‌اند. مثلاً لودویک آدمک²⁶⁴ (Ludwig W. Adamec) آن را یک جنگ کوتاه و نسبتاً بدون خونریزی می‌خواند.²⁶⁵

جنral جیورج نوبل مولسورت²⁶⁶ (Lieutenant-General George Noble Molesworth) که در دوران جنگ سوم افغان-انگلیس به حیث معاون کنده‌ک دوم پیاده نظام سریع الحركت سمرسیت، غونه‌ای اول قول اردوی پشاور، در اردوی انگلیس خدمت می‌کرد، در مقدمه کتابش به نام "افغانستان ۱۹۱۹: گزارش جریان عملیات جنگ سوم افغان"²⁶⁷ در رابطه با این جنگ اعتراض می‌کند که "اگرچه به مقایسه کشتار هولناک

²⁶⁴. پروفیسور آدمک، استاد پوهنتون اریزونا، از افغانستان شناسان معروف امریکائیست که اضافه از بیست سال در افغانستان به مطالعه و تبع تاریخ و فرهنگ ما پرداخته و نتایج تحقیقات و پژوهش‌هایش را بصورت کتاب‌های متعددی درآورده است که در قسمت مأخذ این کتاب ذکر شده‌اند.

²⁶⁵. آدمک، لودویک، دبلیو. (۱۳۴۹) صفحه ۲۷

²⁶⁶. جنral ج. مولسورت یکی از جنرالان ارتش انگلیس بود که بین سالهای ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۹ در مالتا، چین شمالی و هندوستان وظیفه داشته و مدال جنگ بزرگ را بدست آورد. وی بخاطر خدماتش در جنگ سوم افغان-انگلیس نیز مدال و تقدیرنامه‌های را بدست آورده، بعد از معاونیت ریاست عملیات نظامی و استخبارات به ریاست عملیات نظامی و استخبارات ارتقا یافت جنral موصوف قبل از تقاضدش در سال ۱۹۴۵ میلادی بحیث منشی شعبه نظامی India Office یا شعبه که مسئولیت اداره هند برگانی را در دولت انگلستان به عهده داشت، ایفای وظیفه مینمود.

²⁶⁷ Molesworth, G. N. (1963). Afghanistan 1919, an account of operations in the Third Afghan War

جنگ جهانی اول، این جنگ یک نمایش فرعی بود...، اما در زمان عادی تنها از لحاظ تلفات، آن را میتوان در ردیف جنگ های بزرگ قرار داد." به استناد احصائیه های قبول شده، تلفات قوای انگلیسی و هندوستانی درین جنگ به شمول ۵۰۰ نفر که به اثر مریضی کولرا تلف شدند، به یک هزار و هفتصد و پنجاه و یک (۷۵۱) نفر بالغ میگردید.²⁶⁸ منابع دیگر چون پروژه تحقیقاتی غیروابسته ارقام رویدادهای نبردهای مسلحه²⁶⁹ تلفات طرف انگلیس را دوهزار (۲۰۰۰) نفر و افغان ها را یکهزار (۱۰۰۰) نفر ذکر نموده اند. مصارف حکومت هندوستان در جنگ سوم افغان و انگلیس بیشتر از شانزده و نیم میلیون پوند دارد.²⁷⁰

Paul Hinson (1996).²⁶⁸
Armed Conflict Events Database (ACED) (2003).²⁶⁹

فصل پنجم

شدت یافتن تبلیغات و تخریبات انگلیس ها

همین مملکت بود و همین شما ملت و همین علماء و همین فضلا و همین مشایخ بودید و انواع فجایع و مظالم و بیداد و بدعت هارا به رای عین خون میدیدید و مبهوت و متحیر در اطراف و جوانب آن نگاه میکردید. اعتراض و تنقیدات برکنار، ابدا حق تکلم را در اجرای امور و عملیات حکومت نمیداشتید... در صدد مذمت و مظالم سابق نمی برایم، اما اینقدر بشما یادآوری میکنم که در آن وقت چرا کام و زبان شما بسته بود؟ و چرا حقایق را ذهن نشین آنها نمی کردید؟ و از کدام رهگذر امر بالمعروف و نهی عن المنکر را در طاق نسیان گذارد بودید؟ و اکنون چرا دست و زبان شمایان بالای من دراز گردیده است؟ باید خداوند خود را بیشتر شاکر و از من خادم اسلام ممنون باشید که شما را به حقوق تان آشنا و امتیازات و مراتب عالیه را برای تان اعطای کردم

شاه امان الله خان غازی

گزارشات رویدادهای لویه جرگه

تبلیغات و تخریبات انگلیس ها از آغاز جنگ سوم افغان و انگلیس

انگلیس ها میدانستند که استحکام و تقویت دولت امانی، سلطه شانرا در مناطق جدا شده از پیکر افغانستان نیز به مخاطره می اندازد. لذا تحریکات، تبلیغات و تخریبات نامرئی و آشکار شان علیه غازی امان الله خان نیز شدت یافت.

تقریباً تمام منابع رسمی انگلیسی کوشیده اند جنگ استرداد استقلال یا جنگ سوم افغان و انگلیس را کم اهمیت نشان دهند. آنها نه تنها بیشتر مانه ادعا کرده اند که نتیجه جنگ به نفع بریتانیای کثیر تمام شده است، بلکه میگویند که گویا سبب اصلی جنگ مشکلات داخلی امان الله خان بود که از رهایی اعضای فامیل مصاحبان یا یحیی خیل، که در مرگ امیر حبیب الله خان مورد شک قرار داشتند، و محکومیت نصرالله خان ناشی میشد. بعضی از معارضین و متعصبین افغان هم که صورت شانرا در آئینه بیگانگان تماشا میکنند، ادعاهای انگلیس را تکرار نموده، میگویند که انکشافات بعدی روابط افغان و انگلیس واعلان جنگ نتیجه مستقیم ضعف امان الله خان بود. گویا امیر جوان مجبور بود با اعلان جهاد علیه انگلیس قهر مردم و افکار عامه را از خود منحرف و متوجه دشمن دیرینه خود انگلیس سازد.

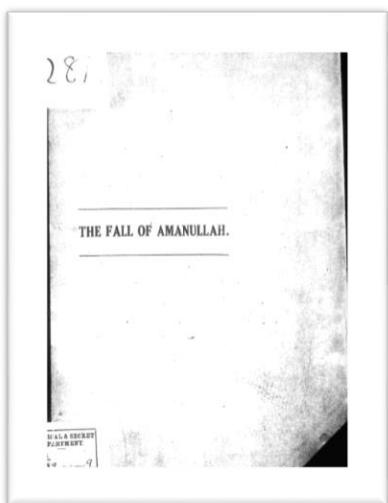
آغاز شایعات و جعل کاری اسناد

منشأ این شایعات که گویا امان الله خان برای تحریف افکار عامه و پوشاندن ضعف خود دست به جنگ زد، اعلامیه تبلیغاتی مؤرخ ۱۰ می "وایسرای (نائب السلطنه)" و گورنر عمومی هند بریتانی "چیلسفسور" میباشد. در قسمتی ازین اعلامیه آمده بود که: «وقتی امیر حبیب الله خان به نادرستی کشته شد، بریتانیای کثیر با وحشت و اندوه دچار شده در سرتاسر طول و عرض هند دستور مأتم عام داده شد. وقتی امان الله خان جلوسش را اعلام کرد، بریتانیای کثیر بصورت تحریری اطمینان دوستی داده مشوره داد تاراه پدر کلان و پدرش را تعقیب نموده و به کشورش صلح و کامیابی بیاورد. نخست امان الله خان جواب مقابل دوستی داده با نامه مملو از احساسات دوستانه، نماینده جدیدی را به هند فرستاد. اما بسیار زود بعد از آنکه، مردم بخاطر تبرئه کردن بعضی از قاتلین پدرش و محکوم کردن عده دیگری بدون محاکمه، مطابق به شریعت اسلامی، ناراض شدند، او برای توقف این نارضایتی، دشمنی علیه بریتانیای کثیر را دامن زد، و مال و جان مردم افغانستان را صرفاً بخاطر مقاصد شخصی و حفظ تاج و

تختش به مخاطره انداخت». (ترجمه کامل دری این اعلامیه را در ضمیمه پنجم فصل ضمایم مطالعه کنید).

این شایعه بعداً در راپورهای متعدد تکرار شده و منبع آن را پوری قلمداد شده، که تحت عنوان "سقوط امان الله" یا The Fall of Amanullah توسط تورن رابرт نویل گرلینگ سکات به انگلیسی ترجمه شده و در آرشیف اسناد محرمانه استخبارات انگلیس دفتر هند بریتانی، فعلاً در کتابخانه بریتانیا، موجود است²⁷⁰. این راپور عمدآً یا سهوآً به شخصی بنام منشی علی احمد خان نسبت داده شده که از غزنی بوده و ازینکه گویا منشی دربار امان الله خان بوده، معلوماتش به اندازه‌کافی و مؤثر خوانده شده است.

اولاً این راپور از شیخ محبوب علی خان سکرتو امور شرقی انگلیس در کابل بوده و شاید اشتباهاً و یا عمدآً به اسم منشی علی احمد خان قلمداد شده باشد.



The fall of Amanullah.
Translated from the Persian of
Shaikh Ali Mahboub by Maj
Robert Noel Girling Scott

Foreign & Political Department,
Mar 1930

Physical description: [2], 61p.
map, 33cm.

File number: L/P&S/20/B289

Notes: Secret

Delhi: Government of India
Press, 1930

10. راپور شیخ محبوب علی
راجع به سقوط امان الله خان

270. اسناد آرشیف هند بریتانی، L/P&S/20/B289

طوری که در متن انگلیسی بالا میخوانید، در فهرست محتوای دوسیه های «استخبارات انگلیس در مورد افغانستان و سرحداتش» نیز قید شده است که این را پور ۲۱ صفحه بی توسط سکات، از شعبه خارجه و سیاسی هند بریتانی، از فارسی شیخ محبوب علی ترجمه شده و توسط مطبعة حکومت هند (بریتانی) در سال ۱۹۳۰ در دهلهی بچاپ رسیده است.

ثانیاً علی احمد خان موند از غزنی منشی دربار اعلیحضرت امان الله شاه نبود. او صرف برای چند روز محدود، قبل از آنکه اعلیحضرت امان الله شاه کشور را ترک کند، یعنی وقتی در قندهار از استعفای برادرش سردار عنایت الله خان و رفتش به پشاور آگاهی یافته و تصمیم گرفت دوباره بحیث پادشاه افغانستان شناخته شود، در کابینه جدید بحیث منشی تعین شد که چند صباحی بیش دوام نکرد و نمیتوان ادعا کرد که بحیث منشی اعلیحضرت امان الله شاه دارای معلومات مؤثق و کافی بوده باشد. تنها قسمتی از راپور که مربوط به اوایل سال ۱۹۲۹ میباشد از منشی علی احمد خان و دقیق بوده میتواند.

میرزا علی احمد خان پسر فقیر احمد خان باشندۀ غزنی در اوایل دولت امانی قراردادی شعبه گمرک بود. بعداً بحیث منشی شخصی حاکم غزنی ایفای وظیفه نموده، و بعد از آن موفق شد بحیث منشی نائب الحکومه های جلال آباد، مزار شریف و قندهار برای مدت نه (۹) سال کار کند. منشی علی احمد خان از طرف اعلیحضرت امان الله شاه نشان ستور را دریافت نموده بحیث مامور سرحدات قندهار مقرر شد. منشی علی احمد خان در دوران اغتشاش به اصطلاح سقوی وقتی غازی امان الله شاه به قندهار رفت، بحیث سرمنشی تعین و به وظیفه اش تا خروج اعلیحضرت امان الله شاه از افغانستان ادامه داد. بعد از آن او نیز با فامیلش به کویته رفت. او در سال ۱۹۳۰ دوباره به کابل برگشت. تا سال ۱۹۳۵ بیکار در غزنی بسیار بود. در سالهای ۱۹۳۷-۱۹۳۸ در غزنی قرارداد آذوقه قوای عسکری را داشت. در سپتامبر ۱۹۳۸ به گمان همکاری با سلیمان خیل مخالف دولت، تحت مراقبت قرار گرفت. بالاخره در سال ۱۹۳۹ در تلاش کاربه کابل رفت و به کمک و سفارش یک شخص متنفذ در شعبه فوائد عامه مقرر شد.

انگلیس‌ها همچنان طی اعلامیه رسمی غیر عادی شماره ۹۱۲ می‌به امضای "چلمسفورد" نائب السلطنه و "ڈبلیو. ایس. ماریس" سکرتری برای امور هند بریتانی به مردم اطلاع دادند که گویا حمله ناگهانی افغانستان بر قلمرو صلح و آشتی هند مستقیماً با جریان حوادث بعد از کشته شدن امیر حبیب الله خان در داخل افغانستان ارتباط دارد. ازینکه یک بخش نیرومند از اقدامات برای دستگیری عاملین اصلی قتل

امیر راضی نیستند، و از نتیجه جزاهای داده شده خشمگین شده اند، علت آغاز جنگ برای انحراف افکار عامه ازین مسایل بطرف دیگر است.²⁷¹

مرور مختصر تاریخچه فعالیت های جاسوسی انگلیس در افغانستان و شبه قاره هند

گویند جاسوسی بعد از فحشا دومین پیشنهاد قدیمی شمرده میشود. گرچه برای تأمین امنیت کشورهای جهان معاصر خدمات استخباراتی دارای اهمیت زیاد میباشد، اما فعالیت های استخباراتی انگلیس نه برای مقاصد دفاعی و امنیت ملی بلکه برای توسعه طلبی و مقاصد استعماری حتی از قرن پانزدهم (۱۵) بدینسواداً دارد. در دوران هنری هشتم فعالیت های جاسوسی انگلیس در اروپا ادامه داشته و در دوران ملکه الیزابت اول یک شبکه پنجاه (۵۰) نفری مشغول فعالیت های استخباراتی بود. از آن زمان تا امروز انگلیس ها کوشیده اند به نفع دیپلماسی بریتانیا معلومات مؤثثی را هم از دوستان و هم از دشمنان بدست آورند. جاله های جاسوسی آنها از امریکا گرفته تا هسپانیا، آلمان، فرانسه، روسیه، چین، شرق میانه، آسیای مرکزی و کشورهای افریقائی توسعه یافته است²⁷².

انکشاف اداره استخباراتی انگلیس

انگلیس ها در قرن ۱۷ برای بار اول توسط یک اداره مخفی به خواندن خطوط مشکوک آغاز نمودند. در قرن ۱۸، برای کشف مخابرات نیرو های خارجی، شعبه کشف و ترجمة رمزها (شفرها) را تأسیس نمودند. بین سالهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۷، هنگامی که حاکمیت انگلیس در هند بریتانیوی به تهدید و مشکلات مواجه شد، عملیات استخباراتی آنها هم در منطقه و هم در سطح جهانی وسعت یافت.

بصورت رسمی اداره رسمی و دائمی استخبارات انگلیس Secret Services Bureau یا دفتر خدمات مخفی در سال ۱۹۰۹ میان آمده و در دوران جنگ جهانی

²⁷¹. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، بخش اول مراسلات ۱۹۱۹، مربوط به جنگ سوم افغان و انگلیس. سند شماره ۱۰۳.

²⁷². Twigge, Hampshire and Macklin (2008). British Intelligence: Secrets, Spies and Sources. The National Archives, Kew, UK.

اول نقش بارزی را در حفظ امپراتوری بریتانیا بازی کرد. بین سالهای ۱۹۱۴ و ۱۹۱۲ عمدت تربیت خطری که انگلیس‌ها را تهدید میکرد، فعالیت جنگجویان ملی گرا و آزادیخواه در شبے قاره هند، افغانستان و کشورهای دیگر بود، که برایشان اصطلاح ترورست را بکار میبردند.

شعبات و فعالیتهای مختلف اداره‌های استخباراتی

استخبارات انگلیس دارای بخش‌های مختلف میباشد. بخش داخلی یا استخبارات داخلی یا خدمات امنیتی (Section 5 of the Security Service بنام Directorate of Military) یا IM5 بخش پنجم آمریت نظامی یاد میشود. بخش خارجی یا استخبارات بین‌المللی (Section 6 of the Secret Intelligence Service بنام IM6 یا بخش ششم آمریت نظامی یاد میشود. فعالیت‌های استخباراتی شامل استخبارات نظامی، استخبارات بحری، استخبارات سیاسی، استخبارات ساینسی، استخبارات صنعتی، و انجام عملیات خاص (مثل کودتاها و ترورهای سیاسی) میباشد. آنها تلاش دارند راجع به امکانات و مقاصد کشورهای خارجی، استحکام راه‌های تدارکاتی، سرکوبی جنبش‌های ملی، تحکیم سرحدات بمقابل کشورهای همسایه، و خنثی ساختن فعالیت‌های جاسوسی بیگانگان معلومات دقیق و تازه را بدست آورند.

آغاز فعالیت‌های جاسوسی انگلیس در شبے قاره هند و افغانستان

فعالیت‌های استخباراتی انگلیس درین منطقه با آمدن کمپنی هند شرقی آغاز و درگیری جنگ اول افغان و انگلیس شدت یافت. انگلیس‌ها در هند برای حفظ سلطه خویش با دو نوع مشکل روبرو بودند. آنها هم از ناآرامی‌های داخلی بیم داشتند و هم از مداخلات و حملات خارجی در ترس و هراس بودند. درنا آرامی‌های داخلی جنبش‌های سیاسی و مذهبی، ترس از وحدت مسلمانان منطقه و حملات جنگجویان قبایلی پشتون در مناطق سرحدی شامل بود. در ساحة خارجی آنها از حملات احتمالی شاهان وطندوست افغان مثل شاه زمان، و نیز ناپلیون فرانسوی و امپراتوری تزاری روس هراس داشتند. خصوصاً موضوع جلوگیری از تجاوز و پیشروی خیالی یا حقیقی روس بعد از جنگ اول افغان و انگلیس برای مدت یکصد و سی (۱۳۰) سال بر سرتاسری شیوه سیاسی و نظامی انگلیس‌ها برای هند تسلط داشت.

برای مقابله با این دو نوع تشویش، انگلیس‌ها آنسوی سرحد در افغانستان به استخبارات ضرورت داشتند. و تلاش‌های سیاسی، نظامی و استخباراتی انگلیس‌ها در افغانستان نیز از همین جا آغاز شد. آنها برای ساختن پلان‌های سیاسی و ستراتیژیک خود به اهمیت اطلاعات و معلومات آگاهی کامل داشتند. برای آنها جمع آوری معلومات استخباراتی راجع به ساختار منطقی، راه‌های عبور و مرور، منابع، سیاست داخلی، گروه‌های قومی، دشمنی‌ها و شخصیت‌های متنفذ افغانستان، هم برای تأمین مناسبات سیاسی و هم برای اجرای عملیات احتمالی، زمینه را مساعد می‌ساخت.

لاردولسلی Lord Richard Wellesly که از سال ۱۷۹۸ تا ۱۸۰۵ زمان در افغانستان، بحیث گورنر جنرال هند بریتانی ایفای وظیفه مینمود، از زمرة اولین کسانی بود که اهمیت واقعی مناطق شرقی و جنوب شرقی افغانستان را درک کرده بود، منطقه‌که بعداً بنام منطقه سرحدی شمال غربی هند مسمی شد. او معتقد بود که تا وقتی که یک پادشاه مقتدر افغان‌هم درین منطقه حاکمیت و نفوذ داشته باشد، اشغال هند برایش مثالیک بازی را خواهد داشت. از همین جهت بود که کوشید تا به هر قیمتی باشد نه تنها دست افغان‌ها را از هند و پنجاب کوتاه سازد، بلکه مناطق شرقی و جنوب شرقی افغانستان را نیز از کشورش جدا سازد.²⁷³

برای رسیدن به این هدف، پلان انگلیس‌ها مراحل سرحدات بسته (تدافعی)، پیشروی (تعریضی) و تجزیه و تقسیم کشور به قطعات کوچک را در برداشت، تا با تشکیل ایجاد نیروهای محلی حکومت مرکزی واحد و نیرومند را از بین ببرد. آنها برای پیاده کردن این پلان شان از راه‌های نظامی، تبلیغاتی، تخریبی و شیوه‌های متعدد دیگر استفاده نمودند.

بازی بزرگ یا The Great Game

رقابت‌های ستراتیژیک، فعالیت‌های جاسوسی و دسایس و حیله‌گری‌های بین سالهای ۱۸۱۰ و ۱۹۰۷ امپراتوری‌های انگلیس و روس در افغانستان و آسیای مرکزی به نام بازی بزرگ یاد شده است. بازیگران این بازی بزرگ شامل سه دسته بودند:

۱. اردوی بریتانیا، صاحب منصبان نظامی و اداره سیاسی حکومت هند بریتانی

²⁷³. کهزاد، احمد علی. رجال و رویدادهای تاریخی، دپینبور چاپ.

2. جاسوسان بریتانی که یا سیاحان و یا هم مأمورین نظامی بودند
3. اشخاص محلی ایکه توسط انگلیس ها برای جمع آوری معلومات استفاده شده و به جاهای خطرناکی که رفتن اروپایان به آن مشکل بود، فرستاده میشدند. این ها اکثرآ به لباس پیرها، روحانیون و یا هم زائرین بود ایی ارسال میشدند. انگلیس ها این دسته را به خاطر مهارت و چالاکی غیر عادی شان استخدام نموده و قبلاز فرستادن، در امور جمع آوری معلومات مخفی و سروی مخفی آموختند. چون این عده را پورهای تحریری کارشان را بجا نگذاشتند، لذا راجع به تعداد و نام های شان معلومات زیادی در دست نیست.

قابل یادآوریست که مهمترین گروه بازیگران بریتانی بازی بزرگ صاحب منصب ارتش و مأمورین شعبه سیاسی بودند. در جمله چهره های معروف بازیگران بریتانی بازی بزرگ اشخاص ذیل شامل اند:

- جیمز ایبت James Abbott، که در خیوا علیه روس ها فعالیت داشت، مسئولیت امور منطقه هزاره هند بریتانی برایش سپرده شد و شهر ایبت آباد (مخفى گاه اسامه بن لادن) بنام او یاد میشود.
- لارڈ اوکلند Lord Auckland، گورنر جنرال هند بریتانی که امر تجاوز بر افغانستان را در سال ۱۸۳۹ صادر نمود.
- داکترو ویلیام برایدن Dr. William Brydon، که بحیث یگانه شخصی که در جنگ اول افغان و انگلیس زنده ماند. به شهرت رسید.
- الکساندر برنس Alexander Burnes، سیاحی که کتاب سفر اسیای مرکزی اش مشهور شد، بعد از آنکه شاه شجاع را بر تخت کابل نشاند، بحیث معاون هیئت انگلیسی ایفا وظیفه مینمود، و در قیام سال ۱۸۴۱ کشته شد.
- کیوناری Cavagnari، که در دوران جنگ دوم افغان و انگلیس رهبری نمایندگی انگلیس ها را در کابل به عهده داشت و دو ماه بعد در نتیجه قیامی کشته شد.
- ارتر کونولی Arthur Connolly، مخترع اصطلاح بازی بزرگ که سرش را در بخارا بریدند.
- لارڈ کرزن Lord Curzon، وایسرای (نائب السلطنه) هند بریتانی که ایالت سرحدی شمال مغربی را تاسیس و منطقه مذکور را تحت اداره مستقیم مرکز در آورد.

- میجر هرالد دین Harold Deane، در دوران قیام سال ۱۸۹۷ قبایل سرحد آزاد مأمور سیاسی ملکنده بود و بعد از تأسیس ایالت سرحدی شمال غربی بهیث اولین کمشنر آن تعین شد.
- مورتمرد ڈیورند Mortimer Durand، سکرتر امور خارجہ هند بریتانی کے مسئولیت مذاکرات تعین سرحد هند بریتانی و افغانستان را در ۱۸۹۳ بے عهدہ داشت و این سرحد تحریمی به نام او یاد میشود.
- ویلیام ایلفینستن William Elphinstone، جنرال انگلیسی ایکہ قوماندہ قوای انگلیسی در جنگ اول افغان و انگلیس را بے عهدہ داشت و در سال ۱۸۴۲ م بدست افغان‌ها کشته شد.
- لیپیل گریفین Lepel Griffin، مأمور سیاسی ایکہ در سال ۱۸۸۰ برای رسیدن به قدرت امیر عبدالرحمن خان، روی شرایط انگلیس‌ها مذاکره نمود.
- حوزیه هارلن Josiah Harlan، اولین جاسوس امریکائی در افغانستان.
- موهن لال Mohan Lal، اصلًا مسلمان و اسمش آغا حسن خان بود. اجدادش از خانواده راجه منی رام کشمیری و به دین اسلام مشرف شده بودند. موهن لال که اسم پدرش میرزا محمد شکوه بود، حین سقوط خانواده سدوزائی و عروج برادران وزیر فتح خان، و در دوران جنگ افغان و انگلیس نقش فعال داشته از عاملین و جاسوسان مهمی که در پیشرفت استعمار نقش اساسی داشتند، بشمار میرفت. او نه تنها بحیث منشی و ترجمان الکسندر برنیس خدمت کرد، به او لسان فارسی را آموخت بلکه برای انگلیس‌ها معلومات مهم را جمع آوری نموده، به افغان‌های متنفذ رشوت میداد تا از انگلیس‌ها پشتیبانی کنند، دسایس کشتن مخالفین انگلیس را نیز طرح میکرد. کتاب "زندگی امیر دوست محمد خان" او مجموعه از چشم دید هایش بوده از جمله منابع مهم تاریخ دوره محمد زائی‌ها بشمار می‌رود.
- لارد لیتن Lord Lytton، آن نائب السلطنه هند بریتانی بود که سیاست پالیسی تعرضی اش (فارورد پالیسی) منجر به جنگ دوم افغان و انگلیس شد.
- مکناتن William Macnaughten، رهبر نظامی نیروهای مت加وز انگلیس در افغانستان بود و رهبری هیئتی را بے عهدہ داشت که شاه شجاع را بر اریکه قدرت نشاند. او در ماه دسمبر سال ۱۸۴۱ م بدست وزیر اکبر خان کشته شد.

- جان مکارتنتی John Macartney، یکی از سروی کنندگان بریتانی و عضو تیم مأموریت مونستوارت ایلفنستین که یک نقشه بسیار جالب افغانستان را تهیه کرد.
- چارلیس میسن Charles Masson، که اسم اصلی اش جیمز لیویس بود، و ظاهراً از ارتشم انگلیس به افغانستان فرار کرد، در سال ۱۸۳۹ برای انگلیس‌ها جاسوسی میکرد. او در لباس فقیر از مناطق زیادی بازدید نمود و یک باستان شناس خوب نیز بود.
- ویلیام مورکرافت William Moorcroft، که به نام تاجر اسپ‌ها برای انگلیس‌ها مصروف جاسوسی بود.
- ایلدrid پاتینجر Eldred Pottinger، که در مسجد جامع هرات بحیث خصیب و ملا امام ایفای وظیفه مینمود.
- روزکیپل Roos-Keppel، که بین سالهای ۱۹۰۸ و ۱۹۱۹ کمشنر ایالت سرحدی شمال غربی بود و قاموس لسان انگلیسی/پشتو را نوشت.

عاملین یا ایجنت های مسلمان انگلیس در کابل

انگلیس‌ها در اوایل راجع به افغانستان معلومات زیادی نداشتند. گرچه راجع به افغانستان حکایاتی از مسافرین و سیاحین موجود بود، اما تا فرستادن الفینستن انگلیس‌ها از آنسوی سرحد هند بریتانی (اپک) معلومات نداشتند. برای آنها جمع آوری معلومات استخباراتی نه تنها مشکل و خطرناک بود، بلکه معلومات مذکور ناقص و ناچیز نیز بود. چگونگی معلومات بیشتر به قابلیت و کفايت افرادی ربط داشت که به چهره و لباس تقلبی سفر میکردند. انگلیس‌ها عوضاً خبرنويسان محلی را نیز استخدام مینمودند.

انگلیس‌ها برای رفع این مشکل کوشیدند تا نمایندگانی را که در افغانستان سکونت داشته باشند، مورد استفاده قرار دهند. اما اگر از سالهای (۱۸۴۲- ۱۸۳۸) و (۱۸۷۸- ۱۸۸۰) یا جنگ‌های اول و دوم افغان و انگلیس که طی آن انگلیس‌ها برای سکونت نمایندگان شان در کابل دست به تلاش‌های ناکام و پراز مصیبته زدند، بگذریم، انگلیس‌ها تا سال ۱۹۲۲ م در افغانستان کدام نمایندگی دیپلماتیک و سیاسی

نداشتند، اما توanstه بودند که در کابل و کیلان یا ایجتان (عاملین) مسلمان هند بریتانی را داشته باشند، و معلومات و راپورهای خود را توسط آنها بدست آورند.²⁷⁴

از سال ۱۸۸۲ تا ۱۹۱۹ در جمله و کلای مسلمان حکومت هند بریتانی به ترتیب خان بهادر محمد افضل خان، سردار میرزا عط الله خان، سردار محمد افضل خان گند اپور، محمد عزت خان منشی، محمد اکرم خان، مولوی غفور خان، حافظ محمد نواز خان، ملک خدابخش توانا، فقیر سید افتخار الدین، ملک طالب مهدی خان، و حافظ سیف الله خان شامل بودند.

بعد از استرداد استقلال افغانستان، به اساس قرارداد سال ۱۹۲۱، زمینه مناسبات سیاسی و دیپلماتیک و تأسیس نمایندگی ها بین افغانستان و بریتانیا فراهم شد، و تا وقت استقلال هند که انگلیس ها ظاهراً منطقه را ترک گفتند، سفرای انگلیس در کابل سکونت داشتند. همه این سفرا مأمورین خدمات سیاسی هندوستان بودند که از طرف وزارت خارجه مقرر میشدند. درین سفرا به ترتیب فرانسیس هنری همفری، ریچارد مکوناچی، ویلیام فریزر-تایتلر، فرانسیس ویلی، او گیلز فریدریک سکوایر شامل بودند.

توسعه تدریجی دستگاه استخباراتی انگلیس برای افغانستان و منطقه

گرچه شعبه استخبارات در مرکز قوماندانی ارتش بریتانیا در هند با آغاز جنگ دوم افغان و انگلیس تأسیس شده بود و امور آن توسط سه نفر صاحب منصب و دو نفر معاونین شان به پیش بردۀ میشد، این شعبه در سال ۱۸۹۲ وسعت یافته و تعداد صاحب منصبان آن به پنج نفر و معاونین به چهار نفر افزایش یافت. در سال ۱۹۰۳ رتبه آمراین شعبه به ڈگر جنرال ارتقا یافته و ساحة مسؤولیت آن نیز افزایش یافت. در دوران جنگ جهانی اول بخش استخبارات در امریت عملیات نظامی لوی درستیز نیز تأسیس شده و در پنج شعبه فعالیت میکرد که چهار شعبه آن مربوط به مناطق جغرافیوی (افغانستان،

²⁷⁴. بنظر میرسد که اولین و کیل مسلمان انگلیس ها در نتیجه قرارداد سال ۱۸۵۲ م بین انگلیس ها و امیر دوست محمد خان توسط پسرش سردار غلام حیدر خان و جان لارنس John Lawrence عقد شد، به کابل فرستاده شد. مطابق ماده پنجم این قرارداد پشاور، به و کیل حکومت انگلیس ها در کابل اجازه مخصوص داده شد. این و کلا همیشه مسلمانان هندی بودند و اولین و کیل نواب فوج دار خان بود که از سال ۱۸۵۲ تا اپریل ۱۸۵۹ وظیفه داشت.

روسیه، ترکستان و سرحد شمال غربی (بوده و شعبه پنجم آن به کارهای خاص نوع سری اختصاص یافته بود که مأمورین آن شامل ۱۵ نفر صاحب منصب و ۱۰ نفر کاتب بود. بعد از استرداد استقلال افغانستان به موضوع استخبارات توجه بیشتر شده ساده و تشکیلات این دستگاه بصورت منظم توسعه یافت.

اهداف انگلیس‌ها و فعالیت‌های استخباراتی شان

اگر به پلان‌های پیاده شده انگلیس‌ها در افغانستان، هندوستان و کشورهای عربی بنگریم، دیده می‌شود که هدف فعالیت‌های شان بر توطئه و دسیسه، سبوتاش، نفوذ در محافل حاکمه، نصب امیران و پادشاهان دست نشانده و تبدیل جغرافیای طبیعی کشورها متصرکر بوده است. آنها با مهارت و هوشیاری خاص درین دربار، متنفذین قومی و حلقات روحانی کشورها را یافته و بهترین حریه شان درین راه استفاده از پول بوده است. آنها با استفاده از پول اشخاص را خریده یا استخدام نموده و از طریق آنها به اغتشاشات دامن می‌زدند، تبلیغات منفی می‌کردند، و درین محافل سلطنتی، گروه‌های سیاسی و مردم‌عام سبب ایجاد نباوری و اختلافات می‌شدند.²⁷⁵

نمونه‌های از فعالیت‌های تخریبی و جاسوسی بریتانی در افغانستان

طرح فورمول نفاق بیانداز و حکومت کن

انگلیس‌ها باور داشتند که یک انسان یک شتر را هم خورده و بلع نموده می‌تواند، اگر نخست آنرا قطع و پارچه پارچه کند. آنها برای ضعیف ساختن امپراتوری درانی، بی ثباتی و پارچه پارچه نمودن افغانستان، نه تنها در دوران حاکمیت شاه زمان، شاه قاجاری ایران را به تجاوز بر مناطق غربی افغانستان تشویق نمودند، بلکه پلان استفاده از اختلافات پسران تیمور شاه را تهیه نموده و از بین برادران سدوزائی شاه شجاع درانی را برای رسیدن به مقاصد خود انتخاب و استعمال نمودند. علاوه برین آنها از اختلافات بین سدوزائی‌ها و بارکزائی‌ها (پسران پاینده محمد خان) هم بهره برداری کردند و چند نفری را استخدام نمودند که تا تأسیس حکومت سپه سالار محمد نادر خان و حتی بعد از آن هم مشغول خدمت بودند.

²⁷⁵. محمد ولی (۱۳۸۷)، توطئه انگلیس در سقوط دولت اعلیحضرت امان الله خان

استفاده از افراد ناراضی و مهم

انگلیس‌ها برای فشار بر حکومت‌های افغانستان، و در صورت سرپیچی آنها برای نصب عناصر دست‌نشانده خود، برادران ناراض حکمرانان افغان و اعضای خانواده شان را نزد خود نگه میداشتند. آنها در سال ۱۹۱۹ هم بعد از اعلان پادشاهی غازی امان‌الله خان سردار ناصرالله خان را به رفتنه به هند بریتانی دعوت و تشویق کردند.

تبديل نمودن سرحدات طبیعی کشورها و کاشتن تخم اختلافات و جنگ‌های آینده

انگلیس‌ها نه تنها با تحمیل خط سرحدی دیورند کوشیدند قبایل، خانواده‌ها و برادران پشتون افغانستان را از هم جدا کنند، بلکه اگر به اختلافات، جنجال‌ها و جنگ‌های کشور‌های معاصر منطقه مثل جنجال خط سرحدی بین افغانستان و پاکستان، کشمیر بین هندوستان و پاکستان، پاکستان شرقی (بنگلہ دیش امروزی) و شط العرب بین ایران و عراق بنگریم، ریشه‌آنرا در سیاست‌های استعماری انگلیس می‌یابیم.

دادن رشوه و تحايف

انگلیس‌ها برای نفوذ در حلقات حاکم از دادن رشوه و تحايف بحیث یک وسیله خوب استفاده می‌کردند. در سال ۱۸۰۸ وقتی مونستوارت ایلفنسین برای بدست آوردن معلومات راجع به اوضاع افغانستان یا به اصطلاح انگلیس‌ها بحیث نخستین نماینده شان مأموریت بزرگش را آغاز کرد، این مأمور ۲۹ ساله سیاسی بریتانی می‌باشد که برای تحکیم مناسبات با درباریان افغان یک کاروان شامل بر ۲۰۰ شتر و ۱۲ فیل حامل تحايف را با خود برآورد انداخته بود²⁷⁶. انگلیس‌ها بعداً هم با دادن امتیازات مادی، زمین و کرسی های دولتی به چندین خانواده ملک، ارباب، خان و نواب از ایشان استفاده کردند. در مناطق سرحدی آزاد نیز انگلیس‌ها با دادن معاش، سهمیه و امتیاز به ملک‌ها کوشیدند تا توسط آنها مردم را از جنگ علیه انگلیس بازدارند.

²⁷⁶ Loyn, David. (2009). (اشغال دو صد ساله افغانستان توسط انگلیس‌ها، روس ها و امریکائی‌ها) صفحه ۱۱.

نفاق اندازی بین گروه‌های مذهبی

یکی از شیوه‌های کهن مورد استفاده استعمار انگلیس هم دامن زدن به آتش اختلافات مذهبی بود. این نوع پلان‌های طرح شده جواسیس استعمار انگلیس، بعد از سه صد سال، امروز نیز بین مسلمان و هندو، سنی و شیعه، وغیره در منطقه پیاده می‌شوند. یک جاسوس انگلیس به اسم همفر در کتاب خاطرات کشورهای اسلامی اش مینویسد که وزارت مستعمرات انگلستان ضمن فعالیت‌های دیگر به جواسیس وظیفه داده بود تا اختلافات مذهبی را دامن زده، مسلمانان را در جهل و بی خبری نگهداشته، هرج و مرچ و فساد را شایع، مقامات دولتی را به فساد تشویق، و عالم‌نماهای مربوط به وزارت مستعمرات را در لباس علمای دین بفرستند.²⁷⁷



11. میرزا غلام احمد
قادیانی

ایجاد و تقویه مذهب قادیانی

علاوه بر ایجاد تفرقه و دامن زدن به اختلافات مذهبی، عده‌زیادی معتقد اند که انگلیس‌ها برای مقاصد استعماری خود گروپ مذهبی قادیانی را نیز ایجاد و تقویه نمودند. بانی مذهب قادیانی یا تحریک احمدیه، میرزا غلام احمد قادیانی (۱۸۳۵-۱۹۰۸) از قریه قادیان پنجاب می‌باشد. او مدعی تجدد در مذهب بود و ادعاهایی که بعد از حضرت عیسی (ع)، مسیحیان دوم و مهدی آخر زمان می‌باشد. او عقیده داشت که استیلای دولت انگلیس در هند یک عطیه خداوندی است. او همچنان جهاد مسلحه مسلمین علیه

277 Memoirs Of Mr. Hempher, The British Spy To The Middle East. اعترافات یک جاسوس انگلیس، سندیست که به یک جاسوس انگلیس در قرن ۱۸ به اسم همفر منسوب شده است. این جاسوس به لباس یک مسلمان در کشورهای مصر، عراق، ایران، حجاز و ترکیه مأموریت ضعیف ساختن مرکز خلافت عثمانی را داشت. در مقدمهٔ نسخهٔ انگلیسی این کتاب که در بمبئی بچاپ رسیده است، ذکر شده است که در دوران جنگ جهانی دوم آلمانی‌ها برای افشا کردن چهرهٔ اصلی امپریالیزم انگلیس، خاطرات این جاسوس انگلیس را بشکل یک داستان سلسله وار در مجلهٔ شپیگل به نشر سپردند. این کتاب توسط مسلمانان وهابی تقبیح شده و تلاش انگلیس‌ها برای بی اعتبار ساختن محمد ابن عبد الوهاب دانسته شده است.

استعمار انگلیس را تحریم نموده و گفت که جهاد فقط در معنی تبلیغ شفاهی میباشد.²⁷⁸

فرستادن جواہیس در لباس پیر، ملنگ، تاجر و سیاح

در جمله اولین جاسوسان انگلیس در افغانستان یکی هم میجر ایلدرد پاتنجر (1811-1843) بود. این فرد نظامی و دیپلمات که در سال ۱۸۳۲ م به اسم حاجی پاتنجر تاجر به افغانستان سفر کرد، زیاد کوشید تا برای رسیدن به مقاصدش با دختری کی از خوانین ازدواج نماید. او در هرات به حیث یک ملای هندوستانی فعالیت نموده و در



12. میجر ایلدرد
حاجی پاتنجر)

مسجد جامع هرات و ظایف خطیب و ملا امام را به پیش میبرد. وقتی شهر هرات مورد تهدید لشکر ایران قرار گرفت چهره اصلی او نیز افشا شده و مجبور شد هرات را ترک نموده فرار نماید.²⁷⁹

کرنیل لارنس یک جاسوس مشهور دیگر انگلیس بود که تحت نام پیر کرم شاه برای سرنگونی حکومت غازی امان الله خان فعالیت داشت، و کوشید این پادشاه مترقی و محصل استقلال کشور را به مردم کافرو دشمن رسم و رواج معرفی کند.

ضمن تلاش انگلیس‌ها برای کنترول افغانستان جاسوسان دیگری نیز فعالیت داشتند. ویلیام

²⁷⁸. غبار، میر غلام محمد (۱۳۲۲). افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۴۵۹ و همچنان

http://en.wikipedia.org/wiki/Mirza_Ghulam_Ahmad

²⁷⁹. ایلدرد پاتنجر Eldred Pottinger در دوران محاصره هرات موفق شد از هرات فرار کند. او در حمله اول انگلیس‌ها بر افغانستان شرکت داشت، بعد از کشته شدن مکناتن در کابل به ریاست نمایندگی سیاسی انگلیس‌ها رسید. ریاست مذاکرات خروج قوای انگلیسی از افغانستان را به عهده داشت و مسئول شکست جنگ اول افغان و انگلیس شناخته شد. او در سال ۱۸۴۱ حين تبلیغات در کوهستان کاپیسا توسط افغان‌ها دستگیر و به وزیر اکبر خان سپرده شد، اما چند ماه بعد به کمک قوای جنرال پالک از زندان رها و از قتل عام قوای انگلیسی در دره خیبر نیز جان سالم بدربرد. پاتنجر یک سال بعد (۱۸۴۲) در هانگ کانگ به اثر تب محرقه درگذشت.

مورکرافت William Moorcroft تحت نام تاجر اسپ های ترکمن فعالیت می کرد. او به حیث سیاح و تاجر بین سالهای ۱۸۱۹ و ۱۸۲۵ در همالیا، پنجاب، کشمیر، پشاور، کابل، کندزو و بخارا فعالیت داشت. ویلیام مورکرافت بنا به روایتی در سال ۱۸۲۵ در نزدیکی های بلخ بمرد، اما به گفته یک مبلغ عیسوی به اسم ابی حک (Abbé Huc)، او در سال ۱۸۲۲ م به "لاسا" مرکز "تبت" رسید و دوازده سال بعد هنگام بازگشت به هند بریتانیوی در راه کشته شد.

ڈگروال ریچارد ستودارت Charles Stoddart یک مأمور دیگر استخارات نظامی انگلیس بود که در دوران "بازی بزرگ" در هرات و آسیای مرکزی فعالیت داشت. او در سال ۱۸۴۲ توسط نصرالله خان امیر بخارا دستگیر و در جون همان سال با یک رفیق دیگر ش به نام "ارتر کونولی" Arthur Connolly به جرم جاسوسی کشته شد. "ارتر کونولی" نیز ضمن فعالیت های استخاراتی اش به منطقه سفر های طولانی داشت. این دو جاسوس وقتی در انگلستان به شهرت رسیدند که در سال ۱۸۴۵ یک مبلغ مسیحی بنام "جوسف ولف" Joseph Wolff (1795 - 1862) معلوم کردن سرنوشت شان به منطقه سفر نموده و بعداً خاطرات سفرش را بنشر رساند.



دکتر پیرسیول بارتون²⁸⁰ Lord Percival Barton (۱۸۰۸-۱۸۴۰) یک داکترو جراح انگلیس بود که با الکساندر برنس اسپری همسفر بود و کارشناس امور افغانستان بشمار میرفت. او بعداً معاون سیاسی مکناتن شد، در جنگ سال ۱۸۳۸ خیبر شرکت داشت،

بعد از فرار امیر دوست محمد خان در سال ۱۸۳۹-۱۸۴۰ مأموریت پیدا کردن معلومات راجع به اورا به عهده

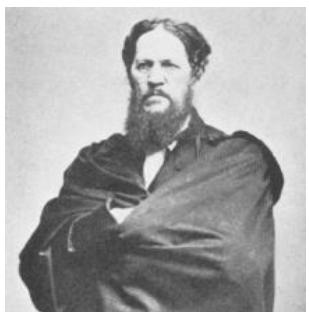
داشت، زمستان را در مغاره های بامیان سپری نموده و در سال ۱۸۴۰ وقتی کشته شد که قوای انگلیسی در دره پروان از قوای امیر دوست محمد خان شکست خوردند.

الکساندر برنس Captain Sir Alexander Burnes (1805 - 1841) که به برنس بخارا مشهور است یکی دیگر از بازیگران بازی بزرگ بود که در لباس سیاح فعالیت می کرد. او در سن شانزده سالگی به عضویت ارتش کمپنی هند شرقی درآمد.

²⁸⁰. قاموس بیوگرافی هندی، ص ۲۵۳.

اولین مأموریتش جمع آوری اطلاعات راجع به دریا و دره سند بود. بعداً به همراهی موهن لال از طریق افغانستان و هندوکش به بخارا و پارس سفرهای داشت. در سال ۱۸۳۹ وقتی که شاه شجاع بر تخت کابل نصب شد، برنیس نیز بحیث ایجنت سیاسی انگلیس‌ها در کابل تعیین شد تا آنکه در ۱۸۴۱ کشته شد. در ۱۸۲۱ آشکار گردید که در بعضی از راپورهای فرستاده شده سال ۱۸۳۹ او تقلب صورت گرفته و کوشیده بودند تا نظریات او را به گونه‌دیگری منعکس سازند.

قابل یادآوریست که انگلیس‌ها ضمن فعالیت‌های استخباراتی شان از جاسوسان اروپائی و امریکائی نیز کار گرفته‌اند. حوزیه هارلن Josiah Harlan (۱۷۹۹-۱۸۷۱) که بعداً بنام شهزاده غور به شهرت رسید، شاید اولین جاسوس امریکائی در افغانستان بوده باشد. او بدون هیچ نوع تحصیلات رسمی، در شفاخانه عمومی



14. حوزیه هارلن

کلکته هند مربوط به کمپنی شرقی هند بحیث جراح استفاده شد. نخست برای مدتی چند در خدمت دربار رنجیت سنگھه، مهاراجای پنجاب، و بعداً هم در خدمت شاه فراری افغانستان، شاه شجاع، قرار داشت. او برای بقدرت رسیدن دوباره شاه شجاع مأموریت هائی به پشاور و کابل داشت. او در پشاور بانواب جبار خان، برادر امیر دوست محمد خان، بخاطری ملاقات نمود که انگلیس‌ها میکوشیدند جبار خان را به طرفداری شاه شجاع، بحیث رقیب امیر دوست محمد خان استعمال کنند. حوزیه هارلن بعداً به پشتیبانی امیر دوست محمد خان، یکجا با پسر کوچک او و همراهی یک لشکر بزرگ برای سرکوبی مراد بیگ ازبیک از هندوکش گذشت و فکر کرد که سکندر مقدونی عصر جدید میباشد. او بعد از یک جنگ کوچک در سیغان، برای مدتی در غور مهمان محمد رفیع بیگ، حکمران محلی، بود. گفته میشود که رفیع بیگ تعهد کرده بود که اگر حوزیه به غور برگردد، خود و پسرانش بحیث شهزادگان غور شناخته خواهد شد. حوزیه هارلن بعد از آن به شهرت رسید که "رودیارد کیپلینگ" Rudyard Kipling از او بحیث قهرمان داستان آن مردی که پادشاه میشد "یادآورشد".

استفاده از جاسوسان هندی در لباس پیر و ملنگ

از آنجاییکه انگلیس هادر رابطه با عقاید دینی از احساسات افغان‌ها آگاهی داشتند، برای سئو استفاده ازین احساسات کوشیدند جواسیس خود را در لباس روحانیون بفرستند. شاد روان غبار درین رابطه مینویسد که "مستخدمین مسلمان انگلیسی همینکه رودبار سند را عبر میکردند، هر یک عنوان ملا و مولوی و مولانا و شاه و سید میگرفتند، و روی همرفت‌هه پرچم "انتی برتش" را جهت اغفال مردم به شانه میکشیدند و سنگ اتحاد اسلام و آزادی خواهی هندوستان به سینه میکوشتند. لهذا این‌ها در نزد مردم افغانستان و دولت‌های افغانی با شفقت و اعتماد قبول میشدند و قسمًا جز مأمورین عالیرتبه نظامی و ملکی افغانستان قرار میگرفتند، آنگاه بنفع خارجی مشغول فعالیت میشدند²⁸¹".

از جمله این روحانیون یکی هم میا عبدالستار شاه مشهور به نقاب پوش بود، که در قندهار دسیسه ناکام کشتن شاه زمان را طرح کرد، اما خودش دستگیر و کشته شد. روحانی نمای دیگر میا غلام محمد هندی بود، که در قندهار سکونت داشت و میکوشید یک دسیسه دیگری علیه شاه زمان را به انجام رساند. دسیسه سقوط شاه زمان به اشتراک پاینده بارکزی، عظیم الكوزی، نورالله بابری، اسلام پوپلزی، حکمت سرکانی، سلطان نورزی، خضر علیزی، زمان پوپلزی، جوانشیر ارسلان، جعفر جوانشیر، و شریف قزلباش هم در منزل او طرح شده بود.

فرستادن ایجنت‌های هندوستانی در لباس غازیان و مخالفین انگلیس

با آغاز جنگ‌های آزادی بخش و ضد انگلیس در مناطق قبایلی سرحد آزاد، انگلیس‌ها کوشیدند برای ناکامی این قیام‌ها، ایجنت‌هایشان را به لباس مبارزین آزادیخواه به آنجا بفرستند. آنها بعد از جنبش خلافت، تأسیس حکومت مؤقت هند در کابل (۱۹۱۲) و پس از آن جنبش هجرت نیز از همین شیوه استفاده نموده تعداد زیادی از جواسیس‌خود را در لباس مسلمانان آزادیخواه و مهاجرین، به کابل و نقاط دیگر افغانستان فرستادند.

²⁸¹. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۶). افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۴۵۵

تروع و کشتن رهبران آزادیخواه

مخالفین انگلیس و کسانی که مانع عملی شدن پلانهای شان میشدند، نه تنها هدف تبلیغات مختلف تخربی جواسیس و دست نشاندگان شان قرار میگرفتند، بلکه در پهلوی تلاش‌های ترور شخصیت شان، بصورت فزیکی نیز مورد حمله قرار گرفته و بصورت مرموز یا آشکارا کشته میشدند. طور مثال موهن لال برای کشتن آنده‌ای رهبران ملی و قومی ایکه با انگلیس‌ها مخالفت میکردند، پول زیاد بمصرف رساند. کشته شدن عبدالله خان اچکزی، تلاش برای کشتن میرمسجدی خان و امین الله خان لوگری، سوئقدب روزیر اکبر خان و مجرح شدن او در جلال‌آباد، و مسموم شدن ده‌ها نفر دیگر را میتوان بحیث نمونه ذکر کرد. سلسله کشتن و ازبین بردن مخالفین انگلیس، بعد از جمع شدن دامن استعمار مستقیم در کشور و منطقه نیز ادامه یافت. که مثال‌های زنده آن شهادت غازی میرزا مان خان کنری در ماه‌های اخیر حکومت غازی امان الله خان و لست طولانی قربانیان استبداد حکومت خاندانی بعدی میباشد.

حکمرانان طرفدار انگلیس و دست نشانده‌های افغانی شان

به گفته محمد ولی، نویسنده کتاب توپه‌انگلیس در سقوط دولت اعلیحضرت غازی امان الله خان، "مستشرقین انگلیس خواص و عادات مردمان مشرق زمین را درک کرده میدانستند که عملی ساختن پلان‌های شان توسط یک بریتانی نا ممکن است، مثلاً برای مردم افغانستان حتی شاه شجاع غیر قابل قبول بود، چه میرسید به آنکه آن وظایف مستقیماً توسط مکناتن یا الفنستان در منصه اجرا درمی‌آمد، ازین سبب به تطبیق پلان شان توسط خود افغان‌ها پرداختند و برای این کار از دولت مردان تا روحانیون، از سیاسیون تا دزدان و رهنان را جمع نمودند".

انگلیس‌ها خصوصاً به اشخاصی شدیداً ضرورت داشتند که صاحب صلاحیت‌های سیاسی، روحانی و نظامی بودند، تا برای رسیدن به مقاصد خود در منطقه به آتش اختلافات و نفرت‌بین مردم دامن زده امنیت را خراب کنند²⁸².

²⁸². برای معلومات بیشتر راجع به جواسیس انگلیس میتوانید به کتاب لیدی سیل Lady Florentia Sale (1790-1853) که به نام "شبیخون افغان" توسط میرعبدالرشید بیغم ترجمه شده است، کتاب "زندگی امیر دوست محمد خان" از موهن لال، کتاب "افغانستان در

فعالیت جاسوسان و تخریب کاران در لباس ملا های دیوبندی

مدرسه دیوبند در منطقه دیوبند شهر اوتر پردیش، در یک صد مایلی شمال "دھلی" در هندوستان موقعیت دارد. در او اخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹، به شمول شیخ الهنڈ مولانا محمودالحسن، عده زیادی از علمای اسلامی ازین مدرسه فارغ شده اند. فارغان این مدرسه به نوبه در مناطق خود مدارسی را تأسیس و در پاکستان امروزی پیروان زیادی دارند. آنها معتقد اند که نخست مسلمانان به دین و بعد از آن به کشور شان وفادار اند. دوم اینکه مسلمانان تنها سرحدات دینی را میشناسند، نه سرحدات ملی را. و سوم اینکه برای حمایت از مسلمانان حق و وظیفه رفتن و جهاد در هر کشور را دارند.

مدرسه دیوبند گرچه یک مدرسه علوم دینی بود، اما مجاهدین زیادی را تربیه کرد که به اساس احکام مذهبی خواهان آزادی هند از چنگال استعمار انگلیس بودند. شاگردان این مدرسه نسبت شرکت فعال شان در مبارزات و فعالیت های سیاسی، بحیث مبلغین قابل اعتماد در قلوب مردم هندوستان جای گرفته بودند.



15. دستگیری یک ملا با همکارانش بعد از تلاش کشتن غازی امان الله خان چون انگلیس ها تأثیرات مدرسه دیوبند را در جامعه هند به نفع خود نمیدیدند، برای خنثی کردن آن تعداد زیادی از عمال خود را شامل این مدرسه کردند تا بعد از فراغت زیر نقاب دیوبند در خدمت استعمار انگلیس باشند. البته این یک ضربه سختی بود به

مسیر تاریخ "از میر غلام محمد غبار، کتاب "برگ های از تاریخ معاصر وطن ما" از عبدالرحیم شیون و کتب دیگر مراجعه کنید.

شهرت نیک مدرسه دیوبند. انگلیس‌ها در دوران سلطنت امیر حبیب‌الله خان و غازی امان‌الله خان تعدادی ازین ملاهای دیوبندی را به افغانستان فرستادند. برعلاوهٔ تبلیغات علیه دولت امانی، شخصی به نام ملا عمام الدین هندوستانی به کمک همکارانش در قسمت پل قرغۀ راه پغمان کوشش نمود غازی امان‌الله خان را از بین برد.

بعد از استرداد استقلال افغانستان فعالیت‌های جاسوسی و تخریبی انگلیس‌ها شدت یافت. آنها با استفاده از تجارب جنگ‌های اول و دوم افغان و انگلیس، سیاست تخریبی شدید خود را آغاز نمودند. این سیاست استعماری نوین کنترول کشور توسط خود افغان‌ها را دربرداشت، چون در صورت اشغال مستقیم افغان‌ها دشمن خود را شناخته و در مقابل شان راه خود را تعیین کرده میتوانند، لذا فرستادن یا به قدرت رساندن عمال‌شان تحت نقاب شهر وندان داخلی، مردم را غافل گیر نموده و راه شانرا گم میکند.

به قول شادروان غبار سیاست دولت انگلیس در رابطه با افغانستان در مراحل مختلف یک هدف و ستراتیژی واحد را تعقیب نموده و آن چه از طریق جنگ و اشغال نظامی، چه از طریق پالیسی به اصطلاح همکاری و کمک "ولسلی"، چه از طریق تجزیه و تقسیم، چه از طریق کنترول توسط حکومات افغانی، مملکت را به شکل پارچه پارچه شده و ضعیف و مجزا از جهان و متروک و منزوی نگهدارد، استقلال سیاسی و ارتباط او را با دول جهان مهروم نماید، از نشر تمدن و فرهنگ جدید جلوگیری کند، ملت را در نفاق و خانه جنگی نگهدارد، دولت‌ها را طرف تنفر مردم قرار داده مجبور به توصل به خود نمایند، در عین حال کشور را با تبلیغات وسیع خود به صفت جهل و وحشت و دزدی و دروغ گوئی بدنیا معرفی کرده، هیچ نوع فضیلت و افتخار تاریخی برایش نگذارد. محریترین پالیسی انگلیس‌ها در افغانستان، همانا کنترول کشور بواسطه امرای آن بود. زیرا در صورت استیلای مستقیم، مردم کشور دشمن خارجی را تشخیص کرده و خط سیر خود را در برابر او تعیین کرده میتوانستند، در حالیکه نفوذ دشمن در زیر نقاب داخلی، این خط سیر را مغشوش میساخت و تخریبات دوامدار راه خود را در بین جامعه افغانستان گشاده میرفت.²⁸³

اگر به وضع فعلی افغانستان و موجودیت و نقش قوای نظامی انگلیس در چوکات قوای ناتوبنگریم، مشاهده میکنیم که با وجود تغیر شیوه‌های استعمار کهن به استعمار نوین

²⁸³. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۷). افغانستان در مسیر تاریخ، صفحات ۴۴۴ و ۴۴۵

و باز به نظم نوین جهانی، پالیسی انگلیس‌ها در رابطه با افغانستان تغییری ننموده است.

عبدالواحد شینواری یا مستروید آسترالیائی یکی از مهره‌های مهم توپهای انگلیس

یکی از پرکارترین و فعال‌ترین مامورین استخبارات انگلیس در دوره امانتی شخصی به نام عبدالواحد شینواری می‌باشد که به نام مستروید آسترالیائی معروف است. او از جمله افغان‌های سرحدی بود که در اواسط ۱۸۸۰ با پسر کاکایش غنی خان توسط فیض محمد و تاج محمد با شترهایش به استرالیا برده شده دردشت‌های پهناور آن سرزمین به کار گماشته شد. وی انگلیسی را خوب یاد گرفت و با یک خانم استرالیائی ایکه قبل ایک شوهر افغان داشت ازدواج نمود. وی در سال ۱۸۹۵ به حیث مدیر کمپنی "بورک کیمل کیرئینگ" (با منشی آن کمپنی به نام "جیورج تول" برای خریداری شترو استخدام شتربانان چندین بار به بندر کراچی هند بریتانی سفر نمود و در مدت کمی بعد از آن وختن شروت هنگفت گویا خود به خریداری و واردات شترو استخدام شتربانان افغان پرداخت و به اسم مستروید آسترالیائی شهرت یافت.



16. عکسی که توسط خود بیلی از جریان ساختن خط آهن خیرپاس گرفته شده است.

به استناد اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، عبدالواحد بار اول بعد از استرداد استقلال افغانستان خود را به نام یکنفر سید با احساس افغان که می‌خواهد تجربه و

سرمایه اش را به خدمت افغان‌ها وقف نماید، معرفی و پیشنهاد نمود که امتیاز استخراج معدن طلای قندھار و تجارت چوب کنربه او داده شود و برای این مقصد ده هزار پوند طلا را به قسم حق الامتیاز پیشنهاد نمود. یادداشت محرمانه شماره (۴۳) تاریخ دوم مارچ ۱۹۲۱ اداره استخارات بلوچستان در پراگراف شماره ۲۲۱ خود گزارش میدهد که "به یک نفر سیدی به نام میر عبدالواحد در رابطه با معدن طلای قندھار و عده ملاقات داده شد".

اگرچه پیشنهاد وی جالب بود، اما بزودی آشکار گشت که پشت پرده دست انگلیس کار میکرد، و شرکای اصلی او مؤسسات انگلیسی بوده او فقط نماینده آنها به شمار میرفت و هدف اصلی نیز پیدا کردن راه نفوذ به مناطق حساس افغانستان بوده است. شاید تصادفی نباشد که در راپور بعدی همان اداره، سه هفته بعد به تاریخ ۲۳ مارچ ۱۹۲۱ در پراگراف ۲۸۴ از دسیسه ضد حکومتی در قندھار و زندانی شدن یکتن از مولویان سرشناش قندھار اطلاع داده شد.

ویکتور بایلی Victor Bayley سرانجینیر انگلیسی ایکه مسئولیت ساختمان خط اهن دره خیبر^(۱)^{۲۸۴} را بعده داشت، در کتاب خاطراتش تحت عنوان ماجراجوئی از

۲۸۴. انگلیس‌ها بعد از جنگ دوم افغان و انگلیس به اهمیت استراتیژیک کشیدن خط آهن از طریق دره خیبر پی برده، بعد از سروی و انتظار چندین ساله بالاخره کار ساختمان انرا در سال ۱۹۰۵ م از منطقه بین پشاور و جمرود به نام کچه گپهی آغاز کردند. چون بعد از تکمیل قسمت اول این راه اهن به امتداد ۳۲ کیلومتر در سال ۱۹۰۷ اوضاع بین المللی تغییر یافت و با انعقاد قرارداد انگلیس و روس، افغانستان خارج از ساحة نفوذ روسیه قرار گرفته و انگلیس‌ها از خطر احتمالی پیشروی روس‌ها خاطر جمع شدند، کار قسمت باقیمانده این راه اهن نیز تعطیل شد. بعد از جنگ استرداد استقلال افغانستان که سیاست جهانی و اوضاع منطقه و بین المللی یک بار دیگر تغییر کرد، کار پروژه خط آهن خیبر پاس نیز دوباره آغاز یافت. انجینیر ویکتور بیلی درین پروژه به کمک مامورین استخارات انگلیس با عده‌ای از ملکان اقوام افریدی و شینواری ارتباطات نزدیک داشته از حمایت شان استفاده نمودند. این خط آهن به تاریخ چهارم ماه نومبر سال ۱۹۲۵ افتتاح شد. که خانم انجینیر بیلی اولین قطار افتتاحیه خیبر پاس را به عهده داشت. در رابطه با اینکه چرا خانم بیلی این افتخار را ندیگر اولین قطار را بدست آورد، گفته میشود که بعد از تکمیل این پروژه باشندگان این جنسی خیبر از عبور قطار آهن جلوگیری میکردند. چون مامورین انگلیسی میدانستند که پشتون‌ها مطابق به رسوم عنعنی از حمله بر زنان خودداری میکنند، لذا ازین خانم انگلیس تقاضا نمودند تا را ندیگر اولین قطار را به

طريق خيبر (۲) Adventure through Khyber²⁸⁵ از ملاقات شگفت آورش با اين عبدالواحد شينواری سنگو خيل يا مسترويد استراليائی نيز ياد آور شده است. و اين زمانیست که جنگجويان افريدي و شينوار با ساختمان اين خط آهن مخالفت و مقاومت نموده و دو نفر از شينواری های سنگو خيل به نام های داؤود شاه و اردلی صاحب منصبان انگلیسي را در همين ساحه به قتل رسانده بودند.

ويكتور باليلى مينويسد که او شگفت آورترین مهمانی بود که با آمدنش من را حيران ساخت. يکروز ملك مير اکبر خان به ديدن من آمده گفت که میخواهد رفيقش عبدالواحد خان را به من معرفی کند. من گفتم از دیدنش خوشحال خواه شد، و يك شينواری ديگر در لباس شبیه به ملك داخل شد. من بعد از سلام معمول ازا خواستم بر چوکی بشينند، و از شنیدن جوابش در انگلیسي مبهوت گشتم. او به من گفت که در سن ده سالگی با پدرش که در "کوينزلند" شتررانی ميکرد، به آستراليا رفته و تا امروز در آن جا زندگی ميکند. معلوم ميشد که او به يك شخص ثروتمند تبدیل شده است. او از سرمایه گذاری يك قسمت ثروتش در افغانستان صحبت نمود.

مسترويد بار ديگر مقارن فتنه ملای لنگ و اغتشاش خوست به نام سيد نه بلکه شينواری به افغانستان می آيد. يداداشت محramانه شماره (۱۸۲) اداره استخبارات بلوچستان (برای هفتة که به تاریخ ۱۷ اپریل ۱۹۲۴ ختم میشود)، گزارش میدهد که عبدالواحد خان شينواری و يك نفر آستراليائی درين اوخر از قندهار وارد کوئته شدند. آنها برای ديدن معدن طلا به قندهار رفته بودند.

طوری که از صفحه ۴۵۲ كتاب انگلیسي خانم ستیوارت که اخیرا به نام "آتش در افغانستان" و "اور په افغانستان کې" به زبان های دری و پشتو هم ترجمه شده است، به ملاحظه ميرسد، مسترويد مذکور در سال ۱۹۲۵ به آتشه نظامي سفارت انگلیس در کابل نوشته بود که هنوز هم يگانه آرزوی او خدمت به منافع دولت بریتانیا بوده و يقین دارد که درين راه سردار نادر خان، که سال گذشته در پاریس با او ملاقات نموده است، با وي کمک و همکاري خواهد نمود.

عهده گيرد. راپور ها حاكيست که اين خانم انگلیسي با گذاشتمن موی های دراز از فاصله دور شناخته ميشد که يك زن است. قابل يادآوريست که بعد از ناکامي اغتشاش خوست، انگلیس ها ۸ کيلومتر ديگر اين خط آهن را تا منطقه لندي خانه در ۳ کيلومتری تورخم تكميل و از سوم آپريل ۱۹۲۲ مورد استفاده قرار دادند.

بعد از ختم اغتشاش خوست که مدت یکسال را در بر گرفت، کنرو غازی میرزمان خان کنری که در سرکوبی و حل اغتشاش خوست از طریق جرگه نقش مهمی داشت، مرکز توجه انگلیس‌ها قرار گرفتند و سعی شد تا با نصب کردن همین عبدالواحد شینواری وبهانه استفاده از چوب‌های جنگلات کنر، صادرات آن به هند بریتانی و استخراج سنگ‌های قیمتی، کنر به یک پایگاه فعالیت‌های انگلیس تبدیل شود. در یادداشت آتشه نظامی نمایندگی بریتانیا در کابل برای هفتۀ که به تاریخ ۲۱ می ۱۹۲۲ ختم می‌شود، در ضمیمه گزارش شماره ۳۹ مؤرخ ۲۲ می ۱۹۲۲ وزیر مختار بریتانیا در کابل در رابطه با ایجاد ناآرامی در کنرو تلاش‌های نصب کردن عبدالواحد چنین می‌خوانیم که:

"الف). امیر [امان‌الله خان] خاموشانه در جلال‌آباد بسر می‌برد. با وجودی که [حالت صحی] اوی آنقدر خوب نیست تا بیرون برود، باز هم با شدت تفتیش اداره محلی را تعقیب می‌کند... و حالا به پشت‌سوی روان صحبت می‌کند.



17. عبدالواحد شینواری معروف به مستر ویدر لباس غربی



ب). علت نا آرامی کنرادعای شدت غیر لازم اداره میر زمان خان میباشد... فکر میشد که امیر، عبدال واحد را به عوض میر زمان خان تعین کند، اما تاریخچه عبدال واحد نشان دهنده آن نیست که وی، حتی اگر توسط روحانیون حمایت شود، برای مردم کنر قابل قبول باشد. عبدال واحد اگرچه توسط مامورین از یک قسمت زیادی از سرمایه اش محروم گشته است، تا هنوز به اندازه کافی پول دارد که چوب های کنرا به نفعش به کار اندازد. اداره کنر یک سؤال بسیار حساس است و یک خطای سیاست میتواند به یک انقلاب توسط صافی های کنر بیانجامد که ممکن است مهمند های محلی نیز به آنها پیووندند.

شخص دیگری که بزودی با مستر وید همکار و همدست میشود، "ایم ای. حکیم" است که درین وقت به نام نمائنده "انبر" تاجر آلمانی که تجارت خانه در کابل دارد، بین کابل و پشاور در رفت و آمد میباشد و به گفته سید قاسم خان رشتیا این همان حکیم جان مشهور است که بعد ها به حیث رابط و نمائنده معتمد سپه سalar محمد نادر خان در مسایل محترمانه با مقامات عالیرتبه دولت بریتانیا در هند اجرای وظیفه مینمود و بعد از پادشاهی سردار محمد نادر خان مرکز فعالیت خود را به کابل انتقال داده تمام

خریداری‌های حکومتی در انحصار او درآمد (رشتیا، سید قاسم، ۱۳۷۸، صفحات ۵۶-۲۸۶).²⁸⁶

مستروید پس از کشف پلان کودتای که علیه غازی امان‌الله خان طرح شده بود و به نام توطئه "پنیاله" معروف شده است، و در نتیجه آن شاه محمود خان از حکومت اعلی سمت مشرقی برطرف شد، به حیث رابط بین مقامات انگلیس و برادران او در جنوب فرانسه عرض اندام نمود. او مقارن اغتشاش شینوار دوباره فعال میشود این بار در ماه عقرب سال ۱۳۰۷ به کمشتر پشاور مراجعه و پیشنهاد میکند که "نظر به روابط نزدیکی که با رؤسای قبایل باغی در مشرقی و نفوذی که در کابل دارد، مسئونیت مواصلات حکومت بریتانیا را با سفارت شان در کابل تامین و هم حفاظت سفارت بریتانیا را در کابل توسط افراد قبایلی به عهده میگیرد" اسناد محترمانه انگلیس میرساند که حکومت هند بریتانیوی بعد از مشوره با همفریز سفير انگلیس در کابل، با فرستادن او به کابل مخالفت ورزیده اما به کمشتر پشاور اجازه داده میشود تا در مقابل پرداخت پول از او در اجرای خدمات لازم دیگر استفاده کنند.

ماموریت خطیر دیگر مستروید در آخرین روز‌های سلطنت غازی امان‌الله خان نجات دو نفر از پیلوتان یک طیاره انگلیسی بود که در جگد لک در نزدیکی کمب قوای والی علی احمد خان به زمین نشسته بود. مستروید آنها را به سلامت به سرخورد به خانه یکی از روحانیون معروف رساند تا آنکه بعداً توسط یک طیاره دیگری که از "رسالپور" ایالت سرحدی شمال غربی پرواز نموده بود آنها را از سرخورد به پشاور انتقال دادند (برای معلومات بیشتر درین رابطه به کتاب بالا بر فراز کابل مراجعه کنید).

یکی از کارهای دیگر مستروید درین هنگام تهیه اعلامیه هجده فقره‌ای معروف علیه غازی امان‌الله خان بود که توسط او در مطبعه "اقبال پریس" پشاور طبع و در بین قبایل توزیع گردید. بعيد نیست که واحد شینواری در چاپ و توزیع عکس‌های موتتاژ شده ملکه ثریادر بین قبایل هم نقش مهم داشته باشد.

هنگامی که غازی امان‌الله خان در جنوب غزنی برای بدست آوردن دوباره سلطنت مبارزه میکرد و سپه سalar محمد نادر خان از فرانسه برگشته بود واحد شینواری به امپراتوری

²⁸⁶. رشتیا، سید قاسم (۱۳۷۸). *تاریخ سکوت میشکنند: نادر چگونه به پادشاهی رسید؟* (با نام مستعار سیدال یوسفی)، چاپ مرکز نشراتی میوند، سبا کتابخانه.

بریتانیا از طریق معاون نماینده سیاسی خبیر نوشت که: «من از شما تقاضا میکنم... که اگر در باره بهترین طریقهٔ خلاص شدن از پادشاه کابل به ما مشوره بدهید... قوم خود من و همچنان مردم خوگیانی، سرخروود، و لغمان همه درین رابطهٔ بمن و عدهٔ همکاری داده‌اند، و اگر شما میخواهید به کابل حمله کنید، من با شما خواهم بود و تعهد میسپارم تا هرجاییکه خواسته باشید، شما را ببرم. هیچ کسی سد راه شما نخواهد شد... من خطی را ... گرفته‌ام که در رابطه با موضوع انتخاب شاه مسلمان از ما طالب همکاری شده است. من درین رابطه تا گرفتن مشورهٔ شما به این نامه جواب نمیدهم، چون وقتی شخصی انتخاب شد، بعد از آن تطبیق خواست ما مشکل خواهد بود»²⁸⁷.

عبدالواحد شینواری یا مستروید بعد از انجام شاید آخرین ماموریتش در دوران زمامداری محمد نادرشاه از افغانستان ناپدید میشود. به گفتهٔ کریستین ستیوینس، یک نویسندهٔ آسترالیائی مستروید در سال ۱۹۲۸ در انگلستان زندگی میکرد.

عملیات کوفته یکی از نیونگهای جالب استخبارات انگلیس

بادرنظرداشت سابقهٔ طولانی مداخلات استعمار انگلیس در منطقه و کشور عزیزمان (افغانستان) شاید داستانهای زیاد و بعضاً باورنکردنی از نیرنگ‌ها و فریب‌های دستگاه استخباراتی انگلیس شنیده و خوانده باشد. برای آشنائی بیشتر با نحوه عملیات حیله‌گرانه این دستگاه‌های استخبارات انگلیس، توجه شمارا به یک نمونه از این نوع عملیات که بنام عملیات کوفته (گوشت کوییده) شهرت یافته است، جلب میکنم. این عملیات در دوران جنگ جهانی دوم (سال ۱۹۴۳ میلادی) با استفاده از جسد یک مرد و اسناد ساختگی برای فریب دادن قوای آلمان انجام یافته است.

هدف اصلی عملیات کوفته، در پهلوی عملیات متشابه دیگر بازی دادن و غافلگیر نمودن دشمن شان آلمان بود. آنها قوماندانی عالی قوای آلمان را از طریق (صحنه سازی) گوییا دستیابی تصادفی به اسناد بسیار محروم‌انه فریب داده، متقاعد ساختند که به عوض هدف اصلی که جزیرهٔ "سیسلی" باشد، هدف عمدۀ حمله متحدهٔ دین یونان و بالقان میباشد.

²⁸⁷ اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی، به حوالهٔ ریه تعالی (آتش در افغانستان) چاپ انگلیسی صفحه ۵۵۸.

برای رسیدن به این هدف، مامورین استخبارات انگلیس جسدی را انتخاب کردند که در اصل مربوط مردی 34 ساله که بتازگی در اثر خوردن زهر موش خود گشی کرده بود، این جسد مربوط کارگر گمنامی بود که از شفاخانه‌ای "سنت استی芬" بدست آورده شد، مامورین استخبارات این جسد را، لباس نظامی پوشانده، با دستبند یک بکس دستی حاوی پلانهای نظامی را بدستش بسته، و برای اغفال بیشتر دشمن برای او سند تقلیبی بنام "ولیام مارتین" تولی مشرقوای بحری ساختند و اشیای مختلف مانند پول سکرت، گندلهای تکت تیاتر و حتی نامه‌های شخصی را نیز با جسد یکجا نمودند مانند مکتوب درخواست حل و فصل یک چک ۱۹. ۷۹ پوندی از بانک "لودیس"، فوتوی نامزدش، نامه‌پدرش به خانواده‌ای نامزدش در رابطه تعین تاریخ مراسم عروسی و حتی سند رسید انگشت نامزدی.

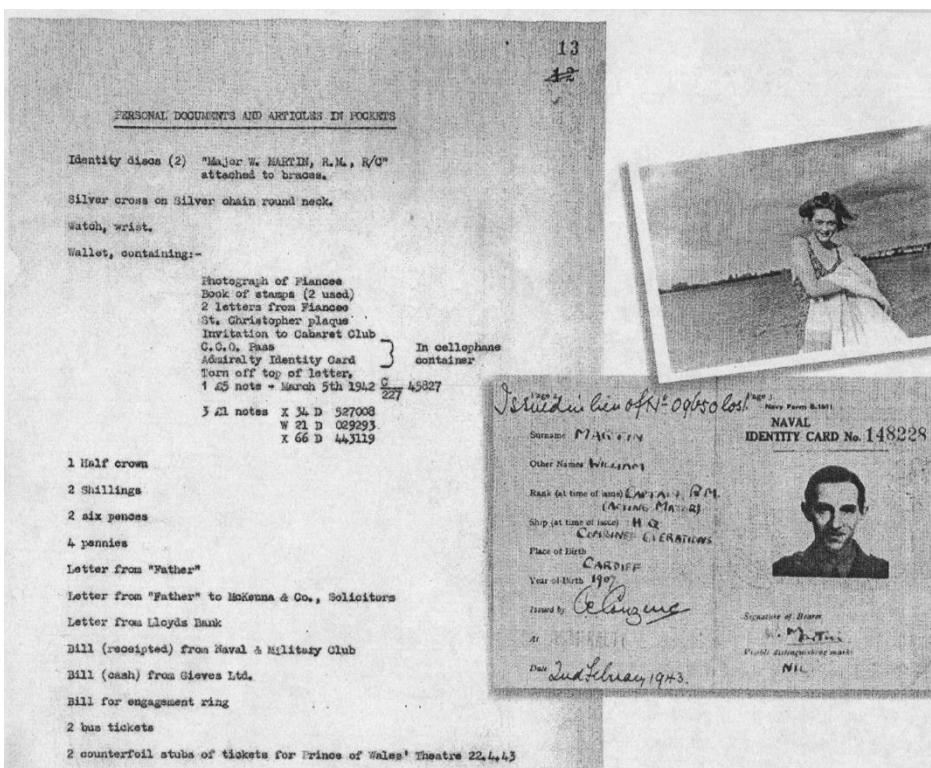
مامورین کار کشته‌ای استخبارات انگلیس جسد عوضی را در ساحل هسپانیا رها نمودند. این نیرنگ مؤلقانه، که در آرشیف ملی انگلستان به ثبت رسیده، در نظر داشت آلمانی‌ها را متقادع سازد که جسد یافته شده در ساحل مربوط به یکی از مسافران طیاره نظامی است که در نزدیکی ساحل هسپانیه سقوط نموده است.. در عدم موجودیت معاینات طب عدلی (کالبد شکافی)، که مانند "روم‌کاتولیک‌ها" هسپانوی‌ها هم آنرا خوش نداشتند، مرگ این شخص ظاهراً به مردن در اثر سقوط طیاره در بحر شbahت داشت.

برای جلوگیری از فرسودگی، جسد را در بین کنده‌های یخ در بکسی گذاشتند که قسمت زیاد اکسیژن آن کشیده شده بود. بکس را بعد از آن در زیر دریایی قوای بحری انگلیس به نام اسرافیل (MHS Seraph) قرار دادند، و برای مخفی نگهداشتن راز موجودیت جسد در بین زیر دریایی، به آن برچسب "احتیاط - محمولة خاص سامان آلات بصری" زده شد.

جسد تورن مارتین تقلیبی را از زیر دریایی به تاریخ ۳۰ اپریل ۱۹۴۳ به فاصله یک میل از ساحل هسپانیه رها نمودند. کپتان زیر دریایی اسرافیل جریان عملیات را به لندن چنین گزارش داد:

"جمعه ساعت ۱۵ و ۱۶ صبح باز شده و جسد از آن کشیده شد. با بازنمودن کمپل، جسد مورد معاینه قرار گرفت. بکس دستی بصورت محفوظ وصل بود. روی جسد رنگ تیره قهوه‌ای مایل به زرد داشته و نصف تحتانی آن، از چشم‌ها به پائین، با پوپنک پوشانده

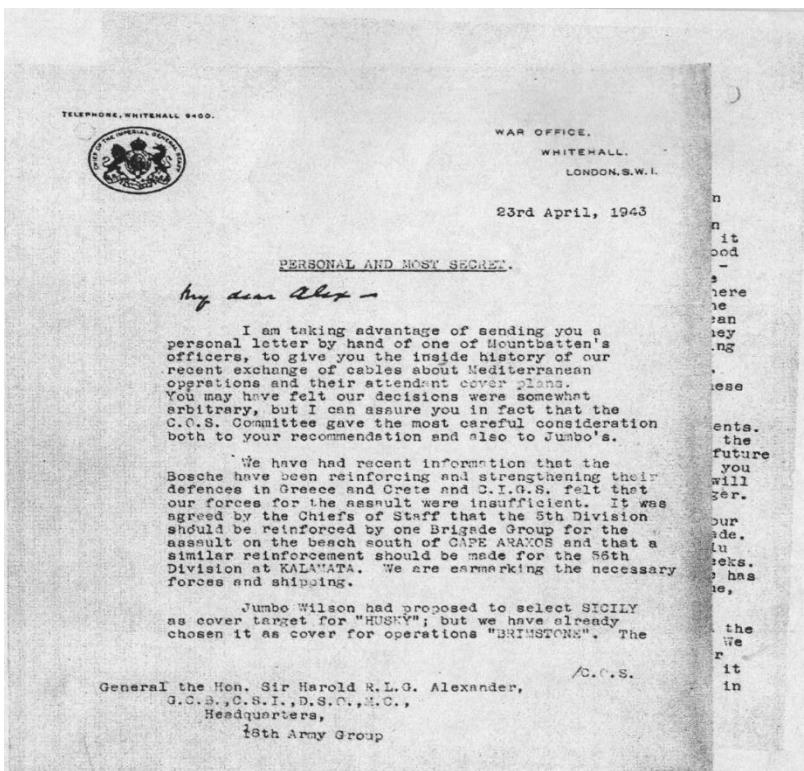
شده بود... جسد به ساعت ۴ و ۳۰ صبح به زاویه ۱۶۸ درجه و فاصله ۱،۳ میل از ساحل بروی آب گذاشته شده و اهسته بطرف ساحل رانده شد. که پیچ خورده گی آب و فشار زیاد عقب کشته هم به آن کمک نمود. قایق را بری منفجر شده ای هم، به فاصله نیم میل در شرق این موقعیت، بصورت سرچپه بروی آب قرارداده شد.



18. کارت هویت تورن مارتین، عکس نامزدش و لست اشیایی جیب یونیفورمش

برای اینکه به این فریبکاری اعتبار بیشتر داده شود، خبر کشته شدن تورن مارتین، به تعقیب سقوط طیاره، در نشریه "تایمز" نیز پخش گردید. از بخت خوب این شخص در لیست کسانی هم به نشر رسید که بصورت عمومی در اثر تصادم کشته شده اند. سرانجام جسد در ساحل کشف شده و به مرده خانه محلی انتقال داده شد، جایی که دکتور مؤظف علت مرگ را اختناق توسط غرق شدن در آب، تصدیق نمود. جسد بعد از

برداشت بنگاه دستی و اشیای شخصی در ظهر دوم ماه می در قبرستان کاتولیک ها به خاک سپرده شد. طوریکه پیش‌بینی میشد، از حادثه به استخبارات آلمان اطلاع داده شده و از تمام اسناد، قبل ازینکه به آتش بحری انگلستان در "مادرید" سپرده شوند، کاپی گرفته شد. از شنیدن ارتباطات مخابراتی فهمیده شد که قوماندانی عالی در برلین، اسناد ساختگی را بدست آورده و به حقیقت آن معتقد شده‌اند. راپوراین حادثه شخصاً به عالیترین افسر نیروی دریایی آلمان، "دریاسالار دونتز"، فرستاده شده و چنین نتیجه گیری شد که در اصلیت اسناد هیچ‌گونه شکی وجود نداشته، و اینکه دشمن از کشف آن اطلاعی نداشته و احتمال حمله قبل از وقت بعید بنظر میرسد. یک تلگرام عاجل مختصر به "چرچل" که از ایالات متحده امریکا بازدید مینمود، با چند کلمه مختصر مخابرہ گردید "کوفته کاملاً بلعیده شد"



19. مکتوب وزارت حربیه انگلستان که در عملیات کوفته در جیب جسد تورن مارتين تقلبی گذاشته شده بود.

سرانجام وقتی قوای متحده‌ین در جزیره سیسلی پیاده شدند تنها با دو واحد مختصر قوای آلمانی روبرو گشتنند. درحالی که قوای المان در بالقان تجمع کرده و منتظر دفع حمله‌ای که هیچ‌گاه قرار عملی شدن نداشت ماندند، و آلمانها برای استحکام جزیره "سیسلی" نظر به همین نیرنگ که گفته‌آمد هیچ‌گونه آماده‌گی نگرفتند و در نتیجه جنگ جزیره "سیسلی" به شکست آلمانها و موفقیت رایگان متحده‌ین انجامید.

بعد از ختم جنگ وقتی داستان عملیات کوفته (گوشت کوبیده) بر ملاگشت فلمسازان در سال ۱۹۵۵ از روی همین عملیات استخاراتی فلمی ساختند و نامش را گذاشتند "مردی که هرگز وجود نداشت".

منابع:

- پنهانکاری‌ها، جواسیس و منابع جاسوسی انگلستان، اثر ستیفن تویگ، ایدوارد همپشیر و گراهام مکلین از ارشیف ملی حکومت انگلستان. چاپ اول سال ۲۰۰۸.
- سایت انترنیتی ویکی‌پیدیای لسان انگلیسی

فصل ششم

حمایت دولت امانی از قبایل سرحد و مبارزات آزادیخواهان هند

"برادران دلیر، شجاع، با شهامت و با غرور سرحدی من!

جد و جهد های شجاعانه بی که شما در مبارزه با دشمن دین و کشور خود کرده اید، هنوز در خاطره ام زنده اند. سوگند و عهد و پیمان شما برای حفظ آبرو و تنگ تان و عزت کشورتان که شما آنرا به بهای زندگی خود نجات دادید، تحسین مرا بر می انگیزند. دلیل اصلی منازعه بین من و جانب دیگر(انگلیس) حل مسئله سرحدات بوده است. بعد از مدت های طولانی، ما صلح مؤقتی را برای سه سال عقد نمودیم. آن هم به طوری که جانب مقابل ناگزیر گردید بالادستی مرا بپذیرد. من صاف و پوست کنده و واضح برای جانب مقابل روشن ساختم که مردمان ساکن در مناطق سرحدی، خویشاوندان هم خون من اند و باید آنان را با هیچ وسیله بی از من جدا کنند و تا زمانیکه آنها از رفتار جانب مقابل رضایت نداشته باشند، صلح قابل تصور نخواهد بود."

پیام اعلیحضرت امان اللہ خان

به قبایل سرحدی

قبایل سرحد بعد از جنگ استقلال

آغاز جنگ استقلال و اقدامات جنگی در سرحدات زمینه قیام تازه ضد انگلیسی قبایل سرحدی را بوجود آورد. فریزر-تیتلر، سفیر سابق انگلیس در کابل، در خاطرات خود اوضاع سرحدات را ارزیابی نموده مینویسد که "پس از آغاز جنگ سوم افغان، کنترول بریتانیا بر مناطق سرحدی ناپدید" گردید.²⁸⁸ لارڈ چلسفورد، نائب السلطنه هند، بی‌درنگ دست به اقدامات رزمی در سرحدات زد. او به روز کیپل، کمیشنر عالی ایالت سرحدی شمال غربی فرمان داد که برای جلوگیری از شورش قبایل از پخش پول صرفه نکنید.

چون بر اساس قرارداد صلحی که به تاریخ هشتم اگست ۱۹۱۹ در راولپنڈی عقد شده بود، سرزمین‌های قبایل پشتون سرحد آزاد در هند بریتانیوی ماند، لذا مبارزه آنها هم ادامه یافت. اینبار عمدت ترین مرکز قیام وزیرستان بود. وزیری‌ها و مسعودها با تکیه به کمک افغانها پیوسته بر سپاهیان انگلیسی یورش می‌بردند. نیروهای متعدد آن‌ها که شمارشان به پنجاه و پنج هزار (۵۵۰۰۰) میرسید، تا ماه نومبر ۱۹۱۹ بیش از دو صد (۲۰۰) نفر از قوای بریتانیوی را کشته و دو صد نفر دیگر را مجرح کردند.

قوای انگلیسی برای پایان دادن همیشگی به استقلال افواه وزیر و مسعود و ادغام قبایل آزاد در ترکیب حوزه‌های اداری خود با یک نیروی شصت و دوهزار (۲۲۰۰) نفری با پشتیبانی ۵۲ فروند طیاره جنگی به تاریخ ۱۷ نومبر آغاز به تهاجم نمودند. مگر مقاومت سرخтанه قبایل وزیرستان انگلیسی‌ها را وارد ساخت از این طرح ها صرف نظر نمایند. وضعیت سپاهیان بریتانیوی بسیار پیچیده و خطرناک بود. آنها پشت جبهه نداشتند و از هر سو روز و شب مورد شبیخون قرار می‌گرفتند. تنها طی سال ۱۹۲۰ بیش از ۲۱۱ حمله مسلحه بر واحد‌های انگلیسی انجام یافت. اکثر آشکرهای وزیر و مسعود ضربات شان را بر دشمن از خاک افغانستان وارد می‌کردند و سپس به سرعت پشت سر جنگجویان غیر منظم قبیلوی افغان پنهان می‌شدند.

جنگ سوم افغان و انگلیس و قیام‌های قبایل سرحد آزاد پالیسی لارڈ کرزن مبنی بر حفظ سرحدات هند بریتانیوی به کمک مليشیا یا شبه نظامیان قبایلی را با شکست مواجه ساخت. تنها مصارف اقدامات سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱ انگلیس‌ها علیه قبایل

وزیر و مسعود برای خزانه انگلیس به ۱۱۰ میلیون روپیه میرسید و درین هنگام اردوی آنها دوهزار (۲۰۰۰) نفر کشته و زخمی دادند.

حمایت دولت امنی از حقوق قبایل سرحد آزاد

بعد از عقد قرارداد صلح که به نفع دولت انگلیس تمام شد، یعنی از جمله سه شرط آزادی افغانستان، محافظه حقوق قبایل سرحد، و گرفتن غرامت جنگی، تنها شرط اول آن توسط انگلیس‌ها قبول شد، مبارزین سرحد جنگهای گوریلائی را ادامه دادند. افغانستان به پناه گاه آنها تبدیل شد. دولت افغانستان از آنها حمایت کرد، و با تمام مردم سرحد علیق جدی خود را حفظ نمود.²⁸⁹

دور دوم مذاکرات افغان و انگلیس (۱۷ اپریل تا ۲۴ جون ۱۹۲۰) به رهبری محمود طرزی²⁹⁰ و هنری دابس در میسوری (منصوری) دائر شد. درین مذاکرات هم روی موضوعات مربوط به قبایل سرحدی و قایم ساختن روابط سیاسی بین دو کشور صحبت شد، اما طرفین به موافقت نهائی نرسیدند. در اپریل هنری دابس از جریان مذاکرات آمده است که "در روز اول اجلاس به تاریخ ۱۷ اپریل ۱۹۲۰، محمود طرزی خواهان وضاحت پالیسی انگلیس‌ها در رابطه با مسئله اقوام سرحد بحیث دومنی مسئله مهم مذاکرات شد. و بعد از آن جنral غلام محمد، یکی از اعضای هیئت، ما را متمم ساخت که از آن شرط علی احمد خان در کنفرانس راولپنڈی چشم پوشی کرده ایم که در آن گفته شده بود که در دوران صلح آزمایشی شش ماهه قلاش حمله بر اقوام سرحدی صورت نخواهد گرفت".²⁹¹

دور سوم مذاکرات که بعد از رسیدن هیئت نمایندگی انگلیسی تحت رهبری هنری دابس (۱۰ جنوری ۱۹۲۱) در کابل آغاز شد بالاخره در اوخر سال به تاریخ ۲۲ نومبر ۱۹۲۱ به امضای معاهده انجامید که استقلال داخلی و خارجی افغانستان را تضمین و زمینه را

²⁸⁹. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۷)، صفحات ۷۸۴ و ۷۸۵.

²⁹⁰. اعضای هیئت افغانی عبارت بودند از عبدالهادی خان داوی (نائب رئیس هیئت)، غلام محمد خان وزیر تجارت، دیوان نرنجداس، پیر محمد خان تره خیلی، غلام صدیق خان چرخی و هیئت تحریریه شامل میرزا غلام معروف خان محاسب وزارت خارجه، میرزا باز محمد خان منشی وزارت خارجه و میرزا محمد نعیم خان منشی وزارت تجارت.

²⁹¹. تلگرام شماره ۷ مؤرخ ۲۰ اپریل ۱۹۲۰ هنری دابس به وزیر امور خارجه برای حکومت هند بریتانیا.

برای تبادله نمایندگان سیاسی بین کابل و لندن مساعد ساخت. اما این معاهده مشکلات سرحدات آزاد را حل نکرد. تنها در مکتوب رسمی ضمیمه معاهده، هنری دابس راجع به مسئولیت سرحدات عنوانی وزیر خارجه، محمود بیگ خان طرزی، نوشت که "چون احوال اقوام سرحدی هر دو دولتین، سبب اندیشه دولت علیه افغانستان است، دولتدار آن مشق مهربان را مطلع میداریم که دولت بر قانیه خیالات نیک نیتی به تمام اقوام سرحد دارد، و بهر طریق نیت دارد که رفتار مروتانه با ایشان میکند، مشروط برینکه از چپاول ها برخلاف اتباع بر قانیه دست بردار شوند. امید است که این مکتوب باعث تسلي و اطمینان خاطر آن مشق مهربان باشد".²⁹²

سنzel نوید²⁹³ مینویسد که "بعد از جنگ استقلال، موضوع وحدت دوباره پشتوانها یک امر مهم سیاسی در سطح دولتی شد. امان الله خان که شجاعت خویش را به صفت مرد عمل (خصوصیتی که پشتوانها بسیار به آن ارج می نهادند) ثابت ساخته بود، حمایت رو حانیون و قبایل قدرتمند ولایت مشرقی را بدست آورد.

سنzel نوید می افزاید که "معلوم است که رژیم نمیتوانست موضوع توحید مجدد قبایل را بدون براه انداختن جنگ دیگری با انگلیسها تصفیه کند. یکانه راه این بود که شورشای ضد انگلیس را در منطقه به صورت پنهانی با تقویت روحی و کمک های مالی تشویق نموده قیام پشتوانها را به حرکت وسیعتری، یعنی همبستگی اسلامی یا پان اسلامیزم، مربوط سازد.

غازی امان الله خان بعد از عقد قرارداد با انگلیس ها پیام ذیل را عنوانی قبایل سرحدی فرستاد:

"برادران دلیر، شجاع، با شهامت و با غرور سرحدی من!

جد و جهد های شجاعانه بی که شما در مبارزه با دشمن دین و کشور خود کرده اید، هنوز در خاطره ام زنده اند. سوگند و عهد و پیمان شما برای حفظ آبرو و ننگ تان و عزت کشور تان که شما آنرا به بھای زند گی خود نجات دادید، تحسین مرا بر می انگیزند. دلیل اصلی منازعه بین من و جانب دیگر (انگلیس) حل مسأله سرحدات بوده است.

بعد از مدت های طولانی، ما صلح مؤقتی را برای سه سال عقد نمودیم. آن هم به طوری که جانب مقابل ناگزیر گردید بالادستی مرا بپذیرد. من صاف و پوست کنده و واضح برای جانب مقابل روشن ساختم که مردمان ساکن در مناطق سرحدی، خویشاوندان همخون

²⁹². مکتوب مؤرخ ۲۲ نومبر ۱۹۲۱ عیسوی مطابق ۳۰ عقرب ۱۲۰۰ شمسی.

²⁹³. نوید، سنzel / ترجمه مجددی، نعیم (۱۳۸۸)، ص ۷۳.

من اند و نباید آنان را با هیچ وسیله‌یی از من جدا کنند و تا زمانیکه آنها از رفتار جانب مقابل رضایت نداشته باشند، صلح قابل تصور نخواهد بود. در طول سه سال آینده، دشمن ما باید ثابت کند که آیا میخواهد به طور جدی و صادقانه با من در صلح زندگی کند یا نه؟ اگر دشمن به قول خود وفادار بماند و صادقانه مطالبات مرا انجام دهد، صلح پایدار خواهد بود. در غیر این صورت، ما دو باره جرگه‌یی را برای اتخاذ تصمیم درباره اقدامات بعدی خود برگزار خواهیم کرد.

بنابر این، من از شما خواهش میکنم در طول این سه سال، روابط مسالمت‌آمیزی با دشمن داشته باشید و مناسبات تان با یک دیگر در میان خود تان باید مانند برادر دوستانه باشد. از بارگاه پروردگار رفاه و سعادت شما را استدعا دارم. آرزومندی، مقصد و وظیفه من این است که برای بهبود شرایط زندگی تان بکوشم. بر افراد شریعه باد در فرش افغانستان! اعلیحضرت امان الله خان²⁹⁴.

شادروان غبار مینویسد «بعد از آنکه معاہده کابل بین افغانستان و انگلیس امضاء شدو اوضاع به حال عادی برگشت، مجدداً سیاست اصلی افغانستان و مردم آزادی خواه سرحدات آزاد با سیاست استعماری انگلیس بالای مسئله سرحدات آزاد در تصادم آمد و این مصادمه سالها طول کشید تا دولت امپانیه در افغانستان، و بعد ها سیادت دولت انگلیس در هندوستان پایان یافت، معهذا قضیه سرحدات آزاد حل نشد و کشمکش تازه با "وارث" انگلیس "دولت پاکستان" آغاز یافت و هنوز دوام دارد و بدون تردید تا نفوذ خارجی درین منطقه معذوم نگردد، این تقاضت و مبارزه دوام خواهد کرد».²⁹⁵

غبار علاوه میکند که "مطبوعات کشور نیز به یک مبارزة قلمی دست زده و از آزادی سرحدات آزاد دفاع مینمود.

غازی امان الله خان در سال ۱۹۲۳ هم از سرحدات شرقی کشور بازدید نمود و در جلال آباد جرگه بزرگی به شمول نمایندگان سرحدات آزاد تشکیل و قضیه سرحد را مطرح کرد، و هم از ادان کمک مادی دریغ نه نمود. مبارزات سرحد شدت یافت، و احتجاج‌های انگلیسی به ادرس افغانستان شروع شدند.

²⁹⁴. تیخانف، داکتریوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰)، ضمیمه اول، سند شماره یک.

²⁹⁵. غبار، میرغلام محمد (۱۳۷۷)، ص ۷۸۴.

جرگه بزرگ تاریخی هدۀ جلال آباد

این اولین گرد همایی بزرگ تاریخی، که بنام جرگه تاریخی اتحاد مشرقی نیز نامیده شده است، بعد از استرداد استقلال افغانستان در دهم ماه دلو سال ۱۲۹۸ مطابق با ۳۱ جنوری ۱۹۲۰ در زیارت ملای غازی نجم الدین آخندزاده، واقع منطقه تاریخی هدۀ جلال آباد، به امر غازی امان الله خان، اهتمام و همکاری غازی میرزمان خان کنری تحت ریاست سپه سالار محمد نادر خان دائئر شد. درین جرگه بزرگ حدود پنج هزار (۵۰۰۰) تن از بزرگان قومی و ریش سفیدان هردو طرف سرحد، علما، سادات، مشايخ و اهالی مناطق لغمان، ننگرهار و کنرها شرکت ورزیدند. هدف این جرگه تحکیم اتحاد و همبستگی بین قبایل هردو طرف سرحد، دفاع از استقلال، آزادی، تمامیت ارضی و آبادی کشور بوده و در آن به انگلیس‌ها اختهارداده شد تا از مداخله در امور داخلی افغانستان و تحریکات مخربانه در سرحدات کشور ابا ورزد، ورنه یکبار دیگر با خشم و مقاومت اقوام و قبایل دلیر افغان روبرو خواهد شد.

راپور شماره هفتم شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی در رابطه با این جرگه حاکیست که ملک میرزمان خان کنری پیغام‌های به سران قومی با جور و دیر فرستاده و خودش با ملک محمد امین مهمند، نماینده چارمنگ زرور خان و یک جرگه از باجور بطرف جلال آباد حرکت نموده است... گرچه هدف این جرگه با اقوام سرحد روشن نیست، اما محتاطانه تنها در رابطه با فواید وحدت مسلمین و روابط برادرانه که باعث همبستگی اقوام با افغانستان می‌شود، صحبت می‌شود.

یک راپور بعدی استخبارات انگلیس از نشر اولین شماره جریده اتحاد مشرقی در جلال آباد اطلاع داده، و به نقل از آن خلاصه راپور جریان جرگه هدۀ را که در آن درفش های به اقوام ننگرهاری و سرحدی داده شد، گزارش داده، فیصله‌های جرگه را چنین خلاصه می‌کند:

1. اقوام سرحد با افغانها دارای نژاد، دین و عنعنات واحد بوده، هیچ دلیلی وجود ندارد که تحت کنترول بیگانگان باشدند.
2. اگر قلب و یا کدام عضو خلافت جراحت بردارد، ما نمیتوانیم از اقداماتی که برای مالازم است، خود داری کنیم.
3. پارس باید آزاد و مستقل باشد و هیچ دولت خارجی نباید در امور آن طوری مداخله نماید که با ثبات آن مغایرت داشته باشد.

۴. با هند علایق تجاری و سیاسی زیادی موجود است که حالا باید آنرا حل و فصل نمائیم.

برای رسیدن به تمام این اهداف، ایجاد یک جبهه مشترک تمام افغانها اهمیت اساسی دارد. تمام شرکت کنندگان این جرگه تعهد سپردند که حاضراند جانهاشان را در راه وطن فدا کنند، و در راه حفظ درفش‌های وحدت ملی خواهند کوشید.

تأسیس و نشر جریده اتحاد مشرقی

جریده اتحاد مشرقی در ماه مارچ ۱۹۲۰ / حوت ۱۲۹۸ تأسیس و تا سال ۱۹۲۵ / ۱۳۰۴ شمسی برای شش سال در مطبوعه جلال آباد، مرکز ولایت مشرقی هفتاد و روز به روز های شنبه و چهارشنبه به تیراژ ۵۰۰ - ۱۰۰۰ شماره نشرات داشت. صاحب امتیاز این جریده که مقارن با جرگه بزرگ هده تأسیس شده بود، رئیس تنظیمیه مشرقی بود²⁹⁶.

هدف نشرات جریده اتحاد مشرقی، مطابق به تصامیم جرگه بزرگ هده، ایجاد وحدت قبایل سرحد، به شمول قبایل آنطرف خط تحملی دیورند بود. محتوی این جریده را ترجمه پشتوى مطالب "امان افغان"، اخبار داخلی و خارجی، مقالات و اشعار دلچسب تشکیل می‌داد. به گفته ظفر حسن آییک که برای مدتی با این جریده همکاری داشته است "بخش خبرهای خارجی اکثرًا به اوضاع هندوستان و شورش‌های مردم و نهضت ملی ایکه در ترکیه بعد از جنگ اول جهانی سر برآورده بود، ارتباط می‌گرفت".²⁹⁷

جریده اتحاد مشرقی با جراید و نشرات آتی همکاری و ارتباط داشته است:

- روزنامه‌های زمیندار از لاهور، اخبار پیسه از لاهور، همدماز دهلی، سیاست از لاهور، و روزنامه عوام از لاهور.
- جراید صداقت از لاهور، وکیل از امرتسر، مسلمان از کلکته، دستور از شیرکلات رو خیلخند، و مدینه زبیجنور که هفتاد و بار نشر می‌شدند.
- نشرات هفتگی اقبال از مراد آباد، امان افغان از کابل، رهنما از مراد آباد، و تحفه هند از زبیجنور.

²⁹⁶. چون رئیس تنظیمیه آنوقت مشرقی سپه سالار محمد نادر خان بود، در سالنامه کابل که شماره اول آن در آخرین سال سلطنت محمد نادر خان به چاپ رسید، مؤسس این جریده محمد نادر شاه غازی نامیده شده است.

²⁹⁷. خاطرات ظفر حسن آییک (۲۰۰۳)، ص ۲۳۱.

- نشریه دو هفتگی اهل سنت و جماعت از امرتس.
- نشرات ماهانه معارف- معارف از کابل و رساله آفتاب از راجپوتانه.²⁹⁸

تلاش‌های دیپلماتیک حمایت از اقوام سرحد آزاد

دولت امانی بعد از خودسری و اشتباہ رئیس مذاکرات صلح در راولپنڈی به تلاش‌هایش برای حمایت از حقوق قبایل سرحد ادامه داد. غازی امان اللہ خان به تاریخ پنجم نومبر ۱۹۱۹ (که هنوز سه ماه از عقد قرارداد صلح نگذشته بود) طی مکتوبی به همیلتون گرفت، که تازه از وزارت خارجه تبدیل و بحیث کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی هند بریتانی تعيین شده بود، موضوع سرحد آزاد را مطرح ساخته نوشت که "مسئله سرحد خیلی مهم و حیاتی بوده مانند خلیج عمیقی بین دوستی دو حکومت ما قرار گرفته، قابل توجه عمیق میباشد... طوری که شما نیز میدانید، معضله مشکل سرحد مشترک و اقوام آن مهم و حساس میباشد، اما در حال حاضر، اگر حسن نیت و رفاه انسانی در نظر گرفته شود، این معضله آسان و به آسانی حل شده میتواند. لذا باید برای صلح دائمی و پایدار، که تنها آرزوی مردم بزرگ متمدن است، قدم‌های ابتدائی برداشته شود".²⁹⁹

غازی امان اللہ خان همچنان یک ماه بعد طی مکتوبی به تاریخ ۹ دسمبر ۱۹۱۹ به چلسیفورد، نائب السلطنه هند بریتانی خواهان حل معضله سرحد و مسائل تجاری شد.³⁰⁰

به تاریخ ۱۰ فبروری ۱۹۲۰ غازی امان اللہ خان یکبار دیگر با صراحت خواهان حل و فصل قضیه سرحدات آزاد شده و به نائب السلطنه هند بریتانی اطلاع داد که با بیداری جهان اسلام، میلان تمام قبایل برای بدست آوردن حقوق شان به سرعت در حال توسعه است. غازی امان اللہ خان افزود که بعضی از شرایط قرارداد صلح راولپنڈی با استقلال افغانستان تناقض دارد. طور مثال انقلابیون هندی، به نظر وی، خارجی‌های متخاصم

²⁹⁸. شماره بیست پنجم جلد اول اتحاد مشرقی ۵ جوزای (۱۲۹۹ می ۱۹۲۰) به حواله ضمیمه شماره اول یادداشت شماره ۲۴ دفتر استخارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتة ۱۰ جون ۱۹۲۰.

²⁹⁹. استناد محترمانه ارشیف هند بریتانی، مکتوب محترمانه شماره ۱۰۹۸، ۱۹ نوember ۱۹۱۹ گراند به سکرتور خارجہ حکومت هند بریتانی ³⁰⁰. همانجا.

نه، بلکه مهمانان حکومت‌وی میباشند. غازی امان‌الله خان در رابطه با توجیه مناسبات افغانستان با اتحاد جماهیر شوروی نوشت که افغانستان میتواند با هر حکومتی که به جامعه اسلامی ضرری نرساند روابط دوستانه قایم کند، و از آن برای پیشرفت و توسعه کشورش کمک بگیرد.³⁰¹

انگلیس‌ها حقیقت موضع غازی امان‌الله خان را در رابطه با قبایل سرحد آزاد میدانستند. آنها معتقد بودند که اقوام سرحد برای افغانستان از نظر نظامی حیثیت خط اول، دوم و سوم دفاعی را داشته، نمیخواهد آنرا از دست دهد.

همچنان اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی ای حاکیست که هم محمود طرزی، وزیر خارجہ افغانستان، و هم خود غازی امان‌الله خان نسبت بمباران وزیرستان توسط توپخانه و طیارات انگلیس رسماً احتجاج نموده‌اند. محمود طرزی در احتجاجیه رسمی خود با اظهار ناخوشنودی و درد نوشت که مطابق ماده ۱۱ قرارداد باید قبل از عملیات نظامی به دولت افغان اطلاع داده میشود. سفیر انگلیس از کابل طی تلگرافی اطلاع داد که جریدة "اتحاد مشرقی" در یک مقاله بسیار خشونت‌آمیز حمله انگلیس‌ها بر وزیرستان را محاکوم کرده است. همزمان با آن در رابطه با جنگ و بمباردeman شدید در وزیرستان یک یادداشت احتجاجیه توسط سفیر افغانستان در لندن به وزارت خارجہ آن کشور سپرده شد. درین یادداشت آمده است که من به نمایندگی از حکومت و ملت افغان به دلایل بی عدالتی، تخطی از ماده ۱۱ قرارداد ۲۱ نوامبر ۱۹۲۱ بین دو کشور و نامه ضمیمه‌این قرارداد، و حمله مستقیم بر روحیه ملیت افغان، این عمل را تقبیح میکنم.³⁰²

فرستادن حاجی عبدالرازق خان اندب به وزیرستان

انگلیس‌ها با استفاده از دست آورده بزرگ شان، یعنی متارکه جنگ و معاهده صلح با افغانستان، فرصت را غنیمت دانسته خواستند اقوام سرحدی، بخصوص اقوام ساکن وزیرستان را که در جنگ استقلال افغانستان تلفات شدیدی را بر قوای انگلیسی وارد کرده بودند، مورد حملات شدید قرارداده از افغانستان جدا سازند.

³⁰¹. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، سند شماره ۳۵۳.

³⁰². اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، L/P&S/20/B288، P94

دولت امانی برای حمایت همه جانبه از اقوام درگیر در جنگ و ایجاد یک مرکزیت قبایلی در جنوری ۱۹۲۰ حاجی عبدالرازق خان اندر، یکی از مبارزین سرسخت و آشتب ناپذیر ضد انگلیس را به وزیرستان فرستاد، و سیاست‌آعلامیه صادر کرد که گویا او با فرزند ۲۱ ساله اش عبدالرحیم از افغانستان فرار کرده است. حاجی عبدالرازق خان بعد از ملاقات با شاه محمود خان که در آن‌مان بحیث جنرال ملکی و نظامی سمت جنوبی ایفای وظیفه مینمود، از گردیز بسمت "نیزنه" حرکت و همکاری ملا عبد‌الغنى علی خیل را، که در مناطق قبایلی رسوخ زیاد داشت، بدست آورد. حاجی عبدالرازق خان توانست که در اثر کمکهای مالی و حمایت رژیم کابل و همچنان کمک ملا حمز الله، ملا فضل الدین پاوندہ از قوم مسعود، وزیرستان را به مرکز فعالیت‌های ضد انگلیس مبدل سازد.³⁰³

به گفته جنرال یارمحمد خان وزیری، یکی از شاهدان عینی، حاجی عبدالرازق خان از طرف جرگه بزرگ قومی لقب رئیس المjahدین را گرفت. او برای مقابله و مقاومت منظم با انگلیس‌ها، از مجاهدین قبایلی غندها، کندک‌ها و بلوک‌های منظم و منسجم ساخت که شبیه به تشکیلات منظم و منسجم یک اردوی دولتی بود.³⁰⁴ دولت امانی نه تنها فعالیت‌های حاجی ملا عبدالرازق خان را تمویل میکرد، بلکه به‌وی‌هدايت و مشوره لازم نیز میداد، که از دو سند آتنی به روشنی هویداست:

نقل فرمان شاه غازی امان الله خان به حاجی ملا عبدالرازق خان

"مؤرخ ۲ میزان ۱۲۹۹ ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۰"

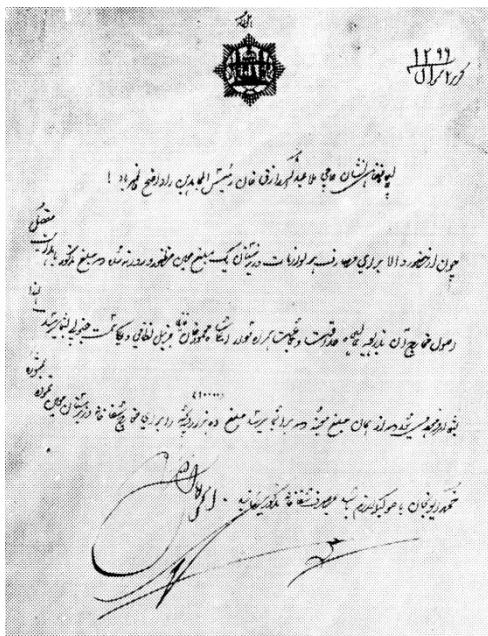
عالیجاه فضائل نشان حاجی ملا عبدالرازق خان رئیس مجاهدین را واضح خاطر باد !
چون از حضور والا براي مصارف همه لوازمات وزيرستان يك مبلغ معين منظور و روانه شده که مبلغ مذكور با هدايت مفصل اصول مخارج آن بذریعه عالیجاه صداقت و شجاعت همراه سردار اعلی شاه محمود خان غازی جرنیل نظامی و ملکی سمت جنوبی به شما میرسد.

³⁰³. ظلمی، محمد ولی (۱۹۷۷)، صفحات ۹۲-۹۴.

³⁰⁴. وزیری، یارمحمد خان (۲۰۰۰/۱۳۷۹)، ص ۱۱۳.

لذا بشما امر فرموده می شود از همان مبلغ معینه که برای شما میرسد مبلغ ده هزار روپیه پخته را برای مخارج شفاخانه وزیرستان معین نموده به مشوره محمد ایوب خان به اصولی که لازم باشد به مصرف شفاخانه مذکور میرسانید.

امیر امان الله



20. فرمان غازی امان الله خان به حاجی ملا عبدالرازق خان

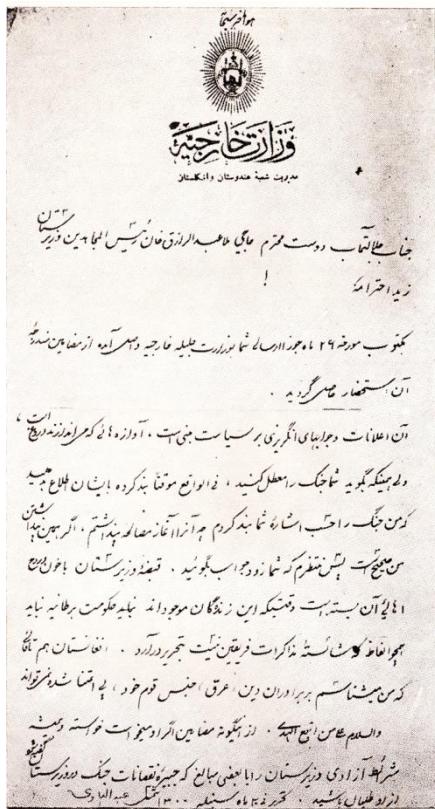
باشان اطلاع بدھید که من جنگ را حسب اشاره شما بند کردم چہ آنرا آغاز مصالحه پنداشتم اگر همین پند اشتن من صحیح است پس منتظرم که شما زود جواب بگوئید. قبضه وزیرستان با خون و روح اهالی آن بسته است. وقتیکه این زندگان موجود اند حکومت برطانیه نباید همچو الفاظ که شایسته مذاکرات فریقین نیست بتحریر درآورد. افغانستان هم تا جاییکه من می شناسم برباران دین، عرق، جنس و قوم خود بی اعتنا شده نمیتواند والسلام علی من التبع الهدایا. ازینگونه مضامین اگر او میخواست خواسته و همیشه شرایط آزادی وزیرستان را با بعضی مصارفی که جبیره نقشانات

نقل مکتب عبدالهادی خان از وزارت
خارجه به حاجی عبدالرازق خان
مؤرخ ۳۰ ماه سپتامبر ۱۳۰۰ سپتامبر
۱۹۲۱

"جناب جلالتمآب دوست محترم
حاجی ملا عبدالرازق خان رئیس
المجاهدین وزیرستان زید احترامه !

مکتوب مؤرخه ۲۲ ماه جوزا ارسالی
شما بوزارت جلیلیه خارجه واصل
آمده از مضامین مندرج آن
استحضارات حاصل گردید. آن
اعلانات و جواب‌های انگریزی
برسیاست مبنی است. آوازه‌های که
می‌اندازند دروغ است ولی
همینکه بگوید شما جنگ را معطل
کنید، فی الواقع موقتاً بند کرده

جنگ در وزیرستان گفته شود آزاو طلبان باشید تحریر ۲۰ سنبلاه ۱۳۰۰ شمسی
عبداللهادی "



21. مکتب وزارت خارجه به حاجی عبدالرازق خان

باشد که سرزمین اسلام را بدون دریافت کمک از طرف مسلمانهای جهان حفظ کند، بر هر مسلمان واجب است که او را با هرگونه وسایل ممکن‌ه کمک نموده بر علیه دشمن اسلام به جنگ قیام نماید.³⁰⁵

دستگاه استخبارات انگلیس از فعالیت های حاجی عبدالرازق خان باخبر بوده و از همکاری دولت افغانستان اطلاع داشته‌ند. در یکی ازین اعلامیه‌ها مولوی عبدالرازق خان به همه پیروان اسلام در هند، بالخصوص به آن‌های که مستخدمین دولت بودند، توصیه نمود که بر علیه سیاست انگلیس قیام نمایند:

شما همه از حالت خلیفه المسلمين، که تحت نظارت انگلیسها در قسطنطینیه قرار دارد، آگاه هستید. ولی آیا میدانید که عنوان خلیفه المسلمين به کی اطلاق میشود؟ در هر عصری باید خلیفه ای موجود باشد که مطابق به شریعت اسلام اطاعت ازوی و کمک به وی وظیفه دینی هر فرد مسلمان میباشد. مسلمانی، که از اطاعت خلیفه، مسلمین رو گرداند، از دایرة اسلام خارج میشود. شما باید آگاه باشید که هرگاه خلیفه المسلمين توسط یک دشمن قوی و قدرتمندی محاصره شود و خلیفه خود قدرت آنرا نداشته

³⁰⁵ اسناد آرشیف هند پستانت، L/P&S/10/1019, P. 1789, Feb. 10, 1922.

مقامات انگلیس ابلاغیه‌های حاجی عبدالرازق خان را همراه با کاپی مراسلات دیگر، که شمولیت مأمورین افغانی را در فعالیت‌های وزیرستان ثابت میکرد، به سفارت انگلیس در کابل ارسال کردند.³⁰⁶ احتجاج‌های پیهم آنها رژیم امانی را مجبور ساخت که به درخواستهای پیهم آنها برای اخراج ملا عبدالرازق خان از وزیرستان موافقت نماید.

307

هرچند فعالیت‌های ضد انگلیس در نواحی قبایلی مخصوصاً به دلیل دور ساختن حاجی عبدالرازق خان از وزیرستان تقلیل یافت، مگر کاملاً از بین نرفت. حکومت افغانستان به حمایت و کمکش به قبایل ادامه داده و آنها را در مبارزات شان به مقابل انگلیس کمک میکرد. بهمین علت رهبران بسیار متند مذهبی در مناطق قبایلی آن طرف سرحد، مانند حاجی ترنگزی، تا آخریه غازی امان الله خان و فدار مانندند.

حمایت از آزادیخواهان در مرکز مجاهدین چمرکند

چمرکند یک قریه کوچک سرحدی نزدیک منطقه مومند و سرکانی کنراها میباشد که در آن از قبل یک پایگاه مجاهدین و آزادیخواهان هندی وجود داشت. تجمع مجاهدین هند در چمرکند و امتزاج اهداف عناصر ضد انگلیس، یعنی انقلابیون هند، ملی گرایان افغانستان، ترکان جوان، علمای ضد انگلیس و شیوخ طریقت در این ناحیه، چمرکند را به یک مرکز سیاسی مهمی تبدیل کرده بود. دولت امانی ازین مرکز حمایت مادی و معنوی نموده و زمینه نشر یک اخبار معروف به نام "المجاهد" راهم آماده میساخت. اخبار المجاهد که بار اول در ۱۹۲۲ م به لسان‌های دری و اردو به مدیریت محمد یاسین و رهنمائی مولوی محمد بشیر به نشرات آغاز نمود، بعداً به لسان پښتو نیز نشرات مینمود.

طوری که جراید ضد استعمار انگلیسی زمیندار، کامرید، الهلال، همدرد، ترجمان و غیره که از نشرات سراج الاخبار استفاده میکردند؛ جریده "المجاهد" از چمرکند نیز مقالات و مطالب جریده "امان افغان" افغانستان را نقل نموده و از سیاست انگلیس‌ها در کشورهای شرقی انتقاد مینمود. درین نشریه مسلمانان هند به سهمگیری در مبارزات

³⁰⁶. اسناد آرشیف هند بریتانی، L/P&S/10/1019, P2754, 1922, June 14, 1922

³⁰⁷. اسناد آرشیف هند بریتانی، P 1753/1922, telegram from the viceroy to the secretary of state for India, Apr. 27,- 1922

مسلحانه ضد انگلیسی دعوت میشدند. مقامات انگلیسی از نشر مقالات علمی و معلومات تازه درین جریده حیران بوده میخواستند بدانتند که مولوی بشیر این همه معلومات دارای اهمیت بین المللی را از کجا بدست می آورد.³⁰⁸

جریده المجاهد توسط ماشین "رونیو" که از کابل آورده شده بود و در یک وقت ۲۲ کاپی پاک را تولید میکرد، تهیه میشد. از راپورهای استخباراتی آنوقت انگلیس‌ها معلوم میشود که آنها میکوشیدند از پخش نشرات المجاهد جلوگیری نموده و شماره‌های زیاد آنرا در وزیرستان و مناطق دیگر بدست اورده، ازبین برند.

حمایت از پان اسلامیزم و جنبش خلافت مسلمانان هندی

از آغاز جنگ جهانی اول علایق مشترک، مسلمانهای هندوستان، ملی گرایان افغانستان، و پان اسلامیست‌های ترک را به مقابل انگلیسها متحد ساخته بود. آگاهی مربوط به اخوت و وحدت اسلامی از طریق مقالات هیجان‌آور سراج الاخبار در اثنای جنگ گسترش مییافت، و نشرات دیگری از قبیل "الهلال" و بعد از آن "البلاغ" که در کلکته توسط ابو لکلام آزاد منتشر میشد، "زمیندار" که شدیداً علیه انگلیس بود و در لاھور توسط ظفر علی خان منتشر میشد، "کامرید" بزبان انگلیسی و "همدرد" به زبان اردو که در دهلی توسط محمد علی بنشر میرسید، و خاصتاً روزنامه فارسی زبان "حبل المتین" که در کلکته هندوستان نشر میشد، در گسترش احساسات اسلام‌گرائی عمومی (پان اسلامیزم) در افغانستان کمک نمودند. جنگ استقلال و پیروزی افغانها با بروز احساسات شدید ضد انگلیس در سراسر جهان اسلام و شیوع پان اسلامیزم به حیث یک نیروی سیاسی همزن بود.³⁰⁹

حمایت از جنبش پان اسلامیزم برای ضعیف ساختن نفوذ انگلیس‌ها

پان اسلامیزم و اسلام‌گرائی جهانی به مفهوم همبستگی اسلامی یک جنبش سیاسی خواهان وحدت مسلمین تحت یک دولت اسلامی یا خلافت بود. نمونه یا مدل خلافت، اولین سیستم دولت اسلامی در صدر اسلام و دوران خلفای راشدین بود که از وحدت سیاسی جامعه اسلامی نمایندگی میکرد، یعنی یک جامعه سالم و نیرومند در یک دولت واحد.

³⁰⁸. زمانی، عبدالرحمان (۲۰۱۰)، صفحات ۷۴-۷۵.

³⁰⁹. توید، سنzel / ترجمه مجددی، نعیم (۱۳۸۸)، ص ۷۷.

علامه سید جمال الدین افغانی (۱۸۳۸ تا ۱۸۹۷) بنیان‌گذار و پیشوای پان اسلامیزم بود. سید برای مقاومت در برابر اشغال استعماری سرزمین‌های مسلمانان، خواهان وحدت بین مسلمین بود، و خواهان سرنگونی آنده از حکمرانانی بود که از خارجی‌ها فرمانبرداری میکردند. او میخواست مردان قوی و میهن‌پرست جایگزین شان شوند.

در دوران جنگ جهانی اول هنگامیکه ترکیه به مقابل امپراتوری انگلیس و متحدینش به پشتیبانی از جرمنی وارد جنگ شد، احساس همبستگی و اتحاد در جهان اسلام یکبار دیگر تقویت یافت. حتی مفکرۀ احیای مقام خلافت توسط سلطان عبد‌الحمید دوم، سلطان ترکیۀ عثمانی، و مبارزات ترک‌های جوان بنام جنبش خلافت حمایت قوی را برای حفظ مقام خلافت در شبۀ قاره هند و افغانستان تولید کرد. ملی گرایان و علمای دینی از دعوت سلطان عبد‌الحمید دوم برای جهاد نه تنها بخارطی استقبال نمودند که ترکیه مرکز خلافت بود و مسلمانهای اهل تسنن در دفاع از آن احساس مسئولیت میکردند، بلکه این استقبال برای اتحاد با قوتهای دیگر اسلامی به مقابل متحدین نیز بود و این کار میتوانست تلاش افغانستان را برای آزادی کامل از نفوذ انگلیس‌ها تقویت بخشد.³¹⁰

هر چند رسیدن هیئت نمایندگی مشترک ترکیه و آلمان، تحت ریاست او سکار نیدرمایر که در آن برکت الله و راجا مهندرا پرتاپ³¹¹، دوتن از انقلابیون هندی ایکه بعد ها حکومت مؤقتی جلای وطن هند را در کابل تشکیل دادند، با پیام امپراتور و صدراعظم آلمان، نتوانست امیر حبیب الله خان را به جنگ تشویق کند، درین دوران محمود طرزی، یکی از پیروان علامه سید جمال الدین افغانی و ناشر جریده سراج الاخبار، با عده‌ای از ملی گرایان کوشید تا از طریق انتشار مضامینی بین ملت گرائی و تفکر اسلامی نزدیکی ایجاد نماید. سراج الاخبار با بازنمودن مجرای بیداری شور سیاسی برای

³¹⁰. نوید، سنتزل / ترجمه مجددی، نعیم (۱۳۸۸)، ص ۴۲.

³¹¹. راجامهندرا پرتاپ، (۱۸۸۲-۱۸۷۷) از رهبران جنبش رهایی بخش ملی هند، در سال ۱۹۱۴ از هند برآمد و در همین سال با قیصر- ویلهلم دوم دیدار کرد. سال بعد با سلطان ترکیه- محمد پنجم ملاقات نمود. او هم مانند برکت الله عضو هیات نیدرمایر- هینتیگ بود. راجامهندرا پرتاپ به سال ۱۹۱۵ به سمت ریس جمهور "حکومت موقت هند" تعین شد. در سال‌های ۱۹۱۸- ۱۹۱۹ در روسیه شوروی به سر برد و پس از جنگ جهانی دوم دو باره به هند بازگشت.

مردم ابتکار تبلیغ و جلب کمک برای ترکیه عثمانی و حرکت پان اسلامیزم را عهده دار گردید.

بی جهت نبود که نائب السلطنه هند بریتانوی در نامه ۱۴ دسمبر خود به امیر حبیب الله خان نوشت: "اطلاع یافته ام که روزنامه‌ای بنام سراج الاخبار، که در کابل منتشر می‌شود، به پیمانه زیادی حاوی مطالب نادرست و تخریب کننده در رابطه به جنگ جاری اروپامی باشد. مطالب این اخبار بجز از اینکه اثرات نادرستی در ذهن خواننده خلق نماید، در باره پیشرفت این جنگ و عللی که دولت بریتانیا را به این جنگ کشاند، کاری انجام داده نمی‌تواند. من کاملاً مطمئن هستم که این روزنامه به هیچ صورت زبان رسمی دولت معظم له نبوده و اصلاً از احساسات عالیه دولت همایونی و اعلیحضرت شما نمایندگی نخواهد کرد. بنظر من کاملاً نامطلوب و ناخوش آیند خواهد بود اگر این اخبار به وضع موجوده در هندوستان منتشر شود، زیرا هم با مقالات نادرست خود این فکر را که نوشه‌های آن نمایندگی از احساسات عالیه دولت شما می‌کند، نآرامی زیادی در اذهان مردم نا‌آگاه تولید می‌کند و چنان نشان میدهد که گویا روابط حضور اعلیحضرت شما و اینجانب چنانیکه باید و یا به حدی که من امیدوار هستم دوستانه نیست. یقین خواهید داشت که اینجانب کوچکترین تمایلی برای مداخله در هیچ امری از امور داخلی افغانستان ندارم، ولی به صفت یک دوست به اعلیحضرت شما مشورت میدهم و خواهشمندم که تصامیمی اتخاذ شود که یا این روزنامه را توقيف کنند و یا در لحن موجوده، آن تغییر بیاورند".³¹²

بعد از آنکه امیر حبیب الله خان با سیاست بیطرفی و اطاعت از دستیر انگلیس‌ها آزادیخواهان کشور را خشمگین ساخت، نائب السلطنه هند به تاریخ سوم مارچ ۱۹۱۵ خوشنودیش را اظهار داشته نوشت که "خوشحالم از اینکه اعلیحضرت شما با وجود چنان عوامل مؤثر نفوذی که در قلمرو تان در کاربوده، توانسته اید با استواری و به تدریج یک سیاست بیطرفی را، که به دولت شاهنشاهی بریتانیا خبر داده بودید، تعقیب کنید. من شواهدی از حضور عاملانه حضور شما بر خطابه‌های نرم ملاها در امتداد سرحد و همچنین لحن تغییر یافته سراج الاخبار بدست دارم".³¹³

³¹². اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی L/P&S/14/6

³¹³. همانجا

جنبش خلافت در هند بریتانی

جنبش خلافت در شبے قاره هند (۱۹۱۹-۱۹۲۴) یک کمپاین سیاسی و ادامه پان اسلامیزم بود. همانطوریکه در دوران جنگ اول جهانی در افغانستان ملی گرایان تحت رهبری محمود طرزی و امان الله خان با روحانیون تحت رهبری سردار نصرالله خان ائتلاف نمود، که آنرا به اصطلاح حزب جنگ خواندند، در هندوستان نیز پان اسلامیزم، که عمدتاً یک جنبش مذهبی اسلامی بود، با نشنلیزم یکجا شده و بخشی از جنبش وسیع آزادیخواه هند را تشکیل میداد. آنها در پهلوی فشار بر حکومت بریتانیا و حمایت از پروگرام خلافت سلطان عبدالحمید دوم (۱۸۷۷-۱۹۰۹)، امپراتور ترکیه عثمانی، شعار خود اختارت (Swaraj) یا دولت خود را بلند کردند.

گرچه در دوران جنگ جهانی اول جنبش پان اسلامیزم/خلافت در ایالت سرحدی شمال غربی و سرحدات آزاد پیروان زیادی نداشت³¹⁴، پیش روی قوای انگلیسی در عراق، باعث برآشتنگی زیاد مسلمانان شبے قاره هند شد. آنها سلطان ترکیه را خلیفه و رهنمای روحانی جهان اسلام میدانستند. او متولی شهرهای مقدس مکه و مدینه بود و مسئولیت مراسم حج را به عهده داشت. امپراتوری عثمانی آنروز کشورهای اردن، فلسطین، لبنان، سوریه و عراق را در برابر میگرفت، و اکثر شهرها و اماکن مقدس و زیارت‌های مسلمانان به شمال یوروشیلم (که بعد از شهرهای مکه و مدینه سومین شهر مهم و مقدس بشمار میرفت) کربلا، نجف، کوفه و غیره در امپراتوری ترکیه عثمانی شامل بودند³¹⁵.

معاهده "سور" (Treaty of Sèvres) در سال ۱۹۲۰، که هدفش تجزیه امپراتوری عثمانی بود، افغانها و رهبران مسلمان هند را خشمگین ساخت. مولانا محمد علی جوهر، یک ژورنالیست بر جسته تحصیلکرده در آکسفورد انگلستان با برادرش مولانا شوکت علی با رهبران مسلمان دیگر مثل داکتر مختار احمد انصاری، رئیس مهاجرین جامحمد جونیجو، مولانا فضل الحسین حسرت موهانی، سید عطا الله شاه بخاری، مولانا عبدالکلام آزاد، و داکتر حکیم اجمل خان یکجا شده کمیته سرتاسری خلافت هند را ایجاد کردند.

³¹⁴. Spain, James W. (1963).

³¹⁵. Afzal, Ali K (2004).

در سال ۱۹۲۰ یک ائتلافی بین رهبران جنبش خلافت و موهنداس گاندھی، رهبر کانگرس ملی هند که یکی از بزرگترین احزاب هند بود، هم بوجود آمده و تعهد سپردند که یکجا مبارزه کنند. پشتیبانی گاندھی برای ترویج وحدت مردم هند بود. رهبران دیگر هندو مذهب هم بخاطری از جنبش خلافت پشتیبانی میکردند که این جنبش مخالف از هم پاشیدگی و تجزیه امپراتوری ترکیه بود. آنها میخواستند امپراتوری عثمانی در اروپا بحیث نماینده کلچر اسیائی و اسلامی باقی بماند. بنظر آنها حفظ استقلال کشورهای اسلامی ایکه بین اروپا و هند واقع اند، از نظر سیاسی امید و انگیزه تازه برای استقلال ملی هند خواهد بود.

در هفتم ماه مارچ سال ۱۹۲۰ اعلامیه گاندی به طرفداری جنبش خلافت منتشر شد و در آن تأکید شده بود که در صورت برآورده نشدن خواسته های مسلمانان در مورد خلافت، روش "عدم همکاری" در مقابل انگلیسها بائیست شدیدتر شود. در تابستان همین سال مولانا محمود الحسن، که از حبس طولانی در مالت آزاد شده بود، علمای دیوبند را به حمایت از جنبش خلافت بسیج نمود.

حمایت غازی امان الله خان از جنبش خلافت

غازی امان الله خان بعد از جنگ استقلال در برابر تهدید انگلیس‌ها از ترکیه و جنبش خلافت در هندوستان حمایت نموده، به تاریخ ۲۳ فبروری ۱۹۲۰ از نائب السلطنه هند تقاضا نمود امکانات ارسال یک هئیت نماینده‌گان مسلمان را به لندن فراهم کند، تا امپراتور انگلیس را از احساسات مسلمانان آگاه و از احساسات واقعی مردم انگلیس باخبر شوند.³¹⁶

انگلیس‌ها تقاضای غازی امان الله خان را برای ارسال هئیت نماینده‌گی افغان‌ها برای مذاکرات روی مسئله خلافت رد کردند. عده از مامورین انگلیسی، به شمول سکرتر امور خارجی هند بریتانی این اقدام غازی امان الله خان را کاملاً به ضرر انگلیس‌ها میدانستند. آنها معتقد بودند که اولاً امیر میخواهد بحیث یک قهرمان جهان اسلام تبارز کند؛ ثانیاً او میخواهد فرصت رهبری جامعه مسلمانان اسیای مرکزی را بدست آورده، آرمان هم پیمانی یا کافنیدراسیون اسیای مرکزی اش را تحقق بخشد؛ و بالاخره با لندن ارتباط مستقیم قایم کند.³¹⁷ اندازه ترس آشکار مقامات انگلیسی از متن

³¹⁶. اسناد محرومۀ آرشیف هند بریتانی، سند شماره ۳۵۲ مربوط به سرحد.

³¹⁷. همانجا سند شماره ۵۸۲ یادداشت صفحه ۱۸۷.

تلگرام وزیر خارجه برای امور هند بریتانی هوید است که به تاریخ ۸ مارچ ۱۹۲۰ به کمشنر عمومی و نماینده گورنر جنرال در ایالت سرحدی شمال غربی درین رابطه نوشت: «انگیزه اصلی امیر استفاده از احساسات مشتعل شده مردم در هند وایجاد همبستگی با مسلمانان و احتمالاً هندوان میباشد. دادن اجازه به هیئت افغانی به مثابة بازیچه دست امیر شدن است که عواقب وخیمی را در برخواهد داشت. گذشتن هیئت افغانی از خاک هند اثرات عمیقی را بجا خواهد گذاشت و ممکن است مظاهرات خطرناکی را دامن زند». ³¹⁸

غازی امان الله خان در بیانیه اولین سالگرد قتل پدرش اعلام کرد که او سایه یک فاجعه بزرگ و وحشتناک را بر فراز جهان اسلام میبیند. قدرت‌های بزرگ اروپا به فکر تخریب مؤسسه خلافت هستند. وی اظهار خرسندي کرد که مسلمانان هند، که از حمایت هندو ها بهره مند اند، تصمیم گرفته اند که اگر مسئله خلافت مطابق خواهش مسلمانان حل نشود، یا جهاد را اعلام نموده و یا از هند مهاجرت خواهند کرد. وی خاطرنشان ساخت که خودش به انگلیس‌ها تحریری اطلاع داده است که «هیچ مسلمانی مداخله در امور خلافت را تحمل کرده نمیتواند، و بیش ازین خلیفه اش را تحت کنترول دیده نمیتواند. چنین ترکیبی با غرور و عزت افغانستان مغایرت دارد». غازی امان الله خان با نشان دادن آمادگی و عزم و اراده اش در حمایت از خلافت و مردن در راه خدا، خواهان وحدت مسلمین شد. او در عین زمان به مسلمانان التماس نمود تا در راه ترقی و تجدد فداکاری کنند، چون این یگانه راهیست که جهان اسلام را از اضمحلال و ناتوانی نجات خواهد داد». ³¹⁹

حکومت افغانستان مراکز جمع آوری اعانه برای حمایت از عملیات نظامی مصطفی کمال در ترکیه و پیشوایان جنبش خلافت هند را در کابل دائر کرد. اخبار اتحاد مشرقی جلال آباد نوشت که هرگاه موضوع خلافت مطابق به قوانین اسلامی تصفیه نشود، اماکن مقدسه و قصرهای باشکوه اسلامی در تسلط غیر مسلمانها آمد، تمامیت ارضی امپراطوری عثمانی جریحه دار گردد، ممکن نخواهد بود که مسلمانهای هند به دولت

³¹⁸. اسناد محروم‌آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۲۹.

³¹⁹. Gregorian, Vartan. (1969). ص ۲۳۵.

هند و فادر بماند.³²⁰ به همین نحو جریده امان افغان نیز مقاله‌تحریک آمیزی تحت عنوان "اسلام در لحظات زندگی و مرگ" به حمایت از داعیه خلافت منتشر ساخت.³²¹ برقراری مناسبات سیاسی با ترکیه و بعداً عقد قرارداد دوستی بین افغانستان و ترکیه هم به معنی ائتلاف ضد انگلیسی بوده و مفهوم فرعی پان اسلامیستی داشته، با همبستگی اسلامی هماهنگ بود. در ماده سوم این معاهده ذکر شده است که «دولت علیه افغانستان دولت علیه ترکیه را، که از زمانهای قدیم خدمات برگزیده و رهبری برای عالم اسلام کرده و علم خلافت را بدست گرفته، دولت مقتداها تصدیق میکند». مطابق به ماده دوم این معاهده «دولتین عالیتین عاقدين آزادی و حریت کامله و تملک حق اسقلال همه ملل مشرق را بهرا اصول و طرزی که برای اداره و ترتیب حکومت خود ها آرزو کنند قبول میکنند و استقلال دولتین بخارا و خیوه را تصدیق مینمایند». مطابق به ماده چهارم این معاهده «هر کدام از حکومت های خارجی که بخواهد در شرق سیاست استیلا و استثمار جویانه تعقیب نماید و یک تجاوزی بریکی ازین هردو دولت بوقوع بیاید، طرفین عاقدين این تجاوز را عین تجاوز برخود شمرده بوسایط ممکنه در چاره آن خواهد کوشید».³²²

پیشنهاد غازی امان الله خان بحیث کاندید مقام خلافت

غازی امان الله خان نتها بعد از پیروزی در جنگ با انگلیس هابحیث قهرمان ملی گرائی که مؤفقاره دم شیر انگلیسی را پیچانده بود، به شهرت رسید، بلکه برای پالیسی ها و اقدامات نشنلستی، ضد انگلیسی و پان اسلامیستی اش مورد ستایش و احترام خاص جهان اسلام هم قرار گرفت. وی خصوصاً بعد از هم پاشیدن خلافت عثمانی کوشید قلوب مسلمانان هند و ترکستان را بیشتر بدست آورد، از نگاه مادی امیر بخارا و باسمه چی ها را علیه بشویک ها کمک کرد، و با کسب حمایت مردم نه تنها در افغانستان، بلکه در هند بریتانی و آسیای میانه بعد از سقوط خلافت عثمانی بحیث

^{۳۴}. اتحاد مشرقی مجلد ۱، شماره ۵، ۲۳ حوت ۱۲۹۸ برابر با ۱۳ مارچ ۱۹۲۰، به حواله کتاب سنزل نوید.

^{۳۵}. امان افغان مجلد ۱، شماره ۱، ۲۲ حمل ۱۲۹۸ مطابق ۱۲ اپریل، به حواله کتاب سنزل نوید ۱۹۲۰.

³²². سواد معاهده دولتین عالیتین افغانستان و ترکیه

کاندید مقام خلافت پیشنهاد شد.³²³ در جمله کسانی که نام آنها به عنوان خلیفه اسلام سرزبان‌ها بود، علاوه بر شاه امان‌الله غازی، دو نفر دیگر عبارت بودند از شاه فواد از مصر و شریف حسین از مکه.

مولوی برکت‌الله، صدراعظم حکومت مؤقت هند در کابل می‌نویسد که انتخاب شاه فواد از مصر و شاه امان‌الله از افغانستان به پُست خلافت، مانند موضوع شریف حسین، بکدام مانع مواجه نمی‌شد، چه موقف این دو کشور در زمان قبل از جنگ ناپایدار بود و در همین اوخر است که آنها شناخت بین المللی حاصل کرده‌اند.³²⁴ انور پاشا که امان‌الله شاه او را کمک می‌کرد، نیز از حامیان این فکر بود. انقلابیون هندی که با مسکو تماس داشتند، نامزدی امان‌الله خان را تأیید می‌کردند. این موضوع تا جائی پیشرفت که در بعضی از مساجد هندوستان خطبه بنام «امیر المؤمنین امیر امان‌الله غازی» خوانده می‌شد. و این مسئله انگلیس‌ها را بقدرتی وحشت‌زده ساخت که به گفته بعضی نویسنده‌گان، مجبور شدند، برسمیت شناختن دولت امانی را قبول کنند.³²⁵

بتاریخ ۲۷ حمل ۱۲۹۹ وقتیکه محمود طرزی و اعضای هیئت مذاکرات افغانی در مسجد جامع منصوری (میسوری) نماز جمعه را ادا می‌کردند، عده‌زیادی از مردم اجتماع نموده امام مسجد در خطبه اش به غازی امان‌الله خان دعا نموده و بعد از آن مردم منصوری جمع شده تصمیم گرفتند مسجدی را بنام مسجد امانیه اعمار نموده و سنگ تهداب آنرا وزیر خارجه افغانستان محمود طرزی بگذارد.³²⁶ در کنفرانس مذاکرات صلح راولپنڈی هم‌لتون گران‌گردانی احسان کرد که شاید تقاضای استقلال افغانستان با تقاضای خلافت رابطه داشته باشد.³²⁷

علامه اقبال لاهوری کتاب «پیام مشرق» خود را که یکی از پرمایه ترین و زیباترین آثار او می‌باشد و در پاسخ به دیوان گویته شاعر آلمانی سروده شده است، بحضور

³²³. Poullada, L. B. (1973). ۴۷ ص.

³²⁴. هاشمی، سید سعد الدین (۲۰۰۴)، ص ۱۷۷ (به حواله مولوی برکت‌الله، خلافت، لندن ص ۵۸).

³²⁵. همانجا، (به حواله آقابکوف ص ۷۵)

³²⁶. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، ضمیمه شماره سوم یادداشت شماره ۲۱ شعبه استخارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتۀ بیستم ماه می ۱۹۲۰.

³²⁷. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، L/P&S/20/B288, P261

اعلیحضرت امان‌الله خان فرمانروای دولت مستقله افغانستان پیشکش نمود. شاعر دیگر فارسی، محمد حسن متخلص به وحید و معروف به وحید دستگردی یکی از شاعران و سخنوران اوخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم ایران، در اثر چکامه اتحاد اسلامی خود از غازی امان‌الله خان ستایش نمود.

اسناد محramانه ارشیف هند بریتانیوی نشان میدهد انگلیس‌ها ترس داشتند که امکان دارد یک فدراسیون دولت‌های مسلمان افغانستان، پارس، بخارا، و ترکستان، و البته امیر بحیث سلطان یا حتی خلیفه، از آرزو های امیر باشد. در ۱۹۲۰ بریتانیا زیاد تلاش کرد که مانع این کار شود، چه انتخاب شاه امان‌الله به این عهدہ بریتانیا را ناراحت میساخت، و او بحیث قهرمان در بین مسلمانان هند شناخته میشد.³²⁸

در افغانستان صدراعظم، سردار عبد القدوس خان اعتمادالدوله، وعده دیگر از حامیان بسیار با حرارت این مفکوره بوده امیدوار بودند که غازی امان‌الله خان به حیث خلیفه مسلمین انتخاب شود. وی از همان آغاز این موضع را طی یک مکتوب با هانری دا بس در میان گذاشته بود. در ماه می، دا بس از میسوری در تلگرامی گفت که محمود طرزی از هموار شدن راه برای شناسائی شاه امان‌الله بعنوان خلیفه آشکارا طرفداری میکند.

سنzel نوید مینویسد که شایعات در باره ارتقای پادشاه افغانستان به مقام خلافت با ضعف روز افزون موقوف خلیفه عثمانی در ترکیه هر آن قوی تر میشد؛ به عقیده ناظران سیاسی پادشاه افغانستان، بحیث یگانه شاه مستقل مسلمان سنی مذهب، یگانه کسی بود که میتوانست جانشین خلیفه عثمانی شود.³²⁹ این مسئله در کنگره باکو در سال ۱۹۲۰ مورد بحث قرار گرفت و بنا بر گزارشی، در این کانفرانس موضوع سلطنت از خلافت جدا اعلان شده و «تصمیم گرفته شد که مقام دومی یعنی خلافت به امیر افغانستان پیشکش شود».³³⁰

در ماه نومبر ۱۹۲۰ جمال پاشا یکی از رهبران «کمیته اتحاد و ترقی» ترکیه، با این مأموریت خاص که پایتخت افغانستان را از طریق معرفی امان‌الله خان بعنوان کاندید مقام خلافت، مرکز فعالیت‌های پان اسلامیستی بسازد، به کابل رسید. این مفکوره

³²⁸. Stewart, Rhea Talley (1973). ص ۱۳۶.

³²⁹. نوید، سنzel (۱۳۸۸)، ص ۸۳.

³³⁰. اسناد محramانه ارشیف هند بریتانیوی L/P&S/20/B288, P261

تأیید فوری روحانیون بزرگ کابل را حاصل کرد. دفتر جاسوسی و اطلاعات انگلیس در ایالت سرحدی شمال غرب هندوستان از ملاقات خصوصی، که قرار بود عنقریب در بین حضرت شمس المشایخ فضل محمد مجدد و جمال پاشا صورت بگیرد، اطلاع داد و اضافه نمود که حضرت شمس المشایخ و ملای تکاب آرای عمومی را در این مورد آزمایش میکنند.³³¹

گزارش شماره ۲۳ ماه جون ۱۹۲۰ شعبه استخبارات انگلیس در ایالت سرحدی شمال غربی به نقل از جریده سیاست نوشت «جریده پائیونیر (پیشگام) هند بریتانی اطلاع یافته است که مفکوره امیر افغانستان بحیث خلیفة مؤمنین یکبار دیگر در کابل تقویت یافته است. مسلمانان در رابطه با مسئله خلافت به تشویش بوده و خود شان باید به حل آن بپردازند. در حال حاضر دو نفر کاندید خلافت وجود دارند، که یکی آن شاه حجاز و دیگر آن امیر افغانستان میباشد. اما اولی از قبولی خلافت مسلمانان ابا ورزیده است.»³³²

در یک گزارش دیگر آمده است که به تاریخ ۱۹ نومبر ۱۹۲۰ حضرت صاحب شور بازار (شمس المشایخ) در مسجد جامع بزرگ کابل اعلان کرد که: «امیر افغانستان فرمزاوای مسلمان و مستقل و منحصر به فردیست که برای ما باقی مانده. او اکنون سرکرده اسلام است و مسلمانان جهان باید لقب خلیفه را به وی تهنیت بگویند». بعد از وی مولوی برکت الله حاضرین را مخاطب قرارداده و پیشنهاد را تأیید نمود.³³²

اما با وجودی که روحانیون افغان و پیشوایان جنبش خلافت هند می خواستند غازی امان الله خان، پادشاه افغانستان، رهبری آنها را بدست گیرد، وی بتاریخ ۲۳ نومبر در دربار علناً اعلان نمود که خلافت موضوعی است که به همه مسلمانان تعلق دارد و باید بصورت عمومی از طرف تمام مسلمان های جهان فیصله شود. وی همچنین اضافه نمود که هیچ گونه قصدی برای گرفتن چنین مسؤولیت بزرگی را ندارد. درین دربار جمال پاشا،

³³¹ اسناد محرمانه آرشیف هند L/P&S/10/813, PA 743, NO. 50, Dec. 16, 1920.

بریتانی

³³² اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانی L/P&S/20/B288, P261

اراکین بلند پایه ملکی و نظامی، برکت الله و عبد الرب (رهبران حکومت مؤقت هند در کابل) نیز حضور داشتند.³³³

با وجود اظهارات علنی امان الله خان که نمودار عدم علاقه وی به مقام خلافت بود، نگرانی انگلیسها از ائتلاف احتمالی افغانها و ملی گرایان هند بر علیه آنها بیشتر میشد. حکومت هند این مسئله را با وزیر خارجه برای امور هند در لندن در میان گذاشت و تأکید کرد که "از این بیشتر نمیتوانیم امکانات انتخاب شدن امیر را به صفت خلیفه نادیده بگیریم. لازم است به نتایج و خیمی، که انتخاب وی به مقام خلافت برای هندوستان ببار خواهد آورد، عمیق بیندیشیم".³³⁴

جنبش هجرت مسلمانان هند یا تک دیگری از دسایس انگلیس

جنبش یا تحریک هجرت یکی از انشعابات جنبش خلافت هند است. گرچه مسلمانان هند به تعداد زیادی در جنبش عدم تعاون کانگرس ملی هند به رهبری گانده‌ی شرکت نمودند، اما بعضی از رهبران آنها قدم فراتر گذاشتند، و در ماه‌های اول سال ۱۹۲۰ در اوج احساسات شان در رابطه با شرایط صلح ترکیه با انگلستان، هند بریتانی را "دارالحرب" خوانده و موظه‌های هجرت به کشور همسایه افغانستان (دارالاسلام) را آغاز کردند.

چون غازی امان الله خان هم اعلام کرده بود که دروازه‌های کشورش بروی مسلمانان هند باز بوده، آنها هر وقتی که خواسته باشند به افغانستان آمده میتوانند، مسلمانهای هند معتقد بودند که افغانستان از آنها با آغوش باز پذیرائی خواهد کرد. اینکه افغانستان در گذشته به پان اسلامیست‌ها، اقلاییون و شاگردان کالج‌های لاهور که از هند بریتانی گریخته بودند، پناه داده بود، انها را بیشتر تشویق میکرد. علاوه‌تاً یک عده از رهبران خلافت با محمود طرزی و اعضای دیگر هیئت افغانی که برای دور دوم مذاکرات به هند بریتانی رفته بودند، ملاقات نموده و از پشتیبانی و حمایت جنبش آزادیبخش هند توسط دولت افغانستان مطمئن شدند.

طراحان جنبش هجرت فعالیت‌های اساسی شانرا از همین وقت آغاز نموده و شورو شوق هجرت مسلمانان هند را در کنفرانس اعضای جنبش خلافت که به تاریخ ۱۸ و ۱۹ ماه

³³³. همانجا.

³³⁴. همانجا.

اپریل ۱۹۲۰ در دهلی منعقد شد، توسعه دادند. هدف اصلی این کنفرانس که به پیشنهاد مولانا حسرت موهانی دائر شده بود، فشار بالای کمیته مرکزی خلافت بود تا یک برنامه عمل مستقیم را تصویب کند. اما این کار صورت نگرفت و به عوض آن چند جوان آتشپاره و فتنه‌انگیز موفق شدند این جلسه را به بازار راه اندازی هجرت تبدیل کنند.³³⁵ درین جلسه عطاً لله از امرتسر گفت که باید از پالیسی امیر امان الله خان افغانستان استفاده کرد. ملک لعل خان از گجرانواله یک قدم پیشتر رفته اعلام کرد که آنهایی که با هجرت مخالفت کنند بی دین و کافر هستند. غلام محمد امرتسر (عزیز هندی)، برخلاف توصیه اعضای کنفرانس، مسلمانان را تشویق کرد تا یا جهاد و یا هجرت کنند. عزیز هندی، کسی که محمد علی او را بارها متعصب خطرناک خوانده بود، عملًا قبل ازین تبلیغات هجرت یا جهاد را آغاز کرده بود.³³⁶

آصف علی در جلسه همان شب از حمایت دولت افغانستان استقبال نموده بر ضرورت جهاد و یا هجرت تأکید ورزید. حتی کمیته مرکزی خلافت، بدون آنکه ماهیت حمایت سیاسی و معنوی دولت افغانستان را درک کرده باشد، خلاصه بیانات غازی امان الله خان را به مطبوعات سپرد. نشر این بیانیه بصورت گسترشده در سرتاسر هند تبلیغ شد و شور و شوق قابل توجهی را ایجاد کرد.³³⁷

فتاوی مهاجرت را چه کسی صادر کرد؟

در هیجان و اضطراب عمومی ناشی از تبلیغات هجرت، به علمای دینی مراجعه شد تا کسانی را که برای هجرت آمادگی می‌گرفتند، رهنمائی کنند. اما آنها درین رابطه اختلاف نظر داشتند، و گرفتن فتووا مشکل بود. غلام محمد عزیز (عزیز هندی) از امرتسر طی تلگرامی از مولانا عبدالباری که یکی از علمای معروف و تئوریسین عمدۀ جنبش خلافت و رئیس و ناظم مدرسهٔ "فرنگی محل" در "لکنھو" بود مراجعه کرد. وی درین رابطه گفت که "بر مسلمانان لازم است تا علیه انگلیس‌ها بجنگند، و اگر جنگیده نمی‌توانند باید کشوری را ترک کنند، که در آن از دین شان به آزادی پیروی کرده

³³⁵. قریشی، نعیم، پان اسلامیزم در سیاست هند بریتانی، ص ۱۸۲.

³³⁶. Qureshi, Naeem (1999), ص ۱۸۲.

³³⁷. قریشی، علمای هند بریتانی و هجرت ۱۹۲۰، مطالعات جدید آسیا، شماره ۱، دور ۱۳ (۱۹۷۹)، ص ۴۲.

نتواند." مطابق به این فتوا در تمام هندوستان کمیته‌های هجرت ساخته شد تا مسلمانان را تشویق کنند که اموال دنیوی شانرا فروخته به نزدیکترین کشور اسلامی، افغانستان، هجرت کنند.³³⁸

قابل یاداریست که مولانا عبدالباری این فتوی را تعبیر غلط از تلگراف جوابیه اش میداند. وقتی او به جواب عزیز هندی نوشته بود، محتوى تلگراف اش آنقدر کوتاه بود که ظاهراً معلوم می‌شد او از هجرت مسلمانان هند بریتانی پشتیبانی نموده است. اما مولانا قبل از آنکه فرصت وضاحت و یا تصحیح نظرش را داشته باشد، این تلگرام به مطبوعات بومی راه یافت و وسیعاً تبلیغ شد. عارف حصوی از روزنامه "حریت" دھلی اولتر از همه به آن برجستگی داد. وی که هجرت را ضروری میدانست، با شوق و ذوق تمام به ترویج کمپاین هجرت پرداخت از روزنامه حریت متن پیام مولانا عبدالباری به جراید "پیسہ" لاهور، "زمیندار" لاهور، "خلافت" بمبی، و جراید متعدد دیگر هند رسید.

مولانا عبدالباری عقیده داشت که هندوستان تحت تسلط بریتانیا "دارالحرب" نمی‌باشد. او فوراً به روزنامه حریت نوشت و توضیح داد که هیچ وقت هجرت را لازمی ندانسته بلکه آنرا ستوده است. از هجرت باید بحیث آخرین وسیله استفاده شود، وقتی که به نفع اسلام باشد.³³⁹

جنش مهاجرت در آغاز تابستان ۱۹۲۰ نخست در "سنده" آغاز و از کلکته، لکن هو، بهوپال گرفته تا لاهور و پشاور در تمام مناطق شمال هند گسترش یافتد. این جنش احساسات پشتون‌ها را نیز تحریک نمود. به تاریخ ۱۴ ماه می، بعد از نماز جمعه در مسجد قاسم علیشاه پشاور غلام محمد عزیز (عزیز هندی) که از امرتسر آمده بود، بیانیه‌ای را در کرده احساسات مردم را به جوش آورد. او برای تأسیس یک کمیته مهاجرین و تنظیم امور جنش هجرت به پشاور آمده بود. تأسیس این کمیته با تأسیس کمیته

³³⁸. Kazmi, S. A. Akhtar (1984). ص ۱۲۴.

³³⁹. قریشی، علمای هند بریتانی و هجرت. ۱۹۲۰، مطالعات جدید آسیا، شماره ۱، دور ۱۳ (۱۹۷۹)، ص ۴۸.

خلافت در پشاور همزمان بود که عبدالعزیز سندهی از کراچی و خود غلام محمد عزیز (عزیز هندی) با آن همکاری میکردند.³⁴⁰

تعداد اصلی مهاجرین شناخته نشد، اما گفته میشود که تعداد شان بین پنجاه و یکصد هزار نفر بود. در ماه آگوست ۱۹۲۰ بیش از هرثده هزار (۱۸۰۰) نفر زمین خانه و دکانهای شانرا فروخته به کابل رفتند. دکتور اسدالله حبیب در رساله دوره امانی ص ۱۳ مینویسد که شماره سی و ششم سال اول امان افغان از ورود چهل هزار مهاجر به کابل خبر میداد.

تلاش انگلیس‌ها در استفاده از احساسات مذهبی مسلمانان هند

انگلیس‌ها کوشیدند از احساسات مذهبی مسلمانان هند، که عکس العملی مقابله سیاست‌های استعماری انگلیس بود، به نفع خود استفاده کنند. آنها خصوصاً از چندین جهت جنبش هجرت را بحیث وسیله انتقام از غازی امان‌الله خان مورد استفاده قراردادند:

۱. در مضيقه قرار دادن دولت امانی

به گفته‌دانشمند و مؤرخ افغان، آقای پیکار پامیر «مقامات هند بر تانوی دقیقاً میدانستند که با تشویق هندی‌ها برای مهاجرت به افغانستان و تبلیغات وسیع مبنی بر "اعطای زمین و امتیازات از طرف دولت امانی برای مهاجرین هندی" ، مزید بررسی استفاده استخباراتی، دولت نوپای افغانستان را از نظر مالی و امنیتی در مضيقه قرار داده و عدم توانایی جانب افغانی در اعشه و اباطه سیل مهاجرین، انعکاسات منفی و انجار عمومی علیه شاه امان‌الله خان و سلطنت او را به وجود خواهد آورد. چنان‌که همانطور هم شد و گروه‌های زیادی از مهاجرین هند وقتی عدم امکانات رفاهی و نبود زمین، پول، خوارک، پوشک و هر آن چیز دیگری را که در هند شنیده بودند، ملاحظه کردند، مجدداً به وطن اصلی شان برگشتند و این حرکت، واقعاً انعکاسات منفی را در هندوستان و بخصوص در میان آزادیخواهان آن کشور به بار آورد.»³⁴¹

.³⁴⁰ Marwat, Fazal-ul—Rahim & Kakakhel, Sayed Wiqar Ali Shah (1993) ص ۱۷۰.

.³⁴¹ پامیر، پیکار (۲۰۱۲)، صفحات ۲۲۱ و ۲۲۲.

ظفر حسن آییک، که خود یک مهاجر هندی دوران امیر حبیب الله خان بود، در خاطرات خود مینویسد که «با صدور فتوای هجرت، مسلمانان ساده‌لوح، خانه و مزرعه خویش را به نصف قیمت به فروش رساندند و بدون عاقبت اندیشی، و تفکر از تیجه آن بطرف افغانستان رسپار گردیدند. درین جوش و خروش آن بیچاره‌ها، نه تنها دین دوستی نقش داشت، بلکه مستمندی و حالت دردناک مالی شان نیز بی‌تأثیر نبود. آنها گمان می‌کردند که دهن خزانه دولتی در افغانستان برای آنها باز شده است». او علاوه‌میکند که «انگریزها که از ناتوانی مالی افغانستان و بی‌سروسامانی نهضت هجرت هندوستان، آگاهی کامل داشتند برای ناکام ساختن این نهضت از هیچ عملی فروگذشتند نکردند. مأمورین انگلیسی برای مردم هندوستان با غهای سبز و سرخ را نشان میدادند و به آنها می‌گفتند به مجردی که به کابل برسند، ثروتمند خواهند شد. برخی ایجنت‌های حکومتی از احساسات مذهبی مردم سؤ استفاده می‌بردند و ایشان را به هجرت تشویق می‌کردند، و به این ترتیب نهضت هجرت برای مسلمانان افغانستان، پنجاب و سرحد عوض اینکه رحمت شود، آفت گردید».³⁴²

دولت افغانستان در حالی که برای جلوگیری از نفوذ مهاجرین در امور سیاسی افغانستان تدابیر و قاییوی را اتخاذ نموده بود، کمیته مهاجرین هندی را ساخت تا به کمک مأمورین افغان به امور مهاجرین رسیدگی کند. اعضای بر جسته این کمیته عبات بودند از داکتر عبدالغنى، محمد اکبر خان "مهاجر" یوسف زى، داکتر نور محمد سندھی، ارباب محمد رضا پشاوری، غلام محمد عزیز (عزیز هندی) که خود را این بار خادم مهاجرین می‌گفت)، محمد اقبال شیدائی، و جان محمد جونیجو. دولت همچنان برای پذیرش مهاجرین هندی نظامنامه در سی و دو (۳۲) فقره ترتیب نمود که بر اساس آن مهاجرین می‌بایست حین ورود به افغانستان مطابق به نظامنامه مخصوص آن تذکرہ تابعیت اخذ نمایند.

2. دسیسه ضعیف ساختن جنبش آزادیبخش هند

اکثریت رهبران سیاسی و مذهبی هند مخالف مفکرة هجرت مسلمانان بوده آنرا به نفع جنبش آزادیبخش هند نمیدانستند. گاندھی در اوایل از جنبش خلافت حمایت

³⁴². خاطرات ظفر حسن آییک (۲۰۰۳)، صفحات ۲۳۳ و ۲۳۴.

میکرد³⁴³ در مقالات متعددش در جریده India Young (هند جوان³⁴⁴) از داعیه خلافت پشتیبانی نموده نوشته بود که "داعیه خلافت نتنها عادلانه و عاقلانه است، بلکه نسبت اینکه عواطف جهان اسلام را به همراه دارد، از پشتیبانی نیروی عظیمی برخورد داراست." گاندھی که پشتیبان افغانستان بود، و قبلًا گفته بود که "اگر افغانستان بر هند حمله کند او به هندوستانیان خواهد گفت که به حکومت هند (بریتانی) کمک نکنند"³⁴⁵، با هجرت مسلمانان هند مخالف بود. وی استدلال میکرد که چون ما نمیتوانیم ازین طریق بر حکومت هند (بریتانی) فشار وارد کنیم، لذا خارج شدن مسلمانان از هندیک قدم عملی نیست. گاندھی پافشاری میکرد که هجرت باید تا وقتی که "جنبس عدم تعاون" به مرحله نهائی اش برسد، معطل شود.³⁴⁶

مولانا شوکت علی و عده‌دیگر از رهبران جنبش خلافت هم عقیده داشتند که برای دوام همکاری هندوها باید با هجرت مخالفت کرد. وی در یک اعلامیه هفتة اول جولای ۱۹۲۰ مجدد آن تأکید کرد که تا هنگامی که جنبش "عدم تعاون" به نتیجه منطقی نرسیده باشد، اقدام به هجرت و آسیب رساندن به وحدت عمل آزادیخواهان هند، یک کار عاقلانه نیست.³⁴⁷

جمعیت علمای هند و کمیته مرکزی جنبش خلافت هم هجرت را تشویق نمیکردند. این دو گروپ در مجلس هفتة اول ماه جون ۱۹۲۰ هجرت را اختیاری دانسته و تصمیم گرفتند که هجرت نباید بصورت کتلوفی (جماعی) باشد. در پهلوی این شخصیت‌های برجسته و میانه رو جنبش خلافت مثل حسرت موهانی، حکیم اجمل خان، داکتر مختار احمد

³⁴³. جنبش یا تحریک خلافت بعد از ظهور رژیم مصطفی کمال پایان یافت، اما جنبش عدم تعاون در هند باقیماند. البته انگلیس‌ها هم خاموش نشستند و توسط عمال شان خصومت مذهبی بین مسلمانان و هندوان را مشتعل ساختند و نتیجه آن ازبین رفتن اتحاد هندو و مسلمان بود.

³⁴⁴. هند جوان هفتة نامه بود که توسط گاندھی بزبان انگلیسی از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۲ نشر میشد.

³⁴⁵. بمفورد (۱۹۲۵)، تاریخ جنبش‌های عدم همکاری و خلافت، ص ۲۴.

³⁴⁶. قریشی، علمای هند بریتانی و هجرت، ۱۹۲۰، مطالعات جدید آسیا، شماره ۱، دور ۱۳ (۱۹۷۹)، ص ۵۴.

³⁴⁷. جریده هندو، ۸ جولای، ۱۹۲۰، به نقل از قریشی.

انصاری، داکتر اقبال لاهوری و دیگران نیز شدیداً با هجرت مخالف بوده معتقد بودند که هجرت به نفع جامعه شان نیست. آنها با تمام قوا کوشیدند ازین جریان جلوگیری کنند.³⁴⁸

۳. ارسال جواسیس انگلیس در لباس مهاجرین هندی

جنش هجرت فرصت مناسبی بود برای انگلیس‌ها. آنها وضعیت را غنیمت شمرده‌نه تنها با همکاری با رهبران سیاسی مذهبی واستفاده از احساسات مذهبی مسلمانان زمینه‌های بیشتر هجرت به افغانستان را مساعد ساختند تا دولت نو بنیاد افغانستان را با مشکلات شدید مواجه سازند، بلکه تعداد زیادی از جاسوسان و عمال خود را در جامه و قافله‌این مهاجرین به افغانستان و از آنجا حتی به بخارا، روسیه، آلمان و ترکیه نیز ارسال کردند.

اختر کاظمی نویسنده کتاب "зор آزمائی‌های انگلیس‌ها و افغانها" مینویسد که حکومت افغانستان از چند سال قبل ورود قادیانی‌ها را، که مسلمان شمرده نمی‌شدند، ممنوع قرارداده بود، اما آنها ازین فرصت استفاده نموده، با مهاجرین یکجا شده به افغانستان داخل و مخفیانه به موقع ظهر کیش شان پرداختند. در عین حال انگلیس‌ها، که امام الله خان را خوش نداشتند و میخواستند حیثیت او را نزد مسلمانان هند پائین آورند، تعدادی از ایجنت‌ها و جواسیس خود را در بین مهاجرین فرستاد تا در راه آنها را دلسرب و پریشان کنند. آنها وظیفه داشتند تا علیه امیر نفرت تولید نموده و آنها را وادار کنند که ناراحت و منزجر به خانه‌هایشان برگردند. این گماشتگان انگلیس‌ها مهاجرین را از سرمای طاقت فرسای کابل میترسانند و توجه آنها را به هر دشواری و سختی راه جلب میکردند. کاظمی علاوه میکند که با وجود این اکثریت مهاجرین خوش بودند و این ترانه را میخوانندند:

"کرینگی هجرت، چلینگی کابل، امیر غازی بلا رهی هین"

(امیر غازی دعوت کرده است، ما هجرت میکنیم، کابل میرویم)

در مقابل گماشتگان فوراً این جواب را میدادند:

"مروگی بهوکی، کهاوگی جوتی، بی جورج پنجم سنا رهی هین"

(جورج پنجم گفته است، از گرسنگی خواهید مرد، با بوتل و کوب خواهید شد)

³⁴⁸ اسناد محروم‌آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۴۴۲ مؤرخ ۲۸ می ۱۹۲۰ نائب السلطنة هند به وزیر امور خارجه هند بریتانی

داکتر لعل بها نیز دریکی از مقالات خود نمونه چنین ابیاتی را که به جنبش مهاجرت ارتباط دارد نقل کرده است:

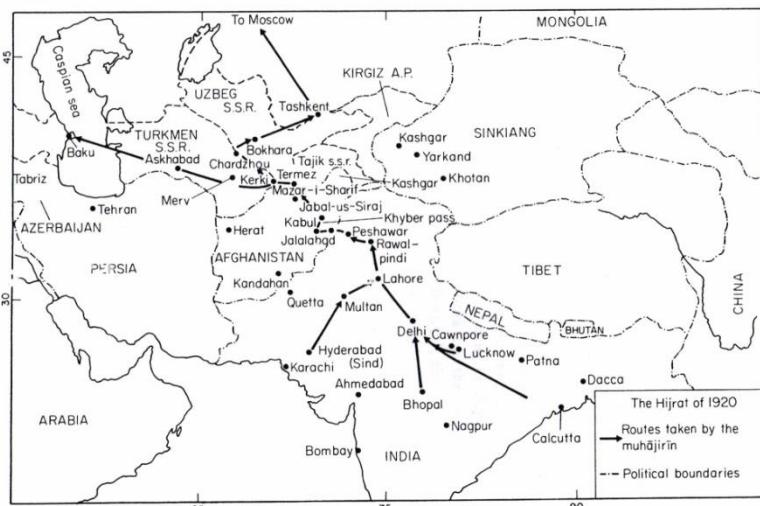
برباد هون، پرواه نهین
ناشاد هون، پرواه نهین
ای دوستو، جو کچه بهی هون، کابل چلو، کابل چلو
از برپادی باکی نداریم
از ناخشنودی باکی نداریم
ای دوستان، هر چه باشد به کابل روید، به کابل روید
برادران هنود! تم کورهی مبارک وطن کی راحت
غريب مسلم، شکسته خاطر، وطن کی الفت لتارهی هین
امیر صاحب بلا رهین هین، امیر صاحب بلا رهین هین
برادران هنود! راحت وطن مبارک شما
مسلمانان بیچاره، دل شکسته، محبت وطن را هدر میدهند
امیر صاحب (افغانستان) شما را فرامیخواند
امیر صاحب (افغانستان) شما را فرامیخواند

در جمله جاسوسانی که با استفاده از جنبش مهاجرت به افغانستان رفت و بعد آن افشا شدند، میتوان از اشخاصی بنام عبدالحق، عبد الرحمن و برادرش عبدالله نام برد. عبدالحق که خود را یک شخص متقدی و پرهیزگار نشان داده مردم را فربیض میداد، تصمیم گرفته بود از طریق قندهار دوباره به هندوستان عزیمت کند، اما قبل از حرکت از کابل برای مأمور نظامی انگلیسی مقیم کویته طی نامه از برگشت خود اطلاع داد. او بعد از آنکه نامه بدست افغانها افتاد، پس از تحقیق زندانی و بعد ها به مرگ محکوم گردید. عبد الرحمن و برادرش عبدالله از کابل فرار و از راه سرحد آزاد خود را به هندوستان رسانده بودند. عبد الرحمن بعد از آنکه توسط انگلیس ها برای خنثی ساختن فعالیت های نهضت هجرت دوباره به افغانستان فرستاده شد، در خوست دستگیر و زندانی شده، و سرانجام در زندان بدرود حیات گفت.³⁴⁹

³⁴⁹. خاطرات ظفر حسن آییک (۲۰۰۳)، صفحات ۲۳۹ و ۲۴۰.

مهاجرین هندی در کابل و دشواری‌های دولت امانتی

جريدة "اتحاد مشرقی" در شماره اول جوزای ۱۲۹۹ (۱۹۲۰ می) اطلاع داد که اولین دستهٔ مهاجرین بتاریخ ۲۲ ماه شور تحت رهبری سید سکندر شاه و دو میلیون دسته بتاریخ ۲۸ ماه شور تحت رهبری شیخ عبدالحق ساحل باشندۀ ملتان از پشاور به جلال‌آباد رسیدند. همین جريده در شماره ۱۲۹۹ جوزای ۱۹۲۰ مطابق با ۲ جون ۱۹۲۰ از رسیدن شش کاروان مهاجرین به جلال‌آباد اطلاع داده نوشت که این مهاجرین تحت رهبری مولوی شهاب الدین به تاریخ ۷ جوزا (۲۷ می) به جلال‌آباد رسیده و دو روز بعد بطرف کابل حرکت کردند. جريده ادامه میدهد که هدایات لازم برای آنده از برادران هندی ایکه میخواهند به افغانستان هجرت کنند ارسال شده و امیدواریم که کمیته‌های هجرت در دهلی، راولپنڈی، و پشاور و آقای غلام محمد عزیز (خادم المهاجرین) آنرا در نظر گرفته و روزنامه‌های معاصر هندی آنرا وسیعاً نشر کنند. مهاجرین باید از هدایاتی که توسط خادم المهاجرین در شماره ۲۲ می جريدة "همدم" داده شده است، پیروی کنند.



22. نقشهٔ فوق خط السیر مهاجرین هندی را نشان میدهد که از بهوپال، لکنهو و حیدرآباد سند آغاز و بعد از کابل به جبل السراج، مزار شریف، بخارا، تاشکند، مسکو، باکو و ترکیه میرسد

جريدة همچنان تحت عنوان "بیست و پنج هزار مهاجر از سند" ادامه میدهد که کمیته هجرت سنده بعد از اجلاس به سکرتری سیاسی حکومت بمبی تلگرام داده است که بنا بر مداخله انگلیس‌ها در امور مذهبی ما و خلافت، آنها تصمیم گرفته‌اند به افغانستان مهاجرت کنند و بیست و پنج هزار (۲۵۰۰۰ نفر) آماده اند به کابل بروند.³⁵⁰

در اول تعداد مهاجرين کم بود، اما به تدریج زیاد شده رفت. شماره ۲۸ جريدة "اتحاد مشرقی ازرسیدن دسته‌های بیشتر مهاجرين به جلال‌آباد اطلاع داده در سر مقاله‌اش نوشت که مهاجرين نباید به سخاوت تنگره‌هاری‌ها در فراهم آوری و سایل سفر از جلال آباد به کابل اتکا کنند، چون منابع آنها محدود می‌باشد. این مقاله بر دشواری‌هائی پافشاری می‌کند که در راه مهاجرين مشتاق ولی تهی دست وجود دارد. شماره ۱۹ جوزای ۱۲۹۹ مطابق ۹ جون ۱۹۲۰ هم ازرسیدن هفت کاروان مهاجرين از راه مهمند و کامه اطلاع داده از همکاری‌ها و مهمان نوازی‌های مردم کامه، و کمک‌های غازی سردار خان و غازی محصل خان بصورت خاص گزارش میدهد.

به همین ترتیب شماره ۴۷ (۱۹۲۰) اتحاد مشرقی ازرسیدن کاروان‌های چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم مهاجرين اطلاع داده نوشت که ده نفر آنها به اثر گرمای شدید در راه جلال‌آباد و کابل فوت نمودند. جريدة مینویسد که در کاروان شانزدهم تحت رهبری مولوی احمد علی خان لاهور پنج هزار (۵۰۰۰) مرد شامل بود.

اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانی، یادداشت شماره ۳۴ شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتة نزد هم اگست ۱۹۲۰، تعداد مهاجرينی را که تا آن وقت به افغانستان آمده‌اند بیش از پنجاه هزار نفر نشان داده می‌گوید که بعد ازین آنها نمی‌توانند از کمک‌های حکومت افغانستان استفاده کنند. حکومت به آنها گفته است که یا به ترکستان و بخارا بروند، و یا به هندوستان برگردند.

دولت امنی برای تنظیم امور مهاجرين هندی نظامنامه مهاجرين را ترتیب نمود. درین نظامنامه که بتاریخ ۱۸ سلطان (۱۰ جولای ۱۹۲۳) در یکهزار و پنجصد جلد به لسان های دری و پشتودر مطبوعه دائم تحریرات مجلس عالی وزرای نیز طبع گردیده است

³⁵⁰. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانی، ضمیمه شماره یک یادداشت شماره ۲۵ شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتة ۱۷ جون ۱۹۲۰.

شرایط قبول مهاجرین، مسئولیتها و وظایف رسیدگی به امور مهاجرین، و صورت اسکان مهاجرین ذکر گردیده است:³⁵¹

- در ماده پنجم این نظامنامه ذکر شده است که «مهاجرین که به دولت علیه افغانستان مراجعت میکنند در باره آنها تحقیقات لازمه بعمل آورده میشود. بعد از نتیجه تحقیقات اگر حکومت مهاجرت آنها را لازم قبول نداند از خاک افغانستان خارج میشوند.»
- در ماده ششم این نظامنامه میخوانیم که «برای کسانیکه بقسم التجا در مملکت افغانستان مراجعت مینمایند و تذکرۀ تابعیت افغانستان را نگیرند بطور مسافرت در افغانستان حق اقامت داده میشود. اما از حقوق مهاجرت استفاده و از حکومت جای و سائر معاونت طلب کرده نمیتوانند و در باره اینطور اشخاص مثل دیگر تبعه خارجه مطابق قواعد دولیه معامله کرده میشود، و از حقوق تبایع افغانستان استفاده کرده نمیتوانند.»
- در ماده هشتم میخوانیم که «از میان مهاجرین کسانی که ادعای تابعیت اجنبي را میدارند از تابعیت افغانستان خارج و از خاک افغانستان کشیده میشوند. و کسانیکه از طرف افغانستان پیسه و زمین گرفته باشند پیسه و زمین مذکور نیز واپس گرفته میشود.»
- در ماده دهم میخوانیم که «در هر نائب الحکومه گی و یا حکومتی اعلی در زیر ریاست نائب الحکومه و یا حاکم اعلی عند الاقتضا یک مجلس مهاجرین موجود میشود، علاوه بر وکلای مهاجرین اعضای طبیعه و اعضای منتخبۀ مجالس مشاوره و مدیر نفوس، اعضای مجلس مذکور هستند.»
- در ماده پانزدهم میخوانیم که «برای مهاجرینی که جدید آمده باشند از طرف حکام مؤقتاً بطور مسافرت جایهای مناسبه مشخص کرده میشود.»
- در ماده شانزدهم میخوانیم که «مهاجرین مذکور از طرف داکترو یا طبیب معاینه کرده میشوند. کسانیکه مریض میباشند در شفاخانه های حکومت تحت تداوی گرفته میشوند.»

³⁵¹ آقای غبار در جلد اول افغانستان در مسیر تاریخ صفحه ۸۰۱ به نظامنامه هشت فقری اشاره نموده اند که اشتباه میباشد. شاید مقصد آقای غبار هدایت نامۀ هشت فقرۀ حکومت امانی باشد که برای رهنمائی مهاجرین قبل از حرکت بطرف افغانستان به نشر رسیده بود.

در ماده هفدهم ذکر شده است که «برای مهاجرین که از خارج می‌آیند از سرحد دولت علیه افغانیه الى محل که برای سکونت شان تعین می‌شود کرايه و بارگیر از طرف حکومت داده می‌شود. اعشه و خوراکه مهاجرین تا رسیدن فصل بخود شان تعلق دارد تنها برای اشخاص ضعیف و سالخوردۀ نادار و اطفال خورده‌سال که از خود ولی نداشته باشند و زنهاییکه بی سرپرست باشند از طرف دولت خوراکه داده می‌شود.»

دولت امنی با امکانات محدودی که داشت برای اکثریت مهاجرین که در هفغان بودند، مطابق تعداد افراد عایله آنها زمین‌های زراعتی دولتی را که برای معشیت یک ساله کفایت کند یا بصورت مجانی و یا به اقساط طویل پانزده و بیست ساله داد. این ده‌ماهیان برعلاوه فی جریب شش سیر تخم‌گذم و پنج روپیه نقد، تا رسیدن فصل برای افراد بالغ خانواده‌های آنها پنج سیر آرد و برای کودکان ماهانه سه سیر آرد دریافت نموده زمین‌هایشان تا سه سال از تأدية مالیه معاف بود. دولت همچنان برای خرید گاو قلبه و تهیه سامان آلات آنها چهل روپیه نقد، و چهل سیر گذم و چهل سیر جو و جواری و برای اعمار و آبادی جای سکونت شان چوب پوشش را تهیه کرد. دولت برای پیشه وران و صنعتکاران مهاجر بعوض زمین ترتیبات تهیه آلات و افزار مورد احتیاج شان را فراهم کرد.

چون انگلیس‌ها مسلمانان هند را به هجرت به افغانستان بیشتر تشویق می‌کردند، و اقتصاد افغانستان امکانات رفاه مهاجرین بیشتر را فراهم کرده نمی‌توانست، لذا غازی امان‌الله خان به توافق کمیته مهاجرین هندی، به تاریخ ۹ ماه اگست ۱۹۲۰ امر تعویق مهاجرت را صادر کرد و تا فراهم ساختن امکانات رفاهی به مهاجرین موجود از آمدن مهاجرین جدید ممانعت کرد. و این نقطه پایان جنبش ناکام مهاجرت بود. جنبشی که بعضی ها آنرا یک جنبش مصنوعی خوانده‌اند.

ترکیب مهاجرین هندی

هجرت به افغانستان تنها انگیزه دینی نداشت. در بین مهاجرین هندی برعلاوه مسلمانان، مهاجرین هندو مذهب نیز شامل بودند. مثلاً در یک راپور استخبارات انگلیس برای هفتۀ اول ماه اگست گزارش داده شد است که به تاریخ دوازدهم ماه جولای ۱۹۲۰ حدود هفتصد (۷۰۰) نفر مهاجر مسلمان و یکصد و ده (۱۱۰) نفر مهاجر هندو از سند

به پشاور رسیده‌اند.³⁵² در یک گزارش دیگر آمده است که غازی امان الله خان بعد از توافق کمیته خلافت پشاور طی فرمانی به شخصی بنام فقیر محمد آرتی هدایت داد که با توجه به تعداد کثیری از هندوان مهاجر، مسلمانان از ذبح گاو در روزهای عید خودداری کنند.

حالت زار و بسیار بد اقتصادی دهاقین هند هم یک علت عمده مهاجرت را تشکیل میدارد. تبلیغات هجرت نسبت به مناطق روستائی پنجاب که وضع اقتصادی در آن بهتر بود، در مناطقی چون اتراپردیش، سندھ و سرحد آزاد، جائیکه وضعیت اقتصادی دهاقین بیشتر خراب بود، مؤثر تربوده توجه مردم را جلب نمود. از همین سبب قسمت اعظم مهاجرین را کسانی تشکیل میداد که دورنمای بهتر سرنوشت اقتصادی در افغانستان آنها را به هجرت واداشته بود.

درین مهاجرین گروه کوچک جنگ طلبان مسلمان هم بودند که میخواستند برای شرکت در جنگ برای خلافت از طریق افغانستان به ترکیه بروند. و برای یک عدد دیگر هجرت فرصت مناسبی بود که به خارج رفته و به کمک نیروهای دوست خارجی راه‌های وارد کردن ضربات به انگلیس‌ها را در هند جستجو کنند.³⁵³

گزارش‌های استخبارات انگلیس نشان میدهد که **غازی امان الله خان** از موجودیت جاسوسان در جامه مهاجرین هم آگاه بود. مثلاً او امر کرده بود که به مهاجرین هندی اجازه دخول در دربار روز عید داده شود، چون او مشکوک است که درین آنها جاسوسان فرستاده شده حکومت هند بریتانی نیز موجود آنده‌است. قابل یادآوریست که تلاش‌های ازین بدن غازی امان الله خان از آخر سلطنت قا آخر عمر در غربت، بدون آنکه بغیر از چند مورد محدود در مطبوعات و یا آثار مؤرخین افغان و خارجی ذکر شده باشد، ادامه داشته است. به استناد رایورهای استخبارات انگلیس و اسناد موجود در آرشیف دفتر هند بریتانی در هژده (۱۸) ماه اول سلطنت، غازی امان الله خان

³⁵². اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، یادداشت شماره ۳۲ شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتۀ پنجم اگسٹ ۱۹۲۰.

³⁵³. Qureshi, M. Naeem. The “Ulema” of British India and the Hijrat of 1920, ص ۵۲.

³⁵⁴. همانجا، یادداشت شماره ۲۹ شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتۀ پانزدهم جولای ۱۹۲۰.

هدف پانزده (۱۵) مورد سؤ قصد ناکام قرار گرفته است. در یادداشت شماره ۳۵ دفتر استخبارات ایالت سرحدی شمال مغربی برای هفته که بتاریخ ۲۶ آگوست ۱۹۲۰ ختم شده است ذکر گردیده که "تلاش دیگری برای کشتن امیر صورت گرفت، حدود پانزدهمین تلاش. بصورت عمومی انتظار میروود که در مدت کوتاهی عنایت الله جایگزینش خواهد شد".

پی آمد مهاجرت هندی‌ها به افغانستان

از جمله مهاجرین حدود ۷۵ درصد بشمول خان عبدالغفار خان و ارباب رضا خان پشاور دوباره به خانه‌هایشان برگشتند. مهاجرینی که در کابل و جاهای دیگر مسکن گزیدند، از کمک و همکاری مردم و دولت قدردانی کردند. غازی امان الله خان به یک عدد از تحصیل کردگان خانه و هزینه زندگی را آماده ساخت. یک تعدادی را در مؤسسات مختلف دولتی استخدام کرد، تعدادی هم به قوای نظامی جذب شدند. برخی ازین مهاجرین در رژیم‌های بعدی به پست‌های بلند رتبه دولتی تعین، در فعالیت‌های سیاسی سهیم و حتی به رتبه‌های جنرالی رسیدند. و بالاخره یک تعداد هم رهسپار ترکیه شدند، و چون به ترکیه رفتند، به ترکستان روسی (فعلاً ازبکستان) رفتند، و عده‌زیاد آنها به حزب کمونیست هند در تاشکند و مسکو پیوستند.³⁵⁵

فعالیت‌های مثبت و منفی مهاجرین و آزادیخواهان هند در افغانستان

انقلابیون و آزادیخواهان هندی از زمان امیر حبیب الله خان به افغانستان پناهنده میشدند. به گفته ریه تعالیٰ ستیوارت، مؤلف کتاب "آتش در افغانستان"، "امیر حبیب الله خان با آنها رابطه مؤبدانه داشته و آنها را تحت مراقبت و نظارت قرارداده بود تا از اساسات پناهندگی سیاسی عدول نورزیده [موجب خشم انگلیس‌ها نشود]. اما غازی امان الله خان که در وقت پدر به صفت شهزاده با انقلابیون رابطه نزدیک برقرار کرده بود، حالا به صفت پادشاه کشور، به رابطه خود با آنها ادامه میداد.³⁵⁶

³⁵⁵. هرکیشن سینگه سورجیت: هفتاد و پنجمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست هند. شماره اول، جلد دوم نشریه مارکسیست (جنوری-ماрچ ۱۹۸۴).

³⁵⁶. ستیوارت، ریه تعالیٰ/ترجمه کوهسار کابلی، یار محمد (۱۳۸۰)، ص ۲۳۵.

دیگر تشنج بین انگلیس‌ها و غازی امان‌الله خان و انگیزه دیگری برای توطئه‌های بیشتر علیه دولت امانی بود.

در دوران جنگ جهانی اول گروپ‌های کوچک متعدد انقلابیون و آزادیخواه هند در اروپا، شرق دور، و ایالات متحده امریکا فعالیت داشتند. آنها کوشیدند با استفاده کمک‌های مالی آلمان اسلحه خریده و آنرا طور قاچاق از طریق چین و سیام به هند بریتانی برسانند، تا در قیام مسلحانه که یکجا با سرکشی قوای نظامی در ماه فبروری ۱۹۱۵ در نظر گرفته شده بود، مورد استفاده قرار گیرد. اما این اسلحه به هند نرسید و سرکشی قوای نظامی، به استثنای طغیان عسکری سینگاپور در نطفه خنثی شد.

در مرحله بعدی هیئت نظامی ترکی-آلمانی با همراهی انقلابیون هندی به کابل آمده حکومت مؤقت هند (حکومت عبوری هند در تبعید³⁵⁷) را بنیاد نهاده، کوشید تا یک راه زمینی را از طریق ایران و افغانستان باز کنند. آنها پلان داشتند تا به کمک امیر حبیب‌الله خان و اقوام سرحد آزاد یک قیام ضد انگلیسی را در هند بریتانی برآهند اداخته و با اعلام جهاد در سرتاسر شبے قاره هند ارتضی هند بریتانی را فلجه سازند. اما این پلان آنها نیز به ناکامی انجامید.

بعد از شکست و تسلیمی آلمان، انقلابیون هند برای کمک به روسیه روی آوردند. این کار مورد استقبال روسیه که برای صدور انقلاب به آسیای میانه و هند آمادگی میگرفت، قرار گرفت. سفیر روسیه، سوریتس Suritz، در ماه دسمبر ۱۹۱۹ به همراهی راجا مهندرا پرتاپ، عبدالرب و تیروم مل آچاریا وارد افغانستان شدند.

یاکف (یعقوب) سوریتس سفیر و نماینده تام الاختیار روسیه در کابل یک حزبی آزموده شده و مورد اعتماد لنین بود که وظیفه مهم و پر مسئولیت بستن پیمان نظامی علیه بریتانیا با افغانستان و تحکیم موقف روسیه درین «چهار راه آسیا» را بعهد داشت. چون روسیه میخواست از افغانستان بحیث تخته خیز برای صدور انقلاب به آسیای میانه و هند استفاده کند، در اعتمادنامه سوریتس آمده بود که «بحیث سفیر فوق العاده

³⁵⁷. حکومت مؤقت هند ابتدا سه عضو داشت که عبارت بودند از راجا مهندرا پرتاپ-رئیس، مولوی برکت‌الله-صدراعظم و مولانا عبید‌الله سینده‌ی - وزیر داخله، افراد دیگر از جمله مشاورین بودند. اما در دوره امانی بعد از جنگ استقلال، تعداد اعضاء افزایش یافت، که در آن جمله مولانا بشیر، رهبر جماعت مجاهدین در سرحد آزاد قابل ذکر است. (مولانا عبید‌الله سندھی کی سرگذشت کابل، ص ۱۲۴).

و نماینده تام الاختیار روسیه شوروی در آسیای میانه گماشته می‌شود و وظایفی که به او سپرده می‌شود، تأمین مناسبات دیپلماتیک با خلق‌های مستقل بلوچستان، خیوه و بخارا و خلق‌های هند، کشمیر و تبت که به خاطر آزادی می‌رزمند، است. به رفیق سوریتیس از سوی حکومت کارگری-دهقانی صلاحیت داده می‌شود مناسبات مستقیمی با کشورهای موجود و حکومات رو به تشکل و همه‌سازمان‌های انقلابی دارای هدف‌رهایی خلق‌های آسیای میانه از تصاحب خارجی پریا نمایند. او صلاحیت دارد نماینده‌گان خویش را خود بگمارد. وارد گفتگوهای مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق نماینده‌گان خود شود و موافقت‌نامه‌ها و اسنادی را از نام حکومت کارگری-دهقانی با تأثید حکومت مرکزی در مسکو با آن‌ها امضاء نماید»³⁵⁸

تروتسکی، رهبر منشویک‌ها در نامه تاریخی ۱۹۱۹ خود به کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (شاخه بلشویکی) نوشت که «در لحظه کنونی، راه به سوی هند برای ما می‌تواند نسبت به «مجارستان شوروی» بیشتر هموار تر و کوتاه‌تر باشد»³⁵⁹.

در ماه مارچ ۱۹۲۰ بین هندیان انقلابی در کابل اختلاف نظر و دوپارچگی بوجود آمد. دسته‌اول به رهبری راجا مهندرا پرتاپ و مولانا عبیدالله سندهی طرفدار تبلیغات پان اسلامیستی بودند و دسته‌دوم طرفدار تبلیغات بلشویکی، که توسط آچاریا، عبد‌الرب و رفقایشان رهبری می‌شد.

حمایت و دلچسپی غازی امان‌الله خان از فعالیت‌های سیاسی هندی‌های مقیم کابل و در ماه اپریل ۱۹۲۰، فرستادن راجا مهندرا پرتاپ در رأس یک هیئت به چین، حمایت از جنبش خلافت در هند، و برآه اندازی مظاهره ماه مارچ در همبستگی با مظاهرات جنبش خلافت در هند روابط دوستانه دولت اماني را با مبارزین هند مستحکم تر ساخت. اما غازی امان‌الله خان در عین حالی که از داعیه آزادی‌خواهان هند پشتیبانی و حمایت می‌کرد، نمی‌خواست فعالیتهای ضد انگلیسی مبارزین هند در کابل از کنترول خارج و تحت کنترول روس‌ها قرار گیرد. در حقیقت او نمی‌خواست روس‌ها در امور افغانستان نفوذ داشته باشند، و افغانستان به مرکز فعالیتهای ضد انگلیسی مبارزین هندی ایکه

³⁵⁸. مناسبات افغانستان و شوروی، ۱۹۱۹-۱۹۷۱، مسکو، ۱۹۷۱، صفحات ۱۳-۱۴، به نقل از تیخانف، داکتریوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰)، ص ۴۲.

³⁵⁹. نامه تروتسکی به کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (شاخه بلشویکی)، به نقل از تیخانف.

از روسیه دستور میگرفتند، تبدیل شود، لهذا از عبدالرب و آخاریا خواست که کابل را ترک بگویند.

قابل یادآوریست که ادعای ظفر حسن اییک، یکی از شاگردان فراری هند در کابل که مدتی هم بحیث سکرتر مولانا عبیدالله سیندهی وزیر داخله حکومت مؤقت هند در تبعید ایفای وظیفه میکرد، مبنی براینکه "افغانستان با بدست آوردن استقلال خویش، با مسایل هندوستان به خصوص با مسلمانان هند که قربانی و ایشار فراوانی نموده بودند، با بی اعتمانی برخورد کرد" کاملاً یک ادعای غرض آسود بوده، بر هیچ نوع سندي استوار نیست.

عزیز هندی کی بود و برای کی فعالیت میکرد؟

غلام محمد عزیز (معروف به عزیز هندی) از جمله اشخاص زرنگ و فعالی بود که نخست در تحریک هجرت و بعداً در حلقه مهاجرین هندی در افغانستان و سرحد آزاد فعالیت داشت. کسانی که با نام موهن لال کشمیری، یکی از زرنگ ترین و محیل ترین جواسیس انگلیس در دوران جنگ اول افغان و انگلیس (سالهای ۱۸۴۲-۱۸۳۸) آشنایی دارند، شباهت عجیبی را بین وی و عزیز هندی دیده میتوانند. هردوی آنها از کشمیر هندوستان بودند؛ هردوی آنها در خانواده های هندو به دنیا آمدند و بعداً به دین مقدس اسلام مشرف شده بودند؛ هردوی آنها در دوران دو جنگ مختلف افغان و انگلیس به نفع کشورهای خارجی در افغانستان فعالیت داشتند؛ هردوی آنها سالهای اخیر زندگی شانرا با مشقت گذشتند؛ و هردوی آنها گویا خاطرات / تجربیات و یا نظریات شانرا در کتابی³⁶⁰ جمع کرده و برای خوشخدمتی و پاداش، و یا تبرئه به دستگاه حاکمه انگلیس تقدیم کرده اند.

360. کتاب موهن لال کشمیری تحت عنوان Life of the Amir Dost Mohammed Khan of Kabul "زندگی امیر دوست محمد خان کابل" در دو جلد در لندن به چاپ رسیده و ترجمه دری آن توسط پروفیسور دکتور سید خلیل الله هاشمیان، از طرف مجله آئینه افغانستان در امریکا بنشر رسیده است.

کتاب عزیز هندی تحت عنوان "زوال غازی امان الله خان یا انقلاب افغانستان سنه ۱۹۲۸-۱۹۲۹" در سال ۱۹۳۱ در هند بریتانی بزبان اردو در ۲۰۰ جلد چاپ و ترجمه پشتوی آن تحت عنوان "دغمازی امان الله خان زوال" به سفارش شعبه تألیف و ترجمه مرکز بین المللی تحقیقات پشتوی اکادمی علوم افغانستان (دوره حکومت پرچمی ها و بعد امگاهدین)، برای ترقیع به رتبه علمی

عزیز هندی پسر "مد هو کشمیری" در منطقه "موری گنج" شهر "امرتسر" دیده بدنیا کشوده و تا مکتب متوسطه تحصیل کرد. عزیز هندی یکی از اشتراک کنندگان مظاهرات علیه قانون معروف به "رولت بل" بوده و تقریباً در هر جلسه پروتست و مظاهره شهر امرتسر با خواندن اشعار انقلابی حضور داشت. عزیز هندی توسط انگلیس‌ها زندانی و گویا به حبس ابد محکوم شده، روانه همان زندانی شد که رهبران مظاهرات و قیام امرتسر را در آن زندانی نموده بودند.³⁶¹

اینکه عزیز هندی چگونه زندانی و به اعدام و بعداً به حبس ابد محکوم شد، دلچسپ بوده، و توطئه به شهرت رساندن عمدى و زمینه شمول در حلقات مبارزین آزادیخواه هند بریتانی را نشان میدهد. او بار اول توجه مردم را در جلسه احتجاجیه قتل عام "باغ جیلیانواله" وقتی جلب کرد که یک روز بعد از قتل عام خود را در تکه سیاهی پیچانده سوار بریک اسپ سیاه در کوچه‌ها به گردش پرداخت. وی که در آن وقت ۱۸ سال عمر داشت توسط یک محکمه نظامی نخست به اعدام محکوم و بعداً جزای اعدامش به حبس ابد تبدیل شد.³⁶²

عزیز هندی بعد از گذشتاندن چند ماه در زندان، در ماه دسمبر ۱۹۱۹، گویا مورد عفو قرار گرفته از زندان آزاد و با شناختی که در زندان با رهبران زندانی ضد انگلیس حاصل کرده بود، در حلقة فعالیین عمدۀ جنبش خلافت درآمد.

عزیز هندی به گفته خودش یکی از پیشاهنگان جنبش هجرت بوده است او در یکی از مقالاتش بطور قطعی ادعا میکند که برخلاف عقیده اقبال شیدائی که میگوید برادران علی پیشتازان جنبش هجرت به افغانستان بودند، خودش، یعنی عزیز هندی بود که در کنفرانس خلافت دهلی قطعنامه هجرت را سپانسر شد³⁶³. او در ماه می ۱۹۲۰ سرپرستی کمیتۀ انسجام امور مهاجرین در پشاور را به عهده گرفت در ماه جون همان سال به کابل هجرت و عضویت کمیتۀ مهاجرین هندی را حاصل نموده از کمیتۀ مرکزی خلافت در

"محقق" توسط آقای معاون سرمحقق فرهاد ظریفی تهیه و در سال ۲۰۰۲/۱۳۸۱م در پشاور بنشر رسیده است.

³⁶¹ اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانی / L/P&S/20/12

³⁶² Sharma, Jagdish Saran (1972). The National Biographical Dictionary of India, p27

³⁶³ معین الحق (۱۹۷۸)، زندگی و کارنامه‌های محمد علی، ص ۱۹۸

بمبی مبلغ ده هزار روپیه را برای مساعدت با مهاجرین هندی در افغانستان دریافت کرد. عزیز هندی در ماه جولای ۱۹۲۰ به خاطراختلاس در بودجه کمیته مهاجرین ازین کمیته اخراج شد.

عزیز هندی در ماه نومبر همان سال توانست با جمال پاشا، قومندان قوای بحری دولت عثمانی، که به کابل آمده بود، رابطه نزدیکی برقرار و تحت رهبری وی بحیث تولی مشر در قطعه نمونه اردوی افغانستان شامل شود، اما دو ماه بعد، در جنوری ۱۹۲۱، بعد از افشای جرمی که مرتکب شده بود، از ترس زندانی شدن، کابل را ترک نموده به چمرکند، یکی از مراکز مجاهدین هندی ضد استعمار انگلیس، گریخت. عزیز هندی مدت زمانی را در بین این مبارزین گذشتاده، خود را کپتان اردوی آزادیبخش یا گیستان اعلام نمود، که گویا میکوشد در مناطق سرحد آزاد به سربازگیری برای آن اردو بپردازد. وی بعد از مدت کوتاهی به کابل برگشته و در آنجا به زندان فرستاده شد.

عزیز هندی بعد از چهارونیم ماه از زندان آزاد و عضویت گروپ انقلابیون هند در کابل را بدست آورد. برای مدتی بحیث مفتش مکاتب در جلال آباد مقرر شد. اما به اثر اختلافات با اعضای این گروپ، خصوصاً میررحمت الله همایون و دیگران، یا شاید هم افشای هویت اصلی اش، زندگی در افغانستان برایش ناممکن شده در ماه اپریل ۱۹۲۵ به سفارت انگلیس در کابل مراجعت و اجازه خواست به خانه اش در امرتسر هند بریتانی برقدد. چون اسناد استخبارات هند نشان میداد که عزیز هندی با سفارت روسیه در کابل نیز ارتباط نزدیک داشت، اجازه برگشت به هند را نیافت.³⁶⁴

عزیز هندی در ارتباط با فعالیت های روسیه در سرحدات آزاد افغانستان به آن مناطق سفرهای متعدد داشت. به استناد راپورهای راسکلنیکف، سفیر شوروی در کابل که به جای سوریتس فرستاده شد و همزمان به عنوان نماینده کمینترن در کابل مسئولیت ادامه کار مخفی در سرحدات آزاد افغانستان را به عهده داشت، غلام محمد عزیز (عزیز هندی) بنا به توصیه محمد علی³⁶⁵ رهبری مرکز سید آشان(?) در باجور را به عهده

³⁶⁴. اسناد محروم آرشیف هند بریتانی L/P&S/20/12

³⁶⁵. محمد علی یکی دیگر از هندی های مهاجر بود که برای ایجاد یک مرکز زیرزمینی در کابل و حمایت از فعالیت در مناطق قبایلی سرحد آزاد، به تاریخ ۵ جنوری ۱۹۲۱ به کابل فرستاده شده بود. او بحیث نخستین جاسوس کمینترن در کابل، در پیوند تنگاتنگ با سفارت شوروی بر علاوه وظيفة خطیر پخش شبکه جاسوسی در هند و افغانستان، ارسال پنهانی رهبران به اصطلاح

داشت اما از موجودیت چنین مرکزی بنام سید آشان در باجور بدون از راپورهای محمد علی و راسکلنیکف، در هیچ جائی دیگر نه در راپورهای استخبارات انگلیس، و نه در نشرات و کتب متعدد مربوط به مبارزات مسلحه اقلابیون هندی در سرحد آزاد، اسمی برده نشده است. به نظر میرسد این مرکز هم مانند راپور فعالیت‌های مبالغه‌امیز عزیز هندی به محمد علی تنها روی کاغذ بوده باشد که منظور آن بازی دادن روس‌ها و استفاده از بودجه باشد که به این منظور اختصاص داده شده بود.³⁶⁶

اسناد موجود در آرشیف روسیه نشان میدهد که مسکو امیدوار بود به کمک گسترش کارهای زیرزمینی، تلاش‌های ضد بریتانی استخبارات شوروی و کمینترن در افغانستان ادامه یافته و گسترش یابد. لذا محمد علی جاسوس کمینترن در افغانستان به راسکلنیکف پیشنهاد نمود تا در باجور یا مناطق مهم‌مند «مرکز» جدیدی را سازماندهی کند که زیر پوشش انجمن رسمی فرهنگی و معارف با چاپخانه و مکتب فعالیت کند. او از نماینده کمینترن در افغانستان، راسکلنیکف، خواهش کرد برای سه ماه نخست برای این مقاصد، ده هزار روپیه تخصیص دهد. علاوه بر این مبلغ، پلان محمد علی ۱۲۰۰ روپیه دیگر را به شکل کمک مالی سالانه به رهبران مجاهدین که از آن به نام «کمیته رهروان جهاد» یاد شده است، در نظر گرفته بود. محمد علی میدانست که بدون همکاری نزدیک با این سازمان پرنفوذ در سرحدات آزاد نمیتواند پلانهایش را پیاده کند، لذا از آغاز سال ۱۹۲۱ به «کمیته رهروان جهاد» ماهانه یک هزار روپیه کمک مالی میکرد اما رهبری این سازمان به عزیز هندی اجازه ندادتا در چمر کند فعالیت نمایدو گویا کمیته انترناسیونال سوم را ایجاد نماید. افزون بر آن، به خاطر رفتار خصم‌مانه با عزیز، وی ناگزیر گردید، به روستای سید آشان باجور برود.

جنبیت‌هایی بخش ملی هند به روسیه و قاچاق اسلحه روسی به قبایل سرحدات آزاد را به عهده داشت (تیخانف، سیاست قدرت‌های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون ص ۷۸).

³⁶⁶ مثلاً به حواله تیخانف در گزارش راسکلنیکف در باره کار هند از تاریخ ۱ دسامبر ۱۹۲۱ تا یکم ماه می ۱۹۲۲، آرشیف تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند ۵۴۴، دوسيه مخصوص ۳، صندوق ۱۰۵، صفحه ۱۴۴، ذکر شده است که «مرکز سید آشان در باجور را غلام محمد عزیز رهبری می کرد که بنا به توصیه محمد علی به این کار گماشته شده بود. عزیز که یک نظامی کادری بود، توانست در میان جوانان بومی دبستانی را «برای پرورش اقلابیون پستان» سازماندهی کند و کار را در میان سپاهیان انگلیسی آغاز کند. او توانست دستگاه چاپ را به کوhestan برساند و آغاز به چاپ آثار تبلیغی نماید.

تیخانف به رویت اسناد آرشیف روسیه در رابطه با این مرکز و یکی از شبنامه‌های عزیز هندی که در آن افغان‌ها به گناه پایان دادن جنگ با انگلیس‌ها و امضای قرارداد صلح مورد اهانت قرار گرفته و "خوک" خوانده شده بودند، از برافروختگی چیچیرین، کمیسوار خلق در امور خارجی روسیه شوروی، یاد نموده مینویسد که چیچیرین ناگزیر بود شخصاً مداخله کند تا جلو این گونه خودسری‌ها را که منجر به تیرگی روابط با افغانستان می‌گردید، بگیرد. او علاوه‌ی میکند که راسکلنیک فهمچنان به این باور بود که هرگاه عزیز «به پخش این گونه «چرنده و پرنده» که با روحیه سیاست‌ما در هند مغایرت دارد، ادامه بدهد، باید روابط با این مرکز را پایان داد». تیخانف مینویسد که سرنوشت آتیه این مرکز کمینترن را از روی اسناد آرشیفی نمی‌توان پیگیری کرد. چنین بر می‌آید که تلاش‌های آن پس از چندی پایان یافته باشد.

عزیز هندی در ماه جنوری سال ۱۹۲۹ از مقامات انگلیسی در کابل اجازه برگشت به هند را بدست آورد، اما قبل از هزیمت به هند یکبار دیگر برای مدت کوتاهی در کابل بازداشت شد. عزیز هندی در ماه نومبر ۱۹۲۹ به جریده "انقلاب" در لاہور نوشت که در کابل یک "انجمان کمک ملی" را تأسیس کرده است. او در یک مکتوب دیگری به تاریخ ۲۹ مارچ ۱۹۳۰ به جریده "میلاد پ" جریان ملاقاتش را با راجا مهندرا پرتاپ سنگه، سابق رئیس دولت جلاوطن هند در کابل، شرح داده از پلانش برای ایجاد یک گروپ همکاری با کمپاین "نافرمانی مدنی" گاندھی صحبت نمود.

به رویت اسناد محروم‌آرشیف هند بربیتانوی، عزیز هندی از جاسوسان معاشر خور سفارت روسیه در کابل هم بود. بعد از آنکه روس‌ها موفق نشدند، موافقت دولت امنی را بدست آورند تا از افغانستان بحیث یک دهليز برای ارسال اسلحه و عمال شان استفاده کنند، خواستند این کار را بصورت مخفیانه و قاچاقی از راه بدخشان، کنرو چترال انجام دهند. ممکن است مسافت‌های متعدد عزیز هندی به چمرکند، پایگاه نظامی آزادیخواهان هندی در مجاورت کنجز همین پلان بوده باشد.

به روایت پسران غازی میرزمان خان کنری، یکی از مهاجرین هندی که به غازی میرزمان خان کنری مراجعه نموده و به او پیشنهاد نموده بود که در بدل امتیازات مادی چشمگیری با روس‌ها همکاری نموده، مانع فعالیت‌های شان در کنر نشود. شاید همین عزیز هندی بوده باشد، چون بعد از آنکه روسها موفق نشدند غازی میرزمان خان کنری را تطمیع و همکاری اش را برای استفاده از موقعیت حساس کنر جلب کنند، عزیز

هندی هم دسایس، تخریب و پروپاگند هایش را علیه غازی میرزمان خان کنری آغاز کرد.

عزیز هندی در ماه اپریل ۱۹۳۰ به هند بریتانی برقش . وی در امرتسر به تاریخ ۲۰ می ۱۹۳۰ در یک جلسه عام گفت که هدفش آزادی هند بوده و درآینده خود را وقف خدمت به کشورش خواهد کرد. مقامات هند بریتانی را پورهای را بدست آوردند که وی با عده‌دیگری تلاش میورزد تا یک تشکیلات جداگانه کمونیستی در شمال هند را ایجاد و عضویت بین الملل سوم^{۳۶۷} را حاصل کند. عزیز هندی به تاریخ ۲۸ آگوست ۱۹۳۰ بازداشت و به زندان مرکزی امبالا فرستاده شد.

عزیز هندی در ماه جون ۱۹۳۲ از امرتسر به فقیر محمد یکی از مهاجرین هندی طرفدار بشویک ها طی نامه خواهان کمک شده و گفت که روسها ممکن کمک کنند. او بعد از تقسیم هند در پاکستان سکونت اختیار کرد، اما دیری نگذشته بود که توسط افراد قبایلی اختطاف و برای مدت ۲ سال در سرحد آزاد افغانستان گروگان نگهداشته شد. تاریخ وفات عزیز هندی ۱۰ فبروری ۱۹۷۱ و محل وفاتش لاهور نشان داده شده است^{۳۶۸}.

³⁶⁷. بین الملل سوم یا کمونیست اینترنشنل که خلاصه آن کمترن است (1919-1943) یک مؤسسه کمونیستی بین المللی بوده که در ماه مارچ ۱۹۱۹ در مسکو تأسیس شده بود.

³⁶⁸. Sharma, Jagdish Saran (1972). The National Biographical Dictionary of India, p27

فصل هفتم

افغانستان در چنبره بازی بزرگ رقابت‌های شوروی و انگلیس



شاه امان‌الله خان در مرحله دیگری از "بازی بزرگ" مثل امیر شیر علی خان در سال ۱۸۷۸ در تنگی بین شیر و خرس قرار گرفت. او در قبال رقابت‌های بین دو ابرقدرت در شمال و جنوب افغانستان سیاست بیطریقی را اختیار کرد. وی اعلام داشت که می‌خواهد بی‌طرفی جدی را هم در مناسبات با انگلیس و هم در مناسبات با روسیه شوروی تعقیب کند و افغانستان را به کارزار کشمکش‌های دو قدرت مبدل ننماید.

منابع و مشکلات دولت اماني با همسایه بزرگ شمالی اش

نویسنده‌گان و مؤرخین در رابطه با منابع غازی امان الله خان با اتحاد جماهیر شوری سویاالیستی روسیه نظریات ضد و نقیضی ارائه داده، و اکثراً در چهارچوب فکری خودشان، وی را از پادشاه لیبرال، پادشاه سویاالیست، و پادشاهی که مارکسیست نبود اما سیاست خارجی او به نفع روس‌ها بود تا یک پادشاه شجاع، غازی، امیرالمؤمنین و خلیفه مسلمین جهان تقبیح و یا ستوده اند، و برخی حتی پا فراتر نهاده وی را تکفیر نموده، نزدیکی وی به اتحاد شوروی را آغاز بدینختی‌های امروزی ملت ما دانسته‌اند.

درک درست مشکلات دولت اماني برای حفظ استقلال کشور در بازی بزرگ دو ابر قدرت رقیب و دسایس و کشمکش‌های دیپلوماتیک شان در افغانستان به تحقیقات بیشتر ضرورت دارد. تحقیقاتی که نشان دهد دولت اماني تا چه اندازه در کارزار جلوگیری از پیروزی پلانهای ابرقدرت‌های رقیب در افغانستان موفق بدرآمد، دفاع از داعیه مسلمانان آسیای مرکزی تا چه اندازه مناسباتش را هم با انگلیس‌ها و هم با بشویک‌ها به مخاطره انداخت، و دولت اماني تا چه حدی به هدف اصلی که دستیابی به پشتوانه حقوقی استقلال کشور و دست‌یافتن به عضویت جامعه آزاد جهانی بود، رسید.

آیا براستی عقده در برابر انگلیس باعث نزدیکی افغانستان با روس و کمونیزم شد؟
آیا دوستی روس‌ها و طبیعت "بلشویزم" منشأ مخالفت و دشمنی امان الله خان با انگلیس‌ها³⁶⁹ بود؟

آیا سیاست خارجی شاه امان الله خان به نفع روس‌ها بود و روس‌ها توانستند ازوی بحیث وسیله فشار بمقابل انگلیس‌ها استفاده نمایند؟

³⁶⁹ حضرت محمد صادق المجدد در صفحه ۴۹ خاطرات سیاسی خود مینویسد که «امان الله خان عقیده با انگلیزها یک دشمنی خیلی عجیبی داشت و از وقت طفویلت‌الی روزیکه از سلطنت استعفا میکرد سیاست او تماماً مخالف انگلیزها بود و یقین دارم که الی حال که وقت تحریر این سطور است (لیل یکشنبه هفتم جمادی الاول ۱۳۵۵) مطابق (جولای ۱۹۳۶ میلادی) بهمان تعصّب خود پا فشاری دارد... اگرچه این سیاست او بر یک اساس دینی قائم نبود، بلکه از دوستی روس‌ها و طبیعت (بالشویزم) نشئت کرده بود...».

آیا دوستی امان‌الله خان با روس‌ها مانع همکاری‌های او با مبارزین آسیای مرکزی گردید؟

درین بخش خواهیم کوشید به این سؤال‌ها جواب گفته و سعی کنیم تا بر چگونگی مناسبات و مشکلات دولت امانی با اتحاد جماهیر شوروی خصوصاً توطئه‌ها و دسایس انگلیس‌ها در خرابی مناسبات بین افغانستان و اتحاد شوروی روشنی اندازیم.

سابقه رقابت‌های روسیه تزاری و امپراتوری استعماری انگلیس

قبل از جنگ ۱۹۱۹ افغان و انگلیس که در نتیجه آن افغانستان به استقلال کامل دست یافت، و قبل از پیروزی انقلاب اکتوبر ۱۹۷۱ روسیه که بلشویک‌ها را بقدرت رساند، افغانستان در مرکز رقابت‌های دو امپراتوری و قدرت بزرگ عصر یعنی انگلیس و روسیه تزاری قرار داشت، که در تاریخ بنام بازی بزرگ (The Great Game) ثبت شده است. گرچه این قدرت‌های بزرگ نتوانستند افغانستان را تحت اشغال مستقیم خود در آورند، اما هم روس‌ها و هم انگلیس‌ها توانستند قسمت‌های از خاک افغانستان را جدا سازند و در حقیقت سرحدات افغانستان را همین دو قدرت تعیین کردند.

سیاست توسعه طلبی دولت تزاری روس از قرن شانزدهم یعنی دوران ایوان سوم (Ivan III) در سال ۱۵۰۵ آغاز و تا پتر کبیر (Peter I) Pyotr Alexeyevich Romanov یا در سال ۱۷۲۵ میلادی ادامه یافت. روسیه درین دوران با استفاده از سیاست استعماری اش به بزرگترین کشور جهان تبدیل شده و در سال ۱۷۲۱ میلادی رسماً به امپراتوری روسیه مسماً گردید.

حدود چهل سال بعد از شکل امپراتوری روسیه در شمال افغانستان، در جنوب افغانستان نیز امپراتوری استعمارگرانگلیس در قاره هند مسلط شد، و برای تسلط بر کشورهای دیگر و پیشرفت به مرزهای روسیه دو بار بر افغانستان لشکر کشید و با مقاومت شدید و مبارزه مردم افغانستان در جنگ‌های اول و دوم افغان و انگلیس روبرو شد که خود داستان دیگر و بیرون از موضوع این تحقیق است، و بدین ترتیب افغانستان در محراق رقابت‌های دو ابر قدرت روسیه و انگلیس قرار گرفت.

آرزوی پتر کبیر در رسیدن به منابع طبیعی هند و آبهای گرم بحر هند، خیلی قبل از تسلط بلشویک‌ها در روسیه، افغانستان را در صدر توجه امپراتوری روسیه قرار میداد. در آغاز قرن ۱۹ حکومت روسیه تصمیم گرفت اطلاعاتی درباره افغانستان گردآوری نماید.

و تماس های با فرمان روایان آن برپا نماید. بعد از استقرار در آسیای مرکزی³⁷⁰، پاول اول (Paul) امپراتور روس در سال ۱۸۰۰ با ناپلیون بوناپارت فرانسه ائتلاف نموده پلان حمله مشترک بر هند بریتانی را طرح نمود. پروژه اورنبرگ یا کمپاین هند در جنوری ۱۸۱۰، توسط پاول اول، آغاز شده، به جنرال اولرف امر شد از اورنبرگ، و بخار او خیوا با ۲۲ هزار عسکر و ۲۴ توپ مارش کند. انگلیسها که نمیخواستند سرمایه گذاری کمپینی شرقی شانرا در هند از دست بدند، نخست در ۲۴ دسمبر ۱۸۰۰ کوشیدند ناپلیون را از بین ببرند و بعد از ناکامی این تلاش شان توطئه کشتن تزار روس را تمویل کردند. واقعات سه ماه اول سال ۱۸۰۱ خطرات بزرگی را متوجه امپراتوری استعماری بریتانیا ساخته بود. اما جنرال روسی هنوز به اورنبرگ نرسیده بود که امپراتور پاول اول به تحریک سفیر انگلیس (کنت دوپالهن) شب ۱۱ ماه مارچ ۱۸۰۱ از طرف افسران نظامی پتروگراد و همراهی پسرش در اطاق خواب خود در قصر سن میکایل شهر سن پیترزبورگ کشته شد، و نقشه حمله بر هند از راه افغانستان به اثر توطئه انگلیس ها ناکام شد، و یکی از اولین فرامین امپراتور جدید روسیه، الکساندر، هم امر توقف حمله بر هند بریتانی بود.

دولت تزاری روس بار دیگر بعد از آنکه ایران را به زور سرنیزه و معاهدات گلستان و ترکمنچای تحت نفوذ خود درآورد، در صدد آن شد که توسط ایران و به نام ایران در افغانستان نفوذ سیاسی نماید.³⁷¹ در تلاش های سال ۱۸۳۷ حکومت محمد شاه قاجار برای تسخیر هرات، در قوای حمله آور ایرانی مشاورین و قطعات عسکری روسی نیز شامل بودند. به گفته روانشاد غبار "دولت روس دولت ایران را بغرض استیلای هرات سوق نمود و حکام هرات را تطمیع کرد که هرات به قندهار الحاق خواهد شد، و ایران را وعده داد که هرات و قندهار هردو زیر نفوذ ایران قرار خواهد گرفت. این تها نبود، بلکه دولت روس مصمم شد که کابل [امیر دوست محمد خان] را با نشان دادن باغهای سرخ و سبز و عده استرداد پشاور، در مدار دیپلوماسی و نفوذ خود درآورد و کابل را برای تجزیه کشور افغانستان بدست ایران، رفیق راه خود قرار دهد. کنت سیمونج سفیر روس بدربار ایران لمحه از تطبیق این نقشه نیا سود³⁷².

³⁷⁰. منطقه آسیای مرکزی از چند امارت تشکیل گردیده بود که مشهور ترین آنها بخارا، خوقند (فرغانه) و خیوا بودند.

³⁷¹. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۲)، ص ۴۹۴.

³⁷² همانجا

انگلیس‌ها میخواستند قبل از آنکه روس‌ها در آسیای مرکزی تا دریای آمو برسند، خود تا سواحل آمو رسیده باشند. لذا در بهار سال ۱۸۳۹ بر افغانستان حمله نمودند، که منجر به جنگ اول افغان و انگلیس شد.

در دهه ۷۰ و ۸۰ سده نزدهم اقدامات تهاجمی روسیه در آسیای مرکزی ادامه داشته سرزمین‌های پهناوری از دریای اورال تا پامیر و از دریای خزر تا کوه‌های تیان‌شان را به روسیه ملحق ساختند. درین هنگام تاجیک‌ها، قراقها، ترکمن‌ها و قرغيز‌ها دولت نداشتند و در آسیای مرکزی تنها سه دولت فشودالی فرمانروائی میکرد: خان‌نشین خیو، خان‌نشین خوقند و امیر نشین بخارا. روس‌ها به سرعت شهرهای ترکستان را گرفتند. در ماه جون ۱۸۲۵ بزرگترین شهر آسیای مرکزی تاشکند را اشغال و در ماه جنوری ۱۸۲۸ با خان‌نشین خوقند قرارداد تجاری را امضا و در ماه بعد خدایار خان حاکم خوقند، خود را زیر فرمان امپراتور روسیه اعلام کرد. در ماه می‌همین سال جنرال کاوفمن سمرقند را گرفته بطرف بخارا نزدیک میشد، که امیر بخارا ناگزیر به جنگ خاتمه‌داده و تحت الحمایگی روسیه را قبول کرد.³⁷³

از اهداف مهم سیاست استعماری انگلیس در منطقه یکی هم دفاع از منافع شان در نیم قاره هند و مهار کردن آرمانهای توسعه طلبی روسیه در رسیدن به آبهای گرم بحر هند بود که بخشی از "بازی بزرگ" را تشکیل می‌داد. گسترش نفوذ روسیه در آسیای مرکزی سبب شد تا انگلیس‌ها نیز گامهای متقابلی بردارند. جاسوسان انگلیس به آسیای مرکزی رخنه کرده تلاش ورزیدند زمینه را برای تبدیل این سرزمین پهناور (که در همسایگی روسیه قرار داشت و بازار طبیعی فروش کالا‌های روسی بود) به بازار فروش کالا‌های انگلیسی و تخته خیز برای اقدامات خصمانه در برابر روسیه فراهم نمایند. توجه حکومت روسیه هم به آرزوی بریایی مانع بر سر راه رخنه انگلیس در آسیای مرکزی، به افغانستان به عنوان طبیعی ترین مانع موجود برای جدا نگهداشتن هند از آسیای میانه جلب گردید.³⁷⁴

در دوره سلطنت دوم امیر شیرعلی خان، پیش روی روس‌ها بطرف سرحدات افغانستان بر نگرانی دولت انگلیس افزود. انگلیس‌ها برای جلوگیری از برخورد منافع دو ابرقدرت، طرح ایجاد یک منطقه‌بی طرف میان متصروفات آسیائی روسیه و انگلستان

³⁷³. پارسیدس، موسی - ترجمه عزیز آریانفر (۲۰۰۱)، صفحات ۱۲-۱۸.

³⁷⁴. ولودارسکی، میخاییل - ترجمه عزیز آریانفر (۲۰۰۱)، ص ۳۵.

را پیشنهاد نمودند. آنها برای تعین سرحدات افغانستان و روسیه یکنفر نماینده سیاسی خود را به روسیه فرستادند تا در مورد سرحدات شمالی افغانستان با مقامات آن کشور گفتگو و مذاکره نماید. این مذاکرات از سال ۱۸۷۹ تا ۱۸۷۳ حدود چهار سال طول کشید و بالاخره در سال اخیر دولت روسیه آمادگی خود را برای تعین خط سرحدی نشان داد و بر اثر آن نمایندگان روسیه و انگلیس، شهزاده گورچاکوف (Prince Gorchakov) وزیر خارجه روس و لارڈ گرانویل (Lord Granville) وزیر خارجه انگلستان، خط سرحدی را که از دریاچه ویکتوریا (зорکول یا زورقل) تا خم آب امتداد دارد تعین و تثبیت کردند. با تثبیت این خط سرحدی که طول آن (۱۸۰۰) کیلومتر میباشد و دریای آمورا دربر میگیرد، دولت روس با دولت انگلیس، بدون آنکه مدعیان اصلی یعنی دولت افغانستان و امارت بخارا از موضوع تعیین سرحدات آگاه باشند، موافقه نمود که افغانستان از روشنان و شغنان و بخارا از بد خشان و واخان صرف نظر نماید و مرو و اراضی ترکمن نشین اطراف آن خارج از خاک افغانستان باشد، و افغانستان را خارج منطقه نفوذ خود بشمارد.

روس ها در دوران امارت امیر عبدالرحمان خان، برخلاف توافق نامه سال ۱۸۷۳، یکبار دیگر به پیشروی شان بطرف جنوب ادامه داده در ۱۴ فبروری ۱۸۸۴ به مرو پیشروی نموده و در سال ۱۸۸۵ مناطق پنجده و آق تپه افغانستان را اشغال نمودند. بعد ازین واقعه و تلگرام تهدید آمیز ملکه انگلستان به الکساندر دوم، تزار روس، عساکر روسی از پیشروی بیشتر به خاک افغانستان خودداری نموده، حاضر شدند نماینده خود را برای مذاکرات تعین سرحد شمال غربی افغانستان به لندن بفرستند. مذاکراتی که به قرارداد سال ۱۸۸۷ بین هند بریتانی و روسیه تزاری انجامید و به اساس آن خط سرحدی ریجوعی تعین و نواحی دیگر از سرزمین مانیز مجزا گردید.³⁷⁵

روس ها در اوایل قرن بیستم، بعد از شکست در مقابل جاپان، یکبار دیگر از پیشروی و حمله بر هند دست برداشته و بارقیب انگلیسی خود معاہده مشهور ۱۹۰۷ را امضا نموده، قبول کردند که افغانستان را خارج ساحه نفوذ خود دانسته، هیچ نماینده به افغانستان نفرستاده و در امور سیاسی مربوط به افغانستان به حکومت انگلیس مراجعه نمایند. این قرارداد که مسئله تجزیه ایران بین دو امپراتوری استعمارگر را نیز در بر میگرفت، با روی کار آمدن بلشویک ها و ابلاغیه رسمی وزیر دفاع بلشویک ها لئو تروتسکی لغو شد.

³⁷⁵. عارض، غلام جیلانی (۲۰۰۳)، ص ۵۲

پالیسی روسیه در مراحل اول بعد از انقلاب اکتوبر

لغو قراردادهای استعماری امپراتوری تزاری

دولت جدید بلشویک‌ها از اسرار و قراردادهای خائنانه امپراتوری تزاری روس پرده برداشت، و آنها رالغونمود. درین جمله قرارداد ۱۹۰۷ انگلستان و روسیه نیز که افغانستان را قلمرو نفوذ انگلیس‌ها شناخته بود، لغو شد. به گفته Arnold Joseph Toynbee آرنولد توینبی یکی از مؤرخین و مشاورین ارشد حکومت بریتانیا در امور بین‌المللی خصوصاً شرق میانه، تنها انگیزه که افغانستان تحت ساخته نفوذ انگلیس‌ها قراردادسته باشد، مؤقتاً برداشته شده و خطر فشار از شمال بر افغانستان رفع شد. لینین شخصاً در اعلامیه‌ای که در ۱۴ دسمبر ۱۹۱۷ به امضای او صادر شده بود، این عهدنامه را از اعتبار ساقط دانسته و تاکید کرد که هرگونه قراردادی که با استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و آزادی ایرانیان [و افغانها] مغایرت داشته و آن را محدود کند از این لحظه بی‌اثر و دیگر وجود خارجی که بتوان به آنها استناد کرد، نخواهد داشت.³⁷⁶

پشتیبانی از آزادی مسلمانان در قاره‌های آسیا و افریقا

راپورها و اخبار جنگ جهانی اول، فروپاشی امپراتوری روسیه تزاری و سلطه خانواده رومانف، انقلاب فبروری ۱۹۱۷ و تأسیس و اقدامات حکومت مؤقت کرنسکی (Kerensky)، و به تعقیب آن انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ روسیه، و امضای معاهده صلح روسیه با آلمان³⁷⁷ قسماً از طریق مطبوعات سانسور شده هند بریتانی ا به افغانستان میرسید و در سراج الاخبار، که حیثیت ارگان نشراتی مشروطه طلبان و آزادیخواهان را پیدا کرده بود، منتشر می‌شد. چنانچه سراج الاخبار افغانیه متن تلگرام فرستاده شده کمیته ملی هند (مؤرخ ۲۲ آگوست ۱۹۱۷) عنوانی مسلمانان روسیه را نشر کرد که در آن از مسلمانان روسیه بخاطر پشتیبانی شان از آزادی مسلمانان در قاره‌های آسیا، و افریقا تشکر نموده و اقدامات حکومت مؤقت کرنسکی را در باره آزادی کشورهای تحت ستم

³⁷⁶. مقاله لغو قراردادهای استعماری علیه ایران توسط بلشویک‌ها در سایت‌های مختلف اینترنت.

³⁷⁷. قرارداد ۱۵ دسامبر سال ۱۹۱۷ میلادی بلشویک‌ها در رابطه با ترک مخاصمه با امپراتوری های آلمان و اتریش که در منطقه برست لیتوفسک امضا شده و بنام قرارداد صلح برست لیتوفسک معروف است.

و تقبیح ادامه استثمار ۳۱۵ میلیون هندی های که توسط استعمار چیان بریتانی صورت گرفته است،ستود.

لنین رهبر دولت جدید التأسیس روسیه بعد از احراز قدرت به تاریخ 24 نوامبر 1917 ضمن نشر ابلاغیه بیانی به اسم مسلمین دنیا اعلام نمود که عالم اسلام می تواند از حمایت انقلابیون روسیه استفاده نماید. انقلابیون روسیه با کمال جدیت برای آزادی ملل اسلام کوشش خواهند کرد. لینین می افراشد که در این موقع که حتی مسلمانان هند تحت ظلم و ستم بیگانه کوبیده شده اند، بر ضد استعمارگران به پا خاسته اند، نباید ساکت نشست، فرصت را غنیمت شمارید و دشمن را از کشور خود دور ندازید. ما زیر بیرق خود ملل مظلومه را برای استخلاص جای می دهیم. ای مسلمانان روسیه، ای مسلمانان مشرق زمین، در این راه تجدید حیات عالم، از جانب شما انتظار هم عقیدگی و مساعدت را داریم.³⁷⁸

پشتیبانی از پان اسلامیزم بهیث یک نهضت انقلابی

افغانستان یکی از اولین کشور های شرقی بود که از ستم استعمار آزاد گردیده بود. لینین، رهبر جمهوری شوراها که به استقرار و گسترش روابط با افغانستان توجه شایانی داشت، به تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۱۹ طی نامه شخصی به غازی امان الله شاه نوشت که «افغانستان یگانه کشور مستقل مسلمان در جهان است، مردم آن وظیفه بزرگ تاریخی دارند تا متحدآ در آزاد ساختن مسلمانان کار کنند. و آنرا به شاهراه آزادی و استقلال رهنمایی کنند».³⁷⁹

گریگوریان وارتمن به قول از منابع بین‌المللی M. N. Roy، یکی از انقلابیون هندی ایکه به لینین نزدیک بود، مینویسد که لینین به جنبش های آزادیبخش مستعمرات به رهبری بورژوازی ملی از نگاه تاریخی به دیده نیروی انقلابی متوجه میدید. درین رابطه، حتی پان اسلامیزم جنبش انقلابی تلقی شده و سزاوار پشتیبانی جنبش جهانی

. طبیبی، لطیف، در آینه تاریخ: نگاهی به اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی.³⁷⁸

Gregorian, Vartan. (1969). The emergence of modern Afghanistan.³⁷⁹ (ظهور افغانستان مدرن)، ص ۲۳۲

کمونیستی بود. به گفته وارتان لینن حتی امان‌الله خان را تشویق نمود تا رسیدن به پان
اسلامیزم بحیث یک هدف ادامه دهد.³⁸⁰

حمایت از حق استقلال و حاکمیت افغانستان

معاهده صلح "برست لیتوفسک" میان دولت شوروی و دولت آلمان از حق حاکمیت و استقلال افغانستان جانبداری کرد. در فقره هفتم معاهده مذکور ذکر شده بود که «دولت‌های ایران و افغانستان هردو مستقل‌اند. ضمیمه هیچ دولت دیگری نمی‌شوند. و دول امضاء‌کننده صلح مؤظفند که استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و افغانستان را محترم شمارند».³⁸¹

سراج الاخبار ضمن اظهار امتنان از دولت‌های آلمان، اتریش، مجارستان، ترکیه، بلغارستان و روسیه، تصدیق، قبولی و محترم شمردن استقلال سیاسی و اقتصادی و حاکمیت و ملکیت تامه افغانستان، ازین معاهده استقبال کرد. قابل یادآوریست که این تحولات که هدف آشکار آن صلح طلبی و ضدیت با امپریالیزم بود، اثر خود را بر ملی‌گرایان، روشنفکران و استقلال طلبان افغان و آزادی خواهان هنداداشت. اما برخلاف آنچه برخی از مؤرخین خصوصاً مؤرخین روسی بصورت مبالغه آمیز مینویسند، این معاهده و تأثیرات انقلاب اکتوبر روسیه هرگز محرک اصلی مبارزات استقلال طلبی در افغانستان و عامل مهم واژگذار در سلطنت امان‌الله خان و اعلان استقلال نبوده است.

برسمیت شناختن استقلال افغانستان اولتر از همه توسط روسیه، و از بین رفتان خطر تهدید از شمال از یکطرف و دشمنی مشترک با انگلیس‌ها از طرف دیگر بر افکار غازی امان‌الله خان در رابطه با استقرار روابط دیپلماتیک و دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی تأثیر داشت.

آغاز مناسبات دیپلماتیک

از جمله اولین اقدامات دولت جدید افغانستان تحت قیادت غازی امان‌الله خان، تلاش برای تأسیس مناسبات دیپلماتیک با کشورهای آزاد جهان بود. هنگامیکه خطوط

³⁸⁰. همانجا.

³⁸¹. سراج الاخبار افغانیه، شماره ۲۳ سال هفتم، (به حواله پوهاند سید سعد الدین هاشمی).

اساسی سیاست خارجی دولت امانی بصورت تدریجی شکل گرفت، نخست موضوع پان اسلامیزم و تحکیم همبستگی مسلمانان جهان و بعد آزادی ساختن تدریجی مناسبات با بریتانیا برای حفظ استقلال و منافع افغانستان در رقابت های بین شوروی و انگلیس نیز برآ آفزوده شد.

دولت جدید برای معرفی و برقراری روابط دیپلماتیک با کشور های آزاد جهان، حتی قبل از آنکه انگلیس ها مجبور شوند آزادی کامل افغانستان را به رسمیت بشناسند، ضمن ارسال مکاتیبی به کشور های متعدد جهان استقلال کشور را اعلام نمود.

چون هردو کشور افغانستان و روسیه به استقرار و گسترش روابط ضرورت داشتند، یعنی هم امان الله خان به یک متحد در برابر بریتانیا نیازداشت، و هم روسیه شوروی می خواست به هر قیمتی که باشد دشمن خود، بریتانیای کبیر، را تعزیف نماید، و در برابر این دشمن مشترک (انگلیس) به دوستی و اتحاد افغانستان نیازداشت؛ روسیه یکی از اولین کشور های بود که به تاریخ ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ رسمآ استقلال بی قید و شرط افغانستان را به رسمیت شناخت.

امان الله خان به تاریخ ۱۷ پریل ۱۹۱۹ مکتوبی به لنین فرستاده نوشت که "دولت افغانستان که تا حال بنا بر بعضی عوارض از شرف مخابرات و مکالمات و مناسبات با دولت های معظمه و ملت های مكرمه همنوع خود برکنار مانده بود. چون آن دوست معظم مهربانم اعلیحضرت رئیس جمهور دولت معظم روسیه به اتفاق دیگر رفقاء انسانیت شان فخر و شرف صلح و صلاح بنی آدم و اعلان حریت و مساوات دول و ملل عالم را اکتساب نموده اند بناءً علیه این نخستین دفعه است که بنام ملت مستعد باتکامل افغان از طرف دولت مستقل و آزاد افغانستان با ارسال این نامه و دادیه خودم را بختیار میشمارم"³⁸²

³⁸². مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی در سال های ۱۹۱۹-۱۹۳۹ چاپ کابل - ص ۲، به حواله سید رسول (۱۳۷۸)، ص ۵۳.

در همین تاریخ محمود طرزی، وزیر امور خارجه افغانستان نیز مکتوبی عنوانی چیزین، کمیسار ملی امور خارجه روسیه فرستاده و از او خواهش نمود که نامه اعلیحضرت مان الله خان، پادشاه ملت بزرگ و آزاد افغانستان را به مطاله لنین برساند.

هنوز جنگ سوم افغان و انگلیس آغاز نشده بود که به تاریخ ۲۱ اپریل ۱۹۱۹ امان الله خان با فرستادن پیام تازه برای لنین اعلام کرد که هیئت دیپلوماتیکی را به ریاست سفیر فوق العاده اش، جنرال محمد ولی خان به اروپا می فرستد، و اولین پایتختی که هیئت افغانی از آن بازدید خواهد کرد، مسکو است، که در آن محمد ولی خان اجازه دارد گفتگوهای نموده و زمینه را برای برپایی دوستی میان هردو کشور و تأمین منافع متقابل فراهم کند.

اعتمادنامه جنرال محمد ولی خان سفیر فوق العاده به دول خارجی غرض شناسایی



23. اعتمادنامه جنرال محمد ولی خان سفیر فوق العاده افغانستان آزاد و جدید و تحکیم مناسبات با هر دولتی که بمنافع طرفین عقد روابط را آرزومند باشند.³⁸³

اعتمادنامه

. ۳۸۳. شهرانی، عنایت الله (۱۳۸۵/۰۷/۲۰)، ص ۲۰۱

فرمان هذا تصدق میکند که جناب جلالتمآب جنرال محمد ولی خان سفیر فوق العادة دولت علیه افغانستان بربیاست اعضای کرام هیئت سفارت مرخصه مذکور اختیار دارد که برای معرفی افغانستان آزاد جدید و تحکیم مناسبات با هر دولتی که بمنافع طرفین عقد روابط را آرزو مند باشد، و مقاولات دولویه و تجاریه و براستخدام مردم خارجیه در افغانستان، و تحصیل تسهیلات برای تعلیم افغان در خارج و خریداری بعضی اسباب لازمه، مبادله آنرا بکند. و تهیئه تقویم آن ... نماید.

تحریر فی یوم چهارشنبه ۲۲ ماه عقرب ۱۲۹۸

امیر امان الله

لینین به تاریخ ۲۲ می ۱۹۱۹ در پاسخ به مکتوب امان الله خان نوشت:

«خدمت جلالتمآب اعلیحضرت امان الله خان امیر مملکت افغانستان ادام الله اقباله العالی. نخستین نامه از طرف ملت مستقله افغان که مشتمل بر درود دوستانه به ملت روس و خبردهنده از جلوس آن اعلیحضرت بر اورنگ تاجداری مملکت افغانستان بود، بما رسید. در جواب آنطرف حکومت کارگران و کشاورزان و از طرف عموم اهالی روسیه به فرستادن این نامه که مشتمل سلام دوستانه است به ملت آزاد و مستقل افغان که آزادی خود را با کمال دلاوری از تسلط جبین خارجه مدافعت کرده است، مبادرت می نمائیم... اراده آن اعلیحضرت را در عقد مناسبات دوستانه با اهالی روسیه با کمال خوشی استقبال کرده از آن اعلیحضرت خواهش میکنیم که نمایندگان حکومت کارگران و کشاورزان را به شهر کابل روانه نمائیم برقرار شدن مناسبات دیپلوماسی فیما بین دو دولت بزرگ روس و افغان باعث خواهد شد که این دو ملت دست یاری و معاونت به هم دیگر داده هرگونه سؤ قصدی را که از جانب غارتگران خارجه بر آزادی و ملل آنها واقع شود، دفع و بر طرف نمایند.»

برقراری مناسبات دیپلوماتیک بین افغانستان و اتحاد جماهیر سوسیالیستی روسیه شوروی ضربه مستحکم و حساسی بود که بر موضع دشمن مشترک شان، بریتانیا، وارد شد. تلاش ها و توطئه های انگلیس در برهم زدن این مناسبات در صفحات بعدی ذکر خواهد شد.

بر اوین، دیپلمات پیشین روسیه تزاری که برای مدت طولانی در ایران کار کرده بود و چندین زبان شرقی را می‌دانست و در اوضاع سیاسی در شرق میانه خوب وارد بود، بحیث نخستین دیپلومات شوروی به کابل تعین شد.³⁸⁴

یوری تیخانف استاد شرق‌شناسی پوهنتون علوم فدرال‌اسیون روسیه، به گواهی اسناد آرشیفی روس، بر اوین و مولوی برکت‌الله، صدراعظم حکومت مؤقت هند در کابل، را که در ماه مارچ ۱۹۱۹ در تاشکند ملاقات کرده بودند، از پیشاهنگان مناسبات افغانستان و شوروی میداند. او مینویسد که «به گمان غالب آن‌ها مهم‌ترین مسائل را به بررسی گرفتند. روشن است، برکت‌الله و بر اوین بستن قرارداد آینده نظامی میان افغانستان و شوروی را چون صحنه تازه‌یی از «بازی بزرگ» در آسیای میانه ارزیابی می‌کردند. چنان‌چه بر اوین در یکی از نامه‌های خود به کمیساريای خلق در امور خارجی نوشت: «تاریخ روسیه ثبوت تردید ناپذیری منبی بر تمایل راسخ و از پیش تعیین شده روسیه به سوی خاور و به ویژه به سوی آسیای میانه و هند در دست ما می‌دهد. دست سرنوشت روسیه تزاری را به سوی هند کشانید و همان دست امروز روسیه شوروی را بدان سوی کشاند. در هند باید مسائل جهانی فیصله شود و این مسائل با برخورد روسیه با انگلیس حل می‌گردد».³⁸⁵

برکت‌الله یکی از شخصیت‌های معروف آزادیخواهان هندی بود که در جریان مبارزات خود، بخصوص در روابط افغانستان و روسیه شوروی و مردم آسیای میانه نقش مهم داشت. محققین روسی با استناد اسناد آرشیف دولت ترکستان روسی مینویسند که برکت‌الله قبل از رسیدن محمد ولی خان به مسکو، وظیفه را در چوکات یک هیئت غیر رسمی از سوی شاه افغانستان داشت و در پی جستجو و جلب طرفداری برای افغانستان بوده است، که در آن دوران این اقدامات در لفاف مخالفت با دشمن مشترک انگلیس عنوان می‌شد. وی به تاریخ ۲ ماه می‌دریک مصاحبه با راپورت ایزو ویستیا اعلان کرده

³⁸⁴. بر اوین Bravin بحیث اولین نماینده روسیه در افغانستان به تاریخ چهارم سپتember ۱۹۱۹ وارد کابل شد. سوریتس Suritz به تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۱۹ بحیث جانشین وی تعین شد. راسکولینکوف Raskolinkov از ۷ جولای ۱۹۲۱ سفیر بود. سولوویف Solovieff از ۱۲ ماه نومبر ۱۹۲۳ بحیث شارژد افیر ایفای وظیفه مینمود. ویرنر والتر Werner Walter به تاریخ ۲۹ فبروری ۱۹۲۴ بحیث شارژد افیر تعین شد. ستارک Stark سفیر دیگر روسیه به تاریخ ۲۷ جون ۱۹۲۴ به کابل رسید.

³⁸⁵. تیخانف، یوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰)، ص ۲۳

بود که او نه یک کمونیست است و نه یک سوسیالیست، بلکه یک وطنپرست و نشنلیست آسیایی است که میخواهد بریتانیا از آسیا خارج ساخته شود و اظهار کرد که روس‌ها و نشنلیست‌های آسیایی باهم متحدین طبیعی میباشیم. ایزویستیا در همین شماره نوشت که او بحیث یکی از اشخاص بسیار مورد اعتماد امیر جدید بمنظور استقرار مناسبات دائمی با روسیه شوروی، بحیث سفیر فوق العاده به مسکو فرستاده شده است.³⁸⁶

برکت الله به تاریخ ۲۲ ماه اپریل ۱۹۱۹ در نخستین یادداشت گزارشی خود به لنین پیشنهاد کرده بود که حکومت بلشویکی در مبارزه با دشمن مشترک بلشویسم و اسلام (انگلیس) تسهیلات ارزشمندی را به افغانستان ارائه نماید. او پیشنهاد نمود تا با امیر جدید افغانستان برضد «سلطان انگلیس بر هند» پیمان نظامی بینند و خواهش کرد یک میلیون پوند استرلینگ و جنگ افزار برای آماده سازی جنگ با انگلیس به دسترس کابل بگذارد.³⁸⁷ برکت الله میخواست که فعالیت‌های آسیای میانه را با جنبش ترقی خواهی و ضد استعماری افغانستان مرتبط سازد.

تعیین نماینده کل اختیار شوروی برای سراسر آسیا در کابل

اتحاد با افغانستان برای تحکیم موقف بلشویک‌ها در «چهار راه آسیا» ارزش خاص داشته و به گفتهٔ تیخانف برای روسیه شوروی دورنمای دارای مقیاس جهانی را می‌گشود. او میگوید که لنین یک چنین وظیفه پر مسئولیت بستن پیمان اتحاد با افغانستان را تنها می‌توانست به یک شخص مورد اعتمادش - به یک حزبی آزموده شده بسپارد. چون براوین چنین کسی نبود³⁸⁸، از این رو، در کرملن تصمیم گرفتند او را از کرسی نماینده تمام الاختیار در کابل تبدیل نمایند. به تاریخ ۲۳ جون ۱۹۱۹ یک بلشویکی قدیمی با تجربه پیش از انقلاب - یاکف (یعقوب) سوریتس به کابل فرستاده شد.

در اعتمادنامه سوریتس، که توسط لنین و قره خان معاون کمیساری خلق در امور خاره امضا شده بود، آمده بود: «از نام حکومت کارگری- دهقانی جمهوری سوسیالیستی

³⁸⁶. هاشمی، سید سعد الدین (۲۰۰۴)، ص ۱۸۴.

³⁸⁷. تیخانف، یوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰)، ص ۲۲

³⁸⁸. براوین، در ماه جنوری ۱۹۲۰ کناره گیری کرد و از بازگشت به میهن خود داری ورزید و پس از چندی به گونه مرموزی کشته شد.

فدراتیف روسیه شوروی، از سوی شورای کمیساریاهای توده‌یی رفیق سوریتس... به عنوان سفیر فوق العاده و نماینده تام‌الاختیار روسیه شوروی در آسیای میانه گماشته می‌شود و وظایفی که به‌وی سپرده می‌شود، [تامین] مناسبات دیپلماتیک با خلق‌های مستقل بلوجستان، خیوه و بخارا و خلق‌های هند، کشمیر و تبت که به خاطر آزادی می‌رزمند، است. به‌رفیق سوریتس از سوی حکومت کارگری-دهقانی صلاحیت داده می‌شود مناسبات مستقیمی با کشورهای موجود و حکومات رو به تشکل و همه سازمان‌های انقلابی دارای هدف رهایی خلق‌های آسیای میانه از تصاحب خارجی؛ برپا نمایند. او صلاحیت دارد نمایندگان خویش را خود بگمارد. وارد گفتگوهای مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق نمایندگان خود شود و موافقت‌نامه‌ها و اسنادی را از نام حکومت کارگری-دهقانی با تایید حکومت مرکزی در مسکو با آن‌ها امضاء نماید».³⁸⁹

معاهده افغانستان و شوروی

اولین معاهده بین افغانستان و شوروی بتاریخ دهم ماه حوت ۱۲۹۹ شمسی مطابق به ۲۸ ماه فبروری سال ۱۹۲۱ میلادی به امضاد و طرف رسید. به‌وجب این معاهده طرفین استقلال یکدیگر را به‌رسمیت شناخته و متعهد شدند که با هیچ دولت ثالثی در موافقت‌نامه نظامی و سیاسی که ضرر به یکی از طرفین معاهده برسد، وارد نشوند.

به اساس فقره ششم این معاهده روسیه ترازیت آزاد و بی محصول اموال ادارات دولتی افغانستان را چه در خود روسیه و چه بلا واسطه در خارج از روسیه خریداری شده باشد، قبول کرد.

در این معاهده دولت روسیه متعهد شد که سرزمین‌های را که در منطقه مرزی در قرن گذشته متعلق به افغانستان بوده است به این کشور بازگرداند. و به دولت افغانستان کمک نقدی و مادی نماید.

درین معاهده طرفین آزادی ملل مشرق را با ساس خود مختاری و بموافقت خواهش عمومی هر ملت ملل آن قبول نموده و در فقره هشتم آن استقلال و آزادی حقیقی دولت بخارا و خیوه را به‌طرز حکومتی که بموافقت خواهش ملل آنها باشد، قبول کردند.

تغییر پالیسی روسیه بعد از استحکام پایه‌های قدرت دولت شوراها

³⁸⁹. مناسبات افغانستان و شوروی، ۱۹۶۹-۱۹۷۱، مسکو، ۱۹۷۱، صص. ۱۳-۱۴.

مناسبات افغانستان و روسیه شوروی در اوایل دوستانه و صمیمی بود. لنجن رهبر شوروی به استقرار و گسترش روابط با افغانستان توجه خاص داشت. به تاریخ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱ اولین معاهده دوستی و مودت دولتین امضا شد.

با توجه به موقعیت جغرافیایی و سیاسی افغانستان، دوستی با افغانستان برای روس ها خصوصاً در رابطه برآه انداختن اقدامات انقلابی در هند اهمیت زیاد داشت، و بهترین دهليز و مناسب ترین راه کم و بیش هموار برای رخنه به هندوستان تلقی میشد. به همین ترتیب دشمنی با افغانستان می توانست هرگونه اقدامات انقلابیون هند را فلچ ساخته و بگفتة "یوری تیخانف" "مؤرخ روسی" ، میان روسیه و هند دیوار رخنه ناپذیری به سان «دیوار چین» بربا کند. به گفته این مؤرخ، نه تنها خصومت، بلکه حتی بیطرفی افغانستان برای روسیه زیانبار پنداشته میشد. چون بیطرفی افغانستان، مانع نفوذ آنها در میان قبایل سرحد آزاد که «روح انقلاب» مسلحانه در هند شمرده می شد، گشته و میتوانست آنها را در مبارزه بر سر هند از حامیان مهمی محروم سازد.

دولت امانی در آغاز به این گمان که بلشویک ها اهداف ضد امپریالیستی دارند، و از آزادی تمام ملت ها پشتیبانی میکنند، تا حدی به انقلاب روسیه خوشبین بود. اما این خوشبینی بعد از مدتی جایش را به بدینی داده و به تیره گی روابط دو کشور انجامید. در شکل گیری مناسبات خارجی دولت امانی خصوصاً با روسیه بلشویکی نیرو های مختلف و مغلق نقش داشتند:

امیر بخارا: از یکطرف روسیه شوروی در جنگ بوده، از کمک و حمایت محدود غازی امان الله خان استفاده نموده ، از طرف دیگر با دشمن وی (انگلیس ها) نیز مناسبات حسن داشته و حمایت میشد.

انقلابیون هند در کابل: از یکطرف با انگلیس ها در جنگ بوده، از کمک و حمایت غازی امان الله خان استفاده نموده، از طرف دیگر با روس ها نیز مناسبات خیلی حسن دوستانه داشته، و میخواستند مشترکاً از افغانستان بحیث یک پایگاه برای فعالیت هایشان در هند بریتانی استفاده کنند.

هند بریتانی: هم مخالف دولت امانی در افغانستان بوده و هم با روسیه شوروی و انقلابیون هند مخالفت داشت. اما با امیر بخارا مناسبات حسن و دوستانه داشته از مخالفین دولت روسیه در آسیای مرکزی حمایت میکرد

روسیه، شوروی: از جنگجویان قبایلی سرحد آزاد و انقلابیون هندی حمایت نموده، میکوشید با وعده کمک به دولت امانی اجازه استعمال افغانستان بحیث یک پایگاه علیه هند بریتانی را بدست آورد.

تیره گی روابط افغانستان و روسیه در عهد امانی

غازی امان الله خان میکوشید در رقابت‌های بین انگلیس و روسیه نقش مستقل داشته باشد. برخلاف ادعا‌های که دولت امانی با روسیه مناسبات خیلی نزدیک و دوستانه داشت، و گویا عقده در برابر انگلیس باعث نزدیکی با روس و کمونیزم شده بود، این مناسبات دارای فراز و نشیب‌های متعدد بوده و سیاست مستقل دولت امانی سبب شد که تا اوخر سال ۱۹۲۲ روس‌ها با دو شکست بزرگ روبرو شوند. شکست اول دستگیری ۸ نفر از هندی‌های کمونیستی بود که در روسیه آموختند و چون روس‌ها نتوانستند آنها را از طریق افغانستان به هند انتقال دهند، مجبور شدند تا آنها را از طریق واخان، پامیر و چترال بفرستند. شکست دوم خروج تقریباً تمام انقلابیون هندی بی‌بود که در افغانستان فعالیت داشتند.

عواملی که بر مناسبات دوستانه افغانستان و شوروی تأثیر منفی بجا گذاشت، متعدد بوده که از جمله میتوان موارد آتی را ذکر کرد:

أ. تخطی از مواد تعهدنامه و کمک به افغانستان

طوری که قبل از کشیده شدن، با امضای معاهده افغانستان و روسیه، دولت روسیه متعهد شده بود تا سرزمین‌های منطقه سرحدی را که در قرن گذشته متعلق به افغانستان بود، به این کشور بازگرداند، و به دولت افغانستان کمک نقدی و مادی نماید. همچنان درین معاهده طرفین آزادی ملل شرقی را باساس حق خود ارادیت و مطابق به میل خود شان قبول نموده و در فقره هشتم آن استقلال و آزادی حقیقی دولت بخارا و خیوه را بهر طرز حکومتی که خواهش ملل آنها باشد، قبول کردند. اما با استحکام پایه‌های دولت شوروی در منطقه، پالیسی روسیه شوروی تغییر نموده و با ادغام سرزمین‌های بخارا، خیوه و پنجده در جمهوریت‌های آسیای مرکزی و تعویق انداختن کمک‌های موعود، آشکارا از مواد تعهدنامه تخطی نمودند.

ب. بدعهدی در پشتیبانی از مفکورهٔ پان اسلامیزم

تناقض بین گفتار و کردار رهبران شوروی در پشتیبانی از پان اسلامیزم بحیث یک نهضت انقلابی بزودی به یکی از مسایل بسیار مهم مورد اختلاف بین دولت امانی و بلشویک‌ها تبدیل شد. مثلاً رهبر شوروی از نهضت پان اسلامیزم بحیث یک نهضت ضد امپریالیستی و انقلابی پشتیبانی نموده و در اولین ملاقات با جنرال محمد ولی خان دروازی، سفیر و نمایندهٔ خاص خانی امان‌الله خان، به تاریخ ۱۴ اکتوبر ۱۹۱۹ و دیدار دوم و آخری وی که بعد از یک‌نیم ماه صورت گرفت، تأکید ورزید که افغانستان بحیث یگانه کشور اسلامی مستقل در آسیا «رسالت خطیر تاریخی را بدوش دارد که خلق‌های دربند مسلمان را پیرامون خود گرد آورده و آنان را به راه آزادی و استقلال رهنماei کند».³⁹⁰

از طرف دیگر رهنمود لینین در تزهای مربوط به مسئلهٔ ملی و مستعمراتی که در ماه جون سال ۱۹۲۰ قبل از دو میان کنگرهٔ انترناسیونال کمونیستی منتشر گردید، با این نهضت مخالفت کرده و از لزوم مبارزه علیه پان اسلامیزم و جریانات نظری آن، که میکوشند جنبش رهائی بخش ضد امپریالیزم اروپا و امریکا را با تحکیم موقعیت خانها و ملاکین و آخند‌ها و غیره توأم سازند، صحبت می‌کرد.³⁹¹

محقق روسي میخائیل ولوسدارسکی معتقد است که لینین آشکارا با اندیشهٔ پان اسلامیزم، که امان‌الله خان در تفاوت با پدر و پدرکلانش به آن ارج می‌گذاشت، بازی می‌کرد، و هدف چنین بازی آن بود که پای افغانستان را در اقدامات ضد انگلیسی مسکو در جهان اسلام بکشاند.³⁹² اما این اقدامات عوض اینکه به سود مسکو بر ضد انگلیس عیار شود، در عمل بر ضد بلشویک‌ها قرار گرفتند، زیرا امان‌الله خان آرزوی ایجاد «فردراسیون آسیای مرکزی» زیر سرپرستی کابل را داشت.³⁹³

دولت امانی که آرزوی اتحاد سرزمین‌های دوکرانه رود آمورا داشت، طبعاً نمی‌توانست در ابظه با مبارزه تحمیل شده بر مردم آسیای مرکزی همدردی نشان ندهد، لذا به رزمندگان آسیای مرکزی که بعد از انقلاب اکتوبر علیه حکومت شوروی می‌جنگیدند،

³⁹⁰. لینین، کلیات آثار، جلد ۳۱، چاپ چهارم روسي، صفحات ۱۲۲-۱۲۸.

³⁹¹. ولوسدارسکی، میخائیل - ترجمه عزیز آریانفر(۲۰۰۱)، ص ۷۰.

³⁹². همانجا، ص ۱۷۱.

و به نام بساماچی‌ها³⁹³ یاد می‌شدند، کمک می‌کرد. وی همچنان در جواب درخواست سید میر عالم خان³⁹⁴، امیر بخارا، افراد و موادی را به کمک وی فرستاد. به گفته گریگوریان³⁹⁵، پالیسی‌های افغان در رابطه با آسیای مرکزی از همبستگی پان اسلامیستی فراتر رفته، امارت مستقل بخارا می‌توانست بحیث حاصل (بفر) علیه روس‌ها و منافع شان در افغانستان مورد استفاده قرار گیرد.

در اسناد استخبارات انگلیس نیز ذکر شده است که امان الله خان برای حمایت از انور پاشا، به بخارا واحدی را متشکل از 200 سپاهی پیاده نظام با دو فیل و با چندین مسلسل زیر فرماندهی برگد فاضل احمد خان، گشیل کرد.³⁹⁶

³⁹³. بساماچی در زبان ترکی به معنی مردان مسلح سرکش و یاغی است که در ادبیات سیاسی روسی به معنای راهزن و یاغی به کار رفته است. با سنجیان متشکل از گروههایی از مسلمانان آسیای مرکزی بودند که بر ضد حکومت شوروی در سالهای ۱۹۱۷-۱۹۲۵ م می‌جنگیدند. رهبران بساماچیان با وجود اختلافی که در طی اهداف آنان دیده می‌شود، افرادی بودند که برای مقاصد مذهبی یا ملی می‌جنگیدند. در طی کمتر از صد سال که از نهضت بساماچیان می‌گذرد، اظهار نظرها در باره ترکیب فرهنگی، زمینه‌های پیدایشی و علل موقوفیت‌های نخستین و شکست نهایی آنان بسیار متفاوت بوده است. مؤرخان شوروی که همواره جنگ با بساماچیان را به عنوان بخشی از دوره «جنگ داخلی» موربد بررسی قراردادهاند، کوشیده‌اند تا برویژگی یا غیگری بساماچیان و تأثیر مخرب آنان در اقتصاد منطقه تأکید کرده، نقش دول خارجی چون بریتانیا را در تحریک و حمایت از آنان پراهمیت جلوه دهند؛ در حالی که در برخی از منابع غیرشوری، حرکت بساماچیان به عنوان نمودی از پان‌تورانیسم و گاه به شکل نمایشی از قیام آزادی خواهانه یک ملت ارزیابی شده است.

³⁹⁴. سید میر محمد عالم خان (۱۹۴۴-۱۸۸۰)، آخرین امیر بخارا بود. با وجودی که از سال ۱۸۷۳ خانات بخارا تحت الحمایة امپراتوری روسیه قرار گرفته بود، امیر در اداره امور داخلی آزادی عمل داشت و نظام سلطنت مطلقه خود را داشت. امیر بخارا پس از حمله روز ۲ سپتامبر ۱۹۲۰ میلادی نیروهای ارتش سرخ شوروی ناچار به دوشنبه و از آنجا به کابل رفت و در همانجا درگذشت. وی در سال‌های پناهندگی در افغانستان علاوه بر ارتباط با بساماچیان خاطرات خود را به نام تاریخ حزن الملل بخارا به زبان فارسی نشر کرد که یک کاپی آن نزد این مؤلف موجود می‌باشد.

Gregorian, Vartan. (1969). The emergence of modern Afghanistan.³⁹⁵
ظهور افغانستان مدرن، ص ۲۳۵

³⁹⁶. اسناد محروم‌نامه استخبارات انگلیس، آرشیف هند L/P&S/20/ B289

در سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۲۰ دولت امانی با توجه به «همبستگی اسلامی» با آمادگی از مهاجرین مناطق شوروی سازی شده آسیای مرکزی پذیرایی کرد. برای آن‌ها زمین و انواع کمک‌های دیگر داده شد. برای مثال، در ترکستان افغانی به امر وزیر عدلیه برای مهاجرین ترکمن کمک مادی (در هر ماه ۳,۵ بوری گندم و کمک نقدی 30 روپیه برای یک بار به هر عضو خانواده) تأديه گردید.³⁹⁷

4. صدور انقلاب شوروی به شرق و شوروی سازی کشورهای آسیای مرکزی

شوروی سازی منطقه‌آسیای مرکزی یکی از عوامل دیگری بود که باعث تیرگی روابط کابل و مسکو در عهد امانی شد.

سیاست دولت افغانستان که میکوشید از مبارزه مسلمانان همسایه شان در برابر حکومت شوروی پشتیبانی نماید، از طرف دانشمندان و محققین مورد بررسی متضاد قرار گرفته برحی آنرا «پشتیبانی بی‌آلایشانه و اظهار دلسوزی و همبستگی اسلامی»³⁹⁸ دانسته و برحی هم آنرا ماجراجوی غیر دوستانه نسبت به روسیه، پان اسلامیزم و تلاش الحاق خاک‌های دیگران می‌داند.



24. سید عالم‌خان امیر بخارا

به گفته داکتر کمال عبد‌الله یف، روابط میان کابل و مسکو با آزمون‌های سختی روبه رو شده بود، زیرا جمهوری فدراتیف شوروی سوییالیستی روسیه با شوروی ساختن منطقه‌آسیای میانه از سال ۱۹۱۷ تا سال ۱۹۲۰ و سراسرده بعدی، دورنمای مبارزه ملت‌های باشندۀ منطقه برای تعیین سرنوشت ملی شان را تیره و تار ساخته بود. در پاسخ به این تدبیرها، کابل و محافل اجتماعی افغانی می‌کوشیدند از مسلمانان همسایه در مبارزه شان در برابر حکومت شوروی پشتیبانی کنند.

³⁹⁷. بویکو، ولادیمیر / ترجمه آریانفر، عزیز (۲۰۱۰). دولت و اپوزیسیون در افغانستان..

³⁹⁸. نظیف‌الله شهرانی

۵. تجاوز روسیه به جزیره درقد بین دریای آمو

بحران بزرگتر در مناسبات افغانستان و روسیه در ماه دسمبر سال ۱۹۲۵ با اشغال نظامی جزیره درقد در دریای آمو توسط عساکر روسی رخداد. شماره فوق العاده جریده امان افغان به تاریخ ۲۷ قوس نوشت که "...شنیده شده است که دوائر سیاسی و حرbi ما در کابل، درین روزهای اخیر، در مقابل یک امر واقع مانده است که آنهم تجاوز یک قطعه عسکر اتحاد جماهیر شوروی بر خاک مقدس ما در منطقه درقد واقع حکومتی کلان بدخسان، و قتل یک نفر تهانه دار افغانی است. تشویش و غیظی که خبر این حمله ناگهانی در تمام مردم افگاند است، نهایت مدھش است...". غازی امان اللہ خان بروز جمعه ۲۵ دسمبر، در وقت نماز، در مسجد گفت که روس ها به جزیره درقد حمله کرده اند و افغانها حاضرند خون خود را بربیزند. بهتر است در مجادله کشته شویم تا آنکه مانند لقمه قرط شویم. گرچه روسیه بعد از سفربری قوای نظامی افغان از کابل و قندهار به هرات و از کابل به بدخسان و مزار جزیره مذکور را تخلیه نموده، و برای جلوگیری از تکرار چنین حوادثی معاهدۀ بیطرفی و عدم تعرض ۱۳۱ اگست ۱۹۲۲ را امضا نمود، اما این حادثه چشم های امان اللہ خان را در رابطه با احتمال خطر نفوذ شوروی از شمال باز نمود.

۶. سازماندهی گروه های مخالف دولت امنی (صدور انقلاب شوروی به شرق و نخستین سازمان های چپ افغانستان)

بعد از پیروزی انقلاب کمونیستی در روسیه در سال ۱۹۱۷ و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، حزب کمونیست این کشور، اتحادیه از احزاب انقلابی کشورهای دیگر به وجود آورد که اصطلاحاً گمینترن خوانده میشد و ظرفه آن حمایت از انقلاب کارگری بود. در همین راستا، روز اول سپتامبر ۱۹۲۰ به ابتکار حزب کمونیست روسیه بلشویکی اولین کنگره بزرگ رهبران حزب کمونیست کشورهای آسیائی و آفریقائی تحت عنوان «کنگره ملل ست مدیده مشرق زمین» در شهر باکو در ساحل دریای خزر برگزار شد. هدف از این اجلاس که بیش از یکهزار نماینده کمونیست در آن شرکت داشتند ایجاد هماهنگی میان احزاب کمونیست کشورهای آسیائی و آفریقائی با یکدیگر و همسو ساختن حرکت آنها با حزب کمونیست روسیه بود.

از جمله اهداف عمدۀ کنگره باکو بررسی راههای بوجود آوردن تشکیلات کمونیستی در کشورهای ایران، ترکیه، عراق، سوریه و افغانستان و سپس صدور دستاوردهای ایدئولوژیکی انقلاب بلشویکی به این کشورها بود.

به گفته داکتر ولادیمیر بویکو، یک محقق دیگر روسی، در سال 1919 تا اوایل 1920 گروه‌های افغانی دارای جهت گیری چپ رادیکال، ایجاد و حمایت شدند. این پدیده در شرق و به خصوص در افغانستان به پیمانه چشمگیری به صدور اندیشه‌های انقلابی و مداخلات سیاسی-ایدئولوژیک مستقیم پیوند می‌خورد.³⁹⁹

کمیته مرکزی انقلابیون جوان افغانی در سال 1920 در بخارا به وجود آمد، که رئیس آن شخصی به نام حاجی محمد یعقوب بود، واعضای آن بیشتر افغان‌های باشندۀ بخارا بودند که هوازدار انقلاب در افغانستان بودند. حکومت افغانستان که از این موضوع آگاهی داشت، تقاضای بازگردانیدن اتباع خود به میهن را نمود. مگر بخارا از آنان حمایت نمود. هدف عمدۀ این سازمان، واژگونی ساختمان سیاسی موجود در افغانستان، برقراری اداره جمهوری، اعلام شد. برای رسیدن به این هدف، در نظر بود با کمک دولت شوروی «غند های سرخ» ایجاد کنند و کارنسراتی و تبلیغی را پیش ببرند و برای قیام عساکر و مردم افغانستان در برابر دولت موجود «زمینه سازی کنند. در نظر بود تا شعبه این سازمان در مناطق مرزی ترکستان (کرکاه، کوشکا، تخته بازار و دیگر جاهای) و سپس در خود افغانستان (در مزار شریف، هرات و جاهای دیگر) ایجاد گردد.

بویکو به استناد آیین نامۀ داخلی کمیته مرکزی انقلابیون جوان افغان، نتیجه می‌گیرد که بنیان‌گذاران این سازمان، هم به شیوه‌های سخت ابزاری، از جمله اقدامات تروریستی، امیدوار بودند، مگر تا کنون کدام اطلاعی درباره اقدامات عملی کمیته پیدا نشده و رد پای آن دیگر در سال 1921 ناپدید شد. طراحان استراتیژیک مسکو تلاش می‌کردند به هر گونه که شده، به فرستادگان مخصوص خود در آسیای مرکزی کمک نمایند. آنها از جمله جاهای را برای افغان‌ها و نیز ایرانیان و هندی‌ها به طور متمرکز در پوهنتون کمونیستی رنجبران خاور اختصاص می‌دادند.

ولودارسکی نیز در اثر شوروی‌ها و همسایه‌های جنوبی شان ایران و افغانستان مینویسد که «...در قلمرو جمهوری خود گردان سویا لیستی ترکستان شوروی و

³⁹⁹. ولادیمیر بویکو، افغانستان در مراحل نخست توسعه مستقل، ترجمه آریانفر.

جمهوری سوسیالیستی توده بی‌بخارا سازماندهی گروه‌های دشمن با امان الله که آئین نامه‌های برنامه بی‌آنها نزدیک به مارکسیزم-لنینیزم بود، با آهنگ پرشتابی جریان داشت.⁴⁰⁰

انگلیس‌ها حیران بودند که برای چه حکومت [جدید] بخارا از گروهک‌های مخالف امان الله خان که متشکل از «جناح کاران گریزیان از زندان و مرتدان رنگارنگ اند» در سرزمین خود حمایت می‌کند و یا دست کم به آنان اجازه تبارز می‌دهد. برنامه مؤرخ ۱۳ می ۱۹۲۱ وایسرای هند بریتانیا وی به دفتر سیاسی اداره سیاست خارجی آمده است که «هر گاه این کاردست کسی دیگری است، آنگاه استقلال بخارا چه معنا دارد؟ افزون بر آن، حکومت کنونی افغانستان خود را انقلابی می‌شمارد. در این مورد دلیل برای انقلاب در صورتی که در کشور هم اکنون روان است، چیست؟»

7. فعالیت‌های استخباراتی روسیه

برویت اسناد استخباراتی موجود در آرشیف‌های روسیه و دفتر هند بریتانی، که فعلاً در دسترس محققین قرار دارند، روس‌ها از همان آغاز روابط خود با دولت امانی دست به تأسیس شبکه‌های جاسوسی در افغانستان زدند. فعالیت‌های جاسوسی و اطلاعاتی روس‌ها شامل جمع‌آوری اطلاعات راجع به حکومت افغانستان، روابط افغانستان با کشورهای خارج و بصورت خاص روابط با انگلیس‌ها، جمع‌آوری اطلاعات درباره آلمان‌های مقیم کابل، تأسیس شبکه‌های جاسوسی در سرحدات آزاد و میان قبایل، نفوذ در بین مهاجرین بخارا و تشویق ایشان جهت بازگشت به بخارا، نفوذ در بین هندی‌های مقیم کابل و استخدام بعضی از ایشان برای جاسوسی می‌شد.

به استناد خاطرات آقابکوف⁴⁰¹ مأمور سازمان جاسوسی روس در افغانستان که بنام "معاون اداره اطلاعات و مطبوعات سفارت روس در افغانستان ایفا وظیفه مینمود، قبل از وی و "والتر"، مأمورین سازمان استخبارات روس در مزار شریف تحت پوشش قونسل فعالیت می‌کردند. روس‌ها قونسل افغانستان در تاشکند را بعد از دعوت،

⁴⁰⁰. ولودارسکی، شوروی‌ها و همسایه‌های جنوبی شان ایران و افغانستان، ص ۱۷۷.

⁴⁰¹. آقابکوف (Georges Agabekov) مأمور دستگاه استخبارات، و اولین مأمور عالیرتبه استخبارات روسیه بود که در سال ۱۹۳۰ به غرب گریخت و کتب افساگرانه او سبب دستگیری وسیع عمل استخباراتی روس در شرق نزدیک و آسیای مرکزی گردید.

دوای خواب آور خورانده و اسناد قو نسلگری را ری بودند. آنها اطلاعات مهم را از قوای پولیس کابل می خریدند، کسانی را که به جاسوسی به انگلیس ها مظنون بودند، توسط دادن پول به رئیس پولیس کابل، به زندان می انداختند، اسناد مهم دولتی را توسط کارمندان و متخصصین آلمانی بی که به عقاید کمونیستی معتقد بودند، بدست می آوردند.

این جاسوس روسی در رابطه با سفر غازی امان الله خان به روسیه مینویسد که "در تمام مدت اقامت امیر در خاک شوروی، ما او را بواسیله مامورین "گ.پ.یو" {شبکه استخباراتی شوروی آن زمان} در محاصره داشتیم و همانطور که قبل اگفته ام، پسر زنرال "ساموئیلوف" را هم بعنوان پیشخدمت مخصوص او انتخاب کرده بودیم. افغان های اطراف امیر چون به هیچوجه حدس نمی زدند که این شخص به زبان فارسی مسلط است، لذا با کمال آزادی در حضور صحبت می کردند و او نیز عیناً گفته های آنان را به ما تحويل میداد و به این ترتیب بر ما معلوم شد که توافق امیر در مسکو و پذیرایی های ما بهیچوجه نتوانسته او را افسون نماید و از مسافت و از مجموع اطلاعات دریافتی متوجه شدیم که امیر امان الله خان در اثر مسافرت به اروپا به گلی تغییر عقیده داده و توجه او از شوروی به سمت کشورهای غربی کشیده شده است... عبور او از ترکستان شوروی با چند حادثه همراه شد که یکی از آنها، سرقت دو جامه دان امیر بود. "ک.پ. یو" ابتدا خیال می کرد که این دو جامه دان حاوی اسناد و مدارک با ارزشی است، ولی پس از یافتن آنها معلوم شد که فقط محتوی وسایل شخصی هستند..."

8. توطئه های انگلیس

راجع به توطئه های انگلیس در قبال برهم زدن روابط افغانستان و روسیه بعداً معلومات مفصل داده خواهد شد. لیون پولادا، نویسنده کتاب اصلاحات و اغتشاش، به نقل از یک افغانی که معلومات مؤثث راجع به روابط غازی امان الله خان با روسیه داشت، مینویسد که امان الله خان به بشویک ها اعتماد نداشته و از ایشان نفرت داشت. ولی برای زجر واذیت انگلیس ها با روس ها در محضر عام از در محبت و دوستی پیش آمد می کرد. پولادا معتقد است که امان الله خان میتوانست فعالیتهای سری داشته باشد، اما وی به آزادی خواهان ملی گرای افراطی هند و رهبران مهاجرین هندی

مقیم کابل، با وجود اینکه میدانست ایشان با بلشویک‌ها همدست است، بصورت علنی کمک نمیکرد.⁴⁰²

انگلیس‌ها نه تنها از نزدیکی روابط روسیه با دولت امانی هراس داشتند، بلکه از نظر آنها فعالیت‌های غازی امان‌الله خان خطرات سه‌گانه‌آتی را متوجه هند بریتانی هم میساخت.⁴⁰³

- امان‌الله خان عقیده داشت که افغانستان بحیث یک دولت مستقل حق تأسیس روابط دوستانه را با روسیه دارد.
- از وجایب یک پادشاه مستقل مسلمان است که از برادران مسلمان خود که در هند اسیر اند، پشتیبانی کند.
- بالاخره تأسیس روابط با اقوام مأورای خط دیورنده، که با افغانستان ارتباط نزدی، مذهبی و تاریخی دارند، و بریتانیا در معاهدہ ۱۹۲۱ این حقیقت را اعتراف و از حقوق طبیعی افغانستان شناخته است، مجاز میدانستند.⁴⁰⁴

لذا از همین سبب بود که بقول ولودارسکی، محقق روسی، انگلیس‌ها بجای تجزیه و تحلیل واقعیت‌نامه و اندیشمندانه اوضاع [مناسبات افغانستان و روسیه] به مشی سرسختانه پشت پازدن به منافع افغانستان ادامه میدانند و در پی تعویض امان‌الله خان با شخصی که «برتری اتحاد با بریتانیای کبیر» را درک کند، بود.⁴⁰⁵

⁴⁰². لیون پولادا، اصلاحات و اغتشاشات در افغانستان ۱۹۱۹-۱۹۲۹، ص ۲۴۴.

⁴⁰³. لیون پولادا، اصلاحات و اغتشاشات در افغانستان ۱۹۱۹-۱۹۲۹، ص ۲۴۴.

⁴⁰⁴. در مکتوب ضمیمه معاهدہ بعد جنگ استقلال افغانستان با انگلیس‌ها ذکر شده است که وضع قبایل سرحد طرف دلچسپی هردو دولت میباشد.. فریزر تیتلر در کتاب خود (افغانستان: انکشافات سیاسی آسیای مرکزی و جنوبی) مینویسد که افغانها حاضر نبودند بدون مکتوب معاهده را امضا کنند. وی علاوه میکند که هدف پالیسی حکومت انگلیس در ۲۲ سال بعد از آن موافقه این بود که که تا غیر قانونی بودن آن اعمال را که انگلیس‌ها مجاز دانسته بود، بر افغانها بقبولاند.

⁴⁰⁵. ولودارسکی، میخاییل - ترجمه عزیز آریانفر(۱۳۰۱)، ص ۱۷۱.

سیاست و توطئه‌های انگلیس در قبال روابط افغانستان و روسیه

تأسیس و انکشاف روابط دیپلماتیک افغانستان با روسیه در دوران غازی امان الله خان بدون مشکلات نبوده و حتی در مواردی بحرانی هم بوده است. یکی از علل مهم بحران درین مناسبات، در پهلوی عوامل دیگر، توطئه‌ها و دسایس انگلیس بود. آنها متوجه شده بودند که برای کنترول توسعه نفوذ روس‌ها، باید در پهلوی نیاز به بهتر ساختن مناسبات خود شان با افغانستان، هر تلاشی را برای جلوگیری از تأسیس مناسبات دیپلماتیک و دوستانه افغانستان با کشورهای خارجی، خصوصاً روسیه بشویکی که رقیب عمدۀ شان بود، به خرچ دهند.

گفته می‌شود که انگلیس‌ها آنچه را که نمی‌توانند با زور به دست بیاورند، به باری چالهای دیپلماسی و نیرنگ و توطئه به چنگ می‌آورند. درین جا به چند نمونه می‌پردازیم که عمق دسایس و توطئه‌های آنها را در رابطه با خراب ساختن مناسبات افغانستان با روس‌ها نشان میدهد.

پاشیدن تخم بدینی و دشمنی بین افغانستان و روسیه

یکی از مأمورین انگلیسی که درین راه از همه بیشتر تلاش ورزیده و در جلوگیری از بهبود مناسبات و هم‌برهم‌زدن مناسبات و قرارداد‌های بین روس و افغانستان مؤفق بوده است، جنرال مالیسن (General Wilfrid Malleson) می‌باشد.

ویلفرید مالیسن (۱۸۷۲-۱۹۴۲) تورن جنرال اردوی بریتانیا، نه تنها در هند تجربه کاری داشت، بلکه بین سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۴ عضویت هیئت‌لوئیس ویلیام دانین را در کابل نیز داشت. جنرال مالیسن در دوران جنگ داخلی روسیه، در ماه آگوست سال ۱۹۱۸ بحیث رئیس‌مأموریت ترکستان وظیفه داشت تا در نزدیکی مروه بمقابل بشویک‌ها مقاومت نموده، از نفوذ آلمانها و ترکها در منطقه جلوگیری، و به دولت مأورای خزر (Transcaspian) که توسط کارگران خط‌آهن امتداد دریای خزر در سال ۱۹۱۸ تأسیس و تا جولای ۱۹۱۹ در دوران جنگ‌های داخلی روسیه علیه بشویک‌ها ادامه داشت، کمک کند.⁴⁰⁶

⁴⁰⁶. ویکی پیدیای انگلیسی

جنرال مالیسن به تاریخ ۲۴ ماه جنوری سال ۱۹۲۲ در مجلس انجمن آسیای مرکزی در لندن^{۴۰۷} گزارش داد که «بدون شک مهمترین و جالبترین وظیفه مأموریت ما همین [برهم زدن مناسبات بین افغانستان و روسیه] بود. در روزهای اول ما قادر شدیم راپور ارسال نامه‌های امیر [امان الله خان] و وزیر خارجه اش به بلشویک‌ها، را به هند [بریتانی] ارسال کنیم، که در آن استقلال افغانستان اعلام و به برقراری مناسبات دوستانه میلان نشان داده شده بود. بلشویک‌ها با سرعت به این فرصت عالی برای آسیب رساندن به یگانه کشوری که مانع رسیدن به انقلاب جهانی شان تلقی میشد، لبیک گفتند».

جنرال مالیسن علاوه کرد که «این به وظیفه ما تبدیل شد تا برای جلوگیری از پلان‌های ائتلاف تهاجمی و دفاعی بین افغان‌ها و بلشویک‌ها از هیچ نوع کوششی دریغ نکنیم.... با داشتن گماشتگان متعدد در هردو طرف، ما از مفهوم بسیار درست آنچه جریان داشت، و اینکه این دو طرف علاقمند، تلاش داشتند یکدیگر را آزمایش نموده بخوبی بفهمند که بر یکدیگر اعتماد نموده میتوانندیا خیر، اطلاع داشتیم. ما وظیفه خود دانستیم تا بصورت غیررسمی از سُست پیمانی‌های هردو طرف به یکدیگر اطلاع دهیم. افغان‌ها در آن زمان با شنیدن قیام‌های جدی ضد بلشویکی در سرتاسر فرغانه، بی‌باکانه به رهبران آن [قیام‌ها] نامه‌ها و سوغات فرستادند. ما وظیفه خود دانستیم تا این معلومات را هم به اطلاع بلشویک‌ها برسانیم. در عین زمان یک هیئت فوق العادة افغان [تحت رهبری محمد ولی خان دروازی] به مسکو رسیده و با اشتیاق زیاد توسط لینین، تروتسکی و رهبران دیگر پذیرائی شد. کلیمة صریح «اتحاد» در همه جا تکرار میشد. پیشکش‌های بزرگ کمک نظامی، نه تنها اسلحه و مهمات گوناگون به شمال طیاره‌ها، بلکه معلمين نظامی و حتی لشکر هم داده شد. هیئت افغانی با اطمینان بدست آوردن مؤقتیت بزرگ دیپلوماتیک عودت نمود. این هیئت اتحاد قطعی، بازگردن سرزمین [اشغالی] و وعده بزرگ اسلحه، مهمات و پول را بدست آورده بودند.... وقتی قوای نظامی افغانستان بدون اجازه از کشك گذشت و بطرف مروه پیش رفت و قونسل‌ها و عاملین افغان در هر شهر ترکستان ظاهر شدند، و ملاهای افغان در هر جا فعال بودند، ما در نتیجه اطلاع دادن این جریانات به بلشویک‌ها،

Wilfrid Malleson (January 24, 1922). The British military mission to Turkistan, 1918–20. Royal Central Asian Journal, Volume 1922 Number 2 (مأموریت نظامی انگلیس‌ها به ترکستان)

اضطراب قابل توجهی را بوجود آوردیم. به کشک قوای کمکی فرستاده شد. رهبر حکومت بلشویکی ترکستان برای دانستن اقدامات افغانها به مرو و عشق آباد رفت. وی بعد از آن به کشک رفت و در نتیجه توھین مأمور افغانی آنجا، سخت رنجید. به کشک قوای بیشتر تقویتی بلشویکی فرستاده شد. ما موضوع را به هرات اطلاع دادیم، و آنها هم به عجله قوای تقویتی خودشان را به سرحد فرستادند. ما اینرا دوباره به بلشویک ها اطلاع دادیم و به اینگونه بازی ادامه یافت. بلشویک ها از پلان ها و آرزو های افغانها شدیداً ناراحت شدند. لحن آنها دیگر آن دلچسپی قبلی را نداشت. وعده کمک های پولی و نظامی آنها به تعویق افتاده و در نهایت کاملاً لغو شد. زیرا آنها تاحدی معتقد شدند که افغانها یک قیام بزرگ پان اسلامیک را در سرتاسر آسیا مرکزی به راه می اندازند.

جنرال مالیستن ادامه داده میگوید که «ما در کمپاین غیر قطعی و نارضایتبخش [جنگ سوم افغان و انگلیس] با افغانها جنگیده بودیم. بیش از سیصد هزار نفر اردوی ما در سرحد یک دهم آنچه را هم بدست نیاورده، که لارد رابرتس⁴⁰⁸ (Frederick Roberts) با پنج هزار مرد حاصل کرده بود. این سقوط قهقهائی به حیثیت ما در آسیا مرکزی صدمه بزرگی وارد کرد، و ما به تعلیم یافته های پارسی و دیگران جوابی نداشتیم که چرا این اردوی عظیم با تمام مزایای رهبری عالی "شیمله"⁴⁰⁹ کمترین دستاوردي نداشت. در ماه اگست به اصطلاح صلحی آمد که آشتی نبود. این راست است که شیمله از آن خرسند شد. اما تمام توصیه های من نشان داد که خود افغان ها به آن به مثابه یک آتش بس مؤقتی مینگریستند، یک وقفه تنفسی که طی آن امیدوار بودند از بلشویک ها کمک بزرگ نظامی دریافت کنند. در دوران جنگ حقیقی بلشویک های ترکستان بدون از وعده چیز بهتری داده نتوانستند... در ماه اپریل ۱۹۲۰ من از جریان آوازه های از سرگیری جنگ را پوردادم. این به عنوان کشفیات پوچ خوانده شد، اما چند روز بعد شیمله به من تلگرام داد که افغانها بر چترال حمله نموده و در تمام طول سرحد نشانه های مختلف نگران کننده دیده شده و خلاصه اینکه وضعیت طوریست که جنگ فوراً شروع خواهد شد. به عجله قوای نظامی از داخل هند

⁴⁰⁸. رابرتس، بعداً فیلد مارشال، که بنام رابرتس قندهار هم مشهور است، در جنگ دوم افغان و انگلیس قوماندان قوای انگلیس بود که در قندهار و جنگ میوند با ایوب خان جنگید.

⁴⁰⁹. پایتخت تابستانی هند بریتانیوی.

به سرحد فرستاده شدند. اوضاع برای چند ماه دوام و قوای ما در سرحد به حالت آماده باش بودند، تا که این وضع پایان یافت.

جنرال مالیسین ادعا میکند که امتیاز و افتخار جلوگیری از یک جنگ دیگر با افغانها باید به مأموریت وی داده شود. او میگوید که «افغانستان بدون کمک بلشویک‌ها در حالتی قرار نداشت که جنگ را از سر برگیرند، و تنها به همین علت، نه علت صلح و معاهده‌آتش بس را ولپندی بود، که جنگ از سر گرفته نشد... جنگی که بدون شک میلیون‌ها [پوند] مصرف میداشت، و با وجود آن هم نمی‌توانستیم نسبت به سال گذشته بیش از پنج-شش میلی در خاک افغانستان پیشروی کنیم. ممکن جان‌های زیادی را در میدان جنگ و هم به اثر شیوع امراض از دست میدادیم. سهم گیری در جلوگیری از چنین فاجعه و مصیبت، چیزیست که مأموریت ما به آن فخر میکند. ما چگونه توانستیم این کاری را که توضیح دادم، انجام دهیم؟ من بعضی از بهترین منصبدارانی را داشتم که به چندین زبان صحبت میکردند. من در فاصله‌های بیشتر از هزار میل، حتی در دستگاه دولتی بلشویک‌ها ایجنت هایم را داشتم. افراد من بصورت مداوم در مناطقی که بنظر من مهم بود، رفت و آمد داشتند. در خط آهن آسیای مرکزی به مشکل میتوانستید قطاری را بیابید که در آن یکی از ایجینت‌های من نبوده باشد، و هیچ ایستگاه مهم قطار نبود که در آن دو یا سه نفر نمایندگان ما حضور نمیداشت. سیاحین به انواع و اوصاف مختلف هنگام عبور در جا‌های متعدد بررسی میشدند.»

قلash برای ازبین بودن و اختطاف نماینده‌گان قام الاختیار روسیه برای افغانستان

انگلیس‌ها دوبار تو طئه نموده تلاش ورزیدند سفرای روسیه را در راه رسیدن شان به افغانستان مورد هدف قرار دهند. بار اول اولین سفیر منتخب روسیه براوین، و بار دوم سوریتس، جانشین وی و نماینده قام الاختیار روسیه برای آسیای مرکزی، کابل و منطقه.

براوین، اولین سفیر و نماینده روسیه برای افغانستان، بتاریخ ۱۳ جون ۱۹۱۹ در تاشکند با سفیر فوق العاده امان الله خان حافظی نموده، محمد ولی خان بعد از تأسیس قونسلگری افغان در تاشکند، بطرف مسکو و براوین بطرف کابل حرکت کردند. اما دیری نگذشته بود که هردویشان دوباره به تاشکند برگشتند و برای بار دوم ملاقات نمودند. علت برگشتن هیئت افغانی اشغال بندر الکساندروفسکی در دریای خزر

توسط قوای نیروهای دریایی انگلیس ها بود، از جاییکه آنها میخواستند توسط کشته سفر کنند.

براوین و همراهانش هم توسط کشته به قسمت های بالائی دریای آمور فته و توقع داشتند که تحت محافظت و بدرقه اردوانی بخارا از منطقه بخارا بگذرند، اما عساکر مسلمان محلی نخواستند گویا از کسی که به هیچ خدای عقیده ندارد، محافظت کنند. کشته بر اوین بدون نگهبانان بخارایی در حالی که یک کشته هموار حامل اسلحه و مهمات را هم کش میکرد، حرکت نمود. آنها در یک نقطه دریای آمو هنگامی که از زیر یک صخره عظیمی میگذشتند، هدف تیر اندازی تفنگ داران قرار گرفتند. به اثر اصابت گلوله، کشته مهمات آتش گرفته شروع به انفجار کرد. بر اوین که درین حمله دو تن از خدمه کشته اش را از دست داده و بمشکل جان به سلامت برد، دوباره به تاشکند برگشت.

دست داشتن انگلیس ها در حمله بر بر اوین وقتی فاش شد که در یکی از مجالس ترکستان روسی، رئیس جمهوریت ترکستان، قوزاقوف (Kozakov)، متهم شد که در جنگ با انگلیس به افغان ها کمک زیاد نمیکند. در دفاعیه او که قسمآ در مطبوعات انعکاس یافت، وی استدلال کرد که روس ها بخاطری از دادن اسلحه به افغانها میترسیدند که این اسلحه علیه خودشان به کار نزود. قوزاقوف در جواب یک نامه انتقادی در مطبوعات با اندوه توضیح داد که هنگامیکه بر اوین به افغانستان اسلحه می برد و در دریای آمو مورد حمله قرار گرفت، امکان داشت آن اسلحه بدست دشمنان روسیه بیافتد، چون انگلستان دسته های راههن را برای جلوگیری از انتقال اسلحه به افغانستان بکار می انداختند.⁴¹⁰

قابل یادآوریست که با کشف و فهمیدن شفر مخابره روس ها، بریتانی ها از تمام مکالمات مخابروی بین مسکو و تاشکند اطلاع داشتند. چون آنوقت بین مسکو و تاشکند رابطه تلگرافی وجود نداشت، روس ها از مخابره بیسیم استفاده نموده و انگلیس ها همزمان از تمام جریانات بین مسکو و تاشکند مطلع میشدند.

توطئه اختطاف سوریتس، دومین نماینده روس، در راه رسیدن به افغانستان، در یکی از راپورهای محترمانه استخبارات انگلیس ذکر شده است. جنرال مالیسین به تاریخ ۳۱

اکتوبر ۱۹۱۹ از مشهد را پورداد⁴¹¹ که یکی از ترکمنان بانفوذ، که برای ترتیب پلان اختطاف گروپ سوریتس از طرف من به یک جائی در جنوب "یولاتان" فرستاده شده بود، دوباره به این جا برگشت او نتوانسته بود کدام نتیجه را بدست آورد، و این بخاطر بالادستی ایست که افغان‌ها در تمام منطقه از مروه گرفته تا به کشک حاصل کرده‌اند. افغان‌ها برای آشتی دادن ترکمن‌ها از هرسیله ممکن استفاده می‌کنند. مردانی را که بلشویک‌ها زندانی ساخته بودند، آزاد شده، جریمه‌های تحمیلی معاف، و مشکلات به امر افغان‌ها، که بلشویک‌های محلی از آن اطاعت می‌کنند، حل می‌شود.

وقتی سوریتس بدون اینکه از تلاش‌های اختطافش آگاهی داشته باشد به تاریخ یازدهم ماه نومبر به هرات رسید، انگلیس‌ها از ناکامی توطئه شان به خشم آمده، هنری دابس (Henry Dobbs)، سکرترامور خارجه هند بریتانی، نماینده افغانستان گل محمدخان را به دفتر خارجه احضار و ازینکه براوین تا هنوز در کابل بوده و با امان الله خان دید و بازدید می‌کند، از آمدن سوریتس به افغانستان احتجاج نمود. نماینده افغانستان مداخله نموده جواب داد که «این بخاطریست که امیر حال آزاد و مستقل است و با داشتن استقلال به آمدن نمایندگان هرکشور خارجی اجازه داده می‌تواند»⁴¹².

برای دانستن ساحة فعالیت مرکز استخباراتی انگلیس‌ها در مشهد و تلاش‌هایش برای دانستن حرکات سوریتس به یکی از اسناد محروم‌انه دیگر مراجعه می‌کنیم. جنرال مالیسن بتاریخ ۲۹ نومبر ۱۹۱۹ از مشهد را پورداده است که «من محتوای باطل دانی کاغذ‌های سوریتس در هرات را بدست آوردم. اگرچه پارچه‌های متعدد آن موجود نیست، پارچه‌های باقیمانده برای رد یابی دلچسپ مذاکراتش با افغان‌ها کافیست. این اوراق قسماً چتل نویس را پورهایست، که بعضی از آنها توسط سوریتس اصلاح شده است. بعضی از نکات قرار آتیست: «انگلیس‌ها در مشهد برای قطع کردن مناسبات بین افغانستان و بلشویک‌ها اخبار جعلی را منتشر می‌کنند»⁴¹³.

411. اسناد محروم‌انه انگلیس، تلگرام سیاسی شماره ایم. دی ۲۴۵۸.

412. Stewart, Rhea Talley (1973), ص ۱۰۹.

413. اسناد محروم‌انه انگلیس، تلگرام سیاسی شماره ایم. دی ۲۲۲۷۷.

توطئه بی اعتبار ساختن و از بین بردن جمال پاشا

جمال پاشا یکی از سیاستمداران و نظامیان ترک که مشاور امور تربیت قوای عسکری امان الله شاه غازی بوده و بخاطر فعالیت‌های سیاسی ضد بریتانی اش معروف بود، میخواست قرارداد افغانستان و شوروی هرچه زودتر تصویب شده و کمک‌های نظامی هر چه بیشتر به افغانستان داده شود. وی در عین زمان میکوشید تا از تلاشهای انگلیس‌ها برای تصویب قرارداد با افغانستان جلوگیری نموده و توطئه‌های آنها را در برهمن زدن مناسبات افغان‌ها و روسیه خنثی سازد.

یکی از خطناکترین دسیسه‌های انگلیس در کابل که جمال پاشا از آن پرده برداشت، و سوریتس فرصت یافت آنرا خنثی کند، دسیسه تلگرام دستکاری شده و تحریف یافته سوریتس بود که انگلیس‌ها آنرا در چونوری ۱۹۲۱ بدسترس جانب افغانی گذاشت. درین تلگرام که امان الله خان و طرزی را سخت خشمگین ساخته بود، سوریتس، در رابطه با قرارداد افغان‌ها با روسیه گویا ذکر کرده بود که با قرارداد با امان الله خان «افغانستان به تحت الحمایه ما در می‌آید».⁴¹⁴

تیخانف مینویسد که سوریتس به کمک جمال پاشا توانست با به دست آوردن اصل سند رمزی که از سوی انگلیسی‌ها ضبط و آگاهانه از سوی سازمان اطلاعات و امنیت آن کشور تحریف و دستکاری شده بود، آشنا شود. این سند، تلگرام رمزی سوریتس عنوانی فرمانده دژ گشکا تاریخی ۲۰ اکتبر ۱۹۲۰ بود. انگلیس‌ها عمدها در متن تلگرام اصلی دیپلمات شوروی، عبارت «به تحت الحمایه ما در می‌آید» را گنجانیده بودند. تردید و تکذیب این گونه تحریف ماهرانه و عالی که بر اساس یک سند محروم واقعی صورت گرفته باشد، معمولاً پس از یک موعد بسیار دراز ممکن می‌باشد. مگر در آن برده، در کابل برای هر چیزی طلا آماده داد و گرفت بود. دیپلوماتی شوروی و انگلیس با شتاب می‌کوشیدند یکی بر دیگری پیشی بگیرند و افغانستان را به سوی خود متمایل بسازند.

تیخانف علاوه میکند که سفارت شوروی با همکاری جمال پاشا توانست با سربلندی بحران اعتماد میان کابل و مسکو را که از سوی سرویس‌های ویژه بریتانیا بر انگیخته

⁴¹⁴. تلگرام تلگرام سوریتس به کمیساریای خلق در امور خارجی، تاریخی ۲۹.۰۱.۱۹۲۱، با گانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۰۷۱، سال ۱۹۲۱، پرونده ویژه ۳، پرونده ۱۰۳، پوشه ۱، برگ ۸، به حواله تیخانف

شده بود، ازین ببرد. با قضاوت از روی اسناد آرشیف می‌توان گفت که اطلاعات جمال پاشا درباره «پیام» سوریتس بعداً به استخبارات شوروی کمک کرد تا شبکه جاسوسی بسیار نیرومند زیرزمینی دشمن در ترکستان را افشا سازد و جلو درز کردن اطلاعات محرم دیپلماتیک را بگیرد. نخستین گام در این راستا، تعویض بی‌درنگ رمز سیستم «دز» بود که از سوی سفارت شوروی برای ارتباط با کمیساريای خلق در امور خارجی از آن کار گرفته می‌شد.

تأثیر بزرگ این سیاستمدار و نظامی ترک بر امان‌الله خان و تلاش‌های مؤقانه ضد بریتانی بسود روسیه شوروی در افغانستان او را به دشمن شماره‌یک برای انگلیس مبدل گردانید. تلاش‌های انگلیسی‌ها مبنی بر خریداری جمال پاشا با شکست رو به رو گردید. از این‌رو، شبکه جاسوسی انگلیس در کابل در همه جا دست به پخش آوازه‌هایی مبنی بر انجام زودرس کودتای هودار بلشویکی که نیروی اصلی آن‌گویا قطعه‌نمونه جمال پاشا خواهد بود، زندن. مگر، نفوذ «شیر اسلام⁴¹⁵» در میان رهبری افغان به پیمانه بزرگ بود که کسی به این تبلیغات زهر آگین باور نمی‌کرد. حتی عبد الحق، جاسوس انگلیس، که به امیر گزارش داده بود که گویا در تاشکند به چشم سرستنی را دیده است که از آن بر می‌آید که «در بهار، کودتایی در کابل روی دست است که آماده سازی آن به دوش جمال پاشا گذاشته شده است»⁴¹⁶. نتوانست وزیر پشین امپراتوری عثمانی را ب اعتبار بسازد. چون به زودی، عبد الحق به عنوان جاسوس انگلیس رسوا شد و جایگاه جمال پاشا در دربار از این‌هم بیشتر استوار گردید، سازمان استخبارات بریتانیا نتوانست حرفی خطرناک خود را «به دست افغان‌ها» از سرراه بردار و دور بیندازد.

تلاش‌های توطئه‌های انگلیس برای جلوگیری از تأسیس مناسبات سیاسی افغانستان با کشورهای جهان

بعد از اعلام استقلال افغانستان، تأسیس مناسبات دیپلماتیک با کشورهای جهان آزاد یکی از اولویت‌ها و اهداف عمده پالیسی خارجی دولت جوان امانی بود. هیئت

⁴¹⁵. شیر اسلام لقبی بود که به جمال‌پاشا داده شده بود.

⁴¹⁶. تلگرام سوریتس به کمیساريای خلق در امور خارجی، تاریخی 4.03.1921 // بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند 5، پرونده ویژه 1، پرونده 2179، برگ 36، به حواله تیخانف.

دیپلماتیکی که تحت ریاست سفیر فوق العاده، جنرال محمد ولی خان دروازی، به اروپا و امریکا فرستاده شد، از بلژیم، فرانسه، انگلستان، کشورهای حوزه دریای بالتیک، پولند، ایتالیا و ایالات متحده امریکا بازدید نمود. دولت افغانستان بین سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ مؤقت شد با کشورهای فرانسه، ایتالیا و جرمنی مناسبات دیپلماتیک برقرار کند.

هدف مأموریت سفیر فوق العاده، محمد ولی خان دروازی، شناسائی افغانستان آزاد و جدید و تحکیم مناسبات دیپلماتیک و تجارتی با تمام کشورهای جهان بود.

رؤیا های امان الله خان برای کشورش شامل تبادله دیپلومات ها با تمام پایتخت ها، رفت و آمد تاجرانی که در افغانستان سرمایه گذاری کنند و مال التجارة افغانی را خریداری و اموال خود را بفروش برسانند، و افغانها را در ساخته تکنالوژی (که بسیار عقب مانده بودند) تربیه کنند، بود⁴¹⁷.

توطنه های انگلیس برای ختنی ساختن فعالیت های محمد ولی خان

این اقدام دیپلماتیک دولت امانی بعد از اعلام استقلال ضربه بزرگ دومی بود بر پرستیز و حیثیت امپراتوری انگلیس که آفتاب در قلمروش غروب نمیکرد. از همین سبب استعمار انگلیس برای ناکامی هیئت افغانی دست به کار شد، و سخت کوشید از استقبال این هیئت توسط سران کشورهای دیگر جلوگیری کند.

تلاش برای منزوی نگهداشتن افغانستان

قبل‌اً در رابطه با روسیه ذکر گردید که ناکامی تلاش های اختطاف سوریتس، نمایندهٔ تام الاختیار روسیه در راه رسیدنش به افغانستان، خشم انگلیس ها را برانگیخت و هنری دابس (Henry Dobbs)، سکرترا مور خارجه هند بریتانی، با احضار گل محمد خان نماینده افغانستان به دفتر خارجه از آمدن سوریتس به افغانستان احتجاج نمود. دابس به جواب نماینده افغانستان که «امیر حال آزاد و مستقل است و با داشتن استقلال به آمدن نمایندگان هر کشور خارجی اجازه داده میتواند»⁴¹⁸، با تکبر و غرور گفت که «این یک استدلال طفلانه است. زیرا تا آنجایی که من میدانم افغانستان در حال

⁴¹⁷ Stewart, Rhea Talley (1973). Fire in Afghanistan. آتش در افغانستان، ص

.۱۲۷

⁴¹⁸ همانجا ص ۱۰۹.

حاضر یگانه کشور در جهان است که نماینده بلشویک را می‌پذیرد. آیا شما میخواهید بگوئید که امریکا، فرانسه، ایتالیا و هالند همه آزادی خود را با قبول نکردن نماینده‌گان بلشویک، یا نداشتن مناسبات با آنها از دست داده اند؟ این استدلال [شما] تنها نشان میدهد که افغانستان تا حال اولین پرنسيپ‌های دیپلماسی را نیامده است. تمام کشورهای جهان بغير از افغانستان حکومت بلشویک را دشمن خود میدانند.»

نماینده کلان کار استعمار انگلیس تصویر نمی‌کرد که ممالک جهان با ارزش دادن به یک کشور کوچک و استقرار مناسبات دیپلوماتیک با افغانستان، امپراتوری کشور مقتدرش را توهین کرده بتوانند. انگلیس‌های متکبر بعد از تلاش‌های ناکام شان خود مجبور شدند یک نماینده پارلمان خود به نام "اوگریدی" (O'Grady) را به دنمارک بفرستند تا با ماکسیم لیتوینوف (Maxim Litvinov) کسی که توسط وزارت خارجه انگلیس بحیث سفیر غیررسمی و غیرشناخته شده روسیه قبول شده بود، مشورت کند. هردو نماینده در پهلوی تبادله اسیران زخمی جنگی، در رابطه با شناسایی حکومت بلشویک‌ها توسط بریتانیا و امضای قرارداد تجاری بین روسیه و انگلستان مذاکراتی انجام دادند.

تلاش در جلوگیری از تأسیس مناسبات با فرانسه

هیئت افغانی در پاریس توسط وزیر خارجه فرانسه پذیرایی و با رئیس جمهور فرانسه ملاقات نمود. اما در پاریس سفیر انگلیس به فرانسوی‌ها گفت که با وجود اینکه افغانستان ظاهر آزادی اش را بدست آورده است، ما کما کان این کشور را قلمرو نفوذ خود شمرده‌..... آرزو داریم در آینده نزدیک مناسبات نزدیکتری با افغانستان داشته باشیم (تفسیر و تفصیل این آرزومندی و طرق رسیدن به آنرا که شامل توطئه‌های ترور و کودتا نیز میشد، در بخش‌های آینده مطالعه کنید).

فشار بر ایتالیا

ایتالیا یکی از اولین کشورهای بود که با افغانستان قرارداد تجاری بست و قرار بود یک هیئت ایتالیوی در ماه جولای ۱۹۱۹ بطرف کابل حرکت کند. انگلیس‌ها بر دولت ایتالیا فشار آورdenد، اما این فشار بر آنها بدون از معطلی در سفر هیئت نتیجه بیشتری نداد.

توطئه نیویارک و آوردن فاطمه سلطانه یکی از بازماندگان شاه شجاع

اینکه چرا در ایالات متحده امریکا با وجود آنکه هیئت افغانی به تاریخ ۲۲ جولای ۱۹۲۱ با هارдинگ (Harding)، رئیس جمهور، ملاقات نمود، و این ملاقات به ذات خود حیثیت برسمیت شناختن دولت شاه امان الله و استقلال افغانستان را داشت، مؤفق به تأسیس مناسبات دیپلماتیک نشد، عمق یک توطئه دیگر انگلیس را نشان میدهد که مطالعه تفصیل آن عاری از دلچسپی نخواهد بود.

هیئت محمد ولی خان دروازی به تاریخ دوم ماه جولای ۱۹۲۱ توسط کشتی بطرف ایالات متحده امریکا حرکت کرده و به نیویارک رسید. محمد ولی خان به تاریخ ۱۱ جولای در نیویارک اظهار داشت که وی در جستجوی تأسیس مناسبات دیپلماتیک به امریکا آمده است. وی علاوه کرد که شاه امان الله برای اکتشاف اقتصادی علاقمند سرمایه گذاری امریکا در افغانستان میباشد.⁴¹⁹

نیویارک تا یمز ۱۳ جولای از ملاقات محمد ولی خان با خبرنگاران اطلاع داده نوشت که وی آماده است راجع به منابع غنی افغانستان، خصوصاً سنگ های قیمتی آن به تاجران معلومات ارائه کند. محمد ولی خان گفت که من به کشورهای اروپایی و امریکا آمده ام تابصورت رسمی استقلال افغانستان را اعلام داشته و به این قدرت ها از تخت نشینی امیر جدید و پالیسی هایش اطلاع دهم. من برای برقراری مناسبات دیپلماتیک به واشنگتن میروم.

محمد ولی خان قبل از ملاقاتش با وزیر خارجه امریکا به تاریخ ۱۷ جولای ۱۹۲۱ به مطبوعات گفت که برقراری مناسبات بین کابل و واشنگتن امکانات فراوانی را برای سرمایه گذاری تاجران امریکایی در کابل فراهم خواهد کرد. وی علاوه کرد که صنعت قالین افغانستان بازار خوبی را در ایالات متحده بدست خواهد آورد.

انگلیس ها که هرگز خواهان تأسیس مناسبات دیپلماتیک و دوستی بین افغانستان و امریکا نبودند، قبل از پاریس توسط سفير خود موضوع را به سفير ایالات متحده امریکا گوشزد کرده بودند.

⁴¹⁹. افغانستان در سیاست جهانی - مناسبات افغان و ایالات متحده تا جنگ جهانی دوم ص ۲۲ (به زبان انگلیسی)

نقش و نفوذ انگلیس‌ها را بر پالیسی خارجی ایالات متحده امریکا میتوان از یادداشت مؤرخ ۹ جولای شعبهٔ شرق نزدیک وزارت امور خارجهٔ ایالات متحده امریکا به وزیر خارجهٔ چارلس ایوانس هیوز (Charles Evans Hughes) بخوبی دانست. درین یادداشت راجع به سفر هیئت محمد ولی خان دروازی میخوانیم که «وقتی ما راجع به سفر این هیئت [افغانستان] اولین تلگرام را بدست اوردیم، این هیئت بطرف ایالات متحده امریکا حرکت کرده بود ... اگر وقت میبود، من باید از طریق تلگرام آنها را از آمدن دلسرد میساختم، اما آنها حالا در راه هستند. با در نظرداشت طرز برخورد سفارت انگلیس در پاریس، که من فکر میکنم احساسات دفتر خارجه را منعکس میسازد، من چنین استنباط میکنم که باید هیئت را پذیرفته، اما تا حد امکان با آن برخورد سرسری داشته باشیم. شما شاید فکر کنید که پذیرفتن این هیئت ضروریست و رئیس جمهور هم چنین فکر کند، اما من اطمینان دارم که ضایع شدن وقت ارزش بهای شما و رئیس جمهور با این هیئت ضروری نیست. تا آنجائیکه من میدانم ما به افغانستان کدام دلچسپی خاصی نداریم، و با توجه به طرز برخود انگلیس‌ها با اهداف این هیئت، من فکر میکنم که باید به خواست آنها رضایت نشان داده و تا جائیکه میتوانیم با مهارت خاص و نزاكت به این هیئت ارزشی قایل نشویم.»

انگلیس‌ها در عین زمان برای ختنی کردن فعالیت‌های هیئت افغانی توطئه جدیدی را برآورد نداخته و یک افغان مجھول الهویه به نام شاهدخت فاطمه سلطانه، یکی از بازماندگان شاه شجاع را که در هند بریتانی زندگی میکرد، به امریکا آوردند. این خانم که با خود یک الماس ۵۵ قیراطه بنام «دریای نور» را نیز داشت، با پاسپورت انگلیسی وارد سانفرانسیسکو شده با سه پسر نوجوانش توسط جنرال قونسل انگلیس پذیرایی و به نیویارک فرستاده شده و در آنجا توسط شخص نامعلومی به مطبوعات معرفی میشود. روزنامه نیویارک تایمز در شماره نهم جولای ۱۹۲۱ تحت سرخط «شاهدخت افغان با سه پسرش آمد» نوشت که شاهدخت فاطمه سلطانه از کابل، خواهر شاه موجوده افغانستان دیروز با سه پسرش از سانفرانسیسکو وارد نیویارک شدند. شاهدخت که بعد از کوه نور، دومین الماس معروف را با خود آورده است، با رئیس جمهور ملاقات خواهد کرد. روزنامه علاوه کرد که شاهدخت ۳۷ ساله با پسرانش شهزاده محمد هاشم ۱۹ ساله، محمد عظیم خان ۱۷ ساله و محمد اکبر ۱۲ ساله برای یک هفته در «والدورف استوریا» [یکی از شاندارترین هتل‌های نیویارک] توقف میکند تا

با رئیس جمهور ملاقات کند. سفیر بریتانیا مشغول ترتیب ملاقات شان با رئیس جمهور هاردینک میباشد.

موجودیت فاطمه سلطانه با لباس جالب شدنی در نیویارک توجه خبرنگاران، عکاسان و خوانندگان امریکائی را بخود جلب کرد و نسبت به خبر فعالیت های هیئت افغانی برایشان یک خبر جالبتر شد. او در گزارش های مطبوعات مورد تأکید بیشتر قرار گرفت، هر روز بر تبلیغاتش افزوده میشد و در همه دعوتها و ضیافت های رسمی شرکت میکرد. او در ضیافت جان ایف هایلن (John F. Hylan)، شاروال نیویارک، الماس قشنگ «دریای نور» را چنان با طرز جالبی به گردان آویخته بود که مورد توجه مدعاوین قرار گرفته و همه از دیدن نور درخشش نده این الماس گرانبهای سخت متعجب و بهت زده شده بودند.

در آن ایام مطبوعات به این تعداد افغان را در نیویارک نمی دیده بود. اکثر خوانندگان روزنامه ها گمان میبردند که این دو گروپ با هم ارتباط داشته باشند. محمد ولی خان که از این وضع ناراحت شده بود و تبلیغات درباره شاهدخت را به نفع کشور و به سود مأموریت هیئت نمی پنداشت از هرگونه معرفی با این شهزاده خانم خودداری ورزیده و حتی از شناختن وی انکار کرد. اما وقتی از فاطمه سلطانه پرسیده شد با محمد ولی خان آشنا است؟ پاسخ داد که نیاکان شان با هم برادر بوده اند.

انگلیس ها به هدف شان رسیدند. روزنامه معروف نیویارک تایمز در شماره ۱۳ جولای عنوان: «دو عضو خانواده سلطنتی افغانی با هم آشنا نیستند» را برگردید. خبرنگاران کنجدکاو امریکائی بمقامات انگلیسی مراجعه کرده و از آنان هم درباره چگونگی زندگی شهزاده خانم افغان جویای معلومات شدند. انگلیس ها در پاسخ شان جواب دادند که این زن شاهدخت واقعی و حقیقی افغانی می باشد. اما آنها درباره هیئت افغانی اظهار بی اطلاعی کردند⁴²⁰.

وزیر خارجه امریکا به رئیس جمهور مشوره داد که هیئت محمد ولی خان را بحضور بپذیرد، اما علاوه کرد که فکر نمیکند «تا انجام دادن تحقیقات بیشتر لازم و یا مناسب باشد از یک پذیرایی مؤدبانه فراتر رفت».

420. آتش در افغانستان (Fire in Afghanistan), Stewart, Rhea Talley (1973). ص

تاریخ ملاقات رئیس جمهور با هیئت افغانی ۲۲ جولای ۱۹۲۱ تعین شد، اما قبل از این ملاقات، رئیس جمهور امریکا از فاطمه سلطانه در قصر سفید پذیرائی کرد. رئیس جمهور هارдинگ بجواب نامه شخصی غازی امان‌الله شاه که توسط محمدولی خان به وی سپرده شد، رضایت خاطر انگلیس‌ها را برآورده ساخته چنین نوشت:

«من آرزودارم مناسبات بین ایالات متحده امریکا و افغانستان همیشه دوستانه باشد، و خرسندم درین راستا با اعلیحضرت همکاری نمایم. من مجبور هستم، همانطوری که شفاهی به جنرال محمد ولی خان اظهار داشتم، تأثید کنم که در رابطه با ایالات متحده امریکا، مسئله برقراری مناسبات دیپلماتیک و اقدامات لازم توسط کانگریس ایالات متحده امریکا باید مورد رسیدگی بیشتر قرار گیرد.»

طوری که دیده شد، اینبار تلاش‌ها و توطئه‌های انگلیس برای جلوگیری از تأسیس مناسبات سیاسی افغانستان با ایالات متحده امریکا به نتیجه مطلوب رسید. محمد ولی خان، سفیر فوق العاده غازی امان‌الله شاه به همراهی هیئت خود به تاریخ ۳۰ جولای ۱۹۲۱ روانه لندن شد. وی هنگام عزیمت در مصاحبه مطبوعاتی به خبرنگاران از دادن معلومات بیشتر ابا ورزیده تنها گفت که «این یک مأموریت دیپلماتیک سری بود، که اهدافش را بدست آورده نتوانست.»

فصل هشتم

اصلاحات علت یا قربانی اغتشاشات

«به یاری و مرحومت ایزدی حکومت عالیه شما چنان اصلاحاتی را که برای حکومت و ملت سودمند و مفید باشد، تجویز خواهد کرد، تا شاید ملت و حکومت افغانستان شهرت و نام و نشانی در بین جهان متمند کسب نماید و موقف و موقعیت مناسب خود را همدیف قدرت‌های متمند جهان احراز کند.».

غازی امان‌الله خان

پروگرام‌های اصلاحی شاه امان الله غازی

شاه امان الله خان در همان اعلامیه تاریخی ۲۸ فبروری ۱۹۱۹ خود راجع به اهداف عدمة سلطنت خود گفته بود: «وقتی که ملت بزرگ من تاج شاهی را بر سر من نهاد، من عهد بستم که بایستی دولت افغانستان مانند سایر قدرت‌های مستقل جهان در داخل و خارج کشور آزاد و مستقل باشد. ملت افغانستان در داخل کشور آزادی کامل داشته از هرگونه تجاوز و ظلم مصون و مردم فقط باید مطیع قانون باشند و بس کار اجرایی و بیگار در تمام رشته‌ها ممنوع و ملغی است. حکومت ما در افغانستان اصلاحاتی خواهد نمود که ملت و مملکت ما بتواند در بین ملل متمدن جهان جای مناسب مقام خود را حاصل نماید. من در اجراءات امور کشور مشورت را به حکم و شاور هم فی الامر رهبر قرار خواهم داد.»⁴²¹

بعد از حصول استقلال و کسب شناسائی بین‌المللی آن، که نخستین دست‌آورد و مؤقیت سیاسی بود، غازی امان الله خان دست به ابتکار اصلاحات جامع سیاسی، اداری، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی زد.

به گفته یکی از شعراً معاصر زبان پشتو، در تاریخ افغانستان هیچ‌پیشوایی مثل امان الله خان به ملت و ترقی اش آنقدر علاقه‌دیوانه‌وار، عمیق، صمیمانه و صادقانه‌نشان نداده است. علاقه امان الله خان برای سعادت، عصری ساختن و ترقی ملت‌ش، علاقه‌یک شاه نه، بلکه به علاقه‌یک شاعر، هنرمند و نقاش می‌ماند که بیشتر با احساس افاده می‌شد. ولی از آنجاییکه ملت‌های خفتۀ زبان احساس هنرمندان و شاعران خود را دیر درک می‌کنند، همانطور هم احساسات نیک و علاقه‌پاک این شاه وطن دوست خود را هنگامی درک کردند، و اشک ندامت و افسوس ریختند که او دیگر از آنها و آغوش گرم کشور عزیزش، که تا سرحد جنون به آن عشق می‌ورزید، بسیار دور رفتنه بود و امکانات بازگشتش وجود نداشت. وی دیگر با وجودی که حیات داشت، برای ملت‌ش مرده بود، و آن زبان‌هایی هم که به ذکرش گشوده می‌شدند، یکی بعد دیگر قلم شدند.⁴²¹

غازی امان الله خان، ریفورم و اصلاحات را از شخص خود، اعضای خانواده، دربار و مامورین بلند پایه دولت آغاز نمود. آتشۀ نظامی سفارت انگلیس در کابل، در یکی از راپورهای خود از مذاہمتی بادآوری می‌کند که تخریب دیوار باغ‌ها بمنظور زیبائی شهر

⁴²¹. غازی امان الله خان د افغانستان د خپلواکی ستوری، ص ۱۸۳.

در ناحیه مسکونی شهر کابل ایجاد کرده و آن قسمتی از ملکیت علیا حضرت مادر شاه، سردار عنایت‌الله خان برادر شاه و سپه سالار محمد نادرخان را در بر می‌گرفت.⁽⁴²²⁾

به گفته دانشمند افغان آقای پیکار پامیر، او با فراست کامل میدانست که هرگاه آب از منشا و سرچشمۀ گل‌آسود و ناپاک باشد، کوشش و تپش برای پاک کاری آن در شاخه های فرعی و پائینی، بیهوده و عبث خواهد بود. پس، در قدم نخست تعداد زیادی از زنان و کنیزان (صورتی وغیرنکاحی) امیر حبیب الله خان را مخصوص کرد، با صدور فرامین پادشاهی، خرید و فروش انسان بعنوان کنیز و غلام را که از دوران اسارت بار پدر کلانش به ارث مانده بود، ملغی قرارداده بهره کشی های انسان از انسان را تنگین و شرم آور اعلام کرد. بهمین اساس، هزاران مرد و زن هزاره و نورستانی و بدخانی و ... که قبلابه اثر فرمان و اجازه امیرخون آشام (عبدالرحمن خان) از بازارهای کابل خریداری شده بودند، آزاد گردیدند. تعدد زوجات را ممنوع اعلام نموده و خود برخلاف رسم شاهان ماضی، با داشتن یک زن (ملکه ثریا دختر محمود بیگ طرزی) اکتفا کرد. مصارف سرسام آور دربار را کاهش داد و خوشگذرانی و "دیگچه پزانی" و تجمل پرستی را حقیر شمرد، خودش شخصاً لباس سرتاپا ساده وطنی با پیرهن یخن بسته به تن کرد و از عموم درباریان خواست تا از عین روش پیروی نمایند. بمنظور تشویق و تقویت صنایع داخلی، استفاده از تولیدات وطنی را مرجع و مثبت دانست. شاه جوان در کار تشویق و تبلیغ مبنی بر استفاده از تولیدات داخلی تا آنجا پیش رفت که هرگاه یکی از متعلقین خودش، درباریان و مامورین بلند رتبه اش ملبس بالباس غیر وطنی یا اروپایی می بود، فوراً توسط قیچی و بدون رعایت حتی ظاهر امر، لباس او را قطع و پارچه می کرد تا تنبیه شوند. موصوف معاشات مستمری، امتیازات قومی و درباری و حتی "استحقاق" طعام فامیلی سردارانی را که از سالها بدینسو از آشپزخانه داخل ارگ شاهی برایشان فرستاده میشد، قطع نموده زنده گی طفیلی آنان را به مسخره گرفت و اظهار داشت که کسی که کار نکند و زحمت نکشد، نباید دارای امتیاز و استحقاق باشد.⁽⁴²³⁾

.⁴²² اسناد آرشیف هند بریتانی، یادداشت‌های آتشه نظامی سفارت کابل، ۱۹۲۳، ۳۷.

.⁴²³ پامیر، پیکار (۲۰۱۲)، ص ۱۰۷.

اهداف اصلاحات دوره امنی

به پیروی از آرمانهای جنبش مشروطه خواهی، که امواج آن در رساندن امان‌الله‌خان به کرسی اقتدار نقش داشت، ایجاد یک نظام جدید سیاسی از اولویت‌های امان‌الله‌خان بود. خواسته‌های جوانان افغان در پهلوی حصول استقلال کامل سیاسی کشور، اصلاحات در امور اداری و تشکیل یک حکومت مشروطه، که شاه در آن مطلق العنان نباشد و مردم هم در تصمیم‌گیری نقش داشته باشند، را در برداشت. گرچه مشروطه خواهان تا سال ۱۹۲۸ موفق به تشکیل کدام حزب سیاسی نشدند⁴²⁴، اما آزادانه به فعالیت‌های سیاسی خود دوام داده و روحیه انتقاد و قضاوت آزاد در برابر دولت را در بین جوانان پرورش دادند.⁴²⁵

اهداف عمدۀ اصلاحات دوره امنی در قدم اول تأمین وحدت ملی و بعد از آن ترقی، انکشاف و پیشرفت مملکت بود. شاه امان‌الله‌خان توجه زیادی به ایجاد یک دولت مستقل مرکزی، دوری از قبیله‌گرایی و موضوعات مربوط به قانونیت و مشروعیت داشت، و به همین منظور شخصاً سفرهایی به مشرقی (دوبار)، قندھار، مزارشیریف و قطغون داشت. ضمن تفتیش دوائر دولتی خود را از شیوه‌های تطبیق قانون آگاه می‌ساخت. درین سفرها او را مأمورین وزارت‌خانه‌های مختلف همراهی می‌کرد. او ازین طریق می‌خواست احترام به قانون را در ذهن مأمورین دولتی جایگزین ساخته و مردم را با ضرورت پیروی از قوانین نافذ شده آشنا سازد. او در پهلوی مجازات کسانی که مرتکب خلاف ورزی از قوانین می‌شدند، به آن مأمورینی که وظایف شان را درست پیشبرده بودند، مکافات میداد.

غازی امان‌الله‌خان کوشید تا توسط سلسله از پلان‌های انکشافی و اصلاحی، افغانستان را به یک کشور پیشرفته و مدرن، غیروابسته و متکی بخود تبدیل کند.

⁴²⁴. فرقه استقلال و تجدد در سال ۱۹۲۸ تشکیل شد. یکی از اهداف این حزب این بود که تعصبات و یا خرافاتی را که با دین اسلام مطابقت نداشتند، ولی از طریق عادات و عنعنات قدیم جزء اجرآت و عملکرد های دینی شده اند، از سیاست کشور دور سازد. هدف این حزب وضع قوانین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بی بود که برای تأمین ضروریات عمومی مردم باشند و با ایجابات مدنیت روز تطابق نمایند. برای معلومات بیشتر به مرامنامه این حزب در فصل ضمایم مراجعه کنید.

⁴²⁵. برخلاف دوره‌های سلطنت قبلی و بعدی، هیچ کدام از روشنفکران سیاسی افغانستان در دوران دولت امنی به حبس سیاسی یا اعدام محکوم نشدند.

اهداف عمده اکثر نظامنامه‌ها توجیه و ایجاد یک سیستم اداره مرکزی در سطوح مختلف ملی، ولایتی، ولسوالی و حتی دهات بود. هدف بعضی از نظامنامه‌ها هم از دیاد عواید دولتی، بهتر ساختن جمع آوری مالیه، بهبود امنیت، ارائه خدمات بسیار مهم (بسیار معارف و مکاتب نسوان، مطبوعات، و رفاه عامه)، و اصلاحات کلتوری و اجتماعی بود، تا هویت ملی افغان‌ها را در سطح جهانی تثبیت کند.

مراحل اصلاحات

امان‌الله خان پلان انکشافی اصلاحات یا تجدد و تحول خویش را، که در آسیا بی‌سابقه بود، در یک جامعه قبیلوی پراگنده و متفرق آغاز نمود. عواملی که در راه تطبیق اصلاحات مشکلات ایجاد می‌کرد، عبارت بودند از:

1. نیروی استعماری که می‌خواست منطقه را تحت نفوذ خود داشته باشد.
2. روحانیون و ملاهائی که در مقابل تقلیل نفوذ شان مقاومت می‌کردند.
3. جامعه قبایلی که در آن برخلاف دوره استبدادی امیر عبد‌الرحمن خان، با احیای دوباره قبایل، سخت در مقابل کنترول دولت مرکزی مقاومت می‌کرد.

بیخبری از مراحل مختلف اصلاحات و برنامه‌های انکشافی دوره امنی (با وجود اختلاط آنها با همیگر) سبب شده است عده زیادی از نویسنده‌گان و مؤرخین خصوصاً تحت تاثیر رابطه زمانی بین اصلاحات و اغتشاشات، در مورد علت یا عمل اغتشاشات خطای بزرگی را مرتکب می‌شوند. وقتی حزرا از کل جدامیکنند، و قسمتی از پلان اصلاحات را گرفته و از موقعیتی که در کل دارد، مجزا می‌سازند، تجزیه و تحلیلی که به اساس آن صورت می‌گرد، نادرست و دور از حقیقت خواهد بود. این اشتباہ مخصوصاً در مورد آن اصلاحاتی واقع شده که تطبیق آنها به مرحله سوم گذاشته شده بود. ولی انتقاد کنندگان برنامه‌های اصلاحات مذکور را تطبیق شده خوانده و بعضی از آنها هم سقوط نهضت امنی را به آنها نسبت داده اند. اقبال علی شاه نویسنده کتاب "تراژیدی امان‌الله"، و رونالد وایلد نویسنده کتاب "امان‌الله - شاه سابق افغانستان" و عده از مؤرخین افغان‌ما در قطار این نویسنده‌گان شامل اند.

مراحل اصلاحات و رابطه زمانی آن با اغتشاشات

اغتشاشات	اصلاحات
	مرحله اول: بین سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۲۳
	مؤقت ترین مرحله اصلاحات بوده، تشکیلات حکومتی، اصلاحات امور اداری، قانونی، قضائی و تأسیس میکانیزم پارلمانی درین مرحله تطبیق شدند.
اغتشاش منگل (۱۹۲۳-۱۹۲۴)	مرحله دوم: یک مرحله انتقالی بین سالهای ۱۹۲۴ و ۱۹۲۸
	این مرحله بعد از شورش منگل بود، که سبب سستی در سرعت پیاده کردن اصلاحات شد. درین مرحله تعداد محدود اصلاحات زیر اجرا گرفته شد، تطبیق دوام داشت، اما پیشرفت آن بطي بود.
	مرحله سوم: پس از بازگشت امان الله خان از سفر اروپا
اغتشاش شینوار و حملات حبیب الله کلکانی	این مرحله از ماه جولای ۱۹۲۸ که غازی امان الله خان از سفر اروپا برگشت، تا جنوری ۱۹۲۹ شش ماه هم دوام نکرد. قسمت اعظم برنامه های مرحله سوم به حالت پیشنهاد باقی ماند.

مرحله سوم اصلاحات اجتماعی حکومت امانی، با بازگشت شاه از سفر طولانی اش آغاز شد. شاه که از ملاحظه تخنیک و فرهنگ غرب و بخصوص از مشاهده برنامه های پرقدرت مصطفی کمال اتاترک در ترکیه الهام گرفته بود، در جهت تطبیق برنامه های اصلاحی خود در افغانستان شتاب ورزید.

شاه نخست عناوین برجسته اصلاحات یا پلان‌های انکشافی مرحله سوم خود را در لویه جرگه ۱۹۲۸ مطرح و بعد از آن در خطابه معروف چهار روزه خود ابلاغ و نشر کرد. این پلان‌ها شامل، رفع چادری زنان، منع مریدی در اردو، ممانعت تحصیل ملایان در مدرسه دیوبند هند بر تابوی، گرفتن امتحان از ملانمایان، توزیع تذکره نفوس به مردم افغانستان، جلب جوانان بخدمت سربازی، تحصیل مشترک پسران و دختران در مکاتب ابتدائی، اعزام جوانان افغان برای تحصیل به خارج، منع نکاح صغیره، تعیین سن ازدواج برای دختران (۱۸ سال) و برای پسران (۲۲ سال) می‌شد.

چون امان الله خان بعد از سه ماه مجبور به استعفا شد، قسمت اعظم برنامه‌های مرحله سوم اصلاحات هم به حالت پیشنهاد باقی ماند.

پروفیسور لیون پولادا نویسنده کتاب اصلاحات و اغتشاشات ۱۹۱۹-۱۹۲۹ در افغانستان مینویسد که متاسفانه همه افسانه‌ها، ساخت و یافت‌ها، خرافات و پروپاگندهای که بعداً بر علیه اصلاحات صورت گرفت، همه متوجه برنامه‌های مرحله سوم بودند و اعتراض کنندگان از مؤقتیت برنامه‌های مرحله اول و برنامه‌های انجام یافته ذکری ننموده‌اند.

ابعاد و ساحت مختلف برنامه‌های اصلاحات

اصلاحات امور سیاسی و اداری

فلسفه اداری غازی امان الله خان استوار بر دوستی، محبت و وفاداری با رعیتش بود. او برای تأمین وحدت ملی بر محور حقوق مساوی مردم در برابر قانون، و انکشاف سیاسی مملکت، اولین قانون اساسی کشور را بنام «نظم‌نامه اساسی دولت علیه افغانستان» تسویید و به تاریخ ۲۰ حمل ۱۳۲۲ شمسی (مطابق با ۱۱ ماه اپریل ۱۹۲۲ م) به تصویب ۸۷۲ نفر از ارکان دولت و سران قبایل حاضر در لویه جرگه جلال آباد رساند. مطابق به ماده شانزدهم قانون اساسی «تمام اتباع افغانستان بر طبق شریعت و قوانین دولت از حقوق و وجایب مساوی برخوردار بودند». ⁴²⁶

غازی امان الله خان معتقد بود که با وضع یک قانون لیبرال و عاری از تعصبات، تهیه قوانین و نظامنامه‌های امور اداری، تشکیل دستگاه پارلمانی و تفکیک قوای سه

⁴²⁶. برای متن کامل این قانون اساسی به قسمت ضمایم مراجعه کنید.

گانه مقتنه، اجرائیه و قضائیه، حاکمیت قانون را نافذ و یک دولت مرکزی را ایجاد کند، تا زمینه ساز وحدت و یکپارچگی سیاسی ملت، قبولی مسؤولیت‌های مدنی و تغیرات مثبت اجتماعی باشد. او معتقد بود که «هندو، هزاره، شیعه، سنی، احمدزائی، پوپل زائی نداریم، بلکه همه یک ملت هستیم و آن افغان».

ترتیب تشکیلات حکومت مرکزی و وزارت خانه‌ها، ترتیب تشکیلات اداری و تقسیمات ملکی افغانستان به ۹ واحد اداری (پنج ولایت بزرگ و چهار حکومت اعلی)، وضع قانون اخذ تذکره برای تثبیت هویت تمام افراد مملکت، قانون تأسیس مجالس اداری ولایات، پیشنهاد تأسیس حزب سیاسی بنام حزب آزادی (فرقة استقلال و تجدد)، تشکیل لویه جرگه‌ها (مجالس کبیر) و شورا‌های مشورتی و دولتی، استواری و توسعه روابط سیاسی و انعقاد معاهدات با کشورهای بزرگ اروپائی و آسیائی (مثل انگلستان، ایتالیا، آلمان، اتحاد شوروی، فرانسه، ترکیه، و ایران)، خریدن زمین برای سفارتخانه‌های افغانی در خارج، لغو امتیازات مالی و پولی درباریان و وابستگان شان، وضع قانون تقاضه مأمورین، و تعیین شکل بیرق و تبدیل رنگ آن از رنگ سیاه به سه رنگ سیاه، سرخ و سبز درین اصلاحات شامل بودند.

اولین قانون اساسی کشور حاوی آزادی هائی بود که افغانها در سابق هیچ گاهی از آن برخوددار نبودند. لغو اسارت و بردگی و خرید و فروش کنیز و غلام، مصوّنیت آزادی های فردی از هرگونه تعرض و مداخلت، آزادی شغل و پیشه و تدریس، تساوی حقوق اتباع، منع شکنجه و زجر، مصوّنیت مسکن، منع مصادره دارائی و تلاشی غیر قانونی، ممنوعیت کار اجباری و بیگار، آزادی مطبوعات و نشرات، محاکمات علنی در محاکم عدليه، مصوّنیت مکاتيب و مراسلات از تجسس، و ضمانت عدالت از مأمورین دولت شامل آزادی های نظامنامه اساسی بود.

شاه امان الله غازی برای ازبین بردن خود سری ها و بی قانونی ها در مملکت، عدم احساس مسؤولیت و بیگانه گی ملت در برابر دولت، و ایجاد یک دولت متکی به قانون، ادارات مسؤول در برابر قوانین و ایجاد یک سیستم منظم و عصری اداری کوشید دولت و ملت را بهم پیوند دهد. برای اولین بار یک دستگاه اداری فعال و پایدار را در مملکت تاسیس کرد. هدف اساسی در بنیانگذاری یک دستگاه اداری مکمل، قیام روابط مستقیم بین حکومت و ملت بود.

برخی از قوانین (نظامنامه های) عصر امان الله خان که در مسیر اصلاحات مختلفه ترتیب و نشر گردید، قرار ذیل اند:



25. نظامنامه ها (۱)

1. نظامنامه (پروگرام) مکاتب
رشدیه
2. نظامنامه (پروگرام) مکتب
زراعت
3. نظامنامه آذوقه
4. نظامنامه اینیتیو شهربدارالامان
5. نظامنامه اجرآت تصفیه
محاسبه ماضیه
6. نظامنامه اخذ رسوم گمرک
7. نظامنامه اداره مجلس
(اعلان نامه)
8. نظامنامه اداره مجلس لوی
جرگه
9. نظامنامه اساسی دولت علیه
افغانستان (قانون
اساسی)
10. نظامنامه اساسی وزارت جلیله معارف
11. نظامنامه اساسی جمعیت طیاره افغانستان
12. نظامنامه استعفای مامورین ملکی
13. نظامنامه اصول محاکمات جزائیه مامورین
14. نظامنامه البسه عسکری
15. نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی
16. نظامنامه بلدیه
17. نظامنامه بودجه عمومی
18. نظامنامه پروگرام دارالمعلمین ها و دارالمعلمات مرکز
19. نظامنامه تخفیف عبارات القاب
20. نظامنامه تذكرة نفووس و اصول پاسپورت و قانون تابعیت
21. نظامنامه تربیه اطفال یتیم
22. نظامنامه تشکیلات اساسیه افغانستان
23. نظامنامه تشویقیه صنایع دولت علیه افغانستان

24. نظامنامه تعليقات دولت
 25. نظامنامه تعليمات تفريقي و ظايف حکام و مامورين مربوط آن
 26. نظامنامه تعليمات فني و انجينيري
 27. نظامنامه تعليمگاه آمران و ضابطان افغانستان
 28. نظامنامه تعميرات پغمان
 29. نظامنامه تعميرات دولت
 30. نظامنامه تعميرات لغمان
 31. نظامنامه تفريقي و ظايف داخل قطعات و دائره لوازم فرقه ها و قول اردو و وزارت
جليله حربيه
 32. نظامنامه تقاوی تجاريه
 33. **نظامنامه
تقسييمات
ملكيه
افغانستان**
 34. **نظامنامه
توقيف خانه ها
و محبوس خانه
ها**
 35. نظامنامه جزاي عسکري
 36. نظامنامه جزاي عمومي
 37. **نظامنامه
حاضرى
مامورين**
 38. **نظامنامه
خدمات داخلية
عسکريه**
 39. **نظامنامه خزانه
جات دولت**
- 
26. نظامنامه ها (۲)

40. نظامنامه داک خانه (خدمات پستی)
41. نظامنامه رتبه های عسکری دولت مستقله افغانستان
42. نظامنامه رخصتی مامورین
43. نظامنامه رساله طرز تحریر و ثایق شرعیه
44. نظامنامه زراعت للمی (زراعت در زمین های بی آب)
45. نظامنامه شرکت عمران
46. نظامنامه فرقه استقلال و تجدد
47. نظامنامه فروش املاک سرکاری
48. نظامنامه فروش اموال تحويلخانه های سرکاری
49. نظامنامه قونسلگری دولت علیه افغانستان
50. نظامنامه کارگاری مالیه
51. نظامنامه کلوب سیاه و سرخ و سبز
52. نظامنامه لایحه اداره مساقین
53. نظامنامه لایحه تطبیق رتبه های جدید و عتیقه عسکری
54. نظامنامه مالیه
55. نظامنامه ماموریت و کیل التجاره
56. نظامنامه محاکم شرعیه در باب جرایم
57. نظامنامه محصول مال موادی
58. نظامنامه محکمه شرعیه در باب معاملات تجاری
59. نظامنامه مدیریت محاسبه وزارت جلیله خارجه
60. نظامنامه مدیریت و دفتر اوراق و مدیریت مکتوب
61. نظامنامه مدیریت های مامورین وزارت
62. نظامنامه مراسم تعزیه داری



(۳) نظامنامه ها (۲۷)

63. نظامنامه مطبوعات
64. نظامنامه مفردات پروگرام مکتب معماری
65. نظامنامه مقیاسات
66. نظامنامه مکاتب خانگی
67. نظامنامه مکتب خورد ضابطان افغانستان
68. نظامنامه مهاجرین
69. نظامنامه ناقلين به سمت قطعن
70. نظامنامه نشانات معارف
71. نظامنامه نشانهای ذیشان دولت علیه مستقلة افغانستان
72. نظامنامه نکاح، عروسی، ختنه سوری
73. نظامنامه نهر رزاق قسمت شمال
74. نظامنامه وزارت جلیله حربيه
75. نظامنامه وظایيف مامورین زراعت مربوط وزارت تجارت
76. نظامنامه وظایيف مستوفیان و سررشه داران اعلى و مامورین ماتحت شان
77. نظامنامه هدایات صورت فيصله قتل و حبس دوام که در محکم عدلیه آينده بروفق آن فيصله تحریر شود.

اصلاحات امور قضائی

برای اولین بار اساس سیستم مستقل قضائی در عصر غازی امان الله خان گذاشته شد. تاسیس محاکم مراتب سه گانه و تدوین و تطبیق قوانین عصری مدنی، جزائی و تجارتی از جمله اصلاحات سیستم قضائی بودند. قابل یاد اوریست که نبودن قصاصات آشنا با قوانین عصری مانع پیشرفت این برنامه گردید. غازی امان الله خان مجبور بود تا تربیه قصاصات عصری از قصاصات و مفتی هایی که به قانون شریعت آشنا بودند، استفاده کند. افغانها از تحولات و اصلاحات واردہ در سیستم قضائی خوشنود بوده استقبال نیک نمودند، اما این قوانین جدید از عایدات و رشوه ستانی قصاصات و مفتی ها کاست، و از همین سبب با مخالفت آنها روبرو شد.

اصلاحات امور فرهنگی

در عصر غازی امان الله خان مطبوعات توسعه قابل ملاحظه نمود. پالیسی عمدۀ نشرات و مطبوعات دوره امنی بر محور استقلال سیاسی، وطن دوستی و ملت دوستی، اتحاد

و اصلاحات می‌چرخید. نظامنامه مطبوعات راه نشرات آزاد و بی‌سانسور را باز نموده، در مرکزو ولایات زمینه نشو و پخش جراید و مجلات متعدد را آماده ساخت.

از جمله نشرات آن دوره میتوان از جراید و مجلات آتی نام برد:

- أ. آیینه عرفان
- ابلاغ
- اتحاد خان آباد
- اتحاد مشرقی
- اتفاق اسلام
- اردو
- ارشاد النسوان
- اسلام
- اصلاح
- افغان
- الغازی
- امان افغان
- انس
- بیدار
- پشتون زغ
- شروت
- جریده مکتب
- حقیقت
- ستاره افغان
- سراج اطفال
- طلوع افغان
- عسکری
- مجموعه صحیه
- معرف معارف
- نسیم سحر
- نوروز



28. نمونه از نشرات دوره امنی

تاسیس مکاتب صنایع، رسامی، فلمبرداری، نجاری، معماری، زراعت و تعمیرصالون تیاتر در پغمان، آغاز حفریات آثار باستانی توسط فرانسوی‌ها، تاسیس موزیم و کتابخانه‌های عمومی نیز شامل تحولات ثقافتی این دوره شمرده می‌شوند.

اصلاحات امور تعلیم و تربیه

تاسیس مکاتب متعدد بشمول مکاتب تلگراف، دارالعلوم عربی، رشیدیه مستورات، رشیدیه جلال‌آباد، رشیدیه قندھار، رشیدیه هرات، رشیدیه مزارشريف، رشیدیه قطغن، تدبیر منزل زنانه، مکتب طبیه و بیشتر از ۳۲۲ باب مکاتب ابتدائیه در تمام ولایات کشور، تدریس مضامین عصری نخست توسط معلمین هندی و بعد از آن توسط معلمین فرانسوی، تعلیم اجباری ابتدائی، تاسیس کورس‌های سواد آموزی اولاً بنظر آموختن سواد و بعداً برای فراغتمن مضامین دینی و مضامین عصری (که خود امان‌الله‌خان شخصاً در بعضی ازین کورس‌ها درس میداد)، تاسیس مکتب اصول تحریر برای مامورین محاسبه و اداری، تاسیس مکتب حکام برای آموزش حکام و مامورین پائین‌رتبه، مکتب اصول دفتری برای تربیه مامورین مالیه، تدریس لسان‌های فرانسوی، آلمانی و انگلیسی در مکاتب امانیه (استقلال)، امانی (نجات) و غازی، استخدام معلمین سیار برای کوچی‌ها، تاسیس پشتتوپونه (اکادمی پشت‌توپ)، تاسیس انجمن حمایت از نسوان، تاسیس اکادمی پولیس، تاسیس دو مکتب دخترها (که یکی توسط ملکه ثریا و دیگری توسط مادرش وارسی می‌شد)، اعزام یکتعداد دختران جهت تحصیل به ترکیه، و فرستادن یکتعداد پسران برای تحصیلات عالی به فرانسه و آلمان از جمله تحولات امور معارف این دوره بشمار می‌رود.

تعداد مجموعی شاگردان معارف تا سال ۱۹۲۷ بالغ بر (پنجاه و یک‌هزار نفر) گردید. در لیسه‌ها و مکاتب رشدی و مسلکی (بدون از مدرسه نظامی) بیش از سه هزار نفر مشغول تحصیل بودند، مطبوعه معارف فعال و بیش از ۱۳۳ جلد کتاب درسی به تعداد ۶۹۳۵۷۵ از طرف وزارت معارف طبع گردید، و صد‌ها معلم تربیه و به جامعه تقدیم شد وده‌ها آموزگار خارجی از کشورهای ایتالیا، فرانسه، آلمان، ترکیه، سویس و غیره استخدام شدند.

اصلاحات امور مالی و اقتصادی

تشکیل سیستم جدید و بهتر جمع آوری مالیات، تبدیل مالیات جنسی به مالیات نقدی، روی کار کردن سیستم پرداخت مالیه مستقیم، لغو مالیات ناگهانی و غیر معقول مثل سرچربی بی بی، تدوین محصول جدید گمرکی برای تشویق واردات و صادرات، لغو مالیات داخلی برای اکشاف تجارت داخلی و خارجی، ترتیب احصائی حیوانات برای جمع آوری مالیه مواشی، سروی اراضی برای جمع آوری بهتر مالیات، درآوردن محاسبات دولتی بشکل عصری، بمیان اوردن واحد جدید پولی بنام افغانی، اولین چاپ بانک نوت، تاسیس بانک ملی، تعیین بودجه سالیانه و تنظیم عواید و مصارف دوایر دولتی، توسعه تلفون و تلگراف، ساختن جاده‌های جدید و ترمیم



29. اولین خط ریل

سرکهای قدیم، اصلاح خدمات پستی، افتتاح اولین پروگرام هوانوردی ملکی، تعمیر یکتعداد پلها، روی دست گرفتن سیستم آبرسانی، بهره برداری از معدن ذغال سنگ رخام، پیشنهاد و قراردادهای سروی و استخراج معادن، تشویق تجارت و قانون حمایت از حقوق تاجران، تشویق زارعین و سهم گرفتن در نمایشات زراعتی، فعالیت اولین شرکت سهامی، پروگرام توسعه جنگلات، افتتاح اولین مکتب زراعت و وزارت زراعت، ایجاد محاکم خاص تجارتی، تاسیس شرکت‌های مختلف و متنوع تجارتی مانند شرکت ادویه، شرکت شمر، شرکت اتحاد موتداران، شرکت برق، شرکت‌های قالین و قره قل و ده‌ها شرکت دیگر، وارد کردن و بکار اندختن فابریکه‌های متعدد تولیدی و صنعتی مانند گوگرد سازی، سمنت سازی، چرمگری، باروت سازی، ترمیم

موتر، صابون سازی، نخ تابی، پارچه باقی، پشمینه بافی، نجاری، یخ سازی، روغن کشی، اسلحه سازی وغیره، تاسیس ستیشن های تولید برق در شهر کابل، پغمان، قند هار و جلال آباد، تمدید اولین خط آهن از ماشین خانه (د همزنگ) الی دارالامان، بمیان آوردن اداره جنگلات جنوبی و مؤسسات نسل گیری اسپ و پیله وری وغیره، طرح و پیاده نمودن پلان تورید و بکار اندازی دستگاه های دکمه سازی، قندسازی، پروسس لینیات و حفظ میوه، برقراری خط پست هوایی بین کابل و ولایات بزرگ کشور و نیز بین کابل و کشورهای خارجی مانند ترکیه، ایران، هند و شوروی، چاپ و استفاده از اولین تکت پُستی "افغانستان، تکمیل بند آب غازی و بند سراج غزنی وغیره از جمله دست آوردهای اقتصادی پیشوای اقلابی افغانستان، غازی امان الله خان بود، که مرامش تعمیر بنیوی و اساسی افغانستان بوده، آرزو داشت تحول اساسی و بنیادی را در افغانستان وارد کند.

اصلاحات امور نظامی

ترتیب تشکیلات جدید اکادمی نظامی و ورود استادان خارجی که اکثر شان ترک ها بودند، تشکیل قطعه نمونه تحت قیادت استادان ترک، تشکیل قواه هوائی (مشتمل بر ۱۱ طیاره)، اعزام ۲۵ شاگرد به روسیه و فرانسه و ایتالیا درین رشته، تاسیس تعلیمگاه های مختلفه مسلکی، فرستادن شاگردان برای تحصیل رشته های نظامی به اتحاد شوروی و ترکیه، تعلیم سواد آموزی در اردو، تقویه فابریکه حربی کابل، تورید مهمات جنگی بشمول توبه های دافع هوا، و موتر های زره پوش از خارج در ریفورم های نظامی شامل بودند.

اصلاحات امور اجتماعی

تاسیس شفاخانه های ملکی و نظامی، آغاز فعالیت زایشگاه، تاسیس انجمن سره میاشت (هلال احمر)، آغاز فعالیت ستاتوریم بیگتوت پغمان، تاسیس دارالمجانین و پیش خانه ها، آوردن آب آشامیدنی از پیغمان به کابل درین جمله شامل بودند.

دانشمند افغان، پیکار پامیر میگوید که «باساس غبن و ستمگری، عدم برنامه های اصلاحی و آموزشی، دامن زدن به موهومات و ظلمت گستری شاهان و امیران ماضی، کوهی از مشکلات ناشی از عقبمانی ها و موانع اجتماعی پیش پای اعلیحضرت امان الله خان و دولت نو بنیاد وی قرار گرفته بود و چون شاه آرزومند اصلاح جامعه و رفع عقبمانی های اجتماعی بود و نظر به فطرت نیک و نیات خیر خواهانه ی خویش

نمیتوانست آنهمه سیاهی و موانع اجتماعی را بنگرد و بی تفاوت بر اورنگ قدرت در ارگ شاهی بنشیند. بنابران، خود را ناگزیر میدانست موازی با اقدامات و طرح برنامه های اقتصادی (با ساساندیشه های مشروطه خواهی و تعهد ش در مقابل آیین انسانی این جنبش)، در بخش امور اجتماعی نیز کار و تلاش بعمل آورد. پس، طبعاً اصلاحات اجتماعی وی در گوشه های رسوم، عادات، تمایلات فردی و سنت های دیرپایی درون جامعه نیز تداخل میینمود. مثلاً، شاه میدید که اتباع وی هر کدام (حد متوسط) پنج متر پارچه را که عمدتاً از خارج وارد میشد، بحیث دستار به دور سرخویش می پیچائند و هرگاه تخمین شود که در آن روزگار، ده میلیون نفر دستار پنچ متره به سر میکرده اند، جمعاً پنجاه میلیون متر پارچه‌ی نخی یا سُندی درسال، تنها بخاطر عایت داشتن دستار به مصرف میرسید که نه تنها از رهگذر اقتصادی ضربه‌ی بزرگی محسوب میشد، بلکه از نظر حفظ و نگهداری، شست و شو و فعالیت‌های روزمره اقتصادی- اجتماعی نیز خالی از اشکالات نبود. بنابران، برای ملت عزیز خویش مشوره داد تا در عوض دستار از کلاه ساده و آنهم ساخت وطن استفاده نمایند. (که بعداً مشکل ساز شد)

«شاه در این زمان، با سنجش منطقی که بعمل آورده بود، استفاده از کلاه "قره ڦل" در داخل کشور را جواز نمیدانست، زیرا آرزو داشت با اصلاح نسل گوسفند قره ڦل بهره برداری های فنی و بدون ضایعات ازان، صادرات آنرا بخارج مملکت به منظور فروش و جلب اسعار خارجی، کanal معقول اقتصادی دهد. وی محاسبه کرده بود که اگر میلیونها پوست قره ڦل بعوض استعمال در داخل وطن، به کشور های خارج صادر شود، میلیونها دالر را بسوی مملکت سرازیر کرده موجب شگوفایی وضع اقتصادی مردم خواهد شد.

«اعلیحضرت حتی در قسمت ترک پیرهن و تنبان و استفاده از پطلون در جریان امور اجتماعی و اقتصادی و در ساحه‌ی کار و فعالیت‌های روزمره، بویژه، در کارگاه‌ها و فابریکه‌ها نظرات بهیخواهانه داشت. ایشان علاوه از آنکه پوشیدن پیرهن و تنبان را که مقدار چندین متر تکه را برای یکنفر ایجاب میکرد، چون معمولاً گشاده و فراخ هم میبود، آنرا موجب تنبیلی و درد سر در موقع کار و عقب ماشین آلات میدانست. بنابران، همیشه به مردم توصیه میکرد تا از پطلون یا "برزو" با یک پیرهن و کلاه استفاده نمایند. البته این نظرات، با آنکه مفید و ضروری بودند، از سوی دشمنان ترقی و پیشرفت سؤتعبیر گردید و درد سرهایی را ایجاد نمود. شاه جوان از رواج های کنه و مصارف گزارف در مراسم جشن های عروسی، ختنه سویی، عزاداری و امثالهم که در واقع، حاصل و نمونه‌ی شرایط زنده‌گی فئودال- قبیله‌یی در کشور بود، رنج برد و

حاکمیت همچو رسم و رواج ها در مرکز و اطراف مملکت را هم موجب ورشکسته گی های مالی و اقتصادی افراد و خانواده ها میدانست و هم آنرا بمثابه عیب در دنیاک در پیکر اجتماع بحساب می آورد، لهذا، با تدوین قوانین، با تبلیغات و سیع و همه جانبه حتا با وارد کردن فشار بالای بزرگان خانواده ها، در این زمینه گام هایی برداشت، هر چند محو گلی آن در تحت شرایط اجتماعی آن روزگار آنهم از راه صرفأ تبلیغ و تهدید امکان پذیر نبود. اعلیحضرت امان الله خان حتا بخاطر جلوگیری از ظلم و تعدی بر حیوانات، قانون وضع نمود. مثلًا، نظر به حکم قانون، نباید کسی مرغ زنده را در بازار و دکان و جاهای دیگر از پا آویزان کند، نباید حیوانات را جنگ انداخت، نباید حیوان چهار پا را لتو کوب کرده به زیر بار سنگین قرار داد و امثالهم.⁴²⁷



⁴²⁷. پامیر، پیکار (۲۰۱۲)، ص ۱۱۳.

اغتشاشات دوره امنی

طوری که قبل از مراحل اصلاحات و رابطه زمانی آن بصورت مختصر ذکر شد، به تعقیب تطبیق مؤفقاره مرحله اول اصلاحات، اولین اغتشاش مسلحانه مقابله رژیم امنی در سمت جنوبی رخ داد. این اغتشاش چهارده (۱۴) ماهه، که بنام شورش منگل و شورش ملای لنگ نیز مشهور است، در پهلوی تلفات جانی و مالی، تلاش‌های ملت سازی امان‌الله خان را با موانع مواجه ساخته و سرعت پیاده کردن اصلاحات را بصورت قابل ملاحظه بطي ساخت.

اغتشاش دیگر عهد امنی، بنام شورش شینوار در شرق افغانستان بعد از بازگشت امان‌الله خان از سفر طولانی مدت اروپا و آغاز مرحله سوم اصلاحات در سال ۱۹۲۸ رخ داد، که به تعقیب حملات حبیب‌الله کلکانی باعث سقوط دولت امنی شد.



32. ملا عبدالله معروف به ملای لنگ

جواب مختصر رویدادهای اغتشاش جنوبی

اولین شورش مقابله رژیم امنی در بهار (ماрچ ۱۹۲۴) از منطقه منگل در پکتیا به رهبری ملا عبدالله معروف به ملای لنگ و دامادش ملا عبدالرشید آغاز شد.

مقدمه این اغتشاش در پکتیا از مدت‌ها قبل چیده شده بود، اما بهانه آغاز آن دعوای یکی از افراد قبیله منگل بود. این فرد ادعا داشت که در طفویلیت با دختری نامزد شده است. مخالفین این شخص به امرالدین خان، حاکم اعلی، و قاضی شکایت کردند. حاکم اعلی بعد از گرفتن رضایت دختر به اساس نظامنامه جدید که ازدواج طفل صغیر را ممنوع قرار داده بود، دعوای شخص مذکور را رد نمود. ملا عبدالله که قرار بود دعوا را فیصله کند، و قبل از نامزد رشوت گرفته بود احتجاج نموده گفت که حاکم اعلی از حکم شریعت

سرپیچی نموده است.⁴²⁸ او به همکاری ملا عبد الرشید در دستی قرآن و در دست دیگر قانون جزا را گرفته در میان قبایل دست به تبلیغات زده فریاد میکشیدند کدام یک را قبول دارید: قرآن یا قانون را؟ و طبعاً مردم میگفتند: قرآن را. بدینوسیله او مردم را بشورش دعوت میکرد.

خانم ریه تعالی سنتیوارت، نویسنده کتاب معروف «آتش در افغانستان» را جع به رهبر شورشیان مینویسد که «او قبای به رنگ سبز میپوشید، که رنگ قبای پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) بود. او در فلکلور افغانستان به یک شخصیت تبدیل شد. در سالهای اخیر مردم سؤاستفاده اش را طوری بیان مینمودند که گویا از اسمان برایش الهام می آمد. او به افراد قوم منگل میگفت که "بروید زیر فلان درخت را بپایید، در آنجا پول خواهید یافت"، آنها آنجا رفته و پول در آنجا میبود. البته این پول را انگلیس ها میگذاشتند، چون میخواستند مردم از ملای لنگ پیروی کنند».⁴²⁹

به گفته سید قاسم رشتیا «یک تعداد ملاها در سمت پکتیا تحریک شدند. اینها در مقابل نظامنامه ها و قوانینی که امان الله خان طرح کرده بود، می گفتند که امان الله خان از قرآن دور شده و از خود قوانین و نظامنامه ساخته است»⁴³⁰

این اغتشاش که بیش از یک سال ادامه پیدا کرد، اهسته اهسته با پیوستن اقوام دیگر به آن تا لوگر سرایت کرد. هردو ملا با پشتیبانی مردم منگل و ځدران (جدران) از شاه خواستند تا بعضی از مواد قانون جزای عمومی را که آنها مخالف شریعت میدانستند، تعديل کند. شاه جواب داد که قانون مذکور قبل از تصویب علمای شرعی رسیده و از آنها خواست تا برای مذکوره با این علماء کابل بیایند. البته ملا ها نپذیرفتند و بنام حفظ شریعت اسلامی در پکتیا قیام نمودند. دهقانهای پکتیا که از روش مامورین دولت مخصوصاً حاکم اعلی رنجیده بودند، به حمایت از آنها برخاستند، و بعض اخنهای مغرض به آنها پیوستند.⁴³¹

⁴²⁸. کاتب، فیض محمد / ترجمه مکچیسنی (تذکرالانقلاب/کابل تحت محاصره)، صفحات ۱۳ و ۱۴

⁴²⁹. Stewart, Rhea Talley (2000). آتش در افغانستان)، صفحات ۲۵۹-۲۷۰.

⁴³⁰. طینین، ظاهر، افغانستان در قرن بیستم، پیشین، ص ۴۵

⁴³¹. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۶)، ص ۸۷

امان‌الله خان کوشید تا با فرستادن علمای منور و صاحب نفوذ این مشکل را حل کند. علماء در بیدک لوگر با ملاهای شورشی ملاقات کردند و بزودی دریافتند که ملای لنگ اراده مباحثه مذهبی را نداشتند و رفتار مخاصمه در پیش دارد. چنانچه صراحتاً بر طرفی امان‌الله خان را تقاضاً و ابلاغ کردند که امیر جدید را انتخاب کرده‌اند. در نتیجه‌این ملاقات دولت به فیصله رسید که مصالحه امکان‌پذیر نبوده و اغتشاش تنها با شکستن قوای شورشیان خاموش شده می‌تواند. هیئت علمای نیز فهمیدند که خواهشات ملای لنگ یک موضوع سیاسی بوده و به مذهب ارتباطی ندارد. مشاورین مذهبی امان‌الله خان مشوره دادند برای وارسی شکایت‌های مذهبی لویه جرگه دایر شود. جرگه پیشنهادات امان‌الله خان را بصورت عموم قبول کرده، اصلاحات چندی راجع به قانون جزا وغیره بعمل آمد.⁴³²

لویه جرگه با تعدیل برخی از مواد برنامه اصلاحات، هیئتی را به ریاست حضرت شمس المشایخ و عضویت نورالمشايخ، وزیر عدلیه، قاضی القصاصات، سردار محمد عثمان خان و تعداد دیگر غرض مذاکره نزد شورشیان فرستاد تا تذکر بدهند که تمام مواد قانون با شریعت اسلام تطبیق داده شده و هیچ ماده‌یی نیست که با اسلام در تضاد باشد، ولی مذاکره با شورشیان نتیجه مطلوب به بار نیاورد. استاد فضل غنی مجددی به روایت از دختر سردار محمد عثمان خان (والده حضرت صبغت‌الله خان مجددی) مینویسد که مذاکرات خصوصی بین حضرت نورالمشايخ و سردار محمد عثمان خان و ملا عبد‌الله صورت گرفت و حضرت نورالمشايخ بسیاری از نظریات ملا عبد‌الله را تائید نمود، لیکن حضرت شمس المشایخ در نهایت پیشنهادات ملا عبد‌الله را رد کرد.⁴³³

در دوران اغتشاش و جنگ‌های پکتیا تلفات زیادی به قوای دولتی و شورشیان رخداد. اکثر این جنگ‌ها بنفع شورشیان تمام می‌شد. شادروان غبار مینویسد در یکی ازین جنگ‌ها «هنگامی که وزیر حریبه محمدولی خان در گردیز تحت محاصره شورشیان قرار داشت، از کابل یک قوت ۷۰۰ نفری بنام «عسکر جان‌فدا» با دو غندمشر برای نجات وزیر حریبه بسوی گردیز فرستاده شد، مگر این قوت در بیدک لوگر مورد شبیخون شورشیان قرار گرفت و تا فرد آخر از دم تیغ گذشتند.⁴³⁴

. ۴۳۲. Poullada, L. B. (1973). ص ۱۲۲.

. ۴۳۳. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ص ۲۳۹.

. ۴۳۴. غبار، میرغلام محمد (۱۳۷۲)، ص ۸۰۸.

دانشمند و مؤرخ افغان‌آقای سیستانی مینویسد که والی علی احمد خان از تنگ‌هار بکمک وزیر حربیه شتافت و اگر او با شبه نظامیان خوگیانی و مومند از تنگ‌هار به کمک وزیر حربیه به موقع نمی‌رسید، بدون شباهه وزیر حربیه باشکست مواجه می‌شد و پایتخت مورد تهدید جدی شورشیان قرار می‌گرفت. به هر حال والی علی احمد خان با ورود به گردیز محاصره شورشیان را در هم شکست و شورشیان را مجبور به عقب‌نشینی و فرار نمود.⁴³⁵

در حین شدت اغتشاش قشله عسکری خوست تحت محاصره قرار گرفت، بر خزانه دولت در راه غزنی به گردیز حمله صورت کرفت، تنگی آغو جان لوگر با یک حمله ناگهانی شورشیان اشغال شده و پایتخت مستقیماً تحت تهدید واقع شد. بعد از چندی شورشیان شهر غزنی را نیز به محاصره کشیده، احمد زائی‌ها و طوطاخیل‌ها ارتباط کابل را با پکتیا قطع نموده، شورشیان از غزنی به استقامت کابل تا شیخ‌آباد و تکیه در وردک رسیدند و ملا عبدالاحد و برادرش سبحان خزانه دولت را در شیخ‌آباد به غنیمت بردند.

در همین جریان بود که یکنفر بنام عبدالکریم که خود را پسر امیر یعقوب خان می‌خواند، از هند بریتانی وارد صحنه شده و دعوای امارت نمود. این خبر به سرعت در سرتاسر افغانستان منتشر شد و بگفته غبار مردم با وجود آزرده‌گی که از سوی اداره دولت داشتند و در جنگ پکتیا اقلابی طرفی خود را حفظ می‌کردند، همینکه دانستند اغتشاش پکتیا ماهیت مذهبی نی، بلکه ماهیت سیاسی و آنهم بمداخله دولت انگلیس دارد، همه به حمایت دولت برخاستند و بر ضد نفوذ خارجی متحد گردیدند.

بعد از آماده‌گی و حمایت مردم از سمت شمال، مشرقی، کابل، کاپیسا و پروان، هزاره جات، و کابل، قوای دولتی در جبهات از مرحله دفاعی گذشته و به تعرض آغاز کردند. در خود پکتیا نیز احساسات عمومی به شورآمده مردم جاجی و چمکنی طرف دولت را گرفته و هندوها خوست تغذیه عساکر دولت را بدوش گرفتند. شهر کابل نیز تادیه معاش سه کندک نظامی اعزامی در لوگر را پذیرفت، شاگردان مدارس کابل تقاضای اسلحه و شمولیت در جنگ را نموده، و بعضی از زنان کابل زیورات خود را به دولت اعانه دادند.

⁴³⁵. کاندیدای اکادمیسین سیستانی، نقش روحانیت متنفذ در ضدیت با تجدد گرایی رژیم امانی



محمود طرزی در همین سال از سفارت پاریس دوباره به کابل آمد و مسئولیت وزارت خارجه را باز بدوش گرفت، و در همین سال بود که شاه امان الله خان بالای حضرت نورالمشايخ مجددی مشتبه شده خواست او را به زندان

بفرستد، ولی حضرت شمس المشايخ که مرد مجاهد و ضد استعمار و هم طرفدار آزادی سرحدات از نفوذ انگلیس بود، مانع این کار شد. لذا شاه نظر به احترامی که به این شخصیت روحانی داشت، از حبس نورالمشايخ بشرطی منصرف شد که از افغانستان خارج شود. حضرت نورالمشايخ هم با عایله خود سرحد افغانستان را عبور نموده و بعد از ادائی مراسم حج در هند بریتانی اقامت اختیار نمود.

بهر حال جنرال محمد عمرخان مشهور به سور جرنیل محاصره غزنی توسط شورشیان پکتیا را در هم شکست، و با شکست دان جنگاوران پکتیا که شیخ آباد و تکیه را اشغال کرده بودند، به تهدید کابل خاتمه داد. محمد امین خان غند مشرهم از قلعه نظامی لوگر مدافعه نموده حمله آوران پکتیائی را شکست داد. غلام نبی خان چرخی هم قوئه اغتشاشیون را در تنگی آغوان لوگر مغلوب کرد، و محمد غوث خان غند مشر فراریان شکست خورده را تعقیب نمود. سردار شاه ولی خان در لوگر مذاکره با اغتشاشیون را آغاز کرد و میر زمان خان کنری و جنرال عبد الوکیل خان نورستانی هم در میدان های جنگ لوگر رشادت بسیار نشان دادند. رجب علیخان کند کمشر قطعه انسائات و جان محمد خان تولی مشر نورستانی در جدیت نظامی مورد توجه افسران بزرگ قرار گرفتند. بهرام خان سرخابی هم تمام راه های لوگر را بطرفاء داری دولت محفوظ و مأمون نگهداشت. مردم احمد زائی نیز از صفحه شورشیان خارج شدند.

پلاخره با وارد شدن افسران و مامورین دولت به پکتیا، برقراری مجدد خط ارتباط کابل پکتیا، پاک کردن کوتل تیره از اغتشاشیون، شکست شورشیان در زرمت، جنگ های نیکه جدران، و شکست اغتشاشیون منگل در راه میرزکه، و شکست آخرین قوئه مقاومت اغتشاش پکتیا، فرار عبدالکریم خان به هندوستان، دستگیری و محکمه نظامی و اعدام رهبران شورش چون ملا عبدالله و ملا عبد الرشید و سایر ملا های دخیل

در شورش با ۲۵ تن دیگر از سران اغتشاش، و زندانی شدن تعدادی از اسیران در کابل، و مجبور ساختن تعداد دیگری به اقامت در صفحات شمال کشور اغتشاش بزرگ پکتیا خاتمه یافت. بیرک خان خُدران که یکی از غازیان مشهور کشور و حامی دولت مرکزی بود، نیز در طی همین جنگها بطریفداری از دولت کشته شد.⁴³⁶

دو رویداد قابل یادآوری

درینجا میخواهم در رابطه با شورش جنوبی از دو رویداد دلچسپ یادآور شوم که تا حال در هیچ اثری یا به آن اشاره نشده و یا از نظر این مؤلف نگذشته است.

نقش غازی میرزمان خان کنری و پایان دادن جنگ با جرگه قومی

اغتشاش جنوبی بیش از یک سال دوام نموده و شدت جنگ با شورشیان از مراحل مختلفی گذشت. شکست نهایی شورشیان و دستگیری رهبران شورشی منگل، معنی ختم جنگ نبود. با تلفات جانی و مالی ناشی از جنگ، مخالفت و دشمنی اقوام مختلف جنوبی ادامه داشته و ترس از دولت و اندیشه گرفتن انتقام (بدل) به حیث یک اصل مهم پشتونولی کماکان موجود بود. برای خاتمه دادن به این مشکل، راه حل غیر نظامی و جرگه قومی بهترین وسیله بود. اما جرگه رهبران قومی

ورود دلاوران سمت مشرق
از شمال سمت جنوب
قارئین وطن میوقد که، جناب (لوی خان) لومادر میرزمان خان کنری که بعتر آر و بندسد نظر متلقین خوش و صدم (کنر) برای دفع و طرد متفرقین سمت جنوب، ارسحت مشرق آمد، و در منطقه لوگر کوهستانی جلادت و شهامت را ابراز داد. و در عینت جناب شهامت پنهان آنکه بعد از کل خان فرقه مشرق آمد، اشرار را از لوگر کشیده متفرق ساخت، و در جنگهای زیرم وجدران نیز میزان قویه را بعرض شهود گذارد، از سمت جنوب با متفرقین خوش وارد کابل و مخصوص شاهان مستشرف گنبدوارها دیدار خدمات این مرد غیر و کیه دلاوران سمت مشرق را که هم از طرف لوگر و زرم و جدران، وهم از طرف جانی و چکن و گروه اشرار حللات دیوانه مسوده متفرقین را مغلوب و مطیع گردانیدند و وظیله محبت بوطن و فرضه دولتی چنگنمت را بجا آورند، با کمال اقتدار تقدیر و تحسین می خانم و پیشوای و قوچان قویشان تبریک می گویم و از سعادتی شان تفکر آلم را بجا می آورم.

33. خبر بازگشت غازی میرزمان خان کنری از

سمت جنوبی

⁴³⁶. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۶)، صفحات ۸۰۷ تا ۸۱۱.

حُدراں با فرقه مشر شیر احمد خان به نتیجه نرسید، و با بازگشت لشکر از خوست، جنگ حُدراں از سرگرفته شد. در دوران جنگ ملکان حُدراں بشرطی حاضر به مذاکره شدند، که غازی میرزمان خان کنری که خود یک رهبر قومی بود، درین جرگه شرکت کند. این پیشنهاد پذیرفته شد و در جرگه قومی قناعت رهبران قومی حاصل شده، با تسليم کردن اسلحه به غنیمت گرفته شده دولتی حاضر شدند به ضمانت میرزمان خان کنری به کابل آمدند با شاه آشتی کنند.⁴³⁷

همفریز، وزیر مختار انگلیس در کابل به تاریخ ۲۲ دسمبر ۱۹۲۴ درین باره به وزارت خارجہ خود گزارش داد که میرزمان خان کنری دیروز با ۱۵۰ نفر از ملک های حُدراں به کابل رسید. حُدراں ها مذاکره و پیمان با مأمورین فارسی زبان را رد کرده و گفته اند که با حکومت افغانستان تنها از طریق میانجیگری یکی از پشتون ها حاضر به مذاکره میشوند. میرزمان خان خود ش مسئولیت تضمین و امنیت آنها را به عهده گرفته است.

سفیر انگلیس به استناد راپوری یک منبع مؤثث علاوه میکند که (۱) حُدراں ها یک مقدار قابل ملاحظه از تفنگ های دولتی را تسليم نموده و حاضر اند با وعده عفو شان تفنگ های باقیمانده را نیز تسليم کنند. (۲) یک تعداد زیادی از وزیری ها و مسعود نیز از جنگجویان حُدراں حمایت میکنند، و (۳) عبدالکریم و ملای لنگ در حال مذاکره پناه گرفتن در منطقه مهمند می باشند. آتش بس فعلاً تا معلوم شدن نتایج مذاکرات ادامه دارد.⁴³⁸

تعین جزای اسیران منگل توسط ملکه ثریا

در دوران اغتشاش جنوبی به شمول رهبران شورش تعداد زیادی از جنگجویان مخالف دولت هم توسط قوای محمدولی خان دروازی، وزیر حربیه وقت دستگیر و به کابل آورده شدند. در جمله اسیران جنگی تعدادی از خانم های قبایل غلچی و منگل نیز شامل

۴۳۷- تفصیل این رویداد در نسخه قلمی سیف الامان، اثر عبدالخالق اخلاص (صفحات ۸۸-۸۹) ذکر شده است. در نتیجه فیصله این جرگه بیش از ۱۵۰ نفر از ملکان قوم حُدراں در حالی که گل محمد خان و عصمت الله خان دو پسر غازی میرزمان خان در حُدراں باقیماند، به همراهی میرزمان خان کنری به کابل آمده با غازی امان الله خان ملاقات نموده جنگ خاتمه یافت.

۴۳۸- اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، وزارت خارجه، تلگرام محترمانه ۲۸۹ FO

بودند. به تاریخ ۲۵ ماه می ۱۹۲۵ غازی امان الله خان در دربار قبل از تطبیق حکم اعدام محکمه نظامی خطاب به رهبران سورش گفت:

«شما افغانهای اصیل هستید، مرا ببخشید اگر به خشونت وشدت با شما اتابع افغانستان و فرزندان خود پیش آمد میکنم، مگر شما بعد از این اولاد من نیستید، زیرا که شما علیه من بغاوت کردید، شما بر اعمال مخلصانه من، انگشت اعتراض گذاشتید. آنها ازین قرار اند: من مکاتب تاسیس کردم، آیا شما فکر میکنید که این مکاتب را برای خود باز کرده ام؟ من آنها را برای اطفال شما گشوده ام. شما خواستید که مکاتب جدیدالتاسیس دختران را بسته کنم، چنان کردم. اکنون علمای تمام دنیا به من نوشته اند که مکاتب برای دختران یک امر حیاتی و ضروری است. من پرزوه آبیاری را روی دست گرفته ام، این کار را هم برای خود نکرده ام، بلکه برای شما و فرزندان شما کرده ام. شما برمی، حکم قادیانی کردید، من قادیانی نیستم. شما گفتید که قوانین جدید من، مخالف قرآن کریم است، من از شما خواهش کردم تا نزد من بیاید و در این موضوع باهم بحث و مذاکره کنیم، مگر شما نیامدید، در عوض دنبال شخص ماجرا جوی داشت افغانی چون عبدالکریم (که مدعا بود پسر امیر محمدیعقوب خان است) رفییدو بر علیه من برخاستید و بعی کردید. شما باعث قتل یک تعداد زیاد عسکر (بشمول ۷۰۰ تن عسکر جانفدا) اولاد من شده اید، بنابر آن نمی توانم شما را عفو کنم، پس شما باید کشته شوید.»

در جمله ۵۴ تن از شورشیانی که اعدام شدند علاوه بر ملا عبدالله و دامادش ملا عبدالرشید، ۴۰ نفر از سران شورشیان غلچی های احمدزادئی و چند نفر منگل و خدران شامل بودند.

در همین دوران، درباری هم برای خانم های اسیر در حرم توسط ملکه ثریا منعقد شد که در آن ملکه با هریک از زنان اسیر صحبت نموده، بعد از ادادن تحایف آنها را آزاد نمود. اما یک استثنای وجود داشت و آن جزای چند نفر از دختران منگل بود. ملکه ثریا آنها را در کابل نگهدارشته و شامل مکتب نسوان ساخت. به اقارب آنها توضیح داده شد که میتوانند یک سال بعد به کابل آمده و در صورتی که به ادامه تحصیل دختران شان اعتراض معقولی داشته باشند، در خواست بردن آنها را به امیر بد هند.⁴³⁹

⁴³⁹. اسناد آرشیف هند بریتانی، راپورهای استخاراتی و مکاتیب مربوط به جریان و گرایش رویدادهای داخلی افغانستان، از ۱۵ فبروری تا ۱۵ جون ۱۹۲۵

اغتشاش شینوار

مانند اغتشاش جنوبی، اغتشاش شینوار نیز ربطی با اصلاحات نداشته، و مقدمات آن از قبل چیده شده بود. ظاهراً در نومبر ۱۹۲۸ کاروانی از کوچی‌های سلیمانخیل در مسیر راه کوچ زمستانی شان به هندوستان با گروهی از سنگو خیل‌های شینواری برخوردند. کوچی‌ها به اشتباہ اینکه آنها دزد هستند، چند نفری از سنگو خیل‌هارا کشتند. سنگو خیل‌ها هم قاتلین را گرفتار و به حکومت محلی تسلیم نمودند، ولی کوچی‌ها به ترتیبی حاکم محل را با خود همراه ساخته، آزادی خود را بدست آورده‌اند. به گفته شادروان غبار سنگو خیل‌ها به حکومت اعلیٰ جلال‌آباد داد خواه شدند، باز هم کسی به سخنان شان گوش نداد، لهذا ضدیت شینواری‌ها با حکومت آغاز گردید، خصوصاً که افراد مشبوه تبلیغات شدیدی راجع به کفر و بیعدالتی دولت در بین مردم شینوار مینمودند، و دستهای مخفی و منظم زمینه انفلاق را آماده کرده میرفتند.⁴⁴⁰ شینواری‌ها دست به شورش زدند و پست‌های نظامی اچین و کهی را اشغال و به ذخایر بزرگ سلاح و مهمات دست یافته و با تصرف دکه راه تورخم- جلال‌آباد (پشاور- کابل) را مسدود نموده و بطرف شهر جلال‌آباد روآورده‌اند. با ضعف و عدم تصمیم‌گیری حکومت و برابر شدن زمینه سهم گرفتن در غنایم، افراد دیگر شینواری نیز به شورشیان پیوسته و بزودی جلال‌آباد مرکزو لایت مشرقی سقوط و قصر تابستانی امان‌الله خان به آتش کشیده شد. امان‌الله خان که بسیار ناؤقت متوجه و خامت اوضاع شده بود، قوای عسکری را جهت مقابله با شورشیان گسیل داشت. اما با استفاده از تبلیغات وسیع، انتشار اخبار پیروزی شینواری‌ها، فعالیت جواسیس انگلیس مثل عبدالواحد شینواری (مستر وید آسترالیائی) و ظاهر شدن روحانیون سخنور در صحنه و ارسال پیام‌ها برای قبایل دیگر، و دایر شدن جرگه‌های متعدد، ملایان و روحانیون از اصلاحات بحیث وسیله ضد رژیم امانی بهره گرفته، یک حادثه ناچیز یعنی منازعه کوچک قبیلوی به یک شورش بسیار بزرگی مبدل گشت و به آن رنگ مذهبی داده شد.

اگر به شرایط آتش بس که بتاریخ ۲۹ دسمبر از طرف شورشیان به غلام صدیق خان چرخی، فرستاده غازی امان‌الله خان برای مذاکرات، سپرده شد، دقت شود، به آسانی ماهیت سیاسی آن درک و دستهای پشت پرده استعمار تا اندازه شناخته شده میتوانند. خواسته‌های شورشیان قرار آتی بودند:

⁴⁴⁰. غبار، میر غلام محمد (۱۳۲۲)، ص ۸۱۸

۱- طلاق ملکه ثریا

۲- تبعید فامیل طرزی

۳- لغو هیئت‌های نمایندگی خارجی به استثنای انگلستان

۴- لغو تمام قوانین جدید

۵- تخفیف مالیات

۶- شمولیت علماء در امور دولت⁴⁴¹

جريان مکمل رویداد‌های اغتشاش شینوار و به تعقیب آن حملات حبیب‌الله کلکانی بر کابل را میتوان در کتاب افغانستان در مسیر تاریخ و آثار دیگر مطالعه کنید.

ارتباط اغتشاشات با اصلاحات

چون از یکطرف اغتشاشات از نظر زمانی بعد از مراحل مهم دوره اول و سوم اصلاحات واقع شده‌اند، و از طرف دیگر پیشنهاد بعضی از رiform‌های اجتماعی مورد استفاده تبلیغاتی مخالفین دولت قرار گرفته، و علت عدمه به اصطلاح مخالفت مردم بمقابل رژیم امانی و سقوط آن خوانده شده است، این تصور را بار آورده که گویا اغتشاشات نتیجه عکس العمل مردم بمقابل اصلاحات بوده است.

ارزیابی علل اغتشاشات و شکست نهضت امانی به تحلیل و تجزیه عوامل مغلق و پیچیده آن نیاز دارد. درین که اغتشاشات سبب تأخیر و انقطاع برنامه‌های اصلاحی و انکشافی و سقوط رژیم امانی شد، هیچ شکی وجود ندارد. ولی شکست رژیم امانی را باید از ناکامی اصلاحات تفکیک کرد.

برای پاسخ به این سؤال اساسی که آیا اصلاحات سبب اغتشاشات بوده است یا قربانی آن، به مطالعه عوامل مختلف اغتشاشات و تفاوت آن با آنچه توسط مخالفین مذهبی رژیم امانی ادعا شده است، می‌پردازیم.

⁴⁴¹. تلگرام ۲۹ دسمبر ۱۹۲۸ سفیر انگلیس در کابل به وزیر امور خارجه در لندن.

آیا افسانه مخالفت مردم با اصلاحات و پلانهای تجدد و پیشرفت حقیقت دارد؟

غازی امان الله خان می‌پندشت که اصلاحات او عوامل شورش را تشکیل نداده، بلکه حکومتش «قربانی تبدلات سیاسی که از سوی روحانیون متعصب تحریک و حمایت گردیده -شد است». ⁴⁴² اما عده‌ای مؤرخین غربی و پیروان افغانی شان اغتشاشات را نتیجه مستقیم اصلاحات دانسته و علت آنرا نیز تعصب و پسمندگی جامعه افغانی و اشتباه امان الله خان در شتابزده گی و درک نادرست اوضاع کشور و جامعه اش میدانند.

گریگورین نویسنده کتاب ظهور افغانستان مدرن تحت عنوان "امان الله خان، قهرمان بد شانس مدرنیزا سیوون" مینویسد که برای بسیاری از مشاهده کنندگان معاصر انگلیس، سقوط امان الله ریشه در بی‌حوالله گی یک بخشی از افغانها و تعصب در بخش دیگر آن دارد. به گونه مثال کومیون پلت (Comyn-Platt) تشریح میدهد که «این همان داستان کهن جوانانی است که عجله دارند، و اگر فقط یک چیز وجود داشته باشد که افغانها آنرا دوست ندارند، عجله و تغییر است». او از مایکل اودییر در روزنامه‌های دیلی میل و سندی اکسپرس نقل میکند که «امان الله کوشش نمود راه غرب را در پیش گیرد و بنا برین ویرانی خودش را با بی‌پروایی و تلاش‌های نا سنجیده، با پایمال کردن سنت‌ها و مذهب قبایل محافظه کار و متعصبی که هیچ‌گونه وفاداری به جز به نام، به حکومت کابل نداشتند، آماده ساخت». گریگورین از ایمانویل نیز نقل میکند که گفته است «افغانها ممکن متعصب ترین مردمان مذهبی در روی زمین باشند و ملاها عاملین اصلی براندازی امان الله بودند». بنظر او اغتشاشات عکس العمل مردم بمقابل برنامه‌های بلندپروازانه و وسیع اصلاحات اقتصادی-اجتماعی بود، مردم گویا به قبول کردن پیشرفت تمایل نداشته و برای مدرنیزا سیوون آماده نبودند.

برای اینکه بدانیم آیا مردم براستی با تجدد و پیشرفت مخالف بودند، به چشم دیدشاد روان غبار مراجعه میکنیم. او میگوید که «حکومت امان الله خان بعد از تصفیه حساب با دولت انگلیس مشغول اصلاحات داخلی گردید. مردم افغانستان که طالب پیشرفت بودند، جداً به معارضو همکاری دولت برخاسته از تمام رiform‌های جدید عمل استقبال کردند و چنانچه در جنگ با انگلیس با جان و مال بذل مساعی نموده بودند، برای نشر معارف جدیده در مالیات بدھی خود فی روپیه چند پیسه به نام "اعانه

⁴⁴². کارگون، ویکتور گریگوریچ-ترجمه داکتر جلال الدین صدیقی (۱۳۶۵)، ص ۸۴

معارف "قبول و در تمدید سرک‌ها داوطلبانه خدمت و از صنایع جدیده و نظام دیموکراتیک به شدت پشتیبانی کردند. حتی زنان کشور در مدارس داخلی، نشر جریده "ارشاد نسوان"، تاسیس انجمن "حمایت نسوان" و غیره داخل فعالیت شدند. روی همراهه مردم در تمام این ریفورمهای نا آشنا بدون انداز تعصب و کهنه پرستی از دولت جوان افغانی حمایت و پشتیبانی نمودند. اینست که شاه توانست ریفورم‌های خود را در مرحله اول از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ کامیابانه و دلیرانه علیرغم دسایس خارجی و ضدیت قوهای ارجاعی در محل تطبیق گذارد. و اما مرحله دوم ریفورم که از ۱۹۲۷ تشدید شد، با منافع عمده که داشت در جنین خود معده گردید... قضاوت کسانی که ناکامی ریفورم را نشانه جمود و تعصب ملت افغان دانسته اند، ارتباطی با واقعیت ندارد. در واقع مردم افغانستان مثل هر جامعه بشری طبیعتاً خواهان پیشرفت زندگی است. تاریخ افغانستان نشان نمیدهد که مردم افغانستان بر ضد تمدن و فرهنگ در هیچ دوره قیام کرده باشند.

443

استاد فضل غنی مجددی، نوئه حضرت محمد صادق مجددی یکی از مخالفین سرسخت امان الله خان، درین باره میگوید که «اصلاحات امان الله خان سبب حقیقی آغاز انقلاب نبود. ملت افغانستان پادشاه را در تطبیق بسیاری از اصلاحات همکاری نمود، لیکن مشکل تطبیق اصلاحات و اشخاص غیر مخلص در داخل دستگاه دولت اسباب کراحتی ملت را نسبت به اصلاحات آماده ساخت، نه خود اصلاحات. ارکان دولت و والیان در ولایات در اشتعال انقلاب نقش فعال را داشتند.»⁴⁴⁴

اصلاحاتی که مخالفین از آن بحیث مواد تبلیغاتی استفاده نمودند

بعضی از اصلاحات اجتماعی-کلتوری بخصوص آنها که به رسوم و عادات مربوط میشد، مانند مکلفیت پوشیدن لباس غربی، آزادی نسوان و تساوی حقوق زنها، ممنوع قراردادن ازدواج دختران صغیر و تعدد زوجین، فرستادن دختران برای تحصیل به ترکیه، و مقررات علیه مصارف گزار عروسی و فاتحه خوانی، از جمله اصلاحات اجتماعی جنبالی بودند، زیرا مخالفین دولت از آن استفاده تبلیغاتی نموده و آنرا علت عمده به اصطلاح مخالفت مردم بمقابل رژیم امانی و سقوط آن خوانده اند.

⁴⁴³. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۶)، ص ۷۸۹

⁴⁴⁴. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ص ۲۲۱

شایسته توجه است که اصلاحات دوره امانی، اصلاحات جامع بوده و منظورش عصری ساختن تمام افغانستان بود، نه همقدم ساختن چند دستگاه اجتماعی یا دولتی با دنیای پیشرفتیه طور مثال در برنامه‌های اقتصادی رژیم امانی میینیم که مقررات مالیات و محصولات، ممد و پشتیبان پروژه‌های تجارتی و ابتکارات زراعتی بود. همچنین پروژه‌های اقتصادی، پلان‌های تعلیم و تربیه را، و پروژه‌های تعلیم و تربیه برنامه‌های اقتصادی را تقویه مینمود.

و سعت و حجم پیمانه تحولاتی را که غازی امان الله خان روی دست گرفته بود، هم از نوعیت اصلاحات و هم ازین گفتارش درک کرده میتوانیم که میگفت «آرزو دارم تا تحولی در تمام صفحات حیاتی و فعالیت‌های گوناگون مملکت خویش بیینم»⁴⁴⁵

جای شکی نیست که شاه امان الله خان هم انسان و جوان بود و بدون اشتباه و بی‌عیب نبود. بی‌صبر بود و میخواست هرچه زودتر به مقصد عالی و انسانی اش که چیزی جز رفاه ملت و ترقی و پیشرفت کشورش نبود، برسد، و در بر بعضی موارد به اصلاحات فرعی و غیر اساسی هم دست‌زد، اما اینکه اکثریت ناقدین انتقادات شانرا بعد از سقوط آن رژیم، بدون آنکه خود پلان‌های اصلاحی را مورد تجزیه و تحلیل قراردهند، متوجه شخص امان الله خان قرارداده و او را ملامت میکنند، دور از انصاف و واقعیت است.

– درست است که ریفورم لباس و مکلفیت پوشیدن لباس غربی مورد پسند مردم نبود. ولی بخاطر باید داشت که ساحة تطبیق آن خیلی محدود و آن هم منحصر به دربار و محافل رسمی بوده و تقریباً اختیاری بود.

– درست است که آزادی نسوان با مقاومت زیاد مواجه شد، ولی اینجا هم حکومت بیشتر از قناعت بخشیدن مردم تا از جبر و ستم کار گرفت، و پروگرام مذکور کدام تاثیری نداشت.

– درست است که مراسم عزاداری و عروسی ماهیت قانونی بخود گرفت، اما مردم بطور عموم آنرا ناشنیده پنداشته و بر حسب معمول به رواج خویش دوام دادند، و هیچ مثالی دیده نشده است که در آن متخلفین به محاکمه کشانیده شده باشند.

جادارد برای مطالعه و تحلیل بیطرفانه ارتباط اصلاحات با اغتشاشات به همین نمونه های اصلاحات اجتماعی یی که مخالفین آنرا علت عدمه مخالفت مردم بمقابل اصلاحات میدانند، اشاره کنیم و بینیم که آیا براستی اینها مواد منفجره اغتشاش بودند یا علل دیگری نیز در کار بودند.

لیون پولادا معتقد است که در تحلیل پروگرام های تجدد سه عامل مهم را باید در نظر گرفت: اول اینکه ساحة نفوذ این پروگرام ها محدود به شهر ها بوده و در ولایات بیشتر شکل افواهات را داشته و اصلًا تقادیر تطبیق آن صورت نگرفته بود. دوم اینکه حتی در شهر ها نیز تاثیر این اقدامات عمدتاً بر طبقه بالا بوده، و عوام نه از آن متاثر بودند و نه هم به آن علاقه داشتند. مثلی که در ماه جولای ۱۹۲۸ همفریز، وزیر مختار انگلیس در کابل، به حکومت خویش در باره رفع حجاب نوشت «تا اکنون دلیلی در دست نیست که نشان دهد مردم افغانستان رفع حجاب را جدی گرفته باشند»⁴⁴⁶ روزنامه تایمز⁴⁴⁷ راجع به پلان تجدد افغانستان نوشت که «برای زن های دهاتی افغانستان که تنبانهای فراخ و شل و پیراهن های دراز می پوشند و موهای خینه شده و چوتی زده خود را زیر چادر های بزرگ پنهان می کنند، و با شوهران خود با یک حوصله بزرگی مصروف کار در مزرعه می باشند، آزادی نسوان معنی ندارد». و سوم اینکه شواهد کافی موجود اند که حتی قشرهای هم که از اصلاحات اجتماعی متاثر شده اند، علیه آن مقاومتی نشان نداده اند.⁴⁴⁸

پولادا مینویسد که هرگاه اصلاحات اجتماعی صرف متوجه اقشار محدود اجتماع [در شهرها] بوده، و مورد نفرت آنها نیز قرار نداشت، پس این افسانه که مقاومت و مخالفت با اصلاحات اجتماعی اساس اغتشاشات بود، از کجا بیان آمد؟ جواب این سؤال واضح است. ریفورم و اصلاحات اجتماعی بهترین وسیله پروپاگند، تخویف و تهدید باشند گان اطراف و مناطق قبایلی بود. لذا طبقاتی که از اصلاحات متاثر نشده، آنها که در باره اصلاحات تجربه مستقیم نداشتند، و نمیدانستند که اصلاحات راجع به چه چیزیست، فریب انواع تقلب و دروغ های مبالغه آمیز را خوردند. علاوه بر آن قسمتی از اصلاحات در امور خانواده گی، که در جامعه قبیلوی به اساس قومی و خویشی از اهمیت زیادی برخوردار است، مداخله می کرد، و به موضوعات حساس دیگری هم مثل

⁴⁴⁶. اسناد آرشیف دفتر هند بریتانی، 1929، L/P&S/10/289.

⁴⁴⁷. روزنامه تایمز لندن، شماره ۸۷، ۱۴ جولای ۱۹۲۸.

⁴⁴⁸. Poullada, L. B. (1973). صفحات ۱۴۳-۱۴۴.

عقیده و مذهب تماس میگرفت. از آنجاست که مخالفین امان الله خان اصلاحات اجتماعی او را هدف مجادله و پروپاگند های خویش قرار دادند. مطبوعات سورانگیز و هیجان پذیر خارجی نیز این توضیح آماده و ساده علل اغتشاشات را مورد استفاده قرار داده و سرانجام به مکتب فکری بی تبدیل شد که حتی نویسنده‌گان جدی را هم به کجراء کشانده، بدون تحقیق و تفحص به علل اصلی اغتشاش، گفته‌های فوق را تائید کردند.⁴⁴⁹

شایعترین انتقادات بر اصلاحات و رژیم امنی

أ. در رابطه با تقویت اردو

دسته از نویسنده‌گان اعتراض میکنند که شاه بربایه گفته اش که «دیگر عصر شمشیر گذشته و عصر قلم است»، به کاهاش بودجه و تعداد نفرات ارتش اقدام کرد. آنها مثال می‌آورند که او مانند کمال اتاترک و رضاشاه باید برای پیاده نمودن اصلاحاتش به یک اردوی قوی تکیه میکرد. آنها ضعف دستگاه نظامی را سبب سقوط رژیم و اشتباہ امان الله خان میدانند.

شواهد زیادی در دست است که شاه امان الله خان برای تاسیس یک دستگاه نظامی قوی و پایدار در چوکات اولویت های پلان انکشاف ملی خود کوشش های بی حاصلی نموده است.⁴⁵⁰ امان الله خان عقیده داشت که با دلایل و تعقل خواهد توانست که ملت خویش را قناعت داده و همکاری شان را برای پیشبرد پروگرام انکشافی مملکت جلب کند. او کوشید تا پشتیبانی سیاسی مردم خویش را با تشویق و ترغیب متقدعاً ساختن شان به اینکه برنامه‌های وی به خیر مملکت و مردم افغانستان است، حاصل نماید. او مخالف استعمال جبر و فشار برای رسیدن به هدف بود. همچنین طرفدار نبود یک دستگاه

. ۱۴۷-۱۴۸ ، صفحات Poullada, L. B. (1973).

۱۴۵. امان الله خان برای آموزش قوای نظامی خود به ترک‌ها اتکا کرد. اولین مشاور وی جمال پاشا و بعد فخری پاشا بود. اما اقدامات اولیه او بنا بر حسادت و کارشکنی های محمد نادرخان، سپه سالار و وزیر حربیه وقت، موفق نبودند. بعد از ملاقات سال ۱۹۲۸ امان الله خان با اتاترک یک هیئت جدید و با صلاحیت ترکی تحت رهبری جنرال کاظم بی به افغانستان فرستاده شد، اما متاسفانه این هیئت دیر و بعد از اغتشاشی به افغانستان رسید، که امان الله خان را به استعفا مجبور ساخته بود.

نظامی پر مصرف که بار سنگین بر عاید ملی تحمیل کند، تاسیس نماید. انکشاف اقتصادی و توسعه معارف نزد وی رجحان داشت، ولی این برتری طوری که مخالفینش تعییر کرده اند، ضعیف ساختن و یا حقارت دستگاه نظامی نبود. او میخواست که دستگاه نظامی مملکت متناسب با احتیاجات یک دولت عصری و موافق با آمال آن باشد. وسایطی که برای رسیدن به مقصد استعمال کرد، مورد بازپرس قرار گرفته متواند، ولی در شایستگی اهداف آن شک و شبه نیست.⁴⁵¹

ب. در رابطه با مصارف گزاف ساختن قصر دارالامان

دارالامان پایتخت اداری افغانستان در عهد شاه امان اللہ خان بود که در اوایل دهه ۱۹۲۰ اعمار و شامل یک تعداد از دفاتر حکومتی، یک بنای تاریخی و مهم پارلمان و شاروالی (شهرداری) میشد اعضای دربار و مامورین عالیرتبه دولتی درین پایتخت جدید منازل رهایشی ساختند، و یک قطار ریل آنرا به مرکز شهر وصل میکرد.⁴⁵²

سیاست خارجی دولت که تا حدودی مؤقتی های پیش بینی شده را همراه داشت، زمینه کسب کمک های اقتصادی برای تحقق پروگرام های اصلاحی و نوآوری ها را در ساحت اقتصادی، اجتماعی، تعلیم و تربیه، عمرانی، نظامی، و اداری و سیاسی آماده ساخت.

ستیوارت به حواله یک سند (۲۲ دسمبر ۱۹۲۳) در آرشیف ملی ایالات متحده امریکا مینویسد که یک متخصص ایتالیوی که به افغانستان در امور مالی کمک میکرد، اظهارداشته است که امان اللہ خان برای پروژه های خود پول کافی داشت. یک قسمتی از آن ذخیره در اغتشاش خوست بمصرف رسید.⁴⁵³

ج. در رابطه با سفر های غازی امان اللہ خان

برخلاف ادعای مصارف کمشکن سفر های غازی امان اللہ خان به کشورهای اروپایی و آسیایی، باید گفت که این سفرها تنها یک عمل سیاسی نبوده بلکه جزو مهم برنامه های اصلاحات بود. او در پهلوی استحکام موضع سیاسی کشور برای تغیرات جدی بعدی اقتصادی و اجتماعی به جلب کمک های لازمه نیاز داشت طوری که جریده امان افغان نوشت «این سفر بمنظور آمادگی شرایط جهت بهبود و رفاه و افزایش ترقی وطن ما

. ۴۵۱ Poullada, L. B. (1973). ص ۱۱۲.

. ۴۵۲ Adamec, L.W. (1997). قاموس تاریخی افغانستان - چاپ دوم)، ص ۸۰.

. ۴۵۳ Stewart, Rhea Talley (2000). ص ۳۳۷.

صورت میگیرد.⁴⁵⁴ شاه امان اللہ خان تو انسست توجه حلقه‌های صنعتی برخی از کشورهای اروپائی را جلب نماید. عقد موافقتنامه‌ها و امضای قرارداد‌ها درباره صدور جواز نامه برای شرکت‌های غربی جهت طرح و تأسیس راه‌های آهن و استخراج ذخایر معدنی بر مبنای رعایت جدی اصول استقلال ملی در امر جلب سرمایه خارجی در اقتصاد افغانستان از اهمیت مهمی برخوردار بود.

غازی امان اللہ خان در گزارش مختصری که بعد از انجام سفرش بروز یکشنبه ۸ میزان ۱۳۰۷ در محضر مأمورین دولت و متصدیان مکاتب در پهلوی قصر ستور (وزارت خارجه) ایراد کرد، گفت که می‌خواستم برای معارف و صنایع افغانستان خدمت کنم امان اللہ خان به خریداری‌ها و مصارف سفرش پرداخته اظهار داشت: خریداری‌های که درین سفر کرده‌ام ۵۳۵۰۰ تفنگ جاغوردار، ۱۰۲ توب، هشت طیاره، پنج موتو زره پوش، ۱۰۰۰ کلاه زره پوش، فابریکه‌های قندسازی، پارچه‌های پشمی و نخی، دکمه‌سازی، ماشین شستن پشم، ماشین ساخت مواد کیمیاولی، ماشین جاکت بافی، ۲۴ ماشین جراب بافی، ماشین‌های حساب، ماشین شیر و مسکه، حفظ میوه، ماشین تیل کشی، ۱۸ موتور سواری، ۱۲ موتراطفایی، ۲۰۰۰ دستگاه خورد و کلان رادیو، آلات جراحی، موتر های زراعت.

غازی امان اللہ خان مصارف سفرهایش به خارج را شمرده گفت که به تمام این سفر مصارفی که ماکرده ایم، بغير از خریداری‌ها، مصارف مانند خرج عید استقلال، دعوت ها، اعانه‌ها به بلدیه‌ها و شعبات و شفاخانه‌ها تبلیغ و افغانهای بی‌بضاعت، بخشش‌ها، مخارج هتل‌ها، کرایه‌های ریل، جیب خرچ هیئت، جمله نوزده لک و پنجاه و یک هزار افغانی. عاید از قبیل سوغات‌ها، تحف و هدایا، مبلغ یک کرورو بیست و هشت لک و هشتاد و هشت هزار افغانی می‌ماند. این را که این سفر برای چه بود و چطور کامیاب شدیم، کاملاً به فیصله و جدانی شما وزرا و رؤسا، خوانین و نمایندگان شما ملت میگذارم و کافه علماء و فضلاً مقیم پایتخت و تمام مملکت را متوجه این حقیقت می‌سازم، تا در غیاب و حضور بدین عواملی که من انجام داده‌ام، مشوش و مشتبه نباشند. اما میدانم که خداوند متعال بیش از آنچه آرزو داشتم مرا کامیاب گردانید. زیرا

⁴⁵⁴. امان افغان، شماره ۱۵ اکتوبر ۱۹۷۷ (به حواله کارگون).

که این همه باعث مفاد ملت و مملکت است و فایده بی حساب کرد همان فایده است که حساب دخل و خرج آنرا کاملاً محمد حسن خان مصاحب من به وزارت مالیه داده اند.⁴⁵⁵

نویسنده کتاب آتش در افغانستان مینویسد که سفر های امان اللہ خان که بنظر بسیاری ها یک تجمل گران قیمت بود، آنقدر خرچی که آنها فکر میکردند، نداشت. امان اللہ خان یک مهمان مسلکی بود. او تنها به آن کشورهائی رفت که بصورت مکمل مهمانداری اش را قبول کردند.⁴⁵⁶ او به ایالات متحده امریکا بخاطری نرفت که آنها گفته بودند مصارف سفرش را باید خودش بپردازد. بعد ها معلوم شد که دولت امریکا به درخواست مأمورین بریتانی برای دلسربی او گفته بودند که او درین سفر مهمان رسمی دولت نخواهد بود.

۵. در رابطه با اتفاقات قوانین خلاف شریعت اسلامی

نظم‌نامه جزای عمومی، قانون اساسی، قانون ازدواج، قانون تجارت، معارف نسوان، موضوع تذکرۀ نفوس و سربازگیری (خدمت زیر بیرق)، و قانون مالیات موضوعات حاد مباحثات لویه جرگۀ سال ۱۹۲۴ را تشکیل میدادنداين جرگه که به تاریخ ۱۲ جولای در اوج اغتشاش خوست در پغمان دایر شده بود، تحت الشعاع هیجان شدید مذهبی که در اثر شورش خوست به وجود آمده بود، قرار داشت، وعده از علمای دینی با استفاده از مشکلات دولت بار اول بصورت علنی علیه پالیسی های اصلاحی دولت موضع گرفتند.

علمای دینی مخالف، درین لویه جرگه لغو تمامی قوانینی را که به عقیده آنها با احکام فقه حنفی مغایرت داشت، تقاضا کردند. درروز دوم جلسه جرگه مولوی محمد ابراهیم کاموی (پدر مرحوم موسی شفیق) پیشنهاد کرد که اولتراز همه باید قانون جزا مورد تجدید نظر قرار گیرد. علمای که در تدوین قوانین سهم نگرفته بودند از جاهای شان بلند شدند و به یک صدا تقاضا نمودند که قانون جزا باید با تطبیق کامل با قوانین فقه حنفی تعديل گردد و مقررات جنائی جدید بشکل فتاوای شرعی توسط علماء تهییه و بجای تمسک القضاط، مورد اجراء قرار گیرد. مطالبات علنی و جدی علمای در این مورد حاکی از نگرانی شدید آنها از تغییرات جدید در سیستم قضائی بود. از جمله تغییراتی که

⁴⁵⁵. امان افغان، سه شنبه ۱۰ میزان ۱۳۰۷؛ پوپلزایی، عزیزالدین و کیلی (۱۳۷۹) صفحات ۲۰۸ تا ۲۲۰.

⁴⁵⁶. Stewart, Rhea Talley (2000). ۳۳۹.

علمای دینی تقاضا داشتند، اعاده حقوق قضات بود در مورد تعیین جزاهای تعزیری، یعنی جزای جرایم خفیف که حدود آن در قرآن مجید تعیین نشده است.

علمای دینی ادعا داشتند که تعیین جزای قبل از ارتکاب جرم بر خلاف احکام شریعت است، زیرا بنا بر مقررات شرع، نوعیت و اندازه جزاء با شرایط زمانی و مکانی فرق میکند و توصیه نمودند که علمای افغانستان "بدلایل قویه و مستنده علم خودشان را ضم نموده احکام اصدر نمایند".⁴⁵⁷ آنها به اتفاق آراء تعیین میعاد حبس را قبل از وقوع جرم ناجایز اعلام داشتند، به دلیل اینکه در کتب فقه حنفی میعاد حبس تا زمان ظهور اشارصلاح و توبه تعیین شده است.⁴⁵⁸ همچنان تعیین جزای نقدی یا تعزیرات بالمال را، که امام ابو یوسف (یکی از شاگردان امام ابو حنیفه) جایز دانسته است، رد نمودند.

امان‌الله خان کوشش نمود تا وکلا را قناعت بدند و برای قناعت شان دلایل ذیل را ارائه نمود:

1. اگر مجرم جزای جرم را قبل از عمل آن بداند، مرتكب آن نمیشود.
2. در سابق مجرمین قضات را در حالت اصدار حکم تهدید میکردن و اگر جزا قبل تعیین شده باشد، جائی برای تهدید باقی نمیماند.
3. در حالت تعیین جزای قبل از وقوع جرم، دروازه رشوت مسدود میشود.

اما کوشش‌های شاه نتیجه نداد، و مخالفین عدم موافقة خود را در تعیین جزای قبل از وقوع جرم اعلام داشتند.⁴⁵⁹

یک ملا صاحب‌دیگر ایراد گرفت که ترجمه مواد فقهی به زبان فارسی از حرمت دینی آن در نزد عوام خواهد کاست.⁴⁶⁰ یکی از علمای نواحی سرحد مدعی شد که شایعات نادرستی مبنی بر همکاری دولت افغانستان با فرقه‌های قادیانی در بین مردم قبایل قوت یافته است و اصرار نمود که برای رد اینگونه شایعات و "انسداد مذاهب باطله" بائیست لفظ تستن و پیروی دولت از احکام فقه حنفی در نظام‌نامه/اساسی اضافه

⁴⁵⁷. گزارشات رویداد‌های لویه جرگه، پغمان، 318.

⁴⁵⁸. همانجا، ص ۳۱۴.

⁴⁵⁹. همانجا، ص ۳۱۱.

⁴⁶⁰. همانجا، ص ۱۱۲.

شود.⁴⁶¹ شاه توضیح داد که علت اجتناب از ذکر مذهب تسنن در نظامنامه به عنوان مذهب رسمی برای این بود که اقلیت بزرگ اهل تشیع افغانستان و همچنان کشور دوست و همسایه افغانستان، ایران، را آزده نسازد "، اما دلایل شاه در این مورد و موارد دیگر تأثیر زیادی نداشت و علمای دینی توانستند بر تصاویب جرگه نظریات خود را تحمیل نمایند.

قانون اساسی در بین رعایای مسلمان و غیر مسلمان فرق نگذاشته بود و این خود یک موضوع نگران کننده دیگر برای علماء بود. آنها اظهار نگرانی نمودند که عدم رسیدگی به این موضوع تخطی از شعایر دین اسلام بوده و برای دولت اسلامی افغانستان خطر ایجاد خواهد کرد. حتی مولوی عبدالواسع قندھاری که در تدوین قانون اساسی سهم بارز داشت، مخالفتش را علیه ماده نهم قانون اظهار داشته ادعانمود که این ماده در غیاب وی به متن قانون اضافه گردیده است.⁴⁶²

علمای دینی همچنان تقاضا نمودند که کلمه آزادی که در ماده نهم قانون اساسی بکار رفته بود، بائیست توضیح شود. مولوی محمد ابراهیم کاموی بیان داشت که کلمه آزادی می تواند به معنی آزادی دینی و یا آزادی فعالیتهای ضد اصول اخلاقی اسلام تعبیر شود.⁴⁶³ شاه در طی یک سخنرانی طولانی به اعتراض مولوی کاموی پاسخ گفته معنی آزادی های فردی را تشریح نمود و در حالیکه بیرحمی رژیم های سابق را بر شمرد، اظهار تأسف نمود که علماء با اینکه مدعی دفاع از عدالت اسلامی میباشند، در آنوقت خاموش ماندند ولی امروز به اقداماتی که برای اکشاف عدالت اجتماعی گرفته شده است، ایراد گیری میکنند.

موضوع تعدد ازواج و نکاح صغیره مباحثات حاد و طولانی در جریان جرگه ایجاد نمود. شاه سعی داشت که با بیان پر ابلم های اجتماعی که از مسائل مربوط به نکاح صغیره و تعدد ازدواج ناشی می شدند، عناصر مخالف را به قبولی منع نکاح صغیره قانع بسازد. شاه اعلان کرد که هدف اصلی وی از روی کارآوردن قانون ازدواج بر طرف ساختن و حداقل کاهاش دادن مشکلات خانوادگی، یکی از منابع مهم بی اتفاقی و بینظمی اجتماعی، همچنین مدافعان حقوق زنان مطابق به ارشادات قرآنی و آگاه ساختن مردان

.⁴⁶¹ همانجا، ص ۱۵۱.

.⁴⁶² همانجا، صفحات ۱۲۵-۱۲۶.

.⁴⁶³ همانجا، ص ۱۳۲.

مسلمان از اصول عدالت قرآنی بوده است. با قرائت آیتی از قرآن کریم درباره مسئله تعدد ازدواج اظهار داشت که مردان مسلمان تنها نیم اول این آیت را: "نكاح کنید یک، دو، سه و یا چهار بار" قبول کرده اند، اما قسمت دوم آنرا "و هرگاه میترسید که نمیتوانید اصول عدالت را مراعات کنید پس به یک نکاح اکتفا نمائید، "نادیده گرفته اند.⁴⁶⁴ مولوی عبدالرشید و محمد حسین، که هردو جزء اعضای هیئت تمیز بودند، بار دیگر با قرائت آیه‌ای از قرآن مجید و نقل حدیثی از پیامبر اسلام(ص)، که مربوط به زنان بود، از موقف شاه در مورد حقوق زن پشتیبانی نمودند.

مولوی عبدالبیشیر، یکی از اعضای شورای عالی دینی، اضافه نمود که در اسلام تعدد ازدواج برای لذات جسمانی مردان تجویز نشده، بلکه برای آن جایز شمرده شده است تا زنهای که شوهرهای شان را در جنگ از دست داده بودند، بدون مرد سرپرست نمانند. بیانات مولوی عبدالبیشیر به حمایت از حقوق زن و قانون ازدواج با اعتراضات شدید مخالفان مواجه گشت. بالاخره، حضرت فضل محمد شمس المشایخ که مباحثات مجلس را نظارت میکرد، پیشنهاد نمود که شرایط مربوط به ازدواج زن دوم، سوم و چهارم تعیین جریمه نقدی، جهت عدول از مواد وضع شده، از نظامنامه نکاح حذف گردد.⁴⁶⁵

ستیوارت نتیجه میگیرد که ملاها فکر میکردند که هیچ انسانی حق ساختن قوانین را ندارد. قانون الهی توسط پیغمبر اسلام(ص) به شکل قوانین شرعی جمع بندی شده و ملاها آنها را تفسیر میکردند. آنها نظامنامه‌ها را محدودیت صلاحیت خود فکر میکردند.

غازی امان الله خان شخصاً مسلمان صادق بوده مخالفتی با مذهب نداشت. اما او مانند جدش، امیر عبدالرحمن خان، عقیده داشت که مؤسسات مذهبی بدست اشخاصی افتاده است که هدف دیگری جز استثمار سیاسی و اقتصادی مردم نداشته، و مذهب را برای بدست آوردن منافع شخصی استعمال میکنند. بنظر نویسنده کتاب اصلاحات و اغتشاشات در افغانستان، شیوه‌های را که امان الله خان برای اصلاح امور مذهبی اتخاذ کرده بود، همه مولود افکار وی و خامه طرز تفکر اوست. بنظر او تعلیم و تربیه ملاهای اطراف قدم اول و مهم بشمار میرفت. وی در عین حال تصمیم داشت تا از قدرت ملاها در تعلیم اطفال و صلاحیت شان در امور قضائی بکاهد، زیرا اصلاح آن امور از

⁴⁶⁴. گزارشات رویدادهای لویه جرگه، صفحات ۱۲۷-۱۲۹.

⁴⁶⁵. همانجا، ص ۷۳.

ایجابات همقدم ساختن افغانستان بادنیای معاصر بود. مؤسسات مذهبی در حیات افغانها موقعیت پایداری داشتند. مؤسسات مذهبی و علمای دینی نه تنها در مراکز و شهرها نفوذ اقتدار خویش را پهن ساخته بودند، بلکه هیچ قریه و یا قلعه‌نبود که در آن ملا وجود نداشته باشد. قبایل و حتی کوچی‌ها تحت نفوذ شان قرار داشتند. بعضی از کوچی‌ها در حرکت و بعضی در توقفگاه‌های کوچی به انتظار آمدن شان می‌بودند. قوانین نظامی نیز زیر تاثیر ملاها بود. پیر گرفتن و مرید شدن در ارد و شیوع داشت. تمام طبقات اجتماعی تحت تاثیر عمیق مؤسسات مذهبی بوده و از ارزش‌های مشترک پیروی می‌کردند. ملاها بشکل غیررسمی اما مؤثر پخش کنندهٔ تبلیغات در تمام نقاط کشور بودند.

استاد فضل غنی مجددی درین رابطه مینویسد که «مخالفین امان الله خان، اعمال امان الله خان را وسیله مناسب برای سقوطش دانستند و از حرکات بی وقت وی استفاده بزرگ نمودند. حبیب الله خان و طرفدارانش امان الله خان را شخص بی دین و لاتی معرفی کردند درحالی که امان الله خان انسان مسلمان و با عقیده بود و نسبت به پادشاهان گذشتۀ افغانستان در عقاید شخصی مستقیم تربود و در نوشیدن شراب و زنا، و داشتن کنیز و خیانت به ملت از بسیاری زعمای گذشتۀ افغانستان پاکتر بود. کسانیکه بعد از امان الله خان آمدند بسیاری از قوانین اسلامی را احترام نکردند و حتی وعده هائیکه در قرآن کریم به امضا رسانیده بودند بدان احترام نکردند و در قتل مخالفین شان زیاده روی کرده تعدادی را ظالمانه به قتل رسانده و تعدادی را به زندان انداخته و تعدادی را خلاف قوانین بین المللی از افغانستان فرار نمودند». ⁴⁶⁶

پولادا به روایت اظهارات یکی از اهل خبره مینویسد که «مشکلات امان الله خان بارهبران مذهبی اساساً مشکل سیاسی بود، نه مذهبی. در اوایل چون امان الله خان طرفدار ترک‌ها، مخالف انگلیس‌ها و با پان اسلام‌میزم همکار بود، ملاها طرفدار و پشتیبان وی بودند. ولی این وضع به تدریج تغیر یافته و بعضی ملاها نظر خویش را راجع به وی تبدیل کردند. علت این تحول ضعف در عقاید مذهبی امان الله خان نبود، و ملاها میدانستند که امان الله خان آدم مذهبی است. علت واقعی خوف تطبیق پالیسی‌های امان الله خان بود. این پالیسی‌ها که شامل تاسیس یک دستگاه منظم و فعال اداری بود، در دو سطح با منفعت رهبران مذهبی بر میخورد: رهبران مذهبی در شهرها و مراکز حکومتی وظيفة قاضی، مفتی و محتر را اجرا و ازین مدارک بشمول فیصله دعاوی و

⁴⁶⁶. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ص ۳۰۳.

رشوت عایدات مداوم داشتند. آنها میدانستند که تاسیس دستگاه اداری پاک و پیرو به قانون، به نفوذ سیاسی و اقتصادی شان صدمه خواهد زد. آرزوی امان الله خان این بود که فعالیت آنها را داخل چوکات قانونی ساخته، و ماهیت عصری به آنها داده و آنها را در پیشبرد وظایف عنعنوی شان ماهر و با کفایت سازند. یعنی علمای دینی در دستگاه اداری دولت سهم فعال داشته و مسؤولیت خویش را بحیث یک فرد جامعه قبول دار گردد.

در اطراف اوضاع و خیمتر بود. اصلاحات تعلیم و تربیة اطفال که امان الله خان آنرا جدا تعقیب میکرد به منافع ملا تصادم میکرد. علاوه بر آن، بعضی از اصلاحات اداری مانند جمع آوری مالیات و جلب عساکر منافع ملک ها را با خطر مواجه میکرد. با آنکه ریفورم های اداری ربطی با مذهب نداشت، ولی ملا ها که متحدین طبیعی اقتدار و قدرت در دهات بودند، ازین تغییرات متضرر میشدند. لذا آنها به شکایات خود رنگ مذهبی دادند.

ارزیابی علل اغتشاشات و شکست نهضت امنی

در صفحات قبلی راجع به پروگرام های اصلاحی و انکشاپی دوره امنی و ارتباط آن با اغتشاشات صحبت شد. در صفحات آتی عوامل و عناصر مختلفی را مطالعه میکنیم که در کامیابی اغتشاشات و شکست رژیم امنی نقش های عمدی یا فرعی داشتند.

اما قبل از آنکه به استناد اسناد و مدارک موجود به تفصیل بپردازیم، برای درک بهتر موضوع به سراغ رویداد های قبل از اغتشاشات میرویم، و میبینیم که آیا جریانات عقب پرده که منجر به خیرگی روابط و تهدید قطع مناسبات سیاسی انگلیس ها با افغانستان و خروج خانم ها و اعضای سفارت انگلیس، آنهم در آستانه هردو اغتشاش جنوبی (منگل) و مشرقی (شینوار) شد، تصادفی بوده یا با اغتشاشات ربط داشت.

رویداد های قبل از اغتشاش خوست

سیاست جدید پیشروی در مناطق قبایلی آزاد (نیو فارورد پالیسی)

روابط افغانستان با انگلیس ها همیشه از جاروجنجال های مناطق سرحد آزاد متاثر بوده است. بگفته فریزر-تیتلر وزیر مختار سابق انگلستان در کابل، تخم تمام جنجال ها و اختلافات متعدد در مناسبات افغانها و انگلیس ها در همین جا کاشته شده است.

استعمار انگلیس همیشه کوشیده است تا این منطقه را تحت تسلط خود نگهادارد. اما این کار سهل و آسان نبوده است. پالیسی انگلیس‌ها در رابطه با سرحد آزاد مراحل مختلف آتی را طی کرده بود:

1. پالیسی سرحدات بسته یا مسدود یا (Closed Boarder): یک سیاست محافظه کارانه بوده و بعد از اشغال پنجاب اتخاذ شد. مشخصات مهم سیاست سرحدات بسته این بود که سرحدات خود را در مقابل حملات قبایل حفظ کنند، از تعریض بر مناطق قبایلی خودداری کنند و در امور داخلی آنها مداخلت نکنند. اصطلاحات قبایل آزاد، سرحد آزاد، علاقه غیر، یا گیستان و غیره هم از همین زمان مروج شدند.
2. سیاست پیشروی یا فارورد پالیسی: بعد از ترک سیاست دفاعی سرحدات بسته اتخاذ شد. درین مرحله انگلیس‌ها میخواستند با اشغال مناطق سرحدی افغانستان را هم مثل هندوستان به یکی از مستعمرات شان تبدیل کنند. آنها در دوران سی سال بین سالهای ۱۸۴۹ و ۱۸۷۹ بیش از ۳۷ مرتبه بر مناطق سرحد آزاد تجاوز نظامی نموده و به مقاومت شدید باشند گان این سرزمین مواجه شدند.
3. تاسیس ایالت جداگانه سرحدی شمال غربی: نائب السلطنه لارد کرزن در سال ۱۹۰۱ مناطقی را که در جنوب سرحد افغانستان قرار داشتند، و قبل از توسط حکومت ایالت پنجاب اداره میشدند، تحت اداره نو تاسیسی قرارداد. او این اقدام را بخاطر دفع بیهتر حملات قبایل، بهتر ساختن عملیات نظامی و توجه بیشتر به این منطقه مهم ستراتیژیک اتخاذ نمود. بدین ترتیب این منطقه بدو قسمت مناطق استقرار یافته تحت اداره انگلیس‌ها و مناطق قبایلی یا ایجنسی‌های که مثل پاکستان امروز مستقیماً به حکومت مرکزی ارتباط داشتند، تقسیم شدند.⁴⁶⁷

دولت‌های افغانستان هم آرزو داشتند که این مناطق به حال آزاد و بحیث یک منطقه حاصل که نه به بریتانیا و نه به افغانستان متعلق باشد، باقی بمانند.

انگلیس‌ها که بعد از جنگ سوم افغان و انگلیس، منتظر فرصتی بودند تا قبایل آزاد را برای اینکه در جنگ به افغانستان کمک کرده بودند، سرزنش کنند در سال ۱۹۲۳ یکبار دیگر سیاست نوین پیشروی و پیشقدمی به مناطق سرحد آزاد را اتخاذ کردند. در مرحله اول بریتانیا خواست تا قبیله مسعود و قبایل دیگر وزیرستان را تحت اداره و

⁴⁶⁷. زمانی، عبدالرحمن (۲۰۱۰)، صفحات ۳۰ تا ۳۵.

سلطه خود درآورد. ایجاد پوسته‌های نظامی و احداث سرک‌ها و خط‌آهن برای اتصال آنها، بخشی از این سیاست اداره حکومت هند بریتانی در وزیرستان را تشکیل میداد که با مقاومت شدید مواجه شد.

بمبارد قریه‌های قبایل آزاد توسط طیارات بریتانی و احتجاج رسمی دولت افغانستان

نیو فارورد پالیسی انگلیس‌ها در مناطق قبایل آزاد منجر به تیره شدن شدید مناسبات افغانستان و انگلیس گردید. پس از ساختن قشله عسکری (اردوگاه) بریتانیا در رزمک و به تعقیب آن قیام قبیله مسعود، حکومت افغانستان رسمابه تاریخ ۳۱ ماه جنوری ۱۹۲۳ راجع به بمباردمان وزیرستان توسط آتشباری توپخانه و طیارات اعتراض خود را به سفير بریتانیا در کابل سپرد، و به اتفاقی ماده ۱۱ معاہدة افغانستان و انگلستان و مکتوب هنری دابس⁴⁶⁸، در برابر اقدامات بریتانیا در وزیرستان احتجاج کرد. در ماده ۱۱ قرارداد افغان و انگلیس آمده بود که «هر یک از دولتین علیتین عاقدهن خود شانرا بالمقابل در خصوص حسن نیت دیگر و مخصوصاً در باب نیات خیراندیشانه خود شان نسبت به اقوامی که متصل حدود خود شان سکنی دارند مطمئن نموده از روی این ماده تعهد مینمایند در آتیه از عملیات نظامی که زیاد اهمیت داشته باشد، برای برقراری نظم در میان اقوام سرحدی که داخل دائره‌های خود شان سکنی دارند لازم بنظر بیاید، قبل از آنکه اینگونه عملیات شروع کرده شود، یکدیگر را مطلع خواهند نمود».⁴⁶⁹ سفير افغانستان در لندن هم به پروتست شبیه پرداخت.

جريدة اتحاد مشرقی هم درین مورد تحت عنوان درشت و حشت و خونریزی و حشیانه بریتانیای درنده خوی حیوان صفت بر قبایل سرحدی افغانستان، تبصره کرد.

⁴⁶⁸. مکتوب هنری دابس-رئیس هیات انگلیسی گفتگوها به محمود طرزی-وزیر خارجه افغانستان تاریخی 22 نوامبر 1922، علایق افغانستان را رسماً به مسایل سرحدی اجازه داده و به آن احترام گذاشته است. درین مکتوب به افغانستان اطمینان داده شده است که با اقوام قبایل پیشآمد سخاوتمندانه می‌شود.

⁴⁶⁹. غبار، میرغلام محمد (۱۳۴۴)، ص ۷۸۲

جرگه بزرگ سران قبایل در جلال آباد و دیدار غازی امان الله خان از سرحد تورخم
همزمان با اقدامات سیاسی، احضار دیپلمات انگلیس به وزارت خارجه و احتجاج
وزیر مختار افغانستان در لندن، امان الله خان به جلال آباد رفت و در آن جا یک جرگه
بزرگ سران قبایل هردو طرف سرحد آزاد را برگزار کرد.



34. غازی امان الله خان در لباس افریدی ها



35. بازدید غازی امان‌الله خان از سرحد

راپورهای استخبارات انگلیس درین رابطه نوشتند که «بعد از تخت نشینی این بار اول است که امیر با دربارش درین وقت زمستان در جلال‌آباد بسرمیبرد. بتاریخ ۲۲ فبروری و روزهای بعد از آن، امیر ملبس به لباس افريیدی‌ها جمعیت بزرگ افريیدی‌ها، مهمند‌ها و افغانان محلی را ملاقات نمود. حدود پنج تا شش هزار (۵۰۰۰-۲۰۰۰) نفر افريیدی و مهمند در دربار حضور بهم رساندند. امیر خطابه اش را بزبان پشتوا ايراد کرد و بخودش بحیث پادشاه تمام افغانها و برادرشان اشاره نمود. او اعلام داشت که پشتورا

لسان ملی افغانستان ساخته و به تفصیل راجع به ضرورت وحدت سخن گفت.⁴⁷⁰ به استناد راپورهای اسخباراتی روسیه، در این جرگه امیر مبالغه هنگفتی را برای سران قبایل داد و به امکان اقدامات باهمی آینده در برابر انگلیسی ها اشاره کرد.⁴⁷¹

راپورهای انگلیس ها علاوه میکند که سخنرانی امان الله خان درباره امکان جهاد در برابر انگلیس، مهربانی هایش بر مخالفین شناخته شده انگلیس ها و به تعقیب آن بازدید از سرحد بر تشنیج اوضاع در مناطق قبایلی افزود. تعداد حملات جنگجویان قبایلی در اعماق مناطق هند بریتانیا و هم بازدید افزایش یافت. هیجان در مناطق دیر، سوات و باجور بیشتر به مشاهده رسید. مشکلات تازه در وزیرستان تحت رهبری آدم خان و ملا لالا پیر ایجاد شد، که به نارامی های هردو قوم وزیر و مسعود منجر شد.

تشکیل قوای ملیشیای خوست

انگلیس ها که از پیوستن ملیشیای مسلح وزیری شان به قوای قومی و دوردادن اسلحه شان بطرف انگلیس ها میترسیدند در ماه اپریل خاصه دارهای وانه را به عوض پیش آهنگان یا سکوت وزیرستان (Waziristan Scouts) فرستادند، که این کار برو خامت بیشتر اوضاع افزود. دولت افغانستان هم تعداد زیادی از ملیشیای باغی وزیری را جمع نموده و آنان را در یک قوای مسلح تنظیم نمودند، که بنام ملیشیای خوست شهرت یافتد.

و خامت اوضاع و ترقیات بسته کردن سفارت انگلیس در کابل

با فهمیدن حمایت و کمک های مالی غازی امان الله خان به قبایل سرحد آزاد، همفریز سفیر انگلیس در کابل به محمود طرزی وزیر خارجه در اوایل ماه اپریل گفت که «حکومتش از پالیسی تحریک آمیز موجوده دولت افغانستان باین نتیجه رسیده است که افغانستان با ما بعوض دوستی راه خصوصی را اختیار نموده است⁴⁷²».

⁴⁷⁰. اسناد آرشیف هند بریتانیوی، L/P7S/20/B 255/1، P 132.

⁴⁷¹. آرشیف دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند ۵۴۴، دوسيه مخصوص ۳، کارتون ۱۰۰، صفحه ۲۸ (بحواله تیخانف).

⁴⁷². اسناد آرشیف هند بریتانیوی، L/P7S/20/B 255/1، P 133.

سفیر بریتانیا همچنان به حکومت افغانستان اخطار شفاها داد که سفارت بریتانیا با این وضع شاید از افغانستان بیرون خواهد شد و زنان انگلیس در کابل نظر به اوضاع وخیم بین افغانستان و بریتانیا افغانستان را ترک خواهند گفت.

جنجال پناه بردن قاتلین افسران اردوی انگلیس به افغانستان

روزنامه تایمز لندن در شماره شنبه ۱۲ جنوری ۱۹۲۴ خود به و خامت اوضاع در مناطق سرحدی اشاره نموده، به ازدیاد واقعات کشته شدن صاحب منصبان انگلیسی اشاره میکند. کشته شدن جگرن فینیس Finnis در بلوچستان و دو جگرن دیگر به نام های اور Orr و اندرسن Anderson در لندي کوتل دره خیبر هم بر تشنح اوضاع افزود. انگلیس ها میگفتند که قاتلین لندي کوتل از منطقه نازیان تنگه هار از داخل افغانستان میباشدند.

روزنامه تایمز لندن قبل از دشمنی اول دسامبر ۱۹۲۳ خود تحت عنوان قاتلین سرحد از و خامت شدید اوضاع درین اوخر خبر داده نوشته بود که به خانم های انگلیس مقیم کابل دستور داده شده است که آن شهر را ترک بگویند. روزنامه از رسیدن آنها به پشاور هم اطلاع داده بود.

مامورین انگلیسی قبل از دشمنی اول در مناطق سرحدی به قتل رسیده بودند، مانند پگروال Foulkes و خانم فولکیس که در سال ۱۹۲۰ کشته شدند و قاتلین تا هنوز دستگیر نشده بودند، ولی کشته شدن خانم ایلیس و ربودن دخترش مولی ایلیس، در ماه اپریل، و کشته شدن جگرن اور Orr و جگرن اندرسن Anderson، و به تعقیب آن کشته شدن تورن واتس و خانم واتس در ماه نومبر در پاراچنار همه امسال صورت گرفته است.

در حالی که جهانیان بریتانیا را مقصراً خونریزی های تازه در سرحد شمال غربی هند میدانستند، حکومت استعماری انگلیس با واقعه اختطاف مولی ایلیس، دوشیزه هفده ساله انگلیسی راه بروزرفت از این تنگه را یافت. اختطاف دختران و زنان جوان برای ایالت سرحدی شمال غربی یک رویداد عادی بود. مگر حکومت بریتانیا گریختاندن مولی ایلیس را بشکل یک تراژیدی ملی جلوه داد.⁴⁷³ بقول تیخانف، محقق روسی، انگلیس ها با توانمندی، مطابق همه قوانین تیاتر، یک درامه سیاسی را به نمایش

.⁴⁷³ Spain, James W. (1963). مناطق سرحدی پشتون ها)، ص ۱۵۵.

گذاشتند تا برای جامعه جهانی اقدامات جنگی شان علیه پشتوان های سرحد را توجیه نمایند.

توقیف اسلحه خریداری شده افغانستان در بندر بمی

حکومت هند بریتانی برای فشار بیشتر بر حکومت افغانستان تصمیم گرفت از ارسال اسلحه و تجهیزات نظامی که غازی امان الله خان از فرانسه خریداری نموده بود و در ماه دسامبر به بندر بمی رسیده بود، انکار کند.⁴⁷⁴

پرتاب بم های طیارات بریتانی بر خاک افغانستان

در عین زمان واقعه دیگری هم در سرحد وزیرستان رخ داد. بتاریخ دوم اپریل هنگامی که طیارات بریتانی وزیری های تازی خیل را که در سرحد توچی در شمال شرق میرانشاه مورد حمله قرار میدادند، چند بمی را بطرف افغانی خط دیورند پرتاپ نمودند، که تلفات جانی را در برداشت دولت افغانستان فوراً درین رابطه انتزجارش را بشکل التیماتومی نشان داده و تمام مذاکرات بین دو کشور را قطع نمود. البته انگلیس ها به عجله معذرت خواسته و بعد از تشکیل یک کمیسیون مشترک و دیدار از منطقه به دولت افغانستان غرامت پرداختند.⁴⁷⁵

تروس از الغای معاهده افغانستان و انگلستان

با درنظر داشت روابط غیر مطمئن بین افغانستان و بریتانیا اعضای حکومت هند بریتانی در حیرت بودند که امان الله خان چه وقت از حق الغای معاهده با بریتانیا استفاده خواهد کرد. قابل یادآوریست که پیمان سال ۱۹۲۱ کابل با بریتانیا یک معاهده دوستانه نبود، بلکه یک موافقه عارضی و مؤقتی سه ساله بود که روابط همسایگی را برقرار میساخت. فرانسیس همفریز، سفير بریتانیا در کابل احساس میکرد که حکومت افغانستان بهزودی این قرارداد سال ۱۹۲۱ را فسخ خواهد نمود.

تروس از الغای پیمان توسط غازی امان الله خان، در حالی که یکسال از بسر رسیدن میعاد آن مانده بود، و عواقب وخیم آن بر قبایل سرحد، مامورین انگلیسی هند بریتانی را مشوش و مضطرب ساخته بود. آنها فکر میکردند که لغو این پیمان توسط

⁴⁷⁴. آدمک، لودویک (۱۳۷۰). روابط خارجی افغانستان در نیمة اول قرن بیست، ص ۱۳۷.

⁴⁷⁵. اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی، راپور نظامی سال ۱۹۲۵ افغانستان.

افغان‌ها برایشان یک ظفرمندی و برد سیاسی خواهد بود، فلهذا برای آنکه موقف خود را ضعیف نشان ندهند، باید آنها ابتکار را در دست گرفته و در اقدام باین امر پیش‌دستی نمایند.⁴⁷⁶

چرا به عوض جنک جدید با افغانستان، براه انداختن اغتشاش برای انگلیس‌ها مفید‌تر بود؟

آدمک با بررسی علل رویارویی افغانستان و انگلیس در مناطق قبایل آزاد، علت این مخاصمت را نشانده کرده مینویسد که: «بریتانیا می‌خواست به این ناحیه رخنه نماید. مگر، فرمانروای افغانستان می‌خواست تا آن را همچون یک دولت حاصل نگهدارد».⁴⁷⁷

در گذشته‌ها کشمکش‌های افغان‌ها و انگلیسی‌ها به خاطرتلاش‌های انگلیس‌ها مبنی بر برقراری کنترول بر قبایل سرحدی می‌توانست منجر به درگیری نظامی دیگری گردد. مگر، این بار انگلیسی‌ها بنا به یک رشته دلایل که دو دلیل عمده آن در زیر می‌آید، نخواستند مناسبات دیپلماتیک خود را با افغانستان برهم بزنند. حال چه رسد به در دادن آتش یک جنگ تازه با این کشور:

۱- تأثیر «قاکتیک‌های شوروی‌ها» بر روند خدادادهای آینده

میخائیل ولودارسکی محقق روسی مینویسد که «انگلیس‌ها نیروی هوایی خود را بکار انداخته و آغاز به نابود ساختن روتاستاها نمودند. همه اینها بحران تازه‌را در روابط افغانستان و انگلیس پدید آورد... اوضاع بیش از اندازه پر تنش بود و این دریکی از نامه‌های همسر راسکلینیکوف [سفیر روسیه در کابل] به پدر و مادرش به مسکو که به تاریخ ۲۹ جنوری ۱۹۲۳ نوشته شده بود، بازتاب یافته بود: «هر طوری که میخواهید به قره خان اطلاع دهید - که هرگاه اکنون هنگامی که افغانستان عملاً با انگلیس می‌جنگد، هنگامی که در مرز خون قبایل به زمین می‌ریزد و امیر بجز از ما به کسی دیگری امید ندارد، هنگامی که روسیه کارگری نمی‌تواند از کمک به قبایل که صد سال است کشته میدهد و صد سال است در بند اند، سرباز زند، هرگاه ما این فرصت را از دست بدھیم، اینجا دیگر کاری برای ما باقی نمی‌ماند، هنگام آن فرار سیده که دکان را

⁴⁷⁶ آدمک، لودویک (۱۳۷۰). روابط خارجی افغانستان در نیمة اول قرن بیست، ص ۱۳۸.

⁴⁷⁷ آدمک، ل. دبلیو، «تاریخ روابط خارجی افغانستان»، متن انگلیسی، ص ۱۲۷.

بیندیم و درین میان، حالا پس از لوزان چقدر سود مند خواهد بود هرگاه به بریتانیا ناخن افگار آنرا در خاور یادآور شویم.⁴⁷⁸

در ماه جنوری ۱۹۲۴ جمهوری توده یی بخارای شوروی اعلام نمود در صورت تجاوز انگلیس با همه نیرو به کمک افغانستان خواهد شتافت. این جمهوری خود مختار شوروی گویا به ابتکار خود! آماده بود با بریتانیای کبیر [در صورت تجاوز آن به افغانستان] وارد جنگ شود. به همه جهانیان روش بود که پشت سر این دولت «دست نشانده»، شوروی ایستاده بود که در ظاهر بدون آن که با بریتانیا اعلام جنگ نماید، می‌توانست از طریق بخارایی ها به امام اللہ به پیمانه بزرگی جنگ افزار و مشاور بفرستد. افزون بر این، تا این دم هم اسلحه خردیاری شده از سوی امیر در اروپا از طریق خاک شوروی به افغانستان می‌رسید. این گونه، سیاستمداران و نظامیان در لندن نمی‌توانستند روی یک جنگ آسان سنجش نمایند.

شوروی از افغانستان از مجازی دیپلماتیک هم حمایت می‌کرد. راکفسکی، سفير شوروی در لندن به حکومت بریتانیا پیشنهاد کرد کشورش آماده است برای تنش زدایی در منازعه افغان و انگلیس، میان دو کشور میانجیگری کند. روش است این پیشنهاد از سوی انگلیس رد گردید. انگلیسی ها نمی‌توانستند به روس ها، آن هم بلویک ها اجازه بدهنند در مسایل مرزی میان بریتانیا و افغانستان در نقش داور ظاهر شوند.⁴⁷⁹

2- موجودیت خطر قیام تازه بزرگ قبایل پشتون سرحدی

جان میفی John Maffey، کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، نخستین کسی بود که با فسخ قرارداد افغان و انگلیس مخالفت کرد.. چون می‌پنداشت که این کار «منجر به قیام قبایل گردیده و به افغانستان دستاویز کارابی برای پهن ساختن گسترده تبلیغات در میان آنان می‌دهد».

از همین سبب است که حکومت بریتانیا تصمیم گرفت کار را به جایی نرساند که گپ به بره خوردن مناسبات با افغانستان و جنگ بکشد. انگلیس ها برای آن که هم بتوانند از بین المللی شدن منازعه جلوگیری کنند و هم بتوانند با سرعت کار اعمار پایگاه های نظامی را در «سرحد آزاد» به پایان برسانند، باز هم از توطئه و نیرنگ کار گرفتند و کوشیدند بوسیله روحانیون و ملا ها اغتشاش را براه اندازند.

⁴⁷⁸. ولدارسکی، میخاییل - ترجمۀ عزیز آریانفر(۲۰۰۱)، ص ۱۸۵.

⁴⁷⁹. کنت ف. «انقلاب و دیپلماسی»، مسکو، ۱۹۹۱، ص ۱۲۵ (بحوالۀ تیخانف).

با برآه انداختن اغتشاش در خوست و فرستادن گماشتگان شان مثل عبدالکریم، انگلیس‌ها موفق شدند بصورت مؤقت (برای مدت یکسال) دولت امانی را با مشکلات داخلی سرگرم ساخته، و تلاش‌های اشغال نظامی مناطق قبایلی خصوصاً وزیرستان را بیشتر و سریعتر سازند.

نیروی هوایی انگلیس در تیراه دهکده‌های افریدی‌ها را در هم کوبیده و نابود ساخت در وزیرستان کشیدن راه‌ها و استحکامات ادامه داشت. حکومت بریتانیا در هند از صرف پول و حتی زندگانی سربازان و افسران انگلیسی برای بستن همه کوتل‌های کوهستانی منتهی به افغانستان و هند با استحکامات خود ابایی نداشت. سازمان اطلاعات انگلیس آهنگ کارهای ساختمانی را در وزیرستان با دادن این اطلاعات دروغین به لندن که شوروی به سال ۱۹۲۵ در برنامه دارد به هند لشکرکشی نماید، از این هم بیشتر سریعتر ساخته بود.⁴⁸⁰ قومندانی بریتانیا برای در هم شکستاندن نهایی مقاومت مسعودها و افریدی‌ها هم فرمان بمباران دور دست ترین مناطق نشیمنی وزیرستان را که باشندگان آن درگیر نبرد با انگلیس‌ها بودند، داد. از ماه مارچ تا اواخر اپریل ۱۹۲۵ هفتاد و دو فروند هوایپیمای انگلیسی در جریان ۵۷ شب و روز روتاهای جنگجویان را بمباران کردند.⁴⁸¹

تیخانف میگوید که مقصد نیروی هوایی انگلیس نه تنها ویران ساختن روتاهای جنگجویان، بلکه نابود سازی رمه‌های گوسفندان و بزهای شان نیز بود. انگلیس‌ها با دچار ساختن پشتون‌ها با گرسنگی می‌خواستند آن‌ها را ناگزیر گردانند تا تفنگ‌های شانرا به زمین بگذارند، تا کار اشغال نظامی وزیرستان آسان شود.

اغتشاش جنوبی در افغانستان سبب شد که حکومت افغانستان مشغول مشکلات داخلی خودشده و کمک به جنگجویان قبایل آزاد را فراموش کند. بمیان آمدن این خلای سیاسی از یکطرف، و از طرف دیگر تهدید گرسنگی مرگبار، مبارزین قبایل سرحد آزاد را وادار ساخت تا بصورت مؤقت دست از مقاومت بردارند. در نتیجه وزیرستان برای چندی آرام شد و حکومت استعماری هند بریتانیایی می‌توانست ادعای کند که سیاست جدید پیش روی (نیو فارورد پالیسی) اش به نخستین پیروزی رسیده است.

Andrew C. Secret service: The making of the British Intelligence .⁴⁸⁰
Communit. (به حواله تیخانف).

ElliottJ. Op.cit. P. 269 .⁴⁸¹ (بحواله تیخانف).

همینکه شورش پکتیا خاموش شد، حکومت امانی یکبار دیگر به کمک و حمایت قبایل سرحد آزاد برخاست و از سیاست پیشروی انگلیس‌ها با دادن اعتراض‌های رسمی مخالفت و انجار خود را نشان داد. و یکبار دیگر توطئه‌های کودتا و به تعقیب ناکامی آن اغتشاش دیگری برآه انداخته شد.

رویدادهای قبل از اغتشاش شینوار

۱. سفر غازی امان الله خان

غازی امان الله خان در اوخر سال ۱۹۲۷ و اوایل سال ۱۹۲۸ م با عده‌ای از وزرا و مشاورین خویش به بعضی از کشورهای اروپائی و آسیائی سفر کرد.⁴⁸² به گفته داکتر کارگون، شاه این سفر را از هندوستان آغاز کرد و انگلیس‌ها به آن توجه زیادی معطوف داشته کوشیدند از آن برای تقویة نفوذ خویش بر شاه و حصول مواضع ازدست رفته در افغانستان بهره برداری کنند. اما با وجود پذیرائی مجلل، امان الله خان در اولین بیانیه عمومی خویش اندیشه‌های مخالف اهداف سیاست بریتانیا در هندوستان را ابراز نموده و طی سخنرانی خویش در ضیافتی که در کراچی به افتخارش ترتیب شده بود، و هم در اجتماع انبوه مردم بمبهی مسلمانان و هندویان را به وحدت دعوت نموده راجع به ازبین بردن نفاقهای ملی و مذهبی در میان آنان تأکید کرد.⁴⁸³

⁴⁸². غازی امان الله خان به روز سه شنبه ۲۹ نومبر ۱۹۲۷ (مطابق با ۷ قوس ۱۳۰۲ ش) بعد از انجام مراسم وداع در میدان قصر دلکشا از کابل حرکت نموده بعد از سپری کردن شب در مقر به وقت ظهر چهارشنبه ۳۰ نومبر وارد شهر قندهار گردید. اعلیحضرت بعد از اقامات هشت روز در قندهار در اوایل صبح شنبه ۹ دسامبر ۱۹۲۷ بطرف چمن حرکت نموده و ساعت ۱۰:۴۵ صبح از سرحد افغانی عبور نمود. شاه امان الله بعد از بازدید از دوازده کشور هند، مصر، ایتالیا، فرانسه، انگلستان، بلژیک، آلمان، سویس، پولند، روسیه، ترکیه، و ایران بروز یکشنبه اول جولای ۱۹۲۸ (مطابق با ۱۰ سرطان ۱۳۰۷) به کابل برگشت.

⁴⁸³. کارگون، ویکتور گریکوویچ-ترجمه داکتر جلال الدین صدیقی (۱۳۶۵)، صفحات ۱۹-۲۰.



۳۶. غازی امان‌الله خان حین دعا بعد از خطبه نماز جمعه در مسجد بمبئی پادشاه افغانستان بروز جمعه، ۲۴ قوس سال ۱۳۰۲، ضمن نماز جمعه در مسجد جامع مشهور بمبئی، که به امامت و خطابت خودش ادا شد، به اختلافات و کینه و کدورت بین مسلمانان و هندوها و استفاده انگلیس‌ها از آن اشاره نموده، به مسلمانان هندوستان توصیه نمود که از تجاوزات خود منصرف شوند، زیرا تا وقتی که این نفاق‌ها وجود داشته باشد، اهالی آن سرزمین به حقوق آزادی خود نمیرسند.

به گفته وکیلی پوپلزاری، شاه امان‌الله خان که طرفدار جدی آزادی کشور پهناور هند از سلطه انگلیس بود، یگانه عامل آن را اتفاق مردمان هند میدانست و به هر یک جمعیت مسلم و غیر مسلم همین تأکید اتفاق و ترک نفاق میفرمود. چنانچه در وقتیکه معاهده بی‌را با انگلیس امضا نمود، گفت این معاهده را که من با شما امضا میکنم، معاهده صلح است و نه دوستی، معاهده دوستی را وقتی امضا میکنم که بریتانیا حقوق آزادی هند را به رسمیت بشناسد.⁴⁸⁴

محتوای سیاسی بیانات غازی امان‌الله خان باعث نگرانی انگلیس‌ها گردید. زیرا کسب استقلال افغانستان بر نهضت‌های آزادی‌بخش ملی نه تنها در هندوستان بلکه در سایر کشورهاییکه در قید وابستگی مستعمراتی انگلیس قرار داشتند، تأثیر عمیقی از خود بجا میگذاشت. بیانات رئیس دولتی که راه رشد مستقلانه بی‌را برگزیده بود، تا اندازه

⁴⁸⁴. وکیلی پوپلزاری، عزیزالدین (۱۳۷۹)، ص ۳۳.

معین مضمون ضد بریتانیوی و ضد استعماری داشت. غازی امان الله خان در پیامی به مردم هندوستان گفت که «آزادی به هدیه داده نمیشود، بلکه باید آنرا کسب کرد. من هراس ندارم ازینکه سرم یا تختم فدا شود. دفاع و قناعت به چیزی کم برابر است به عقب روی. دشمنان از منازعات و تفرقه ها در جامعه بیدرنگ استفاده مینمایند. در حال حاضر ضرورت مبرم و درجه اول تأمین وحدت مسلمانان و هندویان و حضول آزادی هندوستان میباشد.»⁴⁸⁵

علاوه تا قبل از اغتشاش شیتوار، هنگامی که شاه امان الله خان ضمن سفر اروپا به لندن رفت، شخصاً موضوع آزادی سرحدات آزاد و سند رسمی دابس را مطرح نموده و موقف افغانستان را جدا درین رابطه خاطرنشان کرد.

سفر های امان الله خان در مجموع حیثیت افغانستان را در صحنه بین المللی ارتقا داده، افغانستان بحیث یک دولت مستقل و آزاد بر اساس تساوی حقوق با کشور های جهان مناسبات دوستانه برقرار ساخته و تصمیم قاطعانه مشی سیاست مستقل خارجی، رؤیا های استقرار نفوذ سیاسی سابقه انگلیس درین کشور را با ناکامی و شکست مواجه ساخت.

ب. فعالیت حضرت محمد صادق مجددی در داخل

شادروان غبار مینویسد که «اولین حرکتی که قبل از ظهور اغتشاشات ولایات تنگرها رو کاپیسا و پروان در کابل بشکل طلیعه سپاه اغتشاش بعمل آمد، همانا فرار روحانیون بزرگ کابل در پکتیا بود. گفته میشد که یکی از حلقه های مخفی و منظم کابل حلقه مخصوص حضرات مجددی بشمول بعضی سرداران بزرگ و روحانیون مشهور بود. از آنجمله در خزان ۱۳۰۷ (زمستان ۱۹۲۸) حضرت محمد صادق مجددی برادر کهتر شمس المشایخ با قاضی عبدالرحمن خان پغمباني، قاضی فضل الحق خان، قاضی عبدالقدار خان پغمباني، عبدالحنان خان و محمد حیان خان پسران قاضی عبدالرحمن خان نهانی از کابل به ولایت پکتیا رفتند. محمد صادق المجددی در این سفر برادرزاده جوان خود (حضرت محمد معصوم المجددی پسر ۲۲ ساله شمس المشایخ) را نیز همراه داشت تا در کابل مورد فشار حکومت قرار نگیرد. وقتی که این جمعیت در پکتیا رسیدند در خانه عزیز خان حاجی در علاقه حاجی مسکن گردیدند و بمردم گفتند که پروگرام شاه مخالف شریعت و بضرر ملت افغان است و وقتی ما این نظر خود را بشاه

⁴⁸⁵. کارگون، ویکتور گریکوویچ- ترجمۀ داکتر جلال الدین صدیقی (۱۳۶۵)، ص ۲۰.

عرض کردیم جوابی نداد، پس ما اینجا آمده ایم تا به اتفاق مردم پکتیا پیشنهادات خود را بشاه بفرستیم و مانع خرابی افغانستان گردیم. مردم این پیشنهادات حضرات را نپذیرفتند، ولی گفتند اگر حضرات مایل بخارج شدن از افغانستان باشند، آنها را محفوظ از سرحد کشور عبور خواهند داد تا بدست دولت نیفتند.⁴⁸⁶

اما قارایکه در خاطرات سیاسی حضرت محمد صادق المجددی⁴⁸⁷ (بخش اول) ذکر شده است، فعالیت‌های حضرات شوربازار مدت‌ها قبل از سفر غازی امان الله خان آغاز شده بود. درین خاطرات میخوانیم که حضرت صاحب با گرفتن تلگراف حاجی محمد نسیم، خادم حضرت نورال مشایخ، از راه جلال آباد-پشاور-lahor به سر هند رفته و تا موسوم سرما نزد وی می‌ماند. او در آنجا از طریق جراید هند از قصد سیاحت اروپای اعلیحضرت امان الله خان (با عایله و بعضی وزرا و ندما) باخبر شده و ازین خبر «که برای مفاد امور معادیه اسلامیه سخت با مضرت ثابت می‌شود» به بحر حیرت و اضطراب غوطه ور می‌گردد. در خاطرات میخوانیم که حضرت محمد صادق مجددی تشویش را در رابطه با برادر بزرگش مطرح نموده است. «...اگر درین وقت ما مسلمانان با برادران اسلامی خود اتفاق نه نموده چاره انسداد این سیل خانه برانداز را نکنیم عنده الشیوع مسئول خواهیم بود، پس آزومندم بطور استخاره هدایتی بفرمائید که مطابق آن طرز العمل را اختیار کنیم. حضرت مخدومی فرمودند: که خوب است فکر کرده مصلحت مینماییم همان بود که رفتن پادشاه افغانستان "امان الله خان" از روی جراید هندوستان متحقق شد و جراید خبردادند که به تاریخ برج عقرب ۱۳۰۷ شمسی براه قندهار با ملکه افغانستان روانه می‌شود و انگلیز تهیه پذیرایی او را در سرحد چمن و کویتہ بلوجستان می‌نماید. بعد از تحقیق این واقعه بار دوم بحضور مولای عرض پرداز شده استجواب سؤال خود را نمودم. فرمودند: که حال شمار وانه وطن می‌باشد در آنجا رفته احوالات داخلی وطن را دیده مرا اطلاع بدھید بعد آنچه مصلحت بود برای تان مینویسم. فقیر از شهر لاهور از حضور مولای عزیزم گردیدم. اتفاقاً روزی که به

⁴⁸⁶. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، ص ۸۱۷.

⁴⁸⁷. در خانواده مجددی تنها کسی که المجددی تخلص می‌کرد، حضرت محمد صادق المجددی بود.

سرحد (دکه) مشرف خاک پاک اسلامی شدم بهمان روز "امان الله خان" از قندهار بطرف چمن روانه گردید و از خاک افغانستان خارج شد.⁴⁸⁸

حضرت صاحب می افزاید «... بعضی مخلصین را ملاقات نموده و با خود هم فکر ساخته برای شان گفتم اگر پادشاه از اروپا مراجعت کند و طبیعت اهل اروپا مزاجش را مغلوب ساخته عزم کند عادات رذیلله آن نابکاران را در وطن مقدس افغانستان شایع گرداند، ما مسلمانان را چطور حرکت کردن لازم است و اولاً با شخصیکه اظهار فکریه خود را کردم حضرت عالی منزلت استاد محترم مولانا عبدالرحمن صاحب رئیس محاکمه تمیز مرکز کابل بود او شان چون سابق ازین از اوضاع حکومت تنفر داشتند و بواسطه که داخل موظفین بودند و خاستاً ریاست محکمه شرعیه تمیز که برتبه قاضی القضاط دانسته می شود به او شان تعلق داشت و قوانین که حکومت جدید وضع مینمود حسب عادت باید از ملاحظه رئیس تمیز می گذشت به این سبب دخائل افکار حکومت به او شان بیشتر معلوم بود و همه وقتی از رفتار حکومت شکایت می کردند با من همدستان و متفق الرای شده فرمودند اگر حکومت زیاده ازین عزم ترویج عادات کفار را در دیار اسلامیه بنماید تا ریختاندن قطره آخرین خون خود پاشاری کرده در صدد منع حکومت خواهم برآمد... در خلال این احوال بحضور ولی نعمت حضرت فضل عمر (نور المشایخ) صاحب همیشه عرایض مینوشت و تذکر جواب عرض زبانی خود را می کرد و همه احوال و رفتار حکومت را بحضور شان مینوشت جوابیه آخرین که حضرت او شان نوشته بودند بحضور مولانا الشهید [قاضی عبدالرحمن خان پغمانی رئیس محکمه تمیز و قاضی القضاط] قرائت نمودم خلاصه و مضمون آن اینست: "در موضوعیکه از دیریست مذاکره فیما بین جاریست مرقوم می شود: "اهمی افغانستان را سراپا منافقت استیلا کرده هیچکس با هیچکس در هیچ امر از راه صداقت رفتار نمی کند و هم آنقدر فریفته حظام دنیائی هستند که بمقابل پول نقد اعتنای به دین مقدس اسلام ندارند، از آن سبب مصلحت فقیر نیست که شما شروع عملیات را مقابل حکومت بنمایید؛ زیرا میدانم کسی با شما همانستان نمی شود و زحمت شما عقیم می گردد علاوه برین من استخاره کردم و برای من از حضور روحانیت حضرت جدنا الامجد (المجدد الالف الثاني الشیخ احمد الفاروقی رحمت الله) منع معلوم شد؛ و هم این امر منکشف گردید که حکومت موجوده عماقیب مستأصل می گردد و از طرف دیگر شورش و انقلاب به افغانستان قدم نهاده پادشاه از تخت می افتد. شما خود را باعث

⁴⁸⁸. المجددی، محمد صادق (۲۰۱۱)، صفحات ۴۳-۴۱.

انقلاب نکردانید که بولیتان ضور میرسد". حضرت مولانا [قاضی عبالرحمن خان پغمباني] فرمودند: "این دو سال است که زحمت کشیده ایم و طوائف احمدزائی بقرآن عظیم الشان عهد و پیمان کرده اند ممکن بل یقیناً اصل واقعه بسمع حکومت رسیده و تا یک درجه ذریعه اشخاص خفیه تعقیب مایان را کرده باشد اگر داخل عملیات نشویم هم یقین است حکومت در صدد انتقام برآمده بهر ذریعه بتواند ما و معاهدین ما را تحت فشار آورده و برای همگی ضرر برساند. آنوقت با همگی عقده‌های قلب از دنیا خواهیم رفت و اکثر معاهدین ما را ملامت کرده خواهند گفت چرا دو سال مایان و خود را بزحمت گرفتار ساخته در نتیجه همگی را بقتل رسانیدیم؟ بنابرین باید سعی خود را به اتمام 489 برسانیم».

ج. مکتوب احتجاجیه شجاع الدوله به انگلیس ها

شجاع الدوله خان وزیر مختار افغان در لندن طی مکتوب ۳۰ می ۱۹۲۷ (چندین ماه قابل از آغاز سفر غازی امان اللہ خان به کشورهای آسیائی و اروپائی) به وزارت خارجه انگلستان، از سیاست پیش روی جدید انگلیس ها و فعالیت های شان در سرحد آزاد احتجاج نموده آنرا مخالف مفاد موافقتنامه افغان و انگلیس خواند. 490

د. توطئه کوډهار و دعوت از پسر سردار ایوب خان

برویت اسناد موجود در آرشیف لندن، استخبارات انگلیسی در راپور ماه فبروری ۱۹۲۷ خود از یک توطئه در قندهار صحبت نموده و در آن یاد آوری نموده است که پسر ارشد ایوب خان (نواسه سومین پسر امیر شیر علی خان) توسط دسته از قندهار دعوت شده است تا قیام علیه شاه را رهبری کند. درین راپور خصوصاً از دو پسران سردار ایوب خان به نام های محمد اکرم و محمد اعظم که در منطقه بریلی هند بریتانی زندگی میکنند ذکر بعمل آمده است. 491

489. همانجا، صفحات ۲۲-۲۷.

490. اسناد انگلیسی استخبارات ستراتیژیک افغانستان، قسمت اول مکتوب جوابی اوستین چمبرلین به شجاع الدوله خان، مؤرخ ۲۷ جولای ۱۹۲۷.

491. همانجا، راپور شماره (پ/۹۰/۹۹) ۲۷ فبروری ۱۹۲۷.

۵. فعالیت‌های حضرت نورالمشایخ در خارج از افغانستان و توطئه پنیاله

اسناد مختلف مربوط به آرشیف هند بریتانی در موزیم لندن آشکار می‌سازند که فعالیت‌های روحانیون ضد رژیم امپراتوری، هم در داخل و هم در خارج از کشور، بعد از شکست اغتشاش خوست بصورت مخفی ادامه داشته است. این تلاش‌های مخالفین رژیم در دوران سفر غازی امان‌الله خان به خارج از کشور شدت یافت. در اسناد موجود، به توطئه ملا‌ها تحت رهبری حضرت نورالمشایخ و ارتباط آن به توطئه قندهار نیز اشاره شده است.

استخبارات بلوچستان به استناد یکی از جواہی‌ش به نام ملا حاجی دوست محمد گزارش داده است که «این توطئه ملا‌ها توسط فضل عمر، حضرت صاحب شوری بازار کابل، سازمان یافته است. ادعا می‌شود که وی در جمله اشخاص عمده دیگر با عبد العزیز خان وزیر حربیه، شیر احمد خان رئیس شورا (که فعلًا شاه امان‌الله را در سفر همراهی می‌کند)، محمد عثمان خان سابق والی قندهار و یکی از حامیان ایوب خان در دوران زندگی اش، در مکاتبه بوده است. لست افغان‌های برجسته منسوب به این توطئه که قرار بود قبل از هشتم (۸) مارچ آغاز شود شامل سردار شاه محمود، برادر محمد نادر خان نیز می‌باشد، کسی که همین حالا از نائب الحکومتی جلال آباد سبکدوش شده است".⁴⁹²

در راپور محرمانه ۱۹۲۸ جنوری ۷۷ دفتر اطلاعاتی بلوچستان ذکر شده است که «در ارتباط به ملاقاتی که قرار است در دیره اسماعیل خان تحت رهبری حضرت صاحب شور بازار کابل فضل عمر مجددی دایر شود یک سلسله معلومات مشخصی را بدست آورده ام. چنانچه دیده خواهد شد این ملاقات به حزب قندهار که در اوایل سال قبل رویکار آمد تعلق می‌گیرد. من در آگست سال گذشته معلوماتی راجع به حضرت صاحب موصوف را بدست آوردم و اطلاع یافتم که وی با اشخاص مهم ذیل مرتبأ در ارتباط بوده است عبد العزیز خان وزیر حربیه، محمد عثمان خان، شیر احمد خان، عبد الحکیم خان، محمد یعقوب خان (از سلیمان خیل گردیز)، ملک زلمی خان منگل (شخص اخیر الذکر حین سفر شاه در گردیز محبوس شد). گفته می‌شود که اسامی فوق از مریدان حضرت

⁴⁹² اسناد آرشیف هند بریتانی، راپور پی جی پاتریک راجع به توطئه ملا‌ها و رابطه آن با طرح فرزندان سردار ایوب خان، مؤرخ ۹ مارچ ۱۹۲۸.

صاحب هستند و احتمالاً که حضرت صاحب موصوف به فکر رهبری کودتایی به مقابل حکومت افغانستان میباشد.

دیگر اینکه در همین اوخر یکنفر ملا بنام عبدالرحیم موسی خیل از ساکنین زنه خان از حوالی شهر غزنی به کویته رسید. این شخص که بنا بر دادن یک هوشداری به موقع از طرف علی احمد خان (حین اقامت شاه در گردیز) زندانی شده بود، از حبس فرار نموده، شهر کویته را به همراهی یک نفر ملای دیگری بنام حاجی دوست محمد مقیم توبا ترک کرده است. من همه معلومات هایم را از شخص اخیر الذکر بدست آورده ام. ملا های اخیر الذکر که هردو از مریدان حضرت صاحب میباشند عازم دی آی ک (دیره اسماعیل خان) شده اند. بنا بر معلومات دست داشته قرار است چند نفر از ملا های ذیل نیز در دیره اسماعیل خان حضور به هم رسانند: سید امیر زرمت یکی از ملا های قریب و خویشاوند به ملا جنگی خان ملای قوم گوربیز، ملا کریم خان خروقی و ملا خان میر. ملک های ذیل نیز قرار است در ملاقات دیره حضور داشته باشند: ملک بلند خان از خدران؛ ملک منگل پسر ملک خوی داد که فعلاً در کابل محبوس میباشد... تا جائیکه میدانم محل احتمالی این جلسه در پنیاله (Paniala) به مجاورت پهار پور خواهد بود.»

حضرت نورالمشايخ بعد از آنکه از افغانستان برآمد، در سرہند، یک شهرک کوچک هند بربیتانوی، سکونت اختیار کرد.⁴⁹³ او به تاریخ ۸ دسمبر ۱۹۲۷ (روزی که امان اللہ خان در آغاز سفرش هنوز در قندهار بود) برای دیدن هزاران کوچی در مراسم عرس سالانه ملا پاوینده به زکری زیارت رفت. اخبار ترجمان سرحد در شماره ۲۳ فبروری ۱۹۲۸ خود درین باره نوشت «که از مدتی به اینظرف یک پیری که از افغانستان اخراج شده است، در دیره اسماعیل خان زندگی میکند. این شخص پیر فضل نام دارد [[اسم اصلی نورالمشايخ مشهور به شیر آغا، فضل عمر بود]] و مردم پاونده (کوچی ها) به ملاقات وی می آیند. خلاصه اینکه مردم این نواحی با تردید زیادی به این شیخ می

⁴⁹³. سرہند در ایالت پنجاب هند بر شاهراه لاہور و دھلی جدید قرار داشته از لاهور ذریعه موثر کمتر از چهار ساعت فاصله دارد. زیارت شیخ احمد فاروقی سرہندی (معروف به مجده الف ثانی) که خانواده مجده تخلص خود را از او گرفته اند، درین منطقه قرار دارد. مجده الف ثانی در عهد اکبر و جهانگیر (شاہان مغل) برای مدتی درین منطقه زندگی میکرد. مقبره های شاه زمان و ملکه اش نیز در همین جا میباشند. از مدت سه صد سال بدین طرف سالگرد وفات (عرس) مجده هر سال درین منطقه تجلیل شده و تعداد زیادی از زائرین مسلمان کشور های مختلف در آن شرکت میورزند.

نگرند... او علی الرغم مشوره‌های شاه امان اللہ به حرکت عقب گرانی علیه نظام‌نامه‌های امانی که منجر به اغتشاش بزرگی شد، دست یازید و نقش بارزی داشت. اعلیٰ حضرت بنا بر احترامی که به پدر مرحومش داشت، از مجازات‌این شیخ چشم پوشید و تنها او را از قلمرو خویش خارج ساخت.⁴⁹⁴ پیر فضل بعد از دور شدن از افغانستان به نواحی مختلفی در هند سفر کرد و با‌الآخره در دیره اسماعیل خان، جائیکه دفتر نمایندگی سیاسی دو منزل رهایشی را برای وی اختصاص داد، اقامت گردید. فکر می‌شود که دیره اسماعیل خان بخاطری برای اقامت‌وی انتخاب شده‌تا وی بتواند از آنجاه فعالیت‌اش را به مقابله حکومت افغانستان ور فورم‌های آن ادامه دهد. زیرا، هم کوچی‌ها از این طریق رفت‌آمد دارند و هم دیره اسماعیل خان در مقایسه‌با شهر آزادی دوست‌پشاور محل گمنام‌تری برای این فعالیتها بشمار می‌رود.»

سکات از دفتر استخبارات بلوجستان در تلگرام مؤرخ ۹ فبروری ۱۹۲۸ مینویسد که «چنانچه در تلگرام دیروزم اطلاع داده بودم، ملا حاجی دوست محمد از دیره اسماعیل خان مراجعت کرد. من وی را ملاقات نمودم... در دیره اسماعیل خان آنها با حضرت صاحب ملاقات نمودند. در این ملاقات که بر محور فرضی شورش خوست و همچنان شمولیت‌یک و یا چند نفر از پسران سردار محمد ایوب خان دور میزد، ملا‌های بسیار دیگری نیز حضور داشتند... بنظر می‌رسد دو نفر اشخاصی که نام‌های شان معلوم نیست به دیره اسماعیل خان رسیده‌اند. این افراد که از قبیله احمد زائی هستند، با محمد اکرم در "برایلی" و عبدالقدار در لاھور ملاقات کرده‌اند. آنها به این قصد آمده‌اند که دو نفر اشخاصی را که در بالا از آنها یاد نمودیم، کمک کنند تا مخفیانه به افغانستان داخل شوند. هدف اصلی هم در این بود تا یک نفر به سمت جنوبی و شخص دیگر به سمت مشرقی بروند. این اشخاص با حضرت صاحب ملاقات کردند و پیشنهادات شانرا مطرح ساخته، طالب کمک گردیدند، ولی حضرت صاحب قبول نکرد و علاقه‌ای به رفتن شان در جنوبی نشان نداد. او به آنها گفت که می‌توانند اجازه داخل شدن به سمت مشرقی را داشته باشند، نه جنوبی را. مکرر اینکه مادر محمد اکرم [خان] سردار ایوب خان[آخوند] از قوم مهمند است و بنابران تمامی قوم به کمک وی حاضر خواهند بود. این زن ظاهرا به زیارت سرهنگ شریف سفر نموده تا با حضرت صاحب ملاقات کند. ولی وقتی متوجه می

⁴⁹⁴ این بیان نادرست می‌باشد. طوری که قبلًا هم ذکر شده است، شاه امان اللہ خان به برادر بزرگ او، حضرت شمس المشایخ، که یکی از آزادی خواهان مخالف انگلیس و حامیان شاه بود، احترام زیاد داشت.

شود که حضرت صاحب به دیره اسماعیل رفته، نامه‌ای برایش می‌نویسد و تذکر میدهد که چون وی دور تراز سرهنگ اجازه سفر ندارد، خواهشمند است اگر حضرت صاحب به دیدن وی برود. حضرت این خواهش را رد می‌کند... علماء بعد از مباحثات بسیار قبول کردند که تماماً حرکات و یا فیصله‌های شان مطابق به شریعت است. آنها به این فیصله رسیدند که باید یک قیامی صورت بگیرد. بنابرآن دو نفر ملا به نامهای مستعار محمد حسن و عبد الرحیم و همچنین شخصی بنام محمد جان دیره اسماعیل خان را به قصد جنوبی ترک گفتند تا قبایل چدران و منگل را برای شورش آماده سازند. همچنین ملک بلند به قصد چدران و ملک غلام خان پسر ملک سردار (مربوط قبیله گوربیز) دیره را به قصد گوربیز ترک گفته‌اند. (ناگفته نماند که ملک سردار اکنون فوت شده و پسرش ملک گوربیز می‌باشد.)

چنین معلوم می‌شود که ملک‌های قوم غلچی در دیره اسماعیل خان همه‌طی ملاقات‌های محروم‌اند با حضرت صاحب دیدار نموده، کمک‌های قبایل شانرا وعده داده‌اند. زمانیکه مخبر ما دیره را ترک نمود، ملک‌های ذیل هنوز در آنجا بودند: زرین خان، خواجه‌ک، محمد خان، ملا خیل.

زمانیکه شورش آغاز شود به مخبر ما ملا دوست محمد، که قرار است معلوماتی را از حضرت صاحب بدست آورد، وظیفه داده می‌شود تا از طریق دوکی و لورالائی و تل به محل حوادث سفر کند و غلچی‌هایی را که مراجعت می‌کنند، تحریک نماید. اشخاص ذیل نیز در این پلان شمولیت دارند: عبدالحکیم خان والی غزنی، عبدالعزیز خان و کیل وزارت حریبه، شاه محمود خان والی سمت مشرقی، فیض محمد خان وزیر معارف و محمد عثمان خان والی سابق قندهار.

همچنان حضرت صاحب انتظار داشت که یکنفر قاضی بنام محمد اکبر از قندهار نیز در این جلسه حضور یابد. مخبر ما نام اصلی این قاضی را نمی‌دانست. با آنهم او تلگرامی عنوانی سردار ذکریا به لاهور فرستاد و حضور این شخص را مطالبه کرد. مگر این شخص به جلسه رسیده نتوانست.

تاریخ این شورشی که در پیش است، ۱۵ رمضان مصادف با هشتم مارچ تعیین شده. تذکر می‌رود که طراحان این نقشه از موفقیت خویش کاملاً مطمئن بنظر می‌رسند. و توقع دارند مردم زمیندار و نیز همکاری فعالی با آنها خواهند کرد. مخبر ما بیان داشت که دو

نفر از منسوبيين نزديك حضرت صاحب بنام محمد صادق (برادر جوانتر حضرت) و محمد معصوم برادرزاده اش در کابل فعال می باشند.⁴⁹⁵

سکات در تلگرام بعدی اش بتاریخ ۲۱ فبروری ۱۹۲۸ از کوئته نوشت که «آنچه را که ذیلا در رابطه با حرکات مخالف با حزب جوانان و شاه امان اللہ برای شما را پور میدهم، حالی از دلچسپی نخواهد بود.

أ. نماینده تجارتی افغانی در کویته بنظر من شخص مخالف با امان اللہ خان بوده با خبر از حرکاتی است که در حال تکوین میباشد:

1. این شخص در خلال یکی از گفتگوهایش با یکی از مأمورین دفتر ما در هند گفته است که دوره اقامت شاه امان اللہ به لندن در حدود سه هفته بیش نخواهد بود و به احتمال قوی امان اللہ متباقی عمرش را مهمنان دولت انگلیس در آن دیار خواهد ماند.

2. این شخص تمام اخباری را که عکس‌های روی لچ ملکه افغانستان را نشان میدهد، به مجرد دستیابی خریداری نموده به افغانستان می‌فرستد. او یک روشی را که آگنده از نفرت است، به مقابله ملکه در پیش گرفته است.

3. این شخص بر محمد ولی خان نائب السلطنه مظنون است و عقیده دارد که وی بطور محramانه ای از نارضایتی های موجود بر علیه امان اللہ خان طرفداری میکند و امید وار است چانس به وی پاری نماید و در صورت خلع امان اللہ از سلطنت، پا در کفش وی بگذارد. نماینده تجارتی در کویته میگوید که شخص اخیر الذکر (محمد ولی خان) به نادر خان متکی است.⁴⁹⁶

ب. از نادر خان بعنوان کسی که پشتیبان حضرت صاحب میباشد، یاد شده است. یقین است که هرگاه پلانهای نادر خان غلط ثابت شوند خود ملامت خواهد شد، ولی چون وی در سویس بسر می‌برد خطی متجه وی نخواهد بود. نادر خان از مریدان حضرت صاحب فضل عمر میباشد.⁴⁹⁷

495. اسناد محramانه استخبارات انگلیس، دفتر استخبارات بلوچستان No. R.S.3./12/N.G.O.3.

496. این معلومات نادرست است چون بعد ها معلوم شد که محمد ولی خان مخالف امان اللہ خان نبوده، بلکه مخالف محمد نادر خان بود.

497. این معلومات نیز نادرست است.

ج. یکی از افرادی که قبلا برای من کار میکرد، تازه از دیره اسماعیل خان رسیده. وی برایم معلومات داد که حضرت صاحب فضل عمر با حضرت صاحب پنیاله که از مقام والائی در بین غلچی‌ها برخوردار است، روابط صمیمانه دارد. ناگفته نماند که حضرت صاحب فضل عمر خود مرتباً با غلچی‌ها دیدار کرده است.

خلاصه مخبر من که متأسفانه به اندازه خودم بر واقعیت‌ها آگاهی ندارد، میگوید که بدون شک چیز‌هایی در دیره اسماعیل خان میگذرد که وی نمیداند. بقول وی "حتی کسی که هیچ معلوماتی از خدمات اطلاعاتی نداشته باشد، میتواند درک کند که یک آش در حالت پختن است" امیدوارم بتوانم خدمات این شخص را برای بدست آوردن اطلاعات بیشتری از دیره اسماعیل خان بکار گیرم.⁴⁹⁸

و. مذاکرات و احتجاج غلام صدیق خان چرخی در لندن

سرپرست وزارت خارجه افغانستان، غلام صدیق خان چرخی، به همراهی وزیر مختار افغان در لندن و علی محمد خان که وظایف ترجمانی را به پیش میرد، در ملاقات ۲۲ مارچ ۱۹۲۸ با وزیر خارجه انگلستان که فرانسیس همفریز، وزیر مختار انگلیس در کابل، نیز حضور داشت از پالیسی خصمانه انگلیس‌ها در سه سال گذشته شکایت نموده بر از دیاد قوای نظامی انگلیس در سرحدات افغانستان احتجاج نمود.

عوامل داخلی سقوط رژیم امنی

در نتیجه اصلاحات، گروه‌های متنفذی بشمول روحانیون، خوانین و سرداران صلاحیت مطلق، امتیازات و حقوق مستمری خود را از دست داده به مخالفین رژیم تبدیل شدند. در صفحات آتنی نقش منفی رهبران مذهبی مخالف و مثال‌های از خیانت سرداران و درباریانی که حیثیت مارهای پرخط و خال داخل آستین را داشتند، مختصراً ذکر خواهد شد.

⁴⁹⁸. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، دفتر استخبارات بلوچستان، NO. R.S./10/NGO

نقش روحانیون و انگیزه‌های مخالفت شان با رژیم

به گفته سنzel نوید، مؤلف کتاب «واکنش‌های مذهبی بمقابل تحولات اجتماعی در افغانستان»، مخالفت بر علیه اصلاحات امانی در مرحله اول توسط ملا‌ها یا علمای پائین رتبه روستائی برآمد، اما در سال ۱۹۲۸ گروه‌های مختلف مذهبی دریک جبهه متحد به مقابله دولت قیام نموده با اعلانات تحریک آمیز، شاه را به عنوان مرتد و کسی که از حدود شریعت تجاوز کرده بود، محکوم ساختند.⁴⁹⁹

البته تمام روحانیون با اصلاحات امانی مخالف نبودند. عده‌ای روحانیون متنفذ مخالف انگلیس نه تنها تا اوخر سال ۱۹۲۸ از رژیم امانی حمایت نمودند، بلکه در اغتشاش جنوبی نیز با پیروان شان به حمایت از رژیم جنگیدند.⁵⁰⁰ در فعالیت‌های ضد دولت امانی حضرت فضل عمر مجددی (نورالمشايخ) و برادرش حضرت محمد صادق مجددی (حضرات سوریزار) نقش بارز داشتند.⁵⁰¹

قابل یاد آوریست که حضرت فضل محمد مجددی که بعد از وفات پدرش قیوم جان آغا برهبری خانواده رسیده و نیز مراسم دستاربندی امان الله خان را بجا آورده بود، به همراهی برادرش حضرت فضل عمر مجددی در نبرد استقلال کشور از خود شهامت و فداکاری نشان داده و از طرف شاه با اعطای القاب شاندار مذهبی شمس المشايخ و نورالمشايخ و عالی ترین نشانهای دولتی (نشانهای لمر) که امتیازات مادی را نیز همراه داشت، نوازش یافته بودند.⁵⁰²

499. نوید، سنzel /ترجمه مجددی، نعیم (۱۳۸۸)، ص XIX.

500. حاجی صاحب تورنگزی، حضرت صاحب شمس المشايخ، حاجی صاحب عبدالرازق اندر و غیره از جمله رهبران مذهبی پرنفوذی بودند که تا آخر حیات شان از رژیم امانی حمایت کردند.

501. خانواده روحانی مجددی در اوخر قرن ۱۸ میلادی از سر هند هندوستان به افغانستان آمد و یک شاخه آن در کابل سکونت اختیار کرده و با تاسیس یک مدرسه و خانقاہ در منطقه سوریزار کابل بنام حضرت صاحبان سوریزار شهرت یافتند. این خانواده در سالهای سلطنت غازی امان الله خان و بعد از آن از پرنفوذترین رهبران مذهبی در افغانستان بشمار می‌رود، و بحیث رهبران طریقه نقشبندیه صوفی مریدان بی شماری در هردو طرف سرحد افغانستان با هند بریتانی داشتند.

502. فرمان شماره ۱۳ در پایان کتاب افغانستان در عصر اعلی حضرت امان الله خان، تالیف فضل غنی مجددی.

حضرت شمس المشايخ مشهور به شاه آغا تا آخر عمر از غازی امان الله خان حمایت نمود و در مراسم رسمی در پهلوی شاه قرار داشت. او کسی بود که به تاریخ ۱۹۲۰ نومبر ۱۹ بعد از ادادی نماز جمعه اعلان کرد که امان الله خان یگانه شاه مسلمان در دنیا اسلام است یعنی شاه آزاد، پس باید به نام خلیفه جهان اسلام شناخته شده و خطبه بنام وی خوانده شود.

طوری که قبل‌آغاز شد شاه امان الله خان در دوران اغتشاش جنوبی بر حضرت نور المشايخ مشتبه شده خواست او را زندانی کند، ولی به پاس احترامی که به شخصیت حضرت شمس المشايخ داشت، از حبس نور المشايخ بشرطی منصرف شد که از افغانستان خارج شود. حضرت نور المشايخ هم به نام ادادی مراسم حج از افغانستان برآمده و بعد از آن در سر هند و دیره اسماعیل خان سکونت اختیار کرد. تبعید نور المشايخ، تندي و سرسختی وی را نسبت به رژیم امانی بیشتر ساخت، و فعالیت های او دشمنی آشتبای ناپذیری بین شاه و خانواده روحانی و قدرتمند مجددی را بیار آورد.

بعد از وفات حضرت شمس المشايخ در سال ۱۹۲۵ رهبری طریقۀ نقشبندی هم به حضرت نور المشايخ (مشهور به شیرآغا) و حضرت محمد صادق مجددی (مشهور به آقای گل)، که مخالفین سرسخت امان الله خان بودند، انتقال کرد. در اغتشاشات ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ حضرت نور المشايخ مجددی و حضرت محمد صادق مجددی نقش‌های مهمی را بازی نموده در سقوط رژیم امانی سهم داشتند.

استاد فضل غنی مجددی مینویسد که «امان الله خان در ابتدای سلطنتش از تائید زعمای اسلامی بهره مند بود لیکن در اواسط حکومتش خصوصاً بعد از ۱۹۲۵ هر روز تائید زعمای اسلامی را در نتیجه روش خود در حکومت و سرعت در اصلاحات از دست میداد.⁵⁰³ او علاوه میکند که وفات حضرت شمس المشايخ، مردی معتل و حامی امان الله خان، تقویت مخالفین امان الله خان را سرعت بخشد. آنها نخست مبارزه سیاسی را آغاز کردند، چون نتیجه مطلوب حاصل نشد، دست به مبارزه مسلحانه زدند.⁵⁰⁴

⁵⁰³. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ۳۲۳.

⁵⁰⁴. همانجا، ص ۲۲۷.

«اولیور روی» اسلام‌شناس معروف فرانسه معتقد است که با اعلام سیاست مدرنیزه کردن جامعه افغانی از جانب شاه مناسبات امان‌الله با روحانیت متنفذ برهم میخورد و این در واقع پایان اتحادی است که بنام پان‌اسلامیسم میان قبایل، جامعه، روحانیت و قدرت حاکم تجدد طلب برقرار بوده است. علت اصلی عدم توافق درباره رابطه میان دفاع از اسلام و غرب گرایی است. از نظر علمای بنیادگرا، دفاع از اسلام عبارت از هدایت جامعه به سوی اسلام و شریعت است، مگر از نظر امان‌الله‌خان، دفاع از اسلام یک مقوله سیاسی ضد امپریالیستی است و لازم است با گرایش به سوی غرب جامعه را به سوی تجدد رهنمون شد.⁵⁰⁵

راجع به علت تغییر سیاست رژیم امانی باید گفت که موقف سیاسی امان‌الله‌خان در جنگ استقلال شهرت و محبوبیت زیادی برایش کسب کرد، و پالیسی اولی او بر بنیاد مخالفت با استعمار انگلیس، طرفداری از پان‌اسلامیزم و نشنلیزم استوار بود. او بعد از کسب استقلال هم به حمایت از جنبش خلافت و جنبش‌های آزادیبخش مردم هند ادامه داد. اما بعد از قرارداد صلح با انگلیس‌ها و قبولی مسئولیت‌های سلطنت، غازی امان‌الله‌خان باید روش مناسبات نسبی دوستانه با همسایگان قدرمند انگلیس و روس را در پیش میگرفت. از طرف دیگر تحولات آسیای میانه، شکست امیر بخارا، کشته شدن انور پاشا، لغو خلافت و تحولات دیگری که خارج از افغانستان رخداد، تاثیرات خودش را در افغانستان نیزداشت.

اکثریت مؤرخین خارجی و داخلی معتقد هستند که اختلاف روحانیون و ملا‌ها با رژیم امانی اختلاف مذهبی نی، بلکه اختلاف سیاسی بود. دلایلی که چرا آنها به مخالفت با رژیم امانی آغاز کردند، قسمًاً از دستدادن موقف سیاسی و امتیازات شان (که با پروگرام‌های متفرقی دوره امانی در تصادم قرار داشتند)، قسمًاً کم شدن قدرت مذهبی شان در امور قضائی، و قسمًاً طبیعت عقب‌گرائی شان ذکر شده است.

به گفته پولادا چیزی که ملا‌ها را میترساند برخلاف اتهامات دروغین کفر، عقیده راسخ شاه امان‌الله‌خان به دین مبارک اسلام بود، آنها تلاش‌های ترقی و انکشاف جامعه افغانی و از بین بردن رشوت را بیشتر حمله بر خود تلقی میکردند، تا دیگران.

استاد فضل غنی مجده‌دی که هم به یک خانواده روحانی مخالف امان‌الله‌خان تعلق دارد و هم در پهلوی داشتن ماستری در رشته تاریخ، تحقیقات و آثار زیادی در فقه اسلامی

⁵⁰⁵. اولیور روی، افغانستان، اسلام و نوگرایی اسلامی، صفحات ۱۰۰-۱۰۱.

دارد، میگوید که «موقف شخصی امان الله خان نسبت به دین اسلام را که بعضی مخالفین اش مخالفت و خروج وی از دائرة دین تعبیر نمودند، دور از انصاف است. ما درین حکم با مخالفین امان الله خان همراه نبوده و از خلال تحقیق دانستیم که امان الله خان نسبت به اجدادش در دیانت بهتر بود. امان الله خان در نوشیدن شراب و معشوقه داشتن شهرت ندارد. رفع حجاب را نمیتوان دلیل به کفر امان الله خان دانست»⁵⁰⁶ آقای مجددی علاوه میکند که «اگر به نوشه‌های مخالف درجه اول امان الله خان، حضرت محمد صادق مجددی مراجعت نمائیم کلیمه کفر و خروج امان الله خان را از شریعت ملاحظه نمیکنیم». ⁵⁰⁷

«پولادا» نقش روحا نیون را به بررسی گرفته و راجع به علل مخالفت آنها مینویسد که «امان الله از سفر اخیر خود بخصوص از مشاهده برنامه های پر قدرت مصطفی کمال در ترکیه و رضا شاه در ایران ملهم بود. او آرزو های خود را در زمینه، در لویه جرگه که در آن بیشتر از یک هزار نفر در ۱۹۲۸ در کابل احضار شده بودند با مردم در میان گذاشت. نخست شاه در باره سفر خود گزارش ارائه و بعداً برنامه های رفورم خود را درباره تغییر سریع شرایط اقتصادی اجتماعی افغانستان مطرح نمود. این پروگرام که قلب قدرت روحا نیت را در افغانستان نشانه گرفته بود. شامل تحصیلات ملاها، ایجاد مکتب قضات، مکتب حقوق غیر مذهبی، لغو کامل اوقاف، از بین بردن پیری و مریدی در اردو، تحریم ملاها بی که در «دیوبند» که یکی از مدارس مورد احترام در جهان و یکی از مراکز مهم احیای اسلامی و فعالیت های ضد بر تابوی محسوب میشد از جانب رهبران مذهبی محافظه کار به حیث اعلان جنگ تعبیر گردید». ⁵⁰⁸

عوامل ضعیف گننده حکومت

خیانت سرداران و درباریان فاسد و متملق، که حیثیت مارهای داخل آستین را داشتند، به شمول گروه بندی های داخل دولت، کارشکنی خانواده مصاحبان، و سؤاستفاده از اعتقادات مذهبی عوام و اغتشاشات سبب ضعف و بی ثباتی حکومت مرکزی شد.

⁵⁰⁶. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ۳۳۰.

⁵⁰⁷. همانجا، ص ۲۲۱.

⁵⁰⁸. Poullada, L. B. (1973). صفحات ۱۲۵-۱۲۷.

خیافت سرداران و درباریان

عدم وفاداری و در بسیاری موارد مخالفت، منافقت و سازش‌های درباریان و مأمورین عالیرتبه که حیثیت مارهای پرخط و خال داخل آستین را داشتند، هم در ضعیف ساختن دولت امانی نقش داشت. درینجا چند نمونه‌ایزین مخالفت‌ها و منافقت‌های داخل دربار را ذکر می‌کنیم

سردار شیراحمدخان : بنا بر گزارش حافظ سیف‌الله خان، عامل مسلمان انگلیس در کابل، قبل از آنکه بتاریخ ۲۵ سپتامبر بطرف هند حرکت کند، سردار شیراحمدخان، یکی از درباریانی که بعداً به ریاست شورای دولت رسید، در خفا با او ارتباط گرفته و خواست پیامش به مقامات انگلیسی رسانده شود. او می‌گوید، هنگامی که کالاهایش از نمایندگی انگلیس به ایستگاه موترانتقال می‌یافتد، دفعتاً یک گادی دیگر که شیراحمدخان در آن نشسته بود، در پیش روی آنها قرار گرفته و با اشاره یکتن از کارکنان نمایندگی انگلیس بنام حافظ مطیع‌الله را می‌طلبید. او بعد از آنکه مطیع‌الله را با گادی به یک گوشہ می‌برد به او پیغامی از طرف چند تن از نخبگان افغان را میدهد که در آن جمله گل محمدخان هم شامل بود، کسی که بحیث اولین نماینده حکومت مستقل افغانستان در هند بریتانی اماده گی گرفت با او یکجا به هند برود. در پیغام گفته شده بود که «مردم از امان‌الله خان و طرز حکومتش راضی نیستند، و منتظر آن روزی هستند که کابل توسط حکومت انگلیس ها اشغال شود و افغانستان توسط یک سیستم معقول حکومتی اداره شود. شیراحمد خان گفت که من بی‌صبرانه منتظر هستم از جمله اولین کسانی باشم که فرصت مناسب فیرکردن بر امیر را داشته باشم. او بعد از آن خلاصه دشمنی‌ها و اختلافات خانواده سلطنتی و خانواده‌های نزدیک به آن را بیان نمود. گل محمد خان، نماینده جدید افغانستان در هند، از جمله کسانی بود که در دوران سلطنت امیر عبدالرحمن خان در هند زندگی می‌کرد، و پرسش فیض محمد خان زکریا از دوستان نزدیک غازی امان‌الله خان، وزیر معارف آنزمان و از جمله کسانی بود که مطابق اسناد استخبارات انگلیس بعداً با نورالمشايخ تماس داشته و در توطئه‌های علیه رژیم امیانی سهیم بود.

در دوران اغتشاش منگل، هنگامیکه محمدولی خان دروازی در خوست می‌جنگید، و محمود طرزی تا هنوز از پاریس به کابل نرسیده بود، کفالت وزارت خارجه را همین سردار شیراحمدخان به عهده داشت. او قبلًا بحیث وزیر مختار افغانستان در روم و بعد از آن بحیث رئیس مجلس شورا ایفای وظیفه می‌کرد. او هنگام مذاکرات با مکوناچی شکایت کرد که حکومت بیش از پنج‌صد روپیه قرضدارش می‌باشد، اما کسی به حرف

هایش گوش نمیدهد. او علاوه کرد که به من وعده داده شده بود که در صورت کار خوب معاشم زیاد خواهد شد. اما از آنجائی که به من طیاره‌های از کار افتاده داده شد، بدون آنکه گناه من باشد، نتوانستم معاش اضافی بگیرم.⁵⁰⁹

سردار شیراحمد خان در ملاقات با مأمور سفارت انگلیس، مکوناچی، به تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۲۴، ضمن افشاء اسرار دولتی برای جلب رضایت و خوشخدمتی انگلیس‌ها بر امان اللخان و محمود طرزی انتقاد نموده و میترسید که وظیفه اش را از دست خواهد داد. او اظهار داشت که «کار من ختم شد. من شنیدم که محمود طرزی به کراچی رسیده است... تا وقتی که من در وزارت خارجه بودم برای دوستی بین بریتانیای کبیر و افغانستان کار کردم... علاقهٔ شخصی من کاملاً همین طور است... برای اشخاص تازه به دوران رسیده طبقهٔ پائین مثل [میر] محمد هاشم خان وزیر مالیه و عبدالهادی [داوی] بسیار مناسب است⁵¹⁰ که برای پیشرفت خود چشم برآ نفوذ روسیه در کشور باشند، چرا که پلشویک‌ها همیشه رهبران خود را از طبقات پائین انتخاب میکنند... اما انگلیس‌ها میدانند که با یک سردار چگونه پیش آمد کنند. من کتب تاریخ را خوانده ام و میفهمم که لارد رابرتس هنگامی که در کابل بود، همیشه با نجای افغان با ادب و نراکت زیاد رفتار میکرد، و حتی در بارهٔ امور اداری با آن‌ها مشوره میکرد.⁵¹¹

به اساس اسناد موجود در آرشیف لندن، سردار شیراحمد خان هم از جملهٔ مأمورین عالیرتبهٔ دولت امانی بود، که نورالمشايخ در جریان فعالیت‌های ضد رژیم امانی در هند بریتانیوی با او ارتباط منظم داشت. سردار شیراحمد خان، رئیس شورا، در سال ۱۹۲۸، حینی که روشنفکران تقاضای جدائی حکومت از سلطنت را داشتند، توسط غازی امان اللخان به عنوان صدراعظم یا رئیس وزرا تعین و به تشکیل کابینهٔ جدید مأمور شد، اما به علت نداشتن نفوذ و منزلت خاصی در بین گروه‌های سیاسی هم روشنفکر و هم محافظه کار از همکاری آنها محروم و از ناکامیش به شاه گزارش داد.

.⁵⁰⁹ Stewart, Rhea Talley (2000). آتش در افغانستان)، ص ۲۲۷.

.⁵¹⁰ درینجا طرز فکر و نیت سردار شیراحمد خان را میتوان درک کرد. وزیر مالیه میرمحمد هاشم خان پسر میر عبد العزیز خان از سادات کابل و شخص بادانش و محترم بود. عبدالهادی خان هم از قوم داوی، دانشور، مشروطه خواه و خدمتگار کشور بود. پدر داوی، عبدالاحد اخندزاده یکی از اطبای یونانی بی بود که به دعوت امیرعبدالرحمن خان از قندھار به کابل آمده بود.

.⁵¹¹ Stewart, Rhea Talley (2000). آتش در افغانستان)، ص ۲۷۴.

والی علی احمد خان: یکی از نمونه های بارز درین رابطه والی علی احمد خان میباشد. او قرابت نزدیکی با غازی امان اللہ خان داشته (هم پسر ماما و هم شوهر خواهر)، و از اعتماد زیاد او برخوردار بود. اما وقتیکه در دوران اغتشاش شینوار به سمت مشرقی فرستاده شد، به عوض آنکه از نفوذش برای خاموش ساختن اغتشاش استفاده کند، دست به خیانت و فعالیت های ضد رژیم زده دروازه های شهر جلال آباد را بروی شورشیان باز و پادشاهی خودش را اعلام نمود.

اسناد آرشیف انگلستان نشان میدهد که والی علی احمد خان سالها قبل از اغتشاش شینوار هم میخواسته است با طرح کودتای علیه رژیم امانی خود بر اریکه قدرت تکیه بزند. دریکی ازین اسناد آمده است که بتاریخ ۱۴ ماه می ۱۹۷۷، هنگامی که امان اللہ خان مصروف بازدید و تفتیش صفحات شمال کشور بود، شاغاسی علی احمد خان، که والی بر حال کابل بود، بسیل گولد Basil J. Gould، شارژداری سفارت انگلیس را که در غیاب همفریز مسئولیت امور سفارت را به عهده داشت، به نان شب دعوت مینماید. علی احمد خان از شارژداری انگلیس میپرسد که اگر روس ها بر افغانستان حمله کنند یا در امور افغانستان آشکارا مداخله کنند، بریتانیا چه روشی را اتخاذ خواهد کرد؟ او علاوه نمود پیشیبینی میکند که با درنظرداشت شرایط آتی، بصورت عملی، دادن جواب سؤال او به چند هفته یا چند ماه نیاز خواهد داشت. «افغانستان واقعاً از افراد و شیوه های کار و مشاورین امان اللہ خان، که همه تابع منافع روسیه میباشد، و اکثریت شان به یک مکتب قابل اعتراض مربوط است، نفرت دارد. این بدخواهی به قسمت بزرگی از ارتش، قسمت زیاد مردم مناطق کابل، جلال آباد، و قندهار و تمام قبایل سرحد گسترش یافته است... از طرف دیگر من خودم در قبایل سرحد محبوبیت زیادی دارم. وقت آن میرسد که وطن دوستان مسؤول و گروپ دوستداران انگلیس باید خود شانرا ثابت کنند. پلان ها در مراحل پیشرفت آن بوده اما تا حال تکمیل نیستند. اگر کدام مداخله از بیرون صورت نگیرد، کودتا بدون شک، بغیر از خونریزی، مؤقت خواهد شد. در صورت کودتا، آیا حکومت بریتانیا میخواهد روسیه را از صحنه بیرون نگهداشد؟ کودتا اجتناب ناپذیر است، اما اگر نفوذ روسیه خنثی نشود، به کنار آمدن با آنها ضرورت خواهد بود.»⁵¹²

سردار محمد هاشم خان: فعالیت‌های تخریبی سردار محمد هاشم خان، یکی دیگر از عالیرتبه ترین مأمورین رژیم امانی را میتوان از چند مثال آتی استناد استخبارات انگلیس دریافت:

1. حمایت مخفیانه از پالیسی‌های انگلیس در دربار امیر حبیب الله خان: مسئله وارد شدن در جنگ به طرفداری ترک‌ها علیه انگلیس‌ها در دوران جنگ جهانی اول، دربار امیر حبیب الله خان و حلقه‌های حاکمه را به دو گروپ مخالف تقسیم نمود. در گروپ هودار انگلیس‌ها یا به عبارت دیگر گروپی که میخواست در جنگ بی‌طرف باقی بماند خود امیر، عبدالقدوس خان اعتمادالدوله (صدراعظم)، بی‌بی حلیمه، بیوہ بسیار فعال امیر عبدالرحمن خان (نواسه امیر دوست محمد خان) و تعدادی از تاجرانی شامل بودند که با هند بریتانی تجارت داشتند. در گروپ دوم یابه اصطلاح حزب جنگ، نخست سنت گرا ایان تحت رهبری سردار نصرالله خان، قاضی القضاط حاجی عبدالرزاک خان که توسط روحانیون و رهبران قبایلی حمایت میشد، و ثانیاً تجدید طلبان تحت رهبری محمود طرزی و امان الله خان شامل بودند. اما استناد محترمانه استخبارات انگلیس روشن می‌سازد که موقف نادرخان و برادرانش کاملاً روشن نبود. آنها طرفدار منافع انگلیس یعنی بیطرفی در جنگ بودند، ولی با ترس ازینکه به طرفداری از انگلیس‌ها متهم نشوند، موقف شان را به گونه فور مولبندی نمودند که از تصامیم امیر حبیب الله خان پیروی خواهند نمود. سردار نادرخان و اعضای دیگر خانواده مصاحبان بعداً نیز کوشیدند تا از جنگ‌های قبایل سرحد آزاد علیه انگلیس‌ها جلوگیری کنند.⁵¹³
2. پخش تبلیغات زهراگین سردار هاشم خان علیه غازی امان الله خان در بین قبایل مهمند: در یادداشت محترمانه اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی (۱۹۲۳) آمده است که "مکاتباتیکه بین نائب سالار محمد هاشم خان و یک ملک افغان مهمند دیده شده، میرساند که قبایل سمت مشرقی در تابستان سال ۱۹۲۲ در نتیجه قصه‌های مبنی بر انحراف امیر، وزرا و علمای کابل از رعایت راه صریح اسلام و پیگیری نواوری و پیشرفت‌های بی خدایان آشفته شده‌اند. محمد

.۵۱۳. اوستا اولیسن (۱۹۹۵)، ص ۱۰۱.

- هاشم خان در ماه سپتامبر به طرف معامله اش اطمینان داده و از او خواسته است تا در مورد عقیده مذهبی و حمایت از تعلیم امیر تبلیغ کند.⁵¹⁴
۳. نگرانی اعلیحضرت امان الله خان در رابطه با تخریب اوضاع توسط سردار محمد هاشم خان: در یک سند دیگر اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی (۱۰ اپریل ۱۹۲۴) گزارش داده شده است که "امیر ظاهرا از اقدامات مانع شوندۀ حاکم اعلی جلال آباد، که تنها باعث تشدید مقاومت و رکود پالیسی‌های بدنام [منظور اصلاحات اجتماعی] امیر شده است، نگران می‌باشد. قصد امیر برای برطرفی [حاکم اعلی] از جلال آباد آشکار بوده و اخیرا به وی دو دستور صادر نموده تا در مورد شینواری‌ها و دیگران لحنش را معتدل تر ساخته و از روشن آشتی دادن کار بگیرد. در این ضمیمه [حاکم اعلی] جرگۀ نازیزان را رها نموده و در عوضش در رابطه با قتل دوسپاهی افغان چند تن از سنگو خیل را بازداشت نموده است "...اما ملایمت وی [هاشم خان] در همین جا خاتمه می‌یابد، چون معاون کمیشنر پشاور درین اوآخر اطلاعاتی را بدست آورده که وی در ملاقات با یک جرگۀ "کوه اخیل" و "عیسی خیل" [اقوام جنگجوی که علیه انگلیس‌ها مبارزۀ مسلحانه می‌کردند] از آتش مزاجی و بدرفتاری کار گرفته و آنها را تهدید نموده اند که با اقدامات جزائی لشکر کشی مشترک افغان و انگلیس مواجه خواهند شد. در عوض مهمندی‌ها ازینکه به داؤود شاه پناه داده باشند، انکار نموده اما به وضاحت اظهار داشتند که اگر ایشان [داؤود شاه] را دستگیر هم کنند، هیچ وقت به حاکم اعلی نخواهند سپرد".⁵¹⁵
۴. تخریب رژیم امانی: سردار محمد هاشم خان هنگامی که سفیر برحال افغانستان در مسکو بود، با دیپلمات‌های انگلیسی و سفیر انگلستان در روسیه ارتباط

514. یادداشت محملانۀ شماره هفت (۷) اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتۀ که به تاریخ ۱۵ فبروری ۱۹۲۳ ختم می‌شود، پراگراف شماره ۸۴.

515. یادداشت محملانۀ شماره چهارده (۱۴) اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتۀ که به تاریخ ۱۰ اپریل ۱۹۲۴ ختم می‌شود، پراگراف شماره ۱۹۸.

محرمانه و راجع به نآرامی‌ها در افغانستان صحبت‌های داشته است.⁵¹⁶ درین رابطه قسمت‌های از راپور مؤرخ ۱۷ نومبر ۱۹۲۲ نمایندگی انگلستان در مسکورا نقل می‌کنیم: «محمد هاشم خان سفیر افغانستان برای یکی دو روزی برگشته است تا ترتیبات قبل از رفتن دائمی از مسکورا بگیرد... رفتن محمد هاشم از مسکو بسیار تأسف آور است او در مدت دوسالی که در مسکو بود، با نمایندگی [انگلستان] وضعیت بی نهایت دوستانه داشته، در موقعی شخصاً به من بسیار کمک کرده است... بنظر میرسد که این دو برادر [محمد هاشم خان و محمد نادر خان] از مدت زیادی بدینسو در رابطه با فرستادن جوانان برای تحصیل در خارج، با [حکومت] کابل اختلاف دارند... محمد هاشم خان در اشاره با نارضایتی روزافزون و عدم رضایت در افغانستان گفت که من فکر می‌کنم بزودی انقلابی رخ خواهد داد... او پیشنهاد سفارت ایران را پذیرفته است. او در آنجا دوستی بنام میجر فریزر دارد [این شخص بعداً در عهد محمد نادر شاه بحیث سفیر انگلستان در کابل تعین شد]. در ارتباط نزدیک با کشور خودش، او خواهد توانست جریان اوضاع را از آنجا تعقیب نموده و آماده است در هر موقعی معلومات را به اختیار آقای کلایف Clive قرار دهد. او در رابطه با جانشین خود [میرزا محمد خان سفیر جدید افغانستان در مسکو] هوشدار داد که نباید راجع به مطالب محرمانه با او صحبت کنم».⁵¹⁷

این چند نمونه عدم وفاداری و خیانت درباریان رژیم امانی کافیست تا به ضعف سیاسی رژیم پی برده و مشکلاتی را که غازی امان الله خان در دوران حتی قبل از اغتشاش با آن مواجه بود، درک نمود. در صفحات قبلی به دست داشتن مأمورین عالیرتبه دیگر هم در توطئه‌های ضد رژیم اشاره شده است، که تکرار آن لازم نیست.

خودروشی محافل حاکم به ضعف و فروپاشی دستگاه دولت کمک کرد. سؤ استفاده‌های کارمندان دولتی، در پهلوی خیانت درباریان و دسایس اطرافیان سبب شد تا غازی امان الله خان بهترین دوستان و حامیانش را از دست داده و متنفذین قومی ایکه بین او و قبایل شان حیثیت پل ارتباط را داشتند، ناراض شوند.

. ۳۰۲ Stewart, Rhea Talley (2000).

⁵¹⁷ اسناد محرمانه آرشیف انگلستان، مکتوب شماره ۸۳۳، مؤرخ ۱۷ نومبر ۱۹۲۲، هوجسن سفیر انگلستان در مسکو به وزارت خارجه. L/P&S/10/1203

اختلافات و گروه‌بندی‌های داخل دربار

اختلاف نظر در مورد سیاست داخلی و خارجی دولت و رقابت‌های منفی گروه‌های داخل دربار یکی از عواملی بود که رژیم امانی را از داخل ضعیف می‌ساخت. یک نمونه برآزنده چنین اختلاف بین صدراعظم و وزیر خارجه رژیم امانی را میتوان در نامه مشاهده کرد که سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله به تاریخ ۲۷ سرطان ۱۳۹۹ شمسی (مطابق ۱۷ جولای ۱۹۲۰ م) از قندهار به عنوان شمس المشایخ مجددی و برادرش نور المشایخ در کاغذ رسمی صدارت فرستاده و در آن از تشویش‌های درونی اش پرده برداشته و حتی تهدید دست کشیدن از کار دولت را مطرح می‌کند. او در نامه ارسالی اش مینویسد که علاج مشروطیت اینست که «از طرف شرع‌انور، مشروطه طلبان را باید واجب القتل دانست، و بعد از آن برای تعلیمات علوم جدیده دست و آستین بالانمود. خواستم که در قندهار نیز تعلیم علوم جدید را جاری نمایم لیکن به حکم شرع باید میکروب مشروطه از بین برده شود. از آنست که از علمای اینجا سوالی نموده و جواب گرفتم و به غرض استحضار شما فرستادم اگر لازم میدانید تقدیم حضور نموده دروازه این «فریب» را بند نمائید». ۵۱۸

در متن درخواست فتوای خود که سردار عبدالقدوس خان از علمان مذهبی قندهار نموده به صراحت نگاشته که «... چیزی را که در اساس کار خود قبول کرده نمیتوانم یک چیز می‌بایشد، و آن چیست؟ آن چیز مشروطه می‌بایشد... لهذا میخواهم که به موافقت شما این اصول را از بین برداشته باقی را داخل نسخه اصلاحات کار خود نمایم.

علمای مذهبی به جواب استفتای مفصل سردار عبدالقدوس خان پاسخ مثبت داده سلطنت را تائید کردند و «باقي اقسام هرچه باشد، سیاسی و یا طبیعی، مشروطی یا جمهوری، بلشویکی و یا منشویکی وغیره وغیره... مردود العقل والشرع» دانستند.⁵¹⁹ مرحوم غبار می‌گوید که علمای مذهبی قندهار با این جواب خود گرچه رژیم مشروطه را طرد کردند، معهذا از دادن فتوای مبنی بر قلع و قمع مشروطه خواهان چنان‌که صدراعظم (سردار عبدالقدوس خان) میخواست سرباز زند.⁵²⁰

۵۱۸. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۷)، ص ۸۰۲؛ مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ص ۲۲۳.

۵۱۹. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۷)، ص ۸۰۴.

۵۲۰. در قسمتی از جواب یازده صفحه‌بی علمای دینی قندهار آمده بود که "چه از نگاه عقلی و چه قانونی فقط یک نوع حکومت که آنهم (خلافت و امامت) است، میتواند برای تعمیل قوانین

شادروان غبار علاوه میکند نه اینکه صدراعظم با وزیر خارجه و شخص شاه اختلاف نظر اساسی داشت، بلکه در حکومت مرکزی و ولایات کشور یک قسمت عمده مأمورین دولت با طرح‌های جدید دولت مخالف و یک قسمت دیگر به دشمن حکومت تبدیل شده میرفتند، این اوضاع به تدریج زمینه یک اختلال خط‌ناک را تهیه مینمود، و کسانیکه روی یک نقشه معین و مرموزی حرکت میکردند با انواع مختلف از کارشکنی و سبوتاز دریغ نمی نمودند مثلاً هنگامیکه دولت برای تنظیم عصری اردو متوجه و افسران کار آگاه خارجی چون ضیا بیگ و همکارانش را استخدام نمود، اینها یک جزو تام اردو را در مهتاب قلعه بدست گرفته و با نظم نوین و تعلیم و تربیه و تغذیه عسکر و افسر بشکل یک قطعه عصری درآورند. این قطعه که نمونه کاملی برای تنظیم تمام اردوی کشور بود «قطعه نمونه» خوانده می شد، در حالیکه از طرف افسران مخالف قطعه دیگری بنام «نمونه شکن» تشکیل شد، و بلاخره قطعه نمونه از بین رفت، و اردو به حالت ابتر قدیم باقی ماند.

در راپور ماه اگست ۱۹۲۰ استخبارات انگلیس از ساختن یک گروپ توسط سپه سالار محمد نادرخان و مخالفت آن با محمود طرزی هم گزارش داده شده است. درین گزارش آمده است که در گروپی که نادرخان در مخالفت شدید با محمود طرزی تشکیل داده است، غلام حیدرخان وزیر تجارت، کرنیل پیر محمدخان و نرنجن داس شامل میباشدند. گزارش علاوه میکند که شمولیت نرنجن داس توانمندی این گروپ را نشان میدهد، زیرا او نمیتواند از یک گروپ ضعیف و بازنده پشتیبانی کند.⁵²¹

دریک گزارش دیگر قبلی همین اداره استخبارات انگلیس ها گفته شده بود که نفوذ نادرخان بر امان الله خان رو به افزایاد بوده و گروپ مخالف محمود طرزی آرزومند است

آسمانی و پیاده کردن نظام سیاسی مقدر از جانب پروردگار وجود داشته باشد. و هرچه از خوبی ویا بدی که بر نوع بشر تأثیری وارد میکند، بوسیله همین نوع حکومت تعیین خواهد شد. و آنچه که خارج این حدود باقی بماند، چه سیاسی باشد و یا طبیعی، مشروطه و یا جمهوری، بشویکی و یا منشویکی که بنای آنها بر داوری الهی استوار نباشد و یا عدالت جهانی را برای بهبودی روحی و جسمی انسانها در این جهان و دنیا م بعد در نظر نگیرد، و بنام درست کاری، فساد و در لباس مدنیت نفرت و حشت را تشویق نماید، مطابق به صلاحیت شرعی علماء و دلایل ساده دیگر مردود اعلام می شود.

⁵²¹. اسناد آرشیف هند بریتانی، یادداشت شماره ۳۵ دفتر استخبارات ایالت سرحدی شمال مغربی برای هفته بیست و ششم آگست ۱۹۲۰.

در رابطه با نتایج کنفرانس میسوری چانس وارد کردن صدمه بر محمود طرزی را بدست آورد. اما گفته میشود با وجودیکه محمود طرزی در باره حل مسایل از طرف امیرداری اختیارات مطلق میباشد، او تمام سؤالها را برای تصمیم گیری به امان الله خان راجع میکندتا در صورت امکان دادن کدام مراعات به انگلیس ها از گفتار مخالفین خود جلوگیری کرده باشد.⁵²²

در اسناد دیگر آرشیف هند بربیتانوی نیز به گروه سپه سالار محمد نادرخان اشاره شده است. دریکی ازین مکاتیب چلمسفورد راجع به وضعیت افغانستان بتاریخ ۲۵ می ۱۹۲۰ به پادشاه انگلستان مستقیماً راپور میدهد که «بدون شک در افغانستان دو گروپ موجود اند- یکی ازین گروپ ها را نادرخان سپه سالار اردوی افغانستان رهبری میکند، و خوش است مناسبات خراب افغانستان با ما ادامه داشته باشد». ⁵²³

علاوه بر مثال های که در صفحات قبلی نیز ذکر شده اند، اختلافات سردار محمد نادرخان با محمدولی خان دروازی، خانواده چرخی، و اختلافات کفیل وزارت حربیه با وزیر داخله وغیره قابل یادآوری اند، که برای جلوگیری از طوالت کلام از تفصیل آن میگذریم.

اشتباهات غازی امان الله خان

هیچ جای شکی نیست که غازی امان الله خان هم یک انسان و جوان بوده، عاری از عیوب و اشتباہ نبود. او بیصرانه در راه رسیدن هرچه زودتر به اهداف عالی و انسانی اش که آرامی و آسایش ملت و پیشرفت و ترقی کشورش بود، میکوشید، و در بعضی موارد به اصلاحات فرعی و غیر اساسی نیز دست زد. اما اینکه انتقاد کنندگان بعد از سقوط رژیم او، و آنهم بدون تجزیه و تحلیل پروگرام های اصلاحی، دست به حملات و انتقدادات شخصی میزنند، دور از واقعیت و بی انصافی میباشد.

عوامل خارجی سقوط رژیم امانی

درینجا صحبت از عوامل خارجی و تحریکات اجانب را برای جلوگیری از طوالت کلام، به مداخلات و توطئه های انگلیس خلاصه میکنیم. راجع به نقش و تاثیرات پالیسی ها

⁵²². اسناد آرشیف هند بربیتانوی، یادداشت محترمانه شماره ۲۵ اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتة که به تاریخ ۱۷ جون ۱۹۲۴ ختم میشود، پراگراف شماره ۷۰۸

⁵²³. اوراق محترمانه از آرشیف های شاهی بربیتانیا، به اهتمام پی این چوپره، ص ۲۰۰.

و اقدامات نیروهای خارجی دیگر مثل کشورهای اتحاد جماهیر شوروی، آلمان، ترکیه و ایران در قسمت‌های دیگر اشاراتی صورت گرفته است.

استعمار انگلیس نمیخواست یک افغانستان قوی و پیشرفته در پهلوی هند بریتانی زنگ خطری در گوش شان باشد. چون پیشرفت و ترقی افغانستان برای کشورهای آسیائی یک نمونه شده میتوانست، لذا انگلیس‌ها آنرا برای سلطه خود در هند یک تهدید بزرگ میشمردند.

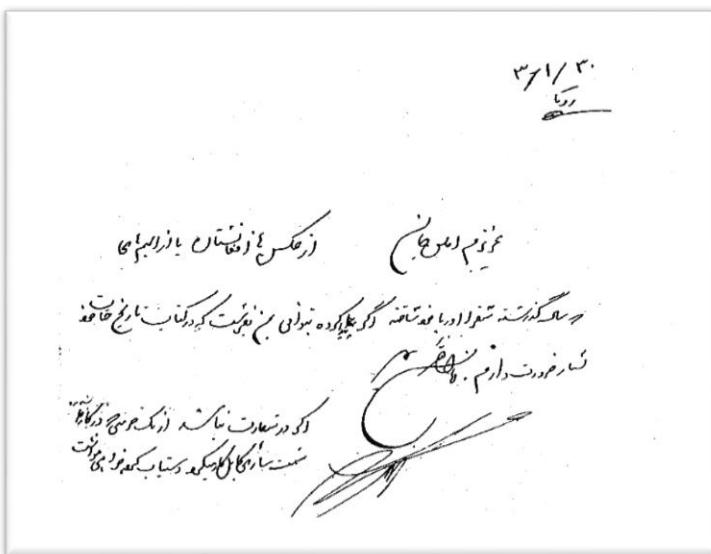
لیون پولادا نویسنده کتاب اصلاحات و اغتشاشات در افغانستان معتقد است که از نظر انگلیس‌ها فعالیت‌های امان‌الله خان خطرات سه گانه را متوجه هند بریتانی میساخت. امان‌الله خان عقیده داشت که افغانستان بحیث یک دولت مستقل حق تأسیس روابط دوستانه را با اتحاد جماهیر شوروی دارد. همچنین از وجایب پادشاه یک دولت مستقل مسلمان است که از برادران مسلمان خود که در هند اسیر هستند، پشتیبانی نماید. بالاخره تأسیس روابط با اقوام مأورای خط دیورند که با افغانستان ارتباط نژادی، مذهبی و تاریخی دارند، و بریتانیا در معاہدة ۱۹۲۱ میلادی حقیقت را اعتراف و از حقوق طبیعی افغانستان شناخته است، مجاز میداند.

نظریات غازی امان‌الله خان راجع به دست داشتن انگلیس‌ها

یکی از اسنادی که در رابطه با نقش انگلیس‌ها در سقوط رژیم امانی روشنی بیشتر و بهتر انداخته میتواند، نظریات تحریری خود غازی امان‌الله بوده میتواند. درین که غازی امان‌الله خان بعد از ترک وطن در فکر نوشتن و نشر خاطرات خود بوده است، شکی وجود ندارد. محترم سردار کبیرالله "سراج" برادرزاده شاه امان‌الله خان درین رابطه میگوید که ضمن دیدارش در سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۶ از اعلیحضرت پرسیده است که «شما چرا خاطرات خود را بعد از سقوط دولت تان نوشتید که درج تاریخ افغانستان شود؟» بروایت آقای سراج اعلیحضرت در جواب گفتند که «من یادداشت ها و خاطرات خود را نوشتته و به نوتر (منشی) خویش سپرده ام تا صد سال بعد ازین زمان آنرا بنشر بسپارم. زیرا اگر حالا بنشر میرسید، برای فامیل من مشکل تمام میشود و آن به

خاطریکه شخصیت‌های خاین به من و وطن حالا هم حیات دارند و در کرسی‌ها و مقام‌های بزرگ دولتی و حکومتی کشور قرار دارند.⁵²⁴

دانشمند محترم افغان، داکتر عنايت الله شهراني، در کتاب "شاه ولی خان دروازی و کیل السلطنت اعليحضرت امير امان الله خان غازی" نيز سندی را بنشر سپرده است که نشانده‌نده تصمیم غازی امان الله خان مبنی بر نوشتن تاریخ حیاتش می‌باشد. این سند نامه شاه امان الله خان به محمد امین خان، خواهرزاده مرحوم محمد ولی خان دروازی، وزیر مختار افغانی برلین می‌باشد که بتاریخ سوم ماه جنوری ۱۹۳۰ از روم فرستاده شده است.



37. نامه شاه امان الله خان غازی به محمد امین جان خواهرزاده مرحوم محمد ولی خان دروازی

524. این گفته را که در صفحات مختلف اینترنت نیزنشر رسیده است، محترم سردار کبیر الله خان سراج دو سال قبل طی صحبتی در منزل شان در کلیفورنیا جنویی به این نگارنده نیز تکرار کرده است. از اسنادی که در قسمت‌های مختلف همین کتاب ارائه شده است، بنظر میرسد که غازی امان الله خان با درنظرداشت اختناق حاکم افغانستان نمی‌توانست با نشر این خاطرات زندگی همکاران و هواداران خود و خانواده‌هایشان را در داخل و خارج از افغانستان به خطر مواجه سازد.

درین نامه ذکر شده است که «از عکس‌های یا از البمها که سال گذشته سفر اروپا با خود ساخته اگر پیدا کرده بتوانی بمن بفرست که در تاریخ حیات خود بسیار ضرورت دارم اگر در سفارت نباشد، از یک جرمی که در کارخانه سمنت سازی کابل کار میکرد، دستیاب کرده خواهی توانست». ⁵²⁵

شاهدخت هندیه، دختر غازی امان الله خان، که در سال ۲۰۱۱ برای شرکت در محفل تجلیل از نود و دو مین سالروز استقلال افغانستان به شمال کلیفورنیا آمده بود، گفت که «راجع به این خاطرات شنیده، اما تا حال به پیدا کردن آن موفق نشده است».

چون متاسفانه تا حال دسترسی به خاطرات خود غازی امان الله خان (اگر براستی وجود داشته باشد) ممکن نیست، به روایت ستارک، سفیر وقت روسیه در کابل، مراجعه میکنیم.

ستارک، سفیر روسیه در کابل، به تاریخ ۲۵ نومبر ۱۹۲۸ خواستار باریابی گردیده و از شاه امان الله خواست او را از اوضاع مطلع سازد. شاه بی مقدمه چنی به شکل بس قاطعانه اعلام داشت که قیام از سوی انگلیس ها برانگیخته شده و متوجه شخص او میباشد». استارک نوشت «آنچه مربوط به مسئله عوامل شورش میگردد، پادشاه تأکید کرد بغیر از عوامل اصلی ناخوشنودی از خود اصلاحات و بهره گیری ماهرانه ازین ناخوشنودی از سوی انگلیس ها - درین جا نقش نه کمتری را همچنان تحریف اصلاحات در محلات و اشکال ناشایسته اجرای آن بازی نموده است». ⁵²⁶

نمونه های از شواهد و اسناد موجود دسیسه های انگلیس

۱. توطئه تعویض اعیلحضرت امان الله خان توسط انگلیس ها

اسناد اداره استخبارات هند بریتانی نشان دهنده آنست که انگلیس ها بعد از شکست اغتشاش خوست در فکر کودتاه و تعویض غازی امان الله خان توسط یکی از اشخاص مورد نظر شان بودند. یکی ازین اسناد تلگرام شماره ۸۱، مؤرخ ۲ جون ۱۹۲۷ از کابل

⁵²⁵. شهرانی، عنایت الله (۱۳۸۵/۲۰۰۷)، ص ۴۶۲.

⁵²⁶. اسناد سیاست خارجی سوری، جلد ۱۲، صفحات ۵۲۳-۵۲۴ (بحواله ولدارسکی، میخاییل - ترجمه عزیز آریانفر (۲۰۰۱)، ص ۱۹۵).

است که در رابطه باعواقب چنین پیش آمد، شانس نادر خان و موقف مادر پر نفوذ غازی امان الله خان ابراز نظر میکند. گولد شارژ افیر انگلیس از کابل درین تلگرام مینویسد که "اول) من هیچ دلیلی ندارم تصور کنم تا علیا حضرت [مادر غازی امان الله خان] علیه فرزند مقریش (؟ چه در مخالفت یا توطئه به مقابله) سهم بگیرد، مگر اینکه امیر راهی را انتخاب کند که به نظر وی [مادرش] (مهلک؟) ثابت شود و با تمام نفوذش نتواند وی را از آن منحرف سازد. اگر امان الله قربانی یک کودتا شود، وی شاید نسبت به عنایت الله خان و یا فرد دیگری از خانواده پاینده خان، برادرزاده و دامادش علی احمد را ترجیح دهد. دوم) قرار معلومات من، روابط علی احمد با خانواده سلطان محمد خیل (...) نیست و وی هم به ائتلاف با این خانواده مایل نخواهد شد، مگر انکه یک تهدید پایدار به مقامش باشند."⁵²⁷

ب. توطئه پنیاله و تلاش بر انداختن فرقه "استقلال و تجدد"

پنیاله (Paniala) اسم محلیست در مجاورت پهار پور در دیره اسماعیل خان و طرحی که برای برانداختن رژیم امانی درین منطقه پیشنهاد شده بود، در اسناد محرمانه موجود در آشیف هند بریتانیوی این طرح تلاش بر انداختن فرقه "استقلال و تجدد" بنام «توطئه پنیاله» ذکر شده است. درین طرح که در آن روحانیون پرنفوذ، سرداران و مأمورین عالیرتبه دولتی سهیم بودند، کمک قبایل، همکاری چند نفر از صاحب منصبان ارشد اردو و چند تن از والیان وابسته به گروپ توطئه گران نیز در نظر گرفته شده بود. هدف این طرح کودتای بود که در جریان سفر غازی امان الله خان به اروپا در نظر گرفته شده بود. درین کودتا باید محمد ولی خان و کیل سلطنت و اعضای فرقه جدید التأسیس "استقلال و تجدد" دستگیر و اقتدار بدست طرفداران سپه سالار محمد نادر خان که در فرانسه بسر میبرد، انتقال میکرد.

اهمیت توطئه پنیاله به حدی بود که "بی، جی، گولم" شارژ افیر انگلیس در کابل، با نزدیک شدن تاریخ آغاز عملیات که ۸ مارچ ۱۹۲۸ تعین شده بود، در تلگرام مؤرخ ۲۸ فبروری خود از حکومت هند بریتانیوی خواهش کرد که نظر به اهمیت موضوع تمام جریانات مربوط به این توطئه به اطلاع لندن رسانیده شود.

⁵²⁷ اسناد آرشیف مربوط به هند بریتانیوی در لندن، تلگرام شماره ۸۱، مؤرخ ۲ جون ۱۹۷۶ شارژ افیر سفارت انگلستان از کابل.

در راپور استخبارات بلوچستان از قول حاجی دوست محمد گفته شده است که این توطئه ملاها توسط فضل عمر، حضرت صاحب شور بازار کابل، سازمان یافته است. ادعا میشود که وی در جمله اشخاص عمدۀ دیگر با عبدالعزیز خان وزیر حربیه، شیر احمد خان رئیس شورا که فعلًا شاه امان‌الله را همراهی میکند، محمد عثمان خان سابق والی قندهار و یکی از حامیان ایوب خان در دوران زندگی اش، در مکاتبه بوده است. در صفحات ۲-۳ گفته میشود که هدف، برانداختن فرقۀ "جدید" [فرقۀ استقلال و تجدد که رئیس عمومی و بانی آن اعلیحضرت غازی امان‌الله خان بود] است. لست افغان‌های برجسته منسوب به این توطئه (صفحه ۱۵) که قرار بود قبل از هشتم (۸) مارچ آغاز شود شامل شاه محمود، نائب‌الحكومة جلال‌آباد، برادر نادر خان نیز بود.

در تحلیلی که انگلیس‌ها از اوضاع افغانستان داشتند بهترین وقت برای کودتا دوران سفر غازی امان‌الله خان به اروپا بود. آغاز این سفر در زمستان و در آن سال مصادف با ماه رمضان بود. وسایل ارتباط جمعی در افغانستان انکشاف نکرده بود و تنها یک اقلیت بسیار کوچک مردم توانندی و علاقه به خواندن روزنامه‌ها را داشتند، و این زمینه خوبی را برای پخش شایعات مساعد می‌ساخت از طرف دیگر اینکه چه کسانی شاه را درین سفر همراهی میکنند، نیز اهمیت زیادی داشت: چه کسانی از مقریین و اشخاص قابل اعتماد درین سفر از کشور برای مدتی دور میرفتند؟ آیا کسانی که درین سفر او را همراهی نمیکردند، از عهدۀ پیشبرد مسئولیت‌های امور کشور در غیاب شاه و حفظ سلطه او بخوبی برآمده میتوانستند؟ در لست همراهان شاه چه کسانی فقط برای اینکه از خطر توطئه‌های شان در غیابت شاه پیشگیری شده باشد، شامل بودند؟ در پلان انگلیس‌ها، برای خلق کردن مشکلات به رژیم امانی، امکانات استفاده افرادی یا جمعی از چند جهت مطالعه شده بود. این جهات عبارت بودند از قیام قبایل، خانواده‌شاه آغاسی، خانواده مصاجبان، و حتی یک جنبش دیموکراتیک.⁵²⁸

در دوران سفر غازی امان‌الله خان سپه سالار محمد نادر خان و برادرانش دوبار به ملاقات غازی امان‌الله خان رفتند. و در جلال‌آباد و نقاط دیگر افغانستان هم شایعاتی پخش شد که گویا سپه سالار محمد نادر خان با غازی امان‌الله خان آشتی نموده و بزوادی به افغانستان بر می‌گردد.

528. شاید اینجا منظور حزب نقابدار باشد.

اما توطنی کودتا با وصف تمام را زداری ها و کوشش های ستر و اخفاک آن توسط حکومت افغانستان به موقع کشف شد. دست شاه محمود خان بصورت عاملانه از کار گرفته شده و به کابل اعزام گردید، و تعدادی از اعضا شبهکار از کاربرکنار و تعدادی هم تحت مراقبت قرار گرفتند. اینکه با کشف این توطنی بنابه هدایت غازی امان اللہ خان تا برگشتش هیچ کسی زندانی و یا کشته نشد، مأمورین انگلیسی غافل گیر شدند. آنها از نداشتن معلومات کافی درباره کشف کودتا به تشویش بودند. شارژ دافیر انگلیس مقیم کابل طی تلگرام پنجم مارچ ۱۹۲۸ به وزارت خارجه خود نوشت که از یکطرف آوازه های آشتبانی محمد نادر خان با شاه و بازگشتش به افغانستان، حتی قبل از بازگشت شاه، و از طرف دیگر موقوفی شاه محمود خان برادرش از نائب الحکومگی جلال آباد و بیکاری اش باعث نگرانی شدید شده است. لطفاً راجع به نادر خان هر معلوماتی را که دارید بما لطف کنید. دفتر خارجه از لندن به سفارت خود در کابل نوشت که «معلومات محترمانه رسیده به ما نشان میدهد که نادر خان با دو برادرش امان اللہ را در روم ملاقات کرد. پذیرائی سرد سبب انجار آنها شده، لذا با عجله به جنوب فرانسه برگشته و تا حال در آنجا میباشد». ⁵²⁹

ج. موجودیت کرنیل لارنس در سرحدات افغانستان

عدد زیادی از محققین خارجی و داخلی نقش جاسوس مشهور انگلیس، لارنس Colonel T. E. Lawrence سقوط رژیم امانی ذکر کرده اند. جریده سندي ایکسپرس لندن (London Sunday Express) بتاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۲۸ اطلاع داد که لارنس در یک مأموریت مخفی در سرحدات افغانستان میباشد. جریده امان افغان نیز در شماره ۱۲ دسمبر ۱۹۲۸ تبصره نموده نوشت که شخصی که عرب های سیاه بخت را علیه ترک ها تحریک کرد، در صدد ایجاد فساد در افغانستان میباشد. روزنامه دیلی نیوز لندن (The London Daily News) نیز بتاریخ ۵ دسمبر ۱۹۲۸ گزارش داد که لارنس در هند مشغول آموزش لسان پشت بوده و میخواهد به افغانستان برود. مطبوعات بین المللی نیز معتقد بود که لارنس در سرحدات افغانستان مصروف توطنی برانداختن رژیم امانی میباشد.

روزنامه زمیندار لاهور نیز مطالب کوتاهی روی همین موضوع از لندن و یکلی (هفتة نامه لندن) نقل نموده نوشت که «برنامه اصلاحاتی شاه بعد از مراجعتش از اروپا از

⁵²⁹. اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۲ دفتر خارجه انگلستان به سفارت کابل.

نگاه علاقمندی سیاسی روسیه بلشویکی در شمال به سرزمینهای هند بریتانی در جنوب از اهمیت بخوصی بر خور دار میباشد. بنابران کرنیل لارنس به آشوبی که خود در افغانستان بذر نموده در همانجا رسیدگی خواهد کرد.⁵³⁰

روزنامه بمئی کرونیکل (وقایع بمئی) ضمن گزارشی از سرگذشت لارنس ادعا کرد که مشکلات افغانستان توسط دشمنان دولت و از طریق عده‌ای از گماشتگان خارجی، که میخواستند این کشور را از استقلال محروم سازند، ایجاد شده است. روزنامه مذکور نظریات مسکور را در مورد حوادث افغانستان چنین نقل کرد: "یک تعداد رساله‌های چاپی با اعلامیه‌های شورش علیه شاه که حاوی عکس‌های ملکه ثریا بود، در بین مردم قبایل توزیع شده است. شورشیان با آخرین سلاح و مهمات جنگی ساخت انگلستان مجهر می‌باشند".⁵³¹ قبل از این هم در نهم دسمبر ۱۹۲۸ خبررسانی رویتر شمولیت لارنس را در شورش شینوار تأیید کرده بود. روزنامه همدرد افغان خبرداد که کرنیل لارنس با استفاده از لقب پیر کرم شاه و در بحبوحه شورش به افغانستان داخل شد.⁵³² روزنامه مذکور مکاتیبی را که عنوانی یک ملای معروف نوشته شده بود به چاپ رسانید و روش روحانیون را بمقابل امان الله خان مورد انتقاد قرار داد.

به گفته سنzel نوید اینکه شورش در مجاورت خط مرزی دیورند آغاز یافته بود، این گمان را که کرنیل لارنس و انگلیسها در شورش شینوار دست داشتند، تقویت میکرد. شایعاتی هم در جریان بود که جاسوسان انگلیس در بین بعضی از گروه‌های مذهبی نفوذ کرده اند. یکی از این شایعات حاکی بود "که اغتشاش توسط حضرت شوربازار رهبری میشود. حرکت فوق العاده حضرت شوربازار (محمد صادق مجددی) که از هیئت نمایندگی انگلیس و شخص همفریز جهت متارکه جنگ و خارج نمودن افراد خانواده سلطنت و خارجیان، کمک خواسته بود، باعث شد که مطبوعات هند، اروپا و شوروی در باره نقش همفریز در حوادثی که منجر به سقوط امان الله خان گردیده بود، سوالاتی مطرح نمایند".⁵³³

Zamindar, Dec. 15, 1928, NWFIB, P992, No. 1, January 5, 1929.⁵³⁰

Bombay Chronicle, January 19, 1929.⁵³¹

. همدرد افغان، ۱۹۲۹، ۱۸ اپریل.⁵³²

. نوید، سنzel /ترجمه مجددی، نعیم (۱۳۸۸)، ص ۲۲۹.⁵³³

لارنس از سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۲۸ هجره (۱۸) ماه را در هند بریتانی سپری نمود. او برای مدتی هم در میرانشاه، متصل سرحد پکتیا، تحت نام مستعار "شاو" متخصص امور هوائی و هدایت طیارات بسر میبرد، تا اینکه جریده سندي ایکسپرس لندن که مربوط به حزب مخالف حکومت محافظه کاران بود، به خط درشت تحت عنوان «کرنیل تی. ای. لارنس مسؤول شورش قبایلی های افغانستان علیه شاه امان الله است» خبر موجودیت او را در سرحدات افغانستان بنشر سپرد. انعکاس وسیع این خبر در مطبوعات و حلقات سیاسی انگلستان و اروپا موجب سراسیمگی دوایر سیاسی لندن و هند شد، تا اینکه فرانسیس همفریز، سفیر انگلیس در کابل، دیوانه وار از حکومتش تقاضا نمود او را از منطقه اخراج کنند.

به اساس اطلاعاتی که در دسترس احزاب مخالف انگلستان قرار داشت و از آن بحیث وسیله تاخت و حمله بر سیاست حکومت محافظه کار در پارلمان استفاده نمودند، حکومت انگلستان نمیتوانست از موجودیت لارنس در سرحدات افغانستان منکر شود، اما از دست داشتن آن در رویداد های افغانستان منکر شد. آستن چمبرلین وزیر خارجه انگلستان بتاریخ ۲۲ جنوری ۱۹۲۹ به جواب سؤال نماینده حزب لیبرال اعلام نمود که «اگرچه لارنس در میدان هوائی میرانشاه بحیث یک کارگر عادی طیاره کار میکرد، و هیچ ربطی با رویداد های افغانستان نداشت، لیکن چون موجودیت او در نزدیکی سرحد افغانستان موجب ناراحتی وزیر مختار ما را در کابل فراهم نمینمود، از آنجا تبدیل شد».

در اسناد آرشیف انگلستان سندي که دست داشتن لارنس را در توطئه ضد رژیم اماني ثابت سازد، مثل اسناد مستقیم دیگر دخالت انگلیس، دیده نشده است، اما اسناد متعددی موجود اند که دروغ و کتمان ادعاهای انگلیس را ثابت میسازد. مثلاً سفیر انگلستان در کابل بعد از نشر مضمون طویل جریده امان افغان درباره موجودیت کرنیل لارنس در کوه های افغانستان نوشت که نشر این مضمون دلچسپی و شک های زیادی را در بین حلقات دیپلوماتیک ایجاد کرده است. من میخواهم از طریق تلگرام از محل لارنس مطلع شده و اجازه داشته باشم در اعلامیه بی بصورت مطلق از موجودیت او در نزدیکی های سرحد افغانستان و دیدار او از افغانستان انکار کنم.⁵³⁴ سفیر انگلیس یک روز بعد جواب تلگرام خود را از لندن دریافت کرد. درین تلگرام نوشه شده است که «لارنس فعلاً از میرانشاه تبدیل شده و در واحدش در پشاور میباشد. شما میتوانید بصورت مطلق از بازدید او از افغانستان منکر شوید. در ابتداء با تلگرام شماره ۲۰۶

⁵³⁴. اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۱۱ مؤرخ ۱۳ دسمبر ۱۹۲۸ سفارت کابل.

شما، حکومت هند اطمینان دارد که در رابطه با نشر مضمون امان افغان که در آن از دست داشتن بریتانیا در اغتشاش ذکر شده بود، شدیداً احتجاج خواهید کرد. بعضی اشاراتی در مطبوعات هند، عمدتاً نشرات جسور نیز صورت گرفته است، که ما امکانات تعقیب فوری قانونی آنرا مطالعه می‌کنیم.⁵³⁵ سفير انگلستان در تلگرامی که به آن اشاره شده است، از قول سفير ایتالیا در کابل نوشته بود که «ستارک، سفير روسیه، برایش گفته است که در باره دخالت حکومت هند در توپه‌ها و تشویق شینواری‌ها به اغتشاش اسناد و شواهد مثبتی را در بدست آورده است.» همفریز ادعا کرده بود که «چون مدیر مسئول جریده امان افغان از سفارت روسیه معاش می‌گیرد، لذا در شماره ۸ دسمبر خود چنین افترا را باوضاحت نش نموده است.»⁵³⁶

در یک سند دیگر می‌خوانیم که سفير انگلیس در کابل بتاریخ ۸ جنوری ۱۹۲۹ از حکومت هند بریتانی خواسته است تاریخ حرکت لارنس از پشاور بطرف لندن را بداند.⁵³⁷ در جوابی که سفير انگلیس گرفت در یک سطر به اختصار نوشته شده بود که «لارنس بتاریخ ۸ جنوری میرانشاه را ترک گفته است.»⁵³⁸ حالانکه قبل‌آیدیم که بتاریخ ۱۴ دسمبر، یعنی سه هفته قبل، وزارت خارجه به همین سفيرش اطمینان داده بود که لارنس از میرانشا به پشاور تبدیل شده و در آنجا می‌باشد.

قابل یادآوریست که حتی نبودن سند هم، نمیتواند دلیل نبودن حقیقت یک موضوع باشد. اولاً تمام اسناد محترمانه آرشیف انگلیس بدسترس محققین قرارداده نشده‌اند. در اسناد موجود حتی نام‌های افراد و خانواده‌های متعددی حذف شده‌اند، زیرا افشاری آن یا منافع مشترک شانرا با خطر مواجه ساخته، یا خطر رسوائی سیاسی را به بار آورده و یا هم مانع استفاده آینده از آنها می‌شود. ثانیاً در آرشیف مذکور اسناد متعددی وجود دارد که نشان دهنده تلاش‌های جعل سازی در اسناد و جلوگیری از افشاری حقایق را نشان میدهد.

درین جا خالی از دلچسپی نخواهد بود تا یک مثالی از تلاش‌های وسیع دستگاه استخبارات و امنیت انگلیس را بعد از نشر دو مقاله از شخصی به نام داکتر فرانسیس

⁵³⁵. همانجا، تلگرام شماره ۱۴۵۸-ک، مؤرخ ۱۴ دسمبر ۱۹۲۸ وزارت خارجه.

⁵³⁶. همانجا، تلگرام شماره ۲۰۷ مؤرخ ۱۱ دسمبر ۱۹۲۸ سفارت انگلستان در کابل.

⁵³⁷ همانجا، تلگرام شماره ۱۴-ایف، مؤرخ ۸ جنوری ۱۹۲۹ سفارت انگلیس در کابل.

⁵³⁸ همانجا، تلگرام شماره ۳۰-این، مؤرخ ۹ جنوری کمشتر عالی ایالت سرحدی شمال غربی.

هیفلاک (Empire News) در نشریه ایمپایر نیوز (Doctor Francis Havelock) ذکر کنیم.

دکتر فرانسیس هیفلاک در مصاحبه که بتاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۲۸ در ایمپایر نیوز بنشر رسید از تجمع قوای نظامی در سرحدات افغانستان و سفر جاسوس معروف Trebitsch Lincoln خبر میداد، کسی که ادعای میشد همیشه تفنگ های انگلیس به تعقیب شده است. قسمت دوم مصاحبه که بتاریخ ۷ جنوری ۱۹۲۹ بنشر رسید، «حرکات مخفیانه کرنیل لارنس در شرق و یک اخطار» عنوان داشت. هیفلاک یک دکتر و مبلغ مذهبی بی خوانده شده بود که به تازه گی از افغانستان برگشته است.

انگلیس‌ها از نشر این مصاحبه‌ها به هراس افتاده کوشیدند دکتر موصوف را شناسائی نموده و صدایش را خفه کنند. استخبارات انگلیس برای شناسائی مصاحبه کننده نخست به سراغ انجمن عمومی تعلیمات صحی و ثبت نام دکتوران انگلستان رفت. اما اسم فرانسیس هیفلاک را در کتاب ثبت نام طبی نیافت. به آنها گفته شد که شاید این یک دکتر امریکائی باشد. مأمورین انگلیسی بعد از آن به سراغ شورای کلیساها و انجمن مبلغین مذهبی رفتند، اما آنها نیز از آشنائی با دکتر موصوف اظهار بی خبری نموده گفتند که او یکی از اعضای منظم انجمن‌های مبلغین مذهبی ایکه در هند فعالیت میکنند، نمیباشد. اما مؤسسات تبلیغاتی دیگری نیز هستند که در کشمیر و ایالت شمال مغربی هند بریتانی ای در نزدیکی های مشهد فعالیت میکنند، او ممکن است یکی از اعضای آن گروپ باشد.

مأمورین استخبارات بعد از آن به سراغ ایمپایر نیوز و اتحادیه روزنامه‌ها رفتند و دریافتند که مضامین منتشر شده توسط آژانس خبری «شیفرد» تهیه شده است. آنها از شیفرد اسم «جورج جیننگ» را بدست می‌آورند، خبرنگاری که مصاحبه مذکور را انجام داده بود. تحقیقات از جیننگ نشان داد که او در ماه دسامبر در یکی از رستورانت‌ها با دکتر هیفلاک، کسی که در هند و افغانستان سفرهای متعددی را انجام داده و با اوضاع منطقه آشنا است، ملاقات نموده و دکتر موصوف بعد از آن قصد رفتن به جینوا را داشت.

مأمورین انگلیس بعد از آنکه در هتل‌ها، دفتر پاسپورت و اسناد وزارت داخله نتواستند دکتر مذکور را که شاید امریکائی یا کانادایی بود، ردیابی کنند، نتیجه تحقیقات اسکاتلنديارد را به نائب السلطنه هند بریتانی فرستاده و بعد از چندی با

فشار آوردن بر نشریه ایمپایر نیوز فیصله نمودند تا برای تردید و خنثی ساختن اثرات مضامین چاپ شده، یک مضمون تهیه شده توسط مقامات هند بریتانی را بنشر بسپرند.

۵. حمایت از فعالیت مخالفین رژیم امانی در هند بریتانی

در قسمت‌های قبلی از فعالیت‌های مخالفین رژیم امانی مثل توطئه کودتای قندهار و فعالیت‌های حضرت نورالمشايخ در هند بریتانی صحبت شد. به گفته استاد فضل غنی مجددی حکومت هند بریتانی مانع حرکات مخالفین امان‌الله خان در داخل هندوستان نشد و نوعی از آزادی را برایشان داد. دولت هندوستان اطلاع داشت که علمای اسلامی افغانستان در دیره اسماعیل خان تحت قیادت حضرت صاحب نورالمشايخ جمع شده‌اند، لیکن حاضر نشد ایشانرا از آنجا خارج سازد، با اینکه معاهداتی بین امان‌الله خان و دولت انگلستان بود که مخالفین یکدیگر را حق اقامت نمیدهند.⁵³⁹

۶. ناپدید شدن حبیب‌الله کلکانی از نمک مندوی پشاور

یکی از مخالفین مسلح رژیم امانی حبیب‌الله کلکانی مشهور به بچه سقاو بود⁵⁴⁰ که بعد از حمله قوای دولتی و دستگیری رفاقتی در منطقه کوه دامن به هند بریتانی گردید. شارژدار فیروز سفارت انگلیس در کابل در تلگرامی به دفتر خارجه اش درین باره نوشت که «وزیر خارجه [افغانستان] از من خواسته است دونفر عظم و بچه سقاو اگر مؤقت شوند به هند بگریزند، باید تحت نظر گرفته شوند. در عین حال این دونفر در ماه جنوری [۱۹۲۸] در پشاور دستگیر و تاحال در توقيف بسر میبرند. به تاریخ ۲۵ سلطان احمد خان، معین وزارت خارجه، که از دستگیری شان اطلاع یافته بود، از فریزر تیتلر شفاهی خواست تا یا آنها را به مقامات افغانی تسليم نموده یا هم در هند زندانی نمایند و وعده داد که درین رابطه درخواست رسمی نیز فرستاده خواهد شد. بنظر میرسد که او [وزیر خارجه] فعلًا علاوه بر فراهم نمودن دوسيه جرایم شان و پافشاری مکرر شفاهی زندانی نمودن یا دور

⁵³⁹. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷). افغانستان در عهد اعلیحضرت امان‌الله خان، ص ۳۰۲.

⁵⁴⁰. انگلیس‌ها در اسناد محترمانه خود تا وقتی که حبیب‌الله کلکانی بقدرت رسید و بنام امیر حبیب‌الله یاد شد، ازوی بنام بچه سقاو نام برده‌اند.

کردن شان از سرحد، میل به اقدام دیگری ندارد. واضح است که اگر آنها آزاد شوند، حکومت افغانستان برآشته خواهد شد.⁵⁴¹

شارژداد فیر انگلیس به تاریخ ۱۴ اپریل نیز اطلاع داد که «در ملاقات امروزی سلطان احمد خان یکبار دیگر خواست تا در باره بچه سقاو و عظیم تدبیر احتیاطی شدیدی گرفته شود. او همچنان خواست که در باره محمد اعظم و محمد اکرم، پسران یعقوب خان نیز، که قرار شایعات درین اوآخر برای داخل شدن به افغانستان از کوهات و بنو بازدید نموده و یا خواهند نمود، تدبیر خاصی گرفته شود.»⁵⁴² کمشنر عالی ایالت سرحدی شمال غربی درین رابطه به تاریخ ۲۴ مارچ نوشته است که به اساس مقررات جنایی سرحد، به عظیم و بچه سقاو امر شده است تا برای پیدا کردن ضامن بکوشند، در غیر آن مدت سه سال را در محبس سپری خواهند نمود.⁵⁴³

با وجود تقاضاهای مکرر حکومت افغانستان، حبیب الله کلکانی که با رفیق میدانی اش اعظم بنا بر نتوانستن دادن ضمانت به سه سال حبس محکوم شده بودند، نه تنها از زندان آزاد شد، بلکه از سماوار نمک مندوی پشاور نیز ناپدید و سه ماه بعد یکبار دیگر حملاتش را نخست در پغمان و باز در کوهدا من از سر گرفت. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس نشان میدهد که مأمورین انگلیسی بر عکس در داخل افغانستان مراقب فعالیت های او بودند. مثلاً سفیر انگلیس در دوران اغتشاش شینوار بتاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۲۸ از مذاکرات غلام صدیق خان چرخی با سه روحانی عمدتاً سمت مشرقی و مؤقتیت جلب همکاری آنها در جلوگیری از انتشار اغتشاش به اقوام دیگر اطلاع داده در باره حبیب الله کلکانی نوشت که «بچه سقاو توسط حکومت افغانستان خریداری شده و وعده سپرده است که برای مدت شش ماه از حملات و مزاحمت دست بر میدارد.»⁵⁴⁴ همین سفیر باز در تلگرام یکروز بعد خود گزارش داد که بچه سقاو گرفتن تصمیم را به تعویق می اندازد.⁵⁴⁵ ده روز بعد از آن رپورهای استخباراتی

⁵⁴¹. اسناد محترمانه آرشیف لندن، تلگرام شماره ۴۱ مارچ ۲۰ ماه ۱۹۲۸ سفارت انگلستان در کابل.

⁵⁴². اسناد محترمانه آرشیف لندن، تلگرام شماره ۵۰ مارچ ۱۴ ماه اپریل ۱۹۲۸ سفارت انگلستان در کابل.

⁵⁴³. همانجا، تلگرام شماره ۱۸۷ مارچ ۲۴ مارچ ۱۹۲۸.

⁵⁴⁴. همانجا، تلگرام شماره ۲۰۷، مؤخر ۱۱ دسمبر ۱۹۲۸ سفیر انگلیس در کابل.

⁵⁴⁵. همانجا، تلگرام شماره ۳۴۵، مؤخر ۱۲ دسمبر ۱۹۲۸ سفیر انگلیس در کابل.

انگلیس از کنترول حبیب‌الله کلانی بر قلعه مراد بیک خبر داده و سفیر انگلیس در تلگرام ۲۲ دسمبر ۱۹۲۸ خود از خدمت شدن شانه راست حبیب‌الله کلکانی و عقب نشینی اش به پغمان خبر میدهد.⁵⁴⁶

زخم حبیب‌الله کلکانی توسط جراح سفارت انگلیس تداوی شد.⁵⁴⁷ او در حمله به کابل و ملاقات با سفیر انگلیس نه تنها برای حفاظت سفارت انگلیس یکتن از محافظت‌نشیش را مؤلف نمود، بلکه به گفتہ سفیر انگلیس سفارت خانه‌های کشور‌های دیگر را نیز از هر نوع آسیب و گزند حفظ نمود.

شواهد نشان میدهند که سفیر انگلستان در کابل دوبار با حبیب‌الله کلکانی در سفارت انگلیس، که خارج از مرکز شهر واقع شده بود، ملاقات نموده است. حتی هنگامی که حبیب‌الله کلکانی از سمت سفارت انگلیس شهر کابل را مورد حمله قرارداد، قوای نظامی رژیم امانی برای جلوگیری از اصابت مرمی‌ها به سفارت از حمله متقابل بر قوای مخالف خودداری نمودند.⁵⁴⁸

در باره سفر هند حبیب‌الله کلکانی و اینکه او چگونه علیه حکومت امانی به مبارزة مسلحانه تشویق شد، در صفحه ۸۱۲ جلد اول کتاب افغانستان در مسیر تاریخ میخوانیم که «اما خود حبیب‌الله بچه سقا بعد از آنکه پادشاه شد سرگذشت سفر مختصر خود را در مأورای سرحد افغانستان در یک دربار شبانه به حاضرین چنین شرح داد: من از ترس تعقیب امان‌الله با پسران مامای خود سکندر در پشاور رفتم و چندی مشغول چای فروشی بودم و آنگاه در «توت کی» رفته‌دکان «سماوار» گشودم و همانجا بماندم تا موقع مراجعت با افغانستان رسید (اما او از دزدی خود در پاراچنا و محکوم شدن به یازده ماه حبس سخن نگفت) در راه بازگشت بقریه «پدیکوت» [بپیکوت؟] رسیدم روز جمعه بود بمسجد رفتم ملا بی در منبر وعظ جهاد با کفر مینمود و چون تمام شد من پیش رفتم و از او دعای خیر خواستم. ملا به من دعا داد و گفت در خارج شدن از مسجد در سرراه خود درختی خواهید دید، پای آنرا بشکافید و هر چه یابید بردارید. من بچالاکی چنان کردم و چهار تفنگ و کارتوس و یک‌هزار روپیه

⁵⁴⁶. همانجا، تلگرام شماره ۲۳۸ مؤرخ ۲۲ دسمبر سفارت انگلیس در کابل.

⁵⁴⁷. Stewart, Rhea Talley (2000)، ص ۴۴۸.

⁵⁴⁸. اسناد محramانه آرشیف لندن، تلگرام شماره ۸۵۹ مؤرخ ۹ ماه مارچ ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور هند در لندن

نقد یافتم و برداشتم و روان شدم ، وقتیکه از لغمان بجانب کوهدا من میرفتم باز در راه به ملایی برخوردم که مرا دید و امر بجهاد در برابر امان الله نمود . در ایام جشن پغمان روزیکه امان الله داخل تیاتر پغمان بود ، باز با ملای دیگری مقابل شدم که مرا بحکم دین اسلام بکشتن امان الله امر نمود . اما به جهتیکه جشن مسلمانان خراب نشود اینکار را نکردم ، وقتیکه بکوهدا من برگشتم ملای دیگری مرا دید و فرمایش ملای پغمان را تکرار کرد ... حبیب الله بچه سقا چون آدم بیساد و عاری از هرگونه ریا کاری و ملاحظات سیاسی بود ، بعضًا در مجالس خصوصی خود از زخم خوردن خود در حمله کابل و اینکه چگونه و در کجا (یعنی کدام عمارت خارجی) تحت تداوی گرفته شد و چگونه او را بعنوان غازی احترام میکردند ، هم تفصیلاتی میداد .⁵⁴⁹

و. پرواز طیارات انگلیسی بر فراز شهر کابل و فروریختن اوراق تهدید آمیز

اسناد آرشیف انگلستان در دوران اغتشاش شینوار راپورهای متعدد عبور طیارات انگلیسی از سرحد به قلمرو افغانستان را در بردارد . راجع به پروازهای تخلیه دیپلومات‌های خارجی از کابل که دسیسه دیگری برای ضعیف ساختن رژیم امانی بود ، در قسمت بعدی صحبت خواهد شد ، و اما یکی از صریح ترین مداخلات انگلیس‌ها در دوران اغتشاش شینوار و حملات حبیب الله کلکانی بر کابل هم ، بدون اجازه حکومت افغانستان ، گردش طیارات انگلیسی و پخش اوراق تبلیغاتی و تهدید آمیز بود . در اوراق مذکور به کایه ، افغانها بنام «ملت غیور و متدين افغانستان» یاد شده و به آنها اخطار داده میشد که اگر به مأمورین و عمارت و قونسلگری‌ها و سفارتخانه بریتانیا صدمه برسد ، آن حکومت قوی شوکت از مرتکبین انتقام شدید خواهد گرفت .

ز. نصب دستگاه تلگراف بیسیم بدون اجازه حکومت افغانستان

گذشته از خطاب مستقیم به مردم افغانستان که خلاف اساسات حقوق بین الدول ، و منافی استقلال و حاکمیت ملی افغانستان بود ، انگلیس‌ها بدون اجازه و موافقة حکومت افغانستان یک دستگاه تلگراف بیسیم را توسط طیاره به کابل انتقال و برای مخابره مستقیم سفارت با هند ، در سفارت انگلستان نصب کردند .

.⁵⁴⁹ غبار ، میر غلام محمد (۱۳۷۲) ، ص ۸۱۲

در اوج اغتشاش شینوار بتاریخ ۳ جدی ۱۳۰۷ (۲۶ دسمبر ۱۹۲۸) وزارت خارجه افغانستان یک یادداشت احتجاجیه را به سفارت انگلیس در کابل تسلیم و در آن از امدن دونفر صاحب منصب انگلیسی به فرودگاه شیرپور کابل و رفت آنها به سفارت انگلیس توضیحات خواست. حکومت درین یادداشت از نمایندگی انگلیس خواست تا در رابطه با تعینات، کار و هدف آمدن آنها معلومات مفصل ارائه کنند، چون قوماندانی قوای هوائی افغانستان گفته است که آنها حتی پاسپورت و هیچ نوع اوراقی که آمدن شانرا نشان دهد، با خود نداشتند.

حکومت افغانستان جواب انگلیس‌ها را که در آن گفته شده بود «بریتانیا نسبت اینکه برای چند روز از سفارت خود در افغانستان تلگرامی نگرفته بود، لذا «تورن نیکولز» و «خوردضابط پیری» را از طریق هوا برای تأمین ارتباطات تلگراف بیسیم بین سفارت و حکومت بریتانیا به کابل فرستاد»، قناعت بخش ندانسته در یادداشت مؤرخ ۱۱ جدی (اول جنوری) خود نوشت که «با وجودیکه وزارت خارجه از اخلال ارتباطات بین سفارت و مأمورین مرکز بریتانیا متأسف است، آنرا دلیل پرواز بدون اجازه طیارات نظامی و اکتسافی حکومت بریتانیا و آنهم از مسیرهای غیر مستقیم، پذیرفته نمیتواند. علاوه بر آن، پخش اعلامیه‌های متعدد که محتوای آن با پالیسی دولت‌انه و صلح آمیز موجود بین حکومت‌های افغانستان و بریتانیا، مغایرت دارد، توسط دفتر خارجه تخطی از پالیسی دولتی و همسایگی، و مخالف پرنسیپ‌های متدالی بین المللی پنداشته میشود. این اقدامات کاملاً مخالف حقوق بین‌ملل و مناسبات دیپلماتیک قبول شده بین حکومت‌های جهان میباشند. دفتر خارجه نمیتواند آمدن طیارات نظامی و اکتسافی [جاسوسی]، و پخش اعلامیه‌های تحریری را نادیده بگیرد، لذا از طرف حکومت درین باره احتجاج میکند». ^{۵۵۰}

ح. تبلیغات وسیع علیه امان الله خان و ملکه ثریا

اغتشاشیون شینوار و مخالفین رژیم امانی خود نمیتوانستند امکانات تخفیکی و مادی نشر و توزیع عکس‌های منتاز شده ملکه ثریا و اوراق و اعلامیه‌های تبلیغاتی علیه غازی امان الله خان و ملکه ثریا را بصورت وسیع داشته باشند. لذا این کار باید

^{۵۵۰}. یادداشت‌های شماره ۱-۸۱۴ و ۲-۸۱۴ وزارت خارجه افغانستان به سفارت انگلیس در کابل، ضمیمه مکتوب شماره ۱۱۲ مؤرخ ۸ جنوری ۱۹۲۹ سفیر انگلیس در کابل (اسناد محترمانه آرشیف انگلستان)

توسط یک نیروی خارجی که همانا انگلیس است، صورت گرفته باشد. طوریکه قبل از نیز به آن اشاره شده است، در دوران اغتشاش شینوار یکی از کارهای عبدالواحد شینواری (مستر وید آسترالیائی) تهیه اعلامیه هجدۀ فقره‌ای معروف علیه غازی امان اللخان بود که در مطبوعه "اقبال پریس" پشاور طبع و در بین قبایل توزیع گردید. بعید نیست که واحد شینواری در چاپ و توزیع عکس‌های مونتاژ شده ملکه ثریا در بین قبایل هم نقش مهم داشته باشد.

ط. دسایس نمایندگان انگلیس در کابل

در قسمت‌های قبلی راجع به فعالیت‌های تخریبی و جاسوسی انگلیس‌ها به تفصیل صحبت شده است. مأمورین انگلیسی در نمایندگی‌های افغانستان نه تنها مشغول عملیات وسیع جمع آوری اطلاعات استخباراتی بودند، بلکه برای جلب حمایت رهبران مذهبی و قومی دست به توطئه و خرابکاری نیز میزدند. یکی از مأمورین هندی، شیخ محبوب علی، که تحت نام به اصطلاح آتشۀ امور شرق در نمایندگی انگلستان در کابل مشغول فعالیت بود، درین کارها معروف بود و ماهانه مبلغ شش هزار (۲۰۰۰) روپیه را، که در آن زمان مبلغ بسیار گزافی بود، برای تمویل فعالیت‌های استخباراتی خرج میکرد.⁵⁵¹ معلومات بیشتر فعالیت‌های نمایندگان انگلیس را در قسمت بعدی مطالعه خواهید کرد.

نتیجه گیری

اصلاحات امنی نه تنها سبب اغتشاشات نبود، بلکه قربانی اغتشاشات شد. اغتشاشات جزء توطئه وسیعی بود که طرح آن توسط انگلیسها دو سال پیشتر از اجرای آن به همکاری مخالفین داخلی رژیم تهیه شده بود. اختلاف روحانیون و ملا‌ها با رژیم امنی هم اختلاف شخصی و مذهبی نبود، بلکه اختلاف سیاسی بود. آنها از اعتقادات مذهبی عوام به عنوان ابزارهای مخالفت با تحول و تجدد استفاده کردند. اغتشاشات از ولایات آغاز گردید، حالانکه آنهاییکه از اصلاحات متاثر شده بودند، شهرنشینان بودند و حتی از اصلاحات دفاع میکردند. سُوْظن دست داشتن انگلیس‌ها پس از آنکه لغو برنامه‌های اصلاحی توسط دولت هم توانست شورشیان را قانع بسازد،

⁵⁵¹. اسناد محرومۀ استخبارات انگلیس، آرشیف هند بریتانی، دوسيه شماره ۲۱۲ ايف، سال ۱۹۳۰.

عمیقتراشد. طوری که در صفحات قبلی دیدیم، توطئه‌های انگلیس علیه غازی امان الله خان اهداف فراتر از افغانستان داشته، جلوگیری از جنبش‌های آزادیبخش ملی منطقه را در بر میگرفت.

کامیابی نهائی اغتشاش و شکست نهضت امانی مولود علل و عوامل پیچیده و گوناگون خارجی و داخلی بود. درین رابطه نظریات مختلفی ارائه شده‌اند. یک عدهً معتقد اند که اشتباهات شخص غازی امان الله خان، مسئول درجه یک سقوط رژیم امانی میباشد. آنها نبودن یا ندیدن سند دخالت انگلیس‌ها را دلیل آورده میگویند که هیچ توطئه‌انگلیسی در کار نبوده است (یکی از استادان سابق تاریخ در پوهنتون کابل که فعلاً در ایالت کالیفورنیا امریکا زندگی میکند، نه تنها گفته‌های استادان انگلیسی را تکرار نموده میگوید که من تا اکنون به سندی برخورده ام تا نشان بدده که انگلیس‌ها در توطئه سقوط اعلیحضرت امان الله خان دست داشته باشند، حتی ادعا دارد که «انگلیس‌ها از امان الله خان به خاطر عصری گرایی و ساختن جامعه‌مدنی حمایت میکردند»⁵⁵²). عده‌دیگر عوامل خارجی را مسئول شکست نهضت امانی میدانند. گروپ سوم از هردو عامل داخلی و خارجی صحبت نموده تنها در عمدۀ بودن نقش عوامل داخلی و یا خارجی اختلاف نظر دارند.

اصلاحات، گروه‌های متنفذ بشمول رهبران مذهبی، سرداران و خان‌هارا از صلاحیت مطلق، امتیازات و حقوق مستمری شان محروم ساخته به مخالفین دولت تبدیل نمود. خیانت سرداران و درباریان خود فروخته، در پهلوی رقابت‌ها و مخالفت‌های گروه‌های داخل دولت، کارشناسی خانواده مصاحبان، و درباریان فاسد و متملق هم سبب ضعف و بی‌ثباتی حکومت مرکزی شد.

استعمار انگلیس که همیشه یک افغانستان قوی و غازی امان الله خان را برای سلطه و منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود تهدید بزرگ میشمرد، واز انواع توطئه‌ها و تلاش‌های ترور و کشتن هم نتیجه مطلوب شانرا بدست نیاورده بود، ازین فرصت استفاده نموده در صدد برآنداختن سلطنت وی برآمده از هیچ کوششی در پهلوی تشویق و تطمیع رهبران مذهبی و مخالفین دولت درین راه دریغ نورزید.

⁵⁵². صحبت شام ۱۳۸۲ اسد سال ۱۴۲۹ برابر با ۱۸ گست سال ۲۰۰۷ دو تن از کارشناسان تاریخ از کابل و کالیفورنیا در پروگرام دری رادیو آشنا صدای امریکا که به مناسب هشتاد و هشتین سالروز استرداد استقلال افغانستان ترتیب شده بود.

در شرایط بسیار دشوار و مصیبت، غازی امان الله خان بر اطراقیانش حساب میکرد، اما برخلاف، او با خیانت کاران سروکارداشت و در هر قدم با خطرات جدید و ناشناخته و خیانت پنهان و یا آشکار اطراقیانش روبرو میشد. خود غازی امان الله خان بتاریخ ۲۷ می ۱۹۲۹ بعد از ترک وطن در بمبئی در بیانی که توسط دیلی تلگراف لندن بتاریخ ۲۸ می به نشر رسید گفت که تصمیم خروجش علت نظامی نداشته بلکه کشف خیانت اطراقیانش درین زمینه نقش مهم داشته است.⁵⁵³

راپورهای مطبوعات بین‌المللی، موجودیت لارنس جاسوس مشهور انگلیس به نام مستعار «ایرمن شاو»، کارشکنی‌های بی‌پرده انگلیس‌ها تحت نام سیاست بیطری، پرواز طیارات انگلیسی و فروریختن اوراق تهدید آمیز (هنگامی که کابل تحت حمله مخالفان قرار داشت)، ملاقات سفیر انگلیس با حبیب الله کلکانی، تداوی حبیب الله کلکانی توسط انگلیس‌ها، دسیسه سازی نمایندگان انگلیس در کابل، فعالیت عبدالواحد شینواری یا مستروید آسترالیائی و جاسوسان دیگر انگلیس، و افشاری اسناد کوشش کتمان دست داشتن انگلیس در توطئه‌های ضد نهضت امانی و اسناد دیگر در پهلوی عوامل داخلی ایکه قبلًا ذکر شد، نشاندهنده نقش عمده انگلیس در سقوط نهضت امانی میباشد.

فصل نهم

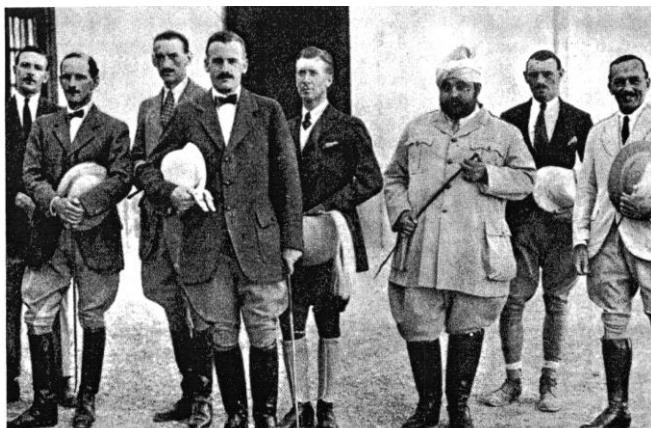
کامیابی توطئه های انگلیس و بقدرت رسیدن محمد نادر خان

«اولین نعمتی که افغانستان نائل است، استقلال میباشد. پس استقلال خود را همیشه حمایت کنید و برای محافظت آن بیدار باشید، چه دشمن های استقلال قان همیشه از آن راهیکه شما را از طرف آن بی خبر نمیداند، به شما پیش خواهند آمد.»

بیانیه ۲۹ نومبر ۱۹۲۷ غازی امان الله خان
در چمن قصر دلکشا

توطئه های انگلیس در دوران اغتشاش

مأمورین انگلیسی در سفارت و قونسلگری های شان در افغانستان نه تنها مشغول عملیات وسیع جمع آوری اطلاعات استخباراتی بودند، بلکه برای جلب حمایت رهبران مذهبی و قومی از هر نوع وسیله و توطئه نیز استفاده میکردند. سفیر انگلیس فرانسیس همفیریز (Sir Francis Humphrys) یکی از طراحان و مهره های عمدۀ توطئه های انگلیس علیه رژیم امانی بود. او قبل از آن بین سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۷ در پوست های مختلف سیاسی ایالت سرحدی شمال غربی کار کرده و در سال ۱۹۱۸ هم برای مدتی در قوای هوائی شاهنشاهی نو تأسیس انگلستان در هند بریتانیوی مأموریت داشت. او بعد از آن بحیث پولیتیکل اینجنت خیر و معاون وزارت خارجه حکومت هند بریتانیوی کار کرده و با امور افغانستان و خصوصیات افغانها آشنائی کامل داشت. همفیریز بعد از استقلال افغانستان و معاهده ۲۲ نومبر سال ۱۹۲۱ اولین سفیر انگلستان در کابل تعین و از تاریخ ۲۷ جنوری ۱۹۲۲ تا ختم حکومت غازی امان الله خان و مؤقتیت توطئه هایش در آنجا بود. خانم همفیریز دختر «هیر الد ارتر دین» اولین کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی بود.⁵⁵⁴



38. سفیر همفیریز، سکرتر شرقی شیخ محبوب علی و چند نفر از اعضای دیگر سفارت انگلیس در کابل

⁵⁵⁴. قابل یادآوریست که همفیریز بعد از ختم مؤقانه مأموریتش در افغانستان بحیث کمشنر عمومی بریتانیا به عراق رفت و بعد از قرارداد سال ۱۹۳۲ انگلستان با عراق که خود او امضاء کرد، بحیث اولین سفیر انگلستان در عراق تعین شد.

یکی از فعالترین مأمورین هندی سفیر همفریز شیخ محبوب علی بود که مثل خود همفریز در خدمات سیاسی هند بریتانی ساقه دار بوده و تحت نام آتشه یا سکرتر امور شرق در سفارت انگلستان در کابل ماهانه مبلغ شش هزار (۲۰۰۰) روپیه را، که در آن زمان مبلغ بسیار گرافی بود، برای تمویل فعالیت‌های استخباراتی خرج میکرد.⁵⁵⁵ به گفته استاد فضل غنی مجددی چنانچه حضرت صاحب محمد صادق مجددی نوشه است سکرتر شرقی سفارت انگلستان در کابل با حبیب الله خان [کلکانی] ارتباط داشته است. و در دسمبر ۱۹۲۸ او را در شفاخانه سفارت انگلستان معالجه نمود.⁵⁵⁶



39. سکرتر شرقی خان بهادر شیخ محبوب علی بعد از بحیث پولیتیکل ایجنت و بدون ریش و لنگی در بین قبایل آزاد

از امکان بعيد نیست که اعضای حزب نقابدار نیز از جمله اجیران و گماشتگان همین شخص بوده باشد. شادروان غبار درباره این حزب مینویسد که «درین روشنفکران وطن پرست یک دسته عناصر مرموز بشکل یک حزب نقابدار و مصنوعی رخنه کرد. این

⁵⁵⁵. اسناد محramانه استخبارات انگلیس، آرشیف هند بریتانی، دوسیه شماره ۲۲۴ ایف، سال ۱۹۳۰.

⁵⁵⁶. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، صفحات ۳۰۱ و ۳۰۰.

نقابداران شارلتان در مرکزو شرق کشور جهت فریفتمن مردم شعارهای دروغین انقلابی میدادند و ظاهرآ از «جمهوریت» دم میزدند، اما اینها معنادشمن جدی دیموکراسی و جمهوریت و ترقی بوده برای دیگران خدمت میکردند، و بعدها معلوم شد که ایشان بجز مزدور و آله بی در دست ارتقای و استبداد نبودند، زیرا در زیر عنوان «جمهوری خواهی» برای از پا در آوردن رژیم امامیه کوشیدند، و فی الواقع راه را برای برقراری یک رژیم ارتقایی باز کردند. در حالی که دیموکراتهای حقیقی بر ضد نظام کهنه فیودالی بوده بهبود حال ملیونها دهقان کشور را مد نظرداشتند و در مقابل ارتقای اصلاحات و بقای دولت امامیه حمایت می نمودند. روی هم رفته فعالیت این دسته ارتقایی، سیلابی از پروپاگند مهیج و تحریکات آمیزرا در سرتاسر کشور جاری نمود و افکار مردم را منحرف ساخت. البته در بین تمام این فعالیتها، تبلیغ روحانیون نقش برجسته تری داشت، زیرا اینها توانستند که تمام توده ها را که قبلاً از طرز اداره دولت شاکی و رنجیده بودند، با اسلحه تلعین و تکفیر شاه مجہز نمایند.⁵⁵⁷

قونسل های انگلیس در جلال آباد و قندھار هم تحت اثر شیخ محبوب علی برای پیاده نمودن توطئه های انگلیس اجرای وظیفه مینمودند، اما وظیفة جهانگیر خان قونسل جلال آباد مهمتر و حساس تر بود، چنانچه در اغتشاش شینوار رول مهمی را ایفا نمود.

در رابطه با فعالیت های جاسوسی انگلیس ها مختصرآ به چند نمونه ذیل اشاره میکنیم:

1. کشف اسناد و شناسائی رحمت خان یکی از ملازمین سفارت انگلیس، کسی که بعداً در دوران حبیب الله کلکانی بعد از برآمدن سفیر انگلیس، مسئولیت نظارت امور و حفاظت سفارت را نیز بعده داشت، بحیث رابط بین سفیر همفریزویکی از مأمورین عالیرتبه نظامی افغانستان سبب شد که غازی امان الله خان اخیرالذکر را که سمت استادی اش را نیز داشت، از وظیفه برطرف و در خانه اش تحت نظارت قرار دهد، و موضوع را برای رسیدگی به دیوان حرب بسپارد. به گفته آقای رشتیا، اگرچه در اثر وقایع مابعد فرصت برای اصدار حکم درباره او در آن وقت میسر نگردید، لیکن در دیوان حرب اسناد دیگری ارائه گردید که نشان میداد شخص مذکور در روزهای حمله حبیب الله کلکانی بنام مریضی در خانه نشسته و کارهای عاجل و اوامر فوری را به تعویق می انداخت و در اثر شکایت قوماندانهای جبهات جنگ معلوم شده بود که به هدایت او جبه خانه یک نوع سلاح را با سلاح دیگر به

⁵⁵⁷. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۲)، صفحات ۸۱۴-۸۱۵

- محاذات ارسال میکردند که در میدان جنگ قابل استفاده نمیبود و موجب ناکامی شکست قوا و تلفات زیاد را فراهم مینمود.⁵⁵⁸
2. واقعه دوم در آن روزهای بحرانی کشف یک شبکه جاسوسی انگلیسی در داخل ارگ بود که عاملین مهم آن «مادام سی» معلمۀ خانواده سلطنتی و «تصدق علی» موتران شخصی شاه بودند که روزمره اطلاعات و جریانات داخل قصر شاهی را به سفارت انگلیس میرساندند.
 3. واقعه پرسرو صدای دیگر گرفتاری یک جاسوس انگلیس بود که در روزهای حمله حبیب الله کلکانی به کابل در مقابل دروازه وزارت حربیه دستگیر شد و حین تفتيش مکاتیب سفارش و معرفی نامه‌ها و گذرنامه‌های مخصوص به زبانهای پشتو و اردو با مقدار زیاد کلدار هندی و تفنگچه و کارتوس از جیب‌ها و محل اقامتش بدست آمد. به اثر اعتراضات همین شخص، که بعد از تحقیق و ثابت شدن جاسوس بودنش از طرف دیوان حرب محکوم به اعدام شد، حکومت افغانستان از موجودیت کرنیل لارنس در منطقه شینوار اطلاع حاصل نموده و تصمیم گرفته شد تا تحريكات و مداخلات شرارت آمیز دولت انگلیس در امور داخلی افغانستان که اکنون با اسناد و شواهد غیر قابل انکار ثابت شده بود، در جریده امان افغان بنشر سپرده شود.⁵⁵⁹
 4. در تلگرام محترمانه کمیشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی ذکر شده است که حکومت افغانستان عکس یک آرپائی را به سرحددار «دکه» ارسال نموده و حکم دستگیری او را صادر نموده است. گفته میشود که این عکس لارنس بوده و در هند تهیه شده است.⁵⁶⁰

بهانه سیاست بی طرفی توطئه دیگر انگلیس ها

رابرت مکچیسنی در مقدمه ترجمه انگلیسی کتاب "کابل تحت محاصره: گزارش فیض محمد از قیام سال ۱۹۲۹" [تذکر انقلاب؟] مینویسد که به نظر فیض محمد (کاتب

.⁵⁵⁸ رشتیا، سید قاسم (با اسم مستعار سید الیوسفی) (۱۳۷۸)، ص ۲۲.

.⁵⁵⁹ همانجا، صفحات ۲۷ و ۲۸.

.⁵⁶⁰ اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۴۳۱ سی مؤرخ ۱۵ دسمبر ۱۹۲۸

هزاره) بصورت عمومی بر علاوه از بی ثباتی سیاسی کشور، مسئولیت نا آرامی های قبایلی در شرق و جنوب نیز بدوش انگلیس ها میباشد.⁵⁶¹

اما انگلیس ها مدعی بودند که خواستار بی ثباتی و برگشتن نا آرامی در افغانستان نبوده و به سیاست عدم مداخله در امور افغانستان پابند میباشند. انگلیس ها ادعا داشتند که تنها از بیرون خطوط میدان بازی، ناظر او ضایع بوده، میخواهند مطمئن باشند که اتحاد جماهیر شوروی نیز عین پالیسی را تعقیب نماید. انگلیس ها میگفتند اماده اند هر آن رهبری را برسمیت بشناسند که قابلیت و استعداد مهار کردن یک افغانستان متعدد، نیرومند و مستقل را داشته باشد.

انگلیس ها با این کار شناسائی خود را از رژیم امانی سلب وی را که پادشاه افغانستان بود با مدعیان دیگر تاج و تخت مثل علی احمد خان، سردار محمد عمر خان پسر سردار ایوب خان، حبیب الله خان کلکانی، غوث الدین خان و محمد نادر خان در یک سطح قراردادند.

منشا پالیسی به اصطلاح بیطرفی یا عدم مداخله در امور داخلی افغانستان که انگلیس ها از آن بشکل بهانه برای مقاصد شوم استعماری شان استفاده نمودند، رایک یادداشت خصوصی توomas Thomas در پارلمان انگلستان تشکیل میدهد. او بتاریخ ۳۰ جنوری ۱۹۲۹ از وزیر دولت برای امور خارجه پرسید که آیا در رابطه با جنجال های فعلی افغانستان و روشی که حکومت بریتانیا باید اتخاذ کند، کدام پیشنهادی دارد؟ آستین چمبرلین در جواب از قبل تهیه شده اش گفت که «حکومت بریتانیا هیچ قصدی ندارد تا از طریق حمایت یا کمک به یکی از کاندیدان موجود برای رسیدن به قدرت، در امور داخلی افغانستان مداخله کند». ⁵⁶²

به استناد اسناد محترمانه استخبارات انگلیس که فعلا از محرومیت برآمده اند به اثبات میرسد که در جمله مدعیان متعدد تاج و تخت افغانستان، انگلیس ها نادر خان را مد نظر داشته و ترجیح میدادند. اما آنها در ک نموده بودند که اگر بصورت آشکار از نادر خان حمایت کنند، این حمایت نسبت نفرت افغانها از استعمار انگلیس، چانس بقدرت رسیدن نادر خان را از بین خواهد برد. همچنان سفارش ادعای نقش بیطرفی بهانه خوبی

. ۵۶۱ McChesney, Robert D. (1999). (ص ۲۲).

۵۶۲. اسناد محترمانه آرشیف، انگلستان، مکتوب شماره ، ۴۰ ، مؤخر ۱۸ فبروری ۱۹۲۹ وزارت خارجه انگلستان به سفير انگلیس در لندن

بود برای جلوگیری از مداخله اتحاد جماهیر شوروی و بازی دادن مدعيان دیگر قدرت مثل علی احمد خان، غوث الدین خان و حبیب الله کلکانی.

ایا انگلیس‌ها براستی در اغتشاشات اخیر دوره امانت بیطرف بودند؟

کارشکنی‌های بی‌پرده انگلیس‌ها تحت نام سیاست‌بیطوفی و عدم مداخله در دوران اغتشاش برای امان الله خان به قیمت گزاف تمام شد. به گفته پولادا آرشیف انگلستان سندی را که شمولیت آن کشور را در دیسیسه سقوط امان الله خان ثابت کند، ارائه نمیدارد. میتوان حدس زد که چنین اسنادی یا اصلاً وجود نداشته‌اند و یا اسناد مربوط به شمولیت انگلیس‌ها در شورش‌های ضد دولت افغانستان را بعداً از بین برده‌اند. اما اسناد فراوان آرشیفی موجود است که عملیات انگلیس را در فلنج ساختن اقدامات امان الله خان برای حصول دوباره سلطنت واضح‌آشکار می‌سازد.

در قسمت قبلی از ناپدید شدن حبیب الله کلکانی از زندان پشاور، تشویقش توسط ملانماهای انگلیسی، و سه ماه بعد، از سرگیری حملاتش در پغمان و کوه‌دامن صحبت شد، درین قسمت به چند سند دیگر مراجعه می‌کنیم که برخلاف ادعای سیاست بیطوفی، دست داشتن انگلیس‌ها را در آماده ساختن زمینه سقوط دولت امانت نشان میدهد.

۱. جلوگیری از رسیدن اسلحه و مهماتی که در دوران سفر اروپا خریداری شده بود

در جمله کارشکنی‌های انگلیس یکی هم منع انتقال اسلحه و مهماتی بود، که امان الله خان خود از اروپا خریداری نموده و اکنون در بنادر هند معطل شده بود. وایسرای هند سفارش‌نامه همفریز را در انتقال اسلحه به افغانستان به این مضمون به لندن مخابره کرد: "به این وسیله تقاضا می‌شود که سلاح و مهماتی که توسط دولت افغانستان از اروپا خریداری شده و مدتی است به بنادر هندوستان مواصلت نموده، فعلاده رهمن بنادر معطل بمانند."⁵⁶³ امتناع انگلستان از انتقال سلاح خریداری شده از طریق هند به افغانستان، آنهم در موقعی که غازی امان الله خان شدیداً به آن احتیاج داشت، شرایط

⁵⁶³. اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره 1687 نائب السلطنه هند به وزیر خارجه امور هند.

موفقیت وی را بر علیه شورشیان به پیمانه زیادی ضعیف ساخت، و بطور غیر مستقیم موقف مخالفین را بر علیه امان اللہ خان تقویت نمود.

علاوه برین انگلیس ها پترول و بنزین طیاره را نیز بنام مواد جنگی از هند بریتانیوی به افغانستان ممنوع قراردادند و برای متخلفین جریمه های سنگینی تعیین نمودند که هیچگاه در سرحدات آزاد سابقه نداشت.

2. پذیرفتن و نادیده گرفتن مشوره های حکومت کابل

حکومت افغانستان در دوران اغتشاش هم برای حفظ امنیت دیپلمات های انگلیسی و هم برای مراقبت از فعالیت های خرابکارانه شان چند بار به آنها مشوره داد تا به جاهای امن نقل مکان کنند، اما انگلیس ها برای اینکه در فعالیت های شان دست بازداشت های باشند و امکانات شناسائی و کشف روابط شان را تقلیل داده باشند، این مشوره های دولت را نه تنها نادیده گرفتند، بلکه آنرا بشدت رد کردند. درین رابطه به چند سند از آرشیف اسناد محramانه انگلستان توجه کنید:

سفیر انگلیس در تلگرام ۲۲ دسمبر ۱۹۲۸ خود نوشت که حکومت افغانستان در دوران نه روز گذشته با من تماسی نگرفته بود. امروز معین وزارت خارجه با من تماس گرفته و مشوره داد که برای تضمین امنیت با مأمورین خود برای چند روزی به هوتلی در کابل نقل مکان کنم⁵⁶⁴. ما بصورت مکمل برای سه روز در محاصره اغتشاشیون و سرمیانی قراردادستیم که تحت کنترول هیچ کسی نبوده و برای چهار روز تحت گلوه باری شدید بودیم. با بودن درینجا من فکر مینکم کدام خطی امنیت مارا تهدید نمیکند، خصوصاً که با غیان از همان آغاز با دقت تقدس سفارت مارا مراعات کرده اند. من به معین گفتم که من و کارمندان مردانه نمیتوانیم سفارت را ترک کنیم. من بر پیشنهاد تأسیس یک پوسته نظامی افغان هم در خاک [سفارت] بریتانیا شدیداً احتجاج کردم.⁵⁶⁵

از یک تلگرام دیگر سفير انگلیس که به تاریخ ۲۵ دسمبر ۱۹۲۸ فرستاده شده است نیز معلوم میشود که بعد از آنکه سفارت انگلیس، که در جوار مرکز قوای حبیب اللہ

⁵⁶⁴. تعمیر جدید سفارت انگلیس حدود سه و نیم میل خارج از دیوارهای شهر کابل و در مجاورت فعالیت های مخالفین مسلح دولت قرارداشت این تعمیر در سال ۱۹۲۲ ساخته شده و دارای باغ و میدان وسیع ساحة ۲۳ ایکر (معادل با ۹۳۷۷ متر مربع) را احتوا میکرد.

⁵⁶⁵. اسناد محramانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۲۵ مؤخر ۲۳ دسمبر سفارت کابل به وزارت خارجه در لندن.

کلکانی قرار داشت، مورد اصابت مردمی‌های تفنگداران دولتی قرار گرفت، سفیر انگلیس یکبار دیگر پیشنهاد غلام یحیی خان مدیر سیاسی وزارت خارجه را مبنی بر انتقال سفارت به «هوتل ولی» رد نموده گفت که سفرای بریتانیا بدون امر حکومت خود شان سفارت‌هایشان را ترک نموده نمیتوانند.⁵⁶⁶

در یک تلگرام دیگر از قونسل انگلیس در قندهار میخوانیم که حتی وزارت خارجۀ افغانستان مجبور شد محمود خان قونسل انگلیس در قندهار را که با پوستۀ قونسلگری به کابل میرفت، بتاریخ ۲۲ دسمبر ۱۹۲۸ به بهانۀ خرابی وضع امنیتی سرک قندهار کابل در غزنی نگهدارد. قونسلگری مذکور از عدم همکاری مقامات دولتی افغان در غزنی شکایت نموده از سفارت هدایت میخواهد که آیا در غزنی بماند یا به قندهار برگردد.⁵⁶⁷

در یک تلگرام دیگر سفیر انگلیس هم مکتوبی از وزارت خارجۀ افغانستان ضمیمه شده است که در آن وزارت خارجۀ افغانستان بتاریخ ۲۲ نومبر ۱۹۲۸ به علت خرابی اوضاع و سوقيات قوا در جلال‌آباد، خواسته بود تا قونسل بریتانیا در جلال‌آباد برای حدود یک هفته به کابل خواسته شود.⁵⁶⁸

سفیر انگلیس در مکتوب جوابیۀ ۷۷ نومبر خود جواب منفی داد و نوشت که نمیداند وارد شدن قوای قومی به نفع حکومت در شهر جلال‌آباد چه ربطی با خواستن قونسل انگلیس به کابل دارد. او درین شرایط جلال‌آباد را ترک نخواهد کرد. امادیری نگذشته بود که قونسل انگلیس در جلال‌آباد، محمد جهانگیرخان، بعد از تکمیل پلان هایش که آتش سوزی تعمیر قونسلگری و تعمیر تاریخی سراج‌العمارت را نیز در برداشت، به منزل نقیب صاحب بغداد، یکی از روحانیون پرنفوذ که در آن وقت در چهارباغ، هشت میل خارج از شهر جلال‌آباد، بسر میبرد، پناه برد.

⁵⁶⁶. همانجا، تلگرام‌های شماره ۱۱۲ و ۸۱۴ مؤرخ ۲۴ و ۲۵ دسمبر ۱۹۲۸ سفارت انگلستان در کابل.

⁵⁶⁷. همانجا، تلگرام شماره ۲۸۸ مؤرخ ۲۲ دسمبر ۱۹۲۸ قونسلگری انگلیس در قندهار.

⁵⁶⁸. اسناد محرومۀ آرشیف انگلستان، تلگرام مؤرخ ۸ جنوری ۱۹۲۹، L/P&S/10/1301.

۳. اطمینان مصوّنیت سفارت انگلیس توسط اغتشاشیون

کمیشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی در تلگرامش با اطمینان کامل مینویسد که «اگر کدام مداخله خارجی [از طرف روس‌ها] صورت نگیرد، سفارت انگلستان از آسیب محفوظ خواهد ماند. آنها [اغتشاشیون] مطمئن اند که امان الله خان را از تخت خواهد انداخت و دلیلی برای مداخله حکومت بریتانیا باقی نخواهد ماند. بر مصوّنیت «دکه» و آرامش در سمت داخلی سرحد میتوان حساب کرد.»⁵⁶⁹

سفیر انگلستان در کابل نیز در تلگرامی برخورد اغتشاشیون و مخالفین حکومت امانی را با سفارت انگلیس پیوسته خیلی مؤبدانه خواهد داشت. «آنها به من نوشته و شخصاً هم اطمینان داده اند که به سفارت هیچ نوع آسیبی نخواهد رسید.»⁵⁷⁰

علاوه برین سفیر انگلیس در تلگرام ساعت ۵ و ۳۰ بعد از ظهر ۱۴ جنوری خود نوشت که «ساعت ۴ و ۳۰ بعد از ظهر امروز یک موتور واگون مملو از ملاها با بیرغ‌های سفید از پیش روی دروازه سفارت بطرف باغ بالا رفتند. آنها با وجود آنکه از هردو طرف تحت آتش توپ و تفنگ قرار داشتند، توانستند بدون کدام خساره‌ی با افراد خط مقدم بچه سقاو تماس بگیرند. آنها بعد از آن با چند صد نفر از اغتشاشیون به شهر برگشتنند... من امشب تدایر احتیاطی خاص گرفته‌ام. محمد عثمان خان والی سابق قندهار و حضرت صاحب شوربازار یک خانه کوچک بیرون از دروازه سفارت را اشغال نموده و بمن پیغام فرستاده اند که ما درینجا میمانیم تا شمارا در شب از دزدان محافظت کنیم.»⁵⁷¹

اسناد موجود در آرشیف انگلستان نشان میدهد که سفیر انگلیس در کابل در دوران اغتشاش دو بار با حبیب الله کلکانی در سفارت انگلستان که خارج از شهر موقعیت

⁵⁶⁹. اسناد محramانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۷۰ سی مؤرخ ۲۰ دسامبر ۱۹۲۸ کمیشنر عمومی از پشاور.

⁵⁷⁰. اسناد محramانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۲۲ مؤرخ ۲۳ دسامبر ۱۹۲۸ سفارت انگلستان در کابل به دفتر خارجه در لندن.

⁵⁷¹. اسناد محramانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۴۷، مؤرخ ۱۴ جنوری ۱۹۲۹ سفیر کابل به وزارت خارجه در لندن.

داشت، ملاقات نموده است. قوای حبیب‌الله کلکانی از سمت سفارت حمله میکردند و قوای رژیم امانی از ترس صدمه رسیدن به سفارت دست به حمله متقابل نمی‌زدند.⁵⁷²

۴. بدست آوردن غیرقانونی تلگرام‌ها و مواسلات رژیم امانی

حکومت بریتانیا و هند بریتانی برای بدست آوردن اطلاعات لازم و دانستن پلانها و اقدامات رژیم امانی با استفاده از امکانات استخباراتی خود تلگرام‌ها و مکاتیب رسمی آنها را تحت نظارت داشتند. یک نمونه باز این اقدام آنها تلگرام مؤرخ ۱۵ جنوری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی به کابل و بلوچستان میباشد که در آن قبل از رسیدن اطلاع رسمی از نمایندگی‌های سیاسی افغانستان، حتی متن دری تلگرام وزارت خارجه افغانستان به سفارت‌های افغانی در پاریس، برلین، روم، لندن، و قونسلگری عمومی دهلی را بدست آورده و ضمیمه تلگرام خود به کابل و بلوچستان فرستادند. درین تلگرام گفته شده بود که «اعلیحضرت امان‌الله خان برای خاتمه دادن به انقلابات اندرونی مملکت که نتیجه سوتاهم بود، به رضا و رغبت و اراده کامله خود، خود را از عهده سلطنت افغانستان خلع کرده و برادر بزرگ شانرا، سردار عنایت‌الله خان، برای اجرای امور سلطنت معرفی فرمودند. ملت و ارکان حکومت و علماء و سرداران ذات مبارک شانرا به سلطنت افغانستان قبول و بیعت نموده و رسمآ پادشاه افغانستان شناخته شدند. بنابران از کیفیت جریان امور به شما اطلاع داده شد تا به حکومت متعلقه رسمآ اطلاع بدھید و اطمینان بدھید که مناسبات خارجه افغانستان همیشه با دول دوست ما یکسان خواهد بود». شماره ۱۰۶۱ مؤرخ ۲۴ جدی.⁵⁷³

۵. احتجاج سفیر افغانستان در لندن

شجاع الدوله سفیر افغانستان در لندن قبل از آنکه به امر غازی امان‌الله خان از راه روسیه بطرف هرات حرکت کند، دو مکتوب احتجاجیه به وزارت امور خارجه انگلستان تسلیم نمود. در مکتوب اول خواسته شده بود تا دیپلومات‌های انگلیس تا عادی شدن اوضاع از کابل برایند. وزارت خارجه انگلستان نقل هردو مکتوب را به سفیر انگلیس

⁵⁷². اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۸۵۹ مؤرخ ۹۱۴ مارچ ۱۹۲۹ وزیر خارجه انگلستان برای امور هند.

⁵⁷³. اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۴۸-این، مؤرخ ۱۵ جنوری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

در کابل ارسال نمود و نوشت که ما جواب این مکاتیب را نمی‌دهیم. در مکتوب دوم نوشتۀ شده بود که «قرار معلوم افراد قبایلی از باجور، طرف انگلیسی، سرحد افغان را عبور نموده و اسما در داخل افغانستان را اشغال نموده است. این اقدام صریحاً مخالف آن پالیسی بیطرفی و عدم مداخله در امور افغانستان است که توسط شما درین اوآخر در مجلس عوام انگلستان و توسط دینیس بیری، وزیر خارجه برای امور هند در مجلس قانونگذاری (شورای ملی) هند ارائه شده است. من از شما میخواهم این نقض بیطرفی را که به شدت سبب خشم افغانها شده است، توضیح دهید.» درین مکتوب همچنان بر پروازهای متعدد طیارات انگلیسی بر قلمرو کابل و پیمان آخر پوسته هوائی بین سفیر انگلستان و حبیب الله کلکانی احتجاج شده است.⁵⁷⁴

6. پلانهای از قبل تهیه شده و پافشاری بر خروج سریع عنایت الله خان

اسناد محترمانه ذیل آرشیف انگلستان از دسایس عمیقترو و پلانهای از قبل تهیه شده انگلیس‌ها پرده برداشته، بر ادعاهای دروغین عدم مداخله و بیطرفی شان خط بطلان می‌کشد:

سفیر انگلیس در کابل در تلگرام ۸ شب ۱۹ جنوری ۱۹۲۹ خود اعتراف می‌کند که «تغیر در قانون اساسی وضعیت مضحکی را بیار آورده است، چون هیچ مقامی که با او معامله کنم وجود ندارد. من هیچ اطلاع رسمی از استعفای امان الله خان، تاجگذاری یا کناره گیری عنایت الله خان و یا ادعای سلطنت حبیب الله را نگرفته ام. وزارت خارجه مسدود میباشد.»

او درین تلگرام خود به وزیر دولت برای امور خارجه مینویسد که «رفتن عنایت الله خان از کابل وضعیت محلی را بسیار آسان ساخت. همکاران و کسانی که من با ایشان درین موضوع صحبت کرده‌ام، معتقد هستند که یک معطلی ۲۴ ساعته میتوانست سبب یک بی‌نظمی عمومی شود.»⁵⁷⁵

⁵⁷⁴. اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۹ وزارت خارجه انگلستان، L/P&S/10/1301

⁵⁷⁵. اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۸ سفیر کابل به وزیر دولت در امور خارجه.

سفیر انگلیس در تلگرام شب قبلی (۷ شب ۱۸ جنوری) خود نوشتند که «گفته میشود گاریزون ارگ از پنج هزار (۵۰۰۰) مرد جنگی تشکیل شده و میتوانست بقدر کافی بمقابل بک محاصره طولانی ایستادگی کند». ⁵⁷⁶

خارج ساختن سریع عنایت الله خان از کابل و انتقال فوری او از پشاور به چمن و قندهار هم مهم است. سفیر انگلیس یک شب قبل از آن (ساعت شش (۶) شب ۱۷ جنوری) در تلگرام خود به گمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی و مقامات دیگر انگلیسی در لندن، دهلی جدید و بلوچستان نوشت که «لطفاً ترتیبات دو طیاره ویکتوریا را بگیرید تا فردا، ۱۸ جنوری، دقیقاً ساعت ده قبل از ظهر بوقت پشاور برای آمدن به میدان هوائی شیرپور آماده باشند. آنها باید بدون تلگرام اطمینانیه بعدی من حرکت کنند. مسافرین از کابل شهزاده عنایت الله خان و خانواده اش خواهند بود که از راه کویته عازم قندهار میباشند. پیشنهاد شده که آنها از پشاور ذریعه ریل به کویته سفر کنند. تفصیل در تلگرام بعدی». ⁵⁷⁷

سفیر انگلیس بعد از یک ساعت در تلگرام بعدی خود مینویسد که «حضرت صاحب شوربازار، میانجی ارشد بین حبیب الله و عنایت الله، بعد از ظهر امروز در سفارت به ملاقات من آمده و نامه از شیرجان وزیر حبیب الله [کلکانی] با خود آورده بود که خلاصه آن قرار ذیل است: «شهزاده عنایت الله خان مستعفی شده و تقاضا نموده است که با بیست نفر از اعضای خانواده اش (که بیشترشان اطفال میباشند) توسط طیاره به قندهار انتقال داده شود. چون ما طیاره مناسب نداریم، از شما خواهش میکنیم طیاره را فراهم کنید که بین ساعت ۸ و ۱۰ صبح فردا به میدان شیرپور بیاید». حضرت صاحب بمن توضیح داد که این یگانه راه جلوگیری از خونریزی و تخریب کابل میباشد. من به او گفتم که طیاره انگلیسی به قندهار رفته نمیتواند، چون برای مسئویت‌نش تضمینی وجود ندارد، و سفر از کابل به قندهار از طریق پشاور و کویته هم برای یک پرواز خیلی طولانیست من به آنها اطمینان تحریری دادم که اگر حکومت من به فرستادن طیاره موافقت کرد، عنایت الله خان و خانواده اش سالم از پشاور به چمن انتقال خواهند یافت حضرت صاحب برای مشوره با حبیب الله و عنایت الله برگشت و جوابش را امشب

⁵⁷⁶. همانجا، تلگرام شماره ۲۳، سفیر کابل به وزیر دولت در امور خارجه.

⁵⁷⁷. اسناد محروم‌آرشف انجلستان، تلگرام شماره ۵۸ سفیر کابل، مؤرخ ۱۷ جنوری ۱۹۲۹،

میفرستد. اگر توافق حاصل شد، من فکر میکنم دو طیاره ویکتوریا فرستاده شوند. اقدام عاجل ما درین وقت کابل رانجات خواهد داد. تأخیر همه چیز را خراب خواهد کرد.

کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی در تلگرام ۱۸ جنوری ۱۹۲۹ خود نوشت که «کمیته خلافت اعلان کرده است برای بحث روی موضوع افغانستان فردا در شاهی باع [پشاور] جلسه دایر میشود. امروز یک تعداد زیادی از مردان قبایلی مأورای سرحد، که بیشتر شان افربدی و مهمند بودند، در جرگه شان در پشاور به توافق رسیدند که برای حمایت از خانواده شاهی، ولو اگر امان الله خان نباشد، دست به اسلحه ببرند. تمام این نکات ضرورت انتقال هرچه سریعتر عنایت الله خان را از پشاور بیشتر میسازد.^{۵۷۸}

۵۷۸

همین کمشنر در تلگرام دیگر خود اطلاع میدهد که «من عنایت الله خان را دیدم و به او گفتم که یک ریل مخصوص تهیه شده است تا وی و همراهانش را فردا به کویته ببرد. او جواب داد که ترجیح میدهد به این زودی نرود و از من خواست تا از کویته معلوم کنم که آیا امان الله خان واقعاً در قندھار است یا خیر، و آیا رفتن من به آنجا بی خطر است. من به او گفتم که راجع به ماندنش در پشاور چیزی گفته نمیتوانم، اما راجع به موجودیت امان الله خان تلگرامی خواهم فرستاد. ریل قرار است ساعت یک بعد از ظهر حرکت کند. مهمانان در «دینز هوتل» بوده از رفتن به «سرکت هاووس»^{۵۷۹} که برای شان آماده شده بود، ابا ورزیدند. آنها میخواستند به مهمانخانه در خارج از شهر بروند، اما من اجازه ندادم».^{۵۸۰}

۵۸۰

سفیر انگلیس در کابل هم به انتقال سریع و کشیدن فوری عنایت الله خان از هند پافشاری نموده در تلگرامش نوشت که «من ضروری میدانم که عنایت الله خان و همراهانش به زودترین فرصت ممکن آنطرف سرحد، به قندھار، فرستاده شوند. قبل از آنکه عنایت الله خان کابل را ترک بگوید این را قبول کرده بود، و همین یگانه شرط

^{۵۷۸} همانجا، تلگرام شماره ۲۷-این مؤرخ ۱۸ جنوری کمیشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

^{۵۷۹} سرکیت هاووس اصطلاحیست که انگلیس‌ها برای مهمانخانه‌های دولتی بکار میبردند، و تاہنوز در هندوستان و پاکستان بکار میروند.

^{۵۸۰} اسناد محملانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۵ مؤرخ ۱۹۲۹ کمیشنر عمومی، L/P&S/10/1301

فرستادن طیاره انگلیسی برای انتقال او به پشاور بود. اگر لازم باشد او را به زور از [سرحد] چمن خارج کنید.»⁵⁸¹

از اسناد محترمانه آرشیف انگلستان میتوان علت این همه هیجان و پافشاری بر کشیدن سریع سردار عنایت الله خان از خاک هند بریتانی را درک کرد. مأمورین انگلیسی نمیخواستند در راه پیاده کردن پلان‌های شان هیچ نوع خطی را قبول کنند. آنها در حالیکه محمد نادر خان تا هنوز از اروپا حرکت نکرده بود، کمپاین جلب حمایت قبایل به نفع او را آغاز کرده بودند. محمد نادر خان و برادرانش هاشم خان و شاه ولی خان بتاریخ ۹ فبروری ۱۹۲۹ از «مارسیلی» Marseille فرانسه حرکت و بتاریخ ۲۳ فبروری ذریعه کشتی «قیصر هند» به بندر بمبهی رسید. اما تگرام مؤرخ ۱۹ جنوری کمشترع عمومی ایالت شمال غربی ذکر میکند که «شواهد علاقمندی غلچی‌ها به جریانات فعلی رو به ازدیاد است. به اساس راپورهای رسیده غلچی‌ها و شینواری‌ها به توافق رسیده اند تا از نادر خان بحیث کاندید تخت و تاج افغانستان حمایت کنند». ⁵⁸²

از طرف دیگر رسیدن اطلاعات قبولي دوباره امان الله خان بحیث پادشاه افغانستان در قندھار، احساسات مردم را بطریق از او تحریک کرد. کمشترع عمومی ایالت سرحدی شمال غربی در تلگرام ۲۱ جنوری خود اعتراف میکند که «فوران قابل توجهی از احساسات طرفداری از خانواده شاهی افغانستان و مخالفت با حبیب الله رخداده است. تمام مطبوعات اسلامی از لاهور بطرف شمال حبیب الله را تقبیح نموده و دیروزیک گردهمائی بزرگ خلافتی ها [اعضا و هواداران جنبش خلافت] در پشاور، اعلامیه علیه حبیب الله و به نفع امان الله خان را تصویب نمود. تلگرام شماره ۲۷-این، اینجانب را در رابطه با جلسه مشابه افراد ماورای سرحد در پشاور بینیید. در نتیجه این جلسه، افریدی ها و مهمند ها قاصدین خود را به اورکزائی ها، وزیری ها، و مسعودی ها فرستاده و از آنها دعوت نموده اند تا در جرگه بزرگ پلانگذاری کمپاین استقرار مجدد خانواده شاهی افغان بتاریخ ۲۵ جنوری در «دکه» شرکت ورزند. با وجود آنکه زیاد

⁵⁸¹. اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۹ سفیر کابل، مؤرخ ۲۰ جنوری ۱۹۲۹، L/P&S/10/1301

⁵⁸². اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۴-این، مؤرخ ۱۹ جنوری ۱۹۲۹ کمشترع عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1301

میخواهم از شرکت قبایل در امور داخلی افغانستان جلوگیری کنم، من فکر میکنم برش اشتن هر قدمی علیه این جنبش ناممکن میباشد.⁵⁸³

7. خودسوی سفیر انگلیس یا توافق مخفیانه با حکومت حبیب الله کلکانی؟

یکی از رازهای که ناگاهانه یا آگاهانه توسط یکی از نشرات رسمی انگلیسی فاش شد، ارتباط مستقیم سفیر انگلیس از طریق دستگاه بیسیم شخصی با خارج بود. همفریز درین رابطه در تلگرام ۲۰ جنوری ۱۹۱۹ خود با سراسیمگی مینویسد که «در صفحه اول شماره مؤخر ۱۸ "روزنامه ملکی و عسکری" The Civil and Military Gazette خط خاصی نشر شده است که سفیر بریتانیا میتواند با استفاده از بیسیم شخصی در سفارت با دنیای خارج ارتباط بگیرد. این مایه تأسف زیاد است، زیرا با وجودی که افغانها بصورت غیررسمی به استفاده من از دستگاه شخصی تن درداده اند، بنظر تحصیل کرده ها این عمل نقض حاکمیت افغانستان شمرده میشود، و ازین حقیقت نباید عوام اطلاع پیدا کنند.»⁵⁸⁴ قابل یادآوریست که قبل از آن تمام ارتباطات سفارت انگلیس در کابل از طریق دستگاه های دولتی افغانستان انجام می یافتد.

8. سانسور مطبوعات

انگلیس ها به مقامات ایالتی بلوچستان، پنجاب و ایالت سرحدی شمال غربی محramانه هدایت دادند تا تلگرام های ژورنالیست ها و مطبوعات راجع به اخبار و اوضاع افغانستان را سانسور و از نشرات خلاف پالیسی بریتانیا جلوگیری کنند.⁵⁸⁵ آنها همچنان پیغام های نشراتی «اسوشیتید پریس» را بخاطر نشر مقالاتی راجع به اوضاع افغانستان سانسور نمودند.⁵⁸⁶

انگلیس ها همچنان برای کتمان حقایق با بهانه های مختلف از رفتمن خبرنگار روزنامه شیکاگو تریبون Chicago Tribune از طریق هند به افغانستان جلوگیری کردند، تا

⁵⁸³. اسناد محramانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۷۳ مؤخر ۲۱ کمیستر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

⁵⁸⁴. اسناد محramانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۷۵ مؤخر ۲۰ جنوری ۱۹۲۹ سفیر انگلیس در کابل.

⁵⁸⁵. اسناد محramانه آرشیف انگلستان، L/P&S/10/1301.

⁵⁸⁶. همانجا، تلگرام های شماره ۵۰۸ و ۵۰۹ مؤخر ۲ فبروری ۱۹۲۹.

آنکه بالاخره «لری رو» Larry Rue یگانه خبرنگار غربی توanst با کرایه کردن یک طیاره مخصوص از تهران برای مصاحبه با غازی امان الله خان وارد قندهار شود. لری رو خبرنگار امریکائی مقیم ویانای شیکاگو تربیون بود. جریده مذکور تصمیم گرفت تا بنابر اهمیت و دلچسپی موضوع افغانستان، نماینده اش را به آنجا فرستاده و گزارش های خود را از داخل افغانستان تهیه کند. لری بالاخره مجبور شد به تهران رفته، با پیش کش بُردن یک ناظر نظامی ایران باخود، اجازه کرایه کردن یک طیاره آلمانی را حاصل کند. او در ماه فبروری ۱۹۲۹ برای پنج روز در قندهار ماند و ۱۳ مقاله راجع به اوضاع افغانستان نوشت که از ۲۵ فبروری تا ۱۱ مارچ همان سال در شیکاگو تربیون بنشر رسیدند.

وزیر خارجه برای امور هند در لندن بعد از انتشار پیغام نماینده خاص لاهور در جریده «دیلی میل» Daily Mail یا پست روزانه که در آن دلایل ضرورت کشیدن همفریز سفیر انگلیس از کابل ذکر شده بود، در یک تلگرام عاجل خواهان تحقیقات راجع به چگونگی نشر این پیام بدجنس شده امر کرد تا برای منع کردن نویسنده و خبرنگاران دیگر از نشر چنین مطالب، اقدامات لازم جدی گرفته شود.⁵⁸⁷ درین رابطه به حکومت بمبئی هدایت داده شد که «روزنامه دیلی میل لندن در شماره ۲۸ جنوری خود از قول خبرنگار لاهور نوشتند است که همفریز بچه سقاو را بر تخت کابل نشاند و حالا شاید او را بردارد. آشکار است که مسکو یا رویتریا مطبوعات آزاد این نوع نشرات خطروناک برای هند را تکرار خواهند کرد. اگر تا حال چنین پیغاماتی مخابره نشده باشند، لطفاً از نگذشتن آن اطمینان حاصل کنید.»⁵⁸⁸

۹. خلاف ورزی از مقررات پستی و تعامل بین المللی

انگلیس‌ها با وجود اطلاع رسمی غلام صدیق خان چرخی وزیر خارجه، برخلاف تعامل بین المللی و مقررات پستی، پوسته سیاسی را که از سفارت‌های افغانستان در لندن، پاریس و برلین عنوانی شخص وی فرستاده شده بود، عوض قندهار به عطالحق خان وزیر خارجه حبیب الله کلکانی فرستاد تا از پلان‌ها و اقدامات آینده امان الله خان در

⁵⁸⁷ همانجا، تلگرام شماره ۳۴۴ مؤرخ ۲۹ جنوری ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور جارجہ هند.

⁵⁸⁸ اسناد محروم‌آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۴۱۸ مؤرخ ۳۰ جنوری ۱۹۲۹ به حکومت بمبئی.

قندھار خوبتر اطلاع حاصل و ترتیبات خود را بمقابل آن اتخاذ کنند. انگلیس‌ها محتوای این پست دیپلماتیک را در پوسته خانه‌پشاور تفتیش و میدانستند که تعداد زیادی از مکاتیب به دری و به غلام صدیق خان فرستاده شده بودند.

سفیر انگلیس همچنان به تقاضای عطالحق خان وزیر خارجه حبیب الله کلکانی در رابطه ارسال پوست رسمی توسط طیارات انگلیسی به کابل لبیک گفته تسهیلات لازم را فراهم ساخت.⁵⁸⁹ در حالیکه تقاضا برای فرستادن پوسته دیپلماتیک وزارت خارجه خصوصاً پوسته که بنام شخص غلام صدیق خان چرخی ارسال شده بود، علاوه بر سفارتخانه‌های افغانستان در اروپا، از طرف وکیل تجارت افغانی نیز صورت گرفته بود. کمشنر عمومی در پشاور در تلگرام اول ماه فبروری خود مکتوب نماینده تجارتی افغان را نقل میکند. درین مکتوب نوشتہ شده است که «باساس هدایت تلگرافی از سفارت پاریس، پوسته ارسالی آنها به ادرس وزارت خارجه در کابل، باید به وزارت خارجه در قندھار سوق داده شود. بنابران من از شما تقاضا میکنم که این پوسته را یا به وزارت خارجه در قندھار سوق داده و یا به من بازگردانید».⁵⁹⁰

10. خارج ساختن دیپلومات‌های خارجی از افغانستان یک چال و نیونگ دیگر

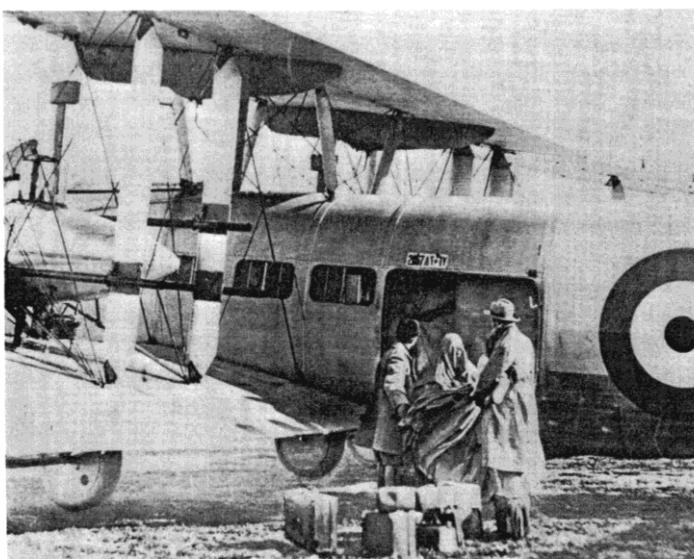
تصادفی نیست که یکی از خواست‌های اغتشاشیون شینوار در پهلوی خواست‌های دیگر مانند تبعید خانواده طرزی و طلاق ملکه ثریا بسته نمودن نماینده‌ی های خارجی به استثنای سفارت انگلستان بود، و همفریز سفیر انگلیس در کابل هم برای برآمدن دیپلومات‌ها و خارجیان دست به تبلیغات وسیع زد. او میگفت که جنگ داخلی افغانستان حد اقل برای دو سال دوام خواهد کرد و جنگ در کابل به قتل عام خواهد انجامید. او بصورت مبالغه امیز سعی و تلاش مینمود تا سفیران مقیم کابل را تشویق کند که تا استقرار حکومتی که برای اکثریت مردم افغانستان قابل قبول باشد، خارجیان از کابل برآیند و سفارتخانه‌ها بسته شوند.

در دوران اغتشاش و حملات بر کابل، از دسمبر سال ۱۹۲۸ تا فبروری ۱۹۲۹، انگلیس‌ها تنها برای ضعیف ساختن رژیم امانی دست به بزرگترین عملیات تخلیوی هوائی زدند، بلکه غرض نشست و برخاست طیارات خویش از مقامات دولتی افغانستان اجازه هم نمیگرفتند. این عملیات تخلیوی دیپلومات‌های غربی، اولین تجربه و عملیات

⁵⁸⁹ همانجا، تلگرام شماره ۷۷ مؤرخ ۳ فبروری ۱۹۲۹ سفیر انگلیس در کابل.

⁵⁹⁰ همانجا، تلگرام شماره ۱۱۰ مؤرخ ۱ فبروری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

بزرگ توسط قوای هوایی سلطنتی انگلستان بود که در آن مأمورین و افراد ملکی از یک کشور به کشور دیگر انتقال یافتند. قبل از آن قوای هوایی انگلستان در عملیات نظامی خارج از کشور سهم گرفته بود، مثلاً هفت سال قبل در عراق ملیشیاً آشوری را از سلیمانیه تا کرکوک به فاصله هفت میل تخلیه کرده بود، اما آن تخلیه تنها در داخل کشور و نظامی بود که به هیچ صورت با تخلیه کابل مقایسه نبود. عملیات سه ماهه کابل با انجام دادن بیش از ۸۴ مأموریت و انتقال بیش از ۵۸۲ نفر از کابل به پشاور، دست آورد بزرگی بود که در آن بدون عملیات نظامی، نیروهای خود را برای مقاصد غیر نظامی و عملیات مخفی سیاسی هم آزمودند. طی همین عملیات، سردار عنایت الله خان هم بعد از امارت سه روزه اش از کابل به هند بریتانی انتقال داده شد.



40. اعضای خانواده سردار عنایت الله خان قبل از حرکت در میدان هوایی
شیرپور کابل

همفیز ازین کار تخلیه خارجیان از کابل هدف دیگری نیزداشت و آن انحراف افکار و توجه از رسوائی فعالیت‌های لارنس در سرحدات افغانستان بود. او خصوصاً با پخش شایعات امکانات سقوط آنی رژیم کابل و قتل عام خارجیان، جنگ روانی ایرا براه انداخته بود. اما ایران و ترکیه تصمیم ماندن را گرفتند. سفیر انگلیس در کابل بتاریخ ۲۴ جنوری از قول همپایه ایتالیوی اش را پورداد که «حکمت بی» سفیر ترکیه دیروز

کفته است متیقн هستم هرج و مرج در افغانستان مرحله اول جنگ بین روس و انگلیس برای تسلط بر آسیا میباشد، لذا ترکیه باید برای دانستن اوضاع، نمایندگی خود را در کابل بازنگه دارد. همفریز بتاریخ ۸ فبروری نوشت که هم مسلکان آلمانی، فرانسوی و ایتالوی اش خروج شانرا مشروط به برآمدن او ساخته اند.



41. سردار عنایت الله خان بعد از رسیدن به پشاور

وقتی سفیر انگلیس در کابل نتوانست سفرای کشورهای غربی را برای ترک گفتن کابل تلقین کند، انگلیس‌ها تلاش ورزیدند از طریق ترساندن وزرای خارجه کشورهای مذکور پلان طرح شده خود را عملی کنند. وزارت خارجه انگلستان به سفرای خود در پاریس، برلین و روم هدایت داد که «لطفاً با وزرای خارجه ارتباطات شخصی و محترمانه بگیرید. آنها از اوضاع درک نادرست دارند. شما به آنها زبانی تشریح کنید که در یک مدت نسبتاً کوتاه با خوب شدن هوا جنگ‌های عمومی در کابل از سر آغاز شده و خطر حقیقی قتل عام اروپایان وجود دارد. پیچیدگی‌های بین‌المللی ایکه در نتیجه آن بمبیان خواهد آمد، واضح بوده و خطرات آن دور از تصور میباشد. اگر سفر و اعضای سفارت‌های آلمان و فرانسه و ایتالیا بعد از خارج شدن نمایندگی انگلیس‌ها در کابل بمانند، درمانده و در بدترین شرایط تمام راه‌های فرار برویشان بسته خواهد شد. بنابران شدیداً از شما تقاضا میکنیم تا به سفرای آلمان، فرانسه و ایتالیا بصورت فوری هدایت قاطع بدھید تا در رابطه با تخلیه قبل از قبل یا همزمان نمایندگی‌های خود با سر فرانسیس همفریز تماس بگیرند. شما باید تأکید کنید تا این ارتباط بصورت مطلق از مطبوعات و

عوام مخفی بماند، چون اطلاع خبر تخلیه تمام برنامه را برهمنده و حکومت افغانستان برای طیارات مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد.»⁵⁹¹

11. بخورد غیر قانونی با دیپلمات‌های افغانی در لندن

شجاع الدوله خان، سفیر افغانستان در لندن، بتاریخ ۹ فبروری به هدایت غازی امان الله خان از طریق روسیه عازم هرات شد. او قبل از حرکت ضمن مکتوبی از تقریر محمد یونس خان سکرتر سفارت بحیث شارژ‌دافیر به وزارت خارجه انگلستان اطلاع داد. اما انگلیس‌ها برخلاف قوانین بین‌المللی می‌خواستند اعضای سفارت افغانستان را اخراج و یا مجبور به استغفار و ترک کشور نمایند. وزیر خارجه انگلستان تصمیم داشت به نماینده افغانستان اطلاع دهد که مأموریتش در افغانستان به پایان رسیده و نام‌های دیپلمات‌های افغان را از لیست دیپلمات‌ها خارج سازد. انگلیس‌ها بخوبی میدانستند که این عمل شان خلاف موazین و مقررات بین‌المللی است. چنانچه در صفحه ۲۴۹ جلد اول قانون بین‌المللی اوپین‌هایم Oppenheim's international law ذکر شده است، که در صورت تغییرات انقلابی کشورهای خارجی برای مدتی نخواهند توانست اعتبارنامه‌های جدید را ارسال یا نمایندگان خود را فراخوانند، لذا تا روشن شدن اوضاع اصلی، مطابق به تعامل بین‌المللی این نمایندگان از تمام امتیازات دیپломاتیک بخورد دار خواهند بود.⁵⁹²

12. فوج ساختن اقدامات امان الله خان برای حصول دوباره سلطنت

غازی امان الله خان بعد از آنکه با عده‌مدودی از وزرا و مشاورین خود ذریعه موثر بتاریخ ۲۴ جدی (۱۳۰.۷ مطابق با ۱۴ جنوری ۱۹۲۹) به قندهار رفت، تا معلوم شدن سرنوشت برادرش، سردار عنایت الله خان، بدون تماس با مردم منتظر ماند. بعد از رسیدن عنایت الله خان به قندهار، هردو برادر در برندۀ ارگ قندهار مقابل مردم شهر و اطراف آن قرار گرفتند و غازی امان الله خان پس از شرح واقعات اخیر و توجیهات نادرستی که از اصلاحات وطنخواهانه او توسط معارضین داخلی و دشمنان خارجی بعمل آمد بود و علت کناره گیری خودش و انتظاری که از رویکار آمدن عنایت الله خان

. ۵۹۱. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام‌های شماره ۴۹، ۴۰، ۳۴ و ۵۱ مؤخر ۱۴ فبروری ۱۹۲۹.

. ۵۹۲. اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب شماره ۸ مؤخر ۲۱ فبروری ۱۹۲۹ معین سیاسی وزارت خارجه انگلستان.

در راه خاتمه دادن به خانه جنگی و جلوگیری از کشت و خون مردمان بیگناه داشت، اکنون به حاضرین اختیار داد تا برای ادامه مبارزه علیه جهل و وحشت و اعاده نظام و امنیت از بین او و برادرش یکی را انتخاب کنند. تمایل مردم باز هم به شخص امان الله خان بیشتر بود، و مردم قندهار با وجود شکایات و گله‌هایی که از او داشتند، از اعاده سلطنت غازی امان الله خان بخوشی استقبال نمودند و از همراهی خود به او اطمینان دادند.⁵⁹³

فردای آن، شاه مجلسی را در سلامخانه دائرو کایینه جدید را تعیین کرد که در آن به عبدالعزیز خان مسئولیت وزارت حریبه و به غلام صدیق خان مسئولیت وزارت خارجه داده شده، میرزا محمد عمر خان بحیث منشی حضور و میرزا علی احمدخان مهمند بحیث منشی شورا تعیین شدند.⁵⁹⁴ عبدالاحد خان، وزیر داخله، مأمورین و مردم را از پادشاهی دوباره امان الله خان و استعفای سردار عنایت الله خان مطلع ساخت. تشکیلات جدید دوائر دولتی و بودجه آنها تصویب و یکباره دیگر چرخ‌های حکومت به حرکت و فعالیت درآمده و نقشه‌های اینده طرح گردید. غلام صدیق خان چرخی، وزیر خارجه، هم ذریعه تلگراف از طریق سفارت خانه‌های افغانی جلوس مجدد غازی امان الله خان را به دنیا اعلام کرد.⁵⁹⁵

همفربیز با وجود تلگرام شب گذشته خود که در آن نوشته بود «من هیج اطلاع رسمی از استعفای امان الله خان، تاجگذاری یا کناره گیری عنایت الله خان و یا ادعای سلطنت حبیب الله را نگرفته ام. وزارت خارجه مسدود میباشد»، در تلگرامی عنوانی وزیر خارجه به لندن اطلاع داد که با وجودیکه حبیب الله فعلاً حکمفرمای کابل است، بنظر من ناممکن است او بتواند اقتدار خود را در افغانستان قائم کند. در صورت دریافت کمک از انگلستان و

⁵⁹³. رشتیا، سید قاسم (۱۳۷۸)، ص ۳۸

⁵⁹⁴. طوریکه قبل از این در فصل پنجم ذکر شده است، راپور شیخ محبوب علی، سکرتر امور شرقی که تحت نام سقوط امان الله يا The Fall of Amanullah توسط سکات به انگلیسی ترجمه شده است، به میرزا علی احمد خان مهمند نسبت داده شده و چند نفر از مؤرخین داخلی و خارجی هم از آن گویا اینکه نویسنده اش منشی دربار امان الله خان و بنابران دارای معلومات مؤثق و کافی بوده است، بحیث یک مأخذ و سند دست اول یاد نموده، از آن برای تخریب غازی امان الله خان استفاده نموده اند.

⁵⁹⁵. اسناد محرومۀ آرشیف انگلستان، راپور شیخ محبوب علی، سکرتر امور شرقی سفارت انگلستان در کابل، L/P&S/20/B289

یا اتحاد شوروی، اکثریت مردم افغانستان از امان اللہ خان در مبارزه اش برای حصول دوباره قدرت پشتیبانی خواهند کرد. همفریز مشوره داد که لندن تقاضای هر نوع کمک نظامی را به امان اللہ خان رد کند و همچنان وزیر مختار افغانی را، که دیگر از دولت رسمی افغانی نمایندگی نمیکند، نباید در لندن برسیت بشناسد. همفریز همچنان توصیه نمود که "دولت اعلیحضرت اخظراریه ای به شوروی ارسال نموده و به مقامات آن کشور هوشدار بدهد که از ارسال عساکر و یا مهمات جنگی برای امان اللہ خان امتناع ورزند".⁵⁹⁶

13. ایجاد موافع در راه فعالیت‌های حامیان غازی امان اللہ خان

مأمورین انگلیسی به محمد یعقوب خان، مأمور ویزه افغان در کویته و محمد عظیم خان منشی اش اخطار داده و آنها را تهدید به اخراج کردند. آنها تحت تعقیب مقامات استخباراتی بلوچستان بوده و گمان میرفت که بصورت مخفیانه برای رژیم امانی فعالیت نموده و با افغانهای ساکن کویته در تماس باشند. علاوه بر آن تصور میرفت با قندهار ارتباط منظم داشته از تلگرام و پوسته دیپلماتیک به نفع آنها استفاده میکنند، نماینده تجارتی افغان در کویته نیز تحت تعقیب و نظارت قرار داشت.⁵⁹⁷

یک راپور دیگر درین باره نشان میدهد که خان بهادر بازگل خان که با مأمورین وزارت خارجه افغانستان در تماس بود، تأیید کرده است که مأمور ویزه افغان در عهد مان اللہ خان از کویته معلومات هفتگه وار استخباراتی را به وزارت خارجه ارسال میکرد.⁵⁹⁸

کمشنر انگلیس در پشاور هم به سختی جلو فعالیت‌های حامیان غازی امان اللہ خان را در ایالت سرحدی شمال غربی میگرفت او امر نمود تا هیئت کمیته خلافت ایالت پنجاب تحت مقررات امنیتی سرحد از پشاور اخراج و به تیم صحی آنها اجازه رفتن به افغانستان داده نشود.⁵⁹⁹

⁵⁹⁶. اسناد محملانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۷۱ مؤرخ ۲۰ جنوری ۱۹۲۹ سفیر انگلیس در کابل.

⁵⁹⁷. همانجا، تلگرام شماره ۲۰ فبروری ایجنت گورنر جنرال در بلوچستان.

⁵⁹⁸ همانجا، تلگرام شماره ۲۸ مؤرخ ۹ فبروری ۱۹۲۹ ایجنت گورنر جنرال در بلوچستان.

⁵⁹⁹. اسناد محملانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۳۹ مؤرخ ۲۳ فبروری ۱۹۲۹ کمیشنر در پشاور.

مقامات انگلیسی از لندن به کمشنر ایالت سرحدی شان نوشت که **با درک مشکلات جلوگیری** از شرکت قبایل در فعالیت های طرفداری از امان الله خان، از نظر بین المللی بسیار زیاد مهم است که خود را غیرجاذب دار نشان دهیم . تا جاییکه ممکن است، باید بسیار کوشید تا اقدامات ما علیه امان الله خان تعییر نشوند. باید کلمات خود را با احتیاط انتخاب کنید.⁶⁰⁰ از یک سند دیگر آرشیف انگلستان به وضاحت معلوم میشود که هدف به اصطلاح سیاست بیطرفی انگلیس ها در امور داخلی افغانستان، جلوگیری از فعالیت های قبایل آزاد در حمایت از غازی امان الله خان بوده است. وزیر خارجه برای امور هند نوشت که «حکومت معتقد است که پالیسی درست، پالیسی عدم مداخله است، و این باید تأمین شود و ما وظیفه داریم برای جلوگیری از مداخله قبایل از تمام اقدامات ممکن استفاده کنیم»⁶⁰¹

14. پافشاری بر تلاش های مخفی نگهدارتن مداخلات انگلیس

اسناد مختلف در آرشیف انگلستان نشاندهند آنست که انگلیس ها سخت تلاش داشتند تا به شمول کشف و سانسور مکاتبات غازی امان الله خان ، تمام اقداماتی را که مداخله در امور افغانستان، علیه رژیم امانی ، کمک به مخالفین امان الله خان و یا کمک به کاندیدان مورد نظر شان تلقی میشد، از انتظار جهانیان و خصوصاً حامیان غازی امان الله خان مخفی نگهداشند. به چند نمونه ازین نوع تلاش ها در ذیل توجه کنید:

انگلیس ها در حالیکه درخواست ویزه محمود طرزی را، که میخواست جهت تداوی به هندو یا از راه هند به اروپا برود، رد کردند، نه تنها برای احمد شاه خان و عبدالعزیز خان که ظاهراً به تقاضای حبیب الله کلکانی برای آوردن محمد نادر شاه عازم اروپا بودند، ویزه دادند، بلکه ترتیبات مسافرت ذریعه طیاره، ریل و کشتی، حتی مصارف مسافت شان را به عهده گرفتند. سفیر انگلیس در تلگرام ۲ فبروری ۱۹۲۹ خود نوشت که من به احمد شاه خان و عبدالعزیز خان ویزه دادم. آنها در صورت مساعدت هوا فردا توسط طیاره به پشاور آمدند از طریق بمبئی توسط [کشتی] رانپوره، بتاریخ ۹ فبروری به فرانسه میروند. من خواهش میکنم دو اطاق را بتاریخ ۷ فبروری در هتل دینز، دو سیت را در ریل «بمبئی میل» بتاریخ ۷ فبروری و بصورت حتمی دو اطاق خواب کشتی را در

⁶⁰⁰. همانجا، تلگرام شماره ۳۲۴ مؤرخ ۲۴ جنوری کمیشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

⁶⁰¹. همانجا، تلگرام شماره ۳۰۵ مؤرخ ۲۵ جنوری ۱۹۲۹ وزیر خارجه برای امور هند در لندن

«رانپوره» برایشان از پیش حفظ (ریزرو) کنید.⁶⁰² سفیر انگلیس به تعقیب تلگرام همان روز کمشنر عمومی پشاور که از ادامه تبلیغات به نفع امان الله خان در قلمرو هند بریتانی و فتواهای متعدد چندین گروپ ملاها که اعلام نموده بودند «امان الله خان کافرنمی باشد» اطلاع میداد، با سراسیمگی نوشت که تکت‌های ریل و کشتی احمدشاه خان را نباید ما خریداری کنیم. آنها باید خودشان به کمپنی کشتی «پی و او» تلگرام بفرستند. اگر لازم باشد برایش پول پیشکی بدهید، اما نهایت احتیاط شود که از سهمگیری ما درین تماس کسی نفهمد.⁶⁰³

سفیر انگلیس در همان روز برای جلوگیری از تبلیغات هواداران غازی امان الله خان پیشنهاد کرد که «ما خطر تبلیغات به نفع امان الله خان را که از قندهار منشأ میگیرد، کاملاً درک میکنیم. نگرانی عمدۀ ما اینست که (۱) ما باید با دقت از هر آنچه نشانده‌ندۀ دخالت‌ما باشد و به نفع تبلیغات خطرناک ضد انگلیسی مورد استفاده قرار گیرد، خودداری کنیم، و (۲) هر افغانی را، مخصوصاً مأمورین افغانی ایکه علیه انگلستان در خاک ما مصروف تبلیغات باشند، به کشور خود شان اخراج کنیم. راجع به فعالیت‌های مأمور ویژه افغان در بلوچستان تحقیقات بیشتری صورت گرفته است، که ممکن است منتج به اخراج وی شود.» سفیر انگلیس طرفدار پس گرفتن امتیازات استفاده از تلگراف و پست توسط مأمور ویژه افغان را، که مطابق به مقررات تلگرافیک هند، هر کسی از آن استفاده کرده میتواند، نبود، بلکه نظارت و سانسور مراسلات امان الله خان را به نفع انگلیسها میدانست.⁶⁰⁴

15. قراردادن اسلحه ارزان قیمت بدسترس شورشیان

با ساس پالیسی سختگیرانه انگلیس در مخفی نگهداشتن کمک‌های شان به مخالفین رژیم امانی، آنها به عوض دادن مستقیم اسلحه به شورشیان، آنرا بصورت غیر مستقیم، به قیمت بسیار ارزان و ناچیز در کوتل کوهات به اختیار شان میگذاشتند. در تلگرام ۷ فبروری کمشنر عمومی از آمدن تعداد زیادی از افغانها و افراد قبایلی به آنجا گزارش

⁶⁰². اسناد محرومۀ آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۵۲ مؤرخ ۲ فبروری ۱۹۲۹ سفیر انگلیس در کابل.

⁶⁰³. همانجا، تلگرام شماره ۵۶۱ مؤرخ ۲ فبروری کمشنر عمومی پشاور، به خواست سفیر انگلیس در کابل.

⁶⁰⁴ همانجا، تلگرام شماره ۱۷۵ مؤرخ ۲ فبروری سفیر انگلیس در کابل.

داده شده و تذکر رفته است که اسلحه که از حکومت افغانستان بدست آمده است، نیز درین جمله شامل میباشد. اما او طرفدار کوشش جلوگیری از انتقال این اسلحه به افغانستان نبود.⁶⁰⁵

16. جلوگیری از تأسیس قونسلگری روسیه در قندهار

انگلیس‌ها با وجودی که ادعای بیطرفی و عدم مداخله در امور افغانستان را داشتند، و از شناسائی دوباره سلطنت غازی امان‌الله خان خودداری میکردند و قونسلگری شان را در قندهار تنها برای فعالیت‌های استخباراتی بازنگهاداشته بودند، سخت‌تلاش داشتندتا از تأسیس قونسلگری روسیه در قندهار و تماس و کمک روس‌ها به غازی امان‌الله خان جلوگیری کنند. سفیر انگلیس در کابل در تلگرام ۱۰ فبروری ۱۹۲۹ خود نوشت که «بفکر من ما باید از تمام امکانات خود برای جلوگیری از تأسیس نمایندگی روس‌ها در قندهار بکوشیم. به سفیر روسیه هیچ وقت اجازه رفتن به قندهار، حتی برای یک سفر کوتاه هم داده نشده است. مکتوب سوم ضمیمه قرارداد بین افغانستان و انگلستان شرط مانده است که معافیت اجناس دولتی و تجارتی افغانستان از محصول گمرکی همیشه با منوعیت نمایندگی روسیه در قندهار ارتباط خواهد داشت. من پیشنهاد میکنم به قونسل انگلیس در قندهار هدایت داده شود که به غلام صدیق خان اطلاع دهد که حکومت اعلیحضرت ما موجودیت نماینده روسیه در قندهار را مغضوبیت بزرگ دانسته و مجبور خواهد شد تحت چنین شرایطی سرحد چمن را کاملاً مسدود نماید.⁶⁰⁶

17. پنج پادشاه در یک سال و برخورد متفاوت انگلیس‌ها با مدعیان تاج و تخت کابل

سال ۱۹۲۹ شمسی در افغانستان سال بی سابقه پادشاه گردشی بود. درین یک سال افغانستان پنج پادشاه داشت (غازی امان‌الله خان، سردار عنایت‌الله خان، حبیب‌الله خان کلکانی، علی احمد خان، و بلاخره در آخر سال محمد نادر شاه).

استعفای سردار عنایت‌الله خان امپراتوری بریتانیا را خرسند و یک قدم دیگر به تحقق پلانهای شان نزدیکتر ساخت. کارمندان ظاهرًا غیر مسلح سفارت انگلستان به ساعت یک بعد از

⁶⁰⁵. همانجا، تلگرام شماره ۱۱۸ مؤرخ ۷ فبروری

⁶⁰⁶. اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۷۴ مؤرخ ۱۰ فبروری ۱۹۲۹ سفیر انگلیس در کابل.

ظهر به ارگ شاهی رفته عنایت الله خان و اعضای خانواده اش را به میدان هوائی همراهی نموده و به دو طیاره که منتظر شان بود رهنمائی کردند. بعد از استعفای سردار عنایت الله خان و اعلام مجدد سلطنت غازی امان الله خان، سفیر انگلیس در یک وقت با سه پادشاه معامله داشت: امان الله خان در قندهار، علی احمد خان در جلال آباد و حبیب الله کلکانی در کابل.

راجع به محمد نادر خان بعداً به تفصیل صحبت خواهد شد. محمد نادرخان یکی از کاندیدان مورد نظر انگلیس‌ها بود که برای چنین روزی در نظر گرفته شده بود. اما آنها نمیتوانستند بنابر دلایل مختلف از وی حمایت علیه کنند. صرف نظر از نفرت مردم از انگلیس‌ها و دست نشاندگان شان، بقدرت رساندن علیه محمد نادرخان نتنها مورد استفاده تبلیغاتی حکومت‌های قندهار، جلال آباد و کابل قرار میگرفت، بلکه این کار بحیث واضح ترین مداخله انگلیس‌ها در امور داخلی افغانستان سبب عکس العمل شدید در هند، روسیه و کشورهای رقیب دیگر نیز میگردید.⁶⁰⁷

دو نفر از مدعیان دیگر تاج و تخت که راجع به آنها کمتر صحبت شده است، یکی غوث الدین خان احمدزی پسر جانداد خان احمدزی بود، که میگفت «اگر بچه سقاو امیر شده میتواند، هر کس دیگر هم میتواند»، و دیگری هم سردار محمد عمرخان پسر سردار ایوب خان بود که مثل عبدالکریم خان پسر امیر یعقوب خان در دوران اغتشاش منگل، اینبار در دوران اغتشاش شینوار از قلمرو هند بریتانی به سرحد آزاد آمده بود.

موقف انگلیس‌ها راجع به غازی امان الله خان، با درنظرداشت دشمنی و نفرت دیوبنہ هردو جانب بسیار روشن بود. «آستین چمبرلین» Austen Chamberlain، وزیر خارجه انگلستان، بتاریخ ۲۹ جنوری ۱۹۲۹ در جوابیه رسمی ایکه از قبل بدقت زیاد و الفاظ شمرده برای پارلمان تهییه شده بود، و «ویسکونت پیل» Viscount Peel وزیر خارجه برای امور هند نمیخواست در آن به امان الله خان، یا حکومت مرکزی آینده افغانستان کدام اشاره شده باشد، سهواً از روی مسوده قبلی ایکه در دست داشت، خواند که «حکومت اعلیحضرت [بریتانیا] هیچ قصد مداخله در امور داخلی افغانستان و حمایت یا کمک به یکی از طرفینی که فعلاً مدعی قدرت اند، را ندارد. آنها صادفانه خواستار تأسیس یک دولت مرکزی قوی بوده، و آماده خواهند بود بعد از تأسیس چنین حکومتی، کمک

⁶⁰⁷. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۵ مؤرخ ۵ جنوری کمشترع عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.

خود را در بازسازی و انکشاف کشور به مردم افغان نشان دهند. شاه امان الله رسمآ استعفایش را به حکومت اعلیحضرت [بریتانیا] اعلام کرده و در نتیجه آن تا وقتی که روشن نشده باشد با وجود کناره گیری اش برای عموم مردم افغانستان بحیث پادشاه شان قابل قبول است، حکومت اعلیحضرت نمیتواند حکومت او را بحیث حکومت مشروع افغانستان قبول کند.⁶⁰⁸

در اعلامیه تصویب شده که باید خوانده میشد، فقط ذکر شده بود که «**تنهای مردم افغانستان باید فیصله کنند که چه کسی بر تخت افغانستان بنشیندو حکومت اعلیحضرت منتظر فیصله آنها خواهد بود.**» بعد ازین بیان و نشر آن از طریق مطبوعات، «آستان چمبرلین» مجبور شد از «ویسکاونت پیل» معاذرت بخواهد و خواهش کند برای این غلطی [افشاری پالیسی و نیت اصلی شان] از نائب السلطنه هند عذرخواهی کند.

قبلاً دیدیم که انگلیس‌ها از یکطرف از قرارداد با حکومت امان الله خان صحبت کرده از تأسیس نمایندگی سیاسی رو سیه در قندهار جلوگیری میکردند، و از طرف دیگر هم حکومت او را غیر قانونی دانسته برسمیت نمیشناختند. غلام صدیق خان چرخی وزیر خارجه امان الله خان در عکس العمل بمقابل این پالیسی انگلیس‌ها، خصوصاً بیانات وزیر خارجه انگلستان در پارلمان، به قو نسل انگلیس در قندهار احتجاج نموده نوشته که سلطنت امان الله خان را دولت بریتانیا به اساس معاہدة ۱۹۲۱ برسمیت شناخته و بعد از آن هیچگاهی این شناسائی خود را پس نگرفته است، بنابران واقعه چند روزه که مربوط به سیاست داخلی افغانستان میباشد، به هیچ وجه سبب قطع و ختم شناسائی رژیم امانی شده نمیتواند. بعد از آن غلام صدیق خان به موضوع خودداری بریتانیا از نقل اموال ترانزیتی افغانستان از راه هند به داخل خاک افغانستان اشاره و آنرا مخالف معاہدة ۱۹۲۱ دانسته و اظهار تعجب نمود که اسلحه، وسایل و لوازم نفیسه که خود امان الله خان شخصاً در اروپا از کشورهای دوست بشمول انگلستان به قسم هدیه دریافت نموده و یا خریداری کرده است، چگونه امروز به بهانه اعلان غیر جانبداری، از ارسال و تسليم آن به او انکار شده میتواند.

سفیر انگلیس در پیشنهادی راجع به جواب غلام صدیق خان چرخی نوشته که «**این یک حقیقت تلخ است که نه امان الله خان و نه غلام صدیق خان هیچکدام درین شان یک دوستی هم در کشور ندارند.**» به گفته محققین غربی شدت احساسات ضد امانی همفریز علاوه بر

⁶⁰⁸. اسناد آرشیف، انگلستان، تلگرام شماره ۵۱۴ مؤرخ ۲ فبروری به وزیر دولت برای امور خارجۀ هند در لندن، L/P&S/10/1301.

نادرست بودن ادعایش که انها هیچ دوستی در افغانستان ندارند، ازین هم معلوم میشود که در تمام مکاتیب مربوط به افغانستان مأمورین انگلیسی، این تنها مکتوبیست که در آن غلطی گرامی بمشاهده میرسد.

علی احمدخان لوی ناب (شاغاسی) یک شخص جاه طلب و از مدت‌ها قبل آرزوی سلطنت را در سر میپرورانید. او که توسط غازی امان اللہ خان برای فرونشاندن آتش اغتشاش بحیث رئیس تنظیمی نظامی و ملکی با اختیارات تام به سمت مشرقی فرستاده شده بود، بتاریخ ۳۰ دسمبر ۱۹۲۸ هنگامیکه لشکر اغتشاشیون شینوار در هدیه و اغتشاشیون خوگیانی در چهارباغ و سلطانپور بودند، بارهبان شورشی شینوار، خوگیانی و سرخ روی در چهارباغ ملاقات نمود. علی احمد خان به آنها گفت «بشرطی که او را به پادشاهی بپذیرند، و خزانه دولتی را ازاو نگیرند، دروازه‌های جلال آباد را بروی شان باز خواهد کرد و اسلحه و مهمات دولتی را بین این سه قوم تقسیم خواهد کرد». راپور کمیشنر عمومی در پشاور می‌افزاید که «رهبران شورشی موافقت کردند و او بعد از آن به همراهی محمد علم خان و رهبران شورشی دیگر ذریعه موتبه جلال آباد برگشت».⁶⁰⁹

علی احمدخان بعد از مراسم دستاربندی اش بتاریخ ۲۰ جنوری توسط نقيب صاحب، لشکری را که اکثریت شانرا شورشیان مخالف غازی امان اللہ خان تشکیل میداد، برای گرفتن کابل آماده می‌ساخت. اما انگلیس‌ها با وجود سوابق همکاری و خدمات علی احمدخان او را بحیث پادشاه افغانستان نتنها قبول نداشتند، بلکه طوری که بعد از ذکر خواهد شد، با وی برخورد نامردانه و خشن نیز نمودند.⁶¹⁰

⁶⁰⁹. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۵ مؤرخ ۵ جنوری کمیشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.

⁶¹⁰. یک نمونه خدمات علی احمد خان به انگلیس‌ها دزدیدن و فروختن سندیست که در آن انگلیس‌ها به امیر حبیب اللہ خان وعده داده بودند تا در مقابل جلوگیری از خشم مردم بمقابل انگلیس و شامل نشدن در جنگ به طرفداری از ترکیه عثمانی، پس از ختم جنگ جهانی اول به افغانستان استقلال داده شود. سردار محمد رحیم خان (شیون کابلی) در «برگهایی از تاریخ معاصر وطن ما» مینویسد که «در محافل درباری افغانستان گفته میشد که این تعهد کتبی انگلیس را شاغاسی ملکی علی احمد خان دزدی کرد و در مقابل ۴۰ هزار روپیه کلدار به انگلیس‌ها تسليم نمود (ص ۴۲).

ستاره بخت علی احمد خان وقتی روبه زوال رفت که کمشنر پشاور در گزارشش نوشت که چانس علی احمد خان بحیث پادشاه افغانستان رو به کاهش است. در جرگه دوم فبروری شینواری ها تحت سرپرستی محمدعلم خان در گندمک، وزیر خیل های خوگیانی تصمیم گرفتند با او مخالفت کنند. جرگه اقوام در بتخاک هم فیصله کرد تا قبل از اعلام حمایت از اوی، منتظر فیصله سمت جنوبی باشند.⁶¹¹ نقیب صاحب هم به او توصیه کرد که تازمان تعین امیر از حکومت وارسی کند، اما خود را امیر واقعی تلقی نکند. بعد از آنکه والی علی احمد خان از مردم خوست هم جواب منفی شنید، بتاریخ سوم ماه فبروری نامه به همفریز از طریق پشاور و بعداً توسط طیاره به کابل فرستاد. او درین نامه اش نوشت که «امان الله خان قبل اثبات نموده است که بی ارزش میباشد و قابلیت تاج شاهی را ندارد و حبیب الله محض یک رهزن است». علی احمد خان خود را دوست قدیمی انگلیس ها اعلام کرد و گفت بریتانیا موقع خوبی را بدست آورده که یک دوست را بر اریکه قدرت برساند. او از حکومت بریتانیا یک میلیون پوند سترلنگ، صد(۱۰۰) لاری



با دریور و دو میخانیک، ۲۰۰ خیمه، یونیفورم و بالاپوش برای دوهزار نفر، بیست هزار تننگ، بیست میلیون گلوله، ۳۰ توب کوهی با هزار مرمری، یک هزار رأس اسپ مکمل با پالان و غیره ضروریات، ۱۲ دستگاه تلفون بیسیم با مخابره چی، یک تعداد طیارات نظامی و طیاره بزرگ مسافربری با پیلوت انگلیسی و ۸۰ هزار گیلن تیل برای طیارات را تقاضا کرد.

⁶¹¹. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۷۷ مؤرخ ۷ فبروری کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.



42. کمپ علی احمدخان در جگدک

علی احمدخان با قوای عسکری و لشکر قومی بطرف کابل حرکت و در جگدک مرکز گرفت. درینجا دو واقعه سبب شد تا سلطنت علی احمدخان بعد از ۲۲ روز پایان پذیرد.



43. عبدالواحد شینواری که برای آوردن سرنشینان طیاره انگلیسی به جگدک فرستاده شده بود

واقعه اول فرود آمدن اجباری یک طیاره انگلیسی با یک پیلوت و یک میخانیک در بستر دریای جگدک در نزدیکی اردوگاه علی احمدخان بود. پیلوت و میخانیک این طیاره که به آن آسیب زیادی نرسیده بود، توسط پاسداران نزد علی احمدخان برده شدند.

چپمن Chapman و دیویس Davis بعد از سپری نمودن پنج-شش روز در جگدلک ذریعه موتبه همراهی محافظین و شخصی که توسط نقیب صاحب فرستاده شده بود، نزد قونسل انگلیس که در آنوقت از جلال آباد نزد نقیب صاحب در چارباغ پناه



44. چپمن مأمور انگلیسی در پناه نقیب صاحب (قلعه چهار با غنزنگرهار)

برده بود، فرستاده شدند. علت فروند آمدن این طیاره خواه عوارض تخنیکی و یا رساندن پیغام هوشدار انگلیسی ها مبنی بر خودداری از حمله بر کابل بوده باشد، برای علی احمدخان شگون بد بود، زیرا مردم او را دست نشانده انگلیسی ها دانستند. واقعه دیگر هم اختلافات دیرینه میان ملک های پرنفوذ حامی علی احمدخان بود که منجر به کشته شدن هردو ملک محمدشاه خان خوگیانی (برادر ملک قیس) و ملک محمدجان خوگیانی شد. از طرف دیگر افراد قبایل خوگیانی و شینواری اردوگاه او را به شمال خیمه و یونیفورم ش تاراج نموده، و او هم در حالی که هیچ کس حاضر به پناه دادن او نبود، پای پیاده از بیراهه های لغمان و کنربه منطقه مهمان در فته از آنجا به پشاور رسید.

اسناد آرشیف انگلستان نشان میدهد که انگلیس‌ها تا وقتی که غازی امان‌الله خان وطن را ترک نگفت با حمله بر حبیب‌الله کلکانی در کابل بخاطری مخالفت میکرد که این کار باعث تقویت بیشتر نیروهای غازی امان‌الله خان میشد.⁶¹²

انگلیس‌ها در کابل از حبیب‌الله کلکانی تا آوردن زمامدار مورد نظر شان برای یک دوره انتقالی استفاده میکردند. هم‌کمشنر عمومی انگلیس‌ها در پشاور و هم سفیر انگلیس در کابل معتقد بودند که سلطه او بر کابل دیری دوام نخواهد کرد، و او نمیتواند مقام پادشاهی تمام افغانستان را کسب کند.⁶¹³ انگلیس‌ها برای اینکه حبیب‌الله کلکانی درین دوران در اعمال و حرکات خود از حد و چوکات تعیین شده خارج نشود، یک عده از اشخاص با تجربه و کاردان را در اطرافش قراردادند که مهمترین و معتمدترین آنها شیرجان وزیر دربار بود. برادران دیگر او عطّالحق خان وظیفه وزارت خارجه، محمد صدیق خان قوماندانی قول اردوی مرکزی و محمد کریم خان ریاست ضبط احوالات را به عهده داشتند. در پهلوی اینها اشخاص دیگر مثل محمود سامی قوماندان سابق قول اردو، سردار شیراحمد خان زکریا رئیس عمومی تفتیش و سردار فیض محمد خان زکریا وزیر معارف دوره امانی بحیث مشاورین خاص حبیب‌الله کلکانی را تحت محاصره گرفته بودند. سردار فیض محمد خان زکریا که شش ماه قبل از پادشاهی حبیب‌الله کلکانی در نقط افتتاحیه جشن استقلال در ستديوم باع عمومی پغمان، امان‌الله خان را «امان‌الله کبیر» لقب داده بود، حالا مدیریت جریده «حبیب‌الاسلام» یعنی ارگان تبلیغاتی حبیب‌الله کلکانی را به عهده گرفت و سردار شاه محمود خان برادر محمد نادر خان نیز بحیث منشی خصوصی حبیب‌الله خان کلکانی تعیین شد.

18. کمپاین برای محمد نادر خان

اسناد محترمانه آرشیف انگلستان نشان میدهد که مکوناچی، کسی که در دوران اغتشاش منگل بحیث شارژ افیر سفارت انگلستان وظیفه داشت، و حالا در دوران اغتشاش شینوار، بحیث پولیتیکل ایجنت یا مأمور سیاسی در ایجنستی کرم که ساحة

⁶¹². اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۱۴۴ مؤرخ ۲۰ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1301.

⁶¹³. همانجا، تلگرام شماره ۷۹ مؤرخ ۲۳ جنوری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

فعالیت های حضرت نورالمشایخ و لارنس عربی نیز بود ، مشغول فعالیت بود ، قبل از حرکت محمد نادر خان از فرانسه برای اوبحیث پادشاه آینده افغانستان مشغول کمپاین بود. او در ملاقات های که با ملک های عمده قوم جاجی داشت، سه نکته اساسی را مورد بحث قرارداده و به توافق رسیده بود. این نکات عبارت بودند از (۱) حمایت از نادرخان بحیث پادشاه، (۲) کمک بمقابل مداخلات روسیه شوروی، و (۳) تعین ۱۶ نماینده از هر قوم سمت جنوبی بمقصد انتخاب پادشاه در جرگه که بعد از ماه رمضان دائر خواهد شد.⁶¹⁴

همچنان شاه محمود خان برادر کوچکتر محمد نادرخان شام پنجم فبروری یک ملاقات شش ساعته با همفریز سفیر انگلیس در کابل داشت. شاه محمود خان درین ملاقات به سفیر انگلیس گفت که درین چند روز آخر بحیث منشی خصوصی حبیب الله کلکانی کار کرده و از طرف او مأمور شده است تا فردا برای تشویق اقوام به صلح به ولایات مشرقی و جنوبی سفر کند. به عقیده شاه محمود خان جلوگیری از وحامت اوضاع و خطر تخریب سفارت انگلیس یا به عبارت دیگر همه چیز به آمدن هرچه زودتر نادرخان و برادرانش بستگی دارد.⁶¹⁵

کامیابی توطئه ها و ماستر پلان انگلیس

یکی از مهمترین توطئه های انگلیس پخش شایعاتی بود که گویا نادانی و اشتباہات غازی امان الله خان در پاسخواری بر اصلاحات سبب اغتشاش شد. انگلیس ها از سفر طولانی مدت شاه در اروپا استفاده نموده در حالی که ازوی استقبال شانداری را بعمل می آوردند، کرنیل لارنس را برای سرنگونی سلطه اش به سرحدات افغانستان فرستادند. انگلیس ها در عین حال ادعا میکردند که گویا از امان الله خان به خاطر عصری گرائی و ساختن جامعه مدنی حمایت میکنند، و چون اغتشاشات و سرنگونی

⁶¹⁴. همانجا، تلگرام شماره ۱۱۲ مؤرخ ۳ فبروری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

⁶¹⁵. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۲۲ مؤرخ ۸ فبروری سفیر کابل به وزارت خارجه انگلستان.

رژیم امانی و بقدرت رسیدن رهزنان سبب هرج و مرج حتمی در افغانستان و نا آرامی احتمالی در هندوستان می شود، لذا به ضرر انگلیس ها می باشد.

پندت جواهر لعل نهرو صدراعظم فقید هند در رابطه با شاه امان الله خان، پروسه اصلاحات و سفر اروپایی اش مینویسد که در اوایل سال ۱۹۲۸ امان الله خان و ملکه ثریا افغانستان را برای سفری طولانی در اروپا ترک گفتند. به بسیاری از پایتخت های اروپایی از جمله روم، پاریس، لندن، برلین، مسکو رفته اند و در همه جا با استقبال گرم مواجه گشتند... اما او مانند یک سیاستمدار عالی نقش خود را به خوبی اجرا می کرد و در هیچ جا هیچ تعهدی به گردن نگرفت... مسافت طولانی امان الله خان توجه فراوانی را به او جلب کرد، اعتبار و حیثیتش زیاد تر شد و اهمیت افغانستان را هم در سراسر جهان بیشتر ساخت، اما در خود افغانستان وضع خیلی خوب نبود. امان الله کار خطرناکی کرده بود که در گرماگرم تغییراتی که در کشور شروع شده بود و روش زنده گی قدیمی را دگرگون می ساخت کشور خود را ترک گفت و به سفر رفت...»⁶¹⁶

طراحان پلان های ستراتیژیک انگلستان در تمام دوران امپراتوری شان به افغانستان توجه خاصی داشتند. در قسمت های گذشته مثال های متعددی از علل مخالفت انگلیس ها با غازی امان الله خان ذکر و از توطئه های شان علیه رژیم امانی و شخص امان الله خان پرده برداشته شد. مامورین انگلیسی بمشکل میتوانستند نفرت خود را از امان الله خان اظهار نکنند. یک مثال آن مکتوب جنرال باروز General Barrows بود که امان الله خان را یک شخص نامرغوب با افکار شدید ضد انگلیسی خوانده و گفته بود که او هر آن کشته خواهد شد، و ما بر مرگ افسوس نخواهیم کرد.. در واقع من تعجب خواهیم کرد که اگر سؤقصد برجانش صورت نگیرد.

نهرو باز علاوه می کند که «دو زمان غیبت امان الله تمام اشخاص و عناصر مرتجمی که با او مخالف بودند به پیش آمدند. انواع توطئه ها و دسیسه ها طرح شد و شایعات فراوان بر ضد او انتشار یافت . ظاهراً پولهای فراوانی برای تبلیغات بر ضد امان الله خروج میشد و هیچکس نمیدانست این پولها از کجا می آمد. به نظر میرسید که به بسیاری از ملاها و آخوندها مبالغ هنگفتی به این منظور پرداخت شده بود... ». نهرو سوال می کند: «آیا چه کسی این تبلیغات وسیع و پُر خروج را اداره می کرد؟ افغانها نه پولی برای این کار داشتند و نه این کار را بلد بودند و نه

⁶¹⁶. نگاهی به تاریخ جهان، صفحات ۱۰۵-۲۰۴، به حواله ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان. اثر پیکار پامیر.

وسایل مادی مناسبی در اختیار شان بود. در کشورهای خاور میانه و اروپا همه عقیده داشتند که در مواردی تمام این اقدامات، دستگاه پلیس مخفی انگلستان قرار دارد.⁶¹⁷

ماستر پلان انگلیس در افغانستان تنها به ازبین بردن و یا تعویض امان الله خان خلاصه نمیشد، ورنه با کناره گیری او از صحنه مشکل حل و نیازی به ادامه بازی خطرناک برای نه ماه دیگر باقی نمیماند، بازی ایکه در آن اقتصاد نیم بند و ابتدائی کشور ازبین رفته، سیر انکشاف و پیشرفت مملکت نیم قرن به عقب کشانده شده و افغانستان به صحنه خانه جنگی ها و برادرکشی ها و مصایب گوناگون تبدیل گردید.

اسناد و شواهد نشان میدهند که در پلان انگلیس ها برانگیختن احساسات مردم افغانستان علیه رژیم امانی، ضعیف ساختن رژیم و ایجاد هرج و مرج در کشور، آماده ساختن زمینه تقاضا و دعوت به نامزد مورد نظر انگلیس ها و در نهایت روی کار آوردن رژیمی که حافظ منافع انگلیس ها در منطقه باشد، شامل بود.

بهترین کاندید برای انگلیس ها

برای انگلیس ها بهترین کاندید ازبین تمام کاندیدان و مدعیان تاج و تخت محمد نادر خان بود. بعضی از دلایل ترجیح دادن او قرار ذیل بوده میتواند:

۱. سوابق خانوادگی

به گفته سید قاسم رشتیا، تاجائیکه از اسناد محترمانه دولت بریتانیا بر می آید، نادر خان حتی در زمان پادشاهی امیر حبیب الله خان (پدر غازی امان الله خان) از طرف مقامات مسؤول انگلیسی در جمله کاندیدهای سلطنت افغانستان در نظر بوده است. جد بزرگ این خاندان سردار سلطان محمد خان طلایی حکمران پشاور و برادر امیردوست محمد خان بود که با انگلیس ها ارتباط داشت و به تشویق حوزه هارلن اولین، جاسوس امریکائی انگلیس ها در منطقه، به سکها پیوست و پشاور را به آنها فروخت.⁶¹⁸ این رابطه توسط سردار یحیی خان و زکریا خان پسران او در دوران جنگ دوم افغان و انگلیس با جانبداری از انگلیس ها دوام یافت. (سردار یحیی خان، پدرزن امیر محمد یعقوب خان بود که معاهده گندمک را بالای امیر محمد یعقوب خان امضا کرد. همچنان در اثنای قیام مردم کابل، در سپتامبر ۱۸۷۹، دربرابر سفارتخانه انگلیس در بالا حصار

⁶¹⁷. همانجا.

⁶¹⁸. کتاب داستان واقعی اولین امریکائی در افغانستان توسط بین مسینتیر ص ۱۸۱.

کابل کوشید عساکر و مردم را با سوگند قرآن، والتماس پرآگنده سازد. ولی قیام کننده گان التماس او را نپذیرفتند.

حینیکه امیر محمد یعقوب اسیر و به هندوستان اعزام شد، سردار یحیی خان و برادرش سردار زکریا خان به هندوستان در «دیره دون» در زیر چتر استعمار انگلیس پناه بردند و با پسران شان سردار محمد یوسف خان و سردار محمد آصف خان و نواسه‌های شان، مدت ۲۳ سال (۱۸۷۹ – ۱۹۰۱) در آنجا مقیم بودند.

خانواده یحیی خان در سال آخر پادشاهی امیر عبدالرحمن خان اجازه بازگشت به افغانستان یافت. موافقه امیر عبدالرحمن خان در اخیر عمرش بعد از عرضه سردار یحیی خان و پسران او به وساطت و کوشش‌های انگلیس‌ها صورت گرفت. به روایتی امیر با تجربه به فرزندان خود توصیه کرده و هوشدار داده بود که از خاندان یحیی خان احتراز جویند.

فیض محمد کاتب هزاره در بخش نخست جلد چهارم سراج التواریخ راجع به عرضه اول سردار یحیی خان و پسران او مینویسد که سردار یحیی خان پسر سردار سلطان محمد خان که با اولاد و احفاد خود روز غربت و جلا وطنی در دیره دون می‌گذاشت، در روز ۲۳ صفر (۱۳۷۷ قمری مطابق با ۳ جولای ۱۸۹۹) قرآن شریف را با عهد نامه اطاعت و ترک عداوت و خیانت نسبت به دولت افغانستان و خاندان سلطنت آن، ارسال حضور داشته برنگاشت که «شکر خداوند را می‌آریم و هم خود را تبریک و تهنیت میدهیم که عرض ما به حضور مبارک سرکار والا پیش می‌شود؛ و مایان از زمرة خدمت گزاران و خیرخواهان و مخلسان حضرات شهریاری شمرده شدیم، چرا که فخر مایان و جمیع اهل اسلام می‌باشد». سردار یحیی خان در ادامه عرضه خود از یعقوب خان بدگوئی نموده مینویسد: «وقتی که محمد یعقوب خان به جای پدر خود نشست مایان بالکل خیال آمدن کابل را نداشتیم، مگر از اتفاق به مجبوری رفتند شد و به کابل بدون از پریشانی و تکلیف و نقصان هیچ ندیدیم. چرا که خداوند سر محمد یعقوب غصب بود و هست. هر کس تعلق دار و نزدیک او شود، بالای او نیز غصب می‌شود. و خداوند وجود او را لایق کلانی نکرده بود، بلکه لایق همین ساعت هم ندارد، و شخصی که عاق پدر و مادر باشد، از او

چه باقی مانده است؟ پس از سبب بد بختی او این همه سختی ها و مصیبت ها و نقصانها را برداشت کرده، فرار هندوستان شدیم»⁶¹⁹

امیر عبدالرحمن خان در جواب این عریضه سردار یحیی خان و پسران او محمد آصف خان و محمد یوسف خان که با قرآنی که در آن عهد نامه و مهر و امضا شده بود، همراه بود و توسط عریضه محمد اسماعیل خان سفیر به او رسیده بود با تکرار «انشأ اللہ» اجازه بازگشت به افغانستان شانرا به بعد موکول کرد. امیر عبدالرحمن خان بعد از این عریضه سردار یحیی خان و پسرانش که مملو از شرح بدسلوکی و زشت اخلاقی امیر محمد یعقوب خان و دوری گزیدن شان ازاو بود، پنج ماه بعد عریضه دیگری مبنی بر تجدید عهد و سوگند مؤکد شان در حاشیه کلام مجید را گرفت که در آن مجددآ با یادآوری شرحی از حسن نیت و رسوخ عقیدت و اظهار اسلامیت و دیانت و محبت و اخلاق و ارادت خود نسبت به ذات حمایت سمات حضرت والا، و سوگند های زیاد در ذیل آن استدعای اجازت آمدن به کابل را کرده بودند، که مورد عاطفت و ملاطفت امیر قرار گرفت.⁶²⁰

خانواده یحیی خان بعد از عهدنامه در قرآن مجید اجازه آمدن به کابل را حاصل و در سال ۱۹۰۱ میلادی از دیره دون به کابل آمد، و در همان سال با درآمدن دختر سردار محمد یوسف خان (خواهر محمد نادر خان) در عقد نکاح امیر یحیی خان، راه برای داخل شدن تمام افراد خانواده یحیی خان در دربار کابل باز شد. بعد از نکاح خواهر محمد نادر خان (مادر سردار اسدالله خان، که بنام ملکه هندوستانی یاد میشد) به ترتیب سن، سردار محمد آصف خان و سردار محمد یوسف خان بحیث مصاحبان خاص، سردار سلیمان خان شاغاسی نظامی، سردار فتح محمد خان زکریا بحیث کوتوال، سردار محمد عزیز خان بحیث شاغاسی خارجه، سردار محمد نادر خان بحیث غندمشر اردلی های حضور (گارد شاهی)، سردار محمد هاشم خان سرسرویس (قوماندان گارد شاهی)، سردار شاه ولی خان بحیث سرخان اسپور (رکاب باشی)، سردار احمد شاه خان (آصفی) بحیث سرمنبر اسپور، سردار شاه محمود خان بحیث سرجماعه پروانه تعین گردیدند، و بدین ترتیب این خانواده بنام خانواده مصاحبان مسمی و به یک نیروئی از نیروهای مهم دیگر در سلطنت امیر تبدیل شد.

⁶¹⁹. کاتب، فیض محمد (۱۳۹۰) شمسی. سراج التواریخ، تتمه جلد سوم و جلد چهارم، صفحات ۵۰۵ تا ۵۰۲.

⁶²⁰. کاتب، فیض محمد (۱۳۹۰) شمسی). سراج التواریخ، تتمه جلد سوم و جلد چهارم، ص ۷۳۰.

پیشرفت اعضای این خانواده با اشغال تقریباً تمام پست‌های نظامی و ملکی کشور تا اخیر سلطنت امیر حبیب‌الله خان قدم به قدم ادامه داشت. چنانچه در سالهای اخیر، سلیمان خان بحیث نائب‌الحکومه و محمد‌هاشم خان برتبه نائب سالاری بحیث قوماندان نظامی هرات و سردار شیراحمد خان زکریا بحیث شاغاسی نظامی مقرر شده و سردار محمدنادرخان هم، که به او توجه بیشتر می‌شد، به رتبه جنرالی و بعد به مقام سپه‌سالاری رسید. شایسته ترین خدمت به انگلیس این خانواده مصاحبان در آغاز جنگ جهانی اول هم مخالفت با وارد شدن افغانستان در جنگ علیه انگلستان (اعلان بیطرفی) بود.

2. علاقه و لیاقت رسیدن به اورنگ شاهی

نادرخان که خیال رسیدن به اورنگ شاهی را در سرداشت، به ظاهر می‌خواست نشان دهد که ضد انگلیس است، اما در حقیقت طوری که بعداً ذکر خواهد شد با انگلیس‌ها روابط نزدیک داشته و از منافع آنها دفاع می‌کرد.

فریزر تتلر وزیر مختار انگلیس در کابل، بعد‌ها در کتاب خود بنام «افغانستان: انکشافات سیاسی آسیای مرکزی و جنوبی» علاقه‌جونون آمیز رسیدن به سلطنت محمد نادرخان را ذکر کرده نوشت که «نادرخان هنگام سفارت در پاریس (1925) بالارد گرووی سفیر برتانیه تماس حاصل کرد، و در ۱۹۲۶ استعفا نمود. محمد‌هاشم خان و شاه ولی با او یکجا شدند، و در کمین فرست نشستند. نادرخان وطن پرستی بود [!] که مملکت خود را به شدت نزدیک به تعصب دوست داشت، و معتقد بود که از طرف خدا انتخاب شده تا مردم افغانستان را به سعادت و صلح هدایت کند.»

فریزر تتلر در جای دیگر همین کتاب خود راجع به لیاقت او می‌نویسد: «نادرشاه که اساس یک حکومت خوب را گذاشت، مستحق لقب اداره چی کبیر است. او مانند اتاترک و رضاخان کبیر بود... باید به نادرشاه کریمت زیاد داد، نه تنها با آنچه انجام داد بلکه به تأسیس انکشاف آینده نیز، مامی بینیم که چگونه پالیسی او بعد از مرگش انکشاف یافت. در ۱۹۳۱ برتانیه ده هزار تنفنگ، پنج میلیون کارتوس و یک صد و هشتاد هزار پوند به نادرخان کمک کرد. نادرشاه پرسونل اتحاد شوروی را از قوه هوائی افغانستان طرد، و پذیرفتن هیئت‌های تجارتی روس را رد کرد.»

تتلر در مورد برادران نادرشاه می‌گوید که «نادرشاه مقووض همکاری صادقانه برادران خود بود مخصوصاً از الاحضرت سردار محمد‌هاشم خان، توأمیت این دونفر، یک اتوکراسی (مطلق العنانی) سخاوتمند و مهربان را به میان آورد... در امور نظامی، آنها

همکاری صادقانه شاه محمود را با خود داشتند، در حالیکه شاه ولی، اول از لندن و باز از پاریس، نگهبان و نگران منافع افغانستان در اروپا و مراقب حرکات شاه سابق امان اللہ بود». ⁶²¹

3. سوابق روابط با انگلیس‌ها و کفایت حفظ منافع آنها

در رابطه با سازش و ارتباطات سردار محمد نادرخان و خانواده اش درینجا به چند مثال از اسناد آرشیف مربوط به هند بریتانی ای انگلیس‌ها اکتفا می‌کنم:

تعهد سپه سالار نادر خان به همکاری با انگلیس‌ها

همفریز وزیر مختار انگلیس‌ها در کابل در گزارش مفصل شماره ۱۴ مؤرخ ۱۲ جون ۱۹۲۳ خود از ملاقات خصوصی ایکه بین وی و سپه سالار محمد نادرخان بعد از دعوت شام ۱۳ جون در سفارت انگلیس صورت گرفته گزارش میدهد که نادرخان به او وعده داده است که با تمام قوایش برای بهبود مناسبات افغانستان با انگلیس تلاش خواهد ورزید. نادرخان در رابطه با شکایت انگلیس‌ها در مورد توقيف و مجازات حمله کنندگان بر تاسیسات و پایگاه‌های انگلیس، لهن‌تند، ظالمانه و ناسزاگویانه مطبوعات نیمه رسمی افغان و از بین بردن توپه‌های ضد انگلیسی در سرحد وزیرستان می‌گوید که با وجود هیجان عظیمی که به اثر واقعه بمباردمان "توچی" ایجاد شده است، تلاش‌های بی‌نظیری را برای برآورده ساختن خواسته‌های ضد اتحاد مشرقی "کدام توقيف داؤود شاه و اردلی توام با برطرف ساختن مدیر جویده" اتحاد مشرقی "کدام دستاورده عادی نبود. همچنان قاتلین کوهات دشمنان امیر تلقی شده و برای دستگیری شان، در صورتی که در قلمرو افغانستان دیده شوند، احکام شدید صادر شده است. گزارش می‌افراشد که نادرخان صمیمانه از همفریز تقاضا نموده است تا برای توجیه کردن گرایش فعلی امیر در انتظار مردم، بریتانیایی کبیر باید از خود یک حرکت سخاوتمندانه نشان دهد. طور مثال او گفت که مثلاً پرواز یک طیاره واحد از هند و هدیه دادن آن به امیر، بر مردم افغان تاثیر شگفت‌آوری خواهد داشت.

⁶²²

. ۶۲۱ Fraser-Tytler, William K. (1967). صفحات ۲۴۰ تا ۲۴۴.

. ۶۲۲ برویت اسناد آرشیف دفتر هند بریتانی در لندن، بعضی از مامورین عالیرتبه رژیم امانتی که در داخل رژیم بحیث ستون پنجم بنفع دشمن کار می‌کردند، ضمن ملاقات‌های خصوصی شان به آنها هم مشوره و هم اطلاعات سری میدادند. بنظر میرسد که این مشوره محمد نادرخان توپه‌خوبی بود که انگلیس‌ها آنرا قبول کردند و چندی بعد در دوران اغتشاش جنوبی با دادن

سپه سالار نادر خان و اغتشاش منگل

اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی در ماه اگست ۱۹۲۳ خود گزارش داده است که "در سمت جنوبی مزاحمت بصورت عمومی به زد و خورد بین دسته های منگل و قبایل دیگر محدود مانده است، اما قدرت حاکم اعلی بصورت دوامدار مورد تمسخر قرار گرفته و علایمی که بیشتر از یک سوژن است نشان میدهد که نادر خان درین ماجرا دست داشته باشد، چرا که وی اقرار کرده است که بر امرالدین خان، بخاطر ایجاد مشکلات برای جنرال محمد عمر که از طرف وی با زحمات زیاد انتصاب شده است، خشنمانک است."⁶²³

اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی در ماه اپریل ۱۹۲۴ گزارش میدهد که "تمام شواهد به یک نتیجه اشاره میکند و آن اینکه امیر فعلًا بیک موج عدم محبویت مواجه بوده که به شدت او را نگران ساخته است... منگلی ها درین اوآخر اورا متهم ساخته اند که یا خودش قادیانی بوده و یا هم تمایل شدیدی به این دسته مذهبی دارد.... علاوه‌تاً یک بدگمانی عمومی ای هم موجود است که امیر قبیله خودش را نیاز از نظر انداخته [منظور قطع امتیازات عده از سرداران کهنه کار میباشد]، که اگر این را پورها صحت داشته باشند، ازین احساس جنرال نادر خان به خوبی بهره برداری خواهد کرد. او که دوره تقاضش را در جبل السراج سپری میکند، یک موقف بسیار شدید عدم همکاری را اختیار نموده است."⁶²⁴

طیاره میتوانستند به اهداف دوگانه شان برسند. هدف اول شان نشان دادن ظاهری نیت همکاری به مقابل شورشیان و غافل گیر کردن رژیم از دست داشتن در توطئه های تحریک شورش بود. آنها همچنان با این ابتکار میتوانستند با استفاده از طیارات انگلیسی علیه مردمش به شهرت شاه صدمه وارد کنند. چنانچه همینطور شد و مخالفین شاه آوازه انداختند که شاه در خفا با انگلیس ها دوست بوده و از کمک های آنها استفاده میکند.

⁶²³. اسناد آرشیف هند بریتانی، یادداشت محرمانه شماره چهارده (۱۶) اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتة که به تاریخ ۱۰ اپریل ۱۹۲۴ ختم میشود، پراگراف شماره ۱۹۹.

⁶²⁴. اسناد آرشیف هند بریتانی، یادداشت محرمانه شماره چهارده (۱۶) اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتة که به تاریخ ۱۰ اپریل ۱۹۲۴ ختم میشود، پراگراف شماره ۱۹۹.

در یادداشت محramانه ماه می ۱۹۲۴ آتشه نظامی بریتانیا در کابل به ناآرامی در خوست اشاره شده و امده است که "سردار نادر خان تا حال نرفته است اما امکانات اینکه بدین زودی ها [مزاحمت در] خوست تصفیه شود، چنان تجدید نظر بر استعفای او از خدمت نظامی را کمتر کرده است. و امانت زمانی که اوی و برادرانش شاه ولی و شاه محمود در افغانستان و بدون ماموریت رسمی باشند، همیشه امکانات مزاحمت موجود است. شایعات حاکیست که به دونفر اخیر الذکر بزودی و ظایفی داده خواهد شد."⁶²⁵

در ضمیمه یادداشت محramانه ماه اپریل ۱۹۲۴ اداره استخبارات تحت عنوان اغتشاش منگل در خوست میخوانیم "به نظر میرسد که شورش یک مسئله بسیار جدی است. حکمران جدید خوست نمیتواند به مرکز حکومتی اش در متون برود و حکمران مقاعد هم بیرون رفته نمیتواند؛ طرح ارائه شده برای مذاکرات در رابطه با شکایت شورشیان بنظر میرسد که پیشرفتی نموده باشد.... قابل یاداوریست که بنظر میرسد یکی از علل کمک کننده به اغتشاش - ویا احیای مجدد آن ، مظنون بودن افراد قبایلی بر عزل نادر خان، قهرمان شان در کابل باشد. گمان آنها، اگر چه بشکل اغراق امیز است، چندان دور از هدف هم نیست؛ چنانچه او به پاریس فرستاده خواهد شد و برادرش فعلا برای مسکو تعین شده است."⁶²⁶

نظریات سپه سالار نادر خان وزیر حربیه را در رابطه با اصلاحات امانی از اظهاراتش در ملاقات ۴ اپریل ۱۹۲۴ با سفیر انگلیس در کابل میتوان به آسانی درک کرد. هنگامی که اغتشاش جنوبی جریان داشت، نادر خان در حالیکه نه تنها مريض بود بلکه محزون و مغموم هم بود، ضمناً صرف غذا با سفیر انگلیس (همفریز) به جواب سؤالی راجع به صحبت گفت که از محرقه شفا یافته است، اما قلبش افکار است بعد از صرف غذا نادر خان در حالی که در چوکی بسیار راحت انگلیسی همفریز نشسته بود، با کشیدن اه سردی به تعریف و توصیف بریتانی ها شروع کرد. بریتانی ها این توصیف و تعریف ها را یک شوخی خنده آور میدانستند. همفریز سفیر بریتانیا به نادر خان گفت که شورش خوست خاموش ساخته شده. نادر خان گفت که شورش زود گذر نیست، زیرا علیه پالیسی

⁶²⁵. اسناد آرشیف هند بریتانی، گزارش کاپی یادداشت محramانه شماره (۱۷) مؤرخ ۱۲ می ۱۹۲۴ آتشه نظامی نمایندگی بریتانیا در کابل در رابطه با ناآرامی در خوست.

⁶²⁶. اسناد آرشیف هند بریتانی، ضمیمه یادداشت محramانه شماره پانزده (۱۵)، مؤرخ ۱۷ اپریل ۱۹۲۴ اداره استخبارات تحت عنوان اغتشاش منگل در خوست، تلگرام های ۷۲۳۸ و ۷۹۷۸ ایالت سرحدی شمال غربی برای هفتۀ که به تاریخ ۱۰ اپریل ۱۹۲۴ ختم میشود.

امان‌الله خان است که به مشوره‌های من‌گوش نداد. نادرخان خطاهای امان‌الله خان را برشمرد و محمود طرزی را مسؤول این نارامی‌ها میدانست که امان‌الله خان را رهبری مینماید. نادرخان همه پلان‌های اصلاحی امان‌الله خان را به باد انتقاد گرفت و آنها را قبل از وقت خواند. او گفت که میخواهم از وزارت دفاع کنار بروم و آرزو دارم که در خارج برایم وظیفه داده شود. نادرخان به چنان سرعت و شدت شکایت میکرد که تا پایان یافتن شکایاتش به همفریز مجال حرف زدن را نداد. نادرخان به سفير بریتانیا گفت که بدون دوستی بریتانیا ترقی در کشور ما ناممکن است. همفریز از گفتار نادرخان به تعجب افتاده و به دولت خود نوشت که نادرخان با امان‌الله خان سخت مخالف است و از پست خود کنار رفته، نفوذ خود را از دست داده و امان‌الله خان دیگر بروی اعتماد ندارد.⁶²⁷

طرح بخشش یک قسمت بزرگ از خاک کنر به انگلیس‌ها

سپه‌سالار محمد نادر خان به تاریخ ۱۰ ماه جنوری ۱۹۲۲ در ملاقات با "رابرت هوجسن"، سفير انگلستان در مسکو (که مصروف دیدار از فرانسه بود) خواست به او فرصت داده شود تا نظریات خود را با «کسی که از اعتماد دفتر هند بریتانی برخوردار باشد» طرح کند. نظریات او راجع به پیوستگی بیشتر به بریتانیا و مخالفت با روسیه بود. او گفت که وی و برادرش محمد هاشم خان، سفير در مسکو، درین رابطه همنظر بوده و فکر میکنند که بزودی از آنها خواهند خواست به کابل برگردند. او علاوه کرد «من فکر میکنم موجودیت ما در کابل ضروریست. من در نظر دارم از تمام امکانات برای تفاهم با بریتانیای کبیر استفاده کنم، من تنها ضمانت آزادی کشورم را درین میبینم». سپه‌سالار محمد نادر خان گفت که «ترتیب دوستانه مسئله حدود سرحدات، برای سرحد طبیعی، قدرتمندانه کمک خواهد کرد بسیاری از علل اختلافات را از بین برد». او درین رابطه پیشنهاد کرد دریای کنر بحیث سرحد طبیعی افغانستان و هند بریتانی شناخته شود و قسمت بزرگی از خاک کنر تحت قلمرو انگلیس‌ها قرار گیرد. او گفت که «میخواهد سرحد شرقی افغانستان با هند بریتانی برای کنر باشد».⁶²⁸

⁶²⁷. ستیوارت، ریه‌تالی/ترجمه کوهسار کابلی، یار محمد (۱۳۸۰)، صفحات ۴۱-۴۲.

⁶²⁸. اسناد محramانه آرشیف لندن، خلاصه راپورهای مربوط به افغانستان از فبروری ۱۹۱۹ تا سپتامبر ۱۹۲۷، تهییه شده توسط ریچارد رای میکوناچی، P&S/20/B285; Stewart, Rhea Talley (2000). Fire in Afghanistan, 1914-1929; faith, همچنان

انگلیس‌ها در آن زمان تبصره کردند که اگر این گفتگو سپه سالار محمد نادرخان جدی باشد، پیشکش یک قسمت بزرگی از خاک افغانستان شاید کوششی باشد برای کسب حمایت بریتانیا در رابطه با یک کودتای پیش‌بینی شده.⁶²⁹

تقاضای ملاقات محترمانه نادرخان و هاشم خان با نماینده انگلیس

وزارت خارجه انگلستان در تلگرام ۱۴ دسمبر ۱۹۲۸ خود به سفارت کابل اصلاح عداد که وزارت خارجه از طریق قونسل انگلیس در «نیس» یک تقاضای هاشم خان و نادرخان را گرفته است که در آن خواسته شده است برای گرفتن معلومات بسیار مهم راجع به اوضاع جاری افغانستان یک مأمور فارسی زبان را به نیس بفرستند. آنها توضیح داده‌اند که بخاطر محرومیت موضوع به لندن یا پاریس آمده نمی‌توانند، و علاوه‌کرده‌اند که شاید بزودی به افغانستان برگردند.⁶³⁰

۴. انگیزه و عمق ریشه‌های مخالفت با امان الله خان

انگلیس‌ها از همان سالهای اول عهد امانی اطلاعاتی را در دست داشتند که حاکی از مخالفت سپه سالار محمد نادرخان با پالیسی‌های رژیم امانی بود. در اسناد آرشیف هند بریتانی در پهلوی عوامل دیگر دو علت مهم اختلاف و دشمنی محمد نادرخان با امان الله خان یکی اتکاً بر مشاورین و صاحبمنصبان ارتش ترکیه خصوصاً جمال پاشا در رابطه با اصلاحات در اردو و دیگری هم از دیاد صلاحیت‌ها و نفوذ محمد ولی خان در دروازی ذکر شده‌اند. چنان‌چه راپور هفته وار ۴ دسمبر ۱۹۲۰ دفتر خاص اطلاعات در قسمت افغانستان به مشاهیر شدید لفظی بین غازی امان الله خان و محمد نادرخان در رابطه با همین موضوع نفوذ جمال پاشا اشاره نموده است.⁶³¹

ما قبل از جناح بندی‌های دربار و اختلافات محمد نادرخان با محمود طرزی و محمد ولی خان دروازی مختصر ایادآوری نمودیم، ولی از مطالعه بیوگرافی محمد نادرشاه

آتش در hope, and the British Empire. Garden City, N.Y., Doubleday افغانستان)، ص ۳۰۵. ۶۲۹. همانجا.

۶۳۰. اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۹۷ مؤرخ ۱۴ دسمبر ۱۹۲۸ وزارت خارجه انگلستان.

۶۳۱. اسناد محترمانه استخارات انگلیس، خلاصه راپور هفتگی شماره ۴۱ دفتر خاص اطلاعات پشاور، FO 371/6740.

که تحت عنوان «نادر افغان» بقلم برهان الدین کشککی در سال ۱۳۱۰ شمسی در کابل بچاپ رسیده است، دیده میشود که ریشه مخالفت محمد نادرخان با امان الله خان، اگر از قبل موجود نبوده باشد، حداقل از همان روز تخت نشینی امان الله خان موجود بوده و خصوصاً با اعلان استقلال افغانستان ربط مستقیم دارد. در صفحه ۹۷ این بیوگرافی ذکر شده است که گویا انگلیس‌ها، هم همان طوریکه در داخل افغانستان زعمای امور و اولیای حکومت و عامت ملت در موجودیت کاکاها و برادران بزرگ امان الله خان از ادعای بلا استحقاق سلطنت او متغیر و منتعجب شده بودند، در موضوع قبولی او به شاهی افغانستان تردید داشتند، و سلطنت او را بوسیمه نشناختند. در سطور بعدی بر اعلان استقلال افغانستان انتقاد شده آنرا «بدون تدقیق و سنجش (در موقعیه از عسکر و ذخایر حربی خود هم معلوماتی نگرفت، و نه آنقدر بولی داشت که بتواند معارف مکمل محاربه را تا جریان طبیعی آن تأمین کند»، و سیله دانسته است برای قبولاندن پادشاهی خود بر انگلیس‌ها.

غازی امان الله خان بار اول به عزایم شوم محمد نادرخان در دوران مذاکرات معاهده صلح با انگلیس‌ها در کابل مشکوک شد. نادرخان خواهان کنارآمدن با انگلیس‌ها و قبول کمک مالی آنها در مقابل عدم تصدیق معاهده دوستی و همکاری با اتحاد شوروی بود. در اثر همین پافشاری نادرخان بود که عبدالهادی خان داوی در مجلس نادرخان را غدار خطاب کرد و سروصدای بلند شد تا به وساطت محمود طرزی مشاجره پایان یافت. شاد روان غبار هم درین رابطه در جایی از «افغانستان در مسیر تاریخ» مینگارد که اعلیحضرت امان الله خان با کاردارسفارت شوروی در کابل، بگونه کاملاً پنهانی، آنهم از طرف شب در برج شمالی ارگ سلطنتی ملاقات نمود که علاوه از شاه و کاردارسفارت، جنرال نادرهم حضور داشت. ولی متعاقب آن، سفیر انگلیس در کابل، ضمن ملاقات با اعلیحضرت، کاپی (نقل) گفت و گوهای سری شاه با کاردارسفارت شوروی را که در همان شب صورت گرفته بود، منحیث اعتراض روی میز مذاکره میگذارد.

اما شک غازی امان الله خان وقتی به یقین مبدل شد که در آغاز شورش منگل، نادرخان بحیث وزیر حربیه و سپه سalar و قوماندان کل قوا و مسئول امنیت کشور از رفتن به سمت جنوبی عذر خواست. او که از دست هائی پشت پرده و اهداف این اغتشاش اطلاع داشت، با استعمال قوه مخالفت کرده طرفدار دلجوئی و موافقه با مطالبات شورشیان، یعنی صرف نظر کردن از اصلاحات و تسليیمی دولت به مقابل جهل و ارتجاج شد. اینبار

نیز اختلاف بین نادرخان و دربار رونما شد، و چون او در اقلیت ماند، مجبور به استعفای گردید.

کرچه شرکت نکردن محمد نادرخان در عملیات سرکوبی اغتشاش منگل، برکناری اش از سمت وزارت حربیه، فرستادنش به سفارت فرانسه، سبکدوشی و یا استعفای اش از سفارت، نپذیرفتن خواهش شاه برای بازگشت به افغانستان از راه روسیه، همه نشانه های موجودیت اختلاف و نارضایتی محمد نادرخان از نظام امنی اند، اما مانع شدن غازی امان الله خان از ازدواج خواهش با سردار محمد هاشم خان، این اختلافات و نارضایتی را عمیقتر ساخته به دشمنی شخصی و خانوادگی تبدیل کرد، و سردارهاش خان تازنده بود کینه او را بر دل داشت.

جلوس مجدد غازی امان الله خان و پلان گرفتن دوباره کابل

پس از اعاده سلطنت غازی امان الله خان در قندهار و استقبال مردم و تشکیلات جدید دولتی و بحرکت در آمدن چرخهای حکومت، پلان حربی جدید طرح گردید. درین پلان هرات بحیث مرکز اداره و قندهار و مزار شریف بحیث مرکز عملیاتی در نظر گرفته شده بودند. مطابق این پلان در نظر بود، دو قوه تهاجمی همزمان از هردو مرکز عملیاتی بطرف کابل حرکت و امور سوق و اداره از هرات تحت نظر شخص شاه صورت گیرد. در عین زمان فیصله های فیصلج بعمل آمد که قندهار از لحاظ موقعیت خاص ارتباطی و سوق الجیشی آن بحیث مرکز دوم شناخته شود.

علاوه تا تصمیم گرفته شد که شجاع الدوله سفیر لندن، وزیر امنیه و رئیس تنظیمیه سابق هرات نیز بلا فاصله به هرات آمده عجالت آزمام امور آن ولایت را به عوض محمد ابراهیم خان بدست بگیرد. در باب ولایات شرقی و جنوبی تا معلوم شدن نتیجه اقدامات علی احمد خان والی، چنین تجویز به عمل آمد تا به جزء ارسال فرامین بنام حکام اعلی و قوماندانهای عسکری ولایات مذکور جهت آمادگی های آینده اقدام مستقیم بعمل نیاید و نیز تصمیم گرفته شد که امین جان برادر خورد امان الله خان با یک هیأت به هزاره جات اعزام و از مردم هزاره که به امان الله خان نسبت به رفتار عادلانه او مخصوصاً لغو بردگی خوشبین بودند، دعوت بعمل آید تا در موقع حمله بر کابل، از معاونت دریغ نورزند. از طرف دیگر فیصله بعمل آمد که غلام صدیق خان وزیر خارجه برای تنظیم و برآه انداختن این پلان و قایم کردن تماس و جلب همکاری کشورهای دوست، مخصوصاً به مقصد بدست آوردن اسلحه و جباخانه و دیگر لوازم حربی از هر منبعی که ممکن باشد، به خارج اعزام گردد و توسط سفارت خانه های افغانی برای انجام این مقصد

بحیث سفیر فوق العاده سیار اجرای وظیفه نماید، چنانچه بلا فاصله بعد از تثبیت این پلان، غلام صدیق خان چرخی با هدایت لازمه از طریق هرات جانب مسکو حرکت کرد.⁶³²

چون انگلیس‌ها غازی امان الله خان را تعقیب می‌کردند، بتاریخ ۱۷ جنوری به قونسل انگلیس در مشهد هدایت داده شد که نسبت اهمیت بسیار زیاد هرات برای بدست آوردن اطلاعات ترتیبات خاصی را اتخاذ کند.⁶³³

غازی امان الله خان در اعلامیه‌های که به ولایات جنوبی و مشرقی فرستاد، از جلوس دوباره خویش طلاع داده نوشت که:

«به فرزندان عزیزم، باشندگان ولایت جنوبی!

چنانیکه میدانید یک سلسه ناآرامی‌های داخلی در ولایت مشرقی آغاز گردید و این ناآرامی‌ها هنوز دوام داشت که ناگهان گروه دیگری از طرف شمال بر کابل حمله ور شدند. باید گفت که چنین دسایس و اختلافات فقط بر تدبیر و پلانهای که از طرف دشمنان ترقی افغانستان شده است، متکی می‌باشد. آنها سوالاتی را در دهان مردم بی اطلاع گذاشته‌اند و ایرادات بی اساسی را به شخص من وارد کرده‌اند. من پدرانه به آنها مشورت دادم که از این کاردست بکشند، ولی از آنجائیکه آتش فتنه و بی اطلاعی آنها لحظه به لحظه افزایش می‌یافتد، من خواستم جنگ و جدال بنام من در افغانستان ادامه پیدا کند، مسلمانهای کشور کشته شوند و ملت نابود گردد و یا نیروهای که برای دفاع وطن در برابر دشمن خارجی تهیه شده اند به جنگ داخلی به مصرف برسند. حتی به این دلیل که من به زعمات شخصی خویش اهمیت زیادی قائل نیستم (زیرا من این بار گران را تنها به خاطر سعادت وطن و ترقی ملتمن به دوش گرفته بودم)، تصمیم گرفتم از برادر بزرگترم معین‌السلطنه خواهش کنم تا تاج و تخت پادشاهی را به خاطر صلح و امنیت عمومی در افغانستان قبول نماید. هرچند معین‌السلطنه در اول نپذیرفت ولی وقتی من پا فشاری نمودم، به خاطر من قبول کرد. مردم شهر ازوی اطاعت کردند و من هم به امید اینکه عزیمت من از کابل به جنگ داخلی و فتنه‌های ناشی از آن خاتمه خواهد

⁶³². رشتیا، سید قاسم (۱۳۷۸)، صفحات ۳۷-۳۹.

⁶³³. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۷۷ مؤرخ ۱۷ جنوری ۱۹۲۹ به قونسل انگلیس در مشهد.

داد، تصمیم گرفتم به قندهار بروم که چنین هم کردم. بمجرد رسیدنم به آنجا موضوع را به اهالی قندهار بیان داشتم ولی مردم این شهر که از هر گروه و فرقه نمایندگی میکردند، با صدای بلند گریستند و گفتند که تنها مرا به صفت پادشاه خویش میپذیرند. من کوشش آخری ام را نمودم تا مزیت این پیشنهاد را به آنها بیان نمایم ولی آنها قبول نکردند.

ما با بی صبری منتظر خبر از اوضاع کابل بودیم، ولی چنانیکه از انکشافات اوضاع کابل معلوم نمیشد، این تخریبکاری منحصر به مجموعه‌ای از ایرادات بمقابل شخص من نبوده؛ بلکه بنا بر دسایس، دشمنانی بود که تمایل شدید تری برای از بین بردن وحدت مردم نیز داشتند. نتیجه هم این شد که این غائله خاموش نگردید و چون آسوب طلبان به قوای جنگی نیز دسترسی داشتند، معین‌السلطنه را قبول نکردند؛ چنانچه معین‌السلطنه نیز به قندهار آمد و مجدداً مباحثتی به همه مردم قندهار صورت گرفت. معین‌السلطنه با حضور داشت همه مردم اظهار داشت که میخواهد از تاج و تخت افغانستان کنار برود و گفت: "من اساساً خواهش سلطنت را نداشم و اکنون هم ندارم و استعفاء میکنم". همانا همه مردم قندهار متفقاً نزد من آمدند و گفتند من نباید تسليم شوم و سلطنت شاهی مسلمانهای افغانستان را تا مادامیکه یک فرد آنها در قید حیات باشد، از دست بدهم. آنها گفتند، احساس وطن دوستی، غیرت و افغانیت آنها ابداً به ایشان اجازه نخواهد داد که به اداره کسی مانند بچه سقاء که عمرش را به تجاوز به مال و دارائی مردم به صفت یک قاتل سپری کرده است و یا کسی که حتی افغان نیست، موافقت کنند. آنها نمیتوانند قبول نمایند که چنین شخصی پادشاه آنها باشد. مردم قطعن، مزار، میمنه، هرات، فراه و هزاره جات عین نظریات مردم قندهار را دارند. بنابران من بخاطر خواهشات ملت عزیزم و همچنان برای اینکه کشورم را از ملعوبه شدن به دست خارجی ها نجات بخشم، مجدداً سلطنت افغانستان را پذیرفتم.

موضوع به وسیله‌ء این فرمان به اطلاع فرزندان عزیزم ساکنین ولایت جنوبي رسانیده شد. اطمینان دارم که غیرت و احساسات عالی افغانی شما بهیچوجه قبول نخواهد کرد که یک فرد بی شخصیتی که کدام وجهه و موقعیتی در بین ملت ندارد، سلطنت افغانستان را غصب نموده کشور عزیزم و ملت غیور ما را ملعوبه تمایلات شخصی خویش سازد. احتمالاً شما با پاره از عداوتها و یا اختلافات فامیلی با یکدیگر مواجه خواهید بود، ولی باید بدانید که امروز یک معضله، بزرگ ملی در کشور به ظهور رسیده و شما باید بخاطر بهبودی کار دولت و کشور با هم متحد بمانید.

در خاتمه به درگاره خداوند (ج) دعا میکنم و از او یاری می طلبم که دشمنان ما موفق نگردند. از شما میخواهم که نظم و امنیت را در سرزمین های خویش حفظ و رعایت کنید. امان الله^{۶۳۴}

سفیر انگلیس در کابل بتاریخ ۲۳ جنوری ۱۹۲۹ به لندن اطلاع داد که یک نقل فتوای مؤخر ۱۸ جنوری ۱۹۲۹ را بدست آورده است که در آن به امضای تقریباً تمام افراد برجسته کابل (که واضحاً معلوم میشود تحت فشار گرفته شده است) و در آن حیات الله خان برادر امان الله خان نیز شامل میباشد، به اساس ۱۹ دلیل مذهبی، ضرورت خلع امان الله خان از سلطنت توضیح داده است. شادروان غبار میگوید که در این فتوای دلیل کفر شاه امان الله مواد ذیل بود: سلام شفاهی را منع و سلام اشاره را مروج ساخته، عوض دستار، کلاه مقرر کرده، دریشی را عوض لباس قدیم (پیرهن و قنبان) معین نموده، ریش تراشی را رواج داده، مکاتب زنانه تاسیس کرده، برقع را برآنداخته، متعلمات در خارج فرستاده، با علمای دین مخالفت داشته، محصلین در مکاتب انگلیسی تحصیل میکردند، سنه شمسی را به جای سنه قمری تعیین کرده، تاریخ و سنه انگلیسی را اعلام کرده، رخصی جمعه را به یکشنبه تبدیل کرده، معاش ملا امامان و مودنهای را موقوف کرده، حضرات مجددی (محمد صادق مجددی و محمد معصوم مجددی پدر صبغت الله مجددی) را محبوس و قاضی عبدالرحمن خان ملا امام حضرت صاحب را اعدام نموده، امر معروف ملاها را منع کرده، بت پرسنی و شراب خواری را ترویج نموده، ملا عبدالله و علماء و اکابر جنوبی (شورشیان پکتیا) را اعدام کرده، پس اعمال او (امان الله خان) خلاف شرع بوده است.

غبار می افزاید که در میان هفتاد و چند نفری که این فتوای امضاء کرده بودند، تنها عبدالهادی داوی این جمله را در پای امضای خود علاوه کرد که «جزئیات مسائل را علماء میدانند». ^{۶۳۵}

سفیر در تلگرام ۲۵ جنوری خود به وزارت خارجه اش نوشت که «نظر به اطلاع قونسل قندهار، امان الله خان دیروز در مجمع عام گرفتن دوباره لقب پادشاه افغانستان را اعلام کرده

^{۶۳۴}. اعلامیه ششم دلو، ۱۲۰۷ (مطابق به ۲۲ جنوری ۱۹۲۹ میلادی) خطاب به باشندگان ولایت جنوبی (بحواله سنzel نوید).

^{۶۳۵}. غبار، میر غلام محمد (۱۳۲۲)، ص ۸۲۷

است. من سفارش میکنم که این قلاش بیهوده را نادیده بگیرید. گفته میشود که قندهار
ساخت خدید خواهد بود.⁶³⁶

همفیز به لندن نوشت که نادرخان و برادرانش هاشم خان و شاه ولی خان با امان الله خان خصوصیت شخصی دارند. آمدن هر یک یا همه این سرداران در کشور سبب پایداری و وحدت خواهد شد، زیرا آنها تنها دارای پهلوانی بلکه صادق توین غفران می‌باشند.⁶³⁷

روز بعد محمد نادر خان با جریده تایمز لندن مصاحبه نمود. او درین مصاحبه ضمن اعلام اینکه خودش آرزوی سلطنت افغانستان را ندارد، علاوه اش را برای برقراری مجدد شرایط سیاسی صلح آمیز و همکاری با حکومت بریتانیا، که او کمکش را برای نگهدارشتن افغانستان بحیث یک کشور حاصل ضروری میداند، نشان داد. نادر خان راجع به خانواده اش در کابل تشویش داشت و با وجود خرابی حالت صحی اش بزودی به افغانستان خواهد رفت.⁶³⁸

انگلیس‌ها در حالی که اسلحه و مهمات خربزداری شده دولت امانی را در بندر کراچی توقیف نمودند، به نادرخان که مدعی تاج و تخت افغانستان و رقیب غازی امان‌الله خان بود اجازه دادند با ویژه دیپلماتیک برای خود و برادرانش محمد هاشم خان و شاه ولی خان به قصد رفتن به افغانستان به هند بر تابلوی ساند.

در همین وقت افغانها در پشاور با اعضای جنبش خلافت در تماس بوده و عليه حکومت هند بریتانی به نفع امان‌الله خان تبلیغ می‌کریدند. یک رساله هم از طرف آنها تحت عنوان «فتوای شرعی راجع به امان‌الله خان بنشر رسیده، که امان‌الله خان را یک مسلمان واقعی ثابت ساخته و حبیب‌الله کلکانی را رهزنی که سرش قابل قلم کردن است، خوانده بود. جرگه ایکه به طرفداری امان‌الله خان توسط قوم اورکزی در نظر گرفته شده بود، نسبت خرابی هوا به تعویق افتاد. در جرگه افریدی‌ها بیشتر راجع به اختلافات شان

⁶³⁶ اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۰۱۰۵۷ مورخ ۲۵ جنوری ۱۹۲۹ سفیر انگلیس در کابل.

⁶³⁷ اسناد محروم‌آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۹۳ مؤرخ ۲۴ جنوری ۱۹۲۹ سفير انگلستان‌د کایا..

⁶³⁸ همانجا، تلگرام شماره ۳۱۸ مؤرخ ۲۲ جنوری وزیر خارجه دولت برای امور هند.

با شینواری‌ها صحبت شد، و چند صد نفر وزیری هم به خوست رفته و مسعودی هائیکه با موسی خان به ارگون رفته بودند، در حال برگشتن بودند.⁶³⁹

با گرفتن اطلاع فعالیت‌های حامیان غازی امان‌الله خان، سفیر انگلیس در کابل از کمشنر در پشاور به شدت خواست تا این افغانها را که با جنبش خلافت مشغول تبلیغات برای امان‌الله خان هستند، بدون هیچ معطلی از هند بریتانی به تورخم اخراج کنند.⁶⁴⁰

مخفي نگهداشتن مسافرت محمد نادر خان

انگلیس‌ها در حالیکه به محمد نادر خان و برادرانش محمد‌هاشم خان و شاه ولی خان ویژه دیپلوماتیک داده بودند، خبر صدور ویژه به ایشان، پلان حرکت و مسیر مسافرت، و از همه مهمتر هدف مسافرت شان به افغانستان را از انتظار افغانها و خارجیان مخفی نگهداشتند، بلکه برای گمراه ساختن افغانها و افکار عامه معلومات نادرست و غلط را نیز پخش میکردند. درین زمینه باز هم به آوردن چند مثال اکتفا میکنیم:

سردار محمد عزیز خان، برادر نادر خان بتاریخ ۹ فبروری ۱۹۲۹ توسط تلگرامی از «نیس» به ایم ای حکیم نوشت که نادر خان، هاشم خان و شاه ولی خان از طریق هند بطرف افغانستان حرکت کردند.⁶⁴¹ ایم ای حکیم پشتون تبار از اتباع بریتانی بوده عضویت یک شرکت قراردادی را داشته و یکی از کمیشن کارانی بود که با کابل تجارت بزرگ داشت. او همچنان نماینده ایین در کابل بوده گفته میشد پول زیادی را در اختیار داشت.⁶⁴² پولا (ص ۱۴۰) مینویسد که موریش Morrish (نام مستعار ایم ای حکیم)، یکی از تاجران پولدار پشتون که در پشاور زندگی میکرد، بود. او ضد امان‌الله خان بوده و بحیث رابط بین انگلیس‌ها و نادر خان کار میکرد.

⁶³⁹. استناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۹۷ مؤرخ ۲۹ جنوری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

⁶⁴⁰. همانجا، تلگرام شماره ۱۱۹ مؤرخ ۲۹ جنوری ۱۹۲۹ سفیر انگلیس در کابل.

⁶⁴¹. استناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۱۲۹ مؤرخ ۹ فبروری ۱۹۲۹ کمیشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

⁶⁴². همانجا، تلگرام شماره ۳۱۴ مؤرخ ۸ فبروری کمیشنر عمومی در پشاور، قسمت ۷۷ پاراگراف ۱۳۰.

وقتی که سفیر انگلیس در پاریس به وزارت خارجه اش از مراجعة سفیر افغانستان و خواستن معلومات راجع به درخواست ویزه محمد نادر خان اطلاع داد، وزارت خارجه بتاریخ ۱۲ فبروری ۱۹۲۹ به وی معلومات داد که به آنها ویزه داده شده است، اما چون امکان دارد این معلومات در راه بازگشت محمد نادر خان و برادرانش به کشور موانعی را ایجاد کند، هدایت داده شد که «در حال حاضر دادن این معلومات و فرصت مداخله به سفیر افغانستان درین مورد مناسب نیست. جناب شما نباید به این درخواست [دادن معلومات] تن در دهید. من این اختیار را که چگونه به وی جواب دهید، به شما میگذارم ولی اگر شما فکر میکنید که نباید مکتوب حبیب الله طرزی بیجواب بماند، من پیشنهاد میکنم که جواب شما ساده و طوری باشد که گویا صدور ویزه انگلیسی برای قلمرو انگلیسی بوده، برای افغانستان یا کدام کشور خارجی دیگر نمیباشد، لذا جواب دادن به تقاضای شما کدام مفهومی ندارد.»⁶⁴³

فردای آن یک اعلامیه رسمی از طریق سفارت افغانستان در برلین به مطبوعات آلمانی داده شد که اطلاع میداد «تادرخان بد عوت امان الله خان، برای کمک به وی، نه بحیث مدعی سلطنت، نیس» را بقصد افغانستان ترک گفته است. نادر خان و برادرانش مستقیم بطرف قندهار رفت و کدام دلیلی برای مشکوک بودن به نیت خصمانه شان وجود ندارد.⁶⁴⁴

با اطمینان از حرکت محمد نادر خان و برادرانش، پلان انگلیس ها وارد مرحله جدیدی شد. همفریز سفیر انگلیس در کابل بتاریخ ۲۰ فبروری با وزیر خارجہ حبیب الله کلکانی ملاقات نموده و اعلام داشت که دولت بریتانیا سفارت خود را از افغانستان خارج میکند.

در همین دوران یک دسته شصت (۲۰) نفری عساکر و صاحب منصبان اردوی افغانستان پایگاه خود در «خرلاچی» را ترک گفته به «پاراچنار» آمدند. آنها میخواستند از راه چمن به قندهار رفته و اسلحه خود را در چمن دوباره تسليم شوند. اما کمشنر عمومی انگلیس در پشاور تقاضای شانرا رد نموده گفت که اگر خواهان بازگشت به افغانستان هستند،

⁶⁴³. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۸ مؤرخ ۱۲ فبروری ۱۹۲۹ وزارت خارجه انگلستان به سفیر انگلستان در پاریس.

⁶⁴⁴. اسناد مربوط به هند بریتانی آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۴ مؤرخ ۷ فبروری ۱۹۲۹ به وزارت خارجہ انگلستان.

باید از همان راهی که آمده‌اند، پس بروند.⁶⁴⁵ در همان روز کمشنر مذکور اطلاع‌داد که لشکر‌های وردکی و غلچی که در بر مملو و کتواز جمع شده بودند، بطرف قلات غلچی مارش نموده‌اند. صد ها نفر از کوچی‌های افغان [که اکثریت شان مریدان حضرت شور بازار بودند] قبل از وقت به افغانستان برگشته‌اند. اما این تعداد تا هنوز از نظر سیاسی قابل توجه نیست.⁶⁴⁶

به قونسل جنرال افغانی در بمبئی، جائیکه محمد نادر خان از کشتی پیاده می‌شد، هم قبلاً اخطار داده شده بود تا از تبلیغات و فعالیت سیاسی کناره گیری کند، در غیر آن به افغانستان برگردد. قونسل افغان این برخورد انگلیس‌ها را مغایر با فقرات ۳ و ۴ قرار داد بین افغانستان و بریتانیا دانسته، احتجاج نمود. او در مکتوب تحریری اش از مقامات انگلیسی پرسید که معنی اصطلاح تبلیغات سیاسی شان چه بوده و از کدام تبلیغات صحبت می‌کنند.⁶⁴⁷

رسیدن محمد نادر خان به هند و مخفی نگهداشتن اهداف

مقامات انگلیسی بتاریخ ۲۱ فبروری به مأمورین شان در بمبئی از آمدن «جنرال نادر خان» و برادرانش اطلاع و هدایت دادند که یک صاحب منصب خردمند در لباس ملکی را برای استقبال او به کشتی بفرستند. او باید خیلی دوستانه به اطلاع نادر خان برساند که نظر به شرایط فعلی وضعیت افغانستان، و به مفاد خود شما، با تأسف زیاد، آنطوریکه شایان شان مهمان بر جسته مثل شمامست، حکومت هند از شما پذیرائی کرده نمی‌تواند. ما مطمئن هستیم که او انگیزه و هدف مارا در رابطه با فقدان تشریفات درک خواهد کرد.⁶⁴⁸

محمد نادر خان با دو برادرش بتاریخ ۲۲ فبروری توسط کشتی «قیصر هند» به بمبئی رسید. نادر خان برای مدت یک یا دو روز برای مشوره با دوستان در بمبئی خواهد

⁶⁴⁵. اسناد مربوط به هند بریتانی آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۵۵ مؤرخ ۲۰ فبروری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

⁶⁴⁶. همانجا، تلگرام شماره ۱۲۱ مؤرخ ۲۰ فبروری.

⁶⁴⁷. اسناد آرشیف هند بریتانی، مکتوب شماره ۲۰۹۸ مؤرخ ۲۰ فبروری ۱۹۲۹ منشی عمومی، شعبه سیاسی حکومت بمبئی.

⁶⁴⁸. اسناد آرشیف هند بریتانی، مکتوب شماره ۸۲۲ مؤرخ ۲۱ فبروری ۱۹۲۹ به بمبئی.

ماند، و وعده سپرد که خود و برادرانش نه تلفون ها را جواب داده و نه در مجالس سیاسی شرکت خواهند کرد. مأمورین حکومت بمبئی اطلاع دادند که او با اضطراب زیاد میخواهد بداند که حکومت هند بریتانی از کدام طرف مورد نظر (مدعی تاج و تخت) مخفیانه طرفداری خواهد کرد. «او ادعای میکند که سخت طرفدار انگلیس ها بوده و منتظر است سیاستی را اتخاذ کند که مورد پسند حکومت هند بریتانی بوده و با یک افغانستان نیرومند و مستقل هم آهنگی داشته باشد». ⁶⁴⁹ طوریکه بعداً دیده شد، محمد نادر شاه بدون آنکه رسماً از استقلال کشور صرف نظر کرده باشد در عمل پابند مشوره هند بریتانی بوده و از تعقیب سیاست مخالف آن در سرحد آزاد خود داری نمود. نادرخان به مقامات هند بریتانی در دهلی گفت که «او به امان الله خان و کدام کس دیگری کمک نخواهد کرد. امان الله خان به پسر و طرفداران خود [در آروپا] هدایت داده است تا از طریق روسیه نزد او بروند. به نادرخان هم چنین هدایتی داده شده است، اما ترجیح داد از راه هند سفر کند». مأمورانگلیسی بنام فریک گزارش داد که نادرخان امکان کاندید شدن خودش را به عالیترین مقام قدرت در افغانستان رد نکرد. ⁶⁵⁰

محمد نادرخان هم در دوران اقامت کوتاهش در بمبئی و هم در پشاور به افغانها و آزادیخواهان هند بصورت متواتر راجع به هدف اصلی خویش دروغ میگفت. او میگفت که خودش مدعی تاج و تخت نبوده، تنها برای نجات وطن و برگشتاندن صلح و آرامش برگشته است. انتخاب پیشوا کار مردم افغانستان است. ⁶⁵¹ او یکبار دیگر هم هدایت غازی امان الله خان را که مستقیم به قندهار بود، و هم خواست حبیب الله کلکانی را که با طیاره مستقیماً به کابل برود، نادیده گرفت.

در خلاصه راپور مأمور انگلیسی ایکه با نادرخان در بمبئی ملاقات کرد، چنین آمده است: «جنرال نادرخان بیشتر از یکبار به من گفت که مضطرب است بداند که حکومت بریتانیا آینده اوضاع افغانستان را چگونه میخواهد. اگر او بداند، سعی خواهد کرد مطابق به آن عمل کند. آنها [انگلیس ها] شاید خواسته باشند امان الله، بچه سقاو، یا محمد خان [علی احمد خان؟]، یا عضو دیگری از خانواده سلطنتی یا شخص دیگری پادشاه افغانستان باشد. نادرخان شخصاً آماده است با تمام وزنه و نفوذش به هر آن خطی

⁶⁴⁹ اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۱۴۷ مؤرخ ۲۲ فبروری ۱۹۲۹ دفتر سیاسی حکومت بمبئی.

⁶⁵⁰ همانجا.

⁶⁵¹ Poullada, L. B. (1973). ۱۸۲ ص.

کمک کند که خواست حکومت بریتانیا باشد؛ او [گویا] خواهان افغانستان قوی، آرام و متحده است.⁶⁵²

تا این وقت برویت اسناد موجود در آرشیف‌های انگلستان، چند نکته ذیل را میتوان به وضاحت دید:

- محمد نادرخان بحیث یک مهره، مثل مهره‌های دیگر مرحله نوین بازی بزرگ انگلیس‌ها (ماسترپلان مربوط به تعویض غازی امان الله خان در افغانستان)، نقش خاص خودش را داشت. اما آنها تا هنوز تصمیم قطعی نگرفته بودند، به‌وی وعدهٔ تخت سلطنت افغانستان را بدھند. یا به عبارت دیگر نمیخواستند چنان خود را به یک کاندید محدود سازند.
- محمد نادرخان و خانواده اش حاضر بودند، هر نقشی را که انگلیس‌ها لازم بدانند، درستیز بازی افغانستان بازی کنند. چنانچه قبل از شاه محمود خان نقش منشی حضور حبیب الله کلکانی را بازی کرد.
- استعمار اینبار در مرحله نوین قراردادشته و انگلیس‌ها با تجربه که از دو جنگ اول و دوم با افغانها داشتند، هرگز جرئت اشغال مستقیم افغانستان را نداشتند. آنها باید از بین کاندیدان متعدد افغان کسی را انتخاب میکردند که به بهترین وجه منافع شانرا در منطقه تأمین کند.
- انگلیس‌ها با محمد نادرخان بحیث یک شریک و هم‌دست‌نی، بلکه بحیث یک مستخدم معامله میکردند و بدینویسله هیئت و مقام او حتی از شاه شجاع و ببرک کارمل و کسانی که بعد از آن توسط بیگانگان به افغانستان آورده شده و به قدرت رسانده شدند، هم پائینتر بود.

محمد نادرخان با دوبرادرش تا چاپ شدن اعلامیه هایش در بمبهی معطل شد. درین اعلامیه‌ها که به امضای نادرخان چاپ شده بود آمده بود که خدمتگار صادق وطن نادرخان و برادرانش برای خدمت به وطن آمده‌اند. «من، و هیچ‌کدام از اقارب من آرزوی تخت افغانستان را نداریم».⁶⁵³

⁶⁵². اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۷۱۴۷ مؤرخ ۲۲ فبروری ۱۹۲۹ دفتر سیاسی حکومت بمبهی.

⁶⁵³. Stewart, Rhea Talley (2000). ص ۵۱۸.

فریک قبل از آنکه نادرخان بطرف پشاور حرکت کند، یکبار دیگر به ملاقات او رفت و پیام شفاهی حکومت هند بریتانی را برایش رساند. «حکومت هند بریتانی از حسن نیتی که سبب شد نادرخان از آنها بپرسد، قدردانی میکند. ما یک آرزوی شبیه به او داریم، و آن بازسازی یک افغانستان صلح آمیز، متحد، مستقل قوی و دوست میباشد... ما اطمینان میدهیم که با برگشتن صلح به یک افغانستان متحد، فقدان ثبوت دوستی ما وجود نخواهد داشت»⁶⁵⁴

محمد نادر خان بارها در مکاتباتش به اقوام جنوبی و مشرقی نیز تأکید ورزید که بدون خدمت به اسلام و افغانستان کدام انگیزه و هدف شخصی نداشته بعد از شکست قوای حبیب الله کلکانی شخص دیگری به اتفاق آرا و رضایت اقوام به پادشاهی انتخاب خواهد شد. در یکی ازین نامه‌ها خطاب به اقوام جنوبی نوشته شده بود که:

«اینجانب محمد نادر که یک خدمتگار دین و دولت اسلام هستم، و خویشن را بهیخواه همه مردم افغانستان می‌دانم، زمانی که در پاریس بودم، خبرهای وحشتناک افغانستان را شنیدم هرچند در آن وقت بسیار مريض بودم، ولی خدمت برای افغانستان در قدم اول اهمیت برای من بود. همانا با عجله تمام به پیشاور سفر نمودم و اینک به خواست خداوند با وحدت و یکپارچگی قبایل، و با درایت مردم ولایات جنوب و شرق افغانستان به طرف کابل پیش روی نموده، بعد از خلع حبیب الله رهزن از سلطنت که تاج و تخت کابل را غصب نموده، شخص دیگری را که قادر باشد به کشور افغانستان، دین و ملت خدمت نماید، به شرط وحدت و رضایت مردم قبایل، به پادشاهی انتخاب خواهم کرد». ⁶⁵⁵

آمدن سه شخص مهم در یک وقت به پشاور

بتاریخ ۲۵ فبروری، سفیر انگلیس از کابل ذریعه طیاره و نادرخان از بمبئی ذریعه ریل به یک وقت به پشاور رسیدند. همفریز اظهار داشت که تقدیر یکبار دیگر او و نزدیک ترین دوست قدیمی اش را در یک زمان و محل یکجا ساخت. نفر سومی که در آن وقت پیاده از راه مهمند وارد شبکه و پشاور شد، شاغاسی علی احمد خان بود.

⁶⁵⁴. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۸۴۷ فبروری ۲۳ مؤرخ ۱۹۲۹ دفتر سیاسی حکومت بمبئی.

⁶⁵⁵. نامه سرگشاده نادرخان به قوم وزیر مؤرخه ۲۷ رمضان ۱۳۴۷ مطابق ۱۹ مارچ ۱۹۲۹، اسناد آرشیف هند بریتانی، L/PS/10/1288.

کمشنر عمومی از پشاور اطلاع داد که والی علی احمد خان به شبقدر می‌رسد. من و همفریز معتقد هستیم که مانع ورود او نشویم. ما در هوتل دینز برایش جای اختصاص داده و یک صاحب منصب انگلیس را با موثر برای آوردنش می‌فرستیم من پیشنهاد می‌کنم برایش واضح گفته شود که بیش از چند روزی نمیتواند درینجا بماند. نادر خان و برادرانش در یک بنگله [منزل بزرگ رهایشی مأمورین انگلیسی] که عاریتاً در اختیار شان قرارداده شده، خموشانه سر میبرند. نمایندگان زیادی منتظر ملاقات با آنها بوده و بر آنها فشار می‌آورند که به کمک امان الله خان به قندهار بروند. نادر خان دیروز از اشتراک در جلسه که کمیته خلافت تدارک دیده بود، خودداری کرد. من تحت مقررات امنیتی سرحد، ظفرعلی خان⁶⁵⁶ را از ایالت اخراج کردم، او با نادر خان در یک ریل از لاهور آمده بود. او در یک بیانیه اعتراضیه جلسه دیروز حکومت [بریتانیا] را مسؤول سقوط امان الله خان دانست، همچنان بودن او درینجا برای نادر خان هم خجالت آور بود.⁶⁵⁷

نادر خان، برادرانش و علی احمد خان بتاریخ اول مارچ نماز جمعه را در مسجد جامع [محبت خان پشاور] ادا کردند. به آنها هدایت داده شده بود تا از بیانات سیاسی ابا

⁶⁵⁶. مولانا ظفرعلی خان نویسنده، شاعر، ثورنالست و مبارز ضد انگلیس بود، که بعد از فوت پدرش مولوی سراج الدین مدیریت روزنامه معروف «زمیندار» را به عهده گرفت. روزنامه «زمیندار» نه تنها شوق و علاقه روزنامه خوانی را در میان مردم زیاد و وسیعتر کرده بود بلکه به آنها شور سیاسی بخشیده بود. «زمیندار» اولین روزنامه مسلمانان بود که در سال ۱۹۱۳ میلادی به شکل یک اداره و ارگان منظم با استخدام نویسنده، خبرنگار و گزارشگر کار را آغاز نمود. در بخشی از این روزنامه، ستونی با عنوان «افکار و حوادث» که حالت طنزگونه داشت به بیان موضوعات سیاسی روز باطن و هجو می‌پرداخت. این روزنامه در میان مردم مسلمان از شهرت و محبوبیت خاصی برخوردار گردید و مسلمانان هند و حتی دیگر مردم با شوق و افروزی این روزنامه را می‌خوردند و همگی گرددم می‌آمدند و فردی با سوادی آن را برای جمع می‌خواند. صاحبدلان حساس با خواندن نظم‌های روح بخش این روزنامه شدیداً تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و شعرهای سیاسی این روزنامه در میان مردم ورد زبان گردیده بود. مولانا ظفرعلی خان با مسافرت‌ها، سخنرانیها و از همه مهمتر، با مقالات خود در روزنامه زمیندار، خدمات شایانی را برای جنبش آزادی کرد. او همواره می‌گفت: «اگر نمیدانید که قلم چگونه چون شمشیر کار می‌کند، نزد من بیایید و این هنر را از من بیاموزید.»

⁶⁵⁷. استناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۱۹۵ مؤرخ ۲۷ فبروری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

ورزیده تنها از ابراز همدردی مردم به افغانستان تشکر کنند. در عین زمان تبلیغات به نفع امان‌الله خان در تمام مناطق قبایل آزاد شدت یافته و رهبران عمدۀ مهمند فرمان‌های غازی امان‌الله خان را دریافت نمودند.

بازگشت غیر عادی و قبل از وقت کوچی‌ها به افغانستان

کمشنر عمومی انگلیس‌ها در پشاور بتاریخ ۲۰ فبروری ۱۹۲۹ ضمن اطلاع جمع شدن لشکر غلبجی‌ها در برمل و کتواز و مارش شان بطرف قلات غلبجی، از حرکت صدها نفر از کوچی‌های افغان بطرف گومل خبر داد. این بازگشت قبل از وقت کوچی‌ها که اکثر شان مریدان حضرت نورالمشایخ و مخالف امان‌الله خان بودند، در زمستانی، که اکثر کوتل‌ها تا هنوز از برف پوشیده بود، غیر عادی بوده و اهمیت سیاسی داشت.⁶⁵⁸ این کوچی‌ها باید از راهی میگذشتند که امان‌الله خان از آن برای حمله بر کابل استفاده میکرد. لذا قوای امان‌الله خان باید برای جلوگیری از برخورد با موج عظیم این غلبجی‌ها کوچی سریعتر حرکت میکرد.

اجازه ندان به شرکت مولوی‌های پشاور در کنفرانس هدۀ

کمیته ایالتی خلافت در یک درخواست تحریری از کمشنر عمومی در پشاور خواست تا به ده نفر از مولوی‌های آن کمیته اجازه داده شود برای شرکت در کنفرانسی که به تاریخ ۱۲ مارچ در هدۀ جلال آباد بمنظور بحث روی جنبه‌های مذهبی اصلاحات امان‌الله خان دایر میشود، به افغانستان بروند، اما حکومت هند بریتانی بآنها اجازه نداد.⁶⁵⁹

ملاقات محمد نادر خان و برادرانش با همفریز

محمد نادر خان و برادرانش بتاریخ ۲۸ فبروری در پشاور با همفریز ملاقات کردند. درین ملاقات اولین سؤالی را که نادر خان طرح کرد این بود که «انگلیس‌ها چه کسی را برای نشستن بر تخت افغانستان ترجیح میدهند، و آیا امان‌الله خان یک کاندید قابل قبول است؟» او بعد از گرفتن اطمینانی که انگلیس‌ها به امان‌الله خان، حبیب‌الله

⁶⁵⁸. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۱۷۱ مؤرخ ۲۰ فبروری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی

⁶⁵⁹. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۳۳ مؤرخ ۱۱ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

کلکانی و علی احمد خان کمک نمیکنند، جزئیات پلان را فهمید. پلان طوری طرح شده بود که مسئولیت سقوط رژیم امانی به عوض انگلیس‌ها بگردن خود او یعنی اشتباهاش در رابطه با اصلاحات و عجله نمودن در تطبیق آن دانسته شده، و آوردن شاه آینده هم کار انگلیس‌ها نی بلکه انتخاب مردم پنداشته شود. نادر خان از همفریز خواست، بحیث یک دوست سابقه، وی را در راه پیاده کردن این پلان رهنماei کند. به او گفته شد که باید نقش یک قهرمان و ناجی مردم را در جلوگیری از ادامه جنگ داخلی بازی کند. بهترین راه برای رسیدن به این هدف و ادار ساختن قبایل افغانستان به فرستادن نمایندگان شان به یک مجلس در منطقه مرکزی [لویه جرگه] خواهد بود، تا یک نفر را بحیث پادشاه انتخاب کنند. بدین وسیله افغانستان از خطر تجزیه و ملوک الطوایفی نجات یافته و اوهم القاب قهرمان و ناجی و را بدست خواهد آورد.

بر او تاکید شد که این همه باید تحت نام آن پالیسی [نام نهاد] «بی طرفی و عدم مداخله در امور داخلی افغانستان» که قبل از مجلس عوام انگلستان قرائت شده بود، صورت بگیرد. بریتانیای کبیر آماده است تا به شاه جدید برای کامیابی در تاسیس یک حکومت با ثبات در سرتاسر کشور دست دوستی اش را دراز کند.

نادر خان از سفیر انگلیس برای مشوره و اطمینان شخصی اش به گرمی سپاسگذاری نموده گفت که «بسیاری از شک‌های که در ذهنش وجود داشت، رفع شدند». او گفت که برای خدمت و نجات کشور از بربادی سعی اعظمی بخراج خواهد داد. او علاوه کرد که برای پیاده نمودن پلان چاره ندارد جز اینکه خود و برادرانش به کشور سفر نموده، مجلس نمایندگان اقوام را دایر، و با اتفاق آرا برای جلوگیری از خونریزی کار کند. نادر خان پیشنهاد کرد که برای سه روز بیشتر در پشاور بماند، بعد از آن یک برادر برای ملاقات با برادر شان شاه محمود خان به جنوبی رفت، او و برادر دیگر احتمالاً به جلال آباد خواهند رفت.

نادر خان در آخر اظهار داشت که بریتانیای کبیر یکانه کشوریست که در روزهای پریشانی افغانستان، دوستی حقیقی را نشان داده است. او از هموطنانش شواهدی را بدست آورده است

که بیطرفی و ثبات انگلیس ها شهر کابل و سفارتخانه های خارجی را از نابودی نجات داده و انشا الله اگر ما بتوانیم نظم را برقرار کنیم، افغانستان این نیکی را هرگز فراموش نخواهد کرد.⁶⁶⁰

به توصیه همفریز محمد نادر خان با کمشترع عمومی ایالت سرحدی شمال غربی نیز ملاقات های نموده و جزئیات کار را با او و همکارانش مورد مذاکره قرارداد. ضمن این مذاکرات اشخاصی را که باید بین آنها وظیفه قاصد و رابطرا اجرا کنند، نیز به همدیگر معرفی نمودند. این اشخاص از طرف انگلیس ها ایم ای حکیم و شیخ محمد صادق و از طرف نادر خان حاجی محمد اکبر خان و الله نواز خان بودند.

پیش آمد انگلیس ها با علی احمد خان شاغاسی

علی احمد خان بتاریخ اول مارچ در پشاور با همفریز سفیر انگلیس ملاقات نمود. او گفت که بصورت عاجل به پول احتیاج دارد و نمیتواند باور کند که حکومت [نگلستان] آنقدر کوتاه نظر باشد که به وی در وقت ضرورت کمک مالی داده نتواند. او گفت که در طول زندگی اش دوست حکومت بریتانیا بوده و این فرصت هرگز باز نخواهد گشت. اگر وی به تخت بنشیند، اولین کارش انعقاد پیمان تعرضی و دفاعی با بریتانیای کبیر و ممانعت از تمام گرایشات بلشویکی خواهد بود. سفیر انگلیس به علی احمد خان از اعلامیه مجلس عوام و سیاست به اصطلاح بیطری انگلیس ها یاداور شده گفت که در شرایط فعلی دادن کمک به هر یکی از کاندیدان تخت و تاج، تخطی ازین پالیسی بوده و بنابران باید تمام خیالات گرفتن کمک مالی و رسیدن به قدرت را از سرشن بیرون کند. علی احمد خان با اظهار نا امیدی تلخی گفت که میتوان پول را مخفیانه تأمین نمود. وقتی سفیر باز هم جواب رد داد، علی احمد خان گفت که اگر انگلیس ها کمک نکنند، او مجبور خواهد شد به قندهار رفته از امان الله خان حمایت کند. علی احمد خان خواهش کرد برای چند روزی در پشاور بماند. سفیر انگلیس به وی اخطار داد که از تبلیغات سیاسی در بین قبایل خودداری نموده و اقامتش طولانی نباشد.⁶⁶¹

⁶⁶⁰. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۷۷ مؤرخ ۱۹۲۹ سفیر کابل از پشاور به وزارت خارجه انگلستان.

⁶⁶¹. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۷۷ مؤرخ ۲ مارچ ۱۹۲۹ سفیر کابل از پشاور به وزارت خارجه انگلستان.

محمد نادرخان و شاه ولی خان صبح ۲ مارچ بطرف تل و هاشم خان بطرف لالپوره حرکت کردند. همفریز هم در همان روز اطلاع داد که بعد از تکمیل کردن ترتیبات استخباراتی، اکثر مأمورینش را رخصت و خودش فردا به دهلي می‌ورد.

کمشنر پشاور بتاریخ ۸ مارچ از آمرینش مکتوبی را بدست آورد که در آن نوشته شده بود: «حال که محمد نادرخان و برادرانش پشاور را ترک گفتند، معامله با علی احمد خان آسان است. علایم نشان میدهند که او می‌خواهد در کشمیر سکونت اختیار کند. حکومت هند خرسند می‌شود اگر شما ترتیبات کشیدن اورا از سرحد فراهم کنید. به او باید گفته شود که موجودیت کاندید سلطنت و یک امیر سابق خلاف پالیسی غیرجانبداری انگلیس‌ها و بنابرین خجالت آور بوده او باید در ظرف مدت دو روز بطرف افغانستان حرکت کند. بهتر خواهد بود که معاون کمشنر مکتوب شمارا با پیغام شفاهی تقویت نماید تا به او ثابت شود که ما جدی هستیم.⁶⁶²

علی احمد خان فردای آن تقاضا نمود با معاون کمشنر ملاقات کند. او به کمشنر گفت که به امان الله خان در قندهار نامه فرستاده و تا رسیدن جواب آن که یک هفته وقت را در برخواهد گرفت، به افغانستان رفته نمی‌تواند. او آماده است به منطقه دیگری مثل کراچی یا راولپنڈی برود. او همچنان برای خود و اقاربش اجازه خریداری ۴ میل تنفسگچه را خواست. اما کمشنر عمومی به علی احمد خان اطلاع داد که حکومت هند به او اجازه بود و باش در هیچ منطقه هند را داده نمی‌تواند. اگر او به افغانستان برگشته نمی‌تواند، باید بدون معطلی از هند بمقصد کدام کشور دیگری براشد.⁶⁶³ علی احمد خان سرانجام به قندهار نزد غازی امان الله خان، که به نسبت اعلام پادشاهی بدفر جامش از او سخت رنجیده خاطر بود، رفته و از اعمال گذشتۀ خود اظهار نداشت نموده و معدرت خواست.

محمد نادرخان نامه ارسالی غازی امان الله خان را به کمشنر پشاور فرستاد

به تاریخ ۵ مارچ، کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی از رسیدن نامه محمد نادرخان گزارش داده مینویسد که او توسط ایم ای حکیم آن نامه را هم فرستاده

⁶⁶². اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۱۰۲۲ مؤرخ ۸ مارچ ۱۹۲۹ به کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

⁶⁶³. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۱۰۵۴ مؤرخ ۱۲ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

است که امان‌الله خان به وی نوشت و در آن بعد از ذکر حقایق اصلی اغتشاش، استعفایش، جلوس و استعفای عنایت‌الله خان، جلوس بچه سقاو وغیره گفته شده بود که وی دوباره در قندهار سلطنت را بدست گرفته است و در نظردارد بزوی بطرف غزنی پیشروی کند. در اخیر نامه امان‌الله خان با لحن آمرانه به نادرخان هدایت داده بود که اگر ممکن باشد با برادرانش از طریق چمن ورنه از طریق ولایات جنوبی به قندهار برود. ایم ای حکیم، رابط محمد نادرخان، به کمشنر گفته است که محمد نادرخان قصد تعمیل امر امان‌الله خان را نداشت و پلان‌های قبلی پابرجا میباشد.⁶⁶⁴

ملاقات محمد نادرخان با مکوناچی نماینده سیاسی کومند

محمد نادرخان و برادرش شاه ولی خان بعد از ظهر ششم مارچ ۱۹۲۹ به تل رسیده و توسط مکوناچی نماینده سیاسی انگلیس هادرایجنی کرم مورد استقبال قرار گرفت. مکوناچی، که سابق بحیث شارژ افیر سفارت انگلیس در کابل مأموریت داشت، در گزارش نیمه‌رسمی خود مینویسد که «آنها ساعت پنج بعد از ظهر به «علی زی» رسیدند. ما ترتیبات اقامت شانرا در «داغ بنگله» گرفته بودیم. آنها دعوت نور حسن را پذیرفته و ساعت شش بعد از ظهر، برای گذشتاندن شب، آنطرف دریا به قریه «انحری» رفتند. من صبح هفتم مارچ دریا را عبور کرده یکجا با کیتان هارتیگان به ملاقات سرداران رفتم. آنها آنطرف دریا منتظر من بودند و ما با هم به «ریست هاووس علی زی» برگشتمیم، جائیکه ملاقات ما یکساعت ادامه داشت. آنها از من خواستند نامه شانرا به شاه محمود خان برسانم تا در «پاراچنار» آنها را ملاقات کند... شاه محمود خان ساعت ۱۰ شب از طریق «پیوار» رسیده و شب را با سردار نادرخان و سردار شاه ولی خان در «داغ خانه» سپری نمود. شاه محمود خان را احمد علی خان (برادرزاده اش)، غوند مشر محمد هاشم خان، عبدالله خان و الله نواز خان همراهی میکرد. بعد از آن مجلس خصوصی سه برادر دایر شد. مطابق به اطلاع موجوده درین مجلس شاه محمود خان مکتوبی را که از حبیب‌الله کلکانی آورده بود، به نادرخان داد. نادرخان با خواندن مکتوب از ته دل خنده دید. یک جمله را که او به آواز بلند خواند چنین بود:

«من این همه را برای شما انجام دادم. بسیار بعيد به نظر میرسد که
من توسط تمام مردم بحیث پادشاه انتخاب شوم. اگر شما به روابط

⁶⁶⁴. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۵۹۹ مؤرخ ۲ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

دوستافه خود با من ادامه دهید و بمن کمک کنید، من به آمدن شما به
کابل کدام اعتراضی نداشته و از من مزاحمتی نخواهید دید.»

یک سند بزرگی هم به نادرخان داده شد که مقصدش روش نبود، و شاید بیعثت نامه اقوام «آریوب» بوده باشد. نادرخان از شاه محمود خان راجع به طرز برخورد اقوام پرسید. شاه محمود خان در جواب گفت که همه شان طرفدار نادرخان میباشند، به استثنای غلچی‌های احمدزی، بعضی از لوگری‌ها و شیعه‌های خوشی. سردار نادرخان گفت که هیچ آن کاری را نباید کرد که مودم فکر کنند آنها (برادران) با امان الله خان خصوصی دارند، یا در صورت ناکامی شان رسوای مردم شوند. سردار شاه محمود خان باید اعتماد مردم را حاصل کند و تا معلوم شدن تلاش‌های هاشم خان در ولایت مشرقی کدام کار دیگری را انجام ندهد. اگر آنها حمایت ولایات جنوبی و مشرقی را حاصل کنند، هر چهار برادر به کابل خواهند رفت.

ایم ای حکیم هم که راجع به او در تلگرام ۸ فبروری بمبن اطلاع داده بودید، ساعت ۲ صبح توسط موثر از پشاور رسید... سردار شاه محمود خان یک بسته کوچک خشت‌های طلا را به سردار نادرخان سپرد. ساعت ۸ و ۳۰ صبح هشتم مارچ سردار نادرخان و شاه ولی خان به عزم خوست به علی زی برگشته و سردار شاه محمود خان و همراهانش هم نیم ساعت بعد از آن از طریق پیوار عازم آریوب شدند. هر سه برادر بعد از ظهر همان روز به ترتیب بمقصد خوست و آریوب از سرحد گذشتند.⁶⁶⁵

مکوناچی بعد از گزارش رسمی خود نوشت که «بتاریخ ۷ مارچ بعد از صحبت عمومی و ذکر خاطرات مناسبات قبلی ما در کابل، سردار نادرخان گفت که میخواهد پروگرامش را بمن بگوید و در رابطه نظر من را بحیث یک رفیق خواست. ختم آنی ناسازگاری‌های فعلی در کابل و ولایات جنوبی و مشرقی بسیار مهم بوده، و باشندگان این مناطق باید دوستانه و از راه حسن نیت گرد هم آمده یک شخص میانجی (ثالث) را تعین کنند تا اسباب نا آرامی موجوده را ارزیابی نموده، ترتیب امور آینده، بشمول جانشینی تخت و تاج، را بگیرد. خطر اصلی موجود امان الله خان بود که موقعیتش را در جنوب غرب و شمال استحکام میبخشد... او بعد از آن راجع به درک من از تمایل احتمالی

⁶⁶⁵ اسناد آرشیف هند بریتانی، یادداشت شماره ۲۱۸ مؤرخ ۹ مارچ ۱۹۲۹ مکوناچی پولیتیکل ایجنت کرم به کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی در پشاور.

ولايات جنوبی و مشرقی راجع به خودش پرسید. من گفتم از صحبت هایی که من با قبایل نموده ام، درک کرده ام که این ولایات بصورت عمومی از رهبری او پیروی نموده و حتی اورا بحیث امیر قبول میکنند، اما او را یک شخص مریض و خسته پنداشته فکر میکنند که کدام تمایلی به ادعای تاج و تخت ندارد.»

مکوناچی در راپور خود علاوه میکند که سردار نادر خان بصورت مشخص از من خواهش نمود که هیچ کدام از تبصره هاییش باید به جراید راه نیابند، و من وعده دادم که مطبوعات از آن اطلاعی نخواهد یافت. او میگوید که در جریان صحبت با معاون پولیتیکل ایجنت، شاه ولی خان بصورت مطلق از راپور روزنامه منکر شد که در آن سردار نادر خان در لاہور اعلام داشته بود که تصمیم گرفته است سلطنت را به امان الله خان بازگرداند.

مکوناچی از ملاقات یک هیئت فرستاده شده خلافتی های تل با شاه محمود خان نیز اطلاع داده مینویسد که شیرزمان و گلباز در صبح هشتم مارچ از شاه محمود خان خواست تا به آنها اطمینان دهد که سردار نادر خان و برادرانش تمام نارضایتی های شخصی شان را کنار گذاشته متحدانه برای اعاده سلطنت غازی امان الله خان بکوشند. سردار شاه محمود خان در جواب گفت که خانواده او خواهان تاج و تخت برای خود شان نمیباشد.⁶⁶⁶

ناکامی های اولیه محمد نادر خان و پلان احتمالی مداخله مستقیم انگلیس ها

پلان های محمد نادر خان مطابق به تقسیم اوقات تعیین شده پیش نمیرفت. کمشنر انگلیس ها در پیشاور به مرکزو همفریز در دهلی جدید و مأمورین انگلیسی در بلوچستان اطلاع داد که «راپور های رسیده از تمام منابع به تغیر ناگهانی اوضاع در ولایات جنوبی و شرقی و همچنان قبایل آزاد اشاره نموده، و احساسات مردم به نفع امان الله خان رو به افزایش ندارد. نادر خان توسط اقوام مختلف خوست تحت فشار است تا طرفداری اش را آشکارا از امان الله خان اعلام دارد، در غیر آن آنها به او کمک نخواهند کرد. شبیه به آن رهبران بخش های «بیزی» و «خویزی» مهمند هم در «لآلپوره» بصورت

⁶⁶⁶. استناد آرشیف هند بریتانی، یادداشت مکوناچی پولیتیکل ایجنت کرم در رابطه با تبصره های سردار نادر خان، شاه ولی خان و شاه محمود خان در دوران بازدید از کرم ۲ تا ۸ مارچ ۱۹۲۹. L/P&S/10/1301

قاطع به هاشم خان گفته اند که آنها تنها بشرط اعاده سلطنت امان الله خان به وی کمک خواهند کرد.»⁶⁶⁷

همفریز بعد از ارزیابی اوضاع، راجع به پلان‌های آینده خود نوشت که جمع‌بندی وضعیت فعلی افغانستان یا پیش‌بینی انکشافات آینده مشکل است. نادرخان با سه برادرش در ولایات جنوبی و مشرقی مصروف کسب حمایت و جمع آوری آرای قبایل است. بنظر میرسد که حبیب الله [کلکانی] میدان را می‌باشد و ممکن است پایتخت را، در صورت شرایطی که برای خود و پیروانش قابل قبول باشد، تسليم کند. علی‌احمد بصورت قطعی از میدان مسابقه حذف شده است.

سفیر انگلیس با درنظرداشت مشکلات موجود، کندی در کارپیاده کردن پلان‌هایشان و احتمال دوام بیشتر اوضاع کنونی، کمک‌های بیشتر به نادرخان و حتی مداخله مستقیم انگلیس‌ها را پیش‌بینی نموده مینویسد که «اگر اقوام نتوانند به توافق برسند و جنگ شدید، بدون پیروزی چشمگیریکی از جوانب، درگیرد، من احتمال آنرا می‌بینم که ازما خواسته شود برای اعاده نظم و نشاندن پر تخت یک کاندیدی که بصورت عموم قابل قبول باشد، مداخله کنیم. حتی قبل از آنکه کابل را ترک بگوییم، ازمن بصورت غیررسمی خواهشاتی بعمل آمده بود تا در زمینه میانجیگری کنم

او علاوه می‌کند که «حتی اگر نادرخان بتواند قبایل را آماده سازد تا بدون جنگ به اتفاق آرا از یک کاندید حمایت کنند، من فکر می‌کنم آن کاندید بدون ضمانت کمک انگلیس تاج و تخت را قبول نخواهد کرد.»⁶⁶⁸

یکی از علل مهم ناکامی‌های محمد نادرخان در سمت جنوبی مقاومت قوای حبیب الله کلکانی به رهبری محمد صدیق خان و محمد عمر خان مشهور به سور جرنیل هم بود. او حتی مجبور شد دوباره به انگلیس‌ها رجوع نموده و ازانها اجازه کمک قبایل آنسوی خط دیورند را بخواهد. این جنت سیاسی از پاراچنار بتاریخ سوم سپتember ۱۹۲۹ اطلاع داد که حاجی محمد اکبر با مکتبی از محمد نادرخان نزد او آمد. نادرخان درین مکتوب به اکبرخان صلاحیت داده بود تا نظریات او (نادرخان) را به حکومت هند

⁶⁶⁷. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۴۸ مؤرخ ۱۴ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

⁶⁶⁸. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۸۳ مؤرخ ۲۵ مارچ ۱۹۲۹ سفیر انگلیس به وزیر امور خارجه در لندن

بریتانیوی انتقال داده و منتظر دستور بماند. نادر خان گفتہ بود که نه دادن کمک در وقت مشکلات فراموش شده میتواند، و نه خلق کردن مشکلات. از جمله چهار نکته که نادر خان مطرح کرده بود، نکته سوم آن راجع به پول بود: «پول ضرورت اولیه تنظیم لشکر در افغانستان میباشد». در نکته چهارم نادر خان از مقامات انگلیسی خواسته بود تا به اقوام وزیر و مسعود، که تصمیم گرفته بودند به او کمک کنند، اجازه این کار داده شود.»⁶⁶⁹

عبدالحکیم خان، وکیل التجار افغان در پشاور هم، که اصلیت محمد نادر خان و روابطش با انگلیس ها را درک نموده بود، طی اعلامیه اورا نماینده انگلیس شمرده و مردم را از همکاری با او منع کرد.

اما بر عکس محمد نادر خان برای فریب دادن افغانها علت ناکامی هایش در سمت جنوبی را بدگمانی و عدم همکاری اهالی سمت جنوبی و انmod میکند که گویا با وجود اصرار آنها پادشاهی را برای خودش قبول نکرد، و آنها گمان بردنده که او و برادرانش بطریفداری از امان اللہ خان فعالیت میکند. او در بیانیه افتتاحیه مجلسی که آنرا اولین مجلس عالی (شورای ملی) افغانستان نامید، گفت: «وقتیکه من در خاک افغانستان قدم گذاشتم، خودم و شاه ولیخان و شاه محمود خان را در سمت جنوبی و محمد هاشم خان و محمد گلخان را در سمت مشرقی تعیین نمودم. درین موقع در سمت جنوبی آثار سقویان ظاهر نبود و هیچکس حکومت سقوی را وقوع و اعتبار نمیداد، اما همینکه امان اللہ خان در حدود قلات و مقر با عساکر قندهار نمودار شد و دوباره عزم استیلای کابل را باطراف و اکناف مشتهر گردانید، اهالی سمت جنوبی قدری متعدد شدند و گمان کردند که من با برادران خود بطریفداری امان اللہ خان خدمت میکنم... اما با آنهمه اصرار من اهالی سمت جنوبی با ظهار من متعدد بودند [و] مطمئن نشدند چه من مجبور بودم که اعلام پادشاهی خود را بدون اعتراف و تصویب تمام اهالی افغانستان رد کنم.»⁶⁷⁰

⁶⁶⁹.. استاد آرشیف هند بریتانیوی، تلگرام شماره ۲۱/۸۱۹ سی مؤرخ ۳ سپتامبر ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنت پاراچنار به حکومت ایالت سرحدی شمال غربی. L/P&S/10/1301.

⁶⁷⁰. عیناً نطق اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی به تقریب افتتاح اولین مجلس عالی (شورای ملی) افغانستان، یوم دوشنبه ۱۴ سرطان ۱۳۱۰ش (مطابق با ۲ جولای ۱۹۳۱ میلادی)، صفحات ۷ و ۸.

کمک‌های نظامی و مالی انگلیس‌ها در رساندن محمد نادر خان به سلطنت

رسیدن مدعیان تاج و تخت کابل به قدرت، بدون پول و اسلحه امکان نداشت. محمد نادر خان که باتن رنجور و دست خالی از فرانسه برگشته بود، بدون کمک انگلیس هانمیتوانست از عهدۀ مسلح ساختن و مصارف اعاشۀ چند هزار نفر لشکر قبایلی برآید.

طوری که قبل‌اُنیز ذکر شده است، انگلیس‌ها بنا بر دلایل متعدد، پالیسی نامنهاد غیر جانبداری را اعلام و تلاش و پافشاری داشتند تا کمک به محمد نادر خان و مداخلات خود در امور داخلی افغانستان را مخفی نگهداشند. محمد نادر خان هم طوریکه از ورود به هند گرفته تا رسیدن به پشاور و رفتن به سمت جنوبی و لوگر بصورت متواتر به آزادیخواهان هند و افغانها راجع به هدف اصلی خویش دروغ میگفت، که گویا در آمدن به افغانستان مقصد شخصی ندارد، خودش مدعی تاج و تخت نبوده، تنها برای نجات وطن و برگشتن از صلح و آرامش برگشته است، از احوال موجوده اعلیحضرت امان الله خان متأسف بوده و برای خیر شخصی شان و منافع جامعه کار خواهد کرد، و انتخاب پیشوای مردم افغانستان است.⁶⁷¹ راجع به ارتباطاتش با انگلیس‌ها و کمک‌هایی که در رسیدن به تاج و تخت از آنها بدست آورده بود، همواره دروغ گفت.

یکی از بزرگترین دروغ‌های محمد نادر خان راجع به گرفتن کمک نظامی از انگلیس‌ها بود که افشاءی آن سبب اعتراض روشنفکران شده و از جمله عبدالهادی خان داوی که از طرف محمد نادر خان بحیث سفیر افغانستان در برلین مقرر شده بود، برسم احتجاج استعفا نموده، به کابل آمد و پس از چندی به زندان فرستاده شد.

محمد نادر خان برای بازی دادن روشنفکران و ملت افغان در محفل افتتاح شورای ملی نامنهاد سال ۱۳۱۰ قسمت زیادی از وقت خود را صرف توضیحات و شکایاتی نمود که چگونه انگلیس‌ها به او کمک نکرده‌اند، واواز هیچ کشور خارجی کمک نکرده است. او گفت که «من امروز بحضور شما و کلای ملت اعلان مینمایم که من بجز فضل و رحم خدای قادر مطلق و فداکاری اهالی افغانستان با مدداد هیچ‌کدام دولت اجنبي کابل را فتح نکرده‌ام». اما او گفت که بعد از رسیدن به تاج و تخت از انگلیس‌ها فرضه و کمک بی قید و شرط گرفته است: «سیاست من در افغانستان سرو راز ندارد، سیاست من در

⁶⁷¹. کشککی، برهان الدین (۱۳۱۰). نادر افغان: جلد اول که مشتمل بر اجمالیات اعلیحضرت محمد نادر شاه از ولادت تا بدء سلطنت میباشد، صفحات ۳۴۹ تا ۲۵۱.

افغانستان آشکارا است من میخواهم هر چیز را به شما واضح کنم تا شما از هر چیز واقع باشید و بکارهای خود بدانید. وقتیکه من در کابل رسیدم و شما ملت باصرار و تأکید مرا پادشاه افغانستان انتخاب کردید، وزارت خارجه فوراً به تمام دنیا اعلان کرد... من بنابر اصول و قواعد بین المللی تمام معاهداتی را که حکومت سابق با دولت متحابه عقد کرده بود، تصدیق کردم دیگر هیچ معاهده سری و علنی ننموده ام. البته سال گذشته بعضی از دولت‌ها امداد کردند، چنانچه حکومت بھیہ برطانیا بدون کدام شرایط با افغانستان امداد کرد، این امداد عبارت است از یک لک و هفتادو پنج هزار پوند قرض بلا سود، و ده هزار تنگ و پنجاه لک کار طوس، و چون این امداد مبرا از هر گونه آلایشات سری و علنی است، و بدون شرایط است، من به ممنونیت قبول کرده‌ام.⁶⁷²

محمد نادر خان در بیانیه اش پول را قرضه بدون سود و اسلحه را کمک نامیده وقت آنرا سال گذشته (۱۳۰۹ شمسی مطابق با ۱۹۳۰ میلادی) ذکر میکند. از طرف دیگر فریزر تیتلر که از دوستان نزدیک خانواده نادر خان و سفیر انگلیس در کابل بود، در صفحه ۲۳۱ کتاب خود «افغانستان: مطالعه انشکافات سیاسی آسیای مرکزی و جنوبی» مقدار این پول را پنج هزار پوند بیشتر یعنی یکصد و هشتاد هزار پوند ذکر نموده، هم پول و هم ده هزار تنگ را تحفه سخاوتمندانه حکومت بریتانیا و سال آنرا ۱۹۳۱ مینویسد.⁶⁷³

و اما از اسناد موجود در آرشیف انگلستان به اثبات میرسد که این کمک‌های انگلیس ها به محمد نادر خان در سال ۱۹۲۹ و بمقصد رساندن او به قدرت صورت گرفته است. تلگرام ۲۹ مارچ کمشنر عمومی در پشاور حاکیست که شاه ولی خان از طریق خدaran و شاه محمود خان از طریق منگل و آریوب، بتاریخ ۲۵ مارچ خوست را بمقصد گردیز ترک گفتند. نادر خان هم باید بتاریخ ۲۶ مارچ به همراهی لشکر خدaran و صبری، که به آنها اسلحه داده است، از متون بطرف گردیز حرکت میکرد. اما بین لشکر خدaran و منگل

⁶⁷². عیناً نطق اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی به تقریب افتتاح اولین مجلس عالی (شورای ملی) افغانستان، یوم دوشنبه ۱۴ سرطان ۱۳۱۰ ش (مطابق با ۲ جولای ۱۹۳۱ میلادی)، صفحات ۱۱ و ۱۲.

⁶⁷³. ویلیام فریزر تیتلر یکی از مأمورین انگلیسی در ایالت سرحدی شمال غربی، کسی بود که بعد از ترک وطن غازی امان الله خان مأموریت نظارت و رساندن او را از بندر بمبئی تا فرانسه داشت، و در دوران زمامداری خانواده محمد نادر خان بحیث سفیر انگلیس در کابل ایفا وظیفه مینمود.

تنازعه بر سرتقسیم اسلحه رخداده است. نادرخان میکوشد منگلی‌ها را قانع سازند تا رسیدن به گردیز مسئله تقسیم را به تعویق اندازند، ولی منگلی‌ها فکر میکنند چالی در میان بوده، لذا نادرخان در کوشش‌هایش ناکام شده و درنتیجه جنگ بین چهاران و منگل منجر به چورشدن بازار خوست شده است. حرکت محمد نادرخان بطرف گردیز هم به تعویق افتاده و شاه ولی خان و شاه محمود خان هم به خوست برگشته‌اند.⁶⁷⁴

تلگرام بعدی کمشترنشان میدهد که محمد نادرخان بعد از تقسیم یک هزار و پنجصد تفنگ به لشکر چهاران و یک هزار و پنجصد تفنگ به لشکر منگل بتاریخ ۲۷ مارچ بطرف گردیز حرکت کرد.⁶⁷⁵ این سه هزار تفنگ از جمله همان ده هزار تفنگی بود که انگلیس‌ها به اساس راپور محمد نادرخان (که بزودی ذکر خواهد شد) برای لشکر ده هزار نفری اقوام مختلف تهیه دیده و توسط میکوناچی، پولیتکل ایجنت ایجنسی کرم (کسی که بعد از تخت نشینی محمد نادرخان بحیث سفیر جدید انگلستان در کابل مقرر شد) به او رسانده شد.

جالبتر اینکه انگلیس‌ها در همین وقت یکبار دیگر به پیغام امان الله خان که توسط یونس خان مستشار سفارت افغانستان در لندن به وزیر خارجه انگلستان داده شد و در آن اجازه خواسته شده بود تا ماشیندارهای فرانسوی ایکه در دوران سفر اروپای او خریداری شده و فعلاً در بندر کراچی اند، به قندهار فرستاده شوند، جواب رد دادند.⁶⁷⁶ آنها نوشتند که «چه تفنگ‌های خودکار امان الله خان به شخص او و یا حکومت افغانستان ارسال شده باشند، بی اهمیت بنظر میرسد، چون ما هیچ حکومتی را در افغانستان برسمیت نمی‌شناسیم و به محموله‌های شخصی هم تا وقتی اجازه نمیدهیم، که در افغانستان یک حکومتی که ما برسمیت شناخته باشیم، تأسیس نشده باشد.»⁶⁷⁷

⁶⁷⁴. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۱۲ مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ کمشتر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.

⁶⁷⁵. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۴۴ مؤرخ ۳۰ مارچ ۱۹۲۹ کمشتر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.

⁶⁷⁶. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۱۹ مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور خارجه هند، L/P&S/10/1203.

⁶⁷⁷. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۲۵۸ مؤرخ ۲ اپریل ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور خارجه هند، L/P&S/10/1203.

از اسناد دیگر موجود در آرشیف انگلستان میبینیم که محمد نادر خان بعد از رسیدن بقدرت هم از انگلیس‌ها اسلحه و پول گرفته است، و مقدر آن اسلحه دوچند اسلحه بود که در دوران تلاش‌های رسیدن به قدرت گرفته است. مثلاً سفیر انگلیس برای افغانستان بتاریخ ۱۹ می ۱۹۳۰ گزارش میدهد که ایم ای حکیم، معتمد شاه، بعد از گذشتاندن یک ماه در کابل بمن بصورت محترمانه اطلاع داد که حکومت افغانستان به اساس وعده قبلی همفریز بزوی تقاضای کمک بیست هزار (۲۰۰۰) تفنگ و بیست میلیون مردمی را خواهد کرد.⁶⁷⁸ تلگرام ۱۲ جون سفیر انگلیس هم نشان میدهد که انگلیس‌ها از قبل این تحفه مخفیانه انگلیس‌ها به محمد نادر خان را مورد بحث قرار داده و تصویب نموده بودند، و این تحفه شامل تأیید هفت لک (هفتصد هزار) روپیه پیشکی بود که حتی در ماه نومبر سال ۱۹۲۹ بعد از داخل شدن نادر خان به کابل تصویب شده بود.⁶⁷⁹

در رابطه با کمک‌های مالی انگلیس‌ها به محمد نادر خان نیز چند مثال ذیل را طور نمونه از آرشیف انگلستان نقل میکنیم: معاون کمشنر «بنو» بتاریخ ۲۹ مارچ اطلاع داد که صاحبزاده محمد صدیق خان، یکی از اشخاصی که بحیث رابط معرفی شده بود، با نامه و پیغام شفاهی محمد نادر خان از خوست برگشته است و میخواهد آن نامه را شخصاً به سفیر انگلیس تسلیم کند.⁶⁸⁰ همفریز محتوای پیغامی را که قاصد محمد نادر خان آورده بود چنین گزارش داد: «من بعد از آن از حبیب الله خواهم خواست تا تخت کابل را، با شرایط سخاوتمندانه برای خود و پیروانش، رها کند. اگر او نیروی کافی ما را ببیند، قبول خواهد کرد. بعد از داخل شدن به کابل من جرگه نمایندگان تمام اقوام افغانستان را فراخواهم خواند. از آنها ما پارلمانی خواهیم ساخت که قانون اساسی را ساخته و صلاحیت‌های شاه آینده را تعیین کند. روشن است که افغانستان ازین به بعد توسط یک شاه مطلق العنوان به آرامی اداره شده نمیتواند، بنابران صلاحیت‌های شاه آینده باید به شدت محدود شوند. بعد از انجام این کار، نمایندگان اقوام شاه خود را کاندید نموده و تحت شرایط تعیین شده پارلمان تخت و تاج به وی پیشکش خواهد شد. از آنجائیکه به

⁶⁷⁸. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۳ مؤرخ ۱۹ می ۱۹۳۰ سفیر انگلیس برای افغانستان L/P&S/10/13010.

⁶⁷⁹. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۲۳۸ مؤرخ ۲۱ نومبر ۱۹۲۹ وزیر امور خارجه برای هند. L/P&S/10/13010.

⁶⁸⁰. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ معاون کمشنر بنو.

پیروان من باید پول داده شود، من برای ادامه این پروگرام به پول ضرورت دارم. بدون شک جنگ داخلی در افغانستان برای مدت طولانی ادامه خواهد داشت، اگر برنامه من ناکام شود، افغانستان تجزیه خواهد شد.⁶⁸¹

محمد نادر خان در ماه اپریل هم ایم ای حکیم، نماینده شرکت آیینر، را با چند مکتوب نزد کمشترع عمومی ایالت سرحدی شمال غربی فرستاده وبصورت شفاهی تقاضای پرداخت پول نموده است. کمشترع گزارش میدهد که یکی ازین نامه‌های نادر خان که به فارسی بود تاریخ ۲۷ اپریل را داشت، و در آن خواسته شده بود که آنرا شخصاً بمن نشان دهد. در نامه گفته شده بود که ما پیشرفت خوبی داریم، توانسته ایم اقوام جنوبی و مشرقی را متعدد سازیم، ولی به پول نیاز داریم. در نامه بعد از هدایت به حکیم که مبلغ پنج هزار (۵۰۰) روپیه را به ادرسی در پاراچنار و مبلغ پنج هزار (۵۰۰) روپیه را به حامل نامه تأدیه کند، ذکر شده بود که به حکومت [هنگ بریتانی] مراجعت نموده بنام او [نادر خان] یا شخصاً و یا به نماینده‌گی از حکومت افغانستان قرضه بخواهد.

یک تقاضای شفاهی دیگر محمد نادر خان برای پول در ماه می ۱۹۲۹ توسط ایم ای حکیم صورت گرفت. شیخ محبوب علی، سکرتر امور شرقی درباره این پیغام محمد نادر خان نوشت که ایم ای حکیم این پیغام را در شفر گرفته و به او هدایت داده شده تا آنرا به همفایر رسانده و منتظر جواب بماند. در پیغام آمده است که «اقوام ولایات جنوبی و مشرقی بصورت مکمل از من حمایت می‌کنند و یک تعداد بزرگ جنگجویان را آماده ساخته‌اند. تنها مشکل من پول است. پولی که بتواند برای مدت کوتاهی غذای لشکر را تهیه نموده و از غارت دیگران جلوگیری کند. دادن فوری دولک روپیه هندی بمن نقش کلیدی برای تمام وضعیت را خواهد داشت.» محمد نادر خان در ختم این پیام به وعده‌های اشاره کرده بود که در اروپا به او داده شده و حال وقت پوره کردن آن آمده است.⁶⁸²

محمد نادر خان بتاریخ ۲ جون ۱۹۲۹ سردار احمد علی خان را نزد مکوناچی فرستاده تقاضای پول و اسلحه بیشتر نمود. این جنت سیاسی انگلیس‌ها در گزارشش مبنی بر

⁶⁸¹. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۹۲۶ مؤرخ ۱۸ اپریل ۱۹۲۹ سفیر کابل انگلستان از شیمله به وزیر دولت در امور خارجه.

⁶⁸². اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۳۳ مؤرخ ۱۱ مارچ ۱۹۲۹ کمشترع عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.

خلاصه گفتار سردار احمد علی خان نوشت که بزرگترین نیاز سردار نادر خان به پول است. او اسلحه بیشتر نیز میخواهد، اما با آنچه در دست دارد کارش را به پیش برده میتواند.⁶⁸³

از یک سند دیگر آرشیف انگلستان (۱۵ جون ۱۹۲۹) هویداست که محمد نادر خان بعد از آنکه امان الله خان از کشور برآمد، و حضرت نورالمشایخ هم حمایتش را از وی (نادر خان) اعلام داشت، خود را زمامدار آینده افغانستان دانسته و در صدد گرفتن قرضه بنام افغانستان و دادن وعده های بلند و بالای قرارداد با شرکت های انگلیسی شد. حکومت ایالت سرحدی شمال غربی در یک مکتوب محرمانه خود کاپی نامه ایم ای حکیم به آقای لیلی، مسئول شعبه استخارات را ضمیمه ساخته است که در آن حکیم مینویسد: جنرال محمد نادر خان به او نوشته است که شیر آغا (حضرت نورالمشایخ) تصمیم قطعی گرفته است ازا او حمایت کند. او باز هم از کمبود پول شکایت نموده و میخواهد بداند که آیا حالا در روشنی بیرون رفتن امان الله خان از صحنه حکومت انگلیس ها حاضر به پرداخت قرضه هست؟ اگر حکومت خواهان دیکته کردن شرایط خاص باشد، جنرال از من میخواهد با حکومت هند مذاکره نموده، به مرکز اورفته و بعد از مطرح نمودن موضوع، وکالت نامه اورا حاصل، پس به هند برگشته و بحیث نماینده با صلاحیت وی موضوعات مورد منازعه را با حکومت هند حل و فصل نمایم. ایم ای حکیم می افزاید که اگر حکومت هند بخواهد تنها خواهش من هم رفتن به شیشنشوک برای دیدن جنرال میباشد. جنرال [نادر خان] از من خواسته است به حکومت اطمینان بدهم که خانواده او مخلصانه خواهان تأسیس مناسبات نهایت دوستانه با حکومت هند بوده و مدام به بهترین وجه از طرف خود خواهد کوشیدتا جلو تبلیغات خارجی را گرفته و هرگز فرصت گمان نیست سؤ حکومت افغانستان را به حکومت [هند] نخواهد داد.⁶⁸⁴

ازین اسناد و اسناد دیگر موجود در آرشیف انگلستان ثابت میشود که انگلیس ها نمیخواستند در رابطه با بعضی از موضوعات حساس سند تحریری بجا بگذارند، که البته کمک های مالی و اسلحه به محمد نادر خان نیز درین جمله شامل میباشند، و اکثر این پیام ها توسط اشخاص رابط و طرف بصورت شفاهی رسانده میشد. مثلاً در یکی

⁶⁸³. اسناد آرشیف هند بریتانی، یادداشت محرمانه شماره ۲۳۰ مؤرخ ۳ جولای ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنیت کرم پاراچنار.

⁶⁸⁴. اسناد آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره مکتوب محرمانه عاجل شماره ۱۵۰۷ مؤرخ ۱۵ جون ۱۹۲۹ حکومت ایالت سرحدی شمال غربی از نتیجه گلی.

ازین اسناد حکومت هند بریتانیوی به شیخ محبوب علی، سکرتر امور شرقی هدایت داده است تا از ذکر نام اتحاد شوروی و موضوعات مهم سیاسی در تلگرام‌های رحمت خان، ناظر یاسپرست سفارت انگلیس در کابل، جلوگیری کند.⁶⁸⁵ در یک سند دیگر ایجنت سیاسی از پاراچنار اطمینان داده است که «مطابق به هدایت تلگرام دیروزی حکومت ایالت شمال غربی، پیغام بصورت شفاهی به حاجی [محمد اکبر خان] داده شد. او به احتیاط یادداشت گرفت و من آنرا تصدیق کرده ام. من امروز آنرا درست نموده و او فردا نزد نادر میرود.»⁶⁸⁶

تأکید بر مخفی نگهداشتن کمک‌ها و تحایف انگلیس‌ها به محمد نادر خان

آنچه در رابطه کمک‌های مخفی مالی و اسلحه‌انگلیس‌ها به محمد نادر خان قابل یادآوریست اصرار هردو طرف بر مخفی نگهداشتن آنست. انگلیس‌ها که این کمک‌ها را در مقایسه با توقعاتی که از رژیم خانواده محمد نادر خان داشتند، بسیار ناچیز میدانستند، به عوض تأذیه مستقیم آن به رژیم جدید التأسیس نادری در کابل، آنرا به ایم ای حکیم، ایجنت او، که تبعه هند بود و اسرار را حفظ میکرد، میداد.⁶⁸⁷

تأکید و تشویش نادر خان در مخفی نگهداشتن این کمک‌ها تا اندازه بود که حتی سردار شاه ولی خان برادر نادر خان که بحیث سفير جدید افغانستان در لندن تعیین شده بود، هم اختیار صحبت این مسایل را نداشت. شاه ولی خان هنگامیکه از راه هند به طرف انگلستان سفر میکرد در ملاقاتش با نورمن بولتن کمیشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی در پشاور از مذاکره درباره پول پیشکی به رژیم نادری خودداری نموده اظهار داشت که او صلاحیت مذاکره درین زمینه را ندارد، ولی به نادر خان درین رابطه اطلاع خواهد داد.⁶⁸⁸ انگلیس‌ها در رابطه با این مخفی کاری، هوشیاری و احتیاط

⁶⁸⁵. اسناد آرشیف هند بریتانیوی، تلگرام شماره ۱۰ مؤرخ ۷ می ۱۹۲۹ شیخ محبوب علی آتشه امور شرقی در پشاور.

⁶⁸⁶. اسناد آرشیف هند بریتانیوی، تلگرام شماره ۵۲-۸۵۰ سی مؤرخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۲۹ پولیتیکل پاراچنار.

⁶⁸⁷. اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب محکمانه عاجل شماره ۱۸۹ ایف مؤرخ ۸ نومبر ۱۹۲۹ ایالت سرحدی شمال غربی از پشاور 13010/L/P&S/10/13010.

⁶⁸⁸. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۷۰۸ مؤرخ ۲ دسامبر ۱۹۲۹ ایالت سرحدی شمال غربی از پشاور 13010/L/P&S/10/13010.

رژیم نادری نوشتند که «بدون شک در خانواده سلطان خیل [خانواده سلطان محمد خان طلائی] حساسیت و ظرافت آشکاری وجود دارد که در افغان های عادی دیده نمیشود. احتمالاً علت شاید تشویش نادرخان باشد که میخواهد در آغاز از هر آنچیزی اجتناب کند که احساس غلام بودنش را نزد مردم عمیقتر سازد».»⁶⁸⁹

در رابطه با پنهان کاری رژیم خانواده نادرخان ذکر یک تلگرام از سفير انگلیس در کابل عاری از دلچسپی نخواهد بود. سفير انگلیس از کابل نوشت که «وزیر خارجه [فیض محمد خان زکریا] دیروز به ملاقات من آمد و مؤکداً درخواست کرد که هیچ مقاله الهام گرفته از منابع رسمی، که نشاندهنده خرسندي حکومت بریتانیا از روش حکومت نادرخان، و یا ترک پالیسی امان الله خان و قرار گرفتن تحت نفوذ بریتانیا باشد، نباید در مطبوعات نشر شود. دلیل این درخواست تبلیغات موجود داخلی علیه حکومت بحیث دست نشانده بریتانیا نیست. این تبلیغات خطر فوری نداشته، ولی احتمال اقدامات مستقیم روسیه، در صورتی که آنها فکر کنند که میدان را در افغانستان باخته اند، موجود است.»⁶⁹⁰

مقامات انگلیسی هم از نشر اسرار شان در روزنامه ها و جراید هراس زیاد داشتند. طور مثال میتوان از تلگرام وزیر دولت برای امور خارجه هند نام برده که در عکس العمل بمقابل نشر مقاله «دلیل میل» Daily Mail یا «پوست روزانه» راجع به اوضاع افغانستان فرستاده شده است. این روزنامه در مقاله به قلم سیسل رایس (Cecil Rice) بتاریخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۲۹ نوشتند که نادر از حرکات حبیب الله (کلکانی) توسط سه نفر از پیشون های شجاع اطلاع حاصل میکند. سفارت انگلستان در کابل توسط هندی ها، عمدتاً آن پیشون های محافظت میشود که [بعد از خروج انگلیس ها] در آنجا مانده تا از منافع استخدام کننده شان حفاظت کنند. این سه نفر با شفر ذریعه دستگاه مخفی بیسیم اطلاعات را به شخصی [بنام ایم ای حکیم] در پشاور میرسانند که به نفع نادرخان فعالیت میکند. وزیر دولت برای امور خارجه هند میپرسد که این اقدامات توسط همفریز سفير انگلستان در کابل اتخاذ شده بود، اما «رایس» این

⁶⁸⁹. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۷۰۸ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۲۹ به وزیر دولت در امور هند، لندن L/P&S/10/13010.

⁶⁹⁰. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۵۰ مورخ ۱۷ جون ۱۹۳۰ وزیر مختار انگلیس در کابل L/P&S/10/13010.

معلومات رسمی را از کجا بدست آورده است؟ او میخواهد منبع معلومات «رایس» مورد تحقیق قرار گرفته و از نشر مضامین بعدی او در «دیلی میل» جلوگیری شود.

گرچه مقامات انگلیسی تا حدی موفق شدند از انتشار چنین مضامین در مطبوعات

British Win Afghans' Aid, Anti-Soviet

Nadir Shah's Country Now Is Buffer Between India and Russia.

PESHAWAR, India, April 2 (A.P.) — The whole northwest frontier, the gateway to India from Afghanistan and Soviet Russia, is seething with unrest and sedition. Wholesale arrests and a general policy of remorseless repression have been employed to put down the independence movement initiated by Abdul Gaffar Khan, leader of the Islamic "red shahs." But beneath the surface are rumblings which indicate that the silencing of these "Khudai khidmatgar," or servants of God, may not be permanent. Also, since the arrest and deportation of Abdul Gaffar Khan, the Afridis and other frontier tribes have been threatening raids, causing the British to send out planes to bomb the hostiles and also drive them back to shelter beneath the guns of forts and blockhouses in the Khyber Pass.

* * *

In days gone by the situation would have caused anxious Britons to keep a long watch, which can Russian diplomats lest Kipling's "Beast which walks like a man" should come stalking across the Khyber, bristling with bayonets. But that menace is fading, for over in Afghanistan Nadir Shah, who took over the throne, has not resisted mountain fastnesses little more than two years ago, is building a strong buffer state between India and Soviet territory.

In return for his repudiating former King Amanullah's policy of cultivating Russia, Nadir Shah is receiving steady and liberal assistance from the British in both money and munitions.

A constant flow of war materials passes through the Khyber to Britain's new sentry and gatekeeper. The money goes as "loans," but the British have little expectation of repayments.

* * *

Where Britain Keeps Watch

The Khyber Pass, shown on map, is the key to India's northwest frontier. A veritable "mountain battleship" is Fort Jamrud, one of the chief wardens of the pass. Above is Nadir Shah, ruler of Afghanistan, who has switched that realm from Russian to British alliance.

45. مضمون روزنامه معتبر واشنگتن پوست تحت عنوان «پیروزی انگلیس، کمک های ضد اتحاد جماهیر شوروی»

انگلستان جلوگیری کنند، اما نتوانستند جلو آنرا در نشرات هند بربانوی و کشور های غربی بگیرند، مثلاً جریده زمیندار بر علاوه مضامین دیگر و چشمدیدهای مدیر

مسئل جریده، بتاریخ ۸ دسمبر دو مضمون راجع به ارتباطات نادرخان با انگلیس‌ها و عده خلافی‌ها و سوگند شکنی‌هایش نوشت.⁶⁹¹

روزنامه معتبر واشنگتن پوست هم تحت عنوان «پیروزی انگلیس، کمک‌های ضد اتحاد جماهیر شوروی» در رابطه با اوضاع نا آرام و آشوب در تمام ایالت سرحدی شمال غربی که حیثیت دروازه ورودی هند از سمت افغانستان و روسيه را دارد، نوشت که در سابق چنین وضعیتی سبب می‌شد تا انگلیس‌ها مضطربانه نگران حرکات روس‌ها، بگفته کیپلنگ «خرس هائیکه مثل آدم راه میروند»، باشند تا چه وقتی از آنسوی خیبر با سریزه تهاجم آنی خواهد کرد. اما این تهدید روبرو محو شدن است، زیرا در افغانستان نادرشاه، کسی که بر تخت این کشور ناقرار کوhestانی نشسته است، به سرعت در حال ساختن یک حائل قوی بین سرزمین هند و روسيه می‌باشد. در پاداش به این ترک پالیسی شاه امان الله، نادرشاه کمک‌های مداوم و افزایش پولی و اسلحه را از انگلیس‌ها دریافت می‌کند. یک ارسال دوامدار مواد جنگی از خیبر به نگهبان و دروازه بان جدید بریتانیا در جریان دارد. پول بشکل «قرضه» داده می‌شود، اما بریتانیا کمترین موقع بازپرداخت را ندارند.

قندھار و پرده اخیر درامه غم انگلیز

غازی امان الله خان بعد از تشکیل حکومت مؤقت در قندھار توانست یک قوه هشت هزار (۸۰۰) نفری را از قوای قندھار و قطعات امدادی که از گرشک و فراه خواسته شده بود، تشکیل دهد. او بتاریخ ۲۵ مارچ ۱۹۲۹ (۵ حمل ۱۳۰۸) به همکاری دسته‌های داوطلب شهر و اطراف قندھار در حالیکه برادرش سردار عنایت الله خان نیز اورا همراهی مینمود، از قندھار به استقامت کابل مارش کرد، و عبدالاحد خان وردک (مایار) وزیر داخله هم با یک قطعه کشاف پیش فرستاده شد تا مردم را در مسیر راه به همکاری آماده کند.

بتاریخ ۱۷ حمل خبر تسلیمی یک تولی عسکر حبیب الله رسید، و به تعقیب آن یک دسته عسکر داوطلب هزاره به قوای شاه پیوست، و متعاقباً یک دسته عسکر حبیب الله بدست قشون شاه اسیر گردید. بتاریخ ۲۴ حمل هم سه هزار نفر هزاره با مردم قره باغ به

⁶⁹¹. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۷۴۹ مورخ ۲۳ دسمبر ۱۹۲۹ پشاور L/P&S/10/13010

استقبال شاه شتافتند. لشکر امان‌الله خان بعد از بیست روز بدون مواجهه شدن با مشکلات قابل توجه به غزنی رسیده و شهر غزنی را که توسط دوهزار نفر از قوای حبیب‌الله کلکانی مدافعته میشد، تحت محاصره قرارداد. در ۲۹ حمل سردار محمد امین خان و خواجه هدایت‌الله خان (رئیس و معاون تنظیمیه هزاره جات) با دوهزار مرد مسلح هزاره به اردوی شاه پیوستند.⁶⁹²

درین موقع راجع به اینکه آیا شهر را در محاصره گذاشته بدون فوت وقت جانب کابل حرکت نمایند و خود را به قوای وردک و هزاره که در عرض راه انتظار رسیدن شان را داشتند برسانند و از آنجا مستقیم بر کابل حمله کنند، و یا اینکه اولتر کار غزنی را تمام نموده بعد با اطمینان خاطر به مارش خود به طرف کابل ادامه دهند، بین صاحب منصبان و مشاورین مغرض و ملکی شاه مناقشه صورت گرفت. صاحب منصبان جوان که تحصیل یافته خارج بودند، نظر اول را ترجیح میدادند، ولی نظریه دوم قبول شد و مشاورین مغرض، شاه را در جنگ غزنی معطل نگهداشتند.⁶⁹³

معطل شدن شاه در جنگ غزنی و توجه تمام قوا به قلعه کوچک ولی مستحکم غزنی به مخالفین فرصت داد تا از یکطرف قوای تازه‌دم و امدادی حبیب‌الله از طریق لوگر به غزنی اعزام گردد، و از طرف دیگر پنج هزار نفر مرد مسلح از مریدان سلیمانخیل حضرت نورالمشایخ، که به سرعت خود را از هند به منطقه ارگون رسانده و نظر به مخالفت‌های گذشته مشغول تبلیغات علیه امان‌الله خان بود، فرصت حمله از پشت سر بر اردوی او را پیدا کنند.

شدت فعالیت‌های تخریبی و تلاش‌های تور امان‌الله خان

درین دوران نتنها فعالیت‌های تخریبی و تبلیغاتی علیه غازی امان‌الله خان شدت یافت، بلکه انگلیس‌ها امان‌الله خان را توسط جاسوسان خود قدم به قدم تعقیب میکردند، و برای خنثی کردن نقشه‌های او چند بار کوشیدند اورا ترور و از سر راه خود بردارند:

- بتاریخ ۱۳ حمل یک افسر نظامی مقیم قلات عساکر را به قیام دعوت نمود، اما دستگیر و اعدام شد.

⁶⁹². غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۶). ص ۸۳۳.

⁶⁹³. رشتیا، سید قاسم (۱۳۷۸). ص ۴۴.

- در همین وقت یکنفر ملا نووارد از هند دستگیر و بتاریخ ۱۴ حمل یکنفر جاسوس دیگر خارجی توقيف و به جرم خود معترض و بلا وقفه اعدام گردید. این دو شخص مجھول الهویه در روزهای محاصره غزنی داخل اردوگاه شده و مورد اشتباہ قرار گرفتند. از نزد یک نفر آنها که پولنی الاصل بود، گذرنامه از سرحد هند با یکمقدار پول هندی و از نزد دیگر که افغان بود، کارد کلانی پیدا شد که میخواست توسط آن بر شخص امان الله خان به بهانه تقدیم عرضه حمله کند.
- در ۲۸ حمل هم یکنفر ملا بنام عرض مطلب در موضوع «درانی و غلچی» به خیمه شاه شتافت و با تبرچه که داشت قصد حمله به شاه نمود اما دستگیر و تفتیش شد. از پوش کتابی که داشت یک تصدیق نامه انگلیسی بدست افتاد و خودش با همان تبرچه که در دست داشت اعدام گردید.

سقوط هرات

طوری که قبل از ذکر شد بعد از بیعت دوباره مردم به غازی امان الله خان در قندهار، انتقال مرکز از قندهار به هرات یکی از اجزا مهم پلان طرح شده او بود. اما این پلان بدو دلیل برهم خورد. دلیل اول آن مخالفت قندهاری ها با این پلان بود. مردم قندهار این تصمیم غازی امان الله خان را علامه عدم اعتماد و یک نوع تحقیر بخود تلقی نموده با اصرار زیاد شاه را مجبور ساختند تا پلانش را به تعویق بیاندازد. دلیل دوم تغیر اوضاع هرات بود. هرات که درین وقت نسبت به سایر ولایات کشور حایز اهمیت خاصی بود، طرف توجه جدی مخالفین و دشمنان قرار گرفت. دشمنان غازی امان الله خان مؤفق شدند با استفاده از اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی آنها را بجان هم اندازند که در نتیجه آن تعدادی از هردو طرف کشته شدند. گرچه این فتنه به کوشش های بزرگان هردو فریق در وقتکمی خاموش ساخته شد، اما بزوی تمرد و بغاوت عساکر علیه صاحب منصبان شان اوضاع را بو خامت کشانید. سید قاسم خان رشتیا میگوید که دلیل ظاهری این تمرد انتخاب قطعاتی بود که باید به قندهار میرفتند و چون در آن وقت در فرقه هرات برخلاف معمول دو فرقه مشر و جود داشت، یکی محمد غوث خان مشهور که یکی از صاحب منصبان سابقه دار و کار آزموده کشور بود و دیگری عبدالرحمن خان داماد سردار محمد ابراهیم خان نائب الحکومه که محمد ابراهیم خان سعی داشت امر منظوری او را به عوض محمد غوث خان از مرکز حاصل نماید و درین وقت فرصت بدست آمده بود که دامادش را در هرات نگهداشت و غند اعزامی با محمد غوث خان عازم قندهار گردد. طبیعی است که این جانبداری هم وسیله برافروختگی عساکر و

صاحب منصبان گردیده زمینه را برای دست‌های مخفی که در پشت پرده مشغول کار بودند، آماده ساخت تا قطعات اعزامی را به تمد و قیام تحریک نمایند و چون عبدالرحمن خان فرقه مشترک در مقابل بی اطاعتی یکی از قطعات از خشونت کار گرفت فی المحل از طرف عساکر یاغی به قتل رسید و زمانیکه محمد ابراهیم خان نائب الحکومه شخصاً بدون ترتیبات به محل واقعه رفت او را هم با داماد دیگرش محمد صدیق امیر که مدیر خارجه بود، مورد حمله قرارداده و قطعه قطعه کردند. و در خلال هرج و مرجی که بعد ازین واقعه در هرات رخداد، عبدالرحیم خان غندمشز کوهستانی که از طرف حبیب‌الله کلکانی با رتبه نائب سالاری از طریق مزار به طرف هرات اعزام شده و به میمنه رسیده بود، با شنیدن خبر و اتفاعات اخیر بسرعت جانب هرات حرکت کرد و پیش از آنکه شجاع‌الدوله خان که در همین وقت از لندن رسیده بود، موقع خود را تحکیم نموده بتواند و یا محمد غوث خان فرقه مشترک به تنظیم مجدد عساکر از هم پاشیده تحت فرمان خود و اعاده معنویات آنها فرصت یافته باشد به دروازه هرات رسید و در حالی که امان‌الله خان در غزنی مشغول جنگ و پیشوای بود، هرات بدست قوای مخالف افتاد.

چرا غازی امان‌الله خان کشور را توک کرد؟

غازی امان‌الله خان با وجود ایجاد مشکلات و توطئه‌های مخالفین داخلی و خارجی دست آوردهای خوبی داشت. مردم وردک که از آغاز حکومت حبیب‌الله کلکانی را نه پذیرفته و حاکم او را رد کرده بودند، تحت قیادت کریم خان وردکی و کرنیل عبدال‌الله خان مایار در نواحی دشت توپ با قوای حبیب‌الله کلکانی رزمیده و با گرفتن هفت صد نفر اسیر و زخمی آنها را به عقب زدند. مردم هزاره جات هم جداً طرفدار شاه امان‌الله خان بوده در جنگ‌های غزنی و هزاره جات به مقابله قوای حبیب‌الله کلکانی از خود رشادت نشان دادند. یک گروپ از جوانان افغان که برای تحصیل در امور نظامی به ترکیه رفته بودند، هم برگشته و تحت قیادت غلام جیلانی خان به نیروهای امان‌الله خان پیوستند. آنها اطلاع دادند که غلام‌نبی خان چرخی، سفیر افغانی در مسکو، با یک دسته از صاحب منصبان افغانی که از ترکیه و روسیه و دیگر کشورهای اروپائی باو پیوسته بودند برای تصرف مزار شریف حرکت کرده است. آنها از رسیدن شجاع‌الدوله خان به هرات نیز اطلاع دادند.



47. هتل مقر مرکز قوماندانی قوای غازی امان الله خان



46. غازی امان الله خان با جمعیت مردم در منزل باغ قندھار



49. غازی امان‌الله خان در راه قندھار و غزنی (سال ۱۹۲۹)



48. غازی امان‌الله خان با مردمش قبل از ترک کشور برای همیش
خدا حافظی می‌کند

یکی از مأمورین دفتر هند بریتانی در لندن در هفته سوم ماه اپریل ۱۹۲۹ نوشت که بنظر میرسد امان الله خان نسبت به تمام کاندیدان دیگر چانس نسبتاً بهتری را داشته باشد. راپورت های انگلیسی علت این کامیابی و پیشرفت قوای اماني را بیشتر نارضایتی و شرایط غیر قابل تحمل تحت رژیم سقوی میدانستند. مطابق این راپورت ها بعضی از افراد لشکر سقوی مخفیانه به امان الله خان پیام های حمایتی میفرستادند و آنهایی هم که به حمایتش از حبیب الله کلکانی ادامه میدادند، بخاطر احساس ترسی بود که از عواقب شکست او و سرنوشت خانه هایشان داشتند.

پس درینجا سؤالی مطرح میشود که چه اتفاقی سبب شد که غازی امان الله خان از جنگ دست کشید، یا به گفته عده میدان را رها کرد و از افغانستان برآمد؟

درین رابطه روایات و شایعات مختلفی وجود دارند. عده عدم همکاری طرفداران امان الله خان و اختلافات بین عبدالعزیز خان وزیر حربیه و عبدالاحد خان وزیر داخله را در جنگ غزنی سبب بی اعتمادی غازی امان الله خان و ترک وطنش میدانند. عده میگویند که سقوط هرات سبب شد تا غازی امان الله خان تصمیم بگیرد حتی بدون برگشتن به قندھار مستقیماً راه سرحد را در پیش گیرد. عده میگویند که قوای حضرت نورالمشایخ قبل از آنکه قوای حبیب الله خان کلکانی شکست بخورد، به کمک رسید و امان الله خان را شکست داد. راپور مستشار امور شرق انگلیس ها، شیخ محبوب علی، علت تصمیم امان الله خان را نتیجه مجلس سری غازی امان الله خان با دوتن از مشاورین نزدیک و مشوره های این دو مشاور، حسن جان (پسر کاکا و شوهر خواهر) و محمد یعقوب خان وزیر دربار، میداند. شیخ محبوب علی مینویسد که این دو نفر به امان الله خان مشوره دادند تا از غزنی عقب نشینی نموده و خاک افغانستان را ترک کند. آنها در استدلال خود گفتند که افغانها از زحمات ده ساله شاه قدردانی نکردند.⁶⁹⁴

اما پوهاند عبدالحی حبیبی مشاهدات شخص خودش را در کتاب معروفش «جنپیش مشروطیت در افغانستان» ذکر نموده مینویسد که: شاه امان الله غازی پس از اغتشاش سقوی در لشکر کشی بهار ۱۳۰۸ از قندھار بطرف غزنی، برای اعاده مجدد سلطنت، قیادت ده هزار لشکر قومی قندھاری و هزاره را داشت. ولی در بین مقر و غزنی هنگامی که برخی از عناصر مشکوک با اسناد پولیتیکل ایجنت انگلیس دستگیر شده و ثابت

⁶⁹⁴. استناد استخبارات انگلیس، ص ۲۰ راپور شیخ محبوب علی به حواله میرزا علی احمد خان، ترجمه جگرن رابت نیل گیرلنگ سکات (مارچ ۱۹۳۰). L/P&S/20/B289.

گردید که دست بعضی از روحانی نمایان داخلی هم دخیل است که میخواهند از اختلاف قبیلوی (درانی و غلچی) کار بگیرد و برای شعله ورشدن آتش فساد ، در حدود بیست تن از طلایه سواران کشاف فراهی (درانی) را در منطقه سکونت غلچیان کشته و لاش‌های کشتگان را دو پله نموده و بر پایه‌های کج کرده تلفیون انداخته و با خط بد آخنده بر کاغذ کی نوشته بودند : «این مهمانی اقوام غلچی برای درانیان و پادشاه است !»

امان الله خان مرحوم چون این منظر فجیع را دید، قندهاریان را بدور خود فراهم آورد و گفت: اکنون ثابت شد که دشمنان اجنبي میخواهند در بین قبایل ما فساد و جنگ اندازند، تا ما به دست خود یکدیگر را بکشیم و سبب این عمل ناجایی من خواهیم بود، که برای باستانی تخت و تاج من کشت و خون روی خواهد داد. پس ای مردم عزیز من! به یقین بدانید که من این مناظر دلشکن جنگ داخلی و قبیلوی را تحمل کرده نمیتوانم و نمیخواهم شما برای بازگشت تخت و تاج من به چنین کارها دست یازید! پس باید از بین شما بروم، تا من موجب چنین کشتار و خونریزی نباشم.

شما ملت عزیزم زنده و افغانستان باقی خواهد ماند، ولی **روسیاهی ابدی مسؤولیت این هنگامه ناشایست**، به نام من ثبت میشود، در حالی که من از روز اول شاهی خود تعهد سپرده بودم، که برای حفظ استقلال و تمامیت مملکت و سعادت و وحدت شما مردم افغانستان کار کنم

ببینید! علت بد بختی مردم ما در دوره‌های سابق تاریخ این بود که شهزادگان برای بدست آوردن مقام شاهی با هم دیگر جنگ هاداشته‌اند، و درین بین شما مردم را با یکدیگر به جنگ و دشمنیها و عداوت‌های قبیلوی برانگیخته‌اند. من میخواستم دوره شاهی من چنین نباشد و به جای اینکه مردم را به جنگ یکدیگر سوق دهم، باید منادی دوستی و وحدت و سعادت و اخوت تمام مردم افغانستان باشم.

چون اکنون میبینم که شما به جنگ داخلی قبیلوی گرفتار می‌آید، اینک من میخواهم میدان را به مردم خود افغانستان اعم از موافقان و مخالفان خود بگذارم شما با یکدیگر جور بیائید. من مسؤولیت جنگ خانگی شما را برای باستانی تخت شاهی به ذمت خود گرفته نمی‌توانم یک او در زاده من در پاره چنار رسیده و دیگر برادر روحانی من در همین جا نشسته و جنگ خانگی را در میدهند. ولی من مرد این کار نیستم و توصیه من به شما اینست که با هم دیگر کنار بیائید اتفاق کنید!

استقلال خود را نگهدارید! و وطن خود را به دشمنان خارجی مسپارید! من فردی از شما هستم، اگر شما سعادتمندید، عین سعادت و مسرت من است. ولی اگر این چنین به خاک و خون بغلطید، موجب بدختی و ملال دائمی من خواهد بود:

من به قرباته، این چه نیرنگ است
جنگ تو صلح و صلح تو جنگ است

اگر از نام من، توراننگ است!
می——روم، تا تو نشنوی نام

شاه نیکدل، حساس و خیرخواه این دو بیت واقف لاهوری را با سوزدل، اشک ریزان با صدای گرفته خواند و گفت "فی امان الله!!"⁶⁹⁵

متن اعلامیه غازی امان الله خان

اعلامیه غازی امان الله خان که بعد از ترک وطن در بمبئی به مطبوعات داده شد، نیز گفتار استاد حبیبی را تأثید میکند. نکات عمده این اعلامیه که در ضمیمه اول راپور جگردن ویکمن Wickman، مأمور وظایف خاص انگلیس ها آمده است قرار ذیل میباشد:

«شニيده ام که مردم تصویر میکنند من در نتیجه شکست قوای قندهار و پیروزی قوای بچه سقاو کشور را ترک گفته ام. بنابران لازم میدانم بصورت مختصر اعلام کنم که چنین شکستی بر قوای من تحمیل نشده است. با وجود جنگ شدید در غزنی ما هیچ وقت شکست نخورده ایم. علت برگشت من به قندهار، آزوی من برای جلوگیری از خونریزی بین اقوام افغان درانی و غلچی بود. بمجردی که من درک کردم بعضی از اقوام مثل اندر، بخش های ازتره کی ها، هوتكی ها و توخی ها مخالفت شان را با من آغاز میکنند، من خودم عقب نشینی نموده و جنگ بیشتر را به اساس اصل صلح دوستی که من همیشه از مدت ها قبل گرامی داشته ام، متوقف ساختم. «من هیچ گاهی برای منفعت شخصی ام تمایلی به نابودی و بربادی ملت من نداشته و ندارم.

«این یک حقیقت است که از آغاز اغتشاش شینوار تا به انتشار آن به تمام ولایات مشرقی و شمالی من به سربازانم امر کردم به هیچ جایی حمله نکنند، و در عوض آن بصورت دوامدار نمایندگانی را نزد اغتشاشیون فرستاده و تا حد توان کوشیدم مسایل را از طریق صلح حل و فصل کنم؛ و از طرق منطقی آنها را قناعت دهم که یک بار دیگر

⁶⁹⁵. حبیبی، عبد الحی (۱۳۷۲)، جنبش مشروطیت در افغانستان، چاپ جدید، صفحات ۲۳۶ تا ۲۳۷

وفاداری خود را به من اعلام کنند. شورش آنها هیچ کدام اساس درستی نداشت. آنها مخالف افکار من بوده و آنرا مخالف آرمان‌های اخلاقی خود و عنعنات ملی میدانستند. همه این موارد در لویه جرگه مورد بحث قرار گرفت، و به اتفاق آرا توسط آن حل و فصل و تصویب شد، که به اشتراک یک هزارو یکصد و هفت (۱۱۰۷) نفر از نمایندگان تمام کشور دائر شده بود. اما از آنجاییکه تمام مشوره‌ها و اعلامیه‌های عفو عمومی من کدام تأثیری نیخواهد، و خیانت کسانی که در ابتداء اعمالین توطئه بوده و پس از آن از فاش شدن اعمال شیطانی خود میترسیدند، ادامه یافت، من وظیفة خود دانستم تا برای جلوگیری از خونریزی بیشتر تخت و تاج را به نفع برادر بزرگتر خود عنایت الله خان رها کنم. »

غازی امان الله خان در اعلامیه اش بعد از ذکر مختصر رویداد‌های قندهار، علت جلوس دوباره اش، اعلام وفاداری اقوام ولایت مشرقی، حمایت و تشویق رهبران اقوام مناطق بین قندهار و کابل، تنظیم سربازان منظم و قومی و حرکت شان بطرف کابل، پیشرفت بسوی غزنی و تسليمی و شکست قوای حبیب الله کلکانی در مُفرو وردک، در باره علت دست کشیدن از جنگ و ترک وطن میگوید که «با انکا به همکاری و وعده‌های اقوامی که بین قندهار و غزنی زندگی میکنند، و دانستن اینکه تعداد قوای سقوی در غزنی از یک هزار نفر تجاوز نمیکند، من بطرف غزنی پیش رفتم. اما بمجردی که ما به غزنی رسیدیم، یک طغيان تازه و غير متوقع اندري، یک قسمتی از اقوام تره کی، هوتكی و توخي بوقوع پيوست. لذا من برای بازيابي اوضاع، که رخ دیگری اختیار کرده بود، به مُقر، محل فرماندهی خود، برگشتم. من کوشیدم غلط فهمی را از طرق مسالمت آميز رفع کنم، اما این سؤ تفاهم تا به قلات انتشار یافته و اقوام منطقه را متاثر ساخته بود. بعد از آن من به قلات آمدم تا یکبار دیگر این بدگمانی را از طریق ترغیب رفع کنم. من با دانستن رازی درک کردم که یک خونریزی جدید بین اقوام غلچی و درانی آغاز میشود. من هیچوقتی فقط برای حاصل کردن دوباره قدرت و اختیار، نمیتوانستم به جنگ داخلی اجازه داده و سبب خونریزی شوم. من با توجه به این اصل تخت و تاج را رهانموده و افغانستان را ترک گفتم. در تمام دوران این کمپاین، لشکر من با قوائی روبرو نشده بود که توان مقاومت را داشته باشد و یا از آن شکست خورده باشیم. اگرچه اقوامی در مسیر راه ما، مخصوصاً اندري، سوگند و تعهد خود را شکستنده و تعداد بزرگ شان بر قوای ما حمله نمودند، اما آنها بیش از یک یا دو ساعتی بمقابل ما مقاومت کرده نتوانستند، در نهایت شکست خورده و فرار نمودند. این نشان میدهد که قوای ما

هیچگاهی از دشمن شکست نخورده و در یک عملیات واحد هم لشکر من عقب نشینی ننموده و یک گام به عقب نرفته است.

من یکبار دیگر تکرار میکنم که این اصول و مخالفت من با خونریزی بود که من را مجبور ساخت از تاج و تخت انکار و از کشورم خارج شوم من هیچ وقتی نخواسته ام که ملت افغان برای منافع شخصی من با هم جنگیده و تباہ شود.

این دلیل آمدن غیر متربه من به چمن بود. من بصورت قطعی آن شایعاتی را رد میکنم که علت ترک کردن افغانستان شکست قوای من بود. این مطلقاً بی اساس است... اگرچه من شخصاً موفق نشدم، اصول من در افغانستان ناکام بوده نمیتواند؛ چون من مطمئن هستم که در دوران ده سال کار سخت و تلاش، من حداقل موفق شدم ذهنیتی را ایجاد کنم که هیچ وقت اجازه نخواهد داد افغانستان درین حالت باقی بماند.

لذا من میدانم را به آنهایی ماندم که دعوای قهرمانی دین را دارند، و از آن برای منافع شخصی استفاده میکنند و افغانستان را بدین حال و روز رسانده اند.

همه از حالت کابل و اینکه با دین و مذهب چه معامله صورت میگیرد، بخوبی آگاه اند. بزودی فهمیده خواهد شد که در پشت پرده بدون از اغراض شخصی و نادانی چیز دیگری نیست، در غیر آن مسئله دین با وضعیت و امور موجوده افغانستان هیچ نوع وجه مشترکی ندارد.⁶⁹⁶

قابل یادآوریست که اشاره غازی امان الله خان به آغاز مخالفت بعضی از اقوام مثل اندوه، بخش های از تره کی ها، هوتکی ها و توخی ها، اشاره به توطئه دیگریست که در آن دشمنان غازی امان الله خان میخواستند علاوه بر اختلافات بین درانی ها و غلچی ها اختلافات دیرینه مردم هزاره و غلچی های غزنی را دامن زده، آنها را در بین هم بچنگانند. به رویت استناد آرشیف انگلستان، دو روز بعد از پیوستون دو ستون از لشکریان به قوای غازی امان الله خان، رسیدن لشکر های هزاره آغاز شد. دو هزار نفر از بهسود تحت قیادت گل محمد خان پسر ارباب بخت یار بود. یک هزار نفر تحت قیادت احمد علیخان پسر محمد الله خان از بخش های محمد خواجه و چهار داشت هزاره های چهار باغ هشت صد نفر از قسمت های سوخته و علودانی تحت قیادت ملک شاه پسند و ملک خان شیرین خان. حدود دو هزار نفر تحت قیادت نیاز محمد خان، مهتر یوسف و باز محمد خان خوش ابدال که از قریه های ناور، سراب، ترکان و ککرک بودند. پنجصد

⁶⁹⁶. ضمیمه اول مکتوب شماره ۱۳۰، مؤرخ ۱۷ جولای جگن ویکمن.

نفر بیات، قیاق، دره سیاه سنگ و احمده تحت قیادت محمد ناصر خان، محمد سردار خان و احمد علی خان بیات آمدند. تمام هزاره‌ها با اسلحه خودشان آمده بودند. روز بعد دوهزار نفر هزاره جاغوری و مالستان تحت رهبری حاجی محمد حسن خان و برات علی و عبدالله خان پسران شیر علیخان جاغوری رسیدند.

رسیدن این لشکر بزرگ هزاره نفس تازه به قوای قندهاری رسانده و پیروزی غازی امان الله خان را سریعتر ساخته بود، که دشمن از هیله و توطئه دیگری کار گرفت و آن استفاده از دشمنی دیرینه بود که بین هزاره‌ها و پشتون‌های غزنی وجود داشت. بمجرد رسیدن نیروهای هزاره، خوانینی که مخالف غازی امان الله خان بودند، مثل آخندزاده سربلند (ملای خدو خیل)، و امین الله خان و عبدالحکیم خان تره کی، با گرفتن اوراقی که توسط محمد کریم حاکم حبیب الله کلکانی در غزنی آماده شده بود، بر اسپ‌های خود سوار و نزد اقوام اندرون، تره کی و سلیمان خیل رفتند. آنها با پخش شدید ترین تبلیغات به مردم می‌گفتند که «اگر امان الله خان کافرنمی‌بود، او هزاره‌ها، دشمنان سنتی شانرا نمی‌خواست موجودیت این دشمنان تنها یک معنی را دارد و آنهم خورد کردن پشتون‌ها توسط اقوام غیرپشتون است». ⁶⁹⁷

عبور امان الله خان از سرحد افغانستان

غازی امان الله خان بروز ۲ جوزای ۱۳۰۸ مطابق با ۲۳ می ۱۹۲۹ ذریعه موتر سرحد افغانستان را عبور کرد و در مقابل تهائۀ سرحدی چمن خود را به سرحد دار انگلیس معرفی نمود، سرحد دار بلا فاصله موضوع را به نماینده گورنر جنرال بلوجستان اطلاع داد. نماینده گورنر جنرال بلوجستان تلگراف مستقیم و اشد عاجل بنام نائب السلطنه لارد ایروین Lord Irwin به شیمه مخابره کرد. درین تلگرام نوشته شده بود: همین حالا خبر رسید که شاه سابق افغانستان ساعت یک بعد از ظهر امروز (۲۳ می ۱۹۲۹) به همراهی سردار عنایت الله خان، ملکه ثریا و اعضای دیگر خانواده شان ذریعه موتر به چمن رسیده است. به آنها در بنگله سیاسی که توسط نظامیان گورکه حفاظت می‌شود، جادده شده است. آمدن آنها بدون اطلاع قبلی بوده است.

⁶⁹⁷. اسناد استخبارات انگلیس، صفحات ۵۷ و ۵۸ راپور شیخ محبوب علی به حواله میرزا علی احمد خان، ترجمه جگرن رابت نیل گیرلنج سکات (ماچ ۱۹۳۰). L/P&S/20/B289.

لارد ایروین که بعد ها بنام لارد هیلفیک در زمان جنگ دوم جهانی بحیث وزیر خارجه انگلستان شهرت زیاد حاصل کرد، و از مدت سه سال به اینطرف این وظیفه حساس را بعده داشت، بعد از خواندن این خبر که معلوم میشد بیصرانه انتظار آنرا داشت، بی اختیار فریاد کشید «بالخره... از شر او خلاص شدیم» و بعد به یاور خود دیکته کرد (اکنون از هیچ قسم رعایت با دریغ نشود... نه بحیث یک پادشاه... بلکه بحیث یک پناهنده) لیکن به هیچ صورت اینجا مانده نمیتواند، باید هرچه زودتر خاک هند را ترک نماید.

مدتی طول کشید تا حکومت هند بعد از مشوره بالندن راجع به طرز اعلان این خبر تصمیم بگیرد و فقط صبح روز ۲۷ می ۱۹۲۹ مطابق با ۲ جوزای ۱۳۰۸ بود که مردم دنیا از طریق جراید و آژانس های خبر رسانی از خارج شدن امام الله خان از افغانستان اطلاع حاصل کردند. به گفته رشتیا شاید تصادفی نبوده باشد که نادرخان روز ۲ جوزا یعنی روز اعلان خروج امام الله خان را از افغانستان بدون کدام اساس تاریخی و توجیه منطقی بنام روز سالگرد استقلال افغانستان جشن میگرفت.

رسیدن سپه سalar محمد نادر خان به قدرت یک امر اتفاقی نبود

دستگاه استعماری انگلیس چه در کسب شهرت و چه در رساندن نادر خان و خانواده اش به قدرت نقش برازنده داشته است.⁶⁹⁸ او و خانواده اش که بعد از کشته شدن امیر حبیب الله خان در موقع کشمکش بین امام الله خان و سردار نصرالله خان جانب مخالفان را گرفته و بازداشت شده بودند و باستی در مجلس مجالات بحیث خائینین به جزای اعمال شان میرسیدند، به گفته سید قاسم رشتیا، در ظرف چند روز به کمک همدستان

⁶⁹⁸. برای شناسائی بهتر این خانواده (که به نامهای خاندان طلائی، آل یحیی و مصاحبان نیز مشهور اند) و ریشه های تاریخی ارتباطات ان با انگلیس ها میتوان به دورساله «تاریخ سکوت میشکند: نادر چگونه به پادشاهی رسید؟» و «نادر خان و خاندان او» مراجعه نمود. اثر اول به قلم سید قاسم رشتیا (با نام مستعار سیدال یوسفی)، قبل ا در شماره های ۱۳۵ الی ۱۷۷ روزنامه انیس در سال ۱۳۵۷ هش هم به نشر رسیده است. اثر دوم به قلم پوهاند عبدالحقی حبیبی (بانام مستعار مهاجر افغان) هم قبل ا به تاریخ اول سپتember ۱۹۵۱ در نشریه جمهور اسلام به نشر رسیده است. آنزمان شادروان حبیبی در پشاور جمهوریت مؤقت افغانستان را اعلام نموده و به نشر جریده افغانستان آزاد پرداخته بود. (خوانندگان میتوانند هر دو رساله را از ادرس انترینیتی www.ZamaniFamily.com بدست آورند).

صاحب نفوذ خود بطور معجزه آسائی از کمپ محافظه کاران جدا و به کمپ روش نفرکران وطن پرست پیوستند و تنها از مجازاتی که انتظار شان را داشت، برائت حاصل کردند، بلکه تمام مقامات و القاب شان هم اعاده شد. بر علاوه نادرخان برای قیادت یک جبهه حساس جنوبی داوطلب شد، که امان الله خان هم ازین داوطلبی استقبال نموده او و دو برادرش، سردار شاه ولی خان و سردار شاه محمود خان را در رأس قطعات اردو قرارداده به پکتیا فرستاد.

شادروان فیض محمد کاتب هزاره در جلد چهارم سراج التواریخ در رابطه با قتل امیر حبیب الله خان راجع به تقاضای سر بریدن محمد نادر شاه توسط عساکر جلال آباد مینویسد که «...جمعی از سپاهیان نظام که بلو او خونخواهی امیر شهید را بهانه قرار داده بودند، نعره زنان و چهاریار گویان، که از لشکرگاه به درب سرا و نشیمن گاه شهرزاده عنایت الله خان شده، خواستار اجازت قتل سپهسالار محمد نادرخان آمدند و او در پاسخ استدعای ایشان فرمود که تنها از کشتن سپهسالار چه حاصل خواهد گرد و از قطع کردن شاخی از شجره خبیثه چه خواهد یافت و به کدام آرزو نایل خواهد گشت؟ پس باید این گونه درخت بار آور تلخ را از بن قلع و قمع کرد و از ریشه بایست کشید و کار عقل نیست که به بریدن غصنی (شاخی) اکتفا بنماید و او هر چند ازین سخنان به سپاهیان فرمود، ایشان هیچ به گوش قبول نشنوده سخت ایستادند و اصرار کردند که در حال امر کنید و اجازت دهید که سپهسالار را بر خاک قبر و لینعم شهید خود بکشیم و بکشیم، بعد درخت را از ریشه بر می آوریم و هر قدر شهرزاده تکرار کرد ایشان گفتار او را نشنیده در خواهش اصرار کردند تا که شهرزاده مجبور گردید فرمود خوبست شما مراجعت کنید، من نیز در عسکرگاه می آیم»⁶⁹⁹

در فصل دوم دیده شد که چگونه محمد نادرخان با وقت گذرانی و تأخیر در جبهه جنوبی، بدست اوردن نقشه‌های مهم جنگی، ملاقات‌های اسرار آمیز تصادفی با شخص اعتمادی ایکه تصادفاً از «تل» آمده بود، ارسال نامه به شاه ولی خان، عقب نشینی عمدی انگلیس‌ها، و بلاخره ادعای دروغین فتح قلعه جنگی «تل» به شهرت رسید.

در دوران اغتشاش اخیر هم می بینیم که پیروزی محمد نادرخان در جنگ داخلی و رسیدن به پادشاهی تنها نتیجه مبارزات قدرت طلبی داخلی نبوده بلکه در آن خواست و

699. کاتب، فیض محمد (۱۳۹۰) سراج التواریخ، جلد چهارم بخش سوم، صفحات ۷۰۴-۷۰۳

کمک انگلیس ها نقش عمده داشت. اما فرانسیس همفریز و کرنیل لارنس دو مهرهٔ عمدهٔ پیاده کردن مسترپلان انگلیس ها، که یکی علنی و دیگری بصورت مخفی برای سقوط سلطنت غازی امان الله خان و رژیم امانی توطئه میچیند، بنا بر دلایلی که قبل اذکر شده اند نمیتوانستند بصورت علنی از او طرفداری کنند، و روی کار آمدن یک دورهٔ مختصر امیر حبیب الله کلکانی هم بخشی از پلان را تشکیل میداد.

راپورهای محترمانهٔ همفریز سفیر انگلیس در رابطه با اغتشاشات همواره برناممکن بودن چانس گرفتن دوباره قدرت توسط غازی امان الله خان تأکید می‌ورزید. او اعلام کرد که «کار امان الله خان تمام است»، و بعد از آن پیشنهاد کرد که «نادرخان بهترین کاندید متبادل میباشد. او پیشنهاد کرد که هر نوع تسهیلات برای بازگشت او فراهم شوند. هنگامیکه حبیب الله کلکانی دونفر نماینده را برای تشویق و آوردن محمدنادرخان به پاریس میفرستاد، همفریز از طریق حکومت هند بریتانی تام سهولیات سفرشان بشمول دادن سفرخراج پیشکی را سفارش داد.

به گفتهٔ آستا اولسن انگلیس ها هیچ شکی نداشتند که به عوض شاه امان الله، بودن نادرخان بر تخت کابل بیشتر به نفع شان است. دلچسپی انگلیس ها در نادرخان بیشتر بر دو هدف متمرکز بود: نخست تأمین صلح و آرامش در مناطق قبایل سرحدی و، دوم جلو گیری از پیشرفت روس ها و نفوذ ایدیولوژیک شان - و شاه امان الله در هردو جهت غیر قابل اطمینان بود. برای رسیدن به این دو هدف انگلیس ها حاضر بودند برای ثبات نقش نادرخان کمک های قابل توجهی را عرضه کنند.⁷⁰⁰

چنانچه درین رابطه نائب السلطنه هند بریتانی نوشت که «ما همچنان سالانه مبالغ قابل توجهی را برای مأموریت بریتانیا در افغانستان میپردازیم و برای آغاز کار نادره شاد در سال ۱۹۲۹ مبلغ چهار میلیون روپیه را دادیم. علاوه بر آن ما آماده هستیم تعدادی از تفنگ های هندی را یا بدون قیمت و یا به اقساط طولانی مدت برای بلند بردن فعالیت اردوی افغانستان، که عامل بسیار عمده ثبات آن دولت است، به حکومت افغانستان عرضه کنیم». ⁷⁰¹

آستا اولسن در یک جای دیگر در اشاره با مسئولیت های انگلیس هامینویسد: «بنظر میرسد که نادرخان در سقوط سلطنه شاه امان الله، بیشتر از آنچه تنها یک علاقه و دلچسپی انگلیس های باشد، برخوردار بود. استناد موجود منابع آرشیف تصویر مکملی

⁷⁰⁰. Olesen, Asta (1995). صفحات ۱۷۲ و ۱۷۳.

⁷⁰¹. اسناد محترمانه آرشیف انگلستان، تلگرام وایسراي به وزارت خارجه در لندن، 20/12/R.

را ارائه نمیکند، اما این واضح است که حکومت هند [بریتانی] حداقل زمینه جریان پول و تدارکات را برایش آماده ساخته و با گذشت لشکر مسعودی‌ها و وزیری‌ها از سرحد مخالفت نکرد.⁷⁰²

وایسرای هند بتاریخ ۱۳ فبروری به وزیر دولت برای امور هند در لندن در یک نامه شخصی و خاص نوشت که «روی همفتحه با وجود تبلیغات مخربی که برپا شده است، من فکر میکنم که اوضاع تا به حال به نفع ما شکل میگیرد. امیدوار هستم تا بتوانیم نادرخان را بدون ایجاد یک هیجان بسیار شدید ضد انگلیسی [به هند] بیاوریم. واقعاً بنظر میرسد درین رابطه که او برای همه گروپ‌ها در افغانستان «یک قهرمانی که بتواند در بدترین موقعیت مشکل بزرگ را حل کند» تلقی شود، هم با مشکلاتی روبرو هستیم. یکی از ملاهایی که بیش از یک سال قبل در پنیاله هند در جلسه پلانگذاری شیرآغا [حضرت نورالمشايخ] شرکت کرده بود، روانه شهر گوندل است تا به شیرآغا بگوید که این وقت آمدن او به کشور نیز است»⁷⁰³

اما طوری که قبل‌از کشیده، محمد نادرخان و برادرانش نتوانستند مطابق نقشه طرح شده پلان‌شان را به پیش ببرند. قوا نادرخان و برادرانش بصورت متواتر در ماه‌های اپریل، جون، آگوست و سپتامبر ۱۹۲۹ از قوای حبیب‌الله کلکانی شکست خورد.

نادرخان حتی بعد از خارج شدن غازی امان‌الله خان از صحنه در پی شکست‌های پی در پی به فکر پناهندگی سیاسی در هند بود. او قبل از آنکه کمک‌های بیشتر انگلیسی بررسد و بحیث آخرین تلاش اجازه جمع‌آوری لشکر قبایل وزیر و مسعود طرف بریتانی خلط تحمیل شده دیورند را بگیرد، شکستش را قبول کرده و از انگلیس‌ها خواسته بود تا با حبیب‌الله کلکانی راجع به شرایط بازگشتش به هند بریتانی مذاکره کنند.⁷⁰⁴ او این شرایط را با فرستادن حاجی محمد اکبر خان به پاراچنار بصورت شفاهی (ولی با خواندن از روی یادداشت‌هایش) با مکوناچی در میان گذاشته بود. این جنت سیاسی انگلیس از پاراچنار در تلگرام‌های بعدی اش نوشت که من به این ترتیجه رسیده‌ام که هدف فعلی نادرخان خروج آبرومندانه از افغانستان است. چون او خودش نمیتواند با حبیب‌الله مذاکره کند، از حکومت بریتانیا میخواهد این مذاکرات را برایش انجام داده

.. ۷۰۲. Olesen, Asta (1995).

۷۰۳. Stewart, Rhea Talley (2000).

۷۰۴. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام‌های شماره ۳۱۵، ۳۲۰، ۵۱ و L/P&S/10/1301.

و شرایطی را که مطابق به آن نادر خان از افغانستان براید، از طرف حبیب الله تضمین کند. شرایطی را که نادر خان برای برآمدن از افغانستان پیشنهاد کرده بود، قرار ذیل بود:

1. عفو عمومی به تمام حامیان خودش و رژیم گذشته.
2. مسئولیت خروج خود و متعلقین طبقه حاکم او.
3. تخلیه خانواده ها و دارائی منقول او و پیروانش به هند.
4. پرداخت مصارف شان توسط حبیب الله از عواید دارائی های شان در افغانستان. در عین حال حکومت [هند بریتانی] مصارف شان را خواهد پرداخت.

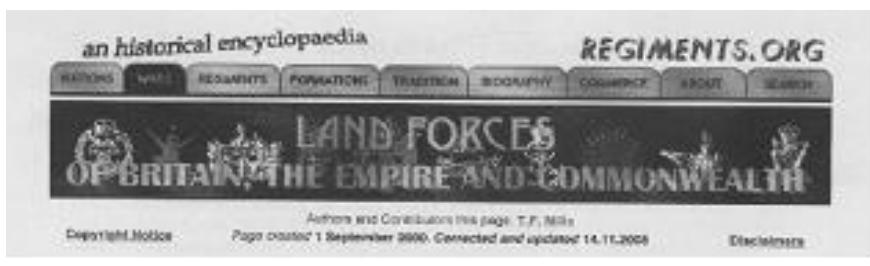
برویت اسناد آرشیف انگلستان، بعد از شکست شاه محمود خان در اطراف گردیز و شکست ۱۸ سپتامبر محمد هاشم خان در ولایت مشرقی ستاره بخت نادر خان رو به زوال گذاشت، اما چون انگلیس ها آرزو نداشتند که نادر خان میدان را ترک کند، به تقاضای او برای استفاده از لشکر های وزیری و مسعود آنطرف خط دیورند موافقه کردند. تا آن وقت انگلیس ها از شرکت این قبایل و انتشار جنگ در تمام منطقه قبایلی ترس داشتند. به پولیتیکل ایجنت (نماینده سیاسی) قبایل هدایت داده شد تا مانع ورود افراد و یا لشکر قبایل به افغانستان نگردد. خبر اجازه ای غیر مستقیم حکومت هند به سرعت تام بین قبایل پخش شد ولشکر قومی وزیر و مسعود به کمک نادر خان داخل افغانستان گردیدند.⁷⁰⁵

لشکر وزیری شامل ۸۰۰ نفر از سیف علی ها، پیپ علی ها، شوال و برمل و ۲۰۰ نفر دوپر، و حدود هزار نفر وزیری های مده خیل بود که برای پیوستن به نادر خان که در آریوب بود، از راه خوست روانه شد. این لشکر اگرچه در نزدیکی متون با مخالفت های اهالی خوست مواجه شد، اما با وجود آن توانست خود را به علی خیل مرکز قوماندانی نادر خان برساند. بتاریخ دوم اکتوبر هم یک لشکر دوم وزیری شامل ۴۰۰ نفر توری خیل و مامت خیل بقصد آریوب به متون، مرکز خوست، رسیده و روز بعد عازم دره لوگر گردید.

قبل از آن بتاریخ ۲۲ سپتامبر هم یک قوه ۲۸۰۰ نفری غلجبی های احمدزی، جاجی، دوپر، چمنکنی، منگل و خدران که در آن ۲۰۰۰ نفر وزیری هم شامل بودند، در دو بندی جمع شده و تحت قوماندانه شاه ولی خان بطرف لوگر پیشروی کرد و قوای نادر خان را موقع داد که بر کابل حمله و به ۱۲ اکتوبر ۱۹۲۹ کابل را فتح کند.

⁷⁰⁵. پاولادا، لیون، اصلاحات و انقلابات ۱۹۲۹، مترجم، باقی یوسفی، چاپ پشاور، سال ۱۹۸۹، ص ۱۹۹.

کمشنر پشاور به استناد راپور پولیتیکل ایجنت وزیرستان شمالی در مکتوب محرمانه خود، در رابطه با رفتان لشکر قبایل به افغانستان نوشت که تبلیغات جنرال نادرخان در ایجنسی ما بسیار شدید است. او به نام یک تعداد زیادی از ملک‌ها مکاتیب شخصی ارسال نموده و در آن از مهربانی‌های گذشته به آنها یادآوری نموده و آنها را تشویق و ترغیب نموده است تا درین جنگ برای اسلام [؟] نقش خود را بازی کنند. او در عین زمان و عده‌پاداش‌های گزارف، مقرری‌های پرمفعت و مددمعاش زیاد را نموده است.⁷⁰⁶ اما چیزی که تا حال محققین ننوشته‌اند، ویا من نخوانده‌ام آن راپور پولیتیکل ایجنت وزیرستان است که برای توجیه حقانیت نادرخان در انتظار مردم از انتشار کاپی‌های یک نامهٔ تقلیبی غازی امان‌الله خان در کابل اطلاع میدهد. درین نامه از طرف غازی امان‌الله خان نوشته شده بود که آرزوی برگشت را نداشته و نادرخان باید حکومت کند. اگر بعد از آن ملت افغان خواهان برگشت او (امان‌الله خان) باشد، وی در نوروز سال آینده برخواهد گشت، بشرطی که نمایندگان تمام اقوام نزد او به عذر خواهی بزرگ یا «تنواتی» بیایند.⁷⁰⁷



state along the North West Frontier provoked tension with newly independent Pakistan, but was peacefully resolved. Amanullah proclaimed himself Shah in 1927, but his westernisation programme provoked the Muslim imams and he was forced to flee in 1929. After a chaotic interlude, the British installed Gen. Nadir Khan as the new king, but he too alienated the clergy and he was assassinated in 1933. British

⁷⁰⁶. اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب شماره ۲۷۸۸ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی L/P&S/10/1301.

⁷⁰⁷. اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب شماره ۴۴۰، مؤرخ ۲۷ نومبر ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنت وزیرستان . L/P&S/10/1301

این سند رسمی قوای زمینی امپراتوری بریتانیا و کشورهای مشترک المنافع میگوید که بعد از اغتشاش، انگلیس‌ها جنرال نادرخان را بحیث شاه جدید نصب نمودند. در سند آمده است که:

"Amanullah Proclaimed himself Shah in 1927, but his westernization programme provoked the Muslim imams and he was forced to flee in 1929. After a chaotic interlude, the British installed Gen. Nadir Khan as the new king, but he too alienated the clergy and he was assassinated in 1933."

«امان‌الله در سال ۱۹۲۷ خودش را شاه اعلام کرد⁷⁰⁸، اما برنامه‌های پذیرفتن تمدن غربی اش امامان مسلمان را برانگیخت و مجبور ساخت در سال ۱۹۲۹ فرار کند. بعد از یک دوره هرج و مرج، انگلیس‌ها جنرال نادرخان را به حیث پادشاه جدید نصب

⁷⁰⁸. غازی امان‌الله خان در ماه فبروری سال ۱۹۱۹ به قدرت رسید، اما تا سال ۱۹۲۲ امیر نامیده میشد و در پایی فرامین امیر امان‌الله امضا میکرد. تا جاییکه مناسبات نادرخان با روحانیون مطرح میشود، کشته شدن او با روحانیون هیچ‌ربطی نداشت، بلکه او از ابتدا روابط بسیار نزدیکی با روحانیون داشت و نقاب شریعت برخ کشیده بود. او در سال اول سلطنتش برای خانقا های روحانیون و ملاها و مشایخ مورد نظر معاش مستمری مقرر کرد، در عین‌ها برای هریکی از آنها خلعت و دستار اعطای کرد، به ملاهاییکه در دوره اغتشاش ضد امان‌الله خان و حبیب‌الله کلکانی فعالیت کرده بودند مكافات نقدی داد که تفصیل و قایع آن در شماره‌های سال اول روزنامه اصلاح درج است. متعاقب آن «جمعیت‌العلماء» مركب از ملاها و فقهای طفدار رژیم نادری تأسیس گردید که در تمام مجالس و مراسم دولتی بحیث یک مؤسسه‌رسمی در دیدیف مجالس شورا و اعیان شرکت میکرد. در هیئت وزرای افغانستان، مشهور ترین روحانی آن زمان حضرت نورالمشايخ (فضل عمر خان مجددی) بحیث وزیر عدلیه، فضل احمد خان مجددی (داماد حضرت نورالمشايخ از هرات) بحیث معین وزارت عدلیه شامل بودند. حضرت محمد صادق المجددی بحیث وزیر مختار افغانستان در مصر، قاضی میر عطا محمد خان (هراتی) بحیث رئیس عالی مجلس سنا، مفتی صلاح الدین خان سلجوقی بحیث قونسل افغانی در هند و بعد ها وزیر و سفير، و چند نفر روحانی دیگر از سادات کنر به حکومت‌های محلی و قونسل‌گری های افغانی در هندوستان و مولوی عبدالرحیم خان اندیزی بحیث والی قطعن و بد خشان تعین شدند (برای تفصیل بیشتر مراجعه شود به جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ).

کردند، اما او نیز از روحانیون دوری اختیار کرد و در سال ۱۹۳۳ به قتل رسید.»

روزیم محمد فادر شاه

اسناد آرشیف انگلستان نشان میدهد که بتاریخ ۱۹۲۹ اکتوبر آنگلستان وزارت خارجه افغانستان [؟] به وزارت خارجه انگلستان از طریق مخابره پشاور اطلاع داد که «به لطف خداوند (ج) اردوی دلیر افغان [؟] تحت قوماندۀ جنرال شاه ولی خان و برادرش جنرال شاه محمود خان بتاریخ ۱۰ اکتوبر کابل را از بچه سقاو فتح کرد. ارگ بتاریخ ۱۳ اکتوبر هدف گلوله باری قرار گرفته، بچه سقاو با خانواده اش مخفیانه فرار نمود. تعدادی از قوای بچه سقاو نیز فرار و تعدادی خود را به اردوی دلیر افغان تسليم نمودند... پادشاه آینده افغانستان توسط لویه جرگه یا مجلس کبیر ملی که توسط نمایندگان ملت دائر میشود، انتخاب خواهد شد. مارشال [؟] نادرخان فردا وارد پایتخت خواهد شد.»⁷⁰⁹

سنده بعدی آرشیف انگلستان به تعقیب تلگرام قبلی وزارت خارجه افغانستان [؟] حاکیست که «مارشال محمد نادر خان دیروز بتاریخ پانزدهم (۱۵) اکتوبر وارد پایتخت افغانستان شده و به پاس قربانی های بزرگ و خدمات درخانش با تفااق آرا توسط اعضای حاضر نمایندگان ملت افغان بحیث پادشاه اعلام و قبول شد.»⁷¹⁰

سید قاسم رشتیا در خاطرات سیاسی اش مینویسد که سپه سالار [نادرخان] قبل از داخل شدن به کابل، در چهل ستون توقف نموده و اشخاص روشناس کابل به ملاقات شان شتافتند که پدر و کاکای من [سید حبیب خان و میر محمد هاشم خان] هم در میان آنها بودند. بطوريکه از زیان پدرم و عده دیگری از اشخاص حاضر مجلس شنیدم، سپه سالار از اهل مجلس در باره موقوف خود راجع به زعامت آینده کشور استفسار نمود و اکثر حاضرین ایشان را مناسبترین شخص برای احراز مقام سلطنت و انمود کردند. اما چند تن محدود که در جمله آنها محمد ولی خان و کیل، شیراحمد خان رئیس شورا و میر هاشم خان وزیر مالیه شامل بودند، چنین نظریه دادند که مناسبتر آنست که فعلاً سپه

⁷⁰⁹. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۵۷۰ اکتوبر ایالت سرحدی شمال غربی از پشاور L/P&S/10/1301.

⁷¹⁰. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۵۷۱ اکتوبر ایالت سرحدی شمال غربی از پشاور L/P&S/10/1301.

سالار بحیث و کیل سلطنت شناخته شده و فیصله موضوع پادشاهی را به لویه جرگه واگذار نمایند.⁷¹¹

قابل یادآوریست که از جمله این سه نفر نتنها هیچکدام شان در کابینه نادرخان شامل نشدند، بلکه به استثنای سردار شیراحمد خان که محمدزادی، عموزاده و شوهر خواهر نادرخان بود، هردو نفر دیگر کشته شدند (میرهاشم خان بصورت مرموز یک شب بعد از تخت نشینی نادرشاه و محمد ولی خان بعد از آنکه مدتی را در زندان سپری نمود).

محمد نادرخان به تاریخ ۲۳ میزان ۱۳۰۸ (مطابق با ۱۵ اکتوبر ۱۹۲۹) داخل شهر کابل شده وارد تلاصرسلامخانه عام ارگ که مملو از سران لشکر سمت جنوبی و وزیری، ریش سفیدان کابل و اطراف آن، و ارکان رژیم امامی که در آنجا دعوت شده بود، گردید، و تنی چند از اشخاص تعین شده پیشنهاد نمودند تا او سلطنت را قبول کند. نادرخان هم بدون آنکه به وعده هائی داده شده به مردم افغانستان و آزادیخواهان و مطبوعات هند وفا کند، ازین نعمت بزرگ دعای شکران نمود. تفصیل این وقایع را میتوان در کتبی که بعد از ختم سلطنت خاندانی نادرخان توسط مؤلفین افغان بنشر رسیده است، خواند. این کتب شامل داستانهای چور و چپاول و غارت ساختمانهای دولتی از جمله ارگ کابل، قصر دلکشا، وزارت خارجه و خانه های ارکان رژیم حبیب الله توسط لشکریان قومی هم میباشند. اما آنچه قابل یادآوریست، راپور های استخبارات انگلیس است که میگوید این چپاول که حتی شامل شکستاندن فرنیچر نیز بود، به امر سردار شاه ولی خان بخطاطری صورت گرفت که اگر بتواند با استفاده ازین تاکتیک از چور و چپاول خانه های شهروندان کابل جلوگیری کند.⁷¹²

اولین کابینه رژیم نادری توسط محمد هاشم خان برادر شاه، یکماه بعد از جلوس نادرشاه یعنی بتاریخ ۱۵ نومبر ۱۹۲۹ تشکیل شد، زیرا در وقت ورود نادرخان به کابل، محمد هاشم خان بعد از شکست فاحش در مشرقی به کویته رفته بود و مدتی را در بر گرفت تا از طریق قندهار به کابل برسد. اما لست افرادی که به پست های مهم تعین شده

⁷¹¹. رشتیا، سید قاسم (۱۹۹۷). ص. ۹.

⁷¹². اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۱۲ مؤرخ ۱۷ اکتوبر ۱۹۲۹ معاون دفتر استخبارات پشاور L/P&S/1301.

بودند، بتاریخ ۲۸ اکتوبر به اطلاع انگلیس‌ها رسانده شد. درین لست افراد آتی شامل بودند:

- سردار شاه ولی خان (برادر شاه) و کیل مقام سلطنت و بعد ها سفیر افغانستان در لندن و پاریس
- سردار محمد هاشم خان (برادر شاه) صدراعظم که برای هفده (۱۷) سال درین سمت باقیماند
- سردار شاه محمود خان (برادر شاه) وزیر حربیه
- سردار فیض محمد خان زکریا [یکی از عموزادگان شاه] وزیر خارجه
- محمد گل خان مومند وزیر داخله
- الله نواز خان وزیر دربار
- حضرت فضل عمر مجددی وزیر عدله
- حاجی محمد اکبر خان وزیر تجارت
- میرزا محمد ایوب خان وزیر مالیه
- محمد عزیز خان (برادر شاه) سفیر افغانستان در مسکو

انگلیس‌ها معیار عمدۀ انتخاب وزرا توسط نادرخان را ضدیت با امان‌الله خان و محروم ساختن خانواده‌های پرنفوذ سابقه مثل خانواده‌های عبدالقدوس خان اعتماد الدوله و لوی ناب میدانستند. بنظر آنها، انتخاب قابل توجه خارج از خانواده سلطان محمد خان [طلائی] یکی انتخاب الله نواز خان مهاجر هندی به وزارت پرنفوذ و دارای امتیازات خاص دربار و دیگری انتخاب حضرت شیر آغا [نورالمشایخ] به وزارت عدلیه بود که نماینده مخالفین اصلاحات امور قضائی بشمار میرفت.⁷¹³

غبار درین رابطه مینویسد که «این کایینه اسمًا کایینه بود و در معنا وزرا از سکرترهای شخصی صدراعظم فرقی نداشتند. هیچ یک از وزرا بدون امر صدراعظم حق تنفس در مجلس وزرا و قدرت حتی استعفا از وزارت را نداشت. تمام قضایای عمدۀ کشور در «کایینه اصلی ارگ» یعنی برادران شاه محرمانه حل و فصل شده و صدراعظم بدون چون و چرا تصویب و امضای مجلس وزرا را در فیصله‌های مذکور میگرفت، و بار مسئولیت تاریخی را در گردن وزرای جیره خوار میانداخت».

⁷¹³. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۳۱۴ مؤرخ ۱۲ نومبر به وزیر دولت در امور هند L/P&S/10/1301

غبار درین جا مثال فاجعه کشتن غلام نبی خان چرخی را ذکر میکند و مینویسد «یکروز بعد، این فاجعه را جریده رسمی اصلاح در شماره ۸۲۶ تاریخی ۱۷ عقرب به اطلاع مردم افغانستان رساند و گفت که «اینمرد قاتل و عیاش و فاسد و قاچاقبر و دزد بود». یکروز بعد تر، در شماره ۸۳۰ مؤرخ ۱۸ عقرب اصلاح بازنوشت که: «اعلیحضرت بعد از کشتن غلام نبی، مجلسی در صدارت ازو زرا، معین ها، مجالس شورا و اعیان و جمعیت العلما تشکیل، و سبب کشتن غلام نبی را طرح فرمود. مجلس تصدیق و عریضه تقدیم کرد و نوشت که از اوراق ملحوظه مجلس خیانتهای سابقه و لاحقه اش به ثبوت پیوسته، مجازاتیکه اعلیحضرت با وداده اند موجبات مزید تشکرات عموم اهالی را فراهم ساخته، ما هم صمیمانه ازین جامعه خواهی اعلیحضرت تشکر میکنیم» یعنی کابینه افغانستان تمام فجایع را که مقام سلطنت انجام میداد بعد از اجرای عمل، تصویب مینمود و مسئولیت تاریخی را بعده میگرفت.⁷¹⁴

انتقام جوئی های محمد نادر شاه

نادر خان بعد از ورود به کابل چون از حمایت انگلیس ها برخوردار و از تحریکات و مداخلات خارجی آسوده خاطر بود، تمام کوشش هایش را متوجه تأمین استقرار سلطنه، تمرکز قدرت استبدادی و امنیت داخلی کشور ساخت، و با پیش گرفتن روش امیر عبدالرحمن خان یک دوره جدید استبداد را در کشور جاری ساخت و افغانستان را به یک زندان بزرگ تبدیل کرد.

محمد نادر شاه از همان روزهای اول دیوانه وار از یکطرف به سرکوب خونین جوانان مترقی و آزاده گان ضد استعمار مشغول گردید، و از طرف دیگر ستیز و مبارزه علیه نام و نشان غازی امان الله خان و دوستداران وی را در صدر دستور کار خویش قرار داد.

قریانیان استبداد

نادر شاه در همان اوایل احراز قدرت در خزان ۱۹۲۹، جنرال پینن بیگ خان، میرزا محمد اکبر خان، امرالدین خان، عبدالطیف خان کوهاتی، محمد نعیم خان کوهاتی، عیسی خان قلعه سفیدی، تازه گل خان لوگری، سلطان محمد خان مرادخانی، محمد حکیم خان چهاردھی وال، احمد شاه خان کند کمشر، دوست محمد خان غند مشری یغمانی و سید محمد خان کندک مشرقندهاری را بدون تحقیق و اثبات جرم و گناهی گلوله باران نمود.

⁷¹⁴. غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹). ص ۵۶

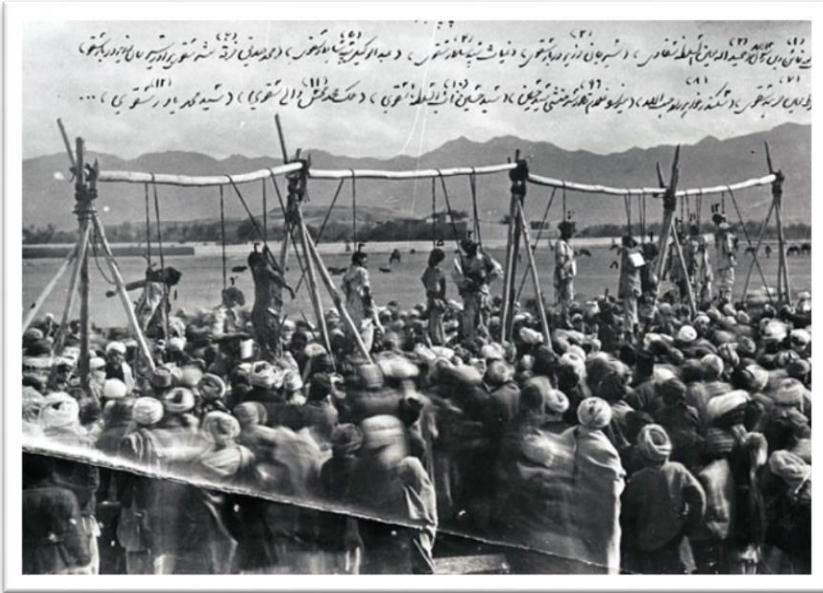
نادر خان با هیله و نیرنگ، با وجود تضمین‌های کتبی و تعهد قرآنی حبیب‌الله کلکانی و یارانش را بدام انداخت و بدون محاکمه در خندق دروازه‌ارگ تیرباران و اجساد شانرا برای سه روز در محله پوستین دوزهای کابل (بین مکروهیان کنه و سرک قلعه زمان خان امروزی) گویا برای عربت دیگران بدار اویخت. کشته شدگان عبارت بودند از حمید‌الله (برادر حبیب‌الله کلکانی)، سید حسین چاریکاری (وزیر حربیه)، شیر جان خان (وزیر دربار)، محمد صدیق خان (قوندان جبهه پکتیا)، ملک محسن خان (والی کابل)، عبدالغنى کوهدا منی (قلعه بیگی حبیب‌الله کلکانی)، محمد محفوظ خان هندی (معین وزارت حربیه)، غلام قادر خان (سرمنشی وزارت حربیه)، غیاث مارکی (سپه سalar)، سید محمد یاور، محمد جان گوگا مندی و سکندر و سمندر (خواهرزاده‌های حبیب‌الله کلکانی).

نادر خان با تجربه کاری بیش از سی (۳۰) سالی که از افغانستان و خصوصیات جامعه افغانی و مردم آن داشت، وطن دوستان، غازیان معركه استقلال، روشنفکران و مشروطه خواهان را می‌شناسخت و اولین ضریه شدید و مدھش را هم برآنها وارد کرد. او ده‌ها تن از مبارزین و آزاداندیشان را بدون اتهام، شهود، و محاکمه با وحشی‌ترین شیوه‌ها اعدام و یا به حبس‌های طویل المدت و تبعید محکوم کرد.

در عهد سلطنت نادرشاه بسیاری از چهره‌های با استعداد کشور در عرصه‌های اداری، فرهنگی و سیاسی بدون داشتن حداقل گناه و اشتباہی، به این دلیل که محصول عهد امنی و یا همکاران او هستند، اعدام شدند و یا به زندان فرستاده شدند.



50. تیرباران و حشیانه حبیب‌الله کلکانی و همراهانش در خندق دروازه‌ارگ



5.1 اجساد بدار آویخته شده حبیب الله کلکانی و همراهانش

محمد ولیخان دروازی، نائب سالار غلام بنی خان چرخی، جنرال غلام جیلانی خان چرخی، فرقہ مشرشیر محمد خان، مرزا محمد مهدی خان منشی اعلیحضرت امام الله خان، خواجه هدایت الله خان رئیس تنظیمیه هزاره جات، عبدالرحمن لودین، تاج محمد خان بلوج، فیض محمد خان باروت ساز، فقیر جان رئیس جنگلات، عبدالخالق متعلم مکتب نجات، محمود خان (بنام معاون عبدالخالق)، شیردل، محمد اسحق هزاره و خداداد پدر، مولا داد کاکا و قربان علی مامای عبدالخالق، غلام ربانی چرخی پسر غلام جیلانی خان، غلام مصطفی چرخی پسر غلام جیلانی خان، عبدالطیف چرخی پسر عبدالعزیز خان، علی اکبرخان غندمشر، عزیز خان توخی، عبدالله خان کابلی، محمد ایوب خان معاون مکتب نجات، محمد زمان خان، اعظم خواجه، میر مسجدی خان، میر محمد عزیز خان، امیر محمد خان و هشت نفر دیگر از معلمین مکتب نجات، محمد عظیم منشی زاده با قسمتی از فامیل و صدھا تن دیگر بدون محکمه اعدام شدند.

اسمای عده از زندانیان سیاسی آزاد یخواه ضد استعمار و تحول طلبان ضد استبداد خانواده حکمران (هاشم خان و شاه محمود خان) قرار آتیست:

محمد انور سمل شاعر، محمد ابراهیم صفا شاعر برادر او، محمد اسماعیل خان، محمد طاهر خان، محمد نعیم خان، محمد اسلم خان و محمد هاشم خان از همان خانواده، عبد الصبور غفوری نویسنده، محمد یوسف حقیقی، عبد الغنی معلم، میر غلام محمد

غبارمورخ، میرعبدالرشید بیغم و میرغلام حامد بهاربرادران غبار، سرورجویا نویسنده، غلام حسین جویا، سعد الدین بها نویسنده، عبدالعزیزخان و کیل قندهار، عبدالاول قریشی و کیل تالقان، عبدالهادی داوی نویسنده، عبدالشکورداوی متعلم، حبیب الله خان سرمامور، محمد امین خان سفیر، محمد سعید خان متعلم، میرسید قاسم خان نویسنده، محمد عمرپیلوت، فیض محمد ناصری نویسنده، محمد هاشم خان کارمند وزارت خارجه، عبدالرحمن خان کارمند وزارت خارجه، غلام رضا خان ترجمان، احمد جان رحمانی، للا سیدمیر، محمد امیرخان ترجمان، عبدالغفار خان سرحد دار، عبدالغفور خان، جانباز جان چرخی معاون وزارت حریبه، شیراحمد خان چرخی فرقه مشر، سید احمد فرقه مشر، غلام نبی فرقه مشر، فتح محمد فرقه مشربه سودی، غلام دستگیر خان قلعه بیگی، عبدالله منصوری، عبدالنبی منصوری متعلم، محمد جعفر ایوبی متعلم، سیداکرم خان، عبدالحکیم رستاقی، غلام محی الدین انیس نویسنده، محمد خالد انیس، محمد ولی خان پنجشیری، محمد عثمان ترجمان، محمد عمر معلم، محمد حیدر نیسان شاعر، پاینده محمد خان، محمد اکبر پروانی، حبش خان، محمد صالح پرونتا نویسنده، محمد ابراهیم متعلم، محمد اکرم لو دین متعلم، محمد ایوب خان غوربندی، محمد کیبر خان غوربندی، محمد زبیر خان شاه آقاسی، حبیب الله خان شاه آقاسی، احمد شاه خان رئیس، گل احمد خان حاکم، عبدالاحد فدایی، غلام فاروق تلگرافی، حبیب الله تلگرافی، غلام صدیق صبری تلگرافی، رحیم ورد کی تلگرافی، عبدالاحد خان رسام، محمد ناصر غرغشت نویسنده، محمد ابراهیم خلیل شاعر، فیض محمد خان کارمند وزارت خارجه، حاجی عبد الخالق خان، عبدالحمید خان، عبدالحیب خان و محمد بنی خان برادران حاجی، محمد امان خان فراشباشی، غلام صدر اعتمادی، محمد شریف ضیابی، محمد عثمان مغازه دار، غلام غوث خان صاحب منصب، حکیم اسلم خان مهاجر، محمود خان سنجری مهاجر، محمد بشر منشی زاده، محمد کریم منشی زاده، محمد کیبر منشی زاده، غلام حیدر خان نقشبندی تاجر، محمد یاسین خان تاجر، عبدالرحیم خان کوریر، داد محمد خان کوریر، پاینده محمد خان کارمند وزارت خارجه، غلام محمد خان متعلم، حیدر علی خان متعلم، قربانعلی خان، عبدالودود خان انجنیر، میرزا عبدالقيوم خان، عبدالکریم خان، عبدالوهاب خان کوهستانی، عبدالرحیم خان معاون صدارت، استاد خلیل الله خلیلی شاعر، عبدالحليم خان کوهستانی، اعظم خواجه خان رئیس شرکت برق، محمد نعیم خان بابی، شاهرخ میرزا، عبدالصبور پغمانی، عبدالحقی خان پنجشیری، سید غلام حیدر پاچا، عبدالرازق خان، محمد کریم خان حاکم اعلی فراه،

محمدحسین خان معاون لیسٹ استقلال، عبدالعظيم مهاجر، محمدعظمیم مزاری، صفرعلی امنی نویسنده، عبدالقدیرخان کوهدامنی، محمد عزیزخان کوهدامنی، صاحبزاده عطاء الحق خان، ملک قیس خوگیانی و خانواده اش، صوفی هوتلی، محمد یونس مهندس، غلام حیدرخان صاحب منصب، و محمدحسین خان صاحب منصب.

رژیم خاندانی نادرشاه انتقامش را تنها به خود مخالفینش محدود نمی‌ساخت، بلکه بشمول اطفال و زنان تمام خاندان شان حتی دوستان و رفقایشان را نیز سرکوب و روانه زندان می‌ساخت، بطور مثال میتوان از خانواده‌های غلام‌نی خان چرخی، محمد ولی خان دروازی، غازی میرزمان خان کنری، ناظر محمد صفرخان، شجاع الدوله خان غوربندی، ملک قیس خوگیانی و امثال‌هم نامبرد که اطفال این خانواده‌ها را هم از حق تعلیم و مکتب رفتن محروم ساختند.

یکی از اقدامات عاجل و فریبینده که نادرشاه انجام داد، تشکیل «جمعیت‌العلماء» بود که کاری جز توجیه اعمال و اقدامات ضد انسانی دستگاه حاکم نداشت. مثلاً، این «جمعیت‌العلماء» نو تشکیل طی اولین اعلامیه خویش بتاریخ ۲۹ ماه اسد سال ۱۳۰۹ خورشیدی، مطالب آتی را در پنج ماده نشر نمود:

- (۱) هر که با پادشاه بیعت نکند و بمیرد، مرگ او مرگ جاھلیت است.
- (۲) خداوند بعد از بیعت، اطاعت و معصیت امر پادشاه را بر اطاعت و معصیت امر خود مساوی فرموده.
- (۳) خداوند می‌فرماید: ... جمیع اوامر شرعیه پادشاه را خواه محبوب باشد یا مکروه اطاعت کنید !!
- (۴) پیغمبر وجود پادشاه را ظل الله حس کرده اهانت او را اهانت خدا تعریف کرده.
- (۵) زرباغی و طاغی پادشاهی را مساوی بکفار به قتل بالسیف امر میدهد که ایشان را بقتل برسانید ...

حکومت افغانستان برای ادارات استخباراتی بود جهه هنگفت و گزافی می‌پرداخت به سال 1932 م نادر شاه برای انجام پیگرد های سیاسی پنج ملیون افغانی پرداخته بود.⁷¹⁵ اعمار زندان ها یکی از کارهای عاجل دیگر نادر شاه بود. برعلاوه زندان های قبلی مانند زندان «سرای موته»، زندان «بالاحصار»، زندان «شیرپور»، زندان های «کوتوالی» و غیره اعمار زندان های دیگری در داخل ارگ شاهی و منطقه دهمزنگ کابل روی دست گرفته شده، و بزودی از انسانهای با غرور و ضد استعمار پر گردیدند.

آزار و اذیتی که مردمان بیشمار و خانواده های مغضوبین در آن سالها دیدند، بسیار است. برای معلومات بیشتر به کتاب های "سرنشیانان کشتی مرگ یا زندانیان قلعه ارگ" تألیف عبدالصبور غفوری، "از خاطراتم و برگی چند از نهفته های تاریخ در افغانستان (جلد اول و دوم)" تألیف محترم خالد صدیق چرخی، "نخستین کتاب در باره جنبش مشروطیت خواهی در افغانستان" تألیف سید سعد الدین هاشمی و "ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان" تألیف سید مسعود پوهنیار مراجعه شود.

مسخ حقایق تاریخی و قهرمان ساختن نادر خان

نادر شاه آنطوری نبود که در باره رژیمیش در کتب مکاتب، تاریخ و جراید برایمان نوشتند. به گفته یکی از هموطنان، او بعد از رسیدن به قدرت در هر درب و دیواری که نام امان الله خان یافت میشد به میله تفنگ تراشید و در هر کتابچه و کتابی که نام امان الله خان دیده شد، آن کتابچه و کتاب را به آتش کشید.

نادر شاه اسم مكتب امانیه را به استقلال و مكتب امانی را به نجات تبدیل کرد. اسم قصر دارالامان را هم به دارالفنون مبدل کرد که خوشبختانه مورد پذیرش مردم قرار نگرفت. در سلسله ازبین بردن نام و نشان غازی امان الله خان و آنانی که با انگلیس دشمنی داشتند، کتبیه منار استقلال را که به نام امان الله شاه بود به بهانه ترمیم تبدیل نمودند، و تمام افتخارات مربوط به استرداد استقلال کشور را به یک شخص و برادران او منحصر کردند، و فرمان دادند که ببروی منار استقلال در کابل بنویسند: «به یادگار ورود کامیابی یگانه مجاهد وطن پرست ملت خواه جناب محمد نادر خان سپه سالار که

⁷¹⁵. تیخانف، یوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰). نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون)، ص 174.

عموم ملت افغانستان حقوق آزادی خود را به قوه شمشیر این مرد دلیر از انگلیس در سال 1298 حاصل نمود.

حتی طاق ظفر پغمان و آبدۀ سرباز گمنام که یادگار شهدای بانام و بی‌نام جنگ استقلال بود به فراموشی سپرده شد و مقبره نادرخان در تپه منجان جانشین آن گشت و برای مدت نیم قرن سفرا و مهمنان دولتی را برای گذاشتن اکلیل های گل به آنجا رهنمائی میکردند.



52. شاه ولیخان هنگام تغیر کتبیه
منار استقلال

آنکه پادگان (گارنیزون) های مستقر در دژ ها (قلعه های جنگی) و پاسگاه های جداگانه را از آتشباری نجات دهد، دستور عقب نشینی داد که به زودی به گریز سراسیمه وار مبدل گردید. نه تنها پاسگاه های کوچک، بلکه دژ های بزرگ انگلیسی مانند وانه از سوی قبایل شورشی اشغال گردید. برای سپاهیان افغانی به فرماندهی جنرال نادرخان تنها این کارمند بود که مؤقتیت بدست آمده (از سوی قبایل) را توسعه بخشند.⁷¹⁶

⁷¹⁶. تیخانف، یوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰)، ص ۴۹.

اما در استبداد مسلط که تذکر نام غازی امان الله خان بمنزله جرم و جنایت بود، مطبوعات سرکاری، مقالات تاریخی و تاریخ های فرمایشی، نادر شاه و برادران را محصل استقلال و نجات دهنده کشور معرفی کردند، و به قیمت کم ارزش نشان دادن جبهه قندهار و چمن، مبالغه در شکست جبهه خیر و فراموشی مطلق جبهه چترال و کر، جبهه جنوبی بحیث یگانه جبهه مؤفق که گویا پیشروی نمود و به انگلیس ها شکست فاحش داد، یک جبهه بسیار مهم معرفی شد و نادر خان هم بدون کدام جنگ واقعی و یا کدام فتح حقیقی، فقط با سپری نمودن پنج روز (۲۸ می تا ۱ جون ۱۹۱۹) در جبهه جنگ لقب فاتح و غازی را بخود و برادرانش تخصیص داد.

به گفته آقای پامیر پیکار جنون جعلکاری و خصومت ورزی نادر و برادران او با اعلیحضرت امان الله خان تا آنجا سرایت کرد که سامان و وسائل جنگی و اقتصادی بی که امان الله خان از کشورهای اروپایی و از پول بیت المال خریداری نموده و از طرف مقامات هند بر تابوی در بندرگاه کراچی متوقف شده بود، عمدتاً توسط سردارهاش صدراعظم برادر نادر خان محو و نابود ساخته شد تا هرگز نام و نشانی از امان الله خان روی آنها باقی نماند باشد.⁷¹⁷

جشن کتاب سوزی و تاریخ های فرمایشی

یک مثال از تلاش های از بین بردن نام و نشان غازی امان الله خان از کتب درسی سوختاندن کتب وزارت معارف و نوشتمن کتاب های فرمایشی توسط سردار محمد نعیم خان وزیر معارف وقت بود (۱۹۳۸ - ۱۹۴۶ م). غلام حضرت کوشان به نقل از مرحوم کهزاد مؤرخ شهیر کشور مینویسد که «... تمام کتابهای تاریخ که در طی چهل و یا پنجاه سال اخیر نوشته شده، همه روزی باید از نو نوشته آید». او علاوه میکند که «کتابهای تاریخ مخصوصاً مضمون تاریخ مکاتب زیر نظر او [نعمیم خان] بود که در صدر مجلس می نشست و کتاب توسط یک نفر خوانده میشد و بیچاره کتاب پنجاه فیصد تغیر ماهیت میداد که فی المجلس طوری میشد که گرتو بینی نشناشیش باز! ولی در دنیاکریں حادثه آنسست که به بهانه حذف نام شاه امان الله از کتابهای درسی، جشن کتاب سوزان منعقد شد و خدا داند چه تعداد کتابهای از بین رفت. این حادثه خوفناک در حوالی عمارت قدیم وزارت معارف که گلستان سرای نام داشت و تالار زرنگار در آن واقع بود، صورت گرفت، بعد ها حتی آن تالار تاریخی زرنگار را که اسناد استرداد

⁷¹⁷. پامیر، پیکار (۲۰۱۲). ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان. چاپ دوم، ص ۲۵۱.

استقلال در غزای سوم افغانها با انگلیس در آن امضا شده بود از بین برند و تنها نام آن را بر یک پارک نهادند. کاش مرحوم غلام محی الدین کتابدار سابقه دار مکتب حبیبیه زنده میبود تا به شما شرح می داد که چه جو الهای پراز کتاب های ممتاز و زیادتر که به زبان دری بود به حوالی آورده شده و در اخیر با غچه که مقابل مقبره امیر عبدالرحمان خان قرار داشت، سوخته شد. بعضی مأمورین معارف هنگام سوخته شدن آن کتاب ها اشک پنهانی میریختند.⁷¹⁸

آیا رژیم نادرشاه بحیث یک رژیم دست نشانده انگلیس ها عمل میکرد؟

سیاست خارجی رژیم خانواده نادر خان

نادرخان بتاریخ ۱۷ اکتوبر ۱۹۳۰ وارد کابل شده پادشاهی اش را اعلام کرد. او بتاریخ ۲ نومبر با اعلام پالیسی دولتش بردو نکته اساسی تکیه کرد:

۱. اداره امور کشور مطابق به اساسات شریعت اسلامی (مذهب حنفی) و حقوق مساوی.
۲. روابط با کشورهای خارجی ادامه پالیسی دوران امان الله خان خواهد بود.

اما در زمینه سیاست خارجی روش نادرشاه با وجود ادعایش که «مثل زمان امان الله خان مناسبات افغانستان با دول خارجه ادامه خواهد داشت»، تنها از نظر شکل و ظاهر با روش امان الله خان شباهت داشت، و از نگاه محتوى در قطب مخالف آن واقع بود.

نادرخان در دوره امانی خود را به ظاهر مخالف انگلیس ها نشان میداد. او در دوران مأموریتش بحیث رئیس تنظیمیه صفحات شمال و بدخسان کوشید تا با کمک به بسمایی ها روابط رژیم امانی را با روس ها خیره تر سازد، اما در دوران حکمرانی خودش دوست و حامی منافع انگلیس ها بود. او طوریکه گفته بود، با تمام کشورهای همسایه و دولت های بزرگ آن زمان، مناسبات سیاسی قایم کرد، اما در بین آنان برای انگلستان مقام خاصی قائل شد و بدون آن که رسماً و اسماً از استقلال کشور صرف نظر کرده باشد، در عمل خود را به مشوره با دولت مذکور پایبند ساخت.⁷¹⁹

⁷¹⁸. کوشان، غلام حضرت (۱۹۹۸)، صفحات ۲۰-۲۱.

⁷¹⁹. فرهنگ، ص ۲۰۸.

چون نادر خان آرزو های انگلیس ها را برآورده ساخت، مسلماً انگلیس هاهم از سکوت و اغماض محمد نادر شاه در مورد مردم آنسوی خط دیورند و پابندی وی در سیاست خارجی اش به خواست های دولت انگلیس راضی بودند. به قول پروفیسور لو دیک آدمک «سیاست مداران بریتانی در اروپا و هند رضائیت خاطر خود را، از طرز العمل و ذهنیت زمامداران جدید افغانستان (محمد نادر خان و برادرانش) ابراز داشتند و گفتند از همکاری رفیقانه و دوستانه ایکه ما از حکومت افغانستان در پیش آمد با معضله‌ی قبایل در سرحدات مشترک مان دیده ایم راضی و قانع هستیم»⁷²⁰

چند نمونه از مناسبات و نفوذ انگلیس ها

سفارت انگلستان در کابل، مطابق به گفته صدراعظم انگلستان که به پارلمان آنکشور گفته بود «سفیر ما تنها بعد از تشکیل حکومت مورد تائید ما به کابل برخواهد گشت»، بتاریخ ۱۹۳۰ می. ۱۱ دوباره به کار آغاز کرد.

سفیر انگلستان در کابل، مکوناچی همان کسی که در وزیرستان بحیث مامور سیاسی ایفای وظیفه نموده و از نادر خان و برادرانش در آنجا استقبال نموده بود، قبل از آغاز کارش بتاریخ ششم ماه می با نادر شاه یک ملاقات یک ساعته داشت. او در تلگرامی راجع به این ملاقات نوشت که «برخورد شاه با من بسیار دوستانه بود، مخصوصاً هنگام تذکر مناسبات شخصی قبلی ما، او یکبار دیگر از فیصله اش برای دوام مناسبات بسیار نزدیک با بریتانیا یاد آوری نموده و گفت که اساس آن بر سه دلیل دلچسپی شخصی اش استوار میباشد، که نمیخواهد آنرا بصورت علنی اعلام کند:

1. اتحاد جماهیر شوروی، که وی هیچ وقت به آن اعتماد نخواهد کرد
2. امان الله
3. و اینکه اتکای خیر و سعادت افغانستان بر حسن نیت و مصلحت حکومت بریتانیا و هند بریتانی میباشد.

⁷²⁰. لو دیک آدمک / ترجمه پوهاند محمد فاضل صاحبزاده (۱۳۷۱) روابط خارجی افغانستان در نیمة اول قرن بیست، ص 278

سفیر علاوه میکند «نادرخان از من خواهش کرد که اگر از حکومت او کدام اقدامی سرزند که باعث شک و تردید حکومت بریتانیا درین رابطه شود، باید فوراً به وی اطلاع داده شود.»⁷²¹

به اساس یک راپور سفارت انگلیس در کابل، مردم کابل بدلاطیل ذیل حکومت آن وقت نادرخان را دست نشانده انگلیس‌ها میدانستند:

- صدراعظم درین اوخر بعد از مشوره با سفیر انگلیس قرارداد تجارتی با چاپان را امضا نمود.
- حکومت ایران اعلام نموده است که چون حکومت افغان تحت حمایت انگلیس‌ها میباشد، لذا نمیتواند آنرا بحیث یک کشور شاهی آزاد برسمیت بشناسد.
- صدراعظم درین رابطه از سفیر انگلیس مشوره خواسته است.
- مسدود کردن مکاتب حربی کابل به اثر احتجاج حکومت انگلستان صورت گرفته است، چون درین مکاتب صاحب منصبانی از کشورهای خارجی دیگر استفاده شده بودند. این اشاره به مکاتب عسکری پیاده، سواره و توپچی بی میباشد که در نتیجه فرمان ۲۱ فبروری شاه از بین رفتند و علت آن مشوره کایپنه قلمداد شده بود.
- بنا بر اطلاع سفارت جومنی دو نفر از⁷²² صاحب منصبان سابقه ارش آلمان بنام های شمید Von Schmid و وان شینک Van Schenck درین مکاتب استفاده شده بودند.

سفیر انگلیس در یک تلگرام دیگر ش از رژیم کابل نسبت به قتل و کشتار بیرحمانه اش شکایت نموده و هوشدار میدهد که گوش ندادن هاشم خان به مشوره های او باعث و خامت بیشتر اوضاع خواهد شد. او در تلگرام ۲۲ دسمبر ۱۹۳۳ خود به وزارت خارجه انگلستان مینویسد که «بتاریخ ۱۸ دسمبر هم هفت یا هشت نفر دیگری که برای مدتی زندانی بودند، بشمول دو پسر غلام جیلانی خان [چرخی] و سه نفر از اقارب عبدالخالق، قاتل نادرشاه، اعدام شدند. خبر اعدام و اتهامات واردہ براین افراد بنشر نرسیده است و گمان نمیروند که آنها بصورت عادلانه محکمه شده باشند. روش این

⁷²¹. اسناد آرشیف انگلستان، تلگراف شماره ۷۰ مؤرخ ۹ ماه می مکوناچی به سفیر انگلستان در کابل به جان سیمون.

⁷²². اسناد آرشیف انگلستان، راپور شماره ۴۰ سفارت انگلیس در کابل برای هفتۀ که بتاریخ ۲۸ فبروری ۱۹۳۵ ختم میشد.

اعدام‌ها به استثنای قضیه عبد‌الخالق عادی بود. عبد‌الخالق به عساکر سپرده شده و قتل او به شدیدترین بی‌رحمی صورت گرفته است... با وجود مشوره سفارت‌ما، این اقدامات اوضاع را خرابتر ساخته، نفرت موجوده مردم از صدراعظم [هاشم‌خان] را بیشتر خواهد کرد. من اگر هدایت دیگری نباشد، پیشنهاد می‌کنم که در اولین فرصت به وزرا عقیده شخصی خود را ابراز دارم زیرا این نوع اعمال سبب عکس العمل شدیتر بمقابل خود شان شده و ترور‌های بیشتری صورت خواهد گرفت.»⁷²³

این مناسبات انگلیس‌ها در دوران اعیان‌حضرت ظاهر شاه نیز ادامه داشت. مثلاً فریزر - تیتلر، سفیر وقت انگلیس، در تلگرام ۹ سپتامبر ۱۹۳۹ خود از مشوره‌ها و هدایات پدرانه خود به صدراعظم هاشم‌خان ذکر نموده مینویسد که «راپورهای نزاع‌های خشونت آمیز بین شاه و صدراعظم از یکطرف و شاه محمود خان و دیگران بر سر کنترول قوای هوائی سبب شده است تا ظاهر شاه کنترول قوای هوائی را خود بعده بگیرد. در نتیجه این فیصله، شاه محمود خان استعفا نمود، اما چون استعفایش قبول نشد، کابل را ظاهراً به بهانه‌ماهی گیری ترک گفته و عازم سمت شمال کشور شد. من درین رابطه بتاریخ ۷ سپتامبر با صدراعظم بشدت صحبت نموده و به او گفتم که حال وقت نزاع در خانواده که تا حال متعدد بود، نبوده و ازا او خواستم تا اختلافات را از بین ببرد. صدراعظم به موجودیت اختلاف نظر اقرار نموده اما گفت که درین رابطه مبالغه صورت گرفته است. او علاوه کرد که شاه محمود به کابل بر می‌گردد، اما من تا حال درین باره چیزی نشنیده‌ام.» سفیر انگلیس در همان تلگرام خود علاوه می‌کند که «حدود ده روز قبل دو پسر علی احمد‌جان [شاگاسی]، والی کابل در عهد امان‌الله‌خان از کابل گریخته و به تیراه رفته اند تا با خوشحال خان یکجا شده و به نمایندگی از امان‌الله‌خان لشکر افريدي‌ها را آماده سازد. من به صدراعظم اخطار دادم که چند ماه قبل درین رابطه بصورت خاص به او اخطار داده و خواسته بودم که پسران علی احمد‌خان را تحت نظر داشته باشد و نگذارد که آنها از کابل فرار کنند.»⁷²⁴

طوریکه در قسمت‌های بعدی هم دیده خواهد شد، در رابطه با استحکام پایه‌های رژیم خاندانی نادرشاه، اقدامات انگلیس‌ها تنها به هدایت و مشوره دادن خلاصه نشده و

723. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام ۲۲ دسامبر ۱۹۳۳ سفیر انگلیس در کابل به وزارت خارجه.

724. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام فوری شماره ۳۴۷۸ مؤرخ ۹ سپتامبر ۱۹۳۹ سفیر انگلیس در کابل به وزارت خارجه اش.

کمک های وسیعی را در عرصه های دفاعی نظامی، مالی اقتصادی، امنیتی استخباراتی، سیاسی دیپلماسی و غیره در بر می گرفت.

انگلیس ها در داخل قلمرو هند بریتانی هم برای جلوگیری از هرگونه تلاش مخالفت با رژیم نادری و یا ایجاد دردسر به آن دست به اقدامات جدی زدند که از آن جمله میتوان به دو نمونه اشاره نمود:

أ. اقدامات علیه میرزا عبدالحکیم خان و کیل التجار افغانی در پشاور:

میرزا عبدالحکیم خان از مأمورین سابقه دار افغانستان بود که در عهد امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب الله خان مأموریت داشته و در دوران امان الله خان نخست بحیث رئیس اتحادیه تاجران در کابل و در سال ۱۹۲۲ بحیث وکیل التجار افغانی در پشاور مقرر شد. میرزا عبدالحکیم خان در دوران اغتشاش شینوار یکی از حامیان فعال امان الله خان بود. او حکومت های حبیب الله کلکانی و نادر شاه را به رسمیت نشناخت و با وجود فشار های واردہ از طرف مقامات انگلیسی از تسلیم نمودن امور و کالت التجاری به نمایندگان فرستاده شده آنها ابا ورزید.

انگلیس ها در عهد نادر شاه میرزا عبدالحکیم خان را نخست در ماه فبروری ۱۹۳۰ در پشاور دستگیر کردند و بعد ها وی را به اتهام کمک در نشر مقالات ضد رژیم نادری در جریده زمیندار یکجا با مخالفین دیگر نادر شاه مثل امین جان به برمما تبعید کردند.

ب. اقدامات علیه غوث الدین خان احمدزی:

غوث الدین خان احمدزی پسر مرحوم جاندار خان احمدزی بود. او در دوران اغتشاش شینوار بعد از رفتن غازی امان الله خان به قندهار از نادر شاه حمایت کرد و برای کمک او یک لشکر بزرگ احمدزی ها را در سمت جنوبی آماده ساخت. انگلیس ها ادعای میکنند که بی وفایی او به نادر خان در ماه اپریل ۱۹۲۹ سبب شد تا قوای نادر خان در لوگر شکست بخورد. غوث الدین خان احمدزی خود یکی از کاندیدان تاج و تخت افغانستان بود و میگفت که «اگر بچه سقاو امیر شده میتواند، هر کس دیگر هم میتواند». غوث الدین خان احمدزی در اوایل ماه اکتوبر سال ۱۹۲۹ از آریوب به پاراچنار و از آنجا به راولپنڈی رفته در هند بریتانی تحت نظر انتظامی های انگلیس ها قرار داشت. او بعد از آن به درخواست نادر شاه اجازه بازگشت به افغانستان را نیافت و به جبلپور پنجاب انتقال یافت. غوث الدین خان احمدزی هم بالاخره در ماه می ۱۹۳۹ از طرف انگلیس ها با برمه از برمدا تبعیید شد.

فصل دهم

فعالیت های سیاسی غازی امان الله خان بعد از ترک وطن

شدم يکباره گي با جان و سر را ز دل گرفتارش

دهم خون عزيز خويش تا سازم چو گلزارش

اعليحضرت امان الله شاه غازى

حاكميت قانون در افغانستان

آیا غازی امان الله خان در تبعید ملت و یارانش را فراموش کرد؟

برخلاف ادعاهای تنی چند از هموطنان ما در رابطه با آسوده طلبی شاهانه غازی امان الله خان در تبعید، کنار آمدن وی با محمد نادرشاه، سکوت در برابر استبداد دوره های بعدی و بی تفاوتی در برابر کشتار هواداران و یارانش، هم در اسناد آرشیف استخبارات انگلیس و هم در نوشه های محققین رویی که به استناد مواد آرشیف های رویی بنشر رسیده و ترجمه های دری آن به همت دانشمند افغان، آقای عزیز آریانفر، بدسترس جامعه افغانی قرار دارد، به موارد بیشماری برمیخوریم که نشان میدهد غازی امان الله خان در خارج از کشور نتنها فعالیت سیاسی داشت بلکه بصورت دوامدار تحت تعقیب جدی قرار داشته و درین راه هدف توپخانه های گوناگون و جنگ روانی (استفاده از تبلیغات همراه با اقدامات عملی دارای ماهیت مسلحانه، اقتصادی و سیاسی) نیز قرار گرفته و قربانی های زیادی را متحمل شده است.

توپخانه های ترور و ازبین بردن غازی امان الله شاه

ازبین بردن و ترور شخصیت های مخالف برای کسب و یا حفظ قدرت سیاسی سابق Chanakya Vishnugupta) بسیار طولانی دارد. اچاریا چنکیا ویشنو گوپتا (Acharya) که بین سالهای ۲۸۳-۳۵۰ قبل از میلاد میزیست، یکی از کسانیست که در رساله سیاسی خود درباره ترور به تفصیل نوشته است. چندی بعد شاگرد وی، چندر آگوپتا، که اولین امپراتور و بنیانگذار امپراتوری موری بود، از ترور مخالفان خود کار گرفت و در آن جمله دو تن از جنرالان سکندر مقدونی (نیکانور، و فلیپ) را نیز ازبین برداشت. گفته میشود که پدر سکندر مقدونی، فلیپ دوم مقدونی، نیز یکی از قربانیان ترور بوده است.

مشهورترین واقعات ترور در تاریخ، که بیشتر شان برای قدرت سیاسی بوده اند، در امپراتوری روم رخداده است، که قتل ژولیوس سیزار، قیصر روم نیز در آن شامل میباشد. بعد از سقوط امپراتوری روم تا به امروز قتل و ترور بحیث وسیله در کشمکش های سیاسی در سطح جهانی شایع شده و به شمار آن خصوصاً بوسیله و یا حمایت دولت ها افزوده شده است.

قبل از جنگ جهانی اول، تنها در روییه بیش از پنج امپراتور در مدت کمتر از ۲۰۰ سال بقتل رسیدند. در چند سال بعد از جنگ جهانی اول عده زیادی از مخالفین انگلیس خصوصاً شخصیت های ترکی مثل انور پاشا در استالیین آباد، طلعت پاشا در برلین و

جمال پاشا در تفلیس بشکل مرموز و مشتبه کشته شدند. شواهدی موجود اند که در پیاده نمودن طرح ترور بعضی ازین ترک‌ها سازمان استخباراتی روسیه یا مستقیماً نقش داشته و یا با سازمان جاسوسی انگلیس همکاری نموده است.

در دوران جنگ سرد اقدامات پنهانی دستگاه‌های جاسوسی کشورهای استعماری شدت یافت. ترور و کشتن رهبران سیاسی و مخالفین مجاز دانسته شده و بزرگترین سازمانهای استخباراتی جهان، اقدامات پنهانی در کشورهای مختلف را براه انداخته و جواز یا لاینسنس ترورهای هدفمند و کشتن رهبران سیاسی را (هم در دوران جنگ و هم در دوران صلح) داشته‌اند.

اسناد کانگرس ایالات متحده آمریکا هم نشان میدهد که در دوران جنگ سرد سازمان استخبارات مرکزی امریکا به ترور آنعدد از رهبران خارجی اقدام نموده است که گمان برده میشد با کمونیزم همدلی داشتند. کمیته کانگرس در سال ۱۹۷۵ توسط سناتور فرانک چرچ علنی ساخت که رؤسای جمهور امریکا در سال‌های ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ اجازه پلان کشتن پنج رهبر خارجی را داده‌اند، که در آن جمله سلوادور الیندا، رئیس جمهور چلی، و فیدل کاسترو، رهبر کیوبا شامل بودند. درین مدت فیدل کاسترو از هشت سو قصد ناکام جان‌سلامت برده است.

اداره‌ریگن هم در سال ۱۹۸۲ حمله‌هایی را علیه قذافی رهبر آنوقت لیبیی برآورد اخته و بارک‌های نظامی بی را مورد هدف قرارداد که گمان میرفت قذافی در آن خوابیده باشد. اداره کلنتن تیز در سال ۱۹۹۸ برای کشتن اسامه بن‌لادن کمپ‌های تربیوی القاعده در افغانستان را مورد حمله راکت‌های کروز قرارداد.

غازی امان الله خان، رهبری که بیشترین قلاش برای کشتن صورت گرفته است

تا جاییکه به غازی امان الله شاه ارتباط میگیرد، وی شاید از جمله اشخاص معده‌وزی بوده باشد که بیشترین اقدامات سو قصد بر جانش صورت گرفته است. وی خصوصاً بعد از حصول استقلال کامل افغانستان، در سیاست داخلی و خارجی دست به اقداماتی زد، که خصومت انگلیس‌ها را بخود بیشتر و تیزتر ساخت. شاید علت دیگر این تعدد حملات هم علاقه و محبت شدید وی به مردم بوده باشد که بدون محافظه و کش و فش در شهر و بازار گشت و گذار میکرد، و فرست حمله را برای دشمنانش مساعد تر و آسانتر میساخت. قابل یادآوریست که با توجه به اینکه اکثریت شاهان افغان

به مرگ طبیعی نمرده است، غازی امان الله خان با وجود اصرار خانواده اش، طرز برخوردش را تغییر نداده و مجموع ملت افغانستان را محافظ خود می پندشت.

تورو بحیث آخرین وسیله بوداشتن از سو راه

استعمار از سابق تلاش ورزیده است تا اقدامات و فعالیت های مهم تخریبی خود را با وقایع، کشمکش ها و تحولات سیاسی داخلی کشور مان ارتباط داده و گره بزند. درین تلاش ها بر علاوه ارسال جواصیس و تخریب کاران به لباس مهاجر و ملا های دیوبندی، از ناراضیان، (اکثر آنکسانی که امتیازات خود را از دست داده بودند)، مدعیان تاج و تخت، متعصبین مذهبی، عقب گرایان، سیاستمداران مخالف، تروریستان، رشوه خواران و حتی چپاولگران و رهنان استفاده شده است. و درین راستا ستون پنجم⁷²⁵ نیز در پیاده نمودن پلان ها و فرامین صادر از شبکه های جاسوسی آنسوی سرحدات و مرز های کشور نقش بارزی داشته اند.

طوری که در قسمت های قبلی ذکر شده است، قبل از آنکه انگلیس ها تصمیم بگیرند، غازی امان الله شاه را بصورت فزیکی از سرراه شان بردارند، به توطئه ها و تخریبات مختلف دیگر متوجه شدنند که از آن جمله میتوان از تلاش های خریدن و تحت نفوذ درآوردن، چال های دیپلماتیک و سیاست دور ویه تطمیع و تهدید، کمپاین اشاعه معلومات غلط، تبلیغات ناروا، بی اعتبار ساختن و تخریب شخصیت، طرح کودتا و تعویض کردن وی با عناصر وفادار و حامی منافع انگلیس ها، نام برد.

⁷²⁵. اصطلاح ستون پنجم از زمان جنگ داخلی هسپانیا در عرصه نظامی و سیاسی رایج شده و به مفهوم هواداران و پشتیبانان مخفی دشمن بکار می رود. در جنگ های سه ساله هسپانیا (۳۹- ۱۹۳۲ میلادی) هنگامی که جنرال مولا با ارتش خود به سوی مادرید پایتخت هسپانیا پیش می رفت، از طریق رادیو به دشمنان مسلط بر شهر پیغام فرستاد که «من با چهار ستون سرباز و تجهیزات از شرق و غرب و شمال و جنوب به سوی مادرید پیش می آیم ولی شما فقط روی این چهار ستون حساب نکنید بلکه ستون دیگری به نام «ستون پنجم» هم داریم که در مادرید و حتی در میان جمع شما هستند که دانسته یا ندانسته برای ما فعالیت می کنند. شاید هم با ما موافق نباشند ولی چون با عقیده و نظریه شما صد درصد مخالف هستند لذا اعمال شان غیر مستقیم به نفع ما تمام می شود. اگر از چهار ستون اعزامی و اهمه ندارید، از این «ستون پنجم» بترسید که در تمام امور و شئون شما نفوذ دارند و راه ورود چهار ستون را به داخل شهر هموار می کنند.»

به اساس اسناد محرومانه استخبارات انگلیس یکی از فرستادگان سردار نصرالله خان در اواسط ماه جولای ۱۹۱۹ در دره خیرپیغمدی را به انگلیس‌ها تسلیم کرد که در آن از قول سردار نصرالله خان ذکر شده بود که «من خواهش میکنم که با امان الله غاصب صلح نکنید، چون من در وقت مرگ برادرم، هم از طرف مردم از نظر اسلام و هم از طرف سرداران بحیث پادشاه شناخته شده ام، شاه مستحق افغانستان هستم. مردم امان الله را خوش ندارند، و اگر پیشوای صورت گیرد، یا کابل بمبارد شود، او مجبور به فرار خواهد شد. .. من باور دارم که بارسیدن انگلیس‌ها به کابل، از طرف مردم از زندان آزاد و مستحق شناخته شده، و حاضر خواهم بود مثل پدر و برادرم با حکومت انگلیس اتحاد نموده، و اگر انگلیس‌ها خواسته باشند نگهار را تا جگدک، و قندهار و خوست را هم به آنها تسلیم کنم».

اگر چه گفته میشود که سردار نصرالله خان بحیث یک بندي بی قدرت این تحايف را داده نمیتوانست، لذا انگلیس‌ها آنرا جدی نگرفته و حتی زحمت داشتن درستی و نادرستی پیغام را هم قبول نکردند. اما، ریه‌تالی سیتیوارت نویسنده کتاب آتش در افغانستان، معتقد است که مردم این نامه را از طرف نصرالله خان نه، بلکه آنده‌های طرفداران او میدانستند که نقشه کشتن امان الله خان تجدد طلب و بقدرت رساندن نصرالله خان پرهیزگار شان کشف شده بود.

از طرف دیگر، انگلیس‌ها تلاش داشتند با استفاده از یک جاسوس زرنگ و چالاک هندوستانی بنام ملا عمام الدین، نه تنها از احتمال مصالحه و آشتی بین غازی امان الله خان و کاکایش سردار نصرالله خان، جلوگیری کنند، بلکه از طریق پروپاگندهای شدید که گویا سردار نصرالله خان در محبس به دشنام، عذاب و شکنجه دولت دچار است، مؤفق شدند طرفداران جدی نائب السلطنه سردار نصرالله خان را به هیجان آورده، و توسط اخته جان پای خانواده با استعداد ادبی و سیاسی ناظر محمد صفر خان را که از مخالفین سرسخت استعمار انگلیس بشمار میرفت، بمیان کشند. زنده یاد غبار درین رابطه مینویسد که "بعد از چندی امیر امان الله خان نائب السلطنه را از جرثیل فرود آورد، مجدداً در سراچه حرم‌سرا جداد و حرم او عالیه بیگم را با فرزند کوچکش با او یکجا نمود و هم به مادر پیر سردار و دختر سردار (سردار بیگم) اجازه داده شد که روزانه نزد سردار آمده و شب‌انه برگردند... اینست که سردار زنده ماند و احتمال مصالحه و آشتی با امیر امان الله خان پیدا شد، درحالیکه یک دست مخفی اما قوی چین چیزی نمیخواست و در صدد نابودی این خاندان حکمران بود. به امید آنکه دولتی در افغانستان بوجود آید که معناً از

راجه های دست نشانده هندوستان متمایز نباد، تا دولت انگلیس برای همیشه از تشویش این کشور خاطر جمع گردد⁷²⁶

از لابلای راپورهای محترمانه استخبارات انگلیس معلوم میشود که طی شش ماه بین اکتوبر ۱۹۱۹ تا مارچ ۱۹۲۰ سه سؤ قصد ناکام برجان امان الله خان صورت گرفته است. سؤ قصد اول به تاریخ هفتم (۷) ماه اکتوبر ۱۹۱۹ صورت گرفت، بعد از آن به تاریخ پانزدهم (۱۵) فبروری ۱۹۲۰ و سومی آن هم به تاریخ پانزدهم (۱۵) مارچ ۱۹۲۰.

قابل یادآوریست که بعد از وفات سردار نصرالله خان (۲۰ می ۱۹۲۰) تعداد حملات سؤ قصد بر غازی امان الله خان بصورت چشمگیری زیاد شد. شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی در ختم هفته ۲۶ آگوست ۱۹۲۰ از کابل اطلاع داد که سؤ قصد دیگری بر جان غازی امان الله خان صورت گرفته است. این پانزدهمین (۱۵) بار است که موصوف مورد سؤ قصد قرار میگرد. این راپور از بین بودن قریب الوقوع غازی امان الله خان را پیش بینی نموده می افزاید که "انتظار عمومی اینست که دیروی نخواهد گذشت که جای وی را عنایت الله خان خواهد گرفت".⁷²⁷ به رویت این سند استخبارات بریتانیا، تنها در ۱۷ ماه اول سلطنت ۱۵ سؤ قصد علیه امان الله شاه غازی صورت گرفته است، یعنی بصورت اوسط تقریباً یک سؤ قصد در هر ماه.

یک سند دیگر محترمانه آرشیف هند بریتانیوی⁷²⁸ هم از ترور قریب الوقوع غازی امان الله خان صحبت میکند. درین یادداشت، جنرال ایدموند بارو (General Edmund George Barrow) یکی از مأمورین عالی رتبه نظامی بریتانیا در دفتر هند، به کمیته سیاسی بریک نکته تأکید میکند و آن اینکه نباید به امان الله خان هیچ امتیازی را قایل شد چون «وی شاید هر لحظه ترور شود. واقعاً اگر تلاش کشته شدن وی صورت نگیرد، من خیلی تعجب خواهم کرد. در آن صورت ما از کشته شدن وی متأثر نخواهیم شد. به من گفته شده است که وی یک جوان نامرغوبیست که افکار شدید ضد انگلیسی را غرس کرده است».

⁷²⁶. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۶)، ص ۷۴۲.

⁷²⁷. یادداشت محترمانه شماره ۳۵ شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای ختم هفته ۱۹۲۰ آگوست ۱۹۲۰.

⁷²⁸. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانیوی، ۱۹۱۹، ۱۰۶۱، L/P&S/10/808/

تровер شخصیت و سؤال قصد بر جان غازی امان الله خان بعد از ترک وطن نیز ادامه داشت

دولت بریتانیا حتی بعد از آنکه غازی امان الله خان کشور را ترک کرد، از نظرات، تعقیب و تلاش‌های مسموم کردن و کشنودی دست برنداشت. مأمورین استخبارات انگلیس وی را هم در ایتالیا و هم خارج از ایتالیا مثل سایه تعقیب میکردند. در یکی از اسناد محترمانه استخبارات انگلیس از سفر ماہ فبروی سال ۱۹۳۱ غازی امان الله خان به قسطنطینیه و انگوره، که بعداً به نامهای استانبول و انقره مسمی شدند، گزارش داده شده است. مأمورین انگلیسی درین گزارش⁷²⁹ اعتراف نموده‌اند که در پیدا کردن هدف این سفر ناکام مانده و حدس زده‌اند که ممکن هدف وی جمع آوری پول و یا تصمیم بود باش در ترکیه بوده باشد. این گزارش حاکیست که وی در آخر ماه دوباره به ایتالیا برگشته است.

در همین گزارش از اقدامات و تلاش‌های حکومت هند بریتانیی یاد آوری شده است که به تعقیب نشر نامه غازی امان الله خان به تاریخ پنجم ماه مارچ ۱۹۳۱ در جریده زمیندار منتشره لاهور صورت گرفته است. نائب‌السلطنه هند بریتانیی طی صدوریک فرمان مخصوص، انتشار چنین مواد را منع قرارداد، و با مقامات دولت افغانستان در جلوگیری از ورود کاپی‌های آن نشریه و هم‌پخش تبلیغات برای خنثی کردن آن همکاری نمود.

تا جائیکه به توطئه‌های ترور غازی امان الله خان درین دوره دوری از وطن ارتباط میگیرد، به دو نمونه ذیل اقدامات انگلیس‌ها در مکهٔ معظمه و اقدامات سردار محمد هاشم خان در اروپا اکتفا میکنیم.

⁷²⁹. اسناد آرشیف هند بریتانیی، خلاصه رویداد‌های افغانستان از اول جولای ۱۹۳۰ تا ۳۰ جون ۱۹۳۱

اقدامات انگلیس‌ها حین شرکت غازی امان‌الله خان در مواسم حج سال ۱۹۳۱

در رابطه با اقدامات انگلیس‌ها در دوران شرکت غازی امان‌الله خان در مراسم حج⁷³⁰ توجه خوانندگان محترم را به چند سند محرمانه از آرشیف دفتر هند بریتانی⁷³¹ جلب می‌کنیم که بین اندريو ریان Andrew Ryan سفیر بریتانیا در جدّه عربستان سعودی، پیرسی لوراین Percy Loraine کمشنر عالی بریتانیا در قاهره مصر، مکوناچی Robert Richard Roy Maconachie وزیر مختار انگلیس در کابل، رابت گراهام Arthur Henderson سفیر انگلیس در ایتالیا، آرتور هیندرسون Arthur Henderson از دفتر خارجه، نائب السلطنه هند بریتانی در دهلی جدید و وزیر دولت برای امور هند بریتانی رو دوبل شده‌اند.

این اسناد نه تنها عمق ترس و بیم مقامات انگلیسی از فعالیت‌های غازی امان‌الله خان و بکار اندختن دستگاه وسیع و عریض آنها برای جلوگیری از برگشت وی به منطقه و افغانستان را نشان میدهد، بلکه چشم آنعداً از هموطنان مانرا نیز بازخواهد کرد که فکر می‌کنند قهرمان آزادی افغانستان، غازی امان‌الله خان، بعد از پناهندگی در ایتالیا قهرمانی و یاران جان بر کف خویش را فراموش کرد، در برابر استبداد دوره‌های بعدی سکوت کرد، در برابر کشتار هواداران و یارانش بی تفاوت ماند، و از مصاحبه با خبرنگاران فرار کرد. این اسناد گفتاری بی هندیه دافغانستان، دختر غازی امان‌الله خان، را هم که می‌گوید، خانواده اش در تبعید با مشکلات شدید اقتصادی دچار بوده است، تائید نموده، علت تقاضای عواید دارائی شخصی ملکه ثریا را از رژیم بعدی روشن ساخته، و متهم نمودن غازی امان‌الله خان به بزدلی و سازش با انگلیس‌ها را رد می‌کند. در لابلای اسناد ذیل که بدون هیچ تبصره برای قضاؤت خود خوانندگان گرامی تقدیم می‌شوند، از فشار انگلیس‌ها بر دولت ایتالیا نیز پرده برداشته می‌شود.

۱. تلگرام ۱۴ اپریل ۱۹۳۱ سفیر انگلستان در جده به دفتر خارجه:

درین تلگرام محرمانه، اندريو ریان Andrew Ryan سفیر بریتانیا در عربستان سعودی به آرتور هیندرسون Arthur Henderson در دفتر خارجه مینویسد که «من ترتیباتی را گرفته ام تا در باره حرکات شاه ساق افغانستان زودترین اطلاعات را

⁷³⁰. این اسناد مربوط به ادای مراسم حج اول غازی امان‌الله خان می‌باشد. رویداد‌های سفر دوم غازی امان‌الله خان به حج بعد اذکر خواهد شد.

⁷³¹. استخبارات استراتیژیک افغانستان: اسناد انگلیسی ۱۹۱۹-۱۹۷۰.

بدست آورم. شما مشکلات کشف فعالیت‌های مخفی در مکه را درک می‌کنید. من امروز صبح طی یک صحبت از یوسف یاسین⁷³² بصورت عادی راجع به درست بودن آوازه‌های امدن شاه ساق افغانستان به حج، پرسیدم. وی در جواب گفت که امان الله تصمیمش را در یک مکتوبی اعلام کرده است. وی خودش علاوه کرد که [شاه عبدالعزیز] ابن سعود شرکت حاکم فعلی افغانستان [محمد نادر شاه] را در مراسم حج ترجیح میدهد، اما بنا به دلایل مذهبی نمیتواند مانع شرکت امان الله شود. این به اساس اصول قبول شده است که نمیتوان از اجازه دخول هیچ مسلمی به اماکن مقدس جلوگیری کرد. وی از هیئتی از کابل هم ذکر کرد. من از آشکار ساختن هر نوع علاقه خاص به امور افغانستان اجتناب ورزیدم. من راجع به خطر اعلام رسمی پالیسی یا ترور کدام اسناد قبلی ندارم. بنا بران، تا اکشافات بعدی ویا در صورت طولانی شدن اقامت وی، لازم افتاد، من پیشکش آنرا به حکومت حجاز خوب نمیدانم. ترور در دوران مواسم حج بعيد به نظر میرسد»

۲. تلگرام ۱۹۳۱ اپریل کمشنر عالی بریتانیا در قاهره به دفتر خارجه:

درین تلگرام پیرسی لوریان Arthur Percy Loraine به آرتور هیندرسون Henderson نوشت که «صبح ۹ اپریل امان الله، شاه ساق افغانستان، در پورت سعید پیاده شده، و به همراهی یک مأمور پولیس با قطار چاشت روانه "سویز" شد. احمد [؟] طرزی و ادیب خان با او بودند. چهار افغان دیگر، غلام نبی⁷³³ سفیر افغان در انگوره، شجاع الدوله، عبدالعزیز⁷³⁴ و فضل احمد، بتاریخ ۱۱ اپریل از الکسندریه وارد سویز شده و توسط امان الله پذیرائی شدند».

در جواب یک سؤال دو نفر مصری، هردو نفر «وفدی»⁷³⁵، که آبا وی تصمیم گرفته است به افغانستان برگردد، امان الله گفت که وی برای جلوگیری از خونریزی مردم، کناره

⁷³². شیخ یوسف یاسین نزدیک ترین مشاور و سکرتر سیاسی عبدالعزیز ابن سعود پادشاه عربستان سعودی بود.

⁷³³. منظور جنرال غلام نبی خان چرخی پسر سپه سالار غلام حیدر خان چرخی میباشد.

⁷³⁴. منظور عبدالعزیز خان چرخی پسر سپه سالار غلام حیدر خان چرخی میباشد.

⁷³⁵. منظور از «وفدی» اعضای حزب سیاسی آزادی ملی وفد است، که در دوران سالهای دهه ۲۰ و ۳۰ یکی از محبوب‌ترین و پرنفوذ‌ترین احزاب سیاسی مصر بود. این حزب در انتقال قدرت از شاهی مطلقه به شاهی مشروطه که توسط پارلمان انتخابی ملی اداره میشد و قانون اساسی ۱۹۵۲ نقش عمده داشت. این حزب بعد از کودتا نظامی سال ۱۹۵۲ منحل شد.

گیری کرد. وی علاوه کرد که برگشت وی به افغانستان، مربوط به اراده مردم است، که در مدت کمتر از شش ماه درین باره تصمیم خواهند گرفت. وی اظهار داشت که سفرش به حجاز هیچ مقصد سیاسی نداشت و تنها برای حج است. اما یک افغان در سویی اظهار عقیده نموده گفت که امان الله نیت دارد با آن رهبران افغان ملاقات کند، که احتمالاً برای ملاقات با وی به حجاز می آیند.

موقع میروود که امان الله و همچنان چهار افغانی که در پرگراف دوم ذکر شدند، توسط کشتی بخاری "طایف" امروز بطرف جده حرکت کنند. از تماس با سفیر [افغانستان] در قاهره کدام را پوری داده نشده است.⁷³⁶

⁷³⁶ سفیر افغانستان در قاهره حضرت محمد صادق المجددی بود. بروایت دانشمند شناخته شده افغان، آقای فضل غنی مجددی (نواده حضرت محمد صادق المجددی) بعد از آنکه محمد نادرشاه، خلاف سوگند و پیمانی که با حضرت فضل عمر مجددی (نورالمشایخ) داشت، تخت افغانستان را غصب نمود، نخست وزارت عدلیه را به برادر کوچک، حضرت محمد صادق المجددی، پیشنهاد کرد، که پذیرفته نشد. حضرت صاحب دلیل پذیرفتن وزارت عدلیه را به محمد نادرشاه توضیح داده گفت که «فردا اگر خودت مثل امان الله خان به کمک احتیاج شوی، باز من بحیث وزیر عدليه شما، به شما کمک کرده نمیتوانم، اما شاید بحیث حضرت شوربازار بتوانم کمک کنم». بعد از آن بود که وزارت عدلیه به حضرت نورالمشایخ داده میشود. حضرت محمد صادق المجددی از این قبولی وزارت عدلیه توسط برادر بزرگ خود ناراحت شده میگوید که «من که برادر خورد شما بودم این وزارت را قبول نکردم، شما چرا قبول کردید؟». بنظر خانواده مجددی، تقریر حضرت محمد صادق المجددی بحیث سفیر در مصر، دور کردن او از صحنه سیاسی افغانستان یا به عبارت دیگر تبعید به خارج تلقی میشود. (گفتگوی تلفونی استاد فضل غنی مجددی با مؤلف در کالیفورنیا شمالي). از تلگرام و اسناد دیگر آرشیف هند بریتانی معلوم میشود که انگلیس ها و رژیم محمد نادر شاه از سفیر افغانستان در قاهره مطمئن بودند و او را تحت مراقبت داشتند. از طرف دیگر، از خاطرات خود مجددی فهمیده میشود که او در دوران مراسم حج آن سال اشتراک نموده و به نفع رژیم محمد نادر خان فعالیت میکرده است. در صفحه ۱۵۸ خاطرات حضرت صاحب شوربازار میخوانیم که «در ایامی که امان الله خان در حجاز بنام حج آمده بود، غلام نبی خان هم حضور داشت و برای مراجعت او به کابل بذل مساعی میکرد و بطور آشکار و بی پرده اقدامات مینمود. وقتیکه محرر عاجز به حجاز رسیدم و برای رفع اسبابیکه افغانستان را باز به انقلاب می انداده ای اقدامات شدم و همگی زحمات غلام نبی خان و امان الله خان برباد شد، از من خیلی شکایت میکرد. من از حکومت مطبوعه ام خواهش کردم که باید غلام نبی خان را به کابل طلب نکنند و بگذارند که خارج مملکت باشد، ولی نظریه من قبول نشد...»

۳. تلگرام ۱۵ اپریل مکوناچی سفیر انگلستان در کابل به آرتور هیندرسن Arthur Henderson در دفتر خارجه:

درین تلگرام که به جواب تلگرام شماره ۳۷ نوشته شده است، سفیر انگلستان در کابل از اقدامات غیر مترقبه غازی امان الله خان بیم داشته، خواهان مراقبت شدید وی بوده برای توجیه دلایل آتی را ذکر نموده مینویسد :

- وی قادر است از جان گذشته مثل [جنگ] سال ۱۹۱۹ [خطر بزرگ را قبول نموده] دست به قمار بزند.
 - بنظر نادرشاه، اگر وی به سرحد هند برسد، چانش بسیار هم بد نخواهد بود، رجوع شود به ارسالی شماره ۲۳ تاریخ ۹ سپتامبر من.
 - مثل سال ۱۹۱۹، در حالت فعلی هم خبررسانان برایش راجع به احساسات قبایل به نفع وی و تأثیرات پروپاگنده لاهور^{۳۷} را پورهای مبالغه آمیز میفرستند.
 - فقر شاید او را بیشتر به ماجراجوی آماده سازد، تا ازین حالت برآمده، و ممکن از منابع روسی برایش پول داده شود.
 - اقدامات حکومت ایتالیا و علاقه به پنهانکاری خودش، مشکوک بنظر میرسند، خصوصاً با درنظرداشت راپور دریافت شده تاریخ ۱۲ ماه مارچ توسط حکومت هند که در آن در رابطه با امان الله توافق سری بین ایتالیا و روسیه، و توطئه روسیه در ایالت سرحدی شمال غربی به نفع امان الله ذکر شده است.
 - تلگرام مؤخر ۴ اپریل کمشتر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، معتقد است که جنبش سرخپوشان عبد الغفار [خان] با قضیه امان الله ارتباط نزدیک دارد.
 - این واقعیت که امان الله همین حالا با پاسپورت دارای نام مستعار سفر میکند، تبدیل آن و ناپدید شدنش را آسان میسازد.
- در روشنی [نکات] فوق، من تدبیر احتیاطی ذیل را سفارش میکنم:
- .۱. برای جلوگیری از ناپدید شدنش، مراقبت شدید وی در حجاز

^{۳۷} بنظر میرسد که اشاره وی به نشر نامه غازی امان الله خان در جریده زمیندار لاهور است که قبلًا به آن اشاره شده است.

.ii. و اگر وی ناپدید شود، بررسی کردن دقیق حجاجی که از حجاز بطرف شرق سفر میکنند.»

۴. تلگرام ۱۹ اپریل سال ۱۹۳۱ نائب‌السلطنه هند برای سکرتر دولت در امور هند وایسرای هند بریتانیو درین تلگرام به وزیر دولت انگلستان برای امور هند مینویسد که «ما مشکلات کشف فعالیت‌های مخفی در مکه و اهمیت آنرا درک میکنیم، اما آنچه واقعاً اهمیت حیاتی دارد، معلومات راجع به حرکت امان الله بوده و اینکه تا وقتی وی در حجاز باشد، نباید از نظارت ما دور و ناپدید شود. اگر وی حجاز را از طریق بحر ترک کند، ما برای بدست آوردن جزئیات مکمل، مثل اسم فرضی، تغیر لباس، تاریخ، کشتی، منزل مقصود، و همراهانش سپاسگزار شماخواهیم بود. ما اطمینان داریم، که بدون پیش‌داوری راجع به سوال وقوع مصارف درگیر، برای بدست آورده اطلاعات دقیق این نقاط، هر نوع تلاشی صورت خواهد گرفت. (کاپی به کابل).»

۵. تلگرام ۱۹ اپریل اندرویان سفیر انگلستان در جده به آرتور هیندرسن در دفتر خارجه درین تلگرام سفیر انگلیس اطلاع میدهد که غازی امان الله خان و همراهانش صبح ۱۸ ماه اپریل به جده رسیده و بعد از ظهر روانه مکه شدند. تلگرام می‌افزاید که «آنها لباس حج [احرام] پوشیده بودند و از ایشان استقبال شانداری بعمل آمد، که در آن چندین نفر از مأمورین عالیرتبه هم سهم گرفتند. فواد همزه⁷³⁸ به ساختمان لنگرگاه کشتی رفت، و والی جده بداخل کشتی رفت. بغیر از همراهان شاه سابق، چندین حاجی دیگر افغان هم در همان کشتی رسیده بودند. کپتان کشتی گفت که شاه در دوران سفر به مکالمه علاقه نداشته خاموش بود. غلام جیلانی⁷³⁹ سفیر سابق افغانستان در ترکیه، که سال

.738. فواد همزه، معین وزارت خارجه و یکی از همزازان پادشاه عربستان سعودی بود.

.739. منظور جنرال غلام جیلانی خان چرخی، پسر دوم سپه سالار غلام حیدرخان چرخی است که پس از انجام وظایف متعدد مثل قوماندانی گارد شاهی، قوماندانی غوند اردل، قوماندانی قول اردوی مزارشیف، و قوماندانی قول اردوی هرات در جولای ۱۹۲۲ میلادی بهیث وزیر مختار افغانی در انقره پایتخت ترکیه مقرر شده بود. غلام جیلانی خان چرخی در سال ۱۹۲۹ از طرف اعلیحضرت امان الله خان به قندهار خواسته شد و از اپریل تا ماه می سال ۱۹۲۹ غازی امان الله خان را تا ایتالیا همراهی نموده به افغانستان برگشت. موصوف بعداً در سال ۱۹۳۳ میلادی با جمعی دیگری از آزادیخواهان و روشنفکران کشور، مثل محمد ولی خان دروازی، محمد مهدی خان چند اویلی، شیرمحمد خان چرخی، خواجه هدایت الله خان و فقیر جان رئیس جنگلات قربانی

گذشته هم اینجا بود، حضور داشت. وی برادر غلام‌نبی است، که بعد از تغییر رژیم در کابل، به عوض وی تعین شد».

سفیر انگلیس مینویسد که «گرچه استقبال [از شاه سابق] شاندار بود، اما من فکر میکنم که نباید به آن بی جهت اهمیت زیادی را قایل شد. فواد شب گذشته اشارتاً کفت: گرچه بعضی اوقات، مثل رویداد فعلی که هیئت کابل هم رسیده است، شرم آور است، اما حکومت حجاز باید در چنین موقعی استقبال مینمود. وی گفت که ابن سعود تصمیم داشت دیروز به جده بیاید، اما زیارت کردنش را با خاطری به تعویق انداخت تا فکر نشود که به ملاقات امان الله آمده است».

۲. تلگرام ۲۰ اپریل نائب السلطنه هند به وزیر دولت در امور هند

درین تلگرام وایسرای هند مینویسد که «ما اعتراف میکنیم که این همراهی شخصیت های برجسته که به رژیم گذشته ارتباط نزدیک دارند، بطرف حجاز، به این سؤظن می افزاید که شاید شاه سابق دست به کدام اقدام فوری بزند، اما ممکن است که از نظر سیاسی وی این کار را بعد از ادای مراسم حج انجام دهد. درینصورت، وی قادر نخواهد بود قبل از او آخر ماه اپریل (۲۹ اپریل مصادف با ۱۰ ذالحجه میباشد) مکه را ترک بگوید.

اگر بعد از آن وی بکوشد به افغانستان برسد، او شاید یا از راه زمینی طرف شمال و یا راه بحری پیش برود. اگر وی مسیر زمینی را انتخاب کند، مجبور است از عراق یا پارس، و یا هردو بگذرد. حکومت اعلیحضرت [ایادشاه انگلستان] راجع به اینکه در عراق چه میتواند و چه را باید انجام دهد، بهترین قضاوت را خواهد کرد، اما ما فکر نمی کنیم که تلاش مداخله در حرکت وی در پارس ممکن و یا مطلوب باشد. اما اگر وی با کشتی از یکی از بنادر سواحل عربی خلیج عازم پارس شود، او باید حتماً به بحرین برود، و اگر قابل قبول باشد، باید از پیشرفت وی در آن نقطه ممانعت شود. اما به عقیده ما پلانی که احتمال بیشتر دارد اینست که وی در حجاز هویت خود را پوشانده و تلاش ورزد در لباس حاجیان عودت کننده هندوستانی یا افغان از طریق هند استفاده کند. این را باید به خاطر داشت که درین موسوم علاوه بر حاجیان،

استبداد گردیده و به امر نادر شاه بدون محاکمه به شهادت رسید. (اسناد استخبارات انگلیس و برگی چند از نهفته های تاریخ در افغانستان").

افغانان محلی هم به تعداد زیاد در بسیاری نقاط هند موجود بوده و کشف را مشکل میسازد.

ما تصور میکنیم که اگر روی پای خود را در خاک هند بگذارد، شما اقدام مارا برای دستگیری اش تائید خواهید نمود، و بر همین اساس دستگاه خود را آزمایش میکنیم تا ببینیم در نقاط مختلف احتمال دخول، چه وسائل شناسائی را در دسترس داریم.»

وایسراي هند از بی خبری و درک این خطر واقعی توسط محمد نادر شاه تعجب نموده تقاضا مینماید تا محتوای تلگرام های اخیر از جده و مصر توسط مکوناچی، وزیر مختار انگلیس در کابل، بدسترس وی گذاشته شود. او مینویسد که «در آنصورت، ما پیشنهاد میکنیم که، مشروط به تأیید شما، به او نتها اجازه خواستن عکس ها، شرح مفصل، و وسائل دیگر شناسائی شاه سابق و همراهان او داده شود، بلکه ما همچنان با صمیمیت اماده هستیم تا به ایجینت های فرستاده شده نادر اجازه دهیم تا با مأمورین ما در بنادری که حاجج پیاده میشوند، همکاری کنند. نادر طبعاً اشخاص معتمدی را که با چهره شاه سابق و همراهانش آشنا باشند، خواهد فرستاد. این اشخاص طبعاً در هند کدام منصب رسمي نداشته، بلکه تمام امکانات لازم برایشان داده خواهد شد.»

۷. تلگرام شماره ۱۲۱ مؤرخ ۲ می، اندريو ریان سفیر انگلستان در جده به آرتر هیندرسن در دفتر خارجه

درین تلگرام سفیر انگلیس در جده مینویسد که «من با گرفتن آخرین راپور از مکه تصور میکنم که شاه سابق فراتر از نشان دادن تقوا، دست آورد بیشتری نداشت، هر چند که وی با هندوستانی ها و افغانها تماس های متعددی داشت، و درین رابطه شاید راه را برای کوشش بعدی بدست آوردن دوباره تاج و تخت اماده ساخته باشد. بنظر میرسد که هیئت کابل که توسط سیف الرحمن حمایت میشود، بمقابل وی ایستادگی نموده باشد. هیچ نشانه از همدردی سفیر افغانستان در قاهره در دست نیست... کاپی یک جزوئنه (۹) صفحه بی به دری که توسط شاه سابق در مکه توزیع شده است، به حکومت هند [بریتانی] فرستاده شد. این جزوء حاوی دفاع مفصل از گذشته خودش و سؤاستفاده نادر میباشد.»

۸. تلگرام ۲ می وایسراي هند به پیرسی لوریان Percy Loraine

درین تلگرام نائب السلطنه هند به کمشنر عالی بریتانیا در قاهره مینویسد که «از جده راپور رسیده که امان الله و همراهانش ممکن است حجاز را توسط کشتی بخاری ایتالوی ترک بگویند. موقع میرود که این کشتی بتاریخ ۸ می از جده بطرف جینوا حرکت

کند. آیا ممکن است هنگام عودت ترتیبات شناسائی شاه سابق تو سط همان صاحب منصب شعبه اروپایی گرفته شود که با وی هنگام خروج مصاحبه نموده بود؟ وقتی از شناسائی شاه سابق مطمئن شدید، حکومت هند از این اطلاع شما خرسند خواهد شد.»

۹. تلگرام ۸ می گراهام R. Graham به دفتر خارجه

درین تلگرام سفیر انگلیس از روم به دفتر خارجه مینویسد که «افتخار دارم به اطلاع شما بر سانم که مطابق به اطلاعاتی که تو سط وزارت امور خارجه [ایتالیا] از آنده از اعضای معیتی شاه سابق که درینجا باقیمانده اند، بدست آمده است، انتظار میروند که وی [غازی امان اللخان] در اواسط این ماه به روم برگردد. طوری که من در تلگرام شماره ۷۸ مؤرخ ۴ اپریل خود اطلاع داده ام، وسائل شخصی شاه سابق برای تأديه قروضش ضبط شده است، و اعتقاد برین است که وی ایتالیا را تقریباً بدون هیچ پولی ترک گفته است. این وضعیت برای هر تلاش حاصل کردن دوباره تخت افغانستان یک نقش بزرگ ثابت خواهد شد، مگر اینکه وی در جده و یا جای دیگر پول جمع آوری کند.»

۱۰. تلگرام ۱۲ می آرتور هیندرسون Arthur Henderson به گراهام

درین تلگرام محرمانه، سفیر انگلیس در روم مینویسد که «من دیروز از وزیر امور خارجه [ایتالیا] راجع به رفتار شاه سابق در مکه پرسیدم، و از او خواستم تا من را راجع به رفتار و حرکات آینده وی باخبر نگهدارد. وزیر امور خارجه در رابطه با رفتار شاه سابق اظهار رنجش کرده، و عده داد تا وی را تحت نظر داشته و معلومات کامل را در اختیار من قرار دهد. وزیر امور خارجه گفت که شاه سابق از حکومت ایتالیا خواسته بود تا حرکت بطرف مکه را از ما مخفی نگهدارد، که البته حکومت ایتالیا آنرا رد کرد. جلالتماب علاوه کرد که وی شخصاً با دادن پناهندگی به شاه سابق در ایتالیا، مخالفت ورزیده بود، که مورد قبول قرار نگرفت. درینجا برای شاه سابق یکمقدار همدردی طبیعی وجود دارد، و پادشاه ایتالیا برای رهایش یک قسمت قصر ناپل را داده است، اما حکومت ایتالیا با قبول هرنوع مصارفی که آنرا برای رهایش آماده نداشت، اما معتقد بود که وی در مضيقه اقتصادی قرار داشته و بی فائد تلاش میورزید تا از راه خربید و فروش خانه در روم، پولی را کمائی کند.».

۱۱. تلگرام ۱۲ می، مکوناچی Richard Roy Maconachie به آرتور هیندرسون Arthur Henderson

درین تلگرام وزیر مختار انگلیس در کابل به شعبه خارجه مینویسد که «وزیر خارجه [افغانستان] مراتب تشکر حکومت را از مواد راپورهای جده که توسط من داده شده بود، اظهار داشته است. ترتیبات استخباراتی خود آنها نیز بصورت بسیار درست کار میکرد، اما مکاتیب من در ارزیابی درست بودن آن بسیار مفید بود.

آنها فکر میکنند که امان الله به ایتالیا برخواهد گشت، اما معتقد اند که وی با روس ها در رابطه با اقدام بعدی به یک توافق سری رسانیده است آنها درین زمینه از هر معلومات استخباراتی حاصله حکومت اعلیحضرت [پادشاه انگلستان] مشکور خواهند بود، چون سفير خود شان در روم، اگر بدتر نباشد، بی کفايت است، و آنها از رفتار حقيقی حکومت ایتالیا راضی نیستند».

۱۲. تلگرام ۲۹ جون، ۱۹۳۱ وزارت خارجه به وزیر مختار انگلیس در کابل

درین تلگرام محترمانه آرتور هیندرسون Arthur Henderson به مکوناچی Richard Maconachie Roy از صحبتی که مارشال شاه ولی خان، سفير سابق افغانستان، کمی قبل از حرکت از لندن، با یکی از اعضای دفترش در وزارت خارجه، راجع به غازی امان الله خان انجام داده، اطلاع میدهد. وی از قول مارشال شاه ولی خان مینویسد که از تبلیغات غازی امان الله خان در داخل افغانستان و بین باشندگان بمنی و کلکته بیمی ندارد، «اما خطر، و این یک خطر حقیقتیست، که در سرحدات آزاد وجود دارد. تمجید دوامدار شاه امان الله بحیث قهرمان ملی و شاه نادر شاه بحیث کسی که برای خوشنودی انگلیس ها کار میکند، مانع کوییدن آن قبایل سرحدی بی میشود که دیدگاه خصمانه نسبت به حکومت بریتانیا دارند. نتیجه شاید برای حکومت فعلی افغانستان فاجعه بار باشد، اما بصورت مجزا برای حکومت هند نیز خواشایند نخواهد بود. جربان این تبلیغات عمده از طرف هند می آید، و اگر باشد هم بصورت بسیار ناچیز از اتحاد جماهیر شوروی. او [شاه ولی خان] درین او اخر "فرمان مطبوعات" را خواهد است که باعث تسکین و تأیید اش است. اما سرچشمۀ آن تبلیغات ایتالیا بوده، و این خطر به منافع بریتانیا، به عقیده وی به حکومت اعلیحضرت [پادشاه انگلستان] کاملاً این حق را میدهد که (البته در خفا) اقدام نموده و از حکومت ایتالیا بخواهد تا از سو استفاده امان الله از پناهندگی ایکه به وی اعطای کرده اند، جلوگیری کند...».

پیامد رفتن غازی امان الله خان به حج

بعد از بازگشت غازی امان الله خان به روم، انگلیس‌ها آرام نشسته بلکه در پهلوی آنکه خود تلاش بیشتر نمودند تا از پلان‌ها و حرکات بعدی وی اطلاعات دقیق‌تر بدست آورند، حکومت افغانستان را نیز تشویق به اقدامات شدید و جدی تر نمودند.

اقدامات دولت افغانستان در داخل کشور

به اساس یک سند آرشیف دفتر هند بریتانی⁷⁴⁰ حکومت افغانستان به تعقیب شرکت غازی امان الله خان در مراسم حج (اپریل ۱۹۳۱)، در درک خطر سیلی از تبلیغات به نفع وی، تبلی نکرد. در ماه جولای عودت حاجج آغاز شد. امان الله خان بدون شک کوشیده بود خاطرات خوشی را بجا گذارد.

شدت عمل حکومت شامل تلاشی نمودن خانه‌ها و دستگیری کسانی بود، که گمان میرفت طرفدار غازی امان الله خان باشند. حکومت همچنان جزوه‌های تبلیغاتی ضد امانی را در قسمت‌های مختلف کشور توزیع نمود. انگلیس‌ها احساس می‌کردند که این اقدامات دولت افغانستان کامیاب بوده و برای مدتی فعالیت‌های طرفداران شاه سابق کاهش یافته، و یاهم به فعالیت‌های مخفی تبدیل شد. اما در ماه دسامبر (۱۹۳۱) تبلیغات هوداران غازی امان الله خان بار دیگر شدت یافته، شایعات بازگشت غلام نبی خان چرخی و حتی خود شاه سابق گرم شد و طرح ترور الله نواز خان و شاجی، دو تن از پیروان و فدار هندوستانی محمد نادر شاه، و همچنان طرح قیام غلبی ها کشف شد. یکی از کسانی که در قندهار بنفع غازی امان الله خان فعالیت می‌کرد، "دوران خان" بود. طرفداران شناخته شده غازی امان الله خان در کابل نیز دستگیر شدند، و به غلام جیلانی خان چرخی، برادر غلام نبی خان چرخی، رسماً توصیه شد تا کشور را ترک بگوید.⁷⁴¹

⁷⁴⁰. اسناد محروم‌آرشیف هند بریتانی، سند D/P&S/12/1637D، مرور حوادث افغانستان بین اول جولای ۱۹۳۱ و ۳۰ جون ۱۹۳۲.

⁷⁴¹. گره محترم خالد صدیق چرخی درین مورد می‌گویند که کاکای شان غلام جیلانی خان چرخی، برادر زاده اش عبد الوکیل جان پسر عبد العزیز خان چرخی را برای معالجه به آلمان برد. درین سفر او یک مکتوب محمد نادر شاه را برای دعوت غلام نبی خان چرخی به کابل نیز با خود داشت. اما از یک راپور دیگر انگلیس‌ها که بعداً ذکر خواهد شد، بنظر میرسد که برخلاف

راپور محramانه انگلیس ها حاکیست که اوضاع در بهار بصورت چشمگیری بهبود یافت. شخصی بنام عبدالکریم خان که در هند بریتانی کارهای تنظیم تبلیغات به نفع شاه سابق را پیش میبرد، بعد از ظاهرًا مصالحه با محمد نادر شاه به کابل برگشت. همچنان در ماه می (۱۹۳۲) عبدالهادی خان (داوی)، یکی از اعضای برجسته گروپ شاه سابق، نیز از سفارت افغانستان در برلن استعفا داده و به کابل برگشت. انگلیس ها برگشت عبدالکریم خان و عبدالهادی خان، و راپور اخیر تقاضای اجازه برگشت به وطن غلام نبی خان چرخی را نشانه مأیوسی طرفداران شاه سابق تلقی نموده، اما در عین حال هوشدار دادند که از امکان بعيد نیست که این حرکات برای استفاده از خرابی اوضاع صورت گرفته باشد.

نظرات بیشتر انگلیس ها بر شاه سابق

درین دوران انگلیس ها ناظرات بر غازی امان الله خان را شدیدتر ساختند. راپور های محramانه استخبارات انگلیس نشان میدهد که شاه سابق با مشکلات شدید اقتصادی مواجه بوده، و بغير از چند سفر گاه و بیگانه به سویس و یک سفر به "ناپلس" ایتالیا، که برای خذا حافظی با برادرش سردار عنایت الله خان، که در ماه دسمبر برای بودو باش روانه ایران شد، در روم باقیماند.

راپور ۹ جولای ۱۹۳۲ از معلوماتی گزارش میدهد که از یک منبع خیلی با اعتماد بدست امده است. نکات عمده این راپور قرار ذیل اند:

امان الله خان مشتاق بازگشت به کابل میباشد. با درنظر داشت این هدف، شاه سابق سخت میکوشد تا به کمک آنعدد که تا حال به او وفادار مانده اند، و همکاری چند سفیری که در خارج بسر میبرند، حمایت قابل توجه مردم را حاصل کند. وی از طریق عمالش در هند با امور کابل در تماس مستقیم بوده، اما شک دارد که معلومات مبالغه آمیز را برایش میفرستند. شاه سابق معتقد است که بعد از مرگ محمد نادر شاه، در خانواده اش کسی نیست که به اندازه کافی توانمندی انتخاب شدن بحیث فرمانروارا داشته باشد. وی میترسد که سردار شاه محمود خان، برادر کوچکتر محمد نادر شاه که

تصور خانواده چرخی از بهبود مناسبات با محمد نادر شاه، محمد نادر خان پلان خودش را داشت و به اصطلاح یک تیرو دو فاخته، هم میخواست یگانه برادر چرخی در افغانستان را از کشور تبعید کند و هم غلام نبی خان چرخی را به پای خودش به دامی که برای کشتنش چیده بود، به کابل بیاورد.

مرد شجاع و سپاهی خوبیست، و خصوصاً در بین قبایل خوست نفوذ دارد، شاید بکوشد خالیگاه محمد نادرشاه را پر کند، در آنصورت امان الله خان مصمم است که وارد میدان شده و تخت خود را دوباره بدست آورد. وی بصورت خاص از عبدالهادی خان (سفیر سابق افغانستان در برلین که حال بکابل برگشته است) انتظار میبرد تا مخفیانه در کابل برایش کار کند.

امان الله خان معتقد است که محمد نادر شاه با حکومت انگلیس یک قرارداد محترمانه بسته است. وی عقیده دارد که مطابق به این قرارداد، محمد نادرخان هیچ تصمیم مهمی را بدون مشوره با سفیر انگلیس در کابل نخواهد گرفت. در بدله این تعهد، انگلیس‌ها موافقه نموده اند تا سالانه دو صد هزار (۲۰۰۰۰) پوند سترلنگ کمک مالی کنند. گفته میشود این قرارداد در لندن توسط سردار شاولی خان (برادر کوچک محمد نادرشاه)، که فعلاً در پاریس سفیر است، به امضا رسیده است. عقیده برین است که بدون سفیر، شاه محمود خان، محمد هاشم خان و یکی یا دونفر از اعضای خانواده، کس دیگری از موجودیت چنین قراردادی اطلاع ندارد. اگر این معلومات درست باشد، فکر میشود که احتمالاً خانم شاولی خان (که خواهر امان الله خان میباشد) این معلومات را به وی رسانده باشد.

امان الله خان از قرارداد بین محمد نادرشاه و پادشاه عربستان سعودی ناراحت میباشد. وی معتقد است که هدف این قرارداد مانع شدن از فعالیت وی و هوادارانش در حجاز میباشد، وی بخاطری که آرزو داشت برای بار دوم به حج برود، از عقد این قرارداد عصبانی میباشد.

امان الله خان معتقد است که الله نواز خان بحیث رابط محمد نادر خان با انگلیس ها کار میکند. وی معتقد است که الله نواز بود که توانست در وقت اغتشاش حبیب الله کلکانی، از حکومت بریتانیا برای استفاده محمد نادرشاه شش لک (۲۰۰۰۰) روپیه و مقدار فراوان مهمات را بدست آورد.

امان الله خان معتقد است که غلام صدیق خان چرخی و عبدالحسین خان به گروپ وی تعلق دارند. وی غلام صدیق خان چرخی سفیر فعلی افغانستان در برلین و عبدالحسین

خان⁷⁴²، سفیر فعلی افغانستان در روم را از طرفداران خود میداند. آقای اخیرالذکر که فعلاً برای شرکت در کنفرانس خلع سلاح در جینوا میباشد، به تمام معنی و مفهوم خود را از کابل مطروح میداند. بنظر میرسد که یک مرکز خیلی بزرگ ضد محمد نادر شاه در برلین در حال شکل گرفتن است، و آخرین کسی که به آن علاوه شده است غلام جیلانی خان، برادر غلام صدیق خان چرخی میباشد، که اخیراً از افغانستان اخراج شده است.

مسلم است که امان الله خان بصورت دوامدار با پیروانش مکاتبه دارد. وی خود نمی‌نویسد، بلکه این کار را عبدالوهاب طرزی، برادر خانمش که در روم با وی زندگی میکند، برایش انجام میدهد.

امان الله خان در وضعیت مالی خوبی قرار ندارد. گفته میشود که وضعیت اقتصادی شاه سابق خوب نیست، و وی عمدآ از پول کرایه دو خانه که در روم خریداری نموده است، امرار معاش میکند.

اقدامات سردار محمد هاشم خان بعد از کشته شدن محمد نادر شاه

جگون فرویل (Major Farwell) آتشه نظامی سفارت انگلیس در کابل خبر کشته شدن محمد نادر شاه را به دولتش اطلاع داده نوشته که «اعلیحضرت نادر شاه حوالی ساعت ۲ و ۴۵ بعد از ظهر ۸ نومبر [۱۹۳۳] در محفل چائی که توسط وزارت معارف تهیه شده بود، توسط یک متعلم مکتب آلمانی⁷⁴³ به قتل رسید.

⁷⁴². منظور سردار عبدالحسین خان عزیز فرزند سردار عبدالعزیز خان اولین سفیر افغانستان در تهران میباشد. سردار عبدالحسین خان عزیز از رفقای میرسید قاسم خان، عبد الهادی خان داوی و دیگر جوانان مشروطیت اول و دوم به شمار میرفت. سردار موصوف بعد از سقوط دوره امانتی، در سال ۱۹۳۰، بحیث سفیر افغانی در روم مقرر شد و در سالهای بعد از آن در پست‌های بلند مثل نماینده افغانی در کنفرانس خلع سلاح جینوا، سفیر کبیر افغانی در مسکو، وزیر فوائد عامه در کابینه محمد هاشم خان، سفیر کبیر افغانستان در واشنگتن، نماینده افغانستان در مملکت متحده، وزیر معارف و سفیر کبیر افغانی در دهلی کار کرد. مرحوم عبدالحقی خان حبیبی او مورد سؤظن وطنخواهان و مرحوم غلام محمد غبار او را سردار نقاب داری خوانده است که برای رژیم نادر خان کار میکرد.

⁷⁴³. منظور مکتب امانتی است که تحت ریاست آلمان‌ها قرارداشت. بعد از تخت نشینی محمد نادر خان و کمپاین ازبین بردن اسم و نشان امان الله خان مثل مکتب امانتی، اسم مکتب امانتی هم تبدیل شد. بعد از آن این مکتاب به نام‌های استقلال و نجات یاد میشدند.

قاتل پسر خدمتگار مرحوم غلام نبی خان بوده و بنظر میرسد که این جرم برای انتقام از اعدام غلام نبی [خان چرخی] باشد، که یکسال قبل به همین تاریخ صورت گرفته باشد.

شاه محمود خان فوراً بعد از قتل تمام اعضای خانواده شاهی موجود در کابل، و متندزین محلی بشمول حضرت سوربازار را جمع نموده و محمد ظاهر شاه را بحیث پادشاه اعلام کرد. گفته میشود که تخت به خود شاه محمود خان پیشکش شد، اما او قبول نکرد... مراسم تدفین صبح ۹ نومبر انجام یافت. هیئت دیپلماتیک و یک جمعیت بزرگ حضور داشتند، اما غیابت محمد ظاهر خان و شاه محمود خان مشهود بود. الله نواز خان در مراسم تدفین نقش باور داشت⁷⁴⁴.

قابل یاد اوریست که یک ماه قبل از کشته شدن محمد نادر خان دور یاد غیر عادی رخداده بود: رویداد اول دستگیری «لیونی فقیر» و همکارانش بود که طی یک عملیات مشترک دولت افغانستان و هند بریتانی در تورخم بدام انگلیس‌ها افتاد. رویداد دوم تجلیل از جشن تخت نشینی محمد نادر شاه در کابل بود. آتشه نظمی سفارت



53. نادر شاه به ضرب گلوله از پا در آمده است

744. استاد محترم آرشیف هند بریتانی، یادداشت شماره ۴۵ برای آخر هفتۀ ۹ نومبر ۱۹۳۳.

انگلستان در کابل در رابطه با رویداد اخیر گزارش داد که «جشن تجلیل از سالگرد تخت نشینی نادرشاه در کابل به تاریخ ۱۲ اکتوبر برگزار شد. برخلاف سال گذشته، این مراسم به عوض محضر عام در قصر دلکشا برگزار شد، و از رسم گذشت گاریزون کابل نیز اثری نبود. شاه، شیخ السفرا ستارک [سفیر روسیه] از هیئت دیپلماتیک و عبدالاحد رئیس شورای ملی سخنرانی کردند. همان شب مأمورین افغان و سران سفارت‌ها نان شام را با شاه در قصر دلکشا صرف نمودند. بعد از نان، ضیافتی ترتیب داده شده بود که در آن تمام خارجیان و شخصیت‌های برجسته افغان حضور داشتند، اما باز هم برخلاف سال گذشته، شاه در آن ضیافت حضور نداشت⁷⁴⁵.».

سفیر انگلیس در کابل هم ضمن مکتوبی را پورآتشه نظامی را به وزیر دولت برای امور خارجه در لندن ارسال نموده نوشت که «این مراسم به اثر خاطره اعدام‌های اخیر در کابل، و تدبیر احتیاطی بسیار شدیدی که برای حفظ شخص شاه از حملات احتمالی تروریست‌ها لازم شمرده میشد، خدشه دار شده بود. در نان شب دیده میشد که پسر شاه، ظاهر جان، کسی که غیبت‌ش در سال گذشته منجر به تبصره هائی شده بود، در پهلوی شاه حضور نداشت، بلکه بظرف راست صدراعظم [هاشم خان] در سمت مخالف میز اعلیحضرت نشسته بود⁷⁴⁶.».

اطلاع کشته شدن نا به هنگام محمد نادرشاه، پادشاه افغانستان به تاریخ ۸ نومبر ۱۹۳۳ خبر داغ جهانی گردید. در روم، خبرنگاران به اقامتگاه غازی امان الله خان هجوم برداشتند. امان الله خان، روز دیگر ناگزیر گردید با خبرنگاران مصاحبه نماید. او در گفتگو با خبرگزاری «رویترز» در حالی که پسر بزرگش هدایت الله‌وی را همراهی می‌کرد، گفت که «هرگاه مردم افغانستان آرزومند بازگشت من با برنامه اصلاحات و ترقی ام باشند، همواره آماده هستم با همه توان به کشور خود خدمت نمایم». ⁷⁴⁷ وی افزود که «نمی‌تواند از مرگ نادرشاه تا اندازه یی احساس رضایت‌مندی نکند، مگر در عین زمان متاسف است از این که پادشاه افغانستان کشته شده است». او از دادن پاسخ به پرسش درباره بازگشت ممکنه اش به افغانستان، خود داری کرد.

⁷⁴⁵. اسناد محرومۀ آرشیف هند بریتانی، یادداشت شماره ۴۲ برای آخر هفتۀ ۱۰۹ اکتوبر ۱۹۳۳.

⁷⁴⁶. همانجا.

⁷⁴⁷. آرشیف دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند ۵۳۲، دوسيۀ مخصوص ۴، کارتن ۱۳۲، صفحۀ ۱۰۷ (به حوالۀ تیخانف).

پس از کشته شدن محمد نادر شاه، گرچه پسرش محمد ظاهر شاه (۱۹ ساله) در موجودیت کاکاهای قدرتمندش سردار محمد هاشم خان، سردار شاه محمود خان و سردار شاه ولی خان به تخت نشست، اما سردار محمد هاشم خان صدراعظم بود که به ریاست خاندان یحیی خیل رسیده، و عملای فرمانروای کشور گردید. سردار محمد هاشم خان به کمک انگلیس‌ها از مشکلات داخلی و خارجی ایکه حکومت جدید به میراث برده بود، آگاه میشد. این مشکلات در امور داخلی شامل عناصر طرفدار غازی امان الله خان، جمعیت "جوانان افغان"، حامیان محمود طرزی و خانواده چرخی، روحانیون پرنفوذ، و جامعه قبایلی متنفر از انگلیس بود.

اقداماتی که محمد هاشم خان صدراعظم برای تحکیم سلطه خاندانی در دست گرفت شامل ازبین بردن یا خنثی ساختن مخالفین عمد، ایجاد کنترول مؤثر تر بر اقوام (خصوصاً اقوام مشرقی و جنوبی)، کسب حمایت یا بی طرفی غلبه‌ها، و اکشاف مخابرات و موصلات بمنظور تماس با اوضاع در ولایات کشور و در صورت لزوم نقل و حرکت قوای نظامی بود.

انگلیس‌ها غازی امان الله خان و گروپش را که "امانیست" خوانده میشدند، تحت نظارت شدید داشتند. و از دیگر فعالیت‌ها و تلاش‌های شانرا به آگاهی سردار محمد هاشم خان رساندند. هاشم خان هم برای انتقام خون برادرش و هم برای زدایش تهدید خاندان حاکم، دو گروه را برای ازبین بردن غازی امان الله خان و چهوه‌های سرشناس حواریون او سازمان داد.

یک سند دفتر استخبارات وزارت داخله هند بریتانی⁷⁴⁸ نشان میدهد که الله نواز خان بتاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۳۳ بمقصد سفر به اروپا، ویژه ترازنیت هند را بدست آورده است. درین مکتوب ذکر شده است که «دلیل این سفر معلوم نیست، اما قرار راپورها حرکت وی در کابل سبب شایعات شور انگلیزی شده است». سند دیگر حاکیست که الله نواز خان، کسی که در سال ۱۹۳۲ مأموریت محرومانه نادرشاه را در اروپا به عهده داشت، یک بار دیگر به اروپا آمده و فعلًاً در برلین میباشد.⁷⁴⁹

⁷⁴⁸. مکتوب محرمانه مؤرخ ۳ جنوری ۱۹۳۴، شماره ۲۰/P.F./31، دفتر استخبارات وزارت داخله (اتیلیجنست بیوروی هوم دیپارتمنت).

⁷⁴⁹. اسناد آرشیف هند بریتانی⁷⁴⁹ (S)/J/P/L مؤرخ ۸ مارچ ۱۹۳۴.

وقتی سازمان های استخباراتی شوروی به سرعت ازین طرح اطلاع یافتند، دولت روسیه که در رقابت شدید با انگلیس ها قرار داشت، تصمیم گرفت تا از غازی امان الله خان حمایت نموده و برای حفظ جان وی تدابیر لازمه را روی دست گیرند.

در ماه جنوری ۱۹۳۴ سفارت شوروی از کمیساریای خلق در امور خارجی رهنمود گرفت تا شاه سابق را از تهدیدی که متوجه او است، آگاه سازد. قره خان، معاون کمیساریای خلق در امور خارجی به آگاهی پوتومکین، سفير شوروی در روم رساند که الله نواز خان⁷⁵⁰، یاور خاص محمد نادر شاه، با گرفتن وظیفه سازماندهی کشتن امان الله خان به اروپا گسیل گردیده است⁷⁵¹.

الله نواز خان ملتانی یکی از شاگردان کالج لاهور پسر خان بهادر رب نواز خان بود که با برادرش شاه نواز خان و خادم شان عبد الحق که جدیداً مسلمان شده بود، در ماه فبروری ۱۹۱۵ میلادی به همراهی یک گروپ از شاگردان لاهور که ظفر حسن ایک نیز در آن شمولیت داشت، هند بریتانی (دارالکفر) را ترک و به افغانستان (دارالاسلام) هجرت کرد، تا از آنجا با خاطر شمولیت در ارتش ترکیه خود را به ترکیه برسانند. به استناد اسناد آرشیف هند بریتانی، آفایان غبار، پوهاند حبیبی، ظفر حسن ایک و ادمک، خاندان "نواز" سابق طولانی در خدمت حکومت انگلیس داشت. در دوره امپرانی یک شخصیت مشکوک بود. برادرش با سفارت انگلیس در کابل ارتباط مخفیانه داشت. عبد الحق خادم شان شخصی بود که راز "نامه های ابریشمی" معروف مولانا عبیدالله سنده را افشا کرده و سبب دستگیری تعداد زیادی از مبارزان ضد استعمار انگلیس شد. ادمک مینویسد که الله نواز خان ادم خطرونا کی بود... او در رابطه با قبایل سرحد خدمات ارزشمندی را برای نادر شاه انجام داده است. وزارت خارجه جرمی او را جاسوس انگلیس میداند. سفير ایتالیا در کابل نیز عین اشتباها را دارد. الله نواز خان که از هواداران سر سخت نادر شاه بود، در اوایل سلطنت محمد نادر شاه به غزنی فرستاده شد تا شیرآغا مجددی (نورالمشایخ) را تحت تعقیب داشته باشد، زیرا حکومت وقت بر شیرآغا مجددی چندان اعتماد نداشت. الله نواز خان بحیث یاور اول محمد نادر شاه و به تعقیب آن به صفت وزیر مقرر شد. الله نواز خان در سال ۱۹۳۲ از راه هند بریتانی با آزادی تام به اروپا رفت. برای گفتگو در موضوع جزای قاتل سردار محمد عزیز در برلین شرکت نمود. مدتی وزیر دربار و وزیر فوائد عامه بود. بین سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۴۵ بحیث سفير (وزیر مختار) افغانستان در برلین ایفای وظیفه نموده و غلام صدیق خان چرخی و هواداران دیگر غازی امان الله خان را تعقیب میکرد.

آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۰۷۱، سال ۱۹۳۴، دوسيه مخصوص ۱۲، کارتون ۱۷۰، صفحه ۹، به حواله تیخانیف.

هاشم خان برای اطمینان بیشتر در نابود ساختن حتمی دشمن خونی خود، فرمان داد تا در پهلوی گسیل افراد خاص به اروپا، گروه دیگری را به مکه بفرستند. چون امان الله خان تصمیم گرفته بود برای انجام فریضه حج برود.

اینکه چگونه دستگاه‌های استخباراتی و دیپلماتیک انگلیسی فعالیت‌ها و حرکات غازی امان الله خان، اعضای خانواده و حامیانش را تحت نظارت داشتند؛ برای بدست آوردن اطلاعات از چه شیوه‌های استفاده میکردند؛ این اطلاعات حاصله چگونه کار گماشتگان دولت را آسان میساخت؛ و بالآخره این حامیان و اطرافیان غازی امان الله خان چه کسانی بودند، در صفحات بعدی ذکر خواهد شد. درینجا به یک نمونه از گزارشات استخبارات انگلیس اشاره میکنیم که خوانندگان محترم خود مقاصد نهانی و تأثیرات روانی آنرا بر محمد هاشم خان صدراعظم و دیگر بازماندگان بر سر اقتدار خانواده محمد نادرشاه درک گرده میتوانند.

در راپور بسیار محترمانه ۱۹ جنوری ۱۹۳۴ مربوط به امور افغان‌ها ذکر شده است که غلام صدیق خان چرخی از چند هفته بدینسو در روم بوده و بصورت منظم همنشین شاه سابق، غازی امان الله خان، میباشد. اخیرالذکر کاملاً امیدوار است که تابستان امسال در کابل خواهد بود؛ در حقیقت وی منتظر کشته شدن برادران نادرشاه است که محتاطانه طرح ریزی شده است. گفته میشود که ترتیبات ذرایع قناعت بخش ارتباط با عناصر "جوانان افغان" در افغانستان، کسانی که برای سرنگونی رژیم موجود توطئه میکنند، گرفته شده است. غلام صدیق خان مسئولیت این کار را به عهده داشته و چند پایه ماشین چاپ (حداقل سه پایه) برای کمک به انقلابیون به افغانستان فرستاده شده است. اینکه این ماشین‌های چاپ چگونه به افغانستان فرستاده شده اند معلوم نیست، اما گمان می‌رود که ممکن کار میانجیگری‌های محتاط پنهانی در هند باشد.

این راپور علاوه میکند: امان الله خان انتظار دارد که در صورت مساعد شدن وقت رفتنش، ایتالیا در فراهمی زمینه سفر از طریق روسيه کمک خواهد کرد. وی ادعای دارد که با پادشاه ایتالیا روابط دوستانه دارد، و وزارت خارجه ایتالیا در حال حاضر علاقمندی نشان داده است. در همین راپور ذکر شده است که بعد از کشته شدن محمد نادرشاه، امان الله خان با بارون الویسی (Baron Aloisi) سکرتدایمی دفتر خارجه ایتالیا یک ملاقات طولانی داشته است.

راپورهای استخبارات انگلیسی از محمد علی خان، پسر مرحوم محمد ولی خان (که در دسمبر گذشته توسط محمد نادر خان اعدام شد) نام برده و مینویسد که «این نوجوان که از تمام دارائی پدرش محروم شده است عملاً در پاریس تنها مانده و در صدد انتقام برآمده است.... شاه ولی خان سفیر افغانستان در پاریس از موجودیت محمد علی خان در آن شهر آگاهی کامل داشته و گمان نمی‌رود که برای حفظ سلامتی خود سهل انگاری کند»⁷⁵².

شوروی‌ها همه اقدامات هاشم خان را که سرسختانه می‌کوشید بخاطر برادرش از امان اللہ خان و حواریون او انتقام بگیرد، زیر ترصد داشتند، و این تلاش‌های مسکوتاً اندازه در ناکامی شکست کوشنش‌های ترور غازی امان اللہ خان نقش داشت. مثلاً اللہ نواز خان و افرادش از سوی پولیس ایتالیا دستگیر و سلاح‌های شان ضبط گردید، کاری که سربه رسوابی جهانی زد⁷⁵³.

اما این ناکامی اللہ نواز خان مانع انتقام جوئی خانواده شاه مقتول نگردیده و یکبار دیگر در ماه می ۱۹۳۴ احمد علی خان را به حیث سکرتور سفارت افغانستان به روم فرستادند، تا به هر قیمتی که شده، وظیفه سپرده شده به اللہ نواز خان را به سر برساند. هاشم خان اینبار محافظ خاص خود، حکیم، رانیز برای انجام این «اقدام» به روم فرستاد.

ممکن است این احمد علی خان همان احمد علی خان لودین، رئیس اردو باشد که بعداً بحیث وزیر مختار افغانستان در برلین تعیین شد.

بار دیگر استخبارات شوروی به اطلاعات «گرانبهایی» در زمینه دست یافته، آن را از طریق سفارت شوروی در روم به دسترس غازی امان اللہ گذاشت که بی‌درنگ تدبیر لازم امنیتی را در زمینه روی دست گرفت.

به گفته داکتر یوری تیخانف، خاورشناس روسی و نویسنده کتاب سیاست قدرت‌های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون (نبرد افغانی استالین) اکنون ناممکن است میزان

⁷⁵². اسناد محمله آرشیف هند بریتانی در کتابخانه لندن، راپورهای سرویس استخبارات مخفی (SIS) مربوط به فعالیت‌های شاه سابق امان اللہ خان، خانواده و حامیانش

L/P&J/12/121

⁷⁵³. آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۰۷۱، سال ۱۹۳۴، دossیه مخصوص ۱۲، کارتون ۹۰، صفحه ۲۲، به حواله تیخانیف، صفحه ۹۰.

مشارکت سازمان‌های اطلاعاتی شوروی در تامین امنیت امان‌الله خان در آن برهه را روشن ساخت. مگر می‌توانیم حدس بزنیم که کاملاً امکان دارد این سازمان‌ها تنها به رساندن اطلاعات محرم از کابل به روم اکتفا نکرده باشند. معلوم می‌شود که پولیس و سرویس‌های مخصوص ایتالیا در سال ۱۹۳۴ ناگزیر گردیدند مساعی همه جانبه‌ی را برای نگهبانی از امان‌الله خان روی دست بگیرند. تیخانف می‌گوید که در نتیجه، واپستگان و هم‌خاندانی‌های نادرشاه با پی بردن به بیهودگی تلاش‌های خود ناگزیر گردیدند برنامه‌رسیدن به حساب امان‌الله در اروپا را از سر خود بکشند. با آن که تلاش‌های مبنی بر مسموم ساختن او در مکه تا سال ۱۹۳۸ ادامه یافتد.

اقدامات انگلیس‌ها به تعقیب کشته شدن محمد نادر شاه

سفیر انگلیس در کابل بتاریخ نهم ماه نومبر ۱۹۳۳ طی تلگرامی به وزیر امور خارجہ انگلستان، وزیر دولت برای هند، و وزیر خارجہ برای امور هند، ابلاغیه رسمی حکومت افغانستان در رابطه با کشته شدن محمد نادرشاه و یک کاپی از ترجمه خلاصه مقاله اصلاح را فرستاد.

متن ابلاغیه رسمی یوم چهارشنبه ۱۲ عقرب ۱۳۱۲ شمسی:

اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه پادشاه غمخوار ما و شما و تمامی ملت افغانستان در یوم چهارشنبه ۱۲ عقرب بساعت سه بجۀ بعد از ظهر در احاطه قصر دلکشا ازدست

یکنفر جانی و خائن غدار بزخم تفنگچه شهید اکبر گردیدند - انان الله وانا اليه راجعون - بر حسب امر شریعت غرایین خادم اسلام و تمامی مشايخ گرام و علمای اعلام و وزرا و مأمورین و عساکر و رعایای مرکز کابل به ذات عالی شهزاده محمد ظاهر خان فرزند ارشد اعلیحضرت غازی و شهید رحمت الله علیه بیعت نموده و بدلو جان ربه ایضاً این پنهان پنهان بود و بعد از خان پادشاه قبوره کشف شد. این پنهان طرف اطیافرست عذری قبول و پرون مذکور اطیافرست پنهان پادشاه افغانستان شناخته شدند. پیشترهای غمازون اذن نهیه و ائمه مستحضر گردانید. برایان اسر موقوف که پیش‌اصل و مذکوره اموریان یعنی رای امام اطیافرست بعد طاهر خان استصال و افسال صور داشته و مدت سه بدر در همان قاعده اطیافرست غازی شهیدان گویند. «وکل اطیافرست ولی امور سرب، شاه عرب»



54. ابلاغیه رسمی کشته شدن نادرشاه و سلطنت محمد ظاهرشاه

مددگار شان باد
بدوش قبول گرفتند.

این بیعت از طرف اعلیحضرت ممدوح قبول و بروز مذکور اعلیحضرت شان بپادشاهی افغانستان شناخته شدند.

باين ذريعه شما عزيزان را ازین قضيه واقعه مستحضر گردانيده برایتان امر میداريم که بيعت اهالى و عساکر و مأمورین آنجا را بنام اعلیحضرت محمد ظاهر خان استحصلال و ارسال حضور داشته و مدت سه روز در آنجا فاتحه اعلیحضرت غازى شهيد را بگيريد.
وکيل صدراعظم⁷⁵⁴، وزير امور حرب شاه محمود»

انگلیس ها بعد از کشته شدن محمد نادر خان برای جلوگیری از وحامت اوضاع و ثبات رژیم موجوده در افغانستان هم دست به اقدامات جدی یکطرفه زدند، و هم برای خشی ساختن فعالیت های امانیست ها اقدامات مشترکی را با رژیم خاندانی روی دست گرفتند.

مقامات انگلیسي نمیدانستند که ترور محمد نادر شاه يك عمل انفرادي انتقام جويانه است یا نتيجه يك پلان و سيعرى که سؤقصد به جان افراد ديگر خانواده يحيى را بدنبال داشته باشد. آنها وضعیت سرحدات آزاد را آرام ارزیابی میکردند، فکر میکردند که محمد ظاهر پسر محمد نادر شاه چانس مناسبی داشته باشد. حمایت متعدد کاکا های ظاهر خان، نبودن کدام مدعی رقیب، نزدیکی زمستان، و عودت قبایل کوچی (غلجی ها، خوستوال ها، تنگرهاری ها وغیره) به هند فکتور های بودند که به نفع ظاهر خان بود. اما با درنظر گرفتن کشته شدن سردار محمد عزيز خان (پدر سردار محمد داؤد خان) برادر بزرگ نادر شاه و سفير افغانستان در برلین⁷⁵⁵، کشته شدن کارمندان سفارت انگلیس در کابل، و به تعقیب آن دو ماه بعد کشته شدن محمد نادر خان، انگلیس ها را به هراس انداخت. آنها آينده را به فعالیت های غازی امان

⁷⁵⁴. محمد هاشم خان صدراعظم در وقت کشته شدن محمد نادر شاه بیرون از کابل و مشغول بازرسی امور ولایات شمالی افغانستان بود. وی بعد از آنکه از کشته شدن شاه مطلع و از استقرار سلطنت محمد ظاهر خان مطمئن شد، وارد کابل گردید و زمام امور را از شاه محمود خان وزیر حرب بدست گرفت.

⁷⁵⁵. سردار محمد عزيز خان سفير افغانستان در آلمان بتاریخ ۲ جون ۱۹۳۲ بضرب گلوله تفنگچه سید کمال خان بقتل رسید. سید کمال خان محصل افغانی اعلام کرد که این عمل او برسم احتجاج عليه سلطنه و نفوذ بریتانیا در افغانستان صورت گرفته است.

الله خان و گروپش مربوط دانسته و حتی تلاش پیش‌بینی آینده را هم خطرناک میدانستند.⁷⁵⁶

انگلیس‌ها یک روز بعد از آنکه شاه مقتول در کابل بخاک سپرده شد، برای جلوگیری از وحامت اوضاع و حمایت رژیم موجوده دست به اقدامات مستقیم ذیل زدند:

اخطار به قبایل آزاد

بتاریخ ۱۰ نومبر ۱۹۳۳ ذریعه تلگرام‌های به مقامات ایالت سرحدی شمال مغربی در پشاور، و ایالت بلوچستان در کویته هدایت داد شد که چون ثبات دولت افغانستان تا اندازه بسیار زیادی به اقدامات مهار کردن قبایل توسط حکومت هند وابسته است، لذا بدون ضیاع وقت و به هر طریقه که مؤثریت بیشتر داشته باشد، به سران قبایل تاکید شود که حکومت هند در قبال امور داخلی افغانستان از سیاست بیطرفی کامل پیروی میکند. در رساندن این پیغام به قبایل تاکید شد تا حد ممکن بدون سروصداصورت گیرد، و از هر گونه اشاره به موجودیت مناسبات دوستانه انگلیس‌ها با دولت افغانستان خودداری شود. به مقامات ایالتی امر شد که در صورت تخطی ازین اخطار و نشانه‌های تصمیم عبور سرحد توسط قبایل، فوراً به حکومت هند اطلاع داده، و پیشنهادات خود را برای جلوگیری از خرابی اوضاع بفرستند. دولت هند امدادگی دارد برای شکستاندن چنین یک حرکتی در مراحل ابتدائی اش، و یا برگشتاندن قبایلی که به خاک افغانستان داخل شده باشند، از اقدامات لازم پیشنهاد شده حمایت کند.⁷⁵⁷

بسته فمودن سرحد

حکومت هند بریتانی بتأريخ ۱۰ نومبر ۱۹۳۳ مكتوب عاجل ذيل را به مدراس، بمبئی، کلكته، لكنهو، رنگون (برما)، پتنا، ناگپور (ایالات مرکزی)، آسام، کمشنر عالي اجمیر-میروارا، بنگلور، دھلی، حیدرآباد (دکن)، لاهور، گجرات، نیپال، کشمیر، کاشغر و مناطق ديگر فرستاد: «با درنظرداشت قتل پادشاه نادرشاه، تا اوامر بعدی به استثنای افراد موظف، به هیچ سیاح بریتانی یا هندی، بشمول خانم‌ها اجازه داده

756. اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی، مكتوب محramانه شماره ۱۲۷۷-۱۳۱۳، مؤرخ ۱۹ نومبر ۱۹۳۳، ارزیابی اوضاع افغانستان توسط گورنر ایالت سرحدی شمال غربی.

757. اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی، تلگرام‌های شماره ۲۰ و شماره ۲۲۵۲، مؤرخ ۱۰ نومبر ۱۹۳۳ به پشاور و کویته.

نخواهد شد که از راه تورخم - کابل یا چمن - قندھار وارد افغانستان شوند⁷⁵⁸. بعد از ده روز تنها به مردانه ای اجازه داده شد تا از طریق تورخم و چمن وارد افغانستان شوند.

عجله در شناخت فوری ظاهر خان بحیث پادشاه

وزارت خارجه انگلستان بتاریخ ۱۰ نومبر ۱۹۳۳ به وزیر مختار انگلیس در کابل ضمن تائید نظرش در شناخت فوری ظاهر خان بحیث پادشاه نوشت که «با شناخت ظاهر خان بحیث پادشاه هیچ چیزی را از دست نخواهیم داد، و این قدم باید به امید بهبود چانس وی برداشته شود، چون اقدام شاه محمود خان برای ثبات رژیم مطلوب، به مصلحت بوده و نباید با شکست غیر مترقبه مواجه شود⁷⁵⁹.

جلوگیری از گزارش های مطبوعات و تهیه و پخش مواد مصلحتی و فرمایشی به خبرنگاران

به همان تاریخ ۱۰ نومبر ۱۹۳۳ به وزیر مختار انگلیس در کابل و وزارت خارجه در لندن اطلاع داده شد که «از تلگرام های مطبوعاتی دارای اشارات و بیانات خطروناک مثل دست داشتن محمد هاشم در قتل نادر درینجا جلوگیری شده و حتی تلگرام های ژورنالیست های طبقه بهتر هم تحت تصویب نامه تلگراف من نوع قرار داده شده اند... لذا ما ممنون خواهیم شد که اگر سفیر فورا و گاه گاهی برای دادن به ژورنالیست ها مواد مناسب را بما بفرستد».⁷⁶⁰

دادن اسلحه به حکومت کابل

انگلیس ها در هفتۀ اول بعد از کشته شدن محمد نادر شاه موافقت نمودند که تفنگچه های اتوماتیک (خودکار) و مرمی های آنرا به افغانستان بفرستند. آنها همچنان ۲۵۲ جعبه و سایل مخابره بیسیم را تهیه نموده و اسناد آنرا بدسترس نمایندگی افغانستان گذاشتند.⁷⁶¹

⁷⁵⁸. اسناد محرومۀ آرشیف هند بریتانی، مکتوب عاجل شماره ایف ۲۵۴/- ایف / ۳۲.

⁷⁵⁹. اسناد محرومۀ آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۷۰ مؤرخ ۱۰ نومبر ۱۹۳۳ به سفارت انگلیس در کابل و کاپی به دهلی جدید.

⁷⁶⁰. اسناد محرومۀ آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۳۹، مؤرخ ۱۰ نومبر ۱۹۳۳

⁷⁶¹. اسناد محرومۀ آرشیف هند، تلگرام های شماره ۲۷۲۵، ۲۳/۷۴۳۳، ۱۷ نومبر ۱۹۳۳

پیشنهاد شکایت به دولت ایتالیا

بتاریخ ۱۴ نومبر ۱۹۳۳ اطلاع داده شد که یک بیانیه غازی امان‌الله خان بزبان دری والیان و اهالی کابل، مزارشیف و میمنه را مخاطب قرارداده و از آنها خواسته است که «حال که خداوند مملکت را از نادرخان آزاد ساخته است، ازین خانواده وطن فروش اطاعت نکنید. اگر از من بخواهید، من برای خدمت به دین و وطن آماده می‌باشم». درین تلگرام علاوه شده است که «چون بنظر می‌رسد که امان‌الله به مهمان نوازی ایتالیوی‌ها بی حرمتی نموده است، با نظرداشت دلچسپی مشهود مشترک هردو کشور برای حفظ صلح، هیئتی به حکومت ایتالیا فرستاده شود».⁷⁶²

اما این پیشنهاد رد شده و به وزیر دولت برای امور هند در لندن اطلاع داده شد که «حکومت هند [بریتانی] هر نوع احتجاج رسمی دولت بریتانیا به حکومت ایتالیا را خیلی خطناک میداند، چون اگر افشا شود، بدون هیچ شکی مداخله مستقیم در امور داخلی افغانستان را نشان خواهد داد... احتجاج احتمالاً باید توسط حکومت افغانستان صورت بگیرد، و سفیر [انگلیس در کابل]، اگر لازم باشد، خلاصه مقصد پیغام امان‌الله را، البته بدون انشای مرجعی که آنرا به حکومت هند رسانده است، در اختیارشان قرار دهد».⁷⁶³

به تعقیب این تلگرام در یک تلگرام دیگر به سفیر انگلیس در کابل مشوره داده شد تا به حکومت افغانستان اخطار دهد که در صورت پرتوست شان به حکومت ایتالیا، و فشار آوردن بر امان‌الله خان تا ایتالیا را ترک کند، نه به نفع ما [انگلیس‌ها] و نه بنفع آنها [حکومت افغانستان] خواهد بود. بودن وی در روم یقیناً نسبت به اینکه طور مثال در قسطنطینیه یا مسکو باشد، کمتر خطناک می‌باشد».⁷⁶⁴ چون انگلیس‌ها غازی امان‌الله خان را در روم تحت ناظارت داشتند و تمام ترتیبات ممکن ناظارت بر فعالیت‌های وی را تدارک دیده بودند، علاوه بر خطر وارد کردن فشار برای ترک ایتالیا، میترسیدند که حتی یک اقدام ملایم هم منجر به انتقال فعالیت‌های وی بکدام مرکز دیگری در خارج

762. اسناد محروم‌آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۵۲ مؤرخ ۱۰ نومبر ۱۹۳۳ پشاور.

763. اسناد محروم‌آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۲۷۰۸ مؤرخ ۱۵ نومبر ۱۹۳۳ به لندن، و کاپی شماره ۳۹۲ آن به کابل.

764. اسناد محروم‌آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۷۷۲۲ مؤرخ ۱۷ نومبر ۱۹۳۳ به لندن، و کاپی شماره ۳۹۲ آن به کابل.

از ایتالیا نشود، که بدست آوردن اطلاعات آن برای شان مشکل خواهد بود. لذا پیشنهاد شد که دولت افغانستان از ایتالیا بخواهد از امام الله خان راجع به پیغام های متذکره بپرسد که آیا وی آنرا فرستاده است، و اگر چنین باشد بر آن اعتراض کند. بدین وسیله به امام الله خان بدون آنکه تهدید شود، اخطار داده خواهد شد.⁷⁶⁵

نظرارت بر غلجی ها

انگلیس ها از غلجی ها هراس داشته و معتقد بودند که میتوانند در رابطه با ثبات و امنیت در افغانستان نقش منفی ادا، و امنیت خانواده حاکم را بخطر مواجه سازند. لهذا آنها کپتان رایینسن (Captain J. A. Roninson) مأمور وظایف مخصوص، را مؤلف ساختند تا انها را تحت نظرارت و مراقبت داشته باشد. این صاحب منصب اردوی انگلیس در راپوری که یکماه بعد از کشته شدن محمد نادر خان تهیه کرد، نوشت که رالف گریفیت (Sir Ralph Griffith) حین مأموریتش در وزیرستان با سران متنفذ سلیمان خیل ارتباط نزدیک داشت و بنا بر راپوری که در آن وقت داده است، با وجود دشمنی بین غلجی ها و درانی ها [در دوران اغتشاش حبیب الله کلکانی]، طرز برخورد عمومی شان بمقابل نادر شاه و حکومتش دوستانه بود. اما شرایط حالاً تغییر نموده است. روش فعلی غلجی ها بمقابل حکومت افغانستان خصمانه میباشد. رایینسن علل این مخالفت را نفرت آنها از درانی ها، ترس آنها از محدود شدن بیشتر آزادی هایشان، و شاه جوان را دست نشانده انگلیس ها میدانند. بر علاوه شرکت اسهامی که حکومت در آن سهم دارد، به تجارت آنها صدمه وارد میکند.

جلوگیری و دفع هر نوع تهدید از مناطق تحت کنترول و یا قبایلی

انگلیس ها کوشیدند تا هر نوع تهدیدی که حکومت خانواده محمد نادر شاه را با خطر مواجه کند، کشف و بزودترین فرصت خنثی کند. طور مثال در هفتۀ اول بعد از کشته شدن محمد نادر خان هنگامی که انگلیس ها را پور گرفتند که غلام خان، خان سابق اسما در کنر، میخواهد در موقع مساعد به کمک سالار زائی ها اسما را دوباره اشغال

⁷⁶⁵ اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۸۰ مؤرخ ۲۲ نومبر ۱۹۳۳ وزارت خارجه انگلستان به سفير انگلستان در کابل

کند، به سالارزائی‌ها و غلام خان اخطار داده شد که در صورت چنین تلاشی با عواقب بسیار و خیم روبرو خواهد شد.⁷⁶⁶

مقامات انگلیسی همچنان بصورت عمومی به قبایل آزاد اخطار دادند که در صورت بروز هر نوع نا ارامی در افغانستان به هیچ قومی از "علاقه غیر" (مناطق آزاد سرحدی) اجازه مداخله داده نخواهد شد. لذا به شما اخطار داده می‌شود که اگر بصورت انفرادی و یا گروپی و یا لشکر قومی در افغانستان نزاع برپا کنید، و یا در کدام نا ارامی در آنکشور سهم بگیرید، حکومت بریتانیا برای توبیخ شما بصورت فوری و خیلی شدید اقدام خواهد کرد. در صورت تخطی ازین اخطار حکومت تمام قبیله را مسئول میداند. گورنر ایالت سرحدی شمال غربی برای توبیخ قبایل اقدامات آتی را چه بطور تنها یا چند تائی در نظر گرفته بود: (۱) نمایش قوای هوائی، همراه با پرتاب اوراق اخطاریه؛ (۲) راه بندی و گروگان گیری (برمته)؛ (۳) تجمع قوا در نقاط استراتیژیک؛ (۴) بمباردمان هوائی؛ (۵) پیش قدمی قوای نظامی در مناطق قبایلی.⁷⁶⁷

ازین اقدامات یکجانبه و اقدامات مشترکی که در قسمت‌های بعدی ذکر خواهد شد، روشن می‌شود که حمایت از رژیم خاندانی برای انگلیس‌ها چه اهمیتی داشته و آنها برای بقای این رژیم تا چه سرحدی پیشرفت‌های حاضر به انجام چه کارهای بودند.

اقدامات مشترک خانواده حاکم و انگلیس‌ها

روابط انگلیس‌ها با خاندان محمد نادر شاه سابقه طولانی داشته و همکاری و کمک های مخفیانه به وی در رسیدن به شهرت، قدرت و بعد از آن حمایت از رژیم خاندانی او در قسمت‌های دیگر ذکر شده است درین جاتها به ذکر مواردی می‌پردازیم که چند ماه قبل از کشته شدن محمد نادر شاه آغاز می‌شوند.

⁷⁶⁶. اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۷۷۱ مؤرخ ۱۲ نومبر به قوماندانی مناطق شمالی، سفارت انگلیس در کابل و دفتر خارجه امور هند.

⁷⁶⁷. اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی، مکتوب محramانه شماره ۱۳۱۳-۱۲۷۷، مؤرخ ۱۹ نومبر ۱۹۳۳ سکرتر عالی حکومت برای ایالت سرحدی شمال غربی.

۱. تقاضای دستگیری غازی امان الله خان از دولت ایتالیا

مصاحبه که غازی امان الله خان یک روز بعد از کشته شدن محمد نادر شاه با رویتر انجام داده و صبح ۱۰ نومبر ۱۹۳۳ در مطبوعات ایتالیا بنشر رسید، توسط سفارت انگلیس در روم بعد از سپری شدن هشت روز به لندن رسید. درین مصاحبه شاه سابق به یک ژورنالیست ایتالی راجع به محمد نادر شاه اظهار داشته بود که از مرگش متأسف است، او یک جنرال خوب و برای استقلال افغانستان جنگیده بود. وقتی از شاه سابق دلیل کشته شدن محمد نادر شاه پرسیده شد، وی جواب صریح نداد، اما گفت که از معلومات کمی که در اختیارش است، در رژیم نادر خان در افغانستان خون‌های زیادی ریخته شد. او بی‌رحمانه هر کسی را که جلو راهش ایستاد، سرکوب کرد. وی از کشتن محمد ولی خان، کسی که در عهد او (شاه سابق امان الله خان) نائب سلطنت بود، از سفیر سابق افغانستان در ترکیه و برادرش که او هم دیپلمات و پسر غلام حیدرخان چرخی بود، مثال آورد.

امان الله خان در ادامه مصاحبه اش گفته بود که «طوری که گفتم باوجودی که از مرگ نادر خان متأسفم، اما صادقانه اعتراف می‌کنم که از فکر اینکه روحیه آزادی و پیشرفت مدنی که من خود را وقف آن نموده بودم، در افغانستان نایاب نشده و حال هم خصوصاً در بین جوانان کشور یک نیروی زنده است، نمیتوانم تا اندازه احساس آرامش نکنم. اعمال نادر خان آزادی مملکت را بخطرو انداخت. اما مردم بیدار بلاخره به این حقیقت و خیانت او پی بودند». وقتی از وی پرسیده شد که اگر شرایط مناسب شوند، آیا وی میخواهد دوباره تاج و تخت افغانستان را بدست آورد، امان الله خان جواب داد که وی نمیداند وضعیت کنونی افغانستان چگونه است، و جانشینی پسر نادر خان به چه اساسی صورت گرفته است، اما وی اعلام داشت که اگر مردمش بخواهند، وی برای خدمت به وطن و قبولی تمام مسؤولیت‌ها آماده می‌باشد⁷⁶⁸. عکس العمل انگلیس‌ها و رژیم کابل بمقابل این مصاحبه غازی امان الله خان شامل تقاضای از دولت ایتالیا بود تا غازی امان الله خان را دستگیر کنند.

بتاریخ سوم جنوری ۱۹۳۴ آقای گلانتی (Signor Galanti) سفير ایتالیا در کابل با یک یادداشتی بدیدار سفير انگلیس می‌رود. او خیلی ناراحت بنظر می‌رسد و به سفير انگلیس می‌گوید که رژیم کابل از وی رسماً تقاضای دستگیری امان الله خان را نموده

⁷⁶⁸ اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، مراسله شماره ۲۴ (۳۳۰/۱۴/۳۳) مؤرخ ۱۰ نومبر ۱۹۳۳ سفارت انگلستان در روم

است او به سفیر انگلیس شکایت میکند که چنین تقاضائی بسیار مضحك است، اگر حکومت افغانستان خواهان چنین تقاضائیست، راه درست آن از طریق سفیر خود شان در روم میباشد. در نتیجه او نه تنها در رابطه با این یادداشت هیچ اقدامی نکرد، بلکه حتی از تصدیق وصول آن نیز اباورزید. سفیر ایتالیا درینجا از سفیر انگلیس میپرسد که آیا درین موضوع با او تماسی گرفته شده است، و اگر گرفته شده باشد، چه نظری را ارائه کرده است؟⁷⁶⁹

سفیر انگلستان بعد از آنکه متن ترجمه فرانسوی یادداشت توسط گلانتی برایش خوانده میشود، به سفیر ایتالیا توضیح میدهد که این تقاضا اصلاً توسط مسودة تلگرامی توسط نمایندگان ملت صورت گرفته است. سفیر انگلیس علاوه میکند که کاپی‌های این تلگرام برای ما احتمالاً بخاطر نشان دادن اتفاق آرای مردم افغان در حمایت از ظاهر شاه و نفرت از امان الله خان ارسال شده است.⁷⁷⁰

سفیر انگلیس در کابل ضمن ارسال دو ضمیمه در مکتبش به وزیر دولت برای امور خارجه در لندن مینویسد که در حقیقت وزیر خارجه فیض محمد خان (ذکریا) بزودی بعد از کشته شدن شاه، محترمانه بمن گفت که دیر یا زود به یک شکلی قطعنامه نمایندگانی را برایش خواهد فرستاد که برای اظهار تعزیت و دادن بیعت خواسته شده اند. او علاوه میکند که در قطعنامه پیشنهادی تقاضای سپردن قاتلین محمد نادر شاه به آنها، ریشه کنی مکتب آلمانی⁷⁷⁰ بشمول تخریب کامل ساختمان آن و تقاضا از قدرت‌های خارجی شامل میباشد تا اقداماتی را علیه امان الله خان عملی کنند.

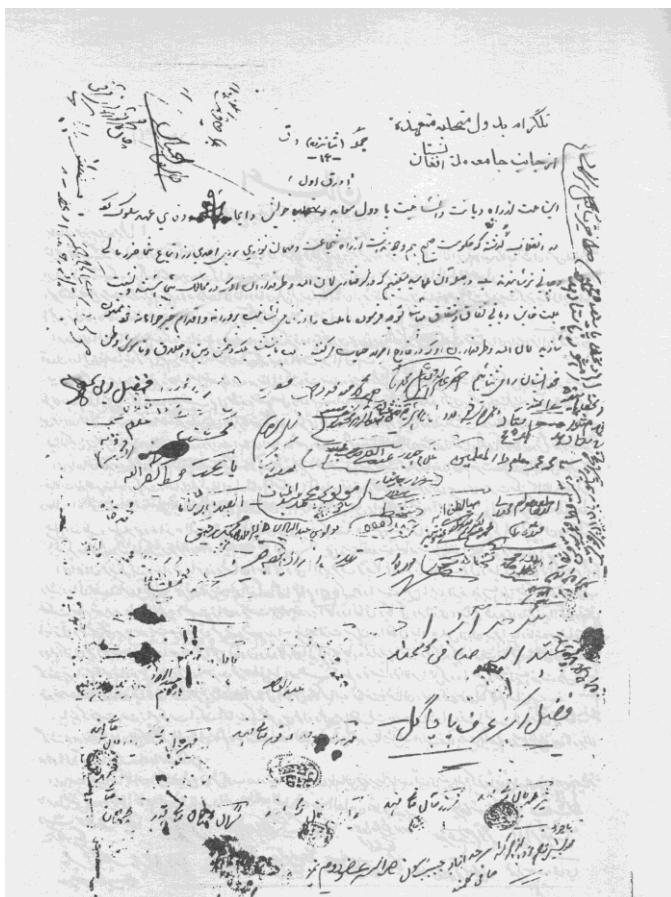
ضمیمه اول مکتب سفیر تلگرامی بود در ۱۲ صفحه به امضای به اصطلاح نمایندگان ملت، و ضمیمه دوم ترجمه مکتب وزارت خارجه افغانستان بود⁷⁷¹. که تقاضای ارسال تلگرام فوق الذکر را در بر میگرفت. درین مکتب بعد از اشاره به مصاحبه شاه سابق با نماینده رویتر آمده بود که «از آنجاییکه افغانها امان الله را دشمن دین، اخلاق و ناموس

⁷⁶⁹. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی، مکتب مؤرخ ۹ جنوری سفیر انگلستان در کابل به وزیر دولت برای امور خارجه در لندن.

⁷⁷⁰. منظور مکتب امنی است که تحت ریاست آلمان‌ها قرارداشت. بعد از تخت نشینی محمد نادر خان و کمپاین از بین بردن اسم و نشان امان الله خان مثل مکتب امنیه، اسم مکتب امنی هم تبدیل شد. بعد از آن این مکاتب به نام‌های نجات و استقلال یاد میشدند.

⁷⁷¹. مکتب شماره ۷۵۸ مؤرخ دوم جنوری ۱۹۳۴.

کشورشان میدانند، تمام نمایندگان ملت که بمناسبت شهادت اعلیحضرت محمد نادرشاه از تمام نقاط افغانستان برای اظهار تعزیت، و بیعت به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در پایتخت گرد آمده اند، بعد از اینکه از این عمل امان الله مطلع شدند، یک مجلس عام را دائر نموده و به نمایندگی از تمام ملت این تلگرام را تحریر و امضا نموده اند»⁷⁷².



55. تلگرامی که از طرف به اصطلاح نمایندگان مردم افغانستان به ممالک متحابه فرستاده شده و در آن تقاضا شده بود که به امان الله خان و یارانش پناهندگی ندهند

درین رابطه، برای دانستن بهتر موضوع و علل اصلی این اقدام مشترک حکومت سردار محمد هاشم خان و انگلیس‌ها، اشاره به چند گزارش و سند از استخبارات انگلیس خالی از دلچسپی نخواهد بود:

۱. در رابطه با نفرت مردم

بعد از کشته شدن محمد نادر خان، جگرن میدی (Major Meade) از دفتر استخبارات بلوچستان معلومات مهمی را به مرکز فرماندهی ارتش هند بریتانی فرستاده و توجه شانرا به نفرت مردم از محمد نادر خان و خانواده اش جلب میکند. او در قسمت دلایل این نفرت از سیاست "تفقه انداز و حکومت کن" این خانواده نام برده و میگوید که هر شخص با احساس ضرر این پالیسی نفاق افغانانه را برای قومش و شخص خودش درک نموده و از همین سبب به مخالفت حکومت میپردازد. "میدی" به استناد اطلاعاتی که جمع آوری نموده است علت عدمه بی اعتمادی مردم به این خانواده را عملی نکردن تعهدات و سوگند هایشان میداند. او می افزاید که بنظر میرسد تبلیغات هواران امان الله خان هم در بی اعتمادی افغانها بر حکومت موجوده نقش داشته و او معتقد است که تعداد طرفداران امان الله خان روبرو از دیگر است، اما بنظر میرسد که فعلاً در داخل افغانستان رهبری نیست که این جمعیت بزرگ را بمقابل ارتشی که تا بحال وفادار است، رهبری نموده و حکومت موجوده را سرنگون سازد. اگر امان الله خان خودش بتواند به افغانستان یا سرحداتش بیاید، یک قیام عمومی تقریباً اجتناب ناپذیری برپا خواهد شد. با وجودی که رسیدن زمستان ممکن این روز بد را به تاخیر بیاند ازد، بنظر میرسد که بهار یا تابستان ۱۹۳۴ شاید برای افغانستان یک زمان خیلی خطرناک و بحرانی باشد.

جگرن میدی در یک جای دیگر راپور خود به گزارش ۲۰ نومبر آتش نظامی سفارت انگلیس در کابل، که همین حالا برایش رسیده است، اشاره نموده مینویسد که اگر اجازه داشته باشم راجع به آن تبصره کنم، خواهم گفت که نظر به معلوماتی که من دارم، فرض کنیم که اکثریت افغانها تا حال از حکومت نادر خان راضی بوده باشند، اگر امان الله خان خودش برگردد، هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) افغانستان از وی استقبال خواهد کرد.⁷⁷³

⁷⁷³. استاد محترمۀ استخبارات انگلیس، دفتر هند بریتانی، مکتوب شماره آی. ایل. ۲۹۴، ۱۹۳۳ مورخ ۲۳ نومبر.

2. در رابطه با بیعت نامه‌ها به محمد ظاهر شاه

اداره استخبارات بلوچستان در رابطه با تلاش‌های بدست آوردن بیعت به محمد ظاهر شاه، خصوصاً بیعت احمد زی‌ها و سلیمان‌خیل‌ها، طی یک گزارش مفصل بعدی به مرکز فرماندهی ارتش مینویسد که به اساس گزارش یک منبع بسیار مطمئن اطلاعاتی، حاجی عبد‌الغفور خان در هیئت فرستاده شده سلیمان خیل برای احمد زی‌ها شامل نبود، زیرا فکر می‌شد که اگر احمد زی‌ها پیشنهاد ارائه شده شانرا قبول نکنند، این برای یک ریش سفید بانفوذی مثل او یک توهین بزرگ خواهد بود. حاجی عبد‌الغفور خان بتاریخ ۲۵ نومبر از عصمت‌الله خان (برادر محمد اسلم خان) و حبیب‌الله خان (برادرزاده ملک عبدالکریم خان مرحوم) که اعضای این هیئت بودند، نامه می‌گیرد که در آن نوشته شده بود «قمام احمد زی هائی که تا به حال با آنها صحبت کرده ایم، مخالف خانواده نادر می‌باشند».

به جواب یک نامه دیگر حاجی عبد‌الغفور خان که آیا نمایندگان سلیمان خیل در کابل بیعت خود را رضاکارانه یا تحت فشار داده‌اند، جان گل خان (برادر محمد اسلم خان) چنین نوشت: «سه یا چهار نفر ما نمایندگان به اول احضار می‌شدیم و از ما بیعت نامه می‌خواستند. ما که توسط قوا محاصره می‌بودیم بدون آنکه اطاعت کنیم کاری را انجام داده نمی‌توانستیم. وقتی دسته اول نمایندگان رخصت می‌شدند، دسته دیگر شان به داخل خواسته می‌شد، و به همین ترتیب. هو دسته امضا‌های گروپ قبلی را میدیدند و به ناچار از آن پیروی می‌کردند. درین افغانهای که از خانواده نادر خان راضی نبودند، این یگانه طریقه گرفتن بیعت بود».

در گزارش اداره استخبارات انگلیس می‌خوانیم که "اردو بخاطری که صاحبمنصبان آن از ارتقای رتبه شان راضی بودند، بیعت کرد. بنظر میرسد که در ولایت جنوبی همه بدون از حاجی‌ها مخالف خانواده نادر می‌باشند. شایع است که ظاهر شاه مبلغ هنگفتی را فرستاده است تا به کوچی‌های سلیمان‌خیل در دیره جات داده شود. تعداد زیادی از سلیمان خیل‌های که در سابق عادت داشتند در ماه‌های زمستان برای مزدوری و یافتن کار به مناطق پائینی هند بیایند، حال می‌گویند که چرا برویم؟ در بهار انقلاب خواهد شد". این گزارش در اخیر جمع‌بندی می‌کند که «بنظر میرسد، آنگونه که در گزارش قبلی

هم به آن اشاره شده بود، تعداد زیادی از بیعت نامه‌های که توسط حکومت افغان گرفته شده است، در حقیقت فاقد ارزش میباشد».⁷⁷⁴

3. در رابطه با امضاهای جعلی بیعت

یکی از اسناد استخبارات انگلیس که در آرشیف هند بریتانی موجود است از امضای تقلیبی حضرت نورالمشايخ یکی از مخالفین سرسخت غازی امان الله خان و روحانی پرنفوذی که متعدد نزدیک محمد نادر شاه و در اولین کابینه او سمت وزیر عدلیه را داشت، پرده بر میدارد. انگلیس‌ها بعد از آنکه این حضرت صاحب شور بازار از پست وزارت عدلیه استغفا نمود، او را هم مثل تمام متنفذین دیگر افغان، تحت نظرات داشتند. بعد از کشته شدن محمد نادر خان و فقدان رهبری طرفداران امان الله خان در داخل افغانستان، در حالی که انگلیس‌ها از خطر کشته شدن قریب الوقوع محمد ظاهر شاه، محمد هاشم خان یا اعضای دیگر خانواده محمد نادر خان سخت در تشویش بودند، شیر آغا (حضرت فضل عمر مجددی ملقب به نورالمشايخ) را خطرناک‌ترین مرد آن وقت در افغانستان میدانستند، و میگفتند که «اما حکومت افغانستان راجع به او آگاهی کامل داشته و گمان نمی‌رود که به کدام اقدام علنی دست بزند».⁷⁷⁵

در سند دفتر استخبارات بلوچستان از کویته چنین میخوانیم «من بدین وسیله فورمۀ چاپ شده حاوی امضاهای ملا‌های ولایت کابل راضم میکنم که بیعت شان به شاه جدید را نشان میدهد. من فکر میکنم با نظر داشت اینکه امضای فضل عمر (شیر آغا) از خودش فیست، خیلی دلچسپ میباشد. من این امضارا با قلم سرخ نشانی کرده ام. اینکه آیا این امضاء از شیر احمد که من آنرا فرستاده ام، میباشد، یا شیر آغا خودش بنا بر مقصده اینکار را کرده باشد، من نمیدانم. در هر حال او یک شخص خطرناک و مشتری لغزنده⁷⁷⁶ میباشد. به این نکته هم باید توجه کرد که تعداد زیادی از این امضاهای

⁷⁷⁴. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، دفتر هند بریتانی، مکتوب شماره آی. ایل ۲۹۷، مؤرخ ۹ دسمبر ۱۹۳۳.

⁷⁷⁵. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، دفتر هند بریتانی، مکتوب شماره آی. ایل ۲۹۴، مؤرخ ۲۳ نوامبر ۱۹۳۳.

⁷⁷⁶. در لسان انگلیسی اصطلاح لغزنده به معنی باهوش و مکار بکار می‌رود.

شاگردان دینی (طالب‌ها) بوده، نه ملا‌های عادی، و این‌ها احتمالاً بخاطری علاوه‌شده اند تا در جدول تعداد امضاها تا حد ممکن زیاد نشان داده شوند»⁷⁷⁷.

۴. در رابطه با کشته شدن محمد نادر شاه و توصیه‌های انگلیس

اسناد آرشیف هند بریتانی نشان میدهد که انگلیس‌ها قبل از کشته شدن محمد نادر خان از پلان سوئق‌صد بر او اطلاعاتی را در دست داشتند. مطابق به این اطلاعات گروپ امان‌الله خان مدتی قبل از کشته شدن واقعی محمد نادر خان تصمیم گرفته بود او را از سر راه شان بردارند. آنها همچنان پلان داشتند همزمان ظاهر شاه پسر نادر خان، محمد هاشم خان صدراعظم، وزیر حرب شاه محمود خان را بکشند. آنها در نظر داشتند فوراً به تعقیب این قتل‌ها غلام دستگیر خان را از زندان آزاد و او از طریق سفارت روسیه زمینه بازگشت امان‌الله خان را فراهم سازد. مطابق به این گزارشات، تعداد زیادی از حامیان امان‌الله خان حالاً هم می‌گویند که امان‌الله خان باید برای یک یا دو سال بحیث شاه نه، بلکه بحیث رئیس جمهوری یک جمهوریت قانونی اداره امور را بدست گرفته و بعد از آن راجع به قانون اساسی حکومت تصمیم نهائی گرفته شود. اما دیگران می‌خواهند او بحیث پادشاه مطلق‌زمام امور را بدست گیرد. درین راپورها علت ناکامی این پلان از یک‌طرف عدم توامندی کافی طراحان آن برای کشتن بیش از یک‌نفر، و از طرف دیگر اقدامات فوری و فعلانه شاه محمود خان ذکر شده است.⁷⁷⁸ مؤرخین افغان هم اقدامات سریع و جدی شاه محمود خان وزیر حربیه را هنگام کشته شدن محمد نادر شاه در حفظ قدرت خانواده بدو دلیل مؤثر میدانند: اول اینکه با حمله بر عبد‌الخالق از کشته شدن خود و سایر افراد خانواده اش جلوگیری کرده؛ دوم اینکه با فراخواندن بلادرنگ مجلسی از اعیان و روحانیون کابل در ارگ، با دستاربندی پسر ۱۹ ساله شاه مقتول و پیشقدمی در بیعت به او محمد هاشم خان صدراعظم را، که در آن هنگام مصروف دیدار از صفحات شمال کشور بود، بمقابل یک عمل انجام شده قرارداده و احتمال مناقشه بر تاج و تخت را از بین بردا.

در راپور سالانه ارزیابی اوضاع سال ۱۹۳۳ افغانستان هم که از طرف انگلیس‌ها تهیه و سفیر انگلیس در کابل آنرا تصدیق کرده است، از پافشاری سفیر انگلیس برای تحفظ

⁷⁷⁷. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، دفتر هند بریتانی، مکتوب شماره پی ایم ۳۰۱۱ مؤرخ ۳۰ نومبر ۱۹۳۳ دفتر استخبارات نظامی کویته به ستاد ارتش در دیلی جدید.

⁷⁷⁸. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، دفتر هند بریتانی، مکتوب شماره پی ایم ۳۰۱۱ مؤرخ ۳۰ نومبر ۱۹۳۳ دفتر استخبارات نظامی کویته به ستاد ارتش در دیلی جدید.

بیشتر محمد نادر خان ذکر شده است. به اثر همین پافشاری سفیر انگلیس بر حکومت کابل بود که رسم گذشت عسکری تعین شده شانزدهم اکتوبر، سالروز تجلیل از تخت نشینی نادرشاه، لغو شد. اما با وجود آن سه هفتنه بعد شاه در محفل دادن جوایز به مکاتب کابل توسط عبدالخالق، یکی از شاگردان مکتب المانی، کشته شد. بنظر میرسد که انگیزه این قاتل، برخلاف سید کمال و محمد عظیم (قاتلین سردار محمد عزیز خان برادر بزرگ محمد نادرشاه و اعضای سفارت بریتانیا در کابل) تقریباً کاملاً یک انگیزه شخصی بوده باشد. احتمال زیاد موجود بود که اگر عبدالخالق پیش دستی نمیکرد، گروپ انقلابی برای کشتن شاه و سیله دیگری را پیدا میکردند.⁷⁷⁹

در یک انکشاف دیگر، مکوناچی سفیر انگلیس در کابل، بدون ذکر اسم از قول یک شخص مطمئنی که در رابطه قتل محمد نادر خان حقایق را میداند، مینویسد که «اعلیٰ حضرت صبح روز ۱۱ نومبر یک نامه گمنام را گرفته بود که در آن اختارداده شده بود تا برای دادن جوایز به شاگردان نزود. وزیر دربار پافشاری میکرد که شاه شخص دیگری را موظف سازد تا درین محفل از اونما یندگی کند. شاه این پیشنهاد را رد کرد و گفت که نمیتواند به بچه ها بی اعتمادی اش را نشان دهد. اما او قبول کرد که مستقیم به خیمه که در آن جوایز داده میشوند، برود. عبدالخالق در قطاردوم شاگردان مکتب آلمانی و مستقیماً عقب جوانترین پسر شاه آغا سی علی احمد خان ایستاده بود، که درین اوخر ازدواج نموده بود. هنگامی که شاه نزدیکش رسید، یکی از همراهان شاه موضوع را به او گفت. نادرشاه برای لحظه توقف نمود تا به این پسر مبارکباد بگوید. عبدالخالق این پسر را از عقب بالگد زده روی زمین انداخت و فوراً بر شاه آتش گشود».⁷⁸⁰

779. رژیم کابل و دستگاه های تبلیغاتی گاهی محرك اصلی عبدالخالق را خانم مرحوم غلام نبی خان چرخی دانسته بیش از پنجاه و پنج نفر از خانم ها و اطفال صغیر خانواده چرخی را روانه زندان زنانه سرای بادام ساختند، و گاهی هم شایع ساختند که او پسر نامشروع مرحوم غلام نبی خان چرخی بوده است. البته مردم نتنها این تبلیغات را باور نکردند، بلکه موجب نفرت بیشتر شان نیز شد.

780. اسناد محرمانه استخبارات هند بریتانی، مکتوب محرمانه شماره ۱۵۳، مؤرخ ۲۹ نومبر مکوناچی به جان سیمون.

سفیر انگلیس مینویسد که شاید هیچ چیزی واضحتر ازین حقیقت، نبوغ امیر عبد الرحمن خان را نشان ندهد که وی بحیث امیر افغانستان در بستره بدرود حیات گفت و از کشته شدن و یا خلع شدن که سرنوشت طبیعی فرمانروایان این کشور را تشکیل میدهد، طفره رفت. لذا کشته شدن نادرخان کدام رویداد غیرعادی نبود، واقعاً کسانی که او را از نزدیک میشناساختند، چگونگی مرگ وی را نتیجه اجتناب ناپذیری از عکس العمل محیط مقابله شخصیت اش میدانند. سفیر انگلیس درین جا به پیش بینی ۲۸ دسمبر سال گذشته اش اشاره میکند که گفته بود، امکان دارد که اعدام عجولانه غلام نبی خان چرخی، دشمنان نادرخان را به فکر امکانات کشتنش وادارند.

قابل یاد آوریست که در اوایل این سال ۱۹۳۳ هر چهار برادر محمد نادر شاه برای بار آخر باهم یکجا شده بودند. در اواخر ماه جنوری سردار محمد عزیز خان و سردارشاو ولی خان کابل را ترک گفته اولی برای اشغال کرسی سفارت از غلام صدیق خان چرخی به آلمان رفت و چند ماه بعد در آنجا کشته شد، و دومی به پست سابقش سفارت فرانسه برگشت. انگلیس ها میترسیدند که کشته شدن محمد نادرخان به آغاز مجدد حسادت و رقابت سه برادر با قیمانده تبدیل نشود. در قانون اساسی جدید و راثت تخت و تاج به خاندان آخرین فرمانروا محدود شده بود. خاندان اولاد ذکور کبیر و برادران شاه را در بر میگرفت و احتمال از دیاد چنین نزاع را بیشتر میساخت. اما شوک کشته شدن محمد نادرخان این سه برادر را بیشتر از قبل با هم نزدیک ساخت. در آن شرایط دشوار در مجلس خانواده گی آل یحیی تصمیم گرفته شد که مؤثرترین انتقام و خونخواهی شان برای شاه مقتول رها کردن نزاع های شان و کار مخلصانه مشترک برای آینده و بقای شان خواهد بود. مطابق به این فیصله شاه محمود خان قبول کرده است تا از مخالفت با محمد هاشم خان دست بردارد و سوگند خورده است که در آینده به صلاحیت های او احترام قایل شود.

یکی از عوامل ممکنۀ اختلاف بین برادران محمد نادرخان هم احتمال فراخواندن شاه ولی خان به کابل بود. کوشش های دوامدار و نصیحت های بیشتر انگلیس ها در تأمین وحدت و همکاری این برادران را در قسمت های بعدی خواهید خواند.

ب. نظارت مشترک دستگاه‌های استخباراتی و دیپلماتیک بر فعالیت‌ها و حرکات غازی امان الله خان

سازمان‌های استخباراتی در ثبات رژیم نادری نقش موثری داشتند. در سال‌های دهه سوم قرن بیستم میلادی در داخل افغانستان چهار سازمان استخباراتی کار می‌کرد که حوزه فعالیت‌های شان بسیار دقیق مشخص نبود:

1. سرویس محترمانه محمد هاشم خان صدراعظم که تنها از شخص‌وی فرمان می‌برد. این دفتر محرم صدارت عملیات نهایت مهم را پیش می‌برد. عمدت ترین وظیفه آن نابود سازی سازمان امنیست‌ها در افغانستان و در بیرون از مرزهای آن بود. فعالیت‌های سفارت‌ها در کابل نیز زیر ذره بین سازمان استخبارات شخصی هاشم خان بود.
2. شبکه گسترده استخبارات وزارت داخله که عمدتاً به اکتشافات فعالیت‌های سیاسی توسط روشنفکران و مخالفین رژیم می‌پرداخت.
3. سازمان استخبارات نظامی در وزارت حربیه که به نام دفتر «داخلی» یاد می‌شد. این دفتر مستقیماً از شاه محمود خان، وزیر حربیه، فرمان می‌برد. این دفتر استخباراتی اولتراز همه اطلاعات را در نواحی سرحدی کشورهای همسایه جمع آوری می‌نمود. برای این کار در هر فرقه شعبه استخباراتی و همچنان شعبه اطلاعاتی سرحدی فعال بود. سرحد «آزاد» هند بریتانیوی یکی از مهم‌ترین «کارزارهای» ترصید این سازمان‌های اطلاعاتی بود.
4. وزارت خارجه نیز به گرد آوری اطلاعات استخباراتی می‌پرداخت. استخبارات خارجی در تشکیلات زیر پوشش سفارتخانه‌ها و قونسلگری‌ها فعالیت داشتند. کارهای سازمان ضد اطلاعات را دفاتر نمایندگی وزارت خارجه در ولایات سرحدی انجام می‌دادند. مأمورین این نمایندگی‌ها نخستین کسانی بودند که آنانی را که از خارج پا به سرزمین افغانستان می‌گذاشتند، زیر نظرات خود می‌گرفتند.

حکومت افغانستان برای این ادارات استخباراتی بودجه هنگفت و گزافی می‌پرداخت. به سال ۱۹۳۲ نادر شاه برای انجام دادن پیگردهای سیاسی پنج میلیون افغانی پرداخته

بود.⁷⁸¹ این مصارف که برای خزانه نادار افغانستان بار بس سنگین بود، با صرفه جویی ناشی از جلوگیری از شورش‌ها و توطئه‌های خنثی شده هواداران امان‌الله خان جبران می‌گردید.⁷⁸²

بعد از کشته شدن محمد نادر شاه، ثبات رژیم موجوده افغانستان یکی از عمدۀ ترین چنچ‌های بود که انگلیس‌ها با آن مواجه بودند. بنظر میرسد که مهمترین اقدامات برای جلوگیری از وحامت اوضاع در سه راستا صورت می‌گرفت:

1. در داخل افغانستان جلوگیری از قیام مردم، شناسائی مخالفین و ازبین بردن هر نوع تهدید به رژیم در مراحل اولی آن.
2. در سرحدات افغانستان جلوگیری از هر نوع فعالیت افراد، و مخالفت قبایل سرحدی با رژیم کابل.
3. جلوگیری از رسیدن غازی امان‌الله خان و حواریون وی به افغانستان و یا مناطق سرحدی.

راجع به حمایت انگلیس‌ها از ثبات رژیم خاندان محمد نادر شاه در اسناد محramaة آرشیف هند بریتانی می‌خوانیم که «در طولانی مدت ثبات رژیم دوستانه موجود برای ما بسیار با ارزش و مفید است. از نقطعه نظر منافع سرحدات خود ما، نگرانی اساسی ماتا حد ممکن تقویت کردن آن و جلوگیری از هر نوع عملیست که گرایش ضعیف کردن آنرا داشته باشد».⁷⁸³

برویت اسناد محramaة آرشیف هند بریتانی، ارزیابی متواتر اوضاع بعد از اقدامات جدی دو سه ماه اول نشان میداد که هم سفیر انگلیس در کابل و هم نماینده بریتانیا برای حکومت ایالت سرحدی شمال غربی دورنمای ثبات رژیم خاندانی را روشنتر از آنچه چند ماه قبل پیش بینی کرده بودند، میدیدند. نشانه‌های تاثیرات روحی سیاست اختناق، سانسور، وحشت، سرکوب و کشtarها در داخل افغانستان تا اندازه مشاهده می‌شد. اوضاع قبایل هم تا اندازه بهتر شده بود. اما «مکوناچی» در کابل و «راف

⁷⁸¹. آرشیف سیاست خارجی روسیه، آرشیف شخصی استارک، سال ۱۹۳۲، دوسيه مخصوص ۱۲، دوسيه ۵، صفحه ۸۳ (به حواله تیخانف).

⁷⁸². تیخانف، داکتریوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰)، ص ۱۲۷.

⁷⁸³. اسناد محramaة آرشیف هند بریتانی، تلگرام شماره ۱۱۰۰ مؤرخ ۳۰ اپریل ۱۹۳۴ وزیر دولت برای هند در لندن.

گریفیت" در هند بریتانی از خانواده نادرخان خطر عمده و مصیبت بار برای رژیم بوده به استقرار مجدد امان الله خان انجامیده میتوانست. ازینجاست که از یک طرف تعقیب و ازین طرف پالیسی برخورد با قبایل سرحد پیروانش در خارج از افغانستان و از طرف دیگر تغیر پالیسی برخورد با آزاد و پلان عملیات علیه آنها اهمیت بیشتر پیدا میکرد.⁷⁸⁴

برای انگلیس هابا در نظرداشت تحلیل اوضاع داخل افغانستان، از یک طرف خدشه پذیری رژیم و از طرف دیگر اطلاعاتی را که از نقل و حرکت غازی امان الله خان و همدستان نزدیک شان بدست میآوردند، و از آماده‌گی‌ها برای بازگشت قریب الوقوع شاه سابق خبر میداد، خیلی نگران کننده بود.

از جمله سه دوسيه اختصاصي اسناد مربوط به تعقیب و پیگرد امانیست‌ها، دو دوسيه اسناد محramانه استخبارات انگلیس در آرشیف هند بریتانی (تحت عنوانين (۱) افغانستان: راپورهای سرویس استخباراتی مخفی در مورد فعالیت‌های شاه سابق امان الله، خانواده و حامیان شان، و (۲) افغانستان: فعالیت‌های شاه سابق امان الله، شامل راپورهای سرویس استخباراتی مخفی، و اقتباس یادداشت‌های آتشه نظامی کابل)، گواهی میدهد که انگلیس‌ها در آن مقطع زمانی به نتیجه آتی رسیده و آنرا در اختیار رژیم کابل قرارداده باشند.⁷⁸⁵

- امان الله خان حالا هم رهبر شناخته شده ضد رژیم موجود افغانستان میباشد. درین هیچ شکی نیست که وی هم در داخل و هم در خارج از افغانستان دارای پیروان زیاد و با نفوذ میباشد. حتی کارمندان سفارت‌های زیاد افغانستان، خصوصاً در اروپا از اوی طرفداری نموده و اطلاعاتی را که از کابل میگیرند، به غلام صدیق خان پاس میدهند.

- امانیست‌ها با وجود تنگستی، توانسته اند یکپارچه شوند و شبکه‌های پرشاخ و برگ و پایگاه‌هایی را در برلین، استانبول، بغداد، مکه، تهران، مشهد، نجف، کربلا، و همچنان شهرهای مختلف هند بشمول بمبی کویته و پشاور برآ بیندازنند.

⁷⁸⁴. اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی، مکتوب عاجل شماره ۳۳/۷۳۰ مؤرخ ۲۸ مارچ ۱۹۳۴ به وزیر دولت برای هند در لندن.

⁷⁸⁵. اسناد محramانه آرشیف هند بریتانی، L/P&J/12/121 و L/P&J/12/122.

- بین هواداران شاه سابق در خارج، امیدواری بازگشت وی به افغانستان بیشتر شده است.
- در داخل افغانستان تعداد آنهایی که طرفدار برگشت امان الله خان به افغانستان آند، مرتب رو به ازدیاد است.
- ظاهر شاه و افراد خانواده اش از رفتن به بیرون از ارگ ترس دارند.⁷⁸⁶
- مطابق به راپورت های واصله از حامیان مخفی امان الله خان در ارگ کابل، شاه جوان از مسئولیتی که بردوشش گذاشته شده است، دست پاچه شده است. مادرش بصورت دوامدار استدعا میکند که از پادشاهی کناره گیری کند، او هم احتملاً این کار را خواهد کرد، اما میترسد که کاکاها یا اش او را خفک خواهند کرد.
- بیش از ششصد نفر از حامیان جنبش امان الله خان در تاشکند تحت رهبری رحیم جان آمادگی دارند. رحیم جان همان محمد رحیم خان [شیون کابلی] پسر سردار محمد عمر خان (کاکای غازی امان الله خان) میباشد.
- دلایل وجود دارند که باید بر ملاقات خفیه محمد قاسم خان سفیر افغانستان در روم با غلام صدیق خان مشکوک شد. اخیراً ذکر شخص دست راست امان الله خان بوده و نیروی محرك تمام اقدامات وی تلقی میشود.
- بنظر میرسد که حکومت روسیه تا حال به تقاضای فراهم کردن زمینه همکاری عملی (رفتن از راه روسیه امان الله خان) جوابی نداده است. فکر میشود که حکومت

⁷⁸⁶. این راپور انگلیس ها به گفته شادروان غبار صحه میگذارد که گفته بود «محمد هاشم خان صدر اعظم تفرج بسواری اسپ را ترک نمود، دیوار های محوطه بزرگ صدارت را با سیم بر هنئه برق بشکل سنگری درآورد. در هر دو دروازه شرقی و غربی صدارت، بعلاوه سپاهیان مسلح پیاده، قطعات سواره نظام می ایستاد و او توسط موتو و محافظ مسلح گاهی ازین دروازه و گاهی از آن دروازه به تفرج میرفت. در حالی که قطعه سواره نظام او را تعقیب میکرد. هیچ فردی اجازه توقف و استادن درین دروازه ها و جاده عمومی آن نداشت. محمد هاشم خان صدر اعظم وقتیکه با غ تاریخی شهر آرا را تصاحب کرد، قسمت جدید التعمیر آنرا با دیوار های عریض و مرتفعی از سنگ و صخره بشکل استحکام نظامی درآورد. شاه محمود خان هم مثل برادرش با ترس و لرزد ر سایه سر نیزه عسکر میزیست و خانه شخصی او و سایر والاحضرات توسط دسته های عسکر مسلح حفاظت میشد دیگر اینان جز محبوبین حکمران، چیز نبودند و تمام امور راجع به امور داخلي از پشت پرده صادر میشد» (غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹)، صفحات ۱۷۴-۱۷۵).

روسیه یا در مشکلات خودش بسیار غرق بوده و یا هم میلی به درگیری با قدرت‌های دیگر ندارد.

- امانیست‌ها با افغانستان تماس‌های منظم داشته، و رسیدن امان‌الله‌خان و یا یکی از اعضای عمدۀ گروپش به مناطق سرحد آزاد به معنی ختم سلطه خاندان نادر خان خواهد بود.

درین را پور‌ها علاوه شده بود که الله‌نواز خان بعد از شکست ماموریتش تا حال در برلین بوده و میلانی به بازگشت به کابل ندارد. الله‌نواز خان بحیث خارجی و هندوستانی بصورت عمومی منفور بوده و ارتقای او به پست وزیر سبب بروز احساسات علیه او شده است. اینکه او هیچوقتی درین پست کار نکرد، احتمالاً تصادفی نبود. چون قسمت زیاد وقت‌ش را مصروف مذاکرات و کاهش مخالفت‌های اقوام و لیالی جنوبی و آشتی دوباره اقوام قبایل آزاد بود، و در ماه دسمبر هم کابل را بقصد ماموریت اسرار آمیزش به اروپا ترک گفت. طبق معمول دلیل رسمی این سفر تداوی خوانده شد، اما هیچ کسی آنرا باور نکرد. بهانه خریدن اسلحه برای حکومت هم آورده شد، اما علت اصلی ماموریت او تلاش برای تحويل دهی سید کمال قاتل سردار محمد عزیز خان به افغانستان، تبدیل کردن عقاید بقول معروف بدعت سیاسی شاه ولی خان⁷⁸⁷، و ترور غازی امان‌الله‌خان گزارش داده شده است.

787. سردار شاه ولی خان در عهد امیر حبیب‌الله‌خان رکاب باشی امیر بود. بعد از قتل امیر در فبروری ۱۹۱۹ دستگیر و به کابل فرستاده شد، اما برایت حاصل نموده و رها گردید. به پاس شرکتش در جنگ سوم افغان و انگلیس و خدمتش (؟) در سرحد توچی (؟) (که تفصیل آن در فصل سوم ذکر شده است) به رتبه جنرالی ارتقا کرد. در ماه می ۱۹۲۰ با خواهر غازی امان‌الله‌خان ازدواج کرد. در ماه اپریل ۱۹۲۱ بحیث قوماندان فرقه‌اول کابل تعین شد. با غازی امان‌الله‌خان مناسبات صمیمی داشته و یکی از دوستان صمیمی وی بشمار میرفت. در دسمبر ۱۹۲۴ بحیث یاور حضوری انتخاب شد. در ماه می و نومبر ۱۹۲۵ دوبار برای برگشتن از سردار محمد عمر خان به هند بریتانی سفر کرد. در ماه سپتامبر ۱۹۲۷ به همراهی متعلّمین افغانی که برای سپری نمودن رخصتی آمده بودند، کابل را بقصد پاریس ترک گفت و به برادرش سردار محمد نادر خان پیوست. در ماه فبروری ۱۹۲۹ به همراهی برادرانش محمد نادر خان و محمد‌هاشم خان با ویژه دیپلوماتیک به هند بریتانی آمده و در ماه مارچ به همراهی محمد نادر خان به خوست رفت. در ماه اکتوبر ۱۹۳۰ کابل را فتح نمود. در ماه نومبر ۱۹۲۹ بحیث سفیر در لندن تعین شده و در ماه جنوری ۱۹۳۰ به آنجا رسید. در ماه جون ۱۹۳۱ به پاریس تبدیل شد و در ماه سپتامبر ۱۹۳۲ غلام

الله نواز خان که توسط غلام صدیق خان بزرگترین دشمن افغانستان پنداشته میشد، بدون شک میدانست که اگر به کابل برگرد زندگی اش با خطر موافق خواهد شد. الله نواز خان با دانستن اینکه اوضاع در کابل متزلزل بود، کوشید تمام پولی را که در اختیار داشت به اروپا انتقال دهد. غلام صدیق خان میگفت که درین رابطه ثبوت های بشکل عکس های از یک نامه دوست صمیمی الله نواز خان را بدست آورده است. این نامه از یک جنral در اردوی افغانستان بنام شاه جی⁷⁸⁸ بود. درین نامه شاه جی اظهار عقیده نموده بود که حکومت کابل دیری دوام نخواهد کرد.

دستگاه های استخباراتی و دیپلماتیک انگلیس برای جلوگیری از بازگشت به وطن غازی امان الله خان و همکاران کلیدی شان، وهم ایجاد بدگمانی و اختلاف و نفاق در بین آنها ایشان را تعقیب میکردند و از رفتار و نقل و حرکت شان معلومات لازمه را بدست می آوردند و آنرا به اختیار رژیم تحت الحمایه شان در کابل نیز قرار میدادند.

نبی خان چرخی را با دادن اطمینان و سوگند به کابل آورد. بعد از شهادت غلام نبی خان چرخی در ماه فبروری ۱۹۳۳ به مأموریتش به پاریس برگشت. انگلیس ها اورایک آدم با هوش دانسته و میگویند که هاشم خان صدراعظم با او حسادت داشته و میکوشد او را به برگشت به کابل وادر سازد، اما او میلانی ندارد، قسماً بخاطری که نمیخواهد زیر دست هاشم خان کار کند، و قسماً بخاطری که خانمش نمیخواهد به کابل برگدد. سردار شاه ولی خان در ماه فبروری ۱۹۳۵ هنگام رفتن وزیر دفاع به اروپا، بحیث سرپرست وزارت دفاع به کابل برگشت، اما خانمش او را همراهی ننمود و در اروپا ماند. او بار دیگر در دوران سفر محمد هاشم خان بحیث سرپرست صدارت تعیین شد. استناد محرومانه آرشیف لندن نشان میدهد که سردار شاه ولی خان در سال ۱۹۳۷ به سفیر انگلیس گفت که مقامات دولتی افغان میکوشند تا قبایل را از پیوستن به فقیر ایبی، یکی از سرسخت ترین مبارزین ضد انگلیس وزیرستان، بازدارند. شاه ولی خان در سال ۱۹۳۷ به رتبه مارشالی ارتقا یافته و از افریدی ها خواست که با انگلیس ها صلح کنند. او در سال ۱۹۳۸ به نمایندگی از افغانستان در مراسم تدفین اتابرک شرکت کرد و در سال ۱۹۳۹ بعد از دیدار از افغانستان به سفارت افغانستان در پاریس برگشت. (استناد محرومانه آرشیف هند بریتانی، B220/P&S/20/L).

⁷⁸⁸ سید عبدالله شاه جی (قریانعلی گادیران پنجابی) در هندوستان تولد شده، در دوران حبیب الله کلکانی یکجا با الله نواز خان و شاه محمود خان از کابل بدیدار محمد نادر شاه رفت. محمد نادر شاه را در جنگ برضد حبیب الله کلکانی همراهی نموده دوباره وارد کابل شد و به همین سبب رتبه اعزازی جنرالی برایش داده شد. او بحیث رئیس ماشینخانه (کارخانه اسلحه سازی) تعین شده بود. یکی از پسرانش بنام سید احمد حسن "همدانی" تخلص میکند.

اطلاعاتی که در اسناد آرشیف موزیم لندن موجود اند در رابطه با غازی امان الله خان و همکاران و خوشبینان شان معلومات مفصل و منظم را نشان میدهند. مثلاً چه کسی، چه وقت، چرا، برای چه مدتی، به همراهی کی، و بکجا مسافرت نموده و حتی در بعضی موارد مشخصات و سیله نقلیه وغیره را در بر میگیرد. علاوه برین، آنها در کدام آدرس و با کی اقامت داشتند، چه کسانی با آنها در تماس بود و یا ملاقات میکرد، وضعیت مالی شان چگونه بود و منابع عایدات شان از کجا بود، چه کسی با ایشان پیوند فامیلی و یا اختلاف داشت، درین اسناد درج شده است.

ملاقات غازی امان الله خان با انقلابیون هندی (غدر پارتی)

راپورهای استخبارات انگلیس نشان میدهند که در وسط جنوری سال ۱۹۳۵ امان الله خان کم از کم دو ملاقات سری با گرموک سنگه، (Gurmuk Singh) که تازه از مسکو وارد روم شده بود، داشته است.

گرموک سنگه یکی از رهبران مشهور جنبش یا حزب غدر (Ghadr Party) بود⁷⁸⁹ که توسط استعمار انگلیس به حبس ابد محکوم شده و به زندان کالا پانی (آب سیاه) در جزیره آندا مان (یکی از جزایر کوچک بحر هند در بین خلیج بنگال و بربما) فرستاده شد. اما تو انس است که در سال ۱۹۲۲ هنگامی که از مدراس به اتراپریدیش انتقال داده میشد، خود را از قطار انداخته و فرار کند گرموک سنگه برای چند سالی با انقلابیون هند در رو سیه کار میکرد. و در ماه اگست سال ۱۹۳۳ هنگامی که میخواست مخفیانه به هند

⁷⁸⁹ کلمه غدر در هندی به معنی سرکشی و طغيان استعمال میشود، نه خيانت. غدر اسم نشریه یا ارگان نشراتی جنبشی به همین نام بود. اين جنبش در سال ۱۹۱۱ توسيط هرديال سنگه در سانفرانسيسكوی كاليفورنيا بنيانگذاري شد. اعضای اوليه اين جنبش را هندوها، مسلمانها و سکه‌ها تشکيل ميدادند، اما بعداً تنها به سکه‌ها محدود شد. هدف اين جنبش بريا کردن انقلاب برای آزادی هند از قيد اسارت انگلیس‌ها بود. دو نفر از اعضای اين حزب در سال ۱۹۲۲ در چهارمين كانگرس انترباسيونال بين المللي در مسکو شركت نمودند. اين جنبش در سال ۱۹۳۰ يك مرکز فعاليت شانرا در كابل تاسيس نمود. گرموک سنگه و رتن سنگه دو تن از رهبران اين هسته كابل بودند. آنها که ميکوشيدند از طریق افغانستان به اعضای حزب شان که در پنجاب تحت نام "حزب کیرتی کیسان" (حزب کارگران و دهقانان) فعالیت میکردند، اسلحه بفرستند، در كابل بازداشت شدند. رتن سنگه (Rattan Singh) در نومبر ۱۹۳۱ و گرموک سنگه در دسمبر ۱۹۳۲ از افغانستان اخراج شدند. (اسناد آرشیف دفتر هند بریتانی، رهنماي غدر، تهيه شده رياست عمومي دفتر استخبارات وزارت داخله هند بریتانی).

برود در افغانستان دستگیر و بعد از سپری نمودن تقریباً یک سال در زندان کابل از خاک افغانستان اخراج و به روییه فرستاده شده بود.

گرمک سنگه به غازی امان الله خان گفت که حامل پیامیست مهم برای او و غلام صدیق خان چرخی. از همین سبب ترتیبات آمدن غلام صدیق خان چرخی از برلین گرفته شد. انگلیس‌ها راجع به جزئیات محتوای پیام گرمک سنگه بصورت دقیق نمی‌فهمیدند، اما آنچه بصورت مختصر از صحبت‌های ابتدائی او با امان الله خان دانستند این بود که «به استثنای چند مامور بسیار عالیرتبه توده‌های اکثریت مردم افغانستان خواهان برگشت وی (امان الله خان) میباشند. روشنفکران جوان و اکثریت مطلق اردو، به استثنای امرین واقعی شان، امیدوار بودند که این کارد رآینده نزدیک صورت خواهد گرفت. راپورهای استخبارات انگلیس علاوه میکنند که در ملاقات بعدی امان الله خان و غلام صدیق خان چرخی با گرمک سنگه راجع به کشتن محمد هاشم خان صدراعظم و شاه محمود خان، آماده گی گرمک سنگه بر فتن بین قبایل و پلان برگشت امان الله خان صحبت‌های صورت گرفت، اما مورد تائید امان الله خان و غلام صدیق خان قرار نگرفت. بنظر میرسد که آنها بر گرمک سنگه مشکوک بودند.

انگلیس‌ها به این نتیجه رسیدند که ظاهراً این ملاقات‌ها به کدام نتیجه نرسید، یا شاید هم بصورت قصدی به بیرون اینطور وانمود کردند. اینکه شاه سابق مدت کمی بعد از ملاقات با گرمک سنگه تصمیم میگیرد باز در مراسم حج اشتراک ورزد و به مکهً معظمه برود، را نباید کم ارزش دانست. یک چنین رفتن عاجل به حج تنها نتیجه گرفتن معلومات مهم در ملاقات خصوصی بوده میتواند⁷⁹⁰.

انگلیس‌ها این اطلاعات را چگونه بدست می‌آورند؟

انگلیس‌ها معلومات راجع به فعالیت‌ها و نقل و حرکت غازی امان الله خان و حامیان شانرا هم از منابع رسمی و هم از منابع غیر رسمی بدست می‌آورند. بعضی ازین منابع عبارت بودند از:

- فشار رسمی و تقاضای شخصی از مأمورین عالیرتبه حکومت‌های کشورهای میزبان

⁷⁹⁰. اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، آرشیف هند بریتانی، سند شماره ۸۱۴ متفرقه، L/P&J/12/122

- راجستر رسمی کشورهای میزبان مثل ترکیه که قبلًا به آن اشاره شده است
- استفاده از دوستان، همصنفان و ملاقاتیان: کسانی که با اطرافیان و حواریون غازی امان الله خان تماس میگرفتند: طور مثال یکی از تاجرانی که در دوره امانی در افغانستان مشغول تجارت بود و با عبد العزیز خان چرخی رفت و آمد داشت، یا یکی از رفقاء عبد الفتاح خان طرزی سکرتر خاص غازی امان الله خان که برای دیدنش به خانه غازی امان الله خان میرفت
- سانسور مکاتبات و نشرات
- استفاده از جواسیس و مخبران افغانی و خارجی

چه کسانی تحت تعقیب انگلیس ها قرار داشتند؟

مبازه علیه رژیم کابل از اوایل سلطنت محمد نادر شاه در دو جبهه داخل و خارج افغانستان آغاز شده بود. غازی امان الله خان در رأس مبارزین افغان در اروپا قرار داشت. بقول شادروان غبار «روشنفکران افغان در اروپا لزوم تاسیس یک حزب مبارزرا علیه رژیم نادر شاه احساس کردند، و طبعاً هر حزبی ناگزیر از داشتن هیئت رهبری است. این هیئت عبارت بودند از محمود طرزی و غلام نبی خان چرخی در ترکیه، شجاع الدوله خان، غلام صدیق خان چرخی و عبد الهادی خان داوی در برلین، عبد الحسین خان عزیز در روما، که در سراینها شاه امان الله خان قرار داشت. اعضای حزب مرکب از یک عدد محصلین افغانی و چند نفر از مامورین سفارتخانه های افغانستان در اروپا و ترکیه و غیره بود. مرآمنامه حزب در استانبول تسوید و در برلین مطالعه و در سویتزرلند مطرح مباحثه یک مجلس سری قرار گرفت و تصویبات چندی بعمل آمد. درین مجلس شاه امان الله خان و عده از سفرای معزول و برسر کار افغانی هم شامل بودند. یکی ازین سفراء عبد الحسین خان عزیز وزیر مختار در روم بود. بعد ها اعضای پارتی کشف کردند که این سردار نقابدار تصویبات این مجلس را به نادر شاه فرستاده و خطر عظیمی متوجه اعضای مجلس نموده است. همچنین جاسوسی دولت مؤفق شد که تمام اسناد و مکاتبات خصوصی غلام نبی خان چرخی سفیر مقیم انقره را بدست آورد و فتوکاپی های آن در دارالتحریر شاهی افغانستان برسد. یک قسمت این مکاتبات که از طرف شاه امان الله خان، شجاع الدوله

خان، بعضی محصلین افغانی و غیره بود به عنوان غلام نبی خان فرستاده شده و واضح است خط حرکت و اقدام پارتنی را علیه دولت نادر شاه نشان میداد⁷⁹¹.

از جمله اعضای هیئت رهبری، غلام نبی خان چرخی در ماه سپتامبر ۱۹۳۲ بطرف کابل حرکت کرد و هنوز از رسیدنش به کابل یکماه نگذشته بود که توسط محمد نادر شاه بشکل و حشیانه کشته شد.

جنرال غلام نبی خان چرخی

غلام نبی خان چرخی پسر ارشد سپه سالار غلام حیدر خان چرخی بود که در آگست ۱۹۲۰ عوض برگد عثمان خان در اسمار، و در دسمبر ۱۹۲۰ به قوماندانی مزار شریف مقرر شده بود. موصوف بین سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۴ بحیث سفير افغانی در مسکو و بین سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۸ بحیث وزير مختار افغانی در پاریس ایفا وظیفه نمود. در نوامبر ۱۹۲۸ بجای حبیب الله خان طرزی سفير مسکو مقرر شد. جنرال غلام نبی خان چرخی در سال ۱۹۲۹ برای سرکوبی نیروهای حبیب الله کلکانی دریای آمورا عبرونموده وارد مزار شریف شد. او در همان سال بحیث سفير افغانی در ترکیه مقرر شد و در سال ۱۹۳۲ بعد از برگشتن به کابل توسط محمد نادر شاه بشهادت رسید.⁷⁹²



56. مرحوم غلام نبی خان چرخی

در گزارش استخبارات انگلیس، برای توجیه این عمل، راجع به اعدام غلام نبی خان چرخی آمده است که اعدام غلام نبی خان بتاریخ ۸ ماه نوامبر، بعد از آنکه شاه سابق افغانستان را ترک کرد، سنگین ترین ضربه بر حزب طرفداران امام الله خان میباشد. او درین اوآخر به همراهی شاه ولی خان به کابل برگشته بود. در اطلاعیه مختصر رسمی ایکه بعد از اعدام او بنشر رسید، دولت کابل گفته است که او پلان کشنن محمد نادر شاه را داشت [تأکید از - ز]. شش نفر از گماشتگان او هم با اعلامیه های تبلیغاتی دستگیر شده اند. درین

⁷⁹¹. غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹)، صفحات ۱۱۴-۱۱۵.

⁷⁹². عبد الغفار صدیق چرخی (۲۰۰۷)، ناشنیده سخنانی از تراژیدی خانواده چرخی.

اعلامیه‌ها از مردم ولایت جنوبی خواسته شده بود که بمقابل شاه فعلی قیام کنند. دوران خان و دونفر دیگر از گماشتگان فوق الذکر هم با غلام‌نبی خان اعدام شده‌اند.⁷⁹³ غلام جیلانی خان، برادر غلام‌نبی خان، نائب سالار جانباز خان و شیرمحمد خان چرخی هم فعلاً محبوس می‌باشند. همین راپورتی افزایید که ریچارد مکوناچی سفیر انگلیس و خانمش هم در همان روز ۸ نومبر به کابل برگشته‌اند.⁷⁹⁴

خود سفیر انگلیس در مکتب محترمانه خود در رابطه با شهادت جنرال غلام‌نبی خان چرخی نوشت که اعدام ۸ نومبر غلام‌نبی خان، طوری که در تلگرام فردایش گزارش داده بودم، عواقب بسیار مهمی را در برخواهد داشت. با وجودی که شاید دانستن نهائی این عواقب قبل از وقت باشد، اما سلسله رویدادها و طرح کلی مطلب فعلاً تا اندازه روشن شده است.

سفیر انگلیس بعد از ذکر اینکه غلام‌نبی خان مرحوم یکی از رهبران گروپ طرفدار امان الله خان بوده است، مینویسد که نادرشاه بعد از گرفتن پیام غلام صدیق خان، از غلام‌نبی خان دعوت نمود که به کابل بیاید. نادر خان این دعوت را به مشوره وزیر خارجه فرستاده بود. وزیر خارجه (فیض محمد خان ذکریا) به شاه گفتنه بود که «اگر غلام‌نبی خان حقیقتاً روشن را تغییر داده باشد، باید این فرصت را از دست ندهیم و او را از کنار حزب امان الله خان جدا کنیم. اگر او حالا هم از امان الله خان طرفداری می‌کند، با بودنش در کابل آنرا بصورت رضایت بخش بر ملا ساخته و با آن معامله کرده میتوانیم».

غلام‌نبی خان چرخی این دعوت محمد نادرشاه را قبول می‌کند. قرار معلوماتی که توسط شاه، صدراعظم، وزیر خارجه و شاه ولی خان به سفیر انگلیس داده شده بود، گویا غلام‌نبی خان در نظر داشت با منحرف ساختن سوء ظن حکومت، راه داخل شدن به افغانستان

⁷⁹³ عواقب اعدام بدون محاکمه غلام‌نبی خان چرخی، آنهم بصورت بسیار وحشیانه، حتی باعث هراس و اعتراض انگلیس‌ها گردید. خانواده محمد نادرشاه برای توجیه این اقدام شان حتی به انگلیس‌ها نیز راپورت‌های غلط داده بودند که گویا غلام‌نبی خان چرخی در صدد کودتا و کشتن نادرشاه و مسؤول قیام دری خیل چهاران بوده است. حال آنکه غلام‌نبی خان چرخی در دوران ۲۲ روز نه قیامی را برای انداخته میتوانست، و نه هم قواری که در صفحات بعدی خواهید خواند، دوران خان یکجا با او اعدام شده بود.

⁷⁹⁴ اسناد محترمانه استخبارات انگلیس، راپور شماره ۴۴ هفتة ۱۲ نومبر ۱۹۳۲ دفتر استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی.

را پیدا کند و به همکاری طرفدارانش، دوران خان و دیگران، قیام طرح شده طولانی مدت شانرا در سمت جنوبی رهبری کند. به سفیر انگلیس گفته شده بود که «دعوتname شاه درست همان چیزی بود که او خواهانش بود. چند روز بعد، مرگ برادرزاده اش به او زمینه فرستادن یکی از برادرانش به افغانستان را هم مساعد میسازد. بتاریخ ۳۰ جولای، غلام جیلانی خان با جنازه [برادرزاده اش عبدالوکیل جان] از طریق هوائی وارد کابل میشود.»

دوران خان در اواسط ماه اگست در ولایت جنوبی دستگیر میشود. و غلام نبی خان قبل از حرکتش از اروپا ازین خبر بی اطلاع میماند. بهر صورت، بنظر میرسد که از لحظه که او وارد بمبهی شد، در ملاقات با کسانی که معتقد و طرفدار بازگشت امان الله خان بودند، دوستی اش را پنهان نمیکرد.⁷⁹⁵

غلام نبی خان چرخی بتاریخ ۱۳ اکتوبر به همراهی شاه ولی خان به کابل رسید و در مدت کمتر از یکماه بتاریخ ۸ نومبر به شهادت رسید.

طوری که قبل از هم ذکر شده است عبدالهادی خان داوی هم در ماه می (۱۹۳۲) از سفارت افغانستان در برلین استعفا داده و به کابل برگشته بود.



57. مرحوم عبدالهادی خان
داوی (پریشان)

عبدالهادی خان داوی

عبدالهادی خان داوی نویسنده، شاعر و دیپلمات معروف بود که اشعارش را بنام (پریشان) بنشر میرساند. عبدالهادی خان در سال ۱۸۹۴ در کابل تولد شده و در سال ۱۹۱۲ از جمله اولین فارغ‌التحصیلی از مدرسه عالی افغانستان (مکتبه) شد. او بعد از فراغت بحیث معاون جریده معروف سراج الاخبار بکار آغاز کرد. عبدالهادی خان در سال ۱۹۲۰ مسئولیت جریده معروف امان افغان را بدش داشت. با شرکت در هیئت‌های مذاکرات صلح راولپنڈی و میسوری ماموریت‌ش را در وزارت خارجه آغاز و در سال ۱۹۲۲ بحیث وزیر مختار افغانستان در لندن تعین و بین سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۲۸ بحیث وزیر

⁷⁹⁵ اسناد آرشیف دفتر هند بریتانی، مکتوب محترمانه شماره ۱۳۹، مؤخر ۲۸ دسمبر ۱۹۲۸ مکوناچی به جان سیمون

تجارت ایفای وظیفه نمود. عبدالهادی خان داوی از ماه دسمبر ۱۹۲۹ تا سال ۱۹۳۱ بحیث وزیر مختار افغانستان در برلین ایفای وظیفه نمود.

عبدالهادی خان از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۶ به جرم حمایت از غازی امان الله خان در زندان بسر برده. در سال ۱۹۵۰ به پارلمان انتخاب و بحیث رئیس شورا تعیین شد. بین سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۵۴ بحیث سفير افغانستان در قاهره و از ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۸ سفير افغانستان در جاگارتا بود. از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳ وظایف رئیس مشرانو جرگه (مجلس عیان) را پیشبرد. عبدالهادی خان داوی در سال ۱۹۸۲ در کابل وفات نمود.

از اسناد موجود در آرشیف هند موزیم انگلستان که حالا از محرمت برآمده و بدسترس محققین قرار دارند، ازین پارتی ایکه شادروان غبار ذکر کرده است، بنام‌های حزب آزادی، حزب مدافعين حقوق ملی، امانیست‌ها و غیره یاد شده است.

بعضی از رهبران و اعضای این پارتی که تحت تعقیب انگلیس‌ها بودند، قرار ذیل اند:

غازی امان الله خان و خانواده اش

غازی امان الله خان بتاریخ ۱۳ ماه می ۱۹۲۹ وطن را از راه چمن‌ترک گفت. بتاریخ ۲۴ می به همراهی ملکه ثریا، عنایت الله خان و اعضای دیگر خانواده شاهی توسط یک قطار مخصوص از کویته روانه بمبهی شده و بتاریخ ۲۲ جون ۱۹۲۹ با خانواده اش توسط کشتی ایس-ایس ملتان عازم ایتالیا شد.



5.8. غازی امان الله خان از بمبهی بطرف ایتالیا حرکت می‌کند: از چپ به راست عنایت الله خان، شاه امان الله خان ضیا همایون و عبدالهادی خان داوی

مطابق به معلومات اسناد محترمانه استخبارات انگلیس کسانی که در روم با غازی امان الله خان یکجا زندگی میکردند عبارت بودند از خانم و اولادهایشان، عبدالفتاح خان طرزی منشی حضور، و محمد حسن جان پسر کاکا و شوهر خواهر خورد امان الله خان. تمام کسانی که بحیث خدمه استخدام شده بودند، ایتالوی بودند.

فرزندان غازی امان الله خان عبارت بودند از هدایت الله خان، رحمت الله (که قبلًاً ولیعهد بود، اول در ایتالیا تحصیلات نظامی را به پایان رساند و بعد در عرصه های علوم سیاسی و رشته های دیگر تحصیل نمود)، احسان الله خان د افغانستان، آمنه جان، عابده جان (که نخست با محمدعلی ولی فرزند محمد ولی خان دروازی ازدواج نموده و بعد با سردار حمید الله عنایت سراج ازدواج نمود)، مليحه جان، عادله جان، هندیه د افغانستان، و ناجیه جان.



59. اعلیحضرت امان الله خان غازی با خانواده اش

علیا حضرت سرور سلطانه (سراج الخواصین) و شهزاده عبیدالله

علیا حضرت والدۀ غازی امان‌الله خان در ماه دسمبر ۱۹۲۸ یکجا با ملکه ثریا کابل را ترک گفته به قندھار رفته بود و با انرژی تمام برای جلب حمایت درانی‌ها از امان‌الله خان فعالیت میکرد. با امان‌الله خان نخست به هند و بعد از آن به ایتالیا رفت. مطابق به راپور



6. از چپ به راست شهزاده عبیدالله جان، علیا حضرت و سید کمال (قاتل محمد عزیز خان سفير افغانستان در برلین)

های استخبارات انگلیس رو باطنش با ملکه ثریا خوب نبود. با پسر دیگرش، شهزاده عبیدالله جان (متولد سال ۱۹۰۵) به آلمان رفته و از ماه دسمبر ۱۹۳۰ در برلین اقامت داشتند.

حسن جان پسر سودار محمد عمر خان
مطابق به یک راپور دیگر استخبارات انگلیس، حسن جان که با نورالسراج خواهر غازی امان‌الله خان ازدواج کرده بود بعد از در کلارینس سویس اقامت داشت، اما بصورت مکرر بدیدن برادرش حسین جان که با کبرا خواهد دیگر غازی امان‌الله خان ازدواج نموده و در روم زندگی میکرد، می‌آمد.



61. غازی امان الله خان در محفل عروسی خواهرش راضیه نور سراج با محمد حسن جان

محمد علی جان

محمد علی جان که در راپورهای استخبارات انگلیس بنام احمد علی خان هم قبلًا ذکر شده است، پس از مرگ مرحوم محمد ولی خان دروازی بود. او در ایتالیا با دختر غازی امان الله خان ازدواج نموده بود. محمد علی جان بعد از جدائی با خانمش به افغانستان برگشت و در کابل پدرود حیات گفت.

غلام صدیق خان چرخی

غلام صدیق خان چرخی (یوسف زی) چهارمین پسر سپه سالار غلام حیدر خان چرچی متولد سال ۱۸۹۴ میباشد، که در اکتوبر ۱۹۱۹ نخست بحیث معاون گل محمد خان نماینده افغان در هند بریتانیوی بکار آغاز نمود، و بعد از آنکه در چون ۱۹۲۰ از راه کوتل خیبر وارد افغانستان شد، از برگشت دوباره اش به هند توسط مقامات هند بریتانیوی بخاطر جلوگیری شد که گویا با مخالفین دولت هند بریتانیوی همکاری داشته است. در ماه اگust ۱۹۲۰ بحیث معاون رئیس کمیته مهاجرین در کابل تعین و بعد از شرکت در

هیئت مذاکرات صلح میسوری (منصوری) با انگلیس‌ها بحیث مستشار دوم هیئت محمد ولی خان برای معرفی استقلال افغانستان به اروپا و امریکا رفت.



غلام صدیق خان چرخی در سال ۱۹۲۲ بحیث وزیر مختار افغانستان در آلمان تعین شده و تا سال ۱۹۲۲ در برلین بود. در جنوری سال ۱۹۲۷ بحیث سرمنشی (منشی اول) شاه و رئیس دارالانشا (دارالتحریر) شاهی مقرر گردید. در دوران غیابت محمود طرزی در اروپا بحیث سرپرست وزارت خارجه ایفای وظیفه نموده و در سال ۱۹۲۸ غازی امان‌الله شاه را بحیث وزیر خارجه افغانستان در سفر اروپا همراهی نمود. در دسامبر سال ۱۹۲۸ برای مذاکره با اغتشاش‌شونین شینوار به جلال آباد فرستاده شد. در ماه جنوری ۱۹۲۹ با شاه به قندھار رفت و در ماه مارچ همان سال در

62. مرحوم غلام صدیق خان چرخی یک ماموریت خاص به روسیه فرستاده شده و در ماه اپریل ۱۹۲۹ بحیث سفير افغانستان در اتحاد شوروی کار کرد.

غلام صدیق خان چرخی بعد از سقوط دولت امانی به برلین رفت. مدته را در مکهٔ معظمه سپری نمود، و در ماه مارچ ۱۹۳۱ به کابل برگشت. در ماه می همان سال بحیث سفير افغانستان به برلین فرستاده شده و در ماه نوامبر ۱۹۳۲ بعد از آنکه محمد نادر شاه برادرش غلام‌نبی خان چرخی را به شهادت رساند از وظیفه سبکدوش شده و در همانجا سکونت اختیار کرد.⁷⁹⁶

غلام صدیق خان چرخی در سال ۱۹۲۲ در شهر برلین وفات نموده، و بعد از انتقال جنازه به کابل، در جوار تمیم انصار بخارک سپرده شد.

796. اسناد محرمانهٔ استخبارات انگلیس، آرشیف دفتر هند بریتانی، ۱- B220/20/PP&S، L.

عبدالعزیز خان چرخی



عبدالعزیز خان چرخی پسر سپه سالار غلام حیدر خان چرخی متولد سال ۱۸۹۱ میلادی میباشد. در سال ۱۹۱۹ میلادی بحیث فومندان عسکری در فرقه اسما ر تعین گردید. در اکتبر ۱۹۱۹ به فومندانی ملکی و نظامی مزار شریف مقرر شد و در سالهای ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ حاکم نظامی لغمان بود. در سال ۱۹۲۲ بحیث معین وزارت داخله مقرر، و در سال ۱۹۲۸ مکرراً والی مزار شریف تعین، در شورش حبیب‌الله کلکانی محبوس و

متعاقباً به کمک مردم هزاره نجات یافته به کویته و از آنجابه مشهد رفت. در سال ۱۹۳۰ از طریق چرخی هندوستان وارد کابل شده، اما بتاریخ ۲ جولای

مجبور به ترک کابل شد. وی در سال ۱۹۳۵ به برلین رفت و به صفت یکی از همکاران غازی امان‌الله خان باقی ماند. عبدالعزیز خان چرخی در سال ۱۹۷۱ در برلین وفات یافته و در همانجا در حضیره ترک‌ها دفن گردید.⁷⁹⁷

به اساس راپورهای استخباراتی انگلیس، دو نفر دیگر هم از خانواده چرخی در اروپا تحت تعقیب بودند که یکی از آنها عثمان خان پسر مرحوم غلام جیلانی خان چرخی بود.⁷⁹⁸ نفر دوم غلام حسن خان پسر غلام نبی خان چرخی بود، که انگلیس‌ها در سال

⁷⁹⁷. عبدالغفار صدیق چرخی (۲۰۰۷)، ناشنیده سخنانی از تراژیدی خانواده چرخی.

⁷⁹⁸. نویسنده و شاعر توانای کشور، محترم خالد صدیق چرخی، پسر مرحوم غلام صدیق خان چرخی، که درین اوآخر کتاب ارزشمند دوجلدی "برگی چند از نهفته‌های تاریخ در افغانستان" را هم بچاپ رسانده اند، در یک صحبت تلفیقونی گفتند که عثمان خان چرخی بصورت تصادفی به اثر استعمال دوای غلط گوش شنواری اش را از دستداده و در آن وقت برای تداوی نزد کایشان غلام صدیق خان چرخی که وزیر مختار افغانستان در برلین بود، رفت. تداوی گوش در آلمان سبب شد که او از ظلم و ستمی که اعضای دیگر خانواده‌شان در افغانستان با آن مواجه شدند، نجات یابد. عثمان خان چرخی بعد از آلمان تحصیلات اش را در رشتۀ طب دندان تکمیل کرد.

۱۹۳۵ در جستجوی پیدا کردنش بودند و فکر میکردند که شاید در مسکو باشد، اما بعد از آن او را در برلین یافتند.

شجاع الدوله خان غوربندی

شجاع الدوله خان غوربندی پسر شاه دوله خان غلزاری متولد سال ۱۸۹۲ بود. او در سال ۱۹۱۷ به عنوان فراش باشی در سیر و سفر امیر حبیب الله خان ترتیب و تنظیم خیمه‌ها را بذمه داشت. از جمله مشروطه خواهان بوده و گفته میشود که ضارب اصلی گلوله بر شقیقۀ امیر حبیب الله خان بود. او در اولین کابینه غازی امان الله خان بحیث وزیر امنیه تعین شد، در مذاکرات هیئت افغانی با هیئت انگلیسی تحت ریاست هنری دابس در کابل عضویت هیئت افغانی را داشت. شجاع الدوله



خان بین سالهای ۱۹۲۴ و ۱۹۲۸ بحیث سفیر افغانستان در بریتانیا ایفای وظیفه نمود. چون در دوران جنگ داخلی غوربندی اعلام نمود که برای کمک غازی امان الله خان از طریق مسکو به هرات میرود، بعد از برگشت به اروپا و رفتن به لندن، به وی اطلاع داده شد که بیش از آن نزد حکومت بریتانیا مورد قبول نبوده و باید انگلستان را ترک کند. او از لندن به جرمنی آمد و در سال ۱۹۳۱ با طرفداران عالیرتبه غازی امان الله خان به حج رفت. شجاع الدوله خان در سال ۱۹۳۳ از تابعیت افغانستان محروم ساخته شد و در سال ۱۹۴۵ در آلمان فوت کرد.

اسناد آرشیف لندن نشان میدهد که یک پسر جوان شجاع الدوله خان بنام محمد رحیم یا عبدالرحیم و اکرم جان برادرزاده او نیز در اروپا و تحت نظارت شبکه‌های استخباراتی بودند.

محمود بیگ خان طرزی

محمود طرزی فرزند سردار غلام محمد خان طرزی بتاریخ ۱۸۷۵ آگوست ۱۲۳ م حین سفر عایله سردار غلام محمد خان طرزی بطرف قندهار در گزندی بدنبال آمده و به پاس بزرگداشت به سلطان محمود غزنوی نامیده شد

محمود طرزی در دوران حکمرانی امیر عبدالرحمن خان، از سن ۱۷ سالگی تا ۲۰ سالگی، عمر گرانمایه خود را در کراچی سپری می نماید، و در تابستان سال ۱۸۸۵م با پدر و خانواده ۳۵ نفری هندوستان را مقصد بلاد عثمانی ترک میگوید. او در سال ۱۸۹۱ با اسم رسمیه دختر شیخ محمد صالح مسدیده ازدواج نمود.

وفات پدر (در ۷ سپتامبر ۱۹۰۰) محمود طرزی را غرق در اندوه و علاقمندی اش را برای رفتن بکابل بیشتر ساخت. لکن تا سال ۱۹۰۱م که زمان فوت امیر عبدالرحمن میباشد حرکت بطرف کابل برایش ممکن نشد. تا اینکه در ماه فبروری ۱۹۰۲ برابر با ۱۲۸۰ بهمراهی حبیب الله برادرزاده خود بکابل بازگشت. محمود طرزی در سال ۱۹۱۱ مسئولیت نشر دوره دوم سراج الاخبار را بعهده گرفت.



65. علامه محمود طرزی با خانمش رسمیه افندی طرزی

میگویند وقتی خبر مرگ امیر حبیب الله خان در کابل به شهزاده امان الله خان رسید، نزد محمود طرزی آمد و محمود طرزی را در آغوش کشید و اظهار تأثر کرد. محمود طرزی به اعلیحضرت امان الله خان همدردی نشان داده و بعد فرمود که "تأثر مکن حالا وقت عمل و کار است". گویا با این گفته محمود طرزی همکاری خود را با امیر امان الله خان ابراز داشت. امیر امان الله خان در آن لحظات حساس سیاسی افغانستان به سیاستمداران مانند محمود طرزی سخت نیازمند بود. محمود طرزی بعمر ۵۴ سالگی نخستین کسی بود که همکار و بازوی پرقدرت و قوی دولت امان الله خان، داماد دوم خود، واقع شد. او در اولین قدم تدبیر امور خارجه افغانستان را عهده دار شد. بزودی بر تئ وزارت امور خارجه نایل گردید.

اولین کار محمود طرزی در مقام وزارت امور خارجه افغانستان اعزام هیئت ها به ایالات متحده امریکا، اتحاد شوروی و اروپا بود تا موضوع برسミت شناختن آزادی افغانستان را در آن سرزمین ها تأمین کند. دو میهن کار محمود طرزی در مقام وزارت

خارجه افغانستان بعد از ختم جنگ سوم افغان و انگلیس مذاکراتش با هیئت‌های حکومت هند برтанوی می‌باشد. اداره مستقیم این مذاکرات در مرحله دوم بدوش محمود طرزی بود. به تعقیب مذاکرات میسوروی هند از جنوری ۱۹۲۱ تا ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱، مرحله دیگر مذاکرات در کابل صورت گرفت. مذاکرات کابل را نیز محمود طرزی از جانب افغانستان ریاست کرد. نتیجه مذاکرات محمود طرزی بعد از یازده ماه مناقشه و مذاکره بین هیئت‌های افغانی و بریتانوی بالاخره منجر به امضاء معاهده صلح بین افغانستان و بریتانیا گردید.

محمود طرزی که از کارهای پرشور و دشوار وزارت امور خارجه افغانستان احساس خستگی می‌کرد از امیر امان‌الله خان خواهش نمود تا مدتی استراحت نماید. امیر امان‌الله خان به خواهش محمود طرزی لبیک گفت و او را بحیث وزیر مختار افغانستان در پاریس مقرر نمود. محمود طرزی در سال ۱۹۲۲ وظیفه را در پاریس اشغال و سفارت افغانستان در فرانسه را تأسیس کرد.

محمود طرزی در دوران اغتشاش ملای لنج برای حل این مشکلات و یک سلسه کارهای سیاسی دیگر در وزارت امور خارجه دوباره به افغانستان آمده و کاروزارت امور خارجه افغانستان را ادامه داد. محمود طرزی در چون ۱۹۲۵م (تابستان ۱۳۰۴) به سن ۲۰ سالگی از مقام وزارت خارجه افغانستان استعفاء داد. گرچه استعفای او رسماً تا سال ۱۹۲۷ قبول نشده بود، ولی در جنوری ۱۹۲۷ محمود طرزی و همسرش برای معالجه عازم اروپا گردیده و در جولای ۱۹۲۸ یعنی چند هفته وقت تراز آغاز دور دوم اغتشاشات به کابل عودت کرد.

در جریان اغتشاش، شورشیان شینیوار تقاضای هفت فقره یی به حکومت افغانستان دادند. که فقره هفتم آن تقاضای اخراج محمود طرزی با خانواده‌اش از افغانستان بود.

محمود طرزی با مشاهده آشوب و وضع نابسامان افغانستان با همسر و فرزندانش در معیت شاه امان‌الله خان از کابل به قندھار رفته با میسر شدن اولین طیاره در میدان هوایی قندھار از مدیریت خارجه قندھار پاسپورت اخذ و جانب هرات حرکت کرد. از آنجا به تاریخ ۴ مارچ ۱۹۲۹ بعد از اخذ ویزه از قونسلگری ایران در هرات، با طیاره‌ای

که سفیر ایران از تهران برای کاری کرده و به هرات فرستاده بود، فضای پرآشوب افغانستان را ترک گفت و برای همیش با کشور عزیز خود وداع و عازم تهران گردید.⁷⁹⁹

محمود طرزی مدت ۸ ماه در تهران ماند تا اینکه در ۱۸ اکتوبر ۱۹۲۹ ویژه خروج را بدست آورده و به تاریخ ۲۲ اکتوبر ۱۹۲۹ از طریق باطوم اتحاد شوروی وارد استانبول ترکیه گردید. از جانب دیگر خانمش با عبد الوهاب محمود طرزی که در آنوقت آمر تشریفات وزارت امور خارجه افغانستان بود همراه باقی اعضای خانواده محمود طرزی به معیتی غازی امان الله خان از راه بمیئی با کشتی جانب اروپا سفر کردند و بعداً

⁷⁹⁹ دانستن علت آمدن این طیاره ایرانی هم دلچسب است به رویت استناد محترمانه دفتر هند بربیتانوی، در دوران اغتشاش و هنگامی که امان الله خان برای اعاده دوباره قدرت در قندهار بود، حکومت ایران بصورت فعال در مسائل افغانستان دلچسپی نشان میداد. محمد یعقوب خان، مأمور ویژه افغان در سیستان مکتوبی ارسال کرد که در آن راجع به تلگرام رضا شاه به والی عمومی مشهد معلومات داده شده بود. درین تلگرام گفته شده بود که ایران کشور همسایه هم آئین خود افغانستان را کمک خواهد کرد و درین رابطه پیغامی به امان الله خان در قندهار فرستاده شده است بعد ازین مکتوب، یک مکتوب دیگر هم از طرف سلطان احمد خان، سفیر افغانستان در تهران فرستاده شد. سفیر درین مکتوب خود نوشته بود که «حکومت ایران به ظاهر میخواهد به افغانستان پیشنهاد کمک کند. اما هدف اصلی آنها سقوط رژیم امان الله خان میباشد. علاوه بر آن آنها میخواهند یک بار دیگر هرات را تصرف کنند. آنها به بهانه کمک به افغانستان، بعد از تلقین شما، میخواهند قوای عسکری خود را به هرات بفرستند. آنها در سرحد افغانستان و ایران مشکلاتی را تحریک نموده و از آن بحیث بهانه جنگ استفاده خواهند نمود، چون میدانند که درین شرایط علیه آنها به هرات قوائی فرستاده نخواهد شد. آگاه باشید، و فریب نشان دادن همدردی شان را نخورید».

استناد آرشیف لندن همچنان نشان میدهد که در عین زمان یک طیاره ایران به قندهار میرسد و شخصی که بعضی ها او را یک کرنیل، و بعضی هم مدیر مسئول یک روزنامه میدانند، پیشنهاد حمایت حکومت ایران به امان الله خان را میسپارد. به اساس اطلاعاتی که قبلاً موجود بود، به این شخص در یک تعمیر عمومی جا داده شده و تحت نظارت قرار گرفت. او در مدت دوروز جواب پیام خود را دریافت کرد، که در آن گفته شده بود: از ایران در رابطه با پیشکش کمک شان تشکر میکنیم، فعلًاً به این کمک نیازی نیست. به والی هرات هم فرمانی ارسال شد که به منطقه سرحد با ایران توجه خاص نموده، برای جلوگیری از فراهم ساختن زمینه هر نوع شکایت ایران و استفاده سوی از شرایط ناگوار، از هر نوع تجاوز بر خاک ایران توسط هزاره ها، جمیشیدی ها و غیره ممانعت شود. (استناد آرشیف لندن، L/P&S/20/B289-41-42)

خانواده محمود طرزی از امان‌الله خان جدا گردیده و در استانبول به محمود طرزی پیوستند.

محمود طرزی بار دیگر در استانبول مقیم شد و با نوشتن خاطرات خود وقت می‌گذرانید، به یاد وطن می‌گیریست و این شعرش را می‌خواند:

در غربت اگر مرگ بگیرد بدن من
آیا که کند قبر و که دوزد کفن من
تابوت مرا بر سر کوهی بگذارد
تا باد برد خاک مرا در وطن من

محمود طرزی به تاریخ ۳۰ عقرب ۱۳۱۲ خورشیدی برابر با ۲۲ نومبر ۱۹۳۳ به عمر ۶۸ سالگی در اثر سرطان جگر که بی‌رنگ و سریعاً پیشرفته کرد، در خانه‌اش در محله بنام ماچقه در استانبول چشم از جهان پوشید و در همانجا بخاک سپرده شد.⁸⁰⁰

عبدالفتاح خان طرزی
پسر محمود طرزی
سکرتر خاص (منشی
حضور) شاه امان‌الله
خان غازی.



عبدالوهاب خان طرزی
پسر محمود طرزی که
یک قسمت وقتی را
در روم می‌گذشتند،
اما چندی قبل از مرگ

66. عبدالعزیز، عبدالفتاح، کبرا و عبدالقادر
طرزی در سال ۱۹۲۷

پدرش به ترکیه برگشت.

800. دانشنامه آریانا و تاریخ و نشرات افغانستان.

عبدالعزیز خان

پسر محمود طرزی سابق سکرتر سفارت در قسطنطینیه

عبدالقادر خان طرزی

عبدالقادر خان طرزی، پسر جوان محمود طرزی مدتدی با غلام صدیق خان چرخی (که داماد محمود طرزی هم بود) در برلین زندگی میکرد. عبدالقادر خان طرزی در اوآخر جنوری ۱۹۳۸ بمقصد تحصیل به فرانسه رفت. گفته میشد که اللہ نواز خان سفیر افغانستان در آلمان شایعاتی راشنیده بود که گویا او توسط غلام صدیق خان چرخی برای کشتن شاه ولی خان، که در فرانسه سفیر بود، به آنجا فرستاده شده است. شاه ولی خان این را پورا جدی گرفته به وزارت خارجه فرانسه شکایت کرد. در حین حال اسلام بیگ خان، قونسل افغان در پاریس، موضوع را به اطلاع طرزی جوان رسانده به او مشوره داد که برای جلوگیری از دستگیری فرانسه را ترک بگوید، و او هم فوراً به بروسیل رفت.

سید قاسم خان

سید قاسم خان پسر سید احمد شاه خان از سادات کنرو از اعضای مهم نهضت مشروطیت بود. لیسته حبیبیه تا به پایان رساند. در سال ۱۹۱۹ در وزارت خارجه زیردست محمود طرزی کار میکرد مدتدی مستشار سفارت افغانی در مسکو و بعد از آن در سال ۱۹۲۴ کارمند سفارت افغانستان در لندن بود. در ماه می ۱۹۲۵ به کابل برگشت و در وزارت خارجه مصروف کار بود. در ماه فبروری ۱۹۲۷ بحیث جنرال قونسل افغانی در دهلی و در نومبر سال ۱۹۲۸ بحیث سفير در روم تعین شد. بعد از آن به هند رفت و در چون ۱۹۲۹ به قسطنطینیه رفت. سید قاسم خان با عزیزه جان دختر محمود طرزی ازدواج نموده بود.



67. سید قاسم خان عضو
جنیش مشروطیت

محمد یوسف خان

محمد یوسف خان سکرتر برحال نماینده‌گی افغانستان در روم برادرزن سید قاسم خان بود. انگلیس‌ها گمان می‌بردند که این شخص نسبت به رژیم کابل به غازی امان‌الله خان بیشتر نزدیکی داشته و ممکن نقش دوگانه را بازی می‌کرد.

دیپلومات‌های سابق و حتی برحال افغان در اروپا

این گروپ شامل آنهاست هم می‌شد که سابق در سفارت افغانستان در ترکیه کار می‌کردند و به تقاضای دولت افغانستان از امتیازات دیپلوماتیک محروم شده بودند. در راپورت‌های محروم‌آمده استخبارات انگلیس به ساده‌گی و آسانی نظارت و تعقیب این گروپ اشاره شده است، زیرا حکومت ترکیه تحت فشار قبول کرده بود که تمام آنها باید اجازه نامه‌گرفته و راجستر شوند.

محصلینی که در اروپا و خصوصاً آلمان تحصیل می‌کردند و یا تحصیل کرده بودند
نفرت خانواده محمد نادر شاه و انگلیس‌ها از جوانانی که در آلمان تحصیل کرده‌اند، در اسناد آرشیف هند موزیم لندن دیده می‌شود. سید کمال خان حمله کننده سفارت افغانستان در برلین و محمد عظیم خان حمله کننده سفارت انگلستان در کابل از جمله کسانی بودند که در آلمان تحصیل کرده بودند. برعلاوه محمد عظیم خان که در لیسه نجات (اماکن) شغل معلمی داشت، استاد عبدالخالق خان، قاتل محمد نادر شاه، بشمار میرفت.

قابل یادآوریست که یکی از اقداماتی که رژیم کابل برای محدودیت تماس دیپلومات‌ها و محصلین افغان گرفته بود، علاوه کردن ضمیمه به اصول اساسی مملکت (قانون اساسی) بود که به اساس آن مأمورین وزارت خارجه، صاحب منصبان عسکری و همچنان محصلین افغانی که به پول دولت برای تحصیل در خارج مملکت اعزام می‌شدند اجازه ازدواج با اتباع خارجی را نداشتند.

پنج محصل افغان از پوهنتون مونت پیلییر (Montpellier University) فرانسه که در دسامبر ۱۹۳۳ برای اشتراک در کانگرس آسیائی بدعوت رسمی دولت ایتالیا به روم آمدند، و چهار نفر آنها با غلام صدیق خان چرخی تماس داشتند، و به زعم راپورت‌های استخباراتی انگلیس گویا تمام وقت شان را مصروف طرح نمودن نقشه سقوط دولت موجوده کابل بودند، هم در جمله کسانی بودند که دستگاه‌های استخباراتی انگلیس آنرا تعقیب می‌کرد. قیوم رسول یکی دیگر از محصلین افغان که در پاریس

طب میخواند پسر عبدالرسول خان قونسل جنرال افغانستان در دهلی و پسر مامای محمد هاشم خان صدراعظم بود، که محصلین از او نفرت داشتند و میگفتند که برای نظارت بر محصلین با ایشان به روم فرستاده شده است.

یک تعداد افغان های دیگر تحت تعقیب عبارت بودند از میرزا عبد الغنی خان (که تحصیلات نظامی اش را به پایان رسانده و بعد از آن در رشتۀ اقتصاد تحصیل میکرد)، مرتضی خان پسر حاجی سید محمود خان، سید عظیم شاه خان پسر محمد غلام خان، سید سلمان محمود خان پسر سید احمد شاه خان، عبدالسلام خان پسر عبدالخالق خان، محمد خالص خان سابق سکرتر سفارت افغانی در مسکو، و محمود علی پسر عبد الحکیم خان (که غیر حاضر اپورداده شده بود).

همکاری عملی انگلیس ها با رژیم کابل و وعده های میان تھی شوروی به امانتیست ها

فعالیت های غازی امان الله خان و سوئو قصد علیه او در گزارش گلفاند، مستشار سفارت روسیه در روم، به کمیساريای خلق در امور خارجی چنین انعکاس یافته است: «امان الله بر آن است که در این اواخر اقدامات او برای بازگشت به تخت به پیمانه چشمگیری افزایش یافته است. از این رو، سوئو قصد به جان او نمایانگر افزایش محبوبیت او است. او برای خود بود و باش با آرامش و آسایش در روم را سزاوار نمی دارد و می خواهد کار زیر زمینی را در افغانستان پویا تر سازد». ⁸⁰¹

تیخانف محقق روسی مینویسد که برای این کار زیر زمینی، شاه سابق از مسکو خواهش نمود که زمینه فعالیت دو، سه نفر نماینده او را در نواحی مرزی افغانستان و شوروی فراهم آورد تا تماس هایی با امانتیست ها در افغانستان برپا نموده و برای آنان آثار گوناگون تبلیغاتی و اشتهراری بفرستند. اما حکومت شوروی در دادن پاسخ به خواهش امان الله خان شتاب نمی ورزید.

در ماه جون ۱۹۳۴ غلام صدیق خان چرخی که به گونه «تصادفی» در قطار بین برلین و قسطنطینیه باليتوینوف (Litvinoff)، وزیر خارجه شوروی که در راه بازگشت از ژنو بود، همسفر شده و ملاقات نمود. وی ازینکه اخیراً ذکر به مسئله امان الله خان علاقه زیاد نشان نداد، متأثر شد. غلام صدیق خان به وزیر خارجه روسیه اخطار داد که اتکا به

⁸⁰¹ آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۱۰، سال ۱۹۳۴، دوسيه مخصوص ۹، کارتون ۳۲، صفحه ۲۵ (بحواله تیخانف).

روژیم فعلی برای روسیه خطرناک میباشد. لیتوینوف پرسید که جوانان افغان دقیقاً از روسیه چه انتظاری را دارند. به او گفته شد که به فرستادگان افغان اجازه داده شود تا برای عبور از سرحد روسیه و افغانستان از خاک روسیه بگذرند. در جواب لیتوینوف گفت که درین مورد فکر خواهد کرد، و از غلام صدیق خان چرخی خواست تا از طریق سفرای روسیه با او تماس بگیرد.⁸⁰² راپورهای استخارات بریتانیا حاکیست که غلام صدیق خان از ترس اینکه موجب خصوصیت آلمان نشود، تنها یکبار با سفير روسیه در برلین ملاقات کرد. درین ملاقات تنها به او از همدردی روسیه اطمینان داده شد و بس.

لیتوینوف با رسیدن به مسکو، به دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سراسری شوروی (شاخه بلشویکی) درباره محتوای گفت و شنود خود با غلام صدیق خان گزارش داد. به تاریخ ۱۵ جون ۱۹۳۴ دفتر سیاسی اجازه داد «برای ده-دوازده تن از پناهگزینان افغانی [در اروپا] ویزه‌های ترانزیت [از راه خاک شوروی] به افغانستان با حق اقامت یک ماهه در شوروی داده شود». به آمدن موقت غلام صدیق خان به مسکو نیز ابراز موافقت شد.

تیخانف میگوید که مسکو هم به گمان غالب نمی‌توانست با تحکیم موضع بریتانیا در افغانستان سازگار باشد. لذا به خواهش امان الله پاسخ مشبّت داد. در ماه مارچ ۱۹۳۵ سوریتس، سفير شوروی در آلمان (سفیر پیشین شوروی در کابل)، به غلام صدیق خان چرخی وعده سپرد که سفر او به شوروی به زودی انجام خواهد شد.⁸⁰³

از طرف دیگر آوازه‌های بازگشت امان الله خان به کشور در آینده نزدیک و نیز رسیدن اطلاعات درباره تلاش‌های هواداران او در تاشکند، امنیت‌های داخل افغانستان را به اقداماتی بر می‌انگیختند تا به کمک شوروی روابطی با امان الله خان برای ریختن برنامه اقدامات باهمی برپا نمایند. در این رابطه، به تاریخ ۲۴ دسمبر ۱۹۳۴ فرستادگان

802. اسناد محملانه آرشیف هند بریتانی، L/P&J/12/122.

803. پروتوكول شماره ۱۰ مجلس دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب سراسری کمونیست روسیه (شاخه بلشویکی)، تاریخ ۱۵ ماه جولای ۱۹۳۴، آرشیف دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند ۱۷، دوسيه مخصوص ۱۲۲، کارتن ۱۲، صفحه ۱۰ (به حواله تیخانف).

804. آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۷۱، سال ۱۹۳۹، دوسيه مخصوص ۲۱، کارتن ۱۸۹، صفحه ۲۱ (به حواله تیخانف).

درواز خان، رسول خان و قلی بای⁸⁰⁵، رهبران با رسوخ، به یکی از پاسگاه های سرحدی شوروی مربوط دسته مرزبانی کرکی، آمده، از نمایندگان کمیساريای خلق در امور خارجی خواهش نمودند روشن سازند که امان اللہ خان کجاست و «آیا خواهان از سرگیری مبارزه بر سر تخت افغانستان است یا نه؟»⁸⁰⁶ بر اساس اطلاعات قلی بای، آن ها آماده بودند در برابر ظاهر شاه پنجاه و پنج هزار نفر مسلح را به قیام بکشانند. همچنان به آگاهی شوروی ها رسانیدند که عبد الرحیم خان والی هرات آماده است و احمد های های اردوی هرات که به او وفادار اند، به آنان بپیوندند. رسول خان در جنوری ۱۹۳۵ آهنگ سفر حج داشت و می خواست پیش از رفتن، پاسخ امان اللہ خان را دریافت دارد.

در پاسخ به این پرسش که آیا این اطلاعات به دسترس امان اللہ خان گذاشته شده بودند یا نه؟ تیخانف مینویسد که «باید گفت که بر پایه اسناد فاش شده آرشیف های روسیه، که تا این دم به دسترس پژوهشگران گذاشته شده است، به دشوار بتوان چیزی یافت». هر چه بود، مخالفین رژیم قاطعانه آماده بودند قیام مسلحانه را حتی بدون اجازه از امان اللہ خان برآهند ازدرازند. در این راستا، سازمان های مخصوص شوروی آگاهانه و بیدارانه مترصد اقدامات بعدی آنان بودند. در اوایل ۱۹۳۵ روشن گردید که که نیروهای درواز خان و رسول خان با هم متحد گردیده اند. چنین بر می آید که حکومت افغانستان بر آنان مشکوک شده و دست به اتخاذ تدبیری زد. در نتیجه؛ قیام ضد دولتی در افغانستان بر هم خورد، خود رسول خان نتوانست به مکه برود، جایی که نشست های پنهانی امانیست ها به گونه منظم برگزار می گردید. استخارات افغانستان یک بار دیگر مؤثریت خود را به نمایش گذاشت.

تیخانف درین رابطه نتیجه میگیرد که استالین به امانیست ها اجازه داد تا تپوتلاش های خود را در جمهوری های آسیای مرکزی آغاز کنند، و کرملین آماده بود زمینه های برپایی تماس های بعدی هواداران شاه سابق را بررسی نماید. بدین گونه، استالین بار دیگر تلاش کرد تا از امان اللہ خان برای تحکیم مواضع شوروی بهره گیری نماید، مگر در دادن کمک های مادی به او شتاب نمی ورزید.

⁸⁰⁵. روانشاد شیون نام این بای را نذیر قل بای میمنگی نوشته است.

⁸⁰⁶. آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۷۶، سال ۱۹۳۵، دوسيه مخصوص ۱۷، کارتون ۱۷۷، صفحه ۷۷ (به حواله تیخانف).

در مقایسه با این اعلام همکاری لفظی روس‌ها، انگلیس‌ها برای خنثی کردن فعالیت‌های امنیست‌ها عملآبا خانواده محمد نادر خان همکاری مینودند که چند مثال آن‌را درینجا ذکر می‌کنیم:

تعقیب و دستگیری مخالفین رژیم کابل در مناطق سرحدی و هند بритانی

سردار محمد‌هاشم خان و انگلیس‌ها در شناسائی، تعقیب و دستگیری مخالفین رژیم کابل و هواداران غازی امان‌الله خان همکاری نزدیک و دوامدار داشتند. اسناد محربانه استخبارات در آرشیف هند بربیتانی مملو از مثال‌های این همکاری می‌باشد. اگر رژیم کابل رد کسانی را که تحت تعقیب داشتند، گم می‌کرد، فوراً به انگلیس‌ها اطلاع داده در یافتن شان طالب کمک می‌شدند. همچنان اگر افراد ناشناسی وارد مناطق سرحدی می‌شدند، هردو طرف در شناسائی و تعقیب یا دستگیری شان همکاری می‌کردند. انگلیس‌ها همچنان نامه‌های را سانسور می‌کردند که یا از طریق هند و مناطق قبایلی وارد افغانستان می‌شد و یا بر عکس آن از طریق مناطق قبایلی به هند و یا از آنجا به خارج فرستاده می‌شد. جالب اینکه بعضاً فرستادگان این نامه‌ها، چون ازین موضوع بازشدن و سانسور نامه‌هایشان اطلاع داشتند، توسط چنین نامه‌هایی خود مقامات انگلیسی را مخاطب قرار میدادند. طور مثال دو نامه سانسور شده را می‌توان ذکر کرد که جهت بررسی به شعبه تحقیقات جنائي ایالت سرحدی شمال غربی فرستاده شدند. این نامه‌ها از منطقه منگل سمت جنوبی افغانستان به امضای وکیل‌الملک، نماینده اعلیحضرت غازی امان‌الله خان و مهر غازی امان‌الله خان، یکی نائب‌السلطنه (وایسرا) و دیگری نماینده انگلیس‌ها در روزیرستان را مخاطب قرار داده بود. درین نامه‌ها پرسیده شده که چرا انگلیس‌ها با مداخله مستقیم در حمایت از رژیم کابل خود را مدعی می‌سازند. درین نامه‌ها همچنان اخطار داده شده تمام محبوبیت طرفدار غازی امان‌الله خان آزاد شوند.⁸⁰⁷

در یک مثال دیگر سفیر انگلیس در کابل توسط یک نامه شخصی به وزیر خارجه افغانستان درباره دو نفر بنام‌های "پنگر" و "عبدالرحمن جان" مینویسد که این دونفری که شما با نام‌هایشان آشنا هستید، بهار گذشته در جریان ناآرامی وزیرستان که منجر به حمله بر قلمرو افغانستان شده بود، گرفتار شده و از آن تاریخ به بعد در توقيف بسر

⁸⁰⁷. اسناد محربانه آرشیف هند بربیتانی، ضمیمه‌های اول و دوم مکتوب عاجل شماره ۰۸/۱۱ مؤرخ ۱۱ جنوری ۱۹۳۴

میبرند. حال که برخورد قبایل تغییر نموده و وضعیت وزیرستان هم آرام شده است، در نظر است این دونفر بعد از گرفتن ضمانت برای رفتار خوب در آینده، آزاد شوند. در جواب وزیر خارجه رژیم کابل این اشخاص را بد و خطرناک خوانده و موجودیت ایشان را در جوار سرحدات مصر داشته میخواهد هردوی شان تحت نظارت شدید قرار گیرند. او علاوه میکند که چون این افراد در آینده برای هردوی ما دوباره مشکلات خلق خواهند کرد، به اقدامات ریشه بی (?) ضرورت است.⁸⁰⁸

پلان کشیدن عباس افندی آتشه سفارت ترکیه

سفیر انگلیس در کابل به وزارت خارجه آن کشور اطلاع داد که عباس افندی، آتشه سفارت ترکیه در کابل یک شخص خطرناک، متنفذ و مخالف انگلیس هاست. محمد هاشم خان صدراعظم هم با وی هم عقیده بوده و خواهان کشیدنش از کابل میباشد، ولی برای اینکار شواهد قطعی ندارد تا بر سفارت ترکیه فشار وارد کند. لذا صدراعظم از وی خواسته است تا با ارسال یک مکتوب رسمی به او از موجودیت و فعالیت های این آتشه ترکی احتجاج کنم. سفير انگلیس درین تلگرام از وزارت خارجه طلب هدایت نموده مینویسد که من میدانم که حکومت هند نیز خواهان کشیدن عباس از افغانستان میباشد.⁸⁰⁹

جلوگیری از نشرات مخالف رژیم خاندان محمد نادر شاه

بعد از کامیابی توپه های انگلیس و استقرار سلطنت نادر شاه، روشنفکران افغان هم در داخل و هم در خارج از افغانستان بمبارزه برخاستند. در یکی از راپور های محترمانه آرشیف دفتر هند بریتانی اینکه «تعداد زیاد افغانها معتقد بودند که نادر خان به حقدار اصلی حکمرانی در افغانستان خیانت کرده است. در هندوستان نیز تعداد قابل ملاحظه مسلمانان، امان الله خان را بحیث قهرمان اسلام پیشرو و مدرن دانسته، آرزومند برگشت او بودند. لذا هم در داخل و هم در خارج از افغانستان تعداد قابل ملاحظه از مردم خواهان بازگشت امان الله خان به تخت افغانستان بودند. از همین سبب،

⁸⁰⁸. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی ای، تلگرام شماره ۷/۹۷ مؤرخ ۸ جنوری ۱۹۳۴ قونسل نمایندگی بریتانیا در کابل.

⁸⁰⁹. اسناد محترمانه آرشیف هند بریتانی ای، L/P&S/12/1662، دوسيه شماره ۴۷۸۸، صفحه اول.

نادرشاه هم در داخل و هم در خارج از کشور با موجی از تبلیغات و فعالیتهايی روبرو بود که هدف آن بی اعتبار ساختن رژیم او و جاگزینی اش توسط شاه سابق بود.⁸¹⁰

روشنفکران داخل که بیشتر از طبقه متوسط شهری بودند، یا بصورت انفرادی و یا در حلقه‌های کوچک مبارزه میکردند. آنها که تحت تهدید، مراقبت، حبس، شکنجه، اعدام، و حتی امحای خاندان شان قرار داشتند، و نمیتوانستند از خود ارگان نشراتی داشته باشند، نخست دست به تبلیغات شفاهی و افشاگری ماهیت خانواده حکمران و سیاست خصمانه استعمار انگلیس زدند، و بعد هم به نوشتن و اشاعه شبناههای منظوم و منثور پرداختند.

رژیم حاکم هم نه تنها نوشتن بلکه حتی خواندن اینگونه آثار را جنایت ملی نامیده، با حبس پر مشقت و شکنجه میکوبید. مثلاً سعد الدین خان بها⁸¹¹ بگناه خواندن شعری سه بار چوب خورد، و یک بار گلوله‌های آهنین در آتش سرخ شده در زیر بغل او گذاشته شد و هم سیزده سال را در زندان بماند.⁸¹²

⁸¹⁰. اسناد محروم‌آرشیف هند بریتانی، استخارات ستراتیژیک افغانستان، قسمت سوم
⁸¹¹. سعد الدین خان بها متولد سال ۱۲۸۴ شمسی برابر به ۱۹۰۵ میلادی در کابل، شاعر، نویسنده و یکی از مشروطه خواهانی بود که در انگلستان ادبیات انگلیسی خوانده بود. در دوره نهضت امنی یکی از مقالات بها تحت عنوان "ذذان چراغ به دست" مشهور به «پاسبان بیدار خواب» در جریده آنیس باعث اولین محاکمه مطبوعاتی در کشور گردید. کوشش کردند آن مقاله بعد از بازگشت غازی امان الله خان از سفر اروپا، پیش رویش گذاشته شده و قرار بود محمود خان یاور حکم تکفیر او را از پادشاه بگیرد. اما غازی امان الله خان کاغذ تکفیر بها را از هم درید و گفت که «در سفر اروپا در کشور فرانسه خبرنگاری برمن شورید و گفت که چرا در جراید افغانستان انتقادی به چشم نیخورد یا شاید در جامعه شما جائی برای انتقاد وجود ندارد و یا استبداد تو، دهن تمام انتقاد کنندگان را بسته است؟ من که پاسخ قناعت بخش نداشت، ناگزیر جراید خصوصی را مأخذ دادم و گفتم: "امان افغان" نشریه دولتی است و نمی‌تواند انتقاد را بر دولت کند، بروید جراید شخصی را بخوانید تا ببینید که آیا ما انتقاد را چاپ میکنیم یا نه؟ پس از چندی بعد نامه نگار فرانسوی مرا دید و این بار همان شماره آنیس را در دست داشت و مقاله "پاسبان بیدار خواب" را گواه آورده بود. من که شهربار دیموکرات استم و به آزادی مطبوعات باور دارم، اکنون خود داوری کنید که چنین شخصی را محکوم ساختن، محکوم شدن در برابر نسل‌ها نیست؟". (جلد دوم "برگی چند از نهفته‌های تاریخ در افغانستان"، ص ۴۱۷).

⁸¹². غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹). افغانستان در مسیر تاریخ. چاپ دوم، پشاور، ص ۱۳۳.

حکومت در پهلوی اینکه کوشید با استفاده از تبلیغات، جواسیس و دسایس در بین روشنفکران تخم نفاق و بد بینی و شک و بی اعتمادی بپاشد، برای شناختن روشنفکران، به وسیله یکی از گماشتگان خود بنام نیک محمد کابلی، معروف به "میرزا نیکو" یک جریده انتقادی ضد خود بنام "حقیقت" را بشکل شبانه هم نشر کرد، تا مخالفین را گرد آن جمع نموده و بدام اندازد. البته جوانان روشنفکر به جریده حقیقت نپیوستند، بلکه خود نشریه بنام "حقیقت - حقیقت" را نشر کردند.⁸¹³

میگویند که نشریه "حقیقت" نخست توسط عبد الصبور غفوری (نویسنده کتاب "سرنشینان کشتی مرگ یا زندانیان قلعه ارگ")، به همکاری چند نفر دیگر مخفیانه بنشر میرسید. بعد از آن حکومت برای شناسائی مخالفان سیاسی خویش یک نشریه "حقیقت" دروغین را بنشر رساند، و به تعقیب آن مخالفان رژیم با خاطر خنثی ساختن آن نشریه دیگری بنام "حقیقت - حقیقت" را بنشر رساندند.

یکی از اولین جرایدی که بیرون از مرزهای افغانستان توسط افغانها در هند بریتانی اولیه حکومت محمد نادر شاه نشرات میکرد. جریده "افغانستان" بود. این جریده نباید با جریده "افغانستان آزاد" که در عهد صدارت محمد داود خان توسط یک عده دیگر از مخالفین رژیم به رهبری شادروان عبدالحی حبیبی بنشر میرسید، مغایطه شود. جریده افغانستان بار اول توسط مرتضی احمد خان هنگام اغتشاش در افغانستان بنشر رسیده و با استقبال خوب روشنفکران در داخل افغانستان روبرو شده بود. این جریده بعد از اعلام سلطنت نادر شاه بدفاع از رژیم او برآمد، ولی بزودی توسط خواجه هدایت الله خان قونسل افغانی به ماهیت رژیم پی برد و بعد از آن بنشر مقالات علیه آن پرداخت. چون انگلیس‌ها مخالفت با رژیم کابل را مخالفت با منافع خود می‌پنداشتند، جریده "افغانستان" را متوقف و مرتضی احمد خان را به زندان فرستادند. اما این تنها نبود، بلکه توسط شخصی بنام شهزاده، در لاهور با دادن پول به یکی از مستخدمین مرتضی احمد خان، مراسلات عنوانی او را بدست آوده سربسته به کابل فرستاد، و از روی خط نامه‌ها و روی پاکت، عده از نویسنده‌گان مقالات ضد رژیم به جریده "افغانستان" را شناسایی و شامل لست سیاه نموده، به همکاری مأمورین هند بریتانی تحت مراقبت جدی قرار داد. (لست‌های زندانیان سیاسی و آنده از روشنفکرانی را که توسط رژیم نادری کشته شدند، میتوانید در کتب "افغانستان در مسیر تاریخ"، و "برگی چند از نهفته‌های تاریخ در افغانستان" مطالعه کنید).

روشنفکرانی که در خارج از کشور بدور شاه امان الله خان جمع شده بودند، هم هدف برانداختن دولت نادرشاه و استقرار یک دولت ملی را در پیش داشتند. آنها با وجودی که زیر مراقبت شدید قرارداد اشتبند و جوایسیس در بین شان مشغول فعالیت تخریبی بودند، برای تأمین روابط با روشنفکران، متنفذین محلی و بعضی مأمورین ناراض در داخل افغانستان به نشرات و انتقال آن بداخل افغانستان نیاز داشتند. رهبران امانتیست مکاتیب و اعلامیه‌های خود را در داخل جوف چوب‌های دست (عسا) به افغانستان داخل میکردند. یکی ازین اعلامیه‌های مشرح که در چندین صفحه به امضای شخص امان الله خان منتشر گردید، سبب خشم و عکس العمل شدید نادر خان گردید. سه نفری که بحروم آوردن این اعلامیه متهم شدند، یوسف جان، غلام عنبر و دوران خان بودند که در قسمت گدام‌های زندان دهمزنگ اعدام شدند و اجساد شان در یک قبر دفن گردید.⁸¹⁴

به گفته شادروان غبار «این اعلامیه [امان الله خان]، سلطنت نادرشاه را تکان داد و بر خشونت او افزود. فیض محمد خان ذکریا وزیر خارجه داوطلب تردید اعلامیه گردیده و به عجله کتابی بنام "تردید شایعات باطله شاه مخلوع" در زبانهای اردو و دری منتشر ساخت. درین کتاب فیض محمد خان که قبلًاً امان الله خان را «امان الله کبیر» مینامید، شدیداً سرزنش و متهم کرده، و در صفحه سوم "اغتشاش سقوی" را "انقلاب کبیر" خوانده است، در عوض نادرشاه و برادران را ستایش کرده است. این کتاب از صفحه پانزدهم بعد از مدرسه دیوبند هندوستان و از مرید شدن افسران اردوی افغانستان به مشایخ، دفاع سختی نموده است، و هم امان الله خان را تهدید به انتشار فتوگرافیهای "ضد اخلاقیش" نموده است. این همان فتوگرافی‌های بود که از طرف دشمن خارجی قبلًاً جعل شده و در افغانستان و سرحدات آزاد، برای مشتعل ساختن اغتشاشات ضد امان الله خان منتشر گردیده بود. سلطنت برای استفاده سوّا ازین اعلامیه شاه امان الله خان، علیه مبارزین داخلی افغانستان یک فتوای شرعی بی امضای مشخص را نیز از نام علمای افغانستان در اخیر کتاب نشر نمود".⁸¹⁵

⁸¹⁴. غفوری، عبد الصبور (۱۳۸۰). سرنشینان کشتی مرگ یا زندانیان قلعه ارگ، صفحات ۷۸-۷۹.

⁸¹⁵. غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹)، ص ۱۱۵.

نشریه «فغان افغان»

اولین نشریه حزب جوانان مبارز حامی غازی امان الله خان در سال ۱۹۳۴ بنام «فغان افغان» در اروپا بنشر رسید. چند شماره این نشریه که شدیداً از رژیم آل یحیی انتقاد و از شاه امان الله خان حمایت میکرد، به کایل هم رسید. این جریده ادعای میکرد که توسط جمعیت مدافع حقوق ملی بنشر میرسد. درین جریده چیزی نبود که از آن محل انتشار و مدیر مسئول آن فهمیده شود. اما از مطالعه آن معلوم میشد که از طرف یک عده افغانهایی که به کشورشان علاقه دارند، و در خارج از کشور زندگی میکنند، تحریر و چاپ میشود. شماره اول در چهار صفحه، سه مضمون مشرح و در صفحه آخر یک شعر کوتاه را توسط نویسنده‌گانی با نام‌های مستعار شیپور، حق پرست و آرش، در بر میگرفت.

در ماه مارچ ۱۹۳۴ قونسل افغانی در بمبهی توanst سه شماره «فغان افغان» را بدست بیاورد. او یک شماره آنرا با پاکت اصلی اش که دارای دو تکت پستی و مهر بلغاریا بود، ضمیمه مکتوبی به مقامات حکومت در بمبهی ارسال نموده نوشته که طبیعت است که این نشریه از هند به ایالت سرحدی شمال غربی و افغانستان نیز خواهد رسید. او به تعقیب تقاضا‌های قبلی اش از حکومت هند بریتانی خواست تا از طریق بحروف زمین از ورود چنین نشراتی به هند، جلوگیری کند.⁸¹⁶

به اساس اسناد آرشیف لندن، مقامات انگلیسی این مسئله را جدی گرفته و برای یافتن رد پای غلام صدیق خان چرخی و شجاع الدوله خان در بلغاریا، دست به اقدامات وسیعی زدند. به سفیر انگلیس در کابل اطلاع داده شد که به اساس اطلاع و اسله از سفیر انگلیس در صوفیه، اداره عمومی پولیس مکاتیبی را عنوانی ادارات همه حوزه‌های ۱۵ گانه پولیس در بلغاریا ارسال نموده راجع به دو نفر مذکور خواهان معلومات شدند. در جواباتی که تا حال بدست آمده است، هیچ نوع معلوماتی راجع به آنها موجود نیست. آنها را در صوفیه نشناخته‌اند.⁸¹⁷

یک راپور دیگر انگلیس‌ها حاکیست که نشریه «فغان افغان» توسط یک گروپ کوچکی از هواداران شاه سابق امان الله خان آغاز شده بود که رهبری آنرا عبدالوهاب خان

⁸¹⁶ اسناد آرشیف هند بریتانی، مکتوب مؤرخ ۲۴ مارچ ۱۹۳۴ قونسل افغانی در بمبهی، شماره مسلسل ۲۵، L/P&S/12/1662.

⁸¹⁷ اسناد آرشیف دفتر هند بریتانی، L/P&J/12/121.

طرزی، برادر ملکه ثریا، به عهده داشت. بسته‌های این جریده بعد از چاپ به اشخاص مختلف در فرانسه، سویس و جاهای دیگر فرستاده میشد تا آنرا از آنجا از طریق پُست به هند بفرستند. راپور حاکیست که تمام شماره‌هایی که از فرانسه پُست شده است، توسط محمد علی خان فرستاده میشد.⁸¹⁸

از یک راپور دیگر استخباراتی معلوم میشود که شماره ماه اکتوبر "فغان افغان" توسط غلام صدیق خان چرخی در استانبول بچاپ رسیده و او میکوشد شماره‌های بعدی را بصورت علنی در برلین چاپ کند.⁸¹⁹

در رابطه با همکاری انگلیس‌ها در جلوگیری از ورود جریده "فغان افغان" که منجر به دستگیری چند نفر توسط حکومت افغانستان میشود، یک راپور را بصورت نمونه ذکر میکنیم: شعبه‌استخبارات مرکزی (C.I.D.C) ایالت سندر ۳۰ ماه جولای ۱۹۳۴ یک نامه را کشف و بعد از کاپی کردن به مرجع آن میفرستد. این نامه را شخصی بنام محمد ابراهیم جیلانی از بمبئی به غلام رسول جان در برلین فرستاده است. درین نامه از رسیدن یک شماره جریده "فغان افغان" اطمینان داده شده است. نویسنده نامه نوشه است که حضرت صاحب یک ماه قبل از حجاز برگشته و فعلاً در بمبئی میباشد. او خواهش میکند که "فغان افغان" برایش بصورت منظم فرستاده شود. انگلیس‌ها بعد از تحقیق پی میبرند که غلام رسول جان در برلین، پسر حاجی غلام نبی خان بوده، و دو برادر دارد به نام‌های غلام حیدر خان و غلام نقشبند خان. هر سه برادر تاجران بزرگ پوست قره قل بوده و در پشاور، کابل، مزارشیریف، انگلستان و جرمنی ارتباطات تجاری دارند. این برادران با غلام نبی خان چرخی که سال قبل توسط محمد نادر شاه کشته شد، رابطهٔ فامیلی دارند. غلام حیدر خان درین اوخر دستگیری و توسط حکومت افغانستان به زندان فرستاده میشود. انگلیس‌ها با نام فرستنده نامه آشنایی قبلی ندارند، و تلاش میکنند تا حضرت صاحب را که از حجاز برگشته و در بمبئی میباشد، شناسایی و دستگیر کنند.⁸²⁰

راپورهای دیگر حاکیست که کسانی که از طریق هند و یا روسیه به آروپا سفر میکردند، تحت تعقیب دستگاه‌های استخباراتی انگلیس قرار داشتند، زیرا تماس و ملاقات آنها

⁸¹⁸. همانجا.

⁸¹⁹. اسناد آرشیف هند بریتانی، L/P&J/12/122.

⁸²⁰. اسناد آرشیف هند بریتانی، L/P&J/12/121.

با امانیست‌ها میتوانست وسیله رساندن پول به امانیست‌ها و انتقال مکاتیب و نشرات آنها به افغانستان شود.

تعقیب غازی امان الله خان در مواسم حج سال ۱۹۳۵

سازمانهای استخباراتی انگلیس در ماه مارچ ۱۹۳۵ اطلاع دادند که غازی امان الله خان همرا با پسر و ملکه علیا حضرت مادرش برای اشتراک در مراسم حج به مکهً معظمه سفر کرد. راپور درین دوران دایر شدن یک نوع کانگرس عرب‌ها را در حجاز پیش‌بینی نموده، علاوه میکند که امان الله خان قصد دارد با معرفی پسر خود درین کانگرس حمایت عرب‌ها را برای خود و خانواده اش جلب نماید. مأمورین انگلیسی بتاریخ ۷ مارچ ۱۹۳۵ از رسیدن امان الله خان، ملکه مادرش، سردار محمد حسن و ادیب خان به الکسندریه اطلاع داده نوشته‌ند که آنها امروز با کشتی ایتالوی بطرف جده حرکت کرده‌اند.⁸²¹

حکومت هند بریتانی بتأثیر ۱۲ مارچ به وزیر خارجه امور هند و نماینده انگلیس‌ها در جده اطلاع داد که حکومت هند بریتانی بجهه صلاحیت داده است تا مصارف اساسی مربوط به کشف معلومات فعالیت‌های امان الله خان در حجاز را از حساب حکومت هند بپردازد. همین راپور علاوه میکند که ما از حرکت حضرت چارباغ بطرف حجاز اطلاعی نداریم، او تحت نظارت ما بوده و درین باره بعداً معلومات داده خواهد شد.

راپور ۱۵ مارچ اطلاع میدهد که امان الله خان و همراهانش از الکسندریه تا سویز توسط پولیس‌های مخفی همراهی شده و تماس‌های آنها تحت نظارت قرار داشت.

راپور ۲۱ مارچ نماینده انگلیس در عربستان سعودی نوشته که در دوران اقامت امان الله خان در مکه، منزل او بصورت دوامدار از هواهارانش پُرمی‌بود. تعداد زیادی از اشخاص برجسته پیشاور، ایالت سرحدی شمال غربی و اقوام مادرای سرحد نیز با اوی ملاقات نمودند. راپور از چند نفر مهم اسم برده و از ارسال لست طویل ملاقات‌یان در یک خریطة جداگانه اطلاع میدهد. راپور علاوه میکند که درین ملاقات‌ها کدام بلان عمل تصویب نشد، اما امان الله خان هنگام گفتگوها ابراز امیدواری کرد که تا یکی-دو سال در ایالت سرحدی شمال غربی هند بریتانی و افغانستان، قیام سراسری قبایل

⁸²¹. اسناد آرشیف هند بریتانی، دوسيئه فعالیت‌های شاه سابق امان الله و راپورهای سرویس استخباراتی خاص.

مرزی آغاز خواهد گردید و او را بار دیگر بر اورنگ شهربیاری افغانستان خواهد رساند.⁸²²

امانیست‌ها در میان حاجیان نامه را پخش نمودند که در آن انگلیس‌ها به عنوان دشمنان همه مسلمانان خوانده شده بودند. در این پیام‌ها هواداران امان‌الله خان، مسلمانان هند و افغانستان را به جهاد در برابر بریتانیا فرامی خواندند. هنگامی که یکی از این نامه‌ها به دست حکومت بریتانیا رسید، فریزر تیتلر-فرستاده بریتانیا در کابل بی‌درنگ تبلیغات هوادارن امان‌الله خان در میان قبایل سرحدی را به آگاهی حکومت افغانستان رساند.

همزمان با آن، انگلیس‌ها تلاش‌های دیپلماتیکی را در روم هم به راه انداختند تا حکومت ایتالیا را ناگزیر سازد که کنترول خود را بر فعالیت‌های امان‌الله خان بیشتر سازد.⁸²³

تیخانف، محقق روسی مینویسد که «در یک سخن، پیامدهای سیاسی سفر حج امان‌الله خان چنان بود که در لندن و کابل هنگامه بزرگی را بربرا کرد».. دلهره و پریشانی انگلیسی‌ها مدلل بود. چون استخبارات بریتانیا توانسته بود تثبیت نماید که امانیست‌ها در هنگام حج ۱۹۳۵ نه تنها پشتون‌ها را به خیزش در برابر بریتانیا و ظاهر شاه فرا خوانده بودند، بلکه گفتگوهای محرومی با نمایندگان شوروی نیز انجام داده بودند. دشوار نیست گمان زد که چه مسائلی در این گفتگوها بررسی شده بود.

اما بعد اوقتی اوضاع روشنتر شد، انگلیس‌ها دریافتند که هدف رفتن امان‌الله خان با مادرش به حج ملاقات با هیئتی از قندهار بود. چون مادرش قندهاری و بین اقوام قندهار از نفوذ زیادی برخوردار بود، از همین سبب با این گروپ به مکه معظمه رفته بود.

انگلیس‌ها تمام حاجیان قندهاری را تحت نظارت و تعقیب گرفتند، اما سراغی از هیئت بدست نیاوردنند. از جمله حاجیان معروفی که از قندهار رفته و با امان‌الله خان ملاقات نمودند، تنها قاضی عبدالحکیم خان پسر محمد کریم خان از بارکزی‌های

822. راپور معاون قونسل انگلیس در جده تاریخی ۲۱/۳/۱۹۳۵، استاد آرشیف هند بریتانی، L/P&J/12/121

823. استاد آرشیف هند بریتانی، L/P&J/12/121

قندھار و پسرش حاجی سربلند خان بودند، که هردو یشان از حامیان غازی امان‌الله خان و در سال ۱۹۳۰ قبل از ترک وطن در قندھار با وی همکاری داشتند. از سمت شمال (ترکستان) افغانستان غلام رسول خان در مراسم حج آن سال اشتراک نموده و بعد از بازگشت در کابل تحت نظارت قرار گرفت. تمام حاجیان قندھاری در برگشت از راه هند بریتانی تھت تعقیب قرارداد اشته و تلاشی شدند. از جمله آنها هفت نفر شان بازداشت و تحت الحفظ به مقامات حکومت افغانستان سپرده شدند.

قرار بود غلام صدیق خان چرخی نیز درین سفر حج غازی امان‌الله خان را همراهی کند، اما در آخرین لحظات از طریق سوریتس، سفیر شوروی در برلین، شنید که یک هیئت افغانی از مزار شریف وارد مسکو شده است، و اعضای این هیئت، که رحیم جان (شیون) پسر کاکای شاه سابق نیز در آن شامل است، خواهان ملاقات عاجل با او (غلام صدیق خان چرخی) هستند. به همین دلیل فیصله شد که غلام صدیق خان چرخی در اروپا مانده و بعد از بدست آوردن اجازه لازم رفتن به مسکو، با هیئت ملاقات کند.

غازی امان‌الله خان در مراسم حج اطلاع یافت که ولایات قندھار و ترکستان آماده قیام بوده منتظر آمدن او یا غلام صدیق خان چرخی به سرحد افغانستان میباشند. اما امان‌الله خان بعد از برگشت به اروپا دریافت که غلام صدیق خان تا هنوز با هیئت ملاقات نه نموده و روس‌ها اجازه رفتن او به مسکورا به بهانه‌های مختلف به تعویق می‌اندازند.⁸²⁴

تیخانف، محقق روسی درباره این بهانه‌جوئی‌های روس‌ها مینویسد که «پس از چندی، تماس‌های نوید بخش با شوروی‌ها که برای امان‌الله پیام آور کامگاری بودند، ناگهانی برهم خوردند... دلیل آن این بود که استالین از مهرورزی آشکار کشورهای فاشیستی به امان‌الله که به همکاری با آن‌ها ابراز آمادگی می‌کرد، هراس داشت». تیخانف از رفتن قبل از جنگ جهانی امان‌الله خان به حبسه و پخش نامه‌های او، که در آن مسلمانان آنکشور را به قیام در برابر دست نشاندگان انگلیس و نصارا دعوت می‌کرد، اشاره نموده مینویسد که «چنین کارهایی برای این که حکومت شوروی دیگر نخواهد به «دوست» دیرین افغانی خود کمک نماید، کاملاً بسنده بودند. به نوبه خود، [نو میدشن] امان‌الله خان و حواریون او [از یاری شوروی‌ها] آن‌ها را به همکاری با ایتالیایی‌ها و آلمانی‌ها بر می‌انگیخت. در این جاییک مثل خردمندانه خاور زمین

⁸²⁴. اسناد آرشیف هند بریتانی، 12/122، L/P&J.

صدقاق می‌یابد که می‌گوید: «آب برد، برای نجات خود به هر خس و خاشاکی چنگ می‌اندازد». امان الله خان درست چنین می‌کرد.

آیا بواسطی امان الله خان حاضر بود به همکاری فاشیست‌ها سلطنت را بدست آورد؟

در دوران جنگ عمومی دوم هتلر در آلمان و موسیلینی در ایتالیا دوست و همکار نزدیک بودند. آنها به اساس پلان آلمان نازی میخواستند برای ضربه به رقیب انگلیسی شان در هندوستان، غازی امان الله خان را دوباره بر تخت سلطنت بنشانند. ادولف هتلر درین باره به امان الله خان غازی نامه به مفهوم ذیل را نوشت و همکاری او را تقاضا کرد:

«ما میدانیم که ملت آلمان و ملت افغان هردو از نژاد آرین میباشد. بروی اساسات هم نژادی و برادری، دولت آلمان مصمم است که آن برادر گرامی، اعلیحضرت شما را در ظرف 48 ساعت در افغانستان به اریکه سلطنت دوباره قایم مقام نماید. با احراز مقام سلطنت دولت آلمان از شما متراضی میباشد که به مرزهای شمالی کشور افغانستان به تعرض نظامی بپردازید که در برآوردن این مراد، دولت آلمان از اجرای هر نوع کمک و مساعدت دریغ نخواهد کرد. امید است که آن برادر گرامی این پیشنهاد ما را بپذیرد.»

غازی امان الله خان با اینکه در ایتالیا یک پناه گزین بود، از حکم هتلر سرباز زد و جواب ذیل را باو فرستاد:

«از پیشنهاد شما مطلع شدم. بایستی برای آن برادر گرامی خاطر نشان سازم که به هیچ اسم و رسم خواهان تاج و تخت سلطنت در افغانستان نمیباشم. خاصتاً که تاج و تخت افغانستان به ذریعه یک کشور غیر، ولو هم نژاد و برادر، بمن اعاده گردد. آنهم مشروط باشد بخواستهای سیاسی آن کشور غیر، من هیچگاه حاضر نمی‌شوم از برای گرفتن تاج و تخت سلطنت حیثیت ملت افغانستان را پایمال کنم. امید است که معذر特 مرا بپذیرید.»⁸²⁵

⁸²⁵. داستانهای چند از تاریخ سیاسی "تالیف خیر محمد بایگان، صفحات ۲۹۸-۲۹۹. به روایت آقای بایگان، بعد از آنکه قوای امریکائی در سال ۱۹۴۵ برلین را اشغال و به اسناد محترمانه وزارت خارجه دولت نازی دسترسی پیدا کردند، از طریق امواج رادیو، اسناد مربوط به سایر کشورها را فهرست وار اعلام داشتند که در آن از افغانستان نیز نام برده شده بود. شاغلی محمد علی شیرزی رئیس عمومی هوتل ها که در آن زمان بحیث سکرتو اول در سفارت افغانستان مقیم ایتالیا ایفای خدمت مینمود، باشنیدن این خبر فوراً با وزارت خارجه افغانستان در تماس

بدین گونه میبینیم که غازی امان‌الله خان همانطوری که در دوران اغتشاش به قیمت ریختن خون افغانها نخواست تاج و تخت خود را حفظ کند، یکبار دیگر قبول نکرد که به اتکای نیروهای بیگانه بحیث یک شاه دست نشانده، تاج و تخت از دست رفته اش را دوبار حاصل کند.

ماجرای پیرشامی به وزیرستان

بعد از آنکه حامیان امان‌الله خان نتوانستند از طریق سرحدات شمال افغانستان کاری را به پیش بزنند، به سرحد آزاد متوجه شدند. به روایتی چون رسیدن خود امان‌الله خان و حامیان شناخته شده‌شان به سرحد آزاد از راه هند بریتانی ممکن نبود، آنها سید سعد الگیلانی معروف به پیرشامی را که از قبل به افغانستان و شاه امان‌الله خان معرفت داشت، از سوریه مخفیانه به وزیرستان سرحد آزاد فرستادند. در عین زمان میر عبدالعزیز خان یکی از جوانان افغانی که در ترکیه تحصیل کرده بود، هم وارد منطقه شده و به فعالیت آغاز نمود.

سعد گیلانی در سال ۱۹۰۱ در دمشق تولد شده بود و از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۵ در آلمان تحصیل کرد و در ختم پنج سال تحصیلش با یک خانم آلمانی ازدواج کرد. او در سال ۱۹۳۸ بشکل مرموزی وارد وزیرستان شد و ادعای کرد که از اولاد شیخ عبدالقدیر گیلانی، بنیانگذار طریقه قادریه میباشد. دیری نگذشته بود که بیانات او شکل سیاسی گرفت و اعلام کرد که ظاهر شاه غاصب بوده و او قصد دارد تخت و تاج کابل را به شاه سابق امان‌الله خان برگرداند. جمع شدن یک لشکر بزرگ وزیر و مسعود بدور پیرشامی سبب نگرانی حکومت کابل شد.

مامورین محلی انگلیس گمان میبردند که پیرشامی با ادیب خان افندی، مامای ملکه ثریا خویشاوندی داشته باشد. نقش عمده او درین موج تازه فعالیت‌های سرحدی هم انگلیس‌ها را واداشت تا فعالیت‌ها و حرکات این پیر را دقیقاً تحت نظر داشته باشند. آنها کاپی نامه را نیز بدست اورده بودند که از بغداد به یک ملای افریدی بنام "ملا بوستان" فرستاده شده بود. علاوه بر آن، استخارات انگلیس اوراق تبلیغاتی را نیز بدست آورده بودند که از بیروت و یا دمشق فرستاده شده و تصور میرفت که کار ادیب

شده و آنها امردادند تا نقل اسناد مذکور را از مقامات امریکا در برلین تقاضا و بصورت سری به وزارت خارجه ارسال دارد. به گفته محمد علی شیرزی این اسناد در آرشیف وزارت خارجه افغانستان موجود بوده است.

خان افندی (صالح) باشد. ادیب خان یک جوان با استعدادی بود که بین سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۲۴ تجارب دیپلماتیک را حاصل کرده بود. ادیب افندی در سالهای ۱۹۳۱ و ۱۹۳۵ امان الله خان را در سفر حج همراهی نموده و در دمشق بسر میبرد.

انگلیسها در اوایل به شکایات حکومت کابل درباره فعالیت‌های پیر شامی ظاهر اعتنای نکرده و خواستند به محمد هاشم خان صدراعظم بخاطر روابط روزافزون تجاری افغانستان با آلمان درسی داده باشند. چون نفوذ روزافزون اقتصادی آلمان از طریق عبدالمجید خان زابلی، وزیر اقتصاد افغانستان، انگلیس‌ها را نگران ساخته بود. آنها میدانستند که دلچسپی آلمان به افغانستان دو هدف اقتصادی و سیاسی دارد. آلمان میخواست بازار فروش کالاهایش را در افغانستان انکشاف داده و برای کدر فنی و تخفیکی خود زمینه استخدام را فراهم کند. آلمان همچنان تلاش داشت در مناطق سرحد آزاد نفوذ پیدا کنند.

بعد از آنکه تشویش و نگرانی حکومت افغانستان شدت یافت و به اصطلاح گوشمالی خود را دید، انگلیس‌ها یک بار دیگر به کمک رژیم کابل شتافته و بکمک قوای هوائی شان لشکر اقام و وزیر و مسعود را که بطریفداری از غازی امان الله خان بدور پیر شامی جمع شده و بطرف افغانستان مارش میکردند، مورد حملات شدید قراردادند. لشکر که از یکطرف با قوای دولت افغانستان در جنگ بود و از پشت نیز مورد حملات قوای هوائی انگلیس‌ها قرار گرفت، مجبور به عقب نشینی شد. میر عبدالعزیز خان هم در پکتیا بدست حکومت افتاد. در عین حال پیر شامی نیز به ادعای فریزر-تیتلر با گرفتن بیست و پنج هزار پوند انگلیسی بال کشید و توسط طیاره از راه هند به خارج برگشت.

گیلانی بعد از بازگشت خود به دمشق تمام پدیده را یک تصادف و ماجراجوئی خوانده طوری وانمود کرد که گویا زمانی که در شمال هند بود، مریدان طریقه قادریه افغانستان تلاش کردند تا قدرت روحانیت او را در انهدام حکومت وقت افغانستان، برای نجات مردم از ظلم و ستم، بکار برند. بنابران او به دعوت مردم قبایل سرحدی به وزیرستان رفت و به کمک میرزا علی خان معروف به فقیر ایپی، یکی از غازیان و جنگجویان معروف ضد انگلیس، یک قوه پنج هزار نفری مسلح برپا خواستند و در خدمت وی قرار گرفتند. گیلانی خودش اظهار داشته است که درین مسئله پایش به کمال بیمیلی کشانده شده است، مخصوصاً که مردم وزیرستان از او خواستند تا فقیر ایپی را معزول کند و جایش را خودش بحیث زعیم و پیشوای روحانی قوم بگیرد.

قونسل بریتانیا از دمشق بعد اطلاع داد، که اصل هدف سعد گیلانی جمع آوری پول از مریدان طریقه قادریه هند و افغانستان بود. گویا او کدام هدف سیاسی نداشته و آرزو مند خاص بازگشت امان اللہ خان به کابل نیز بود.

تیخانف روسی معتقد است که پیر شامی اجنت آلمانی ها و فرستاده «هینتیگ» مدیر دفتر شرق میانه وزارت خارجه آلمان بود. او میگوید که «هینتیگ»، طراح نخستین عملیات بزرگ اطلاعاتی آلمان در وزیرستان در آستانه جنگ جهانی دوم بود که زمان مددی در انتظار بود که چه وقتی بار دیگر بتواند پرشورانه «کارروایی» های ضد انگلیسی را در میان قبایل پشتون آغاز نماید. از این رو، هنگامی که در وزیرستان قیام بزرگی به رهبری فقیر ایپی درگرفت، برآن شد که فرصت طلایی فرا رسیده است و در این پیوند، با یکی از اجنت های خود در سوریه ارتباط گرفت. این اجنت، محمد سعد گیلانی، پیر طریقه قادریه در سوریه بود که در میان قبایل پشتون به نام «شامی پیر» (پیر شامی) شهرت داشت. این پیر مقدس یکی از اعضای خاندان بزرگ گیلانی بود که در جهان اسلام از نفوذ فراوانی برخوردار بودند. عمومی او، حسین گیلانی - مفتی اعظم اورشلیم [بیت المقدس]، پیشوای جهانی طریقه بود که با کشورهای محور همکاری داشت. افزون بر این، سعد گیلانی از خویشاوندان دور امان اللہ خان (حامی بزرگ قبایل وزیرستان در مبارزات آنها در برابر انگلیس) به شمار می رفت.⁸²⁶

یأس و ناامیدی امانتیست ها

شاد روان غبار میگوید که بعد از شکست وزیر و مسعود و مراجعت پیر شامی هیئت مدیره پارتی در اروپا مض محل و مایوس گردید و دست از مبارزه کشید. محمود خان طرزی در استانبول و شجاع الدوله خان در برلین و عبد العزیز خان چرخی و سید قاسم خان و محمد ادیب خان همه در کشورهای خارجی بالآخره نا امیدانه جان دادند. یکعدد دیگر مثل غلام حسن خان چرخی، نصیر احمد خان ابوی، غلام جیلانی خان قونسل، محمد رحیم خان غوربندی، دین محمد خان، عبدالله خان ناصری، شمس الدین خان و غیره در کشورهای خارجی اقامت دائمی اختیار کردند... سه سال بعد از جنگ جهانی دوم، شاه امان اللہ خان که نه تنها محور پارتی جوانان مبارز افغانی در خارج، بلکه مقناطیس توجه تمام روشن فکران و مردم افغانستان بود، آنقدر زیر دسايس تبلیغی و تلقین سیاسی و فشار اقتصادی دشمنان داخلی و خارجی خود کوفته و بیحال شده بود

⁸²⁶. تیخانف / ترجمه آریانفر (۲۰۱۰)، ص ۱۹۷.

که بعد از تخلیه هندوستان از انگلیس و تنها ماندن رژیم بر سر اقتدار افغانستان در بین تنفر عمومی مردم کشور، در سال ۱۹۴۸ بیعت نامه را بخط خود بعنوان ظاهر شاه نوشت و فرستاد.⁸²⁷



68. غازی امان الله خان و ملکه ثریا در غربت و دوری از وطن

وفات شاه امان الله خان

شاه امان الله غازی عاقبت روز ۲۵ اپریل ۱۹۶۰ مطابق با ۵ شور ۱۳۳۹ در عالم هجرت و غربت در کشور سویس در حالیکه هنوز هم به یاد وطن بود و موجی از آرزو های انسانی راجع به وطن و مردمش را در سینه داشت ، چشم از جهان فرو بست.

به روایت بی بی هندیه، پدرش غازی امان الله خان چند روز قبل از فوت شان خواهش نمودند که یک بار دیگر ساز وطن به صدای استاد قاسم (افغان) را بشنود، به خاطر اینکه خیال کرد که در وطن خود میمیرد، همان وطنی که از همه جای دنیا آنرا زیادتر دوست داشتند. وطنی که باشندگان آن زمان طرفداری از شاه امان الله نکردند و حالا متأسف هستند که مدت سلطنت شان زیاد طول نکشید.

⁸²⁷. غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹)، صفحات ۱۲۳-۱۲۴

دولت وقت تنها به فرزندش (شهزاده رحمت الله) اجازه داد تا همراه جنازه پدر وارد وطن شود و بس. همچنان، رژیم حاکم خاندان محمد نادر شاه اجازه نداد طیاره حامل جنازه غازی امان الله خان در میدان هوائی کابل بزمین بشیند و یا در آنجابخاک سپرده شود. همینکه جنازه در کنار آرامگاه پدرش امیر حبیب الله خان در جلال آباد دفن شده و مراسم فاتحه گیری تحت نظارت خاص و شدید دولت در مسجد جامع "پُل خشتی" کابل انجام شد، مقامات دولتی دستور خروج فوری شهزاده رحمت الله از افغانستان را صادر نمودند.



(۱) 69. جنازه غازی امان الله خان



(۷۰) جنازه غازی امان الله خان (۲)

مرحوم داکتر شاهی با میت مستمندی، باستان‌شناس مشهور کشور، در گوشة از خاطرات سالهای تحصیلی خود پیرامون مرگ غازی امان الله خان مینویسد:

«...روانه منزل شاه امان الله خان شدیم. جنازه مرحوم شاه امان الله قبل از سویس آورده شده بود و میت در یک صندوق بسته بود و ما نتوانستیم [اروی] میت را ببینیم. ملکه ثریا خانم مرحوم شاه امان الله و دیگران از ما محصلین خواستند تا به دور جنازه نشسته و تلاوت قرآن پاک کنیم... بالاخره ساعت ده و نیم - یا زده قبل از ظهر میت را از خانه بیرون آوردیم و در دو طرف سرک منزل شاه امان الله خان گارد ریاست جمهوری ایتالیا مراسم احترام را بجا آورده و موتر جنازه با دیگر موتها روانه میدان هوایی شد. بمجرد رسیدن به میدان، میت را در یک اتاق که بدین منظور اختصاص داده بودند، گذاشت و باز هم مذکرۀ خصوصی بین سفیر و پسر امان الله خان و تلفونهای اسرار آمیز دوام داشت و ما از جریان کاملاً بی خبر... بالاخره بعد از تقریباً دو یا سه ساعت انتظار، جنازه را به طیاره گذاشت و رحمت الله جان پسر امان الله خان نیز سوار طیاره شد. از تمام مراسم مرگ شاه امان الله خان خودم و دیگر محصلین به تعداد بیست یا زیاده تر قطعه عکاسی نموده بودیم که بدین ترتیب همه آن با دیگر عکس‌های تاریخی نشر ناشد. بعد از هجرت از وطن، همانجا ماند. بعد از مدتی، توسط اعضای سفارت خبر شدیم که همه مشکلات و تأخیر

در پرواز طیاره حامل میت شاه امان اللہ این بود که صدراعظم وقت [سردار محمد داود] مانع سفر رحمت اللہ جان بدأ خل افغانستان بود. اینکه چطور و چرا بعداً اجازه سفر رحمت اللہ جان داده شد، معلوم نیست...»

داکتر مستمندی علاوه میکند که: «[بعداً دریکی از شبها مهمان ملکه ثریا بودیم و من اشعاری را بیاد قصر دارالامان قرائت کردم]، با شنیدن این شعر، اشک از چشمان ملکه ثریا و نور السراج سرازیر شد و دیگران در خاموشی فرو رفتند، بعد از چند ثانیه ملکه ثریا از چوکی بلند شده برایم گفت با من بیایید چیزی به شما نشان میدهم و به طرف زینه که به طرف منزل فوکانی میرفت، حرکت کردیم در منزل فوکانی، ملکه ثریا در بیک اتاق را باز کرد، اتاق کوچکی بود به رنگ سبزخیره. دریک کنج اتاق یک تخت خواب چوبی بسیار ساده در زیر کلکین که به طرف سرک باز میشد، گذاشته شده در سمت دیگر، یک میز کوچک کاربا یک چوکی دیده میشد. در بالای تخت خواب دریک میخ، تسبیح نصواری رنگ آویزان بود و در بالای تسبیح کلمه مبارکه به دیوار بند بود. ملکه ثریا روکش تخت را کمی کنار زده و از زیر بالشت کوچک را، که بعضی آنرا زیر گوشی و بعضی تکیه میگویند، بیرون کشیده برایم نشان داد و گفت: میان این بالشت خاک افغانستان است، زمانیکه اعلیحضرت از خاک افغانستان میبرآمد این خاک را با خود آورده و همیش که خواب میگرد آنرا زیر سر خود میگذشت و وصیت کرده بود که اگر روزی دور از وطن بمیرم و امکان دنم در خاک افغانستان نباشد، هرجا که دفن شدم این خاک را بالای قبرم ببریزید...»⁸²⁸



71. مقبره غازی امان اللہ خان در جلال آباد

. 828. مجله "آینه افغانستان" ، چاپ امریکا ، شماره ماه جنوری سال 1991.



72. مقبره غازی امان الله خان (عکس از الboom خانواده گی مؤلف)



ضمایم

افغان، همان افغانست، که در راه حفظ شرافت ملی خود، در راه آزادی و استقلال ملکی خود، در راه رهایی دادن ناموس وطنی خود، دائماً بریختن خون خود، به فدا کردن جان خود، به هبساختن مال خود، در مقابل دشمنان دین و وطن خود، افتخارها، مباراکات نموده است.

علامه محمود طرزی

مقاله مخصوصه "حی علی الفلاح"

ضمیمه اول : آشنایی امان الله خان عین الدوّله و میرزمان خان کنرى

میرزمان خان کنرى با دشمنی فطری که با استعمار انگلیس داشت از آوان جوانی با مبارزان آزادی طلب و افغانان رزمnde سرحد که علیه انگلیس ها قیام و اعلان جهاد نموده بودند، روابط نزدیک برقرار نمود و در پیکار معروف ضد انگلیسی سال ۱۹۰۸ میلادی که در تاریخ بنام "سره غزا" یا غزای سرخ ثبت شده است، بحیث یکی از سران مبارزین ضد انگلیس درخشیده، اسمش ورد زبان ها گشت. همین شهرت و دشمنی او با انگلیس ها سبب شد تا بعداً تحت مراقبت و پیکرد حکومت امیر حبیب الله خان قرار گرفت و به بهانه و دسیسه ای بازداشت و روانه زندان شد.

شهرزاده جوان امان الله خان (عین الدوّله) که از شرکت میرزمان خان در جنگ های ضد انگلیس و شجاعت، فداکاری و مردانگی اش آگاهی داشت، در زندان به دیدنش رفت⁸²⁹، و به او کمک کرد تا بعد از سپری نمودن یکسال در زندان به ضمانت نقدی ده هزار (۱۰۰۰) روپیه افغانی آزاد شود.

در سال ۱۹۱۵ میرزمان خان بر هبری دسته از مبارزان آزادی خواه بار دیگر در جنگ معروف شبقدر در نزدیکی های پشاور شرکت نمود، و به اثر شکایت وايسراى هند بريتانوی به جرم گذشتن از خط تحملی دیورند و شرکتش در حملات مسلحane بر قوای انگلیس یک بار دیگر مورد خشم امیر حبیب الله خان قرار گرفته، بازداشت و روانه زندان گردید (برای معلومات بیشتر به صفحات انترنيتی www.ZamaniFamily.com مراجعه کنید)

امیر اینبار از جسارت میرزمان خان کنرى و شرکت آزادی خواهان دیگری که از لوگو و کوهستان و کابل هم به کمک غازیان سرحد آزاد رفته بودند سخت برآشته شد. بگفته غبار "امیر حبیب الله خان" که توسط حاجی عبد الرزاق خان اندري سلانه به متندین سرحد آزاد مبالغ هنگفتی میپرداخت، و سعی میکرد در بدلت آن مردم سرحد را معتقد سازد که جهاد آنها در مقابل انگلیسها بدون اجازه امیر المؤمنین (خدوش) شرعا

⁸²⁹. ئلمى، محمد ولی (۱۹۹۰) ص ۱۹۸

نارو است، ازینکه مردم آزادیخواه زیر این بار نرفتند، متغیر شد، ناظر محمد صفر خان معزول و محبوس گردید، ملا محمد جان آخندزاده صاحب موسه‌ی در کابل نظر بند شد، و ریش حاجی عبدالرزاق خان را امر کرد تا بکنند.⁸³⁰

میرزمان خان این بار برای مدت بیشتر از چهار سال در زندان ماند تا اینکه امیر حبیب الله خان برای سپری نمودن زمستان به مشرق رفت و عین الدوله امان الله خان به نیابت پدرش مامور رسیدگی به کارهای حکومت در کابل شد، و یکبار دیگر میرزمان خان را از زندان رها نمود. امیر حبیب الله خان بمجرد گرفتن اطلاع رهایی میرزمان خان، طی صدور فرمانی عین الدوله را به جرم رهایی میرزمان خان به پرداخت جریمه مبلغ پانزده هزار (۱۵۰۰۰) روپیه افغانی به خزانه دولت مجازات و دستورداد تا میرزمان خان را، تازمان برگشت امیر به کابل، در سیاه چاه شیرپور (که برای محکومین به اعدام اختصاص داده شده بود) نگهداری کنند. امان الله خان به میرزمان خان مشوره فرار داد، اما او نپذیرفت و تا وقتی در زندان بسربرد، که امیر حبیب الله خان در کله گوش لغمان کشته شد.⁸³¹

میرزمان خان در اولین روز کشته شدن امیر حبیب الله خان با مشروطه خواهان و زندانیان سیاسی دیگر از زندان آزاد شد. او بزودی و بدون ضیاع وقت، نخست برای تغیر جهت جریانات سیاسی جلال آباد، خنثی ساختن پلان های حامیان مقدر سردار نصر الله خان، و گرفتن بیعت مردم سمت مشرقی به امان الله خان؛ به تعقیب آن رهبری و قوماندانی جبهه مؤقت چترال (جبهه اسمار، ارنوی، دوکلام و لمبریت)، که بنام جبهه چهارم در سویین جنگ افغان‌انگلیس مسمی است؛ و همچنان سرکوبی سورش (سال ۱۹۲۴/۱۳۰۳) منگل، و خاموش ساختن بغاوت شیتوار، در پشتیبانی از نهضت امانت و تحکیم پایه‌های دولت امانت مصدر خدمات ارزشمند و تاریخی شد.⁸³²

.⁸³⁰ غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۶) ص ۴۷۰.

.⁸³¹ اخلاص، عبدالخالق (۲۰۰۵) ص ۹۵.

.⁸³² برای معلومات بیشتر به کتب جنگ استرداد استقلال افغانستان: جبهه فراموش شده چترال و کتر، دمومندو په مشهورو غزاگانو کې دغازي میرزمان خان ونده، و د استقلال خلورمه جبهه مراجعه شود. این کتب در صفحات انترنيت به ادرس نيز موجود آند. www.zamanifamily.com/publications.html

ضمیمه دوم : مقاله "حی علی الفلاح"

مقاله مخصوصه "حی علی الفلاح" را که منجر به خشم سردمداران هند برтанی گردیده و امر "سانسور" مقاله را صادر کردند تا آخر می خوانیم:

"حی علی الفلاح !

نوارا تلخ تر میزن، چو ذوق نغمه کم یابی !
حدارا تیز تر میکن، چو محمل را گران بینی !

آری ! آری ! هر آنقدر که میتوانی، نوارا تلختربزن ! همانقدر که در حنجره ات بگنجد ،
حدارا تیز تر بکن ! زیرا وقت، مانند نفسهای آخرین بیمار، درگذراست، و محمل
بیخبر ! تا بخواهی که آهنگ نغمه "آسا" را راست کنی، سرود نوای شام "کلیانی"
بیو قتی، تا به "اصفهان" و "حجارت" می کشاند ! چرا که، منزل خیلی دراز است، و
محمل بدرجه بی سنگین میرود، که صداهای حدى، با آوازهای دراها دمساز آمده،
شرق و غرب را در یک اهتزاز سامعه خراشی درآورده ! اما هزار افسوس، که اشتaran
باربردار، محمل یا غمگسار را، از کسالت و عطالت و انمی رهاند، و قدم از قدم بر
نمیدارد.

بشنو ! بشنو ! که نوای هر نغمه را مقامیست، و ذوق و آهنگ هر مقامی، با وقت میعاد
معین آن کامل و تمام ! وقت چون مساعد آمد، از فرصت استفاده کرده، مقام
مخصوصش را نواختن لازم می آید، که اگر مقام با وقت تمام نیاید، ذوق آهنگ در
نغمه او تار و مار میگردد !

صبح شد بر خیز ساز راستی آسا نواز !
شام حرمان در عقب باشد، چو وقت از دست شد !

مبلغین اسلام، با بلاغ های حقیقت مقام نغمه ها میسراید حدیها می خواند، آوازها
میدهد، فریادها میکند، "بیدار شوید" گفته، فغانها بر میکشد، "هوشیار گردید"
نداها کرده، منا دیهایمدواند، اما که میشنود ؟ که میخواند ؟ که گوش مینهد ؟ چند
نفر میفهمد ؟ چند شخص میداند ؟ چند تن بر میخیزد ؟ کو ؟ کجا ؟ کی ؟ آتشها افروخته

می شود. جهانرا آتش فرا می‌گیرد. کره زمین، شکل یک برکان مهیبی را کسب می نماید. انفجارهای عظیمی، بعمل می آید. سیلا بهای مواد مذاب شده مانند اژدها های آتشین سهمگین، از هر طرف سیلان مینماید. خشک، تر، خوب، بد، هر آنچه در پیش رویش تصادف میکند، پاک سوخته و محو کرده میرود. از قعر بحر، آتش فوران کرده، بکره نسیمی تأثیر میکند. بعضی باران رحمت، از لکه های ابرزیپلین ها، قطره های بومیه ها غضب میزند. برکه میریزد؟ در کجا می افتد؟ بران نه مردها، فرعونها، شدادهایی میریزد، که بخداوندی بحرها مدعی شده اند. شیپور کج و پیچ ادعای خداوندی برها را، بر کمراوی خیتند، و بیرق بر افراشتند. ملیونها ملیونها بشریت را، اسیر عبید ساختند. چه استقلالها چه آزادیها، چه حکومتها، را پایمال نمودند! چه خانمهای، چه خاندانهای را، بر باد کردند! هنوز هم، خیلها دارند، که چهای کنند و چه تقسیمهای برادرانه و چه کاسه بخشیهای خویشاوندانه بکار بردند! "الله الله!" مادر چه خیالیم و فلک در چه خیال! فرعونی دعوی ریوبیت میکند: دماغ شکنی در خانه خودش تربیه شده، بسر میرسد، و بیک عصا، مانند سنگ بقه، در قهر قلزمش غرق می نماید! نمرودی بدعوى الوهیت بر میخیزد، پشه پاشکسته یی بمعجزه خوردنش مامور میگردد! پر کارداران پر کاری ظهور میکند، یک نوک پر کار خود را بریک نقطه و حید غرب شمالی گذاشت، دیگر نوک آنرا بر هر طرف کرده دور داده، در خریطه عالم هیچ قطعه و نقطه را نبینی که از اثر خون آلodonok پر کار غدارانه اش، خالی مانده باشد! بحرها از منست! برها از منست! در قطعه های پنج گانه زمین، اراضی های واسعه از منست! ممالک فسیحه از منست! نفوسهای بیشمار سیاه، سرخ، زرد، رنگارنگ از منست! طلا ها و نقره های بی حساب شوخ و شنگ، از منست! در عالم وحید، منم! بر نفوس بشر، جبار عنید منم! ذو البطش الشدید منم! سد سدید منم! درهای همه آبنا های عالم را کلید منم! منم منم! دیگر نیست، همه هستیها، در بر هستیم باشد نیست!.. دیدی که چطور شد؟ از اصل مرکزش، بلى! بلى! تمام از اصل مرکزش، یک دینامیت کفید. همه محیطش را بلر زده درآورد! آتش داد، در داد، سوختاند، داعیه های عظامی که عالم را انگشتی انگشت خود میدانستند، عقل های خود را گم کرده حیرت زده شدند. خزینه هایی که گویا زمین از برداشتن آن بستوه آمده بود، و از کوه امداد میخواست، بدرجه بی خالی گردید، که تخت های زیرین صندوقهای آن پدیدار آمد! خرسهای سفید قطب شمالی، صورت شیرهای بر فی را گرفته، انجامداد یافت، ناخنها یش در کفهایش فرو ریخت. آتشها، دودها، بخارها منجمدش ساخت! بلى بخت چون برگردد، آتش کار برف میکند! بما و شما چه؟ ببالی

ما، بدردما! خدا ازینهم بدرش کند! ما غم خود را بخوریم بحال خود بیندیشیم هر نغمه بی که میسراییم، از خود بستاییم! هر سازی که مینوازیم، از خود بنازیم! حادی حدی محمل خود شویم، اما، نوار اتلختر زدن لازم! حدی را تیز کردن ضرور! مراد از کلمه جمع "ما" مسلمانان است. مقصد از تلختر نوازی نوا، و تیز کردن حدی، صاف صاف گفتن، پاک پاک فهمانیدن است. "سراج الاخبار افغانیه" یک اخبار مسلمانیست، نه انگریزیست، نه روسی، نه فرانسوی است، نه ایتالیانی، نه جرمنیست، نه آستریایی، نه چینیست، نه ژاپانی! صرف مسلمانیست. در مسلمانی هم، محض افغانیست هر چیزی که میگوید، هر نغمه بی که میسراید، از نواهای شرافت ملیت مینوازد! افغانیت که گفته شود، هیکل دلاوری و غیرت را، بنظر باید آورد. افغانیت که گفته شود، مجسمه دینداری و محبت را در نظر باید تصور کرد.

افغان، همان افغانست، که در راه حفظ شرافت ملی خود، در راه آزادی و استقلال ملکی خود، در راه رهایی دادن ناموس وطنی خود، دائما بریختن خون خود، به فدا کردن جان خود، به هبا ساختن مال خود، در مقابل دشمنان دین و وطن خود، افتخارها، مباراکات نموده است. دره های خیبر و بولان، جنگهای کوههای پیوار، کرم، کوژک، آسمایی، شیر دروازه، میدانهای موشکی غزنی، میوند، وادیها و تپه های چهاردهی، بیمارو (بی بی مهره)، مرنجان، قلعه بالاحصار، شیرپور، مرغاب، شغان را ببینید، که هر یک شاهد عدلیست، که اگر خاکهای هر نقطه آنها را تحلیل کنید، بجز خون نجس دشمن دین و وطنرا، با خون مقدس فدائیان و رهایی دهندهان دین و وطن از دیگر چیزی ممزوج نخواهد یافت! افغان، همان فغانیست، که بشرافت قومی، و حیثیت ملتی خود مینازد! بر خود می بالد! اگر افغان را بغير از افغان، هر چیزی بگویی، یعنی مکی، مدنی، حتی اگر ملاتیکه بگویی، هم گویا بخنجر زده اش خواهی بود! خود این عاجز، در اثنای سیاحت هایی که در عالم کرده ام، بهر سرز مینیکه رسیده ام، و با یکی از افغانان هم ملت خود بر خورده ام، آن افغان را، بحیثیت افغانی و شرافت ملتی خود، بشدت و عصیت فوق العاده افغانیت، متمسک دیده ام. حتی با یکی از علمای فاضل و فیلسوفی، که اکثر عمر گرانمایه خود را بسیاحت و تحقیق و تدقیق احوال عالم و اطوار ام بسر آورده بود، در یک کشتی بخاری، در بحر سفید، ملاقی و هم صحبت شده بودم، که آن ذات محترم، بمن چنین فرمود: "یقین دارم، که شما ملت افغانیه، استعداد و قابلیت آنرا دارید که یکی از ملل معظمه عالیه دنیا بشوید" چون پرسیدم که: "آیا این را از چه استدلال فرموده اید؟ بجواب فرمودند که: "من در هر جایی که با یک افغانی واقعی تصادف کرده پرسیده ام که شما کیستید؟

بچنان یک وضع مفتخرانه، و شدت دلاورانه، دست بر سینه زده، "من افغانم! گفته است، که مرا حیران ساخته است! لهذا یک ملتی که به این درجه بشرافت ملتی خود مفتخر، و بر غرور قومی خود متعصب باشد، ممکن است که یکی از اقوام جلیله عظیمه دنیا بشود."

حی علی الفلاح! ای ملت نجیبه افغانیه! شرافت ملی، عظمت قومی خود را محافظه کنید! استقلال و حاکمیت دولتی خود را صیانت نمایید! افغان که بدیانت و دینداری، به شجاعت و بهادری، بغیرت و ناموس شعاری، در تمام دنیا مشهورو معروف شده باشد، آیا این را بروجن و ایمان و شرف و ناموس خود چسان گوارا کرده میتواند، که نام حمایت و تابعیت دولت اجنبی و غیر ملت بر او بوده باشد؟

حاشا حاشا! کلا کلا! افغان به بسیار آسانی، و خوش گواری مرگ را قبول کرده می تواند، ولی هیچگاه، به هیچ صورت، قطعاً، قاطباً، کلمات متعفنه معدہ بشور آورنده تابعیت و حمایت را هضم کرده نمیتواند! معنی صاف و صریح تابعیت، و حمایت این است، که یک دولتی، بدیگر دولتی بگوید که: "بغیر از من، دیگری را نشناس!" بغیر از من بدیگر دولتی حرف مزن! بغیر از من بدیگر دولتی عقد معاہدات یا رابطه مناسبات و معاملات مکن! بغیر از من بدیگر دولت نه سفیر بفرست و نه سفیر قبول کن! "معنی صاف و صریح استقلال تامه، و آزادی کامله نیز این است، که هر دولت، در همه چیزهایی که در بالامذکور گردید، مستقل و آزاد باشد. دنیا بیک حال نمی ماند. بشریت، بر مدارج مختلفه سیر و دور میکند. طفل میباشد، شیر می خورد، جوان می شود، شیر گیر میگردد، بكمال میرسد، خود را کامل میکند. ملت نجیبه افغان، بینایی، دانایی، آگاهی حاصل کرده، به خیر و شربه نفع و ضرر خود پی برد. شرف آزادی قومی، حقوق، استقلال ملتی خود را بخوبی شناخته تا به حال هرچه که بود بود، هرچه که شد شد! لکن بعد ازین، افغان آن افغانی نیست، که از حقوق خود چشم پوشی بتواند."

ضمیمه سوم : ترجمه منظوم فرامین مختلف اعلیحضرت غازی امان الله
خان به قوماندان جبهه چهارم استقلال، غازی میرزمان خان کنری
(نقل از استقلال امانیه)

در رابطه با مسائل لوژیستیکی جبهه چترال و کنر

یو فرمان بې کړتیار په هسپی شان

په نامه د خان غازی میرزمان خان
و مضمون د فرمان دارنګه پردانه

ترجمه بې په پښتو ده عاليشانه
عاليجاهه په احوال باندي خبر شه

د کونړ میرزمان خان مستحضر شه
ستاخدمت او صداقت بنه هويدا شه

ترضييه او فراحت زما پییدا شه
ستاد پاره د غلي په باب عيان

د کونړ حاکم ته شوی دی فرمان
آذوقه د مجاهدو به کامله

ناوته رسیبی بنده بلا تعطیله
نفری چې خپه نه شی د جهاد

چې بیغمه ناست قراروی خاطر بساد
په خصوص کې د کارت سوهسپی شان

نایب سالار د مشرقی ته دی فرمان
ډیر صندوقه د کارت سو به په خپله

تاته ولیبی کامل بلا مطله

در رابطه با آتش بس و متارکه

او په باب کې د جهاد هسبې فرمان دی
 چې دولت برتانیه صلح جویان دی
 هم جاري په مینځ کې دی مکاتبت
 یو تر بله دی جاري مکالمت
 تاته حکم او ارشاد عظیم الشان
 هسبې شان زما د لوری دی عیان
 هر چې پوچ نظامی او که ملکی وی
 چې هر خوک مجاهدین او لشکري وی
 آماده دی په خپل خای دلته قاعدوی
 په خدمت د خپل ملت دی مستعد وی
 او حمله دی په کفارو نه کوینه
 تره ګه چې ثانی حکم صادر شينه
 که حاصله چيرته صلح په عزت شوه
 په شرف او په مقصود ددې دولت شوه
 اطلاعی به ترتا وی هم ارشاد
 او که نه وه، شي به حکم د جهاد
 چې فرمان دا د سلطان اعليحضرت
 هسبې راغئی له کابله په سرعت
 له "ممريت" او له "آيینه" هغه آن
 بيرته راغئی "بریکوت" له غازی خان
 بیا جرگه په "بریکوت" عبدالوکیل
 وکړه سره د غازی خان په تعجیل
 چې لنکر لار شه! تیار راوله دلته

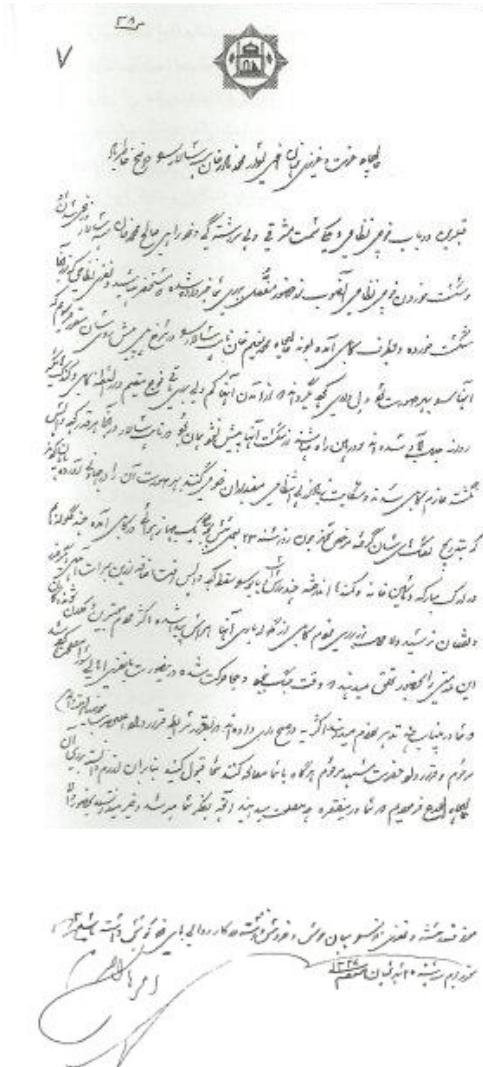
منتظره د بادش——اه یو حکم بل ته
چې هردم راش——ی ثانی حکم د شاه
په کفارو به حم——له کړو عالیجاه
متصله غازی خان په بنه عنوان
کړتیارې لښکر ل——س زره عیان
منتظره پ——ه فرمان د شهنشاہ وو
په دعا شاه غازی ته دست——ت بالا وو

در رابطه با قرارداد صلح

بیا فرمان راغی ثانی په هسې شان
د حضوره د غ——ازی شاه زمان
چې ما صلح کړه اختیارتاسې خبر شئ
په د عاد دین مشغول——ه سراسر شئ
څه چې خیر د دین دولت د استحکام و
هغه وشه چې زموږ د زړه م——رام و
چې اصدر د دی فرمان وش——ه دلبره
شوې خورې لښکرې بیرته سرتر سره
هم غازی میر زمان خان راغی په کور
له خدمته بیرت——ه راغی په دی لور

ضمیمه چهارم : فرمان مؤرخ ۲۶ شعبان ۱۳۳۷ غازی امان الله خان به سپه سالار محمد نادر خان

عالیجاه عزت و عزیزی نهان اخوی سردار محمد نادر خان سپهسالار را واضح
خاطر باد!



قبل برين در باب فوج نظامي و ملکي سمت
مشرفى و بي سرشنستگي و خود خواهی صالح محمد
خان سپهسالار وزخمی شدن او و شکست خوردن
فوج نظامي آنصوب از حضور برای شما مفصل
خبر داده شد که مستحضر می باشد و نفری نظامی
ایکه از آنجا شکست خورده و بطرف کابل آمده
بودند عالیجاه محمد نعیم خان نائب سالار را در سرخ
پل پیش روی شان مقرر فرمودیم که آنها را بهر
صورت شود دل داری کرده بگرداند که از آمدن آنها کم
دلی برای باقی فوج مقیم دارالسلطنة کابل و کندک
هائیکه روانه جلال آباد شده

اند و در بین راه میباشند از شکست آنها پیش نشود. همان بود که نائب سالار در آنجا هر قدر کرده واپس نگشتند و عازم کابل شدند و شکایت زیاد از بی انتظامی منصبداران خود میکنند. به صورت آنرا در چهارونی آورده پایان کردن که بتدریج تفکه‌های شان گرفته مرخص شوند. چون روز شنبه ۲۳ بعمل شش بجهه صبح یک جهاز هوائی در کابل آمده چند گلوله به در ارگ مبارکه و ماشین خانه و کمند ها انداخته چند راس یابو را سقط کرده واپس رفت اضافه از این برحمت الهی دیگر ضرر و نقصان نرسید و لامحال از برای مردم کابل که از گلوله باری آنها هراس پیدا شده اکثر مردم معتبرین و کلان شونده گان این ملامتی را بحضور تعلق میدهند که وقت جنگ بیخود و بیجا حرکت شده و در اینصورت با نفری اهالی شورا مصلحت کرده شد و شما در این باب چه تدبیر لازم میدانید. اکثريه در صلح رای داده اند که بقرار شرایط قرارداد اعليحضرت ضیاء الملة والدين مرحوم و قراداد شهید مرحوم هر گاه با شما مصالحه کنند شما قبول کنید. بنا بر آن لازم دانسته برای آن عالیجاه اطلاع فرمودیم که شما در این فقره چه مصلحت میدانید آنچه بفکر شما میرسد و خیر میدانید بحضور والا معروض داشته نفری خود را بهمان جوش و خروش داشته در کاروائی های خود کوشش داشته باشید.

تحریر یوم سه شنبه ۲۵ شهر شعبان المظمه ۱۳۳۷ امضای امیر امان الله"

فرمان لیل پنجشنبه ۱۳ رمضان سنه

"عالیجاه عزت و عزیزی نهان برادر بجان برابر سردار محمد نادرخان سپهسالار را واضح باد.

عریضه مؤرخه یوم دوشنبه ۱۰ شهر رمضان المبارک ۱۳۳۷ ارسالی شما بلاحظه حضور اعليحضرت والا گذارش یافت. معروض داشته بودید که نقل خط وايسراي هند الیوم رسید از مضمون فرمان مبارک والا و تحریری وايسراي بدرستی دانسته شده چند چيز را که سراسر نقصان کلی دارد به حضور مبارک به تفصیل عرض میدارم - اول درباب آزادی جهاز انگریز در افغانستان - ۲- فوج های انگریز همان حدود را که قبضه نموده اند به قبضه داشته برای حفظ ماتقدم استحکام خود را درست کنند و در موضع مذکور آزاد باشند - ۳- همان موضع را که نظامی افغانستان واقوم سرحدی بذریعه افغانستان گرفته اند مثل وزیرستان این را

برای انگریزو اگذاریدن - ۴ بیست میل از موضع فوج انگریزی فوج افغانستان دور بودن - ۵ برای سرحد خط نوشتند که یعنی ما صلح میکنیم و آنها را کامل نا امید ساختن - بعضی فقرات جزوی را در این وقت از مضمون تاثیر پیدا نمیشود و وقتیکه همان مسئله بزیر خیال سیاست شود یک عالم معنی داشته باشد پس از همین مضامین فقرات مذکور کامل افغانستان برباد شده . فدوی دولت قبل از رسیدن فرمان مبارک والا مولوی ظفرحسن خان و پادشاه میر و محمد یوسف خان را همراه یک عریضه حضور مبارک والا روانه نموده ام که حالت سمت جنوبی را بدرستی بحضور عرض کند و در باب شرایط با شرف نیز بحضور اظهار نمایند . اگر از سه صد و شصت رگ انسان یک رگ خون داشته باشد این قسم شرایط را قبول نمیکنند . اگر حالت کابل و سمت مشرقی بالکل خراب شده باشد و اعتبار نمانده باشد پس لازم که بهر قسم صلاح بدنهنده بهمان قسم اجرا شود . بنده از نقطه نظر حقیقی ملاحظه نموده کامل بذریعه سه نفر مذکور فوق که روانه نموده ام عرض کرده ام مگر در باب مصلحت صلاحیت ضرور است که وکلای مردم داخلی و سرحدی افغانستان هم شاملیت داشته باشند باید هریک یکنفر و کیل بحضور طلب گردیده هم رایشان حرف زده شود . نیز عرض میدارم که اگر از یکطرف چیزی زمین به سمت مشرقی از دست رفته به طرف سمت جنوبی سه چند آن بdest آمده پس اگر مطابق عهد نامه سابقه صلح شود عیب دارد - حال دریک باب مجلس صلح عرض میدارم که اگر این قسم شد که آدم بی فکر مقرر شد سخت نقص میکند . اگر جنگ تعطیل و صورت مکالمه بازشود اینقدر عرض میدارم که فدوی دولت را مقرر فرمائید که در مسائل صلح نقص کلی نرسد و الا بهر قسم که حضور مبارک والا شمرند عین صواب است - تمام وزیرستان امروز به چشم امید نگران است و فوجی افغانستان به چهارونی کلان انگریز (مقیم میباشند و شاه ولی خان در وزیرستان میباشد . پس حالت مایان شکر خوب است و اگر این خبر عام شد همان فوج مایان که در وزیرستان میباشند و کل وزیر و مسعود به قسم لشکر همراه شان است اگر آنها آنرا دانستند بخود فوجی افغانستان سخت ضرر کلی خواهد رسید . حال که خط رکاب باشی) شاه ولی خان (آنرا هم روانه نمودم از برای خدا فکر و حوصله و مردانگی از دست داده نشود باقی سپرد بخداوند کریم است و مشاورها هم در عقب صفحه کاغذ سوم دستخط نموده اند - عالیجاه برادر عزیزا از مضمون فقرات معروضی شما سراپا داشته و حال رأی انور والا گردید . لله الحمد والمنه خداوند خود را شکرگذارم که آن عالیجاه را هم خیال و هم درد

خود ملاحظه میکنم از خداوند خود برای شما نیکنامی دنیا و آخرت را میخواهم . خودرا پریشان نسازید . اگر جان در تن و رمق در بدن داشته باشم باین شرایط صلح را قبول نخواهد کرد .



پیغمبر مصطفیٰ بن علویان بادیم امیر حکم بارانی که در سوی خود
عیض مرغیده است . امیر علی اکبر که بنا بر خوش میزد اگر کسی
که خضر طلب کرده بزم زیارت زیارت دن براست ۲۴ هزار تومان که از خود
که کوکر خوان بیان دارد خوب است بقیه میزد — مدت بیان آنی میگذرد
در نهادن — هم فوج — که جان سرمه و قند پنهان پیشست بخواهد
خواه دشکست و در پیش شکر کشید — ۲۰ پونغ سو مذکور نهادن که از خود
پسر دید نهادن که در پیش شکر شنیدن و که بخواهد بگذارد — ۳۰ هزار تومان
نیز پیشتر فیض از نیز و بیان — همچنان مذکور شد و میگذرد و آنها که از
سالمن — پیشتر مذکور شد خواهد دن و دن زیاد شد و پیشتر مذکور دیگر پیشتر
سروت عویشه هم میزد و پسر دن زیاد شد و مذکور شد که از نهادن
خود وقت تبارزیکن فیض از نیز و مذکور شد و مذکور شد و مذکور شد
عیض مرغیده است و مذکور شد
که از نهادن اگر از نهادن و مذکور شد که از نهادن که از نهادن
گر عادل که از نهادن و مذکور شد
چو قیصر بخواهد نهادن لطفی حقیقی خواهد کرد و مذکور شد و مذکور شد و مذکور شد

اگر از سمت مشرقی جزوی
زمین بتصرف آنها رفته هفت
چند آن از سمت جنوی به
غیرت و مردانگی و حسن
تدبیر شما بتصرف ما میباشد
و آمده و صلحی که بشرف و
عزت افغانستان نباشد انشاء
الله تعالیٰ گاهی قبول
نخواهد فرمودیم خاطر خودرا
جمع دارید و حال مراسله که
جواب مراسله وایسرای نوشته
میشود نقل آنرا برای شما
ارسال فرمودیم که دانسته شما
بوده باشد - درباب نفری که
منتخب شده و فرستاده می

شوند نام نویس شان برای شما فرستاده شد . آقسی ملکی و نفری که ارسال
میداریم مطلق اختیار برای شان داده نشده که اختیار شرایط صلح را بچنگ
خوده داشته باشند . برای شان حد و اندازه و دستور العمل داده شده که تا باین
حرف اخیر حرف بزنید که شرف و عزت افغانستان باشد اگر قبول کردند مدعای
حاصل شد و اگر از اندازه ما تجاوز کرده و قبول نکردند تا حیات داریم بسر و
جان میکوشیم و جامه زنان را نمیپوشیم . خیال و فکر من از برای شما خوب
علوم شده و گاهی این نتگ و عار را بگردن نمیگیرم انساء الله و تعالیٰ -

در باب اینکه معروض داشته اید که اگر همین نفری صلح خود من مقرر شوم
سرکار والا هم در این فقره از شما بهتره چکدام را ندانسته و نمیدانند و لاتن
بچند دلیل درین وقت شمارا مقرر کرده نمیتوانم - الف - اول اینکه شما که در
سمت جنوی مصروف کار میباشید اگر درینوقت در آنجا یک روز حاضر نباشید

سررشه های آنست برهم میخورد چنانچه از بیفکری صالح محمد خان سپهسالار فوجی نظامی و لشکری ملکی آنولا کاملاً برباد و کم دل شده و سمت مشرقی را خراب کردند شمارا در اینوقت چگونه مقرر آنولا کرده میتوانم -دوم همینکه شما از آنولا خواسته شوید انگریز واقف شده یقین او حاصل میشود که آنها از لاعلاجی صلح را قبول کرده اند - سوم پریشانی که انگریز دارد از شما است یکقلم خاطر او جمع شده هرچه دل او میخواهد میکند - چهارم- تمامی نظامی و ملکی شما پراگنده شده ازین جوش و خروش بازمانده متفرق میشوند باز جمع شدن شان امر محال است -پنجم شرایط صلح را که انشاء الله بشرف افغانستان میخواهم یکی آزادی مردم وزیرستان و مسعود خواهد بود -ششم اگر درینوقت موقتی متارکه جنگ نشود در وعده ما خلاف واقع میشود - هفتم باید وضعی شود که نفری شما از جوش و خروش خود نماند و جاهاییکه بتصرف شان آمده محکم نگاه دارند و آینده حمله را تعطیل بدارند و با خبر خودها باشند تا معلوم شود که شرایط آنها بکجا قرار خواهد گرفت . باقی خداوند تعالیٰ یاور و معین شما باشد همیشه از قادر توانا صلح و فیروزی و نصرت را نصیب شما میخواهم چرا که فکر و رای و خیال شما مطابق فکر و خیال حضور است . هزارآفرین برشما خداوند در دنیا و آخرت اجر شمارا ضایع نکند - دیگر اینکه الیوم چهارشنبه ۱۲ یک مراسله رسمی باز از طرف ویسرای رسید آن را باز کرده ملاحظه کردم که بالکل نقل همان مراسله سابقه که یک حرف تفاوت نداشت مگر نوشه بودند که خط سابق خبر تار (تلگرام) (بود و خط هذا خط اصل میباشد . لکن ازین خط هم پریشانی شان معلوم میشود - فرمان هذا را تا هر جای آن را لازم میدانید برای نفری مشاور که مهر و دستخط کرده نشان بدھید و جایی را که لازم ندانید نشان ندهید . زیاده خودرا بهیچ صورت پریشان نسازید خداوند معین و نصیر است فقط خط عالیجاه عزت و عزیزی همراه ارجمند شاه ولی خان هم از ملاحظه گزارش یافت بقرار لازمه برایشان تسلی و خاطر جمعی میدھید .

(در اخیر نامه اعیحضرت بقلم خود نوشته):

عزیز برادر من - دست از طلب ندارم تا کام من برآید یا جان) رسد (بجانان یا جان زتن برآید . امیر امان الله

ضمیمه پنجم : ترجمه دری یکی از اعلامیه های تبلیغاتی وایسرای و گورنر جنرال

اعلامیه ذیل نخست در روزنامچه فوق العاده هند بتاریخ ۱۰ می بچاپ رسیده، توسط اطلاعیه شماره ۹۱۲ برای معلومات عامه پخش و بعد آتحت مکتوب شماره ۸-الف، مؤخر ۱۳ ماه می ۱۹۱۹ از طرف وزیر امور خارجه برای حکومت هند بریتانی به سر دبیران حکومت های مدراس، بنگال، آگرہ، پنجاب، برمما، بیهار، ولایات مرکزی، آسام و دھلی فرستاده شده است. در مکتوب ذکر شده است که این اعلامیه به زبانهای پشتو و فارسی در افغانستان پخش شده و سفارش میشود که آنرا بین جوامع افغانی هند و همچنان برای پروپاگندا عمومی مورد استفاده قرار دهید.

اعلامیه تبلیغاتی بریتانیای کبیر

(ترجمه از متن انگلیسی توسط داکتر عبد الرحمن زمانی)

ای مردم شجاع و صادق افغانستان!

برشما معلوم باد که از سابق دوستی و ائتلاف بین بریتانیای کبیر و افغانستان موجود است. در دوران پدران شما، هنگامی که روس بر افغانستان ستم آغاز کرد، بریتانیای کبیر به درخواست امیر عبد الرحمن مداخله کرد و بعد از مشکلات و مصارف زیاد، و تهدید به جنگ، روسیه را وادر ساخت از ستم دست کشیده، و از مداخله بیشتر در استقلال افغانستان خودداری کند. بدین گونه دوستی بین افغانستان و بریتانیای کبیر استحکام یافت. برای اثبات دوستی، بریتانیای کبیر به امیر عبد الرحمن تعداد زیاد توب و تفنگ و مرمری و کمک مالی بزرگ داد، تا افغانستان قوی شده و در مقابل روس از استقلال خود دفاع کند. با اعتماد بر بریتانیا و دانستن اینکه دشمن (انگلیس‌ها) دشمن او نیز میباشد، امیر عبد الرحمن قرارداد های دوستانه با بریتانیای کبیر عقد نمود. لذا او سلطنتش را نیرومند و به تمام کشورش آرامش بخشید. علاوه‌تاً هر وقتی او دچار مشکلات بود، بریتانیای کبیر به کمکش شتافت.

پسراو، امیر حبیب الله خان، صادقانه بر قراردادهای پدرش صحه گذاشت و دوستی با بریتانیای کبیر را مستحکم نگهداشت. وقتی تمام جهان در جنگ اخیر درگیر بود، او مشوره عاقلانه بریتانیای کبیر را تعقیب نموده مردمش را از وحشت جنگ حفظ کرد. اما در آن زمان هم تعداد زیادی از اشرار فتنه‌انگیز میخواستند با کشاندن افغانستان به جنگ سلطنت و مردم را نابود کنند. بریتانیای کبیر پول مستمری امیر حبیب الله خان را بخاطر وفاداری در تعهداتش زیاد کرد، به او ملیون‌ها روپیه هدیه داد و خواهشمند بود بعد از جنگ دوستی شان حتی نزدیکتر شود. و از آن جنگی که ملت‌ها را یکی بعد از دیگری به نابودی کشاند، بریتانیای کبیر پیروز و از هر وقت دیگر نیرومند تر بدرآمد.

وقتی امیر حبیب الله خان به نادرستی کشته شد، بریتانیای کبیر با وحشت و اندوه دچار شده در سرتاسر طول و عرض هند دستور مأتم عام داده شد. وقتی امان الله خان جلوسش را اعلام کرد، بریتانیای کبیر بصورت تحریری اطمینان دوستی داده مشوره داد تا راه پدرکلان و پدرش را تعقیب نموده و به کشورش صلح و کامیابی بیاورد. نخست امان الله خان جواب متقابل دوستی داده با نامه مملو از احساسات دوستانه نماینده جدید به هند فرستاد. اما بسیار زود بعد از آنکه، مردم بخاطر تبرئه کردن بعضی از قاتلین پدرش و محکوم کردن عده‌دیگری بدون محاکمه، مطابق به شریعت اسلامی، ناراض شدند، او برای توقف این نارضایتی، دشمنی علیه بریتانیای کبیر را دامن زد، و مال و جان مردم افغانستان را صرفاً بخاطر مقاصد شخصی و حفظ تاج و تختش به مخاطره انداخت. او همچنان با سرپیچی ازین فرمان قران کریم خورد نشد که میفرماید " ترجمه: خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید ! و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید ! و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید، در حالی که خدارا کفیل و ضامن بر (سوگند) خود قرار داده اید، به یقین خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است " !

اگر (خدا ناخواسته) مردم افغانستان درین دیوانگی امان الله خان را یاری کنند، برای خود تباہی بیار خواهند آورد، چون بریتانیای کبیر مجبور خواهد بود به تمام بدکاری‌ها جواب محکم بدهد. پوچی جاه طلبی‌های این جوان بیمار از همین حالا در جبهه ڈکه نشان داده شده است. چون اردوی او پا به فرار نهاده و توپ‌هایش بدست

پیش اهنگان اردوی بسیار بزرگ بریتانیای کبیر که در حال جمع شدن است، افتاده است.

آیا مردم افغانستان این جوان بی تجربه را که به خاطرات پدرش پشت گشتنده، به مصلحت کشورش پشت گشتنده و به ارشادات قرآن کریم پشت گشتنده، اجازه خواهند داد تا بر مردم شجاع و کشورزیبای خود مصیبت بیار آورد؟ خدا نخواسته باشد!

ای مردم دانای افغانستان، حال وقت فیصله شمار سیده است. آیا میگذرید یک جوان کله شنخ، شما را از تمام نعماتی محروم سازد که عبدالرحمن و حبیب الله بنا بر دوستی با هند (بریتانی) بر شما ارزانی داشته است؟ تا اکنون هزاران تاجر و دهها هزار کوچی شما برای تجارت و چراندن مواسی خود به هند آمده و همه شان تحت حمایت بریتانیای کبیر از گشت و گذار و آزادی کامل مذهبی بهره مند بوده اند. آیا میخواهید تجارت شما برباد شود؟ شما و خانواده های شما بدون لباس، اشیای مورد ضرورت و آسایشی باشید که از هند می آید؟ شتر های شما از چراگاه های زمستانی محروم و نابود شوند؟ فیصله با شمام است. بریتانیای کبیر یک آرزو دارد که افغانستان را یکبار دیگر در صلح، کامگاری، آزاد و مستقل، تحت یک امیری بینند که به آرامی کشورش علاقمند باشد و مثل عبدالرحمن و حبیب الله با بریتانیای کبیر دوست.

خداآند به مردم افغانستان کمک کند تا راه درست را به سرعت انتخاب کنند.

چلسفورد

نایب السلطنه و والی عمومی هند

ضمیمهٔ ششم : نامه مولوی برکت الله عنوانی لنین

شهر تاشکنت

رفیق لنین گرامی !

از هنگامی که مفتخر به ارائه پیشنهاد تحریری در زمینه اتحاد میان جمهوری روسیه شوروی و دولت افغانستان - چونان کلیدی برای حل و فصل «مساله خاور» در کل به سود روسیه شوروی به کمیساریای خلق در امور خارجی در مسکو (که بی درنگ پذیرفته شدند)، گردیده بودم؛ بیش از یک سال می گذرد.

افزون بر این، بخت یارم بود که به ارائه این پیشنهاد برای شما هنگام گفتگو با شما به تاریخ هفتم می ۱۹۱۹ که از سرمه ر وقت آن به من داده شده بود، بپردازم. در میان بسیاری از مفادی که برای توجیه تحقیق این اندیشه به گونه مشخص ارائه گردیده بود، اصلی ترین آن ها فرستادن کمک برای افغانستان به شکل پول، جنگ افزار و ساز و برگ بود. با این پیشنهادها نیز چونان پشتوانه طرح من موافق بودند. خوشبختانه، پس از چندی از کابل نامه بی از حضرت والا-امیر امان الله خان، تاریخی هفتم اپریل، عنوانی شخص شما دریافت شد که از طریق شما خطاب به همه روسیه شوروی بود، که در آن اعلیحضرت دست دوستی خود را به سوی روسیه شوروی دراز نموده بود.

برای نمایش دوستی، در اوایل تابستان سال ۱۹۱۹ جنرال محمد ولی خان-سفیر فوق العاده افغانستان به تاشکنت آمد. در پاسخ، رفیق براوین تقریبا همزمان به کابل فرستاده شد. بعد از این، سفیر فوق العاده (سفیر کبیر) و نماینده تام الاختیار دولت شوروی-رفیق سوریتس نیز در پاییز ۱۹۱۹ وارد کابل شد. این گونه، خوشبختانه، روابط دوستانه صمیمی میان دو کشور همسایه بربا گردید.

برای همگان روشن است که انگلیسی‌ها-صاحبان هند، از آوان قائم نمودن سلطه و حاکمیت شان بر این کشور، پیوسته مشی نشاندن شخص مطلوب (Personne Grata) خود بر تخت کابل را پیش گرفته‌اند و با دادن کمک هزینه‌های ثابت سالانه به امیر و هدایای پر ارزش به‌او، وی را به طور انحصاری به دولت انگلیس وابسته ساخته، و در پی آن اند تا خود او و توده‌های باشندگ کشورش را از بقیه جهان منزوی ساخته و تجرید نمایند. مگر، امیر امان الله خان از آوان گرفتن تاج و تخت در هفته آخر فبروری ۱۹۱۹، با اعلام استقلال افغانستان به عنوان فرمانروای یک کشور آزاد،

پیش از هر کاری نماینده سیاسی خود را به روسیه شوروی گسیل داشت. این کار، واکنش خصم‌مانه (Causus Belli) بریتانیایی‌ها را برانگیخت که در بهار سال ۱۹۱۹ با افغانستان اعلام جنگ دادند.

روشن است که افغانستان-کشور کوچک با منابع محدود، که ناگهان مورد یورش کشور بس نیرومند و پیروز قرار گرفت، چشم امید به سوی روسیه شوروی دوخته است و بی‌صبرانه چشم به راه پشتیبانی‌های معنوی و مادی آن کشور است چون جنگ بس خشونتبار بوده است.

اما دولت شوروی نتوانست به افغانستان کمک ممکنه را در طول جنگ آن کشور با انگلستان به دلیل قطع ارتباط خط آهن بین مسکو و ترکستان، و نیز به دلایل دیگر، فراهم نماید. فاکت غم انگیز عدم ارائه حمایت، دستاویزی است در دست گروه‌ها و محافل هوادار انگلیس در کابل. همچنان روشن نیست که آیا رفیق سوریتس با آن که از رسیدن او به کابل هفت ماه آزگار می‌گزد، برای تبلیغ و اشتهراندیشه‌های قرار داد روسیه و افغانستان در این کشور، وجودی را به دسترس به امیر گذاشته است یا نه؟

آخرین یک واقعیت است که چند هزار میل تفنگ و چندین هواپیما به راستی از مسکو در ماه نوامبر به تاشکنت فرستاده شده بود تا آن‌ها را به کابل گسیل دارند. اما تاکنون به رغم وعده‌هایی که به سفیر افغانستان در مسکو داده شده بود، هیچ جنگ افزار و ساز و برگی به افغانستان گسیل نشده است... تا خیر در تحویله‌هی ها به افغان ها در کشکا، موقعیت گروه‌های هوادار انگلیسی‌ها در «بارگاه» افغانستان را تقویت بخشیده است. خوشبختانه، همدردی مردم هند و فاکت قیام قبایل متحد مرزی شمال باختری، افغانستان را در جنگ آخر با بریتانیا نجات بخشید... بی‌تر دید، امیر امان الله خان دوست بی‌آلایش روسیه شوروی است که با دشمن خود- بریتانیا سازش نخواهد کرد. اما با توجه به این که او همه پول‌هایی را که از پدرش بازمانده بود، در جنگ پسین به مصرف رساند و با در نظر گرفتن این واقعیت که او از پذیرفتن پول هنگفت پرداختی دولت انگلیس برای افغانستان در هند خودداری کرد، موقعیت او در میان حلقات فاسد درباری افغان، لرزان شده است.

حتا (برپایه گزارش‌هایی که رفیق سوریتس به تازگی از کابل فرستاده است)، ممکن است خیزش در برابر امان الله خان از طریق تمویل سخاوارزانه [دشمنان او] از خزانه

دولت بریتانیا در هند آغاز شود. این گونه، اتحاد دولت پادشاهی افغانستان و دولت‌های امپریالیستی ترکیه و پارس با انگلستان زیر درفش شعار «اتحاد کشورهای اسلامی» می‌تواند به یک عامل واقعی مبدل گردد، که [پیکان آن-گ]. در عین حال در برابر نفوذ روز افرون بلشویک‌ها در روسیه نشانه خواهد رفت.

خود نفس اندیشه چنین امکانی به تنها بی، در برابر چشم‌های ما چشم انداز ترسناک «لشکرکشی آسیایی» بر روسیه شوروی، با خیم ساختن بیشتر وضعیت نا به هنجار پدید آمده کنونی ناشی از حمایت متحده از لهستان در برابر روسیه شوروی در اروپا را پرداز می‌نماید. آیا این همه ترس ما به پیمانه بسته مدلل و توجیه پذیر است و یا تنها هشدار دهنده می‌باشد؟ شکی نیست که امکان چنین کاری به راستی وجود دارد، چون در روند سال گذشته حوادث بسیاری رخداده است (البته، به رغم آرزومندی های صمیمانه و حسن نیت حکومت مرکزی شوروی) که بدیهی است می‌تواند سوء ظن افغان‌ها را در قبال صداقت و بی‌آلایشی چون و چراً دولت شوروی در زمینه پیاده سازی و عده‌های سپرده شده و تا هنوز اجرا نشده در سال گذشته؛ برانگیزد.

رفیق لینین!

ما باور داریم که دخالت شخص شما می‌تواند دوستی میان روسیه شوروی و افغانستان را از برهم خوردن نجات دهد. افزون بر این، مداخله شخص شما در حل و فصل این بحران جدی می‌تواند آماج پیکان را به سوی دشمنان روسیه شوروی برگرداند و به سیه روزی‌هایی که به دلیل جنگ‌های سهمگین در روسیه در طول سه سال گذشته بازتاب یافته است، پایان ببخشد.

اگر شما ده میلیون پوند استرلینگ برای کمک به دوستان روسیه شوروی در هند در نوار مرزی میان هند و افغانستان و در خود افغانستان و همچنین در پارس و ترکیه تخصیص بدهید، و رهنمود بدهید تا در اسرع وقت این پول را به مناطق مورد نظر برسانند، آن گاه است که همزمان نیروهایی در برابر امپریالیسم بریتانیا در سراسر منطقه از آناتولی در ترکیه گرفته تا به دره گنگ در هندوستان به پا خواهند خاست، که پس از چندی برنامه‌های بریتانیا را مختل ساخته، آن کشور را از نظر مالی و رشکسته و عظمت آن را در خاور نابود خواهد کرد.

آن گاه آنان فرصت این را نخواهند داشت تا در برابر روسیه شوروی، لهستان و یا دیگران را برانگیزنند. آن‌ها ناگزیر به مراقبت و حفاظت از خود خواهند گردید و بر شما

خواهد بود که تنها یکراست از راه رادیو به امیر امان‌الله خان پیام بفرستید و به او از دوستی بی‌آلایشانه روسیه شوروی نسبت به افغانستان اطمینان دهید و به رفیق سوریتس بنویسید تا میان افغانستان و شوروی پیمان بینند و به امیر دو میلیون پوند استرلینگ برای آماده سازی ارتش و کل کشور برای دوستی با روسیه و برای جنگ با بریتانیا در هند، بدهد.

دو میلیون پوند استرلینگ بایست به کمیته بی متشکل بر رفیق سوریتس، محمود خان طرزی، راجا مهندرا پراتاپ، و مولانا عبیدالله، و حاجی عبدالرازق زیر نظر از شخص امیر امان‌الله خان سپرده شود. این کمیته قبایل مرزی را از کویته تا چترال برای پیشبرد جنگ چریکی همزمان و مستمر با بریتانیا سازماندهی خواهد کرد.

دو میلیون پوند دیگر را بایست برای راه اندازی تبلیغات انقلابی در میان سربازان هندی برای برانگیختن آشوب و شورش؛ برای وادار ساختن کشاورزان به خود داری از پرداخت مالیات؛ در میان کارگران برای آماده ساختن آنان برای راه اندازی اعتصابات در لحظات معین هزینه کرد. رفیق پراتاپ می‌تواند این کار را با کمال توانمندی در میان هندی‌ها و مولوی عبیدالله در میان مسلمانان در سراسر هند انجام دهد. پول باید به دسترس رفیق سوریتس گذاشته شود و به او باید پیشنهاد گردد تا دستور العمل‌های بالا را بی‌درنگ بدون اتفاف وقت انجام دهد. چون فرصت بسیار مساعد و مناسب و به سود ما است.

دو میلیون پوند استرلینگ هم باید همراه با یک نامه خاص از سوی شما به مصطفی کمال پاشا با ابراز همدردی با اور مبارزه در راه آرمان‌های توده‌های نادار و ستمدیده فرستاده شود. باید به او توضیح داده شود که نباید با امتیازدهی‌های بریتانیا که ابراز داشته است تا کنستانتینوپل (قسطنطینیه) برای سلطان و اماکن مقدس اسلامی- برای مسلمانان بماند، گول بخورد. چون تنگه داردانل در دست نیروهای متفقین خواهد ماند. آنان بر ترکیه کپیتولاسیون را تحمیل می‌کنند و سلطان چونان زندانی اسیری خواهد گردید مانند پاپ در واتیکان و مردم ترکیه برده شعارهای کاسموپولیتیک (جهان‌میهنانه) سرمایه داران جهان خواهند شد.

دو میلیون پوند دیگر برای پارس برای تبلیغ و جذب دهقانان به ارتش آزاد بخش پارس از یوغ بریتانیا، زیر رهبری رفیق حیدر خان عموماً غلی (تاری وردی یف) با همکاری [امیرزا-گ.] کوچک خان داده شود. پارس مرکز پویایی‌های انگلستان در

آسیای میانه است. مشهد پایگاه اصلی ارتش بریتانیا در پارس است. آن‌ها توپخانه سنگین را از هند به آن‌جا آورده‌اند.

با توجه به این که راه آهن سیستان، مشهد را با شبکه راه آهن هند پیوند می‌دهد و یا به زودی خواهد داد، مانند روز روشن می‌گردد که انگلیسی‌ها در مشهد مواضعی را می‌گیرند که به آن‌ها این فرصت را می‌دهد تا به سود خود به محض این که بستر سیاسی و زمینه بین‌المللی مناسب فراهم گردد و به آن‌ها اجازه انتقال نیروهای نظامی هند به ایران را بدهد، ترکستان روسی را بگیرند.

مگر، پنج سال جنگ پسین [جهانی] هرگونه اشتہای آن‌ها را برای آغاز یک جنگ تازه جهانگشايانه هنگامی که آن‌ها در نتیجه پیروزی های خود، گستره‌یی برابر با دو میلیون مایل مربع را زیر کنترل خود درآورده‌اند، فرو نشانده است.

افزون بر این، گل کردن انفجارات انقلابی برخاسته از هند، اوضاعنا به هنجار قبایل سرکش و آشتی ناپذیر مرزی شمال باختری، برپایی روابط دیپلماتیک و سیاست دوستانه روسیه شوروی نسبت به افغانستان و ناخشنودی محسوس اکثربت مردم پارس از اشغال کشور شان از سوی انگلیس و قدرت گیری روز افزون مصطفی کمال در ترکیه و همدردی فزاینده جهان اسلام با وی- همه این عوامل در کل پیشگامان سیاست بریتانیا در هند را وادار گردانیده است در طول این زمان اندکی آرام گرفته و دم بگیرند و به آن‌ها فرصت ندهد تا هنگ‌های گورک‌ها و سیک‌ها را به ترکستان روسیه گسیل نمایند.

با این حال، برنامه تسلط بر جهان از سوی نژاد انگلوساکسون هنوز هم روی میز است. آن‌ها کنون سرگرم زمینه سازی برای گرفتن ترکستان در آینده نزدیک و «زیرآب ساختن» همه استان‌های ترکستان به دست «دوستداران شان»- نمایندگان ارمنی برای پخش تبلیغات به سود انگلستان در برابر بلشویک‌ها اند. آن‌ها از مشهد به گسیل پول و سلاح به بخارا و فرغانه می‌پردازند و آن‌ها را به شورش در برابر دولت بلشویکی آماده می‌سازند.

چون دولت بریتانیا «به خاطر ارجگذاری» به باورهای مذهبی مسلمانان هند در مسأله خلافت، برآن شده است تا قسطنطینیه را به دست سلطان و اماکن مقدسه مسلمانان را برای خود شان بگذارد، بنا بر این، برای دیپلماسی بریتانیا وقت آن‌رسیده است تا از

توده‌های هند، افغانستان، پارس و ترکیه دلجویی نماید و جهان اسلام را به خود متمایل گرداند و از آن‌ها در برابر دشمن خود-روسیه بشلویک بهره‌گیری نماید.

ما باور کامل داریم که شما رفیق‌لینین، با دخالت شخص‌تان در مساله، با توجه به موارد فوق، می‌توانید از فاجعه پیش‌آینده جلوگیری نمایید. مصرف ده میلیون پوند در ابعاد پیشنهادی، با ذهنیت کنونی در این برده در آسیا می‌تواند تاثیر بیشتری نسبت به صد میلیون پوندی که انگلیسی‌ها به سود خود هزینه کرده‌اند، داشته باشد. هر گونه سهل انگاری از سوی دولت‌شوری که منجر به افتادن افغانستان، قبایل مرزی، هند، ایران و ترکیه در چنگ‌گال توطئه‌های بریتانیا گردد، به معنای از راه رسیدن فاجعه هیولایی و وحشتناکی خواهد بود.

امیدوارم که شما با درست داشتن برگ برنده، نشستی درباره اوضاع با رفیق تروتسکی داشته باشید و با اطمینان کامل به گونه‌بایسته به منظور اجرای سریع این طرح رهنمود دهید.

برای شما آرزو سلامتی، شادمانی و طول عمر آرزو دارم

با درود‌های گرم قلبی

ارادمند شما برکت الله

بایگانی دولتی تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند ۲، پرونده ویژه ۱، کارتون ۳-۱، ۲۴۴۱۸ برگ‌های ۱-۳،⁸³³

ترجمه از انگلیسی⁸³³،

در حاشیه سند رهنمود لینین: برای رفیق چیچیرین، برای بررسی

⁸³³. تیخانف، داکتر یوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰)، سند شماره ۴ ضمایم

**ضمیمه هفتم : لست مأمورین و دیپلومات های افغانی و انگلیسی در دوره
امانی ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹ (مطابق ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۸ شمسی)**

وزرای امور خارجه

- Mahmood طرزی فبروری ۱۹۱۹
- محمد ولی خان دروازی جون ۱۹۲۲
- شیراحمد خان (کفالت) اپریل ۱۹۲۴
- محمود طرزی (بار دوم) سپتامبر ۱۹۲۴
- غلام صدیق خان چرخی (کفالت) جنوری ۱۹۲۷

وزرای دفاع

- محمد نادر خان می ۱۹۱۹
- سردار محمد هاشم خان (کفالت) جنوری ۱۹۲۲
- محمد نادر خان (بار دوم) سپتامبر ۱۹۲۲
- محمد ولی خان دروازی اپریل ۱۹۲۴
- سردار عبدالعزیز خان بارکزائی (کفالت) جون ۱۹۲۴ تا نوامبر ۱۹۲۸

وزرای داخله

- سردار علی احمد خان لوی نائب اگست ۱۹۱۹
- سردار عبدالعزیز خان بارکزائی سپتامبر ۱۹۲۲

وزرای اقتصاد و تجارت

- غلام محمد خان وردک مارچ ۱۹۱۹
- عبدالهادی خان داوی اپریل ۱۹۲۴

سفرای افغانی در لندن

- عبدالهادی خان داوی مارچ ۱۹۲۲
- سید قاسم خان (کفیل) جون ۱۹۲۴
- شجاع الدوله خان می ۱۹۲۵

سفرای افغانی در پاریس

- محمود طرزی سپتامبر ۱۹۲۴

محمد نادر خان اگست ۱۹۲۴

غلام نبی خان چرخی اکتوبر ۱۹۲۲

حبيب الله خان طرزی اکتوبر ۱۹۲۲

سفرای افغانی در روم

سردار شیراحمد خان نومبر ۱۹۲۱

عظمیم الله خان سپتامبر ۱۹۲۲

علی محمد خان فبروری ۱۹۲۷

سفرای افغانی در مسکو

میرزا محمد خان یفتلی جولای ۱۹۲۰

غلام نبی خان چرخی جنوری ۱۹۲۲

محمد هاشم خان جنوری ۱۹۲۴

میرزامحمد خان (بار دوم) نومبر ۱۹۲۲

غلام نبی خان چرخی (بار دوم) نومبر ۱۹۲۸

غلام صدیق خان چرخی اپریل ۱۹۲۹

وزرای امور خارجه انگلستان

مارکویس کرزن (از کیدلیستون) اکتوبر ۱۹۱۹

جیمز مکدونالد جنوری ۱۹۲۴

آستین چمبرلین نومبر ۱۹۲۴

وزرای دولت برای هند

ویسکاؤنت پیل مارچ ۱۹۲۲

لارد اولیور جنوری ۱۹۲۴

ایرل (برکیو هید) نومبر ۱۹۲۴

وزرای امور خارجه برای حکومت هند

بری نومبر ۱۹۱۸

گرانت جون	۱۹۱۹
دابس سپتember	۱۹۱۹
کاتر (کفیل) اپریل	۱۹۲۰
دابس اگست	۱۹۲۰
بری دسمبر	۱۹۲۰
هاویل (کفیل) می	۱۹۲۲
بری جون	۱۹۲۲

نائب السلطنه های هند

لارڈ کرزن (1899 – 1905)	Lord Curzon
لارڈ مینتو (1905 – 1910)	Lord Minto
لارڈ هاردینگ (1910 – 1916)	Lord Hardinge
لارڈ چلمسفورد (1916 – 1921)	Lord Chelmsford
لارڈ ریدینگ (1921 – 1926)	Lord Reading
لارڈ ایروین (1926 – 1931)	Lord Irwin

کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی

گرانت سپتember	۱۹۱۹
مافی مارچ	۱۹۲۱
بولتون جولای	۱۹۲۳

سفیر انگلیس در کابل

همفریز جنوری	۱۹۲۲
شارژداری های انگلیس در کابل	
مکوناچی می	۱۹۲۴
گولد مارچ	۱۹۲۷

ضمیمه هشتم : نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان

1. دولت علیه افغانستان، اداره امور داخله و خارجہ خود را به استقلال تame
حایز بوده همه محلات و قطعات مملکت به زیر امر و اداره سنبه ملوکانه

بصورت یک وجود واحد
تشکیل می یابد و به هیچ
حیثیت در اجرای مملکت
تفرقی کرده نمی شود.

2. دین افغانستان دین
قدس اسلام است. دیگر
ادیان مثل اهل هندو،
یهودی که در افغانستان
هستند به شرطی که
آسایش و آداب عمومیه را
اخلاق نکنند، نیز در تحت
تأمین گرفته می شوند.

3. پایتخت مملکت
افغانستان شهر کابل است

اهمیت مملکت افغانستان بالمساوی به نظر حکومت هستند که هیچ
امتیازی اهالی شهر کابل نسبت به دیگر شهرها و قصبات مملکت محروم
افغانيه ندارند.

4. بنابر خدمات فوق العاده اعلیحضرت همایون که در راه ترقی و تعالی و
استقلال ملت افغانيه ابراز نموده اند، ملت نجیب افغانستان متعهد
می شوند که سلطنت افغانستان به اولاد این پادشاه ترقیخواه افغانيان به
اصول اولادیت به انتخاب اعلیحضرت پادشاهی و اهالی ملت انتقال می کند
و ذات ملوکانه در حین جلوس اریکه سلطنت بالمواجه اشرف و اهالی
متهد می شوند که مطابق شرع شریف و این نظامنامه اساسی، اجرای
اوامر حکومت نموده و استقلال افغانستان را رعایت و برای وطن و ملت خود
صداقت نمایند.



5. ذات حضرت پادشاهی خادم و حامی دین مبین اسلام و حکم دار و پادشاه عموم تبعه افغانستان است.
6. امور مملکت به ذریعه وزرای دولت که به اراده سنتیه انتخاب و تعیین میشوند، اداره میشود و هر کدام از وزرا مسئول امور متعلقه شان شناخته میشوند. از این سبب ذات همایونی غیر مسئول میباشند.
7. در خطبه‌ها، ذکر نام پادشاهی و ضرب سکه بنام پادشاه و تعیین رتب مناصب مطابق قوانین مخصوصه و اعطای نشان و انتخاب و تعیین صدراعظم و دیگر هیئت وزرا و عزل و تبدیلی شان، تصدیق نظمات عمومیه و اعلام مرعیت شان و محافظه و اجرای احکام شرعیه و نظامیه و قومندانی عمومی قوای عسکری افغانستان و اعلان حرب و عقد مصالحه و علی العموم معاہدات و عفو و تخفیف مجازات قانونیه، عموماً بالخصوص از حقوق جلیله پادشاهی شمره میشوند.
8. همه افرادی که در مملکت افغانستان میباشند بلا تفرق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته میشوند، صفت تابعیت افغانیه مطابق نظامنامه مخصوص استحصال یا اضعاه کرده میشود.
9. کافه تبعه افغانستان آزادی شخصی خود را مالک بوده حریت دیگر اشخاص را اخلال و ضایع نمیکنند.
10. حریت شخصیت از هرگونه تعرض و مداخلت مسئونست. هیچکس بدون امر شرعی و نظمات مقتنه تحت توقيف گرفته و مجازات کرده نمیشود. در افغانستان اصول اسارت بالکل موقوف است، از زن و مرد هیچکس دیگری را بطور اسارت استخدام کرده نمیتواند.
11. مطبوعات و اخبارات داخلیه مطابق نظامنامه آن آزاد میباشند. نشر اخبار فقط از حقوق حکومت و یا اهالی تبعه افغانیه است. درباره مطبوعات خارجه، دولت علیه افغانستان بعضی شرایط و قیود نهاده میتواند.
12. تبعه افغانستان مطابق نشامات موضوعه برای تجارت و صنعت و زراعت هرگونه شرکتها کرده میتواند.
13. تبعه افغانستان مفردآ یا مجتمعاً خلاف شریعت غرا و یا نظمات دولت از طرف مامورین یا دیگری حرکت و رفتاری ملاحظه کنند به اداره‌ها عرض میکنند. اگر در دوایر حکومتی مرجع عهده اش به بازخواست و استماع عرض شان پرداخت نکنند، علی الترتیب بما فوق شان استغاثه نمایند،

درصورتیکه هیچیک بازخواست نکرد، راساً بحضور اشرف پادشاهی عرض نموده میتواند.

14. امرتدریس بالکل آزاد است. مطابق نصاب معارف عمومیه هر فرد تبعه افغانستان بطور عمومی و خصوصی برای تدریسات، ماذون و مجاز میباشد. اما اشخاص اجنبی به استثنای نفری که برای تعلیم استخدام میشوند به داخل مملکت افغانستان به افتتاح و اداره مکاتب مجاز نیستند.

15. عموم مکاتب افغانستان در زیر نظارت تفتیش حکومت میباشد. حکومت همه اسباب و تدابیری که برای تربیه علمیه و ملیه همه تبایع افغانستان برسیاق انتظام و اتحاد میباشد به نظر دقت مینگرد، اما اصول تعلیمیه که به امور اعتقادیه و مذهبیه اهل ذمه و افراد مستامنه تعلق دارد، اخلال کرده نمیشود.

16. کافه تبعه افغانستان به حضور شریعت غراو نظمات دولت در حقوق و وظایف مملکت حق مساوات دارند.

17. عموم تبعه افغانستان به اندازه قابلیت و اهلیت شان در همه ماموریتها به اندازه احتیاج دولت استخدام میشوند.

18) مالیات و محصولات مقرر مطابق نظامنامه های مخصوصه برای تبعه افغانستان به نسبت ثروت و اقتدار شان تعیین و گرفته میشوند.

19. در افغانستان هر شخصی از مال و ملک خویش که در تصرف او باشد، در امن میباشد. اگریک ملکی که مقصد منافع عمومیه بکار دولت شود، موافق نظامنامه مخصوصه آن اولاً قیمت آنرا به صاحب شناخته نموده بعد ملک را گرفته میتواند.

20. مسکن و جای هر فرد تبعه افغانستان از هرگونه تعرض مسئونست و هیچکس از طرف حکومت و سایر بدون احکام نظمات بخانه شخصی جبراً و بلا استیزان داخل شده نمیتواند.

21. در محاکم عدليه عرض و داد عمومی مطابق شریعت و اصول محاکم حقوقیه و جزاگیه فیصله کرده میشود.

22. مصادره و بیگار بالکل منوع است، اما کار و تکالیفی که در زمان محاربه پیش شود مطابق نظامنامه مخصوصه آن ازین قاعده مستثنی است.

23. خارج نظمات دولت از هیچکس چیزی گرفته نمیشود.

24. شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوف است و خارج نظام نامه جزای عمومی و عسکریه برای هیچکس مجازات داده نمیشود.

وژد

25. در افغانستان وظيفة اداره حکومت مفوض است به هیئت وزرا و اداره مستقله در حین اجتماع هیئت وزرا ریاست مجلس را ذات ملوکانه ایفا مینمایند. اگر اثبات ذات شاهانه تشریف نداشته باشد، صدراعظم به وظيفة ریاست می‌پردازد و اگر صدراعظم اثبات وجود نداشت، از جمله وزرا، وزیر اول وظيفة نیابت را اجرا میدارد.

26. وکیل که در حال غیاب یکی از وزرا تعیین میشود، عیناً اختیارات و حقوق همان وزیر را دارد.

27. در هر سال قبل از جشن عمومی استقلال، یک روز مخصوصی که از طرف ذات شاهانه معین فرموده میشود، در زیر ریاست شهریاری یک دربار عالی انعقاد خواهد یافت. دربار مذکور مرکب است از رجال مامورین دولت و اکابر و اشرافی که از طرف ذات شاهانه انتخاب شده باشد، در مواجه آن هر وزیر و مدیر مستقله اجرآ و خدمات یکساله خود شان را عیناً بیان و ایضاح خواهد نمود.

28. صدراعظم و دیگر وزرا از طرف قرین اشرف پادشاهی انتخاب و تعیین میشوند.

29. مجلس وزرا، مرجع امور مهمه داخلی و خارجی دولت است.

مذاکرات مجلس وزرا و قراردادهایی که محتاج تصدیق میشوند، بعد امضای اعلیحضرت همایونی در معرض اجرا گذاشته میشوند.

مجلس وزرا مرجع امور مهم

30. وزرا، امورات مربوطه وزارت متعلقه خود را به اندازه یی که در حوصله اختیارات خود شانست، اجرا و مافق آنرا آنچه راساً بحضور اشرف ملوکانه تقدیم میشود، بحضور اعلیحضرت پادشاهی و آنچه موافق تفصیل و لایحه وظایف مجلس وزرا مواد متعلقه مجلس مذکور باشد به مجلس عالی وزرا تقدیم وو القا مینمایند و مجلس وزرا درمورد مقدمیه موافق نظامنامه

مخصوصه مجلس وزرا مذاکره و مباحثه نموده حل و فصل و آرا خود را
امضا مینمایند.

31. هریک از وزرا در سیاست عمومیه دولت مشترکاً و در امور مؤظفه وزارت
متعلقه خود خصوصاً بحضور اشرف ملوکانه مسئول شناخته میشوند.

32. در اموری که از حضور شاهانه به یکی از وزرا و یا دیگر مامورین امر شفاهی
شود، احکام تحریری آنرا به امضای همایونی حاصل دارند.

33. یکی از وزرای دولت اگر از روی وظیفه ماموریت شان تحت محکمه گرفته
شوند، محکمه آنها به دویان عالی راجع است و اصول محکمه شان موافق
نظامنامه مخصوصه حل و فصل میگردد و دیگر دعاوی شخصیه وزرا که
خارج وظیفه ماموریت شان باشد مانند سائر رعایا به محکم عدلیه مراجعت
مینمایند.

34. وزیری که از طرف دیوان عالی تحت اتهام میآید الی نتیجه محکمه و برائت
وی، اطوطیفه وزارت معطل میماند.

35. مقدار وزارت و تشکیلات دوائر و ظایف شان در نظامنامه تشکیلات
اساسیه توضیح یافته.

مأمورین

36. العموم مامورین مطابق مواد که در نظامنامه مخصوصه ایضاح گردیده به
ماموریت هایی که لائق و مناسب باشند تعیین کرده میشوند و هیچیک
مامورین تازمانی که از وظیفه خود مستعفی نشوند و یا از سؤرفتارشان
موجب عزل نگردند و یا از طرف دولت بنابر یک امر ضروری لازم تبدیل و
موقوفی نباشند، اصلاً عزل و موقوف نمیشوند و مامورینی که حسن سلوک
و استقامت خود ها را ابراز نمایند استحقاق ترقی رتبه و ماموریت و
مستمری را دارند.

37. ظایف مامورین در نظامات مخصوصه تعیین و تفریق گردیده هر مامور
موافق نظامنامه های مخصوص از وظایف مؤظفه اش مسئول شناخته
میشود.

38. همه مامورین علی المراتب در اطاعت آمر مافوق نظامات دولت مکلف و
مؤذن هستند و اگر از طرف آمر ما فوق آنها در اجرای کدام امر خلاف
نظامات دولت اصرار شود، مامورین ما تحت شان به مرکز وزارت اطلاع

نمایند و هرگاه بدون اطلاع مرکز اوامر خلاف قانون را اجرا کنند آنها نیز مسئول شناخته می‌شوند.

مجالس مشورهٔ شورای دولت

39. در مرکز دارالسلطنه یک هیئت شورای دولت و در نائب‌الحکومه‌گی‌های اعلیٰ و حکومتی‌های درجه اول و دوم و سوم علاقه‌داری، یک یک مجلس مشوره موجود است.

40. اعضای طبیعیه مجالس مشوره از مامورینی که در نظام‌نامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته تشکیل می‌یابد و اعضای طبیعیه شورای دولت بالمساوی تعداد اعضای منتخبه شورا اساساً از طرف قرین‌الشرف اعلیحضرت همایونی منتخب و تعیین کرده می‌شوند. اعضای منتخبه تماماً از طرف اهالی معین و مقرر می‌شوند. در باب صورت انتخاب آنها در نظام نامه تشکیلات اساسی مواد جداگانه موجود است.

41. مجالس مشوره و شورای دولت علاوه بر وظایفی که در نظام‌نامه تشکیلات اساسی نشان‌داده شده به وظایف ذیل مؤلفه‌اند.

الف) برای ترقی صناعات، تجارت، زراعت، معارف‌همه تکالیفی که لازم بینند به دولت عرض مینمایند.

ب) در خصوص مالیات و محصولات دولت و دیگر معاملات حکومت، اگر مخالف اصول نظامات معاینه نمایند، به مقصد اصلاح این چنین امور به حکومت عرض و الجاح نموده می‌توانند.

ج) اگر در حقوق که موافق این نظام‌نامه برای اهالی داده شده از یک‌طرف اخلاق و اضاعه ملاحظه کنند در نزد حکومت صلاحیت عرض و استغاثه را دارند.

42. فراتی که مجالس مشوره ولایات و محلات بحضور نائب‌الحکومه‌ها و حکام عرض و تقدیم مینمایند. آنچه به اندازه اختیارات نائب‌الحکومه‌ها و حکام باشد خود شان اجرا و مأفوّق آنرا به وزارت متعلقه همان شعبه ارجاع میدارند. از وزارت منسوبه‌اش اگر لازم اجرا باشد، اجرا نموده والا بروفق ماده (30) تعمیل مینمایند و اگر مسئله مواد قانونیه باشد به موجب قاعده (46) این نظام‌نامه پردازند.

43. در فقراتی که از مجالس مشوره برای نائب‌الحکومه و حکام محلی عرض می‌شود و از جانب آنها الی یکماه نتیجه و جوابی برایشان ظاهر نشود، مجالس مشوره صلاحیت دارند که به شورای دولت عرض حوایج خود را بنمایند.
44. شورای دولت فقراتی که مجلس مشوره شکایتاً مینویسند رای خود را در آن باب نوشته به وزارت متعلقه همان فقره اطلاع میدهد. اگر در اجرای آن طرف وزارت معطلی واقع شود، شورای دولت آن فقره را تقدیم حضور همایونی میتواند.
45. نظامات دولت از طرف شورای دولت تدقیق گردیده به مجلس وزرا تقدیم می‌شود و بعد تصویب مجلس وزرا و منظوری حضور شاهانه در موقع اجرا می‌درآید.
46. علاوه بر اعضای طبیعیه دائمی شورای دولت، مامورین ملکی از نائب‌الحکومه الی حکام اعلی و از منصبداران عسکریت‌الوامر شرکه از ماموریت سبکودوش شده باشند به استثنای اشخاصی که در تحت محکمه بیایند در جمله اعضای طبیعیه شورای دولت موقتاً الی تعیین مامورین شان داخل شده میتوانند.
47. بودجه سالانه را که به وزارت مالیه تنظیم و ترتیب می‌شود، مطابق نظامنامه بودجه عمومی به شورای دولت تدقیق مینمایند.
48. مقاولات و تعهدات که با جانب می‌شود، از طرف شورای دولت مذاکره و تدقیق میگردد.
49. در محکم عدليه موضوع محکمات بطور علنی اجرا می‌شود. بعضی فقراتی که در نظامنامه مخصوصه محکم نشان داده شده، محکمه آن را قاضی بطور خفیه اجرا کرده میتواند.
50. در حضور محکم هر کس برای محافظه حقوق خود، همه وسایط مشروعه را پیشنهاد نموده میتواند.
51. محکم عدليه در رویت و فیصله دعوی که داخل وظیفه شان باشد تعطیل و مساطله کرده نمیتوانند.
52. همه محکم از هرگونه مداخلت آزاد هستند.
53. صنوف و درجات محکم و صلاحیت شان به نظامنامه تشکیلات اساسی ایضاً یافته.

54. هیچکس خارج محاکم عدليه برای تصفیه بعضی یافقرات مخصوصه یک محکمه فوق العاده تشکیل داده نمیتواند.

دیوان عالی

55. دیوان عالی خاص برای محکمه وزرای دولت عندالاقتضا مؤقتاً تشکیل می یابد و بعد از ایفا و سرانجام نمودن کاری که باو سپرده شده، فسخ میشود.

56. طرز تشکیل دیوان عالی و اصول محاکمه دران مطابق نظامنامه مخصوص آن اجرامیشود.

امور مالیه

57. همه محصولات دولت مطابق قانون مخصوص آن اخذ کرده میشود.

58. هرسال برای واردات و مصارفات دولت، یک بودجه تنظیم کرده میشود و این بودجه برای واردات و مصارفات دولت اساس بوده همه واردات و مصارف از روی آن اخذ و صرف میشود.

59. بعد از تطبیق و اجرای بودجه سالانه، یک محاسبه قطعیه تنظیم کرده میشود و این محاسبه قطعیه مقدار حقیقی واردات و صرفیات این سال را حاوی میباشد.

60. برای تحقیق و تدقیق اینکه آیا واردات و مصارفات دولت حقیقتاً نظامنامه بودجه ایفا گردیده است یا نه (یک دیوان سنجش تشکیل می یابد) (7) در خصوص دیوان سنجش، نظامنامه مخصوصه موجود است.

61. برای تنظیم محاسبه قطعیه و برای تنظیم بودجه و صدرت تطبیق و اجرای آن نظامنامه مخصوصه موجود است.

اداره ولايات

62. اصول اداره ولايات از سه قاعده اساسیه مبنی است:

1- توسع مأذونیت

2- تفريغ وظایف

3- تعیین مسئولیت بنابر قواعد مذکور.

همه وظایف مامورین ولایات مطابق نظمات موضوعه تعیین و تفریق کرده شده است. اختیارات مامورین نیز بر طبق نشامات مخصوصه محدود است و هر مامور در وظایف خود علی المراتب نزد مافوقش مسئول میشود.

63. در ولایات از هر شعبه وزارت مامورین جداگانه مقرر هستند. افراد اهالی برای اجرای کار و انجام حوايج خود ابتدا بمامورین شعبات مراجعت نمایند.

64. اگر اجرای کار اهالی به ماموریتها نشود و یا درباره آنها مامورین خلاف نظمات دولت رفتار نمایند، افراد اهالی از تعطیل کار و سؤرفتار آنها نزد آمر مافوق شان و عند الاقتضای نزد نائب الحکومه ها و حکام اعلی عرض و استغاثه کرده میتوانند.

65. تشکیل دوایر بلدیه و وظایف در نظامنامه مخصوص توپیح یافته.

66. هرگاه در یک حصة مملکت آثار عصیان و بغاوت که مخل امنیت عمومیه باشد حس کرده شود، دولت اعلان حکومت عسکریه مینماید و اداره عسکریت تشکیل می یابد.

مواد متفرقه

67. برای تبعه افغانستان، درجه ابتدائیه تحصیل معارف حتمی و مجبوریست. درجات و تفرعات آن یک نظامنامه مخصوص تعیین یافته که بر طبق آن معمول میشود.

68. یک ماده این نظامنامه اساسی به هیچ سبب و حیثیت تعطیل و یا حکم اجرای آن ساقط نمیشود.

69. بنابر ایجاب، اگر از مواد مندرجہ این نظامنامه اساسیه لزوم تغییر و تبدیل شود، بعد آرای ثلثان اعضای شورای دولت، تصویب مجلس عالی وزرا، بحضور اشرف همایونی عرض میشود. بعد منظوری حضور شاهانه تغییر و تبدیل آن ممکن است.

70. تشریح و تفسیر یک ماده این نظامنامه اساسی و دیگر نظمات دولت اگر لازم دیده شود به شورای دولت حواله گردیده بعد تصحیح و توضیح شورای دولت و تصویب مجلس عالی وزرا طبع و نشر میشود.

71. در حین تنظیم نظمات، معاملات اهالی و مقتضیات زمان، مخصوصاً احکام شرعیه به نظر دقت گرفته میشود.

72. مسئونیت مکاتیب یکی از حقوق اهالی است و همه مکاتیب و مرا-slats محسولی اهالی که تودیع پوسته میشود تا از طرف یک محکمہ جواز تجسس نشود، در هیچ پوسته خانه و دیگر جا باز کرده نمیشود. همچنان سربسته به مرسل الیه سپرده میشود.

مواد این نظامنامه اساسی که به اتفاق آرای وزرای دولت و تمامی وکلای ملت در مجلس لوی جرگه سمت مشرقی برای اساس دولت علیه افغانستان تصویب یافته و هشتاد و هفتاد و دو نفر اعیان مجلس مذکور در موفقیت آن مهر و امضا کرده‌اند؛ منظور است و ادخال آنرا در جمله نظامات دولت اجرای احکام موادش را امر و اراده میکنیم.

محل امضای اعلیحضرت امان الله خان. "

فهرست مأخذ و منابع برای معلومات بیشتر

كتب لسان انگلیسی

- Adamec, L. W. (1967). Afghanistan, 1900-1923; A Diplomatic History. Berkeley, University of California Press. (تاریخ دیپلماتیک افغانستان بین سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۲۳)
- Adamec, L.W. (1974). Afghanistan's foreign affairs to the mid-twentieth century: relations with the USSR, Germany, and Britain. Tucson: University of Arizona Press. (روابط خارجی افغانستان تا اواسط قرن بیستم: روابط با اتحاد جماهیر شوروی، آلمان، و بریتانیا)
- Adamec, L.W. (1975). Historical and political who's who of Afghanistan. Graz, Akademische Druck- u. Verlagsanstalt. (از نظر تاریخی و سیاسی افغانستان کی کیست؟)
- Adamec, L.W. (1987). A Biographical Dictionary of Contemporary Afghanistan. Graz, Akademische Druck- u. Verlagsanstalt. (قاموس زندگینامه‌های افغانستان کی کیست؟)
- Adamec, L.W. (1996). Dictionary of Afghan Wars, Revolutions, and Insurgencies. Historical dictionaries of war, revolution, and civil unrest; no. 1, Lanham, Md., and Scarecrow Press, London. (دکشنری جنگ‌ها، انقلابات و شورش‌های افغانستان)
- Adamec, L.W. (1997). Historical Dictionary of Afghanistan. Asian historical dictionaries; no. 5, Second Edition, Metuchen, N.J., Scarecrow Press. (قاموس تاریخی افغانستان)
- Adamec, L.W & Clements, Frank. (2003). Conflict in Afghanistan: a historical encyclopedia. ABC-CLIO,

- (جنگ در افغانستان: یک دائرۃ المعارف USA Inc. California, USA تاریخی)
- Afzal, Ali K (2004). The Muslim Revolutionaries and the British. Academic Press and Publishers Library, Dhaka, Bangladesh. (انقلابیون مسلمان و انگلیس)
 - Arghandawi, Abdul Ali (1989). British Imperialism and Afghanistan's Struggle for Independence 1914-21. Munshiram Manoharlal Publishers, New Delhi. (امپریالیزم بریتانی و مبارزہ افغانستان برای استقلال)
 - Awan, Ayub B. (1982). Across the River and Over the Hills. Pan Graphic Ltd., Islamabad, Pakistan. (آنسوی دریا و بر فراز تپه ها)
 - Baha, Lal (1978). N.W.F.P. Administration under British Rule 1901-1919. National Commission on Historic Research, Islamabad, Pakistan. (حکومت ایالت سرحدی شمال غربی تحت حاکمیت بریتانیا)
 - Baker, Anne (1975). Wings over Kabul: The First Aircraft. London, William Kimber. (بالها بر فراز کابل)
 - Barthorp, Michael (2002). Afghan Wars and the North-West Frontier 1839-1947. First Published in Great Britain as The North-West Frontier: British India and Afghanistan : a pictorial history, 1839-1947. London, Cassell & Co. (جنگ های افغان و سرحد شمال غربی ۱۸۳۹-۱۹۴۷)
 - Bayley, Victor (1988). Adventure Through Khyber. First Reprint by Gian Publishing House, Delhi, India (ماجراجوئی از طریق خیبر)
 - Ewans, M. (2002). Afghanistan: a short history of its people and politics. New York, HarperCollins. (افغانستان: تاریخ مختصر مردم و سیاست)

- Ewans, M. (2005). Conflict in Afghanistan: studies in asymmetric warfare. London, New York, Routledge. (جنگ در افغانستان: مطالعه جنگ نامتقارن)
- Fletcher, A. (1965). Afghanistan: highway of conquest. Ithaca, N.Y., Cornell University Press. (افغانستان شاهراه پیروزی)
- Fraser-Tytler, William K. (1967). Afghanistan: a Study of Political Developments in Central and Southern Asia. Third Edition. London, New York [etc.], Oxford University Press. (افغانستان: اکشافات سیاسی آسیای مرکزی و جنوبی)
- Ghani, Abdul (1980). A Review of the Political Situation in Central Asia. Lahore, Aziz Publisher. (نگاهی به اوضاع سیاسی آسیای میانه)
- Government of India. (1926). The third Afghan war, 1919: official account. Calcutta: Central Publications Branch. (جنگ سوم افغان [و انگلیس]، ۱۹۱۹: گزارش رسمی)
- Gregorian, Vartan. (1969). The emergence of modern Afghanistan; politics of reform and modernization, 1880-1946. Stanford, California, Stanford University Press. (ظهور افغانستان مدرن)
- Haroon, Sana (2007). Frontier of Faith: Islam in the Indo-Afghan Borderland. Columbia University Press, New York. (مرز ایمان)
- Hyde, Montgomery H (1978). Solitary in the Ranks: Lawrence of Arabia as airman and private soldier. Atheneum , New York. (گوشنه نشینی در صفوف: لارنس عربی بحیث متخصص نیروهای هوائی و سرباز خصوصی)

- Jewett, A. C. (2004). An American Engineer in Afghanistan. Iraj Bokks, Kabul Afghanistan. (یک انجینیر آمریکائی در افغانستان)
- Kazmi, S. A. Akhtar (1984). Anglo-Afghan Tussle. National Book Foundation, Islamabad. (زورآزمائی های انگلیس ها و افغانها)
- Khalfin, N. A. (1981). British plots against Afghanistan: pages from history. Moscow, Novosti Press Agency Pub. House. (دسايس انگلیس ها بمقابل افغانستان: اوراقی از تاریخ)
- Kohlmann Evan (1999). An Afghan Ghazi: The Modernization and Reforms of Amir Amanullah Khan. (غازی افغان: نوسازی و اصلاحات غازی امان الله خان)
- Loyn, David (2009). In Afghanistan: Two Hundred Years of British, Russian and American Occupation. Palgrave Macmillan, USA. (در افغانستان: اشغال دوصد ساله. انگلیس ها، روس ها و امریکائیان)
- Mac Munn, G. F. (1977). Afghanistan, from Darius to Amanullah. Quetta, Pakistan, Gosha-e-Adab. (افغانستان از داريوش تا امان الله)
- Marwat, Fazal-ul—Rahim & Kakakhel, Sayed Wiqar Ali Shah (1993). Afghanistan and the Frontier. Emjy Books International, Peshawar, Pakistan. (افغانستان و سرحد)
- Mason, William Henry Paget (19800. Tribes of the North-West Frontier. Gian Publications, Delhi, India. (قبایل سرحد شمال مغربی)
- McChesney, Robert D. (1999). ROBERT Kabul under Siege: Fayz Muhammad's Account of the 1929 Uprising. Marcus

- کابل تحت محاصره: گزارش فیض محمد از Weiner, Princeton, N.J. قیام سال ۱۹۲۹
- Molesworth, G. N. (1963). Afghanistan 1919, an account of operations in the Third Afghan War. London, Asia Pub. House. (افغانستان ۱۹۱۹، جریان جنگ سوم. افغان و انگلیس)
 - Nawid, S. K. (1999). Religious response to social change in Afghanistan, 1919-29: King Aman-Allah and the Afghan Ulama. Costa Mesa, Calif., U.S.A., Mazda Publishers. (عکس العمل مذهبی بمقابل تغیرات اجتماعی در افغانستان: شاه امان‌الله علمای دینی افغان).
 - Olesen, Asta (1995). Islam and Politics in Afghanistan. Curzon Press, London. (اسلام و سیاست در افغانستان)
 - Popplewell, Richard (1995). Intelligence and Imperial Defense: British Intelligence and the Defense of the Indian Empire 1904-1924. Frank Cass, London. (استخبارات و دفاع امپراتوری)
 - Poullada, L. B. (1973). Reform and rebellion in Afghanistan, 1919-1929; King Amanullah's failure to modernize a tribal society. Ithaca [N.Y.], Cornell University Press. (اصلاحات و اغتشاشات در افغانستان ۱۹۱۹-۱۹۲۹)
 - Qaiyum, Abdul (1945). Gold and Guns on the Pathan Frontier. Hind Kitabs, Bombay, India (زرو زور در سرحدات پشتون‌ها).
 - Qureshi, Naeem (1999). Pan-Islamism in British Indian Politics: A Study of the Khilafat Movement 1918-1924. Brill Academic Pub.

- Robson, Brian (2004). Crisis on the Frontier: the third Afghan war and the campaign in Waziristan, 1919-1920. Great Britian, Spellmount. (بحران در سرحد)
- Sareen, Anuradha (1981). India and Afghanistan: British Imperialism Vs. Afghan Nationalism 1907-1921. Seema Publications, Delhi, India. (هند و افغانستان: امپریالیزم انگلیس بمقابل نشنلیزم افغان)
- Shah, Iqbal. Ali (1933). The tragedy of Amanullah. London,, Alexander-Ouseley ltd. (تراجی امانت الله)
- Shah, Iqbal. Ali. (2004). Modern Afghanistan. Lahore, Sang-e-Meel Publications. (افغانستان مدرن)
- Spain, James W. (1963). The Pathan borderland. The Hague. (مناطق سرحدی پشتون ها)
- Stewart, Rhea Talley (2000). Fire in Afghanistan, 1914-1929; faith, hope, and the British Empire. Garden City, N.Y., Doubleday. (آتش در افغانستان)
- Thomas, Gordon (2009). Secret wars: one hundred years of British intelligence inside MI5 and MI6. Dunne Books, New York. (جنگ های محارمه: صد سال استخبارات انگلیس در میان بخش داخلی و خارجی)
- Twigge, Stephen and Hampshire Edward (2008). British Intelligence Secrets, Spies and Sources. The National Archive, UK. (اسرار، جواسیس و منابع استخباراتی انگلیس ها)
- Newcastle Foreign Affairs Association (1860). Falsification of Diplomatic Documents: The Afghan Papers. Effingham Wilson, Royal Exchange, London. (تحريف اسناد دیپلماتیک: اوراق افغانستان)

- اخلاص، عبدالخالق (۲۰۰۵م). داستقلال خلورمه جبهه (د حبیب اللہ رفیع سریزه، سمون، لمنی او ننبلونی) دویم چاپ. دانش کتاب خپرنهنجی. پینسون.
- اخلاص، عبدالخالق (۱۳۰۴/۱۹۲۵). استقلال امانیه. لکشمی آرت پریس، راولپندي.
- انسیس، محی الدین (۱۳۷۸). بحران و نجات. چاپ دوم، مرکز نشراتی میوند، سبا کتابخانه، پشاور.
- آدمک، لودویک، دبلیو (۱۳۴۹). تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن تا استقلال. ترجمه پوهاند علی محمد زهما. کابل، مؤسسه نشراتی افغان کتاب، پوهنی مطبعه.
- آدمک، لودویک، دبلیو (۱۳۷۰). روابط خارجی افغانستان در نیمة اول قرن بیست ترجمه پوهاند محمد فاضل صاحبزاده. پشاور، کتاب فروشی فضل.
- المجددی، محمد صادق (۲۰۱۱). خاطرات سیاسی حضرت محمد صادق المجددی بخش اول. فریمونت، کالیفورنیا،
- ارغنداوی، عبدالعلی (۱۹۹۷). ژوندی خاطری: په تیرو نهول سیزو کې د افغانستان تاریخ ۱۹۰۰-۱۹۹۲. پینسون. د بې بې سې د پښتو خانګه.
- بازیلینکو، گریگوریف و خاراتیشویلی-ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۰۳). روسيه و خاور گوشه هایی از تاریخ مناسبات روسيه با ايران و افغانستان. بنگاه انتشارات میوند.
- بویکو، ولادیمیر / ترجمه آریانفر، عزیز (۲۰۱۰). دولت و اپوزیسیون در افغانستان .
- پارسیدس، موسی - ترجمه عزیز آریانفر (۲۰۰۱). تجاوز بی آزرمانه: پیرامون تجاوز شوروی بر ایران و بخارا در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۲۱. مرکز نشراتی میوند، کتابخانه سبا. پشاور، چاپ دوم.
- پامیر، پیکار (۲۰۱۲). ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان. چاپ دوم، بنگاه انتشارات میوند، کابل.
- پامیر، پیکار (۲۰۰۰). افغانستان از شاه شجاع الملک تا ببرک "کارمل". تورنتو، کانادا.

- پوپلزایی، عزیزالدین وکیلی(۱۳۲۸) نگاهی به تاریخ استرداد استقلال. کابل، افغانستان.
- پوپلزایی، عزیزالدین وکیلی(۱۳۷۹) سفرهای غازی امان اللہ شاہ. چاپ دوم، مرکز نشراتی میوند، کتابخانه سبا، پشاور.
- پوهنیار، سید مسعود(۱۹۹۷). ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان، مرکز نشراتی میوند، کتابخانه سبا، پشاور.
- تیخانف، داکتر یوری- ترجمة عزیز آریانفر(۲۰۱۰). نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت‌های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون).
- ئلمی، محمد ولی(۱۳۸۲). د استبداد او مظلقت په مقابل کې د خینو افغانانو ملي مبارزې. د میوند خپرونکې تولنه، کابل. ش
- ئلمی، محمد ولی(۱۹۷۷). مجاهد افغان : مولانا حاجی عبدالرازق. دولتی مطبعه، کابل.
- ئلمی، محمد ولی(۱۹۹۰). زمونب غازیان: د نومیالیو ملي مبارزینو د ژوندانه حلالات. د افغانستان د علومو اکادمی، کابل.
- حبیب، اسدالله(۱۳۲۸). دوره امانی. اکادمی علوم کمھوری افغانستان، کابل.
- حبیبی، عبدالحی(۱۳۷۲). جنبش مشروطیت در افغانستان. چاپ جدید، با نظارت و تصحیح کمیسیون فرهنگی حزب وحدت، قم، ایران
- حبیبی، عبدالحی به اسم مستعار مهاجر افغان(۲۰۰۱م)، نادر و خاندان او. چاپ دوم، پشاور.
- حکم، عبدالشکور(۲۰۰۲). از عیاری تا امارت...امیر حبیب اللہ کلکانی. مرکز نشراتی فضل، پشاور.
- خان، محمد حسین(۱۳۴۶ هـ قمری). افغان بادشاہ اعلیحضرت غازی امان اللہ خان کی عظیم الشان چشم دید داستان فیروز پرنپنگ، لاھور.
- خاطرات ظفر حسن آییک(۲۰۰۳). افغانستان از سلطنت امیر حبیب اللہ خان تا صدارت سردار محمد هاشم خان. ترجمة فضل الرحمن فاضل. چاپ دوم، بنگاه انتشارات میوند- کتابخانه سبا. کابل

- داغانستان د کلتوری ودې تولنه (۲۰۰۵). غازی امان الله خان، د افغانستان د خپلواکی ستوري (د مقالو تولګه). دانش خپرندویه تولنه پیښور.
- رشتیا، سید قاسم (با اسم مستعار سیدال یوسفزی) (۱۳۷۸). نادر چگونه به پادشاهی رسید؟ مرکز نشراتی میوند، سبا کتابخانه.
- رشتیا، سید قاسم (۱۹۹۷). خاطرات سیاسی سید قاسم رشتیا. مطبوعه امریکن سپیدی، ویرجینیا، ایالات متحده امریکا.
- زمانی، عبدالرحمن (۲۰۰۷). جنگ استرداد استقلال افغانستان: جبهه فراموش شده چترال و کنر. مؤسسه نشراتی مسکا. www.zamanifamily.com.
- زمانی، عبدالرحمن (۲۰۱۰). په آزاد سرحد کې خپلواکی غوبنتونکې مبارزې او د مومندو په مشهورو غزاګانو کې د غازی میرزمان خان ونډه. د مسکا خپرندویه مؤسسه، کابل افغانستان. www.zamanifamily.com.
- ستیوارت، ریه تعالی/ترجمه کوهسار کابلی، یار محمد (۱۳۸۰). جرقه های آتش در افغانستان. مرکز انتشارات میوند - سبا کتابخانه، پشاور.
- سید رسول (۱۳۷۸). حقایق ناگفته در باره حبیب الله کلکانی. کتاب فروشی فضل، پشاور.
- سیستانی، محمد اعظم (۲۰۱۰). علامه محمود طرزی، شاه امان الله و روحانیت متنفذ. کتابخانه دانش، پشاور.
- شاه ولی خان، مارشال، یادداشت های من. کابل
- شکیراندو، الکساندر (۱۳۸۵ هجری شمسی). ناگفته هائی در باره کتاب تذکر الانقاب نوشتہ ملا فیض محمد کاتب هزاره. بنگاه انتشارات میوند، کابل.
- شهرانی، عنایت الله (۱۳۸۵/۲۰۰۷). شاه محمد ولی خان دروازی و کیل سلطنت اعلیحضرت امیر امان الله خان غازی. کانون فرهنگی قیزیل چوپان.
- شیون کابلی، سردار محمد رحیم ضیائی/ترجمه غلام سخی غیرت (۲۰۰۱). برگ های از تاریخ معاصر وطن ما. مرکز نشراتی فضل.
- صدیق چرخی، خالد (۱۳۹۰ ش/۲۰۱۲م). برگی چند از نهفته های تاریخ در افغانستان، جلد اول و دوم.

- طین، ظاهر(۱۳۸۳). افغانستان در قرن بیستم ۱۹۰۰-۱۹۹۲. کتابخانه ملی ایران
- عبدالقیوم خان (۲۰۰۸)، زرا او زور د پښتون په پوله. یونیورستی بک ایجنسی، خیبر بازار، پیښور.
- عثمان، محمد اکرم. نهضت مشروطه خواهی مطلع و مبنای دوران جدید در تاریخ افغانستان. محل انترنیتی فردا (www.farda.org)
- غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶). افغانستان در مسیر تاریخ (جلد اول). چاپ سوم، مرکز نشر انقلاب، ایران.
- غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹). افغانستان در مسیر تاریخ (جلد دوم). چاپ دوم، پیشاور، مرکز نشراتی میوند.
- فرخ، سید مهدی (۱۳۷۰). کرسی نشینان کابل: احوال دولتمردان افغانستان در روزگار امیر امان الله خان ایران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- فرهنگ، میر محمد صدیق (۱۳۷۱). افغانستان در پنج قرن اخیر. قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعلیان
- فیضزاده، محمد علم (۱۸۸۹). جرگه های بزرگ ملی افغانستان (لویه جرگه) و جرگه های نهاد تحت تسلط کمونست ها و روس ها.
- کاتب، فیض محمد (۱۳۳۳-۱۳۳۱). کتاب مسطتاب سراج التواریخ. مطبعة حروفی دارالسلطنه، کابل.
- کاتب، فیض محمد (۱۳۹۰) شمسی سراج التواریخ، تتمه جلد سوم و جلد چهارم. انتشارات امیری کابل.
- کاکا خیل، سید بهادر شاه ظفر (۱۹۷۵). پینتانه د تاریخ په رنیا کې. یونیورستی بک ایجنسی، پیښور.
- کارگون، ویکتور گریکوویچ-ترجمه داکتر جلال الدین صدیقی (۱۳۲۵). افغانستان در سالهای بیست و سی قرن بیستم میلادی، مطبعة دولتی کابل.
- کاکر، محمد حسن (۲۰۰۵). د پاچا امان اللہ واکمنی ته یوه نوی کتنه د افغانستان د کلتوری ودی ټولنه. جرمنی/پیښور.

- کاظم، سید عبدالله(۲۰۰۵). زنان افغان زیر فشار عننه و تجدد. کالیفورنیا، امریکا.
- کشککی، برهان الدین(۱۳۱۰). نادر افغان: جلد اول که مشتمل بر اجمالیات اعلیحضرت محمد نادر شاه از ولادت تا بدو سلطنت میباشد. مطبوعه سنگی ریاست عمومی مطابع کابل.
- کوشاں، غلام حضرت (۱۹۹۸). سرگذشت یک ملت مظلوم در مسیر سده بیستم. لاهور، پاکستان.
- لغاری، مولانا عبدالله(۱۹۹۸). مولانا عبید اللہ سندهی کی سرگذشت کابل. دارالکتاب، لاهور، پاکستان.
- مبارز، عبدالحمید (۱۹۹۶). تحلیل واقعات سیاسی افغانستان: ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ میلادی. پیشاور، عبدالحمید مبارز.
- مجددی، شاه آغا صدیق(۱۳۸۱). امیر حبیب اللہ خادم دین رسول اللہ. چاپ چهارم، بنگاه انتشارات میوند، کتابخانه سبا، پشاور.
- مجددی، عبدالحق و فضل الله(۱۹۹۹). از امیر کبیر تاریخ برکیت: واقعات تاریخی ۱۳۵۷-۱۲۱۲ هجری شمسی پشاور، انجمن معارف.
- مجددی، فضل غنی(۱۹۹۷). افغانستان در عهد اعلیحضرت امان اللہ خان کالیفورنیا، ایالات متحده امریکا.
- محمد ولی (۱۳۸۷). توطئه انگلیس در سقوط دولت اعلیحضرت امان اللہ خان. اداره نشراتی ترجمه و تحقیقات القلم، پشاور، پاکستان.
- مهرین، نصیر(۱۳۸۸). درنگی بر زمینه های استبداد شناسی نادر شاه با مکشی بر چگونه گی قربانی شدن عبدالرحمن لودین. بنگاه انتشارات میوند، کابل.
- تنگیال، الف(۱۳۲۲). اسناد تاریخی افغانستان. پیشاور، پاکستان، فرهنگ جهاد.
- نوید، سنzel ترجمه مجددی، نعیم(۱۳۸۸). واکنش های مذهبی و تحولات اجتماعی در افغانستان ۱۹۲۹-۱۹۱۹ شاه امان اللہ و علمای افغان. انتشارات احراری، هرات، افغانستان.

- وزیری، جریل یار محمد خان (۱۳۷۹). د افغانستان د خپلواکی او نجات تاریخ په خاطراتو کې لاهور، ملت پریس.
- ولدارسکی، میخاییل - ترجمة عزیز آریانفر (۲۰۰۱). شوروی ها و همسایه های جنوبی شان. مرکز نشر اتی میوند، پشاور.
- هاشمی، سید سعد الدین (۲۰۰۴). نخستین کتاب درباره جنبش مشروطیت خواهی در افغانستان (در ربع اول قرن بیستم)، جلد دوم.
- هندی، عزیز (۱۹۳۴). زوال غازی امان الله خان یا انقلاب افغانستان. پهلا ایڈیشن، هندوستان.

اسناد محرومۀ استخبارات انگلیس و آرشیف هند بریتانی ای انگلستان

اطلاعات استخباراتی راجع به شاه امان الله خان :

(Intelligence on King Amanullah Khan)

- (1) Movements of ex-King Amanullah and party abroad (subsequent to pilgrimage to Mecca) (2) Pro-Amanullah agents [British Library Collections, India Office Records] IOR/R/12/95
- Collection 3/115 Movements of ex-King Amanullah, IOR/L/PS/12/1656.
- Collection 3/90(1) (S) Relatives and adherents of ex-King Amanullah, IOR/L/PS/12/1656 25 Mar 1933-4 Jul 1945
- Activities of ex-King Amanullah of Afghanistan, family and supporters, IOR/L/PJ/12/121.
- P 6492/1928 Move to elect King Amanullah of Afghanistan as Khalifa.

- Collection 3/24 Ex-King Amanullah; pilgrimage to Mecca; possible attempt to regain throne of Afghanistan, IOR/L/PS/12/1575.
- Activities of ex-King Amanullah of Afghanistan, family and supporters, IOR/L/PJ/12/122.
- Collection 3/115 Movements of ex-King Amanullah, IOR/L/PS/12/1696.
- File 69/I Ex-King Amanullah (1) Visit to Turkey, etc (2) Disposal of his Kabul estates (3) Pilgrimage to Mecca, IOR/R/12/1.
- File 334-R (1) Relations with Afghan officials and tribes after King Amanullah's abdication (2) Warning to Ghilzais of British support for King Nadir Shah, OR/R/12/22.
- Collection 3/90(2) Relatives and adherents of ex-King Amanullah (movements and activities of Ghulam Sadiq after the occupation of Germany), IOR/L/PS/12/1657.

دوسیه های اسناد استخباراتی راجع به افغانستان و سرحداتش:

(British Intelligence Files on Afghanistan and its Frontiers, c. 1888-1946)

اسناد این دوسیه ها بشكل مایکرو فلم در ۱۹۳۳ دوسیه و ۳۷۲۰۰ صفحه بوده در ۹ بخش تحت عنوانین ذیل تنظیم شده اند. این اسناد بعد از سال ۱۹۸۲ به بریتیش لایبرری منتقال یافته و برای استفاده عام مجاز دانسته شده و از سال ۱۹۹۸ بدین سو میتوان از آن استفاده نمود:

1. دکشنری های جغرافیوی و کتاب های رهنما
2. امور داخلی و خارجی، ۱۹۴۱-۱۹۷
3. کی کیست، ۱۹۴۰-۱۹۱۴
4. راپورهای نظامی ۱۹۰۷-۱۹۴۰

5. کتب راجع به مسیر راه ها، ۱۹۴۱-۱۹۰۷
6. سرحدات: عمومی و بخش های شمالی، ۱۹۴۲-۱۹۱۰
7. سرحدات: بخش مرکزی، ۱۹۴۱-۱۹۰۸
8. سرحدات: بخش وزیرستان، ۱۹۴۰-۱۹۰۷
9. سرحدات: بخش بلوچستان، ۱۹۴۲-۱۹۱۰

دوسیه های استخبارات انگلیس در رابطه با سرحدات شمال غربی [هند بریتانی] [British Intelligence on the North West Frontier, 1901-1949]

این اسناد در ۳۴۳ مایکروفلم تحت عنوانی مختلف تنظیم شده اند:

1. Memoranda of information on North-West Frontier affairs, 1901-1911.
2. Intelligence diaries, 1911-1930.
3. Annual reports and arrangements for intelligence gathering, 1922-1942.
4. Weekly intelligence diaries and summaries, 1931-1947.
5. Waziristan disturbances, 1937-1949.

دوسیه های استخبارات سیاسی هند:

(Indian Political Intelligence (IPI) Files)

این اسناد در ۲۲۴ مایکروفلم، ۷۷۷ دوسیه در ۵۷۸۱۱ صفحه ترتیب شده اند که سال های ۱۹۰۳ تا ۱۹۵۰ را دربر میگیرد)

رایپور ها، مقالات و نشرات انگلیسی

- Adamec, Ludwig.W. (1994) Mission of an Afghan Prince to London: Nasrullah Khan's visit to Britain as reflected in the press. New York, Afghanistan Forum.

- Ansari, K. H. Pan-Islam and the Making of the Early Indian Muslim Socialists. *Modern Asian Studies*, Vol. 20, No. 3, (1986), pp. 509-537.
- Hughes, Thomas. The German Mission to Afghanistan, 1915-1916. *German Studies Review*, Vol. 25, No. 3, (Oct., 2002), pp. 447-476.
- Hyman, Anthony. Nationalism in Afghanistan. *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 34, No. 2, Special Issue: Nationalism and the Colonial Legacy in the Middle East and Central Asia, (May, 2002), pp. 299-315.
- Johnson, Robert. “Russians at the Gates of India”? Planning the Defense of India, 1885–1900. *The Journal of Military History*, Volume 67, Number 3, July 2003, pp. 697-743.
- Library of Congress. Federal Research Division., *Country profile, Afghanistan*, Library of Congress: [Washington, D.C.].
- Wilfrid Malleson (January 24, 1922). The British military mission to Turkistan, 1918–20. *Royal Central Asian Journal*, Volume 1922 Number 2
- Minault Gail. Urdu Political Poetry during the Khilafat Movement. *Modern Asian Studies*, Vol. 8, No. 4, (1974). Pp. 459-471, Cambridge University Press.
- Paul Hinson. (1996). 1919 – The Third Afghan War: An Introduction. MWAN. On the internet at www.magweb.com (sited July 11, 2007).
- Qureshi, M. Naeem. The “Ulema” of British India and the Hijrat of 1920. *Modern Asian Studies*, Vol. 13, No.1 (1979. British University Press.

- Robert Strausz-Hupe. The Anglo-Afghan War of 1919. *Military Affairs*, Vol. 7, No. 2. (Summer, 1943), pp. 89-96.
- Shahrani, M. N. M., R. L. Canfield, et al. (1984). *Revolutions & rebellions in Afghanistan: anthropological perspectives*. [Berkeley], Institute of International Studies, University of California, Berkeley.
- Tripodi, Christian (2008). Peacemaking through Tribes or Cultural Empathy? The Political Officer and Britain's Strategy towards the North-West Frontier, 1901–1945. *The Journal of Strategic Studies* Vol. 31, No. 1, 123 – 151, February 2008.
- Yapp. M. E. The Revolutions of 1841-2 in Afghanistan. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, Vol. 27, No. 2, (1964), pp. 333-381.

نشرات دولتی افغانستان

- مرامنامه و صورت تدویر مجلس جمیعت العلمای افغانستان ۲۵ قوس ۱۳۰۸، مطبوعه عمومی سرکاری کابل.
- رویداد لویه جرگه دارالسلطنه، ۱۳۰۳، مطبوعه سنگی وزارت حربیه، کابل.
- مجموعه از نظامنامه های دولت افغانستان (عهد امانی).
- به ملت عزیزم، بیانیه غازی امان الله خان بمناسبت ختم سفر چند ماهه اروپا.
- تردید شایعات شاه مخلوع(عین فیصله نمره ۵ لویه جرگه ۱۳۰۹) اول حمل ۱۳۱۰.
- رویداد محکمه خاینین.
- عیناً نطق اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی به تقریب افتتاح اولین مجلس عالی شورای ملی، ۱۴ سرطان ۱۳۱۰.

- مرامنامه فرقه استقلال و تجدد، ۳۰ سپتامبر ۱۳۰۷، چاپ مطبوعه شرکت توفیق کابل

مقالات و نشرات پشتو و دری

- ګلکسیون جريده ملي انیس
- د امان افغان جريده، پنځم کال، ۹ او ۱۰ ګنه، ۱۳ او ۱۴ مخونه، "داو طلبان سرکوبی باғیها"، د ۱۳۰۳ کال د وږي ۱۴ مه نیته.
- د امان افغان جريده، پنځم کال، ۲۲ مه ګنه، ۴ مخ، "ورود دلاوران سمت مشرقی از محاربه سمت جنوبی" د ۱۳۰۳ کال د سلواغې ۷ مه نیته.
- د حقیقت جريده، لومړی توک، لسمه ګنه، د ۱۳۰۳ لمريز کال د وږي د میاشتې ۱۱ مه نیته.
- سیستانی، اعظم. نقش رو حائیت متنفذ در ضدیت با تجدد ګرایی رژیم امانی. افغان جرمن آنلاین، www.afghan-german.com، ۱۳ دسمبر ۲۰۰۸
- د کلید او نیزه، لومړی کال، لومړی هفتہ، د ۱۳۸۱ لمريز کال د وږي میاشت، د افغانستان د استقلال د ګټلو د دری اتیاوم کال په مناسبت، د ۲۳ مې ګني ۱۶ مخ.

فهرست اشخاص

-
- | | |
|---|--|
| <p>امیر عبد الرحمن خان · 71 , 62 , 36 , 26</p> <p>, 319 , 285 , 246 , 171 , 136 , 125 , 73</p> <p>, 480 , 472 , 412 , 411 , 351 , 348</p> <p>546 , 526 , 484</p> <p>ایم ای حکیم · 444 , 437 , 435 , 434 , 425</p> <p>448 , 447 , 446 , 445</p> <p>ایم ای حکیم · 188</p> | <p>/</p> <p>ابولکلام آزاد · 208</p> <p>احمد شاه خان · 552 , 475 , 412 , 398 , 34</p> |
|---|--|
-
- | | |
|--|--|
| <p>ب</p> <p>بیرک خان · 304 , 103 , 96</p> <p>برکت الله · 218 , 217 , 215 , 209 , 140</p> <p>598 , 593 , 254 , 253 , 232</p> <p>بسیل گولد · 350</p> <p>بی بی حلیمه · 351 , 26</p> | <p>/</p> <p>آخندزاده صاحب موسهی · 577 , 92</p> <p>آدمک · 161 , 142 , 132 , 74 , 52 , 49</p> <p>619 , 508 , 481 , 329 , 328</p> |
|--|--|
-
- | | |
|--|--|
| <p>پ</p> <p>پاتنجر · 177</p> <p>پنین بیگ خان · 91</p> <p>پولادا · 320 , 312 , 287 , 265 , 264 , 155</p> <p>425 , 381 , 357 , 347 , 346</p> <p>پیکار پامیر · 296 , 283 , 221 , 43 , 34</p> <p>409</p> | <p>ارباب محمد رضا پشاوری · 222</p> <p>استاد خلیل الله خلیلی · 31</p> <p>اسکندر مقدونی · 75</p> |
|--|--|
-
- | | |
|---|--|
| <p>ت</p> <p>تاج محمد خان بلوچ · 474</p> <p>تورن محمد یوسف خان · 89 , 88</p> <p>تیخانف · 238 , 237 , 233 , 199 , 155</p> <p>, 326 , 273 , 272 , 256 , 254 , 253</p> <p>, 506 , 478 , 477 , 331 , 330 , 327</p> <p>, 563 , 554 , 553 , 552 , 528 , 510</p> <p>620 , 598 , 564</p> | <p>/</p> <p>آصف خان · 412 , 28</p> <p>آغا خان · 124 , 123</p> <p>آقابکوف · 263 , 215</p> |
|---|--|
-
- | | |
|---|--|
| <p>ک</p> <p>الکسندر برنیس · 171</p> <p>امیر حبیب الله خان · 26 , 25 , 24 , 19 , 18</p> <p>, 36 , 35 , 34 , 33 , 32 , 31 , 29 , 28 , 27</p> <p>, 62 , 59 , 53 , 50 , 49 , 47 , 46 , 45 , 37</p> <p>, 166 , 164 , 160 , 124 , 91 , 73 , 70 , 64</p> <p>, 351 , 232 , 231 , 210 , 209 , 183</p> <p>, 531 , 462 , 413 , 412 , 410 , 403</p> <p>621 , 591 , 577 , 576 , 545</p> <p>امیر دوست محمد خان · 173 , 171 , 72</p> <p>234 , 179 , 178</p> <p>امیر شیرعلی خان · 73 , 26</p> | <p>/</p> <p>آخندزاده صاحب موسهی · 577 , 92</p> <p>آدمک · 161 , 142 , 132 , 74 , 52 , 49</p> <p>619 , 508 , 481 , 329 , 328</p> |
|---|--|

-
- حضرت محمد صادق مجددی · 41, 310
494, 347, 345, 334
حکیم اجمل خان · 213, 211
حوزیه هارلن · 179, 410
حیات الله خان · 36, 46, 423
-

خ

- خالد صدیق چرخی · 477
خان محمد خان · 109, 113, 114
خوشدل خان لوى ناب · 90, 91
-

د

- داکتر عبدالغنى · 32, 33, 145, 222
داکتر عبدالغنى · 32
داکتر نور محمد سندھی · 222
داود خان · 558
دنیس بری · 141, 142
دوست محمد خان ناظم · 38
-

ر

- راجا مہندر را پرتاپ · 209, 232, 233
روز کیپل · 34, 81, 85, 86
ریه تعالیٰ ستیوارت · 39, 231, 300, 489
-

ز

- زرشاد شینواری · 80, 83
زمانی، عبد الرحمن · 25, 26, 61, 73
208, 139
-

س

- سامبورن-پالمر · 105, 110, 113, 115
سردار ایوب خان · 26, 337, 338, 340
سردار خان · 114, 227, 461
-

ج

- جان محمد جونیجو · 211, 222
جمال پاشا · 217
جنزال آرتربریت · 72
جنزال چارلس مونرو · 72, 139
جنزال دایر · 101, 102, 103, 139
جنزال فولر · 87
جنزال کلیمو · 86
جنزال مالیسین · 141, 266, 267, 269
جنزال محمد عمر خان · 87
جنزال هارڈی · 89
جنزال وپش · 72
-

چ

- چلسفورد · 59, 84, 143, 157, 166
601, 196, 202, 356, 592
-

ح

- حاجی عبدالرازق خان · 47, 26, 203
حافظ سیف الله خان · 36, 42, 45, 50, 59
348, 160, 132, 173, 64
حاکم سنگھ · 73

حیب اللہ رفیع · 22, 619

- حیب اللہ کلکانی · 299, 308, 308, 367, 368
369, 370, 374, 378, 379, 383, 390, 391, 392, 429, 424, 426, 428
430, 433, 436, 439, 451, 453
456, 459, 461, 464, 465, 468
473, 476, 503, 516, 532, 536, 621
484, 487, 493, 496, 503, 516, 532, 536, 539
540, 543, 546, 549, 552, 555, 558, 561, 564, 567, 570, 573, 576, 579, 582, 585, 588, 591, 594, 597, 599, 602, 605, 608, 611, 614, 617, 620, 623, 626, 629, 632, 635, 638, 641, 644, 647, 650, 653, 656, 659, 662, 665, 668, 671, 674, 677, 680, 683, 686, 689, 692, 695, 698, 701, 704, 707, 710, 713, 716, 719, 722, 725, 728, 731, 734, 737, 740, 743, 746, 749, 752, 755, 758, 761, 764, 767, 770, 773, 776, 779, 782, 785, 788, 791, 794, 797, 790, 793, 796, 799, 802, 805, 808, 811, 814, 817, 820, 823, 826, 829, 832, 835, 838, 841, 844, 847, 850, 853, 856, 859, 862, 865, 868, 871, 874, 877, 880

حضرت موهانی · 211, 223

شجاع الدوله · 337, 39, 38, 32, 31
 , 493, 476, 453, 420, 395, 385
 599, 568, 560, 545, 535
 شجاع الملک مهتر چترال · 120
 شهرانی، عنایت اللہ · 622, 359
 107
 شہزادہ ناصر الملک ·
 شیخ محبوب علی · 166, 165, 13, 12
 , 447, 445, 396, 378, 377, 372
 461, 456
 شیر علیخان زمانی · 136

ص

صالح محمد خان · 81, 80, 75, 74, 65
 589, 585, 128, 93, 91, 86

ظ

ظرف حسن آییک · 100, 99, 94, 71, 70
 , 234, 225, 222, 201, 127, 102
 621, 508

ع

عبدالحق حبیبی · 558, 462, 456
 عبدالخالق · 129, 122, 120, 116, 114
 , 482, 475, 474, 305, 144, 137
 619, 577, 552, 551, 525, 524
 عبدالخالق اخلاص · 305, 144, 129
 عبدالرحمن خان فرقہ مشر · 453
 عبدالرحمن خان لودین · 33
 عبدالرحمن زمانی · 590, 16, 11, 1, 2
 638, 637
 عبدالرحیم خان · 475, 468, 453, 46
 عبدالطیف خان · 472, 99, 92
 عبدالعزیز خان وزیر حریبیه · 361, 338

سردار محمد عثمان خان · 301
 سردار نصرالله خان · 40, 36, 35, 27, 26
 , 211, 175, 81, 52, 51, 50, 47, 46
 577, 490, 489, 462, 351
 سنزل نوید · 363, 344, 216, 214
 423
 سنداکی ملا · 118
 سوریتس · 271, 270, 269, 253, 232
 564, 274, 272
 سید جمال الدین افغانی · 209
 سید حسن گیلانی · 124, 36, نقیب
 صاحب دیده شود
 سید عبدالغفار · 129

ش

شاه شجاع · 181, 179, 174, 171, 170
 620, 429, 277, 276
 شاه صاحب قلعہ قاضی · 41
 شاه محمود خان · 94, 91, 34, 28, 17
 , 408, 407, 362, 341, 204, 189
 , 440, 438, 437, 436, 429, 412
 , 483, 471, 469, 466, 463, 442
 , 514, 512, 507, 505, 503, 502
 534, 532, 530, 527, 526, 524
 شاه ولی خان · 96, 95, 94, 91, 34, 28
 , 425, 424, 412, 389, 358, 303
 , 447, 442, 438, 437, 436, 435
 , 500, 471, 470, 469, 466, 463
 , 537, 536, 531, 526, 510, 507
 622, 550, 538
 شاه ولی خان · 18, 17, 17

-
- ,472 ,471 ,451 ,423 ,419 ,378
 ,530 ,508 ,504 ,490 ,489 ,475
 ,568 ,559 ,557 ,539 ,536 ,535
 622 ,577 ,576 ,569
 غلام جیلانی خان چرخی · 474
 غلام حیدر خان رئیس پوسته · 86
 غلام خان · 552 ,516 ,341 ,115
 غلام رسول خان · 564 ,64 ,49
 غلام صدیق خان چرخی · 343 ,307 ,197
 ,421 ,402 ,396 ,392 ,391 ,368
 ,535 ,534 ,526 ,509 ,508 ,503
 ,553 ,551 ,550 ,544 ,543 ,542
 600 ,599 ,564 ,561 ,560
 غلام نبی خان چرخی · 472 ,453 ,303
 ,526 ,525 ,502 ,501 ,493 ,476
 ,543 ,538 ,537 ,536 ,535 ,532
 600 ,561 ,544
-
- ف**
- فاطمه سلطانه · 279 ,278 ,277 ,276
 فضل غنی مجددی · 301 ,135 ,34 ,26
 494 ,377 ,367 ,346 ,345 ,310
 فضل محمد مجددی · شمس المشایخ
-
- ق**
- قاضی عبدالرحمن خان · 92
-
- ک**
- کرنیل خورشید خان · 109 ,106
-
- گ**
- گاندھی · 222 ,218 ,212 ,141 ,139
 238 ,223
 گریگوریان · 259 ,248 ,160
-
- عبدالغفار خان · 475 ,139
 عبد القدوس خان · 90 ,88 ,74 ,65 ,26
 471 ,354 ,351 ,216 ,150 ,148 ,142
 عبد القیوم خان · 475 ,146 ,139 ,96 ,91
 622
 عبدالله خان مایار · 453
 عبدالواحد شینواری · 190 ,186 ,184
 عزیز آریانفر · 330 ,265 ,258 ,245 ,155
 624 ,620 ,486 ,359
 عزیز هندی · 235 ,234 ,222 ,220 ,219
 239 ,238 ,236
 علی احمد خان · 146 ,145 ,144 ,86 ,36
 ,154 ,152 ,150 ,149 ,148 ,147
 ,350 ,197 ,166 ,165 ,156 ,155
 ,405 ,404 ,403 ,396 ,381 ,380
 ,434 ,433 ,431 ,430 ,428 ,420
 599 ,525 ,461 ,456 ,435
 علی‌حضرت · 562 ,31
- عنایت الله خان · 59 ,51 ,48 ,40 ,36 ,26
 ,388 ,387 ,386 ,385 ,360 ,166
 ,400 ,396 ,395 ,394 ,393 ,389
 539 ,502 ,490 ,461 ,459 ,450 ,436
-

- غ**
- غازی محصل خان مومند · 114
 غازی میرزمان خان · میرزمان خان کنری
 را بینید
 غبار · 40 ,39 ,38 ,36 ,33 ,28 ,27 ,24
 ,93 ,90 ,87 ,75 ,74 ,73 ,69 ,66 ,49
 ,136 ,135 ,133 ,132 ,103 ,95 ,94
 ,183 ,182 ,180 ,177 ,146 ,145
 ,301 ,300 ,244 ,228 ,199 ,197
 ,323 ,310 ,309 ,307 ,304 ,302
 ,377 ,370 ,355 ,354 ,335 ,334

<p>,550 ,549 ,546 ,545 ,543 ,507 622 ,599 محی الدین انسیس .18 ,475 مرزا محمد مهدی خان .474 مستوفی الممالک محمد حسین خان .31 مصطفی کمال پاشا .596 مکوناچی .39 ملا عبدالله .299 ,301 ,303 ,306 ,423 ملکه ثریا .46 ,305 ,306 ,308 ,541 ,539 ,461 ,392 ,371 ,363 566 ,561 منشی علی احمد خان .165 ,166 مهرت عبدالرحمن خان .120 ,508 ,233 مولانا عبیدالله سندھی .212 ,182 مولانا محمودالحسن .208 ,127 مولوی بشیر .157 ,156 ,234 ,171 ,181 ,179 مولوی عبدالروف خان قندهاری .25 مولوی عبدالواسع قندهاری .318 مونتیگو .105 ,104 ,47 ,3 ,238 ,200 ,181 ,144 ,136 ,107 582 ,576 ,476 ,305 ,304 میرصاحب جان پاچای اسلام پور .36 ,47 نادر خان .1 ,2 ,9 ,10 ,8 ,2 ,91 ,74 ,70 ,65 ,49 ,47 ,39 ,34 ,102 ,100 ,99 ,98 ,96 ,95 ,94 ,93</p>	<p>لارد سیدنهم .157 لاردولسلی .169 لنین .63 ,251 ,250 ,248 ,232 ,140 267 ,258 ,256 ,255 ,254 ,252</p> <hr/> <p>م محصل خان .114 ,227 محمد اقبال شیدائی .222 محمد اکبر خان "مهاجر .222 محمد اکلیل خان .87 محمد امین خان کوڈاخیل .114 محمد حسین خان پنجابی .18 محمد داؤد خان .512 محمد غوث خان .452 ,303 محمد نادر خان .26 ,31 ,28 ,96 ,174 ,283 ,313 ,353 ,361 ,401 ,407 ,412 ,413 ,414 ,418 ,419 ,425 ,429 ,432 ,435 ,440 ,441 586 ,523 ,503 ,465 ,446 ,444 ,442 محمد هاشم خان .128 ,351 ,353 ,470 507 ,524 ,530 ,531 محمد هاشم زمانی .136 محمد ولی خان .64 ,251 ,252 ,253 258 ,267 ,274 ,276 ,277 278 ,329 ,342 ,360 ,418 ,470 476 ,496 ,510 ,542 ,543 ,599 476 ,496 ,510 ,542 ,543 ,599 50 ,62 ,63 ,64 ,87 ,142 ,146 ,147 154 ,197 ,203 ,211 ,215 218 ,251 ,303 ,326 ,348 ,349 351 ,356 ,398 ,417 ,418 ,441</p>
---	--

,466 ,439 ,437 ,436 ,435 ,425	,136 ,135 ,134 ,129 ,128 ,103
,483 ,482 ,474 ,471 ,470 ,469	,200 ,189 ,186 ,154 ,145 ,137
,509 ,507 ,506 ,504 ,503 ,491	,356 ,355 ,351 ,342 ,338 ,201
,526 ,524 ,523 ,521 ,512 ,510	,401 ,380 ,375 ,362 ,361 ,360
,555 ,552 ,550 ,534 ,530 ,527	,418 ,417 ,416 ,415 ,414 ,408
621 ,600 ,599 ,567 ,556	,430 ,429 ,428 ,427 ,426 ,425
,363 ,350 ,343 ,326 ,312	,442 ,439 ,438 ,436 ,433 ,431
,381 ,378 ,377 ,376 ,365 ,364	,448 ,447 ,446 ,445 ,444 ,443
,396 ,394 ,393 ,392 ,391 ,390	,468 ,467 ,466 ,465 ,463 ,462
,424 ,417 ,414 ,408 ,404 ,402	,478 ,477 ,473 ,472 ,470 ,469
,435 ,434 ,432 ,431 ,430 ,426	,510 ,505 ,503 ,502 ,481 ,480
601 ,464 ,448 ,445 ,444 ,439 ,438	,523 ,522 ,521 ,518 ,516 ,512
156 ,148 ,142	,555 ,537 ,531 ,526 ,525 ,524
هنری دابس ·	585 ,559 ,556
,323 ,274 ,271 ,197 ,155	نجم الدین آخندزاده · 200
	نصیر مهرین · 28
545	نقیب صاحب · 406
و	
وجنرال عبد الوکیل خان نورستانی · 104	,335 ,303 ,301 ,92 ,41
ومولوی محمد سرور " واصف · 25	,348 ,345 ,344 ,339 ,338 ,336
ي	
یار محمد خان وزیری · ۱۹۰۰ · 204	,446 ,432 ,408 ,367 ,354 ,349
یحیی خان · 25	,494 ,471 ,468 ,465 ,456 ,451
یوسف خان · 28	523 ,508
ه	
هاشم خان · 352 ,351 ,349 ,70 ,31 ,28	
	,424 ,420 ,418 ,417 ,413 ,389

زندگینامه مختصر داکتر عبدالرحمن زمانی



عبدالرحمن زمانی فرزند الحاج محمد ارسلان زمانی در ماه حمل سال ۱۳۳۳ خورشیدی مطابق با اپریل ۱۹۵۴ میلادی در کابل دیده بدنیا کشود. مکتب ابتدائیه را در هرات خواند، جاییکه تمام خانواده اش بعد از سپری نمودن ۱۳ سال زندان در تبعید بسر میبرد. او تعلیمات متوسطه و ثانوی را بعد از تصویب قانون اساسی جدید سال ۱۹۷۴ و آزادی زندانیان سیاسی در کابل و کنر، و بعد از آن پوهنه‌خی طب را در پوهنتون کابل به پایان رساند و در آخر سال ۱۹۷۹ میلادی، فقط چند هفته قبل از تجاوز روسیه بر خاک افغانستان مجبور به ترک کشور و هجرت به پاکستان شد.

داکتر عبدالرحمن زمانی تحصیلات عالی را در رشته های صحت طفل و مهاجرین، امراض مناطق حاره، اداره پروگرام های صحی و صحت عامه در کشور های اطریش، انگلستان، هالند و ایالات متحده امریکا کسب نموده است.

داکتر عبدالرحمن زمانی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۱ برای مدت ۱۱ سال در پاکستان نخست با کمشنری عالی امور مهاجرین ملل متحد و بعد از آن با کمیته اطربیش برای مهاجرین افغان بحیث داکتر، سوپر وایزر و کواردینیت پروگرام های صحی و در پایان مسئول آن مؤسسه در خدمت آوارگان افغان بود. او بعد از آن برای یک سال بحیث مشاور پروگرام های صحی اداره انکشاфт و تعاون اطربیش در ویانا کار کرد. برای شش ماه در سومالیا و سه سال در بنگلہ دیش مسئولیت پروگرام های صحی مؤسسات بین المللی را بعده داشت و برای مدت ۱۳ سال هم در پوهنه‌خی عالی صحت عامه ساندیاگو و پوهنتون کالیفورنیا در سان فرانسیسکو ایالات متحده امریکا ایفای وظیفه نموده است.

داکتر زمانی علاوه بر عضویت انجمن های متعدد مسلکی و بورد های رهبری مؤسسات خیریه و اجتماعی در کنفرانس های متعدد ملی و بین المللی شرکت نموده و تا حال بیش از ۷۷ کتاب و رساله را به زبانهای پشتون، دری و انگلیسی بنشر رسانده است.

آثار چاپ شده داکتر عبدالرحمن زمانی

1. په آزاد سرحد کې خپلواکۍ غوبنتونکي مبارزي او د مومندو په مشهورو غزاګانو کې د غازى ميرزمان خان وندې. مؤسسه نشراتي مسکا، سال ۱۲۰۱. کابل.
2. جنگ استرداد استقلال افغانستان: جبهه فراموش شده چترال و کنر، حقایق نهفته و حرف‌های ناگفته جبهه چهارم. مؤسسه نشراتي مسکا. پشاور.
3. اوسمى روغتیائی ستونزې د اسلامي فقهې په رنځای کې. اداره فقه اسلامي، کالیفورنيا. سال ۲۰۰۸.
4. دزماني ياد. دانش خپرنديه ټولنه، پینبور. ۲۰۰۵ کال Serving children from Biracial/Bi-Ethnic Families: A Supplementary Curriculum for the Training of Child Care Providers, 2000.
5. Health and Safety in the Child Care Setting Prevention of Infectious Disease – A Curriculum for Training of Child Care Providers, Second Edition 2001.
6. Health and Safety in the Child Care Setting Prevention of Injuries – A Curriculum for Training of Child Care Providers, 2001.
7. Modules for Training of Trainers in Primary Health Care in Bangladesh, 1994.
8. Modules for Training of Field Workers in Primary Health Care in Bangladesh, 1994.
9. Prevention is Better than Cure, Curriculum for Health Education in Schools, 1987.
10. وقايه له معالجي نه بنه ده: د بسوونخيو د پاره د روغتیائي تعليماتو درسي نصاب. ۱۹۸۷.
11. هله چه داکتر نشته (ترجمه پشتو)، پشاور سال ۱۹۸۷.
12. رهنماي لبراتوارهای ای آرسی.
13. Guidelines for ARC Laboratories,
14. د ماشوم بنه پالنه (ترجمه پشتو) (of a booklet for health education, 1984 Better Child Care, Pashtu translation)
15. د خيتيې چينجي د ماشومانو د بنمن (ترجمه پشتو) Intestinal Parasites, Pashtu translation of a booklet for health education, Second (Edition 1982).

Operations Procedures, Manual for ARC Medical Officers, 1986. .16

17. مونږ خه و خورو (ترجمه پشتو) (What should we eat? Pashto)

.(translation of a booklet for health education, 1982

Review of King Amanullah's Reign and British Conspiracies

(بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس)

By
Dr. Abdul Rahman Zamani